

اسناد لانه جاسوسی آمریکا

کتاب اول

موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی

بسم الله الرحمن الرحیم

اسناد لانه جاسوسی آمریکا

نویسنده:

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

ناشر چاپی:

موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

اسناد لانه جاسوسی آمریکا جلد ۱

مشخصات کتاب

سرشناسه : ایالات متحده. سفارت (ایران).

عنوان و نام پدیدآور : اسناد لانه جاسوسی آمریکا / دانشجویان مسلمان پیرو خط امام.

وضعیت ویراست : [ویراست ۳؟].

مشخصات نشر : تهران : موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی ، ۱۳۸۶-

مشخصات ظاهری : ج.+ یک لوح فشرده.

شابک : دوره : ۹۷۸۹۶۴۵۶۴۵۷۵۳ ؛ ۷۰۰۰۰ریال : ج.۱ : ۹۷۸۹۶۴۵۶۴۵۷۴۶ ؛ ۷۰۰۰۰ریال : ج.۲ : ۹۷۸۹۶۴۵۶۴۵۷۶۴ ؛ ۷۰۰۰۰ریال : ج.۳ ۹۷۸-۹۶۴-۵۶۴۵-۷۹-۱: ؛ ۷۰۰۰۰ریال : ج.۴ : ۹۷۸۹۶۴۵۶۴۵۸۰۷ ؛ ۷۰۰۰۰ریال : ج. ۵ : ۹۷۸۹۶۴۵۶۴۵۸۱۴ ؛ ۷۰۰۰۰ریال : ج. ۹ : ۹۷۸-۹۶۴-۵۶۴۵-۸۸-۳ ؛ ۷۰۰۰۰ریال : ج.۱۰ : ۹۷۸-۹۶۴-۵۶۴۵-۸۹-۰ ؛ ۷۰۰۰۰ریال : ج. ۱۱ : ۹۷۸-۹۶۴-۵۶۴۵-۹۶-۸

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : ص.ع. به انگلیسی: Documents from the U.S. espionage den.

یادداشت : چاپ قبلی: جهان کتاب، ۱۳.

یادداشت : ج. ۳ (چاپ اول: ۱۳۸۵) (فیپا).

یادداشت : ج. ۴ و ۵ (چاپ اول: ۱۳۸۶) (فیپا).

یادداشت : ج. ۹ و ۱۰ (چاپ اول: ۱۳۸۶) (فیپا).

یادداشت : ج. ۱۱ (چاپ اول: ۱۳۸۸) (فیپا).

یادداشت : نمایه.

مندرجات : ج. ۹. اسناد لانه جاسوسی (روزشمار انقلاب).- ج. ۱۰. اسناد لانه جاسوسی (روزشمار انقلاب).- ج. ۱۱. خلیج فارس

عنوان دیگر : مجموعه اسناد لانه جاسوسی آمریکا.

موضوع : سفارتخانه ها و کنسولگری های آمریکا-- ایران

موضوع : ایران -- روابط خارجی -- ایالات متحده -- اسناد و مدارک

موضوع : ایالات متحده -- روابط خارجی -- ایران -- اسناد و مدارک

موضوع : ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۲۰ - ۱۳۵۷ -- اسناد و مدارک

شناسه افزوده : دانشجو یان مسلمان پیرو خط امام

شناسه افزوده : موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی

رده بندی کنگره : ۱۵۰۲/۳DSRالف۹ الف۸۶ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی : ۳۲۷/۵۵۰۷۳

شماره کتابشناسی ملی : م۸۵-۴۷۸۴۰

ص: ۱

سخن ناشر

↔

ص: ۱

حرکتی که دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ با تسخیر لانه جاسوسی امریکا در تهران آغاز کردند، بی تردید در تاریخ مبارزات ملتهای تحت سلطه نقطه عطف به شمار می رود. دانشجویان با داشتن تحلیل دقیق از روند حوادثی که داشت انقلاب اسلامی را به انحراف می کشاند و با انجام این حرکت، دست به اقدامی زدند که از نگاه امام خمینی (ره) انقلابی بزرگتر از انقلاب اول بود. برای درک این تعبیر لازم است ابعاد پیچیده این حرکت از جنبه های مختلف سیاسی، امنیتی، حقوقی، اقتصادی و فرهنگی مورد توجه قرار گیرد. حرکت دانشجویان تداوم حرکتی بود که از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ آغاز شده و در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به پیروزی رسیده بود؛ اما انقلاب اسلامی نمی توانست بدون خشکاندن

ریشه های استعمار به حیات خود ادامه دهد و مردم ایران باید مبارزه خود را برای جلوگیری از تکرار تجربه تاریخی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در داخل کشور ادامه می دادند.

دانشجویان می دانستند به دلیل مغایرت این حرکت با کنوانسیون وین، اقدام آنها، نزد دولتها و مجامع بین المللی پذیرفته نیست، اما قصد داشتند تنها با تصرف ۴۸ ساعته یا حداکثر ۷۲ ساعته سفارت امریکا اعتراض خود را به پذیرفتن شاه توسط امریکا و اقداماتی نظیر آنچه در قبال دولت مصدق رخ داد، به جهان نشان دهند.

هنگامی که اسناد موجود در سفارت به دست آمد و گزارش های مستندِ دخالت امریکا در امور داخلی ایران و طراحی توطئه های مختلف قبل و بعد از پیروزی انقلاب آشکار شد؛ همچنین به دلیل حمایت امام خمینی از این اقدام، افشاگری درباره سیاستها و روش های امریکا در برخورد با تحولات ایران و سایر کشورها آغاز گردید. امام (ره) رهبری حرکت دانشجویان را شخصا برعهده گرفت و مبارزه علیه ریشه های نفوذ امریکا در ایران به اوج رسید.

امام خمینی از این حرکت دانشجویان که می توانست به تهدیدی علیه منافع ملی ایران تبدیل شود، فرصتی ایجاد کرد که در مدیریت بحرانها کم نظیر است.

هوشیاری امام در رهبری حرکت دانشجویان، از یکسو به خلع سلاح تبلیغاتی جریان های چپ در کشور که انقلاب را به سازش در برابر امریکا متهم می کردند، انجامید و از سوی دیگر انزوای جریانهای

لیبرالیستی را که تصور می کردند باید با امریکا از در سازش درآمد و حرکت انقلاب را در چارچوب مبارزه علیه استبداد ستم شاهی محدود کرد، در پی داشت. علاوه بر این، امام خمینی با استفاده از شرایط تاریخی، و با استفاده از شور انقلابیِ ناشی از تصرف لانه جاسوسی، به اهدافی که برای تثبیت انقلاب اسلامی لازم بود تحقق بخشید، برگزاری همه پرسی قانون اساسی، ۱۲ آذر ۱۳۵۸؛ برگزاری اولین انتخابات ریاست جمهوری ایران، ۵ بهمن ۱۳۵۸ و تشکیل اولین مجلس شورای اسلامی در ۷ خرداد ۱۳۵۹، سه واقعه مهم در ۴۴۴ روز گروگان گیری در کشور بود.

نظر امام خمینی درباره مبارزه همزمان علیه استبداد سلطنتی و سلطه استعماری، پس از تصرف لانه جاسوسی به اثبات رسید. با افشای اسناد لانه جاسوسی، در عمل مشخص شد که اگر مبارزه تنها با سقوط نظام استبدادی پایان یافته تلقی شود، باز هم امکان توطئه دشمنان و تکرار حوادث تلخ گذشته فراهم خواهد بود و آنچه این نظریه را تکامل می بخشد، تحقیق عمیق در اسناد لانه جاسوسی امریکاست.

علاوه بر این، حرکت دانشجویان و رهبری صحیح امام(ره)، اُبهت ظاهری و هیمنه خودساخته امریکایی ها را در جهان فرو ریخت. نه امریکایی ها و نه مردم جهان، هرگز تصور نمی کردند که بتوان ۵۲ گروگان امریکایی را به مدت ۴۴۴ روز نگه داشت و امریکا نیز نتواند هیچ کاری انجام دهد. تسخیر لانه جاسوسی امریکا در تهران، به همه ستم کشیدگان جرأت داد تا برای رهایی خود از سلطه امریکا دست به کار شوند. امریکایی ها متوجه شدند که از این پس اعمال و رفتارشان بی پاسخ نخواهد ماند و با واکنش ملت ها روبرو خواهند شد؛ واکنشی که الزاما در چارچوب مقررات بین المللی نیست. چرا که رفتارهای سلطه جویان حتی در چارچوب همان قوانین خود ساخته شان نیز نیست.

نکته دیگر این که دانشجویان الگویی از رفتار مناسب با گروگان ها را نشان دادند؛ اگر دولت امریکا

رفتارهای نابهنجاری نداشت، گروگان ها این مدت طولانی در اسارت نبودند. الگوی رفتاری دانشجویان مرز بیان اعتراض با شیوه های انسانی و اسلامی، با حرکات غیرانسانی بود.

از بزرگترین دستاوردهای این حرکت، افشای اسنادی است که در این رویداد به دست آمد. با آن که در بیش از دودهه ای که از تصرف لانه جاسوسی امریکا گذشته، این اسناد می توانست به موضوع پژوهش های دانشگاهی در پایان نامه های کارشناسی ارشد و دکترای رشته های تاریخ، علوم سیاسی و روابط بین الملل قرار گیرد، اما متأسفانه نه در ایران و نه در سایر کشورهای جهان، آن طور که شایسته است کار درخور توجه ای در این زمینه انجام نشده است. البته با توجه به نفوذ ایالات متحده در اکثر مراکز دانشگاهی جهان و اعلام ممنوعیت ورود کتابهای منتشره لانه جاسوسی به امریکا، این بی توجهی عمدی در غرب دور از انتظار نیست، اما غفلت از این موضوع در داخل کشور توجیه پذیر نیست. اسناد منتشرشده، دهها موضوع کوچک و بزرگ را در شیوه های اعمال سلطه و نحوه مداخله در امور ایران و سایر کشورها توسط امریکا را نشان می دهد. این اسناد می گوید که بین جناح های امنیتی (سازمان سیا)، نظامی (پنتاگون) و سیاسی (وزارت امور خارجه) اختلاف نظرها و تحلیل های متفاوتی وجود

داشته است. خاطرات منتشرشده دست اندرکاران امریکایی نشان می دهد که آنچه در مورد غربی ها و به ویژه امریکایی ها درباره برنامه ریزی های دقیق و بلندمدت تبلیغ می شود، عمدتا اغراق آمیز و به دور از واقعیت است. اسناد و خاطرات نشان می دهد که در امریکا اختلاف نظرات عمیقی وجود دارد و گاهی این اختلاف ها به حذف طرف مقابل به هر وسیله و شیوه ای می انجامد. به علاوه، این تفکر که ابرقدرتها برای دهها سال آینده برنامه ریزی کرده و دیگران تنها مجری سیاستهای از پیش تعیین شده آنها هستند با تردید جدی روبرو می شود. اسناد نشان می دهد که ابرقدرتها چقدر در برابر اقدام های غافلگیرانه ضعیف هستند. این مسأله، به ویژه در بررسی مدیریت بحران توسط دستگاه حاکمیت وقت امریکا بسیار قابل توجه است. به عنوان نمونه اختلاف نظر سایروس ونس وزیر خارجه و سولیوان سفیر سابق امریکا در تهران از یکسو با برژینسکی مشاور امنیت ملی کارتر و ماندیل معاون رئیس جمهور از سوی دیگر، تا آنجا پیش می رود که کارتر به اجبار هایزر را برای اخذ تصمیم دقیق درباره نحوه مواجهه با انقلاب اسلامی به تهرانِ پیش از انقلاب اسلامی اعزام می کند. در نمونه دیگر، مخالفت سایروس ونس با تجاوز نظامی امریکا به طبس تا آنجا پیش می رود که وی استعفا داده و ادموند ماسکی جای او را می گیرد.

نکته : اکنون تلاش واحد اسناد مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی بر آن است تا مجموعه اسناد لانه جاسوسی را که قبلاً توسط دانشجویان پیرو خط امام در ۷۴ جلد منتشر شده و یک جلد منتشر نشده که حاوی زندگینامه تعدادی از رجال سیاسی است را در ۸ جلد به بازار نشر عرضه کند.

در مجموعه جدید، برای کاهش حجم صفحات و سهولت استفاده محققین، متن اسناد حروفچینی شده و تصاویر اسناد هر جلد در یک قطعه CD با قابلیت جستجو در متن به همراه کتاب ارائه می شود.

در هر جلد از مجموعه، علاوه بر فهرست مطالب در ابتدا، فهرست اعلام نیز در پایان کتاب آمده

است.

شایان ذکر است که برای حفظ اصالت متن اولیه که اینک یک سند تاریخی شمرده می شود، متن پیشین عینا در حروفچینی چاپ جدید نیز آمده و ضمن رعایت امانت داری، هیچگونه دخل و تصرفی در محتوا و متن اسناد انجام نشده است.

مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی امیدوار است این اثر مورد مداقه بیشتر پژوهشگران و محققین تاریخ معاصر ایران و علوم سیاسی قرار گیرد. همچنین امید داریم در آینده نزدیک، بخش دیگری از اسناد لانه جاسوسی را که تاکنون منتشر نشده، به بازار کتاب ارایه دهد.

مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی

کتاب اول تا ششم

افشاگری و تحلیلهای امریکا در مورد انقلاب اسلامی

اشاره

ص: ۱

بسم اللّه الرحمن الرحیم

کتاب حاضر که تحت عنوان اسناد لانه جاسوسی آمریکا در اختیار خوانندگان گرامی قرار می گیرد، حاوی افشاگریهایی است که دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، تدریجا و به صورت شش جزوه منتشر ساختند.

لازم به تذکر است که هر یک از جزوات ششگانه مزبور، دارای یک مقدمه به عنوان اطلاعیه می باشد که هریک در جای خود چاپ شده است.

در خاتمه تشکرات خالصانه خود را از برادران، دانشجویان مسلمان پیرو خط امام که موافقت نمودند این اسناد از جانب دفتر انتشارات جامعه مدرسین به صورت یک جلد منتشر شود، اعلام نموده؛ ضمنا

مجلدات بعدی این اسناد نیز در آینده نزدیکی در اختیار ملت شریف و مبارز ایران قرار خواهد گرفت.انشاءاللّه

دفتر انتشارات اسلامی

وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

اطلاعیه افشاگری شماره ۱

مردم مسلمان ایران:

از آنجایی که اشغال سفارت آمریکا به اعتبار حرکت ضد امپریالیستی امام و مردم بوده است، ما دانشجویان مستقر در سفارت لازم می دانیم محتوای اسناد به دست آمده را مشخصا ارائه نماییم و لازم به تذکر است که تمامی اسناد مهم در سفارت متمرکز و طبقه بندی شده بود و در حین اشغال سفارت کارکنان مزدور در سفارت توانستند طبق برنامه از قبل تعیین شده با استفاده از دستگاههای برش و خرد کننده کاغذ، پرونده ها و حافظه ها و نوارهای کامپیوتری را از بین ببرند که بقایای غیرقابل استفاده آنها به صورت خرده کاغذ و کاغذ رشته رشته شده موجود است. تنها مقداری پرونده و اسناد موجود است که داری مشخصات زیر است:

۱ بعضی از اسناد مهم باقی مانده کاملاً سرّی بوده و با حروف رمز نوشته شده است.

۲ اسناد راجع به موضوعات پیچیده ای است که نمی توان بدون صرف چندین روز وقت اطلاعاتی کسب نمود.

۳ بسیاری از اسناد دنباله دار و سیستماتیک است و احتیاج به زمانی طولانی جهت کشف ارتباط بین آنها

دارد.

۴ بسیاری از اسناد احتیاج به تخصص های نظامی و اطلاعاتی دارد که از قدرت ما خارج است. لذا با توجه به نکات فوق کلاً برداشت کردن از اسناد و اطلاعات به دست آمده بعد از کوشش های فراوان توانسته است به نتیجه مطلوب برسد. اما نتیجه کوشش های ما اطلاعاتی است که عمدتا خطوطی کلی و در بعضی از موارد خطوط مشخص سیاست، سیاسی نظامی اطلاعاتی جاسوس خانه آمریکا در ایران را روشن می نماید.

طبق اسناد به دست آمده در این سفارتخانه اطلاعات دقیقی راجع به شخصیت های مختلف انقلاب و سازمان های سیاسی نظامی جمع آوری شده و به شکل پرونده های مفصلی نگهداری می شود.

اسناد به دست آمده حاکی از سیستمی است که اطلاعات لازم را از ارتش جمهوری اسلامی و نحوه عملکرد آن، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و وضعیت وزارتخانه ها جمع آوری کرده و در اختیار مقامات آمریکایی قرار داده اند.

انواع و اقسام تحلیل ها از اوضاع ایران، جریانات کردستان، خوزستان و چگونگی حضور و عملکرد آنها در جریانات کردستان و خوزستان به دست آمده است که همگی بیانگر یک حرکت کامل اطلاعاتی در تمامی جریانات اخیر است.

منجمله حضور یک هیئت پنج نفری نظامی که با پاسپورت دیپلماتیک تمامی مسایل نظامی ایران را زیر نظر و تحلیل خود داشته اند و تقاضای یکی از قسمتهای سفارت از قسمتی دیگر مبنی برداشتن افرادی در دایره های سیاسی اقتصادی و ایستگاه های پلیس جهت خبرگیری و کسب اطلاعات قابل توجه است همچنین مشخص گردیده است که پرسنل آمریکایی سفارت همگی در خدمت این واحد اطلاعاتی و جاسوسی بوده و در اسناد به نام دایره کلید نامیده می شده اند و از دولت آمریکا تقاضای تفنگدار دریایی

جهت حفاظت سفارت نموده اند. همچنین از مرکز الکترونیک و کامپیوتری سفارت که در داخل یک گاوصندوق چند اتاقه قرار دارد می توانسته اند مستقیما با دستگاههای بسیار قوی تلفن و تلکس و تلگراف با آمریکا تماس بگیرند و اطلاعات را در اسرع وقت رد و بدل کنند. در صورتی که می دانیم سفارتخانه ها فقط جنبه دیپلماتیک داشته و حفاظت آن بر دولت میزبان است و حق دخالت در امور داخلی کشور را به هیچ وجه ندارد چه رسد به جاسوسی، طرح توطئه ها و استقرار یک سیستم اطلاعاتی در مملکت جهت خدمت به منافع کثیف امپریالیسم خونخوار آمریکا در ایران. کسب اطلاعات در یک سیستم سازمان یافته در خدمت سیا و دولت مستکبر آمریکاست و براساس آن طرح توطئه و به تبع، زمینه ایجاد کردن جهت نفوذ در ارگان های انقلابی و اجرایی و به انحراف کشیدن انقلابی که حاصل خون یکصد هزار شهید به خاک و خون غلتیده خلق مسلمان ایران است.

ما با تمام محدودیتهایی که در کشف اسناد ناقصِ به دست آمده داریم و با توجه به اینکه اسناد اصلی توسط مزدوران از بین رفته است کوشش فراوان داریم که جهت اطلاع دقیق و هر چه بیشتر مردم مسلمان با اطلاعیه های افشاگرانه بعدی خود به طور مشخص محتویات اسناد به دست آمده را ارائه نماییم.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

اطلاعیه افشاگری شماره ۲

مردم ایران می دانند که اقامت شاه در آمریکا برای این کشور اهمیت فوق العاده ای دارد و بیماری او بهانه ای بیش نیست؛ زیرا سرمایه داری غرب و خصوصا آمریکا، از یک سو با سرمایه شاه و وابستگانش (دستمایه رنجبران ایران) جان تازه ای می گیرد و از دیگر سو با حمایت از او بقیه دست نشاندگان و مزدورانش را در سراسر جهان مطمئن به حامیِ باوفا می کند.

بدین قرار پس از فرار شاه معلوم بود که آمریکا سرانجام او را خواهد پذیرفت و مسلم بود که در این راه به کلیه حیله ها و دسیسه ها متوسل خواهد شد تا زمینه را برای پذیرش فردی که در هر عرف و قانونی، دزد و جانی و خائن و آدمکش شناخته شده است آماده کند تا دو دشمن قسم خورده اسلام و مسلمین مانند قبل از انقلاب، بعد از آن هم در کنار یکدیگر به مبارزه و توطئه علیه مردم قهرمان ما ادامه دهند. اما اراده خلق کبیر ایران که در بازوان پرتوان فرزندان رزمنده و در اندیشه بلند رهبر بزرگش، امام خمینی، تبلور یافته بود نقشه پلید «شیاطین» را چونان همیشه نقش بر آب کرد.

مطابق اسناد مکشوفه از این جاسوسخانه در اوایل مرداد ماه امسال مکاتبات مهمی پیرامون پذیرفتن شاه از جانب آمریکا انجام شده است و دولت آمریکا مترصد یافتن بهترین موقعیت جهت تحقق این امر بوده است که در این باره عین سند به دست آمده ارائه می گردد.

محرمانه. فقط چشمهادوم اوت ۱۹۷۹ (مطابق ۱۱ مرداد ۱۳۵۸)

محترما

ال. بروس لین جن

مسئول امور

سفارت آمریکا تهران

بروس عزیز:

بالاخره موفق شدم تلگرام ارسالی شما را راجع به همان موضوعی که ضمیمه است، ببینم.

اندیشه هایتان را بسیار پسندیدم و با آنها موافقم البته با کمی اختلاف در جزئیات افکارمان مطابقت دارد.

کاغذ من در مورد درخواست نیوسام و با دستورالعمل اکیدی که هیچ کس جز افراد مورد اعتماد و پیتر حق باز کردن ندارند، آماده شده بود. پس خواهش می کنم کاملاً مراقب من باش.ارادتمند

هنری پرشت

راهنما

دفتر امور ایران

محرمانه. فقط چشمها

محرمانه . حساس

نقشه برای آمدن شاه به آمریکا (ایالات متحده)

این ورقه شامل بعضی نکات مهم است که در طراحی برنامه ما در مورد تمایل شاه به آمدن به ایالات متحده باید در نظر گرفته شود.

ما معتقدیم که سه سؤال جامع مطرح است:

چه اوضاع و احوال جدیدی می تواند تغییر سیاست دولت ایالات متحده را بجا معرفی کند.

چه شرایطی قبل از ورود شاه به اینجا از او خواسته شود.

چه ترتیباتی برای تأمین حفاظت پرسنل سفارتخانه داده شود.

۱ اوضاع و احوال جدید

دولت موقت ایران برنامه ای برای تعیین یک قانون اساسی جدید و انتخابات دولت بعدی ترتیب داده است. اگر این برنامه به طور معمولی دنبال شود که احتمال آن نمی رود انتخابات مجلس خبرگان روز سوم اوت (مطابق با ۱۲ مرداد) انجام می شود. این مجلس کارش را ظرف یک ماه خاتمه خواهد داد.

پیش نویس قانون اساسی، که خبرگان بررسی خواهند نمود، در شهریور به رفراندم عمومی گذاشته می شود و انتخابات رئیس جمهوری و مجلس تا اکتبر صورت می گیرد. به علت تقدمی که دولت فعلی برای به قدرت رساندن یک دولت مقتدر و قانونی است، ما معتقدیم که دولت موقت ایران و خمینی هر کوششی را جهت پیشرفت طرحهای فوق، مطابق برنامه خواهند نمود. حتی با تمام تأخیرات غیرقابل اجتناب، این برنامه تا پایان سال ۷۹ عملی خواهد شد.

وقتی که این کار انجام شد، ما به دولت جدید اطلاع خواهیم داد که مایلیم مواردی را که قبلاً نتیجه گیری شده، مورد بررسی دوباره قرار داده و تصفیه حساب کنیم. یکی از این موارد موقعیت شاه است. ما می توانیم به دولت اطلاع دهیم که در مقابل فشارهای شدید در مورد آمدن شاه به آمریکا مقاومت کرده ایم، چون نمی خواسته ایم مسایل بغرنج تازه ای برای دولت موقت ایران پیش بیاید یا تلاشهای ما در جهت ایجاد روابط نوینی دچار اشکال شود. حالا که دولت جدید و با ثباتی تشکیل شده و مورد تأیید قرار گرفته،

مقتضی است اجازه ورود شاه به آمریکا داده شود. دولت ایران این را نخواهد پسندید ولی بهتر است که

راجع به مسئله چندان سر و صدایی نشود. این بحث با دولت جدید ایران پس از ۳ ۲ هفته که از تشکیل آن گذشت، یعنی چند روز قبل از ورود شاه به آمریکا انجام خواهد شد. در این میان ما باید شروع کنیم تا آمادگی لازم را به ایرانیها بدهیم که در مورد ورود شاه، ما تحت فشارهای شدید بوده ایم. فشارهایی که به رغم سیاست درهای بازمان تحمل کرده ایم. اگر کار قانون اساسی انجام نشود و تشنج در ایران افزایش یابد، و اگر هیچ دورنمایی که به سر و سامان گرفتن اوضاع بینجامد. به وجود نیاید، ممکن است جدالهایی برای پذیرفتن شاه که به هر حال گام غیرقابل اجتنابی در برابر ماست، به وجود آید. اما باید ابتدا میزان خطرات و موقعیت کاملاً مورد بررسی قرار گیرد.

در صورت تحقق هر یک از این حالات، ما باید سیاست خود را در مورد شاه قبل از ژانویه به جهت مثبتی تغییر دهیم. اگر این نقشه اجرا شود، احتمالاً عاقلانه به نظر نمی رسد که موضوع در یک دایره بسته (شاخه عملیات) منتشر شود. شاید به بعضی اشخاص متنفذ بیرون این دایره لازم باشد اطلاع داده شود به نحوی که فشار حاصله از این تغییر کاهش یابد. همچنین در این مورد بحثی با اعضای کنگره خواهیم داشت تا نشان دهیم که ما سعی کرده ایم و امیدوار بوده ایم که مسئله را بطور موفقیت آمیز حل کنیم. این اقدامی است که فشارها را در جهت برای مثال اعلام قطعنامه ای از جانب کنگره به دولت برای دادن اجازه ورود به شاه کاهش می دهد. به هر حال این عمل احتمال افشای مذاکراتی را که با دولت موقت ایران

خواهیم داشت، قبل از اینکه آماده باشیم، افزایش می دهد.

۲ شرایط

اساسا در توضیح موقعیت ما به ایرانیها، اگر شاه بخواهد از تاج و تخت شاهی خانواده اش صرف نظر کند کمک بسیار مؤثری خواهد بود. معتقدیم که احتمال انجام این امر بشدت کم است ولی این ایده را از طریق واسطه های قابل اطمینان می شود با او مطرح کرد و اگر شاه قبول نکرد دیگر هیچ بهانه ای برای متهم کردن دولت آمریکا در دست نخواهد داشت. اگر شاه از کناره گیری امتناع کند دیگر هیچ شکی برای انکار ایرانیان در رابطه با موضع خودمان باقی نخواهیم گذاشت باید این مسئله را برای اذهان عمومی کاملاً روشن کنیم که هر گونه ادعای خانواده وی نسبت به سلطنت بی اعتبار خواهد بود و بعد بطور خصوصی این مطلب را با شاه و دوستانش روشن خواهیم کرد که ما هیچ اقدام ضد انقلابی را که ناقض قوانین دولت آمریکا یا سیاست مرسوم در رابطه با فعالیتهای سیاسی و اشخاصی که ویزای موقت دریافت می کنند باشد، تحمل نمی کنیم.

۳ امنیتی

حدس می زنیم که پرسنل سفارت آمریکا نسبت به بهار امسال کمتر مورد تهدید قرار دارند. از قرار معلوم احتمال چنین تهدیداتی با نزدیک شدن به آخر سال کاهش می یابد. معهذا خطر گروگان گیری باقی می ماند. نباید هیچ حرکتی در جهت قبول شاه تا زمانی که نتوانسته ایم یک نیروی محافظ مؤثر و اساسی برای سفارت تهیه کنیم انجام دهیم. ثانیا وقتی اجازه ورود شاه صادر شود باید گارد امنیتی آمریکایی اضافی برای سفارت در نظر بگیریم تا پرسنل طراز اول (KEY)(اسم رمز) را از هر نوع خطر تا برطرف شدن دوره مخاطره آمیز حفظ نماییم. قبل از هر گونه اقدام لازم است جزئیات بیشتری در مورد مناسبات قانونی و امنیتی کنگره در دست داشته باشیم.

این اسناد و ترجمه آن را در فوق آوردیم تا قضاوت را در کم و کیف توطئه «شیاطین» به عهده شما بگذاریم. لازم به تذکر است که کلیه تأکیدها (خط کشی) در اصل سند و به وسیله مسئولِ «دفتر امور ایران» در وزارت امور خارجه آمریکا (واشنگتن) صورت گرفته است.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

اطلاعیه افشاگری شماره ۳

بسم اللّه الرحمن الرحیم

سالهاست که امپریالیسم جهانخوار آمریکا، این دشمن قسم خورده خلقهای مستضعف، شریانهای اقتصادی و حیاتی قسمت بزرگی از جهان و منجمله ایران را زیر سلطه همه جانبه خود قرار داده است.

مدتهاست منابع اولیه سرزمین زرخیز ایران که یکی از مناطق حساس اقتصادی جهان است، توسط آمریکای جنایتکار به تاراج رفته، کشاورزیش تخریب گشته و صنعت مونتاژ و بازار کالاهای ساخته شده غربی به او تحمیل شده است.

سالهاست که برنامه ریزان آمریکایی برای اقتصادمان برنامه ریخته اند و نکته آنکه در هر طرح اقتصادی دو هدف زیر اجبارا همیشه اصل و اساس بوده است:

۱ متلاشی کردن هرچه بیشتر اقتصاد بومی ایران و وابسته تر کردن روز افزون هر واحد اقتصادی به غرب به ویژه آمریکا یعنی رشد سرمایه داری وابسته.

۲ کوشش جهت اجرای برنامه های اقتصادی طراحی شده در غرب که ماحصل آن بر باد رفتن منابع اولیه، ایجاد اقتصاد مصرفی و انحصاری شدن بازار فروش به وسیله کالاهای ساخته شده غربی است که منجر به پشتیبانی از سرمایه داری وابسته می گردد اما رشد انقلاب اسلامی ایران و قیام آگاهانه و هدفمند خلق رزمنده مان آخرین «دژ» امپریالیسم را در هم شکست و نه تنها توطئه ها را نقش بر آب کرد بلکه اسنادشان را در معرض دید همگان قرار داد تا برای خلقهای در بند، رهنمون آزادی گردد.

این اسناد به دست آمده از جاسوسخانه آمریکا در تهران دلالت بر برنامه های اقتصادی آمریکاییان سفارت نشین برای اقتصاد فلج و وابسته ما چقدر حساب شده و خطرناک بوده است.

امید آنکه ارائه آنها نشانگر آن باشد که تنها راه خروج از مدار وابستگی همه جانبه و کسب استقلال در پرتو مبارزات پر شور ضد امپریالیستی خلقها حاصل تواند شد.

«طرح بازرگانی کشاورزی» زیر که FY ۸۰ CAP FOR IRAN نامگذاری شده است، طرحی است که سیاستهای امپریالیستی آمریکا را برای سلطه همه جانبه بر اقتصاد ایران در سال ۱۹۸۰ دقیقا ترسیم می کند. لازم به یادآوری است که از قرار معلوم این پروژه برای دیگر کشورها هم در نظر گرفته شده است. ما در اینجا فقط مقدمه آن را ترجمه کرده و رئوس مطالب را نیز می آوریم. متن انگلیسی طرح در اختیار جراید قرار می گیرد تا با ترجمه کامل و شرح و تفسیر هر بخش آن قسمتی از دسیسه های شیطان بزرگ فاش گردد.

تاریخ: ۱۳/۳/۱۳۵۸ (June, ۱, ۱۹۷۹)

از : EB/OCA- LYNNE Lambert

به : NEA/RA -Rusty Graham

NEA/RA -Robert Day

NEA/IRN - Mark Johnson

NEA/IRN - Joseph Harray

BED/CAGNE - Micky SMITH

BED/CAGNE - DON RYAN

BED/OEPE - Charles Gendreau

FY ۸۰ CAPFOR IRAN: موضوع

ابتدا در مورد پروژه گفته که:

۱ شرایط سیاسی ممکن است اجازه ندهد تمام پیشنهاداتی را که گفته است بتوان پیاده و عمل کرد.

۲ هدف CAP تهیه کردن خطوط راهنما برای تیمی است که در آینده وارد ایران می شود.

۳ در محل (تهران) می شود تغییراتی در پروژه داد؛ چون در واشنگتن که ما این طرح را ریخته ایم ممکن است اطلاعات ما محدود بوده باشد و تغییراتی پدید آید.

(commerical Action program (CAP

قسمت اول: تحلیل و دوره ای از اوضاع

ایران همیشه یکی از بزرگترین بازارهای مصرفی برای محصولات آمریکایی بوده است. در سال ۱۹۷۸ واردات غیر نظامی ایران از آمریکا رقم ۶/۳ میلیارد دلار را تشکیل می داده. مشکلات سیاسی ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹ باعث سقوط منحنی واردات ایران و در نتیجه صادرات آمریکا می شود.

بحران سیاسی ایران باعث اعتصابات گسترده کارگری، آسیب و زیانهای قابل ملاحظه به کارخانجات و املاک و فلج سرویس و خدمات زنده و متحرک کشور گردیده است. صادرات نفت که اصلی ترین منبع معاملات خارجی ایران می باشد در اکتبر ۱۹۷۸ سقوط کرد و در دسامبر همان سال کاملاً متوقف گردید و تا مارس ۱۹۷۹ از سر گرفته نشد. در این مدت ایران در حدود ۷ میلیارد دلار در آمد از دست داد.

منظره سال ۱۹۷۹ دیدگاه جالبی به دست نمی دهد. بیکاری و افزایش قیمتها به حد بحرانی رسیده است. برنامه ریزهای کشور احتیاج به اعتماد به نفس پیدا کردن دارند و دوباره منظم کردن اولویتها و پایه ریزی چارچوب رشد آینده اقتصادی که البته در شرایط سیاسی کنونی رسیدن به این اهداف مشکل به نظر می رسد.

با بررسی آینده، پس از این بحران امیدواری بیشتری پیش می آید. نفت کشور باعث درآمد قابل توجهی می باشد. در سطح کنونی قیمتهای نفت، ایران احتمالاً در حدود ۱۸ الی ۲۰ میلیارد دلار در سال مالی آینده درآمد خواهد داشت. علاوه بر آن ذخیره های ارزی، حدود ۱۰ میلیارد دلار دیگر را تأمین می کند. مهمترین عمل بازرگانی برای آمریکا در ایران کمک به مؤسسات آمریکایی برای دوباره سازی یک بازار قوی برای محصولات خود می باشد و دنبال کردن موقعیتهایی که انتظار می رود به خاطر پروژه Fy ۸۰پیش آید. هدف این سند اجرای یک برنامه و نقشه مدیریت و اولویتها است که باعث یک بازگشت به وضعیت معمولی و نرمال سیاسی و اقتصادی بشود. در این برنامه رهنمودهایی به بازرگانهای آمریکایی که از ایران بازدید می کنند می دهد و گزارشهای آگاه کننده ای راجع به پروژه های بزرگ در اختیار آنها گذاشته می شود. این قسمتها توسط دولت (ایران) به عنوان مسایل با اولویتهای بالا شناخته شده است.برنامه فقط حول تصمیمات وزارت بازرگانی نمی گردد بلکه مشتق از تماسها و اطلاعات و اخبار گوناگون می باشد. همچنان که شرایط تغییر می کنند بازنگرش و تصمیم دوباره راجع به اهداف و اولویتها و اعمال ممکن است لازم باشد. این سند آغازگر یک چارچوب برای مذاکره راجع به طرح بازرگانی مذکور بین وزارت کشاورزی و بازرگانی و پست در آمریکا در فاصله های چهار ماهه می باشد. گزارش این مذاکرات یک زمینه مناسب برای کار کارمندان دولت آمریکا در رابطه با زیاد کردن صادرات آمریکا به ایران و برای در

دست گرفتن کنترل بازار محصولات در حوادث آینده می باشد.

در پروژه راجع به مسایل زیر صحبت و برنامه ریزی زمان بندی شده و دقیق شده است.

۱ کشاورزی و بازرگانی کشاورزی (با اولویت سوم)

۲ سیستم های خانه سازی و صنایع وابسته (با اولویت چهارم)

و رهنمودهایی در رابطه با طرز رخنه در مسایل زیر داده است:

۱ سرویس های بازرگانی (اولویت اول)

۲ پروژه های بزرگ (اولویت دوم)

۳ محافظت و آماده کردن تسهیلات برای سرمایه گذاری (اولویت پنجم)

۴ لیست بازرگانان معامله کننده با خارج (اولویت ششم)

۵ گزارش موقعیت های معامله (اولویت هفتم)

۶ برنامه ریزی برای ارتقای پیش بینی حوادث تجارتی (اولویت هشتم).

ضمنا قابل توجه است این طرح، که در زمینه های اقتصادی مختلفی می باشد، هر سال برای ایران برنامه ریزی از قبل می شده است. به ترتیبی که برنامه Fy ۸۱ CAP از هم اکنون در دست تهیه است ولی کامل نشده است و پروژه های FY ۷۸ CAP و FY ۷۹ CAPبه دلیل انقلاب ایران کاملاً اعمال نشد (اینجاست که به اهمیت انقلاب اسلامی ایران به رهبری ابرمرد تاریخ، امام امت، خمینی کبیر، پی می بریم که با اعتلا و رشد هر روزه اش چگونه سلطه گران چپاولگر را به خاک ذلت نشانده است. باشد که افشای این اسناد صدای توفنده امام را در گذر پر تلاطم تاریخ ما یاری تواند بود، تا انقلاب اسلامی مان خلقهای در بند جهان را رهنمون زنجیر بریدن گردد).

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

اطلاعیه افشاگری شماره ۴

ص: ۹

مورخ : ۱۸/۸/۵۸

بسم اللّه الرحمن الرحیم

همان طوری که در اطلاعیه شماره ۲ متذکر شدیم، رفتن شاه به آمریکا از مدتها پیش طرح ریزی شده بود. مؤید این سخن نامه ای است که سایروس ونس، وزیر امور خارجه آمریکا، به سفارت آمریکا در ایران نوشته است. ما این نامه را همراه با ترجمه و نسخه اصلی آن در معرض قضاوت ملت قهرمان و بیدارمان گذاشته، تا بار دیگر ماهیت ضدخدایی و ضدخلقی امپریالیسم آمریکا در مورد حمایت از شاه خائن روشنتر گردد.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

ترجمه نامه مذکور :

از : ایالت واشنگتن (پایتخت)۲۶ جولای ۱۹۷۹

به : سفارت آمریکا در تهران، فوری

موضوع : درخواستهای شاه جهت اقامت در آمریکا (ایالات متحده)

ما در جستجوی این هستیم که به پرسشهای مکرر شاه و درخواست وی برای اقامت در آمریکا جوابگو باشیم. این موضوع از کانالهای مختلف جهت اقامت وی و شهبانو و بقیه فامیلش در آمریکا دنبال می شود (او می تواند حداقل تا اکتبر در مکزیک اقامت داشته باشد).

من عقیده شخصی شما را در رابطه با این جا به جایی و اثر آن در مورد سلامت و ایمنی آمریکاییهای ساکن ایران (مخصوصا کارمندان آمریکایی سفارت) و روابط فیمابین ما و دولت ایران احتیاج دارم اگر مسایل زیر عنوان شود آیا در پاسخ شما تغییری حاصل می شود یا نه :

۱ اگر شاه از ادعای خود بر تاج و تخت صرف نظر کند.

۲ شاه اعلام کند که هیچ گونه فعالیت سیاسی به هیچ عنوان نداشته باشد.

ما به این امر واقفیم که راه حداقل کردن مخالفتهای با این امر و یا خطرات احتمالی برای آمریکاییان و یا کدر شدن روابط دو کشور در دست بازرگان و دولت اوست.

چون این سؤال به طرز حادی در واشنگتن مطرح می باشد، متشکر خواهم شد اگر این مسئله را با هیچ کدام از کارمندان خود در میان نگذارید.

باتشکر فراوان

سایروس ونس

اطلاعیه افشاگری شماره ۵

بسم اللّه الرحمن الرحیم

ملت مسلمان و قهرمان ایران

در اطلاعیه های قبل سفارت سابق آمریکا را جاسوسخانه نامیده بودیم زیرا به هر گوشه ای که نظر افکندیم سندی از خبرگیری و جاسوسی یافتیم؛ به هر طرف که رفتیم مدرکی از خریدن افراد مشاهده کردیم؛ به هر که دست زدیم نقشه های حساب شده و اطلاعات فراوان از ارگانهای مختلف مملکتی دیدیم و بالاخره در پشت سر کلیه توطئه ها، دست عوامل مستقیم و غیر مستقیم آمریکا مشهود بود. در انتقال ثروت ملی ایران به خارج توسط طاغوتیان نقش عوامل آمریکا کم نبوده و نیست، لذا برای نمونه سه سند ذیل را که نشانگر مدعای ماست به پیشگاه قضاوت امام و خلق ارائه می دهیم.

سند ۱ جعبه ای در کشوی میز سفیر کشف شده است که شامل هدایایی برای افراد ذیل می باشد:

الف سرهنگ محبوبی، معاونت سابق اداره اقامت اتباع بیگانگان. آرم سفارت آمریکا که چاقوی مخصوص می باشد.

ب سرهنگ خسرویانی، ریاست سابق پلیس مهرآباد. مدال مخصوص ایالات متحده که در ضمن نوعی چاقوی مخصوص می باشد.

ج سرهنگ خوشخو، معاونت سابق اداره اقامت اتباع بیگانگان. فندک مخصوص همراه با آرم مخصوص سفارت آمریکا.

د سرتیپ بیگلری. قیچی و چاقوی طلا.

ه سرهنگ ثقفی. مدال مخصوص ایالات متحده آمریکا و چاقوی مخصوص.

لازم به تذکر است که هدف از انتشار این سند نشان دادن سیاستهای خانمان برانداز آمریکا در رشوه دادن و خریدن افراد است. چون این هدایا هنوز ارسال نشده، چگونگی ارتباط و وابستگی افراد مذکور

نامشخص می باشد.

سند ۲ که با کلمه سرّی مشخص شده است تشکیلات سپاه پاسداران و شورای انقلاب و موقعیت امام خمینی را ثبت کرده است.

توضیح چارت سازمانی حکومت اسلامی ایران که در اسناد سفارت کشف شده و در صفحه بعد چاپ شده است.

در مورد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

۱ این سپاه به عنوان چشم و گوش انقلاب اسلامی عمل می کند و به عنوان نیروی مخصوص امام جهت درهم کوبیدن هر نوع حرکت ضدانقلابی از هر طرف که بر علیه دولت اسلامی باشد وارد عمل می شود.

۲ به عنوان نیرویی به موازات ارتش عمل کرده تا اینکه از نظر نیرو هم سطح آنها شده، بتواند از هر نوع انحراف در میان ارتش جلوگیری کند.

۳ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بر کلیه وظایف کمیته امام نظارت داشته، تا اینکه مسئله ای غیرقابل حل نماند.

۴ سپاه پاسداران انقلاب به عنوان یک نیروی محافظ در داخل عمل کرده و همچنین به دیگر نیروهای قانونی داخلی کمک می کند، تا اینکه وظایفشان را به نحو احسن انجام دهند و با کوچکترین اخطار آماده حرکت به هر نقطه ای باشند.

۵ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان نگهبان سرسخت انقلاب اسلامی عمل می کند. این افراد را با شوق و ذوق میهن دوستی و روحیه فداکاری اسلامی تعلیم می دهند.

اطلاعات دیگر

الف سپاه پاسداران انقلاب در آینده نزدیک دارای ۰۰۰/۳۰ نیروی قوی خواهد شد که در مراحل مختلف کامل خواهد شد.

در حال حاضر (۱۶ اکتبر ۷۹) این سپاه ۱۰ تا ۱۵ هزار نیرو در سطح ایران دارد و طبق نقشه، هر شهری که دارای ۰۰۰/۵ جمعیت است قرار است یک واحد ۲۰۰ نفری از سپاه آنجا مستقر گردد.

ب تمام ۲۱ بخشی که شامل شهرهای بزرگ می شود، هر کدام دارای ۱۰۰۰ نفر پاسدار قوی تحت عنوان کمیته محلی انقلاب خواهد داشت که آنها ممکن است با تغییر شرایط سیاسی مناطق مختلف، تغییر مکان دهند.

ج بیست واحد از ۲۰۰ پاسدار قوی، که هرکدام به تازگی از کیفیت بالای آموزشی در سلطنت آباد برخوردارند، مأموریت دارند که امنیت شهر تهران را در شب با برجستگی خاص در دست داشته باشند.

د سپاه پاسداران تحت کنترل اداری اجرایی هیچ یک از وزرای دولت نیست. بلکه تحت کنترل مستقیم امام، توسط کمیته مرکزی انقلاب اسلامی خواهد بود.

ه در حال حاضر هیچ نوع محدودیت سنی برای پاسداران نیست. آنها می توانند دارای سنین بین 16 تا ۶۰ باشند.

و واحدهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ایران به ۴۲ واحد رسیده است.

ز هیچ کدام از مربیان تعلیم دیده در سازمان آزادیبخش فلسطین (PLO) جهت تعلیم در اردوی علی آباد استخدام نشده اند. مربیان همه از ارتش می باشند.

این سند نشانگر آن است که دشمن با حساسیت تمام درصدد جمع آوری اطلاعات از این ارگان انقلابی کشور بوده است.

سند ۳ این سند ارتباط سفارت با سرمایه داران وابسته و سازماندهی خروج پول از ایران را بیان می دارد.

موضوع : سازمان سرمایه گذاری ایرانی

آقای ایرج کی نژاد مدیرعامل کمپانی سرمایه گذاری ایرانی، امروز راجع به یک ویزا تلفن کرد. او تخمین می زند که بخش صنعتی ایران، غیر از صنعت نفت با ظرفیت ۲۰٪ مشغول می باشد.

او انتظار ورشکستگی بسیاری از کمپانیها را در ماههای آینده دارد. او ۳۰ میلیون تومان پول سرمایه گذاری شده دارد که می خواهد به خارج منتقل کند. او متذکر شد که خیلی از کمپانیهای (Pars) نزدیک به ورشکستگی می باشد. کمپانی او وابسته به کنسرسیوم قدیمی می باشد که برای سرمایه گذاری به

میل دولت تأسیس شده بوده است. ایشان چندین بار توسط افراد نالایقی از کمیته ها دستگیر و بازجویی شدند ولی بالاخره شخص فهمیده ای از ایشان بازجویی کرد و اعلام کرد که گزارشات تجاری روزمره ای که او به لندن می فرستاده، کاری خلاف نبوده است.

نکته اساسی در این است که لابه لای خطوط نامه فوق با خط نامرئی این جمله نوشته شده: «حالا زمانی است که انسانهای خوب برای کمک به کشورشان برگردند»!

در تاریخ سند توجه شود که حتی پس از انقلاب هم دست از توطئه برنمی داشته اند.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

امام خمینی

کمیته مرکزی انقلاب

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

بخش اقتصادی با

بودجه ۲۰۰ میلیون

ریال

آیت اللّه لاهوتی

بخش نظامی

بخش سیاسی

رهبری

رئیس ستاد

مرکز و واحد تعلیم و

تربیت علی آباد

۳۰۰۰ نفر پرسنل

فرماندهیهای

دیگر از قبیل

حفظ حدود و

ثغور

فرماندهی

لجستیکی

۲۰۰۰۰ نفر

پرسنل

فرماندهی مرکزی

سلطنت آباد

تهران ۴۰۰۰ نفر

پرسنل

آیت اللّه هاشمی رفسنجانی

(غلامعلی افروز)

سرّی

تشکیلات

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

دارای سه گارد محافظ

دوازده نفر

۳۰۰۰۰ نفر

اطلاعیه افشاگری شماره ۶

ان الشیطان للانسان عدو مبین، .... ان کید الشیطان کان ضعیفا. همانا شیطان دشمن آشکار و واضح انسان است ... لکن ... کیدها و حیله هایش ضعیف و سست است.

آمریکا، این حیله گر و روباه پیر مکار و دشمن انسانیت و اسلام و انقلاب، که به حق شیطان بزرگ نام گرفت، برای دستیابی به منافع بیشتر و حفظ اموال به غارت برده ملت ها و تداوم بخشیدن به سلطه جابرانه و ظالمانه خویش، همیشه در کید کردن و مرگ زدن بر ملت ها، از وجود نظریه پردازان و تحلیل گران کهنه کار سود برده است. این تحلیل ها و نظریات از سوی این کارآزمودگان نقد شده و مرکزیتی جمع و بر اساس آنها تصمیم خواهند گرفت. لیکن از آنجا که سنت خدا تحقق یافتنی است و امر الهی برپا شدنی و انقلاب اسلامی مشیت خداوندی است، در این حیله گری مکر و حیله خواهد خورد که: و مکروا و مکراللّه واللّه خیرالماکرین.

کتاب حاضر حاوی تحلیلها و نظراتی از این عوامل استعمار و مزدوران رژیم ظلم و سلطه گری است که قبل یا بعد از انقلاب تهیه شده است، به اطلاع مردم عزیز و بزرگوار خواهد رسید تا با شیوه های برخورد و طرق اندیشه آنها نسبت به انقلاب و امام و راههای حیله گری و فتنه پردازی این دشمن آشکار، آشنایی یافته و از سیرت هزار چهره او آگاهی یابیم تا در قطع ریشه هایش در تفکر متمایل به آن در درون ملت، همت کنیم و به یاری خدا پیروزی نزدیک است.

لازم به ذکر است که این مطلب تحلیل ها و نظرات و شیوه های برخورد دشمن است که خالی و مبرای از اشتباه نمی تواند باشد؛ لیکن به خاطر امانت داری و آشنایی عموم از این نظریات، از هر گونه اظهار نظر کلی و تحلیلی در مورد آنها خودداری شده است که قضاوت با ملت عزیز و شرافتمند اسلامی باشد.

والسلام علیکم و رحمه اللّه

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

* * *

در خاتمه تشکرات خالصانه خود را از برادران، دانشجویان مسلمان پیرو خط امام که موافقت نمودند این اسناد از جانب دفتر انتشارات جامعه مدرسین به صورت یک جلد منتشر شود، اعلام نموده؛ ضمنا مجلدات بعدی این اسناد نیز در آینده نزدیکی در اختیار ملت شریف و مبارز ایران قرار خواهد گرفت.انشاءاللّه

دفتر انتشارات اسلامی

وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

اطلاعیه افشاگری شماره ۶

بسم اللّه الرحمن الرحیم

ملت مسلمان ایران

اکنون که انقلاب اسلامی ما به رهبری خمینی بزرگ اوج گرفته، اسناد به دست آمده از سفارت سابق آمریکا می تواند خطوط سیاست جاسوسی و دخالت در امور ایران را روشن تر کند.

آمریکا در کشورهای زیر سلطه و همچنین ایران از همه امکانات سیاسی، نظامی، اقتصادی و انسانی در جهت حفظ منافع خود و دوام حکومت چپاولگر شاه خائن و کنترل منطقه به وسیله ایران و دولتهای

مرتجع عرب استفاده می نموده است.

طرح مورد بحث، طرح امنیتی است به نام IBEX (آی بکس) که به وسیله C.E.O سازمان ارتباطات و الکترونیک ارتش آمریکا در ایران طرح ریزی شده است. طرحی که با پول ایران و با سرمایه ملی و نیروی انسانی ایران تهیه شده است. هدف آن کنترل الکترونیکی منطقه از فعل و انفعالات شوروی و حرکتهای انقلابی و حفظ امنیت داخلی ایران در جهت تحکیم قدرت شاه خائن و ادامه چپاول امپریالیسم آمریکاست. در اینجا به خوبی می بینیم که آمریکا با سلطه سیاسی اقتصادی خود در ایران توانسته است نیروهای نظامی، انسانی و اقتصادی مملکت را در جهت منافع خود به استخدام درآورد.

در مورد اصل طرح، اطلاعاتی را که به طور ناقص به دست آمده، در اختیار می گذاریم:

طرح IBEX در اوائل سال ۱۹۷۰ توسط C.E.O سازمان ارتباطات و الکترونیک ارتش آمریکا در ایران ارائه شد و هدف آن جمع آوری اطلاعات از برون مرزها، سیستم خبرگیری، سیستم جمع آوری و ارسال علائم، کنترل مرزها و کنترل و خبردهی سریع از تجاوز به مرزهاست، و بالاخره استفاده از تمامی مسایل اطلاعاتی که بشود به طریق الکترونیکی متمرکز نموده و در یک کانال اطلاعاتی مستقیم مورد بهره برداری قرار داد. در این طرح به وسیله پایگاههای اطلاعاتی الکترونیکی، دریایی، هوایی و زمینی و هواپیماهای «رادار پرنده» نظیر آواکس و هواپیماهای عکاس، اطلاعات رد و بدل می شود. طرح IBEX در چهار مرحله طرح ریزی شده است و هزینه پروژه در بلند مدت که مقداری از آن ساخته شده است ۳/۱ بیلیون دلار است که رژیم ضد خلقی شاه رأسا از دسترنج رنجبران ملت ایران باید در حلقوم کثیف غول امپریالیسم می ریخت.اجرای طرح و همچنین هدایت و کنترل آن تماما به وسیله مستشاران آمریکایی بوده است.

قسمتهایی از این طرح در دوران شاه خائن اجرا شده و پول آن نیز پرداخت گردیده ولی بخشهای دیگرش

در آمریکا تأمین شده اما در زمان انقلاب طرح متوقف می گردد. دولت آمریکا به وسیله مزدورانش در ایران درصدد جلب نظر مقامات نظامی و سیاسی ایران برمی آیند تا بتوانند این طرح را دوباره بر ملت ما تحمیل کنند. همچنین تقاضای تصفیه حساب کرده اند که موفق به گرفتن پول نمی گردند.

مسئول این طرح در قبل از انقلاب ژنرال هوایی، گُست، است که از مزدوران خائن ارتش آمریکا در ایران و اجراکننده بسیاری از طرحهای امنیتی و ضد خلقی آمریکا در ایران و منطقه بوده است. این پروژه به وسیله چند کمپانی آمریکایی طرح و اجرا شده است که عبارتند از:

شرکتهای راک ول ((Rockwell، پان آم ((PANAM، فورد ((Ford، واکینگ تامسون (Walking-Tomson)، ای سیستم (E-System)، آی تک(ITeek)، سیلتچ (Syltech)، کوست (Quest)، تاچ راس (Touch - Russ). در این شرایط آنها تقاضای پرداخت بقیه صورتحسابهای خود و نیز تعیین تکلیف طرح را دارند و دولت آمریکا به وسیله ژنرال گُست بعد از انقلاب کوشیده است با مقامات ایرانی راجع به این طرح به توافق برسد که موفق نمی شود. بعد از انقلاب تهدیدهایی توسط سایروس ونس به دولت ایران می شود که در صورت عدم پرداخت هزینه ها و عدم تعیین تکلیف طرح، آمریکا دو هواپیمای خریداری شده ۷۰۷ و نیز سیستمهای کامپیوتری هواپیماهای ۷۰۷ را نخواهد داد. همچنین در ملاقاتهایی که با دولت ایران بعد از انقلاب از طرف وزارت دفاع آمریکا شده است، آمریکاییها پیش بینی نموده بودند که مقامات ایرانی حتما خواهند پرسید که ارتباط IBEXبا CIA چیست و به مستشاران گفته بودند: «شما

بگویید که هیچ ارتباطی ندارد.» گفتگوی فوق به خوبی رد CIAرا در IBEXروشن می کند.

به احتمال قوی دو پایگاه الکترونیکی کبکان خراسان و پایگاه الکترونیکی بهشهر در ارتباط با این طرح است. این دو پایگاه که مستقیما زیر نفوذ CIA و پنتاگون آمریکا بوده است همه نوع علائم و اطلاعات راجع به موشکهای شوروی و همچنین اطلاعاتی از فعل و انفعالات در منطقه را در نظر داشته است.

بعد از انقلاب یک هیئت پنج نفره به سرپرستی سرهنگ چارلز دبلیو اسکات به ایران می آیند که به عنوان هیئت مستشاری آمریکا در ایران فعالیت کنند. این پنج نفر ظاهرا مأمور دفتر دفاعی آمریکا که مسئول برآورد و تهیه قطعات یدکی است بوده اند، ولی طبق نوشته های به دست آمده سرهنگ اسکات مسئول امنیتی و به احتمال قوی تعیین تکلیف و برآورد وضع IBEX بوده است. وی و چهار دستیار او اکنون جزو گروگانها هستند.

با توجه به اطلاعات فوق، واضح است که آمریکا ما را وسیله به کرسی نشاندن مقاصد خود در منطقه کرده و هزینه این سیستم جاسوسی قوی را خلق محروم ما که زیر پنجه های خونین رژیم سفاک پهلوی جان می باخت پرداخته است و این در شرایطی بود که ملت مسلمان از ابتدایی ترین شرایطی زندگی محروم بوده اند.

نتیجتا تنها در سایه مبارزه استقلال طلبانه مردم مسلمان ایران است که می توان با پیروی از رهبری قاطع انقلابمان، خمینی رهبر، مستضعفین کشور را از اسارت ابرقدرتهای خونخوار و در رأس آن آمریکای جنایتکار نجات داد.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

اطلاعیه افشاگری شماره ۷

ص: ۱۶

بسم اللّه الرحمن الرحیم

ملت مبارز و شریف ایران، خلقهای مستضعف جهان

امام خمینی پرچمدار کبیر انقلاب ایران در آخرین سخنرانیهای خود آمریکا را شیطان بزرگ نام نهاده اند. براستی که امپریالیسم از مصادیق شیطان و آمریکا «شیطان بزرگ» است. هر چند که از یک طرف کلام را احتیاج به حجت و سند نیست و از دیگر سو عملکرد وحشیانه آمریکا در ایران و پشتیبانی بی دریغ او از شاه خائن و همکاری همه جانبه اش در سرکوب و کشتار خلق قهرمان ما بر هر انسان آزاده ای روشن است، اسنادی به دست ما افتاده است که به سادگی خطوط شیطانی عملکرد دولت آمریکا و سفارت آن را در ایران روشن می کند. زبان اسناد بسی گویاست. سند زیر، حبیب اللهی یک افسر عالیرتبه خائن ایرانی را رسوا می کند که ماهها بعد از انقلاب یعنی در تیرماه با پاسپورت جعلی از کشور فرار کرده است. از آن مهمتر اربابان آمریکاییش، خصوصا آقای ونس، درصدد جلب او به آمریکا برآمده است. همین جاست که سخت هشدار می دهیم که باید هر چه زودتر جلو فرار این خائنان ضد انقلاب را گرفت تا نتوانند به آسودگی در بیرون مرزها به توطئه مشغول شوند.

ترجمه سند مذکور: تاریخ: ۲۱ جولای ۱۹۷۹ (پنجشنبه ۳۱/۴/۵۸)

از: وزارت امور خارجه آمریکا به سفارت ایران

موضوع: متقاضی برای گذرنامه

NIV: دریاسالار کمال حبیب اللهی

۱ (C. متن داخلی)

۲ حبیب اللهی که فرمانده دریایی ایران در طول دو سه سال آخر رژیم شاه بوده است اخیرا با استفاده از یک پاسپورت ایرانی با نام مستعار از کشور خارج شده و هم اکنون در فرانکفورت به سر می برد.

۳ اطلاع یافتیم که حبیب اللهی فرم درخواست ویزای NIV را در کنسول آمریکا با استفاده از نام مستعارش در پاسپورت پر کرده است (ادریس اصمدی گادجین Edriss – Asmdigadjin) و قصد دارد به خانواده اش در ویرجینیا بپیوندد و ترجیح می دهد که ویزا را با نام اصلی خود دریافت کند. به هر صورت از طریق یک دریاسالار نیروی دریایی ایالات متحده با او تماس گرفته ایم و از او خواسته ایم که در ملاقات آتی با کنسولگری آمریکا کاملاً مشخص کند که نام حقیقیش چیست و کدام نام را ترجیح می دهد.

۴ دریاسالار حبیب اللهی از جانب بسیاری از مقامات رسمی دولت ایالات متحده که در طول این چند سال با وی کار می کرده اند، به خوبی شناخته شده است و مورد علاقه است.

۵ اگر مسئله ای در مورد صدور ویزا و یا چگونگی مدارک مورد نیاز برای ویزا وجود دارد، به ما گزارش دهید.ونس

هدف از انتشار این سند نشان دادن دخالت مستقیم سفارت آمریکا در امور ایران و حمایت از ضد انقلابیون است. براستی مسئولیت ضدیت با انقلاب ایران، توطئه و جاسوسی را ملت آمریکا چگونه می پذیرد. دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

اطلاعیه افشاگری شماره ۸

بسم اللّه الرحمن الرحیم ۲۱/۸/۵۸

سلطه نظامی آمریکا بر کشورهای مستضعف جهان به عنوان پشتوانه مستحکم امپریالیسم برای کنترل کشور و جلوگیری از انقلابات و حرکتهای آزادی بخش است. وابسته کردن ارتشها به اسلحه و جنگ افزار آمریکایی و استقرار سیستمی که فقط کارشناسان آمریکایی می توانند آن را اراده کنند و همچنین تطمیع ژنرالهای ارتش از ابتدایی ترین سیاستهای امپریالیسم در کشورهای در بند جهان سوم است.

در ایران نیز آمریکای جنایتکار چنین عمل کرده بود. شاه خائن توسط مستشاران نظامی آمریکایی

ارتش را در جهت منافع آمریکا طرح ریزی نموده و اکثر امرای ارتش را تطمیع نموده و بسیاری از سیستمهای اطلاعاتی وسیع را در آن پیاده کرده بود. از آن خطرناکتر آنکه با ایجاد مستشاری، مستقیما ارتش را زیر آموزش و کنترل خود داشته است. آمریکا در حقیقت ارتشی ساخته بود که به جای دفاع از منافع خلق مسلمان ایران و به جای دفاع از استقلال و اسلامیت ایران برای دفاع از منافع او در منطقه و در مقابل انقلابیون عمل می کرد.

در حقیقت ارتش ایران در زمان شاه خائن جزئی از نیروی آمریکا بود که مجهز به آخرین جنگ افزارهای آمریکایی مثل هواپیماهای F-۱۴ و F-۱۵بود که حتی بعضی از آنها تنها در ارتش آمریکا یافت می شود. منطق حکم می کند که قدرت چپاولگری مثل آمریکا هرگز نمی تواند به فکر منافع ملت ایران باشد. اسلحه های آمریکایی، آموزش و استقرار سیستمهای اطلاعاتی وسیع در ارتش صرفا در جهت منابع مستقیم آمریکا بوده است. اینک به جهت روشن تر کردن خطوطی که حکومت مستقیم آمریکا را در ارتش سابق ایران ثابت می کند به ارائه اطلاعات و اسناد ذیل مبادرت می ورزیم.

۱ ایجاد مستشاری: در این باره دو سند ارائه می گردد.

سند الف: به نام مأموریت ارتش آمریکا و فعالیتهاست که در آن هدف آمریکا از ایجاد مستشاری را صریحا حضور نظامی آمریکا در ایران برای دفاع از منافع آمریکا می خواند.

سند ب: یک مستشار نمونه را معرفی می کند که چگونه در سراسر انقلاب سعی در جاسوسی در ارتش، کنترل آن و بالاخره حمایت مستقیم و ماهرانه در مأموریت های نظامی تهران داشته است.

سند الف: مأموریت ارتش آمریکا و فعالیتها

مستشاری مهمترین حضور نظامی آمریکا در ایران است. هدفش بالا بردن کارآیی نیروهای نظامی ایران به منظور مقاومت در مقابل تجاوز و ادامه حفظ منافع آمریکا در ایران است.

این ارتش در ۱۹۴۱ به وجود آمد و در ۱۹۴۳ و ۱۹۴۷ تجدید سازمان یافت (قرارداد آمریکا و ارتش

ایران). توافق اساسی بین حکومت آمریکا و دولت ایران این بود که نظارت و کمک ارتش آمریکا به ارتش ایران (زمینی، دریایی، هوایی) ادامه یابد. از ۱۹۵۰ قرار داد کمک دفاعی مشترک بین دولت ایران و دولت آمریکا در سه زمینه منعقد گردید.

این توافق که با توافق ارتشی ARMISH متفاوت بود، در زمینه کمک اداری و سازماندهی بود.

در ۱۹۴۲ اولین کمک بزرگ به ارتش ایران تحویل گردید.

در ۱۹۵۸ نزدیکتر شدند ARMISH و MAAG.

در ۱۹۶۵ فروش نظامی خارجی و برنامه های اعتباری آغاز شد. موفقیت این برنامه موجب قطع کمکهای بلاعوض در ۱۹۷۲ بود. MAAG از Major – Gonraدستور می گیرد و هدف این مستشاری با مشاوره روزانه به بالاترین افراد ارتش ایران می باشد و این کار با در جریان گذاشتن شاه انجام می شود.

کارمندان ARMISH – MAAG بر کار فرماندهان ستاد ارتش شاهنشاهی مشاوره کامل می نمایند.

هر عضو ایرانی که فرمانده عملیات اطلاعات تجسسی لجستیک (پشتیبانی) نقشه ها و برنامه هاست، یک نفر راهنمای خارجی دارد که معمولاً یک سرهنگ است.

مسئول مدرنیزه کردن ارتش شاهنشاهی ایران در رابطه با برنامه ۱۹۷۲ می باشد. ایران سفارش وسائل و خدمات به ارزش کمی بیش از ده میلیارد دلار که شامل خدمات است به آمریکا داده است.

سند ب مأموریت مستشاری دریایی

ناخدا (کاپیتان) هالینگ ورث در طول دوره منتهی به انقلاب، وابسته دریایی سفارت آمریکا در تهران بوده است. وی در طول ماههایی که این انقلاب نضج می گرفت به دقت تغییرات رخ داده در نیروی دریایی ایران را گزارش می نمود. خوش مشربی و مهارت او در برقراری دوستی منتج به گزارشهای اطلاعاتی قابل اطمینان و بموقع می شده است. در کمتر از چند هفته با بسیاری از وابسته های خارجی تماسهای نزدیک گرفته و گفتگوهای تقریبا مفید متقابل ترتیب داده است. او کشش ها و شکافهایی را که در نیروی دریایی

ایران خود شاهد بروزشان بود به طور بحرانی گزارش می نمود. او در آخرین هفته های قبل از انقلاب ایران با شرایط تحت فشار متعددی مواجه شد، عکس العمل او تقریبا در تمام این موارد که شامل اقدام به آدمکشی هم می شد (ممکن بود بشود) نمونه وار با آرامش، قاطعیت، و اندیشه منطقی همراه بود. هنگامی که موقعیت محلی بشدت وخیم گشته و به اخراج آمریکاییها کشید ناخدا هالینگ ورث، رل مؤثری در طرح نقشه به تناسب مراحل و فازهای عملیات این تخلیه (فرار) بزرگ به عهده داشت. خبرگی و درک مسئولیت و اقدام بموقع او، سلامتی و حرکت به موقع هزاران آمریکایی و خارجی دیگر را هنگام خروج از کشور تضمین نمود. کوششهای خستگی ناپذیر و بدون خودخواهی وی کمک بی حدی در چنین فرار موفقیت آمیزی نمود. بارها در غیبت وابسته دفاع وظایف محوله را انجام داد. در این سطح، او هم اکنون مسئولیت و تأثیر بسزایی را به عنوان وابسته نظامی قبول کرده است.

ناخدا هالینگ ورث افسری عالی دست در میان همقطارانش و یک حرفه ای واقعی و وابسته (A.T.T بسیار شایسته می باشد.

رفتار شخصی وی طبعا با توجه به استاندارد تحمل، عملکرد و ادب و تواضعی که این افسر را برجسته می کند نمونه است.

حمایت مستقیم و ماهرانه این افسر وی را در مأموریت های نظامی در تهران به طور قابل توجهی اثر کلی دفتر وابسته دفاع را افزایش داده است.

۲ ایجاد یک سیستم اطلاعاتی وسیع: در افشاگری شماره ۶ از طرح IBEX صحبت شد. در اینجا سندی ارائه می گردد که مستشاران آمریکایی بسیاری از اطلاعات دقیق را به ایرانیان نیز نمی داده اند. در اینجا این سؤال پیش می آید که یک دولت خارجی چه اطلاعات سرّی و مهمی در کشور ما می تواند داشته باشد که دولت آن کشور صلاحیت داشتن آن را ندارد؟ به راستی چه کسی حکومت می کند؟

سند: محرمانه

از: وزارت امور دفاعی واشنگتن

به : ARMISH-MAAG تهران

موضوع: راهنما برای حد افشای اطلاعات در ایران

راهنمای فعلی مصوب ۱۹۷۹/۱۲ مارچ به ترتیب زیر است: مطابق با ۲۱ اسفند

افشای اطلاعات محرمانه نظامی برای ایران

که به ترتیبی که در زیر گفته می شود تغییر می کند:

زمینه:

الف: بحران سیاسی و نظامی که در این تاریخ جریان دارد و انتظار می رود که برای مدتی ادامه داشته باشد سؤالی را برای ما در رابطه با توانایی دولت موقت ایران برای حفظ اسرار محرمانه نظامی دولت آمریکا مطرح می کند.

ب: این احتمال می رود که اطلاعات محرمانه نظامی که قبلاً برای دولت ایران آشکار بود مورد مخاطره قرار گرفته باشد. دولت ایالات متحده ادامه این مخاطره را به هیچ وجه در زمان حاضر نمی تواند قبول کند.

ج: در موقعیت فعلی حداقل اطلاعات ممکنه می بایست به دولت ایران داده شود.

خطوط کلی راهنما برای افشای اسرار:

الف: هیچ گونه اسامی رمز جدیدی که باعث افشای اسرار به دولت ایران بشود بدون تأیید کمیته سیاست افشاگری مستقر در واشنگتن نباید استفاده کرد.

ب: مسایل زیر فورا باید عمل شود:

قابلیت دولت ایران برای دریافت اطلاعات در موارد زیر مردود شناخته شد.

به طریقی که در ضمیمه الف کتاب اول کمیته سیاست افشاگری نوشته شده است:

فصل اول: تشکیلات تعلیم دهی و کارمندان نیروهای انتظامی

فصل دوم: تدارکات و مهمات نظامی

فصل چهارم: تولید اطلاعات

فصل پنجم: عملیات نظامی مختلط برنامه ریزی و آمادگی

فصل هشتم: اطلاعات نظامی

این ممنوعیت تا وقتی مؤثر باقی می ماند که یکی از موارد زیر پیش آید:

۱ کمیته ملی سیاست افشا کردنها بتواند تصمیم بگیرد که آیا دولت ایران به طور مناسبی قادر است که اسرار محرمانه نظامی آمریکا را حفظ کند.

۲ دولت ایران ظاهرا توافق نامه بین دو کشور راجع به امنیت عمومی اطلاعات را که در تاریخ ۶ ژوئن ۷۴ بسته شده تحکیم کرده باشد.

این ممنوعیت فاش کردن اطلاعات بجز در مورد ج که در پایین ذکر می شود در همه موارد ذکر شده می باید اعمال گردد. هم در مورد مسایل قبل هم در مواردی که در آینده پیش می آید.

این ممنوعیت شامل موارد زیر نمی شود:

برای افشای سمعی یا بصری مطالب برای کارمندان ایرانی که تعلیم می بینند مگر اینکه مقامات صلاح ببینند که این گونه افشاگریها به صلاح آمریکا نباشد.

این راهنماییها شامل مطالب محرمانه ای که از طریق پیمان سنتو ممکن است به ایران برسد نیز می شود.

خود این مطالب هم قابل افشا برای دولت ایران نمی باشد.

۳ وابسته کردن امرای بلندمرتبه ارتش: در افشاگریهای قبل خصوصا در سند افشاگری شماره ۷ نمونه هایی را ارائه دادیم.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

اطلاعیه افشاگری شماره ۸

بسم اللّه الرحمن الرحیم ۲۱/۸/۵۸

سلطه نظامی آمریکا بر کشورهای مستضعف جهان به عنوان پشتوانه مستحکم امپریالیسم برای کنترل کشور و جلوگیری از انقلابات و حرکتهای آزادی بخش است. وابسته کردن ارتشها به اسلحه و جنگ افزار آمریکایی و استقرار سیستمی که فقط کارشناسان آمریکایی می توانند آن را اراده کنند و همچنین تطمیع ژنرالهای ارتش از ابتدایی ترین سیاستهای امپریالیسم در کشورهای در بند جهان سوم است.

در ایران نیز آمریکای جنایتکار چنین عمل کرده بود. شاه خائن توسط مستشاران نظامی آمریکایی ارتش را در جهت منافع آمریکا طرح ریزی نموده و اکثر امرای ارتش را تطمیع نموده و بسیاری از سیستمهای اطلاعاتی وسیع را در آن پیاده کرده بود. از آن خطرناکتر آنکه با ایجاد مستشاری، مستقیما ارتش را زیر آموزش و کنترل خود داشته است. آمریکا در حقیقت ارتشی ساخته بود که به جای دفاع از منافع خلق مسلمان ایران و به جای دفاع از استقلال و اسلامیت ایران برای دفاع از منافع او در منطقه و در مقابل انقلابیون عمل می کرد.

در حقیقت ارتش ایران در زمان شاه خائن جزئی از نیروی آمریکا بود که مجهز به آخرین جنگ افزارهای آمریکایی مثل هواپیماهای F-۱۴ و F-۱۵بود که حتی بعضی از آنها تنها در ارتش آمریکا یافت می شود. منطق حکم می کند که قدرت چپاولگری مثل آمریکا هرگز نمی تواند به فکر منافع ملت ایران باشد. اسلحه های آمریکایی، آموزش و استقرار سیستمهای اطلاعاتی وسیع در ارتش صرفا در جهت منابع مستقیم آمریکا بوده است. اینک به جهت روشن تر کردن خطوطی که حکومت مستقیم آمریکا را در ارتش سابق ایران ثابت می کند به ارائه اطلاعات و اسناد ذیل مبادرت می ورزیم.

۱ ایجاد مستشاری: در این باره دو سند ارائه می گردد.

سند الف: به نام مأموریت ارتش آمریکا و فعالیتهاست که در آن هدف آمریکا از ایجاد مستشاری را

صریحا حضور نظامی آمریکا در ایران برای دفاع از منافع آمریکا می خواند.

سند ب: یک مستشار نمونه را معرفی می کند که چگونه در سراسر انقلاب سعی در جاسوسی در ارتش، کنترل آن و بالاخره حمایت مستقیم و ماهرانه در مأموریت های نظامی تهران داشته است.

سند الف: مأموریت ارتش آمریکا و فعالیتها

مستشاری مهمترین حضور نظامی آمریکا در ایران است. هدفش بالا بردن کارآیی نیروهای نظامی ایران به منظور مقاومت در مقابل تجاوز و ادامه حفظ منافع آمریکا در ایران است.

این ارتش در ۱۹۴۱ به وجود آمد و در ۱۹۴۳ و ۱۹۴۷ تجدید سازمان یافت (قرارداد آمریکا و ارتش ایران). توافق اساسی بین حکومت آمریکا و دولت ایران این بود که نظارت و کمک ارتش آمریکا به ارتش ایران (زمینی، دریایی، هوایی) ادامه یابد. از ۱۹۵۰ قرار داد کمک دفاعی مشترک بین دولت ایران و دولت آمریکا در سه زمینه منعقد گردید.

این توافق که با توافق ارتشی ARMISH متفاوت بود، در زمینه کمک اداری و سازماندهی بود.

در ۱۹۴۲ اولین کمک بزرگ به ارتش ایران تحویل گردید.

در ۱۹۵۸ نزدیکتر شدند ARMISH و MAAG.

در ۱۹۶۵ فروش نظامی خارجی و برنامه های اعتباری آغاز شد. موفقیت این برنامه موجب قطع کمکهای بلاعوض در ۱۹۷۲ بود. MAAG از Major – Gonraدستور می گیرد و هدف این مستشاری با مشاوره روزانه به بالاترین افراد ارتش ایران می باشد و این کار با در جریان گذاشتن شاه انجام می شود.

کارمندان ARMISH – MAAG بر کار فرماندهان ستاد ارتش شاهنشاهی مشاوره کامل می نمایند.

هر عضو ایرانی که فرمانده عملیات اطلاعات تجسسی لجستیک (پشتیبانی) نقشه ها و برنامه هاست، یک نفر راهنمای خارجی دارد که معمولاً یک سرهنگ است.

مسئول مدرنیزه کردن ارتش شاهنشاهی ایران در رابطه با برنامه ۱۹۷۲ می باشد. ایران سفارش وسائل و خدمات به ارزش کمی بیش از ده میلیارد دلار که شامل خدمات است به آمریکا داده است.

سند ب مأموریت مستشاری دریایی

ناخدا (کاپیتان) هالینگ ورث در طول دوره منتهی به انقلاب، وابسته دریایی سفارت آمریکا در تهران بوده است. وی در طول ماههایی که این انقلاب نضج می گرفت به دقت تغییرات رخ داده در نیروی دریایی ایران را گزارش می نمود. خوش مشربی و مهارت او در برقراری دوستی منتج به گزارشهای اطلاعاتی قابل اطمینان و بموقع می شده است. در کمتر از چند هفته با بسیاری از وابسته های خارجی تماسهای نزدیک گرفته و گفتگوهای تقریبا مفید متقابل ترتیب داده است. او کشش ها و شکافهایی را که در نیروی دریایی ایران خود شاهد بروزشان بود به طور بحرانی گزارش می نمود. او در آخرین هفته های قبل از انقلاب ایران با شرایط تحت فشار متعددی مواجه شد، عکس العمل او تقریبا در تمام این موارد که شامل اقدام به آدمکشی هم می شد (ممکن بود بشود) نمونه وار با آرامش، قاطعیت، و اندیشه منطقی همراه بود. هنگامی که موقعیت محلی بشدت وخیم گشته و به اخراج آمریکاییها کشید ناخدا هالینگ ورث، رل مؤثری در طرح نقشه به تناسب مراحل و فازهای عملیات این تخلیه (فرار) بزرگ به عهده داشت. خبرگی و درک

مسئولیت و اقدام بموقع او، سلامتی و حرکت به موقع هزاران آمریکایی و خارجی دیگر را هنگام خروج از کشور تضمین نمود. کوششهای خستگی ناپذیر و بدون خودخواهی وی کمک بی حدی در چنین فرار موفقیت آمیزی نمود. بارها در غیبت وابسته دفاع وظایف محوله را انجام داد. در این سطح، او هم اکنون مسئولیت و تأثیر بسزایی را به عنوان وابسته نظامی قبول کرده است.

ناخدا هالینگ ورث افسری عالی دست در میان همقطارانش و یک حرفه ای واقعی و وابسته (A.T.T) بسیار شایسته می باشد.

رفتار شخصی وی طبعا با توجه به استاندارد تحمل، عملکرد و ادب و تواضعی که این افسر را برجسته می کند نمونه است.

حمایت مستقیم و ماهرانه این افسر وی را در مأموریت های نظامی در تهران به طور قابل توجهی اثر کلی دفتر وابسته دفاع را افزایش داده است.

۲ ایجاد یک سیستم اطلاعاتی وسیع: در افشاگری شماره ۶ از طرح IBEX صحبت شد. در اینجا سندی ارائه می گردد که مستشاران آمریکایی بسیاری از اطلاعات دقیق را به ایرانیان نیز نمی داده اند. در اینجا این سؤال پیش می آید که یک دولت خارجی چه اطلاعات سرّی و مهمی در کشور ما می تواند داشته باشد که دولت آن کشور صلاحیت داشتن آن را ندارد؟ به راستی چه کسی حکومت می کند؟

ص: ۱۹

سند: محرمانه

از: وزارت امور دفاعی واشنگتن

به : ARMISH-MAAG تهران

موضوع: راهنما برای حد افشای اطلاعات در ایران

راهنمای فعلی مصوب ۱۹۷۹/۱۲ مارچ به ترتیب زیر است: مطابق با ۲۱ اسفند

افشای اطلاعات محرمانه نظامی برای ایران

که به ترتیبی که در زیر گفته می شود تغییر می کند:

زمینه:

الف: بحران سیاسی و نظامی که در این تاریخ جریان دارد و انتظار می رود که برای مدتی ادامه داشته باشد سؤالی را برای ما در رابطه با توانایی دولت موقت ایران برای حفظ اسرار محرمانه نظامی دولت آمریکا مطرح می کند.

ب: این احتمال می رود که اطلاعات محرمانه نظامی که قبلاً برای دولت ایران آشکار بود مورد مخاطره قرار گرفته باشد. دولت ایالات متحده ادامه این مخاطره را به هیچ وجه در زمان حاضر نمی تواند قبول کند.

ج: در موقعیت فعلی حداقل اطلاعات ممکنه می بایست به دولت ایران داده شود.

خطوط کلی راهنما برای افشای اسرار:

الف: هیچ گونه اسامی رمز جدیدی که باعث افشای اسرار به دولت ایران بشود بدون تأیید کمیته سیاست افشاگری مستقر در واشنگتن نباید استفاده کرد.

ب: مسایل زیر فورا باید عمل شود:

قابلیت دولت ایران برای دریافت اطلاعات در موارد زیر مردود شناخته شد.

به طریقی که در ضمیمه الف کتاب اول کمیته سیاست افشاگری نوشته شده است:

فصل اول: تشکیلات تعلیم دهی و کارمندان نیروهای انتظامی

فصل دوم: تدارکات و مهمات نظامی

فصل چهارم: تولید اطلاعات

فصل پنجم: عملیات نظامی مختلط برنامه ریزی و آمادگی

فصل هشتم: اطلاعات نظامی

این ممنوعیت تا وقتی مؤثر باقی می ماند که یکی از موارد زیر پیش آید:

۱ کمیته ملی سیاست افشا کردنها بتواند تصمیم بگیرد که آیا دولت ایران به طور مناسبی قادر است که اسرار محرمانه نظامی آمریکا را حفظ کند.

۲ دولت ایران ظاهرا توافق نامه بین دو کشور راجع به امنیت عمومی اطلاعات را که در تاریخ ۶ ژوئن ۷۴ بسته شده تحکیم کرده باشد.

این ممنوعیت فاش کردن اطلاعات بجز در مورد ج که در پایین ذکر می شود در همه موارد ذکر شده می باید اعمال گردد. هم در مورد مسایل قبل هم در مواردی که در آینده پیش می آید.

این ممنوعیت شامل موارد زیر نمی شود:

برای افشای سمعی یا بصری مطالب برای کارمندان ایرانی که تعلیم می بینند مگر اینکه مقامات صلاح

ببینند که این گونه افشاگریها به صلاح آمریکا نباشد.

این راهنماییها شامل مطالب محرمانه ای که از طریق پیمان سنتو ممکن است به ایران برسد نیز می شود.

خود این مطالب هم قابل افشا برای دولت ایران نمی باشد.

۳ وابسته کردن امرای بلندمرتبه ارتش: در افشاگریهای قبل خصوصا در سند افشاگری شماره ۷

نمونه هایی را ارائه دادیم.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

اطلاعیه افشاگری شماره ۹

ص: ۲۱

بسم اللّه الرحمن الرحيم

امپرياليسم آمريكا، اين ديو خونخوار روبه صفت، با تمام قوا و حيله ها و امكانات خويش درصدد رخنه كردن در افكار و انديشه هاست كه منجر به وابستگى در كليه روابط و نهادهاى فرهنگى، سياسى و اقتصادى ما مى شود. اين مار زخم خورده مى كوشد تا از هر فرصتى براى ايجاد رابطه اى نزديك تر استفاده كرده، موجوديت پليد و زهرآلودش را به ما تحميل نمايد.

نامه زير نشان مى دهد كه چگونه اين توطئه گر پليد مى خواست با برگزارى جشن «هجرت» احساسات پاك مسلمانان را در اين حركت به نفع خويش جذب نمايد؛ شايد سرپوشى بر سر جنايات بى شمارش نهاده باشد، سرپوشى بر خون شهيدانمان، سرپوشى بر كوخهاى ويران و سرپوشى بر آوارگى مستضعفان. اين تصميم بعد از دستور امام خمينى به دولت و شوراى انقلاب در مورد برگزارى هر چه باشكوهتر آغاز پانزدهمين قرن هجرت اتخاذ مى گردد.

متن نامه چنين است:

از: سفارت آمريكا در تهران اكتبر ۷۹

به: كميته داخل دولت آمريكا در آسيا، واشنگتن دى: سى

موضوع: جشن «هجرت» در ايالات متحده

۱ آيت اللّه خمينى، امروز به شوراى انقلاب و دولت موقت ايران دستور داد كه با برنامه هاى انقلابى به استقبال آغاز پانزدهمين قرن هجرت بروند تا عظمت و فرخندگى اين موقعيت را بنمايانند.

۲ فورا اطلاعات مورد نياز در زمينه طرحهاى ايالات متحده به منظور بزرگداشت «هجرت» را به نحوى كه با جشنهاى ايران مرتبط باشد، پست نماييد.

۳ اگر ايالات متحده در نظر دارد كه جشنهاى هجرت را با شركت بعضى از ايرانيان برگزار نمايد،

جزئیات لازم را بفرستید.

لینگن

کاردار سفارت آمریکا در تهران

چرا سعی می کنند با طرح ساده مسئله و شرکت در برگزاری جشن هجرت نظرات عمومی را نسبت به امپریالیسم آمریکا منحرف سازند؟

آیا این خود دلیل بر پیچیدگی حرکت منافقانه آمریکا در رابطه با کشورهای زیر سلطه نیست؟

آمریکا چه محیط مساعدی را در ایران اسلامی برای پوشاندن ماهیت پلید خود می بینند که جرأت می کند جشن هجرت پیغمبر اسلام را برگزار کند.

آیا دیگر وقت آن نیست که ساده اندیشان ما به ماهیت کثیف و توطئه گر این شیطان بزرگ پی ببرند و با تمام نیرو با آن به مقابله برخیزند.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

اطلاعیه افشاگری شماره ۱۰

بسم اللّه الرحمن الرحيم

دهمین بیانیه خویش را با سندی که قباله مرگ حتمی ایران دیروز در نظام شاهنشاهی بود شروع می کنیم. باشد تا انقلاب اسلامی و رشد شتابگیرش با برنامه های مشخص برای خنثی کردن طرحها و اهداف امپریالیسم جوانه حیات ایران فردا در جمهوریت اسلام گردد. ۱۱ ژانویه ۷۸

تلگرام

از : سفارت آمریکا در تهران محرمانه تهران

به : وزارت دفاع واشنگتن

موضوع: هدف و عملکرد سفارت آمریکا در ایران

از اینکه آن وزارتخانه اهداف و محدودیتها را به صورتی ثابت و غیرقابل تغییر شناسایی نکرده است متشکریم. ما مسایل مورد بحث در تلگرام ب را با دقت مطالعه کردیم.

در کل، مطالب آن به نظر ما واقع گرایانه و قابل دسترسی و منطبق با اهداف ما در ایران می باشد. با وجود این ما متن این بیانیه را برای در نظر گرفتن تغییرات و پیشرفتهای اخیر برای منطبق شدن کامل با اهدافمان کمی تغییر داده ایم

در زیر، این بیانیه جدید را به طور کامل می آوریم:

ب شروع مطلب:

۱ رابطه سیاسی اقتصادی بر مبنای اعتماد، اطمینان و احترام متقابل شامل: بند... ابقا و تقویت رابطه مبتنی بر اعتماد و اطمینانی که با شاه پیدا کرده ایم... گسترش محدوده تماسهای سفارتخانه با بخش های مهمی از جامعه ایرانی و انتخاب گامهایی برای حداکثر کردن تماس با نیروها و گروههایی که در رابطه با مراکز مهم اثر در ایرانی که به سوی مدرنیزه شدن پیش می رود هستند. این عمل موقعیتهایی را نیز شامل

می باشد که در اثر بعضی ساده نگری های دولت در مورد فعالیتهای سیاسی پیش می آیند. با در نظر گرفتن اینکه در بعضی از موارد ریسکهایی ممکن است پیش بیاید که می بایست آگاهانه انتخاب و یا رد شوند.

...تشویق کردن آموزگار (نخست وزیر) و کابینه او برای ادامه برنامه های دراز مدت اقتصادی در ایران و برنامه ریزی یک طرح مشخص برای رسیدن به جهشهای اقتصادی.

هنگامی که به ناچار منابع نفتی رو به اتمام می روند در این رابطه تشویق کردن و پشتیبانی مقامات ایرانی برای کمک گرفتن متخصصین خارجی و شنیدن توصیه های (IBRD) بانک توسعه بین المللی و منابع مناسب دیگر نیز قدمهای مؤثری است. ...جهت تحت تأثیر قرار دادن مقامات تصمیم گیرنده و نظریه پردازان ایرانی، از سیاستها و موضعگیری های آمریکا در روابط فیمابین، از حداکثر ظرفیت و امکانات دفتر اطلاعات آمریکا استفاده کنید.

۲ رابطه قوی بین ایران و آمریکا در زمینه های غیرنظامی

... در ادامه صادرات قابل توجه نفت به آمریکا و وابستگان نزدیکش سیاست معتدل قیمت گذاری برای

نفت را تنظیم و تشویق کنید.

سیاستها و برنامه های آمریکا را در مورد انرژی و احتیاج اقتصاد دنیا به نفت در سطوح قیمتهای قابل تحمل، توضیح دهید.

... ازدیاد سهم آمریکا در بازار تجاری ایران را آسان کنید و در این راه از قدرت دفتر سفیر نیز به عنوان پشتیبان استفاده کنید.

... اضافه کنید که چگونه می توانیم قدمهای کمیسیون ارتباط ایران و آمریکا را مؤثرتر کنیم، از جمله اینکه چطور بخش خصوصی آمریکا را بیشتر در بازار ایران تداخل دهیم.

... دکتر اعتماد و سازمان انرژی اتمی او را در رابطه با آخرین قرارداد اتمی بین ایران و آمریکا در جهت طرح عدم توسعه پرزیدنت مد نظر داشته باشید.

... برای آمریکا امتیازی در ایران در مورد جمع کردن اطلاعات (جاسوسی) به دست آورید و پشتیبانی برای QUID) Pro Quo liasion) را در پاسخ به این امتیازات ادامه دهید. هر پیشنهاد را برای امتیازی جدید به دقت سبک سنگین کنید تا مطمئن شوید که باعث در خطر انداختن پیشرویهای موجود نشوند.

... سعی کنید که ایران را بیشتر در تلاشهای منطقه ای که برای کم کردن کشت مواد مخدر که در پاکستان و افغانستان صورت می گیرد شرکت دهید تا عبور یا ورود مواد مخدر قاچاق از ایران کم شود.

... با وزارت علوم دولت ایران همکاری کنید تا جوانان ایرانی بیشتری برای تحصیل در آمریکا آماده شوند و به عمل آیند.

... موقعیتهای محصلین ایرانی را که در پی تحصیل در آمریکا می باشند در موارد مناسب ارزیابی کرده و مشورت و تعلیم انگلیسی قبل از عزیمت را زیاد کنید.

... به وارد کردن فشار بر روی ایران در مورد پرداخت بدهیش که در اثر غفلت خودش پیش آمده ادامه دهید.

۳ در مورد روابط نظامی

از جمله برنامه تجهیزات نظامی با احتیاط کامل با ایران همکاری کنید.

... یک تماس دائم با شاه و مشاوران اصلی نظامی اش در مورد احتیاجات نظامی اش برقرار کنید تا درخواست برای فروش لوازم نظامی غیر لازم ننماید.

... خریدهای خارجی تجهیزات نظامی حال و آینده ایران را به دقت سرپرستی کنید.

... فعالیتهای نمایندگان تولید کنندگان اسلحه آمریکایی را به دقت دنبال کنید تا مطمئن شوید که آنها قوانین تازه فروش اضافی را در نظر می گیرند و دنبال راههایی می گردند تا تعداد آمریکایی ها را که در رابطه با کنتراتچی های دفاعی در ایران کار می کنند تقلیل دهند.

... تجهیزات نظامی ما را در رابطه با حصول این اطمینان که برای قوای مجاز نظامی ایران کافی باشند به دقت زیر نظر داشته باشید. البته این کار در چهارچوب راهنمای انتقال تجهیزات نظامی می باید عمل شود.

... همکاری نظامی ایران و آمریکا را دوباره امتحان کنید تا مطمئن شوید که در چهارچوب قانون عمومی

۹۲ ۹۵ عمل می کنیم.

... دولت ایران را تشویق کنید تا بدون اینکه به هیچ وجه وابستگیش و احتیاجش به کمک و راهنمایی ارتش ایالات متحده آمریکا کم بشود، مسئولیت بیشتری در مورد تکنیکهای مدیریت و برنامه ریزی و تشکیلات دهی کارمندان نظامی به عهده گیرد.

... برای آمریکا امتیازاتی در مورد پرواز بیش از حد هواپیماها در خاک و لنگراندازی کشتیهای نیروی دریایی در بنادر ایران به دست آورید.

۴ به دست آوردن موضع تعدیل شده ای برای ایران در منطقه

دولت ایران را برای ادامه برخورد تعدیل شده با درگیریهای اعراب و اسرائیل و پشتیبانیش برای مذاکرات صلح ما در خاورمیانه تشویق کنید.

... به ایران دستیابی به یک رابطه مثبت با اسرائیل از جمله صدور نفت به آن کشور را توصیه کنید.

... ایران باید با هر تغییر و تحول دوباره ای در پاکستان مخالفت کند.

از همکاری ایران با عربستان سعودی عمان و هر عرب دیگری در مورد امنیت خلیج فارس حمایت کنید و در جریان تحولات امنیتی که در عراق و دیگر کشورهای همسایه پیش می آید قرار داشته باشید.

... یک همکاری متعهدانه با افغانستان، پاکستان و هندوستان را در زمینه های سیاسی و اقتصادی تشویق کنید.

... ایران را تشویق کنید تا از سیاستهای اصلی ما در آفریقا حمایت کند.

۵ پیشرفت در اجرای برنامه حقوق بشر در ایران

... با شاه و دیگر مسئولان در موقعیت مناسبی راجع به سیاست حقوق بشر آمریکا که روی بهبودی حقوق بشر متمرکز شده باشد (که قابل دستیابی است) صحبت کنید و بگویید که این امر مخالف تغییر در

سیستم سیاسی می باشد (چون ممکن است باعث دخالت خارجی باشد و مثمرثمر نباشد). اینکه یک تصویر عمومی بدی از ایران در این مورد می تواند چه اثراتی روی موضع و موقعیت بین المللی ایران در آمریکا و مناطق دیگر داشته باشد را در نظر بگیرید.

***

نگاه دوباره به تاریخ تلگرام نشان می دهد که در آغازین روزهای انقلاب اسلامی ایران یعنی درست در هنگامه قیام خونین قم این برنامه ننگین در دستور کار سفارت آمریکا قرار داشته است. این سند وظایف سفارت آمریکا را بدین گونه شرح می دهد: سلطه بر بازار داخلی، چپاول نفت ارزان، تربیت مقامات تصمیم گیرنده به شکل آمریکایی، سرپرستی ارتش، گرفتن امتیاز جاسوسی و بالاخره حکومت کامل بر ایران.

در افشاگری شماره ۸ خطوط شیطانی سیاست آمریکا را در وابسته کردن ارتش کشورهای زیر سلطه نشان داده ایم. این سند نیز سیاست کلی آمریکا را در رابطه با سایر ارگانها ترسیم می کند و نشان می دهد که رئوس کلی برنامه آمریکا برای ایران چیست. نکته آنکه برنامه فقط خاص ایران نیست بلکه در تمام کشورهای زیر سلطه همین خطوط دنبال می شود. از این رو گذران هر ماه و سال اقتصاد و ارتش و سیاست

و فرهنگ کشورهای زیر سلطه را بیشتر وابسته به غرب، خصوصا آمریکا می کند. این سیر تا آنجا پیش می رود که مرگ همگانی فرا می رسد.

سند فوق با صراحت تمام حکومت انحصاری آمریکا بر بازار ایران سرپرستی ارتش ایران، سوق دادن اندیشه ایرانیان در جهت سیاستهای آمریکاییان و بالاخره بر هدایت شاه خائن و دولت آموزگار در خط سیاست کاخ سفید تأکید می کند. خصوصا قصد آن دارد که شاه و دولت او در صف متحدان نزدیکتر اسرائیل و آفریقای جنوبی در آیند. همچنین به عنوان یک برنامه عمل مشخص و مفید بر تماس هر چه بیشتر با جناحهای میانه رو داخلی و مراکز مهم نیرو در ایرانی که به اصطلاح مدرنیزه می شود اصرار دارد و در جای دیگر بر جلب هر چه بیشتر دانشجویان ایرانی به آمریکا و کنترل و تربیت آنها به شیوه آمریکایی تأکید می ورزد. خلاصه می کنیم:

این سند نشانه آخرین کوششهای امپریالیسم برای دربند کشیدن همه جانبه ملت ماست.

این سند نشانگر حرص پایان ناپذیر امپریالیسم در چپاول خلقها و اربابی بر آنها است.

این سند که طلایه دار برنامه های تمدن بزرگ است، به سادگی حکومت همه جانبه آمریکاییان را در این آب و خاک نشان می دهد آری آمریکا و نوکرانش حساب کرده بودند که با سلطه تمام عیار ملتی را در بند کشند و تا واپسین لحظات حیات بدوشند. اما کور خوانده بودند. خواست خدای مستضعفین، امامت خمینی بزرگ، اراده آهنین مردم و همت نسل جوان انقلابی همه نقشه هایشان را نقش بر آب کرد. از اینجاست که به عمق شعار عمومی انقلاب ایران (استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی) پی می بریم. این شعار که از متن توده ها بر می خواست به تمام برنامه های فوق جواب رد می داد. «نه» انقلابی امام انقلاب هم همه محاسبات را به هم می ریخت. از این رو واشنگتن نشینان هر روز عقب تر رفتند و نوکرانشان فرار را بر قرار ترجیح دادند و بالاخره آخرین پایگاهشان به دست فرزندان مسلمان انقلابی خلق سقوط کرد. فرزندانی

که به این جمع بندی نوین رسیده اند که پس از هر انقلاب آزادیبخش در جهان امروز اولین اقدام تسخیر جاسوسخانه امپریالیستها از جمله جاسوسخانه آمریکاست. اینکه ایران امروز می رود تا فردای خویش را در خارج از مدار وابستگی و قیمومیت، فقط متکی بر خویشتن خویش بنا نهد. بگذار تا روشنفکران غربزده که تحت تأثیر سیاستهای آمریکا قرار گرفته اند برنامه های استقلال طلبانه و متکی بر پایه ابتکار و قدرت توده هایمان را به ریشخند بگیرند. بگذار تا جیره خواران امپریالیسم از سیر به نظام اسلامی وحشت کنند. بگذار تا کج اندیشان ذهنگرای دنیا و جامعه مان حتی پس از گذار از یک انقلاب، ثابت و تغییر نایافته بمانند. گویی همه در خواب بوده اند. بگذار تا فرصت طلبان و میوه چینان تاریخ، هر روز به نحوی تقلا نمایند که رسم همیشه اشان است. بگذار که بلندگوهای امپریالیسم و صهیونیسم ما را به هر تهمتی متهم کنند. بگذار تا در دادگاههای بین المللی ابر قدرتها مجرم شناخته شویم که جرمها در نزد ابر قدرتها دقیقا اثبات پاکی و بی گناهیمان در پیشگاه خدا و خلق است و انقلاب اسلامیمان نیز علیرغم همه تلاشهای مذبوحانه شان شتاب گیرتر به پیش خواهد رفت.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

اطلاعیه افشاگری شماره ۱۱

بسم اللّه الرحمن الرحیم

در افشاگریهای قبل نوشتیم که تنها راه رهایی انقلابات آزادیبخش، خارج شدن از مدار روابط سلطه بین ابرقدرتها و خلق ستمدیده است. در همانجا یادآور شدیم که جاسوسخانه امپریالیستها مرکز توطئه و سازمان دادن ضد انقلاب است و نظر خود را مبنی بر مشروعیت و قانونی بودن تسخیر اجتناب ناپذیر جاسوسخانه آمریکا عرضه کردیم. اینک مدارکی را در معرض افکار عمومی قرار می دهیم که حتی ساده اندیشان را یقین حاصل آید که جز با بستن بی چون و چرای سفارتخانه آمریکا راه دیگری برای جلوگیری از توطئه و فساد نیست:

در اتاقک پشت اتاق ۲۲۵ ساختمان مرکزی سفارت، باقیمانده وسایل نابود شده ای به دست آمد که یقین حاصل شد در این بخش به جعل اسناد و مهر می پرداخته اند. در میان اشیاء درهم پاشیده، پاکتی را حاوی دو مهر یافتیم. همان طور که از کلیشه و عکس برمی آید، دو مهر مذکور، مخصوص پاسپورت است؛ که در موقع ورود و خروج افراد از مرزهای کشور باید پاسپورتها ممهور به آن مهر باشند. بنا به ادعای مقامات مهرآباد این مهرها فقط در اداره به خصوصی در جنب فرودگاه موجود است و مهرهای موجود در سفارت یا دزدی یا جعلی است. در پاکت مهرها صفحه ای که شامل تمام ترکیبات اعداد برای تاریخ است نیز پیدا شد. از شکل ظاهری مهرها برمی آید که بارها از آنها استفاده شده است.

اما مسئله این است که این مهرها به چه کار می آیند؟ واضح است که هر مسافر ایرانی یا خارجی مجبور است پاسپورت خود را با این مهرها ممهور کند. هرگاه دزد یا قاچاقچی یا جاسوسی از مرز وارد شود در هر نقطه امکان گرفتاری او می رود ولی یک مهر ورودی مهرآباد پاسپورت او را قانونی می کند. همچنین ممنوع الخروجها می توانند با مهر خروجی از مرز بگریزند و در خارج با پاسپورت قانونی ایران مسافرت کنند و ... حال این سؤال پیش می آید که چرا این دو مهر در سفارت سابق آمریکا پیدا شده اند. جواب این

سؤال با دولت و مردم آمریکاست. دولت آمریکا باید به این سؤال جواب دهد که چرا اجازه داده است سفرا و نمایندگان او در کشورهای دیگر دنیا دست به تقلب و جعل بزنند؟

۱ البته ممکن است بگوییم این مهرها از زمان رژیم سابق در اینجا بوده و تاکنون مانده است. ولی جواب این هم واضح است. اولاً: در رژیم سابق این کار لازم نبود چون نه تنها در فرودگاه بین المللی مهرآباد بلکه در تمام ارگانهای مهم مملکتی عمال آمریکایی از خود ایرانیان، مقدم تر و محترم تر به حساب می آمدند و از آن گذشته در آن زمان ایادی آمریکا و مزدوران سیا خود در رأس کارها بودند و احتیاج به چنین کاری نبود.

ثانیا: اگر احتمال داده شود که مهر از آن وقت تا حال در سفارت موجود است، خلاف بسیار بزرگی است که از جانب این لانه جاسوسی سرزده است. زیرا که مردم، انقلاب کردند تا به حکومت این جاسوسان، قاتلان و توطئه گران بین المللی خاتمه دهند و این خود دهن کجی به انقلاب، مردم، و اسلام و طرح ادامه توطئه و جاسوسی در بطن انقلاب اسلامی ایران را می رساند و بنابراین مسئولیت فرار افراد مزدور و خائنی چون حبیب اللهی (افشاگری شماره ۷) و دیگرانی که ممنوع الخروج بوده اند و مطابق اسناد مکشوفه همه با پاسپورت اقامت در آمریکا فرار کرده اند، با لانه جاسوسی آمریکا در ایران است.

آیا ملت آمریکا همه مسئولیت ناشی از فرار هزاران دزد، خائن و آدمکش جانی را از کشور ما

می پذیرد؟ آیا مردم آمریکا شرکت در جرم ورود غیر قانونی هزاران قاچاقچی حرفه ای و ضد انقلاب و جاسوس را به کشور ما می پذیرد؟ ما مطمئن هستیم که ملت آمریکا اگر آگاه شود و گول تبلیغات دروغین خبرگزاریها و مطبوعات وابسته به سیا و موساد را نخورد مقابل این بی قانونیها و توطئه های ضد انسانی خواهد ایستاد. خلق مسلمان ما هرگز گناه نابخشودنی همکاری و یاری با خائنان، قاتلان، جاسوسان و ضد انقلابیون را نخواهد بخشید و مصمم است تا این ریشه های گندیده را از بن بر کند.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

IN THE NAME OF GOD THE BENEFICIENT THE MERCIFUL

Disclosing Announcement No . ۱۱

In the previous exposures we explained that the only way liberation movements could be freed was out of the norms of dominance relations between the superpowers and the oppnessed peoples of the world and we noted that the embassy was the spy den of the imperialists , the center ot conspiracy and plots againts the Islamic Iranian Revolution and we presented the reasons which obliged us to occupy this den of espionage . Now we will present documents to the general opinion of the world, documents which prove that this place had to be closed so that plots end conspiracy would end. In the room behind room ۲۲۵ in the main

building of the embassy among the remaining material we found instruments which indicated

that in this place illegalacts of forging documents and stamps took place and we found an

envelope containing two stamps which are used when entering and leaving countries . The

authorities of Mehrabad claim that these stamps should only be found in the airport office . A

tablet containing all numbers for the dates was also found. Apparently the stamps hace been

.used before

But the problem is what are these stamps used for smugglerss and spies used these stamps

to enter the country and criminals wanted by the police use them to escape from the .country

Now one must ask why these two stamps were found in the former U.S embassy . The

American government and people must respond to this Question . The American government

must answer why it allows diplomats and representetives to forge documents of other

countries . Does the American people sands of thieves murderers and criminals from our

country? Do the American people accept participation, in the crimes of the illegal entry of

thousands of proffessional smugglers and antirevolutionaries and spies to our country. We are

sure that the American people if the become aware and understand the decieving nature of

the propaganda of agencies depending on CIA and Moussad they will then protest to these

illegual acts and in human plots. Our moslem nation will never forgive the crimes of the

coopration of the traitors . crimnals spies and is determined to uproot these corrupted

systems. Moslem students Following The Line of Imam

اطلاعیه افشاگری شماره ۱۲

بسم اللّه الرحمن الرحیم

در افشاگریهای قبل تا آنجا که مدارک و اسناد نشان می داد کوشیدیم خطوط کلی نفوذ امپریالیسم را در وجوه مختلف اقتصادی، نظامی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران و کلًا کشورهای جهان سوم تبیین کنیم تا این مدارک و اسناد بسیار ناچیزی که باقی مانده است بتواند رهگشای ملتهای اسیر و زیر سلطه ابرقدرتها به آزادی و استقلال گردد. با ارائه این سند خط جدیدی را نمایان می کنیم که سالهاست به عنوان یکی از پایه های اصلی سیاست خانمان برانداز امپریالیسم آمریکا (و قبل از آن انگلستان) در ایران دنبال گردیده است.

* * *

تلگرام از : سفارت آمریکا در تهران

به : بخش واشنگتن محرمانه

۱۶ نوامبر ۷۸ برابر با ۲۵ آبان ۱۳۵۷

۱ چندی پیش چند شب پی در پی مشاور سیاسی با محمد درخشش، رئیس کانون معلمین و سناتور محمد علی مسعودی، طرفدار مشهور شریف امامی و حامی شاه ملاقات کرد. در این ملاقاتها تمام مسایل هفده سال گذشته مطرح شد. درخشش پس از شغل وزارت فرهنگ (آموزش و پرورش)، دیگر پست دولتی نداشته و همان شغل را در کابینه علم نیز نپذیرفته است. او یک هفته پیش، پس از دو هفته بستری بودن در یک بیمارستان نظامی که به دلیل فشار خون آنجا بود، مرخص شده است. (چون او به خاطر مخالفتش توسط حکومت نظامی دستگیر شده بود.) او رهبر کانونی است که ۴۰۰۰۰۰ معلم در سراسر کشور عضو آن هستند. درخشش از افراد نادری است که می تواند نوعی سازماندهی به وجود آورد. او اشاره کرده است که شدیدا علاقه مند است که خط سازشکارانه ای را راه بیندازد که اجازه می دهد شاه

بماند و سلطنت کند نه حکومت. ولی دولت از تمام سعی های او و گروهش برای انتشار مطالب و فعالیتهای سیاسی جلوگیری کرده است.

۲ درخشش گروهی را که پیرو او هستند اکثریت معلمین می داند. اقلیتی را طرفدار گروههای کمونیستی و اقلیت بزرگتری را مذهبیهایی که به وسیله خمینی رهبری می شوند، می نامد. او افرادی را که شغلهایی در هفده سال گذشته در دولت داشته اند فاسد معرفی می کند و از تجربیات خودش مثال می زند. منجمله زمانی که حقوقش برای چند سال قطع شده بود و مجبور بوده با درآمد زنش زندگی کند. تمام این مسایل ظاهرا برای او زیاد ناگوار نبوده اند. آمادگی وی جهت دنبال کردن خط میانه ای که می تواند کشورش را از جهت گیری های افراطی ای که در حال حاضر به سوی آن رانده می شود، نجات دهد، مشاور سیاسی و آقای گریفین (مأمور بازرسی قسمت « ») را تحت تأثیر قرار داد.

۳ مسعودی که در جهت حمایت از نخست وزیری شریف امامی در پشت پرده فعال بوده است، اکنون هم با گروههای مخالف و هم با عناصر وفادار به فعالیتش ادامه می دهد. همچنین او نمایانگر وفاداری مداومی است که خیلی از ایرانیها نسبت به شاه دارند؛ با وجود اینکه تشخیص داده اند که او مرتکب اشتباهاتی هم شده است. مسعودی و دخترانش به تفصیل در مورد گناهان اطرافیان شاه که در دهه اخیر از

نقش خویش به عنوان واسطه ای میان شاه و مردم سود بسیار برند صحبت نمودند. هویدا مورد انتقادات شدیدی قرار گرفت.

۴ ما این دو ملاقات را گزارش می دهیم تا پیچیدگی وضع داخلی ایران را نشان دهیم. گروههای مختلفی از مردم هستند که شدیدا خواستار یافتن یک راه حل سازشکارانه که ضامن ماندن شاه و جلوگیری از پیروزی کامل خمینی شود می باشند. بسیاری از افراد توسط ما متقاعد شده اند که کمونیستها تدریجا امور دولت (آینده) را به دست خواهند گرفت؛ با وجود اینکه نقش نسبتا کمی در مخالفتها و قیام فعلی دارند. دیگر مردم می خواهند که از آنچه که ارتجاع (کهنه پرستی) مذهبی خوانده می شود جلوگیری کنند. همه تشخیص داده اند تا زمانی که اوضاع بدین منوال پیش رود اجرای نقش اصلی ممکن است به عهده نیروهای مسلح باشد.

سولیوان

همان طور که دیدیم آنها به انواع دسایس، مردان متنفذ و روشنفکران از خود بیگانه جامعه را به دام می انداخته اند؛ سیاست خود را به عنوان محور اصلی کار آنها ارائه می داده اند و زمینه را برای خود فروختگان مهیا کرده و با برنامه های زمان بندی شده آنها را بر گرده مردم محروم ما سوار می نموده اند. عمده این خود فروختگان، روشنفکران لیبرال و غربزده بوده اند که شدت خیانتشان از وابستگی کامل و عمله فکری بودن و هماهنگی و روابط حسنه داشتن با نمایندگان امپریالیسم متفاوت بوده است؛ ولی نهایتا همه این روشنفکران غربزده علیرغم تفاوتهایشان، در خط امپریالیسم و به منظور پیاده شدن طرحهای او کار می کنند و در مقابل مردم خویش و خط حرکت آنها ایستاده و می ایستند. در جریان انقلاب پر شکوه ملت ما نیز که آمریکای جهانخوار با توطئه های خود سعی در به انحراف کشاندن مسیر اصلی انقلاب داشت درصدد برآمده بود تا خط میانی (بختیار) را مطرح کرده و رشد دهد تا به عنوان پایگاه

سیاسی اجتماعی جهت بقای خود و منافعش مورد استفاده قرار دهد. ولی حرکت انقلاب خلق قهرمان

مجالی برای طرحهای جاسوسی آمریکا و دخالتش در خط امام نگذاشت. تنها چیزی که باقی ماند و پیروز

شد خط امام بود.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

IN THE NAME OF GOD THE BENEFICIENT THE MERCIFUL

Disclosing Announcment No .۱۲

In the former revealing of documents showed , the general lines through which imperialism

penetrated in the different economic , military, political, social and cultural aspects of Iran ond

generally thirdworld countries. so that these very few documents which remain could open the

path of the enslaved and oppressed peoples towards freedom and independance. By exposing

this document we clarify a new line which has for years been one of the basic pilars of the

.ruining policies of American (and before it English) Imperialism

Just as we will see in this document, they trap with different plots and conspiracies

influential men and alienated intelactuals and present their own polivies as the main basis of

these peoples work. Then they prepare the backfround for these agents so as to , in the

.proper time, impose them upon our deprived mation

country? DO the American people accept participation, in the crimes of the illegal entry of

thousands of proffessional smugglers and antirevolutionaries and spies to our country . We

are sure that the American people if they become aware and understand the decieving nature

of the propanganda of agencies depending on CIA and moussad they will then protest to these

.illegal act in human plots

. Our moslem nation will never forgive the crimes of the cooperation of the traitors

.Criminals spies and is determined to uproot these corrupted systems

Moslem Students Following The Line of Imam

اطلاعیه افشاگری شماره ۱۳

ص: ۳۱

بسم اللّه الرحمن الرحیم

ملت به پا خاسته ایران، مردم آمریکا:

در افشاگریهای شماره ۲ و ۴ نشان دادیم که مقامات عالیرتبه وزارت امور خارجه آمریکا خصوصا، آقای ونس، از مدتها قبل نقشه بردن محمدرضای فراری را به آمریکا طرح کرده بودند.

در سندی که ارائه می گردد می بینیم که چگونه تبهکاران آمریکایی، مریضی شاه را بهانه قرار داده تا شاید ملت ایران و افکار عمومی جهانیان را گول بزنند. باشد تا انتشار این مدرک نقشه فریبکاران را نقش بر آب کند.

***

سریسندسپتامبر ۷۹(۸/۷/۵۸)

از: کاردار

به: نیوسام (کد)

درباره شاه ایران

۱ این موضوع کاملاً سری است.

۲ من تغییرات چندانی در اعمال مقامات رسمی و مردم ایران نسبت به آمدن شاه به ایالات متحده با آنچه (اطلاعاتی) که در اواخر ژوئیه گذشته برایتان فرستادم مشاهده نکرده ام. قانون اساسی به تأخیر افتاده و احتمالاً دولت جدید تا اواخر امسال روی کار نخواهد آمد. روابط ما فقط به آرامی پیش می رود و تازه به آن اندازه نیست که بخواهد با وارد شدن شاه از بین برود.

۳ در حال حاضر روحانیون در قدرت هستند و من می ترسم که اگر ما اقدامی درباره شاه انجام دهیم جو عمومی بدتر شود؛ زیرا خمینی در هفته گذشته در مصاحبه اش با اوریانا فالاچی با لحن خیلی شدیدی

شاه را به عنوان یک فرد خائن که ۵۰ سال جنایت کرده محکوم کرد و گفت باید به کشور برگردد.

۴ با جو به وجود آمده و تغییر شکل افکار عمومی به وسیله کسانی که نفوذ و کنترل افکار عمومی را در دست دارند من فکر می کنم که اگر شخص شاه به عنوان مریضی به آمریکا بیاید، آمدنش اثر چندانی در عکس العمل مردم ایران نخواهد داشت اگر ما او را به صرف برخورداری از حقوق بشر بپذیریم احتمال می رود موضع دفاعی ما هم بهتر شود.

۵ صرف نظر از گفته های بالا همان طور که شما یادآور شدید اگر ما قصد پذیرفتن شاه را حتی برای مدت کوتاهی هم داریم بایستی موضوع را به آرامی با دولت ایران فورا در میان بگذاریم که این موضوع از اهمیت زیادی برخوردار است. اگر ما بخواهیم چنین کاری را انجام دهیم و اگر آمدن شاه به آمریکا فوری است بهترین وسیله برای جستجوی راه مذاکره با دولت ایران این است که سایروس ونس موضوع را با یزدی، زمانی که او را در سوم اکتبر می بیند در میان بگذارد.

(لینگن)

از کلیه خلقهای آگاه دنیا خصوصا آزادیخواهان جهان خواستاریم تا هیأت حاکمه آمریکا، به ویژه کارتر را به علت توطئه علیه انقلاب و مردم ایران به محاکمه کشند.

از آنجا که شورای امنیت سازمان ملل متحد نمی تواند در مقابل خواست توده های به پا خاسته ایران

مبنی بر استرداد بی چون و چرای محمدرضای جنایتکار قاطعانه رسیدگی کرده و دولت آمریکا را به علت

توطئه مسلمش، بر اساس قوانین بین المللی محکوم نماید، ملت آمریکا نیز باید کارتر و هیأت حاکمه

واشنگتن نشین را به خاطر دروغگویی به همه جهانیان زیر لوای گول زننده حقوق بشر رسوا کند.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

IN THE NAME OF GOD THE BENEFICIENT THE MERCIFUL

Disclosing Announcment No .۱۳

Revolutionary people of Iran American people we have reveaxled in the previous exposures

that high authorities of the American state Department specifically Vance had planned from

. long ago to take the fuaitive Mohammad Reza to the United States

In the document which will be disclised we see hoe the American criminals give assylum to

the shah under the pretext of sickness so to decieve the general opinion of the world we hope

.the exposure of this dicoment will unravel the plots of imperialism

We demand from all enlightend nations of the world specifically the freedom seekers to

.put the ruling class of America and especially Carter on trial

Since the Security Council of the United Nations cannot reply to the persistent

demands

of the masses of the Iranian people based on the excondemn U.S. government for its crimes

.according to international laws

.The American people must expose carter and the under his cover of humanrights

اطلاعیه افشاگری شماره ۱۴

بسم اللّه الرحمن الرحیم

سفارت آمریکای جنایتکار در خدمت چه کسانی بوده است؟ این جاسوسخانه مجهز منافع چه اقشاری از جامعه ما را تأمین می کرده است؟

حال که توطئه های کثیف آمریکا برای توده های به پا خاسته ملت ما روشن گردیده، پاسخ روشن است.

سفارت آمریکای جنایتکار در خدمت امپریالیسم خونخوار و منافع سرمایه داران مستکبر و آدمخوار آمریکایی و سازمان سیای آمریکا و ایادی مزدورش در ایران بوده است.

جای تعجب نخواهد بود که بعد از انقلاب اسلامی هم پایگاه امپریالیسم خونخوار آمریکا در ایران در بین سرسپردگان شاه خائن، افراد جنایت پیشه ساواک و عناصری که عمر خود را در خدمت طاغوت در رژیم سرسپرده شاه خائن گذرانده اند، باشد. اسناد زیر روابط کنسولگری آمریکا در ایران و دیگر کشورها را با فراریان تبهکار و مزدوران ساواک و وابستگان آمریکا و رژیم شاه سابق روشن می کند. این اسناد حاوی سفارشات و برنامه هایی است که حکومت گران خائن آمریکا در واشنگتن برای سفارت خانه های مزدور ایران و دیگر کشورها فرستاده اند و از آنها خواسته اند که برای عناصر خائن ساواک، فراریان تبهکار و وابستگان به آمریکا و رژیم خائن پهلوی ویزای مخصوص صادر نمایند تا کمکهایی به آنها در جهت ادامه خیانت و فرار جنایتکارانه اشان باشد.

***

سند شماره یک

تاریخ: ۲۶ سپتامبر ۷۹ مطابق با ۴ مهر ۵۸

از: سفارت آمریکا در ایران

به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی سی. فوری

قابل توجه سفارتخانه های آمریکا در رم و فرانکفورت

موضوع: دادن ویزا به عوامل رژیم سابق

۱ این موضوع فقط می تواند در دسترس افراد ذیصلاح سفارت قرار گیرد.

۲ مراجع اطلاعاتی الف (A) و دال (D) دادن ویزای مشروط و یا ویزای پناهندگی به سیاستمداران رژیم سابق و اعضای ساواک تحت رهبری شاه را تقاضا دارند.

هدف از سند تلگرافی ب (B) این بود که به اطلاع ایرانیان مقیم فرانکفورت برساند که وزارت امور خارجه آمریکا ممکن است دادن ویزاهای مذکور را مورد بررسی و پذیرش قرار دهد. سند تلگرافی پ (P) حاکی از این است که همه گونه تقاضا از طریق مجاری خاص وزارت امور خارجه آمریکا انجام می شود.

۳ قبل از شروع ناآرامی ها که در اوایل سال مسیحی در تهران انجام گرفت، سفارت مجبور شد که پرونده ها را یا نابود کند و یا به واشنگتن بفرستد و لذا بررسی حقیقی آنها تنها با مراجعه به پرونده های وزارت امور خارجه در واشنگتن ممکن است. وزارت امور خارجه بخواهد فرصت را غنیمت شمرده و با ویزاهایی از این قبیل موافقت نماید؛

لینگن (کاردار سفارت)

ص: ۳۴

سند شماره ۲

۷ آگوست ۱۶ مرداد ۵۸

از: وزارت امور خارجه آمریکا

به: سفارت آمریکا در ایران

موضوع: ویزا برای علیرضا و مریم ایزدپناه

ما مطلع شده ایم که علیرضا و مریم ایزدپناه برای تقاضای گذرنامه غیر مهاجرتی در ۸ اوت قرار ملاقاتی داشته اند.

آنها باید همراه مادرشان خانم عظیمه کمیلی که فعلاً ویزا دارد باشند. مریم و علیرضا فرزندان آقای ایزدپناه هستند که قبلاً معاون سازمان هواپیمایی کشوری بوده است. ایزدپناه تا ۱۸ فوریه مطابق با ۲۹ بهمن ۵۷ خیلی امیدوار بود که معاون قسمت هواپیمایی نیروی هوایی در تهران شود و او در نیروی هوایی مشهور بوده است و فعلاً در آمریکا است. هر نوع کمکی که می توانید انجام دهید باعث قدردانی خواهد شد. می بینیم که چگونه وزارت امور خارجه آمریکا سعی در همکاری با یاران شاه خائن و مزدوران ساواک یا دیگرانی که به آمریکا پناه می برند دارد.

بدین گونه است که ملت به پا خاسته ایران می بایست با مبارزه گسترده ضد امپریالیستی خود به رهبری پیامبرانه امام خمینی بر منافع شیطان بزرگ یورش برد، که برده است و تا متلاشی کردن آن از پای نخواهد نشست.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

IN THE NAME OF GOD THE BENEFICIENT THE MERCIFUL

Disclosing Announcment No .۱۴

Who has the criminal Embassy of the U. S. of America served? What portion of our society has been secured by this moblizied espionage house? Now that the dirty plots of the Ameican Government has been known for our raised people the answer is clear, the Embassy .of United States has secured the imperialism, the CIA and its agents in Iran

It would not be surprising that after the Islamic Revolution in Iran also we could see the bases of the Omperialism among the shah,s regime supporters that have spent their life in serving the shah,s regime. The following documents show the relation ship between the American .consulate in Iran and other elements who spent their life serving the oppressors

These are including the plot of the treacherous of American Government in Wash D. C . for the Embassy of U. S. in Iran and other countries , that has asked them to issue the special Visa for the Iranian criminals and traitors to the country, who have been working for SAVAK . to help them to continue their treacherous activities ,

اطلاعیه افشاگری شماره ۱۵

بسم اللّه الرحمن الرحیم

به پاخیزید ای دریای بیکران انسانها (امام خمینی)

ملتهای جهان:

در طول تاریخ همواره ملتها قربانی یک اقلیت قدرتمند بودند. به عبارت دیگر تاریخ نمایانگر مبارزات ملل محروم برای به دست آوردن آزادیشان از چنگ قدرتهای سلطه گر است. همان طور که سال گذشته در ایران شاهد بودیم عزم و ایمان یک ملت در برابر عظیم ترین قدرتها مبارزه کرد و بالاخره پیروز شد.

در این سند می خواهیم از یکی از عملکردهای امپریالیسم در قبال ملل محروم پرده برداریم.

امپریالیسم برای تثبیت مواضع خود شبکه های جاسوسیش را در تمام جهان گسترش می دهد. در CIA پیچیده ترین این نهادهاست. هر کجا که سرکوبی بیرحمانه ملل صورت می گیرد رد پای پیداست. CIA آنجا در شیلی در زمان دکتر آلنده، در ایران در زمان مصدق یعنی زمانی که شاه را در اعمال شکنجه و اختناق یاری کرد و حتی در طی انقلاب اسلامی ما به رهبری امام خمینی که با دادن بیش از شصت هزار شهید و صدهزار زخمی پیروز شدیم، آمریکا لحظه ای دست از حمایت این جنایتکار نکشید و بعد هم که در مسایل این عروسک با همّت ملت ایران از کار برکنار شد باز نقض آشکار CIAداخلی ما دخالت می کند و این همه حقوق بشر است.

و جالب اینجاست که هدایت و رهبری این عملیات توسط افرادی صورت گرفته که داعیه حفظ حقوق بشر دارند. در این سند می بینیم که سیا برای پیاده کردن نقشه های شوم خود از سفارت استفاده می کند.

سند شماره ۸۹۳۳

از: سفارت آمریکا در تهرانتاریخ ۱۹اگوست ۷۹

به: وزیر امور خارجه واشنگتن دی سی

گزارشگر

موضوع مأموریتهای اس. آر. اف

۱ متن کامل

۲ من درباره مأموریت (مالکوم کالپ) و (ویلیام دارتی) آنچنان که در تلگرافهای قبلی تشریح شده بود، موافق هستم.

۳ با موقعیتی که در اختیار داریم، به این مضمون که ما با یک سابقه روشن و پاک تحت پوشش SRF این مأموریت را آغاز می کنیم، اما با در نظر گرفتن حساسیت بسیار شدید محلی نسبت به هرگونه اشاره از فعالیت CIA انتخاب بهترین پوشش تا آنجایی که برای ما مقدور است از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. بنابراین عنوانهای دبیر دوم و دبیر سوم برای این دو مقام مسئول جای هیچ گونه سؤال و ابهامی را باقی نمی گذارد. ما باید آن را داشته باشیم.

۴ من معتقدم که مأموریتهای ترتیبات پوششی تحت عنوان مأموریت داخل سفارت روی هم رفته متناسب با نمودار شغلی فعلی سفارت هست. هرحال برای آینده قابل پیش بینی، به همین تعداد چهار افسر

SRFبسنده نماییم و همچنین کارمندان کمکی را تا آنجائی که امکان دارد از هم جدا و متفرق نگه داریم تا اینکه ببینیم مسایل چگونه پیش می رود.

۵ ما کوشش می کنیم که اطلاعات نسبت به مأموریتهای SRF را به داخل سفارت محدود کنیم. این کوشش مشخصا به DAUGHERTY مربوط است. متعاقب برنامه جدیدی است که او DAUGHERTY حاصلی از آن است و درباره آنها به من اطلاع داده شده است.

۶ من تصور می کنم لزومی ندارد که به وزارت یادآوری نمایم که مسئله قدیمی و در ظاهر غیرقابل حل انتصاب کارمندان SRFناگزیر پیچیده خواهد شد و تا حدودی سبب تضعیف کوششهای پوشش محلی ما خواهد شد و کوششهای ما در این مورد تأثیری نخواهد داشت. (هر چه کار کنیم این مشکلات خواهد بود) همان طور که سند نشان می دهد سیا مأمورهای مختلفی به عنوان کارمند سفارت داشت که برای هر کدام پوششی معین کرده بود تا ماهیت واقعیشان آشکار نگردد. این پوششها برای فریب ملتها و توجیه اعمال سیا به کار می رود. این مدارک هشداریست به تمام ملل ستمدیده و فریب خورده که به پا خیزند و در مورد ماهیت سفارتخانه های آمریکا در کشورشان به جستجو بپردازند.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

IN THE NAME OF GOD THE BENEFICIENT THE MERCIFUL

Disclosing Announcment No .۱۵

In this document we will expose one of the acts of imperialism . afore the oppressed .peoples

To secure its untrests imperialism spreads spy networks in all of the world. The CIA is the

most sophisticated of these. Any where there is a ruthless opression of the people footprints

of the CIA are left behind in chilie at the time of Dr . Allendeh in Iran . at the time of

Mossadegh when the CIA helped the shah in acts of oppression. Even during the Islamic

revolution led by Imam khomeini which succeeded after ۶۰ thousand matyrs were given and

thousand were handicapped the u. s. did not stop supporting this criminal fotr a ۱۰۰ moment

and later when this puppet was overthrown with the will of the Iranian people the CIA

continued its involvement in our internal affairs and this is all enidenvt violation of

humanrights. And it is interesting to note that the these acts were led by people who see that

.the CIA uses the embassy for carrying out their dreadful plots

.Rise oh Infinite Ocean Of Humans

»Imam khomeini«

! Peoples of the world

.In the course of history, peoples have always been victims of a poverful minority

In other words history reflects the struggles of deprived peoples , seeking to obtain the

freedom from the claws of the dominating powers Just as we witnessed last year the will and

.faith of a nation struggle afore the strongest powers and succeeded finally

اطلاعیه افشاگری شماره ۱۶

بسم اللّه الرحمن الرحیم

آمریکای جنایتکار در ایران چه می کرده است؟ اطلاعات خود را از چه منابعی کسب می نموده است؟

این اطلاعات جاسوسی را در خدمت چه کسانی به کار می گرفته است؟

با افشاگریهایی که در طی انقلاب اسلامی ایران از ساواک جهنمی شاه خائن صورت گرفت، روشن شد که ساواک اطلاعات و خبرهای خود را از شبکه منابع و خبرچینها و افرادش که در تمام قسمتهای مختلف مملکتی حضور داشتند دریافت می نموده است. از آنجایی که ساواک دست پرورده سازمان CIAبوده است، پیداست که سفارت آمریکا این مرکز جاسوسی سازمان سیا با همکاری ساواک دارای شبکه های جاسوسی و افراد خودی و وابسته و خبرچین و انواع و اقسام منابع خبری بوده است که اطلاعات جاسوسی و خبرهای دست اول را در اسرع وقت به سفارت می رسانده اند. مزدوران خائنی که به طرق مختلف در خدمت بیگانه و بر علیه ملت مسلمان ایران فعالیت می کردند ولی پس از انقلاب در مقابل مشت گره کرده و اراده آهنین خلق رزمنده و انقلابی ما عقب نشسته اند؛ اما هنوز از بین نرفته اند. سند ذیل نشان دهنده سردی روابط بین شبکه ها و منابع جاسوسی با سفارت است.

سند

محرمانه

از: سفارت آمریکا در تهران

به: واشنگتن

موضوع: از بین رفتن منابع اطلاعاتی سفارت

۱ کل مطلب محرمانه است.

۲ خلاصه از نتایج تیره شدن روابط میان ایران و آمریکا مشکلات مربوط به تمایل ایرانیان به ملاقات

با کارمندان سفارت آمریکا است. این مشکلات همان طور که در تلگرافهای قبلی گفته شده رو به افزایش است. اصرار در مورد منصوب کردن (کاتلر) به عنوان سفیر آمریکا و اتهامات مداومی که به آمریکا و سازمان سیا در مورد دخالت در امور ایران می زنند ترس ایرانیان را از دیده شدن یا صحبت کردن با کارمندان سفارت به حد زیادی افزایش داده است تا جایی که این موضوع به نابودی زحمات ما در جمع آوری اطلاعات می انجامد.

۳ عواقب نامطلوب تیره شدن روابط ایران و آمریکا خیلی از منابع اطلاعاتی خوب ما را از بین برده است و بی علاقه بودن عده ای از ایرانیان در برخورد و صحبت کردن با کارمندان سفارت آمریکا را افزایش داده است. این عکس العملها از زمان تصمیم ۱۷ ماه مه سنای آمریکا (محکوم کردن اعدامهای دادگاه انقلاب) شروع شد و سپس با تظاهرات در مقابل سفارت آمریکا در تاریخ ۲۴ و ۲۶ ماه مه و آنگاه نظرات یزدی درباره کاتلر در مطبوعات و حمله شدید رسانه های گروهی اوج گرفت. این عمل موقعیت ما را به طور قابل ملاحظه ای متزلزل کرده است، حتی بدتر از اوایل انقلاب.

۴ یکی از کارمندان قسمت اقتصادی که چهار سال سابقه تجربه کاری دارد می گوید خیلی از ایرانیانی که قبلاً با او در اداره شان قرار ملاقات می گذاشتند و یا تلفنی به تقاضاهایش پاسخ می دادند حال حداکثر

می توانیم از ایشان تقاضای ملاقات خصوصی و یا مکالمه تلفنی در شب بکنیم.

آنها عموما از صحبت کردن درباره مسایلی که شش یا هشت ماه پیش آزادانه با ما در میان می گذاشتند اکراه دارند. اگر چه تعدادی از آنها به واسطه روابط گرم با ما خجالت می کشند که قرار ملاقاتهای تجارتی و معمولی را رد کنند بنابراین مدام آن را به عقب می اندازند. یک کارمند فارسی زبان شرکت نفت که سه سال کارآموزی دیده عینا مشکلات فوق را در مورد تماسهای زیادی که داشته گزارش می دهد. بعضیها دیگر دسترسی به منابع اطلاعاتی سابق را ندارند و تقریبا تمامی آنها از صحبت کردن با ما اکراه دارند.

۵ تمامی کارمندان قسمت سیاسی همین پدیده را مشاهده نموده اند. در خیلی از موارد منابع اطلاعاتی ما کشور را ترک کرده اند. حتی کسانی که مدت چهار سال دوستی نزدیک با کارمندان بخش سیاسی سفارت داشته اند علاقه ای به ملاقات با این کارمندان نشان نمی دهند؛ گر چه تعدادی از آنان به ملاقات خصوصی با کارمندان سفارت در منازل خود علاقه مندند. البته بعضی افراد هنوز مایل به ادامه ملاقات با کارمندان بخش سیاسی هستند ولی آنها کافی نبوده مضافا براینکه این افراد کسانی نیستند که ما علاقه مند به ملاقات آنان باشیم. کارمندانی هم که مدت زیادتری در تهران بوده اند این واکنش را حتی از دوستان قدیمی خود دیده اند.

۶ کاردار در مورد تعدادی از سفرای قبلی ایران که او سابقا با آنها در تماس بوده و آنها را می شناخته، می گوید هیچ کدام از آنها بعد از برگشتن به ایران با ما تماس نگرفته اند. یک سفیر بازنشسته خبره به کارمند ما گفته است که خیلی از همکارانش تماس با سفارت را یک کار خطرناک در جمهوری اسلامی ایران تلقی می کنند. باید دید به جای کسانی که با ما همکاری داشته و در ماه آینده ایران را ترک خواهند کرد چه تعداد از ایرانیان با ما همکاری خواهند کرد.

۷ تجربیات گذشته در به دست آوردن اطلاعات از مسایل یهودیهای ایران یکی از بهترین موارد بوده

است. ولی وقتی که ما به دنبال پیدا کردن چند منبع اطلاعاتی بودیم تا به ما کمک کنند، آنها همگی از عواقب ناشی از تماس با آمریکا که متوجه آنان خواهد بود نگران بودند.

۸ بعضی از منابع خبری در تهران اشاره کرده اند به اینکه سوءظن همکاران و دوستانشان نسبت به آنان رو به افزایش است. این حالت مخصوصا در دانشگاهها به شکل حادّش بروز کرده است. جایی که افراطیون، روشنفکران را از مواضع ضد آمریکایی مورد حمله قرار می دهند. آن طور که یکی از منابع خبری گزارش می دهد حتی کسانی که بیشتر در جریان کار قرار دارند با این موج از بین می روند.

۹ شک نیست زمینه ای که در جریان این وقایع شکل می گیرد به دست آوردن اطلاعات مورد نیاز ما را بسیار مشکل می کند؛ گر چه هنوز شرایط به سطح بعضی از کشورهای جهان سوم که آنها روابط کارکنان سفارت و مردم محلی را شدیدا تحت کنترل دارند نرسیده است ولی فشارهای چند هفته اخیر، ایران را بسوی چنان موقعیتی سوق می دهد.ناس

با توجه به سند بالا که گوشه ای از روابط شبکه های جاسوسی و اطلاعاتی آمریکا را در ایران مورد تأیید قرار می دهد آیا واشنگتن نشینان، خصوصا آقای کارتر، هنوز نمی خواهند باور کنند که اینجا جاسوسخانه بوده است؟

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

IN THE NAME OF GOD THE BENEFICIENT THE MERCIFUL

Disclosing Announcment No. ۱۶

What Was the criminal American Government doing in Iran? How have they been gathering their information and how have they been using these Intelligence Reports . With revealing the Shahs SAVAK during the revolution in Iran , it became clear that SAVAK has been recieveing his informatin from its sourses in all of the part of the country . As SAVAK was brougth up by CIA it is clear that the U. S. embassy, this den of Espionage of the CIA with cooperating with SAVAK has had spy network and all kind of information sources in Iran. Who have been delevering the Intelligence Reports and First _ hand information to .them

The traitors, who have been inserving the foreigner have been against the Moslem people of Iran. But after the revolution they were set back by the clenched fist and strong will of the militant and revolutionary Moslem Iraninan people , But they are not destroyed yet. The

following documents show the relationship between their intelligence network and the

.American Embassy in Iran

اطلاعیه افشاگری شماره ۱۷

بسم اللّه الرحمن الرحیم

امپریالیسم خونخوار آمریکا از همه امکانات خود جهت رخنه در تار و پود ممالک زیر سلطه استفاده می نماید و این عملکرد را پس از انقلاب ملتها نیز ادامه می دهد تا بتواند به وسیله اطلاعات حاصل از جاسوسی در ارگانهای کشوری و لشکری سلطه مجدد خود را بر اقتصاد و سیاست آنان برقرار سازد. در ایران نیز آمریکای جنایتکار بخش کنسولگری سفارتش که مسئولیت ویزا دادن به ایرانیان را داشته است، جهت مسافرت به آمریکا جهت اجیر کردن تعدادی از افراد فعال، آنها را به مهره های جاسوسی به نفع آمریکا تبدیل می کرده است. معمولاً کنسولگری ها بعد از بررسی مقدماتی مبادرت به صدور ویزا می کنند ولی کنسولگری آمریکا در ایران پس از انقلاب از این حربه استفاده نموده و درصدد گرفتن امتیاز در قبال صدور ویزا برآمده است.

یعنی بعضی از افرادی را که می توانند اطلاعات مفیدی به سفارت بدهند اجبارا منبع خبری نموده و به جمع آوری اطلاعات دست اول از ایران واداشته است. به عبارت دیگر ویزا به شخص مورد نظر با کسب اطلاعات دست اول و مفید معامله می گشته است.

بدین وسیله سفارت، افراد مورد نظر را تبدیل به مزدور خود کرده و از آنان قول همکاری با آمریکا و خیانت بر علیه انقلاب اسلامی ایران می گرفته است.

سند ذیل این عمل کثیف را نمایان می کند:

سند شماره ۱

محرمانه ۱۸ سپتامبر ۱۹۷۹ مطابق با ۲۷/۶/۵۸

از: سرهنگ شیفر وابسته امور نظامی دفاعی در نیروی هوایی آمریکا

به: تمامی وابسته های دفاعی آمریکا در تهران

موضوع: شرایط قبول توصیه برای صدور ویزا

عطف به: نامه سرکنسول مورفیلد درباره همین موضوع مورخه ۱۹ آگوست ۱۹۷۹

۱ این نامه شامل راهنماییهایی به وابسته های نظامی آمریکا می باشد تا در توصیه هایی که برای صدور ویزا می نماید آن را رعایت کنند.

۲ وابسته های نظامی آمریکا درباره فامیل درجه یک افراد زیر می توانند رأی صدور ویزا توصیه نمایند:

الف: افراد ارتش، ژاندارمری و شهربانی ایران که از سرگرد به بالا باشند.

ب: افراد هواپیمایی کشوری.

ج: افراد دیپلمات درجه یک ایرانی یا خارجی که با دفتر وابستگان نظامی آمریکا همکاری مستقیم داشته باشند.

دوستان افراد فوق الذکر از این قاعده مستثنی هستند.

توصیه برای صدور ویزا تنها برای افرادی پذیرفته می شود که اطلاعات جاسوسی مفیدی برای آمریکا داشته باشند. متقاضیانی که مشخصات بالا را نداشته باشند اما دارای موقعیتهای فوق العاده ای باشند

(مانند همافرهایی که اطلاعات باارزشی برای ما تهیه نموده اند) باید توسط سرهنگ شیفر تأیید شوند.

متقاضیانی که دارای شرایط ذکر شده در قسمت الف و ب و ج باشند باید قبل از مراجعه به اداره کنسولگری توسط وابسته دفاعی یا معاون او مورد تأیید قرار گیرند.

۳ بخش صدور ویزا می تواند به عنوان وسیله ای برای جمع آوری اطلاعات جاسوسی مورد استفاده قرار گیرد؛ اطلاعاتی که معمولاً دسترسی به آن از راههای دیگر امکان پذیر نیست و باید توجه داشت که صدور ویزا مورد استفاده شخصی افراد قرار نگیرد. افراد تنها وقتی برای ما مهم هستند که اطلاعات جاسوسی باارزشی فراهم نمایند و یا راهی برای رسیدن به این اطلاعات ارائه دهند.

من در این معامله پایاپای (گرفتن اطلاعات در مقابل صدور ویزا) انتظار دارم گزارشهای مفیدی به دست آید.

۴ دفتر وابسته نظامی می باید توجه داشته باشد که در هفته بیش از ۵ توصیه برای صدور ویزا نداشته باشد. به افرادی که دارای شرایط مذکور در قسمت الف و ب و ج نبوده ولی از دوستان نزدیک وابسته دفاعی آمریکا هستند می توان کارت مصاحبه با کنسول را به آنان داد. در هر حال نباید بیش از یک کارت در روز از طرف دفتر وابسته دفاعی برای مصاحبه صادر شود.توماس شیفر

سند شماره ۲

محرمانه اکتبر ۷۹ (مهر ۵۸)

از: واشنگتن (وزارت امور خارجه)

به: سفارت آمریکا در تهران و سفارت در رم و فرانکفورت

تلگرامی است از آقای ونس وزیر امور خارجه آمریکا به سرکنسول در ایران.

ایشان در این تلگرام از سرکنسول خواسته اند تا در صدور ویزا برای اعضای رژیم سابق

دقت بیشتری بخرج دهند تا شایسته ترین افراد انتخاب گردند.

موضوع: دقت در صدور ویزا برای اعضای سابق رژیم

وزارت امور خارجه هنوز بر این عقیده است که اگر سرکنسول در حین مصاحبه با افراد رژیم سابق جهت صدور ویزا آنها را شایسته ندید، باید نظر مشاور امنیتی یا بررسی سابقه افراد به وسیله وزارت امور خارجه و یا منابع اطلاعاتی دیگر خواسته شود.ونس

در این سند اشاراتی به بعضی از خائنین به ملت و انقلاب اسلامی ایران، از جمله گروهی از افراد ارتش رفته است که لازم به تذکر است نیروهای انقلابی در ارتش به ویژه برادران همافر در نیروی هوایی باید نقش بسزایی در شناسایی این افراد خودفروش و خیانت پیشه به عهده داشته باشند.

اینک بر مردم مسلمان ایران و همه مردمان جهان به خصوص آمریکاست که قضاوت کنند که وادار کردن سرسپردگانی چند، به جاسوسی علیه انقلاب اسلامی ایران چه معنایی می دهد؟

این عمل، خیانت آشکار به ملتی است که برای کسب استقلال و آزادی به پا خاسته است. از این روست که مردم مسلمان ایران می دانند که فقط با قیام سراسری خود به رهبری قاطع امام خمینی علیه آمریکای جنایتکار است که می توانند همه توطئه ها و خیانت های شیطان بزرگ را در هم کوبند.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

IN THE NAME OF GOD THE BENEFICIENT THE MERCIFUL

Disclosing Announcment No. ۱۷

The American Blood thirsty Imperialism has been using all its facilities to penetrate in all

aspects of the dominated country and the have countinued after the revolution of the ,people

They have countinued their activities, to be able to govern the political and economical policy

of these countries by getting the intelligence reports from their Agents. In Iran the criminal

American government in its visa section in the U. S. Embassy in Tehran has been

cooperationg with the shag,s regime Agents and has used them as the intelligence .sources

Also they tried to get the information from the top Iranian officials in exchange of Visa The

people who could give the helpful information to the American Embassy were forced to

become a source of Information. They have been dealing the visa with Intelligence .Reports

Through this way , the American Embassy changed cooperation with U. S. against the Islamic

Iranian revolution. The following documents show these dirty activities

اطلاعیه افشاگری شماره ۱۸

ص: ۴۳

بسم اللّه الرحمن الرحیم

۱۵/۹/۷۸

مردم آگاه جهان

ما می خواهیم پرده از اعمال ننگین دولت آمریکا برداریم. ما می خواهیم بگوییم که آمریکا علیرغم ادعای حقوق بشر، نه تنها به حقوق بشر اعتنایی ندارد، بلکه حقوق همه ملتها را زیر پا می گذارد. آمریکا به هیچ قانون مشخصی پای بند نیست او فقط درصدد حفظ منافع خویش است.

دستگاههای تبلیغاتی بزرگ عالم نیز که در اختیار سرمایه داران و نفت خواران بزرگ جهان قرار دارند، همواره حقایق را از چشمهای مردم دور نگه می دارند و در عوض سعی داشته اند و سعی دارند که با جعل اخبار و تحریف آن، حقایق را دگرگون جلوه دهند. در مورد حقی که ملت ایران یعنی ۳۵ میلیون انسان برای آن به پا خاسته اند، دولت آمریکا و دول متحد او و سازمانهای بین المللی که در دست آنهاست، دارند ملتهای جهان را فریب می دهند و عمل حق طلبانه ما را نوعی آنارشیسم تروریسم و نقض قوانین بین المللی تلقی می کنند و این بر مردم جهان است که حقیقت را از زبان ملتها بشنوند.

ما خواهان استرداد شخصی هستیم (شاه مخلوع) که بیش از سی و هفت سال به دستیاری آمریکا بر این مملکت جنایت کرد. در دو سال آخر انقلاب ایران بیش از شصت هزار نفر از مردم ایران را کشت. ما صدها هزار مجروح و علیل بازمانده از دوران انقلاب داریم. سیاه چال های رژیم او پر بود از جوانان ما. پاهای جوانان ما را اره کردند. در کدام مملکتی و کدامین دیکتاتور، کودکان چند ماهه را در آغوش مادرانشان به قتل رساندند؟ در منطق کدام دیکتاتور و کدامین خون آشام جواب مشتهای مردم را با گلوله ها و سلاح های آمریکایی پاسخ گفتند؟ آیا کارتر و طبقات حاکمه آمریکا شرم ندارند که دم از حقوق بشر می زنند؟

کارتر و دولت او که بزرگترین تبهکار تاریخ را در کشور خود پناه داده است، بهتر حقوق بشر می داند یا ۳۵ میلیون ایرانی که می خواهند قاتل فرزندان خویش را در یک دادگاه عدل محاکمه کنند تا بر همه مردم جهان روشن شود که دیکتاتورها و حامیان آمریکایی آنها چه به روز ملتها آوردند.

کارتر با راه دادن شاه به آمریکا، به حقوق همه آمریکاییان توهین کرده است. کارتر باید با پس دادن شاه به مردم ایران، عملاً از مردم آمریکا به خاطر این توهین بزرگ که کشور آمریکا را مأمن جنایتکاران کرده است عذرخواهی کند. مگر شما جنایتکاران جنگ جهانی دوم را به محاکمه نکشیدید؟ حال ما به شما نشان می دهیم آنچه کارتر فریاد می زند حقوق بشر است و آنچه که عمل می کند اهانت به حقوق ملتهاست و حتی اهانت به سازمانهای بین المللی یی که اکنون دست خویش را به سوی آنها دراز کرده است.

مردم جهان!

محلی را که ما اشغال کرده ایم سفارت نبوده و افراد آن نیز دیپلمات نیستند و ما با افشای این سند به شما نشان می دهیم که دولت آمریکا سعی در فریب افکار عمومی همه مردم جهان دارد. دولت آمریکا آزادیخواهانی را که برای رهایی انسان از قید ابرقدرتها تلاش می کنند تروریست می داند ولی تروریست تر خودش در پوشش قدرت جهنمی هر کس دیگر در جهان است. آمریکا با جعل پاسپورت و مهر مهم CIA از مملکتیِ بسیاری از کشورهای جهان به حق حاکمیت ملی آنها علنا تجاوز کرده است. کارتر با جعل

اسناد و مهرهای کشورهای اروپا و آسیا، جاسوس به خانه ما فرستاده است.

با آرزوی آزادی همه انسانها از ظلم و مبارزه به خاطر احقاق حق مردم.

اینک به افشای سند می پردازیم:

«محرمانه»

ملاحظات در جلد (منظور پاسپورت است)

بنابراین اطلاعات شخصی در پاسپورت شما، شما مجرد، متولد آنتورپ Antwwerp بلژیک، ۸ جولای ۱۹۳۴، رنگ چشم آبی، فاقد علامت مشخصه، قد تقریبا ۸۸/۱ متر، شغل نماینده بازرگانی و تجارتی هستید.

این غیر ممکن نیست که یک بلژیکی الاصل که به زبان فلمنگی Flemish صحبت می کند در قسمت فرانسوی زبان بلژیک زندگی بکند. مانند جه ته Jette تو می توانی بگویی که در آنتورپ به دنیا آمده ای؛ با یک کمپانی که اداره ای در آنتورپ داشته، کار کرده ای و بعدا به اداره اصلی در براسل منتقل شده ای علیرغم اینکه فاصله براسل و آنتورپ ۹۰ دقیقه رانندگی است، تو تصمیم گرفتی که در حومه براسل، جه ته، زندگی بکنی. این (مطالب)، صدور محلیِ مدارک شما را توجیه خواهد کرد. در حالی که در براسل کار می کردی به اروپا مسافرت تجاری کرده ای (که در پاسپورت تو نوشته شده است) و حالا به قسمت خاورمیانه کمپانیت منتقل شده ای. آدرس تو در جه ته، به قرار زیر است:

Aven de Jette - ۱۷۴

Jette, Belgium

صفحه دوم

«محرمانه»

دستورات برای پاسپورت فعال (یعنی پاسپورتی که مورد استفاده و در جریان است).

پاسپورت بلژیکی شما صادره از (ظاهرا) جه ته، حومه براسل Jette با شماره۷۴۵۶۵۳ N در ۱۶ مارس ۱۹۷۷ اعتبار دارد. برای معتبر کردن آن، سفرهای زیر در آن اضافه شده است، سفری به مادرید، اسپانیا در آوریل ۱۹۷۷، سفری به لیسبون، پرتغال در آگوست ۱۹۷۷؛ سفری به دهلی در ژانویه ۱۹۷۸؛ سفری به مادرید، اسپانیا در مارس ۱۹۷۸؛ سفری به هلسینکی و فنلاند در ژوئن ۱۹۷۸؛ سفری به آتن، یونان در نوامبر ۱۹۷۸.

برطبق مقررات جاری (آگوست ۱۹۷۹) یک بلژیکی احتیاجی به ویزا برای ورود به ایران ندارد؛ در عوض او می تواند ۹۰ روز در ایران بماند. برای فعال کردن این پاسپورت تو ظاهرا به ایران وارد و خارج شده ای و اثر مهر در پاسپورت تو وجود دارد. تو اول باید تحقیق کنی (مطمئن شوی) که چه نوع سیستم تاریخ در زمان ورود و یا خروج ظاهری تو استفاده می شده است. سه نوع از آن را مشاهده کرده است:

۱ استفاده از تاریخ ایرانی (شاهنشاهی).

۲ استفاده از تاریخ اسلامی، (اما فقط با دو رقم آخری سال آن (شمسی هجری).

۳ استفاده از تاریخ اسلامی با استفاده از ۴ رقم سال آن (شمسی هجری).

ص: ۴۵

صفحه سوم

«محرمانه»

اگر تاریخ ایرانی مورد استفاده است، مهر ورود و خروج که در روی قطعه چوبی نقش دارد باید در رابطه با ریزه (قسمت ریز و جدا جدا از تاریخ ایرانی مورد استفاده قرار گیرد) تاریخ و روز صحیحی را انتخاب کنی. آن ریزه ها را در قسمت بریده مهرها جاگذاری کنید. بالشتک جوهر شماره ۲۸۰ برای ورودیها و بالشتک جوهر ۲۹۵ برای خروجیها. به مهری که قسمت تاریخ روز در آن گذاشته شده است، جوهر بمالید و اثری از آن بر روی پاسپورت بیندازید.

برای تاریخ اسلامی شما اول قسمت تاریخ و بعد، از مهر ورودی یا خروجی که بر روی پلاستیک تمیزی نقش دارد، استفاده کنید.

اول، تاریخ صحیح به هم بسته شده (۲ رقمی از سال یا ۴ رقمی از سال) را انتخاب کرده و بعد در جوهر (ورودی ۲۸۰ و خروجی ۲۹۵) فرو کرده و بعد تاریخ را در پاسپورت وارد کنید. بعد مهر (خروجی یا ورودی) را از بالشتک صحیح آن، جوهری کرده و در روی پاسپورت، به طوری که تاریخ کم و بیش در وسط این اثر باقی مانده قرار بگیرد، بیندازید. از داخل پلاستیک، تاریخ را برابر و میزان بکنید تا مطمئن بشوید که به درستی جای گرفته است. لطفا صفحه ۴ را برای نمونه های حقیقی و قلابی (مهر و تاریخها) ببینید. بهتر است شما به هر گونه تغییری توجه داشته باشید (چه در شکل و چه در رنگ جوهر).

رنگی را برای Eznova بفرست. با ضمیمه کردن اندازه و قطعه رنگ در هر عکس (رنگ نمونه) بعدا Eznova مواد مورد احتیاج را دوباره تهیه و آنها را برایت می فرستد.

صفحه سوم / A

«محرمانه»

چون مهرهای شما باید خیلی خوانا و روشن باشد سعی کنید که روی آن را چرکی نکنید. در کاغذهای ضمیمه، تمرین بکن تا احساس کنی قادر هستی در پاسپورت انجام دهی.

N.B تذکر:

چون که مهرهای ورودی و خروجی مهرآباد دارای شماره های بازرسی مختلف است و بندرت اتفاق می افتد که یک مسافر در سفرهای مختلف دارای شماره های یکسان باشد بنابراین مهرهای ضمیمه را بیش از یکبار در پاسپورت استفاده نکنید.

مهرهایی که احتیاج به خروجی، ورودی ایرانی بیشتر باشد باید از Eznova خواسته شود و یا مدارک به آنجا فرستاده شود تا به تاریخ روز درآید.

صفحه چهارم

«محرمانه»

دو تصویر به شماره ۲۲ و ۲۳ هست

ویزا (توضیح برای شکل ۲۲)(توضیح برای شکل ۲۳)

نمونه

مهر ورودی با تاریخ ایرانی

مهر خروجی با تاریخ اسلامی (شاهنشاهی)

و استفاده از ۲ رقم آخر سال آن

صفحه پنجم

«محرمانه»

(توضیح برای شکل ۱۹)(توضیح برای شکل ۱۸)

تقلیدی (جعلی)

مهرهای ورودی و خروجی با استفاده از چهار رقم با تاریخ اسلامی.

صفحه ششم

«محرمانه»

تقلیدی (جعلی)

مهرهای ورودی و خروجی با تاریخ اسلامی و استفاده از ۲ رقم آخر سال

صفحه هفتم

«محرمانه»

دستورات برای مدرک بین المللی واکسیناسیون

مهرهایی هم اکنون برای شما (ظاهرا برای واکسیناسیون، آبله، تب زرد، وبا زده شده است (یعنی در همان مدرک بین المللی واکسیناسیون). لطفا اسمتان را در زیر هر تزریق بنویسید و امضاء کنید. تزریق واکسن آبله برای ۳ سال اعتبار دارد (یعنی) در جولای ۱۹۷۸ احتیاج به تمدید دارد. لطفا با Eznova یا Wolok برای تمدید آن برای بعد از این تاریخ تماس بگیرید.

واکسن تب زرد برای ۱۰ سال اعتبار دارد. چیزی نمی خواهد که برای این واکسن انجام دهید. واکسن وبا فقط شش ماه معتبر است. مهر جدید ورودی باید در اوایل ژانویه ۱۹۸۰ ساخته شود. با توجه به برگ ضمیمه قلابی (که در پشت برگ است) اسم Ossoms – Fi,Dr.R.COSSEMANSرا با رنگ جوهر آبی استفاده بکنید. با استفاده از خودکار یا خودنویس یک تاریخ روز، ماه سال مناسب در ورقه وارد کنید (باید ماه آن به طریق رومی نوشته بشود) و در بالای مهر دکتر امضاء بکن. واکسن وبا را به هر تاریخ روز جدیدی که می خواهی هر شش ماه یک بار تبدیل بکن و از همان مهر و رنگ قبلی استفاده بکنید و پاسپورت شما نباید نشان بدهد که در تجدید تاریخ واکسن در تهران بوده اید.

صفحه هشتم

نمونه ای از ورقه بین المللی واکسیناسیون وبا

تذکرات مترجم:

ماه اگوست برابر است با ۱۰ مرداد تا ۱۰ شهریور. با توجه به اینکه در پاسپورت شخص مزبور

سفرهایی به کشورهای دیگر نوشته شده است، این سفارت باید مهرهای کشورهای دیگر را هم برای جعل داشته باشد که توهینی است به کشورهای یاد شده از قبیل هند، پرتغال، اسپانیا، فنلاند، یونان.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

IN THE NAME OF GOD THE BENEFICIENT THE MERCIFUL

Disclosing Announcment No. ۱۸

We want to disclose the shameful activities If the American government . We want to say

the American government , Although it claims to defend humanrights, not only it doesnot

conform to that. On the contrary it violates the rights of the nations. American government

does not conform to any laws. To secure their own benefits. The great world propaganda

systems which are in try to deep the truth away form the people of the world and try to forget

and distorv the news. The American government and its ally govenments ans international

organizations which cooperate with them are decieving the people of the world and call our

just activities, Anarshism, Terorism and violation of interantional laws. We are asking for

delivering of the shah who has been committing Iran. In the past two years of the

,Revolution

he has killed more that ۶۰,۰۰۰ people of Iran . We do have more than ۱۰۰,۰۰۰ injured and

invalids from the revolution. His Dungeons were full of our youth , they have sawed the leg of

our youth in which country and which dictatorship , has killed the small children in the arms of

their mothers. In which logic of which dictatorship it he answer of the people fist, is with the

.American weapens and Bullets

Aren't Carter and the American government ashamed to talk abuat the humanrights . Do

carer and his government, that have given assylum to greatestthe criminal of the history know

the humanrights, or the ۳۵ million Iranians who want to try the murderer of their children in a

court of Justice to clarify for all of the world that what these dictatorships and their supporters

have done with the nations . Carter by giving as sylum to the shah , has insulted the American

.people

carter with delivering the shah to Iran should apologize , in practice from the American

people Because of this insult which made America an assylum for criminals. Did not

you try

the criminals of the second war? Now we will show you that what carter claims to do is

.following human rights, but what he does in reality is violating all the humanrights

Oh ! people of the world

The place that we have occupied, has not been the embassy and its staff are not diplomats

and we by disclosing these documents show you that the American government trys to decieve

the public opinion of the peoples ot the world. The American government calls the freedom

seekers who strives for freedom and independance as terrorists and anarchists. But it is itself

the worst terrorist equipped with the deadly CIA network. The U. S. by forging passports and

stamps has violated the sovereingnity of the nations. carter by forging documents and stamps

.has sent spies to our home

With the hope of the liberation of all mankind from evil and the success of their struggle for

.obtaining the just rights of the people

اطلاعیه افشاگری شماره ۱۹

ص: ۴۹

بسم اللّه الرحمن الرحیم

۱۷/۹/۵۸

مقدمه:

ملت غیور ایران

از آغاز اشغال لانه جاسوسی آمریکا عهد کرده بودیم که اسناد و مدارک این جاسوسخانه را که متعلق به تمامی ملت ایران است در اختیار افکار عمومی ایران و جهان قرار دهیم. عهد کرده بودیم که خطوط شیطانی نفوذ آمریکای جنایتکار را در ایران نشان دهیم. عهد کرده بودیم که همراه با رسوا ساختن مزدوران و جاسوسان آمریکایی اسیر در دست ملت شیوه های عملکرد اعمال شیطانی آمریکا را در ویران کردن ایران فاش سازیم. تاکنون بیشترین تلاش و کوششمان را بر آن گذاشتیم تا بتوانیم به افشاگری علیه آمریکا و جاسوسان سفارت پرداخته و از این طریق به ملتهای جهان به ویژه ملت مسلمان ایران نشان دهیم که سفارت آمریکا پوششی جهت اعمال جاسوسی آمریکا بیش نبوده است و تا حدودی هم موفق شدیم و با افشای اسناد اخیر واضح شد که مأموران سیا چگونه با پاسپورت جعلی به عنوان افراد سفارت به کار مشغول شده بودند و برنامه های توطئه و تخریب علیه انقلاب اسلامی ایران را هدایت و رهبری می کرده اند.همان طور که در افشاگریهای ۱۲ و ۱۷ مشخصا برای ملت ایران روشن گردید، مأموران سیای سفارت به طرق گوناگون، منجمله تماس و دعوت به مهمانی، ملاقات با روشنفکران غربزده و سرمایه داران وابسته، سعی در جلب نظر این افراد جهت منابع اطلاعاتی و کسب اخبار داخلی ایران می کرده اند. روشنفکران غربزده و سرمایه داران وابسته بنا به ماهیت غیر مردمیشان به سادگی خود را در اختیار آمریکای چپاولگر قرار داده و در خیانت به امت مسلمان ایران هیچ گونه ابایی نداشتند. در این رابطه است که درصدد برآمدیم تا نمونه هایی از این اسناد را جهت آگاهی ملت عزیز ایران افشا نماییم.

سند

از: سفارت آمریکا در ایرانطبقه بندی: سری (Secret)

به: وزارت امور خارجه (فوری)

جمع آوری شده توسط مأمور سیاسی به نام Stemple

موضوع: کمیته واسط (بینابینی)

خلاصه:

گروهی به رهبری آقای مهدی روغنی در نظر دارند که کمیته بزرگی را به وجود بیاورند تا بتواند رابط بین دولت موقت بازرگان و کمیته امام خمینی باشد.امید است که تا تاریخ دهم مارس (۱۹ اسفند) ترتیب زمانی آن داده شود.

مهدی روغنی: معتمد روغنی به مأمور سیاسی سفارت (Stemple) در صبح پنجم مارس (۱۴ اسفند) گفت که وی (مهدی روغنی) تعطیلات آخر هفته گذشته را در قم سپری کرده و در آنجا مشغول تشکیل کمیته هماهنگی رابط بین دولت بازرگان و کمیته امام بوده است. او اظهار داشت که از تاریخ چهارم مارس (۱۳ اسفند) رابطه بین دولت بازرگان و کمیته امام بسیار بد و خراب بوده است. همچنین اظهار داشت که هم

اکنون در بسیاری از مکانها کمیته امام از دولت بازرگان اطاعت نمی کند.

روغنی به دنبال تشکیل دادن گروهی است که مشتمل بر ۱۰۰ نفر در واحدهای ۸ تا ۱۰ نفره می باشند که در مسایل مشخص مورد اختلاف، مسئول باشند. روغنی از این افراد اسمی نمی برد ولی گفت که متشکل از عناصر معتبر و با نفوذی از تمام جناحهای موجود در جنبش انقلابی می باشند. مرکز این کمیته رابط در تهران است. همچنین اظهار داشت که هدف اصلی کمیته این است که کمیته امام را به خطی بکشاند تا قدری بیشتر با دولت بازرگان ارتباط و همکاری داشته باشند. وی امیدوار بود که تا در تاریخ ۹ و ۱۰ مارس (۱۸ و ۱۹ اسفند) سفری به قم نماید تا ترتیب نهایی را بدهد.

همچنین گفت که امام این عقیده را پسندیده است و الآن گفت و گو با دولت بازرگان ادامه دارد. از وی پرسیده شد (توسط مأمور سیاسی) که آیا تشکیل یک کمیته دیگر جوابگوی مشکلات خواهد بود یا نه؟

روغنی که به وضوح نسبت به مشکلات و عدم وجود قانونمندی در سه هفته بعد از انقلاب ناراضی بود جواب داد که امیدوار است و باید کارهایی حتما انجام پذیرد.

نکته توضیحی از طرف مأمور سیاسی بعد از مذاکرات، در گزارش به واشنگتن: شاید تقاضای روغنی برای ویزای تجارتی به آمریکا نشانگر بهتری از ارزیابی شخصی وی برای دراز مدت باشد.

سند

محرمانه ماه مه ۷۹

از: سفارتخانه آمریکا در تهران

به: وزیر امور خارجه، ونس

موضوع: ملاقات با مهدی روغنی

۱ این مطلب به کلی محرمانه است.

۲ روغنی صبح امروز تهران را برای یک سفر چهارتا شش هفته ای به مقصد آمریکا ترک کرد. (Plof)

به او اسم پرشت و شماره تلفن او را داد و به روغنی قویا پیشنهاد کرد که با پرشت تماس بگیرد. روغنی از

(Plof)پرسیده بود که آیا کسی هست که باید او را ملاقات کند؟

۳ روغنی مایل است که با پرشت صحبت کند و ممکن است به گفت و گوهای محرمانه دیگران نیز

تمایل کند.

وی به علت رابطه اش با امام خمینی می تواند منبع اطلاعاتی مفیدی از اطرافیان خمینی باشد.ناس

سند

از: سفارت آمریکا در تهران

به: وزارت امور خارجه واشنگتن

موضوع: مهدی روغنی

با توجه به امکان متهم شدن ما به بدبینی، اشاره می کنیم که خوشبینی روغنی به فراخور فاصله او با

ایران به طور تصاعدی زیاد شده است. وقتی که در ماه مه فقط برای چهار تا شش هفته رفت، او در مورد

وضع قم اظهار ناراحتی می کرد و در فکر این بود که کجای کار انقلاب خراب شده است. اگر وضع برگشته

باشد (گرین کارد) (Green Card) به چه درد او می خورد. ما در یکی از روزنامه های فارسی زبان به مطلبی برخوردیم که یک ماه پیش از کشور فرار کرده است.

رجوع شود به معاملات با شرکت فورد کمپانی لندن.

کپی از نظر اطلاعات، به وزارت داده شده است. یک گزارش وضعیتی از روغنی داده شده است.

فورد اشاره کرده بود که به طور عمده مسایل اصلی حل شده اند، البته در طی مراحل بوروکراتیک می توان انتظار دیر کردن آن را داشت. ما به طور موضعی نمی توانیم تأیید کنیم که آیا پیشرفت حاصل شده است یا نه. روغنی در آمریکا است و وکیل ایرانی فورد به طور موقت خارج از ایران است.

لینگن

سند

طبقه بندی: محرمانه

از: سفارت آمریکا در تهران

به: وزارت امور خارجه واشنگتن

موضوع: شکایتی در مورد امور تجارتی

۱ شکایتنامه تجارتی زیر به وسیله آقای مهدی روغنی به سفارت آمریکا داده شده است.

پدر مهدی روغنی فردی بود که قبل از اینکه آیت اللّه خمینی در سال ۱۹۶۳ (۱۳۴۳) به خارج تبعید شود به مدت ۱۵ روز او را در خانه اش پناه داده بود. بنابراین خانواده روغنی روابط نزدیکی با خمینی و اطرافیان او دارد. خود مهدی روغنی هم در آزاد کردن تفنگدار دریایی، اس جی تی کراس (S.G.T. KRAUST)به سفارت آمریکا خیلی کمک کرده است. این تفنگدار دریایی بعد از حمله ۲۵ بهمن ماه به سفارت آمریکا به مدت ۷ روز بازداشت شده بود.

بنابراین از اقدام فوری در مورد شکایت ایشان قدردانی می شود.

۲ خانواده روغنی مدت ۲۷ سال آینده فروش ماشینهای کارخانه فورد را در ایران پیش خرید کرده اند. در اکتبر در جریان ملاقاتی در لندن توافقی شد که کارخانه فورد تعهد کرده است که برای تمام ماشینهایی که در خارج از ایران خریداری می شوند و به ایران آورده می شوند، میزان چهار درصد کمیسیون به آقای روغنی تعلق بگیرد. بعد از این توافق، شرکت فورد خواستار اطلاعاتی در مورد ماشینهای داخل کشور شد. گفته می شود تمام این اطلاعات در اختیار آنان گذاشته شده بود و دو مرتبه توسط نماینده های فورد بررسی شد. در حدود ۵۰۰ ماشین مطرح است و با روغنی در مورد مبلغ پرداختی به توافق رسیدیم. حالا آقای روغنی می خواهد بداند که چه موقع کمپانی فورد این پول را می خواهد به او بدهد.

رابط در لندن، معاون دیگر عملیات خاورمیانه و آفریقا آقای رودلف بنی فیس است.

۳ برای لندن: لطفا وزارتخانه را در موقع جواب دادن مطلع سازید.

برای وزارتخانه: بر اساس اطلاعات تهیه شده در لندن تماس و نامه ممکن است بجا باشد یا نباشد.

۴ علاوه بر مشکل کمیسیون، روغنی یک اختلاف نظر دومی هم با شرکت فورد دارد که در مورد فروش شصت (۶۰) دستگاه کامیونهای سنگین به شرکت ملی نفت ایران است. ادعای او این است که

تفاوت بین قیمت صدور شرکت فورد و قیمت فروش به شرکت نفت، حق او است که واسطه می باشد.

شرکت نفت پول فورد را مستقیما داده است. مبلغ پولی که او فکر می کند طلبکار است باید برای او جبران

شود. این مشکل ظاهرا به حدود چهار سال پیش برمی گردد و هنوز حل نشده. از هر اطلاعاتی که شما

می توانید در مورد موضع شرکت فورد و آمادگی آنها برای انجام پرداخت تهیه کنید، قدردانی

می شود.سولیوان

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

IN THE NAME OF GOD THE BENEFICIENT THE MERCIFUL

Disclosing Announcment No. ۱۹

!Courageous people of Iran

From the begining of the occupation of the American nest of spies which belong to the Iranian

people so as to expose the devilish lines of penetration of the criminal America in Iran and

exposing the American spies and agents now captives of the Iranian people , and show to all

peoples of the world specially the moslem people the espionage acts of America . We have

been successful to a great extent to show how CIA agents begin work here with forged

passports as diplomats and monitor plots against the Islamic Revolution . The CIA agents of

the embassy used different methods like inviting western educated intellectuals to different

parties so as to absorb and use them as information sources, of the internal news. The

prowestern intellectuals and dependant capitalists due to their unpopular nature placed

themselves in the hands of the plundering America and continue to betray the moslem nation

.of Iran

اطلاعیه افشاگری شماره ۲۰

بسم اللّه الرحمن الرحیم

۱۷/۹/۵۸

از ابتدای انقلاب دو جریان در بین نیروهای مطرح شده در جامعه مشخص بود.

جریان اول که به انقلاب اسلامی تحت رهبری قاطعانه امام خمینی سخت وفادار بودند و تضعیف رهبری و تفرقه اندازی بین ملت را که یکپارچه به فرمان امام حرکت می کرد، اقدامی ضد انقلابی دانسته و با آن مبارزه می کردند. این گروه خطر عمده را برای انقلاب نه در دیکتاتوری و استبداد و ارتجاع، بلکه در افرادی می دید که هرگز عمق و عظمت انقلاب را درک نکرده و به اسلام به عنوان مکتبی که در هر دوره و زمانی می تواند جوابگوی مشکلات جوامع بشری باشد نمی نگریستند. افرادی که در مقابل فرهنگ و ظاهر فریبنده غرب و به خصوص آمریکا خود را باخته و تسلیم شده و تمام تلاش خود را در جهت حاکم کردن ارزشهای غربی به کار می بردند. این جریان هر چند خود را ملّی، روشنفکر، رادیکال و... قلمداد می کند در اصل وابسته به آمریکاست. آمریکا این شیطان بزرگ و دشمن شماره یک ملت ما، در تمام این بیست و پنج سال که بر ایران حکومت می کرده از این روشنفکران غربزده و خودباخته به عنوان پایگاهی مطمئن استفاده می نموده است و این افراد نیز در بسیاری از موارد در راه خدمت به اجنبی تا حد خیانت به ملت خود، پیش می رفته اند. از این روست که امام امت، خمینی بزرگ، نوک تیز حملات خود را متوجه این غربزدگانی می کند که به راحتی به ملت خود خیانت می کنند.

جریان دوم که از ابتدا با انقلاب اسلامی ایران مخالفت کرده، به حرکت ملت اعتماد و اعتقادی نداشته و نوک تیز حمله خود را متوجه امام نموده بودند و در بسیاری موارد به تقویت روز افزون موقعیت روشنفکران غربزده می پرداختند زیرا آنها را نیز در نهایت با خود در یک خط و در مقابل انقلاب و ملت می دانستند. غربزدگان و عوامل آمریکا نیز از این موقعیت برای خدمت به اربابان خود استفاده کرده و با

شعارهای تند و تیز و انقلابی هر روز سعی می کردند نیروهای مخالف بیشتری را پشت سر خود جمع کنند.

تجربه های این چند ماهه پس از انقلاب تا حدودی عناصر صادق انقلابی را از عناصر وابسته به امپریالیسم و نوکران آمریکا جدا کرده و چهره آنها را بر ملت آشکار ساخته است.

اینک ما چهره آقای «مقدم مراغه ای» یکی از این روشنفکران به ظاهر انقلابی را برای ملت مسلمان ایران روشن می کنیم.

آقای «مقدم مراغه ای» درصدد بوده است که به هر نحو شده پای آمریکای جنایتکار را که عمری در این مملکت به چپاول و غارت مشغول بوده و ملت به بهای خون دهها هزار شهید پای آن را از کشور کوتاه کرده، دوباره برگردانده و بر مقدرات ملت حاکم کند. آقای مراغه ای آنچنان دلسوزانه به جاسوسان آمریکا توصیه می کند برای آنکه بتوانند در ایران فعالیت کنند، با امام خمینی ملاقات کنند. هر فرد منصفی به خوبی درمی یابد که ایشان به جای اینکه در راه منافع ملت خود گام بردارد، در جهت منافع دولت آمریکا خدمت می نماید. متأسفانه این خائن غربزده خود را منتسب به بزرگان دین هم می کند که این گناهش نیز نابخشودنی است.

سند

گزارش ملاقات با رهبر نهضت رادیکال، مقدم مراغه ای

۱ متن کامل

۲ خلاصه: رهبر جنبش رادیکال، مقدم، ضمن تماس با سرپرست دپارتمان، نظرات خود را در مورد مسایل جاری اظهار داشت و خیلی تأکید کرد که کاردار با خمینی تماس بگیرد که او (خمینی) ایرانیها را متقاعد کند که دولت آمریکا انقلاب ایران را پذیرفته است. تمام

۳ مقدم مراغه ای عضو مجلس خبرگان در بررسی قانون اساسی است. با او طی بحثهای گوناگونی که درباره مسایل مختلف در تاریخ سپتامبر داشته ایم، در پاسخ به این سؤال که آمریکا چگونه می تواند روابط خود را با ایران بهبود بخشد، گفت: کاردار آمریکا هر چه زودتر با خمینی تماس بگیرد.

مقدم دلواپس به نظر می رسید که: آمریکا از ماه مه هیچ گونه تلاشی برای ملاقات نکرده است و تأکید کرد که مشکلات هر چقدر باشد باید فورا تقاضای ملاقات بکند. مقدم اشاره کرد اینکه شما می گویید وقتش نشده، وقت مناسب هیچ وقت دست نخواهد داد چرا که خمینی اکنون پیر است و کاملاً غیرقابل انعطاف. اگر خمینی ناگهان قبل از ملاقات آمریکا با او فوت کند حتی میانه روها که با خمینی کاملاً موافق نیستند آمریکا را مورد انتقاد قرار خواهند داد و خواهند گفت که عدم ملاقات آمریکا با ایشان، عدم پذیرش انقلاب بوده است و خیلیها آمریکا را مقصر مرگ خمینی خواهند دانست.

۴ مقدم درباره وضعیت سیاسی امیدوار بود، بدون اینکه خوشبین باشد. او احساس می کند که خمینی در حال حاضر از پشتیبانی توده ها برخوردار است و در طول چند هفته گذشته پافشاری زیادی روی جمهوری اسلامی کرده است. او روشنفکرها را از خود دور می کند و به زودی متوجه این اشتباه شده و اوضاع را سر و صورت خواهد داد.

مقدم گفت که خمینی عقیده ولایت فقیه را تأیید می کند ولی معتقد است که فقیه نباید قدرت سیاسی داشته باشد. او می گوید قانون اساسی در ۳ یا ۴ هفته تمام می شود.

در پاسخ سؤال پرخت (Precht) گفت که او با بهشتی در مورد تغییر احتمالی قوانین تصویب شده صحبت کرده و بهشتی گفته است که در صورت هماهنگ و باثبات نبودن قوانین تصویب شده، آماده است که آنها را دوباره مرور کند. او گفت که بازرگان نیز قبلاً همین تقاضا را از بهشتی کرده بود. او چندان امیدوار نیست که تغییری در فرم فعلی قانون اساسی داده شود. مقدم فکر نمی کند که با مشکلات فعلی در کردستان وقت مناسب برای رفراندم باشد. اگر متون اصلی، به خصوص شیعه و سنی عوض نشوند اوضاع رفراندم شاید برای دولت، مساعد پیش نرود.

۵ مقدم گفت که خیلیها از شریعتمداری به خاطر عدم رهبری انتقاد می کنند در صورتی که این انتقاد نابجاست و خمینی قدرتمندتر از آن است که شریعتمداری فعلاً بتواند با او مقابله کند؛ ولی البته وقتش خواهد رسید. او افزود که آذربایجان مترصد اشاره اوست.

۶ از مقدم درباره احتمال صلح در کردستان سؤال شد، جواب داد در شرایط فعلی هیچ امکانی برای موفقیت مذاکرات صلح وجود ندارد. اگر دولت چنین اقدامی را شش ماه پیش می کرد امکان داشت ولی اکنون دیر شده است. او هیچ گونه پیشنهادی برای صلح نداشت.

۷ در پایانِ صحبت، مقدم تأکید کرد که ملاقات کنندگان بیشتری به طور رسمی و غیر رسمی، مانند

رمزی کلارک و ریچارد کاتم، برای جلب رضایت و قانع کردن ایرانیان در امور مختلف سیاسی به ایران بیایند.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

IN THE NAME OF GOD THE BENEFICIENT THE MERCIFUL

Disclosing Announcment No. ۲۰

.From the begining of the revolution two lines and currents existed within the society

The First line is strongly faithful to the Islamic revolution under the leadership of ,Imam

Khomeini, they considered weakening the leader ship and diviging the people who were united

on orders of Imam khomeini as anti revolutionary acts and they fought this . This group saw

the main danger for the revolution not dictatorship despotism or backwardedness but they saw

this danger in individuals who never understood the depth, and greatness of the revolution

and who did not view Islam as a school which could in any age present solutions to the

problems of human societies. Individuals who lost thir identity afore the decieving

appearances of the west and particularly America. And who desperatly sought to impose and

dominate western values, although this line claimed to be popular, intellectual radical, .and etc

in reality it was dependant on America. American government this strong devil and number

one enemy of the people , in all of this twenty _ five years that it reigred in Iran it used these

westernized intellectuals as a secure base. Thus Imam of the people great Khomeini directs

.his attachs on these westernized people who betray their people very easily

The second line which has from the begining opposed the Islamic Revolution of Iran had no

faith and assurance in the people,s movement and they directed their attacks against Imam

Khomeini and strenothened in many cases the position of the westernized intellextual. The

experiences lf the past months has separated to some extent the noble revolutionary elements

from the elements dependant on imperialism and has exposed their face to the peoples of the

.world

Now we expose the face of moghadam Maraghaie one of the apparently revolutionary

.intelectuals

Mr . Moghadam Maraghaie was seeking to reimpose US dominance on Iran after it had

exploited the resourcers of the people and at the expense of the blood of thousands

of

.Martyrs

مقدمه افشاگری شماره ۳

بسم الله الرحمن الرحيم

بافتح جاسوسخانه و مرکزتوطئه آمریکاذهنیتهای ملت مظلوم و همچنین ملتهای مستضعف درمورد نقش بسیار گسترده وجهنمی شیطان بزرگ به عینیت مبدل گشت آنچنان که آمریکای جنایتکار را متزلزل نمود و او به دنبال رسوایی بزرگی در سیاستهای ضد بشری خود قرار گرفت.

آمریکای جهانخوار استراتژی و هدف خود را در ایران بر این بنا نهاده بود که با ایجاد شرایطی برای روی کار آمدن یک دولت میانه رو و متشکل از عناصروابسته منافع خود را تأمین و جلوامواج طوفانزا و دشمن شکن انقلاب اسلامی را بگیرد. در این رابطه مرکز هدایت توطئه های آمریکا در منطقه و ایران یعنی لانه جاسوسی نقش بسیار فعال و گسترده ای جهت به انحراف کشیدن مسئولین و دستگاههای اجرایی و نفوذ در ارگانهای دولتی و غیره و همچنین کنارزدن انقلابیون وایجادجومسموم علیه آنها مانندروحانیت مبارز سپاه پاسداران انقلاب و نهادهای انقلابی تعقیب می نمود.

این کتاب را که حاصل و منتخب یکسری از اسناد و تحلیلهای لانه جاسوسی در امور فوق است به خدمت ملت آگاه و رزمنده تقدیم می داریم تا با وقوف کامل بر نقشه های دشمن شماره یک با هوشیاری دقیق و عزم راسخ در جهت مقابله با آنها گام بردارند و نقشه های این توطئهگران را خنثی نمایند.

از خداوند بزرگ توفیق پیروی از راه امام امت را که در هم کوبنده توطئه های توطئهگران است خواستاریم.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

دید کلی آمریکا راجع به انقلاب اسلامی ایران

اشاره

بخش.

نظر آمریکا راجع به اوضاع کلی انقلاب در ایران (دید کلی)

«از دیدگاه من انقلاب که ناگهان با پیروزی خود در فوریه گذشته روبرو شد شورشی بود علیه برتریها و مزیتها...

به طور خلاصه انقلاب علیه برتریها و غربی شدن سریع رخ داد. به نظر من در نظر گرفتن این مسئله که ما همه جا در پی افزودن منافع آمریکا توسط مداخله در امور باشیم بر ایرانیان اثر گذارد. البته میل برای ارتباط وجود دارد ولی توسط مخالفت با غربی شدن و اختلاف طبقاتی پوشانده شده است.

ایران هنوز راه زیادی را باید بپیماید تا با برنامه های (CIA) دفتر همکاری های بین المللی آمریکا منطبق گردد. کشور از یک انقلاب خالص سر به در آورده و اعضای رژیم سابق اکثرا یا اعدام شده اند یا متواری اند یا در برزخ طاغوت زندگی می کنند.

یک تحلیل از ساخت قدرت در ایران بعد از انقلاب، خمینی و دیگر آیت اللّه ها را در رأس می گذارد؛ به همراه دیگر روحانیون شیعه که برای مجلس انتخاب شده اند و اکنون در حال تدوین قانون اساسی هستند. سپس نوبت ملاها می رسد که در داخل دولت موقت، دادگاههای انقلاب، کمیته ها و تشکیلات شبه نظامی قرار دارند و در درجه سوم من سیاستمداران را جای می دهم (مثل بازرگان) که توانسته اند خود را ارزشهای اسلامی غالب تطبیق بدهند و یک کنترل عاریه ای بر سکان تشکیلات دولت موقت یا شبه دولت

از جمله صنعت نفت داشته باشند. درجه چهارم دزدان دریایی که فرماندهی گروههای شبه نظامی (پاسداران) کمیته های انقلاب را به عهده گرفته اند می باشد. در پایان ملاهای ساده جای می گیرند که به توده ها در دهات و شهرها خدمت می کنند که پشتیبانی متعصبانه آنها بزرگترین منبع قدرت خمینی و آیت اللّه ها می باشد.» (از نامه جان کریو از روابط عمومی سفارت به تد کوران آژانس اطلاعات بین المللی آمریکا واشنگتن واشنگتن D.C) ۱۲ مهر ۵۸

بخش ۱

راجع به امام خمینی

«... روش اتخاذ تصمیم خمینی آرام و سنجیده است. او با صبر بی پایان همه نقطه نظرها را گوش می کند و به هنگام اخذ تصمیم او تنها و بدون واسطه اقدام می کند. وقتی وی تصمیمی می گیرد قاطعانه از آن دفاع می کند...

... در جلسات انفرادی با غربیها یا آنها که تمایلی به غرب دارند خمینی بسیار بی تفاوت است و عکس العملی در مقابل مطالب مورد بحث ندارد. اگر مطلبی می خواهد بگوید به روش معمول خود قاطعانه بیان می دارد. مذاکره به روش معمول (بده و بستان) با خمینی مفهومی ندارد. در او جایی برای سازش و مصالحه وجود ندارد. احتمال اینکه کسی بتواند عقاید خمینی را به مقدار قابل توجهی تعدیل کند بسیار کم است زیرا او به این گونه افراد با دید تحقیر و ظن می نگرد...»

در مورد سپاه پاسداران

«۱ این سپاه به عنوان چشم و گوش انقلاب اسلامی عمل می کند و به عنوان نیروی مخصوص امام جهت درهم کوبیدن هر نوع حرکت ضد انقلابی از هر طرف که بر علیه دولت اسلامی باشد وارد عمل می شود.

۲ به عنوان نیروی به موازات ارتش عمل کرده تا اینکه از نظر نیرو هم سطح آنها شود و بتواند از هر نوع

انحراف در میان ارتش جلوگیری کند.

۳ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بر کلیه وظایف کمیته امام نظارت داشت تا اینکه مسئله ای غیرقابل حل نماند.

۴ سپاه پاسداران انقلاب به عنوان یک نیروی حافظ در داخل عمل کرده و همچنین به دیگر نیروهای قانونی داخلی کمک می کند تا اینکه وظایفشان را به نحو احسن انجام دهند و با کوچکترین اخطار آماده حرکت به هر نقطه ای باشند.

۵ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان نگهبان سرسخت انقلاب اسلامی عمل می کند. این افراد را با شوق و ذوق میهن دوستی و روحیه فداکاری اسلامی تعلیم می دهند.

(از ساندرز به کوران ۱۲ مهر ۵۸) (تحلیل ارتش ایران)

۶ سپاه پاسداران تحت کنترل اداری و اجرایی هیچ کدام از وزرای دولت نیست ؛بلکه تحت کنترل مستقیم امام، توسط کمیته مرکزی انقلاب اسلامی خواهد بود. (از افشاگری شماره ۵)»

در مورد مردم

«... مسایل جدی نسبت به ایالات متحده در دیدگاه مردم ایران وجود دارد که احتمالاً برای مدتی با روابط آمریکا ایران مقاومت می کند. این مسایل با اطلاعات ضد آمریکایی که به طرف ایران در داخل ایران در جریان است نضج می گیرد. ایرانیها شدیدا مظنون بوده و معتقدند که ما هم آواز با اسرائیل و شاه و عربستان سعودی و حتی عراق و کمونیستها مشغول توطئه علیه آنها هستیم.

(از تحلیل قوه ابتکارات سیاسی شماره ۲۰۳۱۳ مهر ۵۸)

... من معتقدم که در مورد ایران بعد از انقلاب که گروهها بدین حد ضعیف می باشند قدرت واقعی منوط به اعتماد و جلب احساسات توده مردم است هم اکنون هیچ گونه تشکیلات و گروهی که بتواند اعتماد و احساسات برانگیخته شده مردم را هر چقدر هم غیر واقعی باشد جلب کند وجود ندارد.»

(از نامه ساندرز به تد کوران در تاریخ ۱۲ مهر ۵۸)

راجع به کمیته ها

«دستگاه حکومت ایران بین دولت موقت اسلامی مهدی بازرگان و کمیته های انقلاب که به وسیله امام خمینی و رهبران مذهبی هدایت می شوند تقسیم می شود. تشکیلات کمیته ها به تعداد زیادی مستقل از حکومت عمل می کنند و خمینی شخصا به هر که دستور می دهد. غالبا برخوردهایی بین این دو تشکیلات صورت می گیرد و اینها در سیاست خارجی ایران انعکاس دارد. کمیته ها خارج از ضوابط دولتی گزارشات را مستقیما به خمینی می رسانند.

* ادامه پاراگراف بالا راجع به کمیته ها به موضوع امام و دولت موقت برمی خورد.

«بازرگان و بسیاری از همقطاران او تمایل دارد که سیاست خارجی ایران و مسایل امنیتی را در قالبهای سیاسی رایج حل کند. تاریخ روابط ایران و روسیه بر دوش آنها سنگینی می کند. آنها کلاً محافظه کار بودند. دعوای اصلی آنها هزینه های زیادی بود که سیاست شاه بدون در نظر گرفتن نیازهای

کشور خرج می کرد و نیز گرفتاریهای ایران در خارج مرزهایش برای نگهداری سیاست غرب (آیت اللّه و طرفدارانش بدبینی قابل ملاحظه ای به روسیه دارند ولی دیدگاههای خارجی آنها در این لحظه مقدمتا بر پایه دشمنی با شاه و کارهایی که کرده است و پایه گذاری اسلامی و عملیات انقلابی بنیان گذاشته شده است).

(از نامه چارلز ناس به وزارت امور خارجه آمریکا مورخ ۲۰ اردیبهشت ۵۸)

«همان طور که امور داخلی ایران به دو شاخه رسمی و غیر رسمی تقسیم یافته، سیاست خارجی آن هم، چنین است. این سیاست بین دو جریان افکار انقلابی اسلامی و جریان محافظه کارانه سیاسیون ملی گرا در حال نوسان است، نشانه های مشخص از آنجا مشاهده شد که در عرصه بین المللی یک گرایش به سوی کشورهای رادیکال و نیز دوری جستن از اعراب میانه رو پدید آمد: حملات دائمی لفظی به اسرائیل و صهیونیسم و بدگمانی نسبت به ابرقدرتها جناح دیگر تمایل به همکاری دولت با دوستها و کوشش در جهت بنای یک اقتصاد مدرن. این سیاستهای دوگانه تا زمانی که دولت دائمی مستقر نشده باشد

و یا این دولت تعویض نشده باشد ادامه دارد. کوشش ما برای معتدل کردن سیاست رادیکال در موقعیت فعلی بسیار محدود است.

ادامه برخورد بین این دو دیدگاهها تابعی است از کوششهای داخلی رژیم و پیشرفتش. این دوگانگی بین دولت رسمی و کمیته ها به سردی خواهد گرایید سپس اندیشه ها و افکار و رفتارها ترکیب شده و درجه بالاتری را کسب خواهد کرد. اگر این برخورد به آرامی نگراید در اوضاع خارجی ایران تأثیر خواهد داشت و این حالت تا موقعی که یک تشکیلات اسلامی نهایتا مستقر نشود و یا اینکه دولت ساقط شود و یا رفتارش را عوض کند ادامه خواهد داشت. انتصاب اخیر دکتر یزدی یکی از مشاوران نزدیک خمینی به سمت وزیر امور خارجه به جای یکی از رهبران ملی دکتر کریم سنجابی قسمتی از کوششی بود برای تغییر جهت سیاست خارجی در جهت نظریات امام خمینی. ضمنا یزدی از دنیای پیشرفته است و احتمالاً می تواند شرایط را درک کرده و بهتر از بقیه، امام را به بازرگان مرتبط کند.

در ماههای اخیر، ما و دیگر دولتیها در زمینه سیاست خارجی ایران با یک تشکیلات ناپایدار روبرو بوده ایم. خطوط اصلی سیاست مخصوصا خارجی به وسیله آیت اللّه طراحی شده. به عنوان مثال آیت اللّه دستور قطع روابط مصر را بدون مشورت با دولت داد. در واقع وزارت امور خارجه بازیچه دست آیت اللّه است. رئوس کلی سیاست خارجی ایران چنین است:

۱ کوشش فراوان برای اتحاد اسلامی

۲ دشمنی عمیق با اسرائیل

۳ روابط نزدیک و حسنه با سازمان آزادیبخش فلسطین

۴ کشش به سوی رادیکال شدن و مواجهه با کشورهای عربی. وارد شدن از کشورهای عرب محافظه کار و رفقای نفتی ایران.

۵ حمایت شفاهی از جنبشهای انقلابی دنیای سوم مانند زیمبابوه

۶ برقراری روابط با کشورهایی که شاه با آنها روابط نداشت؛ مثل لیبی و کوبا

۷ ادامه بدگمانی و بدبینی و حملات پراکنده به آمریکا و شوروی

۸ شرکت در جنبش کشورهای غیر متعهد

۹ بالا بردن قیمتها در OPEC

۱۰ اتخاذ سیاستهای تندروانه در صحنه سیاسی و اقتصادی بین المللی

(از نامه چارلز ناس وزارت امور خارجه آمریکا ۲۰ اردیبهشت ۵۸

راجع به کمیته ها

"قانونهای به ستوه آورنده و رنج آور کمیته ها مانع از انتقال بی دردسر لوازم خانه آمریکاییها و فرستادن آن به آمریکا می شود. در خلال هفته اخیر ۴۵ ٪ از فعالیتهای شخصی خارج از محوطه را تا اطلاع ثانوی به تأخیر افتاده. از آنجایی که افراد کمیته خواستار جستجوی Maag محبوس کرده. پرواز ۱۰۰٪ ازوسایل هستند.تماسهای رایزنی خیلی کم شده است واگر هم برقرارشودبه نتیجه ای نمی رسد به خصوص اگر پای کمیته ای هم در کار باشد."

"از طرف دیگر من معتقدم که دولت سعی و کوشش خواهد کرد برای متعادل کردن روابط دو طرفه

سیاسی با آمریکاوسایر کشورهای غربی ملاقات اخیربنده بانخست وزیر وهمردیفان وزیرش‌تمایلات آنها را به طور واضح برای بستن قرارداد تکنیکی و اقتصادی شامل قطعات یدکی و حضور مستشاران در زمینه نظامی نشان دهد. آنها علاقه مندند که برای گسترش اسلام از امکانات اقتصادی و نظامی استفاده نشود.حدی را که محافظهکاران درزیر نام ملیت بر علیه ایدئولوژی ادعامی کنند قابل اندازهگیری نیست و بیشتر ربط دارد به برداشتهای سیاسی مردم تا یک فشار خارجی.

... اگراین دولت دوام پیدا کند روابط اقتصادی و سیاسی چنان خواهد بود که یک موقعیت بهتری برای ما به دست خواهد آورد."

(از سفارت آمریکا در تهران به وزارت امور خارجه آمریکا محرمانه)

۲۰ اردیبهشت ۵۸ Charles – Nass نویسنده چارلز ناس

راجع به امام

"عقاید وابستگی به آمریکا در بین دولت موقت و خمینی متفاوت است و فعالیتهای ضد آمریکایی خمینی افزایش یافته است.

عقایدخمینی ضد هر گونه خارجی است مخصوصاً آمریکا.او مایل است که روابط کلی با آمریکاقطع شود و نپذیرفتن کاملتر ضعف دولت موقت را در برابر خمینی آشکار نمود.

دولت آمریکاروابط تازه ای را براساس ضوابط دولت موقت ایجاد کرده است که اگر مثل گذشته استوار و محکم نیست ولی دوستانه و همکاری طلبانه است. با اینکه دولت موقت به اهمیت روابط با آمریکا پی برده است خمینی و اطرافیانش در این فکر نیستند.

خمینی دارای عکس العملی قاطع و سازش ناپذیر و سخت است ولی روش بازرگان که میانه رو است قدری توأم با سازش ضعیف است و روابط بهتری با خارج دارد. او قصددارد که اوضاع اقتصادی کشور را

دوباره رو به راه کند."

جریان امام خمینی

اسناد زیر به خوبی مقابله انقلابی امام خمینی را با آمریکای جهانخوار نشان می دهد؛ به خصوص آمریکا. جریان امام خمینی و سازش ناپذیری، آن را متصل به مردم و خواست توده های مسلمان که کاملاً در مقابل آمریکا هستند و سازش ناپذیر، به آمریکا ظنین بوده و او را همانند اسرائیل دشمن سرسخت خود می دانند می بیند. نهادهای انقلابی که از اول انقلاب با تأیید امام خمینی برای پیشبرد انقلاب اسلامی تأسیس شدند نیز در نظر آمریکا در جریان امام قرار دارند و آمریکا به خوبی خود را در مقابل آنها می بیند و سعی در متلاشی کردن و تعدیل نّیات انقلابی این واحدهای انقلابی دارد.

سیاست آمریکا در مقابل جریان خمینی که جریان رادیکال و افراطی انقلاب اسلامی است چنین عنوان می شود:

«۱ در حال حاضر من هیچ راه حل سریع و مؤثری که سیاست خارجی نوین ایران را معتدل نماید نمی بینم. از فرصتهایی که به دست می آید ما سعی می کنیم که ذهن امام خمینی و طرفدارانش را تعدیل کنیم.(از سفارت به وزارت امور خارجه مورخ اردیبهشت ۵۸)

۲ ما باید هر چه زودتر پیام یا نماینده ای نزد خمینی بفرستیم. اگر چه او ضد آمریکایی سرسختی است و همچنین ممکن است در ملاقات ما را بکوبد ولی این امر یعنی ملاقات، ما را به او نزدیک خواهد کرد و مسایل مهمتر را می توانیم به او برسانیم و هم چنین سوءظن او را کم می کنیم.

ولی تماس با او نباید دوستان غیر مذهبیمان را از دست بدهد و همچنین دیدار با خمینی می تواند وسیله ای شود برای تماس با دیگر روحانیون؛ زیرا تا خمینی ما را نپذیرد آنها ما را نمی پذیرند.(از ساندرز به نیوسام شهریور ۵۸ محرمانه)

۳ هدف از ارتباط، تصادفات و در آغوش کشیدن روحانیون نیست. بلکه باید خمینی را مطمئن سازیم که غرب، انقلاب اسلامی ایران را پذیرفته و تصمیم به هیچ گونه مداخله در اوضاع داخلی ایران را ندارد و اوضاع فعلی سرچشمه ای از ضعف دولت بازرگان است.

موضوعی که خیلی با کمال نرمش و ملایمت باید به آیت اللّه پیشنهاد شود این است که بگوییم اگر بخواهیم جلوی دخالت بیجای کمونیستها را بگیریم بازرگان به یک پشتیبان دیگر احتیاج دارد. ما هیچ گونه پیشنهادی که کدام کشور اول پشتیبانی کند نداریم ولی شاید فرانسویها که در گذشته هم پشتیبان خمینی بوده اند و این بهترین وضع باشد.»(از تحلیل قوه ابتکارات سیاسی ۲۱ مهر ۵۸ شماره (۲۰۳۱۳ سرّی و حساس))

***

آمریکا سعی دارد قاطعیت و سازش ناپذیری امام را با ملاقات با او و وعده و وعیدهای شیطانی خود درهم بشکند و بدین وسیله وضعیت خود را در ایران مشروعیت ببخشد و ذهن دیگر روحانیون را برای ملاقات آماده نماید.

همچنین می خواهد با ترسانیدن امام از موقعیت کمونیستها وجود خود را ثابت نماید و بگوید که

می تواند نقش مؤثری در این زمینه داشته باشد.

و همچنین درصدد است که منافع خود را در ارتباط با دیگر گروهها از دست ندهد و اگر در آینده آنها قدرت گرفتند ابتکار عمل را از دست ندهد.

ولی آمریکا نمی داند که شعار اساسی انقلاب اسلامی ما (نه شرقی و نه غربی، جمهوری اسلامی است).

بنابراین نه امام و نه توده هایِ به پا خواسته، هرگز در مقابل جریانات مخالف و مشکلات به دامان ابرقدرتها در نخواهند غلطید. جریانات ۹ ماهه انقلاب و نپذیرفتن هیچ یک از افراد آمریکایی از جانب امام خمینی به خوبی گویای این مسئله است.

اما بزرگترین سد در مقابل نفوذ آمریکا جریان قوی و توده ای امام خمینی است که اجازه نفوذ آمریکا را در ایران نمی دهد و این آمریکاست که در مقابل این سد محکم و سازش ناپذیر احساس خطر کند.

سیاست آمریکا در مقابل حرکت توده های میلیونی

«۱ در بهار یک نقش فعالانه داشتیم که با تظاهرات بر علیه سنای آمریکا از بین رفت.

(منظور تظاهراتی است که توده های مسلمان در سراسر ایران بر علیه سنای آمریکا در مورد محکوم کردن دادگاههای انقلاب اسلامی برپا گردید.)

۲ چگونه می توانیم جو ضد آمریکایی را در ایران به نفع خود عوض کنیم. اگر چه این موضوع با روابط

ایران با آمریکا بستگی دارد ما می توانیم با تأکید بر روی حقوق بشر و تأیید انقلاب آن را تعدیل کنیم.

۳ آژانس ارتباطات (ICA) بین المللی آمریکا بیشترین سعی خود را برای هر چه بهتر شدن پیوند ایران و آمریکا گسترش دهد.

۴ ایجاد میتینگ به نفع روابط ایران و آمریکا.

۵ ایرانیها با وجود تکذیب های مکرر، عمیقا ظنین هستند که ما در رابطه با شاه، اسرائیل، عربستان و عراق و حتی کمونیستها بر ضد آنها مشغول نقشه کشی هستیم.

۶ چون ایرانیها در مورد ما لفظ امپریالیست و صهیونیست به کار می گیرند ما نمی توانیم با خیلی از آنها راجع به این حرفها صحبت عمیق بکنیم (مسئله اعدامها و حقوق بشر) بلکه با توجه به منافع ما و حاد نشدن روابط با ایران ما باید روابطمان را با ایران محدود کنیم.

۷ ما با استفاده از مسئله اعراب و اسرائیل می توانیم روی افکار ایرانیها مؤثر واقع شویم و با مطرح کردن نفوذ فلسطینیها در وقایع جنوب و مناطق نفت خیز این مسئله را عملی کنیم ولی هنوز از رهبران مذهبی، روابط نزدیکی با سازمان آزادیبخش فلسطین دارند.

۸ برای مثال فرستادن افراد مهم برای ملاقات با افراد مذهبی و غیر مذهبی و همچنین به کار بردن VOA (صدای آمریکا) که پیامهای سیاسی را بدهد و زبان انگلیسی بیشتر یاد داده شود و مجله منتشر گردد.»

(از ساندرز به نیوسام شهریور ۵۸. محرمانه

***

سیاست آمریکا در ایران این است که بتواند اعتماد و احساسات مردم را بسود خود جلب نماید. مسئله حقوق بشر که از حربه های پوسیده امپریالیسم آمریکاست برای دلسوزی و جلب انسان دوستی مورد استفاده قرار گرفته است غافل از اینکه توده های میلیونی با تظاهرات متعدد خود این نقشه های پوسیده را

در هم شکسته اند و این به تأیید خودشان نرسیده است.

با طرح مسئله حقوق بشر، تأیید انقلاب اسلامی، ایجاد میتینگ های سیاسی در مورد انقلاب اسلامی ایران، فرستادن افراد مهم آمریکا برای ملاقات با شخصیتهای ایرانی و استفاده از پخش مستقیم صدای آمریکا به زبان فارسی می خواهند افکار عمومی ایران را در حالتی نگه دارند که طرفدار و یا حتی مخالف آمریکا و نفوذ امپریالیستی او نباشد و ایرانیها دیگر در مورد آمریکا لفظ امپریالیست و صهیونیست را به کار نبرند. ولی آمریکا خود نیز می داند که ملت ایران شدیدا به آمریکا ظنین بوده و او را عامل اصلی جنایات شاه خائن در ایران می داند.

همچنین آمریکا سعی دارد که در افکار عمومی توده های ما ایجاد تخریب نماید و آن را منحرف کند و با ایجاد جنگ روانی و اغتشاش محیط انقلابی را مغشوش کرده به نفع خود بهره برداری کند.

استفاده از مسایل فلسطین و ناراحتی از طرفداری یکپارچه ملت ایران از آرمان فلسطین، آمریکا را می آزارد و سعی در مخدوش کردن این حمایت می کند و به متهم کردن و خراب کردن وجهه فلسطین در ایران دست می زند و یا با استفاده از طرحهای زیر، سعی در ایجاد بلوا و اغتشاش می کند که به وسیله عمال و منابع ایرانی خود که سرسپرده امپریالیست ها هستند نیات خود را عملی کُند سند زیر گویای این مسئله است.(جان گریوز)

من دو سناریو (برنامه و طرح) را که می تواند منجر به هرج و مرج گردد در نظر دارم.

۱ یکی نیروهای تمرکز یافته ای که توسط نارضایتیهای منطقه ای و قومی تحریک شده باشند و اگر با اینها به اندازه کافی به طرز غلطی رو به رو شوند ممکن است باعث تعطیل شدن و بسته شدن مناطق نفتی گردند و یا اقتصاد سنتی را از هم بپاشد و یا جوری ملی گرایی را خراب کنند که توده ها با رهبران مذهبی بی عرضه خود مخالف شوند.

۲ نفاق در مدارس بین محصلین و بین کادر مدارس و یا هر دو که منجر به بسته شدن مدارس یا محیط خشونتهای افراطی که باعث نارضایتی عمومی و همچنین به شیوه قبل از انقلاب، چهلم هایی بعد از چهلم گرفته شود. (از روابط عمومی سفارت به کوران مهر ۵۸) شماره ۲۰۵۴۷

این شیوه های مبارزه با انقلاب اسلامی ایران به خوبی نشان می دهد که سیاست قبول و به رسمیت شناختن انقلاب اسلامی و رفع سوءظن های مردم بر علیه آمریکا همه و همه فریبهای این امپریالیست خونخوار است که هدفی جز سلطه دوباره بر ایران و در نهایت متلاشی شدن انقلاب اسلامی توده های ملت ندارد.

اما همه برنامه های فرهنگی سیاسی که آمریکا می خواهد برای انقلاب ایران تدارک ببیند به وسیله یک مؤسسه فرهنگی اعمال می شود به نام (CIA)یا مرکز ارتباطات بین المللی آمریکا که ما در ایران آن را بیشتر به نام انجمن ایران و آمریکا می شناسیم. نظر به اهمیت فراوان این مرکز در بخشی جداگانه به بررسی آن خواهیم پرداخت.

همچنین آمریکا سعی دارد که با استفاده از جشن هجرت پیامبر اکرم احساسات مذهبی مردم را نسبت به آمریکا و به نفع آمریکای جهانخوار تحریک نماید و بهره برداری کند و یا حداقل از حملات توده های مردم نسبت به آمریکا بکاهد.

***

جشن هجرت در ایالات متحده

از: سفارت آمریکا در تهران

به: کمیته داخل دولت آمریکا واشنگتن D.C

موضوع: جشن هجرت در ایالات متحده.

۱ آیت اللّه خمینی امروز به شورای انقلاب و دولت موقت ایران دستور داد که با برنامه های انقلابی به استقبال آغاز پانزدهمین قرن هجرت بروند تا عظمت و فرخندگی این موقعیت را بنمایانند.

۲ فورا اطلاعات مورد نیاز در زمینه طرحهای ایالات متحده به منظور بزرگداشت (هجرت) را به نحوی که با جشنهای ایران مرتبط باشد پست نمایید.

۳ اگر ایالات متحده در نظر دارد که جشن های هجرت را با شرکت بعضی از ایرانیها برگزار نماید، جزئیات لازم را بفرستید.

لینگن کاردار سفارت آمریکا در تهران

در مورد سپاه پاسداران

سفارت آمریکا سعی بر این داشت که همه حرکات سپاه را زیر نظر داشته باشد و اطلاعات کافی و لازم از تشکیلات، طرز فکر و افراد و فرماندهان سپاه که یک واحد انقلابی و مردمی است داشته باشد و این به

خوبی نشان می دهد که آمریکا از هر واحد و ارگان مردمی و انقلابی بشدت وحشت دارد.

سیاست آمریکا در مقابل این واحد، نفوذ در آن، داشتن افرادی که بتوانند اطلاعات لازم را به سفارت برسانند و کنترل این واحد است.

***

«سیاست ما در مقابل ایران طوری بوده است که ما در چشم ایرانیها و حتی آمریکائیها و دیگر ملیتها ضعیف به نظر می رسد و این پاسداران دولت موقت بودند که در ۲۴ ماه مه پرچم آمریکا را در سفارت پایین کشیدند و به تظاهر کنندگان برای آتش زدن دادند، این بی حرمتی ها و نپذیرفتن کاردار اینها ضعف ما را نشان می دهد نه صبوری ما را»

(از تحلیل نقش آمریکا در ایران از استمپل به وزارت امور خارجه آمریکا)

افشاگری شماره ۵ ما که نشان دهنده یک برآورد دقیق از تشکیلات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در شهرستانها و تهران است نشان دهنده حساسیت بیش از حد آمریکا از سپاه است چارت سازمانی تعداد افراد نظامی، فرمانده ها و نوع روابط آن مورد نظر بوده است.

سیاست آمریکا در قبال کمیته های انقلاب اسلامی

از آنجا که تحلیل کاملاً مشخصی راجع به کمیته ها در دسترس نیست، ولی از کل تحلیل ها و اسناد چنین بر می آید که با توجه به شناختی که سفارت از ماهیت کمیته ها دارد سعی دارد به وسیله فشار روی سیاسیون وابسته به سفارت به تعطیل کمیته ها کمک کند و کلاً هدف سفارت منحل شدن و نابود شدن کمیته ها بوده است؛ زیرا در عملیات جاسوسی و بسیاری از زد و بندهایی که با سیاسیون و عوامل خود انجام می داده اند، در عمل به وسیله افراد کمیته های مختلف در سراسر ایران خنثی می شده است، این امر در اوایل انقلاب که عملیات کمیته ها تعیین کننده تر از این اواخر بوده بشدت مشهود است.

همچنین آمریکا سعی دارد، منابع جاسوسی خود را در کمیته ها مستقر کرده و از افراد ایرانی سرسپرده امپریالیسم استفاده کرده و اطلاعات کسب کرده و یا در مواردی وارد عمل شود.

وجود جمشید ایرانپور در کمیته انقلاب اسلامی اصفهان دال بر این قضیه است، همچنین مهدی روغنی که دارای نفوذی در کمیته ها بوده است.

***

«بنا به گفته یک منبع نزدیک به کمیته انقلاب، توضیح مختصری در مورد وحشیگری جاری مربوط می شود به این حقیقت، که تقریبا همه روحانیونِ مسئولِ محاکمهِ افراد دولت سابق، افسران نظامی و پلیس که دستگیر شده اند خودشان تحت بدرفتاری بوده اند، بنابراین طرز تلقی آنها عموما انتقام جویانه می باشد.»

***

طبیعی است که بعضی از برداشتهای منابع و سفارت با اندک توجهی غیر واقع بودنش به خوبی مشخص و هویدا می شود از جمله ادعای فوق به خوبی نشان دهنده دید غلط سفارت و منابع از عمل انقلابی و اسلامی دادگاههای انقلاب است که مورد تأیید قاطعانه امام خمینی و ملت مسلمان بوده است.

اطرافیان خمینی

«ساخت قدرت در ایران بعد از انقلاب، خمینی و دیگر آیت اللّه ها را در رأس می گذارد و به همراه روحانیون شیعه که برای مجلسی انتخاب شده اند که اکنون در حال تدوین قانون اساسی است، سپس نوبت ملاها می رسد که در داخل دولت موقّت، که دادگاههای انقلاب، کمیته ها و تشکیلات شبه نظامی رخنه کرده اند، در درجه سوم سیاستمداران را جای می دهم، مثل بازرگان ... در درجه چهارم دزدان دریایی که فرماندهی گروههای شبه نظامی (پاسداران) و کمیته های انقلاب را به عهده گرفته اند می باشد و در پایان ملاهای ساده جای می گیرند که به توده های در دهات خدمت می کنند که پشتیبانی متعصبانه آنها بزرگترین منبع قدرت خمینی و آیت اللّه ها می باشد.

(از نامه به تد کوران به وسیله جان گریوز و ساندرز مورخ ۱۲ مهر ۵۸)

بخش ۲

نظرگاه آمریکا در مورد دولت موقت

بخش ۲

۱ در مورد اطلاعات در مورد عراق من راهنمایی وزارت را در این مورد خواستارم. از نقطه نظر منافع ما، در اینجا جواب مثبت می تواند عواقب سودمندی داشته باشد. سهیم کردن دولت موقت در ارزیابی های ما از دولت عراق می تواند معرف این باشد که آمریکا توجه زیادی به ثبات در منطقه خلیج فارس دارد. فرض کنیم که آنچه را ما به دولت موقت می دهیم معرف این باشد که دولت عراق قصد جنگ ندارد. این ممکن است از بعضی نظرات به ما کمک کند. در مورد روابط دوجانبه ما با دولت موقت، پذیرش این موضوع می تواند در جلب اطمینان دولت موقت و تمایل ما برای همکاریهای سودمند متقابل مفید واقع شود.

۲ ما فکر می کنیم که در ملاقاتهای اولیه تا جائی که ممکن است باید به دولت موقت تأکید کنیم که خطرات

داخلی ایران کاملاً از پشتیبانی کشورهای خارجی برخوردار است و طوری وانمود کنیم که ما را از آشوبهای داخلی دولتی و کشوری ایران مبرا سازد؛ البته این کارِ مشکلی خواهد بود؛ ولی باید با یک تلاش مداوم پیگیری شود. احتمالاً شروع کار مشکل خواهد بود، ولی ما باید سعی کنیم در این آزمایش بعضی از اطلاعات نیز، در عوض به آمریکا داده شود. مثال: روش دولت موقت نسبت به عراق، پشتیبانی ایران از شورشیان افغانستان، روش روسیه در روابط مستقیم با دولت موقت، حزب توده...

۳ کاردار امیدوار است که به وسیله انتظام کاری کند که روزنامه ها حملاتشان را نسبت به آمریکا کاهش دهند.

۴ در این موقع حساس هیچ دولتی قادر نیست که حکومت ایران را سرنگون کند.

۵ ما با دولتی که بی تجربه است و هدفهایش نامعلوم است سرکار داریم.(از تحلیل قوه ابتکار سیاسی شماره ۲۰۳۱۳ تاریخ مهر ۵۸).

۶ عقاید وابستگی به آمریکا بین دولت موقت و خمینی متفاوت است. (از تحلیل نقش آمریکا در ایران استمپل به وزارت خارجه)

۷ هر دولتی که در ایران بر سر کار آید، چه طرفدار شوروی باشد و چه طرفدار سرمایه داری، مایل خواهد

بود که دسترسی به تکنولوژی آمریکا و مقداری کمکهای نظامی و مواد غذائی داشته باشد، که بدون احترام به آمریکا این موارد جزئی در اختیار آنها قرار نخواهد گرفت. بنابراین باید دولت موقت، خمینی را در جریان اینکه سیاست ایران برای ما غیرقابل قبول است قرار دهد. (از تحلیل نقش آمریکا در ایران از استمپل به وزارت امور خارجه)

سیاست آمریکا در قبال دولت موقت

دولت آمریکا روابط تازه ای را بر اساس ضوابط دولت موقت برقرار کرده که مثل گذشته استوار و محکم، نیست ولی دوستانه و همکاری طلبانه است؛ مادامی که دولت موقت به اهمیت روابط با آمریکا پی برده است. (از تحلیل نقش آمریکا در ایران از استمپل به وزارت امور خارجه آمریکا)

با توجه به احتیاج ایران به قطعات یدکی و احتیاط سوءظن ایران در ایران در مورد سپرده های فروشهای نظامی آمریکا ما باید مسئولانه عمل کرده و بازرگان را قدرت بدهیم و مطمئن باشیم که در آینده در ارتش دوستانی خواهیم داشت که می توانند معضلات سیاسی مملکت را راهگشا باشند. (ازساندرز به نیوسام شهریور ۵۸ سرّی)

ما آماده ایم که قدمها را فراتر نهیم اگر ایران مایل باشد. ما آمادگی داریم که ایران هر چه بخواهد همکاری کنیم؛ برای مثال تبادلات خبری، توسعه کشاورزی کنترل مواد مخدر، به وجود آوردن کار و استخدام آنها، مدیریت منافع نفتی.

حتی ما به باقی ماندن سایت های خبری برای تحقیقات سالت (Salt) و سودی که این موضوع برای صلح جهانی دارد علاقمند هستیم و در یک موقعیت مناسب، آماده هستیم که در این مورد با ایرانیها بحث کرده و اجازه دهیم که ایرانیها سایت ها را اداره کنند. ما امیدواریم که ایران این حرکات را حرکات خالصانه ای تلقی کند. (نامه ای از هنری پرشت به لینگن واشنگتن B.D.C ۱۳ سپتامبر ۷۹)

چگونه می توانیم مانع بحث و مشاجره بین ایران و کمپانیهای خصوصی شویم؟

ایران شروع به پرداخت بعضی از صورتحسابها کرده است و بعضی از قراردادها را دوباره به کار گرفته، مثل قرارداد ۵۰ میلیون دلاری گندم، پروژه پالایشگاه اصفهان و همچنین ۲۰ میلیون دلار به Amc پرداخت شده، برای شروع بهره برداری از ماشینهای جیپ همچنین Gte و با شرکت هلی کوپترسازی بل (BHI) در حال گفت و گو است.

توصیه: به اتاق بازرگانی خصوصی ایران آمریکا توصیه شود که در جهت حل مسئله به ما کمک کند و باید یک هیئت تبلیغی فعال برای این موضوع به تهران فرستاد.

به شرکتهای آمریکایی اطمینان می دهیم که کمک ما به آنها فقط در رابطه با ایرانیان است و موفقیت خود ماست که شروع می شود. (از ساندرز به نیوسام شهریور ۵۸)

آیا ما باید فعالیتهای سیستمهای خبری خود را توسعه دهیم؟ ما اطلاعات کمی درباره گروهها داریم و گروههای کمی به نظر می رسند که دارای یک پیوستگی و قدرت باشند. ما احتیاج داریم که در این باره بیشتر بدانیم. یک افسر مفسر سیاسی سیا (CIA) خبرهای مختصرِ خوبی به بازرگان یزدی امیر انتظام در روز ۲۱ اوت داد. ایرانیها بیشتر علاقه مندند که در مورد اوضاع عراق فلسطین افغانستان و خطری که شوروی برای دولت موقت دارد مطالبی بدانند. آنها تقاضا کردند که این گزارش مختصر تا دو ماه دیگر

تکرار شود و دوباره داده شود. ما باید به ادامه تبادلات اطلاعاتی خود با ایرانیان ادامه دهیم. زمانی که این تبادلات عملی شد جستجو را برای به کار گرفتن افسران نظامی ایران برای داخل شدن در یک امتحان از تهدید نظامی آغاز کنید. (سند فوق)

در این موقع حساس هیچ دولتی قادر نیست که حکومت ایران را سرنگون کند، پس باید از در مسالمت آمیز با ایران درآمد و به گسترش کارهای عملی کمک نمود. (از تحلیل قوه ابتکار سیاسی شماره ۲۰۳۱۳ مهر ۵۸)

جلب اعتماد رژیم در جهت کاهش عکس العملها که در آینده به نوبه خود در ثبات مؤثر خواهد بود.

در ماههای اخیر آمریکا قدمهای محدودی برای یک روابط جدید برداشته است:

واگذاری قطعات یدکی لوله های نفتی، شروع مجدد خرید قطعات یدکی از طریق ایرانیان، فروش نفت چراغ و نفت گرم کننده، هماهنگ کردن کوشش اداره ایالتی برای حل مشکلات تجاری.

کوشش صبورانه ای برای بستن برنامه خریدهای ارتشی ایران در وضعی که نشانگر حمایت ایران و نقطه نظر آمریکا باشد، می شود. ما باید به موقعیتهایی که باعث تحکیم روابط و اعتبارات ما با دولت موقت می شود جواب مثبت بدهیم ولی نباید زیاد خود را جلو بیندازیم.(سند فوق)

***

طرح کلی سیاست آمریکا در قبال دولت موقت و انقلاب، طی دو برنامه کوتاه مدت و بلند مدت برنامه ریزی شده است.

سیاست کوتاه مدت

در مدت زمان کوتاه (تا قبل از تشکیلات یک دولت جدید) ما می خواهیم تمام مسایل گذشته حل شود و از بیان هر گونه بحث و مجادله دوری شود. در طول این ماهها ما اساس معامله با دولت جدیدی که

امیدواریم دارای قدرت مؤثر بیشتری باشد طرح ریزی کنیم.

برنامه بلندمدت

ما می خواهیم برای ایرانی کار کنیم که میانه رو باشد و ناسیونالیست های مخالف مذهب تسلط بیشتری در اداره مملکت داشته باشند. در ضمن تا قبل از استقرار دولت جدید، ما می توانیم طریق نفوذ در ایران را امتحان کنیم. بایستی یک موقعیت توأم با اطمینان و احترام در ایران رواج دهیم، ما معتقدیم که بایستی حالا شروع به رفع مسایل دو طرف بکنیم و پیشنهادهای زیر را ارائه می دهیم:

۱ فرستادن سفیری به ایران بازرگان و همکارانش امیدوارند ما بدون معطلی یک فرد غمخوار و دلسوز به انقلاب ایران را انتخاب کنیم.

۲ تماس با امام.

۳ روابط نظامی را توسعه دهیم.

۴ جلوگیری از بحث و مجادله بین دولت ایران و کمپانی های آمریکایی

۵ چگونه می توانیم دستگاههای خبری پایگاههایمان را به کار اندازیم؟

۶ چگونه می توانیم از ادامه تهیه نفت در ایران مطمئن شویم؟

۷ توسعه کارهای کنسولگری و ویرانی.

۸ توسعه فعالیتهای خبری و اطلاعاتی.

۹ چگونگی فعالیتهای حقوق بشر

۱۰ تصحیح نظر و اعمال ایرانیان راجع به آمریکا

هر دولتی که در ایران بر سر کار بیاید، چه طرفدار شوروی و چه طرفدار سرمایه داری، مایل خواهد بود که دسترسی به تکنولوژی آمریکا و مقداری کمکهای نظامی و مواد غذایی داشته باشد. بدون احترام به آمریکا این موارد جزئی در اختیار آنها قرار نخواهد گرفت، بنابراین باید دولت موقت و خمینی را در این جریان که این سیاست ایران برای ما غیرقابل قبول است قرار دهیم. (از ساندرز به نیوسام شهریور ۵۸)

دولت قبول نموده که روابط دو جانبه براساس احترام متقابل با ما داشته باشد، ولی هنوز در سطح عموم مطرح نگردیده.

***

از نامه لینگن به وزارت امور خارجه ۲۹ مرداد ۵۸

خطوط اصلی سیاست آمریکا در مورد دولت موقت

۱ با توجه به عدم توانایی در سرنگون کردن دولت و حکومت راه مسالمت را برگزیده اند.

۲ رفع سوءظن ها نسبت به آمریکا و ایجاد تفاهم و حسن نیت کمک و مساعدت و غمخواری برای ایران.

۳ دولت موقت به اهمیت روابط با آمریکا واقف است و این زیر بنای سیاست آمریکا و زمینه سیاست اوست.

۴ تکیه آمریکا بر روی میانه روی دولت موقت و انتخاب دولت موقت به جای جریان خمینی که سرسخت و ضد آمریکایی است؛ برای اجرای سیاستهای خود.

۵ همکاری در جهت تحکیم دولت موقت به عنوان یک نهاد در مقابل دیگر جریانات ضد آمریکا.

۶ همکاری اقتصادی اطلاعاتی نظامی سیاسی برای قدم جلو گذاشتن و نفوذ در اقتصاد و سیاست ایران و خوشبین کردن دولت موقت به کمک آمریکا، نسبت به انقلاب اسلامی و رفع سوءظن ها و وابسته کردن دوباره دولت موقت به کمکهای حساس آمریکا نظیر دادن اطلاعات مهم سیاسی.

۷ آمریکا می خواهد تا قبل از تعیین رئیس جمهور و حکومت رسمی کشور با استفاده از دولت موقت در ارگانها نفوذ کرده و عملیات سیاسی و نفوذ خود را امتحان کند.

۸ در حقیقت سیاست آمریکا در مورد دولت موقت برنامه ریزی حرکات آینده آمریکا است. نفوذ و استفاده از عناصر خود در ارتش رفع اختلاف با کمپانیهای غارتگر بین المللی با امید منافع سرشار در آینده. ریسک در مورد دادن قطعات یدکی و معاملات کم سود و دادن اطلاعات جاسوسی مهم به دولت موقت، برای جا باز نمودن و وابسته کردن ماشین نظامی اطلاعاتی و اقتصادی به آمریکا در آینده ای نزدیک.

۹ استفاده از شیوه های فرهنگی بوسیله ICA در جهت افکار عمومی و با استفاده از کارهای فرهنگی، علمی و ... و حقوق بشر آمریکایی برای رفع جو ضد آمریکا در انقلاب و مردم و رهبران مذهبی انقلاب.

۱۰ برنامه ریزیهای مختلف، برای شکست انقلاب در آینده به وسیله انواع و اقسام شیوه ها که در اصل در

صورت نرم نشدن انقلاب به سوی آمریکا بتواند از آن استفاده کند. در حقیقت این سیاست اصلی آمریکا است، منتهی به خاطر مساعد بودن شرایط که عمدتا به آمریکا تحمیل شده است. و موقتا راه مسالمت را برگزیده است.

بخش ۳

منافع آمریکا در ایران

۱ با توجه به تحلیل از انقلاب اسلامی ایران و تشریح نیروها و جریانات موجود در ایرانِ بعد از انقلاب، سیاست آمریکا در قبال منافعش در ایران مشخص می گردد.

منافع آمریکا در ایران

«اهداف ما در ایران دسترسی به نفت، رد نفوذ شوروی، ارتقاء دوستی و غیر متعهد بودن و بالاخره برپایی یک دولت میانه رو.

سیاست آمریکا در قبال ایران

۱ ما احتیاجی نداریم که روی مسئله اهمیت ایران برای غرب ایستادگی کنیم، کافی است بگوییم استقلال و ثبات ایران از هر چیز دیگری، حالا برای ما از زمان شاه بیشتر ارزش دارد.

۲ ما می خواهیم برای ایرانی کار کنیم که میانه رو باشد و ناسیونالیست های مخالف روحانیت، تسلط بیشتری در اداره مملکت، داشته باشند و در ضمن تا قبل از استقرار دولت جدید ما می توانیم طریق نفوذ در ایران را امتحان کنیم. بایستی موقعیت توأم با اطمینان و احترام در ایران رواج دهیم. ما معتقدیم که بایستی حالا شروع به رفع مسایل دو طرف بکنیم و پیشنهادهای زیر را ارائه دهیم. (از ساندرز به نیوسام شهریور ۵۸)

۳ مادامی که جهت سیاسی دقیق ایران اتخاذ نشده و مادامی که قدرت روحانیت توسط دیگر گروهها کم

نشده، ما باید طوری رفتار کنیم که با جناح روی کار آمده، بتوانیم سازش کنیم و این در حالی است که یک پیوند محکم بتوانیم با دیگر گروههای مخالف سیاسی برقرار کنیم.

۴ در این موقع حساس هیچ دولتی قادر نیست که حکومت ایران را سرنگون کند. پس باید از در مسالمت آمیز با ایران در آمد و به گسترش کارهای عملی کمک نمود. جلب عناصری در ارتش و گروههای میانه رو مذهبی که در آینده نقش حساسی خواهند داشت و جلب اعتماد رژیم در جهت کاهش عکس العملهایی که در آینده به نوبه خود در ثبات مؤثر خواهد بود.

۵ در مدت زمان کوتاه می خواهیم همه مسایل گذشته حل شود و از هر گونه مجادله دوری شود. در این مدت ما یک معامله را با دولت موقت جدیدی که امیدواریم دارای قدرت مؤثر بیشتری شود خواهیم ریخت. ما می خواهیم در عرض این مدت سوءظن رهبران را برطرف و تا جایی که ممکن است با آنها طرح دوستی بریزیم.

***

با توجه به مشکلاتی که آمریکا در ایران دارد و شناخت موضع امام خمینی و مردم در مقابل آمریکا و

استحکام انقلاب، به این نتیجه می رسد که این حکومت را نمی تواند از طریق معمول و آنچه که در کشورهای دیگر از طریق اشغال و کودتا عمل می نموده اند سرنگون کند. لذا دست به طرح یک سیاست بلند مدت می زند تا بعد از چند سال بتواند دوباره سلطه سیاسی اقتصادی خود را بر ایران حاکم کند.

۶ مسایل مورد علاقه ما در ایران عبارت است از حفظ تمامیت ارضی ایران و استقلالش؛ دوم، حفظ و اداره کار صنعت نفت ایران؛ سوم، سیاست خارجی ایران که مانع از نزدیک شدن زیاد ایران به عناصر رادیکال غیر متعهدها می شود. (از نامه لینگن به وزارت امور خارجه ۲۹ مرداد ۵۸)

آمریکا درصدد است که اهداف خود را در ایران بشمارد و تکیه بر منافعی می کند که طی ۲۵ سال از این خوان گسترده برداشت نموده و لزوم و حیاتی بودن این منافع را تجربه کرده است؛ این است که فقط منافع خود را آن هم به طور اختصار بر می شمارد:

دسترسی به نفت برای ماشین اقتصادی امپریالیسم بسیار حیاتی و مهم است. و می تواند با قطع خود شریانهای اقتصادی صنعتی اروپا آمریکا ژاپن و دیگر اقمار امپریالیست ها را بخشکاند.

«نفوذ شوروی که می تواند موقعیت ایران را از نظر سیاسی و موقعیت استراتژیک و سوق الجیشی مورد اهمیت قرار دهد. و رقابت آمریکا و شوروی را در مورد ایران از نظر منافع اقتصادی و سیاسی و رسیدن به آبهای گرم خلیج فارس نشان دهد.

ایجاد یک دولت با ایران که به ظاهر غیر متعهدانه نسبت به آمریکا باشد. به طوری که ایرانیها فکر نکنند که آمریکا دوباره قصد تسلط و تعهد امپریالیستی نسبت به ایران دارد. در حقیقت می خواهد با یک فریب سیاسی و بلند مدت با ایران از در دوستی درآمده تا ارگانها و نهادهای خود را دوباره محکم کرده و شروع به نفوذ و حمله نماید. و بالاخره برپایی یک دولت میانه رو.

در حقیقت آمریکا به خوبی دریافته است که جریانِ امام تسلیم ناپذیر و ضد آمریکا و ضد استبداد است

و هرگز سازش نخواهد کرد و جریان کلی انقلاب را به حالت افراطی خواهد کشاند و تنها میانه روی و محافظه کاری است که می تواند این حالت انقلابی را که در آن جایی برای آمریکا و نفوذ جهنمی آن وجود ندارد متلاشی کند و به نفع آمریکا به عقب براند.

طبیعی است که آمریکا این نیت خود را در جای به خصوصی جستجو می کند که عمدتا پایگاه آن تفکر و خواست آمریکا خواهد بود. محافظه کاران، میانه روها، و ... پایگاه این خواست آمریکا در ایران است.

حال سیاست آمریکا با توجه به اهداف و شناخت او از انقلاب اسلامی چنین ترسیم می شود.

۱ باید از در مسالمت آمیز با ایران درآمد و در بعضی کارها کمکش نمود و جلب اعتماد رژیم ایران.

۲ در مدت زمان کوتاه تمام سوءتفاهمات و همه اعمالی که طی سالها در ایران انجام شده باید برطرف شود و رفع سوءظن نسبت به آمریکا.

۳ باید قدرت دولت موقت را تقویت نمود. زیرا ثبات ایران به نفع ماست (کلاً در این وضع).

۴ کلاً جریان انقلاب را به میانه روی کشاند و ناسیونالیست ها از مذهبیون قدرتشان بیشتر شود.

۵ در یک مدت کوتاه معامله ای با دولت موقت بنماییم.

۶ ما باید طرح نفوذ در ایران را تا قبل از استقرار حکومت رسمی در ایران امتحان کنیم.

۷ ما آماده ایم که مدتها را فراتر نهیم. اگر ایران مایل باشد ما آمادگی داریم که ایران هر چه بخواهد همکاری کنیم، برای مثال مبادلات خبری توسعه کشاورزی کنترل مواد مخدر به وجود آوردن کار و استخدام،

مدیریت منابع نفتی؛ حتی ما موافقیم که سایت های خبری برای تحقیقات سالت (Salt) و سودی که این موضوع برای صلح جهانی دارد علاقه مند هستیم در یک موقعیت مناسب، آماده هستیم که در این مورد با ایرانیها بحث کرده و اجازه دهیم که ایرانیها سایت ها را اداره کنند. ما امیدواریم که ایران این حرکات را خالصانه تلقی کند.

۸ همچنین تا زمانی که اهداف سیاسی رژیم ایران روشن نیست و روحانیت به وسیله دیگر گروهها کنار زده نشده است، ما باید دوستی و ارتباط خود را با دیگر گروههای مخالف سیاسی نگه داریم تا در صورت به قدرت رسیدن آنها بتوانیم به راحتی با آنها سازش کنیم.

حال آمریکا با این تحلیل از قضایای ایران و با توجه به خط مشی اساسی خود وارد انقلاب ایران می شود و در قبال هر یک از نیروهای انقلاب و جریانات اجتماعی سیاسی یک نوع سیاست اتخاذ می کند و در نهایت به وسیله فعالیت فرهنگی گسترده خود می خواهد در توده های مردم نفوذ کرده و سلطه فرهنگی خود و در نهایت منافع خود را در ایران دوباره زنده کند. در این قسمت فعالیتهای آمریکا در بخش فرهنگی مهمترین فعالیت آمریکا در ایران است.

با اندکی توجه دقیق به مطالب ارائه شده از اسناد و تحلیلهای آمریکاییان در می یابیم که این سیاست مسالمت آمیز دقیقا به خاطر عدم توانایی آمریکا و دوستانش در سرنگون کردن رژیم ایران است والا این هدف در صدر اهداف آمریکا در ایران بعد از انقلاب می باشد.

در حقیقت سیاست اصلی آمریکا که سرنگونی رژیم ایران است و شکست انقلاب اسلامی است که از نقاط زیر به خوبی استنباط می گردد.

***

۱ ما باید به ادامه تبادلات اطلاعاتی خود با ایرانیان ادامه دهیم؛ زمانی که این تبادلات عملی شد جستجو

را برای به کار گرفتن افسران نظامی ایران برای داخل شدن در یک امتحان از تهدید نظامی آغاز کند.

۲ با توجه به احتیاج ایران به قطعات یدکی و احتیاط سوءظن دار ایران در مورد سپرده های فروشهای نظامی در آمریکا ما باید مسئولانه عمل کرده و بازرگان را قدرت بدهیم و مطمئن باشیم که در آینده در ارتش دوستانی خواهیم داشت که می توانند معضلات سیاسی مملکت را راهگشا باشند.

۳ ... اجازه دهید که به یک موضوع در این خصوص اشاره کنم. از نظر ما، چنانچه محدوده ای وسیع تر از آنچه لازم است پی به اعمال ما در مناطق دارای اقلیتها ببرند خواستهای ما به مخاطره خواهد افتاد...

از نامه لینگن به زبیگنبو برژینسکی مورخ اکتبر ۲۸/۱۹۷۹ مطابق ۶ آبان ۵۸

۴ ... در این رابطه باید متذکر شد که به تازگی برنامه های خارجی رادیو، شنوندگان بسیار زیادی پیدا کرده است. کسانی که با خمینی می جنگند و طرفداران آنها می خواهند خبرها را از صدای آمریکا (VOA) کسب کنند. شما می توانید از نفوذ خود در رادیو صدای آمریکا استفاده کرده و از راه تأکید بیشتر بر روی مشکلات مهم آنها و بازگو کردن علل آن عکس العمل سریعتری بر روی اعمال مقاوم و متقابل نشان دهید. من می دانم این صدا کاری ناچیز است، ولی اثر روانشناسی فوق العاده ای دارد و بسیاری از افراد مقاوم به میزان همدردی و همفکری ما از طریق این صدا پی می برند. (از نامه لینگن به برژینسکی) (نامه فوق)

۵ در این موقع حساس هیچ دولتی قادر نیست که حکومت ایران را سرنگون کند پس باید از در

مسالمت آمیز با ایران درآمد و به گسترش کارهای عملی کمک نمود.

۶ همچنین در مورد طرح دو سناریو یا برنامه، برای تخریب و ایجاد بلوا و آشوب در ایران.

من (جان گریوز) دو سناریو (برنامه و طرح) را که می تواند منجر به هرج و مرج گردند در نظر دارم.

۱ یکی از نیروهای تمرکز یافته ای که توسط نارضایتیهای منطقه ای و قومی تحریک شده باشد و اگر به اینها به اندازه کافی به طرز غلطی رو به رو شوند ممکن است باعث تعطیل شدن و بسته شدن مناطق نفتی گردند و یا اقتصاد نفتی را از هم بپاشد و یا جوری ملی گرایی را خراب کند که توده ها با رهبران مذهبی بی عرضه خود مخالف شوند.

۲ نفاق در مدارس بین محصلین و بین کادر مدارس و یا هر دو که منجر به بسته شدن مدارس یا محیط خشونتهای افراطی که باعث نارضایتی عمومی و همچنین به شیوه قبل از انقلاب چهلم هایی بعد از چهلم گرفته شود. شیوه ای که نقش بزرگی در سقوط شاه داشت.

۷ ما فکر می کنیم که در ملاقاتهای اولیه تا جایی که ممکن است باید به دولت موقت تأکید کنیم که خطرات داخلی ایران کاملاً از پشتیبانی کشورهای خارجی برخوردار است و طوری وانمود کنیم که ما را از آشوبهای داخلی دولتی و کشوری ایران مبرا سازد. البته کار مشکلی خواهد بود ولی باید تلاش مداوم پیگیری شود.

۸ در تماس هایی که با تبعیدیان ایرانی در اروپا داریم خیلی الزامی است که هیچ گونه اثری که نشانگر آن باشد که دولت آمریکا قصد مداخله در جریانات داخلی ایران را دارد یا اینکه با گروههایی که علیه دولت جدید ایران نقشه می کشند همکاری می کند باقی نماند.

۹ ... من خاطرنشان کرده ام که ما پشتیبانی خود را از بختیار کرده ایم.

***

با توجه به وضوح مدارک فوق خطوط اصلی سیاست آمریکا که سیاست مسالمت آمیز تاکتیک مقطعی آن است روشن می شود؛ که این سیاستِ زیر پرده و ایذائی آمریکا در قبال انقلاب اسلامی مردم ایران است.

در حقیقت آمریکا از دو طریق می خواسته است حکومت و انقلاب ایران را به نفع خود متلاشی کند.

۱ از شیوه تخریب و به اعتصاب کشیدن مردم، رو در رو قرار دادن ملتها با حکومت، فلج کردن مدارس به وسیله تخریب و تهاجمات افراطی، استفاده از ضرباتی که ارتش چه به طریق کودتا و چه به طرق دیگر می تواند بزند که همه این جریانات را به وسیله شبکه ها و عوامل سرسپرده خود در ایران می خواهد اجرا نماید. (این درست شیوه ای است که انقلاب شیلی را به زانو در آورد.)

۲ استفاده از نفوذ در سیاسیون و تسلط بر حرکتهای سیاسی و اقتصاد مملکت بدین گونه که با ترسانیدن سیاسیون از هجوم شوروی امکانات خود را حساب شده در اختیار دولت قرار دهد و کم کم او را وابسته به خود کند؛ نظیر گندم نفت سفید و ... و قطعات یدکی جنگ افزارها، اطلاعات در مورد منطقه و غیره و همچنین برقراری دوباره قراردادهای صنعتی و کشاورزی و ساختمانی به وسیله شرکتهای آمریکایی و از همه مهمتر قرار گرفتن در جریان سیاسی مملکت و تعدیل انقلاب به میانه روی و لیبرالیسم و سازشکاری و دفع عناصر رادیکال و عمدتا خارج کردن جریان امام از صحنه اصلی سیاست داخلی و خارجی ایران.

این روش در بلند مدت اتفاق می افتد و احتیاج به مسالمت و نزدیکی با حسن نیت دارد و عمدتا

احتیاج به پایگاههایی دارد که بتواند بدان وسیله نیات خودشان را پیاده کنند. مثلاً هنگامی که از طرف ایران گفته می شود، ما احتیاج به سفیر کبیری داریم که یار غمخوار انقلاب ایران باشد؛ این طرز فکر بهترین پایگاه سیاسی برای اجرای این سیاست آمریکا در ایران است.

دیدگاه آمریکا در مورد میانه روها

بخش ۴

در مورد میانه روها

(جریان قبل از انقلاب در حین انقلاب)

«نظر به: ... نکته قابل توجهی که در آنها بود این است که به نظر می رسد رهبران میانه رو اکنون به اندازه کافی از ابراز کردن نگرانیهای خود هراس دارند. در عین اینکه نقطه نظرهای خود را نسبت به ابقاء شاه در چارچوب قانون اساسی ارائه می دهند تا به عنوان تاکتیک یا به دلایل دیگر چنین وانمود کنند که در خط خمینی هستند و این جدایی تا حدی هر دولتی را مأیوس می کند.

آنها از شاه و دولت او از اینکه چندان توجهی به آنان نشده انتقاد می کنند. البته شاید در آغاز کار آنها محق بودند ولی بعدها این انتقاد به خود آنها وارد است که شهامت انتخاب روش جدایی را نداشتند. «البته یکی از دلایل مخالفت رهبران مذکور با خمینی شاید وحشت آنها از افکار عمومی است، زیرا که آنها از دولت باج می گرفتند و سالها زیر سایه دولت هویدا امرار معاش کرده بودند. به عبارت دیگر ملاهایی هستند که احتمالاً قبلاً با خمینی کار می کردند و امروز با دولت سازش کرده و باج می گیرند.»

(شماره ۰۰۴۷۱) تاریخ ۹ ژانویه ۷۹ گزارشگر Lambrakisامضاء سولیوان)

در زمان بختیار

در ملاقاتی که پل کانسلر با درخشش داشت:

«درخشش به نظر می رسد که راه را دنبال کرده است، چرا که هدف نهایی او بر قراری جامعه ای دموکراتیک خالی از عقاید خشک مذهبی است؛ او به عنوان یک تاکتیک هیچ راهی ندارد جز آنکه خود را با نیروهای خمینی هم پیمان و وفادار قرار دهد. او بنابراین امیدوار است که می تواند در هر دولت مذهبی ای نفوذ کند و مردم مذهبی را به دست کمونیستها رها نمی کند. پل کانسلر به درخشش و دیگر میانه روها پیشنهاد نمود که به منظور راهنمایی بیشتر مذاکرات نزدیکی با افراد میانه روی مذهبی مانند بازرگان داشته باشند و بازرگان می تواند به عنوان بهترین رابط در جریان حرکت اصلی مذهبی باشد.»

(شماره ۱/۱۴۷۸، تاریخ ۳۰ ژانویه ۷۹ گزارشگر Lambrakis امضاء سولیوان)

قبل از انقلاب: نظریه سولیوان (راجع به حزب راما)

«... اگر هر گروه میانه رو و متمایل به غرب که به مبارزه علیه (ملاها) برخیزد، در مورد او به عنوان یک گروه (مترقی) با علاقه تمام تبلیغ خواهیم کرد.»

بعد از انقلاب: (در مورد مقدم مراغه ای)

«رهبر جنبش رادیکال، مقدم، ضمن تماس با سرپرست دپارتمان تمام نظرات خود را در مورد مسایل جاری اظهار داشت و خیلی تأکید کرد که کاردار با خمینی تماس بگیرد، که او (خمینی) ایرانیها را متقاعد کند که دولت آمریکا انقلاب ایران را پذیرفته است (افشاگری شماره ۲۰).

... در حفظ و تقویت عناصر به خصوص در ارتش، مذهبیهای میانه رو و گروههای غیر مذهبی که قادرند نقش مهمی در حکومت آینده بازی کنند اقدام کنیم...» (از تحلیل قوه ابتکارات سیاسی)

«همان طور که امور داخلی ایران به دو شاخه رسمی و غیر رسمی تقسیم یافته، سیاست خارجیش نیز چنین است. این سیاست بین دو جریان افکار انقلابی اسلامی و جریان محافظه کارانه، سیاسیون ملّی گرا در حال نوسان است؛ نشانه های مشخص از آنجا مشاهده شد که در عرصه بین المللی یک گرایش به سوی کشورهای رادیکال و نیز دوری جستن از اعراب میانه رو پدید آمد؛ حملات دائمی و لفظی به اسرائیل و صهیونیزم و بدگمانی نسبت به ابرقدرتها؛ جناح دیگر تمایل به همکاری دولت با دولتها و کوشش در جهت بنای یک اقتصاد مدرن. این سیاستهای دوگانه تا زمانی که دولت دائمی مستقر نشده باشد و یا این دولت تعویض شده باشد، ادامه دارد. کوشش ما برای معتدل کردن سیاست رادیکال در موقعیت فعلی بسیار محدود است.» (از سفارت در تهران به وزارت امور خارجه آمریکا) (۲۰ اردیبهشت ۵۸)

«جبهه دمکراتیک ملی کوششهای همه جانبه برای به دست آوردن پشتیبانی مردم کارگران، معلمان و نویسندگان را شروع کرده. گزارش داده شده که مجاهدین و فدائیان خلق پیامهای قدردانی برای رهبر جبهه دمکراتیک ملّی، هدایت اللّه متین دفتری فرستاده اند.

نظرات تهیه کننده: با حمایت این دو گروه، جبهه دمکراتیک ملی می تواند حزب سیاسی نیرومندی در دولت ایران باشد.

در جریان عزیمت آیت اللّه طالقانی از تهران، به دنبال دستگیری فرزندانش که منجر به تظاهراتی در

تهران شد، احتمالاً مهمترین نتیجه (تظاهرات) همبستگی بالفعل میان جبهه دمکراتیک ملی متین دفتری و سایر تظاهر کنندگان بود. یکی از مهمترین نتایج، رو شدن اختلافات مخفی شده بین رهبران جنبش اسلامی بود.

یکی دیگر از نتایج عمده جدایی بین خمینی و طالقانی افزایش حملات و انتقادات در سطح عموم بر علیه حکومت می باشد.»

«* اخیرا با شریعتمداری به طور خصوصی صحبت کرده است و شریعتمداری صادقانه بیان کرد که او از اعمال دادگاههای انقلاب به شدت ناامید شده است و امیدوار است که دنیای غرب این اعمال را به اسلام واقعی نسبت ندهند. به نظر او دادگاههای انقلاب غیر قانونی و غیر اسلامی است و بنابراین دخالتی در این دادگاهها ندارد. او اضافه کرد که ایران براساس عقل اداره نمی شود بلکه براساس احساسات است. او ابراز امیدواری کرد که آمریکا نباید احساسات ضد آمریکایی گسترده کنونی را به عنوان احساسات تمام مردم ایران تلقی کند و زیرکانه گفت که اظهارات خمینی تا حد زیادی به این افکار ضد آمریکایی کمک کرده است و وقتی که مردم ایران دوباره سر عقل بیایند می خواهند که روابط ایران و آمریکا ادامه یابد. البته این روابط باید با آنچه در گذشته بوده فرق داشته باشد. او گفت که آمریکا می تواند در این برهه از زمان به ایرانیان بگوید که اسلحه های خود را به زور به ایران نفروخته است و آمریکاییها تنها به درخواستهای یک

حکومت سلطنتی جواب مثبت داده است. او اضافه کرد که آمریکاییها باید از فرصتهایی که موجب استحکام دوستی آمریکا با ایران می شود استفاده کنند و با این توطئه ضد آمریکایی مبارزه نمایند. او گفت که آمریکا باید اخبار مساعدی نسبت به ایران اشاعه دهد.» (۳ اردیبهشت ۵۸ شماره ۴۲۵۳ از سفارت به وزارت امور خارجه) (امضاء ناس)

از آنجایی که انقلاب اسلامی ایران از ابتدای اوجگیری خود به شکلی عمل نمود که بساط چپاولگران را در هم می کوبید و قصد تحول بنیادی در اساس جامعه خسته و کوفته از ۲۵۰۰ سال اسارت و ۵۰ سال شکنجه و اسارت داشت، آمریکا را که هنوز چشم امید به این خوان گسترده داشت به وحشت انداخت و سعی در تعدیل این حرکت انقلابی نموده، بطوری که در جستجوی پایگاهی برای این مقصد مهم خود بود و میانه روها را که از اقشار و طبقات مختلف جامعه ایران هستند و می توانند در آن جهت نقش آفرینی مناسبی داشته باشند، مشخص کرد. میانه روها که با خصوصیتهای مختلف شکل گرفته اند به خوبی پایگاهی شدند برای این سیاست آمریکا، یعنی تعدیل انقلاب و به محافظه کاری کشاندن سیاستهای داخلی و خارجی انقلاب اسلامی ایران.

محافظه کاران نمی خواهند با برخورد قاطعانه و سازش ناپذیری که مظهر آن در امام خمینی نهفته است، با مستکبران و شیطان بزرگ آمریکا رفتار نمایند و راه مماشات و سازش در پیش دارند و در مسایل داخلی و در تلقی از انقلاب و تحولات بنیادی جامعه نیز اینگونه می اندیشند.

سیاست آمریکا در مورد میانه روها

در تجزیه و تحلیل و ارایه طریقی که دو نفر از میانه روها به سفارت ارایه داده اند، به نام علی شاهپوریان و دکتر انوشیروان افراسیابی، که شاپوریان کارمند سابق سفارت بوده است، فارت نظریه ای داده است که:

« این نمونه دیگری است از تجزیه و تحلیل افراد وفادار به شاه که خود را با اوضاع روز وفق داده اند.

(باد از هر طرف بوزد به همان طرف می روند) آنها عموما با این طرز فکر که افرادی نظیر آنها بایستی تشکیلات وسیع تری با طرحهای مؤثرتری در میان طبقه میانه رو و برای آگاهی آنها که در کشاکش بحران سیاسی هستند و برای تحرک آنها ارایه دهند، موافقت کردند. معهذا آنها راه طولانی در پیش دارند.

(سولیوان) (زمان ژانویه ۷۹ مطابق با دیماه ۵۷)(شماره ۰۰۵۸۵)

***

«ناتانسون و همکارش لیما در ملاقات با پرت مقام رسمی سفارت در ۲۸ دسامبر ۷۹ گفت:

حالا پی برده ام که شاه نمی تواند باقی بماند. مهمترین چیز برای نجات ایرانی که طرفدار غرب باشد و افراطیون را از قدرت دور نگهدارد رفتن شاه است.»

(شماره ۰۰۳۹۷ تاریخ ۹ ژانویه ۷۹ به امضاء سولیوان)

***

* در ملاقات با افراسیابی و شاهپوریان به خوبی خط آمریکا را در تقویت تشکیلاتی خط میانه به هر شکل می بینیم. حتی در بالا به کسانی که ضد خمینی و وفادار به شاه هستند، از جنبه میانه روی در آینده سیاسی ایران اهمیت قائل هستند؛ پس هدف اصلی آنها ترویج میانه روی و حمایت و قدرت سیاسی دادن به این طرز عمل و فکر است.

***

در ملاقات با افراد میانه رو و کسانی که عمدتا مشی سیاسی محافظه کارانه و میانه رو دارند، سفارت پیش دستی نموده است و این عمل را از قبل از انقلاب شروع کرده و در اوج انقلاب یعنی دی ماه ۵۷ شدت بخشیده است.

تماس با افراد مختلف از جبهه های مختلف، که از نقشهای گوناگون برای تعدیل حرکت انقلابی و رادیکال امام می توانستند مؤثر باشند، انجام شده است.

در حقیقت این خاصیت افراد و جبهه ها بوده است که سفارت و مأموران سیاسی (CIA) را به خود جذب می نموده است.

***

در ملاقات با داودی و عزالدین کاظمی، کارمندان عالی رتبه وزارت خارجه ضمن پشتیبانی آنها از خمینی و توصیه به بختیار که به نفع خمینی کنار برود می گویند که:

او بر این عقیده بود که انقلاب اسلامی تنها گروه سازمان یافته جدا از کمونیستها است و اختصاص دارد به اینکه کمونیست ها را از قدرت دور نگهدارد و در طویل المدت این مطمئن ترین راه حل برای آمریکا و دنیای غرب است.

داودی: طرفداران خمینی آنقدرها که گفته می شود اساسی و ریشه ای نیستند و در طول جریان، میانه روی را با واقعیت خواهند پذیرفت.»

«مخالفین میانه رو اولین میتینگ بزرگ و متشکل خود را اخیرا برگزار کردند. از جمله گروههای مخالف، اتحادیه معلمین ایران می باشد که رئیس آن محمد درخشش می باشد. درخشش در ۲۸ ژانویه به پل کانسلر گفت که گروه سیاسی او یک میتینگ بین ۴ تا ۵ هزار نفر ۵ روز قبل (۲۳ ژانویه) تشکیل دادند و

به منظور بحث کردن در مورد منافع مشترک در موقعیت سیاسی اخیر، آنها در سه روزنامه تبلیغ نموده اند. همچنین از کلوپ معلمین که در اختیار وزارت آموزش و پرورش است، استفاده کرده اند.

... مخالفین برجسته، جدا از سخنران اتحادیه معلمین صحبت نمودند. اینها شامل وکیل متین دفتری (هدایت اللّه متین دفتری) وکیل لاهیجی (دکتر عبدالکریم لاهیجی). به خاطر گروه وکیلان رحیم صفاری به خاطر حزب «اتحاد برای آزادی» متعلق به بنی احمد و دکتر اشراقی از یک سازمان دکترها و آقای مؤمنی از کانون نویسندگان.

... آنها همچنین در جستجوی اجازه گرفتن برای ادامه چاپ مجله هفتگی درخشش می باشند.»

(شماره ۱/۱۴۷۸ تاریخ ژانویه ۷۹ امضاء سولیوان)

«کنسول Poliucol در پاسخ گفت که اگر خمینی در مشی خویش تندروی نماید امکان دارد که ارتش به حرکت درآید. کاظمی از این جواب کمی متأثر شد و طبق خیلی از مخالفین عقیده شایعی را بیان داشت که امکان تجزیه در درون ارتش خیلی زیاد است و بنابراین ارتش موفق نخواهد شد. اما او نتوانست این استدلال را نادیده بگیرد که بر اثر این جهش، صرف نظر از اینکه چه نتیجه ای در بر دارد، به هر حال مقدار زیادی خونریزی به پا خواهد شد. او با بی میلی به این نکته اشاره کرد که اجرای قانون اساسی ارجح تر است به اینکه انقلابی در سیستم حکومتی انجام گیرد. همچنین به این نکته بارها اشاره کرد که خمینی آدمی نیست که اهل معامله باشد.»

***

گفتار فوق به خوبی نحوه تهدید و ترسانیدن افراد را نشان می دهد؛ چنان که آنها را مجبور به میانه روی و ترس از کشتار و قبول قانون اساسی مشروطه سلطنتی می نماید.

* در مورد ارتباط با نهضت آزادی و میناچی در ۲۷/۱۰/۵۷

«میناچی ترجیح می دهد که دو شورا در هم ادغام شوند و این برنامه مقداری پشتیبانی قوی دارد، امکانات دیگر مورد بررسی، ملاقات مشترک این دو گروه یا اعمال موازی (مثلاً دو گروه یک نخست وزیر انتخاب کنند).

در صحبت جدایی دکتر میناچی (طرفدار شریعتمداری) تأیید کرد که صحبتها بین مخالفین و نمایندگان بختیار، در مورد راه حل اختلاف بین شورای خمینی (اسلامی) و شورای سلطنت پیشرفت کرده است.»

«... سپس انتظام موضوع را عوض کرده و گفت: نهضت آزادی مایل است که با یک هیئت آمریکایی ملاقات کند، برای مذاکره در مورد منافع آمریکا در ایران و تلاش برای اجتناب از درگیری بین آمریکا و جنبش اسلامی که خواستار روابط خوب با آمریکا است. ۲/۱۱/۵۷.»

«... از طرف دیگر با پذیرفتن همه احزاب که مطرح است، رهبران میانه رو با خط سازش ناپذیر خمینی، کله شقی می کنند بهترین امید در شرایط فعلی این است که احزاب داخلی متمایل به توافق و سازش شوند، تا اینکه یک درگیری سرسختانه ای را پیش گیرند. سولیوان ۲/۱۱/۵۷»

«بهترین امید در تقلیل خشونت، ظاهرا نهضت آزادی است و رهبران میانه رو که سعی دارند خمینی را متقاعد کنند که در موقع ورود زیاد سخت نگیرد. این می تواند یک پیشنهاد باشد.»۹/۱۱/۵۷

اعلان بختیار بر اینکه او به پاریس می رود، ملاقاتها و مذاکراتی در تهران و پاریس به راه انداخته است.

رهبران مذهبی میانه رو ظاهرا از ترس خشونت می خواهند که او هر چه زودتر در مورد بازگشت خمینی مذاکره کند. نهضت آزادی ظاهرا بیشتر متوجه یک سازش سیاسی است.»۸/۱۱/۵۷

در ملاقات با درخشش نیز هدفهای آمریکا به خوبی مشخص می گردد.

***

«درخشش از افراد نادری است که می تواند نوعی سازماندهی به وجود آورد. او اشاره کرده است، که شدیدا علاقه مند است که خط سازش کارانه ای راه بیندازد که اجازه می دهد شاه بماند و سلطنت کند نه حکومت، ولی دولت از تمام فعالیتهای او و گروهش برای انتشار مطالب و فعالیتهای سیاسی جلوگیری کرده است.»

«... آمادگی وی (درخشش) جهت دنبال کردن خط میانه ای که می تواند کشورش را از جهت گیریهای افراطی ای که در حال حاضر به سوی آن رانده می شود، نجات دهد، مشاور سیاسی و آقای گریفین مأمور بازرسی قسمت را تحت تأثیر قرار داد.افشاگری شماره ۱۲ (۲۵ آبان ۵۷)

***

«در ملاقاتی که با سنجابی در ۱۴ ژانویه ۷۶ در منزلش انجام شد، نظریه سفارت چنین است:

نظریه: از کل حرفهای سنجابی این طور بر می آید که عقیده خود و گرایشات غربیش را در رابطه با حضور آمریکا می خواهد تحمیل کند. اما هیچ نشانه ای در دست نیست که سنجابی مایل به همکاری با ما

در رابطه با عدم تحریک ارتش است. او امیدوار است که آمریکا از او و جبهه ملی حمایت کند و هیچ خطری آنها را تهدید نکند.»

در ملاقاتی که در ۲۳ ژانویه دی ماه ۵۷ سنجابی با سفارت گرفته است گفته است:

« (سنجابی می گوید) او امیدوار است که خمینی متقاعد شود که کوتاه بیاید. چون جمهوری که او می گوید سرانجام ختم به خونریزی خواهد شد.

سنجابی می گوید که همین قانون اساسی که هست، برای ایران کافی است. سلطنت در چهارچوب قانون اساسی. سنجابی معتقد است که خمینی در حمله به سلطنت خیلی تند می رود. سنجابی گفت که در انتخاب هر روشی موافقت خمینی شرط است. اگر خمینی موافقت کند.

نظریه: سنجابی (احساس تنهایی می کند و به دنبال دوستهایی مثل ایالات متحده می باشد. نام او هنوز جزو مخالفین به شمار می رود. به هر حال او از مغزش و از تجربیاتش می تواند برای بعدها نقش مهمی بازی کند.

سنجابی گفت: که وی در رابطه با حزبش، روی جوانان می خواهد کار کند و او احتیاج دارد این کار را انجام دهد.» (سولیوان)

***

در ملاقاتهای فوق با کریم سنجابی، به خوبی نشانه گیری آمریکا را ثابت می کند. مذاکره با جبهه ملی و نقشهای او در رابطه با انقلاب و طرز تلقی آنها از انقلاب به خوبی مشخص است و جهت تماس و جذب گروهها و سازمانها را در حین اوجگیری انقلاب یعنی دی ماه ۵۷ نشان می دهد.

در حقیقت تمایل به غرب میانه روی احترام به قانون اساسی مشروطه سلطنتی تمایل به ارتباط با آمریکا ملاکهایی است که مأموران سفارت را به ملاقات با آنها کشانده است.

همچنین آمریکا در حمایت از میانه روها و لیبرالها در تقویت نیروهای میانه برمی خاست، و هدفش تعدیل جهت حاد و انقلابی امام بود و از این جهت در ارتباط با سازمانها و گروههای میانه قرار می گرفته است.

«رحیم سفری به درخواست خودش (در ۴ ژانویه ۱۹۷۹) با مشاور سیاسی سفارت تماس گرفت.

(رحیم) سفری توضیح داد که او رئیس حزب اتحاد برای آزادی، حزبی که دبیر کل آن نماینده مجلس، احمد بنی احمد می باشد. او توضیح داد که از نتیجه اشتباه تاکتیکی او در اعلام آمادگی خودش برای شرکت مخالفین در دولت شریف امامی در مجلس، در روز اول می باشد و روز بعد تحت فشار مخالفین مجبور شد موضعش را تغییر دهد. پیروان او که از این عدم تیز بینی او ناراحت شده اند به گفته سفری سراغ او آمدند و از او خواسته اند که رهبرشان باشد. سفری، از بعضی رهبران جبهه ملی است که حالا از اسم مصدق برای پیشبرد اهداف خود استفاده می کنند.

سفری روشن ساخت که او حمایت از دولت بختیار را رد کرده و یک کپی از جزوه انگلیسی که از فارسی ترجمه شده بود به ما داد که برنامه ای را پیشنهاد می کند؛ خیلی شبیه به برنامه های دیگر گروههای میانه رو است؛ اولین نکته آن استعفای شاه و تأسیس شورایی از افراد تحصیلکرده و معتمد مردم است. هر دو مجلس باید منحل شوند و امکانات سریع انتخابات آزاد فراهم گردد. پایان حکومت نظامی و ... ساواک ... سفری گفت می خواهد با ما در تماس باشد.

نظریه: ما نمونه بالا را به عنوان نمونه دیگری از گروههای میانه رو می دانم، فرق که امیدوارند فرصتی داشته باشند که آینده شان را اگر حوادث اجازه دهد به دست آورند. (نقشی در آینده سیاسی ایران ایفا کنند.)

Sullivan سولیوان

«دکتر عدنان مزارعی، استاد اقتصاد دانشگاه تهران و کارمند سابق سفارت، بخش اقتصادی به تقاضای خود در ۲ ژانویه با مأمور سیاسی Perettملاقات کرد. مزارعی در این ملاقات خواستار حمایت آمریکا از گروه سیاسی خود (راما) (پیام آور نوع دوستی مردم ایران) شد. این گروه مبتنی بر ایدئولوژی نوع دوستی است که قادر است ایران را از فشار قدرت مارکسیستها و اسلامیهای افراطی نجات دهد. گروه مزبور میانه رو، رفرمیست و متمایل به غرب است.

مزارعی گفت که با درخشش تماس گرفته و قرار شده که هر کدام موفقیت کسب گردد به دیگری بپیوندد. او امیدوار است که برای تبادل اطلاعات با ما به طور مرتب تماس داشته باشد و ما موافقت کردیم که دوباره با وی ملاقات کرده و جریان تلاش سیاسی او را مخفی نگه داریم.

نظریه ها: مزارعی آدم ماهر و هوشیاری است. بیوگرافی استخدام و خدمت صادقانه او در سفارت در سال ۵۹ ۵۸ موجود است.

ما هیچ نوع تأیید جدا و مستقلی از قدرت و نفوذ سیاسی او نداریم؛ اما هر گروه میانه رو و متمایل به غرب که به مبارزه علیه ملاها برخیزد، در مورد او به عنوان یک گروه مترقّی با علاقه تمام تبلیغ خواهیم کرد.

سولیوان(Sullivan)

نقش سیاست آمریکا قبل از انقلاب اسلامی ایران در رابطه میانه روها و سازشکاران:

۱ تلاش آمریکا برای قبولاندن بختیار

۲ تماس با میانه روها در جهت میانه رو کردن جهت انقلاب و در مقابل امام.

۳ گشودن یک جبهه قوی میانه رو در مقابل امام که سازش ناپذیر است و اهل معامله نیست.

۴ کوشش برای به وجود آمدن یک حرکت انقلابی سریع که منجر به حکومت انقلابی خواهد شد. سعی در جلوگیری از ادغام شورای سلطنت و شورای انقلاب خمینی.

۵ فرستادن دلالها و واسطه های سیاسی برای تعدیل تصمیمات امام که عمدتا حتی بنا به گفته خودشان ناموفق است.

۶ قیم قرار دادن گروههای میانه رو در مورد سرنوشت انقلاب و شناخت دقیق از روحیه و خاصیتهای سازشکارانه آنها و سپس مذاکره و تفاهم با آنها.

۷ عمدتا موقعی که مردم قاطعانه و مسلحانه بر علیه حکومت می جنگیدند و امام بی باک و شجاع در جلوی مردم حرکت می کرد، میانه روها از ترس خشونت و به خاطر عدم ایمان به انقلاب قهرآمیز اسلامی ایران سر در آخور سازش با امپریالیزم خونخوار فرو بردند و به خیال خود می خواستند، آنها را متقاعد کنند که دست از این خوان گسترده بردارند و در جهت منافع مردم و اسلام راستین عمل کنند.

***

بعد از انقلاب بنا به یک هدف استراتژیک سیاست آمریکا در ایران یعنی:

۱ ما می خواهیم برای ایرانی کار کنیم که میانه رو باشد و ناسیونالیست های مخالف مذهب تسلط بیشتری در اداره مملکت داشته باشند.

۲ در این موقع حساس هیچ دولتی قادر نیست که حکومت ایران را سرنگون کند. پس باید از در مسالمت آمیز با ایران درآید.

***

با توجه به دو سیاست اصلی آمریکا در ایران، سعی آمریکا در نفوذ در ارگانها و سیاست داخلی و خارجی ایران بوده و هدفش تعدیل انقلاب اسلامی و حاکم کردن میانه روی به جای افراطی بودن و قرار دادن میانه روها در مقابل حرکت انقلابی امام بوده است:

«در ملاقات مورخ ۷ جولای با آقای امیر انتظام معاون نخست وزیر، تمایلات آمریکا را برای عادی کردن روابط با ایران، مجددا متذکر شدم.

من از امیر انتظام به خصوص در مورد اقداماتش برای آسان نمودن حرکت به طرف عادی کردن روابط مفید و دوجانبه در دوره بعد از انقلاب تشکر کردم و متذکر شدم که به نظر ما مصاحبه اش در ۲۱ ژوئن در این مورد بسیار مفید بوده است.»

***

یعنی با ایجاد تفاهم با این نوع میانه روها آنها را در خدمت خود و اهدافشان در می آورند.

گفتگوی انتظام و استمپل: مهمترین نکاتی که به وسیله امیر انتظام عنوان شده عبارتند از:

عادی کردن روابط ایران و آمریکا باید به آهستگی پیش برود تا سوءظن کسانی را که نظر خوبی نسبت

به آمریکا ندارند بر نینگیزد.

در حقیقت این گونه افراد به عنوان مشاور سیاسیِ منافع آمریکا در ایران عمل می کنند.

انتظام نظراتی برای بهبود روابط ایران و آمریکا دارد. او به عنوان یک سفیر فوق العاده، از طرف دولت موقت انقلابی ایران در اروپا خدمت می کند. انتظام نسبت به نفوذ مذهب افراطی در دولت و خمینی اظهار نگرانی می کند.

***

حتی بعد از مدتی کار به روابط با CIA می کشد:

«CIA از کاردار آمریکا در استکهلم می خواهد که به انتظام اطلاع دهد که ما حاضریم تبادل اطلاعات بعد از دهم سپتامبر انجام شود. کاردار از انتظام خواهد خواست که با یزدی تماس بگیرد و یزدی با شما، تا تاریخ دقیق تبادل اطلاعات را تعیین کند. هدف ما از انجام این روش این است که به شما (کاردار) اطمینان بدهیم که یزدی و انتظام در مواضعشان نسبت به این ملاقاتها هماهنگی کامل دارند.»

***

و حتی کار این افراد که بخشی از میانه روهای موجود در ایران هستند به ملاقات با برژینسکی، پدر بزرگ نصیری و مقدم و هویدا می کشد؛ یعنی پای گذاشتن در دامی که آمریکا برای سرنوشت انقلاب ما گسترده است:

«کاردار ایران در الجزایر امروز به من اطلاع داد که با تهران تماس خواهد گرفت تا امکان تمایل

بازرگان یا یکی از اعضای هیئت دولت ایران را برای ملاقات با دکتر برژینسکی یا مقامات دیگر

آمریکایی، که از الجزیره دیدن می کنند سؤال کند.»

(۳۲اکتبر ۱۹۷۹)

در حقیقت دولت آمریکا طرح یک هیئت نمایندگی پر قدرت را ریخته که مهره اصلی آن دکتر

برژینسکی است.» Haynes

***

همچنین تبادل اطلاعات جاسوسی با دولت موقت، عمدتا شیوه میانه روی داشته است. به زعم اینکه

این اطلاعات از دلسوزی حسن نیت آمریکا است؛ در صورتی که جهت همه این عملیات آمریکا، تنها

منافع این شیطان بزرگ است:

***

«او (امیر انتظام) مجددا خواهش کرد که تبادل اطلاعات داشته باشیم، در مورد فعالیتهائی که در داخل و یا

در کشورهای مجاور صورت می گیرد. چرا که این گونه اطلاعات از نظر امنیت داخلی ایران حائز اهمیت

است.(لینگن)

انتظام قویا تماس دولت موقت را برای مبادله اطلاعاتی که مربوط به حمایت دولتهای خارجی از

تهدیدهای داخلی ایران است خواستار شد.»(۱۷مرداد ۵۷)

***

ضرورت و نیاز متقابل میانه روها و آمریکا ب، هم، آنها را جذب یکدیگر می کند، تا جایی که خود

میانه روهای ایرانی به دنبال آمریکا می گردند:

«رهبر جنبش رادیکال، مقدم، ضمن تماس با سرپرست دپارتمان، نظرات خود را در مورد مسایل

جاری اظهار داشت. خیلی تأکید کرد که کاردار با خمینی تماس بگیرد که او (خمینی) ایرانیان را متقاعد کند که دولت آمریکا انقلاب ایران را پذیرفته است.

مقدم مراغه ای عضو مجلس خبرگان در بررسی قانون اساسی است. او طی بحثهای گوناگون که درباره مسایل مختلف در تاریخ سپتامبر داشته ایم در پاسخ به این سؤال که آمریکا چگونه می تواند روابط خود را با ایران بهبود بخشد، گفت: کاردار آمریکا هر چه زودتر با خمینی تماس بگیرد.

... اگر خمینی ناگهان قبل از ملاقات آمریکا با او فوت کند، حتی میانه روها که با خمینی کاملاً موافق نیستند آمریکا را مورد انتقاد قرار خواهند داد و خواهند گفت که عدم ملاقات آمریکا با ایشان، عدم پذیرش انقلاب بوده است.»(افشاگری شماره ۲۰)

***

در حقیقت افرادی مثل مقدم، منابع اطلاعاتی و تحلیلگران بخش سیاسی CIA و سفارت بوده اند و مسایل مهم مملکتی را در اختیار سفارت قرار می داده اند و با دلسوزی تمام راه حضور آمریکا در ایران را به آنها نشان می داده اند.

در ملاقاتی قبل از انقلاب در ۱۰ ژانویه ۷۹ (دیماه ۵۷) با آیت اللّه شریعتمداری ضمن صحبتهای مختلف سفارت نظر می دهد که:

«نظریه: شریعتمداری آشکارا از دیدن شخصی از جانب دولت آمریکا خوشحال است و موضعش

کاملاً منطقی و مساعد (موافق برای همکاری) بود.»

***

بعد از انقلاب هم:

«او آیت اللّه شریعتمداری زیرکانه گفت که اظهارات خمینی تا حد زیادی به این افکار (احساسات ضد آمریکایی) کمک کرده است و وقتی مردم ایران دوباره سر عقل بیایند می خواهند که روابط ایران و آمریکا ادامه یابد. البته این روابط باید با آنچه در گذشته بوده فرق داشته باشد. او گفت که آمریکا می تواند در این برهه از زمان به ایرانیان بگوید که اسلحه های خود را به زور به ایران نفروخته است و آمریکاییها تنها به درخواستهای یک حکومت سلطنتی جواب مثبت داده اند. او اضافه کرد که آمریکاییها باید از فرصتهایی که موجب استحکام دوستی آمریکا با ایران می شود استفاده کنند و با این توطئه های ضد آمریکایی مبارزه کنند.» آوریل ۷۹)

***

«روابط عمومی با کمک آمریکا تکالیفی را برای دانشجویان ایرانی در آمریکا که امکان دارد یک رابطه با روحانیون محافظه کار برقرار کنند در نظر گرفته است.» (Rtcurron گزارش هفتگی ۹ فوریه ۷۹)

***

اسناد فوق نیز تمایل آمریکا را برای برقراری رابطه ای فعال با سازشکاران و محافظه کاران به خوبی نشان می دهد و تمایل میانه روها را برای برقراری روابط با آمریکا و دادن راه حل برای تطهیر جنایات آمریکا در اذهان مردم، به خوبی، درستیِ انتخاب آمریکا را برای اجرای سیاستهای خود ثابت می نماید.

در نتیجه بعد از انقلاب میانه روها برای آمریکا می توانستند در این جهات کار نمایند.

۱ با نفوذ در دولت موقت و افرادی از نهضت آزادی که در دولت بودند و مشی میانه روی داشتند، سعی

داشتند خواستهای خود را عملی کنند.

۲ میانه رو کردن سیاست مملکت، از طریق جهت دادن به افراد میانه روی که مصدر کاری هستند، صورت می پذیرفت.

۳ پیدا کردن نقاط تفاهم با افراد میانه رو و استفاده از آنها برای مقاصد خود.

۴ ارتباط با میانه روها و خبرگیری و درست کردن منبع خبری جهت اطلاع دقیق از اوضاع مملکت.

۵ اجرای سیاست آمریکا در ایران، یعنی همان میانه رو کردن انقلاب و سعی در خارج کردن سیاست داخلی و خارجی ایران از حیطه نفوذ خط مشی انقلابی امام به وسیله افراد میانه رو انجام می گرفته است. در حقیقت میانه روها پایگاه اجرایی این سیاست آمریکا بوده اند.

۶ میانه روها قبل از انقلاب با آمریکا در ارتباط بوده و آمریکا مشی سیاسی و فکری آنها را در نظر داشته است تا در مواقع ضروری از آن استفاده کند.

۷ حداقل عملیاتی که آمریکا بر روی افراد میانه انجام می داده است، برقراری ارتباط و ملاقات با افسران سیاسی سفارت بوده است که با دست گذاشتن روی نقاط مورد نظر آنها اطلاعات و تحلیلهای سیاسی آنها را از اوضاع مملکت به دست می آورده که می توانسته است منابع خبری و اطلاعاتی مهمی باشد.

۸ از آنجایی که خاصیت متقابل میانه روها و آمریکا، یعنی تمایل میانه روها به ارتباط با آمریکا و

حضور آمریکا و سیاستهایش در ایران آنها را وامی داشته که به سفارت آمده و اطلاعات خود را بدهند.سفارت به منابع خبری و افراد مهمی در این زمینه برمی خورده است.

۹ میانه روها از تیپ های مختلف سیاسی ایران بوده اند که بیشتر از روشنفکران غربزده و سیاسیون کهنه کاری که نتوانسته اند خود را با جریانات متحول انقلاب اسلامی وفق دهند و همچنین بعضی از روحانیون محافظه کار.

جریانات اقتصادی (سرمایه داران)

بخش ۵

اشاره

خانواده روغنی مدت ۲۷ سال آینده، فروش ماشینهای کارخانه فورد را در ایران پیش خرید کرده اند.

در اکتبر، در جریان ملاقاتی در لندن توافقی شد که کارخانه فورد تعهد کرده است برای تمام ماشینهایی که در خارج از ایران خریداری می شوند و بعدا به ایران آورده می شوند میزان چهار درصد کمیسیون به آقای روغنی تعلق بگیرد. بعد از این توافق شرکت فورد خواستار اطلاعاتی در مورد ماشینهای داخل کشور شد. گفته می شود تمامی این اطلاعات در اختیار آنان گذاشته شده بود و دو مرتبه توسط نماینده های فورد بررسی شد؛ در حدود ۵۰۰ ماشین مطرح است. و با روغنی در مورد مبلغ پرداختی به توافق رسیده. حالا آقای روغنی می خواهد بداند که چه موقع کمپانی فورد این پول را می خواهد به او بدهد.»

در سفری که روغنی به آمریکا کرده است نظر ناس راجع به او چنین است:

«روغنی مایل است که با پرشت صحبت کند و ممکن است به گفتگو محرمانه با دیگران نیز اظهار تمایل کند. وی به علت رابطه اش با امام خمینی، می تواند منبع اطلاعاتی مفیدی از اطرافیان خمینی باشد.»

(ناس)

«نامه سولیوان به وزارت خارجه آمریکا در واشنگتن:

مبلغ پولی که او (روغنی) فکر می کند طلبکار است، باید برای او جبران شود. این مشکل ظاهرا به حدود چهار سال پیش برمی گردد و هنوز حل نشده. از هر اطلاعاتی که شما می توانید در مورد موضع شرکت فورد و آمادگی آنها برای انجام پرداخت تهیه کنید، قدردانی می شود.»

سولیوان

(افشاگری شماره ۱۹)

سولیوان در حین انقلاب اسلامی

«سولیوان می گوید: زاهدی درصدد است که عده ای از بازاریان که منافعشان از بسته بودن بازار به هم خورده بود، به پاریس بفرستد تا خمینی از موضعش صرف نظر کند. او می گوید: اینها مردان قابل ملاحظه ای هستند که از اقتصاد هرج و مرج زده فعلی صدمه دیده اند.»

«مأمور سیاسی سفارت با جمشید ایرانپور که یکی از منابع خبری نزدیک در اصفهان است، یک ملاقات طولانی داشت. ایرانپور که در روزهای قبل از انقلاب روابط خوبی با دولت، ساواک، احزاب مذهبی، انقلابیون و با سفارت آمریکا داشته است، یک کنتراتچی وارد کننده و صادر کننده ثروتمند می باشد و در آینده نزدیک به آمریکا مهاجرت می نماید.»

نامه ناس به وزارت امور خارجه واشنگتن

«یکی از کارمندان قسمت اقتصادی که چهار سال تجربه کاری دارد می گوید: خیلی از ایرانیانی که قبلاً با او در اداره شان قرار ملاقات می گذاشتند و یا تلفنی به تقاضاهایش پاسخ می دادند حالا حداکثر می توانیم از ایشان ملاقات خصوصی و یا مکالمه تلفنی در شب بکنیم. اگر چه تعدادی از آنها به واسطه روابط گرم با ما خجالت می کشند که قرار ملاقاتهای تجارتی معمولی را رد کنند، بنابراین مدام آن را به عقب می اندازند.»

(افشاگری شماره ۱۶)

«هوشنگ رام رئیس بانک عمران در گفت و گو با سولیوان سفیر کبیر آمریکا در ایران:

۱ هوشنگ رام رییس بانک عمران و معتمد شاه در سیزدهم دسامبر به دیدن من آمد. او می خواست به من اطلاع دهد که گروهی از روشنفکران جوان را سازمان داده است که هدف آنها معرفی و طرح زمینه های تازه ای در بحثهای سیاسی است، که بین طبقه متوسط ایرانیان در جریان است. او تمایل داشت بداند که این عمل می تواند به هر طریقی برای ما مثمر ثمر باشد.

من گفتم که مایلیم با هر گروهی از این قبیل در تماس باشیم و امیدواریم که اینها بتوانند در اعتدال بخشیدن به صحنه سیاسی ایران سودمند باشند. با وجود این متذکر شدم که به نظر من مردم دقت زیادی برای بررسی مسایل سیاسی ندارند و این در حالی است که اقتصاد کشور در حال سقوط است. رام بلافاصله نظریه مرا مورد تأیید قرار داد و شرح مبسوطی راجع به مسایلی که بانکش با بانک مرکزی و ملی داشته است تعریف کرد.» سولیوان

(افشاگری شماره ۲۱)»

سیاست آمریکا در قبال سرمایه داران ایرانی

سرمایه داران وابسته ای که به سبب وابستگی شریان اقتصادیشان به آمریکای جنایتکار، متمایل به غرب و طرفدار حضور آمریکا در ایران هستند، به تبع اینان در خدمت سیاست حضور آمریکا در ایران

قرار می گیرند و به راحتی منبع اطلاعاتی و جاسوسی و تحلیلگر سفارت و CIA می شوند.

حتی حرکات اینان برای آمریکا حجت است؛ چنان که گرفتن کارت اقامت دائم و یا ویزای تجارتی افرادی مثل مهدی روغنی برای آمریکا، نشان از خرابی اوضاع و یا بهبود وضع سیاسی تلقی می شود:

«شاید تقاضای روغنی برای ویزای تجارتی به آمریکا نشانگر بهتری از ارزیابی شخص وی برای دراز مدت باشد.

وقتی که در ماه مه فقط برای چهار یا ۶ هفته رفت او در مورد وضع قم اظهار نگرانی و ناراحتی می کرد و در فکر این بود که کجای کار انقلاب خراب شده است. اگر وضع برگشته باشد گرین کارد به چه درد او می خورد؟ ما در یکی از روزنامه های فارسی زبان به مطلبی برخوردیم که یک ماه پیش از کشور فرار کرده است.»(افشاگری شماره ۱۹)

***

همچنین کمک آمریکا برای حل مسایل اقتصادی و حقوقی این افراد با کمپانیهای آمریکایی برای خوش خدمتی و مدیون کردن آنها به خودشان تا بتوانند در موضع یک دوست خوب و یک منبع اطلاعاتی و جاسوسی برای سفارت به خوبی انجام وظیفه نمایند:

«علاوه بر مشکل کمیسیون، روغنی یک اختلاف نظر دومی هم با شرکت فورد دارد که در مورد فروش ۶۰ دستگاه کامیونهای سنگین به شرکت ملی نفت ایران است. ادعای او این است که تفاوت بین قیمت صدور شرکت فولاد و قیمت فروش به شرکت نفت حق اوست که واسطه می باشد. شرکت نفت پول فورد را مستقیما داده است. مبلغ پولی که او فکر می کند طلبکار است، باید برای او جبران شود. این مشکل ظاهرا به حدود چهار سال پیش برمی گردد و هنوز حل نشده. از هر اطلاعاتی که شما می توانید در مورد وضع شرکت فورد و آمادگی آنها برای انجام پرداخت تهیه کنید، قدردانی می شود». (سولیوان)

(افشاگری شماره ۱۹)

***

«روغنی مایل است که با پرشت صحبت کند و ممکن است به گفتگوهای محرمانه با دیگران نیز تمایل داشته باشد. وی به علت رابطه اش با امام خمینی می تواند منبع اطلاعاتی مفیدی از اطرافیان خمینی باشد.»

(افشاگری شماره ۱۹

***

با توجه به خاصیت فوق و منبع جاسوسی بودن برای آمریکا علت کمکهای اقتصادی و رفع کردن اختلافات روغنی با کمپانیهای آمریکایی کاملاً روشن می گردد.

آمریکا قبل از انقلاب با تطمیع و وعده به بعضی از بازاریان ثروتمند، آنها را وادار می کرده که به نفع دستگاه و رژیم سابق ایران نزد امام خمینی بروند و او را از عواقب بسته شدن بازار که عمدتا منافع آنها را به خطر می اندازد، هشدار دهند. این عمل به وسیله اردشیر زاهدی عنصر پلید و خائن شاه نزد CIA آمریکا صورت می گرفت.

***

بسیاری از منابع خبری سفارت سرمایه دارانی بوده اند که شریان اقتصادی و حیاتی آنها به نحوی به کمپانیهای چپاولگر آمریکایی متصل بوده است و به خاطر منافع نزدیکی در معاملات اقتصادی و اعتقاد به حضور آمریکا در ایران که منجر به تأمین و تداوم سود و منافع سرمایه داران بزرگ می شد با سرویسهای سیاسی و اطلاعاتی سفارت همکاری می کرده و اطلاعات خود را در اختیار آنها قرار می داده اند که بعد از انقلاب سفارت از عدم همکاری بعضی از آنها که از ترس افشا شدن دیگر با سفارت تماس نمی گرفتند، می نالد:

***

«هوشنگ رام رئیس بانک عمران و معتمد شاه در سیزدهم دسامبر (۲۲ آذر ۵۷) به دیدن من آمد. او می خواست به من اطلاع دهد که گروهی از روشنفکران جوان را سازمان داده است که هدف آنها معرفی و طرح زمینه های تازه ای در بحثهای سیاسی است که بین طبقات متوسط ایرانیان در جریان است. او تمایل داشت بداند که این عمل می تواند به هر طریقی برای ما مثمر ثمر باشد.

من گفتم که البته که ما مایلیم با هر گروهی از این قبیل در تماس باشیم و امیدواریم که اینها بتوانند در اعتدال بخشیدن به صحنه سیاسی ایران سودمند باشند.» (سولیوان)

از سفارت به وزارت خارجه آمریکا ۲۲ آذر ۵۷ محرمانه تهران ۱۲۱۶۳

به خوبی روشن می گردد که آمریکا از پایگاه معروف خود یعنی چپاولگران سرمایه داری که به خودش وابسته اند و در استثمار منابع ملی و دسترنج مردم ایران شریک هستند برای مقاصد سیاسی و معتدل کردن جو انقلابی و ضد رژیم خائن شاه و آمریکا استفاده می کند و با گروههای ساختگی سیاسی که عمدتا به سرمایه داران چپاولگر و هدفهای آنها وابسته است، سعی در به انحراف کشیدن جهت راستین انقلاب اسلامی می نمایند. حال که هدف مهم آمریکا معتدل کردن و میانه رو کردن انقلاب به نفع شیطان بزرگ است، این گونه عناصر یعنی سرمایه داران بزرگ، بهترین وسیله برای اجرای این سیاست هاست.

***

همچنین از افرادی مثل جمشید ایرانپور که از سرمایه دارانی است که وابسته به آمریکا است، جهت نفوذ در کمیته ها و ارگانهای انقلابی استفاده می نموده اند. ایرانپور که عضو کمیته مرکزی اصفهان بوده است، منبع خبری سفارت و در نتیجه در خدمت امپریالیسم بوده و آمریکا به خوبی به وسیله ایشان از جریاناتی که در اصفهان می گذرد خبردار می شده است. در حقیقت آمریکا از این پایگاهش یعنی سرمایه داران بزرگ و وابسته به عنوان جاسوس خبرچین و تحلیلگر اوضاع ایران انقلابی استفاده می نموده است.

همچنین گزارش سفارت در مورد ایرج کی نژاد، مدیر عامل کمپانی سرمایه گذاری ایرانی که وی در مورد وضعیت اقتصادی ایران و درصد اشتغال و مسایل اقتصادی دیگر، گزارشاتی به سفارت می دهد.

نکته مهم اینکه در سند این شخص با خط نامرئی این جمله نوشته شده است.

(حالا زمانی است که انسانهای خوب برای کمک به کشورشان برگردند)

با توجه به تاریخ سند که نوامبر ۷۹ بعد از انقلاب را نشان می دهد، این مسئله برای آمریکا مطرح است که سرمایه داران و افراد وابسته به آنها که عمدتا می توانند برای اجرای مقاصدشان خوب باشند (و همانند

شاه و رژیم خائن او) به زعم آمریکا به کشورشان خدمت کنند، باید به ایران بازگشته و کارشان را که بر علیه انقلاب است شروع نمایند. البته آقای ایرج کی نژاد درصدد بوده است که با گرفتن ویزا ۳۰ میلیون تومان سرمایه خود را در ایران و به کمک سفارت خارج نماید.

***

قسمتی از توصیه لینگن کاردار به وزارت امور خارجه آمریکا

«۱۷ در زمینه اقتصادی همپیمانان طبیعی با نیروهای غیر مذهبی و غیر چپی هستند که در دنیای سیاست فعالند. باید تجار آمریکایی که تصفیه نگردیده اند محکم به کارشان بچسبند و خود را هماهنگ نشان بدهند.»

از لینگن به وزارت امور خارجه آمریکا ۲۹ مرداد ۵۸

***

در سند فوق اهمیت افرادی را که می توانند در جهت منافع اقتصادی آمریکا عمل نمایند مشخص می کنند و از آنجایی که وابستگی تجاری این افراد به آمریکا توسط شرکتها و تجار آمریکایی است که از لیست معاملات ایران حذف نشده اند کاردار توصیه می کند که تجار آمریکایی روابط تجاری و اقتصادی

خود را محکم کرده و رابطه وابستگی سرمایه داران ایرانی به آمریکا را هم چنان برقرار نگه دارند تا سفارت بتواند در سایه این وابستگی استفاده سیاسی خود را از این عناصر بنماید.

کلاً سیاست آمریکا در قبال سرمایه داران وابسته سرمایه داران بزرگ چنین است.

۱ استفاده از آنها برای راه انداختن جریانات سیاسی معتدل و میانه رو اعم از حزب و گروه و منحرف کردن حرکت انقلابی امام خمینی.

۲ با توجه به ارتباط با کمپانیهای خارجی و آمریکا و سفارت آمریکا از آنها چه در قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب به عنوان منابع مهم خبری و جاسوسی استفاده می نموده است.

۳ ایجاد کردن تسهیلات و کمکهای مادی و حقوقی برای سرمایه داران جهت جذب آنها و فرستادن آنها به ارگانهای انقلابی که احیانا می توانند در آنها نفوذ کنند.

۴ استفاده از سرمایه داران در به اعتصاب کشاندن کارگران نخریدن قطعات یدکی کارخانجات، سوءمدیریت و بخش و مصرف و احتکار مصنوعی مسایلی است که کاملاً معمول و رایج است و در بسیاری از کشورها نظیر شیلی و دیگر کشورهای زیر سلطه و در حال انقلاب عمل شده است، ولی متأسفانه در اینجا سندهای لازم که بتواند این اعمال را نشان دهد وجود ندارد.

۵ آمریکا درصدد است که سرمایه داران وابسته و عناصر وابسته به خود را که با لفظ (خوب) و خدمت به کشورشان مشخص می کند از تبعید اجباری به ایران بازگرداند و سیاستهای سلطه گرانه خود را به وسیله آنها به اجرا گذارد.

بخش ۶

منابع و شبکه های آمریکا در ایران

«عواقب نامطلوب تیره شدن روابط ایران و آمریکا خیلی از منابع اطلاعاتی خوب ما را از بین برده

است و بی علاقه بودن عده ای از ایرانیان در برخورد و صحبت کردن با کارمندان سفارت آمریکا را افزایش داده است. این عکس العملها از زمان تصمیم ۱۷ ماه مه سنای آمریکا (محکوم کردن اعدامهای دادگاههای انقلاب) شروع شد و سپس با تظاهرات در مقابل سفارت آمریکا در تاریخ ۲۴ و ۲۶ ماه مه و آن گاه نظرات یزدی در مورد (کاتلر) در مطبوعات و حمله شدید رسانه های گروهی اوج گرفت. این عمل موقعیت ما را به طور قابل ملاحظه ای متزلزل کرده است، حتی بدتر از اوائل انقلاب.

بعضی از منابع خبری در تهران اشاره کرده اند به اینکه سوءظن همکاران و دوستانشان نسبت به آنان رو به افزایش است. این حالت مخصوصا در دانشگاهها به شکل حادش بروز کرده است؛ جایی که افراطیون روشنفکران را از مواضع ضد آمریکایی مورد حمله قرار می دهند. آن طور که یکی از منابع خبری گزارش می دهد حتی کسانی که بیشتر در جریان کار قرار دارند با این موج از بین می روند.

(محرمانه از سفارت به واشنگتن امضاء ناس)

(افشاگری شماره ۱۶)

«مهدی روغنی مایل است که با پرشت صحبت کند و ممکن است به گفتگوهای محرمانه با دیگران نیز تمایل داشته باشد وی به علت رابطه اش با امام خمینی می تواند منبع اطلاعاتی مفیدی از اطرافیان خمینی

باشد.»

(محرمانه ماه مه ۷۹) (ناس)»

(افشاگری شماره ۱۹)

***

افرادی مثل مقدم مراغه ای و درخشش منابع اطلاعاتی خوبی برای سفارت می باشند که با خوش خدمتی های خود توانسته اند خدمات ارزنده ای در جهت اطلاعات و تحلیل وقایع روز به امپریالیسم بنمایند:

«شک نیست زمینه ای که در جریان این وقایع شکل می گیرد، به دست آوردن اطلاعات لازم و مورد نیاز ما را بسیار مشکل می کند؛ گرچه هنوز شرایط به سطح بعضی از کشورهای جهان سوم که آنها روابط کارکنان سفارت و مردم محلی را شدیدا تحت کنترل دارند نرسیده است؛ ولی فشارهای چند هفته اخیر، ایران را به سوی چنان موقعیتی سوق می دهد».(ناس)

(افشاگری شماره ۱۶)

***

اطلاعات زیر توسط یک منبع به Ro رسیده است که از یک میهمانی شام که توسط دوستش از وزارت دادگستری در روز ۳ آوریل برگزار شد کسب شده است. مهمانان غیر از منبع یک تاجر ایرانی دو ستوان پلیس، یک سروان پلیس و یک سرگرد دریابی بوده اند. همراه صحبت زیادی در مورد مسایل کلی و سیاسی، صحبت و بحث در مواردی که در مورد پلیس و نظم در ارتش است شد و مسایل دیگر ...».

(محرمانه شماره ۴۶۰۱۶۰ تاریخ ۴ آوریل ۷۹)

و ادامه می دهند:

«این گزارش منطبق با گزارشاتی است که ۳ منبع دیگر به ما گزارش داده اند که در محل بوده اند (در میهمانی)»

***

در حقیقت در آن میهمانی ۴ منبع سفارت و در خدمت امپریالیسم و شیطان بزرگ وجود داشته است که هر کدام جداگانه بدون اطلاع یکدیگر گزارشات خود را به سفارت داده اند.

***

«اظهار نظر: منبع یک افسر سرویس خارجی با تجربه است؛ خیلی خوب فارسی صحبت می کند و با ایرانیان تماس دارد، وی تا به حال کنسول سفارت در تبریز بوده است.» (سند فوق)

***

سفارت با ترتیب دادن انواع میهمانیها و یا فرستادن مأموران سیاسی خود به میهمانیهای رسمی و غیر رسمی سعی در صحبت با افراد لشکری و کشوری می کند و راجع به موقعیتهای سیاسی و نظامی بحث می نمایند و اطلاعات را به سفارت می دهند. واقعه فوق یک میهمانی بوده است و ۴ نفر از شرکت کنندگان افسران سیاسی سفارت بوده اند، که یکی از آنها Metrinco افسر سیاسی سفارت و کنسول تبریز است. وی به زبانهای فارسی عربی اردو ترکی تسلط کامل داشته و وارد به آداب و رسوم ایرانی است و جزو گروگانهای ملت ایران است و عامل ترتیب دادن منابع جاسوس ایرانی و کسب اطلاعات از آنهاست.

***

نظر سفارت در ۱۱ ژانویه ۷۸ در زمان قیامهای قم و حکومت دکتر آموزگار خائن.

«... برای آمریکا امتیازی در ایران در مورد جمع آوری اطلاعات (جاسوسی) به دست آورید و پشتیبانی برای Proquoliasionquid را در پاسخ به این امتیازات ادامه دهید. هر پیشنهاد را برای امتیازی جدید به دقت سبک و سنگین کنید تا مطمئن شوید که باعث در خطر انداختن پیشرویهای موجود نباشند.»

(۱۱ ژانویه ۷۸ محرمانه از سفارت به وزارت دفاع واشنگتن)

(افشاگری شماره ۱۰)

در مورد منابع و شبکه های جاسوسی آمریکا در ایران

سیاست آمریکا

سیاست آمریکا بعد از انقلاب دستیابی دوباره به اوضاع سیاسی اقتصادی ایران است. بنابراین طرحهای خود را باید براساس یک سری اطلاعات دقیق استوار کند.

شبکه ها و منابع خبری و اطلاعاتی و جاسوسی آمریکا در ایران، در زمان انقلاب ضربه دیده است و بعد از انقلاب هم بسیاری از این شبکه ها و منابع از هم پاشیده است.

سازماندهی دوباره کشف منابع جدید جاسوسی از هدفهای بخش سفارت است.

بنابراین به غیر از شیوه های فوق، افسران سفارت برای ملاقاتها و صحبت به افراد با سازمانهای دولتی و به میهمانیهای رسمی و غیر رسمی فرستاده می شدند و با طرح سؤالاتی که جهت و هدف آن از قبل مشخص است، سعی در کشیدن اطلاعات دست اول و مفید می نمایند.

ولی شبکه جاسوسی آمریکا در حال حاضر کاملاً کار می کند و دلیل آن هم اطلاعات دقیقی است که از اوضاع مملکت در سفارت موجود است و همچنین قرار دادن مهره های جدید در سازمانهای انقلابی که

بعد از انقلاب تأسیس شده از هدفهای سفارت آمریکا بوده است.

آنها احتیاج داشته اند که منابع و افرادشان از تأمین حقوقی برخوردار باشند. ادامه کارهای دادگاههای انقلاب، تصفیه ادارات و بسیاری از حرکات انقلابی، مانع وجود افراد و شبکه های جاسوسی امپریالیسم در ایران است. اطلاعات دقیق از ارتش نیز حاکی از داشتن شبکه های جاسوسی و منابع اطلاعاتی در ارتش است: «ما می خواهیم مسئولانه بر روی مسایل نظامی کار کنیم تا اینکه به دولت بازرگان قدرت دهیم و مطمئن باشیم که برای اوضاع آینده سیاسی مملکت دوستانی در ارتش داریم که ممکن است در معضلات سیاسی مملکت راهگشا باشند.

... ما همچنین خواهان یک رفتار مطلوب و مساوی برای طرفداران خصوصی مان در ایران هستیم.»

(محرمانه ۱۴ شهریور ۵۸ از هارولد ساندرز به نیوسام)

***

همچنین سفارت جهت تأمین و کشف منابع جاسوسی جدید از جریمه استفاده می کند و در قبال دادن ویزا به افراد مورد احتیاجش که اطلاعات ارزنده ای داشته باشند برایشان ویزای مسافرت به آمریکا صادر می کند:

«از سرهنگ شیفر وابسته نظامی دفاعی در نیروی هوایی به تمام وابسته های دفاعی آمریکا در تهران

و به مورفیلد سرکنسول آمریکا در تهران.

... وابسته های نظامی آمریکا درباره فامیل درجه یک افراد زیر می توانند رأی صدور ویزا توصیه نمایند:

الف: افراد ارتش، ژاندارمری و شهربانی ایران که از سرگرد به بالا باشند.

ب: افراد هواپیمای کشوری.

ج: افراد دیپلمات درجه یک ایرانی یا خارجی که با دفتر وابستگان نظامی آمریکا همکاری مستقیم داشته باشند.

توصیه: صدور ویزا تنها برای افرادی پذیرفته می شود که اطلاعات جاسوسی مفیدی برای آمریکا داشته باشند. متقاضیانی که مشخصات بالا را نداشته باشند اما دارای موقعیتهای فوق العاده ای باشند (مانند همافرانی که اطلاعات باارزشی برای ما تهیه نموده اند) باید توسط سرهنگ شیفر تأیید شوند.

... بخش صدور ویزا می تواند به عنوان وسیله ای برای جمع آوری اطلاعات جاسوسی مورد استفاده قرار گیرد. اطلاعاتی که معمولاً دسترسی به آن از راههای دیگر امکان پذیر نیست و باید توجه داشت که صدور ویزا مورد استفاده شخصی افراد قرار نگیرد. افراد تنها وقتی برای ما مهم هستند که اطلاعات جاسوسی باارزش فراهم نمایند و یا راهی برای رسیدن به این اطلاعات ارائه دهند.

من در این معامله پایاپای (گرفتن اطلاعات در مقابل ویزا) انتظار دارم گزارشهای مفیدی به دست آید.»

(۱۸ سپتامبر ۷۹ شهریور ۵۸ محرمانه)(افشاگری شماره ۱۷)

***

همچنین سفارت در نظر دارد علاوه بر استفاده از عناصر سرسپرده خود در ارتش و تشکیلات کشوری

از عناصر خائن ساواک که آزاد شده اند استفاده نماید و در شبکه های خبرگیری و جاسوسی و عملیات تخریب در آینده استفاده کند:

«... بسیاری از کارشناسان ساواک که با نظارت کنندگان سفارتخانه های خارجی همکاری می کردند، توانستند کار آنها را در دست بگیرند و این موضوع می تواند به ما فرصتی بدهد تا بتوانیم از آن در موقعیتهای آرامتر استفاده کنیم. تمام این کارشناسان در آمریکا بوده اند.»

(از نامه لینگن به زوبیک مورخ ۶ آبان ۵۸)

دید آمریکا راجع به ارتش ایران

بخش ۷

اشاره

مستشاری مهمترین حضور نظامی آمریکا در ایران است. هدفش بالا بردن کارآیی نیروهای نظامی ایران به منظور مقاومت در مقابل تجاوز و ادامه و حفظ منافع آمریکا در ایران است.

این ارتش (ارتش ایران) در ۱۹۴۱ به وجود آمد و در ۱۹۴۳ و ۱۹۴۷ تجدید سازمان یافت (قرارداد آمریکا و ارتش ایران). توافق اساسی بین حکومت آمریکا و دولت ایران این بود که نظارت و کمک ارتش آمریکا به ارتش ایران (زمینی و هوایی و دریایی) ادامه یابد. از ۱۹۵۰ قرار داد کمک دفاعی مشترک بین دولت ایران و دولت آمریکا در سه زمینه منعقد گردید.

این توافق ارتش Armish متفاوت بود و در زمینه کمک اداری و سازماندهی بود.

«در ۱۹۴۲ اولین کمک بزرگ به ارتش ایران تحویل گردید. در سال ۱۹۵۸ Armish و Maagنزدیکتر شدند. در ۱۹۶۵ فروش نظامی خارجی و برنامه های اعتباری آغاز شد. موفقیت این برنامه موجب قطع کمکهای بلاعوض در ۱۹۷۲ بود Maag از Magor - Gonro دستور می گیرد و هدف این مستشاری ارائه مشاوره روزانه به بالاترین افراد ارتش ایران می باشد. این کار با در جریان گذاشتن شاه انجام می شود.

کارمندان Armish-Maag بر کار فرماندهی ستاد ارتش شاهنشاهی مشاوره کامل می نمایند. هر عضو ایرانی که فرمانده عملیات اطلاعات تجسّسی لجستیک (پشتیبانی) نقشه ها و برنامه هاست یک نفر راهنمای خارجی دارد که معمولاً یک سرهنگ است.»

(از افشاگری شماره ۷)

مسئول مدرنیزه کردن ارتش شاهنشاهی ایران در رابطه با برنامه ۱۹۷۲ می باشد. ایران سفارش وسایل و خدمات به ارزش کمی بیش از ده میلیارد دلار که شامل خرید خدمات است به آمریکا داده است.»

***

همچنین دولت آمریکا اجازه افشای رموزی که در کارهای نظامیان در ایران به کار گرفته می شود به دولت ایران نمی دهد و سعی دارد کارهای مستشاری آمریکا در ایران از افسران ایرانی پنهان باشد.

***

در موقعیت فعلی حداقل اطلاعات ممکن می بایست به دولت ایران داده شود.

هیچ گونه اسامی رمز جدیدی که باعث افشای اسرار به دولت ایران بشود بدون تأیید کمیته افشاگری مستقر در واشنگتن نباید استفاده شود. (از افشاگری شماره ۸)

***

همچنین آمریکا یک سیستم فوق مدرن اطلاعاتی جاسوسی که به وسیله پایگاههای الکترونیکی خبرگیری و رادار و ماهواره ها اداره می شد به ایران تحمیل نموده بودند که ۳/۱ بیلیون دلار هزینه این سیستم در سراسر ایران بود. این سیستم از گشتی هایی که پایگاههای رادار دار و الکترونیکی هستند تا سیستمهای ساده خبری و از پایگاه های کبکان و بهشهر گرفته تا هواپیمای پرنده آواکس شامل می گردید که حرکت موشکهای شوروی و منطقه و انواع و اقسام علائم خبری و اطلاعاتی را گرفته و به طور متمرکز به وسیله امواج به آمریکا می فرستاد. مستشاری آمریکا و نیروی هوایی رژیم خائن شاه عهده دار اداره و ادامه طرح این سیستم عظیم خبری بوده اند. این سیستم به نام سیستم Ibex مشخص است.

(ارجاع به افشاگری شماره ۶)

***

با توجه به مسایلی که در فوق عنوان گردید، نقش آمریکا در ساختمان ارتش ایران و جهت ساختمان ارتش و چگونگی و اهداف این ماشین در رژیم شاه خائن به خوبی روشن می گردد.

مصونیت و مزایای سیاسی مستشاران نظامی

۱ تمام متن محرمانه است.

۲ در ۱۸ سپتامبر مأمور سیاسی به وزارت امور خارجه فرا خوانده شد. توسط رئیس دایره حقوقی، فرخ پارسی، پاسخ به نامه ۱۸۷ سفارت که در تاریخ ۱۶ می ۱۹۷۹ خطاب به وزارت خارجه به دولت اطلاع داده است که باقیمانده مستشاران نظامی ایران از طرف دولت آمریکا به سفارت به عنوان کارمندان فنی و اداری اعلام شده اند، در نامه خواسته شده بود که برای آنها کارت ضمانت سیاسی صادر شود (تا حالا فقط برای گروهبان ویلیام دجرمان صادر شده است).

۳ پارسی روشن ساخت که قرارداد ۱۹۶۴ لغو شده و دولت هرگز قصد ندارد قوانینی را که مستشاران نظامی کشورها را از ایرانیان متمایز می سازد به اجرا در بیاورد. پارسی گفت: دولت قانون بین المللی راجع به حقوق و مزایای مستشاران نظامی را که عمل می شود مورد بررسی قرار داده است. بهرحال سفارت به مستشاران نظامی پاسپورت دیپلماتیک می دهد.آنها را به عنوان کارمندان فنی و اداری خویش معرفی می کند در حالی که آنها در واقع نیستند. پارسی روشن ساخت که مسئله مستشاران نظامی در ایران برای دولت مسئله بسیار حساسی است؛ به خاطر تاریخ این مسئله.

(نظر سفارت: دولت ایران به این مسئله چنین می نگرد که شاه و دولت آمریکا این قانون را در ۱۹۶۴ به ایرانیان تحمیل کرده و این نظر اغلب ایرانیان است.)

۴ آقای پارسی نامه ۱۶ می سفارت را به عنوان یک تقاضا بیان داشت که دولت موقعیت مستشاران نظامی و دسته بندی بیان شده را قانونی کند. ولی دولت نمی خواهد هیچگونه قانونی بگذراند که به مستشاران مصونیت و مزایای سیاسی بدهد. با وجودی که پارسی خیلی مشخص صحبت نمی کرد، روشن بود (از مکالمه اش) که وزارت امور خارجه دوست ندارد به مستشاران اجازه دهد به عنوان مأموران فنی و اداری سفارت باشند. به هر حال آقای پارسی یک قاضی آموزش یافته در آمریکا و منطقی است که سعی فراوان می کند راهی پیدا کند که هم حساسیتهای دولت را امضاء کند و هم مسئله مستشاران ما را.

۵ پارسی گفت: دولت ایران حقیقتا راجع به درخواست مصونیت و مزایای سیاسی برای مستشاران نظامی آمریکا علاقه مند نیست. آنها فکر می کنند که تمام مستشاران نظامی تحت لوای قوانین ایرانی باید باشند. پارسی خاطرنشان ساخت که در گذشته تنها موردی که آمریکاییان خطا کار بودند مسئله رانندگی بود. پارسی از اینکه ممکن است در اختیار مستشاران نظامی راننده قرار ندهند تعجب می کرد، زیرا این عمل می توانست از تخلفات رانندگی آنها جلوگیری کند. مأمور سیاسی گفت: اگر مسئله صحت داشته باشد ما خوشحال خواهیم شد. او از تجربیاتش در کشورهای دیگر چنین برداشت کرده که نظر قطعی بخش دفاعی، داشتن اختیارات قانونی است. او شک داشت که ایالات متحده به پرسنل نظامیش اجازه دهد که بدون داشتن حفاظت در ایران خدمت کنند. مأمور سیاسی سفارت راجع به مسئله انجام یا عدم انجام وظیفه چیزی ذکر نکرد. مذاکرات کاملاً نامشخص (ناموفق) بود و پارسی از اینکه این مسئله چگونه در کشورهای دیگر تاکنون خاتمه یافته است، اطلاعات صحیحی نداشت.

۶ پارسی پرسید چه پوشش بیمه ای برای پرسنل نظامی مستقر در آمریکا داده شده است؟ (مانند نظامیانی که مأمور خرید و تدارکاتند ولی وابسته (گماشته) نیستند. آیا شما مصونیت سیاسی را برای این چنین مردمی در آمریکا تضمین می کنید؟ آیا هیچ موقع پرسنل نظامی یک کشور خارجی مانند مستشاران نظامی در ایران به سفارتخانه ها در واشنگتن به عنوان کارمند فنی و اداری اعلام شده اند؟ در پرسیدن اینها پارسی سعی فراوان داشت که به استانداردهای قابل مقایسه که او می توانست با کمک آنها راجع به

مصونیت سیاسی مستشاران نظامی در ایران بحث کند توسل جوید.

۷ پارسی پرسید: چند نفر از مستشاران نظامی در سفارت حضور دارند؟ او عقیده داشت که فقط بر طبق قوانین آمریکا اجازه دارند؛ بخش دفاعی باید حقوق اضافه بر آن ۶ نفر مستشاران نظامی را بپردازد و تمام قوانینی که به دولت اجازه می داد، حقوق برای مستشاران نظامی خارجی بپردازد، اکنون لغو شده است. (نظریه: سفارت برای پارسی لیست جاری مستشاران نظامی را که هفت نفرند، تهیه خواهد کرد و به او اطلاع خواهد داد، که تعدادی از افرادِ مستشاران نظامی، تا اول اکتبر جهت اطمینان در ایران خواهند بود و بعد از اکتبر تعداد آنها به ۶ نفر کاهش خواهد یافت. هر افزایشی در پرسنل تنها در صورت توافق خواهد بود.)

۸ کارهای درخواست شده (از طرف سفارت)

باعث قدردانی است اگر بخش دفاعی مثالی از خارجیان غیر وابسته ای که در آمریکا مصونیت سیاسی دارند به ما بدهد. مفید خواهد بود، چنانچه مثالی از اینکه ما در کشورهای مشابه ایران چگونه این مسئله را اعمال می کنیم، داده شود.

۹ نظریه: در یک نامه به تاریخ ۴/۸/۷۹ خطاب به وزیر دفاع ملی با موضوع: نامگذاری دوباره مستشاران نظامی، نماینده عالیرتبه دفاعی آمریکا به پایان عملیات مستشاران آمریکایی در نیروهای ارتش اشاره کرد و از معاون Mond خواست نسبت به نام گذاری دوباره مستشاری نظامی اقدام کند. با وجودی که ما این مسئله را دنبال کرده ایم، ولی هنوز مسئولیتی دریافت نکرده ایم. انتقال مثبت از هر نوع ارتباط مستشاری که به وسیله دولت ایران دنبال خواهد شد، می تواند ما را در موقعیتمان یاری دهد.

۱۰ این مسئله مشکلاتی در بردارد تا آنجا که به وزارت امور خارجه ربط دارد، مخصوصا که پارسی خیلی نزدیک به یزدی وزیر امور خارجه کار می کند، ما نمی دانیم آیا در این تمایلات هیچ گونه

جهت یابی با وزارت دفاع شده است؟ ما امیدواریم بکوشیم، این مسئله را به آرامی و در سطح پایینی حل کنیم. پارسی در بست می گوید که نسبت به این مسئله حساسیت فراوانی موجود است و این یکی از مسایل با اهمیّت دولت است. آیت اللّه خمینی اولین بار نامش را با مبارزه با این قانون در ۱۹۶۴ روساخت و ما شک داریم که در موقعیت فعلی او به مسئله مستشاران آگاه است. موقعی که مسئله کاملاً عینی (علنی) شد، ما می توانیم مذاکرات منطقی نسبت به افکار ملی گرایان که مانع این مسئله است انجام دهیم.(لینگن)

کلاسه: محرمانه و پخش محدود است

شماره سند: تهران ۱/۱۰۳۳۶ تاریخ: ۲۳ سپتامبر ۱۹۷۹

از سفارت آمریکا در تهران به وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی فوری

گزارشگر: قسمت سیاسی: الیزابت سوئیفت و (نظامی: Roavis)

«لغو قرارداد ۱۹۴۳ که مأموریت نظامی آمریکا (مستشاری) را شامل می شد، یک نمونه دیگر از کارهای انقلابی این رژیم است که آشکارگر قطع نفوذ خارجی می باشد. اگر چه این حرکت باعث لغو قرارداد دوجانبه ۱۹۴۷ و مأموریت نظامی می شود ولی اثری در وضعیت قانونی یا کار نمایندگان پرسنل نظامی در تهران ندارد.

قانون ۱۹۴۳ مستشاران نظامی آمریکا را جزو وزارت جنگ می داند که در حال حاضر یک چنین چیزی با موقعیت ایران غیرقابل تحمل است؛ اگر چه ما سالها به طور رسمی این قرارداد را تمدید کردیم، ولی محتوی آن با گذشت زمان به طور زیادی بی ربط و مناسبت ندارد.

ماهها پیش دولت قرار داد ۱۹۶۳ را که به مستشاران نظامی آمریکا مصونیت می داد فسخ نمود. در آن زمان ما به دولت ایران گزارش دادیم که افراد نظامی ما وابسته و فرستاده سفارت خواهند بود و گذرنامه دیپلماتیک خواهند داشت. ایرانیها که ترتیبات را قبول کرده اند و هیأت ۶ نفری که بعد از اکتبر در تهران کار خواهند کرد، از لحاظ مالی توسط آمریکا تأمین خواهند شد و احتیاج به هیچ گونه توافق نامه رسمی با دولت موقت ایران ندارد.

* برخلاف این ادعای استقلال ایران، اخیرا حرکتهای متعددی صورت گرفته که نشانگر این است که بعضی از فرماندهان نظامی مایلند که در یک حد محدودی این مناسبات از سر گرفته شود. مثل کار تدارکاتی و حمایت قطعات با آمریکا.

(به وزارت امور خارجه آمریکا ازساندرز ۹/۱۷/۷۹

نوشته فوق به خوبی موقعیت قراردادها نقش مستشاران را از نظر حقوقی و قرار گرفتن در قانون استعماری کاپیتولاسیون و تأثیرات انقلاب اسلامی را برای در هم پاشیدن آنها به خوبی نشان می دهد.

«کاهش زیادی که در قسمت کارکنان مستشاری رخ داده از بزرگترین تعداد در دنیا به فقط ده نفر، ما را قادر می کند که فقط نقش یک مشاور تدارکات را داشته باشیم».

(۱۴ ژوئن ۷۹ از اینکلمن به فرمانده جونز فرمانده تجهیزات نیروی دریایی آمریکا)

***

اعتراف فوق به خوبی نشان دهنده نفوذ فراوان مستشاران آمریکا در ارتش ایران بوده است. به طوری

که در هیچ جای دنیا این نسبت مستشار آمریکایی در یک ارتش وجود نداشته است.

***

«ارتش مدتی است که مأموریتی نداشته است. اگر چه خمینی و دولت موقت به لزوم یک ارتش قوی معتقدند. ایران که داشت، به سرعت قدرت مدیریتش را به سوی خودکفا شدن توسعه می داد قسمت مهمی از آن (مدیریت) از بین رفته.

ایران قابلیتهای تکنیکیش را تا حد قابل توجهی توسعه داده بود. با این حال هنوز از بالاترین تا پایین ترین سطح در هر قسمتی وابسته به تکنیکهای خارجی می باشد. نه تنها تمام متخصصهای خارجی بلکه بسیاری از متخصصهای داخلی نیز ایران را ترک کرده یا لااقل جا به جا شده اند. جا به جایی بدون در نظر گرفتن مقام یا تخصص بوده است و دلیل آن عدم تولید است.»

(از تحلیل ارتش ایران، بدون تاریخ شماره و امضاء)

«اگر چه اساس ارتش به هم خورده و دورنمای جریانات برای باز سازی آن نامشخص است، اما نیرویی است که امتیازات قابل توجهی دارد.

ما تحول برای بازسازی در نیروی هوایی می بینیم، اما این مسئله قابل سؤال است که آیا رهبری جدید که به وسیله خمینی گذاشته شده، ممکن است که انگیزه های لازم را برای بازسازی تدارک ببیند؟

بر خلاف سازمانهای موجود در ایران، ارتش اصول، تربیت و ساخت سازمان یافته ای دارد، تا بتواند

بازسازی شود. چهارچوب اصلی باقی می ماند و بازسازی ممکن است که در مقایسه با قسمت دیگر دولت نمود پیدا کند.

این حقیقت ممکن است مسایلی را برای دولت جدید به وجود بیاورد که چگونه و در چه راهی می خواهد به سرعت ارتش را نیرویی تازه بدهد؟

ما معتقدیم که کمیته ها و ارتش در ستاد مشترک، یعنی همان سازمانی که به طور مرتب به خمینی گزارش می دهد واقع است. از وظایف دیگر این کمیته ها انتصاب یا حداقل موافقت با انتصاب تمام کارمندان ستاد، واحد فرماندهای و سرگردان ستاد می باشد.

چنین به نظر می رسد که قم انتخابات را تأیید می کند.

در سرویسهای ارتش ما قدرت تشخیص عملکرد این چنین کمیته هایی را نداریم؛ اما شواهدی از افراد کمیته را در مقر ارتش و پادگانها داریم. نیروی هوایی مدعی است، در میان وظایف دیگری که کمیته ها دارند، آنها مانند سگهای پاسبان عدم وفاداری به رژیم خمینی را گزارش می دهند.»

(از تحلیل ارتش ایران)

***

با توجه به مطالب فوق آمریکا ارتشی را که برای مقاصد خود مسلح و سازمان داده بود، می بیند که از دست می رود و کیفیت و تخصصهای آن در جهت دیگری افتاده است.

آمریکا سعی دارد که ارتش را که مشخصا با سازمان خاصی شکل گرفته است، دوباره همانند سابق شکل دهد؛ یعنی سازماندهی و بازسازی ارتش به شکل سابق یکی از خواستهای آمریکاست. در این صورت آمریکا بنا به ضرورتی که آن نوع سازماندهی و بازسازی لازم دارد، می تواند در ارتش نفوذ دوباره کند. البته این عمل مکمل سیاست آمریکا با دولت موقت است که منجر به خرید وسایل نظامی، به

خصوص قطعات یدکی جنگ افزارهای فراوانی است که آمریکا برای یک سازماندهی مشخص ارتش، به ایران فروخته است.

***

همچنین وجود مستشاران نظامی آمریکا در ایران و قراردادها، به خوبی کنترل شدید ارتش را به وسیله این مستشاران نشان می دهد و همچنین سیستم خبری و جاسوسی چنانچه آمریکا از بسیاری از جزئیات ارتش بعد از انقلاب خبر دارد.

تحلیل و بررسی وضع ارتش بعد از انقلاب چه نیروی هوایی و دریایی و چه زمینی، می تواند آمریکا را به ارزیابی مشخصی از ارتش هدایت کند، که در نهایت بتواند سیاست خود را در قبال ارتش تنظیم و مشخص کند.

***

از آنجایی که متن همه قراردادهای نظامی در سفارت موجود نیست، فقط به متن یک قرارداد نظامی که در سال ۲۲ شمسی یعنی اوایل حکومت دیکتاتوری محمدرضای خائن با آمریکا از طرف ژاندارمری بسته شده است، اکتفا می کنیم.

لازم به تذکر است که این قرارداد موقعی منعقد شده است که دولت ایران زیر سلطه امپریالیسم سیاه انگلیس بود و نفوذ آمریکا در ایران تازه شروع گردیده بود:

«بنابر تقاضای دولت ایران از دولت کشورهای متحده آمریکا و به استناد قانون استخدام افسران آمریکایی برای ژاندارمری، مصوب ۲۸/۷/۱۳۲۲، رئیس جمهوری کشورهای متحده آمریکا اجازه داده اند که هیئتی از افسران و درجه داران و متخصصین ارتش کشورهای متحده آمریکا که تعداد افسران آن از ۸ نفر تجاوز نخواهد نمود، به منظور اصلاح ژاندارمری بر طبق مواد ذیل منصوب شوند.

حال با ذکر چند بند مهم اکتفا می کنیم و بقیه را به جهت اطلاع همگان به مطبوعات عرضه می کنیم.

ماده بیستم: وزیر کشور ایران، رئیس هیئت را به سمت مستشار وزارت کشور، عهده دار امور ژاندارمری به ریاست کل تشکیلات ژاندارمری دولت شاهنشاهی ایران برای مدت این قرارداد تعیین خواهد نمود، و رئیس هیئت بر همه افسران ژاندارمری شاهنشاهی ایران تقدّم خواهد داشت. مشارالیه مستقیما عهده دار کلیه اداره و کنترل ژاندارمری خواهد بود و حق خواهد داشت، طبق مقررات انتصاب یا ترفیع یا تنزل یا اخراج هر خدمتگزار ژاندارمری به وزیر کشور پیشنهاد و یا تصویب ایشان به موقع اجرا بگذارد و مقام دیگری حق مداخله نخواهد داشت. نیز حق خواهد داشت، هر افسر یا ژاندارم یا خدمتگزار ژاندارمری را با تصویب وزیر کشور منتقل و دوباره تعیین کند.

ماده بیست و یکم: دولت ایران موافقت می نماید تا زمانی که این قرارداد به قوت خود باقی است افسرانی از ارتشهای خارجی دیگر یا کارکنانی از هیچ کشور دیگر برای خدمت در ژاندارمری شاهنشاهی ایران یا شعب آن که کارمندان هیئت نظامی کشورهای متحد آمریکا در آن خدمت می نمایند، استخدام ننماید.

ماده سی ام: نسبت به هر یک از کارکنان این هیئت که به طور صحیح و منظم و از روی صلاحیت ثابت شود که به جرم مداخله در کارهای سیاسی کشور یا تخلف از قوانین ایران مقصر است، هیئت وزیران حق خواهد داشت مقررات این قرارداد را که مربوط به چنین کارمندی باشد، لغو نماید.

قرارداد به امضاء محمد ساعد وزیر امور خارجه و دریفوس به تاریخ ۲۷ نوامبر ۱۹۴۳ مطابق با ۵ آذر ۱۳۲۲ شمسی وزیر مختار آمریکا رسیده است.

دید آمریکا در مورد ارتش ایران بعد از انقلاب

«مقدار زیادی از طبقات متوسط بالا از بیگانگان متنفرند. خیلیها معتقدند که آمریکا باعث سقوط شاه گردید. در بین این گروه افرادی هستند که از فکر فوق خوشحالند و عده ای هم هستند که از تنفر نسبت به آمریکاییها ناراضی اند. در ارتش حس تنفر نسبت به بیگانه وجود دارد، در صورتی که شرایط در ایران و در ارتش بهبود نیابد، به احتمال زیاد در آینده نزدیک خطرِ احساس خیانت می باشد و اگر این اتفاق بیفتد رهبری ارتش در جبهه ضد آمریکایی خواهد بود.»

(از تحلیل ارتش ایران)

***

ترس آمریکا از ضد آمریکایی شدن ارتش به خوبی از این گفته مشخص است.

سیاست آمریکا در قبال ارتش بعد از انقلاب اسلامی

مطابق آنچه که در مورد سیاست آمریکا در قبال دولت موقت آمده است گفته ایم که آمریکا سعی دارد

که با یک سیاست مسالمت آمیز، ایران را از نظر اقتصادی به خود وابسته نماید. این وابستگی از جهت نظامی به قطعات فنی ارتش مدیریت و سیستم ارتش و آموزش آن می انجامد. حال جریان قطعات یدکی را از زبان تحلیلها و اسناد موجود در سفارت می شنویم.

***

در توصیه ای از طرف ساندرز به نیوسام:

«چگونه روابط نظامیان را توسعه دهیم؟ ایرانیها در مورد سپرده مالیشان در مقابل فروشهای نظامی سوءظن دارند. آنها به قطعات یدکی و حفاظت تکنیکی نیازمندند؛ ولی برای مسایل سیاسی می ترسند که از ما تقاضا کنند. ما می خواهیم مسئولانه بر روی مسایل نظامی کار کنیم، تا اینکه بازرگان را قدرت دهیم و مطمئن باشیم که برای اوضاع آینده سیاسی مملکت دوستانی در ارتش داریم که ممکن است در معضلات سیاسی مملکت راهگشا باشند. برای در اختیار گذاشتن قطعات حساس به آنها مطالعه کنید و آماده باشید که قطعاتی که در سطح پایین هستند در اختیار آنها قرار دهیم.

آماده برای تحویل قطعات یدکی دستگاههای قبلی که ارزشان از ۵ میلیون دلار کمتر است باشید، و اگر ایران مایل بود قطعات یدکی را از مجاری دیگری تأمین کنید اجازه دهید که از کشورهای دوست و پیشرفته جهان سوم مثل ایتالیا قطعات یدکی هلیکوپتر را تأمین کنند.»

(از ساندرز به نیوسام ۱۴ شهریور ۵۸ از تحلیل سیاست آمریکا درباره ایران)

***

«ایرانیها به ما گفته اند که سیاست آنها این است که به صورت گوناگون از وسایل نظامی آمریکا حمایت کنند. ما به آنها جواب دادیم که در اساس هیچ گونه ایراد و اشکالی دیده نمی شود که از وسایل نظامی اروپایی که کار آنها بر طبق قانون کار و سیاست ماست استفاده شود (ما فقط به چیزهایی که خودمان تهیه

خواهیم کرد اجازه خواهیم داد). ما همچنین یادآور خواهیم شد، که امکان دارد عملاً مسایلی پیش آید. موانعی واقعی برای تعدد حمایت وجود دارد. ما امیدواریم که متفقا موافقت شود که همگی ما تا آنجا که می توانیم ارتش ایران را تقویت و گسترش دهیم که کلیدی باشد برای آینده ما.»

(از تحلیل قوه ابتکارات سیاسی سرّی و حساس مهر ۵۸)

(شماره ۳۰۳۱۳)

***

«بسیاری از سرهنگها و کارمندان با تبلیغات ضد آمریکایی مخالفند؛ ولی بسیاری از آنها فاقد شهامت هستند. مشکل بتوان فراموش کرد که خمینی سران ارتش را از بین برده است از سوی دیگر، البته، سرهنگها و کارمندان اهمیت تکنیک آمریکایی در ارتش را تشخیص داده اند و اینکه در صورت کمبود قطعات یدکی چه اتفاقی خواهد افتاد، مهم نیست که چه اتفاقی می افتد، ما باید این موضوع را در نظر بگیریم که تحول و اصلاح ارتش و چگونگی مسلح شدن آن، احتیاج به فراگیری تکنیکهای جدید ارتشی دارد و در هر صورت مهم است که رابطه طبیعی بین ما و فرماندهان ارتش وجود خواهد داشت.»

(از نامه مهم لینگن کاردار سفارت به برژینسکی مشاور امنیتی کارتر یک هفته قبل از اشغال سفارت ۲۸ اکتبر ۷۹).

در اینجا به خوبی هدف آمریکا از سازماندهی ارتش به طریق قبل و به شکل آمریکایی، آن چنان که

وابسته به قطعات یدکیِ تجهیزات و مدیریت آمریکایی داشته باشد، به خوبی روشن می شود.

طبیعی است که با این سیستم حتما احتیاج به نظارت افراد آمریکایی خواهد داشت.

و طبیعی است که با این شکل ارتباط آمریکایی ها با سران ارتش و افراد دیگر ارتش امری است طبیعی، و سیستم ارتش کاملاً در کنترل آمریکا در خواهد آمد.

جمله رابطه طبیعی بین ما و فرماندهان ارتشی حاکی از این واقعیت است که در یک سیستم وابسته به آمریکا، چه از نظر سازماندهی و چه تجهیزات این امر یعنی قابل کنترل بودن فرماندهان ارتش، امری است طبیعی، و هدفی است که آمریکا می خواسته است با وابسته کردن ارتش ایران کنترل آن را در دست بگیرد. البته این مهم را در بلند مدت به دست می آورده است.

همچنین آمریکا روی دوستانش در ارتش حساب زیادی می کند تا بتوانند در سایه سیستمی که وابستگی فنی و تشکیلاتی به آمریکا دارد، عملیاتی به نفع آمریکا در ایران انجام دهد و ارتش سازمان یافته به طریق آمریکایی را کلیدی برای آینده خود می بیند. آیا آینده ای غیر از سلطه دوباره سیاسی اقتصادی نظامی و فرهنگی آمریکا برای ایران برایش متصور است؟

***

چنان که دوباره تأکید می شود که:

«درجه و نقشی که ارتش در حل مسایل ملتها خواهد داشت، بستگی زیادی به اطمینان دولت جدید انتخاب شده و رهبری ارتش به همدیگر دارد. مهمترین عوامل برای بازسازی، روابط خارجی با غرب و کمکهای تدارکاتی (لجستیکی) نظامی می باشند. موقعیتهای دلخواه در هر دو سطح ممکن است که تنها یک کار توسعه یافته جدید را برای بازسازی، بلکه برای تحت تأثیر قرار دادن افسران مبنی بر اینکه غیر متعهد و غیر دوستانه نسبت به غرب نباشند، تدارک ببیند. یک موقعیت متضاد دیگری ممکن است روی

دهد که از یک سیاست خارجی ضد غربی حمایت کند؛ یا سرانجام شبیه ارتش دولت قذافی را نتیجه دهد».

(از تحلیل ارتش ایران)

***

در بالا به خوبی حساب آمریکا به روی ارتش و سعی در سازماندهی آمریکایی آن و جلب عناصر ارتشی به غرب و ترس از دست رفتن این پایگاه به خوبی روشن است.

***

«با توجه به احتیاج ایران به قطعات یدکی و احتیاط سوءظن دار ایران در مورد سپرده های فروشهای نظامی در آمریکا، ما باید مسئولانه عمل کرده و بازرگان را قدرت بدهیم و مطمئن باشیم که در آینده در ارتش ایران دوستانی خواهیم داشت که می تواند معضلات سیاسی مملکت را راهگشا باشد.

(محرمانه ۱۴ شهریور ۵۸ از ساندرز به نیوسام)

«ما باید به اداره تبادلات اطلاعاتی با ایرانیان ادامه دهیم. زمانی که این تبادلات عملی شد، جستجو را برای به کار گرفتن افسران نظامی ایران برای داخل شدن در یک امتحان، از تهدید نظامی آغاز کنید.»

«یکی از شماره های سندی تحت عنوان سیاست ایران (توصیه های خلاصه شده در مورد مسایل ایران)

«۱۶ مسئله تحویل قطعات یدکی و روابط برقرار کردن با ارتشیهایی که تمایلات آمریکایی شدید دارند.»

(از لینگن به وزارت امور خارجه واشنگتن ۲۹ مرداد ۵۸

ما با توانی که هم اکنون در بازدید و جمع آوری اطلاعات از پایگاهها داریم، به خصوص به خاطر از دست دادن رابطه های نامحدود مستشاری، قدرت اطلاعاتی ما بشدت لطمه دیده است. (از سفارت آمریکا در تهران به وزارت امور خارجه واشنگتن

تاریخ ۲۵ ژولای ۷۹)

آزادی رفت و آمد و سرکشی به تأسیسات و پرسنل نیروی هوایی جمهوری اسلامی، به طور خیلی فجیعی محدود شده است و شک هست، که آمریکاییها بتوانند از پایگاهها دیدن کنند. بجز پایگاه مهرآباد و دوشان تپه که تا قبل از ماه مه ۱۹۸۰ می توانند مورد بازدید قرار گیرند.

بیشتر اطلاعات که لازم است، بستگی به این دارد که مستشاران نظامی چگونه بتوانند روابط خود را با نیروی هوایی جمهوری اسلامی برقرار کنند.

(از تهران به واشنگتن، گزارشگر Gillette ۲۹ ژولای ۷۹)

***

اگر چه رابطه با وابسته (Prc) ایجاد شده است، اما تجربه تا این تاریخ نشان داده است که در بهتر شدن جمع آوری اطلاعات ما هیچ تغییری نکرده است.

(از تهران به واشنگتن، گزارشگر Gillette ۱۵ ژولای ۱۹۷۹)

***

در این نامه به دو سؤال که از طرف واشنگتن شده است، پاسخ داده می شود.

۱ آخرین خبر نسبت به مذاکرات صلح در کردستان را بگویید؟

۲ هم اکنون نقش ارتش و پاسداران در کردستان چیست؟

در پاسخ به سؤال اول تقریبا اخبار معمولی است.

در پاسخ به سؤال دوم به قول چندین منابع مختلف نقل می کند، که کردها با ارتش بسیار خوب هستند و پاسداران را بشدت می کشند. ارتش نیز وقتی بر فراز کوهها برای سرکوبی می رود، به جای اینکه به کردها بزند عمدا به کوه و سنگ و بیابان می زند. وقتی ارتشیان و پاسداران به گروگان گرفته می شوند، ارتشیان آزاد می گردند و پاسداران اکثرا مثله می شوند و فقط ۲ تا ۳ نفر را آزاد می کنند تا جریان را برای دیگران تعریف کنند. از قول یکی از افسران زمینی که از منابع بسیار قابل اعتماد سفارت نیز هست، این بار پیام خود را به وسیله یکی از اقوامش به سفارت رسانده و گفته که پاسداران همراه با ما به گشت مشغول هستند، ولی کردها مهارت خاصی در کوهها دارند.

(از سفارت آمریکا در تهران به واشنگتن تاریخ ۱۲ اکتبر ۷۹)

***

با توجه به دو سند فوق، نفوذ جاسوسی آمریکا را در مورد ارتش، روشن می کند که شبکه اطلاعاتی و جاسوسی سفارت به خوبی در ارتش عمل کرده و گزارشات لازم را جهت جمع بندی و شناخت سفارت از موقعیت ارتش به مسئولین سفارت می رسانند. کوشش فراوان سفارت برای ارتباط نزدیک و مشاهدات

عینی از پایگاههای هوایی، نشان از اهمیت نفوذ و حضور مستقیم آمریکا در ارتش ایران است.

وجود افسرانی که به نفع آمریکا به جاسوسی مشغولند، می تواند اطلاعات مفیدی را به آمریکا برساند.

با توجه به همه تحولات انقلابی در ایران، آمریکا هنوز سعی دارد از طریق سفارت و مهره های سرسپرده آمریکا در ارتش جزئیات را زیر نظر دارد.

هیچ توصیف دقیق و مشخصی برای کاری که ما اینجا انجام می دهیم، وجود ندارد. ماهیت موقتی ارتش اجازه نداده که نظم ارتشی در مستشاری پیاده شود. ما به طور اساسی نسبت به درخواستهای متغیر IINتطبیق خود را حفظ کرده ایم و به طور مناسب جواب گفته ایم؛ هیچ تماس نیروی دریایی وجود ندارد و تفاوت بین قسمت نیروی دریایی و دفتر دفاعی DAO گاهی اوقات مبهم است. به حدی که نوشته های ما بیشتر جنبه خلاصه های اطلاعاتی دارد تا گزارشات عملیاتی یا تدارکاتی. ما همچنین امیدواریم با سایر افسران وابسته دفاعی نیروی دریائی در اروپا اطلاعات رد و بدل کنیم یک کاری که بطور عادی وظیفه (دفتر دفاعی است. هر چند ما سعی می کنیم از سیاست دور باشیم و فقط در زمینه نظامی عمل کنیم. کسانی که الان وارد می شوند یا پاسپورت دیپلماتیک می آیند. آنهایی از ما که قبلاً سعی کردند ولی موفق نشدند پاسپورت بگیرند حالا از طریق واشنگتن در شرف گرفتن آن هستند. با رد قطعنامه ژنو از طرف ایران موضوع دیپلماتیک یک امر الزامی است. ما رسما به عنوان کادر مشورتی و تکنیکی سفارت کار می کنیم و Maag (که همان مستشاری است) وجود ندارد.»

(R.A.Enjlman به فرمانده جونز ۱۴ ژوئن ۷۹)

***

با توجه به سند فوق و اطلاعاتی که از عملکرد و وجود مستشاری آمریکا در ایران در سالهای بین ۳۴ تا ۵۷ داریم، می دانیم که مستشاری مستقلاً با ایران قرار داد می بسته و مستقلاً در ارتش ایران مدیریت

طراحی و حتی فرماندهی می کرده است؛ و ارتش را به سیستم آمریکا و برای مقاصد آمریکا سازمان داده و رهبری می کرده اند.

همچنین خرید سرسام آور تسلیحات فوق مدرن ارتش به وسیله ایران با نظر و توسط همین مستشاری تهیه می شده است.

اما بعد از انقلاب، دولت موقت وجود مستشاری را که لغو حاکمیت ملی ایران بود، نپذیرفت و قراردادهای آنها را لغو نموده آمریکا برای حضور مستشاری خود در ایران که به نام Armisn Maag معروف است دست به فریب جدیدی زد و دفتری به نام دفتر دفاعی یا دفتر امنیتی در سفارت تأسیس نمود که جنبه دیپلماتیک داشت و مشاور فنی و نظامی سفارت به حساب می آمد؛ لذا طبق قوانین بین المللی برای آنها پاسپورت دیپلماتیک گرفت و آنها می توانستند با برخورداری از مصونیت دیپلماتیک به کارهای مستشاری و جاسوسی و کنترل ارتش و همچنین مشاوره در امور خرید و ارائه و پیشنهاد قطعات ضروری تسلیحات ارتش مشغول باشند. لذا کوشش سفارت برای این است، که افراد مستشاری خود را که در زمان رژیم شاه خائن از پاسپورتهای عادی یا خدمت استفاده می کردند، با پاسپورت دیپلماتیک به ایران وارد شوند، تا بتوانند به راحتی فعالیت کنند. رئیس خائن مستشاری آمریکا در زمان رژیم ژنرال سه ستاره نیروی هوایی گست بوده است که بعد از انقلاب هم گاهی به ایران می آمده. بعدها یک نفر افسر نیروی زمینی به نام سرهنگ چارلز سی اسکات را که جزء گروگانهاست، به عنوان رئیس مستشاری و

تحت پوشش رئیس دفتر دفاعی به ایران می فرستد و قبل از آن طی برنامه دقیق و حساب شده، وی را در ساختمانهای CIA در اروپا و واشنگتن دوره های مخصوص اطلاعاتی را راجع به وضع ایران تعلیم می دهند.

***

«سرهنگ اسکات در ۱۶ سپتامبر (۲۵ شهریور ۵۸) به سفارت آمد و به عنوان رابط دفاعی و به جای ژنرال گست، مشغول به کار شد.

مستشاری نظامی

او قبلاً در سمت معاونت وابسته نظامی در ایران کار کرده است و زبان فارسی را به خوبی می داند. او با توجه به سابقه اقامتش در تهران روابط و افراد زیادی در ارتش ایران دارد و این افراد می توانند در پیشبرد مأموریتش مفید واقع شوند؛ به علاوه او شخصی با تجربه و حساس است که با سیاست نیز آشنایی دارد و به همکاریهای گروهی اعتقاد دارد، اهمیت این خصوصیات در این است که او قادر خواهد بود روابط نظامی ایران و آمریکا را براساس جدید استوار سازد.

(از لینگن به ژنرال وای هینک ۲ آبان ۵۸، ۲۴ اکتبر ۷۹)

... ما درهای ضد گلوله و پنجره های نیمه شنی و تمام این البته بعد از اینکه محوطه در فوریه تسخیر شد، سفارت هنوز هدف تظاهرات اخیر است. ما فقط برمی گردیم به هیلتون و می گذاریم مردم به یک محوطه خالی شعار بدهند. ما هفته ای ۷ روز کار می کنیم و تظاهرات موقع استراحت است. ما برای خودمان حکومت نظامی ساعت ۱۰ اعلام کردیم، ولی همه عموما قبل از تاریکی، خانه هستند. در طی روز به ندرت خبری می شود و می توانی به راحتی در خیابانها راه بروی، رستوران بروی و جلب توجه نکنی، ولی البته تهدید دائما به جان آدم می شود.»

(R.A.Englman به فرمانده جونز ۱۴ ژوئن ۷۹)

با توجه به نقش دفتر دفاعی و مستشاری آمریکا در ایران به سند زیر که اهداف آن را مشخص می کند توجه می کنیم.

***

«سه نفر از قسمتهای مختلف نیروی دریایی در حال حاضر اینجا هستند: فرمانده Gerry Higbee برای ۱۴F (در قسمت نیروی هوایی آمریکا خدمت می کند)، فرمانده Donshorerبه عنوان رییس قسمت نیروی دریایی و خود من به عنوان Fms/Loglsties در نیروی دریایی آمریکا. ما در حال حاضر دو هدف داریم اول: برقراری ارتباط با نیروی دریایی جدید اسلامی که سعی می کند تا پس از انقلاب هماهنگ شوند. قصد ما نه تنها شناسایی مهره های اصلی است، بلکه می خواهیم گفتگو را با آنها شروع کنیم تا سرانجام این گفتگوها منجر به حمایت تدارکاتی برای نیروی دریایی اسلامی شود.

هدف دوم آن است که به دفتر کار رؤسای نیروی دریایی دوباره وارد شویم و پرونده ها و وسایل انتشارات و غیره را که در دوره تخلیه کردن مانده بود، پس بگیریم.

پیشرفت ما در این مورد تاکنون خیلی آرام و آهسته انجام شده، ما اغلب رئیس موقت نیروی دریایی اسلامی ایران را ملاقات می کنیم، ولی حتی رئیس آنها هم تاکنون قادر نبوده ما را به جای قدیمی خودمان

ببرد. نیروی دریایی اسلامی ایران هنوز یک سازمان ارتشی مشخص ندارد (همین طور درباره ارتش و نیروی هوایی تا موقعی که به این صورت عمل شود خیلی کم می توان از آنها در جهت تصمیم گیری انتظار داشت).

این نیروها هنوز تحت تأثیر نفوذ کمیته ها هستند و برای هر کار اجرایی عاجز و ضعیفند.

سرانجام ماهیت روابط آینده مستشاری (MAAG) نیروی دریایی با نیروی دریایی اسلامی ایران احتمالاً همان ماهیت یک FMS/Logestios خواهد بود. (یعنی مشاور و پیشنهاد قطعات لجستیکی از خودمان است).

(از R.A.Engdan به فرمانده جونز فرمانده تجهیزات نیروی دریایی ۱۴ ژوئن ۷۹)

فراریان خارج از کشور

بخش ۸

اشاره

«در تماس هایی که با تبعیدیان ایرانی در اروپا داریم، خیلی الزامی است که هیچ گونه اثری که نشانگر آن باشد که دولت آمریکا همه مداخله در جریانات داخلی ایران را دارد، یا اینکه با گروههایی که علیه دولت جدید ایران نقشه می کشند همکاری می کند، باقی نماند.

نهاوندی خود را یک سلطنت خواه ولی نه یک شاه پرست، توصیف کرد. او گفت فکر می کند که مراجعت شاه غیر ممکن است. اما بهترین فرم حکومت در ایران روش پارلمانی شاهنشاهی بریتانیایی می باشد. او تصمیم دارد که در پاریس بماند و امیدوار است که دوباره یک نیروی هسته مخالفی را در اطراف خودش جمع آوری کند. (سند اول) او گفت که به خاطر پیوستن مهاجرینی که جرأت فعالیتهای باز را داشته اند، یک کمیته به نام آزادی ملی، جدیدا شروع به کار خواهد کرد.

***

در مورد نهاوندی توضیح می دهند که:

او هر طوری که الآن خودش را تعریف کند، باز هم او یک سیاستمدار فرصت طلب. است او از چاپلوس ترین افرادی بود که شاه را از نزدیک در سالهای اخیر کمک کرده است و مورد تنفر شدید همکاران خود و اکثر ایرانیان می باشد. ما با توجه به این وضع شانس کمی در متمرکز شدن نیروهای مخالف رژیم کنونی در اطراف این شخص می بینیم.

(۱۳ اوت ۷۹ از مقاله کوشش برای کودتا در ایران)

***

خیلی از تبعید شده های خارج دوست دارند که رژیم سرنگون شود، ولی متشکل نشده اند. ما معتقدیم که بختیار هم از نظر وجهه سیاسی در ایران موفقیتی ندارد.

من خاطرنشان کرده ام که پشتیبانی خود را از بختیار کرده ایم.

***

ما اعتقاد داریم که بختیار و مخالفان دیگری که در خارج هستند، در حال حاضر هیچ گونه قولی که برای نفوذ در آینده سیاسی است قبول نمی کنند. ما تصمیم گرفته ایم که از هر گونه تماسی با این گروهها خودداری کنیم، که امکان دارد باعث درک از تأیید سیاست ما شود. (به سیاست ما پی برده شود)

(از تحلیل قوه ابتکار سیاسی سرّی حساس مهر ۵۸)»

ظاهرا به دلیل بی کفایتی فراریان خارج از کشور و نداشتن تشکیلاتی، که بتوانند بر علیه ایران اقدام کنند، آمریکا حساب زیادی در حال حاضر برای آنها باز ننموده، ولی همیشه آنها را به عنوان یک نیروی بالقوه به حساب می آورد.

افرادی نظیر نهاوندی، که به اصطلاح یکی از متفکرین رژیم شاه بوده است، نیز نمی تواند اعتماد سیاسی امپریالیسم آمریکا را به خوبی جلب کند.

آنها حتی به حرکات خائنانه بختیار در فرانسه بر علیه ایران نیز امید چندانی ندارند. ولی در عین حال از آنها حمایت می کنند.

خلاصه اینکه در حال حاضر فراریان خارج از کشور نمی توانند بالفعل بر علیه انقلاب عمل نمایند؛ ولی هدف آمریکا از دادن امکانات و تجهیز آنها برای مقابله با ایران و ایجاد جو تبلیغاتی بر علیه انقلاب در خارج کشور است و از آنها غافل نیست و به عنوان یک نیروی بالقوه مد نظرش می باشد.

روحانیت دادگاه های انقلاب اسلامی

بخش ۹

روحانیت

دسته اول روحانیونی که در مقابل آمریکا سرسخت بوده و آمریکا نتوانسته است نظر آنها را به خود جلب نماید. «(هنوز رهبران سیاسی به خصوص روحانیون در گفت و گو با ما دلسردند).

... هنوز این مقاومت در بعضی از رهبران سیاسی مخصوصا روحانیون وجود دارد که از صحبت و مذاکره با آمریکا کناره می گیرند.

خمینی و روحانیت در قدرت هستند و خمینی می خواهد فرهنگ اسلامی را جانشین فرهنگ غربی

بکند.

یک تحلیل از ساخت قدرت در ایران بعد از انقلاب، خمینی و دیگر آیت اللّه ها را در رأس می گذارد و به همراه دیگر روحانیون شیعه که برای مجلس انتخاب شده اند، که اکنون در حال تدوین قانون اساسی است و سپس نوبت ملاهایی می رسد که در داخل دولت موقت، دادگاههای انقلاب، کمیته ها و تشکیلات شبه نظامی قرار دارند و در پایان ملاهای ساده جای می گیرند که به توده ها در دهات و شهرها خدمت می کنند، که پشتیبانی متعصبانه آنها بزرگترین منبع قدرت خمینی و آیت اللّه ها می باشد.

اگر ایران از نظر ما مهم می باشد، منافع خودی به ما می فهماند که مقدار زیادی ناراحتی را تحمل کنیم و یاد بگیریم که به طور مؤثری با ملاهای مجاهد، پاسداران و حتی فداییان خلق تماس برقرار کنیم.

اگر خمینی بمیرد، نفوذ روحانیون کم خواهد شد ولی از بین نخواهد رفت، در صف روحانیون کسانی هستند که می توانند با غیر روحانیون متشکل شوند.

(از طرف روابط عمومی سفارت آمریکا در ایران به آقای R.T.Curran و آژانس بین المللی ارتباطات بین المللی آمریکا واشنگتن)

تاریخ ۱۴ اکتبر ۷۹ مهر ۵۸

دسته دوم از روحانیت: روحانیت میانه رو (سازشکار) که آمریکا توانسته بود با بعضی از آنها ملاقات

کنند.

***

«... البته یکی از دلایل مخالفت رهبران مذکور با خمینی، شاید وحشت آنها از افکار عمومی است؛ زیرا که آنها از دولت باج می گرفتند و سالها زیر سایه دولت هویدا امرار معاش کرده اند. به عبارت دیگر ملاهایی هستند که احتمالاً قبلاً با خمینی کار می کردند امروز با دولت سازش کرده و باج می گیرند.

چند روز پیش معاون سنا Abtin در تماسی که با رایزن امور سیاسی سفارت گرفته، گفت که آیت اللّه میلانی (که از نفوذ زیادی در مشهد برخوردار است و حداقل دوبار در داخل کشور تبعید بوده) از دخالت در اوضاع نگران بوده و اظهار امیدواری کرده که شاه کشور را ترک نکند.»

(گزارشگر Lambrakis امضاء سولیوان شماره ۰۰۴۷۱ تاریخ اول سپتامبر ۷۹)

«آیت اللّه (شریعتمداری) در رابطه با روابط آینده ما بین ایران و آمریکا خیلی مهربان و خوشبین بود او قدردانی خود را از کمکهای آمریکا در گذشته اظهار داشت و متذکر شد که ایران همان اندازه محتاج به فروش نفت است که آمریکا محتاج به خرید آن و خاطرنشان ساخت که ساخت ایران برای محفوظ ماندن در مقابل شوروی به کمک آمریکا احتیاج دارد. انتقادات فعلی از آمریکا از این عقیده غلط که آمریکا در امور داخلی ایران دخالت می کند سرچشمه می گیرد. این مشکل می تواند به طور کامل رفع شود و روابط خوب ایران و آمریکا بر پایه احترام متقابل می تواند دوباره برقرار شود.

شریعتمداری اظهار داشت که او نه دولت بختیار را تأیید کرده و نه تکذیب، ابهاماتی چند که در برنامه بختیار در رابطه با معنی سوسیالیزم در عبارت سوسیال دمکراسی و همچنین از نظرات دولت بختیار نسبت به عملیات حزب توده وجود دارد. باید و ضروری است که ابهامات کاملاً رفع شود و اکیدا هماهنگ با قانون اساسی عمل کنید.

نظریه: شریعتمداری آشکارا از دیدن شخصی از جانب دولت آمریکا خوشحال بود. موضعش کاملاً منطقی و مساعد (موافق برای همکاری) بود.»

(محرمانه شماره ۰۵۱۳ تاریخ ۱۰ ژانویه ۷۹ از سفارت آمریکا در ایران به وزارت امور خارجه آمریکا فوری سولیوان)

دادگاهها

«... عموما جو منفی که دادگاههای انقلاب در آمریکا به وجود آورده اند مطرح کرده (کاردار لینگن) او جریان فلاحی را عنوان کرده، همین طور جیمز الکساندر شری، شیبانی و دکتر رضا امینی به عنوان نمونه هایی از رفتاری که آمریکاییها نمی توانند درک کنند. کاردار گفت که ما نمی خواهیم در امور داخلی ایران دخالت کنیم ولی ما به خاطر زمینه های حقوق بشر نسبت به این مسایل نگران هستیم، چون این افراد یا تبعه و یا ارتباطی با آمریکا داشته اند.

دادگاههای انقلاب به راحتی کار خود را با صدور احکام مرگ ادامه می دهند. سه اعدامی که در روز ۱۲ مارس انجام گرفت، کاملاً متکی به زمینه های سیاسی بود. ۱۱ تن از افراد همکار در حکومت شاه در ۱۳ مارس اعدام شدند. محمود جعفریان سرپرست سازمان خبرگزاری پارس و معاون رادیو تلویزیون در رژیم پهلوی و تئوریسین حزب رستاخیز که متهم به سانسور کردن اخبار بوده است، که احتمالاً منجر به

سقوط رژیم پهلوی می شده است.

بنا به گفته یک منبع نزدیک به کمیته های انقلاب، توضیح مختصری در مورد وحشیگریهای جاری مربوط می شود به این حقیقت، که تقریبا همه روحانیون مسئولِ محاکمه افراد دولت سابق، افسران نظامی و پلیس که دستگیر شده اند، خودشان تحت بدرفتاری بوده اند، بنابراین طرز تلقی آنها عموما انتقام جویانه می باشد.

آنها هیچ گونه توجهی در مورد حساسیت بین المللی موضوعات قضایی نمی کنند. ایرانیانی هستند که توجه به نکات قانونی می کنند، که شامل نخست وزیر مهدی بازرگان که یک عضو کمیته دفاع از حقوق بشر و آزادی می باشد وی از شیوه اجرایی عدالت انقلاب شرمگین است.

(در توصیه به وزارت خارجه آمریکا از طرف سفارت آمریکا در ایران)

با توجه به اطلاعاتی راجع به اعدامها و آزادی زندانیان، که ما با دولت موقت مرتب صحبت کرده ایم، شما برای بررسی مسایل حقوق بشر تأکید کنید و آن را ادامه دهید که شامل خارجیان برجسته و ممتاز جهان سوم باشد، که بتواند اثر خود را خوب بگذرد.

سیاست آمریکا در رابطه با روحانیت

... هنوز رهبران سیاسی، به خصوص روحانیون در گفتگو با ما دلسردند.

«هیچ یک از این گروهها (مقصود گروهها و جریانات سیاسی مخالف رژیم ایران است). به واسطه قدرت نابود کننده ای که در دست روحانیون قرار دارد، جرأت درگیری ندارد؛ چرا که روحانیون از حمایت بی دریغ توده ها برخوردارند.

(محرمانه، از روابط عمومی سفارت در تهران به آقای Curran مهر ۵۸)

... روابط عمومی با کمک آمریکا تکالیفی را برای دانشجویان ایران در آمریکا که امکان دارد، یک

رابطه با روحانیون محافظه کار برقرار کنند، در نظر گرفته اند.

(از مقاله روانشناسی ایران)

ما می خواهیم در عرض این مدت سوءظن رهبران مذهبی را برطرف، و تا جایی که ممکن است با آنها طرح دوستی بریزیم.

ما می خواهیم برای ایرانی کار کنیم که میانه رو باشد و ناسیونالیستها مخالف مذهب و روحانیت تسلط بیشتری در اداره مملکت داشته باشد.

ما باید بر روی مردی که عمیقا از آمریکا متنفر است و غربزدگی ایرانیها را بد می داند، ریسک کنیم.

بنابراین باید مواظب باشیم که نزدیک شدن به خمینی و روحانیون، به قیمت از دست دادن دوستان غیرمذهبیمان تمام نشود.

آژانس ارتباطات بین المللی آمریکا بیشترین سعی خود را برای هر چه بهتر شدن پیوند ایران و آمریکا گسترش دهد. برای مثال اشخاص مهم که بتواند با رهبران مذهبی و غیر مذهبی ملاقات کنند.

* اگر ایران از نظر ما مهم می باشد منافع خودی به ما می فهماند که مقدار زیادی ناراحتی را تحمل کنیم و یاد بگیریم که به طور مؤثری با ملاهای مجاهد، پاسداران و حتی فداییان خلق تماس برقرار کنیم. البته با احتیاط برای احتراز از شناخته شدن با آنها یا هر حزب و گروه دیگر.

*... باید سعی خود را برای برقراری تماس با روحانیون و چپگرایان بدون در نظر گرفتن عواقب آن افزایش دهیم. البته درک می کنیم که ما برای برقراری تماس با این گروهها آماده نیستیم و آمریکاییهایی که مورد تأیید این گروهها هستند؛ مثل جیس آندرو یانگ، که نمی توانند معرف نظریات ما باشند.

(از روابط عمومی سفارت به کوران مهر ۵۸)

اکتشاف امکاناتی جهت تعیین و پرورش متخصص مذهب اسلام جهت پلهای رابطی بین Nea و رهبری اسلامی شکل مستقیم و همکاری با ICA و کارمندان وزارت امور خارجه آمریکا.

(از Curranبه ساندرز ۴ اکتبر ۷۹ مهر ۵۷)

منصور اقبال (تاجر تحصیلکرده آمریکا که از فرزندان خانواده اقبال می باشد) بر این مسئله که رهبران میانه رو از موقعیتی که خمینی برایشان به وجود آورده سخت عصبانی اند، تأکید کرده و گفت که البته راه چاره ای نمی بینند و می گفت که به آنها فشار آورده است که نزدیکی بیشتری با آمریکا بکنند، چون در هر صورت بدون حمایت از دو ابرقدرت جهان، نمی شود امید داشت.

(شماره ۰۰۴۷۱ تاریخ اول سپتامبر ۷۹ گزارشگر Lambrakis)

امضاء سولیوان

Abtic گفت که میلانی (آیت اللّه میلانی در مشهد در زمان رفتن شاه تا آمدن خمینی) درصدد بوده که با سفارت تماس بگیرد و ما سعی می کنیم که این کار به شیوه ایرانی صورت بگیرد.

***

وی (مهدی روغنی) به علت رابطه اش با امام خمینی می تواند منبع اطلاعاتی مفیدی از اطرافیان خمینی باشد.

(محرمانه ماه مه ۷۹ امضاء ناس)

***

و همچنین آمریکایی ها طرحهایی داشتند که با یک تبادل فرهنگی علمی که به وسیله ICA اجرا می شود، تبادل دانشجو با حوزه علمیه قم، به خصوص فیضیه نمایند و فردی را در فیضیه داشته باشند، که بتوانند منابع اطلاعاتی و تحلیلی خوبی از روحانیت و عملکرد آن داشته باشند.

***

ملاقات آمریکاییها برای جلب همکاری و ایجاد تفاهم با روحانیون میانه رو مذهبی.

او (شریعتمداری) خاطرنشان ساخت ایران برای محفوظ بودن در مقابل شوروی به کمک آمریکا احتیاج دارد. انتقادات فعلی از آمریکا از این عقیده غلط که آمریکا در امور داخلی ایران دخالت می کند، سرچشمه می گیرد. این مشکل می تواند به طور کامل رفع می شود...

(در ملاقات سوم اردیبهشت ۵۸ شماره ۴۲۵۳از سفارت وزارت امور خارجه آمریکا)

شریعتمداری فوری با بیانات کارمند سفارت در مورد تهدید و حملات ارتش موافقت کرد. او نگرانی و درک عمیق خود را در این مورد که ارتش خروج شاه را نمی پذیرد، نشان داد و با توجه به شایعاتی در این مورد که آنها با شاه توطئه چیده اند تا آشوبهایی ایجاد کرده و باعث سقوط دولت ملی (بختیار) شوند و در نتیجه بازگشت شاه را به قدرت ممکن سازند، به او مکرر پیشنهاد می کرد که آمریکا هر چه در توان دارد به کار گیرد تا از این امر جلوگیری کند.

(محرمانه شماره ۰۵۱۳ تاریخ ۱۰ ژانویه ۷۹ از سفارت آمریکا در ایران وزارت امور خارجه فوری فوری سولیوان)

در طول بازدید اخیر مأمور سیاسی از مشهد عصر روز ۲ اکتبر ۷۹ ملاقاتی با آیت اللّه حاج حسن طباطبایی قمی صورت گرفت. پسر او قبلاً از سفارت دیدن کرده بود و گفته بود که پدرش خوشحال می شود که نماینده سفارت را به حضور بپذیرد.

... مأمور سیاسی تشریح کرد که او از طرف کاردار اظهار ادب کرده و تولد امام هشتم را تبریک می گوید. آیت اللّه از این ملاقات تشکّر کرد و آرزوی خوبی نمود. او سپس بیان کرد که امیدوار است که ملتهایی که خداوند قدرتهای بزرگ را به آنها اعطاء کرده از قدرت خود به نفع مظلومان و نه برای ظالمان استفاده کنند. آیت اللّه ادامه داد که این برای او غمگین کننده است که ببیند قدرت بزرگی مثل آمریکا قدرتش را در حمایت از اسرائیل به کار برده که در لبنان و فلسطین به مسلمانان ظلم می کند.

... مأمور سیاسی در قسمتی دیگر از گزارش

***

در ملاقات نمایندگان با آیت اللّه قمی وی به یکی از نمایندگان به طور خصوصی گفته است که خمینی می توانست در پاریس زیر درخت سیب بنشیند و حکم بدهد. در حالی که سایر رهبران که در صحنه بودند، باید زحمت می کشیدند و خونریزیها و رنجهایی را که پیروانشان متحمل می شدند را تسکین می دادند. در بدترین روزهای زد و خورد در مشهد، اجساد شهدا در منزل آیت اللّه قمی جمع می شد تا آنها را شسته و مخفیانه دفن کنند. قمی افزود: برای جلوگیری از کشتار او مجبور بود با مسئولین تماس بگیرد. آیت اللّه قمی پرسید: «در طی این همه، خمینی کجا بود؟»

(از لینگن به وزارت امور خارجه اکتبر ۷۹)

***

با توجه به سرسختی روحانیت در مقابل آمریکا و امپریالیسم و دوری جستن آنها، از آمریکا، آمریکا سعی دارد که به هر صورت در روحانیون نفوذ کرده و برای این کار روحانیون محافظه کار را انتخاب نموده است که در بعضی از موارد همانند اسنادی که در بالا وجود دارد توانسته است در ملاقاتها نظر آنها را به خود جلب نماید. طرح برنامه و شیوه های مختلف فرهنگی و سیاسی و جاسوسی، تلاش فراوان آمریکا را برای این موضوع به خوبی نشان می دهد.

فعالیتهای آژانس ارتباطات بین المللی آمریکا در ایران

انجمن ایران و آمریکا

بخش ۱۰

اشاره

نظر اخیر ICA (آژانس ارتباطات بین المللی آمریکا) از قول مک آفی (McAfee) که، مذهبیها تا آینده قابل پیش بینی بر ایران حاکم خواهند بود.

خمینی در حال بازگشت به عقب است و در حقیقت از حمایت اکثریت مردم فقیر ایران برخوردار است.

در کوتاه مدت بهبود روابط ایران و آمریکا مشکل به نظر می رسد.

تحت شرایط فعلی تمام سعی دیپلماتها بایستی متمرکز در ایجاد روابط در بلند مدت باشد. در موقعیت

فعلی ما بایستی منتظر فرصتهای مناسب برای ایجاد رابطه مناسب با ایران باشیم. نظریات من در این مورد در نامه مورخ ۲۴ سپتامبر ۷۹ بر اساس توصیه ICA NEA به شکل زیر خلاصه می شود.

آمریکا حدود ۵۰ سال است که از طریق انجمن ایران و آمریکا با ایران مشارکت دارد و جو تشنه جهت آموزش زبان انگلیسی و همچنین شهرت این انجمن موقعیت بسیار خوبی را برای فعالیت در این زمینه ایجاد کرد.

ضمن اینکه این مؤسسات جزء معدود پنجره های باز، جهت حضور ما در ایران است. نظر ما این است که این مؤسسات را هرچه بیشتر توسعه دهیم و برنامه را به شکلی هدایت کنیم که به طرف منظورهای خودمان پیش رود. این برنامه شامل توسعه کتابخانه انجمن ایران و آمریکا در تهران و اصفهان می باشد. ما فعالیتهای پشت پرده ای را جهت دوباره زنده کردن انجمن ایران و آمریکا در شیراز آغاز کرده ایم.

کشف کردن امکاناتی جهت تعیین و پرورش متخصصین مذهب اسلام جهت پلهای رابطی بین NEAو رهبری اسلامی به شکل مستقیم و همکاری با ICA و کارمندان وزارت امور خارجه آمریکا.

بررسی جهت تعیین و پرورش یک (R) (یک رمز است) تحت شکل متخصصین فرهنگی با تعیین فردی که زمینه قبلی در زبان فارسی و فرهنگی ایران داشته باشند، تا تماسها را با رهبری و موسسات فرهنگی تقویت کند.

استفاده از جشن سالگرد ۱۴۰۰ ساله هجرت با شکل ایجاد سمیناری که میزبان آن آمریکا برای ایرانیان باشد و بعد از سمینار هم گردش در اطراف آمریکا. ما امیدواریم که این مسئله و رابطه باعث وسعت روابط بشود.

شرکت ایرانیان در مجامع چند مذهبی بین المللی در صورت امکان.

کار کردن با VOA رادیوی صدای آمریکا جهت توسعه و دریافت مطالبی که به شکل خبر پخش

نمی شود و تأکید بر روی ابعادی مثل مطالعات اسلامی و آمریکا و مصاحبه با ایران شناسان آمریکایی و ترتیب دادن یک رابطه مردمی.

ICA یا آژانس ارتباطات بین المللی آمریکا، مؤسسه فرهنگی گسترده ای است که در سراسر دنیا در کشورهای زیر سلطه آمریکا به کار فرهنگی و اشاعه فرهنگ آمریکایی و غربی تحقیق و بررسی در مورد مسایل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور مورد نظر و همچنین انجام انواع و اقسام عملیات ارتباط فرهنگی نظیر کتابخانه، مؤسسات تدریس زبان مراکز مطالعات علمی طرحهای بررسی و تحقیق مبادله دانشجو تشکیل انواع نمایشگاهها و نمایش فیلم و اسلاید و نشر روزنامه و مجلات در زمینه های مختلف می نماید به عنوان فعالیتهای جنبی و فرهنگی سفارتخانه ها و هیئتهای سیاسی در آن کشور انجام می شود.

این مؤسسه فرهنگی در ایران بیشتر به نام انجمن ایران و آمریکا شناخته شده است که در تهران شیراز اصفهان مشهد و دیگر شهرها فعالیت دارد. این مرکز به عنوان تدریس زبان، نمایش فیلم و اسلاید، کتابخانه و نشر مجله و دیگر ارتباطات فرهنگی عمل می کنند.

در دنیای امروز که چشمها خیره تمدن غرب به خصوص آمریکا است و کشورهای زیر سلطه همیشه از نقطه نظر فرهنگی به آمریکا و غرب وابسته گردیده اند و آرمانهای اجتماعی و انسانی این ملل فقیر در رسیدن به این تمدن خلاصه شده، فعالیت گسترده فرهنگی بهترین حربه برای گسترش این وابستگی و طرز

تلقی عمومی است. جلب افکار عمومی جهان سوم به نفع آمریکا در یک برنامه بلند مدت اقتصادی، سیاسی و نظامی می تواند، زمینه اصلی و مجاز فعالیتهای فرهنگی آمریکا باشد، چه از همین طریق است، که افراد شناسایی شده محیط اجتماعی، تحت انواع تحلیلها و گمانه های علمی قرار می گیرند و به طریق شناخت عینی از محیط اجتماعی و سیاسی مردم و مسایل بومی و فرهنگی آن کشور می توانند طرحهای سلطه گرانه اقتصادی سیاسی خود را گسترش دهند.

آمار گیری از عقاید مردم و اعتقادات آنها و میزان وابستگی آنها به جریانات سیاسی و فکری مختلف می تواند در سیاست عمومی آمریکا تأثیر مستقیم داشته باشد.

در حقیقت ICA شبکه عصبی حساس آمریکا در کشورهای جهان سوم است که با گسترش آن اطلاعات گسترده و مهمی برای این شیطان بزرگ جمع آوری می نماید، تا تحلیلگران ضد بشر آمریکایی بتوانند بر اساس آنها سیاست غارت و چپاول و کشتار خود را تنظیم نمایند.

در ایران نیز این مؤسسه هدفی جز این شناسایی و اشاعه فرهنگ منحط غربی و آمریکایی ندارد. در حقیقت در زمینه سیاستهای سلطه طلبانه آمریکا در ایران، این مؤسسه نیز به کار خود مشغول است؛ و حتی در زمانی که بعد از انقلاب آمریکا دیگر نمی تواند به طور مستقیم در ایران عمل کند (به طریق نظامی و اقتصادی و سیاسی) انجمن ایران و آمریکا تا آخرین لحظه به کار خود مشغول است و آمریکا ناچار جاسوسان و تحلیلگران و بسیاری از عملیات دیگر بخشهای خود را به عهده این واحد زنده قرار می دهد که جهت اسناد این را به خوبی نشان خواهد داد.

خلاصه اینکه (Ica) در ایران چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب اسلامی ایران چشم و گوش و اعصاب حساس امپریالیسم آمریکا در ایران است، به طوری که برای آمریکا نقشی حیاتی ایفا می نماید.

کشف امکانات بازدید آمریکاییها در ایران به خصوص از مطالعات اسلامی آمریکا و سیاست خارجی

اقتصادی و کشاورزی.

ایجاد مؤسسات ارتباطی که شامل ایرانیان و مؤسسات ایرانی بشود.

(از Nea ار تی کوران به هارولدساندرز)

۴ اکتبر ۱۹۷۹ ۱۲ مهر ۵۸)

***

با توجه به سند فوق سیاست بلند مدت آمریکا در ایران مشخص می شود. این سیاست از طریق یک انجمن شناخته شده و جا افتاده فرهنگی انجام می پذیرد.

اتخاذ سیاست نفوذ فرهنگی و استفاده از یک پایگاه اجتماعی و فرهنگی برای رسیدن به مقاصد سیاسی و اقتصادی و در آخر چپاول مردم دلیر ایران شیوه ای که با افشای اسناد در سفارت آمریکا بدان پی می بریم.

در حقیقت انجمن ایران و آمریکا پوششی که در ظاهر در خدمت فرهنگ ایران و شناساندن فرهنگ به اصطلاح متمدن آمریکایی به ایران است و در اصل مرکزی که به وسیله طرحهای مردم شناسانه اجتماعی در جریانات سیاسی و اجتماعی انقلابمان نفوذ می کرده وجهت آنرا به طرف آمریکا منحرف می نموده اند.

کلاسهای زبان انگلیسی و جشن هجرت پیامبر مسایلی است که نظر ایران را نسبت به آمریکا خوشبین نماید. همچنین داشتن افرادی به عنوان تبادل دانشجوی مذهبی در حوزه های علمیه و تعلیم دادن افراد

وارد به مسایل انقلابی ایران جهت ارتباط با رهبران ایران و هر گونه چراغ سبز به ایران از طرف آمریکا شیوه هایی است، که نفوذ دوباره، وابسته کردن فرهنگی را به دنبال دارد.

بیهوده نیست، که آمریکا اشاره به طرح بلند مدت می نماید و در آخر هم می گوید که جهت اینها به طرف منابع و منظور خودمان که در حقیقت همان چپاول دوباره مردم مستضعف ایران است، هدایت گردد.

حضور آمریکا در ایران که چیزی جز ادامه غارتگری و چپاول نیست؛ بنا به خود سند، تنها به وسیله این مؤسسه به ظاهر بی آزار فرهنگی که تنها مشغول تدریس زبان و ادامه کتابخانه است، تأمین می گردد.

این مطلب نقش حیاتی حضور آمریکا در ایران و ایفاگری مؤثر و حساس این مؤسسه را به خوبی هویدا می سازد.

***

«چگونه ما می توانیم اعمال عمومی ایرانیان را نسبت به آمریکا و همچنین برداشت آمریکا از ایران را تقبیح کنیم؟ خصوصیت ضد آمریکایی بودن هنوز قوی است و به صورت نیروی بازدارنده ای در مناسبات ما ادامه دارد. ایرانیان به سختی ناراحت و خشمگین از برداشت مغرضانه مطبوعات خارجی هستند و در آن یک رد پای جاسوس صهیونیست و امپریالیست را می بینند. ظاهرا تغییر اوضاع بستگی به سختی و تیرگی روابط دو طرف دارد و این حالات با تأکید روی حقوق بشر و تأیید انقلاب از طرف ما بهتر خواهد شد.

الف: آژانس ارتباطات بین المللی آمریکا بیشترین سعی خود را برای هر چه بهتر شدن پیوند ایران و آمریکا گسترش دهد.

به کار بردن صدای آمریکا VOA که پیامهای سیاسی را بدهند و اینکه زبان انگلیسی بیشتر یاد داده شود و مجله منتشر کنند.

ب: گاه بیانات عمومی توسط مقامات و بزرگ رسمی برای اهمیت ایران و روابط خوب ایران و آمریکا بیان شود.

ج: در همان زمینه های قبلی تأکید بیشتری شود.

د: اعمال آرامی با ایرانیان صورت گیرد که اعمالشان با خبرنگاران خارجی مهربانانه باشد.

ه:در یک تاریخ نزدیک یک میتینگ خصوصی ترتیب داده تا در آن با استفاده از ایرانیهای با تجربه، شکاف بین روابط ایران و آمریکا علاج گردد.»

(از هارولد اچ. ساندرز به آقای نیوسام)

(تاریخ ۵ سپتامبر ۱۹۷۹ ۱۴ شهریور ۵۸)

***

در اینجا نیز نقش آژانس ارتباط بین المللی آمریکا ICA به عنوان یک حربه سیاسی بسیار قوی در خدمت منافع آمریکا به خوبی روشن است.

تأکید روی صدای آمریکا که بلندگوی رسای امپریالیسم خونخوار آمریکا است، نقش این صدای خائن و ضد بشری را در خدمت به منافع امپریالیستها به خوبی روشن می کند.

استفاده از خبرنگاران آمریکایی به عنوان جاسوسان سیا حربه ای کاملاً شناخته شده است و تأکید آمریکا در مورد مهربانی خبرنگاران تحت پوشش ارتباط فرهنگی و خبری کاملاً مشخص است.

دادن میتینگ به نفع ایران و بیان کردن سخنرانیهای مهیج افراد مهم در مورد ایران در حقیقت تلاش همه جانبه آمریکا را نشان می دهد که با چنگ و دندان کوشش می کند که خود را دوباره بر قلب مجروح ایران تحمیل کرده و سلطه سیاسی اقتصادی خود را دوباره برقرار سازد.

در حقیقت جلوگیری از حرکت ضد آمریکایی در ایران و ایجاد تفاهم و دوستی بین ایران و آمریکا و همچنین ایجاد وابستگی فرهنگی و سمپاشی نسبت به آمریکا در بین مردم و مقامات مملکتی هدفی است، که آمریکا با طرحهای فرهنگی سیاسی خود دنبال می کرده است و در یک مجموعه هماهنگ به پیشروی خود در انقلاب اسلامی ادامه می داده است.

***

«افرادی که روابط بین المللی آمریکا باید با آنها تماس بگیرد عبارتند از: ۱ روحانیون؛ ۲ سیاستمداران غیر روحانی که حکومت و سازمانهای مربوط به آن را اداره می کنند؛ ۳ رهبران نیروی نظامی طرفدار انقلاب؛ ۴ رهبران کنونی ارتش ۵ مدیران و متخصصان که در غرب آموزش دیده اند؛ ۶ رهبران ملی و منطقه ای؛ ۷ معلمین و شاگردان؛ ۸ خبرنگاران و گزارشگران که تمام توده را تحت تاثیر قرار می دهند؛ ۹ و سرانجام توده های مردم که شامل توده هایی است که اشخاص مورد نظر در میان آنها ظاهر می شوند و من هنوز معتقدم که از هم پاشیدگی کنونی ایران و ضعف مؤسسات به حدی است، که تمام قدرت بر مبنای احساسات آنها بنا شده است. هیچ مؤسسه ای و یا روشی قادر نیست که این احساسات را تقلیل دهد، هر چند که نامطمئن و غیر واقعی باشند.

عدم دسترسی به اشخاص مورد نظر:

از آنجا که آمریکا به طور اخص و غرب به طور اعم برای مسایل داخلی ایران سرزنش می شوند و لذا به عنوان دشمن رسومات اسلامی و انقلاب تلقی می گردند.

به همین علت آژانس ارتباطی آمریکا قادر نیست که با افراد متنفذ فوق الذکر تماس بگیرد، و نمی توانیم برای این تماسها راه حلی پیدا کنیم، چرا که ممکن است سوءظنهای خصمانه را نسبت به خود افزایش دهیم. بسیاری از طرق که معمولاً به وسیله این آژانس برای برقراری تماس به کار می رود، بر مبنای مسئله روابط متقابل بین دو کشور قرار می گیرد. تعداد طرفداران آمریکا در بین ایرانیان کم است. هنر و نشریات غربی مخرب و ضد اسلام تلقی می شود و برنامه های ما با منافع این اشخاص منطبق نمی باشد.

برای مقامات برنامه ریز ما معمولاً معامله با ملاها و پاسداران و کردها و خرابکاران مناطق نفتی بسیار مشکل است.»

(محرمانه از روابط عمومی سفارت در تهران به R.T. Curran و آژانس بین المللی ارتباطات بین المللی واشنگتن ۴ اکتبر ۷۹ و مهر ۵۸ شماره ۲۰۵۴۷)

***

تماس با افراد مؤثر در اداره کشور و افراد انقلاب اسلامی هدفی، است که آمریکا پی گیری می کند، تا با ایجاد تفاهم و یا حداقل برخورد گفتگو نقطه نظرها را دریافت کرده و شاید در مواردی بتواند بعضی از آنها را به خود نزدیک کند. مطابق این هدف، درست از کسانی نام برده می شود که شریان اصلی حکومت در دست آنهاست.

حرکت تند ضد آمریکا در میان توده های مردم و جریانات ضد آمریکا که هر چند بار ایجاد می شود و

همچنین نظر خود افراد، به خصوص روحانیت متعهد عواملی است که جلوی اجرای این ملاقاتها را می گیرد.

به هر صورت آمریکا می خواهد با ارتباط هر چه بیشتر که تحت پوشش ارتباط فرهنگی بیشتر بین آمریکا و ایران است، جایی برای خود در ایران باز کند، تا بتواند به خوبی از آن پایگاه عملیات سیاسی جاسوسی و اقتصادی خود را به نفع امپریالیسم جهانخوار اجرا کند.

اما آمریکا از پای نمی نشیند و با اندک امیدی هم که به پیروزی خائنانه خود دارد وارد عمل می شود.

***

«موفقیتهای آژانس ارتباطات بین المللی آمریکا: این مزاحمتهایی که قبلاً توضیح داده شد، نباید این آژانس را ناامید سازد. ما مأیوس نیستیم و به رغم این مشکلات فرصتهای مناسبی حاصل شده است که ما قادریم از آنها بدون توجه به کمبود منابع اطلاعاتی خود استفاده کنیم:

۱ مثلاً در هفته های اخیر (۱۴اکتبر ۱۹۷۹ مطابق با ۱۲/۷/۵۸ مهر ۵۸) ما توانسته ایم برنامه های عملی گزارشی در تلویزیون داشته باشیم.

۲ حساب بانکی مدرسه بین المللی شیراز به ما واگذار شد. در اثر تلاشهای استاندار شیراز، ساختمان مدرسه در اختیار ما قرار گرفت. گردانندگان مدرسه دوباره تعیین شده اند و طرحهایی برای شروع آموزش زبان انگلیسی آغاز گشته است.

۳ نسخه های ترجمه شده قانون اساسی آمریکا که به وسیله مجلس خبرگان درخواست شده بود در اختیار آنها قرار گرفت که به عنوان یک سند مفید در مرحله تصویب قانون اساسی ایران مورد استفاده قرار گیرد.

۴ نشرهایی در مورد از سرگیری مجدد خدمات کنسولی که در اختیار ابواب ارتباط جمعی قرار گرفت و به

نوبه خود بی نظمی و شایعات زشت و عدم تفاهمات را کاهش داده و در نتیجه به نفع ما تمام شد. در ضمن با نصب یک بلندگو، ما در مورد کارهای کنسولی مستقیما با جمعیت حاضر صحبت می کنیم.

۵ طرحی تهیه کرده ایم که هفته های آینده باعث شروع کار مدرسه بین المللی تهران می شود و زمان افتتاح هم زمان با اجرای برنامه هایی مثل نشان دادن فیلم، کنسرت، نمایشگاههای هنری و یک مهمانی جهت اعضای مدرسه بین المللی، اصفهان نیز برنامه مشابهی را در دست اجرا دارد.

۶ کتابهایی درباره حکومتهای محلی و ایالتی به معاون نخست وزیر.

۷ در مورد اخراج روزنامه نگاران آمریکایی با سخنگو و وزیر ارشاد ملی گفتگو شد. علاوه بر موارد فوق دوره های انگلیسی در انجمن ایران و آمریکا در اصفهان و تهران نظر هزاران شاگرد را بخود جلب کرده و این رقم ممکن است به قبل از انقلاب برسد.

در حقیقت تمامی این قدمهای به ظاهر کوچک می تواند برای آمریکا قدمی باشد که سلطه دوباره او را بر سرنوشت ملت ستم دیده ایران نوید دهد.

***

«در شامی که در منزل افسر روابط عمومی ترتیب یافت در نمایش زنده ای نحوه نشان دادن اخبار مربوط به انقلاب ایران توسط تلویزیونهای آمریکا نشان داده شد. میهمانان اعضاء برجسته انجمن خبرنگاران، مسئولین وزارت امور خارجه، یک نویسنده، یک هنرمند و یک عضو مدیریت مدرسه

بین المللی آمریکا در تهران که در دانشگاه تهران به تدریس حقوق مشغول است. کمک در ترتیب مهمانیهای شبانه در منزل کاردار که در آن فیلمهای آمریکایی نمایش داده می شد و در یک مورد یک پیانیست آمریکایی برنامه ای نیز اجرا کرد. مقامات دولتی، دکترها، وکیلها و استادان دانشگاه مهمانهای کاردار را تشکیل می دادند.»

***

این شیوه یعنی دادن میهمانیهای مجلل و یا خصوصی متشکل از افراد مورد نظر برای جلب دوستی همکاری و در اختیار گذاشتن اخبار و اطلاعات مورد استفاده قرار می گرفته است. بسیاری از گزارشهای سفارت از این گونه میهمانیها سرچشمه می گیرد در حقیقت این میهمانیها تورهای امپریالیستی برای گرفتن طعمه لذیذ و مورد استفاده است.

***

«من معتقدم که برای حفظ منافع خود ما باید علنا به نقض حقوق بشر در ایران اعتراض کنیم. همچنین باید در مقابل رهبرانی که ما را شاگردان صهیونیست و امپریالیست قلمداد می کنند و یا ما را به مداخله در امور ایران متهم می نمایند، بشدت ایستادگی کنیم. در خاتمه باید اعتراض شدید خود را نسبت به اخراج روزنامه نگار آمریکایی ابراز نماییم.»

همان سند (همان سند)

***

عجبا بر فرض محال نقض حقوق بشر در ایران بعد از انقلاب اسلامی! چه منافع انسانی از سنخ حقوق بشر برای آمریکای جهانخوار و شیطان بزرگ وجود دارد که آنها را بر آن می دارد برای حفظ آن منافع، به نقض حقوق بشر در ایران اعتراض کنند؟ بنابراین مفهوم دقیق حقوق بشر آمریکایی در رابطه با سیاست

آمریکا به خوبی روشن می گردد. او این همه اصرار برای جلوگیری از اخراج خبرنگاران آمریکایی که نه به ظاهر مقام دولتی هستند و نه مأموریت خاصی دارند برای چیست؟ غیر از این است که هدف مشخصی در دنبال کار خبرنگاران نهفته است و آنها مأموران کارکشته CIA در ایران هستند که نقش جاسوسی و خبرگیری را به عهده دارند.

***

«من معتقدم که در درازمدت ما به یک نتیجه عالی دست خواهیم یافت. بنابراین من توصیه می کنم که آژانس روابط بین المللی آمریکا باید لوازم، افراد، نقشه ها و سازمان و روشها را بدون فوت وقت در اختیار ما بگذارد تا بتوانیم حداکثر استفاده را از این موقعیت بنماییم.

این انقلاب و پیشامدهای آن وضعیت ما را نابود کرد، افراد ما را پراکنده ساخت و سازمان و روشهای با ثبات ما را به هیچ و پوچ تبدیل کرد.»

(همان سند)

***

در اینجا به خوبی به تأثیر انقلاب اسلامی به درهم کوبیدن آمریکا پی می بریم و کوششهای آنها برای سازمان دوباره ایرانیانی که بتوانند همانند قبل، که سالهای سال از روشها و سیستمهای مشخص آمریکا در ایران پیروی می کردند نشان می دهد.

در حقیقت سیستم و روش آمریکا با جریان عظیم انقلاب اسلامی فرو ریخته و تمامی این کوششها، دوباره سازی این آب از جوی رفته است.

***

«من به خصوص از طرحهای خانم مک آفی در مورد آگاهی از مشکلات محیط، وقایع احتمالی و عقاید استقبال می کنم و پیشنهادهای بعدی که از معاون وزیر امور خارجهساندرز و انجمن حفاظت ملی به ما رسیده است نیز دارای اهمیت است. من به خصوص با طرح گسترش برنامه های فارسی صدای آمریکا VOAو نمایش فیلم های آمریکایی از تلویزیون (مقصود تلویزیون ملی ایران است) که از طرفداران بیشماری برخوردار است خرسندم.

علاوه بر اینها من اعتقاد دارم که باید سعی خود را برای برقراری تماس با روحانیون و چپگرایان بدون در نظر گرفتن عواقب آن افزایش دهیم. البته درک می کنم که برای برقراری تماس با این گروهها آماده نیستیم و آمریکایی هایی مثل جسی جکسون، آندرو یانگ که مورد تأیید این گروهها هستند، نمی توانند معرف نظریات ما باشند.

ولی ملاها یا چپگرایان نمی توانند اهمیت خود را برای مدت مدیدی حفظ کنند. اگر ایران برای ما مهم است، منافع شخصی ایجاب می کند که ما این ناراحتی را بپذیریم و راه مؤثری برای تماس با ملاها، پاسداران و حتی فداییان خلق بیابیم و در عین حال مواظب باشیم که تماس با آنها و یا هر گروه سیاسی دیگر آشکار نگردد.»

***

(همان سند)

در اینجا به خوبی نقش صدای آمریکا فریادهای شیطان بزرگ در سیاست آمریکا و نقش نفوذی او

کاملاً مشخص است.

همچنین نمایش فیلمهای آمریکایی که عمدتا فرهنگ و طرز تفکر آمریکایی را در ایران رواج می دهد از طریق تلویزیون ایران مورد تأیید و خرسندی آمریکاییها است.

***

«این ارتباط، روابط دوجانبه ما را بیشتر خواهد کرد. در این زمان پیشرفت این برنامه بایستی بر پایه اطمینان و احترام گذاشته شود.

در مراحل اساسی، دولتی و درک یکدیگر برای توسعه روابط لازم است. رشته هایی که امکان دارد برای این موضوع انتخاب شود: ایرانولوژی، انسان شناسی، علوم فیزیکی، تدریس زبان انگلیسی تمرینات ورزشی.

اگرچه هنوز جریانات ایران و آمریکا یک طرفه است، ولی این مأموریت در برنامه آقای فول برایت خواهد بود. ایالات متحده باید کمکهای مالی را ادامه داده و از این کارها پشتیبانی کند؛ همان طوری که رابطهای خصوصی و عمومی بین قشر مرکزی مؤسسات آموزشی ما بین دو کشور برقرار باشد. مشابها با تشخیص صحیح، طرح مطالعه فعالیتهای مؤسسات آموزشی ایران و آمریکا بایستی ترویج داده شود.»

(محرمانه به آقای هارولد اچ ساندرز ۲۶ سپتامبر ۷۹)

***

زمینه فعالیتهای پوششی آمریکا که در اصل نفوذ و سلطه را به همراه دارد و هدف اصلی است، کاملاً مشخص است، مطالعات علمی و فعالیتهای فرهنگی پوشش هدفهای آمریکا است.

طرح فولبرایت از جمله طرحهای فرهنگی و دانشگاهی آمریکای امپریالیست است، که در تمام کشورهای تحت سلطه از جمله افریقا و آسیا مورد استفاده قرار می گیرد و افرادی از کشورهای تحت سلطه را به وسیله این طرح به بورسهای دانشگاهی دعوت می کنند و همه گونه برنامه ریزی جاسوسی و اطلاعاتی و نفوذ در ارگانهای مملکتی را به وسیله آنها انجام می دهند.

«با این پیشرفت عمومی و توصیه مسئول افسر روابط عمومی ما موردهای زیر را بررسی کرده که مسئولین ایرانی باید آن را به روشنی بدانند که هدف ما از زیاد کردن روابط معامله ای دو طرفه است.

۱ بازدید ایران به وسیله دانشجویان و چهره های عمومی هر زمان که امکان پذیر باشد. این بازدید به طور خصوصی ترتیب خواهد یافت. بازدید کنندگان بایستی با اوضاع کنونی ایران وابستگی و اعتبار داشته باشد.

۲ دانشجویان مسلمان ایرانی و اگر امکان دارد شخصیتهای مذهبی ایران را در جشن سالگرد هجرت در ایالت متحده تشویق به دعوت کنید. نمایندگان اسلامی جوامع دیگر در آنجا باشند که ماهیت چند ملیتی بودن آن نشان داده شود و برنامه ها بایستی به صورت خصوصی ترتیب داده شود که کمیته سالگرد هجرت نقش بزرگی اجرا کند.

۳ بحث بر روی نهادهای (مراکز) خصوصی مثل شالوده و اساس جانسون (سازمان خیریه م.) یا سمینارهای دانشگاهی که شامل غرب و شرق و مرکز (موضوعاتی در زمینه این نواحی) گردد، ترتیب داده و گروهی از دانشجویان ایرانی به ایالت متحده آورده شوند تا در مورد موضوعات و عناوینی که

جدال انگیز و مباحثه انگیز نباشد، صحبت شود و ترجیح داده شود که میتینگ چند ملتی باشد. رشته های امکانی از قبیل ادبیات، نوشتن خلاقانه یا خیلی روزمره تر، توسعه آزادی و علوم آزادی باشد.

۴ با چند محصل خارجی که خیلی با دقت انتخاب شده اند و رؤسای گروه پذیرش به عنوان رابط در دانشگاهها استفاده کرده تا با چشم و گوش باز محصلین اسلامی و ایرانی را زیر نظر داشته باشند که:

الف) ارزیابی شوند در طول مدت تغییرات در ایران که احتیاجات و رفتار محصلین ایرانی، ظهور کرده به طوری که.

ب) تاریخ مناسب برای کنفرانس و مصاحبه آن شخص در ایالت متحده در نظر گرفته شود.

۵ مؤسسات آموزشی آمریکا در رابطه و حمایت و مبادله تحصیلی با دانشگاههای کشورهای اسلامی جهان سوم مثل دانشگاه نبراسکا در پاکستان بوده و امکان دعوت محصلین و دانشجویان ایرانی برای شرکت در چنین سمینارها و طرح ها که تشویق به درک مصنوعی و تماسهای بیشتر آینده خواهد شد در نظر گرفته شد.

۶ جریان پیشرفت ICA را یادآور شده (در زمینه تدریس انگلیسی و فرهنگی). به طوری که مسئولین ادعا کنند که خرابیها و اشکالات توسط مسئولین ایرانی تشخیص داده شده است.

۷ به هوش باشید که ایرانیها را در هر فرصتی در برنامه های تنوعی چند مذهبی شرکت دهید، مخصوصا گروه و توده متوسط را.

طرز برداشت: حوادث ایران خارج از چارچوب سیاست، یک سری موضوعات مطالعاتی اسلامی در

ایالت متحده و مصاحبه با دانشجویان آمریکایی، ایران شناسان و شخصیتهای عمومی که نمایانگر نقطه نظرهای وسیع سیاسی خواهد بود.»

(محرمانه به آقای اچ ساندرز ۲۶ سپتامبر ۷۹)

***

استفاده از بازدید دانشجویان آمریکایی از ایران و ارتباط آنان با ایران و قوی شدن در فرهنگ و اجتماعات ایران و مسایل ایران و استفاده از آنها برای طرحهای فرهنگی سیاسی استفاده از جشن هجرت به وسیله دانشجویان ایرانی و آمریکا برای ابراز حسن نیت به ایران و اسلام که عمدتا به خاطر جلب نظر مردم و جا باز نمودن و نفوذ سلطه دوباره طرح گردیده است و یا استفاده از طرحهای مؤسسات استعماری که هدفش ایجاد ارتباط فرهنگی با کشورهای آمریکایی است که آمریکا و ICAمی تواند تحت آن پوشش به کارهای جاسوسی سیاسی و حتی نظامی مشغول باشد نظیر سازمان جانسون.

همچنین مبادله دانشجو و تشکیل سمینارهایی راجع به مذاهب و یا نزدیکی کشورهای اسلامی و امثالهم که همه و همه در جهت ارتباط دوباره و ایجاد حسن نیت آمریکا و در غایت نفوذ سلطه است.

یکی دیگر از حربه های بسیار مهم و کثیف آمریکا رادیوهای صدای آمریکا است (VOA) که سیاست آمریکا را در رابطه جعل اخبار تحلیلهای استعماری و امپریالیستی و انحراف افکار عمومی به سوی مقاصد آمریکا، شایعه پراکنی که می توان به طریق رادیو بیان داشت اعمال می کند.

***

«امور خاور نزدیک زیر نظر معاون نیوسام کارهای گروهی را انجام داده است که:

زبان ایرانی روی موج کوتاه، روابط عمومی صدای آمریکا در اواسط ماه مارس شروع به کار خواهد کرد. با تقاضای B.B.C تماس گرفته که آنها اجازه دهند، صدای آمریکا یک ساعت از موج متوسط آنها در

جزیره مزیرا (نزدیک سواحل عمان) استفاده کنند که اختصاص به فرستادن اخبار و رویدادهای ایران از فرستنده بریتانیا خواهد بود. بخش موج کوتاه و متوسط (اگر کارش قبول گردد) به ما اجازه خواهد داد که اخبار صحیح را درباره سیاست و قصد آمریکا پخش کنیم و با این کار جلوی پخش ضد آمریکایی شوروی را بگیریم.»

(از R.T.Curran یادداشت برای مدیر ۹ فوریه ۱۹۷۹ از مقاله ایران و مسئله روان شناسی و بعضی راه حلها)

***

«در این رابطه باید متذکر شوم که به تازگی برنامه های خارجی رادیو، شنوندگان بسیار زیادی پیدا کرده است. کسانی که با خمینی می جنگند و طرفداران آنها می خواهند خبرها را از صدای آمریکا VOA کسب کنند. شما می توانید با نفوذ خود در رادیوی صدای آمریکا استفاده کرده و از راه تأکید بیشتر روی مشکلات مهم آنها و بازگو کردن علل آن عکس العمل سریعتری بر روی اعمال مقاوم و متقابل نشان دهید. من می دانم این صدا کاری ناچیز است، ولی اثر روان شناسی فوق العاده ای دارد و بسیار از افراد مقاوم به میزان همدردی و هم فکری ما از طریق این صدا پی می برند.»

(از آخرین نامه لینگن به برژینسکی، مشاور امنیتی کارتر)

(در ۲۸ اکتبر ۷۹ آبان ۵۸)

«توجه: VOA (صدای آمریکا) در نظر دارد زمان پخش خود را به زبان فارسی از شروع سال جدید

(۱۹۸۰) به مدت یک ساعت افزایش دهد که نیم ساعت به برنامه صبحگاهی اخبار و موضوعات ارتباطی با اخبار و نیم ساعت دیگر به برنامه عصرانه که بیشتر موضوعات فرهنگی است اضافه می شود.»

(از R.T. Curran به ساندرز ۲۶ سپتامبر ۷۹)

***

صدای آمریکا صدای رسای شیطان بزرگ است: هدفش و فلسفه وجودی او خیانت به خلقها و مردم مستضعف جهان به خصوص ایران است صدای آمریکا حلقوم کثیف امپریالیسم جهانخوار است که سیاستها و توطئه های خود را به طریق صوت به ملتهای ستم دیده تحمیل می کند، اما خوشبختانه ملت آگاه ایران هرگز فریب این شیطان بزرگ را نخواهند خورد.

آمریکای جهانخوار این بار همانند همیشه با انگلیس گرگ پیر آدمخوار در دریدن ملتهای ستمدیده همکاری می کند و از B.B.C صدای جنایتکار امپریالیسم شکست خورده انگلیس کمک می طلبد تا بر علیه ایران انقلابی و مسلمان قیام کند و شایعه و توطئه و خیانت بپراکند.

تا بتواند با افزایش و قدرت صدای خود خیانت خویش را گسترش دهد.

***

ICA (روابط عمومی آمریکا) توجه بیشتری به این امر دارد که تماسهای خود را با ایران افزایش داده تا خبرهای صحیح به هر دو طرف برسد.

ما درسی که از سرنگونی رژیم گذشته ایران گرفتیم، شروع به مشورت با کارمندان (که شامل Podهم هستند) و تشکیلات خصوصی آمریکا کرده ایم که به بینیم اگر حلاجیهایی در این زمینه احتیاج است، مخصوصا از نظر مقدار فضولیِ ما در کشورهای منطقه.

روابط عمومی ICA با کمک آمریکا تکالیفی را بر عهده دانشجویان ایران در آمریکا نهاده که امکان

دارد یک رابطه با روحانیون محافظه کار برقرار کنند، در نظر اضافه است.

روابط عمومی بیشتر تأکیدش بر روی چیزهایی خواهد بود که رهبری جدید بتواند مشخص کند.

فلسفه، قانون، مقایسه مذهبی، روانشناسی، مسایل مدرنیزه کردن پیشرفتهای سیاسی، کارگری و کشاورزی تأکید بر روی این موضوعها بر روی پایه اساسی ارزشهای ما خواهد بود.»

(سند فوق)

***

اینک با توجه به مسئولیتی که به نقشهای فرهنگی آمریکا در ایران و خارج گذاشته شده، نظیر ارتباط با روحانیون محافظه کار ارتباط بیشتر جهت به دست آوردن اطلاعات و خبرهای دست اول ریختن طرحهای عینی و واقع بینانه با توجه به تجارب تلخ سرنگونی رژیم شاه خائن در می یابیم که هدفهای آمریکا از توسعه روابط فرهنگی و ارتباطات خبری و اجتماعی فقط و فقط نفوذ دوباره و در نهایت سلطه اقتصادی و سیاسی بر ملت ستم دیده ایران است و لاغیر، حتی مطالعه قانون و فلسفه و کارگر و کشاورزی پیش درآمدی است برای وابسته کردن فرهنگی و در نهایت نفوذ دوباره و سلطه بر منابع و ثروتهای ماست.

***

«بالاخره کارمند Usica آژانس ارتباطات بین المللی پس از چهار ماه از زندان آزاد گشت و دیدگاههای خود را در مورد علت زندانی شدن خود و طرز کار قدرت حاکمه و شرایط ذهنی ایرانیان را

بیان نمود. همچنین در رابطه با برنامه های ابتکاری پیشنهاداتی نمود و تأکید سودمند بودن کتابخانه های انجمن ایران و آمریکا و کلاسهای زبان انگلیسی نمود.

(مقصود، رضا امینی کارمند پیری است که ۳۷ سال در خدمت امپریالیسم آمریکا در سفارت آمریکا در ایران کار می کرده است و در اوائل انقلاب دستگیر و به مدت ۵/۴ ماه در زندان بود که آزاد گردید.)

او شب اول را روی زمین در یک سلول با هیجده نفر دیگر منجمله معاونین وزارتخانه و افسران ارتش گذرانده بود. روز بعد دکتر امینی، محمدرضا عاملی تهرانی وزیر اطلاعات کابینه بختیار (که بعدا اعدام شد) را ملاقات می کند که از دیدن دکتر متعجب می شود، ولی اطمینان می دهد که همگی آزاد خواهند شد. امینی که به او آقای جاسوس از سفارت آمریکا می گفتند با یک ملا مصاحبه و گفتگو و بازجویی شده بود و او به امینی گفته که تو برای CIA کار می کنی و عکسی از او و هلمز به او به عنوان مدرک نشان داده بود، دکتر امینی در مورد کار و وظیفه اش در ICA توضیح داده بود.

امینی احساس می کند که انجمن ایران و آمریکا روزنه مهمی در این موقعیت است و گفت که هم سلولهایش اهمیت خاصی برای کتابخانه ابراهام لینکلن و کلاسهای تدریس انگلیسی قایل بودند، امینی متقاعد شده بود که انجمن ایران و آمریکا باید بسیار مراقب باشد و در برنامه ریزی ها به دنباله روی قناعت نماید و نخواهد که رهبر و پیشرو باشد، او پیشنهاد می نمود که انجمن باید برنامه هایی که امروزه در ایران جذابیت بیشتر دارد یعنی مسایل مذهبی تکیه کند، مثل دیدار فیلسوف یا الهیون آمریکا که به علت شهرتشان بتوانند با رهبران مذهبی ایرانی که بیشتر آزادند ملاقات نمایند. او همچنین پیشنهاد کرد که یکی از روحانیون روشن بین ایرانی را دعوت نماییم که در انجمن یک سخنرانی ایراد کند.

نظریه و تفسیر: مسئول، بسیار محتاطانه به دنبال احتمال پیدا کردن و دعوت نمودن یکی از روحانیون برای سخنرانی در انجمن می باشد، و همچنین تقاضای لیست مذهب شناسان و فیلسوفهای معروف

آمریکایی که می توانند به شخصیتهایی مثل آیت الله طالقانی ملاقات و گفتگوی خلاقی داشته باشند را می کند. قصد ما در هر دو مسئله فوق الذکر این است که به یاد ایرانیان متنفذ بیاورد که آمریکا مدتهای طولانی است که به معنویات انسان دلبسته است.

(محرمانه شماره ۸۸۳۲۷ اگوست ۷۹ از سفارت آمریکا در تهران به روابط بین المللی آمریکا در واشنگتن D.C)

آیا سودمند بودن کتابخانه و انجمن ایران و آمریکا در قاموس آمریکای جنایتکار یعنی چه؟ بجز زمینه سازی برای نفوذ دوباره در ایران و در آخر سلطه، معنوی می دهد.

تأکید امینی خائن بر روی مسئله انجمن ایران و آمریکا به عنوان تنها روزنه امید آمریکا و تایید آوردن از هم سلولی های مفسد فی الارضش آیا جز خدمت به منافع آمریکای جنایتکار معنی دیگری دارد؟

دست آورد واقع بینانه(!) رضا امینی خائن، از زندان جز عبرت گیری از وقایع انقلاب و کمک به آمریکای جهانخوار جهت ادامه حیات خود در ایران مفهوم دیگری دارد؟ تکیه بیش از حد روی مذهب و هشدار به عدم زیاده روی به جز ادامه طریق نفوذ و ایجاد جو حسن نیت و سلوک است؟

در این صورت چرا آمریکایی که ستون فقراتش از خون رفیق ملتهای مستضعف جهان برپا شده است سعی بر این دارد که انسان دوستی و مذهب پسندی خود را به چهره های ایرانیان بکشاند؟

باز مگر به جز ایجاد زمینه روانی فرهنگی و اجتماعی و سیاسی پیدا کردن در میان مردم و

دست اندرکاران انقلاب اسلامی هدفی دارند، که منجر به نفوذ دوباره و سلطه می گردد؟

پس انجمن ایران و آمریکا یا آژانس ارتباطات بین المللی آمریکا در ایران Usica مرکزی است که با پوشش فرهنگی عامل اجرای سیاستهای دقیق آمریکا در ایران است و آمریکا به تجربه به این مهم دست یافته است. بیخود نیست که رضا امینی خائن، انجمن ایران و آمریکا را تنها روزنه امید آمریکا در ایران می داند.

***

همچنین Usica سعی داشته است، به عنوان تبادل دانشجوی مذهبی، عده ای را به عنوان دانشجوی آمریکایی برای تحصیل علوم مذهبی به مدرسه فیضیه بفرستد تا بدین وسیله روحیات و محتوی و شکل مدرسه فیضیه و حوزه های علمیه را مطالعه کند و در جهت منافع خود از آنها استفاده نماید.

***

سیاست آمریکا در قبال اقتصاد ایران

بخش ۱۱

قبل از انقلاب

«کمیسیون مشترک ایران و آمریکا برای سومین بار در تهران در تاریخ ۷۶ اگوست سال ۱۹۷۶ برگزار شد. هوشنگ انصاری وزیر امور اقتصادی و مالی و آقای هنری کیسینجر در این ملاقات حضور داشتند.»

***

در این کنفرانس که در نوشهر تشکیل شده است، شاه خائن نیز حاضر بود و پیامی خطاب به فورد رئیس جمهور وقت خوانده است.

***

«در این گفتگو جاری جهان و روابط حسنه بین دو کشور مورد بحث واقع شد.

معاملات و سرمایه گذاری

رابط کمیسیون اظهار داشت که روابط بین دو کشور همان طور که انتظار می رود رو به گسترش است.

در مارس ۱۹۷۵ مبلغ ۱۵ بیلیون دلار (خارج از معاملات نفتی و نظمی) برای مدت ۵ سال در نظر گرفته شده بود، کمیسیون با مبلغ ۲۶ بیلیون دلار برای طی سالهای ۱۹۸۰۱۹۷۵ توافق نمود. همچنین توافق نمود که هر دو کشور برای رسیدن به هدف مشترک همکاری نمایند، در صورتی که صادرات نفت بدون در نظر گرفتن معاملات نظامی هم به حساب بیاید. جمع تجارت غیر ارتش دو کشور از مرز ۴۰ بیلیون دلار در طی ۱۹۸۰۱۹۷۵ بیشتر خواهد شد.

تمایلات دولتین برای توسعه تجاری و اقتصادی بین دو کشور و همچنین نیاز به صادرات آمریکایی برای کالاهای صنعتی ایران مورد نظر قرار گرفتن رابط آمریکایی آمادگی همکاری برای صدور را اعلام نمود و ایرانیها نیز عمومیت دادن بیشتری به سیستم روابط را پیشنهاد نمودند.»

(گزارشی از کمیسیون مشترک ایران و آمریکا در ایران)

***

با توجه به گزارش فوق به گوشه ای از روابط اقتصادی ایران و آمریکا را که حاکی از سالها چپاول و به یغما بردن نیروهای مادی مملکت ایران است واقف می شویم. اگر چه توضیح در مورد چگونگی این غارت امپریالیستی احتیاج به تحقیق و بررسی و بیانی کاملتر دارد، ولی همین جمله فوق نشان از جنایاتی است که هنوز آثار آن در اوضاع اجتماعی اقتصادی ما به خوبی مشهود می باشد.

«بخش آمریکایی کمیته تجارتی مشترک ایران و آمریکا جلسه ای را در تاریخ ۲۹ نوامبر ۱۹۷۸ در واشنگتن D.C برگزار نمود. این جلسه با شرکت نمایندگان ۳۰ کمپانی آمریکایی که دارای روابط و وابستگی های تجارتی با ایران هستند صورت گرفت.

این ملاقات برای بررسی جریانات اخیر ایران بود. اعضا در مورد فضا و شرایط و موقعیت اقتصادی در ایران و اثرات آن در جو تجاری بحث نموده و همچنین درباره نقش و ادامه کاری که این کمیته در مورد روابط دو جانبه اقتصادی باید ایفا نماید، گفت و گو کردند.

اعضای کمیته در پایان جلسه متفق القول بودند، که موقعیت اقتصادی کنونی باید مد نظر باشد؛ زیرا نشانگر یک تنزل در پتانسیل اقتصادی قابل ملاحظه ایران است. بخش آمریکایی همچنین توافق نمودند که این ناپایداری اقتصادی فعلی گذراست و کمپانیهای آمریکایی در ایران قاطعانه از اقداماتی که آرامش را باز گردانده و اجازه رشد و شکوفایی اقتصادی را دهد حمایت می نماید؛ در حال حاضر اجرای قراردادها با ایران بلامانع است.

... کمیته حمایت خود را از کوششهای دولت ایران برای برقراری ثبات اقتصادی و ادامه افزایش سطح زندگی ایرانیان اعلام می دارد و از هیچ گونه کمکی برای رسیدن به این اهداف مهم دریغ نمی ورزد.»

***

باید توجه داشت که نامه فوق که گزارش مطبوعاتی است در اوج مبارزات مردم ما نوشته شده است؛

یعنی زمانی که خون شهیدان انقلاب اسلامی هر روز انقلاب را به حرکت در می آورد.

حال ۳۰ کمپانی آمریکا در ترس از دست دادن این خوان گسترده به مذاکره می نشینند و حمایت خود را از شاه و رژیم خائن او برای ثبات اقتصادی و زمینه سازی چپاول این کمپانی های غارتگر بین المللی ابراز می دارند.

***

حال، نامه کمیسیون فوق به شاه خائن

اعلیحضرتا

بخش آمریکایی کمیته تجاری مشترك ایران و آمریکا اخیرا جلسه ای را در واشنگتن دی سی برگزار نمود و باعث افتخار من به عنوان رییس این گروه می باشد، که نتیجه جلسه خود را به شما گزارش نمایم.

این جلسه برای مطالعه پیشرفتهای قسمتهای اجرائی کمیته در سال گذشته و مشخص نمودن و گسترش دادن راه حلهای مسایلی که مانع از رشد ارتباطات اقتصادی بین ایران و آمریکا است برگزار گردید.

ما همچنین از مسایل جدید در کشور شما و اثرات آنها در دنیای تجاری و نقشی که کمیته در تضمین تداوم همکاریهای تجارتی بین دو کشور و ثبات اقتصادی ایران می تواند اجراء نماید بحث نمودیم. به

ضمیمه، گزارش است، که خلاصه نتایج جلسه ما را نشان می دهد، امّا من میل دارم به علت تقاضای اعضاء اضافه نمایم که ما کاملاً از روش و سیاست شما و وزیران شما برای بازگرداندن اقتصاد ایران به حالت شکوفا و سالم قبلی اش حمایت می نماییم. کوششهای شما برای بازگردانیدن نظم اجتماعی و ایجاد یک حکومت غیر نظامی منتخب مردم و ایجاد مرحله نوین در اقتصاد و همچنین اوضاع سیاسی و اجتماعی تضمین کامیابی و خوشبختی نسلهای آینده را سبب خواهد شد. اعضاء ما با مجتمعهای تجاری شما و حکومتمان برای رسیدن به این اهداف مهم همکاریهای لازم را می نماید.

همان طور که از گزارشها مشهود است، مجتمعهای تجاری آمریکایی برای حفظ ثبات اقتصادی ایران کاملاً آماده هر گونه فداکاری می باشند و حاضر به ایفای نقش فعال در رشد و توسعه آتی اقتصاد کشور شما می باشند. ما کوششهای شما را تحسین نموده و آرزوهای صمیمانه را برای موفقیت شما می نماییم.»

با احترام

هاروی کاپنیک ۶ دسامبر ۷۸

هم چنین از طرف این کمیسیون نامه ای به جلاد خون آشام، غلامرضا ازهاری، نوشته می شود. لازم به تذکر است که ازهاری خائن، در آن زمان نخست وزیر شاه جلاد بوده است.

در این نامه به حمایت از اقدامات ازهاری برای ثبات شاهنشاهی و در نتیجه ثبات اقتصادی به سبک آمریکایی یعنی ایجاد زمینه چپاول برای کمپانیهای غارتگر بین المللی، اشاره نموده است و نامه مشابهی هم به سناتور فراری ضیائی، که رییس اتاق بازرگانی ایران بود نوشته می شود.

***

نامه های فوق به خوبی نشانگر وحشت آمریکاییهای چپاولگر از جریانات انقلاب در ایران است. اوج انقلاب اسلامی آنها را بر آن می دارد که برای ارزیابی و استحکام دوباره رابطه تجارتی با ایران مطالعه نمود.

و نقش خود را در رابطه با جریانات ایران مشخص نمایند.

و حمایت خود و کمکهای خود را به شاه جلاد و ازهاری ارایه می دهند. لفظ فداکاری و حمایت و پشتیبانی در قاموس آمریکاییهای چپاولگر چه معنی جز فداکاری به خاطر چپاول دوباره و حمایت به خاطر نفوذ و حاکمیت اقتصادی دوباره و پشتیبانی به خاطر سلطه دوباره بر سرنوشت اقتصادی و سیاسی ملت ایران می دهد.

وضعیت اقتصادی ایران

۱ ایران با وضع شدید اقتصادی در ماههای آینده روبرو خواهد شد. کوششهای زیادی از طرف دولت برای اطلاعاتی که در این مورد احتیاج است بایستی انجام پذیرد و نتیجه این کوششها بررسی شود.

۲ بودجه دولت در سال جاری در نظر گرفته شده که خوش بینانه توسعه هایی را یادآور شده از جمله بازسازی و توسعه طرحها برای دوباره راه انداختن اقتصاد کشور.

۳ کوشش زیاد خود را برای گزارش از تولید نفت به کار ببرید؛ مخصوصا مسایل و سیاست نفتی و وضع در مناطق نفت خیز.

۴ ایران در زمستان امسال هم احتمالاً کمبود نفت سفید خواهد داشت احتمالاً مربوط به مسایل پالایشگاهها می شود. لطفا در این مورد گزارش دهید و همچنین چه کوششهایی دولت برای رفع این

کمبود کرده؟ و اطلاعات خود را درباره واردات تولیدی ارسال دارید.

۵ امکان کمبود مواد غذایی هم هست، هر گونه پیشرفتی را در این زمینه گزارش دهید.

۶ بخش خصوصی در ماههای آینده احتمالاً اوقات سختی را خواهد داشت، گزارشها در زمینه شکستهای تجاری، سرمایه ها و استخدام خصوصی مفید خواهد بود.

۷ دولت ایران مجبور است که به فشاری که از طرف کلیه جوامع مختلف ایرانی وارد می شود جواب دهد. هر گزارشی که وضع اقتصادی سیاسی و گروههای بزرگ مثل کشاورزان محصلین، بازاریها و قبیله ها را در برداشته باشد برای تشخیص سیاست اقتصادی آینده ایران مفید خواهد بود.

۸ کوشش دولت را برای ملی کردن تجارتهای خصوصی و جریانات تولیدی در قسمت شرکتهای ملی شده را گزارش دهید.

۹ گزارشهای اساسی مربوط به رابطه مالی دولت ایران و شرکت ملی نفت ایران مورد احتیاج است، مدت زمانی را که طول می کشد تا پول نفت به دست دولت برسد چقدر است؟

چقدر از این درآمد را شرکت نفت برای مخارج خود نگه می دارد؟ و هم چنین، برای سرمایه گذاریش آیا پول دریافتی از هر بشکه به حساب آمده یا کلی دریافت شده؟ آیا این امکان هست که بعضی از کارگران شرکت نفت مقداری از این درآمد را دزدی کنند؟ آیا آنها اغلب ممیزی می شوند؟

۱۰ هر گونه گزارشی در زمینه سیاست کشاورزی و برنامه های آن مورد علاقه خواهد بود. کمبودهای آب امکان پذیر است. شایعه ها نشان می دهد که سیستم قناتها در استانهای مختلف وجود داشته، ولی بسته هستند.

یک گزارش در زمینه ای که آب تا چه اندازه وجود خواهد داشت خوب خواهد بود مخصوصا اگر در رابطه با گزارشی از تولیدات غذائی باشد.

(محرمانه گزارشی از اقتصاد ایران سپتامبر ۷۶ مهر ۵۸)

***

مطابق آنچه که از گزارشات فوق به دست می آید آمریکا سعی دارد تحولات اقتصادی ایران را کاملاً تحت نظر بگیرد و اطلاعات لازم را از این جریانات در دست داشته باشد؛ این است که با طرح سؤالات فراوانی در مورد اقتصاد ایران می خواهد به زوایای جریانات جدید اقتصاد ایران پاسخ داده و اقتصاد ایران را به روشنی بعد از انقلاب برای خود ترسیم نماید، تا براساس آن سیاستهای خود را طراحی کند. لازم به تذکر است که در این مرحله مسایل اقتصادی تابع فعل و انفعالات سیاسی است و آمریکا سعی دارد از طریق سیاسی رابطه خود با ایران را حل کرده و با نفوذ بتواند دوباره سلطه خود را احیاء نماید. در این مورد در بخشهای قبلی مفصلاً بحث نموده ایم.

در گزارش فوق به نکته اساسی پی می بریم. اول اینکه آمریکا می خواهد بداند که ایرانیها بعد از انقلاب چگونه می خواهند بدون اتکا به آمریکا خود را اداره کنند، بودجه را در وضعیت جدید چگونه تنظیم می نمایند. مسایلی مثل مدیریت ملی کردنهای واحدهای اقتصادی مختلف و حل کمبودهای مواد غذائی مواد سوختی چگونه حل می نمایند. و در رابطه با استفاده از اقتصاد بومی و سنتی چه در کشاورزی و سیستمهای آبیاری مثل قنات و غیره و چه در اقتصاد تولیدی دیگر که پای محصلین، مردم بومی، بازاریان و حتی قبایل در آن مؤثر است چه نوع تحولاتی اتفاق می افتد و آیا ایران می تواند با تمسک به روشهای

انقلابی به سوی یک اقتصاد خودکفا حرکت کند؟ شناخت وضعیت ایران در هر صورت می تواند موقعیت نشانه روی آمریکا را در مورد اقتصاد ایران و استفاده از وابستگی اقتصاد ایران به غرب جهت نفوذ و سلطه دوباره برای آمریکا روشن کنند.

دوم، تکیه زیاد آمریکا بر روی مسئله نفت است که شریان حیاتی اقتصاد آمریکا و ماشین صنعتی اوست؛ چه دیگر اقمار چپاولگر آمریکا نظیر ژاپن و کشورهای اروپایی نیز از این ماده حیاتی برای چرخش صنایع خود استفاده می کنند. چنانچه در تحلیلهای قبلی هم روشن شد، یکی از اهداف حضور آمریکا در ایران استفاده از نفت و در دست داشتن آن و مطمئن بودن از صدور آن به آمریکا است. این است که بسیاری از فعالیتهای سفارت در بخش اقتصادی و حتی جاسوسی پیدا کردن اطلاعات دقیق از وضعیت نفت در ایران است. استفاده از شبکه های جاسوسی در شرکت نفت و خبرگیری از همه جریانات آن برای آمریکا حائز اهمیت است.

***

«چگونه می توانیم از ادامه تهیه نفت از ایران مطمئن باشم.

هیچ نشانه ای از اینکه دولت موقت مخالفت خود را با قرار داد سال ۱۹۸۰ که در دسامبر امضاء شد آشکار کند، در دست نیست؛ اما این تصمیمات امکان دارد با توسعه سیاست منفی تغییر کند. ما تقریبا به اندازه سال قبل نفت خام دریافت می کنیم (حالا ۰۰۰/۷۵۰ بشکه، پارسال ۰۰۰/۹۰۰ بشکه) اگر چه کل صادرات نفت ایران در حال حاضر ۳۱ پایین آمده است.

توصیه: موقع بحران انرژی ما می توانیم مذاکراتی با ایرانیان مهم و سرشناس در مد نظر داشته باشیم. آقای دیک کاپر می تواند ملاقاتی در آینده نزدیک داشته باشد.»

(از سفارت آمریکا در ایران به دبیر سفارتخانه توسط نیوسام به وزارت از طرف

هارولد اچ ساندرز ۱۴ شهریور ۵۸ از تحلیل سیاست خارجه آمریکا درباره ایران)

از وزارت امور خارجه به سفارت تهران محرمانه

موضوع: قدردانی

لطفا تشکر ما را به اندی سنس برای کار چشمگیرش در رابطه با فروش نفت به ایران و نزدیک شدن او به شرکت ملی نفت ایران و گزارشات آگاهانه اش که برای ما بی اندازه با ارزش است ابلاغ کنید.»

ونس سپتامبر ۷۹ شهریور ۵۸

***

این قدردانی در رابطه با فروش نفت سوخت سفید (نفت چراغ) به ایران است که در شهریور ۵۸ انجام گرفته و سنس، رئیس بخش اقتصادی سفارت توانسته است این معامله را انجام داده و خود را به شرکت نفت نزدیک کرده و در رابطه با این نزدیکی اطلاعات و توصیه های مهمی به ونس وزیر امور خارجه نموده است، که مورد تشویق قرار می گیرد.

«در پاسخ یادداشت شما در مورد موضوع بالا (خطاب به آقای روزن)

تحلیل ما از خواستهای درآمد ایران در بودجه سال ۷۹/۸۰ یک نقطه آغاز است. این بودجه شامل ۴۲ بیلیون دلار هزینه است که ۲۵ بیلیون آن برای اقلام حساب جاری و ۱۷ بلیون دیگری جهت سرمایه گذاری است. ۱۳۰ بیلیون فقط برای دستمزدها و پرداختها است، که شامل اضافات اخیر نمی شود.

به دلایل برنامه ریزی خرج تسلیحات سنگین جدید نبوده، برای نیروگاه های اتمی ادامه طرحهای بزرگ و هیچ خرجی برای طرحهای پتروشیمی در نظر نیست.

مخارج مستمر خدمات اجتماعی، (در سطح ۷۹/۷۸) برای آب، خانه ارزان، توسعه روستایی، و وضع دستمزدها و حقوق.

۷۹/۱۹۷۸----۸۰/۱۹۷۹

۱۸----------۱۳ پرسنل

۵----------۱۲ هزینه جاری

۵----------۱۷ سرمایه

۲۸----------۴۲ جمع کل

مؤلفه پرسنل توسط ۵ بیلیون دلار خورده شده که در سال مالی جدید تأثیر خواهد داشت. مشکل بیکاری ۵/۳ میلیون (یک به ده) و تحت استخراج به ملیون است که هر کاری در ادامه آن ممکن است با بالا رفتن دستمزدها، رادیکالیزه کردن کارگر ظاهر خواهد شد.

هزینه های جاری در مدلها شامل بالا نرفتن مخارج امور عادی، مخارج دفاعی (تا ۲ بیلیون دلار ترقی مناسب امور اجتماعی و اقتصادی (آب کشاورزی، مسکن) و ادامه دادن برخی از طرحهای صنعتی و حذف بقیه است. هزینه های اصلی محتوی اغلب بنیه بودجه در حدود ۷۰٪ می باشد.

از جهت درآمدها نقصان انعطاف مالی شاید مهمتر است. در سال مالی ۷۹/۷۸ دریافتی ایران از سه منبع بود: (نفت ۲۲ بیلیون دلار، مالیات ۹ و وام ۶ بیلیون دلار) در سال مالی اخیر ایران قریب ۸ بیلیون از بخش نفتی را از دست داد و شک در مورد تولید درآمد مالیاتی و عوارض گمرکی نیز هست.

جدول زیر پیش بینی درآمد ما برای سال ۷۹/۸۰ است.

۷۹/۱۹۷۸-------۸۰/۱۹۷۹

۵---------------۹ مالیاتها

۱---------------۶ وامها (قرضیه ها)

۲۲---------------۲۲ نفت

۲۸---------------۳۷ جمع کل

درآمد نفتی سهم عمده بودجه را دارد و به دست آوردن ۲۲ بیلیون دلار قرض بزرگی است. با قیمت هر بشکه ۱۵ دلار ایران بایستی ۴ میلیون بشکه صادره از ۷/۴۸/۴ تولید نفت داشته باشد. با قیمت ۱۸ دلار نیز رقم ۳/۳ ملیون بشکه صادرات برای ۲۲ بیلیون دلار ضرورت دارد. اگر درآمد مالیاتی و وامها از حد طرح، خارج شود ایران راهی جز باز کردن شیرها ندارد. مقیاس انعطافی در سیستم وجود دارد. کسری بودجه چیز تازه ای نیست و ایران تکیه بر مبادلات ارزی دارد، که با رسیدن تابستان محو می شود.

ایران می تواند تجدید ارزش کند، ولی آثار تورم خرج دارد؛ یعنی می شود چند درصدی به نرخ برای رسیدن به ۵۰٪ در نیمه سال نزدیک شد.

قرض امکان دیگری است که با وضع اعتباری متزلزل ایران شدیدا احتیاج به از بین بردن آن پیش از قرض از بانکها دارد. پاسخ بدیهی سختگیری قانونی است که منجر به انضباط قابل ملاحظه مالی می گردد، که هنوز ظاهر نشده است.

(اینک برنامه ریزان دولت به راحتی ماه به ماه بررسی می کنند) همچنین به مفهوم سخت کوشی مردم به درستی با غلط که انتظار بهتر کردن اوضاع در زمان خمینی هستند. این سناریو می گوید که در حقیقت می تواند رو به زوال برود.»

۲۸ مارس ۷۹ محرمانه، م جانسون

***

«سفارت امسال قادر نخواهد بود اخبار مورد نیاز (۴۲۵Cerp) را فراهم آورد. آمارهای مهم را نمی توان به دست آورد (در بعضی موارد، گردآوری اخبار متوقف شده است و در اکثر موارد دیگر در طول ۶ ماه انقلاب قطع شده است). از زمان انقلاب منابع صنعتی (منابع خبری) از ملاقات با مأمور سفارت خودداری کرده اند. دولت جدید و مدیریت جدید شرکت ملی نفت ایران» Nigc و Npc در اکثر موارد تصمیم نگرفته اند کجا و چگونه پروژه های بزرگ را تمام کنند (یا شروع کنند). آن مقدار اطلاعات کمی هم که ما داریم برای یک گزارش طبقه بندی نشده نامناسب است. در زمان انقلاب تعداد گزارش درباره نفت و گاز و پتروشیمی تهیه کرده ایم. از جمله RF-۱۱-Aتهران به تاریخ ۷۹/۱۰/۶ خط مشی صدور نفت و گاز ۶۹۶۳ تهران ۷۵۱۹ تهران به تاریخ ۷۹/۱۹/۷ تحت عنوان «گزارش وضعیت نفت.»

لینگن

(ژوئیه ۷۹ از سفارت آمریکا در تهران به وزارت امور خارجه آمریکا) شماره ۰۷۸۳۹ تهران»

***

با توجه به اسناد فوق آمریکا کاملاً درصدد است، هر گونه فعل و انفعال در بودجه تولید و توزیع و مدیریت اقتصاد ایران را در وضعیت انقلابی جدید دریابد و نقطه ضعفها و نقطه قدرت آن را پیدا کند. طبیعی است که برای نقطه ضعفها از شیوه های نفوذ و استفاده سلطه طلبانه استفاده خواهد نمود و نقاط قدرت را در

هم خواهد ریخت. سیاست آمریکا نفوذ و سلطه دوباره بر اقتصاد و سیاست ایران است. ولی حرکت انقلابی ملت مسلمان به رهبری آگاهانه امام خمینی است، که همه این توطئه را در یک جریان بلند مدت در هم خواهد شکست و مبارزات ضد آمریکایی ملت ایران را پیروز خواهد نمود.

***

در ضمن آمریکا تکیه زیادی بر روی مسایل مالی و بانکی دارد. بعد از انقلاب نیز فعالیتهای فراوانی جهت شناخت وضع بانکها به خصوص بانک مرکزی به عمل آمده است که اسنادی در این موارد در سفارت موجود است و همچنین کوشش فراوان برای شناخت دقیق همه مهره های اصلی بانکها به عمل آمده و بیوگرافی همه آنها در اسناد سفارت موجود است به دلیل مهم بودن و مسئله بانکها و دقیق بودن آنها می بایست کار دقیق تری بر روی آنها شود که شاید در آینده ارایه گردد.

آمریکا سعی دارد جهت بانکها و اعتبارات را با سیاست خود هماهنگ نماید.

***

موضوع

ابتدا در مورد پروژه گفته که:

۱ شرایط سیاسی ممکن است اجازه ندهد تمام پیشنهاداتی را که گفته است بتوان پیاده و عمل کرد.

۲ هدف CAP تهیه کردن خطوط راهنمایی برای تیمی است که در آینده وارد ایران می شوند.

۳ در محل (تهران) می شود تغییراتی در پروژه داد. چون در واشنگتن که ما این طرح را ریخته ایم ممکن است اطلاعات ما محدود بوده باشد و تغییراتی پدید آید.

قسمت اول: تحلیل و دوره ای از اوضاع CAP (Commerical Aclion Program)

ایران همیشه یکی از بزرگترین بازارهای مصرفی برای محصولات آمریکایی بوده است. در سال ۱۹۷۸ واردات غیر نظامی ایران از آمریکا رقم ۶/۳ میلیارد دلار را تشکیل می داد. مشکلات سیاسی ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹ باعث سقوط منحنی واردات ایران و در نتیجه صادرات آمریکا می شود.

بحران سیاسی ایران باعث اعتصابات گسترده کارگری، آسیب و زیانهای قابل ملاحظه به کارخانجات و املاک، و فلج سرویس و خدمات زنده و متحرک کشور گردیده است. صادرات نفت که اصلی ترین منبع معاملات خارجی ایران می باشد، در اکتبر ۱۹۷۸ سقوط کرد و در دسامبر همان سال کاملاً متوقف گردید و تا مارس ۱۹۷۹ از سرگرفته نشد. در این مدت ایران در حدود ۷ میلیارد دلار درآمد از دست داد.

منظره سال ۱۹۷۹ دیدگاه جالبی به دست نمی دهد. بیکاری و افزایش قیمتها به حد بحرانی رسیده است، برنامه ریزیهای کشور احتیاج به اعتماد به نفس پیدا کردن دارند و دوباره منظم کردن اولویتها و پایه ریزی چارچوب رشد آینده اقتصادی که البته در شرایط سیاسی کنونی رسیدن به این اهداف مشکل به نظر می رسد. با بررسی آینده پس از این بحران امیدواری بیشتری پیش می آید نفت کشور باعث درآمد؛ قابل توجهی می باشد. در سطح کنونی قیمتهای نفت ایران احتمالاً در حدود ۱۸ الی ۲۰ میلیارد دلار در سال مالی آینده درآمد خواهد داشت؛ علاوه بر آن ذخیره های ارزی حدود ۱۰ میلیارد دلار دیگر را تأمین می کند.

کلید هرگونه رشد و پیشرفت پول نخواهد بود، بلکه مدیریت مؤثر و آگاهانه می باشد.

مهمترین عمل بازرگانی برای آمریکا در ایران کمک به مؤسسات آمریکایی برای دوباره سازی یک بازار قوی برای محصولات خود می باشد، و دنبال کردن موقعیتهایی که انتظار می رود به خاطر پروژه Fy۸۰ پیش آید.

در پروژه راجع به مسایل زیر صحبت و برنامه ریزی زمان بندی شده و دقیق شده است.

۱ کشاورزی و بازرگانی کشاورزی (با اولویت سوم)

۲ سیستمهای خانه سازی و صنایع وابسته (با اولویت چهارم).

و رهنمودهایی در رابطه با طرز رخنه در مسایل زیر داده است:

۱ سرویسهای بازرگانی (اولویت اول).

۲ پروژه های بزرگ (اولویت دوم).

۳ محافظت و آماده کردن تسهیلات برای سرمایه گذاری (اولویت پنجم).

۴ لیست بازرگانان معامله کننده با خارج (اولویت ششم).

۵ گزارش موقعیتهای معامله (اولویت هفتم).

۶ برنامه ریزی برای ارتفاع پیش بینی حوادث تجارتی (اولویت هشتم).

ضمنا قابل توجه است این طرح، که در زمینه های اقتصادی مختلفی می باشد. هر سال برای ایران

برنامه ریزی از قبل می شده است، به ترتیبی که برنامه از هم اکنون در دست تهیه است، ولی کامل نشده است و پروژه های Fy ۷۹CAP و Fy ۷۸CAP به دلیل انقلاب ایران کاملاً اعمال نشد.»

(از لیون لامبرت به روبرت دی مارک جانسون جوزف هاری)

(میکی اسمیت دان رایان چارلز جان دریو)

(اول ژوئن ۱۹۷۲، ۱۳ خرداد ۵۸)»

***

سند فوق حاکی از برنامه ریزی بلند مدت آمریکا بر روی بازار فروش و حساب پولی است که به عنوان نفت ایران ظاهرا دریافت می نماید. زیرا آمریکا نمی خواهد که این پول در مجرایی خرج شود که خارج از بازار فروش و حیطه نفوذ اقتصادی و مالی آمریکا باشد و سود حاصل از سرمایه گذاری تولید و حتی گردش آن به جیب آمریکا نرود.

طرحی است که طی آن می خواهد طرح وابستگی اقتصادی ایران را در آینده طبق معادلات سیاسی که برای خود فرض می کند (حرکت انقلابی ایران است که تمامی این معادلات را درهم می کوبد کما اینکه تا به حال بسیاری از معادلات سیاسی ابرقدرتها را درهم ریخته است) طراحی نماید و با استفاده از وابستگی مالی و اقتصادی به غرب ایران را وادار کند که بازار فروش مهمی برای محصولات آمریکا گردد.

هدف این سند اجرای یک برنامه و نقشه مدیریت و اولویتها است، که باعث یک بازگشت به وضعیت معمولی و نرمال سیاسی و اقتصادی بشود. در این برنامه رهنمودهایی به بازرگانیهای آمریکایی که از ایران بازدید می کنند، می دهد و گزارشهای آگاه کننده ای راجع به پروژه های بزرگ در اختیار آنها گذاشته می شود. این قسمتها توسط دولت (ایران به عنوان مسایل با اولویتهای بالا شناخته شده است. برنامه فقط حول تصمیمات وزارت بازرگانی نمی گردد، بلکه مشتق از تماسها و اطلاعات و اخبار گوناگون می باشد.

همچنان که شرایط تغییر می کنند، بازنگرش و تصمیم دوباره راجع به اهداف و اولویتها و اعمال ممکن است لازم باشد. این سند آغازگر یک چارچوب برای مذاکره راجع به طرح بازرگانی مذکور بین وزارت کشاورزی و بازرگانی و پست در آمریکا در فاصله های چهارماهه می باشد. گزارش این مذاکرات یک زمینه مناسب برای کار کارمندان دولت آمریکا در رابطه با زیاد کردن صادرات آمریکا به ایران و برای در دست گرفتن کنترل بازار محصولات در حوادث آینده می باشد.

***

«۱ ما معتقدیم که لازم است مذاکره ای با مقامات عالی اقتصادی دولت جدید ایران درباره روابط جدید اقتصادی ایران آمریکا (برمبنای خواستهای دولت جدید) داشته باشیم؛ این کار به شرکتهای آمریکایی کمک خواهد کرد تا دوباره فعالیتهای خود را در ایران شروع کنند و بهبود اقتصاد ایران را تسریع بخشند.

۲ ما پیشنهاد می کنیم که شروع مذاکره با رضا صدر وزیر بازرگانی باشد زیرا ناظران سیاسی معتقدند که او مورد اطمینان و از نزدیکان خمینی می باشد. صدر مدتها در آمریکا (در هوستون) به سر برده و روی این حساب برقراری روابط بازرگانی بین دو کشور را تأیید خواهد کرد. او قبلاً در سفارت ایران و در آمریکا یکی از کسانی بود که شورای موقت سرپرستی را به وجود آورد و در سالهای گذشته او عضو حزب مردم بوده است.

۳ شما باید نکات زیر را در تماس با رضا صدر و یا در تماسهای تلفنی با او در میان بگذارید.

شرکتهای آمریکایی اصولاً به ایران به عنوان یک بازار مهم نگاه می کنند. آنها ادامه رابطه اقتصادی ایران به آمریکا را بسیار اهمیت می دهند.

این شرکتها می خواهند روابط تجاری به نفع دو کشور داشته باشند. آنها خواهان امتیازات ویژه ای نیستند، بلکه فقط خواهان قرار داد منصفانه تجاری با شرکتهای ایرانی هستند.

ما معتقدیم که شرکتهای آمریکایی در زمینه تکنولوژی، ایجاد شغل و سرمایه گذاری می توانند کمکهای مفیدی به ایران بکنند، اما امیدواریم که این شرکتهای آمریکایی فقط کارهای تجاری انجام خواهند داد و در کار دیگری (جاسوسی سیاسی) دخالت نخواهند کرد و شرایط ویژه ایران امروز را در نظر خواهند گرفت.

بعضی از شرکتهای آمریکایی با مشکلاتی در زمینه پرداختها، تنظیم قرار دادها و پیشبرد برنامه ها در ایران روبرو شده اند؛ این مشکلات، ناشی از نبودن ارتباط کافی و صحیح بین مقامات ایرانی و این شرکتها بوده، نه ناشی از تعمد این شرکتها برای ایجاد اشکال و رعایت نکردن قراردادهای قبلی، اکنون این شرکتها هر گونه توصیه مقامات ایرانی را در مورد نحوه فعالیت آنها پذیرا هستند. به نظر ما یک موافقت غیر رسمی برای حل مشکلات موجود بین ایران و شرکتهای آمریکایی بهتر از اقدامات قانونی از جانب دو طرف خواهند بود. دولت آمریکا حاضر است هر گونه تسهیلاتی را برای برقراری روابط مجدد بین مقامات ایرانی و شرکتهای آمریکایی فراهم کند.

تشکیل یک مجتمع کارشناسان آمریکایی در ایران فعلاً قابل پیش بینی نیست. در عین حال امیدواریم که شرایط سیاسی و امنیتی آماده شود تا دوباره شخصیتی آمریکایی به ایران برگردد. البته درخواست برای ارسال متخصصین از طرف ایران باید صورت گیرد و ما نمی خواهیم چیزی را به ایران تحمیل کنیم.

اگر در مواردی، به ویژه در زمینه فعالیت شرکتهای خصوصی آمریکایی دولت آمریکا بتواند راهنمایی

و کمکی به ایران بکند، با کمال میل خواهد کرد، در حال حاضر ما فکر می کنیم شرکتهایی که در زمینه تولید مواد غذایی و توسعه کشاورزی فعالیت می کنند، برای ایران سودمند خواهد بود در عین حال خواست ایران را در مورد اینکه چه شرکتی در ایران فعالیت کند در درجه اول قرار خواهیم داد.

بحث شما با مقامات ایرانی باید زمینه را برای برقراری مجدد روابط بین ایران و آمریکا فراهم کند.

البته ما نمی خواهیم آنها احساس کنند که می خواهیم فشار وارد کنیم، بلکه فعلاً می خواهیم مشخص کنیم که روابط ما در چه مرحله ای می تواند قرار گیرد.

از وزارت امور خارجه آمریکا به سفارت آمریکا در تهران

فوری محرمانه گزارشگر سایروس ونس، ۲۲ اپریل ۷۹ شماره ۷۸۰

***

سند فوق حاکی از شیوه برخورد آمریکا با ایران و چراغ سبز شرکتها در رابطه با حضور دوباره در روابط تجاری ایران به خوبی نقش حیاتی تجارت با ایران را نشان می دهد. اما این مسئله در حقیقت نتیجه بسیاری از فعالیت های سیاسی آمریکا است، که بتواند در سایه آن شرکتهای آمریکا در ایران فعالیت اقتصادی داشته باشند و در نهایت بتوانند سلطه اقتصادی خود را اعمال نمایند.

در سند فوق عقب نشینی آمریکا و امتیاز دادنش به ایران کاملاً مشهود است و این به سبب آوانس است که آمریکا به خاطر به خطر افتادن منافع تجاری عظیمی است که سالها از ایران به دست می آورده است. این

اهمیت قضیه را نشان می دهد، که این توصیه های سیاستمدارانه را ونس وزیر امور خارجه در رابطه با شرکتهای آمریکا می نماید.

ایران با یک فشار شدید تورمی رو به روست: بیکاری ۲ تا ۳ میلیون از نیروهای کارآمد ۲۰٪ آنها و کاهش در GNP (درآمد سرانه ناخالص ملی) به طور واقعی ۲۰٪ اما هنوز اقتصاد ایران یک مقدار فعالیت و پیشرفت شاید به طور موقت از خود نشان می دهد. بانکها در حال کار هستند، درآمد نفت بیش ۶۰ تا ۷۰ میلیون دلار در روز است و شخم گندم و برنج هم ظاهرا رضایت بخش است. ولی نگرش اوضاع در دراز مدت تشویق کننده نیست. هیچ چیز در افق اقتصادی وجود ندارد که جای خود را با سلاح نفت عوض کند، مادامی که تولید نفت خام در سالهای ۱۹۸۰ به بعد به تدریج کم می شود. دولت بازرگان کماکان وارث اقتصادی است که مبتلا به یک دوقلوی لعنتی است: یک میراث از پرستیژ برنامه هایی که در خلال قطع نفت شروع شد و خرابکاریهای تلافی جویانه ای که به وسیله خود انقلاب به وجود آمد. امکان داشت که یک پوشش نقره ای داشته باشد.

طراحان انقلاب یک فرصت نایابی داشتند که از عهده این تخت سنگ برآیند (اقتصاد) ولخرجیهای گذشته را از بین ببرند و اقتصاد معقولی به وجود آورند. در حال حاضر وضعیت سیاسی با پیشرفتها هماهنگ نیست و بیشتر از همه آینده نامطمئن است که باعث جدایی افراد ماهر برای برطرف کردن مشکلات اقتصادی در ایران می شود.

از تحلیل (موقعیت جاری ایران) ۱۵ اکتبر ۱۹۷۹ محرمانه

***

«ایران بعضی از صورتحسابها را به طور محدود شروع به پرداخت کرده است و بعضی از قراردادها را دوباره به کار گرفته است. ۵۰ میلیون دلار برای گندم داده و پروژه پالایشگاه اصفهان در حال تمام شدن

است و همچنین AMC ۲۰ میلیون دلار برای شروع بهره برداری از ماشینهای جیپ دریافت کرده است.

بحثها به طور ثابتی باقی است و ضمیمه مالی و درآمد ایران هم رد به تهدید است GTE و شرکت بل در حال بحث و مذاکره با شریکهای فعال ما هستند.

توصیه

الف: به اتاق بازرگانی خصوصی ایران آمریکا توصیه شود که در جهت مسایل به ما کمک کند شاید هم یک هیئت تبلیغی فعال برای این موضوع به تهران ارسال شود.

ب : به شرکتهای آمریکایی اطمینان دهیم که کمک ما به آنها فقط در رابطه با ایرانیان و موفقیت خود ماست که شروع می شود.»

(از سفارت آمریکا در ایران به دبیر سفارت توسط پ. نیوسام به وزارت خارجه از طرف هارولد اچ ساندرز ۱۴ شهریور ۵۸ از تحلیل سیاست آمریکا درباره ایران).

«در ماههای گذشته آمریکا قدمهای محدودی برای یک روابط جدید برداشته است. واگذاری قطعات یدکی لوله های نفتی ما، آماده باشید که خرید قطعات یدکی از جانب ایران از سرگرفته شود، زیرا ایرانیها در تحویل گرفتن خیلی کند بوده اند. فروش نفت چراغ و نفت گرم کننده، کوشش شود به وسیله اداره ایالتی

قراردادهای تجاری حل و فصل گردد، کوشش صبورانه ای برای بستن برنامه F.M.S(خریدهای ارتش) ارایه شود در وضعی که نشانگر حمایت ایران و نقطه نظر آمریکا باشد).

(از تحلیل قوه ابتکارات سیاسی از نیوسام به وزارت خارجه آمریکا)

۲۱ مهر اکتبر ۷۹ محرمانه، شماره ۲۰۳۱۳

«ما آماده هر گونه برنامه جدیدی برای همکاری بیشتر هستیم... برای مثال تبادل خبری، توسعه کشاورزی، کنترل مواد مخدر، به وجود آوردن کار و استخدام، مدیریت منابع نفتی ... که هر چیزی را که امکان دارد ایران تقاضا کند آماده هستیم.

(نامه ای از هنری پرشت واشنگتن D.C به لینگن)

۱۳ سپتامبر ۱۹۷۹ محرمانه

***

«موضوع: بانک صادرات و واردات بانک آمریکا در ایران

گرفتن یک روز بهره اضافی از دیر کرد پرداخت سلاحهای خریداری شده به وسیله ایران توسط بانک صادرات واردات آمریکا. مبلغ دیر کرد عبارت است از ۳۳/۱۱۱۹۶۷۱۲ دلار. سفارت پیشنهاد می کند که اگر این بهره سرخود و غیر قانونی تعیین شده است بلافاصله لغو شود چرا که این برنامه با سر و صدای زیادی در ایران روبرو خواهد شد.» گزارشگر ناس تیلور.

(محرمانه می ۷۹ از سفارت آمریکا در ایران به

وزارت امور خارجه آمریکا واشنگتن D.C، شماره ۵۵۷۰ تهران)

***

حال با توجه به سیاست کلی آمریکا که نفوذ و سلطه سیاسی اقتصادی دوباره است و با در نظر گرفتن

شیوه مسالمت آمیز کمک و تأیید ظاهری برای تحمیل خود و جا باز نمودن در ارگانهای تعیین کننده و وابسته کردن ایران به آمریکا، سیاست اقتصادی آمریکا را در خدمت این اهداف می بینیم، یعنی فروش قطعات یدکی نفتی و نظامی فروش نفت چراغ و چراغ سبز، نشان دادن برای کمکهای بیشتر اقتصادی همه و همه در خدمت همان سیاست اصولی است که در بالا ذکر نمودیم.

در حقیقت آمریکا می داند که در ایران انقلابی مردمی اتفاق افتاده است و جهت آن هم در نفی آمریکا است ولی امید دارد که بتواند جهت این حرکت را به طرف خود بگرداند، با مذاکره تهدید و نشان دادن واقعیت های سوق الجیشی و امپریالیستی می خواهد این امر را تحقق دهد، ولی در عین حال آینده برایش نامشخص است و ایران را نمی تواند در سالهای آینده به خوبی ارزیابی نماید. لذا هر گونه حرکت اقتصادی آمریکا در ایران یک ریسک سیاسی است. برای نفوذ و سلطه خود در حقیقت آمریکا با فروش قطعات یدکی که آن هم با محدودیت خاصی اعمال می شود (غیر حساس و کمتر از ۵ میلیون دلار) و سوق دادن به خرید وسایل نظامی از ایتالیا دست به یک ریسک حساب شده می زند، که اگر چه موفقیتهایی برایش حاصل نموده، ولی نمی تواند به آینده اش صددرصد مطمئن باشید. این است که با توجه به شناخت دقیقی که از اوضاع سیاسی ایران و تیپ بندی های اجتماعی سیاسی و ایدئولوژیکی ایران دارد و با توجه به اطلاعاتی که از وضعیت اقتصادی ایران حاصل نموده است سعی دارد با توجه به شناخت خود راه حل هایی ارائه دهد که مورد پذیرش قرار گیرد و حتی زمینه پذیرش در انقلاب باشد. نظیر حل مسئله استخدام و

بیکاری حل مسئله مواد مخدر و معتادین مسایل مربوط به کشاورزی قطعات یدکی و مواد اولیه صنعتی و ... طبیعی است که اگر سیاست ایران و جهت انقلاب ایران متمایل به غرب و آمریکا گردد و آمریکا بتواند متکی بر پایگاههای خود در ایران سلطه سیاسی خود را اعمال نماید، می تواند در سایه آن قدم به قدم در اقتصاد ایران رابطه سلطه امپریالیستی خود را اعمال کند، که این به مراتب زیادتر و عمیقتر از وابستگی اقتصادی است، که هم اکنون ایران به طریق اجتناب ناپذیر از ارث رژیم منحوس پهلوی دچار آن است (مثل گندم، وسایل نظامی، وسایل صنعتی مواد اولیه صنعتی).

مقدمه کلی

ص: ۱۳۲

بسم اللّه الرحمن الرحيم

انقلاب پرشکوه اسلامی ایران به رهبری امام خمینی، بی گمان بزرگترین حادثه قرن و از نوادر انقلابات تاریخ جهان است. انقلابی در حد نهضت های انبیاء الهی، با معیارها و ارزشهائی خدائی که طوفان خشمش بساط ننگین یکی از دیکتاتورترین و خونخوارترین رژیم های جهان را در هم پیچید و دو هزار و پانصد سال شاهنشاهی آلوده به شرک و کفر و ظلم را به زباله دان تاریخ فرستاد. هم چنین نسیم آزادیبخش، چهره خشک و تکیده مستضعفین جهان را نوازش کرد و آنان را از خواب غفلت بیدار و روانه کارزار با مستکبرین نمود.

چرا که آنان مرگ شیطان بزرگ و دیگر شیاطین و تعالی خود را در آینه این انقلاب دیده اند.

چنین انقلابی با این عظمت، چون صاعقه ای، قدرتهای شیطانی و در رأس آنها امپریالیسم آمریکا را بشدت تکان داد. و به تعبیر «مناخم بگین» جانی، زلزله ای بود که امواجش اسرائیل غاصب را به لرزه درآورد آمریکا با اطمینان دیده و می بیند که اگر این انقلاب مهار نشود، قیام ملتهای مسلمان منطقه در عربستان، عراق، ترکیه، پاکستان و... و بالاتر قیام همه مستضعفین را و نهایتا نابودی موقعیت جهانی و جهانخواری آمریکا را به دنبال خواهد داشت.

لذا بر آن است تا با تمام قدرت خویش، انقلاب اسلامی را نابود و یا حداقل آن را از روح ستیزنده و رهائی بخشش تهی سازد. و بدین منظور او از شیوه هائی استفاده کرده است و می کند که در نهایت کمترین زیان را برایش داشته باشد. آمریکا می داند که اگر حمله نظامی کند و یا یک کودتای خشن فرمایشی ترتیب دهد، ملت ما یکپارچه برای دفاع از انقلاب و کشورش قیام خواهد کرد و در این صورت علاوه بر اینکه آمریکا خود را در گردابی به مراتب هولناکتر از ویتنام اسیر می سازد، باعث می شود که منطقه خاورمیانه به آشوب کشیده شود، تنگه هرمز شاهرگ حیاتی «آمریکا، غرب و ژاپن» نا امن گردد و ملتهای محروم منطقه

به قیام عمومی برخیزند که همه اینها مرگ زودرس امپریالیسم را به دنبال خواهد داشت. اسناد و مدارک و تحلیلهای داخل لانه جاسوسی نیز صحت مدعای فوق را تأیید می کنند.

آنچه از تحلیلهای «کتاب حاضر» و سایر اسناد و مدارک لانه جاسوسی برمی آید، این است که: آمریکا همواره در پی شیوه ای بوده است که بتواند به وسیله آن انقلاب ما را از درون دچار تضادها، برخوردها و جدایی ها سازد و تخم بدبینی و یأس در دل ملت ما و سایر ملتهای به پا خاسته بپاشد تا نهایتا انقلاب اسلامی متلاشی و یا حداقل از مسیر خویش منحرف گردد.

چنان که مشاهده خواهید کرد، اغلب تحلیلگران آمریکایی ایجاد «تفرقه و نفاق» در میان «نژادهای مختلف»، «اقشار مختلف اجتماع» و میان دانش آموزان را جهت هرج و مرج و سقوط تدریجی انقلاب پیشنهاد می کنند. و هم چنین نفوذ ایادی وابسته و یا عناصر سازشکار در ارگانهای مملکتی را مؤثر در انحراف انقلاب می دانند.

ما در این کتاب، تحلیلهائی از تحلیلگران آمریکایی که در امور ایران صاحب نظر و اغلب آنها گروگان ملت ایران هستند، را در معرض دید ملت مسلمان ایران قرار می دهیم تا ملت ما بداند که دشمن اصلیش در مورد او و انقلابش و در مورد امامش چگونه می اندیشد، تا ملت رشید بداند که آمریکای جهانخوار به اصالت انقلاب اسلامی بارها و بارها اعتراف کرده و می کند.

تا ملت بداند که شیطان بزرگ از فراگیر شدن و جهانی شدن و پیشتاز شدن انقلاب اسلامی کاملاً آگاه و از آن در هراس است.

تا ملت بداند که آمریکا، امام را سرسخت ترین، سازش ناپذیرترین و بیدارترین دشمن خود می داند.

تا ملت شهید پرور بداند که آمریکا از اسلام و توده های مسلمان تا چه حد هراس دارد و بالاخره تا ملت بداند که آمریکای توطئه گر همواره به توطئه و دسیسه چینی علیه انقلاب اسلامی مشغول می باشد....

باشد که با شناخت هر چه بیشتر توطئه های شیطان بزرگ، انقلاب اسلامیمان را به پیروزی نهایی برسانیم.

در اینجا ذکر مطالب و تذکراتی چند در مورد تحلیلهای موجود در این کتاب ضروری به نظر می رسد.

۱ به طور کلی این تحلیلها (در بعضی موارد گزارشات)، حاوی نقطه نظرها و دیدگاههای تحلیلگران آمریکایی، درباره انقلاب اسلامی، فرهنگ حاکم بر انقلاب، نیروهای سیاسی موجود در ایران... و هم چنین بررسی مسایل اقتصادی کشورمان بر پایه اطلاعاتی که آنها کسب می کرده اند می باشد. و نیز در اغلب تحلیلها، طرحها و پیشنهاداتی جهت انحراف و یا سقوط انقلاب ارائه شده است.

بدیهی است که در این تحلیلها، نارساییها و مطالبی چند خلاف واقع وجود دارد که اینها به طور کلی معلول یکی از دو مسئله زیر و یا هر دوی آنها می تواند باشد:

* الف) این نارسائیها و مطالب خلاف واقع معلول اطلاعات ناصحیحی است که آنان از مجاری مختلف به دست آورده اند.

* ب) معلول تفسیر و تحلیل غلط آنها از مسایل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و... کشور ما می باشد.

* ۲ در نظر داشته باشیم که این تحلیلها به وسیله کسانی نوشته شده است که اغلب از جاسوسیان سیا( ) و دشمنان انقلاب اسلامی ما می باشند و سالها در ایران و دیگر نقاط جهان جاسوسی می کرده اند.

لذا باید با دیده ای تیزبین به مطالعه این تحلیلها بپردازیم، چرا که ممکن است در آنها مطالبی خلاف واقع باشد که از غرض و یا ناآگاهی تحلیلگر سرچشمه گرفته باشد.

و از این مطالب خلاف واقع در بعضی تحلیلها مشاهده خواهید نمود که سعی شده است تا حد ممکن در پاورقی ها توضیح داده شود.

۳ تمامی این تحلیلها و گزارشات، نهایتا به وزارت امور خارجه آمریکا در واشنگتن ارسال می شده تا براساس اطلاعات و داده های آنها سیاستهای امپریالیستی آمریکای جنایتکار در قبال انقلاب اسلامی ایران اتخاذ شود. لذا مطالعه دقیق اینها به ما کمک خواهد کرد تا شناخت کافی نسبت به توطئه و

دسیسه های ننگین شیطان بزرگ داشته باشیم. همچنین قابل ذکر است که تحلیلهای داخل لانه جاسوسی، اساس نقشه های شوم آمریکای جنایتکار برای نابودی یا انحراف انقلاب اسلامی در مدت زمانی است که از تسخیر لانه جاسوسی می گذرد. واضح تر بگوییم اگر لانه جاسوسی به دست فرزندان این ملت تسخیر نمی شد امپریالیسم آمریکا با استفاده از مطالب و اطلاعات این تحلیلها به توطئه های خطرناک و حساب شده ای علیه انقلاب اسلامی و ملت رشید ایران دست می زد و چه بسا تا کنون توانسته بود ضربات مهلکی بر پیکر انقلاب اسلامی و ملت مسلمان وارد آورد.

۴ در مطالعه تحلیلها توجه به تاریخ نوشته شدن و تحلیل مفید بوده و در ضمن پاورقی ها و تأکیدها از طرف دانشجویان مسلمان پیرو خط امام می باشد.

امیدواریم که با آگاهی از ماهیت امپریالیسم جهانخوار و توطئه های ننگینش، مبارزه با آمریکا را تا فتح نهایی که رهائی تمامی مستضعفین و نابودی همه مستکبرین است، ادامه دهیم. و این امید بعیدی نیست، چرا که اکنون به فرمان «امام» دریای بیکران انسانها به پا خاسته اند تا کاخ جباران جهانخوار را ویران و بر ویرانه ها دنیائی نو، لبریز از رهائی و تعالی بنا کنند.

آری آمریکا چه بخواهد و چه نخواهد آتش فروزان انقلاب اسلامی روشنگر طریق جهاد مستضعفین و سوزنده بساط مستکبرین بود. و بر حیات ننگین ام الفساد قرن و سایر تجاوزگران جهان خوار مهر پایان خواهد زد.انشاءاللّه

پیروز باد انقلاب پرشکوه اسلامی ایران. به رهبری امام خمینی هرچه گسترده تر باد قیام دلاورانه مستضعفین علیه مستکبرین ننگ و نفرت بر جهانخواران خون آشام به سرکردگی آمریکای جنایتکار نابود باد توطئه های ننگین امپریالیسم علیه انقلاب اسلامی ایران.

معرفی سند ۴ اکتبر ۱۹۷۹

بنام خدا

این سند حاوی مطالبی در رابطه با کارهائی است که به نظر تحلیل گر باید برای افزایش منافع آمریکا در ایران، در آینده صورت پذیرد و بدین سبب از دو جنبه مفید است. اول آنکه می تواند نشان دهنده برداشتهای آمریکا از ارگان های مختلف در ایران و به خصوص شیوه برخورد آمریکا با آنها باشد و دوم آنکه می تواند به عنوان الگویی در برخوردهای آتی با سیاستهای آمریکا به کار گرفته شود.

وضوح و روشنی عوامل مؤثر در انقلاب از قبیل نقش رهبریت امام، نقش توده های مردم و برخی زمینه های انقلاب از قبیل تبعیض ها و برتری، پایمال کردن فرهنگ مردم، غربی شدن آداب در مردم آن چنان بوده است که تحلیل گر علیرغم میل باطنی خود مجبور به اعتراف به آنان شده است اما این اعتراف سبب تن دادن یانکی ها به این واقعیت نبوده است بلکه سیستم سودپرستی آنان به گونه ای بوده است (و می باشد) که جهت افزودن بر منافع غیر مشروع خود از هیچ کوششی دریغ نمی کنند و نکته جالب توجه در این زمینه را می توان در این جمله از سند ذکر کرد که:

«ایران هنوز راه زیادی را می باید بپیماید تا با برنامه های (USICA) دفتر همکاریهای بین المللی آمریکا منطبق گردد» و این یعنی که برنامه فرهنگ زدایی دفتر همکاریهای بین المللی ثابت است و کوچکترین تغییری نخواهد یافت و ایران را باید به گونه ای ساخت که خود را با آن منطبق کند و این نکات است که باید ما را به سوی جایگزینی هر چه سریع تر فرهنگ انقلابی اسلام به جای فرهنگ منحط غربی رهنمون شود تا دیگر بار زمینه های رشد آنان فراهم نگردد زیرا آمریکا حتی اگر از روابط دیپلماتیک خود با ایران نیز چشم پوشی کند به معنی سکوت و یا عدم مداخله اش در امور ایران نمی باشد و فقط بدین معنی است که شیوه های دخالت پیچیده تر و گنگ تر خواهد شد.

سند در تحلیل خود از ساخت قدرت در ایران از فرماندهان پاسداران به عنوان دزدان دریایی یاد

می کند و پر واضح است که هر که بر راه منافع آمریکا در ایران و دیگر کشورهای زیر سلطه اش مانع ایجاد کند از آنجا که این منافع تعلق به رژیم آمریکا دارد!! دزد دریایی است!

لحن سند در برخورد با حاشیه نشینان انقلاب (که به راستی هم از نظر عدم دخالت در انقلاب حاشیه نشین بوده اند!) یعنی کسانی که تا وقتی اسلامی ها از حمایت توده برخوردارند قدرت و جرأت دم زدن ندارند، به گونه ای است که گویی تحلیل گر از این ماجرا رنج می برد و این نشان دهنده اهمیت عملکرد این نیروها برای آمریکا است و این نکته در قسمت بعدی نیز به فرمی واضح تر بیان می شود که: «مخالفین خاموش بر روی عدم توانائی ملاها در اداره یک جامعه در دنیای قرن بیستم حساب می کنند» و این مخالفین خاموش کسانی هستند از قبیل: فرماندهان در ارتش سنتی، مدیران غرب زده و تکنسین ها، سیاستمداران دمکرات و لیبرال، رمانتیک های شبه نظامی و بالاخره کمونیست ها.

و این نکته ای اساسی است که در سند با صراحت تمام ذکر شده است و اینجاست که مسئولیت روحانیت سنگین تر و سخت تر از همیشه جلوه گر می شود. نیروهای خاموش مترصد فرصتی هستند تا از نقاط ضعف آنان استفاده کرده و راه را برای نفوذ خویش باز نمایند. اگر روحانیت به خود نیاید و نقاط ضعف خویش را بر طرف نسازد. اگر روحانیت با اقشار مؤمن و متعهد انقلاب و به ویژه جوانان انقلابی اتحاد اصولی برقرار نسازد، اگر روحانیت درصدد تصفیه عناصر ناشایسته در درون صف خود نپردازد، اگر روحانیت با دقت و ظرافت در کارها عمل نکند، اگر روحانیت به مبارزه قاطع و بی امان توده های

مستضعف بر علیه جهان خواران به گونه ای انقلابی شکل ندهد، اگر روحانیت پشتیبانی توده ای را در اثر اعمال سیاست های غیر انقلابی از دست بدهد، اگر... آنوقت است که زمینه برای رشد نیروهای حاشیه نشین و خاموش آماده گشته و انقلاب اسلامی خلق دلاور ایران از راستای توحیدی خویش منحرف گشته و خون هزاران شهید گلگون کفن انقلاب با دست فرصت طلبان و منفعت طلبان پایمال خواهد شد. اوج برنامه ریزی تحلیل گر در جهت نابود کردن انقلاب اسلامی ایران در قسمت بعدی سند ظاهر می شود. طرحهای پیش بینی شده در دو سناریو خلاصه شده است.

۱ تحریک نیروهای تمرکز یافته از طریق تشدید نارضایتی های منطقه ای و قومی ایران در جهت ضربه وارد کردن بر اقتصاد سنتی ایران و به خصوص تعطیل مناطق نفتی در صورتی که با آنها به اندازه کافی به طرز غلطی رو به رو شدند. و نکته اصلی همینجاست.

شک نیست که دشمنان انقلاب هیچگاه از پای نخواهند نشست و درصد تشدید تضادهای قومی و نژادی و غیره بر خواهند آمد، شک نیست که آنها که منافعشان در اثر انقلاب به خطر افتاده (مثلاً سرمایه دارها، بورس بازها، دلالها، وارد انجمنهای عمده قاچاقچیان گردن کلفت و زمین دارها)، دست از توطئه و تحریک بر نخواهند داشت، شک نیست که انتظار همگامی فرصت طلبان با انقلاب را نمی توان داشت اما اینجا هیچیک نمی توانند به انقلاب ضربه زنند چرا که پایگاه مردمی ندارند و آنچه که به انقلاب ضربه می زند برخورد غلط و ناصحیح با این اقشار است که ممکن است به جدایی رهبران مذهبی و توده ها بینجامد و تنها دقت در شیوه ای برخورد است که می تواند موجب شکست این سناریو گردد.

۲ نفاق در مدارس بین محصلین،معلمین که ممکن است به تعطیل های دراز مدت و یا خشونت های افراطی منجر شود.

رمز پیروزی انقلاب اسلامی ایران که همانا ایمان و وحدت کلمه می باشد در این اسناد به خوبی

آشکار می گردد. تنها از طریق برقراری وحدت بین اقشار ملت است که می توان پوزه جهانخواران را بر زمین بمالند و بس و آنها که به راستی خواهان مبارزه با امپریالیسم و مظاهر آن هستند اگر با تکیه بر روی دگم های ذهنی خود و تلقین آن به دیگران بخواهند پیش روند که در نهایت به تفرقه بین طبقات مردم گردد در دامی بزرگ فرو افتاده اند دامی که امپریالیسم، این شیطان بزرگ زمانه، پیش پایشان گسترده است.

سند برای موقعیت طرحهای دفتر همکاریهای بین المللی در مراجعه با روحانیون، سیاستمداران لیبرال، رهبران ارتش، مدیران غربزده، رهبران قومی و منطقه ای، محصلین و معلمین و بالاخره چپ های افراطی را هی را پیشنهاد می کند که جلب کننده احساسات توده مردم باشد چرا که انقلاب انقلاب مردم است و هیچیک از این گروهها قادر به انجام کاری در برابر این توده های میلیونی نمی باشند.

مردمی که حتی حاضر به پذیرش منافع پاپاپای آمریکا نیز نیستند و آنها که به گفته تحلیل گران آمریکا را دشمن اسلام و انقلاب تلقی می کنند، مردمی که به طرد هنر آمریکایی نیز پرداخته اند و آن را ضد اسلامی و فاسد می دانند و ایکاش آنان که به عنوان نمایندگان مردم در برخورد با این قبیل تشکیلات قرار می گیرند نیز این گونه بودند. اما گویا دفتر همکاریهای بین المللی در زمینه خویش شانس هایی هم داشته است که در ادامه سند آمده است از قبیل: شام خوردن با بعضی مقامات، تماس گرفتن با فرماندار شیراز جهت بازگشایی انجمن در ایران و آمریکا، درخواست معاون نخست وزیر (امیر انتظام) برای کتابهائی در مورد ایالات و حکومت ها که در جهت همکاریها می خواستند و بالاخره بازگشایی مجدد انجمن ایران و آمریکا

برای تحویل فرهنگ غرب به ایران در کنار این مطالب مشوش کننده ای هم برای آمریکا وجود داشته است از جمله اعدام ها، اخراج خبرنگاران آمریکایی تعطیل کردن روزنامه های محلی، بدرفتاری با اقلیت ها مانند کردها و بهایی ها و اسم بردن از آمریکا به عنوان امپریالیست حامی صهیونیسم، به راستی چرا باید خاطر آمریکا از تعطیل کردن روزنامه های محلی یا بد رفتاری با کردها مشوش گردد؟ چرا اعدام نصیری ها و هویداها به اندازه امپریالیست خواندن آمریکا و بستن روزنامه های محلی برای آمریکا مهم است؟ اما با تمام این تفاصیل آمریکا ترجیح می دهد که برای حفظ منافع درازمدت خود با آمریکا از این مسایل هم چشم پوشی کند و این نشان دهنده اهمیت تصمیماتی آتی ایران در قبال رابطه با آمریکاست.

نگاهی گذرا به پیشنهادهای تحلیل گر برای حفظ منافع دراز مدت آمریکا، میزان و درجه خصومت رژیم آمریکا را با استقلال ایران به خوبی روشن می سازد.

یانکی ها می خواستند تا آرام آرام نفوذ کنند، روحانیت را از درون پوک سازند با روحانیون مجاهد تماس بگیرند، با پاسداران تماس حاصل کنند.

یانکی ها می خواستند تا به لطایف الحیل سعی در نفوذ در ایران انقلابی و متلاشی کردن آن نمایند و یانکی ها هرگز عقب نخواهند نشست.

اگر ما حمله نکنیم آنها حمله می کنند و این باید سرلوحه کارهایمان باشد تا روزی که سنت اللّه برقرار گردد و حاکمیت مستضعفین بر زمین جاری گردد.

ص: ۱۳۸

رسمی غیر رسمی

تاریخ: ۴ اکتبر ۱۹۷۹ (برابر با ۱۲/۷/۵۸)

آقای

مدیر امور افریقای شمالی، شرق نزدیک و آسیای جنوبی

آژانس ارتباطات بین المللی ایالات متحده آمریکا واشنگتن

تد عزیز:

در انتهای دومین ماه اقامتم در تهران ممکن است برای من و شاید هم برای شما مفید باشد که تحلیلی از اوضاع کنونی بکنم و کارهایی را که در شش ماه آینده در رابطه با افزودن منافع آمریکا در ایران می بایست انجام داد، بگویم.

انقلاب: از دیدگاه من، انقلاب که ناگهان با پیروزی خود در فوریه گذشته رو به رو شد شورش بود علیه برتری ها و مزیت ها. نیروهای مخالف شاه عبارت بودند از: توده نامتجانس از سنت گرایان شیعه، لیبرالهای دمکرات و غرب زده، سوسیالیستها و مارکسیست ها که همگی برای یک منظور که بیرون کردن شاه بود با هم ائتلاف کرده بودند. این گروههای نامتجانس همه نیرویی را که برای رو به رو گشتن با شاه احتیاج بود نمی توانستند گرد هم آورند، مگر با پشتیبانی توده های متعصب که توسط جذبه روحانی خمینی متشکل شدند. علاوه بر مخالفت با امتیازات تجاوزگرایانه خیلی ها که با شاه جنگیدند عمیقا به خاطر تغییرات ناگهانی و اثرات غربی (مخصوصا آمریکایی) که در جامعه ایران نفوذ می کرد ناراحت شده بودند. از این دید که خیلی ها اصول و ارزش های سنتی را زیر پا می گذارند عصبانی و آزرده خاطر گشته بودند.

به طور خلاصه انقلاب علیه برتری ها و غربی شدن سریع رخ داد بنظر من هنگام تحکیم بخشیدن به

منافع آمریکا از طریق گفتگو با ایرانی های با نفوذ باید مسئله بالا را در نظر داشت. البته میل برای ارتباط وجود دارد توسط مخالفت با غربی شدن و اختلاف طبقاتی پوشانده شده است.

ساخت اثرگذاری و نفوذ: ایران هنوز راه زیادی را می باید بپیماید تا برنامه های (USICA) دفتر همکاریهای بین المللی آمریکا منطبق گردد. کشور از یک انقلاب خالص سر بدر آورده و اعضای سازمانهای قبل از انقلاب اکثرا یا اعدام شده اند یا فراری اند یا در برزخ طاغوتی بودن زندگی می کنند. افراد سرشناس و چپی ها و لیبرالهای قدیمی مخالف با شاه هم اکنون یا فراری اند (مثل بختیار) یا پنهان شده اند (مثل متین دفتری) یا برای زمان حال مجبور شده اند که همراهان بی اشتیاقی (مثل حزب توده) در راه رسیدن به اسلام اصیل باشند!

یک تحلیل از ساخت قدرت در ایران بعد از انقلاب خمینی و دیگر آیت اللّه ها را بهمراه دیگر روحانیون شیعه که برای مجلس انتخاب شده اند و هم اکنون در حال تدوین قانون اساسی هستند، در رأس می گذارد. سپس نوبت ملاها می رسد که در داخل دولت موقت، دادگاههای انقلاب و کمیته ها و تشکیلات شبه نظامی رخنه کرده اند در درجه سوم من سیاستمداران را جای می دهم (مثل بازرگان) که توانسته خود را با ارزشهای اسلامی غالب تطبیق دهد و یک کنترل عاریه ای به سکان تشکیلات دولت موقت یا شبه دولت از جمله صنعت نفت داشته باشد. در درجه چهارم دزدان دریای یکه فرماندهی گروههای شبیه نظامی (پاسداران) و کمیته های انقلاب را به عده گرفته اند می باشد و در پایان ملاهای ساده جای می گیرند که به

توده ها در دهات و شهرها جذب می کنند که پشتیبانی متعصبانه آنها بزرگترین منبع قدرت خمینی و آیت اللّه ها می باشد.

ساخت نفوذ آهسته: در جامعه ای که دوران یک انقلاب را پشت سر گذاشته و هنوز هیچ فرم ثابت و مشخصی به خود نگرفته و همچنین شامل حاشیه نشینان انقلاب می باشد که این حاشیه نشین هیچ کدام انتظار نمی رود تا وقتی که این اسلامی ها از حمایت توده ها برخوردار هستند بتوانند حرکتی در جهت دست گرفتن قدرت بکنند. یک تحلیل خوب از ساخت تأثیری عبارت است از مخالفین خاموش که روی عدم توانائی ملاها در اداره یک جامعه در دنیای قرن بیستم حساب می کنند که بتدریج شانس در دست گرفتن قدرت را به آنان بدهد یا حداقل بتواند به صورت وزنه ای برای تصمیم گیری ها اثر بگذارد چون آنها مهارت اینکه از پس مسایل اقتصادی یا فشارهای امنیتی بربیایند را دارند. جزو این گروه من فرماندهان را در ارتش سنتی، مدیران غرب زده و تکنسین ها، سیاستمداران دمکرات و لیبرال، رمانتیک های شبه نظامی و بالاخره چپی ها سرسخت از جمله کمونیست ها را جای می دهم. هیچ کدام از این گروهها نمی توانند آشکارا (بدون ریسک نابودی در زیر دست های اسلامی ها که هم اکنون از حمایت بی دریغ توده ها برخوردار هستند) برای به دست گرفتن قدرت حرکت کنند. سنت گرایان اسلامی با وجود این ضربه پذیر هستند. من حداقل دو سناریو و برنامه را که می توانند منجر به هرج و مرج و سقوط تدریجی بینجامد را در نظر دارم. یکی نیروهای تمرکز یافته که توسط نارضایتی های منطقه ای و قومی تحریک شده باشد و اگر با اینها به اندازه کافی به طرز غلطی رو به رو شوند، ممکن است باعث تعطیل شدن و بسته شدن مناطق نفتی گردند یا اقتصاد سنتی را از هم بپاشند یا جوری ملی گرائی را خراب کند که توده ها با رهبران مذهبی بی عرضه خود مخالف شوند. نفاق در مدارس بین محصلین و بین کادرهای مدارس و هر دو می تواند باعث بسته شدن مدارس برای مدت طولانی بشود و در نتیجه باعث نارضایتی عمومی گردد یا تبدیل به

خشونت های افراطی بشود و دوره های چهل روزه عزاداری را که نقش بزرگی در سقوط شاه داشت را از سر شروع کنند (ایرانی ها یک علاقه شدید و غیر طبیعی برای عزاداری دارند و هم چنین مانند بقیه جهان سوم در برابر خواسته های جوانانشان تسلیم هستند).

حضار مخالف که باید هدف قرار گیرند: اگر در تئوری و تحلیل قبل تصور صحیح و دقیقی از شکل نفوذ در ایران پس از انقلاب باشد دفتر همکاریهای بین المللی آمریکا با افراد زیر مواجه است: روحانیون، سیاستمداران غیر روحانی که اداره حکومت را به عهده دارند و تشکیلات شبه حکومتی را اداره می کنند. رهبران گروههای شبه نظامی، رهبران ارتش، مدیران و تکنسین های غرب زده، سیاستمداران لیبرال، رهبران چپی تندرو، رهبران قومی و منطقه ای، محصلین و معلمان، وسایل ارتباط جمعی که روی همه این گروهها اثر می گذارند و بالاخره توده ها. بعلاوه توده ها ممکن است کج اندیشی ای در میان شنونده های مبتدی ظاهر کنند ولی من معتقدم که در مورد ایران بعد از انقلاب گروهها بدین حد ضعیف می باشند قدرت واقعی منوط به اعتماد و جلب احساسات توده مردم می باشد. هم اکنون هیچ گونه تشکیلات و گروهی که بتوانند اعتماد و احساسات برانگیخته شده مردم را هر چقدر هم غیر واقعی باشد جلب کند وجود ندارد.

عدم دسترسی به افراد مخالف (افرادی که باید هدف قرار گیرند): به خاطر اینکه آمریکا خصوصا و غرب عموما برای بیشتر مسایل که ایران را به ستوه آورده بودند مورد سرزنش قرار می گیرند و به عنوان دشمن هر دو، هم اسلام سنتی و هم انقلاب، شناخته شده اند (USICA) دفتر همکاریهای فرهنگی

بین المللی آمریکا دست یابی خوبی به خیلی از مردم متنفذ ذکر شده در بالا را ندارد. و بجز با ریسک برانگیختن عداوت و خصومت عملی ایرانی ها نمی توانیم ابتکارهائی به خرج داده و پیشقدم شویم. خیلی از عواملی را که معمولاً (USICA) دفتر همکاریهای فرهنگی بین المللی آمریکا با عنوان کردن مسئله و منافع دو طرف و استفاده های پایاپای در مورد مردم مورد نظر استفاده می کنند در ایران بعد از انقلاب غیر عملی هستند.

در اینجا تعداد کمی ایرانی طرفدار آمریکا هستند: هنر و انتشارات غربی معمولاً به عنوان ضداسلامی و فاسد نامبرده می شوند و برنامه های تبادلاتی ما نسبت به احتیاجات و توجه بیشتر مردم مورد نظر ما تطبیق داده نشده اند. مقامات برنامه ریز با عادت به معامله با ملاها و پاسداران و کردها و خرابکاران مناطق نفتی را ندارند.

پیروزیها و پیشرفتهای (USICA) دفتر همکاریهای فرهنگی بین المللی آمریکا: این لیست موانع نباید باعث این برداشت نمود که (USICA) ناامیدانه از پا افتاده است ما نه افسرده و نا امید شده ایم و نه کمر ما خم شده. برعکس موقعیتهای بیشتری برای عمل ظهور می کند و ما با منابع تحلیل رفته مان از پس این موقعیت ها به آسانی برنمی آییم و فقط روی قسمتی از آنها عمل می کنیم. در هفته های اخیر دستیابی های ما عبارت بودند از:

گزارشات عینی و علمی را در شبکه تلویزیون ملی جای دادیم.

به حساب بانکی انجمن ایران و آمریکا در شیراز دسترسی پیدا کردیم و از فرماندار شیراز برای باز پس گرفتن ساختمان ایران و آمریکا در شیراز کمک گرفتیم.

کادر انجمن ایران و آمریکا را دوباره متشکل کردیم و برنامه هایمان فقط شروع تدریس انگلیسی است.

با درخواست وزارت امور خارجه برای اطلاعات در مورد روابط کوبا با دیگر کشورهای آمریکای لاتین پاسخ دادیم. این مطلب قسمتی از تلاش وزارت امور خارجه برای آماده شدن در کنفرانس کشورهای غیرمتعهد در هاوانا بود.

کپی هایی از قانون اساسی آمریکا به فارسی و انگلیسی و در پاسخ به درخواست آن از طرف دفتر مجلس خبرگان که مسئولیت جمع آوری اسناد قابل استفاده برای مجلس را که هم اکنون دست اندرکار تهیه قانون اساسی برای ایران می باشد تهیه شد.

در چندین نوبت خبرهایی در رابطه با عمل کنسولگری که اخیرا دوباره باز شده به روزنامه های مهم داده شد. امضاها و علاماتی برای عمل کنسولها اختراع کردیم که به کم شدن بی نظمی ها کمک کرد. شایعات و سوءتفاهمات را توسط مصاحبه های طولانی یا ناشرین که داستانهای کمک کننده ای در این رابطه نوشته خواباندیم. یک سیستم بلندگویی در خارج کنسولگری برای ارتباط مستقیم با جمعیت کار گذاشتیم.

برنامه ای را برای بازگشایی دوباره انجمن ایران و آمریکا در تهران برای هفته های اخیر تدارک دیدم. یک سری فیلم، یک کنسرت، نمایشگاههای نقاشی و یک گردهم آیی شبانه برای اعضاء انجمن ایران و آمریکای اصفهان و نیز برنامه مشابهی را تدارک می بیند. و یک برنامه شام را در خانه مسئول روابط عمومی مان تهیه دیدیم که در آن توسط تلویزیون ویدئو فیلمی به مهمانان نشان دادیم که تلویزیونهای

آمریکا چگونه انقلاب ایران را گزارش کرده اند. مهمانان عبارت بودند از اعضای برجسته روزنامه ها و مقامات وزارت امور خارجه، یک نویسنده، یک نقاش و یک عضو کادر انجمن ایران و آمریکا در تهران که همچنین یک استاد حقوق شناخته شده دانشگاه تهران نیز می باشد.

به تدارک مهمانی های شام در منزل کاردار کمک کردیم که در آن مهمانی های فیلم های آمریکایی نشان می دادند و در یک مورد یک پیانیست آمریکایی پیانو زد. مهمان ها شامل مقامات بالای دولتی و دکترها و وکلا و استادان دانشگاه می شوند.

کتابهایی در مورد ایالات و حکومتهای محلی به معاون نخست وزیر در مورد خواستش برای همکاری دادیم.

با وزیر، سخنگوی وزارت ارشاد در مورد اخراج های اخیر خبرنگارهای آمریکایی صحبت کردیم

علاوه بر نکات بالا دوره های زبان انگلیسی در انجمن ایران و آمریکا در تهران، اصفهان هزاران ایرانی را شامل می گردد و تعداد اشخاصی که نام نویسی کرده اند ممکن است در ترم دوم به حد قبل از انقلاب برسد.

محفوظاتی درباره رژیم: مطمئنا در مورد ایران بعد از انقلاب مطالب مشوش کننده بسیاری از نظر آمریکا وجود دارد از جمله: زیر پا گذاشتن های حقوق بشر از جمله اعدام ها، اخراج خبرنگاران آمریکایی، تعطیل کردن، خیلی از روزنامه های علمی، بدرفتاری با اقلیت ها مانند کردها و بهایی ها، اسم بردن های مکرر از آمریکا به عنوان امپریالیست و حامی صهیونیسم، سیاستهای خارجی خصمانه و مخالفت با منافع آمریکا به عنوان مزید بر علت باید بگوییم که ما قادر نیستیم که با خیلی از ایرانیها درباره این موضوعات وارد بحث عمیق شویم. قابل ذکر است که برای منافع دراز مدت آمریکا بهتر است که ما روابطمان را با ایران برای احتراز از حاد شدن سیاست ها و اعمالی که مخالف آرمانها و منافع، باشد محدود کنیم.

پیشنهادات: من معتقدم که اگر ما عقیده مان را راجع به تجاوزاتی که در مورد حقوق بشر در ایران می شود ابراز کنیم در درازمدت به نفع آمریکا خواهد بود. ما می بایست موضع مستحکمی نسبت به آن دسته از رهبران ایرانی که ما را امپریالیست و پادوی صهیونیست می خوانند یا ما را متهم به دخالت در امور داخلی ایران می کنند بگیریم. بالاخره ما مصرا می باید مخالفت خود را با اخراج خبرنگاران آمریکایی ابراز داریم. از طرف دیگر من متقاعد شده ام که ایران امروز آنقدر سست و متزلزل است که هر اقدام شتابزده یا هر بیانیه ایران را همانند بچه ای نشان می دهد، بنابراین از برخورد مستقیم می بایست احتراز کرده و با هر حادثه یا بیانیه ای به صورت مخصوص و محدودی عکس العمل نشان دهیم متشابها ما می بایست باهر موضوع و هر موقعیتی برای بحث و صحبت در حد شایستگی خود و موضوع بدون ربط دادنش با مسایل دیگر برخورد کنیم. من متوجه این هستم که چنین موضعی از جانب ما نقشه ریزی و مدیریت منابع را مشکل می سازد ولی این اطمینان را داریم که با چنین زمینه ای در دراز مدت به نفع ما تمام خواهد شد. بنابراین من به (USICA) ایران پیشنهاد می کنم که اولویت خاصی به تجهیز وسایل، کارمند، بصیرت، ساخت، تشکیلات و برنامه هایی بدهد که به ما این انعطاف و منابع را بدهید که از موقعیت ها حداکثر استفاده را بکنیم. (انقلاب و پیامدهایش تمام قدرت فیزیکی ما را از بین برد، کارمندان ما را متفرق کرد و تشکیلات قدیمی ما را و برنامه هایمان را خنثی و منسوخ نمود) به طور دقیقتر من با مسایل پیشنهادی در مقاله msmcfee با عنوان ارتباطات با مشکلات محیط زیست و چشم اندازها و دورنما و

عقاید. به طور کلی موافقم و پس آیینه های پیشنهادی دفتر همکاریهای بین المللی آمریکا را برای ساندرز معاون امنیتی و شورای امنیت ملی را قبول دارم.

من علی الخصوص با نقشه طولانی کردن برنامه فارسی رادیو صدای آمریکا و موفقیت اخیرمان در جا دادن فیلم های آژانسی در تلویزیون ملی نظر مثبتی دارم. چون همان طور که قبلاً گفتم در این ارتباط توده مردم از اولویت خاصی برخوردارند، بعلاوه من راضی شده ام که ما می بایست این کوشش را بکنیم و ریسک آن را متحمل شویم که با روحانیون و چپی ها وارد مذاکره شویم.

من فکر می کنیم که ما وسایل کاملی برای تماس مؤثر با این ۲ گروه را نداریم و آن نوع آمریکایی ها (مثل جسی جکسون و اندی یانگ) که مورد قبول بیشتر آنها می باشند. از جانب دستگاه ما یک نماینده نتوانند باشند. اما ملاها یا چپی ها به نظر می رسد که برای مدت طولانی حکمفرما باشند. اگر اثر آن از نظر ما مهم باشد منافع خودی به ما می فهماند که مقدار زیادی ناراضی را تحمل کنیم و یاد بگیریم که به طور مؤثری با ملاهای مجاهد، پاسداران و فداییان خلق تماس برقرار کنیم. البته با احتیاط برای احتراز از شناخته شدن با آنها یا هر حزب و گروه دیگری برای آن موضوع.

با گرمترین سلامهاJahn Graves

کارمند روابط عمومی

مقدمه

برداشت هر انقلابی دقیقا به دیدگاه و نگرش به آن انقلاب وابسته است.

در دیدگاه اسلامی با وراثت مستضعفین، ملاک و معیار سنجش اصالت یک انقلاب در رضایت محرومان و (طبعا نارضایتی و مخالفت اقشار مرفه) می باشد واز دیدگاه مستکبرین (منجمله گزارشگر آمریکایی) هدف رضایت اشراف و مفسدین تبهکار است به طوری که می بینیم برای تحقیق در کم و کیف انقلاب، به سراغ اقشار مرفه جامه رفته و برای منافع این گروهها دل سوزانده است و افراد ناراضی را در بین اطباء، مهندسین، تجار، وکلاء و... جستجو می کند.

و با توجه به یاوه های آنها اظهار می کند که تبریزیها هنوز تأثیر منافع یا مضرات سرنگونی شاه و برنامه های حکومت جدید را هضم نکرده اند آیا ماهیت رؤسای مخالفت های افراطی و چپ نمایانه اشراف و انقلابیون دو آتشه و دو روزه (بعد از پیروزی انقلاب) که با حرفهای پوچ خود به جنگ نور خدا (پیروزی خون بر شمشیر) آمده اند آشکار نمی شود.

بخود آییم! این انقلاب شکوهمند به این دلیل اصیل است که هنوز از پشتیبانی توده های محروم و میلیونی برخوردار است و اشراف چپ نمایانه مخالف و در کمین آن!

از: سفارت آمریکا تهران

به: وزارت امور خارجه واشنگتن DC

گزارشگر: کندی مت تامست

طبقه بندی: محرمانه

تبریز پس از ۵ سال تأثیر انقلابی ایران

۱ (C تمام متن)

۲ خلاصه: در سفر بین روزهای ۱۷ تا ۲۱ اکتبر به تبریز مأمور عمومی TDY فرصت تجدید دوستی های سابق را یافته و عکس العملهایی را حتی بر علیه انقلاب یادآوری کرده است. ایشان در سال ۷۲ تا ۷۴ در تبریز خدمت کرده و مقامهای خود را در سال ۷۵ تا ۷۷ طی ملاقاتهایی شخصی حفظ کرده و در سال ۷۷ در حین اقامت در آنکارا.

تبریز عملاً تغییرات بزرگی کرده است بزرگترین ییلاق ایران بوده که شهر شده. انقلاب آرزوهای اقتصادی توسط مردم را برآورده نکرده است و باعث امیدواری طبقه متوسط نشده است. توجه به حفاظت شخصی زیاد شده و ترس از نیروهای اسلامی و کمیته برقرار است. از نقطه نظر روانشناسی از بین رفتن ساواک و به دست آمدن آزادی بیان و خواسته ها باعث به وجود آمدن آزادطلبی های بیشتر برای مراقبت از زیاده رویهای انقلابی شده است.

۳ شاهراه بازرگان تبریز تهران از جاده های شلوغ ایران است در سال ۷۷ حدود ۶۰۰ تا ۸۰۰ کامیون حمل و نقل TIIZ روزانه مشغول حمل از طریق ترکیه ایران به تهران بوده اند. محاسبه رانندگان اولیه بلغاری ترک رومانی اخیرا برای حمل و نقل به ۲۰۰ تقلیل یافته است و هنوز هم صدای کامیونهای داخلی حامل فولاد، پنبه، حبوبات، سیمان و غیره در جاده ها بگوش می رسد.

کارخانه سیمان آبیک نزدیک قزوین با صف انتظار ۱۵۰ کامیونی در سال ۷۴، در حال حاضر به یک

صف ۵۰ و حتی کمتر کامیون تبدیل شده است.

۴ تبریز از صورت یک روستای بزرگ رشد کرده و به شهری تبدیل شده است. ساختمانهای بیش از ۴ طبقه نداشت (۱۹۷۴) که در حال حاضر ساختمانهای ۱۲ تا ۱۶ طبقه ساخته شده است. خیابان اصلی شهر در اثر ترافیک با خیابانهای کمربندی و دیگر جاده های اصلی رقابت می کند.

طرحهای بزرگ ساختمانی در تبریز همانند تهران راکد است و طرحهای کوچک بیش از صدها است. به خصوص در حاشیه جاده های کمربندی هرکسی با اجیر کردن ۳ تا ۵ نفر مشغول خانه سازی یا مغازه است. در حالی که تولید تراکتور، موتورهای دیزلی، بال بلبرینگ و ابزار ماشین بحد ۵۰٪ سقوط کرده (سال ۷۱) کسی اعدام نشده است و نرخهای دستمزد بالا رفته است.

۵ یکی از علل تلقی روستائی تبریز بیهوده گردی صدها نفر مردم بی هدف در خیابانهای شهر است که از سال ۷۴ زیاد شده و در جریان انقلاب بی اندازه بوده است. صدها نفر مشغول به کسب درآمدهای کم از راه فروش به علت عدم استخدام یا در جریان آن هستند. این افراد بی هدف به هزارها بالغ می شوند.

یک بازرگان دوست که اخیرا از بازار به وسط شهر نقل مکان کرده می گفت تراژدی اقتصادی دوران پهلوی باعث سرگردانی روستاییان که جذب شهرها به علت دستمزدهای بالای ساختمانی شده اند می باشد. بر اثر انقلاب دهقانان آموزش ندیده و بیکار، فاقد ملک، به راحتی گرایش به سوی آشوب طلبان کمونیست پیدا و جای رهبران مذهبی را گرفته است.

۶ مباحثات با دوستان تاجر اطلاع از توجه به پایین رفتن لحظه ای وضع اقتصادی است. خریدهای اعتباری مصرف کنندگان تحمل پذیر نیست که قبل از انقلاب از سه طریق جریان داشت. بانک، بازار و بازرگان اینک بکلی معاملات اعتباری قطع شده و نقدا عمل می شود. به طوری که یک دوست وکیل می گفت: تمام قراردادها لازم الاجرا نبوده و دادگاهی، قاضی، وکیل بجز (حاکم شرع) وجود ندارند. که

مردم بایستی اختیار زندگی و محکومیت زندان را به حاکم شرع بدهند. هیچ تاجر یا وکیلی راضی به بستن قرارداد در دادگاه شرع نیست و لذا همه نقد معامله می کنند. وکیلی می گفت مبلغ ۳۰۰ هزار دلار دستمزد مقروض دارد و به امید حکم حاکم شرع به انتظار نشسته است.

۱۷ اکثر دوستان مأمور سفارت از طبقه متوسط در تبریز بودند: دکتر، وکیل، استاد دانشگاه، مدیر کارگاه، بازرگان، مهندس و دفتر دار که هنوز اکثرا در تبریز هستند ولی جستجوی دوستان دکتر نشان داد که اکثر مغزهای متفکر فرار کردند (۴ تا ۵ هزار از ۱۳ هزار دکتر تا اواخر ۷۸ ایران را ترک کرده اند).

دوستان طبقه متوسط اغلب در مورد مسایل ایران بحث می کنند، آنها به شخصه نسبت به عملیات خمینی اتهام ارتجاعی، تعصب طلبی شدید می زدند و به هر طریق در امیدهای طبقه متوسط تهران سهیم بودند که شریعتمداری می تواند تعادل و بهبودی تعصب گرائی را که به طور وضوح در خمینی منتظری هست تعدیل کند، با توجه به بالا رفتن محبوبیت شریعت مداری اشاره کرده اند که حقیقت قابل ملاحظه این است که تصاویر S-MS (شریعتمداری) در تبریز بزرگتر و بیشتر به نمایش آشکاری گذاشته می شوند (از تصاویر خمینی) و نسبت را ۱۰ به یک شمردند.

۸ طرح گفتگوها با دوستان طبقه متوسط غالبا بر محور سه سؤال دور می زند:

الف در ایران چه اتفاق خواهد افتاد؟

ب آیا بمانیم یا برویم؟

ج چه تغییراتی در درگیری آمریکا با به قدرت رساندن خمینی به وجود آمده و حمایت کردن از او در حالی که محبوبیت خود را از دست می دهد بایستی رخ دهد.

بحثهای جداگانه قابل ملاحظه درباره قدرت (مثلث آمریکایی یزدی، قطب زاده و چمران) وجود دارد که آنها حکمران حقیقی ایران به نظر می رسند، روحانیت هر سه در حد بلوغ پذیرفته شده است و ضد آمریکایی بودن یک تاکتیک لازم برای مهار کردن قدرت در ایران انقلابی شده است.

۹ وقتی استادان دانشگاه برای من تشریح کردند که تصفیه های دمدمی بدون اساسی با برچسب طاغوتی، ساواکی از دانشکده ها در جریان است، دوستان احساس امنیت بیشتر اخیرا نسبت به دو ماه پیش احساس می کنند. در حالی که اغلب دوستان یا اقوامی در زندان دارند. عده کمی سابقه از اعدامها دارند. حوادث برای دوستان با شوخی های ترسناکی از قبیل (در زدن کمیته در نیمه شب) و (جستجوی کمیته برای مشروب) باعث آتش زدن مخفیانه مجله PLAYBOYهمراه است.

تبریزیها افسوس کمی ترس در مورد دخالت روسها در زمان انقلاب داشتند که حاضر بودند در صورت لزوم به ترکیه بگریزند به خصوص در میان افراد با سن بیش از ۴۰ سال خاطره پیشه وری هنوز قوی است همان طوری که برخی از دوستان می گفتند. تمام موضوع برای اخراج ۴۵ هزار آمریکایی این بود که احتیاجی به آنان نبود در حالی که روسها به این آسانی خارج نمی شوند.

۱۰ تبریزیها هنوز تأثیر منافع یا مضرات سرنگونی شاه و برنامه های حکومت جدید را هضم نکرده اند. مأمور سفارت درک تجربه مخاطره آمیزی را کرد وقتی دوستان سؤال مشورتی کردند دایر بر اینک ایران را ترک کنند و یا بمانند، به دولت ملحق شوند یا منزوی گردند هنوز برای همه شکستهای انقلاب یک نفع آشکار وجود دارد و بجز این حقیقت که کسی جرأت نمی کند در معرض عمومی (یا حتی خیلی بلند در محل خصوصی) حمایت از رژیم گذشته شاه بکند هر چند برای آزادی بیان حدود بسیار باور نکردنی

وجود دارد دوستان جرأت کردند در تلفن بگویند (... بر خمینی) و صریح درباره سیاست در اجتماعات بزرگ صحبت کنند، در زمانی که اکثر انتقادات از روش آمریکا در ایران شکل می گیرد بدگوئیها و توطئه ها در حقیقت، جابجا کردن ساواک در حال حاضر تحقیقا منافع سالمی را در دو جهت سیاست داخلی و خارجی تجدید حیات می دهد.

نظر مترجم: به نظر می رسد از روی قرائن دوستان مأمور سفارت (بند ۷) آقایان نزیه و مراغه ای و امثال ایشان باشند.LAINGEN

نکات مطرح شده در سمینار

۱–انقلاب

۳ یا ۴/۵/۵۸ july

عوامل انقلاب، عبارت بودند از

۱ فساد و تباهی و انحراف

فساد شاه

انحراف خانواده اش (شامل بنیاد پهلوی) (مترجم: شاید مقصود خاندان پهلوی است.)

انحراف (تباهی) وزیرهای شاه

انحراف دوستان شاه

انحراف در سازمانهای نظامی

۲ تحولات بزرگ اقتصادی اجتماعی

بحران اقتصادی یک میلیارد دلاری

ارتش بزرگ مدرن، از تیرکمان تا وسایل مدرن

چهار برابر شدن قیمت نفت

فقدان اداره کننده (مدیر) تربیت شده تکنسین های ماهر

لطمه فرهنگی

اصلاح نکردن کشاورزی

همدستی و تشریک مساعی در ناحیه با آمریکا

۳ دور بودن شاه از اوضاع و لذا، درک نکردن وضع مردم و اشتباه گرفتن سکوت با ثبات اوضاع

انقلاب در طبیعت خود یک انقلاب سیاسی است، نه اجتماعی، با توجه به اینکه فقط،۳|۱ از جمعیت ایران در خانه فارسی صحبت می کند (یعنی از نظر اجتماعی، مردم با هم فرق می کنند و از هم دورند).

۲ گروهها و دسته هایی که دخیل بودند

۱ آیه اللّه ها کار رهبران سیاسی همیشه، این بوده است که از مردم معمولی در برابر فشارهای دولت (ظلم) محافظت نمایند(۱) و در تاریخ ایران هیچگاه مردم سهمی در دولت نداشتند. نفوذی که آیه اللّه ها بر روی مردم معمولی دارند، خیلی بیشتر از نفوذی است که پاپها در قرون وسطی بر روی اروپایی ها داشتند.

۲ بازار متفاوت با (۵۱ سرمایه دار اصلی) که فرار کرده اند و یا اعدام شده اند، این تجار تیپ قدیم را دارند و از ارزشهای غربی پرهیز می کنند. خیلی (عمیقا) مذهبی هستند و به مدرنیزه شدن مظنون می باشند. با فساد دولت و افراد،مخالف و بد هستند پول مورد نیاز برای انقلاب از بازار فراهم می شد، جهت انقلاب

هم همین طور، مسلمانهای مذهبی همیشه خیرات می دهند و پولهای کلانی به دست مذهبیون میانه بین مردم فقیر توزیع می شود، پول در دست آنها نمی ماند (صرف این امور می شود)، برخلاف دولت.

۳ تکنوکراتها در حدود ۱۲٪ مردم ایران،به روش غربی تربیت شده اند آنها عبارتند از سرمایه دارها، دانشمندها و رؤسا خیلی از آنها، جوان و لیبرال هستند آنها مشاهده کردند که دار و دسته شاه پولدار می شوند، در حالی که هر معامله پولی که اینها انجام می دهند بر اثر تورم از میان می رود، این گروه برای اداره کشور ضروری هستند.

۴ دانشگاهها شاید ممتازترین گروه قبل از انقلاب، دانشجویان و استادان جوان بودند که به وسیله رهبران و گروههای زیرزمینی از رادیکال گرفته تا لیبرال، رهبری می شوند، یا مورد استفاده قرار می گیرند. اینها پیروان عینی و سمعی انقلاب در تهران بودند.(۲)

۵ احزاب ناشناخته سیاسی، شامل گروههای اقلیت قومی (عربها و کردها) کمونیستها.

۶ این اتحاد ناجور از راست و میانه و چپ به یک علت به هم متصل هستند و آن منزجر بودن از شاه است.

۳ آگاهی دادن

۱- امید که در آینده نیز روحانیت با بازسازی و توش و توان بیشتری اینچنین باشد.

۲- جنبش دانشجویی نیز علیرغم نقش مؤثر در قبل از پیروزی انقلاب امروز دچار تشتت وناهماهنگی شدید گشته است که نیاز به تجدید نظر در فعالیتهای خود دارد و اگر چه دانشجویان هنوز هم چشم و گوش انقلاب هستند اما هنوز به بازوی سازنده انقلاب تبدیل نشده اند.

ایالات متحده هرگز ایران را از نظر فرهنگی، مذهبی و یا اقتصادی درک نکرده است. او فقط سرنخهای کمی در مورد عمق نارضایتی مردم داشته، به چند گزارشی که به مشکلات اساسی اشاره می کردند، اهمیت داده نشد.

۱ CIA در اواسط سال ۱۹۷۸ گزارش کرد، همه چیز خوب است

۲ گزارش اعضاء نمایندگان مجلس

۳ حرفهای کارتر در هشتم دسامبر مبنی بر اینکه شاه قدرت خود را نگه می دارد. و این روزی بود که سربازان ایرانی صدها تظاهر کننده را در خیابانهای تهران کشتند. مطبوعات آمریکا در گزارشهایشان غیر منصف بودند، آنها اینگونه استدلال می کنند.(۱)

گزارشهایشان بدین گونه است

۱ متعصب مایل به یکسو

۲ با داشتن کمترین اطلاعات و یا نداشتن اطلاعات درباره فرهنگ کشور، گزارش می نویسند. برای مثال، مطبوعات جزئیات اعدامها را گزارش کردند ولی خلاصه آنهایی که اعدام شده اند (در حدود ۳۰۰ نفر) نشان می دهد که ۸۳٪ پلیس مخفی و پرسنل امنیتی و شکنجه گر بوده اند. ۹٪ جنایتکاران: قاتلها و تجاوزگرها (بیشتر قتلهای ناحق) و ۷٪ سیاستمداران زیر دست شاه، ۱٪ سرمایه داران برجسته(۲)

۴ وضعیت حاضر

ایران در یک مرحله انتقالی زندگی می کند. آیت اللّه ها همیشه حامی مردم بوده اند در مقابل دولتها، آنها هیچوقت حکومت نکرده اند، آنها اصلاً نمی توانند حکومت کنند، اما آنها تنها نیروئی هستند که می توانند مملکت را در این زمان به هم نگه دارند.

۵ دولت آینده

۱- گویا یانکی ها هنوز هم بر سرعقل نیامده اند زیرا امروز هم آقای کارتر هنوز دست از اراجیف قدیمه برنداشته است و با شتابزدگی و بی مبالاتی خود را به این سو و آن سو پرتاب می کند تا شاید لااقل اگر هم منافعش در ایران از بین میرود لااقل در اداره حکومت آمریکا موقعیت کسب کند که نکرده است و از سوی دیگر مطبوعات آمریکا نیز هنوز شیوه غیر منصفانه خود را در انتشار اخبار مربوط به انقلاب امت دلاور ایران ادامه میدهند و بالاخره باید گفت شاید اگر چند صباحی دیگر بگذرد و آمریکا شکست های افزون تری در اثر انقلاب ایران بخورد جمع بندی مزدوران باز هم همین باشد یعنی یکدندگی کارتر و امثالهم و درگیریهای جناحهای امپریالیستی با هم و فریب دادن خودشان

۲- ایکاش دادگاههای انقلاب هنوز هم با جد و جهد هر چه تمامتر در محاکمه وابستگان آمریکا بکوشند تا از این رهگذر هم جنون یانکی ها را به حد اعلا برسانند هم شادی ملت قهرمان ایران را.

۱ رهبران مذهبی لیبرال پلی بین مردم، ارتش جدید، تجار بازار و تحصیل کرده های غربی هستند، دولتی خیلی لیبرال تر از دولت کنونی (مترجم: دولت موقت) اما طرفدار عقاید اسلامی، این چهار عنصر را (مردم، ارتش، تجار، تحصیل کرده ها) به هم خواهد پیوست (می تواند به هم بپیوندد)(۱) (اسم شخصی است).

۲ دولت کنونی در قدرت باقی نخواهد ماند، مانند موارد زیاد دیگری، اقلیت کمونیست که بسیار سازمان داده شده اند، به آسانی می تواند خودش را داخل خلا قدرت کند، عربستان سعودی خیلی از این عمل می ترسد Ftamle Memalce (اسم شخصی است) (شاید مطلب فوق اظهار نظر این شخص باشد).

۳ اگر کمونیست ها حرکتشان را به درستی تنظیم کنند و همه عناصر ضربتی در یک خط بیفتند، ایران به سوی یک کشور کمونیستی بودن، پیش خواهد رفت مواردی که دلالت بر عدم وقوع چنین حادثه ای می کنند زیاد هستند. احتمالاً ایران به قسمتهای قبیله ای عرب، فارس، کرد، تجزیه خواهد شد. و این اتفاق، به احتمال زیاد به جنگ منتهی خواهد شد، چون حوزه های نفتی در سرحدات نژادی عربی قرار دارد. شک دارد (نامعلوم نامعین) (کلمه uncertain) که در آخر پاراگراف آمده است.(۲)

وضعیت آینده

هر سخنگوئی نتایج مختلفی برای خود داشت (گرفته بود) اما همه موافق بودند که:

۱ اقتصاد باید دوباره از سر گرفته شود.

۲ نیروی نظامی باید قوی تر شود.

۳ مردم باید به طور مداوم غذا دریافت کنند.

۶ شرایط، (وضع) تجارت

با وجود مخالفتهائی که بر ضد آمریکا می شود، ما را دوست دارند و تکنولوژی ما تحسین می شود.

موقعیت اقتصادی خوب است شعارها الان در جهت تجارتهای کوچک هستند.

آلمانها و ژاپنیها دوباره برگشته اند و بهترین آدمهایشان را می فرستند.

ضرورت ها عوض شده اند (تقدم و تأخر چیزها جایشان با هم عوض شده است) برگشت بر گشت با قدرت ایران به یاد کسانی که به یاد او در زمان احتیاج کمک کنند خواهد بود.

سؤال: JR (نام شخصی است) چقدر احتمال می دهی که ایران به تحریم اسرائیل بپیوندد؟

جواب (Dom Weldom) (نام شخصی است): روابط ایران و اسرائیل قطع شده است و برای مدت درازی این طور باقی خواهد ماند، اما من شک دارم که با وجود تمام مشکلات در ایران آنها لیست و دفتر تحریم تشکیل دهند.

سؤال: JR: من فقط منظورم تحریم اسرائیل مانند تحریمی که دفاتر دمشق کرده اند بود.

جواب (DW) بلی، خیلی خیلی احتمال دارد.

سؤال (JR): آقا شما همین الان گفتید که باید به ایران برگردیم، گرچه حضور دوباره ما گران تمام خواهد شد، زیر علامت سؤال قرار دارد، تصور کنید، ما جنگ کردیم و پیروز شدیم و وارد ایران شدیم و

۱- طمع های امپریالیستی! وقتی دولتی لیبرال باشد آنها سعی در لیبرال تر کردن آن دارند بعضی موضع دفاعی آنها را قوی تر خواهد نمود و بیاد بیاوریم حرف امام را که: اگر شما حمله نکنید آنها حمله می کنند.

۲- لازم به تذکر است که آمریکا نمی تواند برای رژیم ها استقلال قائل شود بدین ترتیب که بر اساس برداشت آنان دولت ها یا باید شرقی باشند و یا غربی و چیز دیگری امکان ندارد بنابراین اگر دولتی از غرب برید حتماً به سوی شرق پیش خواهد رفت و البته بیاد داریم که قبل از پیروزی انقلاب نیز آمریکا تصور وقوع یک انقلاب کمونیستی را در ایران داشته (زیرا آنها هم مثل رقبایشان فقط هر چه از که کمونیستی بوده انقلاب می دانند و لا غیر) و ایضاً در ویتنام و شیلی و جاهای دیگر.

سپس به وسیله تحریم اقتصادی ایران عقب رانده شد یم (سیلی خوردیم).

جواب (DW): آیا شما به یکی شدن و بهم پیوستگی و شجاعت عقیده ندارید؟

سؤال (JR): در چه سنی؟

۷ دولت ایالات متحده

تجارت هیچ انتظار کمکی از دولت ما نمی تواند داشته باشد، آن طور که مشخص شده دولت ژاپن، هر «ینی» (مترجم: ین، واحد پول ژاپن) را که به وسیله کمپانیهای ژاپنی در ایران سرمایه گذاری می کند، ضمانت و حمایت می کنند. جریان دولت ایران به طور طبیعی بر ضد دولت ماست. سیاستهای اخیر دولت (در برابر آمریکا) میانگین پایینی دارد. بدترین حرکت از وقتی شروع شد که قطعنامه جاویتس ارائه شد، در اول ژانویه

۸ قانونی و حقوقی

۱ ایالات متحده، دولت جدید ایران را به رسمیت شناخته است.

۲ دادگاههای ایران هنوز هم به کار خود مشغولند، اما در زمینه های سیاسی کار می کنند، الان وقت دادخواست کردن و جریمه کردن آنها نیست.

۳ از لیست ۲۳ نفری وزارت امور خارجه از وکلای ایرانی فقط ۷ نفر از آنها در سر کار خود هستند و سرشان خیلی شلوغ است.

۴ انجمن تهران باز اعضایش را ارزیابی می کند پیوستگی مذهبی در این مورد یک مشکل خواهد بود، ورقه هائی که به مسایل حقوقی مربوط بودند چند تائی از آنها برای Dave Maelamenفرستاده شده است.

Competition

کارخانه «پلی آکریل دوپانت» در اصفهان کار نمی کند قبل از انقلاب در مرحله تکاملی و پیشرفت بود.

تولیدات هم داشت ولی فقط در سطح ضایعات، ظرفیت آن در حدود ۲۰۰ پوند در سال و شامل الیاف پلی استر، الیاف بریده شده پلی استر و الیاف بریده شده اکریلیک بود. «دوپانت» با ۴۰٪ سهام وارد این پروژه شد و ۴ عضو از هیئت مدیره ۱۱ نفره را در اختیار داشت برای تصویب هر اصلی ۷۵٪ آراء لازم بود. ٪۵۰ سود در دست ۵ نفر از سرمایه داران اصلی بود و ۱۰٪ بقیه در دست دولت ایران بود.

شرکاء ۵ گانه «دوپانت» یا کشور را ترک کرده اند یا کشته شده اند دوپانت شریک جدیدی دارد و آن دولت اسلامی است که توسط شورای کارگری اداره می شود. دوپانت می تواند ۴۰٪ سهامش را به طریقی با دادن ۱۰۰/۰۰۰ دلار به دست بیاورد. این مبلغ به نظرم حقوق کارگرها برای کار نکردن باشد.

هدف از ارائه این اطلاعات تجاری درد دل از مشکلات ناشی از رقابت نیست، مخصوصا گروه محترم و فعالی مانند «دوپانت»، بلکه برای تأکید بر عدم سرمایه گذاری در کشورهای در حال رشد می باشد.

در سال ۱۹۷۳ وقتی شایع شد که «دوپانت» می خواهد در ایران کارخانه بسازد. اما احساس کردیم که «دوپانت» ما را عقب زده، چون آنها ارتباط محکمی با رهبران سرمایه داری دارند. استراتژی ما (اگر بتواند یک احساس را استراتژی بنامید) کارگران با کارخانه های کوچکتر بود یعنی تجار بازار از روی شانس خوب و نه مدیریت خوب، ما در این برخورد موفق بودیم.

تا زمانی که مشکل پی اکریل حل نشود ما بازار بزرگ و آماده ای برای تولیدات خودمان داریم.

مشتری هایمان سرزنده و بسیار خواستار تولیدات هستند، همان طور که ماه گذشته شاهد آن بودیم. شاید این تجارت فرصت طلبانه باشد ولی بهر حال تجارت است.

ما در طی چند سال اخیر در خلال تجارت با کشورهای در حال رشد فرضیه مبهمی را مبنی بر اینکه:

«هیچگاه تعهدی در مقابل دولت، اعضای دولت و یا وابسته های نزدیک به دولت نپذیریم»، شکل دادیم، تجربه دوپانت در ایران این فرضیه را تقریبا ثابت کرد.

مقدمه یا معرفی سند برای تحلیل شماره ۳

این تحلیل نتیجه بررسیها و تبادل نظرها و سؤال و جوابهائی است که در یک سمینار در رابطه با اوضاع اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ایران به عمل آمده است و کلاً تحلیل نتیجه اظهار نظرهای افراد مختلفی می باشد.

بررسی روابط دوجانبه با وزیر امور خارجه ایران (آقای یزدی)

۱ تمام متن محرمانه

۲ شما با یزدی زمانی ملاقات می کنید که ممکن است نشانه پر اهمیتی در تقسیم امور داخلی ایرانیها بگذارد. در زمانی که این موضوع برای هر بیننده ای مهم است که از قضاوت های سریع در مورد این امکان برحذر باشد ولی سخت است که از نتیجه گیری اینکه روحانیون می خواهند تمام مخالفین نقشه هایشان بر مبنی کشور اسلامی و اسلام به عنوان ایدئولوژی و حزب جمهوری اسلامی به عنوان حزب حاکم کاملاً نابود کنند بر حذر باشیم.

عنوانها

: شورشیان کرد به طریقی ساکت شدند که به دیگر اقلیتها نیز در این موضوع درسی داده شده باشد.

: جبهه دموکراتیک و رهبری آن به عنوان ضد انقلاب مارک زده شد و به عضوهای مخالف دیگر نیز به این وسیله آگاهی داده شد.

: یک شورا تحت رهبری مذهبی برای بررسی قانون اساسی تعیین می شود که قوانین جدی شیعه را برای دولت پایه ریزی کند.

: اعدام ها حتی برای جنایتکاران عادی با وجود صحبت از عفو ادامه دارد. به نظر می رسد که قم تصمیم دارد از هر گونه اظهار تأسف و بخشش برحذر باشد.

: رئیس سپاه پاسداران وزیر دفاع شده است.

: برکناری نزیه از (Niocd)، (شرکت ملی نفت ایران) یک نشانه قوی و یادآوری است به غیر روحانیون که قم مصمم است که از تحلیل قدرتش در هر جا که باشد مخصوصا نفت جلوگیری کنند.

: یک خیال پردازی در مورد اینکه مطبوعات غرب ضد انقلاب ایران می باشند. (هیچ خبرنگار آمریکایی اکنون مقیم ایران نیست).

: آمریکا هنوز از طرف خمینی عامل کمک کننده اصلی صهیونیست برای عقیم گذاشتن انقلاب فلسطین معرفی و محکوم می شود. در حقیقت خمینی خودش و انقلاب را به عنوان نیروی متحد کننده مردم منطقه برای احقاق حقوق فلسطین می داند.

۳ جای حرف بیشتر است، اما کافی است که بر این نکته تأکید شود که روحانیون در حال صعود هستند به نظر می رسد که هیچ چیز وجود ندارد که بتواند بر آنها در تنظیم قانون اساسی تأثیر کند، نه ارتش، نه بختیار از پاریس، نه بازرگان و دیگر میانه روها در دولت موقت (PGOT) نه ناامید عمومی مردم نسبت به دستاوردهای مادی. بازرگان امروز در یک مصاحبه مطبوعاتی با اوریانا فالاچی گفت: از نقطه نظر رسمی دولت کشور را اداره می کند اما از نقطه نظر ایدئولوژی و انقلابی، خمینی و شورای او کشور را اداره می کنند.)

۴ چیزی که می تواند فاصله ها را کم کند، آن هم تنها با زمان، قدردانی بیشتری از آنچه که هست از مشکلات اداره یک ارگان سیاسی چند گانه و اقتصادی نیمه مدرنیزه شده، مانند اقتصاد ایران با دیدگاههای مدرن کاملاً مذهبی که امکان کمی برای دخالت عناصر غیر روحانی در امور را می دهند.

۵ سؤال اینجاست که آیا خمینی این را می پذیرد یا نه. و این امیدوار کننده نیست. حتی اگر او نیز

بپذیرد هنوز یک سؤال اساسی وجود دارد و آن اینکه آیا او می تواند تسلط خود را بر علیه اطرافیانش در قم که حتما از او خیلی لجوج تر می باشند برقرار کند.

۶ جواب ساده این است که یک روش سخت در پیش است و نیروهای میانه رو را کنار خواهد زد و بازرگان را نیز مثل نزیه در شرکت ملی نفت ایران کنار خواهد زد.

۷ من آنقدر مطمئن نیستم. من کمتر از ماه قبل امیدوارم اما خمینی اصلاً از لحاظ سیاسی احمق نیست و ممکن است برای اطمینان از پایداری سیاسی و تفوق اسلام در زمینه سیاسی اجتماعی آینده ایران از میانه روها (که بازرگان به طور ضعیف ولی اصلی نمایانگر آنان است استقبال کند.)

۸ شما ممکن است آقای یزدی را خوب آزمایش کنید و ببینید که او آینده این منطقه را چگونه می بیند او یک آدم عمیقا معتقدی است و یک انقلابی است که از همه افراد موجود در دولت موقت (PGOT) به خمینی نزدیک تر است. اما او ممکن است از احتیاج به موازنه کردن عقاید ایده آل خود و واقعیت استقبال کند. این را با من صحبت کرده است و من تقریبا از او باور کرده ام. صحبت شما با او که به عنوان اولین تماس بالایی که ما با رهبریت دولت انقلابی داشته ایم محسوب می شود، و یک اقدام قاطع در جهت منظورهای ما در اینجاست برای تصدیق کردن او (یزدی) که ما واقعیت را در ایران قبول کرده ایم و در واقع پیشرفت ایران را در نهادهای جدید دولتی می خواهیم. یزدی نیز باید بداند که رؤیت یک سرسختی و عدم رؤیت جنبه انسانی در انقلاب ما را نگران کرده و این دیدگاه جایی برای حقوق افرادی میانه رو در ایران امروز ندارد. خمینی به اینکه ایران در آمریکا چه وجهه ای دارد اهمیت نمی دهد ولی افراد دیگر مثل یزدی هستند که به این موضوع اهمیت می دهند.

از کوران بهساندرز

درباره انجمن ایران و آمریکا در شهرهای شیراز اصفهان و تهران و وضعیت های مختلف ایران

۴ اکتبر ۱۹۷۹ ۱۲/۷/۵۸

نظر اخیر ICA (آژانس ارتباطات بین المللی) از قول آقای مک آفی براساس ملاقاتی که اخیرا از ایران (تهران و شیراز) داشته است جهت اطلاع سفارت تهران حاکی از آن است که تسلط مذهبی تا آینده قابل پیش بینی بر ایران حاکم خواهد بود و در مورد دولت بایستی گفت که بزودی متخصصین از کارگران با دولت گلایه خواهند داشت. برخوردهای مک آفی (MC AFEE) گویای آن است که خمینی در حال برگشت به عقب است(۱) و در حقیقت از حمایت اکثریت مردم فقیر ایران برخوردار است.

امور عادی در ایران می گذرد و بازارها در فعالیت می باشند.

نکته ای که به خصوص برای من جالب بود اظهارات مردم در تائید خمینی مبنی بر تغییر ارزشهای غربی است آیت اللّه خمینی ارزشهای غرب را رد می کند و با ارزشهای غیر اسلامی مخالف است. خمینی مصمم است که به طرف یک پان اسلامیک برود و طوری رفتار می کند که خود را قانون گذار جهان می داند در کوتاه مدت بهبود روابط ایران و آمریکا مشکل به نظر می رسد تحت شرایط فعلی تمام سعی دیپلماتها بایستی متمرکز در ایجاد روابط در بلند مدت باشد.(۲)

در موقعیت فعلی ما بایستی منتظر فرصتهای مناسب برای ایجاد رابطه مناسب با ایران باشیم. نظریات من در این مورد در نا مه ای مورخ ۲۴ سپتامبر ۷۹ و به براساس توصیه ICA/NEA شکل زیر خلاصه شده است.

انجمن ایران و آمریکا در تهران، اصفهان، شیراز، آمریکا حدود ۵۰ سال است که از طریق انجمن ایران و آمریکا با ایران مشارکت دارد. جو تشنه جهت آموزش زبان انگلیسی و هم چنین شهرت این انجمن

موقعیت بسیار خوبی را برای فعالیت در این زمینه ایجاد کرد. ضمن اینکه مؤسسات پنجره های باز جهت حضور ما در ایران است. نظر ما این است که این مؤسسات را هر چه بیشتر توسعه دهیم و برنامه را به شکلی هدایت کنیم که به طرف منظورهای خودمان پیش رود. این برنامه شامل توسعه کتابخانه انجمن ایران و آمریکا در تهران، اصفهان می باشد. ما فعالیتهای پشت پرده ای را جهت دوباره زنده کردن انجمن ایران و

۱- برگشت به عقب یا ارتجاع مورد ادعای آ مریکا چیست حرکتی است که از حمایت اکثریت مردم فقیر ایران برخوردار است. با این دید جاهلانه تمام حرکتها و نهضتهای انبیاء که مورد تائید اکثریت توده های فقیر و محروم و باصطلاح مستکبرین اراذل و اوباش زمان خود بود نیز ارتجاعی است. آنها نفی ارزشهای غربی و تأکید بر ارزشهای اسلامی و حرکت به دست پان اسلامیک را ارتجاع می نامند و به همین خاطر است که امام در پیام نوروزی خود می فرماید: همه آنها که روحانیت را ارتجاع می دانند در نهایت در خط شاه و آمریکا عمل می کنند.

۲- تحت شرایط فعلی تمام سعی دیپلماتها بایستی متمرکز رابطه بلند مدت باشد "اکنون که با اوجگیری شور ضد آمریکایی ملت مسلمان آمریکا مجبور شده است که این جزیره ثبات و آرامش را رها کند در فکر برنامه ای دراز مدت برای تسلط مجدد خویش می باشد و یا فرونشاندن تدریجی و نفرت و حساسیت مردم ما نسبت به جهانخواران خیال بازگشت مجدد را دارد. و در این راه چون انجمن ایران و آمریکا وکلاسهای آموزش انگلیسی پنجره های باز حضور آمریکا در ایران است "امپریالیسم را از در که بیرون کنی از پنجره داخل می شود." با توجه به گفته امام که آمریکا را شیطان بزرگ می نامد بدیهی است که هر عمل ظاهر الصلاح آنها حتماً شیطنت است و اعمال نظام هر اسلام پناهانه هم جز عوام فریبی و رسوائی بر حیله گران حاصلی ندارد. باز باید به خاطر داشته باشیم که هر مجلسی و هر مهمانی آمریکایی نیتی جز توسعه روابط سلطه آمریکا با ایران هدف دیگری را دنبال نمی کند.

آمریکا در شیراز آغاز کرده ایم.

اکتشاف امکاناتی جهت تعیین و پرورش متخصص مذهب اسلام جهت پل های رابطی بین NEA و رهبری اسلامی به شکلی مستقیم و همکاری با ICA و کارمندان وزارت امور خارجه آمریکا.

بررسی جهت تعیین و پرورش یک «R» (مترجم: به همین شکل و به طور رمزی آمده است) تحت شکل متخصص فرهنگی یا تعیین فردی که زمینه قبلی در زبان فارسی و فرهنگی ایران داشته باشد تا تماسها را با رهبری و مؤسسات فرهنگی تقویت کند.

استفاده از جشن سالگرد ۱۴۰۰ ساله هجرت(۱) با شکل ایجاد سمیناری که میزبان آن آمریکا برای ایرانیان باشد و بعد از سمینار هم گردشی در اطراف آمریکا. ما امیدواریم که این مسئله و روابط باعث وسعت روابط ما بشود.

کار کردن با VOA صدای آمریکا جهت توسعه و دریافت مطالبی که به شکل خبر پخش نمی شود و تأکید بر روی ابعادی مانند مطالعات اسلامی آمریکا و مصاحبه با ایران شناسان آمریکایی و ترتیب دادن یک رابطه مردمی.

کشف امکانات بازدید آمریکایی ها از ایران به خصوص از مطالعات اسلامی آمریکا، سیاست خارجی اقتصادی و کشاورزی.

ایجاد مؤسسات ارتباطی (نه لزوما دو طرفه) که شامل ایرانیان و مؤسسات ایرانی بشود.

تظاهرات ضد آمریکایی

۱- البته با اشغال جاسوسخانه آمریکا در ایران این قبیل برنامه ها با شکست رو به رو شد و منتفی گردید. لابد یانکی ها مردم ایران را با امثال ضیاءالحق ها اشتباه گرفته اند که درصدد بودند با ادا و اطوارهای اسلام آمریکایی! مردم را فریب دهند.

ص: ۱۵۵

۱۱ آبان ۵۸

معرفی

سند ۵۴

این سند مربوط است به تظاهراتی که در روز چهارم خرداد توسط دانشجویان و کارگران مسلمان به مناسبت اعتراض به گفته های یک سناتورصهیونیست آمریکایی انجام گرفت. این سناتور نسبت به اعدام انقلابی یک سرمایه دار صهیونیست توسط دادگاه انقلاب اعتراض کرده بود.

موضوع: تظاهرات ضد آمریکایی

۱ ازامروز ظهرجمعه اطراف سفارت آرام است. شواهدی مبنی بر تکرارتظاهرات دیروزوجود ندارد و پلیس به تعداد معمولی وجود دارد.

۲ جمعیتی که بعد از ظهر گذشته استادیوم ورزشی واقع در خیابان روزولت را ترک می کردند شعارهای پر سر و صدایی بر ضد ما می دادند مسئله حادی پیش نیامد.

۳دیوارهای خارجی سفارت کاملاًباپلاکاردهای جدیدازتظاهرات دیروزپوشیده شده است. نعمت قوطی های رنگ روی سفارت مشخص است.

شعارهای مختلف ولی از یک "تم" برخوردار است.

مرگ بر امپریالیسم آمریکا و اسرائیل

آمریکا و اسرائیل دشمنان ما هستند

خمینی رهبر ماست آمریکا دشمن ماست

قراردادهای نظامی و تجاری با آمریکا باید لغو شود

سفارت آمریکا لانه جاسوسان تعطیل باید گردد

مستشاران نظامی آمریکایی باید ایران را ترک گویند

مرگ بر آمریکا □ دشمن ملتهای مستضعف

۴ بر روی در واقع در خیابان روزولت پرچمهای بزرگی قرار داده شده که می گوید تمام مشکلات جهان از آمریکاست. نابود باد کارتر و مرگ بر صهیونیزم □ فرزند نامشروع آمریکا برداشتن پلاکاردها □ احتیاج به مذاکره ومخفی کاری دارد.دیروزدر نتیجه تلاش ما برای برداشتن این پلاکاردها گروهی تظاهر کننده به ما برخوردند و تهدید کردند که اگر پلاکارد را سر جایش نگذاریم. داخل سفارت می شوند. ما غرور خودمان را پوشاندیم و تصمیم داریم مقاومت کنیم.

۵ (مترجم: رادیوتلویزیون) □ ادعامی کند ۳میلیون نفر درتظاهرات که توسط حزب جمهوری اسلامی در ۱ نوامبر در تهران برپا شده است □ شرکت کردند و میلیونها نفر دیگر در استانهای دیگر □ این ارقام بدون شک غلط است اما فیلمبرداری تلویزیونی جمعیت زیادی را در تهران نشان می دهد.

آیه الله منتظری که سخنران تهران بوده □ به طور واضح دقیقاً بین مردم و دولت آمریکا فرق گذاشت و آمریکا را محکوم کرد.

معرفی سند شماره ۵۷

این سند مربوط به تظاهرات عید قربان (۳ روز قبل از اشغال لانه جاسوسی) می باشد و نشان دهنده وحشت شدید آمریکا حتی از تظاهرات ضد آمریکایی است زیرا آمریکا به خوبی دریافته است که وقتی مردم فریاد می آوردند یعنی که باید خواستشان (برچیده شدن بساط سلطه آمریکا در ایران) حتما به اجرا درآید. اینجاست که اهمیت نقش مردم در شرکت در امور کشور به وضوح عیان می شود زیرا آنچه که ابرقدرتها را به وحشت می اندازد تنها انرژی بیکران مردم است. مردمی که با تظاهرات خود واشنگتن را به نگرانی وامی دارند و مردمی که مشت های گره کرده شان جاسوسان آمریکایی را به پنهان شدن وامی دارد.

از: بروس لینگن

تهران، ایران ...۱ نوامبر / ۱۹۷۹

دوستان عزیز۱۰/۸/۵۸

امروز هم یکی از آن روزهای مخصوص در ایران بود... روزی که همه را نگران کرد ولی بالاخره معلوم شد که زیاد هم بد نبود.

امروز عید قربان بود، یک تعطیلی اسلامی که قربانی کردن را جشن می گیرند و مراسم جشن و دعا و نماز عظیم در اینجا و اکثر شهرهای ایران برقرار شد خوب این مسئله ای نبود، ولی امروز همزمان ن بود با موج عظیم انتقادات تحریک کننده دولتی و مذهبی علیه آمریکا برای پذیرفتن شاه در آمریکا به عنوان معالجات در نیویورک. و بنابراین جشن عید تبدیل به یک هیجان عمومی عظیمی نیز علیه ما شد. اینجا در تهران اعلام شده بود که بعد از یک اجتماع بزرگ در جنوب شهر جمعیت دسته دسته به طرف سفارت آمریکا حرکت خواهند کرد و در آنجا سخنرانیهائی علیه آمریکا خواهد شد و شعارهائی داده خواهد شد. بنابراین ما خود را آماده کردیم که حدود یک میلیون تظاهر کننده در اطراف سفارت داشته باشیم. یعنی تمام اعضای غیر لازم سفارت را بیرون بردیم، تفنگداران دریائی همگی برای حفاظت از دفترخانه در

داخل آن متمرکز شدند، و آن تعداد از ما که در دفترخانه به وجودمان در موقع حمله احتمالی نیاز بود در دفترخانه ماندیم تا اسناد و گزارشات و دستگاهها ارتباطی را نابود کنیم و در تماس دائم تلفنی و با بی سیم با واشنگتن باشیم و همین طور در تماس دائم با مقامات دولت ایران باشیم تا مطمئن باشیم که نوعی کمک از جانب آنها برای ما می رسد. البته تفنگداران دریائی لباسهای رزم پوشیده بودند و مشتاق دفاع از سفارت بودند. ولی خوشبختانه بالاخره معلوم شد که هیچ یک از این کارها لازم نبود، اواخر شب گذشته رادیو اعلام کرد که دسته تا سفارت نخواهد رفت اما در عوض تا یک میدانی که حدود یک مایلی جنوب سفارت است خواهد رفت و در آنجا سخنرانیها و شعارهای علیه ما ایراد خواهد شد. دلیل این کار این بود که فاصله زیاد بود و بعلاوه تعطیل عید بود و مردم به وقت زیادی برای دعا و نیایش و ملاقات با فامیلها احتیاج داشتند. به هر حال ما طرح خود را برای مواقع احتمالی اجرا کردیم و حدود ۹ صبح تظاهرکنندگان آمدند، اما خیلی کمتر از تعداد پیش بینی شده، این گروه که احتمالاً به وسیله کمونیستها سازمان یافته بودند، از حدود ۵۰ نفر شروع کردند و به حدود ۴۰۰۰ نفر رسیدند. به نظر می آمد که تاکتیک آنها این بوده که تمام روز ما را خارج از حالت عادی و در نگرانی نگهدارند زیرا تا ساعت چهار بعد از ظهر با ما بودند و دور بر سفارت می رفتند و می آمدند و در همه حال مشتهایشان را گره می کردند و علیه ما شعار می دادند (ما

تصمیم گرفته ایم که از حالا برای یک هفته هرکس اینجا آمد و از کنسولگری درخواست ویزا کرد، چنانچه گلویش درد می کرد بلافاصله او را بیرون کنیم.) در میان جمعیت زنانی با چادر و حتی بچه هائی در کالسکه هم بود آنها به هیچ وجه سعی نکردند که از روی دیوار داخل شوند ولی آنها موفق شدند که رنگهای زیادی روی دیوار ما بریزند، با وجود اینکه از تظاهرات های قبلی آثار زیادی بر روی دیوار ما باقی مانده بود. ما در تمام وقت با تلفن واشنگتن نگران را از نگرانی در می آوردیم. تنها مشکل اساسی ما اواخر بعد از ظهر به وجود آمد و آن هم وقتی که تظاهرات در حال پایان یافتن بود. یکی از افسران حفاظتی ما تصمیم گرفت که یک شعار پارچه ای بزرگ را که به نرده های درب آهنی مخصوص ورود رسمی نصب شده بود پایین بکشد روی این پارچه یک چیز خفت باری علیه کارتر نوشته بود و از خمینی ستایش کرده بود. خوب، چند نفر از آخرین نفرات تظاهر کننده این برنامه را دیدند و هیچ خوششان نیامد... در حقیقت جمعیت بسیار عصبانی شد و در این عصبانیت نیروهای امنیتی پلیس هم با آنها متحد شدند (حدود ۴۵ ۵۰ نفر امروز از سفارت حفاظت می کردند، غیر مسلح، و در حرکت دادن مردم و جلوگیری از توقفشان بد نبودند)، و همگی خواستار شدند که شعار پارچه ای سر جایش دوباره نصب شود. ما گفتیم بسیار خوب، به شرط ی که جای دیگری نصب شود. آنها موافقت نکردند و گفتند که اگر همکاری نکنید از دیوارها داخل سفارت می شویم. خوب در آنجا ما تصمیم گرفتیم که اگر مقاومت ما منجر شود به اینکه پلیس هم علیه ما وارد عمل شود ما ترجیح می دهیم که غرورمان را بشکنیم. بنابراین شعار دوباره رفت سر جایش (با وجود شرمساری تفنگداران ما) و بعد باز هم حدود یک ساعت شعارهای عصبانی علیه ما... ولی بدون خشونت...

خوب تمامش همین بود، ضمنا یک دستپاچگی مختصر هم امروز غروب پیش آمد و آن هم به خاطر این بود که جمعیت زیادی که از یک استادیوم ورزشی نزدیک سفارت بیرون آمدند از جلو ما گذشتند و شعارهایی با عصبانیت علیه ما دادند. دوباره ما همگی در دفترخانه پناه گرفتیم، ولی تظاهرات مختصر بود

و در پانزده دقیقه تمام شد.

ممکن است شما گیج شده باشید که چه چیزی این مسایل را باعث شد، گر چه فکر کنم شما بدانید، مثل اینکه در بالا هم گفتم، در این مورد هیجان افزاینده ای وجود دارد و اگر شاه برای معالجات بیشتر بر مبنای بیماری (ohah – out patient basis) در آمریکا بماند ما دردسرهائی خواهیم داشت. ما اینجا به بالاترین مقامها غیر از خود آیت اللّه تأکید کرده ایم که قبول کردن شاه فقط براساس انسانیت بوده، ما او را به عنوان یک شخص بدون هیچ مقام سیاسی در ایران، می پذیریم، ما با دولت فعلی معامله می کنیم (کار می کنیم)، ما به استقلال و تمامیت ارضی ایران احترام می گذاریم و از آن حمایت می کنیم. ما به نماینده شاه (حزب شاه) (shahs paety) یادآور شده ایم که او تا زمانی که در آمریکا است نمی تواند فعالیتهای سیاسی داشته باشد و غیره ولی این مطالب نه دولت را متقاعد کرده و نه مطبوعات، را، و این قصد دیگری را در مورد کارتر که ما انجام داده ایم می بینند، و شاه را به عنوان پایه و اساس جنایتکاران می بینند و می خواهند او برای محاکمه به ایران بیاید.

هنوز روشن نیست این مسایل به کجا ختم می شود، ولی من در حال حاضر می ترسم که ما برای مدتی آب و هوای سنگینی داشته باشیم به خصوص اگر او برای معالجات بیشتری در آمریکا بماند. جای تأسف است، زیرا ما آرام آرام در حال کسب اعتماد به نفس در این مبارزه دشوار بودیم.

اما همه چیز اینجا دردسر نبوده، ما سعی کرده ایم که مواقعی که می توانیم زندگی معمولی خود را در حد

معقول ادامه دهیم، جامعه یک دوره مسابقات دوره ای والیبال ترتیب داده بنام سری مسابقات والیبال دعوتی لینگن، ما بازی های تنیس خود را به سفارتهای ایتالیا و بریتانیا باختیم، و یک مراسم بسیار جالب رقص هالووین داشتیم که به وسیله جوانهای اداره وابسته نظامی ترتیب داده شده بود. هوا هم خوب بود، و ما توانستیم میزها را در تراس بچینیم و بنابراین موفق شدیم که حدود ۲۵۰ نفر را برای شام بسیار خوبی که آشپز عالی ایتالیائی ما ترتیب داده بود جمع کنیم و بعد از شام تا سه صبح رقصیدیم آنها مسابقه رقص ترتیب دادند و همین طور دیسکو، والتز، پولکا و رقص آرام و به همه بسیار خوش گذشت. در حقیقت ما در جامعه دیپلماتیک اینجا به خاطر پارتیهای این سفارت داریم مشهور می شویم. (مترجم: منظور جامعه سفارتخانه های خارجی در ایران است).

هیچوقت نمی ترسیم، چون مجزا هستیم، یعنی این محل (محل رقص) به اندازه کافی از خیابانها دور هست که ما اسلامیهای اصولی را ناراحت نکنیم... چند ایرانی هم می آیند، البته معمولاً یک جمع دیپلماتیک و خصوصی است، که اینها (منظور ایرانیها) بی رودربایستی تشنه این جور سرگرمیهای طاغوتی هستند (در سند به زبان انگلیسی کلمه طاغوتی آمده و لینگن آن را به انگلیسی به فارسی ترجمه کرده). زیرا هیچ سرگرمی از این نوع در شهر وجود ندارد، البته این دورو برها شایع شده که بعضی مواقع در رستوران (روی بام هتل آریامهر مراسم رقص برپا است، چند هتل خوب اینجا هست که اکثر آنها فقط ۱۰ تا ۲۰ درصد پر شده زیرا تمام توریستها رفته اند، و بعضی از هتلها هم به وسیله دانشجویانی که از عدم وجود خوابگاه ناله می کنند اشغال شده... بیچاره این دولت، مشکلات زیادی روی دست مانده و در ناراحت کردن دانشجویان هم که بهر حال نقش بزرگی در بیرون راندن شاه داشته اند کمال خونسردی را نشان می دهد. در مورد انتصاب یک سفیر جدید در اینجا هیچ پیشرفتی حاصل نشده، با وجود مسئله شاه هنوز زمان برای این کار مناسب نیست و من در حال حاضر آن تسلط لازم را بر مسایل ندارم. اخیرا از من

خواسته شده که به عنوان سرکنسول مأمورین را در اورشلیم قبول کنم ولی من درخواست کرده ام که مرا از لیست افراد مورد نظر خارج کنند. (این قسمت دقیقا مشخص نیست) به نظر می آید که فعالیتهای اصلی در خاورمیانه ترجیح دارد، چه اینکه سفارتهای ما در تل آویو، قاهره و عمان بسیار فعالند، البته نباید بازیگران دیگر مانند استراوس و بقیه بازیگران را فراموش کرد، ممکن است که آنجا جای خوبی برای زندگی باشد ولی برای مدرسه رفتن جیم ممکن است آنقدرها هم خوب نباشد، در این زندگی پرنقل و انتقالی که ما داریم برای خدمات خارجی ایالات متحده مسئله تحصیلات جیم اولین مسئله مورد بررسی برای تصمیم در مورد جای بعدی است که ما خواهیم رفت...دوستدار شما بروسی

در زیر دست نویسی می آید که در انتهای نامه است که اشکالاتی دارد باید دوباره بررسی شود.

P.S ما هفته پیش از یکی از رهبران مذهبی (ملاهای پیش تاز) در مجلس سنا درخواست ملاقات کردیم مذاکرات جالبی بود، مردی که عمیقا به ما ظنین بود ولی ظاهرا حاضر بود حرفهای ما را بشنود، البته با به رسمیت شناختن این مسئله که ایران مشکلات دارد که به ما مربوط نیست. اما شاید جالبترین قسمت این گفتگو مربوط به دختر ۱۴ ۱۲ ساله ای بود که لیموزین چاپل سیاه ما را دید که بیرون منتظر بود و از افسر امنیتی من پرسید این ماشین مال کیست، وقتی جواب شنید که متعلق به کارمند آمریکایی است او گفت: ولی من فکر کرده بودم که تمام آمریکایی ها از اینجا رفته اند. ما آنها را بیرون خواهیم کرد. او به عنوان یک نمونه نیست ولی حرفی که او زد مقداری از تأثیر تبلیغات در اکثر مطبوعات را نشان می دهد، تبلیغاتی

که بعضی اش برای بیان حقیقت است بعضی اش برای تأثیرگذاری عنوان می شوند.تمام

از: تهران ایران

به طور کلی نامه حاوی نکات برجسته و مشکوک ولی مبهم است و می تواند در بازجوئی مورد استفاده قرار گیرد.

از کاردار به حداقل ۹ نفر عینا کپی شده تحت عناوین مختلف با ماجرای تظاهرات عید قربان مردم آغاز کند و تغییر مسیر راهپیمایی ولی تظاهراتی بالاخره در مقابل در سفارت انجام می شود. آماده باش کامل گارد سفارت برای مقابله. کندن یکی از پلاکاردهای علیه کارتر به نفع امام به وسیله یکی از گاردهای سفارت و اعتراض و خشم مردم و نصب دوباره آن بعد تحلیل می کند که علت خشم مردم حضور شاه به بهانه بیماری در آمریکا است و توضیحات این سفارت به مقامات ایرانی راجع به منع فعالیت سیاسی شاه قانع کننده نبوده است.

سپس می افزاید که با تمام این حرفها و خطرات ما به زندگی عادی و راحتمان ادامه می دهیم و چند نمونه می آورد از مسابقات ورزشی و مجالس رقص و عیاشی که بعضی ایرانیها «طاغوتی» هم هستند (عین لغت طاغوت را ذکر می کند).

از مأموریت داده شده از طرف دولت آمریکا به وی در اسرائیل به عنوان (سرکنسول) می نویسد که می خواهد برود به قاهره و عمان نیز اشاره می کند (اوضاع خاورمیانه).

در قسمت دستوریش از ملاقاتش با یکی از ملاهای در کاخ سنا حرف می زند که مبهم است.

بسم اللّه الرحمن الرحیم

انقلاب اسلامی ایران انقلابی است مردمی. انقلابی جوشیده از درون توده های مردم. انقلابی که با وحدت یکپارچه ملت ما و با رهبری قاطع و پیامبرانه امام خمینی شکل گرفته است.

این انقلاب که متکی به رهبری امام خمینی و توده های مستضعف است، خاستگاه راستین محرومین و مستضعفینی شد که سالها در زیر چکمه و شلاق رژیم خائن شاه و آمریکای جنایتکار سرکوب گشته بودند و اینک آزاد از زنجیر ۲۵۰۰ سال سلطه طاغوت و سالها شکنجه و ظلم و استعمار و استثمار می خواهد که خود سرنوشتش را به دست گیرد و براساس اسلام عزیز و به امید جامعه توحیدی تلاش و سازندگی خود را آغاز کند. امت اسلامی ایران این بار توانسته است خود انتخابگر و تصمیم گیرنده در صحنه سیاست مملکت گردد. و آغازگر تلاش در محو آثار سالها استثمار و استعمار از چهره این وطن پهناور باشد.

انقلاب ایران بدین دلیل در دل ایرانیان محروم و ستمدیده و استعمار شده و همچنین وجدان انسانی همه ملتهای تحت ستم و تحت سلطه جای گرفته است؛ چرا که اساسش بر نفی استعمار و استثمار و استبداد بوده است و به مستضعفین همه جهان نوید جامعه توحیدی می دهد.

به آنها امید می دهد که بتوانند اظهار عقیده نمایند و انتخابگر شوند و رشد و تعالی انسانی داشته باشند و در جامعه ای براساس قسط زندگی نمایند و از برابری اقتصادی و انسانی و حتی عاطفی برخوردار باشند.

همچنان که امام فرمودند نهضت ما نهضت مستضعفین بر علیه مستکبرین است. مستکبرین که در طول تاریخ بشر و در زمان حاضر به شکلهای مختلف عهده دار نظاماتی متعفن و حاکم بر مستضعفین بوده اند؛ مستکبرین که به شکل شیطان بزرگ «آمریکا» و به شکل رژیمهای خائن و سرسپرده حاکم بر ملتهای ستمدیده و به شکل استثمارگران و سرمایه دارانی که مکنده خون مستضعفین هستند ظاهر می گردند.

در ایران سالهاست که مستکبرین به اشکال مختلف حاصل کار و دسترنج این ملت را به یغما برده اند. از

سویی امپریالیسم آمریکا سالهاست که ثروت ما را چپاول نموده و از سویی سرمایه داران وابسته و وابستگان رژیم شاه که عمده مستکبرین را تشکیل می دادند نیز بعد از چپاول و حیف و میل میلیاردها میلیارد پول ایران با چندین میلیارد دلار ارز فرار نمودند و اکنون نیز بسیاری از کسانی که هنوز هستیشان از خون مردم و چپاول آنها است و یا حاصل زندگیشان را از راه صحیح و عادلانه به دست نیاورده اند در ایران فراوانند. اینان کسانی هستند که همپای وضعیت اقتصادیشان نمی توانند شرایط انقلابی ایران را تحمل کنند و قطع شدن منافع و به هم خوردن روابط بی بند و بار غربی و حاکمیت و نفوذ مردم مستضعف در ادامه جامعه آنها را می آزارد.

بعد از انقلاب بزرگ اسلامی، بسیاری از اینان سعی در اقامت دایم در آمریکا نموده اند و از کنسولگری آمریکا در ایران خواستار دریافت برگ سبز (برگ اقامت دایم و مهاجرت) شدند؛ البته صدور کارت مهاجرت در صورتی است که شخص از مشخصات لازم برای آمریکا، دشمن اصلی و قداره بند ملت ایران و دیگر ملتهای محروم برخوردار باشد و سرمایه مشخصی را به صورت ارز به آمریکا وارد کند.

در بخش کنسولگری آمریکا اسنادی به دست آمده است که حاکی از تقاضای افراد برای صدور برگ سبز است. افراد متقاضی را به ۴ دسته تقسیم می کردند:

۱ سرمایه داران، کارخانه داران، زمینداران و یا سرمایه داران خرده پایی که سرمایه های خود را از چپاول و وابستگی و یا استثمار دیگران و یا از طریق خرید و فروش زمین و املاک و کار در بخشهای صنعتی و خدماتی و آن هم براساس نظام اقتصادی منحط و استثماری رژیم خائن پهلوی به دست آورده اند. طبیعی است که در سرزمینی که میلیونها مردمش محروم و مستضعف باشند، هرگز سرمایه ای به حق انباشته نمی گردد، آن هم در رژیم خائن شاه.

۲ کسانی که یا از دبستان و دبیرستان و یا دیپلم و بالاتر به آمریکا رفته اند و بعد از فارغ التحصیل شدن نمی توانند شرایط مشکل و انقلابی ایران را تحمل کنند و همچنان عاشق و دوستار آمریکا باقی مانده و قصد اقامت دایم دارند. غافل از اینکه اینان با پول ملت ایران و حاصل دسترنج محرومان و مستضعفین تحصیل نموده اند و باید در خدمت اینان در وطن خویش خدمت کنند نه مهارت و نیروی انسانی خود را در خدمت آمریکای جنایتکار، دشمن قسم خورده خلقهای مستضعف جهان قرار دهند.

۳ افراد لشکری و کشوری که منافع خود را بر منافع ملت مستضعف ترجیح می دهند و پولی را که از طریق کار و کوشش فراهم ننموده اند به خارج برده و نمی توانند شرایط انقلابی و متحول ایران آزاد شده را تحمل کنند.

۴ غربزدگانی که فرهنگ منحط غربی و فضای آلوده و مریض رژیم شاهنشاهی زندگی عادیشان بوده و اکنون که روابط به هم ریخته و جایی برای خوشگذرانی های آنچنانی و روابط فرهنگی غرب وجود ندارد، نمی توانند حرکت توده های مسلمان و انقلاب اسلامی توده های به پاخاسته را تحمل نمایند و با نقد کردن زندگیشان راهی آمریکا، این حلقوم فراخ و بلعنده منافع مستضعفین جهان می شوند. کسانی که بر خلاف نیات راستین انقلاب اسلامی ایران حاصل کار و خون ملت و سرمایه های ملی ایران را به آمریکا دشمن قسم خورده و اصلی ایران می برند در حقیقت در مقابل مردم و در مقابل منافع توده های میلیونی به پا خواسته ایستاده اند. ملت ایران هنوز خاطره تلخ خروج میلیونها دلار ارز را به وسیله شاه خائن و ایادی جنایتکارش که با همکاری امپریالیسم آمریکا بود فراموش نکرده است. بدیهی است که بر عهده سازمانهای مسئول انقلاب است که جلوی خروج این سرمایه های ملی را به نفع ملت مستضعف بگیرند. همچنین یک سند از دکتر علی محمد ایزدی، وزیر سابق کشاورزی دولت موقت، به دست آمده است که نشان دهنده تقاضایی است که در خرداد ۵۷، زمان اوج مبارزات حق طلبانه ملت مسلمان بر علیه شاه خائن و آمریکا، برای اقامت دائم در آمریکا و خروج ۵۰۰/۰۰۰ دلار ارز به آمریکا به کنسولگری آمریکا داده است. خرداد ۵۷ زمانی که رگبار مسلسلهای آمریکایی سینه ملت مستضعف ایران را در هم می کوبید و خون شهیدان ما و خروش فریاد انقلابی خلق مستضعف، انقلاب اسلامی را پیش می تازاند، آقای ایزدی چگونه می خواستند که با پشت کردن به این مردم محروم آغشته در خون و

آتش، شهروندی خوب برای امپریالیسم جهانخوار آمریکا گردند و چگونه به خود اجازه می دادند که سرمایه این محرومان در بند را در حلقوم کثیف آمریکا بریزند و بعد از انقلاب چگونه به خود اجازه می دهند که وزیر کشاورزی انقلاب اسلامی شوند، همان انقلابی که با شعار اللّه اکبر و خون همان کسانی که شما در خرداد ۵۷ به آنان پشت کردید شکل گرفته است. در این صورت آیا امکان دارد که چنین کسانی مدافع حقوق مستضعفان و محرومان باشند؟

به امید تحقق حاکمیت و وراث مستضعفین در کل زمین.

هر چه طولانی تر باد سایه امام خمینی بر سر ملتهای زجر دیده اسلامی

نابود باد نظام شرک و کفر جهانی آمریکادانشجویان مسلمان پیرو خط امام

نامه: علی محمد ایزدی

فرستنده نامه: علی محمد ایزدی۹ ژوئن ۱۹۷۸ مطابق با ۲۰ خرداد ۵۷ تهران ایران

گیرنده: کنسول آمریکا بخش I.V

مرکز تحقیقات کشاورزی دانشگاه پهلوی، سفارت آمریکا، شیراز ایران، صندوق پستی ۵۰

عالیجناب

در طول اقامتم در آمریکا (سپتامبر ۱۹۶۸ تا اوت ۱۹۷۴) من بسیار تحت تأثیر آمریکاییها قرار گرفتم. مخصوصا حسن رفتار آنها نسبت به یکدیگر و خارجیها، من قبل از بازگشت به ایران سالها در آمریکا تحصیل کرده ام. بهرحال بعد از بازگشت بعد از یک بررسی دقیق اکنون احساس علاقه می کنم که برگردم و بکوشم یک شهروند مفیدی برای آمریکا باشم، چنانچه اشکال زیادی نداشته باشد.

من مدرک دکتری و فوق لیسانس در اقتصاد کشاورزی و لیسانس در آموزش کشاورزی و اضافه بر آن مدرک لیسانس در کشاورزی عمومی دارم. دارابیم پانصد هزار دلار می باشد. من بیست سال سابقه

تجربه در اداره یک مزرعه بزرگ هم زمان با آموزش و تحقیقات کشاورزی دارم. من فکر می کنم با مهاجرت به آمریکا می توانم سرمایه و امتیازی برای آنجا باشم و مطمئنا در بدترین موارد خسارتی برای کشور منتخب خود نداشته باشم. من راجع به فرمهای لازم از کنسولگری آمریکا در شیراز تحقیق کردم و به من گفته شد فرم اطلاعاتی بیوگرافی ۱۷۹ را جهت ویزا پر کنم و آن را به قسمت I.Vسفارت آمریکا صندوق پستی ۵۰ تهران ایران بفرستم.

من این کار را انجام دادم و آن را در سپتامبر ۱۹۷۷ فرستادم همچنین به من گفته شد که اطمینانی نیست که ویزا صادر شود. و نیز بین ۹ تا ۱۲ ماه طول می کشد تا جواب دریافت کنم.

در این زمان من هیچ جوابی راجع به پیشرفت کار دریافت نکرده ام و از آنجایی که این امر برایم اهمیت بزرگی دارد تا حدودی نگران شده ام. من کوشیدم به وسیله تماس گرفتن با بخش مهاجرت در تهران بفهمم چه پیشرفتی حاصل شده است. اما دریافتم که آنها هیچ نسخه ای از موضوع ندارند سپس من شخصا به مهاجرت تهران قسمت صدور ویزا رفتم و دو روز در نوبت گذراندم و متوجه شدم که آنها هم نسخه ای از تقاضایم ندارند. سرانجام دیروز هشتم ژوئن ۱۹۷۸ با شخصی در دفتر مهاجرت تهران تماس گرفتم و او به من گفت که این مسئله نه تنها ۵ تا ۱۲ ماه بلکه ۲ تا ۳ سال طول می کشد. آیا می توانید با بررسی این موضوع به من کمک نموده و مرا در جریان بگذارید که:

۱ تقاضایم در چه مرحله ای است.

۲ زمان تقریبی که مجبورم صبر کنم.

من واقعا از شما قدردانی می کنم، اگر این را برایم انجام دهید.

با سپاسگزاری

علی محمد ایزدی

توضیح: علی محمد ایزدی وقتی می بیند که پذیرفته شدن تقاضای او برای مهاجرت در آمریکا طول می کشد و از تقاضا صرف نظر می کند ولی بلافاصله با پاسپورت غیر مهاجرتی (معمولی) به آمریکا سفر می کند.

نامه: علی محمد ایزدی

فرستنده نامه: علی محمد ایزدی ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۸ مطابق با ۲۲ شهریور ۵۷

گیرنده: کنسول ایالات متحده بخش صدور ویزای مهاجرت

مرکز تحقیقات کشاورزی دانشگاه پهلوی، شیراز ایران

بخش I.V، صندوق پستی ۵۰، تهران ایران

عالیجناب

من در نامه قبلی به شماره (۹ ژوئن ۱۹۷۸) راجع به مهاجرت احتمالیم به آمریکا نوشتم، من قبلاً فرم اختیاری ۱۷۹ اطلاعات بیوگرافی را جهت ویزا پر کرده ام و این فرم را همان طور که کنسولگری آمریکا در شیراز دستور داده بود به سفارت آمریکا در تهران بخش I.V صندوق پستی ۵۰ فرستادم.

من حالا فکر می کنم که مدت دو یا سه سال برای این عمل (گرفتن ویزا جهت مهاجرت به آمریکا) خیلی زیاد است. من بدین وسیله رسما از شما تقاضا می کنم که تمام فرمهای پر شده را به من برگشت داده و تقاضایم را پایان یافته تلقی نمایید.

از تمام زحماتی که برایم متحمل شده اید متشکرم

با احترام علی محمد ایزدی

شبکه قاچاق پولهای تقلبی (رسول کاظمیان)

ص: ۱۶۴

سند شماره ۱۱۰۶۶

از: سفارت آمریکا تهرانمحرمانه شنبه ۱۷/۱۰/۷۹ مطابق با ۲۵/۷/۵۸

به: سفارت آمریکا پاریس فوری ۰۴۰۷گزارش دهنده: اداره امنیت منطقه ای

مرجع: تهران ۱۰۷۶۷ پاریس ۳۲۳۵

موضوع: شبکه قاچاق پولهای تقلبی (رسول کاظمیان)

۱ همان گونه که در مرجع ذکر شده در ۱۵ اکتبر ۱۹۷۹ از کاظمیان پرسیدیم که آیا مایل به ملاقات سرویس مخفی آمریکا در خارج است یا نه؟ (بهتر است که ترکیه باشد) او با این ملاقات موافقت کرده، ولی در مورد محل ملاقات (ترکیه) مردد است. او معتقد است که شبکه مزبور (پولهای تقلبی) با پلیس ترکیه روابط خوبی دارد و احتمالاً می توانند همکاری او با دولت آمریکا را کشف کنند. کاظمیان می گوید: که او عامل شما را در هر جای دیگری که بخواهید به خرج سرویس مخفی آمریکا حاضر است ملاقات کند.

(توضیح: زبان مادری کاظمیان فارسی است، انگلیسیش ضعیف است، ولی مدعی است که ترکی را خوب می داند.)

۲ وضعیت کاظمیان به طور خلاصه در مرجع پاراگراف ۱۰ ذکر شده. او معتقد است که می تواند کمکی را که قبلاً ذکر شده، انجام دهد، با در نظر گرفتن اینکه او تاریخ ملاقات را بعد از رسیدن محموله دوم دلارها در ملاقات با عامل شما، نمونه های این اسکناسهای جدید را با خودش بیاورد.

۳ کاظمیان باز از همکاری در یک فعالیت کاملاً غیر قانونی اکراه دارد.

(توضیح: اداره امنیت منطقه ای معتقد است که همکاری او در عملیات تقلب اسکناسها بیش از آن چیزی است که ادعا می کند. زیرا توانسته با رؤسا روابط برقرار کند. به احتمال زیاد منبع به عنوان یک

بی طرف در جریان پولهای تقلبی کار می کند.)

۴ در ملاقات اخیر، کاظمیان اطلاعات زیر را در اختیار قرار داد:

( ) یک اسکناس ۱۰۰۰۰ ریالی تقلبی (تقریبا ۱۰۰ دلار به نرخ روز)، یک اسکناس ۱۰۰ مارکی تقلبی با شماره سریال ۱۲۰۸۶۳۶۰

سرویس مخفی آمریکا می خواهد اسکناس ۱۰۰ مارکی را به رابط آلمانی بدهد. در این صورت ما مستقیما آن را به سرویس مخفی آمریکا در پاریس خواهیم داد (توجه: نمی خواهیم که هویت منبع مطلع (کاظمیان) برای آلمانیها روشن شود. در این صورت آنها احتمالاً بازجوییهای ما را در تهران دنبال کرده و منبع ما را خواهند شناخت).

( ) پولهای تقلبی به وسیله اتوبوسهایی که بین تهران و استانبول کار می کنند و متعلق به شرکت دریا توریست (استانبول) هستند، قاچاق می شود.

( ) سوژه ای که با نام هولیس معرفی شده، بنابر روایتی در ماراس ( ) ترکیه متولد شده، تاریخ تولدش معلوم نیست.

( ) سوژه ای که با نام شافکی معرفی شده، هم اکنون در ترکیه منتظر دستور برای فرستادن محموله بعدی دلارها به تهران است.

( ) در سوم اکتبر ۵۰۰۰۰۰ دلار اسکناس تقلبی به تهران رسید. علاوه بر آن تقریبا به ارزش یک میلیون

دلار از سایر ارزها که شامل مارک آلمان غربی، ریال ایران و ارز عربستان سعودی بود، وارد شد.

نمونه اسکناسهای این محموله که ریال و مارک بود به دست ما رسید. ولی منبع اظهار می دارد که به خاطر فروش رفتن دلارها نتوانست نمونه آنها را به دست آورد. این دلارها در همان روز به افرادی که ایران را ترک می کردند فروخته شد.

۵ برای اطلاع شما: در ۱۴ اکتبر مطبوعات تهران در مورد وجود اسکناسهای ۱۰۰۰۰ ریالی تقلبی به مردم هشدار دادند. در ۱۷ اکتبر مطبوعات خبری داشتند که ۳ بلغاری در حین خرید جواهراتی با اسکناسهای ۱۰۰۰۰ دلاری تقلبی دستگیر شده اند (۱۵ اکتبر). جزییات این اسکناسهای تقلبی دقیقا همان بود که منبع اداره امنیت منطقه ای گزارش داده بود.

لینگن

توضیح: فهرست زیر خلاصه پرونده های افرادی می باشد که از جاسوسخانه آمریکا تقاضای ویزای مهاجرتی جهت اقامت دائم را در آمریکا نموده اند و میزان ارز خروجی آنها.

نام و نام خانوادگی-شغل-تاریخ تولد-اموالیکه شخص می خواسته به ارز تبدیل کند

۱ کاظم تک-مدیر کل امور اجرایی گمرکات جنوب-۱۹۳۷-۴ ملک متعلق به او و مقداری پول نقد

۲ امین حکیم تناغو (انیس حکیم تناغو)- کارمند شرکت خصوصی- ۱۹۲۹ --همه اموالش از پول و ملک

۳ جهانگیر توکلی صاحب مشروب فروشی در متل قو - ۱۹۲۹- ۱۱۹۷۰۰ -دلار پول نقد برده و ۴۹۵۰۰۰۰ ریال در بانکهای ایران دارد

۴ مهدی تهرانچی افسر پلیس تهران و قبلاً شغل آزاد ۱۹۴۲-۷۰۰۰۰ دلار پول نقد خارج کرده و۴۵۰۰۰ دلار سهم در شرکت در

آمریکا

۵ احمد افخری کارمند شرکت خصوصی وکارخانه دار-۵۷۰۰۰ دلار سهم شرکت در آمریکا و۱۰۰/۰۰۰ دلار نقد ۶ آرام

طوماسیان

تامار (خواهرش) طوماسیان-دکتر دامپزشک وزارت کشاورزی و عمران روستایی نرس وزارت بهداری و بهزیستی (شوروی)

-۱۹۲۰-(تفلیس)-۱۹۱۸-(شوروی)

۷/۵۶۰/۰۰- ریال دارایی آرام و

تامار و (همسر آرام لیزا) و یک ملک)

۷ منوچهر توفیقیان مهندس در اتریش و بعد تهران ۱۹۱۴ هر چند ماه یک بار ۲۹۰۰۰ دلار به

۴۸ دلارسهام / آمریکامیفرستد ۰۰۰

درشرکتی درآمریکا ویکزمین دارد

۴۰ دلار سهمش در / ۸ علی بلاتی ترکمن تعمیر کار ماشین ۰۰۰ ۱۹۵۲

شرکتی در آمریکا

۹ محمد علی توحیدی دکتر مواد شیمیایی خاکی

در مؤسسه بررسی آفات و

بیماریهای گیاهی

۱۹۳۷

۱۰ مصطفی واقعی اطلاعاتی در دست نیست ۱۹۱۸ ۵۰ ٪ سهم هتلی در آمریکا و

۲۰۰/۰۰۰ دلار نقد خارج کرده

ص: ۱۶۶

هارتیون وارترسیانس

آرشیتکت و عضو انستیتو

آرشیتکتهای ایران

۱۹۲۷

۱۸۱/۵۰۰ دلار در بانکهای

آمریکا دارد.

۱۲ فرانکو قایقران

دکتر داروساز و

مرض شناس دارای مطب ۱۹۲۸

۸۰/۰۰۰ دلار پول نقد و

۱۵۰۰۰۰ دلار ملک

۳ ملک دارد ۱۳ کریم قرائتی نقشه بردار ۱۹۳۶

۱۴ انعد (اسعد) قوانلو شوهر دختر این خانم در آمریکا ۲

خانه روی هم به ارزش ۱۶۳۰۰۰ دلار

و ۱۱۰۰۰ دلار پول نقد دارد

۱۵ جلال گلاب تونکار صاحب هتل ۱۹۳۱ سرمایهگذاری و پول نقد ۶۸۰۰۰۰

دلار و ۵۰ ٪ هتلی در ایران.

۱۶ نیکلاباغداسرگریگوریان کارگر ساختمان ۱۹۳۲

۱۰۰۰۰۰ دلار سرمایهگذاری ۱۷ فتح اله گرزسر کارمند یک شرکت ۱۹۴۱

۱۸ محمد حاجیان بهمنی رییس بانک صادرات ۸۰۸۸۹ ۱۹۳۰ دلار در بانکهای آمریکا و

۵۰۰ سهم بانک صادرات و یک ملک

در ایران

۱۹ ابراهیم هانوکائی

۲۰ جواد هاشمیان ۳ ۱۹۱۸ ملک او و همسرش دارند و

۵۲۵۰۶۰۶ ریال دارد.

۲۱ امیر ساسان هدایت رئیس سازمان توریستی ایران ۱۹۳۳

۲۲ ناصر حکمت نژاد ۶۶۰۰۰ ۱۹۵۳ دلار سرمایهگذاری در آمریکا

۹۵۰۰۰ دلار سرمایهگذاری در آمریکا

۲۳ امریک هندی آزاد کار در یک کمپانی وارد کننده

فرش ایرانی

۵۲۰۰۰ دلار سرمایهگذاری در آمریکا ۱۹۳۹

۴۹۰۰۰ دلار سرمایهگذاری در آمریکا ۲۴ حسین تجارهنگامی تجارت ۱۹۵۱

۲۵ سید احمد همامی ۸۹۵۸۶۸ دلار پول نقد و یک خانه

در آمریکا

۹۰۳۹۴ دلار پول نقد در آمریکا ۲۶ آراکس انگی بگیان(بگنازاریان) ۱۹۲۵

۲۷ فتح الله انتظار

۲۸ منوچهر ارم مهندس ۳۳۹۰۰۰ دلار ملک در آمریکا دارد

۲۹ علی اکبر فغانی پزشک بیمارستان

۳۰ منوچهر فخرشفایی دکتر طب وزارت بهداری و

بهزیستی و حقوق

۸ ملک متعلق به او و همسرش ۱۳۰۹

۳۱ حسین نوین فرحبخش ۶۸۴۰۰ دلار پول در بانکهای آمریکا

۳۲ بهنام فرامرزی ۲۶۱۰۰۰ ۱۹۴۳ دلار پول نقد و

سرمایهگذاری

۳۳ محمد فرخی مدیر امور مالی شرکت بیمه ۷۰۰۰۰ ۱۹۲۳ دلار سرمایهگذاری

و ۱۹۵۰۰۰ دلار نقد

۳۴ عبدالغفور فربد متخصص داروسازی صاحب

آزمایشگاه ابن سینا

۴۷۲۵۰۶۵ ریال پول نقد و یک ملک ۱۹۳۱

۱۱۳۴۰۰ دلار سرمایه گذاری ۳۵ خدیجه قانعیان فسائی ۱۹۴۶

۳۶ محمد فتح مدیریت بازرگانی کار در هتل ۴۰۰۰۰ ۱۹۴۵ دلار سرمایه گذاری

ص: ۱۶۷

معصومه فشاری ۱۹۲۶

چاپخانه ای به ارزش

۴۶۷۵۰۰۰۰ ریال

۳۸ ناصر فروغی ابری ۱۹۵۰ در مدت ۳ سال تحصیل در آمریکا

۴۰۶۰۰۰ دلار برایش فرستاده شده

۳۹ دیکرانوهی بوداغیان میرزائیان ۱۹۰۵

۴۰ ماکروهی بوزاسیان معلم ۱۹۰۷

۴۱ مهشید برومندان

۴۲ دوناتو سنگاکروز مهندس برق ۱۹۴۲

۴۳ دکران مسیح دباغیان جواهر فروش ۱۹۲۹ ۵۰۰۰۰ دلار پول نقد در

بانکهای آمریکا

۴۴ نعیم شمعون دانپور عضو اتاق بازرگانی صنایع و معادن ۱۱۵۰۰۰ ۱۹۱۷ دلار سرمایهگذاری

در آمریکا

۴۵ جمیل داورهانیان تزیینات و دکوراسیون خانه ۱۹۴۴

۱۵۰۰۰۰ دلار سرمایهگذاری ۴۶ حسن دستمالچی ۱۹۲۲

۹۹۰۰۰۰۰ ریال پول نقد و یک ملک ۴۷ غلامحسین دیرمینا حسابدار ۱۳۰۹

۴۵۴۰۰ دلار سرمایهگذاری در آمریکا ۴۸ منصور برادران جوادی ۱۹۵۲

۴۹ وان ایگناتیان ۴۴۱۰۲۴۰ ۱۹۳۶ ریال پول نقد و یک ملک

و ۵۰ ٪ شرکت در آمریکا

۵۰ مانوک ایگناتیان ۱۸۹۶

۵۱ جهانگیر جاوید ۵۵۰۰۰۰ ۱۹۴۷ دلار سرمایهگذاری و

۴۰۰۰۰ قیمت خانه اش

۵۲ نجات اله کهولی زاده کارمند شرکت نفت ۱۹۲۶ ماهیانه ۳۳۰۵ دلار حقوق و یک خانه

۵۴۰۰۰۰ دلار پول نقد در آمریکا ۵۳ رافی لازاری کاراپیتیانس مدیریت ۱۹۴۸

۴۰۰۰۰ دلار سرمایهگذاری ۵۴ هایراپت گارپتی کاراپتیانس ۱۳۳۳

۱۴۰۳۷۱ دلار به آمریکا برده ۵۵ شهیندخت کارگر ۱۹۴۳

۷۰۰۰۰۰ دلار خارج کرده ۵۶ فرخ کاشانیان مدیریت شرکت بیمه ۱۹۳۴

۵۷ محمد علی کتانی (کتابی) شوشتری کارمند وزارت امور

اقتصادی و دارایی

۴۸۰۴۷ ۱۹۲۷ دلار خارج کرده و یک ملک

در تهران دارد به اضافه ماهیانه

۴۱۸۰۰ دلار

۵۸ منیژه شاه کاوسی ۱۰۰۰۰۰ ۱۹۲۵ دلار سرمایهگذاری در ایران

دارد و ماهیانه ۱۵۰۰ دلار درآمد

۵۹ مجید کاظمیان ۴۰۰۰۰۰ ۱۹۵۸ دلار سرمایهگذاری

در آمریکا

۶۰ محمد جواد کاظمیان ۴۰۰۰۰۰ ۱۹۵۵ دلار سرمایهگذاری

در آمریکا

(۶۱ محمد باقر کراچی کارخانه دار ۱۹۴۶ روی هم ۲۲۰۰۰۰ دلار (۳۱۲۰۰

سرمایه‌گذاری در ایران و آمریکا

۵۰۰۰۰ دلار پول نقد در آمریکا و

ماهیانه ۵۵۰۰ دلار درآمد

۶۲ مارتا خاچیکیان ۳۴۱۶۱۷ ۱۹۰۵ دلار این خانم و همسرش

مهدی خندان تبریزی سرهنگ بازنشسته ژاندارمری ۵۱۰۰۰ ۱۹۳۹ دلار پول نقد در آمریکا و

۱۰۴۹۵۳۸۸ ریال دارائی او و

همسرش

۶۴ مهین تاج خلیلی بروجنی دکتر در دانشکده پزشکی ۲۳۰۰۰۰۰ ۱۳۱۰ ریال سهام داشته و اموالش

۸۰۰۰۰۰۰ ریال در ایران دارد

۶۵ علی خواجه خلیلی کارمند شرکت نفت ایران ۱۹۲۸

۳۰۰۰۰ دلار پول طی یک سال

فرستاده به آمریکا هر ماه اجاره

یک خانه و حقوق او به آمریکا

می رود یک ملک هم دارد

۶۶ ناصر کیایی مهندس معدن در کارخانه فولاد ۱۳۸۹۲۱۷۵ ۱۹۳۵ ریال در ایران داشته اند

یک ملک هم داشته و در شرکتی

سهام داشته

۶۷ پاول یوسف زاده کهنه شهر ۷۰۰۰۰ دلار پول خانه و ۳۰۰۰۰ دلار

سرمایهگذاری در آمریکا

۷۵۰۰۰ دلار سرمایهگذاری در آمریکا ۶۸ آصف خلدانی ۱۹۳۶

۴۵۰۰۰ دلار سرمایهگذاری در آمریکا ۶۹ مسعود خوانساری تعمیرات ساعت ۱۹۳۰

۷۰ ملوک مکاری ۱۲۰۰۰۰ ۱۹۴۲ دلار در بانکهای

آمریکایی دارد

۷۵۰۰۰ دلار سرمایهگذاری در آمریکا ۷۱ عبدالکریم ملک ۱۹۳۶

۷۲ مولود منصوری ۴۰۸۴۲ ۱۹۴۱ دلار سرمایهگذاری در

آمریکا و ۸۰۵۰ دلار پول نقد

۷۳ موسی اعتماد حائری سرهنگ بازنشسته ۱۲۹۱ سهامدار شرکت طلاسراست و

۱۵۳۲۵۴۰ دلار به نام پسرش دارد و

ماهانه ۷۸۳ دلار درآمد دارد

۷۴ نادر میرزایی سرهنگ و خلبان نیروی هوایی ۲ ملک و ۳۰۰۰۰۰۰ دلار پول نقد

دارد

۷۵ فیض الله زینلی کنتراتور جاده و ساختمان ۳۰۸۷۵۰ دلار نقد دارد

۷۶ ملوک میشکانیان خانه دار سه قطعه زمین که یکی از آنها

۷۱۴۲۸۵ دلار ارزش دارد و کلاً

۲۴۶۳۷۱۴ دلار سرمایه

۷۷ عبدالرضا مختارمعصومی کلینیک در ایران یک قطعه زمین از شاه مخلوع گرفته

و ۳۹۱۱۹۳ دلار

۷۸ محمد الهی خوانساری رئیس چاپخانه

۷ ملک ۱۱۰۱۲۷ دلار

۳ ۱۲۹۷ ملک و ۳۳۸۶۸۴۴ دلار پول به نام

خود و فرزندانش به گفته خودش

۲۰۰۰۰۰۰ دلار پول و زمین و ملک

در ایران و آمریکا و سوئیس دارد.

شرکت ایران شرق

۷۹ عبدالله هاشمی ۱۹۱۹ سهمش درشرکت مذکور ۳۱۲۵ ٪ است

و کل سرمایه اش ۱۱۱۸۵۰۰ دلار

است.

حدود ۲۵۰۰۰۰ دلار در حال

سرمایهگذاری است

۸۰ میرزا محمد قمیشی صندوقدار در یک شرکت آمریکایی ۱۹۲۸ سهمش درشرکت مذکور ۳۱۲۵ ٪ است

و کل سرمایه اش ۱۱۱۸۵۰۰ دلار

است.

حدود ۲۵۰۰۰۰ دلار در حال

سرمایه‌گذاری است

۸۱ فرنگیس قادری تفرشی شرکت قادران ۱۹۳۶ زمینهای زیادی متعلق به شرکت قادران

و حدود ۱۳۰۵۷۱ دلار سرمایه و

سالیانه ۶۸۵۷ دلار سود سرمایه

۸۲ حسن اسماعیل حدادی گراور سازی ۱۹۴۲ ماهیانه ۷۴۵۰ دلار و کلاً ۱۴۱۶۹۲۸

دلار سرمایه

۸۳ پروانه در میناسیان حاجی آبادی کارخانه دار ۱۹۲۷

۵ ملک□ درآمد ماهیانه ۹۵۰۰۰۰۰ و

۱۲۰۰۰۰۰ دلار سرمایه

۸۴ منوچهر دامغانی کارهای ساختمانی ۱۳ ۱۹۳۳ ملک که چندتایش اهدایی از

شمس پهلوی بوده و دو تایش شریکی.

۱۷۸۵۷۱ دلار به نام خود و همسر و

فرزندانش سرده ثابت داشته و قصد

داشته ۴۵۰۰۰ دلار در آمریکا

سرمایه‌گذاری کند

۸۵ محمدعلی علائی احمدآبادی سرمایه دار در کارهای کشاورزی و

ساختمانی و تجارت

حدود ۲۰۰۰۰۰ دلار در یک شرکت

آمریکایی سهم دارند و حدود

۲۴۴۰۰۰ دلار سرمایه دارند و خانم

ابوترابی زارچی حدود ۴۰ تا ۵۰

آپارتمان دارد که ماهانه مبلغ

۱۱۶۱۵ دلار اجاره آنها را می گیرد.

۸۶ بهرام خرسندی باقرزاده شریک در دو شرکت آمریکایی ۳۸۸۲۳۸۸ دلار (به گفته خودش

۳۳۰۰۰۰ دلار پول نقد دارد).

۸۷ علی آذر پژوه تاجر و سهامدار شرکت قند اقلید ۱۷ قطعه زنین (از ۲۰۰۰ متر تا

۳۲۰۰۰ متر) و ۱۷۱۴۲۸ دلار

۸۸ ایرج نعیمی اکبر هتلدار ۴۷۵۱۶۶ دلار سرمایه یک هتل در

آمریکا ماهانه ۶۰۰۰۰ دلار سرمایه

۸۹ احمد آهنچی کارخانه دار چند قطعه زمین بزرگ که از بنیاد

پهلوی منتقل شده است ۴۲۸۵۷ دلار

نقد و ماهانه ۶۶۸ دلار

۹۰ ناصر جامعی بانک رهنی ۱۱۰۰۰۰۰۰ دلار

۹۱ آندرانیک باغدارسریانی شرکت نفت چند ملک و ۱۸۰۰۰۰۰ دلار

۹۲ صغری حسین نظری(مسعودی) بانک ملی ماهیانه ۵۵۴۲ دلار و ۳ ملک و

۵۰۱۱۷۵ دلار

۹۳ حسین کاویان شرکت نفت ماهیانه ۹۴۹ دلار و ۱۱ ملک دارد

۹۴ هادی تربتی مقدم عضو اتاق بازرگانی صنایع و معادن

عضو حزب رستاخیز

حقوق وچند ملک به ارزش

۴۲۸۵۷۱۴ دلار

۹۵ موسی یاشار شرکت پارس ۱۱۲۶۴۵۳ دلار

۹۶ سید عزیزاله عرب زاده شرکت نفت ماهانه ۸۵۵ دلار و ۴ ملک که دوتایش

به ارزش ۴۵۷۱۴۲ دلار و ۸۱۴۵۸۴

دلار سرمایه نقد.

آندرانیک باغدارسریانی شرکت نفت چند ملک و ۱۲۶۵۵۰۰۰۰ ریال

۹۸ شالم سعید بنونی دبیر سهم و ۴۵۰۰۰ دلار

۹۹ امین آقا بهی راد پزشک ۱۹۳۳ حقوق ۸۹۵۰۰ دلار

۱۰۰ اصغر محمد بیگی دبیر ۱۳۱۱ حقوق و ۶ ملک

۱۰۱ شکرالله بهنام شهربانی ۸۵ ساله حقوق و ۵ ملک و ۵۳۰۰۰۰۰ ریال

۱۰۲ بهروان شرکت سهامی حقوق و ۴ ملک

۱۰۰۰۰۰ دلار ۱۰۳ منصوربن کمن شرکت صادرات و واردات ۱۹۲۹

۲۰۵۰۰۰ دلار ۱۰۴ علی محمد بوداغی وزارت نیرو ۱۹۱۸

۱۰۵ محمد بغیری شرکت نفت حقوق و ۳۰۶۴۲۸ دلار

۱۱۵۰۰۰ دلار ۱۰۶ جاوید کهن وزارت دادگستری ۱۹۲۲

۱۰۷ عبدالعلی دبیریان شرکت ملی ذوب آهن ۱۹۱۰ حقوق و دو ملک و ۴۴۰۰۰۰۰ ریال

۱۰۸ افتخار السادات موحد بروجردی ماما حقوق ودو ملک و ۴۳۷۹۳۷۹ ریال

۱۰۹ غلامحسین دیرمینا وزارت راه ۱۳۰۹ حقوق (ازدو جا)و ملک

۹۹۰۰۰۰۰ ریال

۱۱۰ بهاالدین درخشانی وزارت بهداری ۱۹۳۴ حقوق و ۳ ملک و ۱۵۰۰۰۰ دلار

۱۱۱ مهدی دیباجی سازمان برنامه و بودجه ملک و ۴۰۰۰۰ دلار

۱۱۲ ماکوی علی جلالی پور وزارت راه وترابری حقوق و ۲۴۹۰۰۰ دلار

۱۱۳ ناصر جامعی بانک رهنی حقوق و ۷۷۰۰۰۰۰ ریال

۱۱۴ حسین ابراهیمی اصفهانی مقدم ملک و ۳۱۱۳۶ دلار

۱۱۵ منوچهر افتخاری شرکت نفت ۷۵۰۰۰ دلار

۱۱۶ همایون عنایتی کاشانی شرکت نفت ۵۹۰۰۰ دلار

۱۱۷ فاطمه فرزین خو (غفاری) دبیر ۱۹۲۷ حقوق ۶۰۲۴۶۷۷۹ ریال

۱۱۸ مهدی فرازداغی (وزارت فرهنگ وهنر) حقوق و ملک ۱۶۰۴۰۰۰۰ دلار

۸۸۰۰۰ دلار ۱۱۹ کاظم گنجی (شرکت نفت) ۱۳۲۴

۱۲۰ محمد حسین قدک شرکت نفت ۱۹۳۳ حقوق و ۲۰۰۰۰ دلار

۱۲۱ امیر قلی قهرمانی وزارت کار و امور اجتماعی ۱۹۳۳ حقوق و ۲۰۰۰۰ دلار

۱۲۲ خسرو قاراخانیان شرکت نفت ۱۹۲۱ سالیانه ۶۷۴۵۰ دلار و ۴۸۱۲۵۵ دلار

۱۲۳ کاظم قوام بانک ملی ۱۹۳۱ حقوق و ۵ ملک و ۲۴۹۴۸۶ دلار

۱۲۴ یوسف بی غم غازانی راه آهن ۱۹۲۵ حقوق و ۸۰۰۰۰ دلار

۱۲۵ هوسپ هاکوپیان بانک ایرانیان ۴۰۰۰۰ دلار

۱۲۶ محمد حاجیان بهمنی بانک صادرات ملک و ۲۵۹۴۶۰ دلار

۱۲۷ محمد حاجیان بانک صادرات ملک و ۲۵۹۴۶۰ دلار

۱۲۸ صادق حاج میرصادقی دولت ۴۰۰۰۰ دلار سالیانه و ۶ ملک

و ۵۰۰۰۰ دلار

۱۲۹ جهانگیر حلویاتی وزارت صنایع و معادن حقوق و خانه و ۱۵۰۰۰۰ دلار

۱۳۰ خانم سیروارت هامبارسیون سرکیسیان بانک مرکزی دو ملک و ۶۱۱۵ دلار

۱۳۱ محمد حسین حمیدی نوین وزارت امور اقتصادی و دارایی خانه و چند آپارتمان برای اجاره

۱۳۲ قمر حاج محمدرضا معلم

۱۳۳ منصور حقوقی وزارت دادگستری خانه و یک چک ۲۰۰۰۰ دلار

ص: ۱۷۱

سیدصادق کمالی دانشجو شرکت نفت

۱۲۸۱

۱۹۵۵

حقوق و ۷۵۰۰۰ دلار

۱۳۵ علی اکبر کریمیان شرکت نفت ۱۹۲۸ ماهیانه ۲۴۶۱ دلار و ۲ ملک و

۸۳۹۲۸ دلار

۱۳۶ رضا کریمیان شرکت نفت ۱۹۲۳ ماهیانه ۳۹۰۷ بهره پول

نقدش ۵۰۰ دلار

۱۳۷ محمد علی کتابی شوشتری وزارت امور اقتصادی و دارایی ۱۹۲۷ ماهیانه ۴۱۸۰۰ دلار و

ملک ۴۸۰۴۷ دلار

۱۳۸ علی خواجه خلیلی شرکت نفت ۵۴۹۹۵ ۱۹۲۸ ریال ماهیانه

ملک شریکی و ۳۰۰۰۰ دلار به خارج

۱۳۹ پلی یوس خاچی شرکت نفت ۱۹۲۸ ماهیانه ۹۴۹ دلار و ۱۱ ملک دارد

۱۴۰ حسین کاویان شرکت نفت ۲۹۲۱ ماهیانه ۹۴۹ دلار و ۱۱ ملک دارد

۵ ملک و ۷۲۹۴۰۰ دلار ۱۴۱ اکبر خاتمی کارمند بانک کلی ۱۹۲۸

۱۴۲ مرتضی خیام بانک ملی ۱۹۳۵ ملک و ۱۶۶۹ دلار

۱۴۳ خسرو خازنی بیمه های اجتماعی ۶ ۱۹۴۴ ملک (بهای ۶ تای آنها ۸۰۷۰۰

دلار) ماهیانه ۱۰۰۰ دلار

۳ ملک و ۸۶۹۲۸ دلار ۱۴۴ محمد تقی خراسانی بانک سپه ۱۹۳۲

۱۴۵ ناصر حکیم معانی شرکت نفت ۱۹۲۵ حقوق ۲ ملک و ۲۴۱۰۳ دلار

۱۴۶ علی اصغرمانوسی شرکت نفت ۱۹۳۱ ملک و ۱۰۰۰۰۰ دلار

۱۴۷ زهرا مهیاری وزارت پست و تلگراف خانه و ماهیانه ۲۳۲۵ دلار

۱۴۸ دانیال ماخانی رادیو تلویزیون ملی ۱۹۴۵ ملک و ۳۰۰۰۰ دلار

۱۴۹ عزیز مسعودی آزاد ۵۰۱۱۷۵

۱۵۰ ابراهیم قراضی بهمنیر شرکت نفت حقوق (۳۶۹ دلار) و ۴۶۲۷۵۵ دلار

۱۵۱ محمد طاهر مهران شرکت نفت ماهیانه ۳۴۹۰ دلار و ۱۵۳۰۰۰ دلار

۱۵۲ ایرج میرهاشمی سازمان آب ماهیانه ۲۵۱۴ دلار و ۴۲۳۶۲۷ دلار

۱۵۳ ایوب میرزایی بوئینک حسابدار شرکت شکرپارس ماهیانه ۳۰۰۰ دلار و ۵۷۱۴۲ دلار

۱۵۴ پدر مریم مومن دبیر ۱۰ ملک وماهانه ۱۶۹۸۰ دلار

۱۵۵ محمد تقی فکری بانک ملی ۳۷۵۰ دلار ماهانه و ۱۰۰۰۰۰ دلار

۱۵۶ علی محمد مکی بهداری و بهزیستی ماهانه ۱۱۲۶۴ تومان و ۱۲۰۵۸۰ دلار

۱۵۷ نقی منتخب بانک عمران ماهانه ۱۰۰۰ دلار و ۲۲۲۸۵۷ دلار

۱۵۸ ضیاءاله موجدی پرفسور شیخی پلی تکنیک ماهانه ۱۱۰۰ دلار و ۲ ملک

و ۴۱۳۹۶۹ دلار

۱۵۹ احمد مطهرنیا ماهانه ۱۴۳۲ دلار

۱۶۰ سرور مطلق لوایی معلم دبستان ماهانه ۳۶۸ دلار و (۹۵۳۱۱۵۳۱۱

دلار پسرش)

۱۶۱ شریک محسن موحدی بانک صادرات کلاً ۱۱۹۵۰۰ دلار نقد

۱۶۲ هوشنگ عظیم زاده صدری مرکز فرهنگی وهنری تهران کلاً ۱۵۱۳۰۰ دلار

۱۶۳ حسین مزینی ۱۲۳۱۵۵ دلار

۱۶۴ طوسی نسل موسوی آموزش و پرورش حقوق و ملک

منوچهر مستقیمی ماهیانه ۱۰۹۹۲۰ دلار ۲ ملک

۱۶۶ نهضت جاوید آموزش و پرورش ۱۲۵۵۱۷ دلار

۱۶۷ پیرم نبی زاده شرکت نفت ماهیانه ۱۲۰۰۰ دلار (آپارتمان و

خانمشان ۱۳۱۴۲۸ دلار) ۶۳۲۹۱

دلار

۱۶۸ احمد نخست آموزش وپرورش ملک و ۴۱۷۹ دلار

۱۶۹ کاظم تک گمرکات ۱۹۳۷

حقوق و

۳ ملک

حقوق و ۳ ملک

۳۰۷۴۳۰ دلار ۱۷۰ مصطفی طالبی معاون شهردار خرمشهر ۱۳۲۷

۱۷۱ انیس کلیم تناغو ۱۹۲۹

۱۷۲ سید محمود توسلی

وزارت کشاورزی (عضو مجلس

شورا عضو حزب ایران نوین)

حقوق و ۲ ملک و ۲۱۴۲۸ دلار

بنام همسرش

۱۷۳ اسماعیل تیموریان قاضی و عضو کانون وکلا ۱۳۰۱ ماهیانه ۱۵۲۳۵۲۳ دلار و دو ملک

و ۳۰۳۳۸ دلار

۱۷۴ آرام وتامارطوماسیان سازمان دامپروری نرس ۱۹۲۰ ملك و مجموعاً ۹۳۷۱۴ دلار

۴۲۸۴۳۴ دلار ۱۷۵ آرمن طوماسیان بانک اعتبارات ۱۹۳۹

۱۷۶ هادی تربتی مقدم عضو اتاق بازرگانی صنایع و

معادن و عضو حزب رستاخیز

حقوق و چند ملك به ارزش

۴۲۸۵۷۱۴ دلار

۱۷۷ محمد علی توحیدی وزارت کشاورزی و منابع طبیعی

۱۷۸ هوشنگ وفی آموزش و پرورش ۱۳۱۲ حقوق و ۹۰۲۰ دلار

۱۹۶۸۵ دلار ۱۷۹ محترم خانم وحدت دانشگاه تهران ۱۹۲۱

۱۸۰ یوخان گوارگیس وزیرا بازنشسته ۱۹۰۹

۱۸۱ حسن یحیایی بانک ملی حقوق و ۳ ملك و ۲۲۰۰۰ دلار

۱۸۲ جهانگیر ملیزاده وزارت اقتصاد و دارایی ماهیانه ۱۰۱۹۷۰ دلار و ۱۰۰۰۰۰

دلار

۱۸۳ باریک اهایرابتیان آموزش و پرورش حقوق و ۱۰۷۸۵۷ دلار و به گفته

خودش ۳ میلیون ریال دارد

۱۸۴ موسی یاشار شرکت پارس ۱۲۱۶۴۵۳ دلار

۱۸۵ سلیمان یونان پور شرکت نفت حقوق ماهیانه ۶۶۸ دلار و

۱۳۹۱۵۶ دلار

۱۸۶ فرزانه ذبیحی مقدم شرکت نفت حقوق و ملکی به مساحت ۲۹۱ کلاً

ماهانه ۱۸۶ دلار

۱۸۷ علی ذاکری فرودگاه مهرآباد حقوق ۸۰۰ دلار و دو ملک و

۸۱۴۲ دلار

۱۸۸ محمد کاظم زرافشار پست و تلگراف حقوق و اجاره ۱۲۲۵۷ دلار و دو

ملک و ۴۸۶۸۴ دلار

۱۸۹ منوچهر زرکوب شرکت کوماکیدام وزارت دارایی حقوق ۴۴۳ دلار و ۳ ملک و

۱۷۵۷۱۴

دلار سپرده ثابت

۱۹۰ کریم ضرغامی وکیل دادگستری ماهانه ۱۰۰۰ دلار و ۶ ملک

سرکیس زومالان سازمان انرژی اتمی ایران ماهیانه حقوق ۱۳۱ دلار

۱۹۲ حسین آبنوسی آموزش و پرورش به گفته خودش ۹۱۳۳۰۴ دلار و

۲۵۲۷۶ دلار

۱۹۳ محمد باقر افضل شرکت نفت حقوق سالیانه ۲۵۳۰۵۳۰۵ دلار و

۱۱۷۰۳۸ دلار

۱۹۴ خانم رفیقه آقامحمد بیمارستان تاج پهلوی ماهانه ۲۸۵۷ دلار یک خانه

۵۹۴۸۸ دلار

۱۹۵ اسغیک الیاسیان هتل کنتینانتال مغازه در آمریکا و ۳۱۰۰۰ دلار

۱۹۶ هوشنگ امینی شرکت نفت ۱۲۰۴۸۰

۱۹۷ منیرامیرکاشانی رادیو تلویزیون حقوق ۷۱۴ دلار و آپارتمان و

۱۰۵۷۱۴ دلار

۱۹۸ منوچهرامین صادقیه دانشگاه تبریز ماهانه ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ دلار

۱۹۹ دکتر رضا امینی دکتر بهداری و بهزیستی ماهانه مجموعاً ۲۴۷۲ دلار و ملک و

۶۰۰۰۰۰ دلار

۲۰۰ پروین آموزگار شهیدی وزارت صنایع و معادن

ماهانه ۱۰۱۵۴ دلار و ۲۰۰۲۸۵ دلار

و یک باب خانه

۲۰۱ سیدعزیزاله عربزاده شرکت نفت ماهانه ۸۵۵ دلارو ۴ ملک یکی

۲۵۰۰۰۰۰ ریال و دیگری

۷۰۰۰۰۰۰ ریال و ۸۱۴۵۸۴

دلار سرمیله نقد.

۲۰۲ عزیز ارجمندی سیسیان بهداری و بهزیستی ماهانه ۷۹۶ دلار و یک زمین و زمین

کشاورزی ۲۴۰۰۰ دلار و یک خانه

۱۸۶۰۰۰ دلار وی ک آپارتمان و

۵۰۰۰ دلار پول نقد ۲۱۵۰۰۰ دلار

۲۰۳ هلن آناتوش شیرآباد شرکت نفت حقوق و ۴۰۰۰۰۰ دلار

۲۰۴ خدیجه آذرجوی اصلی

نام همسر حسین مدنی

بانک مرکزی

وزارت دادگستری

کلاً ماهانه ۳۵۴ دلار و ۳ ملک

دلار و ۴۱۴۲۸

۲۰۵ سلیمان شومر امور کشاورزی ارتش ۱۰۰ هکتار زمین و ۴۰۰۰۰۰ دلار

سرمایهگذاری

۲۰۶ علی سهرابی انارکی رییس حسابداری شرکت سیماره

کارمند دولت

۲۳۰۶۲ دلار

۲۰۷ محمود سوداگران شرکت کشتیرانی بین المللی

نفت ایران

۲۰۸ باقر میرطباطبایی شرکت پهله حقوق ۲۱۰۰۰ و ۳۵۰ دلار سرمایه

۲۰۹ سیدهادی طباطبایی پور دادگستری ماهانه ۳۶۰۰ دلار

۲۱۰ بهروز هومن طبیب زاده بنیاد پهلوی و شرکت طبیب ۵۰ ٪ سهم شرکت طبیب و ۴۵۰۰۰

دلار

۲۱۱ مسعود تفضلی شرکت نفت حقوق شرکت نفت ۲۵۰۰۰ دلار

سالانه

و ۴۲۸۵۹ دلار و ساختمان سه طبقه

به نام زنش

۲۱۲ هوشنگ طاهرپور رادیو و تلویزیون ۸۴۰۰۰ دلار وام رهنی گرفته ۲۹۰۰

همایک آمنجیان جواهر فروش ۱۵۷۴۲۰ دلار سالیانه ۲۴۰۰۰ دلار

اجاره مغازه می دهد.

۲۱۴ جلیل احمدیان کارخانه قالیباقی و قالی فروشی ۸۹۸۳۹۲ دلار سرمایه و از دوخانه

مجموعاً ۴۴۰۰ دلار اجاره می گیرد.

۲۱۵ ایرج نعیمی اکبر هتل دار ۴۷۵۱۶۶ دلار سرمایه یک هتل

آمریکا و ماهانه ۶۰۰۰۰ دلار

۲۱۶ احمد آهنچی کارخانه دار بافندگی چند قطعه زمین بزرگ که از بنیاد

پهلوی منتقل شده است ۴۲۸۵۷ دلار

پول نقد و ماهانه ۶۶۸ دلار

۲۱۷ یعقوب اهدوت تاجر مبادلاتی باشرکتهای آمریکایی داشته

مبلغ نامعلوم

۲۱۸ محمدمهدی ابریشم چی صادرات و واردات پلاستیک ۱۱۵۰۰۰ دلار و ۲۵۰۰ سهم

از شرکت ابریشم

۲۱۹ لئون اکوبیانتر شرکت حمل و نقل و شرکت سی

لاین ترانس

۳۲۴۶۷۱ سرمایه

۲۲۰ محمود افشار حسینی رستوران و کتاب فروشی ۴۰۰۰۰ دلار

۲۲۱ خلیل بنیاد معمار و کارخانه دار ۷ ۱۹۲۵ ملک به نام خود و همسر و

فرزندانش ماهانه ۶۰۰ دلار درآمد

خانم وسهدخترش ۲۲۸۵۷۱ دلار

سپردهثابتداشته اند وسنگبری

بنیاد درشیراز

۲۲۲ مدن لال بهین شرکت تجارتی هریوم ۱۰۰۰۰۰ ۱۹۲۸ دلار سرمایهگذاری در

آمریکا و ۱۰۴۸۵۷ دلار به نام

خود و همسرش سپرده ثابت و

۵۰۰۰۰۰ روپیه هند سپرده ثابت.

۲۲۳ محمد علی علائی احمدآبادی سرمایهگذاری در کارهای

کشاورزی و ساختمانی و تجارتی

حدود ۲۰۰۰۰ دلار در شرکت

آمریکایی سهم است و خود و

همسرش ۲۴۴۰۰۰ دلار سرمایه و

پس انداز دارند.

۲۲۴ نام همسرش سکینه ابوترابی زارچی در شرکتها و حسابهای بانکی بالا

با شوهرش شریک است. حدود ۴۰ تا

۵۰ آپارتمان دارد که به اجاره

داده است و ماهانه مبلغ ۱۱۶۱۵

دلار اجاره آنها را می گیرد.

۲۲۵ یوسف بخشاینده سهامدار شرکت پیکان (کالیفرنیا) ۱۶۰۰۰۰ دلار ۸۰۰۰ سهم از

رستوران

فونیکس ۳۵۰۰ سهم از شرکت پیکان

۲۲۶ صلاح الدین بختیاری شرکت سهامی خاص صنایع

مرغداری ایران و آلمان

۴۹۱۲۲۱ دلار (به گفته خودش یک

سرمایه اش ۳۵۰۰۰۰ دلار است)

۲۲۷ محمد علی بهرامی تعمیر و مکانیکی اتومبیل یک مکانیکی اتومبیل در آمریکا

۱۲۳۴۰۰ دلار

۲۲۸ فرهاد بخشنده سهامدار شرکت پیکان کالیفرنیا یک قهوه فروشی در لس آنجلس

۹۲۰۰۰ دلار و ۴۰۰۰ سهم از شرکت

پیکان و ۴۰۰۰ سهم از رستوران

فونیکس

بهرام خرسندی باقرزاده شریک در دو شرکت آمریکایی

۳۸۸۲۳۸۸ دلار (خودش می گوید

۳۳۰۰۰۰ دلار پول نقد دارد)

۲۳۰ علی آذر پژوه تاجر و سهامدار شرکت قند اقلید ۱۷۱۴۲۸ دلار و ۱۷ قطعه زمین (از

۲۰۰۰ تا ۳۲۰۰ متر)

۲۳۱ فرهنگ اسدی تبار تاجر و سرمایه دار مغازه ای خریده اند با شرکت نیکروش

به قیمت ۱۲۳۶۵۰ و کلاً ۹۲۸۲۰ دلار

سرمایه

۲۳۲ غلامرضا آزادمنش داروخانه سعادت (مشهد)

۲۳۳ مائیس آرتونیانس کافه تریا و رستوران در آمریکا کلاً ۷۰۰۰۱۵۶۰۰ دلار سهامدار

شرکت فرانک نایدا

۲۳۴ داود عمادی سهامدار و رییس شرکت ۱۴۵۷۱ دلار در یک شرکت آمریکایی

شریک است.

۲۳۵ محمد علی آبادی خشکشویی در آمریکا ۱۶۹۵۹۴ دلار سرمایه

۳۱٪ است / ۲۳۶ میرزا حسین قمیشی صندوقدار در یک شرکت آمریکایی ۱۹۲۸ سهم او در شرکت مذکور ۵

و کل سرمایه اش ۱۱۱۸۵۰۰ دلار

است.

حدود ۲۵۰۰۰۰ دلار در حال

سرمایهگذاری است.

۲۳۷ آرمین قافاقیان خرید و توسعه و کار

۵۰٪ شرکتی در آمریکا و ۹۰۰۰۰

دلار سرمایه

۲۳۸ هوگاس گارپت معاملات تخت طاووس محل کارش مال خودش بوده و

۱۳۱۲۵۲ دلار سرمایه

۲۳۹ فرنگیس قادری تفرشی شرکت قادران زمینهای زیادی متعلق به شرکت

قادران و حدود ۱۱۳۰۵۷۱ دلار

سالیانه ۶۸۵۷ دلار سود سرمایه

۴۶۱ دلار سرمایهگذاری /۶۶۷ ۲۴۰ مهدی فارسیان شرکت شیشه سازی ۱۹۲۷

۶۷ دلار / ۲۴۱ عبدالغفور فربد صاحب آزمایشگاه ابن سینا ۱۹۳۱ ملک و ۵۰۱

۲۴۲ عبدالرحیم فروتن تاجر بازرگان ۱۹۰۱ ملی در بخش ۲ تهران و در ملک

خیابان میرعمادسهم دارد و

مجموعاً ۲۷۵۰۰۰ دلار سرمایه

۲۴۳ حسن اسماعیل حدادی گراور سازی ماهیانه ۷۴۵۰ دلار و ۱۴۱۶۹۲۸ دلار

۷۵۰۰۰ دلار سرمایه در آمریکا ۲۴۴ خسرو الیاسی تاجر ۱۹۴۴

۲۴۵ احمد الهی خوانساری معاون خانه چاپ ۶ ملک به نام خود و فرزندان و ۵

ملک و درآمد ماهانه ۵۰۰۰۰۰ ریال

و ۱۲۰۰۰۰۰ دلار سرمایه

۲۴۶ پروانه در میناسیان حاجی آبادی کارخانه دار

۲۴۷ وارژان داویدیان شرکت ۱۳۴۰۰۰ دلار سرمایه

۲۴۸ محمد تقی داورفرا طلا فروشی ۱۹۲۵ یک خانه و یک مغازه

۲۴۹ منوچهر دامغانی کارهای ساختمانی ۱۳ ۱۹۳۳ ملک که چند تایش اهدایی از

شمس پهلوی بوده و دوتایش شریکی

۱۷۸۵۷۱ دلار بنام خود و همسر و

فرزندش سپرده ثابت

۲۵۰ سیروس بل کهن تاجر ۶ ۱۹۴۲ ملک (دو تایش اشتراکی) و

۴۲۶۰۳۵ دلار و ۵۰۰۰ دلار ماهانه

۲۵۱ ساموئل بنیادی نمایشگاه مبل ساموئل ۱۳۱۵ خانه و کارخانه و نمایشگاه مبل □

زمین □ دو خانه آپارتمانی اشتراکی □

۲۰۷۰۰۰ دلار در آمریکا

۲۵۲ فیض اله زینلی کنتراتور جاده و ساختمان ۳۰۸۵۷۵۰ دلار

۲۵۳ هوشنگ زیبایی شرکت ساختمانی و مهندسین مشاور (۵۰۷۶۹ دلار) ۳۵۵۳۸۶۰ ریال

۲۵۴ خسرو ذره بین ایرانی رییس تولیدات خوشخواب ۲ ملک و ۲۹۳۵۴۰ دلار

۲۵۵ روح اله یوسفیان بوتیک دار مغازه دو طبقه و یک آپارتمان در

بخش ۱۱ تهران

۲۵۶ ثریا اسماعیل یازاریانی تبریز تاجر ۱۰۰۰۰۰۰ دلار

۲۵۷ آلفرد دیگومیانس در شرکتهای مختلف کارکرده ۸۵۲۶۰ دلار

۲۵۸ فرج اله احدیان صاحب داروخانه در خیابان

محمدرضاشاه (مخلوع)

۸۳۰۱۰۰ دلار

۲۵۹ موسی کلیمی یادگار فروشنده ضبط و رادیوگرام ۴ قطعه زمین که یکی از آنها شامل

یک ساختمان و سه باب مغازه است.

۲۶۰ نجیبه وکیلی بوتیک ۱۱۲۱۰۰ دلار

۲۶۱ ویکتور مارتیروس مارتین فوق لیسانس مهندسی از آمریکا بین ۱۴۶۶۰۰ و ۵۴۶۶۰۰ دلار

۲۶۲ مجید وجدانی مدیر فنی شرکت آتمسفر

یک آپارتمان و ۱۷۸۵۷ دلار

سهم شرکت

۲۶۳ سیاوش وخشرپور صاحب یک شرکت تولید وسایل

چوبی در آمریکا

۹۲۰۰۰ دلار سرمایه در شرکت

۲۶۴ امیر هوشنگ ترابی تهرانچی صاحب یک شرکت ساختمانی چند ملک به ارزش یک میلیون دلار

و ۱۵۴۸۷۷ دلار

۲۶۵ علی بلاتی ترکمن صاحب شرکت تعمیر

اتومبیل در آمریکا

۴۰۰۰۰ دلار سرمایهگذاری

۲۶۶ ناصر حمزوی تهرانی کارخانه دار (تولید کننده) (به گفته خود پولش نقدش ۱۰۰۰۰۰

دلار) ۱۰۰۰۰۰ دلار سرمایه در شرکت

۲۶۷ احمد طالع مهندس آزاد بوده دو قطه ملک در قیطریه و زمینهای

زیادی در کرج و ۲۰۵۵۰۰ دلار

۲۶۸ بهبود ظهوری مشاور مسافرتی با همسرش در آمریکا یک آژانس

مسافرتی دارند و ۹۱۲۶۳ دلار

۲۶۹ احمد طاهرآبادی بازرگان و عمده فروش خانه و دوزمین و ۵۱۴۲۸۵ دلار

۲۷۰ جاوید طاهری شبستری کارخانه دار یک پیکاه دولوکس و ۳۲۸۳۶ دلار

۲۷۱ سرودی شیطانه (مقدم) دکتر ۷۳۰۰۰۰ دلار

۲۷۲ محمد حسین صلح جو پارچه فروش ۲۱۷۷۰۰ دلار

۲۷۳ نسیم نعیبی زار جواهر فروش ۴ تا جواهرفروشی در تهران و

یک مغازه در آمریکا یک خانه

به دانگ از ۶ دانگ دو مغازه دو طبقه

۲۷۴ منوچهر نسترین(داودکلیمی) فروشنده کتاب کتاب فروشی نسترین ۵۰۰۰ حواله

ارزی ۱۹۰۳۴۶ دلار

۲۷۵ حسینعلی نواب سرمایه دار و تاجر ۲۵۰۰۰۰ دلار

۲۷۶ جمشید احتشام رضوی نقاش زاده بساز و بفروش یک خشکشویی در لس آنجلس و

۵۵۰۰۰ دلار

۲۷۷ الکساندر فرد نعلبندیان مکانیک اتومبیل یک مکانیکی در آمریکا

۲۷۸ هراند ابراهیمیان مکانیک اتومبیل یک تعمیرگاه اتومبیل در آمریکا

۲۷۹ شاهپور موثقی کشاورزی فئودال سهم در شرکت و ۱۱۴۲۸۵ دلار

۲۸۰ محمد مظفریان در یک جواهر فروشی شریک بوده ۱۵۲۹۵۵ دلار

۲۸۱ حسین متقیان تاجر بازرگان یک خانه در آمریکا ۴۳۰۰۰ دلار

و شرکت تجارتی در آمریکا

۲۸۲ مجید مرتضایی فرد جاده ساز(سرمایه دار) ۴۷۰۰۰۰ دلار

۲۸۳ وجیه اله محبی معمار بازنشسته کلاً با همسرش حدود ۵۷۹۷۱۴

دلار سرمایه

۲۸۴ ملوک میشکانیان خانه دار دو قطعه زمین یک زمین به ارزش

۷۱۴۲۸۵ دلار و کلاً ۲۴۶۳۷۱۴ دلار

۲۸۵ ایرج مدحت صادر و وارد کننده لوازم برقی

و الکترنیکی

/۵۷/۳ دو قطعه زمین که در تاریخ ۶

۳۵۷/۱۴۲ دلار ارزش داشت. قسمتی

از سهام شرکت

۲۸۶ هایقاس ردونی ماطاووسیان تعمیرکار ژنراتورها و لوازم برقی در شرکتهای مختلفی در آمریکا سهیم

است که سهمش معلوم نیست.

۲۸۷ الکساندر جورج متسیان ناظر معمار و کنتراتور ساختمان ۱۰۰۳۱۶ دلار

۲۸۸ مهدی خازنی راد تاجر ۴ ملک و مقدار زیادی کالای وارداتی

که گمرکشان ۶۷۸۵۷ دلار شده

۲۸۹ ژاک یونسیان خرازی هتل امپریال و شرکت نیک روش ۹۰۰۰۰ دلار

۲۹۰ سیامک خواجه ئیان شغل آزاد ۳۶۵۰۰ دلار برایش فرستاده شده و

خودش ۴۰۰۰۰ دلار سرمایهگذاری

۲۹۱ محمد باقر کراچی کارخانه دار حدود ۳۱۲۰۰۰ دلار سرمایه و

ماهیانه ۵۵۰۰ دلار درآمد

۲۹۲ فرخ کاشانیان شرکت بیمه ۷۰۰۰۰۰ دلار سرمایه

۲۹۳ کمال کمونه (سید محمدحسن

آل کمونه)

سرمایه دار ۲ ملک و سالیانه ۱۰۰۰۰۰ دلار

۳۴۷ دلار / سرمایه و ۰۱۳

۲۹۴ هوشنگ کمالی شرکت ساختمانی رستوران در آمریکا سهیم در

شرکت ساختمانی و ۱۵۰۰۰۰ دلار

۲۹۵ حسن ایلخانی جواهراتی گالو ۶۰۰۰۰ دلار

۲۹۶ حسن جعفرزاد سهامدار و مدیر دوکمپانی ۳ ملک و ۲۰۹۵۴۸ دلار

۲۹۷ محمد علی همایون پور شرکت ساختمانی ۵۰۰۰۰ دلار

۲۹۸ یقیش هایراپتیان فروشگاه لوازم یدکی فروشی در آمریکا یک کارواش خریده

۲۹۹ گریگور ماشازرهارطونیان کار ساختمانی شرکتی در آمریکا دارد که صددرصد

مال خودش است و حدود ۵۰۰۰۰

دلار

در آن سرمایهگذاری کرده است.

۳۰۰ حیدر علی کاید چهارمحال شرکت ساختمانی شرکت ساختمانی در آمریکا صددرصد

مال خودش است.

۵۱ دلار در آمریکا / ۳۰۱ جعفر معلم زاده حقیقی خشکشویی در مشهد ۳۳۵

۳۰۲ فیروز گوهری تجارت آزاد ۹۲۸۵۷ دلار

۳۰۳ هرمز قبادی تجارت آزاد بنا به اظهار بانکی بازرگانی

ص: ۱۷۸

احمد اعظمی دکتر جراح در ارتش ۰۰۰

ساختمان که از یکی ۱۰۰۰ دلار

اجاره می گیرد.

۲۰۰ دلار پول و یک قطعه / ۳۰۵ عبدالله آرین افسر بازنشسته ۰۰۰

زمین و ۱۲۰۰ دلار حقوق

۳۰۶ پرویز بنان افسر بازنشسته یک آپارتمان (به گفته خودش

۳۳۰/۰۰۰ دلار پول نقد) و

ماهیانه ۲۵۸۹ دلار

۳۰۷ میرفتاح عدنانی فرقانی سرهنگ ۶ ملک به نام خود و همسر و

فرزندانش

و ۱۰۶۸ دلار ماهانه

۳۰۸ غلامحسین حاجی وزیری سرهنگ بازنشسته ۸۵۷۱۴ دلار و ماهانه ۸۷۶ دلار

حقوق

۳۰۹ ناصرالسادات جنت پور بازنشسته نیروی هوایی ملکی در تهران وحقوق ماهیانه

۷۵۰ دلار

۳۱۰ نصرت الله جوادی سرهنگ بازنشسته ژاندارمری ۱۱۸۶۳۹ دلار و ماهیانه

۷۹۸ دلار حقوق

۱۹۰ دلار پول / ۳۱۱ عباس کمالی زنوزی افسر محافظت شرکت نفت به گفته خودش ۰۰۰

با خود خارج می کند و ماهانه

۱۳۹۶ دلار درآمد (باحقوق)

۳۱۲ خانم ضیاءالملوک کهیاری ملکی در شمیران

۳۱۳ غلامعلی کهیاری خانه ای در آمریکا وملکی در تهران

و ۲۳۰۰۰ دلار بنام فرزندانش و

ماهیانه حدود ۷۱۵۰ دلار درآمد

۳۱۴ محمد حسن خشایار ژنرال بازنشسته ارتش ۵۰۰۰۰ دلار در آمریکا سرمایهگذاری

کرده و کلاً بین ۶۰۰۰۰ تا ۷۰۰۰۰

دلار

به آمریکا برده است.

۳۱۵ منوچهر میرمطهری سرهنگ بازنشسته ارتش کلاً ۵۶۲۹۴۷ دلار و ماهانه ۵۰۰ دلار

۳۱۶ غلامرضا متقی افسر بازنشسته نیروی دریایی ۲۲۷۹۹۰ دلار و ۱۵۲۸ دلار ماهیانه

۳۱۷ نادر میرزایی سرهنگ و خلبان ۲ ملک و ۳۰۰۰۰۰۰ دلار پول نقد

۳۱۸ محمد علی میرغفوری سرلشگر بازنشسته شهربانی ماهانه ۱۵۲۴ دلار

۳۱۹ ایرج شعاع آذر سرخلبان مشروب فروشی ۱۲۷۳۷۹ دلار

۳۲۰ داریوش طهماسبی قره شیران سرگرد توپخانه ۳ ملک ۲۷۶۲۱ دلار □ یک ماشین

۳۲۱ ابوالفضل طوماریان سرهنگ یک ملک و ۷۶۸ دلار

۳۲۲ محمد توتونچی سرهنگ

۳۲۳ عزیزالله یوسفی دکتر ۴ ملک و ۱۲۶۴ دلار ماهانه

و ۷۵۹۸۰ دلار

۳۲۴ عنایت الله ذره پرور سرگرد ۱۱۴۲۸۵ دلار سرمایه ۲ □ ملک□

سرمایهگذاری و حقوق

۳۲۵ حسن زکی زاده سرهنگ زمین و خانه به ارزش ۲۴۲۸۵۷

دلار و ۹۱۴ دلار حقوق.

۳۲۶ محمدمهدی دریهمسرش، ۲۰۲۰۰۰ دلار سرمایه

ص: ۱۸۰

مقدمه

مزدوران و کسانی که سالها هستی این ملت را چپاول کردند، بعد از سقوط رژیم دست نشانده محمد رضا خانی، آمریکا سعی در خروج ارز از ایران داشته اند.

جناب سعید شهابی پور صاحب دارالترجمه و اخذ پذیرش «شهاب» از این طایفه است و پرونده وی در لانه جاسوسی نشان می دهد که سعی داشته با وجودی که تحت تعقیب دادگاه بوده است از طریق مزدوران آمریکایی اموال غارت شده این ملت را از مملکت خارج کند.

اسناد، نشان دهنده مشخصات او، آدرس بعضی دوستان او، اعلامیه جلب او به دادگاه و تقاضای او از دادگاه شمیران برای تعویق محاکمه و تماس او با مزدوران آمریکایی برای پیدا کردن شکل خروج ارز می باشد. به امید روزی که ریشه چپاولگران و غارتگران در این مملکت سوزانده شده و از بیخ و بن کنده شود. انشاءاللّه.

شرحی درباره آمدن یک ایرانی

۳۰اکتبر ۷۹ (۸ آبان ۱۳۵۸)

شرحی درباره آمدن یک ایرانی

در روز یکشنبه ۲۸ اکتبر ۷۹ من در قسمت کنسولگری مشغول کار بودم.

من پشت پنجره صدور ویزا بودم و موقعی که یک مرد ایرانی حدود ۳۰ ساله نزدیک پنجره آمد و شروع به صحبت کردن با من کرد. او شغلش را و شماره تلفنش را به من داد که اسمش در آن نوشته شده بود. نامش شهابی بود. من به او گفتم فعلاً مشغول کار هستم اما به او گفتم که ساعت ۵/۳ بعد از خاتمه کار با او تماس خواهم گرفت. من کارم را در ساعت ۱۵/۳ تمام کردم و به آپارتمان خود رفتم که به او زنگ بزنم. سکرترش جواب داد. من سؤال از آقای شهابی کردم او گوشی را برداشت و از من خواست تا با پسر عمو،

پسردایی، عمه زاده یا خاله زاده اش آقای ... صحبت کنم زیرا انگلیسی او به اندازه کافی خوب نبود.

آقای ... پشت خط آمد و ما برای ساعت ۱۲ روز ۲۹ اکتبر وعده نهار گذاشتیم. او گفت که او مرا در درب موتور پول در خیابان تخت جمشید سوار ماشین خواهد کرد. روز دوشنبه صبح من به او تلفن کردم تا ملاقات را لغو کنم زیرا من کار داشتم و قرار برای دوشنبه شب گذاشتیم.

در ساعت ۴۵/۱۱ بعد از ظهر او مرا سوار کرد، از در موتور پول با ماشین بیوک قرمزش (۱۷۴؟) با سقف پلاستیک سفید.

برادرش، شهابی، رانندگی می کرد و من و ریموند صندلی عقب نشستیم، سپس ما به هتل هما رفتیم (قبلاً شرایتون) نام داشت و به زیرزمین، رستوران قهوه رفتیم. در خلال این مدت ما مشغول مباحثه بیخود بودیم. بعد از حدود ۱۰ دقیقه از رستوران قهوه و پس از اینکه ما دستور چیزی برای خوردن و نوشیدن، دادیم، او بحث را به کاری که داشت کشاند. او گفت که می خواهد پول از ایران به آمریکا انتقال دهد، بیشتر به لوس آنجلس و کالیفرنیا. او از من پرسید که اگر من دوست داشتم که مبلغ زیادی پول به دست آورم. او توضیح داد که تنها کاری که من باید انجام دهم دادن ویزا به پاسپورتی است که به من خواهد داد، البته تمام اینها در شب انجام خواهد شد. من توضیح دادم که من نمی توانم این را انجام دهم زیرا در پایان وقت اداری همه چیز قفل خواهد شد. او سپس گفت ممکن است در روزی بتوانم کلید با مهر را گرفته و توسط ماشین کپی بگیرم و شب داخل شود که کار را انجام دهم. او گفت که برای هر ویزا ۱۰۰۰ دلار به ما دو نفر خواهد

داد. او گفت اگر من نتوانم این کار را انجام دهم بعضی از معاونین کنسول را در جریان بگذارد، او گفت ( ) یا کسی دیگر ریچارد کوئین. او محل زندگی آقای کوئین را می داند. او از من خواست در این باره فکر کنم و به او تلفن کنم؛ اگر مایل باشم به او کمک کنم. همچنین او به من نشان داد که پول دارد که به صورت سه دفترچه چک بود از ایالات متحده و همچنین بیشتر از ۱۵۰۰۰۰ ریال پول نقد در جیبش.

او از محل کارش در خیابان پهلوی گذشت و همچنین گفت که او یک ماشین دیگری برای کارش دارد یک شورلت ۷۳. او گفت اگر من به وسیله نقلیه احتیاج داشتم، فقط به او زنگ بزنم. من ساعت ۲ بامداد ۳۰ اکتبر به سفارت برگشتم. از آن موقع من از او خبری ندارم و با او تماس نگرفته ام؛ من این حادثه را به درجه دار مسئول کارمند امنیت منطقه ای صبح سه شنبه گزارش کردم.کوین هرمنینگ

شبکه بین المللی جعل پول

جعل، دزدی و تقلب برکل شئونات جامعه های بیمار جهان حاکم است؛ بر سیاست، فرهنگ، اقتصاد و ...

در این میان شاه دزد کیست؟ آمریکا، غول قداره بند میان تهی.

به هر کشوری پا گذاشته شود، نقش دلار به عنوان سمبل وابستگی اقتصادی و مکنده شریانهای پولی آن کشور چنان واضح است که جنایات ماشین جنگی آمریکا و قتل عام های دسته جمعی آن ...

دلار به هر کجا که پا بگذارد فساد است و تباهی. زجرکشیدگان تاریخ در تاریک ترین مکانها و سخت ترین شرایط زندگی می کنند و جاعلان دلارها و ریالها و مارک ها بی هیچ رنجی و بی هیچ زجری به یمن شبکه های قدرتمند «جعل»، «رشوه» و «فساد» و «جنایت» و رهبری سازمانهای کثیف و «مافیا» و «موساد» و «انتلیجنت سرویس» و ... در کاخها و قصرهایی زندگی می کنند که شمشیر «علی وار» می باید آن را از بن ویران سازد.

اسنادی که خواهد آمد نشان دهنده شبکه بین المللی جعل پول است که در ایران بشدت فعالیت داشته و

لانه جاسوسی آمریکا علیرغم اطلاعات وسیع در مورد این شبکه و ارتباط با عوامل آن، دولت ایران را در جریان این شبکه قرار نداده است. شبکه ای که وجودش و کارش تخریب اقتصاد پولی این ملت زجر دیده بوده است. این سند اعلام جرمی است بر علیه غول جهانخوار آمریکا، غولی که ستونهای نگهدارنده اش شقاوت و جنایت و خیانت و دزدی و جعل و فریب و کشتار و توطئه و کودتا ... می باشد.

به امید آن روز که فریاد و خروش و رزم مستضعفان و مسلمانان جهان آمریکا را آن چنان درهم پیچد که نه از «تاج» نشان ماند نه از «تاج نشان».

اطلاعاتی درباره شبکه پولهای تقلبی

ص: ۱۸۲

شماره سند ۱۰۳۶۷

از: سفارت آمریکا در تهرانتاریخ ۲۵ سپتامبر ۷۹ (۳ مهر ۱۳۵۸)

به: وزیر امور خارجه واشنگتن فوری

موضوع: اطلاعاتی درباره شبکه پولهای تقلبی

۱ متن تماما محرمانه

۲ در ۲۰ سپتامبر ۱۹۷۹، رسول کاظمیان با دفتر امنیتی تماس گرفته و اظهار می دارد که او اطلاعاتی درباره یک باند بین المللی که دلارهای تقلبی چاپ می کنند، دارد.

کاظمیان که در دو مورد با او مصاحبه شده اطلاعات زیر را درست به همان روشنی که در لیست دلارهای تقلبی وجود دارد، در اختیار ما قرار داد.

۳ بر طبق اظهارات منبع، یک سازمان بین المللی وجود دارد که دلار و مارک آلمان تقلبی را به طور قاچاق برای فروش وارد ایران و سایر کشورهای خاورمیانه می کند.

کاغذ این اسکناسها در پاریس تهیه و اسکناسها در استانبول چاپ می شود. منبع ترتیبی داده یک نمونه از دلارهای تقلبی را برای اداره امنیت منطقه ای به دست آورد.

اسکناسهایی که او تهیه کرده قسمتی از یک محموله نیم میلیون دلاری است که در طول هفته ۱۰ سپتامبر به طور قاچاق به تهران رسیده است.

محموله دوم که حدود یک میلیون دلار می شود احتمالاً در هفته اول اکتبر به تهران خواهد رسید. بر طبق اظهارات منبع اسکناسهای سری اول، بر روی کاغذ خوبی چاپ نشده و درست بریده نشده. تصور می شود که محموله دوم در کاغذ بهتری چاپ شده باشد. منبع اضافه کرد که در وارد کردن اسکناسها عجله دارند زیرا هنگام بازگشت حجاج است.

۴ منبع بیان کرد که با باند قاچاقچیان از طریق دو مرد ترک (اهل ترکیه) که به طور غیر قانونی در ایران ساکن هستند، تماس گرفته است. اولی که فقط نام کوچکش را می دانیم (شافکی) نام دارد و ۳۳ تا ۳۵ ساله به نظر می رسد. نفر دوم نیز فقط با اسم کوچک (هولیس) مشخص شده و ۲۸ تا ۳۰ ساله به نظر می رسد.

۵ منبع اظهار می دارد که اولین تماسش با شافکی تقریبا سه سال پیش در ضمن خرید اتومبیل اتفاق افتاد. منبع که ترکی صحبت می کند، از طریق یک دوست معرفی شده و او به شافکی در خرید اتومبیل کمک کرده است. منبع ادامه می دهد که او به شافکی برای خرید یک اتومبیل برای او پول داده ولی شافکی بعد از آن دیگر ناپدید شده. تقریبا ۲۵ روز قبل منبع شنیده که شافکی به تهران برگشته و بالاخره می تواند با او ملاقات کند. انگیزه منبع برای تماس با او پس گرفتن پولش بود. در این تماس شافکی به منبع، پیشنهاد وارد شدن در توزیع دلارهای تقلبی را می کند.

منبع اظهار می دارد که او مورد اعتماد شافکی قرار گرفته است. زیرا او شافکی را به عنوان دزد تحویل پلیس نداده است. منبع این گونه فهمیده است که این دو مرد برای شخص دیگری که در ترکیه است کار می کنند. همچنین آنها شخصا پولها را وارد ایران نکرده اند، بلکه اشخاص دیگری در قاچاق پولها دست داشته اند و معتقد است که بیشتر پولها به وسیله کامیون حمل شده. شافکی و هولیس هر دو سعی خود را کردند تا منبع را به فروش اسکناسها راضی کنند و نیز منبع اظهار داشت که آنها از وجود جوانان خارجی برای خارج کردن پول استفاده می کردند. (توضیح: هم اکنون بازار مناسبی برای پولهای تقلبی در ایران

وجود دارد زیرا بسیاری از ایرانیان از خارج کردن پولهایشان از کشور مأیوس شده اند)

۶ منبع ادعا می کند که هنوز به داخل شدن در این شبکه موافقت نکرده اما مایل است در صورت موافقت اداره، اگر نفعی از نظر اطلاعاتی داشته باشد، وارد شود.

منبع می گوید که بدین ترتیب او اطلاعات دقیقی در مورد هویت تهیه کنندگان اسکناسها در فرانسه و ترکیه به دست خواهد آورد.

منبع منتظر کسب تکلیف از شما در مورد وارد شدن در این شبکه است. اداره امنیت منطقه ای توصیه کرد که او باید منتظر دستورات بعدی باشد.

۷ در ۲۵ سپتامبر منبع با اداره امنیت منطقه ای تماس گرفت. به او گفته شد که شافکی و دو مرد ناشناس دیگر در تاریخ ۲۹ سپتامبر تهران را با اتوبوس به مقصد آلمان ترک خواهند کرد.

۸ اسکناسهای مشکوک به مرکز ارزیابی اداره امنیتی فرستاده شده و مورد آزمایش قرار گرفت امیدوارم از نتایج آزمایش راضی باشیم.

۹ این اطلاعات برای ارزیابی سرویس مخفی آمریکا تهیه شده. سرویس مخفی آمریکا در پاریس احتمالاً کاوشهای ارزشمندی در مورد سفر اشخاص مربوطه به آلمان (که در بالا ذکر شد) خواهد کرد.

۱۰ برای سرویس مخفی آمریکا: از سرویس مخفی آمریکا بخواهید هر نوع عملیات و یا اطلاعاتی را از این اداره لازم دارد، توصیه کند.

۱۱ از اداره امنیت: در مورد اینکه به وسیله چه کسی این اداره اطلاعات را دنبال خواهد کرد، راهنمایی بخواهید.

لینگن

ص: ۱۸۴

شماره سند ۵۵۲۸۱۴

از: سفارت آمریکا در پاریسمحرمانه ۱۲ اکتبر ۱۹۷۹ مطابق با ۲۰ مهر ۵۸

به: سفارت آمریکا در تهرانموضوع: واسطه ناشناس استانبول

۱ تمام متن است.

۲ فرد مورد نظر رسول کاظمیان در سرویس مخفی آمریکا در پاریس پرونده قبلی ندارد. لکن نمونه جعلی اسکناس ۵۰ دلاری و ۱۰۰ دلاری که در تلکس شما تعریف شده است در پرونده تحت اعداد مشخصه ضبط شده که اول بار در دمشق در جولای ۱۹۷۷ کشف گردیده است.

۳ از آن زمان تاکنون اسکناسهایی از این نوع در خاورمیانه خیلی زیاد شده اند.

۴ در مارس ۱۹۷۸ یک کارگاه که گفته می شد گروه مادری (هسته مرکزی) دلارها و فرانک سویس را چاپ می کرده است در منطقه آسکودار) استانبول کشف گردیده و مسئول چاپ یعنی آپیک) دستگیر شده است و یازده فرد دیگر را به عنوان همکار در عملیات معرفی کرده است. همچنین یک دستگاه چاپ نگاتیو، صفحه چاپ، ۱۶۰۰ اسکناس جعلی ۱۰۰ دلاری آمریکا و مقدار نامعینی پول قبرسی() به دست آمده است.

۵ در موقع بازجویی آپیک به چاپ پولهای جعلی اعتراف کرده و گفته که یک میلیون دلار آمریکایی به سوریه فرستاده شده است که از آنجا در تمام دنیا پخش خواهد شد.

۶ مشخص نیست که آیا تمام نگاتیوها و صفحه ها گرفته شده اند یا نه. احتمال می رود که یک عملیات چاپ هنوز به کار خود مشغول باشد، ولی اسکناسهایی که کاظمیان به آنان اشاره کرده شاید باقیمانده های محسوب نشده یک میلیون دلاری باشد که آپیک گزارش داده است.

۷ سرویس مخفی آمریکا در پاریس می خواهد با کاظمیان ملاقات کند، ولی ملاقات بهتر است در ترکیه

باشد. محل، وقت و زمان مشخص را می توان توسط دفتر شما (تهران) با توافق بین کاظمیان و سرویس مخفی آمریکا در پاریس تعیین کرد.

۸ در مورد قاطی شدن کاظمیان در عملیات جعل پول، سرویس مخفی آمریکا در پاریس توصیه می کند که او خودش را در اعمال غیر قانونی قاطی نکند.چنانچه او توسط مقامات محلی دستگیر شود سرویس مخفی آمریکا نمی تواند کمک بکند.

۹ اگر لازم باشد سرویس مخفی آمریکا مخارج رفت و آمد کاظمیان را برای یک ملاقات خارج از ایران تأمین خواهد کرد.

۱۰ در ملاقات، کاظمیان باید اطلاعات تحقیقاتی در مورد تمام مسایل و افراد اصلی در اختیار ما بگذارد و همچنین نمونه هایی از اسکناسهای جعلی هر چه بیشتر همراه داشته باشد.

۱۱ سیاست پاداش سرویس مخفی آمریکا برای اطلاعات کاملاً به نتایج تحقیقات بستگی دارد. این تصمیم بعد از هر دستگیری و یا کشف اسکناسهای جعلی اتخاذ خواهد شد.

۱۲ خواهشمندیم با کاظمیان با اطلاعاتی که داده شد ملاقات کنید و سرویس مخفی آمریکا در پاریس را از تصمیمات او برای ملاقات با مأمور ما مطلع سازید.

۱۳ از همکاری شما در این زمینه متشکریم.هارتمن

خروج ارز به شکل غیر قانونی از ایران توسط وابسته دفاعی آمریکا

مقدمه: خروج ارز به شکل غیر قانونی از ایران توسط وابسته دفاعی آمریکا

سران مزدور ارتش محمدرضا خان همه مهره های آمریکا بوده اند... عده ای از آنها به عدم فرستاده شدند، عده ای فرار کردند ... و آنها که فرار کرده اند تحت حمایت اربابشان آمریکا ...

یکی از این غلامان حلقه به گوش آمریکاییان، وابسته دریایی ایران در آمریکا، سیروس بهارمست می باشد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بر رژیم محمدرضا خانی آمریکا، سیروس بهارمست در آمریکا می ماند و در تلاش پناهندگی سیاسی ... اگر از آمریکا پناهندگی سیاسی نخواهد از که بخواهد، مگر نه آنکه نوکر بزرگشان محمدرضا نیز به آمریکا رو آورد. سیروس بهارمست ضمن ترتیب پناهندگی و درخواست پناهنده شدن دائمی در آمریکا از طریق سازمان اطلاعاتی وزارت دفاع آمریکا و توسط آقای کلنل شیفر، وابسته دفاعی آمریکا در ایران سعی به خروج ارز به شکل غیر قانونی از ایران می نماید. شیفر، این وابسته دفاعی و به تعبیری جاسوس و مزدور آمریکایی در تدارک انتقال اموال باقیمانده جناب سیروس بهارمست از ایران می شود. اسناد به خوبی نشان دهنده این امر است.

به امید رسوایی هر چه بیشتر آمریکا در صحنه بین المللی.

همردیفان شما در واشنگتن فقط به کارمند کنترل تحویل دهید

شماره سند ۲۷۴۶

از: اداره جاسوسی دفاعی واشنگتن (D.C) سرلشگر آتکینسن

به: دفتر نظامی آمریکا ایرانسرّی ۲۷ مارس ۱۹۷۹ ۷ فروردین ۱۳۵۸

موضوع: همردیفان شما در واشنگتن فقط به کارمند کنترل تحویل دهید

۱ همان طوری که ممکن است شما انتظار داشته باشید ما نشانه های محکمی داریم که وابستگان نظامی ایران در واشنگتن همه از دستور برگشت به ایران سرپیچی خواهند نمود. در حقیقت، وابسته نظامی

وابسته نظامی دریایی اینجا سرهنگ (سروان) سیروس بهارمست در حال دادن ترتیب اعلان پناهندگی و درخواست پناهنده شدن دائمی در اینجاست. او از ما کمک خواسته است که این قضیه را خاتمه بدهد.

۲ در میان مشکلات مشخصی که فعلاً او با آن روبروست از دست دادن درآمد و توقیف اموال او در ایران است. او قبلاً شروع کرده که داراییهای خود را در آنجا نقد کند و هر چه نقد باقی مانده نزد خواهر زن او یعنی خانم فاطمه داوری است که وی قبلاً سعی کرده که مقداری نقد از طریق بانک بفرستد ولی هرگز اینجا نرسیده است.

۳ تحت اثرات گذشته، ما تصمیم گرفته ایم که بهترین منافع آمریکا در این است که به درخواست او پاسخ مثبت داده و به او کمک کنیم که باقیمانده دارایی او که برابر با ۹۷ هزار دلار می شود (شرایط تبدیل پول در اینجا مشکل او است) از ایران خارج کنیم. مدیر و مشاور عمومی در مورد برنامه های زیر توافق دارند: خانم داوری ترتیب خواهد داد که وجه را به سرهنگ شیفر بدهد که این وجه را از طریق بسته کنترل شده از طریق پست سیاسی به سرهنگ دان سی وینر ارسال نمایید. سرهنگ وینر ترتیب تحویل وجه را به بهارمست خواهد داد.

۴ از شما درخواست می شود قبل از انجام برنامه فوق تأیید شخصی سفیر را بگیرید و ما را از طریق یک کانال کنترل شده در مورد پیشرفت کارها راهنمایی کنید. توجه: اگر قبل از اینکه تماس اولیه با خانم

داوری گرفته شود موضوع منتفی شد، بدون در نظر گرفتن (نتیجه کار) ما را راهنمایی کنید. نظر سفیر و مکاتبات را در کانال کنترل شده حفظ کنید، تا فقط به دست سرلشکر اتکینسون و سرهنگ وینر برسد.

طرف مقابل در واشنگتن

سند شماره ۲۷۶۶سرّی ۳۱ مارچ ۷۹ ۱۱ فروردین ۱۳۵۸

از: دفتر وابسته دفاعی آمریکا در تهران(این سند نباید در دسترس افراد غیر آمریکایی قرار گیرد)

به: ریاست، از سرهنگ شیفر به اداره جاسوسی دفاعی، فقط سرلشکر اتکینسون و سرهنگ وینر

موضوع: طرف مقابل در واشنگتن

عطف به: نامه سرّی شماره ۲۷۶۶ به تاریخ ۲۷ مارچ ۷۹

۱ (سرّی) ما فکر می کنیم که کمک کردن به افراد مایل ما در آمریکا بیشترین نفع را برای آمریکا دارد. اگر چه سفیر سولیوان، استفاده از پست سیاسی برای فرستادن پول را مناسب نمی داند، ولی پیشنهاد شده ما در جستجوی طریق دیگری برای انجام انتقالات باشیم و ما هم همین کار را کرده ایم.

۲ (سرّی) اگر تمام وجه در حدود ۷ تا ۹ هزار دلار باشد، ما می توانیم این انتقال را به صورت دیگری انجام دهیم. پول را می توان به وابسته دفاعی به عنوان وجه خرید یک ماشین پرداخت کنیم. سپس وجه به دلار تبدیل می شود و یک چک از پاریس برای وابسته دفاعی یا بانک او در آمریکا فرستاده می شود. بزرگترین مزیت این روش این است که قیمت تبدیل رسمی دلار در تهران ۷۴ ریال است و این خیلی بیشتر به نفع ما است تا در آمریکا که ۱۵۰ ریال به ازای هر دلار است.

شماره ۲/۴۱۷۱تاریخ: ۹ آوریل ۱۹۷۹ (۲۰ فروردین ۱۳۵۸)

از: اداره جاسوسی دفاعی آمریکاسرّی: غیرقابل رؤیت برای افراد با ملیت های خارجی

به: سرهنگ توماس شیفر دفتر وابسته نظامی آمریکا در تهران

سرهنگ شیفر عزیز (طبقه بندی نشده): لطفا به نامه ما به شماره ۲۷۴۹ (۲۷ مارس ۷۹) و جواب شما به شماره ۷۹۱۰۰ (۲۱ مارس ۷۹) مراجعه کنید.

به خاطر جواب شما متشکریم و با روش پیشنهادی شما موافقت می شود (به نظر می آید بهتر باشد).

(سرّی: غیرقابل رؤیت برای خارجیها): همراه با این نامه یک پاکت باز می بینید که در آن یک چک و یک نامه از سروان بهارمست به خواهر زنش موجود است. از شما درخواست می شود که روی پاکت نامه تمبر ایران را الصاق کنید و آن را در خارج از محدوده سفارت پست کنید. لطفا در پاکت نامه را قبل از پست کردن ببندید. (سرّی: غیرقابل رؤیت برای خارجیها): در این نامه اظهار شده که شما بعد از چند روز که نامه را در تهران پست کردید از یک تلفن همگانی به خانم فاطمه داوری تلفن می زنید و از او (خانم داوری) خواسته شده که طبق دستورالعملهای شما با شما ملاقات کند تا انتقال این وجه نقد انجام گیرد.

شماره تلفن خانم داوری ۶۸۷۳۸۸ می باشد. سرّی: اعمال بالا به این خاطر انجام می گیرد که ما فکر کردیم ممکن است تلفنهای سفارت و پست محلی (در داخل سفارت) تحت کنترل و مراقبت باشد. طریقه فرستادن پول نقد به سروان بهارمست طبق نظر شما خواهد بود. اگر کمکی از دست ما برمی آید حتما بگویید. سرّی: ژنرال تیگ ( ) از کمک شما در این مورد متشکر است همان طوری که تمام افراد دیگری که در این مسئله هستند از شما متشکرند. در مورد این کار و تمام کارهای سختی که الآن با آن روبرو هستید برایتان آرزوی موفقیّت می کنم. امیدوارم که اوضاع آنجا رو به بهبود برود.

ارادتمند دان سی. وینر

سرهنگ نیروی هوایی ایالات متحده

رئیس روابط خارجی

گوشزد موضوعات (پیام)

ص: ۱۸۸

سند ۶۴۲۶

از: بخش ایالت واشنگتن تاریخ: ۶/۲/ ۵۸

به: سفارت آمریکا در تهران (دارای تقدم)

موضوع: گوشزد موضوعات (پیام)

همان طوری که شما درخواست کردید و چون فرصتهای مناسب در هفته های آینده بیشتر خواهند شد. این جا یک مقدار عنوانهایی وجود دارد که می تواند ما را در ادامه گرفتن اطلاعات و یا افزودن آن یاری کند.

۱ روابط سیاسی درون رهبری انقلابی.

A) چه کسانی شخصیتهای مقتدری هستند، با داشتن یا بدون داشتن شغلهای رسمی (دولتی) چه کسانی را برای آینده تحت نظر داشته باشیم؟ به زندگینامه احتیاج داریم.

B) امیر انتظام و صباغیان چه پیوستگی سیاسی یا قدرت سیاسی دارند؟ ما اطلاعات نسبتا کمی در مورد این دو داریم.

C) یزدی در چه سلسله مراتبی قرار گرفته است. بعد از تغییر مکانش به (وزارت امور خارجه) آیا او قدرت به دست آورده است یا اینکه از قدرت او کم شده است؟

عکس العمل کارکنان وزارت امور خارجه در برابر او چه بوده است و آیا هیچ اثر قابل پیش بینی در سیاست به وجود آمده است؟

۲ برداشت مردم از بازرگان چیست؟ گروههای مخالف چگونه او را تلقی می کنند؟ آیا او رقیبی دارد؟

۳ ما اطلاعات جامعی درباره طالقانی و اطرافیان او در زمینه های مذهبی، غیر مذهبی نداریم.

۴ ما باید به طریقه سیستماتیک درصدد شناخت روندهای جامعه باشیم و این پایه مشخص شدن

زمینه های خاص سیاسی و اقتصادی را در برداشته باشد، تا آنها را تحت نظر بداریم و به طور متناوب گزارش کنیم.

از این زمره در مخابرات ما بسیار ذکر شده است:

«مردم آمریکا چگونه می بینند.»

۵ چه عملها یا رخوتهایی (از طرف دولت) از اواسط فوریه به ما کمک کرده یا به ما صدمه زده است؟ چگونه ما می توانستیم بهتر عمل کنیم؟

۶ گزارشات گفتگوهای نظامی خیلی مفید است. (گاهگاهی) خلاصه کردن آنها همراه با مشخص کردن روندها در بخشی مفید خواهد بود. اطلاعاتی از پلیس و ژاندارمری نیز باارزش می باشد.

۷ ما بی نهایت از گزارشات اقتصادی ارزشمند قدردانی می کنیم. ما می توانستیم از موارد رسمی بیمه، قیمتهای بازار، فروش، کسریها (کمبودها) استخدام و فشارها استفاده کنیم. بیکاران چگونه زندگیشان را تأمین می کنند؟

۸ نقشه ها و فعالیتها و قدرت دمکراتهای لیبرال (متین دفتری)، جبهه ملی سنجابی (چریکهای چپی «فداییها») گروههای مختلف مجاهدین، عناصر و افراد شاه چگونه بوده است؟

۹ گذران روستاها و ایالات به چه نحو است؟ به خصوص از نظر فراهم بودن غذا و محصول.

۱۰ وضعیت کوششها برای بستن یا فروختن و یا با کشتی پس فرستادن وسایل و اسباب و ادوات نظامی

چگونه است؟

۱۱ از دریافتهای سفارتخانه های مهم دیگر چه می توانید بگویید؟ (بگیرید)؟ شوروی مشغول چه کاری است؟

۱۲ وضعیت دانشگاهها، تلویزیون و دیگر وسایل ارتباط جمعی چگونه است؟

۱۳ وضعیت نقشه ها و تصمیمهایی که برای قانون اساسی و انتخابات گرفته می شود چگونه است؟

۱۴ خمینی، دولت موقت، چه کاری برای عفو عمومی ارتشیها، پلیسها و دیگران انجام داده اند؟

۱۵ در میان جشن، چهارم جولای را فراموش نکنید.

نامه رال. پل برمر سرم، اسکوار

سفارت ایالات متحده آمریکا

موضوع: نامه اداری محرمانه غیر رسمی

رال. پل برمر سرم، اسکوایتر

معاون دبیر اجرایی وزارت کشور

واشنگتن دی. سی.

جری (GERRY) عزیز

من این اواخر خیلی مشغول بوده ام و بدین جهت کمی تأخیر در مکاتبات به عمل آمده است. تصور می کنم که تو هم گرفتاری زیادی در رابطه با پیدا کردن کار جدید و انتقال داشته ای. از نامه شارن (SHARON)چنین استنباط می کنیم که دارد کارهایش را در میشیگان (MICHIGAN) ردیف می کند، اگر او نتواند به زودی به اینجا می آید. سال آینده پس از تعطیل مدارس به واشنگتن خواهد رفت. این مطلب را به او نگو، من از تو شنیدم.(۱)

جریانات در تهران کاملاً مهیج می باشند. طبعا ۸۵ درصد از وقت من صرف همکاری و کمک به تجار آمریکایی می شود تا آنها بتوانند اختلاف بین شکل انقلاب الفاظی و اصل عادی شدن روابط تجاری را تشخیص دهند. طرفداران خمینی جدا خواستار برگشت مردم به سر کار و شروع کارها می باشند. بدین منظور حاضرند که اقدامات لازم را بنمایند (و در اصطلاح انقلابی سازشهای لازم را بنمایند) در صورتی که آمریکاییها حاضر به اصلاح قراردادهای خود براساس تغییرات حاصله از انقلاب باشند. من در این زمینه موفقیتهایی حاصل کرده ام و مشکل عمده ام اغلب اوقات این بوده که بعضی از بازیگران آمریکایی که به منظور مذاکره با ایران می آیند متقاعد کنم به طوری که در اینجا سرشان به سنگ نخورد.

این امر موجب می شود که من به فعالیتهای سیاسی خود در ایران ادامه بدهم. آشکارا بگویم، من با موضع

آمریکا در ایران مبنی بر وجود یک حکومت دوگانه بازرگان و خمینی موافق نیستم. من تصور می کنم که مفهوم حکومت دوگانه (یا دو حکومتی) بدین جهت مشهور شده است که حاکی از آن است که ما حداقل می توانیم در بخشی از سیاستهای دستگاه نفوذ نماییم. اگر ادعا کنیم که خمینی تنها منبع قدرت است آن وقت باید توضیح دهم که ما چگونه می توانیم منافع خود در ایران را صرفا از طریق ارتباط غیر مستقیم و به وسیله یک شخص ثالثی که طبعا با ما، در بسیاری مسایل هم فکری ندارد حفظ نماییم (و تازه این امر خود چندان مورد قبول مردم که اصل قضیه هستند نیست).

به نظر من حتی اگر یک حکومت دو گانه در ایران وجود داشته است، با آمدن خمینی به عنوان منبع قدرت به سرعت عمر آن خاتمه داده شد. اقدامات شدید اخیر خمینی، برای ایجاد نظم و انضباط در رابطه با کردها، حملات او به چپگراها، بی توجهی عینی او به روشنفکران منتقد و ظاهرا ایجاد محدودیتهای موقتی برای مطبوعات در هفته های اخیر را من یک عکس العمل فوری و بی اساس که ناشی از خارج شدن حوادث از کنترل خمینی باشد نمی دانم. بلکه آن را یک نوع استفاده اصولی از قدرت توسط مردی است که علنا گفته است که او اشتباه کرنسکی (KERENSKY) را تکرار نخواهد کرد و بر خلاف او سلاح انقلاب را بر علیه طرفداران راحت طلبی که از نهضت برای مقاصد خودشان می خواهد استفاده کنند به کار خواهد برد، می دانم.

۱- نفوذ سیستم های سرّی در خانواده اشان و دوستانشان هم!

فکر می کنم در اینجا یک مسئله زمانی هم وجود دارد. خمینی می داند که مجلس خبرگان او که تحت نفوذ ملاها می باشد، مشغول تکمیل کردن یک قانون اساسی دلخواه برای جمهوری اسلامی مورد نظر او می باشد. در ظرف چند هفته آینده در عمل، انقلاب به عنوان یک موفقیت قطعی اعلام خواهد شد و حکومت دائمی جدیدی به کار خواهد افتاد. به نظر من بهترین هدیه الهی خمینی به انقلاب ایران وجود گروه مخالفی، خلع سلاح شده و دسته دسته شده و جمعیتی که نیاز به فرمان و اطاعت از حکومت دارد می باشد.

به علاوه، در این لحظه از زمان، خمینی قادر است در عرض چند ساعت با یک فرمان نیم میلیون از مردم را به خیابانها بکشاند. سپاه انقلاب او مشتاقانه خود را به سوی هر گروهی پرتاب خواهند کرد، چه آن گروه بتواند از خود دفاع کند یا نه. در عرض شش ماه یا یک سال، مرحله رهایی از جادوگری ناگزیر شروع خواهد شد، قدرت او در برابری با انتقادات کمتر خواهد شد و به تصور من در آن زمان ترجیح خواهد داد که دولت جدید او اقدامات اصلاحی را در جهت آزادی و رهایی از قدرتمندی شروع نماید. وقتی که خمینی حاضر به انجام این کار شود، آن وقت انتقادات را پذیرفته و دیگر نخواهد توانست آنها را به دور بریزد.

و اما نتایج این جریانات برای آمریکا چه خواهد بود؟ چنانچه خمینی قادر به تحمل دوران رهایی از جادوگری باشد شما دورنمای آینده برای ثبات داخلی را به زودی بهبود بخشیده و زمینه را برای تمامیت ارضی خدشه ناپذیری آماده کرده اید. به علاوه برای من روشن است که خمینی علاوه بر ایجاد نظم خواستار آن است که مردم را هر چه زودتر سر کار برگردانده و برای آنان یک زندگی آبرومند و حتی افزایش سطح زندگی آنان را براساس مقیاسهای محلی تأمین نماید. (به من گفته شده که یک حکومت جمهوری اسلامی معتقد و جدی را نباید به عنوان یک حکومت بیهوده یا عقب افتاده تلقی کرد).

منافع ما در تداوم دسترسی ما به نفت ایران باید از طریق توانایی دولت در حفظ نظم و آرامش در مناطق نفت خیز و نیاز آن به درآمد نفت تضمین گردد.(۱) منافع، در زمینه پرداختهای ایران از بابت درآمد نفت به آمریکا (از طریق خرید بیشتر توسط ایران) باید گسترده تر شود. (اگر با پاسخ ندادن به ابراز علاقه ها ضربه نزنیم) افزایش منافع، در ایران باید از طریق انتقال دلار حاصله از نفت به فعالیتهایی که ایجاد کار می کنند، انجام شود. این احتیاج به طور روزافزونی روشن می شود. برای این کار باید یا کالاهای معرفی را افزایش داد و یا طرحهای متمرکزی که احتیاج به کارگر زیاد دارد تأسیس نمود و آنها را در جهت ایجاد صنایع کارگرپذیر هدایت نمود. (فکر می کنم این امر خود نهایتا موجب افزایش تولید نفت نیز خواهد شد).(۲) نهایت امر اینکه خمینی مطمئن به خود با احاطه ای کامل بر اوضاع و احوال در داخل کشور و شک و بدگمانیهای فراوانی نسبت به غرب و جریانات غربی برای ما مشکلات جدی زیادی در بسیاری از زمینه ها و روابط چندجانبه ای (بین المللی) به وجود خواهد آورد. ما به خمینی در آینده نزدیک حداقل به همان اندازه احتیاج داریم که او به ما احتیاج دارد. بدین ترتیب ما چیزی که با آن خمینی را تهدید کنیم نداریم. (به عبارت دیگر ما دلیلی برای تهدید خمینی نداشته و این کار را نمی توانیم بکنیم) مخصوصا در سیاست

۱- و لابـد حالاـ هم که صـدور نفت به آمریکا قطع شـده است یعنی منافع نفتی آمریکا از بین رفته است شـیوه آمریکا نیز تغییر یافته و انفجار و انهدام تأسیسات نفتی را مدنظر قرار داده اند.

۲- آرزوهای امپریالیستی

مربوط به خاورمیانه، خمینی نیرویی خواهد شد که ما ناچاریم آن را به حساب بیاوریم.

جری! تصادفا آرزو داشتم که می توانستم بگویم که تماسهای خوبی با ملاهای مهم که تمام این مطلب را تأیید بکنند دارم. بدیهی است که چنین تماسی ندارم. من تماسهایی با بعضی از عوامل خمینی در جهان تجارت دارم. با نیم جین از افراد نیمه اصلاح کرده (ته ریش دار) ولی نسبتا منطقی، جوان و از مردانی که بعد از انقلاب در جریان کار قرار گرفته اند و نیز تنی چند از افراد قدیمی (اصطلاح «مردان جدید» در مورد این گروه هم به کار برده شده و منظور افرادی که بعد از انقلاب مسئولیتی دارند می باشند) و منطقی تماس دارم. معذالک بیشتر این مطالب نظریه شخصی و تعبیر آن است. علاوه بر من کارمند دیگری با من کار می کند و ما دو نفر در یک دایره ای که قرار است چهار نفر کار بکنند، کار می کنیم. من احتیاج فراوانی مخصوصا به یک اقتصاددان دارم. یک شخصی در دفتر ایران به نام مارک جانسون خودش را برای این کار داوطلب کرده است او دو ماه اینجا بوده است آیا فرصتی وجود دارد که یکی از کارمندان ارشد را بخواهید و او را برای این کار بفرستید؟ متأسفم از اینکه سخن به درازا کشید. با بهترین آرزوها.

ارادتمند. آندریو.دی.رسنز

سفارت ایالات متحده

تاریخ ۴ سپتامبر ۱۹۷۹ ۱۳/۶/۵۸

یادداشت برای قسمت سیاسی آقای لی مبرت

از قسمت اقتصادی آ دی سنز

عواقب و اثرات ترکیب سیاسی ایران به طوری که از تلگراف شما برمی آید کاملاً صحیح و مربوط به نظر می رسند. به نظر من شما پا را فراتر نهاده و اثرات سقوط حکومت دوگانه ایران را روی منافع آمریکا بیان کرده اید و یک (VIe) از من خواست تا نظریاتم را در این باره اعلام نموده شاید بتواند در تلگراف بعدی شما تا حدی مفید واقع شوند.

این نظریات عبارتند از:

به نظر می رسد که حکومت دو گانه ای در ایران وجود داشته، با آمدن خمینی... الی آخر. (بقیه نامه عینا از نامه قبلی به جری (JERRY) گرفته شده است.)(۱)

خمینی غیرروحانی ها را از انقلاب خود طرد می کند

شماره سند ۵۹۳۰

از: سفارت تهرانتاریخ: ۷ ژوئن ۷۹ ۱۷/۳/۵۸

به: واشنگتن وزارت امور خارجه دارای حق تقدم

گزارشگر: تامست

طبقه بندی: استفاده محدود اداری

موضوع: خمینی غیرروحانی ها را از انقلاب خود طرد می کند.

ترجمه خلاصه مطالب مهم (در صورت خیلی مهم بودن ترجمه کامل)

۱ (محرمانه تمام متن)

۲ خلاصه: در گفتگوی ۵ ژوئن ضمن یادآوری شانزدهمین سالگرد قیام سرکوب شده که برای خمینی آغاز انقلاب بود، خمینی هر کسی را که خارج از اسلام ارتجاعی او بود منحرف خواند و به آنها انتخاب تسلیم کلی یا انهدام را نمود. (پایان خلاصه)

۳ پس از موفقیت انقلاب در فوریه ۷۹، مقامات مسئول در ایران نگران تخفیف ماهیت خودرویانه سریع آن بودند و همچنین در جستجوی ریشه های آن در وقایع تاریخی (و ادعای استمرار از چه جایی).

اغلب اعضای دولت ایران و اکثر گروههای غیرمذهبی مبدأ آن را به سال ۱۹۵۳ دوره مصدق ربط می دادند. افراطیون چپ فداییان خلق آن را با تأسیس سازمان خویش در اواخر سالهای ۱۹۵۰ مرتبط می دانستند.

روز یادبود (۱۵ خرداد) عزای ملی در سخنرانی مخصوصی، آیت اللّه خمینی ادعا کرد که ۵ ژوئن ۱۹۶۳ نه تنها مبدأ انقلاب بود بلکه تأکید می کند که دیگر گروهها نیز در انقلابش مشارکت نداشتند.

۵ ژوئن روز قیام، اتحادی از بازاریان، عناصر زمینه داران و مسلمانان متعصب به رهبری روحانیون منجمله خمینی بر علیه انقلاب سفید شاه صورت گرفت. این برنامه تسلیم زمین و احیای حقوق زنان را دربر داشت.

۱- دنباله این سند در هیچیک از نسخ چاپ شده قبلی ترجمه نشده بود لذا برای حفظ امانت کلیشه سند عیناً آورده شد.

۴ بعد از شورشی که پس از سخنرانی خمینی صورت گرفت و به طور وحشیانه سرکوب شد و خمینی نیز توقیف گردید، اعمال رهبران مذهبی مانع محاکمه و اعدام احتمالی او گردید. شهدای آن شورش نیز از طبقه پایین بازاریان محافظه کار و محصلین مذهبی بودند.

۵ خمینی اخیرا مواجه با تشدید انتقاد و اعتراض شده است. کم توجهی او به مصدق، نخست وزیر قبلی، باعث انتقاد گروههای غیرمذهبی سیاسی شده است (منجمله بازرگان) گروه تروریستی فرقان مدعی ایده «اسلام بدون آخوند» شد؛ رئیس کانون وکلا اعلام کرد که قوانین اسلامی برای قرن بیستم کافی نیست؛ جبهه دمکراتیک ملی خمینی را دیکتاتور نامید.

۶ قسمت انتخاب شده از سخنرانی امام: حادثه ۵ ژوئن را که به وجود آورد؟ که آن را دنبال کرد؟ چه کسی از این پس رهرو آن است؟... طبقات پایین... کشاورزان... کارگران... مسلمانان شاغل بازار. این طبقه از مردم هستند که گفته می شود کشور را می گردانند، دیگری حقی ندارد... آنان که تصور می کنند جز اسلام رژیم قبلی را چیزی ساقط کرد. آنان که با ما مخالفت می کنند... بایستی درست ارشاد شوند اگر ممکن است... در غیر این صورت همان مردمی که رژیم را نابود کردند، این کانونها را منهدم خواهند کرد، نه عوامل انحصارا اسلامی، ملتی که از غربزدگی رنج دیده... شما، قضات ما، کانون حقوق بشر ما، از این قضات (غربی) تبعیت نکنید... این طبقاتی که انقلاب را به ثمر رساندند تحت عنوان حقوق بشرشان.... آنها که نظریات تفرقه طلبانه دارند، آنها که اسلام ۱۴۰۰ ساله را کهنه، غیرمقبول تلقی می کنند... اینها باید موضعشان را از سایر ملت جدا کنند برادران من، آنچه شما در جستجوی آن هستید در اسلام نهفته است. من به شما نصیحت می کنم از روحانیت جدا نشوید، اگر این نیرو از بین برود شما هیچ خواهید شد. خدایا تو شاهد باش که من حمایت از روحانی نمی کنم به خاطر اینکه خودم ملبس هستم... این است... آنچه مردم می خواهند. (پایان قسمت منتخب سخنرانی امام).(۱)

۷ به نظر برخی این تهدید صریح به نابودی علیه مخالفین چیزی جز تعهد بی تهدید ضمنی بروز جنگ

داخلی از طرف جبهه دمکراتیک ملی به خمینی طی نامه شان نیست و اینکه مسئله جدی گرفته

نمی شود، هر چند دیگران وحشت زده اند. به نظر آنها تشریح «انتخاب» از سوی خمینی آن چنان

خصوصیاتی دارد که گروههای غیرمذهبی اینک هیچ راهی جز انتخاب ائتلاف کلی (و کنار گذاشتن

اصول خود) یا باز کردن راه مخالفت ندارند. هنوز عده ای زیاد هستند که وضع خمینی را با بیان الهی

تلقی می کنند و ممکن است این سخن را به عنوان اجازه ای برای تشنج علیه هر گروه مخالفی به حساب

آورند.(۲)

۸ نظریه: در این مورد که خمینی در مورد نابودی منحرفین جدی است نشانه بارز شکاف مشخصی بین او

و منتقدین می باشد. تنها گروهی که خمینی حمله نکرده، دیگر آیات هستند که از او انتقاد کرده اند.

ترکیب یا همکاری آنها با گروههای غیرمذهبی این حمله را آرام می کند ولی امید منزوی کردن

۱- آنها که از اسلام ارتجاعی خمینی حرف می زنند آنها که نظرات و دیدگاههای اسلام امام و روحانیت را ارتجاعی می دانند با ناس (از مزدوران درجه اول) هم عقیده اند. همان عقیده ای. که شاه نیز در مورد امام و روحانیت ابراز می کرده. چرا واقعیات خودباختگان به ابرقدرتها را به خود نمی آورد!؟

۲- به طور کلی می توان گفت: سند دلسوزاندن آمریکا برای طیف وسیع (از نظر نام فرقه ها و اختلافات) ضدانقلاب را نشان می دهد همان گروههایی که خواهناخواه از نغمه های شوم و از سخنانشان سنخیت آنها با مواضع و تفکر آمریکایی آشکار است.

گروههای غیرمذهبی پیش از اینکه هر نوع تجمع نیروها حاصل بشود، وجود دارد. امکان بروز تشنج پس از این سخنرانی زیاد شده ولی خمینی آشکارا نیروی برنده را بر علیه هر گروه منفرد غیرمذهبی مخالف دارد، که ممکن است به صورت تهورآمیزی برای همکاری بین گروههای مختلف سیاسی و همچنین بین ایشان و متنفذینِ روحانیِ خمینی، بکار رود.

انقلاب پس از دو ماه

سند شماره ۴

گزارشگر: استمپلتاریخ: ۲۸/۱/۵۸

طبقه بندی: محرمانهشماره: ۰۱/۴۰۲۵

«انقلاب پس از دو ماه»

خلاصه: برنامه سیاسی اجرایی انقلاب اسلامی تا به حال در هم ریخته و آشفته بوده است. اسلوبهای حکومتی مشابه مشکلاتی را سبب شده و تولید برخوردهایی می کنند. نقش فلسطینیها در انقلاب ممکن است افزایش یابد. واکنش عمومی نسبت به عملکردهای انقلابی در هم ریخته و مغشوش می شود و هیچ یکنواختی در شور انقلابی مردم پدیدار نشده است. برنامه اقتصادی مشکلات سیاسی فعلی و آینده را تشدید می کند (پایان خلاصه).

۳ در اثر یک سری مکالمات و چندین ملاقات با دوستان ما در جنوب و شرق تهران بخش سیاسی مطالب زیر را در جهت آشکار ساختن چهره انقلاب اسلامی در دو ماه اخیر عرضه کرد.

۴ برنامه های اجرایی حکومت علیرغم در نظر گرفتن مشکلات انقلابی به سوی تباهی ادامه یافته.

خیلیها از اینکه با وجود دخالتهای روزانه کمیته ها در کار دولت (اصلاً کارهایی انجام می پذیرد؟) متعجبند؛ گرچه این دخالت بیشتر در امور امنیتی آشکار می شود. در جایی که کمیته مردم را دستگیر کرده، محاکمه

کرده و بدون اطلاع حکومت فعلی ایران می کشد؛(۱) این دوگانگی ساختمانی در دیگر ارگانها نیز به همین حد آزاردهنده است. مسئولین در ادارات دولتی از تصمیم گیریها و تهیه مدارك و اسناد تا زمانی که کمیته صلاحیت فرد را تصویب کند خودداری می کنند.

اوضاع که انتظار می رفت به نوعی بهبود یابد هیچ تغییر نکرده است. رشوه گیریهای مستقیم به طور قابل توجهی کاهش یافته است.(۲) بجز کسانی که این موقعیت را داشته اند که مدارك دولتی برای فروش زمین و اجاره ساختمان و از این قبیل چیزها فراهم کنند. اینها احساس می کنند که مهارت ایرانیها در این است که به سرعت راههای جدیدی در کنار اخلاق اسلامی بیابند. بخشش به مسجد مورد نظر افراد به نظر می رسد که متداول ترین طریقه ای باشد که در حال حاضر جریان دارد. در بخش اقتصادی تصمیم گیریها هنوز مغشوش و در هم است. اما از حالت وقفه ای و سستی که بعد از انقلاب پیش آمده بود و عملیات بانکی را متوقف کرده بود، بیرون آمده است. تولیدات صنعتی ناجور و ناهموار است. گزارشات از شیراز رسیده نشان می دهد که کلیه طرحها به کار افتاده اند، اما گزارشات تبریز به عکس است: اعتماد و اطمینان

۱- یعنی اوایل پیروزی انقلاب نوشته شده است جریان دستگیری محاکمه و اعدام مربوط می شود به ۱/۱/ از آنجا که این تحلیل در تاریخ ۲۸ دستگیری مزدوران رژیم سابق از قبیل هویدا و نصیری و... و تضاد بین کمیته ها و دولت در این امر نیز در سخنان نخست وزیر وقت آمده بوده است.

۲- با این حساب کاهش قابل توجه رشوهگیریها یعنی عدم بهبود در اوضاع از نظر آمریکا.

اقتصادی کم است و بیکاری مسئله ای است که در کمین سیاستهای اسلامی است و به آرامی آن را دنبال می کند.

۵ در فضای کاملاً سیاسی، رفراندوم پیروزی قالب بر محتوی بود و به طور گسترده ای حتی توسط ساده ترین افراد نیز اینچنین شناخته شد. وزارت کشور که به طور معمول انتخابات را اداره می کند، تقریبا به کلی در کنار خط بود. مسئولین وزارتخانه گفتند که کمیته خمینی به تنهایی کلیه کارهای انتخاباتی را انجام دادند. تشکیلات اداری در کشور اتفاقی می نماید و از مخفی بودن ورقه رأی خبری نبود و شمارش آرا در کلیه سطوح جامعه به یک چیز مسخره می نمود. از طرفی کلیه این مسایل سودمند بوده است و انتظارات بیش از حدی را که از این حکومت می رفت مأیوس ساخته است. البته این مطلب هیچ نقشی در بازگرداندن اعتبار حکومت نداشته است. حکومت فعلی ایران احتیاج دارد که حداقل خود را در مسایل جاری خیلی مستحکم تر و محکم تر و قوی تر نشان دهد. خصوصا در مسایل اجرائی قابل رؤیتی مانند ترافیک و تدارک خدمات.

۶ علت بزرگ سیستمی ضعف اعتبار اجرائی، تشدید ساختهای حکومتی متشابه، یعنی دولت بازرگان از یک طرف و کمیته های خمینی از طرف دیگر، می باشد. به جای از بین رفتن کمیته ها، آنها به دخالتهایشان در امور اداری و دولتی ادامه می دهند و تأثیر منفی بر تواناییهای دولت فعلی (در جهت سر و سامان بخشیدن به کارهای خود) وارد می کنند. استعفای وزیر خارجه، سنجابی، و شایعه استعفای وزیر دادگستری، مبشری و حتی استعفای خود بازرگان نمایشگر این مسئله است و برنامه های ناجوری که توسط کمیته های مختلف انجام شده است، انتقاد عموم را برانگیخته است. کمیته مرکزی وزارت کشور هفته گذشته با صدر حاج سید جوادی وزیر کشور درگیر شد و این هنگامی بود که حاج سید جوادی از مشورت در مورد انتصاب افراد ارشد امتناع کرد. در ۱۱ آپریل کمیته فرمان، به کارمندان وزارت کشور

دستور اعتصاب داد.

طبق گفته دو مدیر کل در حدود ۸۰٪ کارمندان به کار بازگشته اند اما اوضاع ناپایدار است. در حالی که اوضاع در وزارتخانه های دیگر به این بدی نبوده است، ما مطلع شدیم که برخوردهایی بین کمیته ها و وزارتخانه های دولتی در حداقل سه وزارتخانه دیگر (کار، آموزش و پرورش و دادگستری) و شاید دیگر وزارتخانه هایی که اطلاعات ما در مورد آنها کافی نیست، اتفاق افتاده است.

تأثیر این درگیری داخلی بین عناصری که به ظاهر از حرکت اسلامی مشترکی هستند، توانسته امید را در آنهایی که به تدریج شروع به رد کردن چیزهایی که حرکت اسلامی از آن طرفداری می کرده، زنده کند. به جای حرکت به سمت مصالحه و میانه روی خمینی و کمیته های انقلابی... باقی مانده اند.(۱) خصوصا در رابطه با عناصر رژیم گذشته و جایگزین کردن ارزشهای اسلامی در جامعه.فداییان و احزاب مارکسیست نیروهای تازه ای را به خود جذب کرده اند. در حالی که آنها نسبت به تشکیلات مسجدی اسلامیها ضعیف باقی مانده اند، سعی و کوشش تشکیلاتی شدیدی را در زمینه های سیاسی و نظامی به خرج می دهند. نشریاتشان به راحتی در تمام شهر قابل دسترسی است و پوسترهایی که چهره چه گوارا را نشان می دهد، به چشم می خورد. مأمور گزارشگر ما با دو ایرانی صحبت کرده. یکی یک دوست قدیمی که در کلاس سیاسی که از طرف فداییان در دو هفته گذشته تشکیل شده بود، شرکت کرده است. در این میهمانی شام نسبتا

۱- گروههای اسلامی که در آن زمان (و این زمان هم) مخالفت خود را با دولت حفظ نموده اند.

بزرگ از ۱۵ متخصص جوان که در جلسه حضور داشتند معلوم شد که فقط دو نفر از حرکت اسلامی بر علیه مارکسیستها طرفداری می کنند. این خبر است و قطعی نیست. چیزی که مشکل آفرین است این است که مدرنیستها در حرکت اسلامی در مقام تدافع بوده و حالت تدافعی به خود گرفته اند و فداییان و دیگر احزاب مارکسیست شروع خوبی در ایجاد یک پایگاه معتبر در بین جوانان و آینده سازان کرده اند، که این پایگاه را در یک ماه قبل نداشتند. عده ای از دانشگاهیان ایرانی متقاعد می شوند که فداییان با احتیاط شروع به پیشروی در جهت ایجاد پیوند با گروههای قبیله ای بزرگ هستند (در این نقطه نظر یزدی هم سهیم است).

۸ مأمور گزارش در یک فرصت غیرمنتظره این شانس را به دست آورد که نقشه های ماههای آینده مجاهدین را که توسط مسئول کمیته میدان ژاله تشریح می شد بشنود. مسئول گزارش در حال ملاقات در خانه دوست قدیمی نزدیک میدان ژاله در شب ۱۳ آوریل بود که چهار مهمان وارد شدند. مأمور سیاسی به عنوان کسی که به صاحبخانه درس می دهد معرفی شد و آن گروه چهار نفری از ارتباط با سفارت بی خبر ماندند. به سرعت مجمع با صحبتهای سیاسی آغاز شد چنان که اغلب گروهها در این روزها چنین می کنند. یک ضرب المثل معروف است که می گوید هر پنج ایرانی که جمع می شوند به سرعت هفت موضع سیاسی اتخاذ می کنند و این خصیصه ایرانیها را نشان می دهد. مسئول کمیته مجاهدین درباره نقش اساسی فلسطینیها در انقلاب توضیح داد. وقتی که به وسیله دیگران مورد سؤال قرار گرفت، توضیح داد که سازمان آزادی بخش فلسطین (PLO) هنوز از نظر نظامی به مجاهدین و فدائیها کمکهای اساسی می کند و مقداری هم کمک سازماندهی به جنبش خمینی می کند.وقتی که پروفسور ایرانی از مسئول کمیته که در مورد اظهارات سخنگوی دولت موقت (PGOI)انتظام، که گفت دولت موقت به سازمان آزادی بخش فلسطین کمک نظامی نخواهد کرد و گفت که این حرف برای خاطر غرب گفته شده، چون ایران هر وقت (PLO) احتیاج به کمک داشته باشد به او کمک خواهد کرد سؤال کرد، مسئول کمیته تصویری از ساختمان جنبش

اسلامی و تشکیلات آن که با کمک (PLO) ترسیم کرد و آینده خوبی را با توجه به شروع همکاری کمیته ها با دولت موقت پیش بینی کرد. تنها مسئله پافشاری مسئول کمیته روی این موضوع بود، که همکاری وقتی حاصل می شود که دولت موقت بیاموزد که دستورات کمیته را بهتر پیروی کند. یک نفر که بین حرف پرید، پرسید چه اطمینانی برای مجاهدین وجود دارد که (PLO) به طور مخفی فداییها را به قیمت مجاهدین تقویت نکند. مسئول کمیته بر روی این نکته مطمئن بود. دو نفر دیگر فکر می کردند که (PLO) و فداییان وجه مشترک بیشتری نسبت به هم دارند، تا (PLO) و مجاهدین، اما گروه موافق نبودند.تفسیر: طبق منابعی که در جلسات فداییان شرکت کرده اند، پرچمها و شعارهای (PLO) در مرکز اصلی فداییها به طور جدی وجود دارد و آموزشهای نظامی فداییها به کمک معلمهای نظامی که در لبنان آموزش دیده اند هر روزه انجام می شود. آموزش بر روی تمام سلاح های اتوماتیک و مسلسلها و بمبها انجام می شود.

۹ عکس العمل افکار عمومی نسبت به انقلاب نابسامان است، ولی به طور کلی آن را قبول دارند. خیلیها در خارج شهرها اصلاً تأثیر نپذیرفتند. طبقات پایین و متوسط پایین شعارهای انقلابی می دهند ولی تغییراتی در زندگیشان مشاهده نمی کنند. طبقات متوسط از عدالت اسلامی می ترسند ولی این مسئله بر کسانی که در قسمت پایینی از ترازو هستند، تأثیری نگذاشته. کمبودها آنقدر طولانی شدند که دیگر به عنوان یک ناراحتی بی اهمیت تلقی می شوند. زندگی مقداری بهتر از زمستان سال گذشته است، در حالی که مقداری از حساب بهبود وضع اقتصادی طبقات پایین را به پای انقلاب می گذارند، مقدار بیشتر آن را

پای آمدن بهار می گذارند، از لحاظ سیاسی مردم کار خودشان را کرده اند و آماده اند که به کارهای روزمره بپردازند. دولت موقت و خمینی نتوانسته اند زمینه وحدتی تشکیل دهند، حتی تعدادی از ایرانیهای ساده که پایه های اساسی حمایت از خمینی می باشند پیش خودشان سؤالاتی در مورد جمهوری اسلامی خالص مطرح می کنند. از دست دادن جو سیاسی و ناتوانی دولت موقت در اعمال قدرت کامل، نیروهایی را به کار انداخته که ممکن است کسی نتواند آنها را در کوتاه مدت کنترل کند. این نیروها امکان دارد که بتوانند طی سه اضافه تا شش ماه آینده پایگاه قوی خمینی را خراب کنند و این در حالی است که تصویر اسلامی بهشتی که در پی آنند خدشه دار شده و عکس العملهای مغشوش نسبت به انقلاب در رابطه با اعدامهای انقلابی به طرز مثبتی عصبی می باشند. آنهایی که سنشان از ۳۰ سال کمتر است متقاعد شده اند که کشتن تعداد زیادی از طرفداران شاه عدالت است. والدین آنان و افراد متین تر حتی خیلی از آنان که هیچ گاه از حکومت سلطنتی حمایت نمی کردند، وحشت زده بودند. حداقل دو نفر از مسئولین سفارت در بخشهایی که ناشی از اختلاف بین دو نسل بوده شرکت داشته اند و جوانان کمیته عملاً در مورد عدالت اعدامهای انقلابی سر والدین فریاد می کشیدند طی هفته گذشته تهران شاهد پدیده های جدیدی بود. دسته های جوانانی که پدرانشان اعدام شده بودند جمع می شدند تا از پاسداران انتقام بگیرند. تعدادی شاهد عینی دیده اند که پاسداران کشته می شوند. یک ایرانی که صاحب چند مغازه کوچک در جنوب شهر می باشد گفت کشتارهای شبانه مخفی از ۱۰ ۱۴ آوریل حدود ۳۰ پاسدار را در حوالی مغازه هایش کشته اند. تدابیر امنیتی خوب نیستند ولی تدابیر سیاسی بدتر می باشند. جهت غیرانقلاب خیلیها در جنوب شهر را به طرف خودش می کشاند. مخصوصا آنهایی که داوطلب پاسداری توسط کمیته های محلی شده اند و کارشان گشتن خانه ها می باشد. با وجودی که اوضاع در کوتاه مدت قابل کنترل است، اگر اوضاع بدتر شود؛ شور انقلابی می تواند به درگیریهای داخلی تبدیل گردد.۱۱ تعدادی از شاهدان ایرانی معتقدند که

کم کم طبقه حاکم سابق از جانب انفعالی درمی آید و موضع تهاجمی می گیرد و این هر چقدر هم که ضعیف باشد، تدریجا با نارضایتیهای اقتصادی تلفیق خواهد شد و این دو می توانند تهدید و مشکلات واقعی برای دولت انقلاب و نهضت اسلامی به وجود آورند. همچنین عکس العمل ضعیف ولی قابل تشخیص ضدفلسطینی به وجود آمده و این به خاطر صحبتهای علنی مربوط به جایگزینی کادر تکنیسین خارجی توسط افراد فلسطینی بوده. انقلاب قولهای زیادی داد و توقعات را بالا برده. ایرانیها در بازی سیاسی اخیر «تو برای من چه کار کرده ای» خبره هستند و عناصری در نابسامانیهای سیاسی فعلی وجود دارند که به طور فعال سعی دارند به اختلافات میان نهضت اسلامی و دولت موقت دامن بزنند و سوءاستفاده کنند. تا به حال هیچ گونه زمینه وحدت ایدئولوژیک و یا تشکیلاتی نبوده و خیلیهای سعی دارند، با موضعگیری های جدید از فرصت استفاده ببرند و فقط ضعف تشکیلاتی خودشان موجب شده که تهدیدی برای دولت نباشند. در این رابطه تمیز دادن طالقانی از گروه خمینی و سرعت فداییان در حمایت از او نگران کننده می باشد. تظاهراتی که در ۱۵ آوریل آغاز گشته اند و گروههایی از دانشجویان و دانش آموزان که در تهران راه می افتند و سرود می خوانند یادآور دوره گذشته نوامبر و ژانویه می باشد و تجربه گذشته دوباره به طور جدی مطرح می گردد.

مصاحبه رادیو صدای آمریکا

ص: ۱۹۹

سند شماره ۵

از: سفارت آمریکا در تهرانطبقه بندی: سرّی

به: وزیر امور خارجه واشنگتن حق تقدمگزارشگر: ناس

موضوع: مصاحبه رادیو صدای آمریکا

۱ تمام متن سرّی است پیام گزارشی می باشد.

۲ در کلیه تماسهای اخیرم، مقامات دولتی به طور جدی، شکایاتی در مورد شیوه انتقادی که رسانه های گروهی غربی و مخصوصا آمریکایی در برابر دولت انقلابی پیش گرفته اند، مطرح کردند. افرادی که فعلاً سوار بر زین هستند، کم از پیشینیان نیستند و خیلی حساس می باشند، لذا ممکن است، آنها توطئه ای ببینند از جانب دولت آمریکا، صهیونیزم و غیره. همچنین پیامهای روزانه ما در حمایت از بختیار در ژانویه و سکوت رسمی ما (که من شدیدا از آن حمایت می کنم) در مورد دولت بازرگان طی چند هفته گذشته، را به یاد ما می آورند؛ البته هیچ علاجی برای بدبینی ایرانیها وجود ندارد ولی من معتقدم که ما باید کوششهایی را در نظر بگیریم که آمریکا دید مثبت تری نسبت به دولت ارائه دهد.

۳ مأمور سیاسی سفارت به من گفت، هنگامی که در اواخر مارس در واشنگتن بود، رادیو صدای آمریکا قرار بود از طریق یک مصاحبه در مورد ایران با شما تماس حاصل کند. این به نظر من برنامه عالی است و من امیدوارم بتوانید کار را به زودی به دست بگیرید. شما در این کار خبره هستید و می توانید در مورد موضوعاتی مانند عادی شدن روابط، پیوستگیهای تاریخی، منافع مشترک، دینامیسم تغییرات اجتماعی و غیره صحبت کنید البته بدون نزدیکی بیش از حد به دولت که این یا به ضرر آن و یا به ضرر خودمان خواهد شد.

ص: ۲۰۰

سند شماره ۶

آژانس بین المللی ارتباطاتمحرمانه ۲۶ سپتامبر ۱۹۷۹ یا ۴/۷/۵۸

ایالات متحده آمریکاواشنگتن دی سی ۲۰۵۴۷

یادداشتی برای: آقای هارولد، اچ . ساندرز

از: آژانس بین المللی ارتباطات ار تی کوران

موضوع: ارتباطات عمومی دیپلماسی بین ایالات متحده و ایران اکتبر ۱۹۷۹، فوریه ۱۹۸۰

براساس مباحثات انجام شده در دفترتان در تاریخ ۷ سپتامبر آژانس بین المللی ارتباطات موافقت می نماید، که شناسایی محتاطانه امکانات اضافی به منظور ایجاد ارتباط بین آمریکا و ایران در زمینه دیپلماسی عمومی، در ظرف ۵ ماه آینده کاملاً ضروری است.

به عنوان یک راهنمای عملی، ما سعی خواهیم کرد که روابط بین مؤسسات و نهادها، یک تصویر کلی از ارتباطات را که در تاریخ ۷ سپتامبر مورد تأیید قرار گرفت، تشویق نماییم. این گونه تماسها بر روی روابط دو جانبه استوار و تأکید خواهند شد. در این لحظه از زمان، باید متوجه بود که بسط و توسعه این گونه روابط بستگی به ایجاد یک جو حاکی از اعتماد و احترام می باشد. در مراحل اولیه، ایجاد روابط دوستانه و تفاهم بین اشخاص به طور انفرادی و شخصی حائز اهمیت فراوان می باشد. از طریق چنین تماسهای شخصی به دقت روابط بین نهادها و مؤسسات به وجود آمده، که این روابط به سهم خود می توانند روابط متقابل پیشرفته تر را استحکام بخشند.

زمینه های مساعد به منظور ایجاد و یا تجدید روابط عبارتند از ایران شناسی، علوم انسانی، علوم تجربی، آموزش زبان انگلیسی و امور ورزشی.(۱)

یکی از برنامه هایی که هنوز ادامه دارد اگرچه در سطح و مقیاس کمی می باشد، حرکت یک طرفه ایرانیان به

ایالات متحده می باشد که یکی از کارهای کمیسیون فول برایت می باشد. ایالت متحده باید حمایتهای مالی خود را از این عملیات ادامه داده و نیز به ایجاد روابط بنیادی و نهادی بین بخش خصوصی و عمومی در زمینه آموزش و پرورش در هر دو کشور اقدام ورزد. همچنین فعالیتهای قانونی برنامه ریزی شده در مورد مؤسسه آمریکایی برای مطالعات ایران شناسی باید تقویت گردد.

در داخل این چهارچوب عمومی و در پاسخ به پیشنهادات و توصیه های کاردار و کارمند روابط عمومی، ما می خواهیم راهها و امکانات ذیل را برای انجام بعضی اقدامات بررسی نموده و در صورتی که مقامات ایرانی نشان دهند که آنان نیز به تقویت و گسترش روابط، متقابلاً علاقه مندند، آنها را به مرحله عمل درآوریم.

۱ پیشنهاد کنیم که شخصیتهای کشوری و علمی که به طور دقیقی انتخاب شده اند از ایران دیدن نمایند. در صورت امکان این ملاقاتها به طور خصوصی ترتیب داده خواهد شد. افراد انتخاب شده باید معتبر بوده و خصوصیتشان با شرایط فعلی ایران متناسب باشد.

۲ از دانشمندان و شخصیتهای علمی اسلامی و در صورت امکان از شخصیتهای مذهبی دعوت نموده تا

۱- باید توجه کرد که دخالت امپریالیستها در امور ممالک دیگر گرچه در نهایت به منافع اقتصادی منجر خواهد شد اما راههای نفوذ ممکن است چنین نباشد در این سند نیز راههای نفوذ متفاوت ذکر شده اند.

در مراسم برگزاری جشنهای هجرت در آمریکا حضور یابند.(۱)

در این جریانات باید از نمایندگان مشابه سایر کشورهای اسلامی نیز دعوت به عمل آورد تا بر جنبه چند ملیتی بودن مراسم تأکید شود. امر نظارت باید به طور خصوصی انجام گرفته به طوری که کمیته برگزاری جشن هجرت نقش اساسی را بازی کند.

۳ با مؤسسات خصوصی از قبیل «بنیاد جانسون» و یا سمینارهای تشکیل شده از طریق دانشگاهها منجمله «مرکز شرق و غرب» مذاکره شده و از شخصیتها و گروههای علمی ایران دعوت شده، تا در آمریکا گرد آمده و موضوعات غیر بحث انگیز را مورد گفتگو قرار دهند. جلسات و گردهماییهای چند ملیتی ارجحیت دارند.

زمینه هایی که می توانند انتخاب شوند عبارتند از ادبیات، نویسندگی خلاقه، و یا امور مربوط به علوم و توسعه کتابخانه و کتابداری.

۴ تماس با چند نفر از مشاورین و مسئولان پذیرش دانشجویان خارجی که به نحو دقیقی انتخاب شده و محل کار آنان در دانشگاههای مشهوری است که در آنها دانشجویان ایرانی و اسلامی مشغول تحصیل هستند. هدف از کار این گروه عبارت است از: الف بررسی نیازها و گرایشهای دانشجویان ایرانی و تغییرات حاصله در آنها در اثر تحولات اخیر. ب طرح برنامه هایی برای تشکیل کنفرانس دانشجویان و یا سایر انواع مذاکرات در آمریکا در تاریخ مناسبی در آینده.

۵ بررسی و پیدا کردن راههای مختلف به منظور دعوت کردن دانشجویان ایرانی و شخصیتهای علمی به سمینارها و شرکت در پروژه هایی که تفاهم و روابط روشنفکرانه را تقویت می نماید. این کار را می توان از طریق مؤسسات آموزشی آمریکایی که در ارتباط با کشورهای اسلامی جهان سوم بوده و یا در امر مبادلات دانشجویی از آنها حمایت می کنند، انجام داد.

نمونه هایی از این دانشگاهها دانشگاه نبراسکا (NEBRASKA) دراماها (OMAHA)در پاکستان می باشد.

۶ افتتاح مؤسسه ICA/IAS (آژانس بین المللی ارتباطات و انجمن ایران و آمریکا) آموزش زبان انگلیسی و مؤسسات فرهنگی مشروط بر آنکه ادعاهای اداری جهت پرداخت خسارات و اموال مصادره شده، مورد قبول مقامات ایرانی قرار بگیرد.

۷ باید آگاه بود تا از فرصتهای مناسب جهت دعوت ایرانیان و شرکت آنان در برنامه های مبادله چند منطقه ای، مخصوصا امور مربوط استفاده نمود.

تذکر: صدای آمریکا یک برنامه ۳۰ دقیقه ای نمایش صبحگاهی که شامل اخبار و مطالب مربوط به اخبار می باشد، پخش خواهد نمود. به علاوه یک برنامه ۳۰ دقیقه ای دیگر در نیمه اول شامگاهی تحت عنوان نمایش شامگاهی خواهد داشت. برنامه شامگاهی گسترش یافته فرصت بیشتری برای پخش مطالب فرهنگی و تشریح عمیق آنها خواهد داشت.

برنامه نظریات شامل:

حوادث ایران خارج از جو سیاسی، یک سری از مطالعات ایرانی و اسلامی و مراکز آنها در ایالات متحده،

۱- البته اشغال جاسوسخانه آمریکا سبب بر هم خوردن تمام این برنامه ها شد.

و مصاحبه هایی با شخصیتهای علمی آمریکایی و ایران شناسان و شخصیتهای کشوری که شامل گروه وسیعی از نظریات درباره خط مشی های سیاسی و خارجی خواهد شد.

توزیع:

مدیرعامل، الیس ایلکمن، سای جمز ازبتر، هارولد اشیندمن، می تر استراس، می تر کنستایل، هاری پرفت

طبقه بندی شده توسط تی.سی (T.C)

سؤال طرح عدم طبقه بندی دستور اجرایی ۱۲۰۶۵ به طور اتوماتیک در فاصله هر دو سال یک بار کاهش یافته و در ۲۶ سپتامبر ۱۹۸۵ از بین می رود.

گزارش هفتگی ایران مشکل روانی و بعضی راه حل ها

تاریخ: ۲۰/۱۱/۵۷

فوریه ۱۹۷۹ یادداشت برای مدیرمحرمانه

موضوع: گزارش هفتگی ایران مشکل روانی و بعضی راه حل ها

این گزارش آخرین اخبار مربوط به ایران، وضع آن و اینکه چه کاری در مورد آن انجام می گیرد است. مخصوصا از دیدگاه ICA ۱ممکن است مدتی طول بکشد تا ایران موفق شود بحران سیاسیش را حل کند و دولت درازمدت با ثبات تشکیل دهد. به هر ترتیبی که بحران فعلی حل شود مشکلات جدی در بینش ایرانیان نسبت به آمریکا وجود دارد و این احتمالاً روابط بین ایران و آمریکا را تا مدتی مختل خواهد کرد. این مشکلات توسط یک جریان اخبار ضد آمریکا به داخل و در داخل ایران تشدید می شود. گزارش زیر مشکل را خلاصه کرده و اعمال انجام شده را مشخص می کند و پیشنهاداتی می دهد.

مشکل

خیلی از ایرانیان، در حالی که تنفر از خارجی را بروز می دهند، نفوذ آمریکا را قدرتمند و همه گیر

توصیف می کنند و این یک طرز تفکر سنتی است که در حال حاضر به صورت مخلوطی از واقعیت، خیالبافی، دوراندیشی و ترس درآمده و بستگی دارد که کی صحبت می کند، از کدام دیدگاه و در چه زمانی چیزی که خیلی روشن است، ترس ایرانیان از دخالت آمریکا می باشد.

در رابطه با این ترس و جریان ضد آمریکایی است که البته امکان دارد در درازمدت تنزل پیدا کند ولی روابط بین دو کشور را مختل خواهد کرد.

تفکر ضد آمریکایی در چند مسئله ریشه دارد:

۱ حمایت ما از شاه و در ادامه آن زیاده روی های دولتش.

۲ شناخت ما تحت عنوانهایی که دید منفی نسبت به آنها هست مانند مادی گرایی و غرب زدگی.

۳ چهره ما به عنوان تحمیل کننده اسلحه و فروشنده اجناس گران و غیرضروری همراه با تصویری استعماری امپریالیستی که از حضور پیشین هزاران آمریکایی در ایران سرچشمه می گیرد.

مسایل ضد آمریکایی توسط شوروی یاری و تشدید می شود. او از برنامه های رادیویی و طرفداران

محلیش برای دامن زدن به شعله های ضد آمریکایی استفاده می کند.

امور خاور نزدیک NEA در گروه کاری معاون وزیر نیوسام شرکت دارد. از فعالیتهایی که در حال انجام گرفتن است می توان نام برد:

برنامه رادیویی روی موج کوتاه به زبان فارسی در برنامه رادیو صدای آمریکا، مجوز دارد و برنامه در اواسط مارچ آغاز خواهد شد.

به درخواست گروه کاری، ونس (آقای وزیر) از وزیر امور خارجه دیوید اون، خواسته تا با بی بی سی میانجیگری کند، تا اجازه دهند یک ساعت از موج متوسط (پخش استاندارد) برای پخش اخبار و نظرات راجع به ایران از یک فرستنده انگلیسی در جزیره مسیرا (سواحل عمان) استفاده کند. موج کوتاه و متوسط (اگر تصویب شود) به ما امکانات مؤثری برای نشر اخبار دقیق در مورد نقشه ها و سیاستهای آمریکا را می دهد و این، اختلالات شوروی و مخفی دیگر را خنثی می کند.

آژانس ارتباطات بین المللی (ICA) و وزارت امور خارجه توجه بیشتری به تأمین مالی تماسهایی در سطح روشنفکران بین ایران و آمریکا می دهد و این می تواند منشأ جریان اخبار و اطلاعات صحیح در هر دو جهت باشد.ما در حال بررسی درسهایی هستیم که از ایران آموخته ایم و با سازمانهای رسمی (مانند DOD)خصوصی مشورت کرده تا ببینیم اقدامات درمانی در این مورد لازم هستند یا نه، مخصوصا با توجه به حضور دخالت جویانه و به مقدار زیاد آمریکا در کشورهای دیگر منطقه.

وزارت امور خارجه و آژانس ارتباطات بین المللی در نظر دارند، استادان آمریکایی (ایران شناسی) را به ایران بفرستند و آنها می توانند روابط مخصوصی با عناصر محافظه کار مذهبی برقرار کنند.

آژانس ارتباطات بین المللی در زمینه هایی که رهبری جدید ایران خودش را با آنها مشخص می کند، تأکید خواهد داشت؛ یعنی فلسفه حقوق مذهب مقایسه ای جامعه شناسی مشکلات تجدد سیاست های

پیشرفت کار و کشاورزی؛ تأکید بر مشترک بودن ارزشهای اصولی ما خواهد بود.

نامه سولیوان به جان گلدن در مورد مقاله ای تحت عنوان نقش ایران در استراتژی سیاسی آمریکا

ص: ۲۰۴

سند شماره ۸

محرمانه

نامه سولیوان به جان گلدن در مورد مقاله ای در جزوه

دفاع ملی تحت عنوان نقش ایران در استراتژی سیاسی آمریکا

مقدمه

بسم اللّه الرحمن الرحیم

جاسوس جنایتکاری چون سولیوان خون آشام، که سابقه رسوا و ننگینش در سرکوب انقلاب اندونزی با یک میلیون نفر کشتار و رهبری جنایات ۱۰ هزار شهید و صدها هزار مجروح در جریان انقلاب خونین و اسلامی ایران، بر همه عالم آشکار گشته، اعتراف می کند که مات و مبهوت مانده اند چطور قادر نبوده اند چیزهایی را که سبب اتحاد این ملت گشته، بفهمند. جنایات ضد بشری و طغیان مفسدین جهانخوار چنان پرده سیاهی بر دلهای آنان افکنده، که توان فهم واقعیات و مشاهده حقایق را از آنها سلب کرده: ختم اللّه علی قلوبهم. البته «اعتراف می کند که عبرت گرفته و» بعد از این حتی نظرات غیرمنطقی ملت ما را از دست نخواهند داد. یعنی تلاش خواهند کرد. که حتی نظارت ساده و معمولی ما را هم تحلیل کرده تا دقیقتر و حساب شده تر فکر کنند؛ ولی: و مکروا مکراللّه واللّه خیرالماکرین.

سولیوان اطمینان داده که «اوضاع سال آینده مطمئنا» بهتر خواهد شد. البته منظورش اوضاع مناسب برای آمریکاست، آیا بهتر شده!؟ آنها که پارسال از شعار «یانکی برو گمشو» ملت ما عذاب می کشیدند، امسال یا به دست ملت بزرگ ایران اسیرند و یا با هزاران دوز و کلک از دست انتقام ملت ما فراری (!) و حالا کار به جایی کشیده که ام الفساد قرن از ما قطع امید کرده و ملت ما قطع رابطه ظالمانه را با آمادگی تمام عیار جشن می گیرد.

۴/۱۰/۵۷

از تبریکات کریسمس بجای شما و کپی مقاله در مورد ایرانی که شما در ژورنال دفاع ملی چاپ کرده بودید، متشکرم. در این شب کریسمس که تنها چیزی که می شنویم شعارهای «یانکی برو گمشو» می باشد که توسط جوانهایی که در حال تظاهرات هستند داده می شود.

مدتی است که از فیض نظرات شما در مورد اوضاع اینجا برخوردار نبودم ولی فکر می کنم هر دو قبول کنیم که وضع، تندتر و عمیق تر از آنچه پارسال پیش بینی می کردیم خراب می شود. ناراحتیهایی که داشتم در مورد آینده دورتری بوده.

شما بدون شک خیلی اتهامهای دوجانبه ای شنیده اید، در مورد اینکه کی ایران را از دست داده؛ خیلی از آنها به مسئله تماس سفارت با افراد مخالف برمی خورد، مخصوصا در بازار و بین مذهبیون. در آن مورد یک بار دیگر می خواهیم از شما و به خاطر کمکی که به ما درباره افراد، برای ارتباط با این دو گروه کردید تشکر کنم. من البته هنوز از عدم فهمیدن کامل تمام مسایل این مردم ناراحت هستم ولی این روزها ما از لحاظ گفته های غیرمنطقی آنها اصلاً در مضیقه نیستیم.

امیدوارم ما را دوباره ملاقات کنید و امیدوارم که سال آینده سال بهتری در مورد ایران باشد. با بهترین آرزوها.

سولیوان

ص: ۲۰۵

خلاصه ترجمه:

در زمستان سال ۷۷ ۷۶ یک کنفرانس در واشنگتن برگزار شد که در این مقالات نماینده CIAو FBI شرکت داشتند، اینها می خواستند در مورد موفقیت استراتژیکی روسیه در سالی که در پیش است اتفاق نظراتی داشته باشند. بنابراین کنفرانس تبدیل می شود به چند کمیسیون با شرکت افراد مختلف.

تیم یا کمیسیون اعلام کرد که روسیه دارد می آید

مسایل استراتژیکی هسته ای نقطه اصلی صحبتها بوده است. بیش از نیمی از مقاله راجع به وضعیت روسیه می باشد در جهان، و قسمت شرقی اروپا و علت و عواملی که شاید شوروی را تحریک کند که به جنگ برود یا بمباران کند.

اما ایران هنوز حکم یک سنگر را دارد. در سیستم استراتژیکی برای ایالات متحد آمریکا، اصولاً اکثرا از موقعیت ایران و خلیج فارس که حکم یک منطقه باز را در جنوب روسیه دارند، صحبت می شود.

ایران، عرضه وضع کاهش واردات ایران به وسیله شرکتهای خارجی

ص: ۲۰۶

سند شماره ۹

سرّی تاریخ ۱۶ فوریه ۱۹۷۹ ۲۷/۱۱/۵۷

موضوع: ایران، عرضه وضع کاهش واردات ایران به وسیله شرکتهای خارجی

بحران سیاسی ایران باعث قطع کالایی که به ایران می آمده شده و نیز سبب شده چندین قرارداد مهم در رابطه با تحویل کالا به ایران فسخ شود. حتی اگر رژیم کنونی که از پشتیبانی خمینی برخوردار است نتواند نظم را به کشور بازگرداند، باز هم میزان کالاهای وارداتی مشکل بتواند به حوالی ۱۸ میلیارد دلار برسد (میزان سالانه که چندی پیش بود. مشکلات ارز خارجی مثل فرصتهای اقتصادی بیانگر بازار محدودتری برای کالاهای خارجی در ایران می باشد. این مقاله وضعیت تولیدکنندگان خارجی بعد از کاهش واردات توسط ایران را بررسی می کند. این مقاله به میزان ضررهای حاصله یا وارد بر یک شرکت خاص نخواهد پرداخت. (...)

نقش تولیدی کشورهای توسعه یافته:

کشورهای توسعه یافته به مراتب بزرگترین فراهم کننده کالا برای ایران می باشند (۸۵ درصد واردات ایران را تأمین می کنند). کشورهای کمتر توسعه یافته، به سختی ۱۰ درصد واردات ایران را تأمین می کنند و کشورهای کمونیستی حدود ۵ درصد.(۱)

کالاهای صنعتی شامل ( ) اکثریت واردات می باشد. خواربار به میزان ۱۳ درصد و مواد خام به میزان ۶ درصد. ترکیب اجناس با ترکیب قبلی در ۱۹۷۷ تفاوت روشنی داشت و فقط ۸ درصد از واردات کشورهای پیشرفته را خواربار تشکیل می داد و دو سوم این مقدار از آمریکا بود. تقریبا نیمی از موادی که توسط LDCبه فروش می رسید خواربار بود. (..)

آمریکا، آلمان غربی و ژاپن بیشترین سهم را از بازار می بردند. در سال ۷۸ ۱۹۷۷ میزان کالاهای

وارداتی توسط این کشورها و به این مقدار تأمین می شد: آمریکا ۲۴ درصد، آلمان غربی ۲۲ درصد، ژاپن ۱۸ درصد. دیگر کشورها سهمی نظیر ذیل داشتند:

انگلیس ۹ درصد، ایتالیا ۸ درصد و فرانسه ۶ درصد. کالاهای صنعتی ساخته شده ۹۰ درصد اجناس صادراتی به ایران را تشکیل می داد که در این رابطه تولیدات سرمایه فشرده ارجحیت داشتند. نمودار اقلام فروشی به ایران به حسب ارزش عبارت بودند از مواد صنعتی و ماشین آلات الکتریکی.

ایران به عنوان بازاری برای صادرت آمریکا: صادرات آمریکا به ایران از ۷/۲ میلیون دلار در سال ۱۹۷۷ به میزان سالانه ۷/۳ میلیون دلار در اولین نه ماهه سال ۱۹۷۸ ارتقاء یافت با احتساب اینکه ۷/۲ درصد آن صادرات آمریکا بود. کالاهای صنعتی حدود چهار پنجم کل صادرت بود و بقیه را صادرات کشاورزی تشکیل می داد. صنایع هواپیماسازی آمریکا تقریبا ۸ درصد کل صادرات تجارتیش را به ایران فروخت و این بزرگترین سهم برای صنایع آمریکا بود. اگر ایران سفارشات هواپیمایی را فسخ کند صنایع هواپیما با پشتوانه خود آن را حل خواهد کرد و نیز تقاضای مشتریان دیگر جلو خواهد افتاد. کلاً فروش مواد به ایران میزان بسیار جالبی حدود ۳ درصد را در رابطه با فولاد و آهن و ماشین آلات صنعتی داشت.

تحویل کالاهای نظامی آمریکا به ایران سال گذشته به میزان قابل ملاحظه ای کاهش یافت و این به

۱- اطلاعات مربوط به سال ۱۹۷۷ است پاورقی صفحه ۱۳ گزارش).

دلیل سقوط و کاهش تحویل هواپیما و وسایلی اینچنین بود، که خود حدود ۹۰ درصد کالاهای ارسالی در سال ۱۹۷۷ را تشکیل می داد. از طرف دیگر ارسال اسلحه و وسایل حمل و نقل در سال ۱۹۷۸ «پرش» داشت. نمودار تحویل اجناس پربها ( ) از قبیل هواپیما، ارزش کمکهای نظامی محول شده را نشان می داد که چند وقت به چند وقت تغییرات زیادی را دارا بود. کارخانه های آمریکایی با امضای قراردادهای تازه ای در حدود ۵/۴ میلیارد دلار، عرضه محصولات خود در ایران را طی سالهای ۷۸ ۷۷ افزایش دادند.

LDC به کشورهای کمتر توسعه یافته:

در این رابطه بیشترین میزان به کالاها و سرویسهای نظامی، شبکه های ارتباطی و پروژه های ساختمانی مربوط می شد. به علاوه قراردادهایی به میزان ۷/۲ میلیارد دلار جهت تأسیس و بنای بزرگراه مشترکا به دست کمپانیهای آمریکا، فرانسوی سپرده می شد.

فسخ کردن قراردادها بیشترین لطمات را به کارخانه های تولید اسلحه زده است. تقریبا قراردادهای ۷ میلیارد دلاری برای خرید سلاح توسط دولت بختیار فسخ شد تا مبادلات خارجی ( ) حفظ شده و ساخت عظیم نظامی کشور متوقف گردد. قراردادهای مهمی که منحل شدند، شامل قرارداد جنگنده های F/۱۶، هواپیمای پیشرفته آواکس دوسپرانس، نابودکننده (SPRUANCE) و هواپیمای شناسایی RF۴E بود.

فروش ابزار و وسایل حمل و نقل نظامی هم تقلیل خواهد یافت. ایران اساسا بایستی به جرم فسخ و انحلال قراردادهایش مقادیری پول را متناوبا بپردازد. اگر اسلحه هایی را که ایران سفارش داده بتوان به خریداران دیگر فروخت ایران می تواند مقداری بازپرداخت ( ) دریافت کند.

صادرات ۷/۲ میلیون دلاری آلمان غربی به ایران در سال ۱۹۷۷ و بعدا صادرات ۵/۲ میلیارد دلاریش در نیمه اول سال ۱۹۷۸ بیانگر ۲ درصد کل صادرات آلمان را تشکیل می دهد. بیش از سیصد

کمپانی آلمان غربی با جمعیتی قریب به ده هزار نفر در قسمتهای مختلف ایران سرگرم کار بودند که اینان بین دفترهای نمایندگی فروش و کارخانجات معظم صنعتی نوسان داشت. گفته می شود آلمان غربی قراردادهایی به مبلغ ۷۰ میلیون دلار با ایران در سالهای ۷۸ ۱۷۷ امضاء کرده که بیشتر در رابطه با تأسیسات برق است. از دست دادن بازار ایران بالاخص به صنایع راکتورهای هسته ای و فولادسازی فشار خواهد آورد، با وجود این کمپانیها کمی ضرر خواهند کرد زیرا توسط دولت آلمان غربی، بیمه سرمایه گذاری و صادراتشان تضمین شده است. هر تغییر اساسی در خط مشی صنعتی شدن ایران بیشترین ضرر را به دو کمپانی بزرگ، یعنی اتحادیه کرافت ورک و کروپ که به هم دیگر متصل اند خواهد زد. اتحادیه کرافت ورک (KRAFTWERK) که بنا به قراردادی به میزان ۵ میلیارد دلار تصمیم گرفته دو نیروگاه هسته ای در بوشهر بنا کند گنجایش و اعتبار زیادی دارد، لذا فسخ قراردادها با این شرکت آن را در خطر قرار خواهد داد، چون کلاً در آن تقاضای جهانی برای نیروگاه های هسته ای برق پایین است. اخیرا کارهای ساختمانی در بوشهر به علت کمبود مواد لازم متوقف شد. ممکن است بهتر از دیگر شرکتهای صنعتی در ایران دوام آورد و این بدان خاطر است که ایران ۲۵ درصد سهام آن را خریده است. دولت جدید ایران ممکن است سهم فعالتری در مدیریت کروپ به عهده گرفته و بکوشد تا سود ۱۷۵ میلیون دلاری سالانه از معامله با ایران را قطع کند.

سالانه

ژاپن که در سال۱۹۷۷، ۹/۱ میلیارد دلار کالا به ایران صادر کرد و در نه ماه اول سال ۱۹۷۸ آن را به ۲/۲ میلیارد دلار رساند، دادن ورقه صدور را به ایران در ماه گذشته متوقف کرده. از آنجایی که ایران چیزی به ژاپن نپرداخته هیچ کالایی فعلاً به مقصد ایران بارگیری نمی شود. در سال ۱۹۷۷ درصد صادرات ژاپن به ایران چنین بود: ۵ درصد کل صادرات توکیو در زمینه آهن و فولاد، ۷ درصد کل صادرات کالاهای فلز کاری صنعتی و چهار درصد صادرات در زمینه منسوجات. در سال ۷۸۱۹۷۷ با توجه به قراردادهایش با ایران ۱/۱ میلیارد دلار دریافت داشت، که از آن ۴۵۰ میلیون دلار برای پروژه های مربوط به دستگاههای برق بود و ۱۲۰ میلیون دلار دیگر برای تأسیس امکانات صنعتی. پروژه گسترده تأسیس یک مجتمع پتروشیمی در بندر شاهپور هنوز مورد تهدید انفصال قرار نگرفته. ژاپن مترصد فرصتی برای امضاء قرارداد تازه ای است که در آن بتواند افزایش بهای تازه را هم منظور کند و با دولت جدید پیمان اقتصادی تازه ای ببندد.

صادرات انگلیس به ایران متجاوز از ۱ میلیارد دلار در ۱۹۷۷ و نیز در ۱۹۷۸ بود که این خود حدود دو درصد کل صادرات آن کشور محسوب می شود. بیشترین موفقیت در زمینه تسلیحات بوده است. ایران بزرگترین مشتری سلاحهای انگلیسی است. نیمی از قراردادهای تازه ۷۰۰ میلیون دلاری ۷۸۷۷ هم مربوط به کالاهای نظامی بود. در سال ۱۹۷۷ انگلیس ۶ درصد از صادرات وسایل نقلیه موتوری و ۴ درصد از صادرات ماشین آلات صنعتیش را به ایران صادر می کند. صادرات وسایل نقلیه برای بریتیش لیلاند و کرایسلر انگلیسی که با یکدیگر متحدا عمل می کنند، بسیار حائز اهمیت است. به خاطر قطع صادرات به ایران کرایسلر ۱۵۰۰ کارگرش را کنار گذاشته. فسخ قرارداد از طرف ایران ضربه ای به صادرات انگلیس محسوب می شود. طرحهایی در رابطه با یک مجتمع ۵/۱ میلیارد دلاری که اغلبش دست انگلیسیهاست و در نزدیکی اصفهان بوده و کارش اسلحه سازی و تهیه مهمات و لوازم و قطعات

یدکی تانک می باشد، توسط دولت بختیار متوقف شده است. همچنین قراردادهای صدور تسلیحات به ایران که بالغ بر ۲ میلیارد دلار می شود نیز، به خطر افتاده است. این قراردادها شامل یک کنترات ۸۰۰ میلیون دلاری تهیه وسایل ضد هواپیما بوده که در دست هواپیمایی بریتانیا، که یک سازمان دولتی می باشد و دیگری یک قرارداد یک میلیارد دلاری برای تانکهای چیفتن می باشد که در دست کارخانجات سلطنتی اردنانس می باشد، که آنهم زیر نظر وزارت دفاع است.

فروش محصولات ایتالیا به مبلغ حدود ۱ میلیارد دلار یا ده درصد صادرات آن کشور، در دو سال گذشته کماکان جریان داشته. شرکتهای ساختمانی و مهندسی ایتالیایی در حالی که سفارشات ۲ میلیارد دلاری دریافت داشته اند، کاملاً بی ضمانت مانده اند. این چنین سفارشاتی زمینه اصلی صادرات کالاهای صنعتی و ابزار و وسایل الکتریکی بوده که در سال ۱۹۷۷ بالغ بر ۳۵۵ میلیون دلار می شد. ۱۸ درصد صادرات صنایع هواپیمایی ایتالیا اغلب هلی کوپتر به مقصد ایران بوده است. در سال ۷۸۷۷ شرکتهای ایتالیایی قراردادهایی به ارزش ۵/۱ میلیارد دلار با ایران امضاء کردند. قراردادهایی گزارش شده برای ساختن یک کارخانه فولاد سازی و تجهیزات بندری به ارزش ۶۰۰ میلیون دلار. خبرهایی هست از یک سری قراردادهای دولتی که همراه با طرحهای مجتمع صنعتی بندر عباس ۳ میلیارد دلار می باشد. بقیه هلی کوپترهایی به ارزش ۴۲۵ میلیون دلار و طرحهای ساختمانی به ارزش ۲۰۰ میلیون دلار به همراه

طرح IGAFبرای لوله کشی گاز نیز توسط ایتالیا انجام می گیرد.

شرکتهای ایتالیایی که معمولاً به اعتصاب کارگران، ناآرامی های سیاسی و دیرکردنهای حاصله از پیچ و خمهای بوروکراسی عادت کرده اند، در رابطه با ایران چندان ناراحت نیستند. اگر چه دیرکردها در پرداختها مشکلاتی را باعث می شود، لیکن پروژه ها همچنان ادامه می یابند. ایتالیاییها امید دارند که دولت جدید، هر چه قدر که رادیکال باشد، طرحهای عمومی که در دست اجرا می باشند را رها نکنند.

فرانسه

وضعیت اقتصادی فرانسه در مقام مقایسه با سایر کشورها کمتر در خطر است، زیرا فرانسوی ها اغلب در رقابت با کنتراتچی های آمریکایی، آلمان غربی و ژاپن می بازند. فرانسه در دو سال گذشته حدود ۷۰۰ میلیون دلار کالا به ایران صادر کرده است، کمی بیش از ۱ درصد کل صادراتش. با وجود این اخیرا فرانسه پیشتاز امضاء قرارداد با ایران در میان کشورهای صنعتی بوده است در کنار پروژه های تحقیقی فرانسه آمریکا، شرکتهای فرانسوی طی قراردادهای تازه ای ۵/۶ میلیارد دلار درآمد خالص طی سال ۱۹۷۷ کسب کرده اند. نیمی از این مقدار مربوط به دستگاههای تولید برق بود و بیشتر آن تولید برق هسته ای. قراردادهای پایگاههای هسته ای برق به ارزش ۵/۲ میلیارد تا ۳ میلیارد دلار اخیرا توسط دولت بختیار فسخ شد. ساختمان دستگاههای مولد برق که قرار بود به وسیله فراماتوم ساخته و طی سالهای ۸۳ ۸۲ تکمیل گردد کماکان تحت اجراست و این شرکت امیدوار است که بتواند سفارشهای بیشتری برای پایگاههای تولید هسته ای برق در ایران نیز به دست آورد.

شرکت فراماتوم به خاطر کم شدن فعالیت برنامه های هسته ای در خود فرانسه و نیز کاهش در سفارشات خارجی، فعلاً دچار اشکال است، اگرچه فراماتوم اخیرا نامه ای را مبنی بر تمایل برای داشتن نیروگاه های مشابه در همان مدت زمان دریافت داشت، اما فسخ قرارداد توسط ایران به طرز جدی شرکت

را عقب خواهد راند. به هر حال قسمت زیادی از ضررهای مالی مستقیم فرانسه از فسخ قرارداد توسط ایران به وسیله کمپانی بیمه تجارت خارجی فرانسه (COFACE)جبران خواهد شد.

نظر اجمالی بر اوضاع و روابط ایران

ص: ۲۱۰

سند شماره ۱۰

از: سفارت آمریکا در تهرانسرّی تاریخ ۱۴/۲/۵۷

به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی.

گزارشگر: سولیوان

موضوع: نظر اجمالی بر اوضاع و روابط ایران

۱ روی هم رفته روابط ایران و آمریکا عالی است. این روابط دوباره توسط مسافرت شاه به واشنگتن در نوامبر و بازدید رئیس جمهور از تهران در اواخر دسامبر تقویت و تأیید شدند. روابط ما مبنی بر منافع امنیتی دوجانبه و دید مشترک نسبت به تقریبا تمام جریانات مهم ناحیه ای و بین المللی می باشد. ایران با قدرت و نفوذ فزاینده ای که دارد همواره آماده بود تا به طریقی نقش فعال تری در امور منطقه ایفا کند، تا منافع خودمان تأمین گردد.

اهدایی آن به UNIFIL نمونه اخیر این مسئله است؛ نمونه دیگر که برای ما منافع حیاتی دارد موضع ایران در اوپک است و آمادگی آنها به همراه عربستان سعودی در مخالفت قاطع با افزایش قیمت نفت در ۱۹۷۸.

۲ با اینکه تجهیزات نظامی و برنامه مشاورت ما جنبه های اصلی روابطمان با ایران می باشد، ولی ما طیف وسیعی از منافع دیگر هم داریم. صادرات غیر نظامی ما به ایران الآن به حدود ۲ میلیارد دلار در سال رسیده. بیش از ۱۵۵ شرکت و بانک از بزرگترین شرکتها و بانکهای آمریکا در کشور فعال هستند و اکنون ۳۹ هزار آمریکایی در ایران سکونت دارند.

کمیسیون مشترکی بین ایران و آمریکا برای پیشبرد همکاری عمومی و خصوصی آمریکا در زمینه های انرژی، نیروی انسانی، کشاورزی، تجارت و امور مالی و علم و تکنولوژی برای چهارمین بار

در واشنگتن تحت ریاست وزیر خارجه ونس تشکیل شد. بیشتر از ۵۰ دانشگاه آمریکایی با دانشگاههای ایرانی و یا نهادهای دولتی ارتباط دارند. جمعیت دانشجویان ایرانی در آمریکا اکنون بیشتر از ۳۰۰۰۰ نفر می باشد. ایران در حال حاضر ۸ ۹ درصد واردات نفتی ما را تأمین می کند.

۳ به مفهوم واقعی ایران در حال حاضر به موقعیت یک قدرت باثبات و میانه رو در حد متوسط متمایل به آمریکا رسیده است و این هدف سیاستهای ما بعد از پایان جنگ جهانی دوم بوده.

۴ مسئله مهمی که جنبه حیاتی داشته باشد و لازم باشد ذکر کنیم، وجود ندارد. نگرانی ما در مورد کادر و امکانات کافی برای قسمت کنسولگری ما در پیامهای متعددی به وزارتخانه ذکر شده و احتمالاً مراجعین می توانند بخوانند.

۵ تلکس شماره تهران ۰۰۳۰۷ اهداف و آرمانهای آمریکا در ایران را مشخص می کند. اکثر این اهداف انتهای مشخصی ندارند و نیازمند توجه نزدیک و مداوم می باشند. ما معتقدیم که هیئت کافی هست که گزارش تبادلات با وزارتخانه که نمایانگر این مسئله می باشد که ما این اهداف را با توجه و مقداری موفقیت دنبال کردیم. پیشرفت در مسئله حقوق بشر، ارتباطات گسترده انرژی هسته ای، همکاری در کنترل مواد مخدر در منطقه، و پیاده کردن سیاست تأمین اسلحه رئیس جمهوری بعضی از زمینه های مهمتری که مطرح شده اند، می باشد.(۱) سولیوان

اوضاع کلی کشور

۱- ارقام فوق بیانگر خوان یغمای گسترده برای غارتگران در میهن ماست و پایکوبی آنها از ثبات و آرامش گذشته حاکم در میهن ما و حال ایران برزخی برای چپاولگران است بدان امید که روی پای خود بایستیم و ایران آزاد و مستقل را به گورستان و جهنم امپریالیستها بدل نماییم.

ص: ۲۱۱

تاریخ: ۱۰ ژولای

موضوع: اوضاع کلی کشور

۱ از اظهارتان در مورد BCR قدردانی می کنم و آن را یک کار مهم و مفید می دانم. بر پایه تفکرات شما و سرمایه نهاده شده از SNOW McAFEE ما قسمت زیر را به عنوان BCR توصیه کرده، مطالب و خط و مشی های برنامه را تقدیم می کنیم. به این معتقد نباشید که اوضاع کنونی پروژه پیشنهادی را عملی می سازد پیشنهاد می شود که این قسمت از CP تا زمانی که آنها عملی شوند به تعلیق افتد. در این زمان، BCR و خط مشی های برنامه باید احتیاجات وسایل شما را به عنوان یک اساس برای آنچه پشتیبانی واشنگتن را نشان می دهد و تمام عمل بعدی که امکان پذیر و عاقلانه به نظر می رسد به طور مؤثری مطرح کند. در چنان زمانی، چنان که معتقدید که یک آنالیز رسمی می تواند با مقداری اعتبار رسم شود. لطفا آن را به امور خاور نزدیک بفرستید.

۲ الف: ایران امروز دوران پس از انقلاب را که محمدرضا شاه را به سقوط کشانیده می گذراند. دستگیریها و اعدامها ادامه دارد. بیکاران بیش از ۳ میلیون برآورد می شود. اقلیت های قبیله ای و نژادی برای خودمختاری تلاش می کنند. اقلیتهای مذهبی هراسانند و گروههای سیاسی مختلف به وسایل مختلف می کوشند تا منافع خود را ترفیع دهند و ظهور سیاسی اصول اسلام را مانع شوند.

ب: قدرت مرکزی از میان رفته و بازرگان سعی در ایجاد کنترل بر کشور دارد، به خصوص در رابطه با کمیته ها. قدرت حقیقی در ایران در دست رهبران مذهبی به رهبری، رهبر انقلاب آیت اللّه خمینی می باشد.

ج: فعالیت اقتصادی در ایران به طور وسیعی فلج شده است. به جز صنعت نفت که دوباره تولید می کند و به اندازه احتیاجات داخلی تولید می کند، و صادرات خود را نیز در مقیاس کمتری از سر گرفته است. در حقیقت تمام فعالیتهای صنعتی در یک وقفه مانده است. سرعت و نیرویی که با آن صنعت زنده خواهد شد،

نامطمئن است و در گرو تغییرات سیاست، جو اجتماعی و خارج کردن ارز و فرار تعداد زیادی از مدیران و تکنوکراتها (ایرانی و خارجی) می باشد. بیکاران حدود ۵/۳ میلیون نفر از جمعیت ۳۵ میلیونی ایران برآورده می شود که می تواند به طور مؤثر تثبیت شدن دولت موقت را خنثی کند، و در تمام کشور سیاست شکننده دولت را به طور جدی خراب کند.

د: قانون جدید اساسی قول داده شده و اجرای برنامه هایی برای تحقق بخشیدن به حقوق بشر کند شده است. اگر چه یک پیش نویس قانون اساسی چاپ شده، ولی انتخابات برای یک مجلس که آن را تجدید نظر کند عقب افتاده است. زندانهای ساواک که با انقلاب خالی شدند دوباره با زندانیهایی که به جرمهای مختلف که بر ضد مردم در زمان رژیم شاه متهم شده اند، پر شده است. این اشخاص در دادگاههای دربسته که به وسیله دادگاههای انقلاب هدایت می شود و جدا از دادگستری ایران می باشد، محاکمه شده اند. پشتیبانی مردم از چنین محاکمه هایی زیاد است و عکس العمل شدید مردم پس از قطعنامه سنای آمریکا مشکلاتی را که ما در تحکیم حقوق بشر در ایران خواهیم داشت، منعکس می کند.

ه : از نظر فرهنگی ایران در تخمیر است. قسمتی از انقلاب بر ضد فرهنگ غرب، به خصوص آمریکا می باشد. آیت اللّه خمینی علاقه خود را مبنی بر اسلامی کردن تعلیم و تربیت و پاک کردن آن از تأثیر غرب اعلام کرده است. مراکز فرهنگی مهم بسته شده اند و یا به نمایشگاههای فرهنگ انقلابی برگردانده شده اند.

حقوق زنان که با زحمت فراوان به دست آمده بود تا حد زیادی از میان رفته است.(۱) تقریبا مجبور به بازگشت به چادر شده اند و حقوقی که در زمان شاه به آنان داده شده از آنان سلب شده. به علت بالا گرفتن جو ضد خارجی، خارجیها، از هر کشور در حال اخراج هستند. در همین زمان خیلی از ایرانیها به تشخیص ضرورت، نوعی تماس با خارج را ادامه می دهند و خیلیها به خصوص افراد تحصیلکرده در غرب با اصول سخت تر اسلام مخالفت می کنند. علاقه به فراگیری زبانهای خارجی به خصوص انگلیسی، به قوت خود باقی مانده است. و تعداد زیادی از دانشجویان ایرانی هنوز هوای تحصیلات غرب و آمریکا را دارند.

و : روابط مستحکم گذشته ایران و آمریکا در مرحله نزدیک قطع رابطه است، حتی آنها که به طور سنتی رو به غرب دارند، در حال حاضر از تماس علنی قابل ملاحظه با آمریکا پرهیز می کنند. در یک کشوری که یک دست پنهان (عموما آمریکا، شوروی و یا اسرائیل) مسئول هر چیز شناخته می شود، سوءظن گسترده ای نسبت به آمریکا وجود دارد. این سوءظن بدین شکل شایع است که آمریکا دارد کوشش می کند که به طرق مختلف اهداف انقلاب را عقیم گذارد. این طرق از استخدام افراد ساواک به عنوان تروركننده ها و بمب گذارها و اختلاف انداز بین اقلیتها تا از کار انداختن پیشرفت اقتصاد ایران می باشد. علیرغم این موضوع و حتی با وجود اتهامات مردم متعصب مسلمان، چیزهای آمریکایی هنوز برای قسمتی از مردم ایران به خصوص جوانها و میانسال ها باارزش می باشد. آمریکا خیلی از رهبران انقلاب را در خود داشته است و اکنون وطنی است برای هزاران دانشجوی ایرانی. به طور عمومی یک احساس همدردی می آورد، اما با فرق گذاشتن بین مردم و دولت آمریکا.

علیرغم ترس و ناامیدیها و عقیم گذاریها درباره آنچه آنها سوءظن و یا احتمالاً از آمریکا انتظار دارند، تعداد زیادی از ایرانیها به اعتقاد به اینکه گذشته اخیرشان و سرنوشتشان به آمریکا بسته است، ادامه

می دهند. ارتباطات هنوز خود به خود منصفانه و حتی اغلب صمیمانه است. ولی جو عمومی از طریق مطبوعات به صورت خصمانه ای برخورد می کنند.

هدفهای هیئت تبلیغی آمریکا در ایران این است که باز بمانند و با دولت موقت علیرغم پرخاش از طرف مطبوعات، رهبران مذهبی و افراطیها، تا حد امکان همکاری کنند. برای رسیدن به این هدف در یک جو روانشناسی که در آن دولت آمریکا (در پیمان با مطبوعات آمریکا) اظهار می شود که ریشه تمام مشکلات ایران باشد، حدس زده می شود که بهترین باشد و پوشش مطبوعاتی آمریکا در مورد انقلابِ مردم ایران، صرفا علاقه به اخبار دارد نه آنالیز کردن آن و با حالت ناهمدردی روی آنچه غلط است انگشت می گذارد. در پیش گرفتن چنین روشی باعث شده است که در ایران مردم چنین نتیجه بگیرند که آمریکا به آنها علاقه ای ندارد؛ بر طور عکس می خواهد به مردم آمریکا بگوید که در هر صورت ایران یک فاجعه است.

روابط نزدیک ما با شاه و پشتیبانی زیاد ما از رژیم شاه فراموش نشده است و به زودی هم فراموش نخواهد شد. اثر آن این است که دولت آمریکا را در یک قانون طرفدار مداخله که اعمال آن اصولش را از بین می برد، بیندازد و اعمال گذشته اش آن را رد می کند و سند روحی برای قضاوت گذشته روی انقلاب

۱- آنها باز هم انقلاب ما را و عمـده ترین نیروی آن زنان انقلابی ما را با ملاکهای غربی بررسـی کرده انـد. و این نقطه کور و گره بازنشدنی تحلیلهای آنها می باشد

مردم ایران در حالی که موضوعهای بین المللی به علت نگرانیهای داخلی ایران از رشد بازداشته شده اند. سیاست خارجیش انتظار می رود که دو شعبه شدن موضوعات داخلی ایرانیها را منعکس کند و به عبارت دیگر دولت رسمی آقای بازرگان به سمت عادی کردن روابط با آمریکا و دیگر کشورهای غربی حرکت می کند و در همان زمان سیاست آقای خمینی را منعکس می کند و می تواند مورد دخالت او قرار گیرد.

وضع و موقعیتهایی که انتظار می رود شامل اینهاست:

... ضدیت عمیق با اسراییل، همبستگی نزدیک با سازمان آزادیبخش فلسطین، قطع پشتیبانی معمول ایران از کشورهای عربی میانه رو... پشتیبانی از خط مشی مورد علاقه رادیکالهای کشورهای کمی پیشرفته در اقتصاد بین المللی و برنامه های سیاسی، شامل شرکت در NAMسازمان ملی تولیدکنندگان.

... سیاست بالا بردن قیمت در اوپک.

... ضدیت با رژیم طرفدار شوروی در افغانستان.

خط مشی های اقتصادی که به احتیاجات کوتاه مدت جواب می دهد و هدفهای دولت شاه را نفی می کنند، هنوز به طور کامل معلوم نیستند. انتظار می رود که علاوه بر موقعیت گروه رادیکال LDCS کشورهای کمی پیشرفته و سیاست بالا بردن قیمت نفت، آنها به خصوص نسبت به سرمایه گذاری خارجی در ایران نقش شرکتهای چند ملیتی و ارتباط علم و تکنولوژی با احتیاجاتشان، سوءظن دارند. سیاست اقتصادی داخلی احتمالاً تأکید بر کشاورزی و گروههای روستایی برای مهاجرت از طرف شهرها به سمت روستاها می باشد. تأمین فرآورده های کشاورزی و کاهش واردات غذا. چگونه این موضوع کامل خواهد شد؟ هنوز معلوم نیست. انستیتوهای آکادمیک ایران یک سال پیش از معلمان و مشاوران و محققان آمریکایی استفاده می کرد. اکنون بیش از چندتایی باقی نمانده اند و محیطهای دانشگاهی روی هم رفته در حال حاضر از آوردن استادان خارجی خودداری می کنند. با توجه به مهاجرت تعداد زیادی متخصص

ایرانی و آمریکایی، این موقعیت ممکن است عکس شود. اما مطمئنا تا وقتی که حساسیت ضد خارجی و به خصوص ضد آمریکایی از شدتش کاسته نشده است، این امر امکان پذیر نیست.

یکی از مهمترین انجمنهای فرهنگی ما با ایران، در تهران و خارج از تهران قبل از انقلاب، انجمن ایران و آمریکا بود. مراکز فرهنگی اصفهان و تهران از خرابیهای انقلاب مصون مانده اند (به طور عمدی) و مشغول کارند و تدریس انگلیسی و کتابخانه از سر گرفته شده است. کتابخانه USICA در تهران در BNSقرارداد نیروهای انقلابی هنوز مرکز فرهنگی شیراز را در اختیار خود دارند و امیدواریم که دولت آن را به ما بازگرداند و تدریس انگلیسی در آن از سر گرفته شود. ما ادامه کار این مرکز را در این زمان که روابط ایران و آمریکا خیلی بحرانی است، مهم تلقی می کنیم. با لزوم، تغییر دادن مکان اداره USICA به قسمت مطمئن بایگانی، همه آنها بیشتر اهمیت پیدا خواهند کرد. BNC ها اکنون تنها دریچه شنوندگان ایرانی ما می باشند.

مطالب و نگرانیها

مطلب اول: ایرانیها یک عدم اعتماد گسترده ای نسبت به دولت آمریکا دارند. سوءظن به این شکل است که آمریکا کوشش در عقیم گذاشتن هدفهای انقلاب، چه به صورت سیاسی و چه به صورت اقتصادی دارد. به علت روش غیر همدردی مطبوعات آمریکا با ایران، ایرانیها احساس می کنند که آمریکا خوب ایران را نمی خواهد. ایرانیها به خاطر پشتیبانی طولانی آمریکا از شاه از آمریکا نفرت دارند و حق

قضاوت در مورد انقلاب را به آنها نمی دهند.

مطلب دوم: خیلی از ایرانیها، به خصوص رهبران مذهبی ماتریالیسم و فساد غرب به خصوص جامعه و فرهنگ و طرز فکر و ارزشهای آمریکایی را رد می کنند و به خصوص سوءظنی در مسئله حقوق بشر با توجه به پشتیبانی ما از شاه.

مطلب سوم: به علت خط مشی اقتصادی شاه که تأکید بر روی صنایع شهری و مصرف کالا و خرید اسلحه و سرمایه گذاری خارجی و کارشناسان خارجی داشت. دولت موقت نسبت به این سیاستها در بحران است. آمریکا که نقش اساسی در تهیه قسمتهای بالا داشت، اکنون در کوشش برای عادی کردن روابط اقتصادی و تجاری با ایران مشکلات فراوان دارد. قانون چند ملیتی و سرمایه گذاری خارجی در توسعه اگر قبلاً پیچیده بود، اکنون با توجه به زیاده روی های رژیم شاه بیشتر خواهد بود. بالا بردن قیمت نفت توسط ایران و عدم توجه آن به اثر قیمت آن بر روی ساختمان اقتصادی جهان وابسته به نفت، به طور جدی بر روی آمریکا اثر خواهد گذشت.

مطلب چهارم: با وجود اینکه نگرانیهای داخلی ایران بر موضوعهای خارجی سایه افکنده است؛ انتظار می رود که موقعیت دولت و موقعیت روابط ایران با آمریکا بحرانی تر شود. به خصوص ایران یک ضدیت عمیق نسبت به کوشش آمریکا و اسرائیل برای صلح خاورمیانه نشان خواهد داد. دولت از سازمان آزادیبخش فلسطین پشتیبانی خواهد کرد و پشتیبانی معمول خود را با کشورهای میانه رو عرب قطع خواهد کرد. می توان انتظار داشت که رژیم از خط مشی های رادیکال، کشورهای کمی پیشرفته در دوره انفعالی اقتصادی و برنامه سیاسی به خصوص در شرکت سازمان تولیدکنندگان پشتیبانی خواهد کرد.

برنامه ها

الف: روابط ایران و آمریکا

۱ آمریکا خواهان روابط همه جانبه با ایران است و در امور داخلی ایران دخالت و اختلال نمی کند.

۲ آمریکا از خواست عمیق ایرانیها برای تغییرات مطلع است و با کسانی که برای یک جامعه عادلانه کوشش می کنند همدردی می کند.

۳ حمایت از حقوق بشر، هسته اصلی سیاست ما و ساخت اصلی جامعه آمریکایی را تشکیل می دهد و بر هر چیز مقدم است حتی سیاستهای کوتاه مدت، حتی اگر در این راه متهم به دخالت در امور داخلی کشورها شویم.

۴ دستگاههای ارتباط جمعی آمریکا سعی در نشان دادن وقایع ایران و نه تجزیه و تحلیل آن دارند و اخبار را آن طور که می بینند منعکس می کنند و سعی دارند واقع بینانه برخورد کنند.

۵ در آمریکا حمایت از انقلاب ایران به صورت گسترده ای وجود داشت، ولی در آمریکا و دیگر کشورها این موضوع با وجود دادگاههای مخفی و اعدامها خدشه دار شد.

ب: جامعه و فرهنگ و ارزشهای آمریکا در ارتباط با ایران

۱ مذهب و معنویات با تاریخ و جامعه آمریکا عجین شده است. آمریکا تاریخی از احترام برای مذهبها دارد. اسلام اگرچه کمتر برای آمریکاییها شناخته شده است، ولی مثل دیگر مذاهب از احترام برخوردار

است و در دانشگاهها توجه زیادی به آن می شود.

۲ پیشرفت علم و تکنولوژی آمریکا یک نقطه مثبتی در بهبود زندگی تمام قشرهای آمریکاییها دارد.

۳ فرهنگ آمریکایی از لحاظ مذهب، اندیشه، فلسفه و هنر غنی است.

۴ تعلیم و تربیت برای تمام قشرهای مردم است و مردم کشورهای دیگر نیز می توانند از آن بهره ببرند. کشورهای در حال توسعه می توانند در این رابطه برای بهبود سیستمهای خودشان استفاده کنند.

۵ بورسهای تحصیلی آمریکا در ایران معادل بهترین بورسهای کشورهای دیگر است.

۶ سیستم سیاسی آمریکا که شامل فدرالی بودن و جدایی دین از سیاست (امور کشوری) و جدا کردن قدرتها است، در زمره ناآگاهیهای ایرانیها می باشد. سیستم آمریکایی کوششی است برای دادن حق هر شخص، متعادل کردن خواستها و امکانات عمومی.

۷ ارزشهای جامعه آمریکا شامل اعتقاد به کار سخت، امانت داری، خوش بینی در قابلیت انسان برای تغییر دادن پیرامونش و وفاداری به دوستان و خانواده و... می باشد، و منحصر به آمریکا نیست و در همه جا هست و در همه آمریکاییها یکسان نیست و اینکه فقط ماتریالیسم و فساد ارزش آمریکایی است، غلط است.

ج: روابط اقتصادی و تجاری ایران

۱ نفت یک کالای حساس جهانی است و قیمت آن یک اثر سریع و درازمدت بر روی اقتصاد شکننده جهان دارد. قیمت بالای نفت بیشتر از هر چیز بر روی اقتصاد کشورهای فقیر و در حال توسعه اثر دارد.

۲ سرمایه گذاری خارجی می تواند یک نیروی مثبت در توسعه ملی کشورها داشته باشد؛ و علت اصلی رشد و پیشرفت اقتصادی آمریکا است و سرمایه گذاری بزرگ خارجی اکنون در آمریکا ادامه دارد و

برای سود و استخدام بیکاران و پایداری اقتصادی و سیاسی خوب است.

۳ شرکتهای چند ملیتی وسیله مؤثر و کم خرجی برای تبادل تکنولوژی و شروع رشد صنعتی می باشد.

۴ یکی از مؤثرترین بخشهای اقتصادی آمریکا کشاورزی است و آمریکا علاقه مند به همکاری با ایران در زمینه در اختیار قرار دادن تجربه و تکنیک آن است.

د: سیاست خارجی

۱ آمریکا به شدت به صلح و عدالت برای همه کشورهای درگیر مخاصمه در خاورمیانه علاقه مند است.

۲ آمریکا به تمامیت ارضی تمام کشورها به خصوص آسیای غربی احترام می گذارد و هدفش صلح و استقلال در هر منطقه است.

۳ آمریکا احساس همدردی و همکاری با کشورهای توسعه نیافته و احتیاجات آنها و همچنین حمایت از حکومتهای دموکراتیک و توازن اقتصادی جهانی می نماید.

«پایان»

د: سیاست خارجی

۱ آمریکا به شدت به صلح و عدالت برای همه کشورهای درگیر مخاصمه در خاورمیانه علاقه مند است.

۲ آمریکا به تمامیت ارضی تمام کشورها به خصوص آسیای غربی احترام می گذارد و هدفش صلح و استقلال در هر منطقه است.

۳ آمریکا احساس همدردی و همکاری با کشورهای توسعه نیافته و احتیاجات آنها و همچنین حمایت از حکومتهای دموکراتیک و توازن اقتصادی جهانی می نماید.

«پایان»

سیاست خارجی دولت موقت جمهوری اسلامی

ص: ۲۱۶

سند شماره ۱۲

از: سفارت آمریکا در تهرانمحرمانه

به: وزارت خارجه آمریکا فوری

سفارتخانه های آمریکا در کشورهای:

دوبی، قطر، عمان، آنکارامراجع: تهران

بغداد، بیروت بن، قاهره، کابل

اسلام آباد، جده، خرطوم، کویت

پاریس، لندن، پاناما، مسکوتهران

پکن، دهلی نو، پروتاریا

رباط، رم، تل آویو، توکیو، تریپولی، تونس

موضوع: سیاست خارجی دولت موقت جمهوری اسلامی

۱ متن کاملاً محرمانه است. این یک تلکس گزارشی است.

۲ خلاصه: همان طور که نظارت امور داخلی ایران به دو شاخه رسمی و غیر رسمی تقسیم یافته، سیاست خارجیش نیز چنین است. این سیاست بین دو جریان افکار افراطی اسلامی و جریان محافظه کارانه، سیاسیون ملی گرا در حال نوسان است. نشانه مشخص از آنجا مشاهده شد که در عرصه بین المللی یک گرایش به سوی کشورهای رادیکال و نیز دوری جستن از اعراب میانه رو پدید آمد با حملات دائمی لفظی به اسرائیل و صهیونیزم و بدگمانی نسبت به ابرقدرتها فقط در سطح لفظی و همراه با آمادگی معامله کردن بر مبنای دولتی و متمایل به کشورهای کمی پیشرفته در سیاستهای اقتصادی. این سیاستهای دوگانه تا زمانی که دولت دائمی مستقر نشده باشد و یا این دولت تعویض نشده باشد ادامه دارد.

توانایی ما برای معتدل کردن سیاست رادیکال در موقعیت فعلی بسیار محدود است. پایان (خلاصه).

۳ دستگاه حکومت ایران بین دولت موقت جمهوری اسلامی، مهدی بازرگان و کمیته ای انقلاب که به وسیله آیت اللّه خمینی و رهبران مذهبی هدایت می شوند، تقسیم می شود. تشکیلات کمیته ها به مقدار زیادی مستقل از حکومت عمل می کنند و خمینی شخصا به هر دو دستور می دهد. غالبا برخوردهایی بین این دو تشکیلات صورت می گیرد که اینها در سیاست خارجی ایران انعکاس دارد. بازرگان و بسیاری از همقطاران او تمایل دارند که سیاست جاری و مسایل امنیتی را در قالبهای سیاسی رایج حل کنند. تاریخ روابط ایران و روسیه بر دوش آنها سنگینی می کند. آنها کلاً محافظه کار بودند و دعوای اصلی آنها هزینه های زیادی بود که سیاست شاه بدون در نظر گرفتن نیازهای کشور خرج می کرد، و نیز گرفتاریهای ایران در خارج از مرزهایش برای نگهداری سیاست غرب. (آیت اللّه خمینی و طرفدارانش بدبینی قابل ملاحظه ای نسبت به روسیه دارند، ولی دیدگاههای خارجی آنها در این لحظه مقدمتا بر پایه دشمنی با شاه و کارهایی که کرده است، پایه گذاری اصول اسلام و عملیات انقلابی بنیان گذاشته است.)

۴ ادامه برخورد بین این دو دیدگاه قالبی است از کوششهای داخلی رژیم و پیشرفتش. اگر این دوگانگی بین دولت رسمی و کمیته ها منتفی شود، سپس اندیشه ها و افکار و رفتارها ترکیب و درجه بالاتری را کسب خواهند کرد. اگر این برخورد به آرا نگراید، در اوضاع خارجی ایران تأثیر خواهد داشت و این حالت تا موقعی که یک تشکیلات اسلامی نهایتا مستقر نشود و یا اینکه دولت ساقط شود و یا رفتارش

توسط افراد داخلی تصحیح نشود، ادامه خواهد داشت. انتصاب اخیر (آوریل) دکتر یزدی یکی از مشاوران نزدیک خمینی به سمت وزیر امور خارجه به جای یکی از رهبران ملی دکتر کریم سنجابی قسمتی از کوششی بود در جهت نظم بخشیدن به سیاست خارجی در جهت پیاده کردن نظریات خمینی، ضمنا یزدی مردی از دنیای پیشرفته است و احتمالاً می تواند شرایط را درک کرده و بهتر از بقیه مشاوران امام به بازرگان برادری کند.

۵ در ماههای آینده ما و دیگر دولتها در زمینه سیاست خارجی ایران با یک تشکیلات ناپایدار روبرو خواهیم بود. خطوط اصلی سیاست مخصوصا خارجی به وسیله آیت اللّه کنترل خواهد شد و دستخوش دخالتهای او خواهد بود. به عنوان مثال آیت اللّه دستور قطع روابط با مصر را بدون مشورت با دولت داد. در واقع وزارت امور خارجه بازیچه دست آیت اللّه است. رئوس کلی سیاست خارجی ایران چنین است:

کوشش فراوان برای اتحاد اسلامی

دشمنی عمیق با اسرائیل

روابط نزدیک و حسنه با سازمان آزادیبخش فلسطین (PLO)

کشش به سوی رادیکال شدن

مواجهه با کشورهای عربی و دور شدن از کشورهای عرب محافظه کار و رفقای نفتی ایران

حمایت شفاهی از جنبشهای انقلابی دنیای سوم مانند زیمبابوه

برقراری روابط با کشورهایی که شاه با آنها رابطه نداشت مثل لیبی، کوبا و (PDRY)(۱)

ادامه بدگمانی و بدبینی و حملات پراکنده به آمریکا و شوروی

شرکت در جنبش کشورهای غیرمتعهد

بالا بردن قیمت در اوپک

اتخاذ سیاستهای تندروانه در صحنه سیاسی و اقتصادی بین المللی

۶ از طرف دیگر من معتقدم که دولت رسمی برای متعادل کردن روابط دو طرفه سیاسی با آمریکا و سایر کشورهای غربی کوشش خواهد کرد. ملاقات اخیر بنده با نخست وزیر و همردیفان وزیرش تمایلات آنها را به طور واضح برای بستن قراردادهای تکنیکی و اقتصادی شامل قطعات یدکی و حضور مستشاران در زمینه نظامی، نشان داد. آنها علاقه مندند که هر کاری می توانند انجام دهند تا اجازه ندهند جناح اسلامی از پول و اسلحه به عنوان پشتوانه نظریات استفاده کنند. حدی را که محافظه کارها در زیر نام ملیّت بر علیه ایدئولوژی ادعا می کنند قابل اندازه گیری نیست و بیشتر ربط دارد به برداشتهای سیاسی مردم تا یک موضعگیری خارجی.

۷ در حال حاضر من هیچ راه حل سریع و مؤثری که سیاست افراطی نوین ایران را معتدل نماید نمی بینم. در فرصتهایی که به دست می آید ما سعی می کنیم که ذهن امام خمینی و طرفدارانش را تعدیل کنیم و این عمل را به وسیله افراد نزدیک به او انجام می دهیم. موضع ما در قبال دولت خیلی خوب است. ما می خواهیم در برابر درخواست اطلاعات سیاسی و مشاور در ارتش پاسخ دهیم. در مناقشاتی که قطعا به وجود خواهد آمد نقش مثبت می خواهیم داشته باشیم. اگر این دولت دوام پیدا کند روابط اقتصادی و سیاسی چنان خواهد بود که یک موقعیت بهتری برای ما به دست خواهد آورد.ناس

آزادی مطبوعات و ماهیت جمهوری اسلامی ایران

۱- کشور جمهوری دمکراتی خلق یمن. :PDRY

ص: ۲۱۸

سند شماره ۱۳تاریخ: ۱۴/۶/۵۷

از: سفارت آمریکا

به: وزیر امور خارجه

موضوع: آزادی مطبوعات و ماهیت جمهوری اسلامی ایران

۱ تمام متن محرمانه است.

۲ اخراج تمام کارمندان آمریکایی دفتر آسوشیتدپرس چهره اصلی جمهوری اسلامی را مشخص می کند؛ که ما نباید آن را فراموش کنیم و آن با وجود بی کفایتی سیستم حکومتی که خمینی در ایران تدوین می کند به اندازه رژیم شاه دیکتاتوری و خفقان آور خواهد بود. با وجود تأکید لفظی و نظری بر ش۲، مسئله آزادی بیش از پیش برای ما مشخص شده که معنی این لغت برای خمینی غیر از معنی عربی آن می باشد. مثلاً آزادی، گزارش خبر صحیح را موقعی که برخلاف مصالح اسلام است، اجازه نمی دهد.

۳ منافع ما در ایران از رژیم خاص گذشته و مسئله ای که ما سعی کرده ایم روشن کنیم این بوده تا حکام جدید، اینجا تردیدهایی در مورد اینکه ما با شاه سابق همکاری داشته ایم را کنار بگذارند.

در حال حاضر ظاهرا بهترین راه تأمین منافع ما از طریق همکاری با دولت موقت مهدی بازرگان در جهت برقراری مجدد روابط دوجانبه بین ایران و آمریکا خواهد بود. ما حدس می زنیم که موضع مشابهی در برابر یک دولت که در آینده انتخاب خواهد شد، نخواهیم گرفت؛ یعنی در اواخر امسال. ولی این خطرناک خواهد بود که نتیجه بگیریم که همکاری با این دولت و با دولت بعدی تنها راه سیاست ماست.

اگر روند فعلی به طرف دیکتاتوری سخت تصحیح و عوض نشود شاید ما خودمان را از نزدیک با رژیم مسئول آن مرتبط نشان نخواهیم داد.تامست

موضوع در ارتباط با اخراج خبرنگاران آمریکایی به واسطه اخبار بسیار مغرضانه ای که در مطبوعات

غربی منتشر می کردند، می باشد. بگذریم، با اینکه بعضی جاسوسان آمریکایی در لباس خبرنگار به کشور ما می آمده اند.می بینیم که چگونه امپریالیسم فریاد برمی آورد که دیکتاتوری دارد حاکم می شود. آن هم از نوع رژیم شاهی. (گویا رژیم شاه خائن از ورود خبرنگاران آمریکایی جلوگیری می کرد!!)

گزارشات، سیاسی امنیتی

ص: ۲۱۹

سند شماره ۱۴

تاریخ: ۶ نوامبر

موضوع: گزارشات، سیاسی امنیتی.

خسارت دیروز حساب شده و کاملاً گسترده بود.

فردای (مقصود از دیروز، روز ۱۴ آبان، فردای ۱۳ آبان، روز کشتار وحشیانه به وسیله رژیم خائن پهلوی در دانشگاه تهران می باشد. می بینیم که جناب سولیوان سفیر آمریکا در ایران نیز اعتراف می کند که خسارت دیروز حساب شده و کاملاً گسترده بود.)

خلاصه: دولت شریف امامی جای خود را به دولت نظامی تحت ریاست ژنرال ازهاری داد. اجرای قانون حکومت نظامی در تهران به عنوان یک دستور عمومی جدی صادر شد. جمعیت به عنوان مخالفت تجمع کردند، و حوادثی نیز اتفاق افتاده است.

بدون راهپیمایی جدیدی، آیت اللّه طالقانی مردم را به آرامش فرا خواند. دیروز ارتش، سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران (NIRT) را توقیف کرد تا از تخریب جلوگیری کند. دستگیریها (توقیفهای) دیگری نیز انتظار می رود. (سفارت) به شهروندان آمریکایی گفته که امروز در خانه بمانند. اطلاعیه مشترک سنجابی و خمینی، سازش را رد کرد و حکومت پادشاهی را غیرقانونی خواند. خسارت دیروز حساب شده و کاملاً گسترده بود.

۱ دولت شریف امامی در پی تظاهرات وسیع دیروز استعفا داده است و یک دولت نظامی تحت سرپرستی ژنرال غلامرضا ازهاری رئیس ستاد فرماندهی عالی به کمک رؤسای بخشهای انفرادی جایش را گرفته است. هر فرمانده نظامی چندین وزارتخانه را سرپرستی می کند و انجام امور به طور روز به روز در دست معاونین است. شاه دیروز صبح سخنانی خطاب به ملت گفت.

۲ شاه به سفیر گفته است مجلس احتمالاً منحل خواهد شد. اما او (شاه) مطمئن نبود. (یادداشت: صحبتهای او در (۱)SEPTEL حاوی این مضمون نبود.)

مخالفان دستگیر خواهند شد اما جبهه ملی، طرفداران بنی احمد یا پان ایرانیست (پزشکپور) دستگیر نخواهند شد. (تفسیر: این ممکن است احتمالاً مخالفان برجسته نظیر میناچی، مقدم و نهضت آزادی ایران را در معرض دستگیری قرار دهد).

۳ اداره حکومت نظامی تهران امروز صبح دستور تازه و جدی صادر کرد. به دنبال تکرار اطلاعیه قبلی ساعات جدید منع عبور و مرور از ساعت ۹ شب تا ۵ صبح، اداره حکومت نظامی (MLA)قوانین اولیه را تکرار کرد و آن اینکه اجتماع مردم از دو نفر یا بیشتر ممنوع شده است. به افراد متخلف نسبت به قوانین حکومت نظامی به وسیله یک افسر اخطار داده می شود و اگر آنها اطاعت نکردند سربازان بر رویشان آتش خواهند گشود. تمام مدارس تا ۱۲ نوامبر بسته شده است. سربازان در جنوب تهران و نزدیک دانشگاه متمرکز شده اند. سفارت گزارشاتی از تیراندازی در نزدیکی تالار رودکی در مرکز شهر دارد. تیراندازی شدید به وسیله سلاحهای اتوماتیک در محوطه (اطراف) دانشگاه تهران (البته بیشتر تیرها هوایی بوده اند). دانشگاه بسته بود، اما دانشجویان به زور وارد محوطه شدند. پلیس سپس آنها را از محوطه بیرون کرد و آنها با صف سربازان در محوطه اطراف دانشگاه به مقابله پرداختند. مردم

۱- تلگراف جداگانه SEPTEL

همچنین نزدیک سفارت انگلیس که دیروز خساراتی به آن وارد شده بود جمع شدند و بنا به تقاضای ما سربازان برای حفاظت فرستاده شدند. سفارت آمریکا به هر حال تحت مراقبت نظامی است.

۴ ارتش شب گذشته نگهبانانی به سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران (NIRT) اعزام کرد و امروز صداهای افرادی پخش شد که با آنچه معمولاً شنیده می شد فرق داشت. سرپرستهای سازمان رادیو و تلویزیون استعفا کرده اند. امروز صبح فقط روزنامه رستاخیز منتشر شد.

۵ از قول مخالف برجسته، آیت اللّه طالقانی، امروز از طریق رادیوی دولتی دعوتی برای آرامش شد، و گفتند اعتراض کنندگان در خیابانها راهپیمایی نکنند؛ و این مسئله سؤالاتی را پیش می آورد از جمله اینکه تظاهرکنندگان امروز چه کسانی هستند؟

۶ شاه قبل از موافقت با دولت نظامی با چند تن از رهبران از جمله امینی و انتظام مشورت کرد. او (شاه) بازرگان یا میناچی را ندید و موقعیت جبهه ملی را تغییرناپذیر (غیرقابل انعطاف) تفسیر کرده است.

مأمورین سفارت بعد از ظهر روز ۵ نوامبر دریافتند که کریم سنجابی بیانیه مشترکی با آیت اللّه خمینی در پاریس منتشر کرده بود، که شامل سه نکته بود:

نکته ۱) حکومت پادشاهی با تخلفات دائمی از قانون اساسی، آدمکشی و فساد نباید مورد حمایت قرار گیرد.

نکته ۲) جنبش اسلامی ملی نمی تواند یک حکومت پادشاهی غیرقانونی را تأیید کند.

نکته ۳) حکومت (دولت) ایران باید براساس اصول دمکراسی باشد. «به وسیله صدای مردم تأیید شود» (جمله «به وسیله صدای مردم تأیید شود» را سخنگوی جبهه ملی برای مطبوعات ملی به معنی «رفراندم به وسیله مردم» بیان کرد، اگرچه سخنگوی جبهه ملی شاهپور بختیار به مأمورین سفارت و بازدیدکنندگان گفت که او (بختیار) فکر می کرد که آن صرفا انتخابات آزاد معنی می دهد.) تعبیر بختیار از

توافق آن بود که آن توافق راه را برای امکان دخالت مذهبی میانه رو در دولت باز می کند، اما ناظران محلی برجسته موضوع را از دید پیروزی برای خمینی نگاه می کنند. بختیار یک پیام تلفنی از پاریس دریافت کرد که او را آگاه کرده اند که دانشجویان ایرانی رادیکال، مخصوصا «کنفدراسیون آلمان» خیلی ناامید بودند «که خمینی اینقدر ملایم بوده است.»

۷ خشونت دیروز، انتخابی (یعنی از قبل برنامه ریزی شده. مترجم) و بسیار سنگین بود در بخشهای وسیع شهر هر بانکی غارت شده و یا در حال سوختن بود. شرکتهای مسافرتی تئاترها، مشروب فروشی ها و چندین هتل خراب شده و یا به شدت آسیب دیده بودند. شورشیان همچنین اتوبوسها و اتومبیلهای زیادی را سوزاندند. وزیر اطلاعات، عاملی تهرانی، را طبق گزارشات کتک زده اند، هنگامی که برای آتش زدن وزارتخانه او، به آنجا حمله شده بود. نظم عمومی در مرکز تهران برای چندین ساعت مختل شد. در جاهایی که سربازان آماده بودند برای جلوگیری از حمله به ساختمانها، آنها (سربازان) اقدامی انجام نمی دادند و یا اقدام جزیی انجام می دادند. بر طبق گزارش کنسولگری های تبریز و اصفهان، هیچ آشوب خاصی دیروز در آنجاها نبود. در تبریز تظاهرات بدون خشونت بود. بر طبق گزارشات کنسولگری، شیراز، یک تظاهرات وسیع در ۴ نوامبر و یکی دیگر دیروز انجام شد. این بار (تظاهرات دوم) نتیجه اش به شلیک کردن سربازان منتهی شد. گزارشاتی از کشته شدن دو نفر موجود است. گاز اشک آور باعث تخلیه بیمارستان سعدی شد. امروز جمعیت زیادی در چمن دانشگاه پهلوی در حال

گرد آمدن هستند.سولیوان

اولین عکس العمل در مقابل سخنرانی شاه

۱ یک عکس العمل مخالف که ما داریم از طرف سخنگوی حقوق بشر و فرد مذهبی، میناچی، است. او (میناچی) گفت سخنرانی (سخنرانی شاه) بد نبود اگر (مدت) دولت نظامی کوتاه شود و راهی باز گذارد تا به آسانی یک دولت جدید مصلحتی موقت، به وجود آید. مدتی پیشتر در همان روز، سخنگوی جبهه ملی راجع به لزوم نگهداری اتحاد و آرامش و خودداری از «هیجانهای غیرمنطقی» صحبت کرده بود. این در ردیف سخنان آیت اللّه طالقانی (حامی خمینی) است که امروز توده ها را مخاطب قرار داد تا از کشمکش خودداری کنند، تا به خاطر آتش سوزی، تخریب و خونریزی مورد سرزنش قرار نگیرند. رهبر سیاستمدار مخالف، مقدم (مراغه ای)، همچنین احساس می کرد که سخنرانی (سخنرانی شاه) خوب به نظر می رسید. بالاخره رهبر جبهه ملی بختیار به ما گفت که او فکر می کند سخنرانی «آرام و منطقی» بود.

۲ تجار آمریکایی، که از قرار معلوم عکس العمل شرکای ایرانی خود را منعکس می کنند، مخصوصا از تذکر شاه در مورد برقراری دوباره قانون و نظم خوشنشان آمده بود. عضو اتحادیه بانکداران ایرانی، با توجه به درسی که از گذشته می توان گرفت، یک دست محکم (شاید منظور اراده ثابت و محکم است. مترجم) به وسیله شاه در سخنرانی می دید.

۳ یک خانم وفادار به شاه و دولت و عضو مجلس (پارلمان) فکر می کرد که سخنرانی خوب بوده، اما یادآوری کرد که اهمیت آن بستگی دارد که چگونه بر روی تظاهرکنندگان در خیابانها تأثیر بگذارد. دولت برای به دست آوردن دوباره اعتبار خود، نیاز به یک کارهای عملی دارد. روزنامه نگاران باسابقه ایرانی یادآور شدند که یک نکته مهم، که از این سخنرانیِ خوب افتاده بود، این بود که هیچ ذکری از تنبیه

کسانی که در گذشته مرتکب اشتباه شدند، به میان نیامد. او (خبرنگار) فکر می کرد که این یک از قلم افتادگی است و باید در نظر گرفته شود.

۴ حاصل یک نمونه برداری مختصر که به وسیله افسران انجمن روابط بین المللی از کارمندان ملی عالیرتبه، یک وکیل مجلس (سناتور)، یک قاضی بین المللی بعضی از اعضای هیئت رئیسه سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران، رئیس دانشگاه، یک استاد دانشگاه و دو تاجر ایرانی به عمل آمد، یک توافقی کلی به شرح زیر بود:

الف) سخنرانی کلاً مورد توجه بود، این خوب است که شاه از اعمال گذشته معذرت خواهی کرد و از جنبش مداوم برای دمکراسی پشتیبانی کرد.

ب) سخنرانی باید ماهها قبل ایراد می شد، ممکن است خیلی دیر شده باشد.

ج) دولت نظامی برای مدت زیادی دوام نمی آورد، اما ممکن است فعلاً اوضاع را آرام کند.

د) همه به تواناییهای ارتش مشکوک هستند، که به خاطر بی تجربه گیش در امور داخلی بتواند در مدت زمان طولانی جای دولت را بگیرد.

ه) آنهایی که نخست وزیر جدید را شخصا می شناسند، راجع به او به عنوان یک افسر فسادناپذیر و شریف صحبت می کنند.

۵ نمونه برداری خیلی کوچکی از دانشجویانی که کلاً عیب جو بودند نشان می دهد که آنها عقیده داشتند که خشونت دیروز با دقت ترتیب داده شده بود تا مجوزی برای تحمیل حکومت نظامی باشد. به عقیده این دانشجویان در مورد اعتبار شاه جای بسی سؤال است.سولیوان امضاء

سفر وزیر خارجه ترکیه به ایران

سند شماره ۱۵

از: سفارت آمریکا آنکارامحرمانه ۱۹ ژوئن ۷۹ ۲۹/۳/۵۸

به: وزارت خارجه واشنگتنشماره سند: ۱/۷/۴۶۴

گزارشگر: اسپایزر

موضوع: سفر وزیر خارجه ترکیه به ایران

۱ (تمام متن یک پیام اطلاعی است).

۲ خلاصه: وزیر امور«خارجه ترکیه اوکان معتقد است که (مذاکرات خوبی) با مقامات رژیم انقلابی ایران دارد. موافقت اصولی در زمینه توسعه همکاریهای فنی و اقتصادی بوده، ولی در جزئیات موافقت کمی بوده و او معتقد بود ایرانیها خواستار روابط بهتری با آمریکا هستند، ولی سوءظن دارند، آنها دلخوشی از روسیه و اسرائیل نداشتند و علاقه ای به سازمان عمران منطقه ای(۱) و حمایت اخلاقی از شورشیان افغانی ندارند.

۳ به تقاضای سفیر توضیحات بیشتری توسط اوکان در نتایج سفر تهران داده شد. هدف از شروع ارتباط (آغاز مذاکرات مفید) با رژیم انقلابی ایران حاصل شده در مراحل وسیع همکاریهای اقتصادی فنی پایه ها مستحکم شده است. ایرانیان ظاهرا پاسخ به ندای همکاری بیشتر سیاسی با ترکیه دادند، هر چند مشکل بود. به دلیل عدم آمادگی ایرانیان جهت بحث در زمینه های مشخص مثل تجدید بنای

کمیسیونهای مشترک، پیش بینی آینده روابط مشکل است. توجه اساسی آنها به مسایل داخلی بیش از خارجی است و ایرانیان وانمود می کردند کنترل کامل را در دست دارند ولی اوکان بدبین بود.

۴ در جریان اقامت، معاون نخست وزیر و وزیر خارجه میزبان هیئت بوده اند. به علاوه وزیر خارجه با بازرگان نخست وزیر ۴۰ دقیقه ملاقات داشته و حدود یک ساعت و نیم با آیت اللّه خمینی. ضمنا ملاقاتهای ساده ای با دیگر وزراء و رئیس شرکت نفت داشته است.

۵ اظهارنظر وزیر خارجه ترکیه در مورد خمینی، یزدی، بازرگان و شریعتمداری:

خمینی: یک انقلابی سرسخت اسلامی است که حاضر نیست، هیچ گذشتی برای دیگر ایدئولوژی ها داشته باشد و او را به یاد اسقف ماکاریوس می انداخت. به نظر می رسید قویا مخالف غرب به دلایل

۱- حالا ـ دیگر بایـد همه باور کرده باشـند که آمریکا شـیطان بزرگ است و بایـد پـذیرفت نمی توان با بی اعتمادی و سوءظن خواستار روابط بهتری با شیطان بزرگ بود. چه یا ما باید شیطان بزرگ را مسخر قدرت الهی امت بسازیم و یا شیطان بزرگ ما را به بنـد اسارت خواهـد کشـید. ۲ یـک رژیم انقلابی که در حـال نبرد بـا شـیطان بزرگ است بایـد بیشتر متوجه مسایل خارجی باشد یـا داخلی؟ جـواب این سؤال را امـام داده است بـا تمـام گرفتاریهـایی که داریم با جهان برخورد مکتبی می کنیم و انقلاب خودمان را به تمام عالم صادر می کنیم و در این راه گرفتاریها و عـدم تسـلط کافی بر اوضاع هم عـذر موجهی نمی باشـد. راه تداوم انقلاب توجه بیشتر به مرزها به دشـمن در خانه اش و نبرد تا آخر عمر با آمریکا (پیام امام) می باشـد و این ضامن تسلط و حفظ اوضاع داخلی می باشد. ۳ این مطالب در حد اظهارنظر وزیر خارجه ترکیه اعتبار دارد.

فرهنگی و مذهبی است. ملاقات با آیت اللّه در شرایط غیرمعمول حضور خبرنگاران و تلویزیون بود.

یزدی: خودش را خوب نشان داده و با دید مدرن ولی زیربنای ایدئولوژی اسلامی قوی است. او رابط بین خمینی و دولت بازرگان است و روابطش با نخست وزیر دوستانه است. وضع آینده روشن نیست و به نظر او یزدی ضد غربی نیست و توجه به بهتر کردن روابط با آمریکا دارد.

بازرگان: یک سیاستمدار کهنه کار به همکاری با ترکیه علاقه مند بود و از شروع مذاکرات خوشحال بود. نقطه نظراتش از یزدی آزادانه تر بود.

شریعتمداری: مورد علاقه وزیر خارجه ترکیه بود. او دریافت که آیت اللّه ترک خیلی دمکرات تر و انسان دوست تر از خمینی می باشد و خواهان روابط بهتر بین دو آیت اللّه بود چون روابط ضعیف بودند، و آنها بر سر مسایل قانون اساسی نزاع داشتند.

۶ مطالب متفرقه: روابط ایران با آمریکا، شوروی، عراق، افغانستان و نفت.

به نظر وزیر امور خارجه ترکیه، ایران درصدد بنای روابط خوبی با آمریکا است(۱) ولی شدیدا در مورد مسایلی مثل انتقاد سنا از حقوق بشر حساس شده است. وی توصیه کرد با احتیاط بایستی سعی در اطمینان دادن به جلب همکاری اقدام شود و امیدوار بود که مسئول جدید را به تهران معرفی کنیم. سفیر در مورد رد کاتلر پس از قبول اولیه اشاره کرد که برای واشنگتن هضم این طور مسایل بسیار مشکل است. سفیر یادآور شد که کارتر دایره خویشتن داری قابل توجهی در قبال حقوق بشر در ایران انقلابی داشته است. اگرچه حکومت شاه را نیز در این موضوعات مورد انتقاد قرار داده است.

در مورد روابط با روسیه وزیر گفت که ایرانیان تمایلی به روسیه ندارند و یکی از عوامل آن مربوط به حمایت شوروی از گروههای مخالف است.

برعکس نظر او به او گفته اند ایرانیان معتقد نیستند که آمریکا فعلاً درگیر این نوع مداخله در جریان شده

است. بدترین موضع گیری در قبال اسرائیل است.

احساسات خیلی تند بوده و به اعتقاد ایرانیان، اسرائیل با بازمانده های ساواک برای ایجاد مزاحمت بین گروههای مختلف هماهنگی می کند.وضع عراقیها برای ایرانیان مفهوم نیست. به خصوص در خوزستان که کمک به مخالفین باور شده است.

برای شورشیان افغانستان حداقل ایرانیان همبستگی معنوی نشان داده اند. به نظر ایران حکومت تره کی مواجه با مشکلات رو در رو است.ایرانیان علاقه ای به همکاریهای منطقه ای تحت سازمان RCD به عنوان وسیله ای برای پیشبرد همکاریهای منطقه ای ندارند و در عوض خواستار معاملات دوجانبه هستند.

ایرانیها در جریان معرفی کاردار سفارتی در آنکارا هستند (و کنسول برای استانبول) و دلیل اعزام کاردار به جای سفیر به ترکیه روشن نیست. در مورد مذاکرات نفتی وزیر خارجه ترکیه بسیار راضی بود، با توجه به افزایش حجم تجارت فرآورده های نفتی در سال ۸۰.

تفسیر: نظریات شخصی وزیر کمتر از نظر، نظرات کاملاً مثبت مطبوعات در مورد سفر به ایران گزارش

۱- با توجه به فرمان ۲۲ بهمن امام که بحق باید منشور انقلاب نام گیرد "ما تا قطع تمام وابستگیهای سیاسی نظامی اقتصادی و فرهنگی به آمریکا به نبرد قاطع خود علیه این جهانخوار بیرحم ادامه خواهیم داد. و یا ما تا آخر عمر با آمریکا مبارزه خواهیم کرد. به خودی خود قصد بنای روابط خوب با نظام غارتگر (البته نه بزعم عده ای دوست) آمریکا خنثی و غیرعملی گشته. و البته اگر روشنفکران خودباخته بگذارند. نظر درباره اسامی تحلیل شخصیت ها می باشد و جنبه اظهارنظر و تحلیل داشته و جنبه سندِ تنظیم شده و یا خبر اطلاعاتی ندارد.

شده است. حکومت ترکیه آشکارا، سعی در بهتر کردن وضع مشکل موجود با دولت انقلابی جدید دارد.

زمان نشان خواهد داد که کلمات شیرین در مواجهه با عمل، همکارهای های فنی و اقتصادی، چگونه

خواهد بود.

سپیرز

ساختن پلهایی به شیعه اسلام

ص: ۲۲۵

سند شماره ۱۶

از: سفارت تهرانتاریخ: ۷۹ / آگوست / ۱۹ ۲۷/۵/۵۸

به:

گزارشگر:

شماره سند: ۹۱۷۴

موضوع: ساختن پلهایی به شیعه اسلام

تحلیل: در حال حاضر مقداری بی نظمی و خطر در ایران وجود دارد. قدرت پراکنده است و حتی تصمیمهایی نسبتا ساده نیز اغلب عقب می افتند. چون مسئول آشکاری ندارند. بنابراین غیرعملی است که سعی شود، نقشه ای طرح شود بیش از یک ساختمان قدرت آزمایشی که بعضی گروهها و نهادهای مؤثر را مشخص می کند. البته این حتی مشکل تر است که بدانیم چه کسانی بازیگران این یک سال و حتی مهم تر، بازیگران ده سال دیگر ایران می باشند.

این بدون شک برای آمریکا بسیار مورد علاقه و مهم است، که شروع به ساختن عملی و محتاطانه پلهایی به گروههایی بکند که به نظر می آید به طور حتم رلهای بزرگی در طی ده سال آینده در ایران بازی کنند.

تاریخ ایرانیان، حوادثی که منجر به رفتن شاه شد و موقعیت در حال حاضر همگی نشان می دهد که رهبران مذهبی شیعه به طور حتم یکی از گروههائی هستند که رل مهمی در ایران بازی می کنند، حتی بدون توجه به نوع حکومت و ساخت اجتماعی و اقتصادی جامعه.

۳ در عین حال که ثابت شده در ایران ریشه های عمیق و زنده وابستگی به شیعه اسلام را دارد و همین سبب شود که روحانیت تأثیر بسیار بزرگ و مداومی روی ایران داشته باشد. اما با این حال این نیز آشکار است که آمریکا در حال حاضر قدرت کمی دارد تا بتواند با این طبقه و قالب فکری علما آشنایی پیدا

کند؛ ما نمی دانیم آنها از کجا آمده اند؟ به عکس علما دانسته های کمی از مفهوم اندیشه غربی دارند. برای بدتر ساختن موضوع هر دو طرف قضیه با انبانی از اطلاعات سطحی و گمراه کننده تحمیلی روبرو هستند.

۴ بدبختانه راه حل سرعتی برای پر کردن شکاف بین آمریکاییها و روحانیت شیعه وجود ندارد. در این مورد، تمایل آمریکایی برای برنامه های شکننده و سریع به طور ناامیدانه ای نامناسب است. دستپاچگی و دعوت یک ملا به نهار، فرستادن نشریات ما برای روحانیت، یا حتی فکر برنامه هایی با آنها در مغز هم نه تنها مشکل را کاهش نمی دهد، بلکه وضع را بدتر می کند.

۵ انتقال و تبادلهای قراردادی با انستیتوها و مدارس مدرن ایرانی کار کمی در ایجاد ارتباط میان آمریکاییها و علما انجام می دهد. هزاران ایرانی در آمریکا یا اروپای غربی تحصیل کرده اند، اما وقتی که به ایران باز می گردند آرمانها و طرز زندگی آنها تأییدی بر نظرات و عقاید علماء در قبال ارزشها و مفاهیم غربی است. در اشتیاق آنها به جذب ( ) یک دیسیپلین و یا تکنولوژی خاص، دانشجویان ایرانی دیدگاهها و اطلاعات اندکی درباره اندیشه سنتی ایرانی در اختیار آمریکاییها می توانند بگذارند. مجذوبیت و یا اشتغال ذهن آنها به امور سیاسی زودرس و اطلاعات کم آنها از بدن بزرگ اندیشه اسلامی، توانائی آنها را در وارد شدن به بحثهای معنی دار با معدود آمریکاییانی که برای کشف نهادها و قالبهای کلی خارجی (مثل روحانیت) آماده شده اند، (توانایی آنها را) کم می کند.

۶ POST (سفارت) پیشنهاد یک تبادل شاگرد را کرده است. به طوری که تحت طرح فولبرایت یک یا دو شاگرد پیشرو (مترقی، را از مدرسه فیضیه در قم جایی که بسیاری از رهبران مذهبی بسیار مؤثر در آنجا تربیت شده و درس داده اند، شامل آیت اللّه خمینی به یک مدرسه مناسب آمریکایی مانند(۱) برای دو سال منتقل کنند. سال اول صرف می شود برای مطالعه زبان انگلیسی و کشف اندیشه غربی و سال دوم موقعیتی فراهم می کند برای بحثهای عمیق با آمریکاییان مجرب و ممکن است شامل بعضی تدریسهای رسمی نیز باشد. در همین موقع یک یا دو آمریکایی فارغ التحصیل یا دو پرفسور جوان از «یونیون» تئولوژیکان (دین شناسی) یا انستیتوها شبیه دیگر برای تحصیل خواهند آمد و گاهی اوقات هم در بحثهای دسته جمعی با سایر همشاگردیها در قم شرکت می کنند.

۷ پُست POST دریافته است که ایجاد تماس مؤثر با مدرسه فیضیه احتیاج به مقدار زیادی وقت، کوشش، شکیبایی و حضور ذهن دارد. موانع جلوی موفقیت بسیارند. اما پُست ارتباطهای دوستانه ای با کسانی که فیضیه را می شناسند دارد و ممکن است به عنوان یک واسطه با احتیاط البته بدون مطرح کردن هیچ مأموریتی بتواند عمل کند. POST به عنوان اولین قدم پیشنهاد می کند، که اگر طرح از لحاظ آژانس خوب است آژانس امکان تبادل را با نهادهای آمریکایی مشخص بررسی کند. در اینجا

گریوز GRAVES

۱- UNION THEOLO GICAL Seminary اتحادیه مدارس مذهبی

مقدمه:

ریشه های گندیده فرهنگ غرب (آمریکایی) مسلما به راحتی و در زمان اندک از بین نخواهد رفت.

فقط اعتقاد راسخ به منحط بودن این فرهنگ و ایجاد زمینه های رشد فرهنگ اسلامی و نابودی فرهنگی غربی، امکان ساخت فرهنگ انقلابی را به وجود می آورد؛ و می بینیم که در زمانی که دولت موقت به راحتی از کنار همه مسئله می گذرد (و از جمله این مسئله) چگونه کار در جهت عکس انجام می گیرد و لانه جاسوسی آمریکا این امکان را می بیند که برای اولین گام در جهت بهبود وضعش از همین حربه استفاده کند؛ فیلم، نمایش (که هدف از آن ترویج مصرف کالاهای غربی است) کلاسهای درس و به این طریق زمینه های خشم توده مردم را که تمام بدبختیهای خود را از آمریکا می داند از بین ببرد تا حساسیت و نسبت به حرکات آمریکایی کمتر شود و دست آقایان برای نوسازی دوباره همان روابط سابق، باز شود.

برنامه نیازمندیهای آژانس ارتباطات بین المللی در ایران

سند شماره ۱۷

از: سفارت آمریکا در تهرانطبقه بندی: اداری محدود تاریخ: ۶/۸/۵۸

به: واشنگتنشماره سند ۱۳۷۶

گزارشگر: ح.گریوز

موضوع: برنامه نیازمندیهای آژانس ارتباطات بین المللی در ایران

۱ بعد از انقلاب. مرکز لازم دانست که اعضا و فعالیت خود را کم کند. تقاضا کرد که برنامه پشتیبانی از سرویسها کاهش پیدا کند و یا به حالت تعلیق در آید.

۲ اکنون جو در ایران به اندازه کافی پایدار شده است و اجازه می دهد که فعالیتها از سر گرفته شود. مرکز ایران و آمریکا در تهران، برای مثال یک سری فیلم و دو نمایش ایرانی در تئاتر IAS[۱] به تازگی شروع

کرده است. همچنین نمایشگاه یک نقاش ایرانی و کارهای هنر بچه های ایرانی، کنسرت پیانو برای ماه نوامبر برنامه ریزی شده است و در حدود ۳۵۰۰ دانشجو در کلاسهای انگلیسی ثبت نام کرده اند. کتابخانه در حدود ۱۵۰ نفر را به خود جذب کرده و حدود ۲۰ تا ۳۰ تقاضا برای اطلاعات پر می کنند. سرویس مشاوره دانشجویی در مقابل زیادی درخواستها با مشکل روبروست. مراکز فرهنگی در اصفهان و شیراز نیز فعال می باشند. کمیسیون دوباره دارد ردوبدل کردنها را شکل می دهد و دولت ایران اخیرا کاندیداهایی برای نمایندگی تعیین کرده است.

۳ جو در ایران و اهداف «پست» بشدت نوع برنامه ریزی را محدود می کنند. حساسیت ایرانی ها از همه چیز بجز موسیقی کلاسیک احتراز می کند. هیچ فیلم و نمایش یا رقص که بتوان مسایل جنسی را به طور آشکار در آن آورد ممکن نیست. به عبارت دیگر مرکز می تواند از هر چیزی که علاقه آمریکا را به اسلام و فرهنگ ایرانی و احترام به خانواده و فرزند و ارزشهای معنوی و پیشرفت جهان سوم و... نشان دهد به طور بسیار خوبی استفاده کند و حساسیت ایرانیان در زمینه های (حقوق بشر، صلح خاورمیانه کمپ دیوید، و نگرانی امنیتی آمریکا) ارائه طرحهای آمریکا را مشکل می کند.

۴ نکته اساسی که (پست) مرکز باید به آن توجه کند، این است که باید سوءظن ایرانیها را نسبت به این موضوع که آمریکا می خواهد انقلاب ایران را خراب کند و یا اینکه نمی خواهد با ایران در برنامه هایی که

۱- انجمن ایران و آمریکا

به سود دو طرف است همکاری کند، را کاهش دهد. البته مرکز متوجه است که این موضوع برای دستیابی مشکل است و برای برنامه ریزی آن برنامه طولانی مدت ارتباطی لازم دارد.

ایرانیها روشهای گذشته آمریکا را به یاد می آورند. لذا مرکز ایران و آمریکا باید منابعی را اختصاص به فعال کردن بدهد که ممکن است حاشیه ای به نظر برسد. به عبارت دیگر:

یک سرویس که براساس کتابخانه است و بر روی تاریخ ایران و فرهنگ ایران و مذهب و فلسفه ایران، مشورت دانشجویی، سخنرانیها با توجه به ارزشهای روحی، تاریخ اسلام، فرهنگ فارسی و مسایل جهان سوم و فیلم و ویدئو که علاقه آمریکا را در ارزشهای روحی و خانواده و فرزند و حفاظت از محیط زیست و... داشتن روابط دوستانه با ایران انقلابی نشان دهد، متمرکز کند.

۵ مرکز بنابراین تقاضا می کند که برنامه نمایندگی دوباره از سرویسها پشتیبانی کند. منجمله تهران را به عنوان یک آدرس برای دستیابی به خبرها و شرکت کنندگان معرفی کند.

مرکز تشخیص داده است که بیشتر آنچه به مراکز به وسیله نمایندگی پیشنهاد شده است، در حال حاضر برای ایران مناسب نیست. اما مرکز از تعداد کمی از آنها که برای ایران مناسب است، استفاده می کند.

همچنین مرکز تقاضا می کند که فعالیت ECA ،PGMدر برنامه ریزی که با توجه به احتیاجاتی که در پاراگراف ۴ این پیام تهیه می شود نیز دخالت کند.

۶ مرکز تقاضا می کند که در مورد USICA متعلق به ایران نمایندگی محدودیتهای برنامه پشتیبانی سرویسهایی را که مرکز برای پیشنهادهایی را که نسبت به پروژه های پیشنهادیشان اصلیت ندارد به حالت تعلیق در آورند، چون USICA متعلق به ایران، هیچ پروژه پیشنهادی ندارد. مرکز نیز به طور کامل در برنامه ریزی آینده نمایندگی شرکت خواهد کرد.گریوز

مقدمه

بدون شک آمریکا به خاطر شکست سختی که در ایران می خورد و غافلگیری که به خاطر شکل انقلاب به آمریکا دست می دهد، تئوریسین ها را طبیعتا به این فکر خواهد انداخت که عواملی را شناسایی کند، که از اسباب این انقلاب بوده اند و بدون شک فرهنگ و روح اسلامی حاکم بر انقلاب و موج نو تفکر اسلامی از بارزترین حربه های انقلاب می باشد و بدین روست که می بینیم در پی تحقیق و موشکافی در این نحوه تفکر و فرهنگ برمی آیند و بی دلیل نیست که وزارت امور خارجه آمریکا یک نسخه از مجلات راجع به دکتر را خواهان است.

روزنامه فرانسوی در مورد شریعتی

سند شماره ۱۸

از: سفارت تهرانتاریخ

به: سفارت پاریسشماره ۱/۱۳۲۷

گزارشگر: پترسون

موضوع: روزنامه فرانسوی در مورد شریعتی

۱ سفارت فرانسه با ما تماس گرفت و گفت که مجله هفتگی در پاریس به نام LES NOUVEL LES LITTERAIRESاختصاص داده، تمام مطلب خود را در همه ۱۴ ۷ دسامبر به متفکر ایرانی دکتر علی شریعتی (که عقیده اش اهمیتی زیاد را در موقعیت کنونی در اینجا دارد). اختصاص داده. ممنون خواهیم شد اگر یک کپی از این مجله را در اسرع وقت به سفارت آمریکا (قسمت سیاسی) ارسال فرمایید. مخارج آن نیز تأمین می شود.

۲ در نظر بگیرید که اداره یک یا دو عدد کپی می خواهد (برای ایران و INR)

سولیوان

از: سفارت تهرانطبقه بندی: محرمانه

سند شماره ۱۸

از: سفارت تهرانتاریخ

به: سفارت پاریسشماره ۱/۱۳۲۷

گزارشگر: پترسون

موضوع: روزنامه فرانسوی در مورد شریعتی

۱ سفارت فرانسه با ما تماس گرفت و گفت که مجله هفتگی در پاریس به نام LES NOUVEL LES LITTERAIRESاختصاص داده، تمام مطلب خود را در همه ۱۴ ۷ دسامبر به متفکر ایرانی دکتر علی شریعتی (که عقیده اش اهمیتی زیاد را در موقعیت کنونی در اینجا دارد). اختصاص داده. ممنون خواهیم شد اگر یک کپی از این مجله را در اسرع وقت به سفارت آمریکا (قسمت سیاسی) ارسال فرمایید. مخارج آن نیز تأمین می شود.

۲ در نظر بگیرید که اداره یک یا دو عدد کپی می خواهد (برای ایران و INR)

سولیوان

ص: ۲۳۰

از: سفارت تهرانطبقه بندی: محرمانه

به: واشنگتنتاریخ: ۳/۸/۵۸

گزارشگر: لیمبرت

ویهینگن: اطلاعات: مدرنیزه آیا شانسی وجود دارد

جهت اطلاع کنسولگری در سفارت ابوظبی، آنکارا، بغداد، دوبی، استانبول، جده، کابل، کویت، لندن، پاناما، مسکو، مسقط، پاریس

۱ تمام مطلب محرمانه

۲ خلاصه: گروههای سیاسی میانه رو ایرانی که خیلی در زمان انقلاب ایران فعال بودند و سابقه طولانی در مخالفت با شاه داشتند، توسط اشخاصی و گروههایی که در مورد اسلام کوتاه بین متعصب(۱) هستند. تحت فشار قرار گرفته اند در چند هفته قبل گروههای میانه رو که تمایل به داشتن یک جامعه متعادل شبیه به سوسیال دمکراسی غرب(۲) هستند، بیشتر مورد بحث قرار گرفته اند.

آنها به طور مستقیم انگشت روی آیت اللّه خمینی نمی گذارند؛ بلکه اکثرا ضعفهای رژیم کنونی ایران را مورد حمله خود قرار می دهند. موقعیت این گروههای سیاسی ناپایدار است. آنها خودشان را با چند سخنگوی غیر روحانی، چند روحانی لیبرال و چند روزنامه نشان می دهند، ولی با همین حال هیچ نیرویی در مقابل دولت و اوضاع سیاسی ایران ندارند. این گروهها فقط در این موقعیت هستند که خود را تا آنجا که نظر مخالف خویش را نسبت به قانونگذاران جدید بیان کنند، سازمان دهند.

۳ نقش افراد روحانی و غیرروحانی میانه رو:

.... سر وراثت هنوز باهم بحث دارند. چون که افراد انقلابی همچون متین دفتری نزیه فروهر سنجابی بازرگان تحت الشعاع خمینی و دوستان و همفکران او (!) که حکومت ایده آل را مذهبی می داند، می باشند.

همه حمایت کنندگان خمینی روحانی نیستند: بعضی از آنها آخوندهای بدون عبا و عمامه مثل قطب زاده، یزدی، چمران و طباطبائی و دیگران هستند. اینها روزنامه و مطبوعات شورای انقلاب و مجلس خبرگان را در دست دارند.

آنها مخالفان خودشان را به ستوه درآوردند و نادیده گرفتند.

بازرگان هنوز بدون قدرت است، متین دفتری و نزیه پنهان هستند، فروهر نادیده گرفته شده و سنجابی ساکت شغلش را با تنفر ترک و کشور را ترک کرده است.

۴ البته هنوز موضع گروههای میانه رو سیاسی خیلی حساس است. در چند هفته قبل آثاری نشان داده اند که اینها زنده هستند. با وجودی که ارگانهای مهم آنها یعنی روزنامه های آیندگان و آهنگر در ماه اگوست تعطیل شده است. اما آنها انتشار روزنامه های کوچک را شروع کرده اند مانند خلق مسلمان، توسط حزب خلق مسلمان، جنبش، توسط علی اصغر حاج سید جوادی؛ جبهه آزادی، توسط حزب ایران؛ آزادی، توسط جبهه دمکراتیک ملی. البته تکثیر آنها بسیار محدود است و بنابراین نفوذ کمتری از

۱- اسلام اصیل و اسلامی که بدون التقاط از شرق و غرب بتواند ایدئولوژی حاکم بر انقلاب گردد مسلماً باعث رنجش جهانخواران است چراکه نفوذ در آن محال است و باید که در این برهه از زمان نسبت به اسلام نازک بین بود چراکه مکاران جهانخوار در کمین اند که از کوچکترین ناخالصی برای رخنه استفاده کنند.

۲- به یاد بیاوریم تأکید بسیار امام را در برابر مسئله فقط جمهوری اسلامی نه یک کلمه بیشتر و نه یک کلمه کمتر

روزنامه های یومیه مانند کیهان، اطلاعات و بامداد دارند.

آنها معمولاً نکات حساس و نیز حوادث را می نویسند و تحلیلها اکثرا با نظرات رسمی متفاوت هستند.

۵ در شش هفته قبل، حزب خلق مسلمان جلساتی را بعدازظهر جمعه در مقر خود در تهران برقرار کرده.

در جلسه اول حدود ۱۰۰ نفر شرکت کردند. نماینده سیاسی سفارت و کمک یارانش به جلسه رفتند(۱) در تاریخ ۱۹ اکتبر در حدود ۱۵۰۰ نفر در جلسه شرکت کرده بودند.

افراد شرکت کننده اکثرا یا از طبقه متوسط یا از افراد تحصیلکرده بودند و تعداد زیادی زن، بعضی چادری و بچه و چند فرد روحانی نیز دیده می شدند.

سخنگویان آقای احمد علیزاده: معاون حزب خلق مسلمان و رحمت اللّه مقدم مراغه ای رئیس نهضت رادیکال و نماینده آذربایجان شرقی در مجلس خبرگان بودند.

در حالی که تماشاچیان و گویندگان هیچ علاقه ای به دولت قبلی (شاه) نداشتند مقداری کمی از خمینی نام برده شد، اما هیچ جمله که با آمریکا مخالفت کند گفته نشد.

۶ سخنگو، حسابی آخوندبازی و مجلس خبرگان را کوباند، که این مجلس می خواهد قانون ولایت فقیه را تصویب کند که دیکتاتوری عبا و عمامه است.(۲)

یکی از سخنگوها وقتی که گفت: «ما اسلام دکتر شریعتی را می خواهیم و ما اسلام... نمی خواهیم» و آن قسمت را خالی گذاشت تا جمعیت پر کند با تشویق حضار روبرو شد.

هر دو نفر، مقدم مراغه ای و علیزاده راجع به ولایت فقیه انتقاد داشتند، تا آنجا که گفت: «این موضوع یک خیانت است که ما نسبت به نسل بعد مرتکب می شویم، ما انقلاب نداشتیم که استبداد را به شکل دیگری اعمال کنیم.»

در جلسه خصوصی اعلام داشتند که:

مقدم مراغه ای گفت که رهبر مذهبی هم اکنون تشخیص نداده که قادر نیست ولایت فقیه را در شکل کنونیش، به ایرانیان قالب کند. مجلس خبرگان قرار است جلسه ای شوری بر روی آن بگذارد. امیدوارم یک چیزهایی در آن اصلاح شود.

۷ میانه روها در مخالفت با ولایت فقیه متحدین از میان روحانیون هم پیدا کرده اند، مثل آیت اللّه نوری و آیت اللّه شریعتمداری که معتقدند اگر چنین اصلی کاملاً تعریف شود؛ سرانجام به دیکتاتوری منتهی می شود.

یکی از چیزهای جالب در این روزها ورود پسر آیت اللّه خمینی، سیداحمد خمینی به این بحث است.

در این موضوع خمینی جوان، در موقعیتی است که با میانه روها که می گویند عاقبت این ولایت فقیه اگر کاملاً تعریف نشود خطرناک است، همفکر است.

سفارت این موضوع را جداگانه بحث خواهد کرد.

۸ حرف های تند میانه روها این روزها می تواند از سرخوردگی آنان نسبت به بعضی از جنبه های انقلاب، منجمله روندهای موجود به سوی انحصارطلبی روحانیون منشأ بگیرد.

میانه روها از نقاط ضعف دولت در بعضی موارد برای جذب نفرات و عضو استفاده می کند مانند حزب

۱- چنان به این گروهکها دلبسته اند که در مجامع آنها نیز شرکت می کنند یعنی بیشتر و بهتر آنها را شناسایی می کنند.
۲- و امام بارها گفته است آنانی که روحانیت را می کوبند و می خواهند روحانیت از بین برود مسلماً از ایادی آمریکا هستند.

ایران، جبهه ملی، حرکت رادیکال. مثلاً شکست طریقه نظامی در کردستان سبب تجدیدنظر و شور دیگری حتی با اعضای سپاه پاسداران شده است.

یکی از نویسندگان روزنامه محافظه کار انگلیسی زبان تهران تایمز عقیده دارد که نیروهای نظامی غیرکرد از منطقه خارج شوند. روزنامه مردم. ارگان حزب توده که از اتهام دخالت شوروی در کردستان متعجب شده و در این مورد دعوت به بحث نیز می نماید.

تنها (روزنامه دست راستی) جمهوری اسلامی است که عامل اصلی دخالت کردستان را آمریکا می داند گرچه حزب جمهوری اسلامی در موقعیت خودش به طور زیادی ایزوله شده.

۹ ضعف دولت برای حفاظت از افراد، سانسور عجیب، رسوایی دادگاههای انقلاب، رشوه خواری در سطح وسیع و افرادی چون رئیس دادگاه انقلاب آیت اللّه آذری قمی هم دخالت داشته که اینها همه به صحبتهای میانه روها دامن می زنند. روزنامه آزادی در تاریخ ۱۸ اکتبر حمله تندی به سیستم دادگاه های انقلاب می کند و آن در مورد نادیده گرفتن پولهایی است که توسط دزد بزرگ آقای ایلیاوی معاون هادوی دزدیده شده و آزاد است در حالی که کسانی را که در نتیجه فقر به فروختن مواد مخدر مجبور شده اند به چوبه اعدام می فرستد.

حملات به دو خبرنگار در مجلس خبرگان، سبب شد که روزنامه اطلاعات با تیتر درشت بنویسد: «نگذارید دوباره اشتباه تکرار شود». در این مقاله به مردم قم و تبریز که در زمان شاه زیر فشار عجیبی بوده و حقشان پایمال شده و حق بیان نظرات خود را نداشتند اشاره شده بود.

۱۰ همه این ها چه چیزی را مشخص می کند؟ از همه مهمتر میانه روهای حزب ایران، جبهه ملی و دیگر گروهها در موقعیتی هستند که صدایشان درآید. برای این کار باید این موانع اصلی را از سر راه بردارند.(۱) مطبوعات اکثرا در دست نیروهای مخالف بماند.

جمهوری اسلامی روز بروز دیوانه تر می شود و برای نیروهای مخالف خطرناکست.

روشنفکران توسط اخطارهای خمینی خراب شده اند. صحبت ماه آگوست او مبنی بر «ما روشنفکر نمی خواهیم» هنوز در خاطره هاست.

صحبت های او در مخالفت با غرب و رسوم غربی سبب شده حتی هواداران او کرواتهای خود را نیز بردارند.

۱۱ این گروههای میانه رو هنوز در جو سیاسی ایران ریشه دارند بیرون ممکن است آنها را رها کرده اند، که روزنامه هاشان را بیرون بدهند و میتینگ هایشان را برگزار کنند؛ چون آنها نسبت به جو سیاسی زیاد اثری ندارند.

گرچه خمینی در صحبتهای اخیر خود آنها را می کوبد و طرد می کند این به خاطر اعتراض آنها به ولایت فقیه و روحانیت است.

در صحبتی که در تاریخ ۲۰ اکتبر برای روحانیون تهران داشت، مستقیما به خلق مسلمان اشاره کرد و گفت: اخیرا در یکی از میتینگ هایشان، یکی از اینها که هیچ چیز درباره اسلام نمی داند فکر می کند که باید مجلس خبرگان منحل شود (همه هورا کشیدند) شما که حتی در رأی دادن شرکت نکردید برای مجلس خبرگان حق ندارید این حرف را بزنید. این روحانیون بودند که شما را آزاد کردند. که هر چه می خواهید

۱- و باید سفارت آمریکا رهنمود بدهد چراکه اگر اربابان رهنمود ندهند چه کسی رهنمود باید بدهد؟

بگویید. شما در خانه هاتان بودید وقتی که روحانیت با شاه و پدرش علنا مخالفت می ورزید و حالا شما می خواهید مجلس را منحل کنید. شما قدرتش را ندارید. من توی دهن شما می زنم این را متوقف کنید، و به دامان اسلام بیایید و بگذارید این مملکت سر و سامان بگیرد.»

۱۲ این جملات خمینی فعلاً در سطح حرف است و ممکن است به بستن روزنامه های آنها و اجازه ندادن برای میتینگ و دستگیری رهبران آنها بینجامد. خیلی از این گروهها و رهبرانشان سوابق روشنی در رابطه با مخالفت با سلطنت دارند، و عمل آنها غیرقابل انکار است. اما روحانیون و دوستانشان با حملات خود به میانه روها مثل متین دفتری، نزیه و فروهر آنها را سخت ایزوله کرده اند.

۱۳ مقامات مسئول کارهایشان را بر روی موضوعاتی مانند روابط ایران و اعراب و قضاوت انقلابی به طور صحیح انجام نمی دهند. پیامهای این میانه روها می تواند در آینده گروههای زیادی را به خود جذب کند. همچنین آنها دوست ندارند مستقیما با آیت اللّه خمینی وارد مبارزه شوند؛ مخصوصا با موقعیت کنونیش و سؤالاتی که مستقیما در بالا اشاره شد. احتمالاً آنها بر روی کسانی که با خمینی همصدا نیستند و آن دید خاص مذهبی را نسبت به اوضاع ندارند، می توانند فشاری وارد کنند.

۱۴ در درازمدت اگر با این نیروها با هم منسجم گردند ممکن است در مقابل نیروی روحانیت انحصارطلب بعد از خمینی نیرویی شوند.

در آن موقع اسناد انقلابی بودنشان خیلی مهم خواهد بود، ولی برای آینده نزدیک این گروه شاید در حوالی سیاست ایران دور بزند و صحبت کند ولی قدرتی اعمال نخواهد کرد.

لینگن

کتاب هفتم

روابط آمریکا و شاه

بسم اللّه الرحمن الرحیم

خبرنگار: شما با قاطعیت از سفارت به عنوان لانه جاسوسی صحبت می کنید، ولی شواهد کافی برای این مسئله وجود ندارد...

امام : ... انشاءاللّه دانشجویان مسلمان در آینده روشن خواهند کرد.

از مصاحبه امام با مجله تایم

پس از اشغال لانه جاسوسی و گروگان گیری جاسوسان آمریکایی، ارمغان دیگری که انقلاب بزرگتر از انقلاب اول برای امت مسلمان ایران داشت، افشای جریانات وابسته به امپریالیسم و شیطان بزرگ بود؛ کسانی که پس از گذشت این دو سال مردم قهرمان ما آنها را در صحنه عمل نیز به خوبی شناخته اند. علیرغم عکس العملهای متفاوت و محدودیتهایی که در افشای اسناد توطئه آمریکا برای ما وجود داشته، ما همواره انتشار این مدارك و اسناد را که نمایانگر سلطه همه جانبه سیاسی، نظامی و اقتصادی شیطان بزرگ بر میهن ما بوده است، وظیفه خود به شمار آورده ایم و کوشیده ایم که با تمام توان هرچه زودتر این اسناد را که متعلق به تمامی امت مسلمانمان می باشد منتشر نماییم. مجموعه این اوراق خود می تواند نمایانگر شیوه هایی باشد که شیطان بزرگ در قبال حرکتهای ملل محروم و مستضعف جهان و بالاخص انقلاب شکوهمند اسلامی ایران اتخاذ کرده و می کند. خط کلی اسناد حکایت از دشمنی عمیق آمریکا با انقلاب اسلامی و رهبری آن امام خمینی دارد، به گونه ای که تحمل انقلاب برای آمریکا بسیار دشوار می نماید. این است که لحظه ای و ساعتی از توطئه غافل نمی ماند و درصدد است،که انقلاب را به نابودی بکشاند و یا آن را منحرف کرده و خط سازش را بر آن حاکم نماید. در این رابطه لازم دیدیم که نکاتی چند را در رابطه با نحوه برخورد با اسناد متذکر شویم.

نخست آنکه مطالبی که به طور مستقیم از افراد و شخصیتها نقل قول شده است، دقیق تر بوده تا برداشت

مأمور سفارت از مطالب رد و بدل شده بین آنها. طبیعی است که جو حاکم بر ملاقات و کیفیت روابط طرفین در کیفیت گزارش مؤثر بوده است. در ثانی باید توجه داشت که اسنادی که در لانه جاسوسی به دست آمده، تماما بر اساس بینشهای شیطانیِ دیپلماتهای جاسوس نگاشته و گزارش شده است و طبیعی است که قضاوت در مورد اسناد در رابطه با جریانات اجتماعی باید با توجه به این بینش باشد. از لابلای این مدارک می توان به زوایای حرکت شیطان بزرگ پی برد و با استفاده از معیارهای اسلامی برای مقابله با او تجهیز شد. یکی از شیوه هایی که آمریکا برای کسب اطلاعات پس از انقلاب اتخاذ کرده بود ملاقاتهای

به ظاهر رسمی بود، که با زیرکی خاص شیطانی خود در این دیدارها اقدام به جمع آوری اطلاعات می کردند و بسیاری از تحلیلها و دیدگاههای آمریکا در رابطه با انقلاب اسلامی مبتنی بر اطلاعاتی است که از همین ملاقاتها به دست آورده اند؛ و از اینجا پی به اهمیت خاص این گونه ملاقاتها می بریم. علاوه بر اینها برخی از اسناد، گزارشات وقایع و اخبار است و دقت در نوع انتخاب و ارسال خبر، که مبین نیازهای اطلاعاتی شیطان بزرگ و جاسوسهای او در تهران بوده است، می تواند راهگشای ما در شناخت علایق و نکات برجسته ای که موجب حساسیت امپریالیسم آمریکا بوده است باشد. کنجکاوی و حساسیت خاص ایادی شیطان بزرگ در موارد مشخص می تواند، نشانگر نقاط ضعف و ترس او باشد. لذا بر ملت مسلمان ماست که با کنکاش بیشتر و شناخت روز افزون از توطئه های شیطان بزرگ در حفظ و نگهداری دستاوردهای انقلاب اسلامی از هجوم شرق و غرب بکوشند. باشد که این نهضت به نهضت امام زمان متصل شود.

در خاتمه لازم به تذکر است که ترجمه و تنظیم و انتشار مطالب منتشره در حد بضاعت این جمع می باشد.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

معرفی کتاب شماره ۷

مجموعه حاضر از اسناد لانه جاسوسی که از نظرتان می گذرد، در سه قسمت تنظیم شده و عمدتا بیانگر روابط نزدیک آمریکا با محمد رضای مخلوع و معدوم و خاندان او و هیئت حاکمه جنایتکاری که شیطان بزرگ با دخالت مستقیم خود، در طول ۵۰ سال با ظلم و غارت و چپاول بر کشور ما حکمروایی کرده است، می باشد. شاید سخن گفتن از جنایات شاه معدوم و روابط او با آمریکا برای امتی که ظلم ۲۵۰۰ ساله را با تمامی وجود خود احساس کرده خالی از ضرورت باشد؛ لیکن از آنجا که باید مجموعه هایی از

این نسخ، در حکم یک اعتراف، به طور مستند برای نسلهای بشر باقی بماند و مستضعفین تحت سلطه اجانب و به خصوص ملتهایی که خونشان توسط آمریکا مکیده می شود را رهنمودی جهت آگاهی و قیام علیه این بیدادگریها باشد، اقدام به انتشار آن نموده ایم. تاکنون اسناد و مدارکی که حاکی از روابط آمریکا با سیستم حاکم در ایران بوده است به یاری خدا در مجموعه های جداگانه به چاپ رسیده و در آینده نیز انتشار آن ادامه خواهد یافت. اما اسنادی که در این کتاب جمع آوری شده، عمدتا مشخص کننده روابط نزدیک شخص شاه و اطرافیان وی با شیطان بزرگ می باشد. خصوصیات فردی و روابط فاسدی که در دستگاه حاکمه وجود داشته، همه را جاسوسان آمریکایی در مدارکی که از آنها به دست آمده تأیید کرده اند؛ روابط فاسدی که ملت قهرمان ایران با قیام یکپارچه خود مدفون ساختند. امام در تحلیل مختصر و در عین حال جامعی از کیفیت این عناصر و مفاسد آنان چنین فرموده اند:

«من دیدم هیئت وزرای زمان طاغوت را و همه آن زمانهایی که بودند، یک هیئت وزرایی بود که همه جزء ملک ها و سلطنت ها و همه از آن طاغوت ها بودند؛ و یک تشکیلی کرده بودند که جامع بود، بین اشخاصی که خائن بودند و یا اگر خائن نبودند از طبقه بالای کشور بودند، یعنی آن طبقه مرفه بالانشین. همین طور مرسوم شده بود از اول تا این زمان که باید حتما آنهایی که به وزارت می رسند، از توده مردم نباشند، باید به قول خود آنها از طبقه ممتاز به نظر آنها یعنی ثروتمند، یعنی یال و کوپالدار، یعنی اطرافی دار

و دارای پارکهای بزرگ و زمینهای زیاد، تا این طور نبودند، لیاقت نداشتند در یک حکومت وارد بشوند.»

مدارک به دست آمده از جاسوسان آمریکایی نیز گواه همین نظامات فرعونی است.

بخش اول کتاب، جزوه ای است تحت عنوان: «نخبگان و تقسیم قدرت در ایران»

و همان گونه که در ابتدای آن نیز آمده است، توسط CIA برای آشنایی مقدماتی افرادی که به منظور مأموریتهای مختلف سیاسی و جاسوسی از طرف شیطان بزرگ به ایران می آمدند، تهیه شده است در واقع یک مجموعه فشرده و نسبتا جامع از ساخت جامعه ایران و نیروهای سیاسی و اجتماعی موجود در آن از دیدگاه جاسوسان درجه اول است. این جزوه دارای نکات برجسته ای است، و به وضوح می توان در آن اعترافات آشکار آمریکای جنایتکار در حمایت از رژیم دست نشانده شاه را دید. CIA با صراحت تمام صحبت از ساخت قدرت و برنامه ریزیهایی که در جهت تثبیت رژیم شاه به عنوان یک رژیم حامی منافع آمریکا انجام گرفته است، می کند.

همچنین به مفاسد و جنایات بزرگ رژیم زیر چتر حمایتی شیطان بزرگ با وقاحت اشاره کرده است، که از آن جمله عبارتند از :

تقلبات آشکار در انتخابات مجلس و اعمال نفوذ شاه در این زمینه.

چگونگی انتخاب وزراء و نقش ساواک در این رابطه.

نقش ساواک در انتخاب نمایندگان قلابی مجلس.

ساخت ارتش.

و همچنین وظایفی که در رابطه با مسایل داخل کشور و در منطقه خلیج به مثابه ژاندارم منطقه به عهده ارتش ایران گذاشته بودند.

در بخشی از این جزوه، CIA به بررسی میزان کارآیی و ابعاد فعالیتهای گروههایی که در داخل کشور به

مبارزه با شاه و آمریکا برخاسته بودند، پرداخته است. از یک سو با اشاره به گروههای مسلح، آنها را خطر عمده برای برنامه های شاه به حساب نمی آورد و می گوید:

«گروههای تروریستی، تهدیدی برای رژیم شاه و برنامه هایش نیستند. این سازمانها به صورت ۲ سازمان مجاهدین خلق و فداییان خلق با ائتلاف مذهبیون و کمونیستها با یکدیگر فعالیت می کنند.»

از سوی دیگر به نقش اساسی روحانیت اصیل و متعهد و در رأس آن امام در مخالفت با آمریکا و رژیم اشاره می کند که به چند مورد آن اشاره می کنیم:

«از زمانی که شیعه اسلامی به عنوان مذهب رسمی برقرار شد (قرن شانزدهم) علمای شیعه با هر سلطنتی مخالفت کرده اند.»

«روحانیت خودش بشدت از نفوذ خارجیان متنفر بوده است؛ و همچنین به طور مشخصی در نهضتهای ضد خارجی مردمی شرکت داشته است.»

«احتمالاً ۵۰ درصد که تقریبا شامل هر رهبر مذهبی با هر شکل می شود، در جبهه مخالفت مستقیم با دولت قرار گرفته و کلاً به خاطر پایگاه مردمیشان مورد حمایت هستند.»

«به نظر می رسد روحانیون در مجموع کمتر از دیگر اقشار جامعه انعطاف داشته باشند.»

«اما آنها (روحانیت پیرو امام) خطر بیشتری از آنچه تعدادشان است، تولید می کنند.»

«طلاب روحانی که پیرو او (امام خمینی) هستند، می توانند تظاهرات زیادی بر ضد رژیم ایجاد کنند.»

«احتمال کمی وجود دارد که یک صلح بین رژیم و جامعه روحانیت به وجود آید.»

در واقع شیطان به زبان خود به معرفی دشمنان واقعی خود می پردازد. با توجه به این اعترافات آشکار به راستی چه کسانی راه درست و صحیح را در مبارزه با رژیم پیش گرفتند؟ و کدام نیرو و قشر اجتماعی ذیصلاح توانست مردم را در سرنگونی رژیم و مبارزه واقعی با امپریالیسم رهبری کند؟ انقلاب اسلامی ما گواه غیرقابل انکار این مدعاست، که روحانیت متعهد و در رأس آن امام امت، خمینی بت شکن با پیروی از تعالیم اسلام اصیل و با اتکال به خدای متعال رهبری این نهضت را به عهده داشتند؛ و به تحقیق این شیوه مبارزه اسلامی با دشمنان خداست. اینجاست که باید سؤال کرد که دشمنان واقعی امپریالیسم آمریکا، شیطان بزرگ، به راستی چه کسانی هستند؟ و آمریکای جنایتکار کمر همت به نابودی کدام جریان و نیروی اجتماعی بسته است، و امروز چه نیروها و جریانات اجتماعی دقیقا از خط مشی و سیاستهای امپریالیسم در مقابله با انقلاب اسلامی، با پوشش و ظاهری به اصطلاح انقلابی و مشروع، البته از دیدگاه خودشان، تبعیت می کنند؟

میزان نفوذ روحانیت پاسدار اسلام و مرجعیت و طرح ولایت فقیه در ساخت جامعه اسلامی ما به اندازه ای بوده است، که کارگزاران CIA معترفند که نیروهای امنیتی اگر بتوانند گروههای مسلح را نابود کنند (کما اینکه تا حدودی نیز در این امر موفق شده بودند) روحانیت اصیل را هرگز نمی توانند از صحنه بیرون برانند، چرا که جایگاه این قشر به دلیل اتکاء به اسلام و استقلال کاملش از هر قدرت باطل در میان دلهای انبوه توده های میلیونی مسلمان ماست.

امروز دیگر میزان کارآیی نیروهای مختلف اجتماعی، در مقابله با سلطه خارجی چه از جانب گروههایی از سنخ گروههای مسلح و چه روشنفکران غرب زده و شرق زده که سوابق درخشانشان در همین جزوه دستگاه جاسوسی آمریکا هم آمده، بر امت انقلابی و مسلمان ما روشن شده است.

البته طبیعی است که به واسطه ضعف اطلاعاتی شیطان بزرگ از روابط درونی بین نیروهایی که به هر شکل با رژیم مبارزه می کردند، اشتباهاتی در زمینه حدود این روابط در متن وجود دارد، که نکات مهم آن به صورت پاورقی به آن اشاره شده است. البته نظر به حجم زیاد مطلب، خلاصه ترجمه جامعی از مطالب جزوه و در موارد مهم تر ترجمه کامل آن ارائه شده است. بدیهی است متن اصلی انگلیسی به طور کامل به چاپ رسیده است.

بخش دوم کتاب نیز مجموعه ای است تحت عنوان: «تشریح وضع کلی ایران» که توسط کارمندان جاسوسخانه آمریکا در تهران، در زمان رژیم فرعونی شاه تهیه شده و در قسمتهای مختلف به بررسی و تحلیل ساخت جامعه ایران و تقسیم قدرت و نظامات داخلی آن، روابط خارجی ایران و همچنین «جنایات دستگاه ساواک» پرداخته است، که در اینجا نیز همچون جزوه CIA، اعترافات آشکاری در مورد دخالتهای بی وقفه آمریکا در امور داخلی ایران مشاهده می شود؛ و پرده از ارتباطات پنهانی شاه معدوم و آمریکا برمی دارد. البته در این قسمت هم خلاصه ترجمه و در موارد مهمتر ترجمه کامل ارائه شده است.

بخش سوم که تحت عنوان: «شاه و آمریکا» آمده است، حاوی اسنادی است که در یک سیر تاریخی، حمایت بی دریغ آمریکا را از شخص شاه مخلوع در مقابل امواج خروشان امتِ به پا خاسته ما در جریان انقلاب نشان می دهد. ابتدا به نقش شاه در منطقه اشاره می شود و در کنار آن به لزوم حمایت استراتژیک آمریکا از وی. سپس در سند بعدی به «منافع خاندان سلطنتی در سوءاستفاده های مالی اینان» پرداخته

می شود. در سند بعدی در عین اعتراف به مفاسد رژیم، شاهد «ملاقات سناتورهای آمریکایی با شاه» هستیم، و سپس در زمانی که جلادان رژیم شاه، خون بهترین مردمان این سرزمین را بر زمین می ریزند، سندی را می بینیم که حاکی از مکالمه تلفنی رئیس جمهور آمریکا با شاه و اعلام حمایت همه جانبه آمریکا از برنامه های شاه می باشد. در همین اوان CIA به منظور حفظ سلطه شیطانی خود به ارزیابی روانپزشکی از نوکر حلقه به گوش خود، شاه، می پردازد. سپس در سند دیگر شاهد ملاقات سفیر سولیوان جاسوس سابقه دار سیا در ایران با شاه و ارائه رهنمودهای آمریکا به شاه هستیم. سند بعدی گواه «حمایتهای مستقیم آمریکا از کشتار مردم مسلمان ایران و تأیید دولت نظامی شاه» است؛ و این حمایت به نوعی بیان می شود که گویی این همان برنامه دیکته شده آمریکا به هیئت حاکمه فاسد ایران است. در سند دیگر رئیس آلیس چالمرز سرمایه دار پلید آمریکایی، به دیدار شاه می شتابد و حمایت سرمایه داران کثیف آمریکایی را در ادامه حمایت از شاه به او اعلام می کند. این در حالی است که دولتهای اروپایی، متحدان همیشگی امپریالیسم قطع امید خود را از ادامه حیات سیاسی رژیم شاه اعلام می کنند. به دنبال آن سند دیگری می آید که به طور تلویحی «نوار گفتگوی شاه با افسران ارتش که در آن شاه معدوم امر به کشتار مردم را می کند» مورد تأیید قرار می دهد. در سند بعد پس از فرار شاه از کشور در ادامه توطئه ای آمریکا برای مقابله با انقلاب اسلامی ایران، گزارشی از نقشه شاه برای بازگشت در زمان بختیار و همچنین وضعیت نیروهای هوادار بختیار را می بینیم.

اسنادی که از این پس خواهد آمد مربوط به پس از پیروزی انقلاب می باشد، که همچنان مبین ادامه حمایتهای مذبوحانه شیطان بزرگ از این جرثومه فساد، شاه معدوم است. ابتدا می بینیم که برای وی تدارک یک ویلای مجلل را می بیند و به طور پیگیر تلاشهای گسترده ای انجام می دهند، که جنایتکاری با یاری خدا و همت این مردم شهیدپرور آواره و سرگردان شده است را به خیال خود در مأمن همیشگی

جنایتکاران، یعنی آمریکا جای دهند، تا بدین وسیله حمایت تلویحی خود را از سایر حکام مستبد و دست نشانده اعلام کنند، غافل از اینکه سنت خدا سرنوشت شومی را برای ظالمین مقرر کرده است و ملت عزیز ما با اشغال مرکز توطئه آمریکا و گروگان گیری جاسوسان آمریکایی این توطئه را نیز خنثی نمودند و موجباتی فراهم کردند که به فرموده امام، آمریکا خود وادار به کشتن شاه می شود.

در خاتمه یادآوری بیانات امام پس از اشغال لانه جاسوسی به جاست:

«آن مرکزی که جوانهای ما رفته اند و گرفته اند، آن طوری که اطلاع داده اند، مرکز جاسوسی و توطئه بوده است، آمریکا توقع دارد که شاه را به آنجا ببرد و مشغول توطئه شوند؛ و پایگاهی هم در ایران برای توطئه درست کنند و جوانان ما بنشینند و تماشا کنند.»

به امید روزی که مستضعفان دلیر ایران با قیام خود در مقابل مستکبرین زمان و ابرقدرتهای شرق و غرب بتوانند، با آمادگی کامل پذیرای وجود مبارک بقیه اللّه (عج) جهت به ثمر رساندن نهایی آن و استقرار حکومت جهانی شوند.

والسلام

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

بخش اول

کتاب نخبگان و تقسیم قدرت در ایران

ص: ۲۴۱

بخش اول

(سرّی)

سازمان مرکزی اطلاعات جاسوسی

صفحه صفر

یادداشت

این کتاب برای استفاده خوانندگان مختلف تهیه شده است و بخشهای خلاصه و نتیجه گیری برای آنهایی است که می خواهند در مدت محدودی جوهر این جامعه پیچیده باستانی و با این همه در حال تجدد را درک کنند. بخش اصلی این رساله کسانی را مورد خطاب قرار می دهد، که مسئولیتهای حرفه ای ایشان ایجاب می کند که شناخت دقیقتری از ساخت اجتماعی و ارتباطات خانوادگی که نیروی محرک این جامعه است داشته باشند. برای آنها که عملاً در ارتباط روزانه با طبقه اداری ایران هستند، بخش اصلی و ملحقات با یکدیگر یک متن مرجع تشکیل می دهند.

این کتاب در اداره تحقیقات سیاسی تهیه شده است و افرادی از واحدهای دیگر آن را خوانده اند و نظر خود را ابراز داشته اند.

پیشنهادات ایشان بسیار مفید بود و بدین جهت از آنها عمیقا قدردانی می شود. اما در این مورد که کتابی تهیه شود که از لحاظ صوری در آن هماهنگی رعایت شده باشد کوششی نشد. معهذا، نویسنده مایل است تشکرات مخصوص خود را به CRS/NEA/NESA اظهار دارد. تحقیق و تحلیل در دسامبر ۱۹۷۵ تکمیل شد. نظریات و عکس العملها استقبال می شوند. آنها را برای نویسنده ارسال فرمایید. (خاکستری ۸۲۵۲)

یادداشت

این کتاب برای استفاده خوانندگان مختلف تهیه شده است و بخشهای خلاصه و نتیجه گیری برای آنهایی است که می خواهند در مدت محدودی جوهر این جامعه پیچیده باستانی و با این همه در حال تجدد را درک کنند. بخش اصلی این رساله کسانی را مورد خطاب قرار می دهد، که مسئولیتهای حرفه ای ایشان ایجاب می کند که شناخت دقیقتری از ساخت اجتماعی و ارتباطات خانوادگی که نیروی محرک این جامعه است داشته باشند. برای آنها که عملاً در ارتباط روزانه با طبقه اداری ایران هستند، بخش اصلی و ملحقات با یکدیگر یک متن مرجع تشکیل می دهند.

این کتاب در اداره تحقیقات سیاسی تهیه شده است و افرادی از واحدهای دیگر آن را خوانده اند و نظر خود را ابراز داشته اند.

پیشنهادات ایشان بسیار مفید بود و بدین جهت از آنها عمیقا قدردانی می شود. اما در این مورد که کتابی تهیه شود که از لحاظ صوری در آن هماهنگی رعایت شده باشد کوششی نشد. معهذا، نویسنده مایل است تشکرات مخصوص خود را به CRS/NEA/NESA اظهار دارد. تحقیق و تحلیل در دسامبر ۱۹۷۵ تکمیل شد. نظریات و عکس العملها استقبال می شوند. آنها را برای نویسنده ارسال فرمایید. (خاکستری ۸۲۵۲)

دفتر مرکزی اطلاعات جاسوسی

مدیریت جاسوسی

اداره تحقیقات سیاسی

«نخبگان و تقسیم قدرت در ایران»

توسط : ارنست. آر. اونی

فوریه ۱۹۷۶

خلاصه و نتیجه گیری

نخبگان ایران

در این کتاب افقهای سیاسی و بین المللی ایران منظور نیست؛ بلکه سعی شده است تصویر و تحلیلی از افرادی که ایران را اداره می کنند، بر سیاست آن تسلط دارند و تجارتش را کنترل می کنند و معیارهای فرهنگی و اخلاقی آن را معین می کنند، و حتی کوشش دارند شیوه های آن را هم تغییر دهند ارائه شود.

در ایران لوازم دستیابی به موقعیت نخبگی، همان موارد سنتی ارتباط خانوادگی، نفوذ در روابط ارباب، ارباب رجوع، ثروت و تحصیلات است.

در رأس ساخت، گروه نخبگان شاه قرار دارد. سنت ایرانی پادشاهی که از قرون متمادی به یادگار مانده است، از هر سلسله یا هر شخص زمامداری پابرجاتر بوده است. ایران بدون شاه برای اکثر مردم موضوع متناقضی به نظر می رسد. شاه در اوایل سلطنت دارای قدرتی نبود و دیگران بر او تسلط داشتند، ولی حالا قدرت او به حدی است که حرف او قانون به حساب می آید.

در حدود ۴۰ خانواده پر قدرت ایرانی هستند که اعضایشان دائما و به سادگی می توانند در امور سیاسی و دولتی دخالت کنند.

۱۵۰ خانواده مهم دیگر نیز وجود دارند که اهمیتشان در سطح کشور محسوب نمی شود. تعداد اینان

همیشه ثابت نیست و ثروت آنها بر حسب شانس و مهارت اعضایش کم و زیاد می شود.

تقریبا ۴۱ از این خانواده های پر قدرت در دوران رژیمی که رضاشاه آن را برانداخت قدرت و نفوذ داشتند. دربار شاه محل طراحی خیلی از برنامه ها می باشد. در خانواده شاه یک طبقه شهوتران و از نظر مالی فاسد وجود دارند، که برجسته ترین آنها خواهر دوقلویش اشرف است که صاحب طبعی حریص و تمایلات جنسی مفرط می باشد. وضع کاخ سلطنتی از زمانی که شاه در سال ۱۹۵۹ با زنی از شعبات

کم ارج تر یک خانواده نخبه کشور ازدواج کرد، بهتر شده است. فرح که در فرانسه تحصیل کرده بود، در پیشبرد برنامه های اجتماعی شاه نقش سازنده ای داشت.

علاوه بر خانواده اش خیلی از مقامات و جیره خواران نیز شاه را احاطه کرده اند و به نظر می رسد که او تنها به گروه کوچکی تکیه داشته باشد. شاید در حدود ۱۲ نفر که به آنها اطمینان خاصی داشته و برای کسب اطلاعات از آنها استفاده می کند و همچنین از آنها برای ارتباط با دیگر گروههای جامعه استفاده می کند. به طور کلی این اشخاص با وجود اینکه مقام رسمی دارند، ولی صرف نظر از مقامشان روابط خیلی نزدیک با شاه دارند. از این ۱۲ نفر ۳ نفر وابسته به اقلیت پر قدرت هستند، البته این نفوذ آنها باعث نزدیکی آنها به شاه نشد، بلکه دوستی دراز مدت و خدمات و وفاداری آنها موجب این نزدیکی شده است. برای مثال وزیر دادگستری اسداللّه علم که از یک خانواده با نفوذ است،برای مدت ۴۰ سال به شاه نزدیک بوده و تیمسار «فردوست» که پدرش یک گروهبان بود، برای مدت ۵۰ سال دوست شاه بوده است. ولی با وجود این شاه تنها است؛ زیرا او به دنبال اطلاعات است و نه در جستجوی مشاوره، چرا که تعداد معدودی در جامعه می توانند به او پند و توصیه دهند. او تصمیم می گیرد و دیگران اجرا می کنند.

در طول ۱۲ سال گذشته مجلس آلت دست شاه بوده است و مقاصد شاه را برآورده می کرده است و تمام نمایندگان که با دقت به وسیله شاه انتخاب می شوند، حامی برنامه های شاه می باشند.

طبقه جدیدی که بالقوه می تواند با طبقات سنتی رقابت کند در حال شکل گرفتن است. این طبقه تحصیلات تخصصی دارند و طبقه متوسط اداری هستند اعضاء آن روابط سنتی را نفی می کنند و بر تحصیلات مدرن تکیه دارند. اینان تجربیات وسیع غیر سنتی دارند و اکثرا اسلام را به عنوان راهنمای زندگی نمی پذیرند.

این طبقه شامل همه نوع متخصص می باشد: دکتر، وکیل، استاد، نویسنده، هنرمند و شاعرانی که اغلب سخنگوی آنها هستند. اکثر افراد این تیپ خودشان را از مخالفین شاه می دانند و به عنوان پیشتازان یک

نیروی مدرن و دمکرات که جامعه ایرانی را متحول خواهد ساخت و سنت قدیم را کنار خواهد زد، می دانند.

هنوز مشخص نیست که این گروه به عنوان گروه منسجمی رشد کنند.

کوشش شاه برای کنترل تورم و منافع غیرقانونی باعث دستگیری و زندانی و مجازات نه تنها مغازه داران کوچک، بلکه افراد با شخصیت هم گشته است.

گروههای تروریستی تهدیدی برای رژیم شاه و برنامه هایش نیستند. این سازمانها به صورت دو سازمان مجاهدین خلق و فداییان خلق با ائتلاف مذهبیون و کمونیستها با یکدیگر فعالیت می کنند.

بیشتر اقلیت تحصیلکرده بر این عقیده اند که سلطنت معنای خود را از دست داده است. آنها خواستار تغییراتی در شکل سلطنت هستند. روحانیت احتمالاً خواستار منتفی شدن سلطنت نمی شود، بلکه خوشحال خواهد شد که شاه کنونی برود. برای آنها یک دولت غیر مذهبی به همان اندازه شاه کنونی خطرناك می باشد. رهبران روحانی بیشتر به نظر می رسد که بر این عقیده باشند که شاه کنونی مثل پدرش چنین تشخیص داده که اسلام را در ایران نابود کند.

افراد زیرین نه تنها افرادی هستند که آمریکا با آنها کار و مذاکره و روابط اجتماعی خواهد داشت، بلکه این افراد بدون توجه به اسم و رسمشان به اشتغال در مقامهای با نفوذ ادامه خواهند داد:

«چهل خانواده عالیرتبه».

عدل افخمی اکبر اعلم علم امینی اردلان آشتیانی بیات بوشهری بختیاری دفتری دیبا

دولتشاهی ابراهیمی امامی اسفندیاری فرمانفرماییان امامی خویی اقبال حکیمی هدایت

جهانبانی خواجه نوری خلعتبری مهدوی منصور پهلوی پناهی پیر نیا قره گوزلو قشقایی قوام

صفاری سمیعی وکیلی وثوق زند زنگنه ذوالفقاری

کسانی که با علامت ستاره مشخص شده اند، خیلی با نفوذ هستند.

کلامی در باب نخبگان

در ایران به طور سنتی لوازم دستیابی به مشاغل خیلی معتبر ارتباط خانوادگی، نفوذ در یک رابطه ارباب ارباب رجوع، تحصیلات و ثروت بوده است. برای فهم ایران به بهترین وجه باید بیشتر وظیفه و عملکرد نخبگان سیاسی آن را فهمید، تا اینکه ساخت دیوانسالاری و رسوم رایج آن بررسی شود. دیوانسالاریها اغلب اوقات وسایل شخصی دلالان قدرت یا میدان مبارزات شخصی بوده است.

سیستم ایران به صورت انعطاف پذیر است. هرگاه که برای اجتناب از درهم شکستن لازم باشد، خود را تغییر می دهد. زمانی که پایگاههای نفوذی تغییر می کنند، نخبگان هم برای حفظ موقعیت علایق خود را تغییر می دهند. دربار، پارلمان، بانکها و تجارت همگی به عنوان مراکز عمده ای برای حفظ قدرت و موقعیت به کار گرفته شده اند و می شوند و خواهند شد.

افرادی که در صفحات بعد نامبرده می شوند، نه تنها به عنوان افرادی که آمریکاییها با ایشان کار، مذاکره و مراوده خواهند کرد، بلکه به عنوان نمونه گروههایی در نظر گرفته شده اند که نامشان یا ظاهرشان هرچه باشد، همچنان مشاغل با نفوذ را در اختیار خواهند داشت.

«بحث»

۱ جامعه سنتی ایران :

ساخت اجتماعی، بدان نحوی که در دو قرن گذشته بوده است در طرح ذیل خلاصه شده است :

طبقه حاکمه :

شاه

خانواده های سلسله حاکم

اشراف قبایل

ملاکین (فئودالها)

رهبران دینی حامی سیستم

رهبران نظامی

طبقه متوسط سنتی

دیوانسالارها بخشهای خدمات اجتماعی که کارگزاران دولت را در خود جای می دهد. بورژوازی

تجار بازرگانان اصناف و بازاریها.

روحانیت و طلاب ایشان.

طبقه پایین

کارگران

کشاورزان

قبایل کولی

اعضای دربار به صورت منفرد می توانند از طریق نقشه چینی در آنجا و نفوذ شخصی، در وقایع تأثیر بگذارند، اما هیچ یک مشاغل اجرایی به عهده ندارند. اشراف قبایل و فئودالها تماما به عنوان گروه از بین رفته اند، اما به عنوان فرد یا خاندان به خصوصی ممکن است تقریبا به اندازه گذشته قدرت و ثروت به دست آورده باشند.

علیرغم دوام طبقات، قدرت نخبگان بی قید و شرط نیست. حتی طبقات پایین تر هم مکانیسم هایی دارند که با کمک آنها می توانند فشارهایی برای پیش آوردن تغییرات ایجاد کنند. افرادی از طبقات پایین و متوسط خود را به نخبگان سیاسی رسانده اند و نخست وزیر و حتی شاه شده اند که رضا شاه نمونه ایشان است. باغبانها، سقاها، مهتران، پینه دوزها به مناصب قدرت ارتقاء یافته اند.

بنا به عرف معمول، نخبگان سیاسی از طریق گماشتن افراد منتخب، دخول در طبقه حاکم را در کنترل خود داشته اند؛ و امکان همیشگی ترفیع به مرتبه نخبگی در برگرداندن احساس نیاز به تغییر ساخت مؤثر بوده است. قابلیت پذیرش افراد جدید به طبقه بالاتر، مکانیسم مهمی برای فراهم آوردن نیروی جدید بدون نیاز به قربانی کردن سیستم قدیم بوده است.

امروز شاه مهارتهای فنی و تخصصی مدرنی را که برای اجرای برنامه اصلاحات خود احتیاج دارد، بدین ترتیب به دست می آورد.

تماسهای غیر رسمی مسبب حقیقی هر حرکت در زندگی سیاسی ایران می باشند؛ و دو عنصر اصلی در عملکرد سیستم سیاسی ایران یکی دوره، یا مجمع یاران و دیگری ارتباطات خانوادگی است.

الف : دوره

تماسها و اتصالات لازم برای کسب موقعیت سیاسی یا اجتماعی اغلب از طریق عضویت در یک یا چند دوره انجام می گیرد. مهمترین عملکرد این مجامع، بنای شبکه ای از روابط مشخص است؛ تا اعضاء را در فعالیتهای سیاسی و اقتصادی خود یاری بخشد. از دیگر عملکردهای دوره کارآیی آن به عنوان مکانیسمی است که غیر نخبگان را به پایگاه نخبگی برساند. از دوره های معروف می توان باشگاه پوکری را نام برد، که تیمسار حسین فردوست قائم مقام رئیس سازمان اطلاعات امنیت کشور (ساواک) تیمسار مستوفی محمد خاتمی فرمانده نیروی هوایی و تقی علوی کیا در آن شرکت داشتند. علوی کیا مقاطعه کار است و قراردادهای خانه سازی پرسودی در خانه سازی با نیروی هوایی دارد. این دوره از طریق فردوست و خاتمی تماس مستقیم با شاه داشت.

ب : خویشاوندیها

همان طور که تا به حال معمول بوده است، به غیر از مقام پادشاهی، گروه نسبتا کوچکی از و نفوذ را نه تنها در سیاست، بلکه در محدوده بازرگانی مبادلات اقتصادی و مشاغل در اختیار دارند. اعضای این خانواده ها با سهولت از دولت به مشاغل سیاسی تا فعالیتها فردی و بالعکس نقل مکان می کنند. و حقیقتا میزان نفوذ سیاسی ایشان در فعالیتهای خصوصی ممکن است، به اندازه زمانی که مصدر امری هستند زیاد

باشد. خاندانهای نخبه بزرگ، اکثرا خاندانهای مادون دارند که آنها از یک یا چند طریق با طبقات متوسط مرتبط می شوند. متوسط ها ممکن است از این قرابت منفعت یابند، هرچند که جزیی از نخبگان سیاسی نشوند. بنابراین دوباره حدود سیستم طبقاتی به هم می خورد و احتمال تعارض طبقاتی حقیقی تقلیل می یابد.

معیار عمده برای نخبه بودن در زمان قاجار تمکن، خرید زمین، منصب و قدرت سیاسی بود. تغییر سلسله در ۱۹۲۵ حصول نسل جدیدی از شخصیتهای نخبه را در برداشت، اما اینها به سرعت در برابر گروه متنفذین که به سهولت عهدی را که با قاجار داشتند؛ برگرداندند، و پهلوی را جایگزین قاجار کردند، محو شدند. در فهرست ذیل ۴۰ فامیل نخبه کشور مشخص می شوند که دوجینی از آن چهل فامیل در قرن بیستم نیز غالب بوده اند.

فهرست خانواده ها :

عدل افخمی اکبر علم اعلم امینی اردلان آشتیانی بختیاری بیات بوشهری دفتری

دیبا دولتشاهی ابراهیمی امامی خوئی اقبال اسفندیاری فرمانفرماییان حکیمی هدایت

جهانبانی خواجه نوری خلعتبری مهدوی منصور پهلوی پناهی پیر نیا قره گزلو قشقایی قوام

صفاری سمیعی وکیلی وثوق زند زنگنه ذوالفقاری

ج پادشاهی

در رأس کلی ساخت سیاسی و اجتماعی، شاه قرار دارد. روش حکومتی وی که در خاورمیانه سنتی معمول است ۶ خصیصه دارد.

۱) فردیت : زمامدار به کار گرفتن روابط شخصی خود را به استفاده از تشکیلات رسمی دیوانسالاری ترجیح می دهد. ۲) قرابت : آنها که به شخص رهبر نزدیکترند با نفوذترند. ۳) غیر رسمیت: اغلب از طرق

نهانی غیر رسمی بیشتر از مؤسسات رسمی چون احزاب سیاسی و هیئتهای مقننه برای اعمال تسلط سیاسی و آمریت استفاده می شود. ۴)تخاصم متعادل: رهبر همچون اکثر زیردستانش از طریق یک مشی ایجاد تفرقه و سپس فرماندهی حکومت می کند، مخاصمه بین رقبا تشویق می شود، اما برای حفظ تعادل بین شخصیتها و گروههای متخاصم، این آمادگی وجود دارد، که پستها تغییر داده شوند. ۵) لیاقت نظامی و شجاعت فردی: در این سیستم در اختیار داشتن نیروی نظامی برای رهبر حکم اساسی دارد. در تاریخ خاورمیانه تصویر یک جنگجوی قهرمان محبوبیت دارد و موفقیت (یا شکست) در صحنه کارزار به موقعیت رهبر در صحنه سیاست داخلی اثر برجسته ای دارد. ۶) توجیه دینی: زمامداران سنتی خاورمیانه به وسیله ارتباط دادن خود به نحوی از انحاء با ماوراء الطبیعه اقدام به توجیه زمامداری خود کرده اند.

پادشاه، دودمان او و دربار

شاه ایران مدت ۳۴ سال، یعنی بیش از هر رهبر دیگر در خاورمیانه، بر تخت بوده است. طول بقای او را می توان نتیجه ترکیب شرایط فرهنگی، تاریخی و سیاسیش دانست که نه تنها پدید آمدن یک زمامدار مستبد را مطلوب می داشته است، بلکه اجازه داده که شاه فعلی شخص آن زمامدار باشد. اگر چه سلسله پهلوی سابقه طولانی ندارد و برای تأیید حقانیت خود به در دست داشتن زمامداری، فاقد قدمت تاریخی لازم است، ولی از سرمایه مهمتری که همان سنت کشوری باشد بهره می برد. حتی در آن دورانی که ایران

قدیم (پارس) در هرج و مرج بود و این امر مکرر اتفاق می افتاد، یک شاه در گوشه ای بود. وی اغلب از تبار بیگانه بود. اما مانند قیصرهای ادوار بعد حاکمیت سنتی را که با این مقام قرین است با خود داشت. سنت، یا افسانه پادشاهی از هر سلسله یا شخص هر حاکم متین تر بوده است. به مجرد اینکه اینها قابلیت حفظ پشتیبانی بخشهای جمعیت را از دست می دادند یا همین که از عهده حفاظت از خود و سرزمینشان در قبال رقبا برنمی آمدند، ممکن بود محو شوند و می شدند. در مداومت سنت پادشاهی یک منظومه کلاسیک فارسی به نام شاهنامه، یا کتاب شاهان عامل اصلی بوده. بنابراین در سرتاسر حوزه فرهنگ ایرانی افعال شاهان افسانه ای که به فارسی سروده شده بود، حتی زمانی که زبان مادری ترکی، کردی، بلوچی یا هر یک از چندین زبان دیگر بود، در باطن نسل اندر نسل جایگزین می شد. بنابراین، اینکه شاه باید باشد ترتیب ذاتی امور شد، و اینکه آن شاه چه کسی باید باشد، از توجه کمتری برخوردار بود. هم پهلوی اول و هم پهلوی دوم در باب تأسیس قانونیت سلسله خود و حق ایشان به زمامداری علاقه نشان داده اند. شاه به مبحث پادشاهی این را هم افزوده است که به عنوان شخص خود همواره از منافع ایران در برابر حملات خارجی دفاع کرده است، و منحصرا او شایستگی انجام چنین کاری را داراست.

الف : پهلوی ها

رضا شاه اگر چه تحصیلات رسمی محدودی داشت، ولی زیرک و مطلع بود. به نظر می رسد وی باعث ترس و هم تحسین در ولیعهد خود شده باشد و خود را الگویی قرار داد که ولیعهد از آن زمان سعی در برابری با آن داشته است.

افتتاح حکومت محمد رضا شاه بی شگون بود. ایران به اشغال قدرتهای خارجی درآمده بود، تورم، کمبود مواد غذایی که گاهگاه به قحطی می انجامید و مسایل ملی و غیره یک پادشاه مجرب را به میدان می خواند. با برداشته شدن سنگینی گیره آهنی رضاشاه، سیاستمداران مجرب به تعقیب منافع سیاسی و

مالی خود پرداختند. زمانی محمدرضا تصمیم گرفت در تسلط بر سیاستمداران به پدر خود برسد، ولی او مرد این کار نبود. برای مدت تقریبا یک دهه شاه چهره ضعیفی از خود نشان داد، که گاهگاه اقدامات قاطعی هم انجام می داد. به هر حال وی در رفع تجزیه آذربایجان از پشتیبانی یک نخست وزیر و هماهنگ و همچنین آمریکا برخوردار بود. وی عقاید خود را که در آن زمان در حال شکل یافتن بودند، در گفتگوهای خصوصی با نمایندگان دیپلماتهای خارجی خصوصا سفرای آمریکایی و انگلیسی در میان می گذارد. جهت نصیحت آنان این بوده که شاه باید پادشاه مشروطه طلب باشد. وی در نهایت این نظریه را که او باید سلطنت و نه حکومت کند غیرقابل استفاده تشخیص داد.

تردید رأی و عدم قاطعیتی که وی در ثلث اول حکومت خود نشان داد می تواند به عنوان نتیجه تعارض نظریه هایی دانست که محصول اقامت وی در سوئیس بود و با نصایح خیرخواهانه تقویت می شد از یک طرف و از طرف دیگر آرمان وی که می خواست با پدرش برابری کند و آن هم با واقعیتهای رفتار سیاسی تحکیم می شد. با نخست وزیری مصدق (۱۹۵۳ ۱۹۵۱) دوران تازه کاری شاه پایان یافت. مصدق ناتوانی منحصر به فردی در انجام امور داشت و به طور لجوجانه ای مصمم بود شاه را به مقام یک شبح توخالی تنزل دهد و طرفدارانش با قوت تمام هردو مورد را تقویت کردند.

ب خاندان سلطنتی

رضا شاه در سیر صعودی تشخص اجتماعیش چهار همسر داشت؛ هر چند که همه در یک زمان

نبودند، و احتمالاً از یک صیغه در سالهای اولیه شروع می شود و به یک شاهزاده از سلسله سابق، قاجار، ختم می شود. ازدواج آخر وی هنگامی که می رفت به شاهی برسد انجام شد. همسر دوم وی، که دختر افسر فرمانده بریگاد قزاقی بود که در آن خدمت می کرد، مادر شاه فعلی است.

اهل بیت شاه یکی از عمده ترین مشکلات وی را در اکثر دوران حکومتش ایجاد کرده است. دربار زمانی مرکز شهوترانی و تباهی و فساد و اعمال نفوذ بوده است. این تصور ممکن است تا حدی اعتدال یافته باشد. یا کمتر به عنوان شایعه در افواه جمع بگردد. اما تصور قدیمی همچنان در اذهان عمومی باقی است، و بعضی از غفلتها شاید با رعایت احتیاط بیشتر ادامه دارد. به نظر می رسد دو تن از اعضای بلافصل خانواده شاه بیشترین نفوذ را در گذشته بر وی داشته اند:

مادر وی که اکنون یک عجوزه، ۸۰ ساله حرم نشین است، شاه را در دوران اولیه اش به دیده تنفر می نگریست، چون او را شایسته همسر خود نمی دانست. از او (مادر شاه) اخبار کثیری در دست است که وی علیه محمدرضا نقشه می کشید تا فرزند دیگر خود علی را به جای او بنشاند.

اشرف به جهت فساد مالی و موفقیت در تعقیب مردان جوان شهرتی افسانه وار دارد. تا به حال هیچ کس در تعلق خاطر اشرف به برادر دوقلوی خود تردید نکرده است و وی احتمالاً پشتگرمی دادن به شاه را در مقاطع بحرانی گذشته به عهده داشته است.

شاه مایل یا قادر به اتخاذ تدبیر مؤثر در محدود کردن فعالیتهای مبهمی که او و پسرش شهرام به آن اشتغال داشته اند، نبوده است. بقیه خاندان سلطنتی یک مجموعه درهم است. فرح دیبا همسر سوم شاه علاوه بر انجام فوری وظیفه به دنیا آوردن یک ولیعهد، فعالیت دیگری هم دارد، که به همان اندازه مهم است و آن عملکردی است که به عنوان ملکه در اجرای برنامه های شاه ایفا می کند. وی توانسته است بدین نحو تصویر مثبتی از دربار ارائه دهد.

ج اطرافیان دربار

شاه و خاندان سلطنتی در احاطه دسته بزرگی از افرادی است که یا در دفاتر یکی از اعضای خاندان اشتغال رسمی یا نیمه رسمی دارند، یا از متعلقان ساده، دوستان یا کارکنان دربارند، یا اینکه عضو آن هستند. جمع این افراد، انواع زیرک، لایق و قابل تا بیکاره، چاپلوس و نفع پرست را شامل می شود. در مجموع، تعادل احتمالاً به جانب میانه سوق دارد.

وزارت دربار سلطنتی : این وزارتخانه یک مقوله دیوان سالاری است که تمام مقاماتی را که در خدمت شاه و دیگر اعضاء خاندان سلطنتی هستند در خود جای می دهد. هر کس که طالب عطف عنایت به خود یا نفوذ باشد محتمل است، که آن را از طریق یکی از اعضای وزارت دربار دنبال کند؛ البته اگر ممکن باشد. زیرا حتی دون مرتبه ترین شخص آن می تواند دسترسی را بهتر از طرق معمول دیوان سالاری ممکن سازد. رئیس دفتر مخصوص شهبانو در حال حاضر وظیفه دارد هر عرض حالی را به شهبانو ارائه کند تا تضمین شود که شهبانو فقط کمی از قدرت اقدام مستقل برخوردار است. این امری است که خود شهبانو از آن آگاه است.

حلقه داخلی: حلقه داخلی شاه بیشترین نفوذ را بر وی دارد و طرق ارتباط با بخشهای مهم جمعیت را فراهم می کنند. آنها اولین گروه در تصویر هستند. بقیه هم جزو اطرافیان شاه می باشند اما ظاهرا عملکرد متعادلی دارند. رابط شاه با مقامات ارتشی و امنیتی سرلشکر حسین فردوست است. دکتر عبدالکریم

ایادی، پزشک مخصوص شاه، ظاهرا مجرای اصلی مداخله شاه در امور بازرگانی است. گفته می شود که ایادی حتی در سفر ماه عسل شاه با ثریا، شاه را همراهی کرد. از دیگر گزارشات این است که وی نیابت شاه را در شیلات جنوب بر عهده داشت. ناظران مطلع، آن فعالیت را ترکیبی از عدم کارآیی و فساد وصف کرده اند که هیئت مدیره آن مملو از تیمسارهای بازنشسته بود. افتضاح این فعالیت ظاهرا آنقدر عظیم بود که تمام شرکت دوباره سازماندهی شد، و تحت مدیریت دیگری قرار گرفت. ایادی بهائی است و یک ناظر، وی را یکی از کسانی خواند که این فرقه را از تعقیب مسلمانان ایرانی متعصب تر حفظ کرد. مؤمنین شیعه راستین از بهائیت به عنوان یک بدعت خطرناک تنفر دارند. در گذشته، توده ها پس از برانگیخته شدن توسط وعاظ به بهائیها حمله کرده اند و آنها را کشته اند. حالا نیروهای امنیتی می توانند مانع این کار بشوند. اما در سال ۱۹۵۵ در نتیجه تحریکات دینی محفل بهائیها در تهران تخلیه شد. در پیشاپیش حمله وران رئیس ستاد ارتش و فرماندار نظامی تهران قرار داشت.

حلقه داخلی شاه :

سرلشکر حسین فردوستامیر اسداللّه علمدکتر عبدالکریم ایادیدکتر منوچهر اقبالامیر عباس هویداحسن امامیجعفر شریف امامیاردشیر زاهدینصرت اللّه معینیانتیمسار محمدامیر خاتمیفرحاشرفجمشید اعلمامیر هوشنگ دولوفلیکس آقایان هوشنگ انصاری پرویز ثابتی نعمت اللّه نصیری رئیس بازرسی شاهن شاهی وزیر دربارپزشک مخصوص شاه رئیس هیئت مدیره شرکت نفت نخست وزیر امام جمعه تهران رئیس سنا سفیر در آمریکارئیس دفتر مخصوص شاه شوهر خواهر و فرمانده نیروی هوایی همسر شاه خواهر دوقلوی شاه سناتورسناتورسناتوروزیر اقتصاد و دارایی رئیس امنیت داخلی ساواک ئیس ساواک

دکتر منوچهر اقبال که پزشک است یکی از چهل خاندان نخبه کشور است.

امیر عباس هویدا عضویت خود در حلقه داخلی شاه را از زمانی به دست آورد، که نخست وزیر شاه شد.

گزارش شده که هویدا از یک خانواده بهائی است. این واقعیتی است که می توان فهمید او مایل است مسکوت بماند. می گویند که پدر بزرگش که یک خیاط قزوینی بود پیرو مؤسس بهائیت و پدرش نیز منشی یک رهبر بهائی در «عکا» بوده است. این توجیه تحصیلات اولیه هویدا در بیروت می شود. پدر هویدا سرانجام به دستجات دیپلماتیک داخل شد و با مشاغل نسبتا به خدمت پرداخت. سابقه هویدا به خوبی امکان نقل مکان به بالا را در سیستم ایرانی و یکی از طرقی که آن کار می تواند انجام شود، نشان می دهد.

منصور عضو یکی از ۴۰ خاندان بالای ایران است و پدرش نخست وزیر بوده است.

حسن امامی، امام جمعه تهران چهره روحانی ملتزمان شاه است. وی به اقتضای موقعیتش از مقداری نفوذ دینی و سیاسی برخوردار است. اما به عنوان یک حامی مصمم رژیم شاه در برابر روحانیت اعتبار چندانی ندارد. سن روزافزون همدمان شاه مسئله جایگزینی آنها را مطرح می سازد، سن متوسط تقریبا ۶۰ سال است. به استثنای احتمالاً تیمسار نعمت اللّه نصیری، رئیس سازمان امنیت (ساواک)، به نظر می رسد هیچ کس دیگر که در صحنه قرار دارد، نمی تواند همان عملکردی که اکثر متصدیان فعلی ایفا می کنند ارائه کند. وفاداری کاملی که آنها به شاه ابراز می کنند، که شاید به خاطر منافعشان باشد، ممکن است به آسانی در نسل جدید یافت نشود. شاید از این مهمتر، این باشد که شاه احتمالاً آن چنان اطمینانی را که همراهان قدیمی احساس می کند در جدیدترها نیابد. قدیمیها هرگاه که به آنها بیشتر احتیاج داشت، در کنارش بودند. بدین ترتیب شاه ممکن است خود را متکی به گروه مشاورینی یابد که روز به روز قلیل تر و پیرتر می شوند و با شاه همسازند، ولی با نیازهای کشور هماهنگی کمتری دارند.

دیوانسالاری

الف کارکنان بی ملاحظه

ایرانیان همواره سنت دیوانسالاری را با خود داشته اند. به هر حال تحت حکومت پهلوی شیوه های امروزی اعمال شده است. و دیوانسالارهای جدید دیگر معلومات خود را از دست نویسهایی که نسل به نسل طریقه تدبیر امور را می آموختند، فرا نمی گیرند. حک صور جدید مدیریت، بر ساخت دیوانسالاری سنتی همواره موفقیت کامل را در بر نداشته است. در اقتصادی که ابهام آینده امری عادی است، خدمت دولتی شغل نسبتا مطمئنی محسوب می شود و به آن به دیده فرصتی جهت گرد آوردن بخششهایی برای بهبود حقوق غالبا ناچیز خود نگریسته می شود. در این شرایط به اشخاصی که توقع خدمتی از جانب دیوانسالاری را دارند توصیه شده است، که «حق الزحمه» بپردازند تا تضمین شود که با این کار دانش و لیاقت یک مقام رسمی بی ارج نمی ماند. در یک سطح خیلی بالاتری، این سیستم منشأ آن نوع فسادی شد که غالبا هدف خشم شاه قرار می گیرد. عمدتا به این سبب که استفاده از وجوهات دولت را در بر می گیرد.

امروزه از هر زمان دیگری پول بیشتر و در دستهای بیشتری جریان دارد و در مقایسه فرصتهای سوءاستفاده پرمنفعت تر است. علیرغم فعالیتهای ضربتی گاه و بیگاه شاه، اختلاس سرتاسر سیستم را فرا گرفته است.

ب کابینه

در رأس این دیوانسالاری کابینه قرار دارد. در حال حاضر کسانی که شاه آنها را برای کابینه انتخاب می کند در مجلس مورد تردید قرار نمی گیرند و اگر وزیری رأی عدم اعتماد گرفت بدان جهت خواهد بود که شاه آن را خواسته است. در دهه گذشته گرد آوردن گروهی که صلاحیت فنی و وفاداری به شاه را تلفیقا داشته باشند، برای او کار آسانی نبوده است. می توان برای یک بحث خوب این مسئله را عنوان کرد که تسلط شاه فقط موقعی می تواند استقرار یابد که نسل قدیم از بین برويد و نسل جوانتر، با تحصیلات بهتر به بلوغ رسیده باشد. نسل قدیم از طریق موقعیت سیاسی می خواست قدرت شخصی و وجهه عمومی کسب کند. به نظر می رسد که نسل فعلی همان مقاصد را از طریق لیاقت فنی و با احتراز از اقدام بی ثمر به یافتن نفوذ سیاسی در سطح مملکت، جستجو می کند:

کابینه فعلی را می توان خلف مستقیم دوره ای دانست که توسط وزیر سابق کابینه، حسنعلی منصور در ۱۹۵۹ تأسیس شد. در عرض دو سال، دوره منصور با عنوان «مرکز ترقی» رسمیت یافت و آرمانش انجام تحقیقات درباره مسایل اجتماعی و اقتصادی ایران بود. آن مرکز با جذب حدود ۲۰۰ مهندس، استاد و کارمند دولت که در گروه سنی ۳۵ تا ۵۰ سال جای می گرفتند و اکثرا تحصیلکرده خارج و از خانواده های مرفه بودند، خود را توسعه داد، و آینده گروه به وسیله شاه تأمین شده بود. او ظاهرا این گروه را دارای صلاحیت و انعطاف کافی برای تأمین مقصود خود به عنوان وسیله ای سیاسی تشخیص داد. دو حزب سیاسی که وی بر پا داشته بود از فرط لاقیدی بی ثمر شده بودند و وی شدیدا به وسیله دیگری برای پیشبرد برنامه های جدیدی که شروع کرده بود احتیاج داشت. از اواسط ۱۹۶۳، شاه آشکار ساخت که از «مرکز مترقی» حمایت می کند. در دسامبر ۱۹۶۳، زمانی که «مرکز مترقی» خود را به حزب ایران نوین تبدیل کرد، هیچ کس خیلی متعجب نشد.

شاه در انتصابات و تغییرات کابینه عنصر فعالی است. دلایل تغییرات همیشه واضح نیستند. بعضی به

جهت عدم لیاقت یا ضعف سلامت است، اما بقیه منعکس کننده توجه شاه به آنهایی است که به دنبال پی ریزی بنای قدرت می باشند و ممکن است بیش از حد نفوذ یابند. با اینکه در جهت تدبیر وی به حفظ اختلاف بین اعضای کابینه است، تا از ائتلافهای خطرناک جلوگیری کند. بعضی از تغییرات هم تعارضات شخصی و مرافعات داخل حزب ایران نوین را نشان می دهند.

ج نگاهی به اوضاع مجلس های اخیر ایران:

در ۱۷ سپتامبر ۱۹۶۳ بیست و یکمین دوره انتخابات مجلسین انجام شد. انتخابات چند تن از وکلایی که مناسب مجلسین نبودند، توسط دولت انجام شد. کنسول آمریکا در اصفهان گزارشی از ناحیه خود در مورد این اشخاص فرستاده است. یکی از کاندیداها قبل از برگزاری انتخابات مرده است و دیگری انتخابش خیلی مضحک بوده است. او یک کشاورز و شیرینی ساز بوده است که او را عوض کردند. یکی دیگر افکار کمونیستی داشت و سایر تغییرات روشن نبود، که برای چه بوده است.

شاه سال ۱۹۷۵ را برای یک تغییر بزرگ در نوع سیاستش انتخاب کرد. همان گونه که بیست و یکمین دوره مجلس را شاه با یک ساخت جدید سیاسی آغاز کرده بود (برنامه های جدیدی به مجلس عرضه کرد) بیست و چهارمین دوره مجلس را هم با شکل دادن یک حزب جدید یعنی حزب رستاخیز ملت ایران، شروع کرد. انتخابات بیست و چهارمین دوره مجلس چهره های جدیدی را که از حزب جدید و رفراندم شاه پشتیبانی می کردند، وارد مجلس کرد. شاه با این کار قدرت مستقلی را که مربوط به فرد فرد نمایندگان

می شد در حیطه قدرت خود قرار داد.

انتخابات حقیقی یا ساختگی؟

انتخابات ایران تقریبا همیشه با تقلب و فریب همراه بوده است که این نوع ریاکاری حداقل تا زمانی که محمدرضا در سال ۱۹۶۰ بر ایران مسلط گشت، دارای شکل ثابتی نبوده است. در هر حوزه انتخاباتی نمایندگان از پرقدرت ترین افرادی که در ناحیه بودند انتخاب می شدند، که این می توانست شامل مالکین بزرگ یا فئودالها و یا اینکه رؤسای قبایل و یا فرماندهان نظامی باشند. دولت و مجلس می توانند در محل برای برگزاری انتخابات عمل کنند و این دو عامل اغلب در انتخابات با هم درگیر بودند.

اطلاعات در مورد انتخابات اواسط سال ۱۹۷۵ هنوز به اندازه کافی نیست، که ببینیم چگونه این انتخابات برگزار شده است. آیا وضعیت با گذشته فرق کرده است یا نه. به هر حال کاندیداها هنوز از جانب کمیته های محلی برگزارکننده انتخابات، معرفی می شوند. خیلی مشکل می توان تصور کرد که نیروهای سنتی (محلی) اغلب در انتخابات نفوذ نداشته باشد. در بعضی نقاط شخصیتهای برجسته ای که توسط کمیته محلی معرفی نمی شدند به تلخی به ستاد حزب شکایت می کردند و به آنها گفته می شد که قسمت کمیته اجرائی حزب، بایستی انتخاب نهایی را انجام دهد. حداقل در یک مورد نماینده ای که به وسیله کمیته محلی، معرفی نشده بود در انتخابات برنده شد. ساواک و کمیته امنیتی، شناسایی کاندیداهای پیشنهاد شده را به عهده داشتند. چنین گزارش شده که ساواک به ترتیب کاندیداهای دلخواهش را توصیه می کرده است.

حالا تا چه اندازه نتایج انتخابات نزدیک به توصیه های ساواک بوده است را نمی توان حدس زد.

مجلس به عنوان تأییدی برای شاه محسوب می شود ولی با این حال در این مجلس بحث و سایر چیزهایی که نشانه های یک مجلس مستقل هست، دیده می شود.

فعالیت مجلس بیشتر در مورد چگونگی اجرای برنامه های شاه دور می زند، خود برنامه ها هرگز مورد

سؤال قرار نمی گیرد.

د ارتش شاه

یک پایه اساسی برای موقعیت شاه نیروهای مسلح وی است. آنچه ایرانیان از نیروهای مسلحشان تجربه کرده اند، بین ارتش و مردم عدم اعتماد و عدم تمایلی ایجاد کرده است، که سابقه ای ممتد در پشت سر دارد. اگر چه ارتش امروز حرفه ای تر و فساد در آن کمتر شده است، اما در اذهان عموم آن تصور سنتی همچنان وضوح خود را حفظ کرده است. از نکات شیوه قدیم هنوز مواردی باقی مانده است (ابراز عنایت به اشخاص بدون رعایت موازین، امتیازات ویژه و فساد) و زمانی دراز طول خواهد کشید تا ارتش به عنوان یک جزء از مردم و نه موجودی مجزا از آن پذیرفته شود. به نظر می رسد که پایگاه اجتماعی که افسران از آن برمی خیزند هرچه بیشتر در حال تغییر می باشد. زمانی حضور اعضای خاندانهای نخبه در جمع افسران به میزان زیادی محسوس بود. چنین حضوری می توانست آن خاندان و منافع آن را حفظ کند. از شواهد ناقص موجود، چنین برمی آید که تعداد هرچه افزونتری از طبقات متوسط و حتی پایین به جماعت افسران راه می یابند. افسران سیاسی، که زمانی مزاحم عمده ای برای شاه بودند، تماما حذف شده اند. شاه همواره نسبت به اقدام هریک از افسران در جهت کسب محبوبیت مستقل حساس بوده است، اما در مواقعی که تشنج زیاد بوده است وی مجبور شده که نظامیان نیرومند را بر سر کار آورد. در این رابطه می توان از تیمسار علی رزم آرا در سال ۱۹۵۱ و تیمسار فضل اللّه زاهدی ۱۹۵۳ نام برد. هر دو به عنوان

نخست وزیر به خدمت درآمدند، با هردو مشاجره کرد و هردو حذف شدند. رزم آرا ترور شد و زاهدی به عنوان سفیر سیار به اروپا تبعید شد.

خدمت طولانی و مخلصانه به شاه هم مأمن مطمئنی فراهم نکرده است. نمی توان همیشه به آسانی بین جاه طلبی شخصی و اشتباه کاری حرفه ای، به عنوان دلایلی که شاه به اتکاء آنها افسر به خصوصی را اخراج می کرد تمایز گذاشت. در چهارده سال گذشته ستاد مشترک چهار رئیس داشته است، آنها در ذیل همراه محتمل ترین دلایل اخراجشان نام برده شده اند:

عبدالحسین حجازی ۱۹۶۵ (۱۳۴۲) ۱۹۶۱ (۱۳۳۹) بیماری

بهرام آریانا ۱۹۶۹ (۱۳۴۷) ۱۹۶۶ (۱۳۴۴) به اقدام نظامی قوی علیه عراق اصرار داشت و شاه با این عمل موافق نبود.

فریدون جم (شوهر سابق خواهر شاه) ۱۹۷۱ (۱۳۴۹) ۱۹۶۹ (۱۳۴۷) فراتر از حدی که شاه مایل بود، اختیار عمل خواست.

غلامرضا ازهاری ۱۹۷۱ (۱۳۴۹)

فرماندهان نیروی زمینی نیز چنین الگوی مشابهی را نشان می دهند:

رضا عظیمی ۱۹۶۶ (۱۳۴۴) ۱۹۶۱ (۱۳۳۹) بیماری

عزت اللّه ضرغامی ۱۹۶۹ (۱۳۴۷) ۱۹۶۶ (۱۳۴۴) تعویض ناگهانی که نشانه نارضایتی شاه تعبیر شد. دلیل به خصوصی در دست نیست.

فتح اللّه مین باشیان مشکلاتی ۱۹۷۲ (۱۳۵۰) ۱۹۶۹ (۱۳۴۷) را که از نوسازی نیروهای مسلح به وجود می آمد نادیده می انگاشت.

غلامعلی اویسی ۱۹۷۲ (۱۳۵۰)

دیگر افسران عالیرتبه ای که به سبب غفلتهای مشخص اخراج شده اند:

تیمسار پالیزبان (رئیس ضد اطلاعات ستاد مشترک) کوتاهی در ردیابی حلقه جاسوسی شوروی در ارتش.

سپهبد فرخ نیا (فرمانده ژاندارمری) فساد

برخلاف بسیاری از کشورهای در حال توسعه، در ایران ارتش صاحب منحصر به فرد مهارتهای جدید، تخصص، مدیریت و عرضه خارجی نیست. بنا بر این جمیع افسران به عنوان یک طبقه، انگیزه کمتری برای رشد این احساس که فقط ارتش می تواند «کشور را نجات دهد» وجود دارد. هر کس که جانشین شاه باشد به حمایت ارتش نیاز خواهد داشت. اما این احتمال به نظر نمی رسد تا زمانی که شاه زنده است ارتش دست به اقدام سیاسی بزند.

ه جامعه روحانیت

اگر شما می بینید که ما سوگوار هستیم، دلیلش این است که ما می خواهیم وفاداری خود را نسبت به امام حسین نشان دهیم، چرا که او را به نام امامی می شناسیم که بر ضد ظلم و ستم و بنا به دستور خداوند جنگید و ما امروز گریه می کنیم، برای اینکه نمی خواهیم زیر بار ظلم برویم، ما به سر و سینه خود می زنیم برای این که ما نمی خواهیم زیر بار دیکتاتوری برویم و یا آن را بپذیریم. ما برای هزار سال است که در حال گریه کردن هستیم و اهمیت ندارد که برای قرار دادن عدالت در مقابل ظلم و ستم ۱۰ میلیون سال دیگر گریه

کنیم. (از سخنان یک رهبر روحانی در بازار تهران).

شاه خود را مردی مذهبی تلقی می کند و ادعا دارد که محافظت الهی شامل اوست. او سفرهایی به مناطق مقدس انجام می دهد و هدایای گرانبهایی به مکه و اماکن مقدسه در عراق و ایران فرستاده است. او گمان می کند که مذهب بایستی برای پیشبرد اصلاحات او عمل کند، معهذا مثل پدرش به قدرت سیاسی رسیدن روحانیت را بشدت نفی می کند.

در نتیجه در ایران روحانیون مسلمان از منتقدین شدید شاه هستند. روحانیون به علت محرومیت از مجامع رسمی برای شکایاتشان، از طریق خطابه ها و انتشارات و مجامع مذهبی به رژیم شاه حمله می کنند. یک شعار احساساتی و مردمی آنها این است که به طور ضمنی و بعضی اوقات به طور صریح شاه را با یزید که در قرن هفتم مسئول قتل امام حسین بود، مقایسه کنند. (در دوران قاجار هم روحانیون از این حربه استفاده می کردند) این حادثه (شهادت امام حسین) در تاریخ روحانیت شیعه(۱) هسته مردمی اسلام است و در ایران این مسئله همواره دنبال می شود و یاد این حادثه هر ساله با برگزاری مراسم غم انگیزی در سوگ امام حسین و خانواده اش در صدها نقطه، در خاطرات زنده می ماند.

مخالفت روحانیت منحصرا متوجه شاه فعلی نبوده است. اگر چه روحانیون دلایل خاصی برای تنفر از پهلویها دارند. از زمانی که شیعه اسلامی به عنوان مذهب رسمی برقرار شد (قرن شانزدهم) علمای شیعه با هر سلطنتی مخالفت کرده اند. مخالفت آنها یک پایه مکتبی و ایدئولوژیکی دارد، چون ماهیت شیعه در اسلام، تمام مالکان مادی را غیر قانونی می داند. راهنمای قانونی در امور انسانها، آنها از مجرای مجتهدین که رهبران روحانی و نمایندگان امام و سخنگوی خدا و تنها منبع قدرت هستند، می تواند امکان پذیر باشد. هر شیعه ای باید از تعالیم یک مجتهد پیروی کند. با توجه به این روش و اعمال آن در مورد شاه و دیگر مقامات رسمی، نقطه نظر روحانیت این است که دولت باید بازوی اجرایی روحانیت باشد. عوامل دیگری

هم به افزایش قدرت روحانیون کمک کرده است. مرکز بزرگ شیعه در عراق بوده و بنابراین دور از دسترس فوری دولت تهران است. روحانیون کنترل پولهای زیادی از (ده یک) (سهم امام) را که در کنترل دولت نیست، به عهده دارند. تا این اواخر روحانیون تقریبا تمام قوانین فقهی و تحصیلات را در کنترل انحصاری خود داشتند. روحانیت خودش بشدت از نفوذ خارجیان متنفر بوده است و همچنین به طور مشخصی در نهضتهای ضد خارجی مردمی شرکت داشته است. مجتهدین در نظر بیشتر ایرانیان از احترام زیادی برخوردارند، اگر چه از پرنفوذترین افراد هم نباشند. آنها روابط خیلی نزدیکی با اصناف و تاجران بازار و گروههایی که خود را قربانی سیاست این خاندان می دانند، دارند.

علما در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به حداکثر نفوذ خود دست یافتند، آنها کسانی بودند که شاه را تشویق به آغاز دومین جنگ ایران و روس در سال ۱۸۲۷ کرده و در سال ۱۸۷۲ ناصرالدین شاه را وادار به حذف امتیازی که به انگلیسیها داده بود و همچنین اخراج نخست وزیری که باعث دادن این امتیاز شده بود، کردند. در اواخر قرن هم آنها یک حرکت موفق مردمی را در مقابل امتیاز دیگری برای انگلیسیها، رهبری کردند و در سال ۱۹۰۶ آنها یک ائتلاف ناممکن را با سیاسیون رادیکال برای تحمیل قانون اساسی به یک شاه سرکش انجام دادند.

۱- مذهب شیعه مذهب رسمی ایران در قانون اساسی. در عراق لبنان و پاکستان هم مشاهده می شود. اختلافی که اکثریت سنی را از اقلیت شیعه جدا می کند به خاطر اختلافات سیاسی مذهبی می باشد که بعد از مرگ محمد(ص) پیش آمده بود.

این اواخر هم رهبران روحانی در جنبش مخالفت با کمپانی نفت ایران و انگلیس (۱۹۵۳ ۱۹۵۱)، نقش برجسته ای بازی کردند، و به خاطر نقض قوانین مذهبی منتقد شدید و دائمی برنامه های اصلاحی بودند. شورش خونین تابستان ۱۹۶۳ (۱۵ خرداد ۴۲ مترجم.) نتیجه تلاشهای دولت برای خاموش کردن صدای انتقادآمیز یک روحانی بود. در دهه گذشته حوادث متعددی در رابطه با رهبران روحانی و دانشجویان اتفاق افتاده است. تظاهرات اخیر ضد دولتی در اوایل ژوئن ۷۵ در شهر مذهبی قم باعث دستگیری ۲۷۰ نفر گردید.

اطلاعات دقیقتر در رابطه با روحانیت در دسترس می باشد. شاید در حدود ۰۰۰/۱۰۰ نفر روحانی در ایران است که از پایین ترین طبقه روحانی (ملا) تا مجتهد هستند. به علاوه تعدادی هم افراد شبه روحانی مثل نویسندگان کتب مذهبی، خوانندگان مذهبی و خوانندگان قرآن وجود دارند. چند سال قبل درآمد سالیانه اموال (موقوفه) که توسط روحانیت کنترل می شد در حدود ۳۰ میلیون دلار تخمین زده می شد. یک مجتهد برجسته در حدود ۰۰۰/۲۰۰ دلار در ماه به روحانیون وابسته اش جهت حمایت از طلاب و تهیه غذای برای فقرا، پرداخت می کرد.

احتمالاً فقط ۱۰٪ از افراد روحانی از حمایت دولت برخوردارند، و اینها را می توان از حامیان شاه به حساب آورد. آنها احتمالاً از کم نفوذترین روحانیون بوده و بنا به نظر عده زیادی با کارمندان دولت فرقی ندارند. احتمالاً ۵۰ درصد که تقریبا شامل هر رهبر مذهبی با هر شکل می شود، در جبهه مخالفت مستقیم با دولت قرار گرفته و کلاً به خاطر پایگاه مردمی شان مورد حمایت هستند. ۴۰ درصد باقی مانده از افراد محتاط در عین حالی که دارای حمایت مردمی می باشند، ولی از حمله زیاده از حد به دولت دوری می کنند.

هر پادشاهی مجبور بوده است خودش را در رابطه با رهبران روحانی هماهنگ کند. تازمان پهلوی روحانیون معمولاً قادر بودند که فشار زیادی به دولت بیاورند. رضا شاه برای مرکزیت بخشیدن و مدرنیزه

کردن ایران هیچ گونه مخالفتی را تحمل نکرد و مستقیما با نیروی زیادی در جهت محو قدرت سیاسی مجتهدین قدم برداشت. محمدرضا شاه هم بنا به لزوم تقریبا همان خط پدرش را دنبال کرده است.

آیت اللّه روح اللّه خمینی که دستگیری او آشوب های جدی به وجود آورد، در سال ۱۹۶۳ به ترکیه و بعد عراق تبعید شد. دیگر روحانیون هم در خانه تحت بازداشت بوده اند، و گزارش شده که حداقل یک نفر در زندان مرده است. مانند موارد دیگر شاه قول داده است که به کسانی که همکاری کنند پاداش داده می شود و کسانی که مخالفت کنند بشدت مجازات می شوند. به نظر می رسد که روحانیون در مجموع کمتر از دیگر اقشار جامعه انعطاف داشته باشند.

برای روحانیت شیعه هیچ اصلاحی در مذهب یا اصول مذهبی وجود ندارد، بلکه فقط تزکیه و انطباق با اصول و اصلاح وجود دارد. مجتهدین هنوز حق تفسیر را به وسیله شخص خود دارند و این موضوع باعث شد که روحانیت بتواند با مسایل جدید و مدرن مقابله کند و احتیاجات زمان را برآورده کند. در بین سالهای ۱۹۲۶ تا ۱۹۴۱ شریعت (قانون اسلام) در چهار مورد اصلاح شد و قانون مدنی ۱۹۲۸ ترکیبی بود از شریعت و قوانین اروپایی. قانون حمایت خانواده بعد از مشاورت با روحانیون تصویب شده (۱۹۶۷).

آزادی زنان با شدت زیادی از جانب روحانیت مورد اعتراض واقع شد و با وجودی که دولت اول تسلیم خواست روحانیت بود، ولی در این مورد بدون توجه به اعتراضات آنان پیش رفت. به هر حال جامعه روحانیت دیگر در مشاورتها شرکت داده نمی شوند و مسئولین مملکتی هم که مسئول اجرای برنامه ریزی

هستند، آنچنان به سوی دنیوی بودن پیش رفته اند که مذهب را چیزی نامناسب با خواسته هایشان می دانند.

پایه های فلسفی و دینی مخالفت روحانیت با رژیم اگر در همین محدوده قرار گیرد، برای دولت بی ضرر است، اما در حال حاضر از نظر پایه علمی خودش به چند ارزشیابی واقعی تفسیر می شود:

الف شاه در حال تأسیس یک جامعه غیر مذهبی است و بنابراین اسلام را نابود می کند.

ب در این مورد او از جانب ایالات متحده و صهیونیستها که هر دو خواستار نابودی اسلام هستند حمایت می شود.

ج به علاوه او (شاه) به وسیله بهائیها احاطه شده که آنها هم هدف اصلیشان نابود کردن اسلام است و این حقیقت که مرکز بزرگ بهائیت در اسرائیل و آمریکا قرار دارد، به این بدگمانی (روحانیت) اضافه می کند. توده روحانیت و بیشتر کسانی که معتقد و دنباله روی آنها هستند، احتمالاً در چنین مواضعی اشتراک دارند. آنها ظاهرا در نوع و چگونگی مبارزه اختلاف دارند. روحانیت یک توده منسجم و یکدست نیست و تمایلات گوناگونی را می توان در بین آنها دید. در حال حاضر چهار گروه که الزاما جدای از هم نیستند وجود دارند: ۱ سنتی ۲ مدرن (امروزی) ۳ خاموش ۴ خشن.

۱ روحانیت سنتی: گروه زیادی از روحانیت سنت گرا هستند. آموزش و دیدگاههای آنان قرون وسطایی می باشد. اگر چه مجتهدین آنها حق تفسیر دارند، اما ابتکارات فردی و قضاوت آنها هنوز به عقاید استقرار یافته حکیمان الهی زمان قبل می باشد. مطالعاتشان، که امکان دارد از سن ۶ سالگی شروع شده و تا زمان مرگشان ادامه یابد، شامل قرآن و تفسیر قرن هشتم تا دوازدهم، سنت پیغمبران، قوانین مذهبی که شامل تمام جنبه های انسانی با جامعه و دولت است و فلسفه اولیه یونان به طوری که در بین اعراب و ایرانیها و زبان و ادبیات آنها رایج است، می باشد. یک دوره آموزش آنها ممکن است شامل ریاضیات

سنتی گردد. محصلین هنوز در پای منبر معلمین می نشینند و قانون حفظ کردن هنوز وجود دارد. بهترین سنتی ها مردان عالمی هستند، که نه تنها به خاطر علمشان بلکه به خاطر تقوا و توانایی برترشان در امر به معروف و نهی از منکر مورد احترام می باشند. ولی دنیای ذهنی آنان زمانی که آنچه را که مسلمان لازم می دانست در بر می گرفت امروز فقط بخش کوچکی از واقعیتهای دنیایی است که در آن زندگی می کنند و آنها کم کم به این مسئله واقف می شوند.

۲ روحانیت امروزی (مدرن): آنها تعداد کمی هستند و سنت و مکالمات سنتی را هم طرد نمی کنند. آنها ترجیح می دهند تا کوشش کنند که روش سنتی را به زبان امروزی بیان کنند، که باعث جذب ایرانیهایی که دیگر جذب اهداف سنتی نیستند، شود. افراد فارغ التحصیل الهیات دانشگاه تهران جدا از اینها هستند. این مدرسه برای این هدف، اول به وسیله رضا شاه ایجاد شد، تا انحصار تشکیلات سنتی مذهبی را درهم شکند. اما در این مورد به موفقیت جزئی رسید. فارغ التحصیلان مدرسه در بیشتر نقاط به عنوان روحانیون واقعی پذیرفته نمی شوند و در واقع تنها چند نفری روحانی و واعظ می شوند. آنها به عنوان معلم دینی و عربی و ادبیات و گاهی شغلهای دیگر وارد دولت می شوند. در یک موقع رئیس پروتکل ساواک فارغ التحصیل همین مدرسه بود.

۳ روحانیت ساکت (خاموش): سیاستی که توسط تعدادی از ملاهای برجسته دنبال می شود این است که در رابطه با مقامات غیر مذهبی «خاموش» باشند. این موضوع در عبارت یکی از آنها روشن می شود.

«وظیفه ما این است که نصیحت کنیم جنگ». این روش از درگیر شدن آنها با مقامات جلوگیری کرده و در جهت حفظ مؤسسات مذهبی و رهبرانشان کوشش می کنند. از هر دو گروه روحانیت سنتی و مدرن در این گروه یافت می شود. به نظر می رسد که احتمالاً بیشتر رهبران مذهبی که از مخالفین ساکت رژیم هستند، این سیاست را دنبال می کنند.

۴ روحانیت خشن: این گروه شامل تنها قسمت کمی از روحانیت امروز می شود (که شامل دانشجویان مذهبی هم می شود) اما آنها خطری بیشتر از آنچه تعدادشان است، تولید می کنند. تروریسم مذهبی از مشخصه های دنیای اسلام است. ستاد آدمکشهای قرون وسطی تنها چند مایلی از تهران فاصله داشت. در حدود دهه ۱۹۴۶ تا ۱۹۵۶ فداییان اسلام مسئول حداقل ۳ آدمکشی و ۳ کوشش برای این کار، منجمله کوشش برای کشتن شاه بوده اند. در سال ۱۹۵۶ رهبر فداییان اسلام به وسیله نیروهای امنیتی اعدام گردید، ولی گروههایی به نام فداییان سالهاست به کار خود ادامه می دهند. روند خشونت در اسلام شیعی، امروزه در مارکسیستهای اسلامی تجلی می یابد. یک ائتلاف غیر محتمل که اغلب شاه و سخنگوی دولت از آن نام می برند. این ائتلاف اخیرا به دلایل متعدد به وجود آمد. یکی از آنان کوششی بود که از جانب افراد مذهبی ضد دولتی برای ایجاد ایدئولوژی و فلسفه ای که بتواند هر مخالفی را در خود جای دهد، بود. این شامل خیلی از عناصر مذهبی که شاهد اعمال شاه برای نابودی مذهب بودند، می شد. همچنین کسانی که تمایلات کمونیستی داشتند، می پذیرفتند که با روحانیون برای سرنگونی شاه همکاری کنند. تشکیلاتی به نام مجاهدین خلق مورد توجه آیت اللّه روح اللّه خمینی که برای مدت یک دهه از تبعیدگاه خود در عراق، جنگ خود علیه شاه را ادامه می داد، قرار گرفت. مجاهدین مشتق از تشکیلات متعدد منجمله از طرفداران جبهه ملی بعد از مصدق می باشند. اسلاف روحانی مجاهدین فعلی، مهندس بازرگان یکی از استادان دانشگاه تهران و آیت اللّه محمود طالقانی یک روحانی برجسته، که هر دو عمیقا

مذهبی و برای مدتی طولانی مخالف شاه بودند، می باشند. آنها رهبران تشکیلاتی بودند که قبل از مجاهدین وجود داشته است. به نظر نمی رسد که آنها رهبران فعلی سازمان امروزی باشند. آنها تحت مراقبت دائمی می باشند. اما این طور به نظر می رسد که جهت و فعالیتهایی که ۱۰ سال قبل تشویق می کردند، امروز به ثمر رسیده باشد. اعمال خشونت آمیز، که آنها مبرم می دانستند ولی قادر به اجرای آن نبودند، اینک توسط یک روش به مراتب حرفه ای تر یک عمل انقلابی شده است. احتمالاً دستیابی به تجربه و آموزش تروریستهای خارجی این تفاوت را باعث شده است.

تروریستها هم از مردان و هم از زنانند، و عموما در سنین ۲۰ تا ۳۰ سالگی قرار دارند و اغلب دانشجویان فارغ التحصیل هستند. در میان آنها تکنیسین و متخصص بسیار زیاد است و این شاید دلیل بهبود و تکامل نوع بمبهای آنان باشد. روحانیون و دانشجویان مذهبی به نظر نمی رسد، که در بمب گذاری ها یا ترورها شرکت داشته باشند. احتمالاً آیت اللّه خمینی نبایستی به عنوان رهبر مجاهدین تلقی شود، بلکه حمایت او باعث تشویق بازاریان برای تقسیم کردن پول بین آنها می باشد.(۱)طلاب روحانی که پیرو او هستند می توانند تظاهرات زیادی بر ضد رژیم ایجاد کنند.

احتمال کمی وجود دارد که یک صلح بین رژیم و جامعه روحانیت به وجود آید. آن دسته از روحانیونی

۱- البته در این مورد به خاطر ضعف اطلاعاتی دستگاه به وضوح عدم صحت چنین موردی با توجه به بیانات امام امت در مورد مجاهدین خلق بر همگان واضح گشته است.

که سیاست خاموشی را در پیش گرفته اند که احتمالاً هم گروه زیادی هستند قادر نیستند و نمی خواهند که مجاهدین را از اعمال خشونت آمیز خود بازدارند. حتی اگر نیروهای امنیتی مجاهدین را نابود کنند، مخالفین روحانی در صحنه باقی می مانند؛ اگر چه خشونت کمتر بشود. یک روسی که با روحانیت رابطه داشت بر این نکته تأکید داشت که چاپ تصاویر عریان و دیگر ادبیات فاسد، یکی از عطایای عمده آمریکا به صحنه ادبی تهران بوده است. جدیدترین نمونه در این موارد به دنبال ترور سرهنگ شیفر و ترنر واقع شد؛ وسایل شخصی این دو که توسط ضاربین برداشته شده بود، متعاقبا باز گردانیده شد. در بین وسایل اصلی، نسخه هایی از مجلات «پنت هاوس» و پلی بوی همراه با پاره پاره های این مجلات قرار داده شده بود. ظاهرا ضاربین امید داشتند که مطبوعات قضیه را جذب کنند و به آن اشاعه وسیع تری بدهند. چاپ تصاویر عریان برای ایرانیان چیز ناآشنایی نیست. اما نوع بی پرده آن که در اروپا و آمریکا محبوبیت دارد، برای آنها که افکار دینی دارند نفرت انگیز است. غیر مذهبی بودن دولت و مذهبی بودن روحانیون غیرقابل مصالحه می باشد، و هیچ طرفی هم حاضر به مصالحه نیست. از نقطه نظر منافع آمریکا، جنبه مهم این قضیه دشمنی یک گروه بسیار با نفوذ است که دسترسی همیشگی به عامه مردم دارند، تمایل ضد خارجی ایرانیها همیشه مثل آتشی در زیر خاکستر بوده است. اگر چه این موضوع توسط احساس مهمان نوازی پوشانده شده است، ولی همواره برانگیختن احساسات ضد خارجی مردم کار آسانی بوده و هر موقع که چنین حادثه ای اتفاق افتاده جنبه مذهبی داشته است.

برای سالها سفارت شوروی در تهران نقش پرورش رهبران مذهبی را به عهده داشته است.(۱) دلیلش هم احتمالاً دو موضوع است: اول اینکه آنها را به عنوان یک دوست اسلام بپذیرند و دوم اینکه مطمئن شوند که روحانیون ضد آمریکایی باقی بمانند. در هر دو جهت آنها موفق بوده اند. روسیه شوروی تأکید کرده است که اسلام را در شوروی حمایت خواهد کرد.

آنها چند جلد گرانبها از قرآن و کتب کلاسیک ایران را در شوروی به چاپ رسانده اند. تمایل دیگر شوروی امکان دارد برای خاموش کردن عکس العمل مخالف روسیه که به قیامهای ضد خارجی بینجامد باشد. مقامات امنیتی از بیشتر تماسها و رابطه های روسیه آگاهی دارند و آنها را کنترل می کنند. ظاهرا شاه از این موضوع نگران نیست، زیرا که هیچ گونه اعتراضی صورت نگرفته است. تا مادامی که هیچ کوشش روشنی از جانب شوروی برای قرار دادن روحانیت در مقابل او انجام نگرفته است، احتمال نمی رود که شاه روابط دوستانه بین دو کشور را با یک اعتراض به هم بزند.

ظهور یک طبقه جدید نخبگان؟

بعضی از محققین دانشگاهی معتقدند که ظهور یک طبقه بالقوه نخبه جدید را مشاهده می کنند. یکی از آنها آن را طبقه روشنفکر صاحب فن دیوانسالار یا یک طبقه متوسط صاحب فن نامیده است. خصوصیات این طبقه در ذیل می آید:

الف روابط سنتی قدرت را که بر جامعه سلطه دارد، مردود می شمارد.

ب به عوض تحصیلات سنتی حاوی مطالب دینی، تحصیلات عالیه جدید دارند یا سعی به کسب آن دارند.

۱- الحمدالله الذی جعل اعدائنا من الحمقاء سپاس خدای را که دشمنان ما را از احمقها قرار داد.

ج در نتیجه این تحصیلات قدرت این طبقه عمدتا متکی به مهارت یا استعداد اعضای آن است.

د نسبت به طبقه متوسط سنتی طیف وسیع تری از عقاید و رخنه های خارجی را پذیر است.

ه سیستم ارزش و ارزشهای قدیمی را به دور انداخته است و در نتیجه دیگر به اسلام به عنوان راهنمای زندگی نمی نگرند. اعضای آن به گذشته ای که جزو آن نبوده اند، علاقه ای ندارند و علاقه شان به خدا یا گذشته کمتر است. اینان در طلب ارزشهای جدید بعضی به بهائیت و بقیه به کمونیسم با ایدئولوژی های چپ گرویده اند. این طبقه همه نوع صاحب فن را در بر می گیرد، دکترها، وکلا، معلمان، مهندسان، دیوانسالارهایی که تحصیلات جدید و مهارتهای خاص دارند، فن سالاران، مدیران، کارمندان و دانشجویان. به علاوه نویسندگان و هنرپیشگان که از خیلی لحاظ سخنگوی این طبقه محسوب می شوند. اعضای این گروه اگر امکان انتخاب آزاد داشته باشند، احتمالاً یکی از انواع نظریه های سیاسی ناشی از غرب مانند : دموکراسی، سوسیالیزم، کمونیسم و معدودی حتی فاشیسم را برخواهند گزید. تناقض در اینجا است که آن حکومتی که بر اساس هر یک از این فلسفه ها بنا شود ریشه اش در فرهنگ، تاریخ و خصوصیات ممیزه ایران، سطحی تر از ریشه پادشاهی خواهد بود. احتمالاً تعداد اداره کنندگان چنین حکومتی به اندازه امروز کم خواهد بود. همان طور که دیده ایم، سیستم ایرانی برای تازه واردین به این شرط که در بازی شرکت کنند، جای باز می کند. آنهایی که چنین کنند پاداش می گیرند و آنهایی که نکنند بازنشسته می شوند و یا مسیر خود را به زندگی خصوصی یا مشاغل که صرفا مهارتهای ایشان را به کار گیرد، تغییر می دهند. بسیاری از روشنفکران صاحب فن دیوانسالار شرکت در بازی را انتخاب کرده اند. مرکز سر برآوردن روشنفکران صاحب فن دیوانسالار دانشگاه هاست. رؤسای دانشگاهها و نخبگان سیستم آموزشی پیش از آنکه مدیر باشند، سیاستمدارند. کوتاهی در مهار ناآرامی های دانشجویی می تواند در موقعیت ایشان مؤثر باشد. در ۱۵ سال گذشته ۲۶ تن از ۴۰ رئیس، قبل از انتصابشان به

دانشگاه از مقامات دولت بوده اند. هفت نفر ایشان وزیر کابینه و یکی اسدالله علم نخست وزیر بود. از این ۲۶ نفر که دیگر رئیس دانشگاه نیستند، ۱۸ نفر پس از ترک این مقام به مناصب دولتی بازگشتند. چندین نفر از آنها از اعضای خانواده های با نفوذ بوده اند،حال در آنجا تولد یافته اند یا با ازدواج متصل شده اند. برای نمونه:

منوچهر اقبال: دخترش ابتدا با برادر کوچک شاه و سپس با پسر اشرف ازدواج کرد.

هوشنگ منتصری: یکی از اقوام دور شهبانو فرح، حبیب الله نعیمی فرزند معلم سابق شاه، همسر دومش از خاندان عدل (یکی از چهل فامیل مسلط) و دوست نزدیک شاهزاده اشرف و معروف دربار است.

عباس صفویان: با زریندخت قوام، فرزند استاندار سابق کردستان و دختر عموی علم ازدواج کرده است.

محمد شفیعی امین: از یک خاندان سرشناس آذربایجان ترکیه.

علی اکبر سیاسی: با دختر مصطفی بیات، برادر مرتضی بیان نخست وزیر سابق (۱۹۴۴) ازدواج کرد.

حسن ضیائی خانواده مرتبط با قرائی ها و تیمور تاش ها، خانواده های مهم خراسان، با دختر محمد قریب برجسته ترین پزشک اطفال در ایران ازدواج کرد.

بدین ترتیب رؤسای دانشگاهها اغلب شخصیتهای سیاسی و دخیل در منازعات داخلی سیستم ایرانی بوده اند.

به سوی آینده

ساخت و عملکرد گروه نخبه ایرانی که وصف شده است در خلال سالها، میزان بالایی از ثبات را نمودار است. ناامنی، بدبینی و عدم اعتماد از عواملی هستند که در گروه نخبگان خصلتهایی چون قابلیت مصالحه و انعطاف پذیری ایجاد کرده اند. چنین خصلتهایی آنها را قادر ساخته است، با حداقل خسارت به میزان نفوذ خود که برای ایشان عزیز است از زیر تیغ تحولات جان به در برند. نخبگان کنونی مصلحت دانسته اند، که در برابر نیروی فائقه یک پادشاه مسلط سر فرود آورند. معهذا در رفتار نخبگان جاه طلبی سیاسی شخصی، همچنان به عنوان نیروی محرک در لوا باقی مانده است. انتقال حکومت از شاه فعلی به جانشین وی به نخبگان این فرصت را خواهد داد که مشتاقانه به سوی قدرتی که این همه مدت از ایشان دور نگهداشته شده بود هجوم آورند. هر کس که جانشین شاه بشود قادر نخواهد بود این روند را در کنترل داشته باشد، مگر اینکه بتواند همان موقعیت مسلطی را که محمدرضا پهلوی دارد، برای خود فراهم کند. سنت بر این بوده است که برای مدعیان قدرت، هرچند که به موقعیت نخبگی دست نیافته باشند، جایی باز شده است و ایشان بدون از هم پاشیدن سیستم جزیی از آن شده اند. زمانی که شاه کنونی برود طبقه برگزیده در قیاس با پیشینیان خود با مدعیان بیشتر و نیرومندتری مواجه خواهد بود. گروه روشنفکر صاحب فن دیوانسالار طبقه ای در حال رشد است، که با بسیاری از تغییراتی که خود شاه پیش می آورد، به مراتب بالاتری دست یافته است.

ارزشها و موضعگیری ها و دید ایشان از جامعه، به طور مشخصی از نخبگان سنتی، متمایز است. اگر چه خیلی از آنها در ساخت موجود جذب خواهند شد، ولی صرف تعدادشان جای برجسته ای در جامعه ایرانی به ایشان وعده می دهد.

نخبگان تجاری صنعتی که تعدادشان کم است، به طور روز افزونی کنترل بخشهایی از اقتصاد را که اهمیتشان در نتیجه برنامه شاه به سرعت زیاد می شود، در دست دارند. اینان خواستار قدرت سیاسی

خواهند شد. به هر صورت نیاز به ادامه بقا در ایران پس از شاه می تواند بعضی از عناصر نخبگان تجاری صنعتی و روشنفکران صاحب فن دیوانسالار (تکنوکرات بوروکرات) را به همکاری با یکدیگر وادارد.

این ائتلافی است که می تواند تغییر کیفی در جامعه ایرانی ایجاد کند.

جامعه ایران توانسته است با جذب طرحها و آداب و رسوم بیگانه و درآوردن آنها به شکلی منحصرا ایرانی، قرون را پشت سر گذارد. این قابلیت انعطاف یک بار دیگر در معرض آزمایش قرار دارد و ماحصل، هر چند که نمی توان پیش بینی نمود، ممکن است بیش از نفوذ خارجی به ایران سنتی مدیون باشد.

آمار بیشتر درباب خاندان سلطنتی

بعضی از اشخاصی که در اینجا مطرح می شوند، در متن اصلی به آنها اشاره شده است. بقیه بار اول است که از آنها ذکری می شود. بعضی از افرادی که به وسیله ازدواج در خاندان سلطنتی داخل شده اند به عنوان مصادیق یکی از نکات اصلی که در این رساله آمده، یعنی اهمیت ارتباط خانوادگی در دست یابی به مقام، مورد بررسی قرار گرفته اند. سابقه ازدواجها و طلاقها، خیانتها، تجدید ازدواجها و کینه های درون فامیلی خاندان سلطنتی نمونه وضع بسیاری از خانواده های برگزیده است. ایجاد ارتباطات خانوادگی برای منافع سیاسی و مالی نیز همان طور است.

ملکه مادر

تاج الملوک، مادر شاه بر اهل بیت خاندان سلطنتی حکمروایی می کند. سن دقیق او، شاید حتی برای خودش هم معلوم نباشد، اما باید در دوران هشتاد سالگیش باشد. وی دختر باقر خان میرپنج بود. درباره باقرخان میرپنج چیز دیگری در دست نیست، جز اینکه می دانیم خانواده اش از قزاقستان بودند.

تاج الملوک سه خواهر و یک برادر داشت و اطلاعات درباره آنها کم است. عالمتاج، خواهر سوم وی، با یک نفر به نام سرهنگ مین باشیان ازدواج کرد. برادر مین باشیان با شاهزاده اشرف ازدواج کرده است. یک خواهر دیگر وی به همسری یک دکتر پزشک بنام سناتور محسن حجازی درآمد.

در سال ۱۹۴۴ رضا شاه در تبعید فوت کرد. طولی نکشید که تاج الملوک که به تهران بازگشته و یک نفر را به نام غلامحسین صاحبدیوانی به عنوان فاسق خود برگزید. آنها عاقبت در سال ۱۹۴۸ به عقد یکدیگر درآمدند. صاحبدیوانی به طور قابل ملاحظه ای از تاج الملوک جوانتر بود. وی از یک شاخه خانواده قوام الملک شیرازی، با نفوذترین خانواده در استان فارس بود. صاحبدیوانی جز لیاقتش برای همین کار، خصوصیت برجسته دیگری نداشت. وی دارای تحصیلات متوسطه بود و یک دوره در مجلس به نمایندگی فارس اشتغال داشت. احتمالاً این شغل را به واسطه نفوذش در ملکه مادر به دست آورد. وی دوباره به نمایندگی انتخاب نشد، شاید روابطش با تاج الملوک به هم خورده بود. تاج الملوک خیلی کم بیرون از حلقه کوچک دوستانش دیده می شود. تا سال ۱۹۷۱ از ملکه مادر چنین گزارش می دادند، که یکی از متنفذترین افراد در شاه بوده است.

فریده، مادر ملکه

زمانی که ملکه مادر از دنیا رود مقام ارشدی را که او دارد، فریده دیبا مادر ملکه بر عهده خواهد گرفت. وی که جوانتر است، تحصیلات بهتر و تسلط طلبی کمتری دارد و می تواند تصوری را که عامه از خاندان سلطنتی دارد، باز هم بهبود بخشد.

شاهزاده اشرف

درباره اشرف گفته شده که وی محبوب رضا شاه بوده است. اما ملکه سابق ثریا این را تکذیب می کند و می گوید: «اشرف در واقع دون نظر والدینش بود، رضا شاه شمس را ترجیح می داد و هرگاه که می توانست به وی ضربه می زد.» (این می تواند شایعاتی باشد که ثریا بافته است، چون او و اشرف برای نفوذ در دربار رقابت وحشیانه ای داشتند) اشرف در یک مدرسه دخترانه که توسط زردشتیان اداره می شد، تحصیل کرد. اشرف سه سال پس از جدایی از علی قوام، همسر اول وی و فرزند قوام الملوک متنفذ، با یک مصری به نام احمد شفیق ازدواج کرد. این دو پیش از طلاق در سال ۱۹۵۹ یک پسر بنام شایان مشهور به «پوزی» و یک دختر به نام آزاده، به دنیا آوردند. سال بعد اشرف با دکتر مهدی بوشهری از اعضای یکی از ۴۰ فامیل مسلط ازدواج کرد.

همسران اشرف خوش عاقبت بودند؛ شفیق مدیر شرکت هواپیمایی «پارس ایرلاین» شد که ادعا شده است از آن برای فعالیتهای قاچاق به سوئیس و بالعکس استفاده می کرد. بوشهری که مناصب رسمی پرمسئولیتی چون سفیر سیار و رئیس هیئت مدیره فستیوالهای هنری را بر عهده داشت، چند سال قبل

دخالت زیادی در ترتیب دادن صدور اجازه فعالیت به شرکت «آیروفلوت» در ایران داشت. معامله ای که ظاهرا منافع مالی برای وی در بر داشت.

اشرف با ابراز علاقه به فهرست طویلی از مردان جوان و جذاب، شهرت پرسروصدایی فراهم کرده است. این فهرست شاید با نام اسداللّه علم در سال ۱۹۴۳ شروع شود.

اشرف و دیگر اعضای خاندان سلطنتی مورد نفرت مصدق بودند و در سال ۱۹۵۱ او (مصدق) شاه را وادار کرد، آنها را از کشور خارج کند. اشرف تا دو سال و نیم یعنی تا اوایل ۱۹۵۴ برابر حدود ۸ ماه پس از کودتا علیه مصدق بازنگشت. شاه از اقامت هرچه بیشتر وی در خارج راضی بود، زیرا وی را از دومین بازی یعنی نقشه چینی سیاسی برحذر می داشت. هرچند که دخالت سیاسی وی آشکارا تقلیل یافته است، ولی علاقه وی به تجارت و فعالیتهای بازرگانی که اغلب در مرز تجاوز از قانون است، اگر چه کاملاً غیر قانونی نباشد، همچنان شدید است. وی هرگز در استفاده از نفوذ خود در فراهم کردن قراردادهای دولتی برای دوستان و آشنایان که بخواهند اجرتی بپردازند، تردید نکرده است. گفته می شود که در سالهای اخیر وی از معامله گران، حق العمل طلب نمی کند، بلکه فقط اظهار می کند که خوشحال خواهد بود اگر بتواند مواقعی که لازم است به آنها اطمینان کند. گزارشی در اوایل دهه ۱۹۵۰ اظهار می دارد که شاه فکر می کند اقدامات تجاری اشرف تا زمانی که وی (شاه) نفوذ خود را برای پشتیبانی اشرف به کار نگیرد، مانعی ندارد. در مقطعی دیگر، مدت مدیدی پس از آن، مدیر یکی از بانکهای ایران به یک کارمند سفارت گفت که وی بعضی از اقدامات تجاری اشرف را که وی را (اشرف را) در موقعیت ناپسندیده ای قرار می داد به نظر شاه رساند، شاه صرفا مسئله را بی اهمیت تلقی کرد. مدیر بانک به کارمند سفارت اظهار داشت که چنین معاملات «برای اشخاص دیگر ده سال زندان در بر دارد». شهرام، فرزند ارشد اشرف، در بعضی موارد جای پای مادرش را دنبال کرده است. وی به طور وسیع و نامطلوبی در تهران به عنوان یک معامله گر

زرنگ شهرت دارد و حدود ۲۰ شرکت شامل ترابری، کلوپهای شبانه، ساختمانی و تبلیغات بخش عمده داراییهای وی را در خود جای داده اند. برای ایرانیان صاحب اطلاع، فروش گنجینه ها و عتیقه های هنری کشور از جمله ساخته های دستی مارلیک، که یک موضوع باستان شناسی ماقبل تاریخ و حائز اهمیت زیاد است، بدنام ترین عمل حاکی از بی مسئولیتی وی می باشد.

شاهزاده شمس

شمس خواهر بزرگتر شاه است. وی همواره شهرتش از اشرف بهتر بوده است. اما از لحاظ سیاسی اهمیتی ندارد. مانند بقیه خاندان سلطنتی وی منافع معتنابهی در تجارت دارد. شمس سالها وجوهات سرمایه گذاری حبیب ثابت، برجسته ترین تاجر تهران را فراهم می کرد. جدیدترین طرح وی یک «شهر نمونه» در غرب تهران است. وی در آنجا مشغول بنای یک قصر است. چندین شرکت ساختمانی که وی در منفعت آنها شریک است بر روی این طرح کار می کنند. آخرین اظهار نظر درباره وی از شاهزاده سروناز، دختر عبدالرضا برادر ناتنی وی است که وی را «دوست داشتنی، شیرین، بی آزار و احمق» وصف نمود.

غلامرضا

غلامرضا، تنها فرزند رضا شاه از توران امیرسلیمانی، اینک یک سربار حرفه ای است و مقام سرتیپی

دارد. وی در حال حاضر فرماندهی عالی بازرسی مخصوص ستاد مشترك را بر عهده دارد که بیش از آنکه یک منصب کاری باشد، تشریفاتی است. غلامرضا را یک فرد بی تشخص، فاقد قوای شخصیت و روشنی فکر وصف کرده اند. در اوایل ۱۹۵۹ تلاش مختصری توسط یک گروه غیر متجانس از سیاستمداران و نظامیان انجام شد، که تا غلامرضا به مقام ولایتعهدی ترفیع یابد. این کار ظاهرا با این توقع انجام شد که شاه ممکن است قریبا سقوط کند. با تولد ولایتعهد رضا سیروس، این امر مصداق عملی خود را از دست داد. (به عنوان اطلاعات فرعی باید اظهار داشت که تقریبا تمام اعضای آن گروه با لژ گراند اورینت (خاور بزرگ) مرتبط بودند. این تشکیلاتی بود که از قرار معلوم، انگلیسها برای تأمین منافع خود در ایران تأسیس کرده بودند).

شاهزاده عبدالرضا

تنها برادر ناتنی شاه که زمانی امید می رفت چیزی غیر از انگل. فرزند اول رضا شاه از همسر چهارم خود عصمت الملوك دولتشاهی بود. عموما در این موضوع که وی حائز بهترین تحصیلات و روشن ترین فکر در خانواده سلطنتی است، اتفاق رأی وجود دارد. این واقعیتی است که زمانی سفارت معتقد بود فاصله بین عبدالرضا و شاه را توجیه می کند، شاه به او بیش از بقیه برادران حسادت می ورزد، عمدتا به این دلیل که شاه دوست دارد در هر زمینه ای سرآمد به نظر آید، ولی دریافته است که عبدالرضا از او در تحصیلات و فرهنگ کلی برتر است. در همان زمان سفارت اظهار داشت که «بیشتر دانش او سطحی بوده و درست فهم نشده است». (سفارت آمریکا در تهران ۲۶۶ ۱۹۵۴ D سرّی) او مطمئنا هرگز فرصتی نیافت تا معلوم کند آیا بی لیاقت بود یا اینکه صرفا تجربه اش کم بود. در اواخر دهه پنجاه، از عبدالرضا گزارش می شد که اظهارات گزنده ای درباره شاه ابراز داشته است، که از میان ملایم ترین آنها این بود که خاندان سلطنتی «کاملاً فاسد شده بود» و اینکه وی از عضویت در آن سرافکنده است، و اینکه شاه قادر نیست محیط خود را

با افراد سالم بیالاید و اعمالش کشور را به تباهی می کشاند. باید توجه داشت که این سنجشها منحصر به عبدالرضا نبود؛ بلکه در آن زمان بسیاری از ایرانیان و غیر ایرانیان در آن سهیم بودند. سفارت در اظهار نظر درباره رد و بدل کردن این صحبتها اشاره کرد که عبدالرضا بدون شک به جهت زندگی که باید در پیش رو داشته باشد، یعنی یک زندگی عاری از معنا و مقصد، وجودش سرشار از یأس می باشد.

نظریه درباره منابع اسناد این کتاب

منابع زیادی چه طبقه بندی شده و چه بدون طبقه بندی برای تهیه این بررسی به کار گرفته شده است. شاید یک دسته از اسناد، کتابها، رسالات تک موضوعی، مقالات و اوراق جاری در محافل خصوصی که بدون طبقه بندی بودند، بیشترین استفاده را داشته اند. چند صد سند رسمی که مدت زمانی پیش از سه دهه را در بر می گیرند، استفاده گردیده است؛ بیشتر آنها مقالات فرستاده شده خدمات خارجی در رابطه با گزارشهای سازمان سیا و سندهای درجه دوم و سوم (از لحاظ اهمیت) ارتش می باشد. هیچ کدام از این گزارشها البته برای احتیاج به مطالعه مثل چنین جزوه ای تهیه نشده است.

در خلال ۳۰ سال همان طور که انتظار می رود گزارشها از نظر کمیت و کیفیت به طور زیادی تغییر کرده اند. که نه تنها انعکاس دانش فرد فرد مأمورین بوده، بلکه مطالب بازگو نشده ای در رابطه با اهمیت ایران برای

ایالات متحده می باشد.

برای گزارش گذشته باید از سفارتهای متعدد نام برد و تشکر کرد که هنوز هم ارزش خواندن را دارد.

یک سری گزارشها در مورد شاه بین سالهای ۱۹۵۱ و ۱۹۶۷ زمینه خوبی برای درک حکومت سلطنتی و پیشرفتهایش فراهم کرده است. این گزارش خیلی خوب نوشته شده و خیلی خوب شاه و خانواده اش و سیاست و رسومات اجتماعی را تشریح کرده است. اگر چه در این کتاب به محمد مصدق تنها اشاره ای شده است، ولی او هنوز روی خیلی از ایرانیها نفوذ دارد؛ منجمله بعضیها که از اول به او پیوسته بودند. در کتاب سال ۱۹۵۳ در مورد مصدق چیزهایی نوشته شده که اهمیت این کتاب بیشتر در این است که از زمینه های دیگر ملی گرایی که هنوز هم ارزش دارد بحث می کند. در سال ۱۹۵۹ کنسول آمریکا در مشهد اسامی حدود ۱۲۰ نفر از این ناسیونالیستها را بررسی و گزارش کرد. در گزارشهای مربوط به بیوگرافی افراد یک سری از گزارشهای سیا موجود است.

بخش دوم کتاب تشریح وضع کلی ایران

اشاره

سرّی

کتاب تشریح وضع کلی

ایران

کتاب تشریح وضع کلی ایران

قسمتهای مهم این کتاب کاملاً ترجمه شده و از سایر قسمتها نیز به واسطه حجم زیاد خلاصه ترجمه جامعی به ضمیمه آمده است.

البته متن انگلیسی آن به طور کامل به چاپ رسیده است. این کتاب که یک گزارش جامع و همه جانبه از اوضاع ایران در زمان رژیم شاه است، شامل بخشهای زیر است:

۱ مقدمه که شامل معرفی آن قسمت از سفارت و کارمندان آن، که کتاب را تهیه کرده اند، می باشد.

قسمت امور داخلی خارجی روابط ایران با سایر کشورها و سازمانهای بین المللی و وضع گروههای سیاسی داخلی و تشکیلات امنیتی است.

قسمت A که کلاً راجع به نحوه تصمیم گیری، در ایران سلطنتی است.

قسمت A/۱ که وضعیت خانواده سلطنتی و روابط داخلی آن است.

قسمت A/۲ چگونگی انتقال و تفویض قدرت.

قسمت A/۳ ارزیابی از سلطنت مدرنیزه ایران.

قسمت A/۴ حزب رستاخیز.

قسمت A/۵ سیستم تک حزبی.

قسمت A/۶ تحول اخیر قدرت در ایران.

قسمت A/۷ نقش و شخصیت ارتش.

قسمت A/۸ مواد مخدر.

قسمت A/۹ لیست اعضاء کابینه هویدا و درجه تحصیلی آنها.

کتاب تشریح وضع کلی ایران سالهای ۳۴ ۵۶ سالهای ۱۹۵۵ ۱۹۷۷

محرمانه

قسمت سیاسی و سیاسی نظامی سفارت

۱ قسمت سیاسی: کار این قسمت ارزیابی پیشرفتهای اوضاع سیاسی است؛ همچنین دادن توصیه هایی در مورد عملکرد و برنامه ها و سیاستهای ما می باشد.

مدیر کنسول سیاسی جورج لمبراکیس بوده که به عنوان مشاور امور سیاسی کاردار سفارت و دیگران در سفارت می باشد. او در ارتباط با وزارت امور خارجه بوده و معمولاً گزارشهای نسبتا خوبی از روابط خارجی ایران می فرستد.

جان استمپل، معاون شاخه سیاسی سفارت است که کارش بیشتر در رابطه با حوادث محلی و امور مواد مخدر و گاهگاهی از روابط خارجی گزارش می دهد.

جونا مارتین که کارش در قسمت روابط خارجی است و بعضی از کارهایش صرف امور سیاست محلی و گزارشهای بیوگرافی می شود.

هاوارد هارت، همچنین دستیار کنسول سیاسی در قسمت روابط خارجی مخصوصا در مورد اوضاع خلیج فارس است.

۵ سکرتر تمام وقت دیگر هم در این قسمت کار می کنند. به علاوه یک مشاور سیاسی محلی به نام آقای جعفر بهوی و یک مترجم به نام آقای پطروسیان در استخدام این قسمت هستند.

۲ قسمت سیاسی نظامی

این شاخه به وسیله کنسول سیاسی رابرت مارتین سرپرستی می شود. که در رابطه با بزرگترین برنامه های فروش تسلیحات آمریکایی در جهان می باشد. این قسمت با قسمت مستشاری و ۳ قسمت ارتش و همچنین با تیمسار طوفانیان، معاون وزیر جنگ و دیگر افراد عالیرتبه ارتش روابط و همکاری نزدیک

دارد. جیمز هام، هم در این شاخه دارای مسئولیتهایی است. این قسمت دارای یک سکرتر است.

گزارشهای زیر توسط این قسمتها (شاخه سیاسی سیاسی نظامی) تهیه شده است.

قسمت A

۱ امور داخلی

الف) شاه رهبر بی چون و چرای ایران مدرن می باشد. تسلط تقریبا بدون رقیب او در صحنه سیاسی بر روی رسوم ۲۵۰۰ ساله سلطنتی پا برجاست. او به پیشرفتهای قابل ملاحظه ای در دهه اخیر نایل آمده است. که در جای خود مشکلاتی را هم به همراه داشته است. او موفق گردیده است که یک وجهه مؤثری در صحنه بین المللی برای ایران کسب کند.

ب) در دوازده سال گذشته امیر عباس هویدا نخست وزیر ایران بوده است. او فرد با وفایی نسبت به شاه می باشد. قدرت هویدا در توانایی او به انجام نقشش در کابینه و برآوردن آرزوهای شاه به طور مؤثر می باشد. او سرپرست یک کابینه تکنوکرات می باشد و تعادل خود را با رقیبانش مثل دبیرکل حزب رستاخیز جمشید آموزگار و وزیر اقتصاد و دارایی هوشنگ انصاری و دیگر وزیران کابینه حفظ

کرده است. سیر تکامل سیاسی ایران به آهنگی پیشرفته است (مراجعه شود به A/۴). برخلاف دوره های سیاسی گذشته که دارای اهمیت خاصی بود، مجلسین ایران تقریبا به طور کامل زیر سلطه شاه در دهه گذشته بوده است؛ اگر چه او با دقت مواد قانون اساسی را که تصویب مجلس لازم دارد، رعایت می کند. کوشش شاه در ۲۵ سال گذشته (که بیشتر موفقیت آمیز بوده است) این بود که قدرت سیاسی خود را به وسیله یک مبارزه رادیکال (که بعضی از اثرات آن در گذشته در مجلس ظاهر شد) به وجود آورد. او این کار را به وسیله حفظ تسلط سیاسیش و تحکیم وفاداری کامل ارتش و پلیس امنیتی ساواک انجام داده است و در این راه مخالفتهای سیاسی سازمان داده شده، یا از بین رفته اند و یا به مقدار زیادی کاهش داده شده اند. گروههای کوچک تروریستی که نظریات اسلامی تندرو و یا چپهای رادیکال را دارند یک آفت مهم بوده و حالا یک عامل مهم در صحنه سیاسی ایران نیستند.

ج) کارگران و دیگر گروهها از زمان مصدق تاکنون عامل مهم سیاسی نبوده اند، ولی اعتصابات در ۱۸ ماه گذشته تشکل و قدرت بیشتری یافته اند. شاه می پندارد که سیستم چند حزبی شیوه غلط غربی است. با اعلان به وجود آمدن حزب رستاخیز از سوی شاه دو حزب ایران نوین و حزب مردم ایران منحل شد، حزب رستاخیز به طور سنتی یک حزب دولتی نیست، ولی نقش گام به گام دولت و مجلس و نمایندگان را زیر نظر دارد. در حال حاضر این حزب به دبیر کلی جمشید آموزگار و یک تیم جوان تکنوکرات که بیشتر آنها در آمریکا تحصیل کرده اند، تشکیل گردیده است.

سپاهیان دانش بهداشت و ترویج شاه بر اساس الگوی سپاه صلح آمریکا تشکیل شده اند.

برنامه های سیاسی شاه بر پایه انقلاب شاه و مردم استوار است که در سال ۱۹۶۲ برنامه رفاهی آن که شامل ۱۷ نکته بود، آغاز شد. مقدار کمی سانسور در مطبوعات وجود دارد، اما نویسندگان بایستی قوانین خاصی را زیر نظر داشته باشند؛ انتقاد از شاه و سلطنت و سیاستها و برنامه هایی که مستقیما به

وسیله شاه رهبری می شود، مجاز نمی باشد. اما از دولت و شکستهایش گاهی انتقاد می شود. سیستم دادگستری در ایران مخلوطی از قوانین فرانسه و بریتانیا و قوانین اسلام سنتی می باشد اما اتهاماتی که بر ضد امنیت ملی می باشد به وسیله دادگاههای نظامی بررسی می شود، که حقوق عادی را که توسط دادگاههای مدنی رعایت می شود، رعایت نمی کنند. ایرانیان مواضع سختی در برابر انتقادات خارجیان از وضع حقوق بشر ایران گرفته اند. جامعه ایران در حال تحول است، و پروژه ها و برنامه ریزی برای آینده مشکل است، چرا که تعدادی مسلمانان ارتجاعی مخالفت می کنند، ولی تشکل سیاسی ندارند. بنیاد اساسی سیاست ایران که بر پایه کشورهای غربی استوار است هنوز به وجود نیامده است. منافع آمریکا در این است که روابط نزدیکی با ایران داشته باشد و عناصر علاقه مند به مدرنیزه کردن را تشویق کند. مادامی که شاه بر ایران تسلط کامل دارد ما باید روابطمان را با دیگر گروههای جامعه ایران حفظ کنیم، تا کسانی را که بعد از شاه ممکن است به قدرت برسند شناسایی کنیم.

درجه نفوذ آمریکا در زمینه تحصیلات در دولت جدید ایران به این وسیله مشخص می شود، که ۶۰ درصد کابینه در حال حاضر قسمتی یا تمام تحصیلاتشان را در آمریکا گذرانده اند.

۲ امور خارجی

شاه با اعتماد به نفسی که در وجود خود یافته است کمتر از گذشته به راهنماییهای کشورهای غربی

خصوصا آمریکا توجه می کند. ولی به هر صورت این نادیده گرفتن تا حدودی می تواند پیش رود، چرا که بقاء ملت ایران اساسا احتیاج به ادامه روابط با غرب دارد.

روابط ایران و آمریکا

سیاست ایران که طرفدار غرب است، اساسا به خاطر روابط ایران و آمریکاست. که این روابط به طور زیادی افزایش می یابد.

ایران به خاطر مبارزه با سلطه شوروی بر آمریکا به عنوان یک قدرت بزرگ تکیه داشته و این باعث سرمایه گذاریهای کلان ایران در قسمت تسلیحات و تکنولوژی و قسمت اجتماعی گردیده است.

از طرف دیگر شاه اجازه داده است که یک تعداد از دستگاههای حساس جاسوسی اطلاعاتی آمریکا نصب و به کار گرفته شود؛ چه او از روابط صمیمانه با قسمت اطلاعاتی آمریکا سود برده است. بخش خصوصی و دولتی اقتصادی ایران احترام خاصی به تولیدات آمریکایی می گذارند و ایران بیش از هر کشور دیگری با شرکتهای بلندپایه تجاری آمریکا در تماس بوده است و دانشجویانش برای دوره های تکنیکی و دیگر مطالعات، ایران را ترک می کنند. تجارت با اروپا و روسیه شوروی و دیگر قسمتهای جهان به اندازه آمریکا نمی باشد، و این تجارتهای ایران برای ما خوب است؛ چه ما بهتر می توانیم روابط ایران و آمریکا را ارزیابی کنیم. ایران بعد از جنگ جهانی دوم بیش از یک دهه است که رُل رهبری را در منطقه به دست گرفته است.

با توجه به امپراطوریهای باستانی ایران و دشمنی کشورهای دیگر، حکومت ایران در وضع موجود، ایران برای رودررویی با رقیبان ناسیونالیست مثل عراق، در جستجوی تثبیت رهبری خود در منطقه با پشتیبانی غرب مخصوصا آمریکا می باشد. دکترین نیکسون این بود که ایران قدرتی بتواند که می تواند در منطقه ثبات را برای حصول منافع غرب برقرار کرده و مجهز به تسلیحات نظامی، که دیگر مداخله نظامی

مستقیم آمریکا مورد نیاز نباشد. در مورد مسئله حقوق بشر کارتر، شاه و مشاوران او نگران هستند که اختلافات آنان در این زمینه با آمریکا موجب تضعیف ثبات و امنیت منطقه گردد.

روابط با شوروی

در سال ۱۹۷۶ شوروی به ایران فشارهایی آورد که دولت ایران نسبت به این رفتار مظنون شد، که مبادا شوروی از فعالیت مخالفین مخصوصا حزب توده به وسیله رسانه های خارجی پشتیبانی کند. روابط ایران و شوروی با امضاء قرارداد ضد هواپیماربایی بهبود یافت. سفیر جدید شوروی ولادیمیر ویتوگرادوف متخصص و خبره در زمینه مسایل خاورمیانه است.

روابط ایران و جمهوری خلق چین

در اوت ۱۹۷۱ بعد از بازدید اشرف از پکن، ایران جمهوری خلق چین را به عنوان یک دولت قانونی به رسمیت شناخت؛ این عمل باعث شد که روابط ایران با چین ملی به صورت تعلیق درآید. تبادلات نظر و کالاها انجام خواهد شد ولی در حال حاضر روابط اقتصادی و فرهنگی در سطح پایین می باشد. ایران و جمهوری خلق چین روابط نزدیک خود را برای اتحاد بیشتر در مقابل شوروی برقرار کرده اند. چین از

طرحهای ایران در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند پشتیبانی کرده است.

روابط ایران و عراق

دشمنی دراز مدت ایران و عراق به وسیله قرارداد دوجانبه سال ۱۹۷۵ الجزیره آرام گرفت. زمانی که ایران موافقت کرد که از حمایت کردهای شورشی دست بردارد و در عوض عراق مرز صحیح بین دو کشور را در منطقه استراتژیک نفتی شط العرب پذیرفت، روابط بهبود یافت و در حال حاضر به صورت آشکار با یکدیگر دشمنی نمی کنند. اشغال نظامی جزایر تنب و ابوموسی درست بعد از بیرون رفتن انگلیسیها از این جزایر بدون سکنه روابط ایران را با کشورهای عربی خلیج فارس در آغاز بسیار تیره نمود. معهذا روابط تدریجا به خاطر چند عامل رو به بهبودی است از جمله :

الف لغو ادعای درازمدت ایران برای باز پس گرفتن بحرین.

ب همکاری ایران با کشورهای عضو سازمان اوپک مخصوصا با کشور عربستان سعودی.

ج بسته شدن قرارداد الجزایر بین ایران و عراق. از طرف دیگر ایران هزاران نفر سرباز و هواپیما به کمک کشور عمان برای مقابله با شورشیان ظفار فرستاده است. بعد از سقوط هواپیمای فانتوم ایران توسط یمن جنوبی، عربستان سعودی نقش میانجی را برای بازگرداندن لاشه هواپیما و خلبان و جنازه کمک خلبان بازی کرده. نقش رهبری در مورد قیمت گذاری نفت برای ایران و عربستان مشکلاتی به وجود آورده که به زودی به فراموشی سپرده خواهد شد.

موضع ایران در جنگ اعراب و اسرائیل

ایران با وجودی که اعمال اسرائیلیها را در مقابل کشورهای دوست عرب خود (شاه اردن و مصر و ...) محکوم می کند. روابط خصوصی خوبی با اسرائیل دارد و با اینکه تبادلات سفیر در بین دو کشور انجام نشده است، ولی پیامهای جاسوسی و اطلاعاتی بین دو کشور به طور منظم رد و بدل می شود و تکنیسینهای

اسرائیلی در بیشتر پروژه های کشاورزی و غیره مربوط به حال و آینده حضور دارند. بیش از ۵۰ درصد نفت اسرائیل به وسیله ایران تأمین می شود.

روابط ایران و اروپای غربی

روابط ایران با کشورهای بزرگ اروپای غربی تاریخ خیلی قدیمی دارد. به خاطر اینکه انگلستان کنترل کشورهای همسایه اش را در دست داشته و در دو مرحله هم تمامیت ارضی ایران را اشغال نموده است. بیشتر در گذشته به صورت یک کشور تهدید کننده به حساب می آمد تا یک دوست؛ معهذا شواهد قابل توجهی در دست است که شاه انگلستان را دومین کشور در جهان سیاست به حساب می آورد و تبادلات اقتصادی و نظامی خود را با این کشور برای برقراری روابطش ادامه می دهد. در مورد آلمان ایران با این کشور از سالهای ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ روابط خوبی داشته چه کشورهای هم پیمان آلمان رضا شاه را هم پیمان آلمان می دانستند و این موضوع باعث کنار رفتن او به سود پسرش در سال ۱۹۴۱ شد. در حال حاضر آلمان غربی یک شریک مهم اقتصادی ایران می باشد. نفوذ فرانسه در ایران مثل دیگر کشورهای جهان در قسمت فرهنگی است. زبان فرانسه در سیستم آموزشی ایران قبل از جنگ جهانی دوم ترجیح

داده می شد. چیزهایی که در قسمت فرهنگ فرانسه به وجود آمده، به وسیله طرحی که پیوندهای نزدیکی با فرانسه دارد، تحسین شده است.

ژیسکار دستن، آخرین فرد برجسته غرب بود که در اکتبر ۱۹۷۶ از ایران دیدن کرد. روابط ایران با دیگر کشورهای کوچک اروپایی مثل سوئیس و سوئد و هلند در مواقعی به خاطر بیانیه های حقوق بشر تیره بوده است. حمله یک ایرانی تبعیدی به بیانیه کمیته ژنو ایران در سال ۱۹۷۶ و به دنبال آن اخراج یک عضو این کمیته به خاطر عملیات جاسوسی باعث شد که شاه نه تنها یک دیپلمات سوئیسی را از تهران اخراج کند، بلکه شاه از آن زمان به بعد برای اسکی سالانه اش به سوئیس عزیمت نکرد.

ایران و کشورهای کمونیستی

ایران روابط دیپلماتیک خود را با کوبا به خاطر ملاقات فیدل کاسترو با یک رهبر حزب توده ایران در اروپا در سال ۱۹۷۶ قطع کرد. در سال گذشته روابط فرهنگی خیلی کمی با کشورهای اروپای شرقی برقرار بوده است. معهذا روابط سیاسی ایران با این کشورها بیشتر به صورت حرف بوده تا عمل. روابط تجارتی در سال گذشته با بلغارستان، چک اسلواکی، آلمان شرقی، لهستان و رومانی افزایش یافته، ولی کلاً در مقایسه با تجارت با کشورهای اروپای غربی و آمریکا این مقدار در سطح خیلی پایینی قرار دارد. در دسامبر سال ۱۹۷۶ بلغارستان یک ایستگاه رادیویی مخالف ایران را در آنجا بست، و این قرار که این ایستگاه در لیبی شروع به کار کند، هرگز تحقق نیافت. این سؤال باقی می ماند که آیا این عمل بلغارستان به دست خودش انجام گرفته و یا در جواب تقاضای شوروی بعد از برگشت خلبانهای شوروی از ایران به آن کشور است؟

روابط ایران و سازمان ملل

در موارد سیاسی ایران در سطح پایینی در این سازمان فعالیت دارد. اغلب در مورد مواضع شرق و

غرب در کنار آمریکاست. ایران بیشتر علاقه به فعالیت در زمینه مسایل اقتصادی شمال و جنوب دارد، ولی همیشه در سازمانهای وابسته به سازمان ملل نبوده است. هنگامی که غرب شاه را به خاطر سیاستش و یا مسئله نفت تحت فشار می گذارد، او علاقه خود را برای اجرای عدالت در کشورهای عقب افتاده، مطرح می کند، به هر حال ایران نقش قابل ملاحظه ای در قسمتهای مختلف سازمان ملل دارد. در سال ۱۹۷۰ ایران یکی از داوطلبان ایجاد سپاه صلح سازمان ملل بود و علاقه دارد که ایران مرکز ستاد IFADشود. قسمت ESCAP برای زنان و پیشرفت در فوریه سال ۱۹۷۷ در تهران تأسیس شد.

ایران و پیمان سنتو

روش تردیدآمیز ایران نسبت به سنتو به خاطر نگرانی ایرانیان از احاطه شدن به وسیله رژیمهای تحت نفوذ شوروی می باشد. در حالی که آگاه است که عضویت پیمان سنتو حرکتی در جهت خلاف هدف اصلی آن، «استقلال ملی» است. ایران تشخیص داد که پیمان سنتو حداقل یک شکل رسمی به تعهدات غرب برای حفظ امنیت ایران به وجود می آورد. بنابراین در ملأعام زیاد به پیمان سنتو اشاره نشد. و حتی او (شاه) گفت که پیمان سنتو وجود ندارد. شاه ظاهرا به این نتیجه رسیده است که منافع آن بیشتر از ضررهای آن

است. نخست وزیر پاکستان بوتو اغلب شاه را می بیند و دیگر اعضاء سنتو با یکدیگر ملاقات دارند.

ایران، پاکستان و ترکیه در همکاریهای پیشرفت منطقه ای هم پیمان بوده اند، که این باعث روابط نزدیک اقتصادی و فرهنگی سه کشور است.

روابط ایران با آسیا و آفریقا

ایران نگرانیش بعد از اینکه افغانستان تحت نفوذ شوروی درآمده افزایش یافته؛ چه شاه نگران جنبش جدایی طلب در بلوچستان می باشد. او نسبت به همدستی هندوستان در افغانستان شک دارد. از زمانی که قیمت نفت چهار برابر شد، ایران روابط جدیدی با هندوستان برقرار کرده است و این روابط بهتر شده است. بالاخره ایران توجه زیادی به درخواستهای کمک از جانب کشورهای آفریقایی جنوب صحرا می نماید؛ شاید این ایرانیها را خیلی بخشنده قلمداد کند. این بیان خیلی بی ربط است که اگر شاه فکر کند می تواند به عنوان رهبر جهان سوم در مورد شرق و غرب عمل کند.

۳ مخالفین و گروههای تروریستی

هیچ گونه تشکیلات مخالف رژیم در حال حاضر به طور منظم وجود ندارد و مخالفین که با شاه از زمان مصدق نتوانسته اند کنار بیایند کشور را ترک کرده اند. روحانیت مرتجع، دیگر نفوذ سیاسی مهمی ندارد ولی قدرت این را دارد که طرحهای دولتی را راکد سازد چون معتقد است که طرحها بر اساس تفکر صفوی است. امکان مرگ شاه و یا یک فاجعه نظامی و یا یک آشفتگی همه جانبه می تواند طرفداران آنها را به خیابان بکشاند. چون آنها در نظرشان دولت شاه وابسته به آمریکا می باشد. روحانیت همواره بر علیه استعمار جنگیده است. اگر ملی گرایی مذهبی دوباره اوج گیرد، آمریکا تحت حملات شدید سیاسی قرار خواهد گرفت. دانشجویان ناراضی خارج از کشور در رابطه با دانشجویان دیگر کشورها نقش مهمی در لکه دار کردن رژیم شاه در خارج از کشور انجام می دهند. گروههای تروریستی گسترش بیشتری یافته اند

و کشته شدن ۶ آمریکایی و ایرانیهای زیادی را باعث شده اند. این جنبش تروریستی به دو تشکیلات بزرگ تقسیم می شود. یکی مجاهدین خلق و دیگر فداییان خلق، که احتمالاً از جانب منابع خارجی مثل لیبی حمایت می شوند. از ۲ سال پیش این دو گروه در حالی که دارای ایدئولوژیهای متفاوت هستند با هم، همکاری نزدیکی را شروع کرده اند و ایدئولوژی مارکسیستی را پذیرفته اند. مجاهدین شاخه مسلح مذهبی مخالف شاه هستند و از لحاظ تاریخی به شاخه مذهبی جبهه ملی برمی گردد. با اینکه رهبر عملیاتی آنها بهرام آرام به قتل رسیده باز هم تهدید برای جان آمریکاییها وجود دارد.

چریکها (فداییان خلق) گروه مارکسیستی هستند که در شاخه قدیمی حزب توده کمونیست ریشه دارند. این گروه با بیشتر دانشجویان و ایرانیها و گروههای خارج از کشور که رادیکال هستند، ارتباط دارند. اولین گروه چریکی ایران بودند و ظاهرا در این اوان با گروه جرج حبش، رابطه برقرار کرده اند، که چریکهای ایران را آموزش داده اند. چریکها توانایی عملیاتی زیادی دارند ولی دارای نفوذ سیاسی نیستند. (سرّی)

۴ تشکیلات امنیتی (سرّی)

اگر چه عقاید مشهوری، ساواک را به عنوان یک سازمان پر قدرت امنیتی در ایران تلقی می کنند، ندرتا

این سازمان در درجه اول و یا در بین سازمانهای قدرتمند دیگر قرار می گیرد. مسئولیتهای امنیتی در بین تعدادی سازمان مستقل دیگر که مستقیما از طرف مأموران خود به شاه گزارش می دهند، تقسیم شده است. قضاوت در مورد سؤالات و فتوی به وسیله شاه بعد از مشاورت با سرپرستان صادر می شود. ساواک در سال ۱۹۵۷ با این امر که مسئولیت اولیه اش یک سازمان امنیتی اطلاعاتی داخلی و خارجی برای کنترل فعالیتهای ضد رژیم باشد، به وجود آمد. در حدود ۶۰۰۰ عضو دارد و راهنماییهایش را به کمیته مشترک پلیس و ساواک (کمیته ضد خرابه کاری) می دهد که این کمیته بازوی دولت برای کنترل فعالیتهای تروریستی است. ساواک می تواند مستقیما دستور دستگیری هر شخصی را که متهم به اتهامات امنیتی است، صادر کند؛ اما در اغلب دستگیریها توسط پلیس شرکت می کند. ساواک پرونده های مربوط به امنیت ملی را آماده می کند و با دادستان ارتش همکاری نزدیک داشته، حتی اداره بازرسی ارتش که موارد امنیتی را زیر نظر دارد کنترل می کند. تیمسار نعمت اللّه نصیری رئیس ساواک می باشد.

پلیس ملی ایران با ۲۶۰۰۰ کارمند به کار تأمین نظم عمومی در مناطق تحقیقات جنایی و زیر نظر داشتن فعالیت خارجیان اشتغال دارد. این قسمت به وسیله تیمسار صمد صمدیانپور سرپرستی می شود.

ژاندارمری شاهنشاهی ایران با ۵۰۰۰۰ نیرو مسئول اجرای قانون و نظم در نواحی دور افتاده ایران است. مرزها را هم کنترل می کند و در مناطق ایلی به مشکلات رسیدگی می کند. تیمسار عباس کریم قره باغی فرماندهی ژاندارمری را به عهده دارد.رکن ۲ از ستاد مشترک ارتش مسئول اطلاعات و ضد اطلاعات ارتش بوده و تمام موضوعات مربوط به ارتش را در اختیار دارد، و فرمانده آن تیمسار ناصر مقدم است

۵ اعتیادات

قسمت مواد (DEA) مخدر با پلیس همکاری نزدیک دارد. ایران کشوری است که در دام اعتیاد می باشد. ۱۶۰۰۰۰ نفر جواز استفاده از مواد مخدر را دارند و ۳۵۰۰۰۰ نفر هم به طور غیر قانونی معتاد

هستند که در بین اینها کلاً ۲۰ تا ۴۰ هزار نفر هروئین مصرف می کنند. اعتیاد در میان آمریکاییهای مقیم ایران فراوان است. روش بوروکراسی بین پلیس و ژاندارمری و گمرک باعث گسترش بیشتر آن شده است.

ما به دولت ایران پیشنهاد کرده ایم که به پاکستان در مورد کنترل مرزهایش فشار بیشتری بیاورد.

بخش سیاسی استمپل

ص: ۲۷۳

قسمت A/1

محرمانه

۲۲ ژوئیه ۱۹۷۶

تصمیمات در ایران

سفارت در مورد رهبری شاه در بیشتر سالها گزارشهای فراوانی را تفسیر کرده است. روشی که شاه مملکت را به وسیله مشاورانش اداره می کرد، طی سالها او را مصمم و مجرب کرده است. سیاست مدرنیزه کردن را به وسیله انقلاب شاه و مردم ارائه کرد. اشخاصی که در تصمیم گیری در ایران نقش مهمی دارند ۱۵ نفر هستند که از این ۱۵ نفر، ۲ نفر زن می باشند که در امور تصمیم گیری مشاور شاه هستند. این دو نفر یکی فرح و دیگری اشرف است. در این بین قسمتهای دیگر هم نقش عمده ای بازی می کنند که از جمله قسمتهای امنیتی و نیروهای مسلح هستند. شورای عالی اقتصاد و کمیسیون شاهنشاهی هم تحت نظر شاه فعالیت دارند. کابینه تحت نظر هویدا در این تصمیم گیریها نقش مهمی ندارد، ولی تعدادی از وزرا توصیه های سیاسی خود را مستقیما به شاه می دهند. نقش سفیران و مستشاران خارجی هم برای دادن اطلاعات و تغییر تصمیم گیریهای شاه دارای اهمیت است. در زمینه سیاسی اغلب، شاه بدون مشاورت با وزیر امور خارجه، خلعتبری، خودش تصمیم می گیرد. تصمیم گیریها در رابطه با اجرای اهداف انقلاب شاه و مردم است و با وجود نارسایی ها و بدیهای این تصمیم گیریها، ایران در زمینه سیاسی و اقتصادی پیشرفتی چشمگیر داشته است.

تفرقه بینداز و حکومت کن

به علت اینکه اهمیت مردم بیشتر از مؤسسات است، طرح رهبری شاه چنین ریخته شده که او افرادی را انتخاب می کند که بر اساس همان سیاستی که او دنبال می کند، باشند. عامل مهم در این موضوع درجه

اطمینانی است که او می تواند در افراد بیابد. شاه به تعداد خیلی کمی از مقامات اطمینان دارد و او کنترل خود را بر روی مقامات ایرانی با سیاست محتاطانه تفرقه بینداز و حکومت کن دنبال می کند. مثل روزولت که چنین کارهایی انجام می داد. شاه اغلب مسئولیتهایی که به هم ارتباط دارند را بین مقامات تقسیم می کند، به طوری که آنها جداگانه به او گزارش داده و او می تواند از کامل بودن و صحیح بودن گزارش آگاهی یابد. وقتی که مقام به خصوصی به نظر می آید که بیش از آنچه که شاه می خواسته نفوذ پیدا کرده، مقداری از مسئولیتهای او به دیگران محول می شود، یا به طور ساده به او مقام پایین تری داده می شود. دو طریق بالا در مورد وزیر کشاورزی «ارسنجانی» در سال ۱۹۶۳ زمانی که او سرپرستی رفراندم زمینها را به یک عامل نفوذ و قدرت سیاسی مبدل می کرد، به کار گرفته شد.

جزییات بیشتری راجع به ساواک

ساواک ترکیبی از سازمانهای سیا (CIA) و اف بی آی (FBI) و ان اس ای (NSE) و شورای امنیت ملی است و مانند زمان داریوش به عنوان چشم و گوش شاه استفاده می شود. رئیس ساواک نعمت اللّه نصیری به عنوان معاون نخست وزیر هم می باشد و مستقیما به شاه گزارش می دهد. ساواک برای پروژه هایش و

پروژه هایی که شاه بدهد بودجه نامحدودی دارد. ساواک به روزنامه ها در مورد مقالاتشان رهنمود می دهد و در مورد افرادی که مقاماتی کسب می کنند تحقیق می کند. کسب مقام رسمی، مجلسین، هماهنگی ملاقاتهای خارجی با شاه و بازرسی و تحقیق و محاکمه افراد ضد شاه و ضد امنیتی را در دست دارد. نصیری یکی از محدود افرادی است که به شاه دسترسی فوری داشته و دارای نفوذ زیادی در بیشتر تصمیم گیریها است.

نیروهای مسلح

به عنوان رئیس کل نیروهای مسلح، شاه علاقه زیادی به تمام جنبه های آمادگی نظامی ارتش دارد. او تشخیص داده که ارتش را با جدیدترین تجهیزات نظامی مجهز کند، که یک حمله ناگهانی مثل حمله ای که انگلیسیها در سال ۱۹۴۱ در خلیج فارس به نیروهای دریایی ایران کردند، نتواند آنها را از پای درآورد. تمام تصمیمات مهم سیاسی در رابطه با ارتش توسط خود شاه گرفته می شود؛ به همین دلیل او برای این کار نیاز به نمایندگان با مسئولیتی برای اجرای دستوراتش دارد که این کار در عمل به طور زیادی محدودیت ایجاد می کند. در زمانهای مختلف در سالهای گذشته دولت ایران می بایستی از شاه برای رفتن هلیکوپترها به مأموریت در داخل ایران اجازه می گرفت.

گزارشگر: ریچارد هلمز

۱۵ نفری که در تصمیم گیریهای مملکتی از مشاوران نزدیک شاه بودند عبارتند از:

۱ اسداللّه علم

۲ نعمت اللّه نصیری

۳ تیمسار غلامعلی اویسی: در سال ۱۹۷۴ (۱۳۵۳) از سمت خود به عنوان رئیس ژاندارمری به رئیس نیروی زمینی برگزیده شد. او در سال (۱۳۱۷) ۱۹۳۸ عضوی از دادگاه نظامی برای محاکمه افسران

توده ای بوده است. او شغلهای دیگری به عنوان رئیس اداری گارد شاهنشاهی و بعد فرماندهی گارد شاهنشاهی داشته است. او مسئول گزارشات کردستان برای شاه بوده.

۴ امیر عباس هویدا: او در لبنان، لندن و پاریس تحصیل کرده است و بعد به عنوان افسر رابط ایران در ارتش آمریکا کار کرده. پستهای دیپلماتیک در پاریس، اشتوتگارت و ژنو در سال های ۱۹۴۵ تا ۱۹۵۶ داشته و بعد طی دو سال عضو هیئت مدیره شرکت ملی نفت بوده است. در سال ۱۹۶۴ به عنوان وزیر دارایی کابینه منصور بوده است.

۵ تیمسار حسن طوفانیان: در فراهم آوردن تجهیزات نظامی نقش مهمی دارد. شاه به گزارشهای او در مورد ارتش اطمینان دارد. او اطلاعات را در این زمینه یا خودش می دهد یا با کمک منابع آمریکایی این کار را می کند. او اغلب از آمریکا دیدن می کند. ۳ بچه او در دانشگاه آموزش پزشکی آمریکا تحصیل می کنند. طوفانیان از تکنولوژی ارتش آمریکا ستایش می کند.

۶ تیمسار حسین فردوست : او دارای دو شغل، رئیس شاخه اطلاعات ویژه دادگاهها و رئیس بازرسی شاهنشاهی می باشد. او به عنوان (چشم و گوش شاه) خوانده می شود. او همکلاسی شاه در سوئیس بوده است. او مدیریت گزارشهای روزانه آماده شده برای شاه را دارد. او در سالهای ۱۹۶۲ تا ۱۹۷۳ معاون ساواک بود ولی بعد از آن بنا به گزارشهایی در ساواک کار می کرد.

۷ تیمسار غلامرضا ازهاری : او رئیس ستاد ارتش است و بعد از مرگ خاتم موقعیت پر اهمیتی دارد. چرا که هیچ کس در ارتش به اندازه خاتم نفوذ شخصی در شاه نداشت.

۸ نصرت اللّه معینیان : از سال ۱۹۶۶ رئیس دفتر خصوصی شاه بوده است. او کانال اطلاعاتی دفاتر دولتی داخلی و خارجی است.

۹ جمشید آموزگار : او هم به عنوان وزیر کشور و هم به عنوان نماینده ایران در سازمان اوپک است. او بعد از تحصیلاتش در قسمت حقوق و مهندسی دانشگاه تهران به آمریکا رفت (سال ۱۹۴۴) و در دانشگاه واشنگتن تحصیل کرد.

۱۰ هوشنگ انصاری: وزیر اقتصاد و دارایی است. در انگلستان و توکیو تحصیل کرده است. شغلهای قبلی او عبارتند از: کارمند سفارت ایران در قسمت اقتصادی در توکیو، معاون وزیر امور خارجه ایران، سفیر ایران در پاکستان، وزیر اطلاعات و سفیر ایران در آمریکا (که نقش مهمی در برقراری رابط تجاری ایران و آمریکا در سال ۱۹۶۶ داشته است). از سال ۱۹۶۹ وزیر اقتصاد و دارایی است.

۱۱ دکتر منوچهر اقبال : دو صفت اقبال، باوفایی شدید او به شاه و ضد کمونیست بودن او، نفوذ او را در شاه زیاد کرده است. او رئیس شرکت ملی نفت ایران می باشد. او در فرانسه تحصیل کرده و دکترای پزشکی گرفته است. سال ۱۹۲۶ دختر اقبال با پسر اشرف، شهریار، ازدواج کرده است.

۱۲ جعفر شریف امامی : بعد از گذشت سیزده سال هنوز رئیس مجلس سنا می باشد. او شغلهای متعددی داشته است. او برای آموزش در قسمت راه آهن در سال ۱۹۳۰ به آلمان و در سال ۱۹۳۵ به سوئد رفته است. او از سال ۱۹۴۳ تا ۱۹۴۵ به عنوان طرفدار حزب نازی توسط متفقین زندانی بوده است.

۱۳ فرح پهلوی

۱۴ اشرف پهلوی

۱۵ اردشیر زاهدی : در حال حاضر سفیر ایران در آمریکاست. در سالهای ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۵ در مدرسه آمریکاییهای بیروت تحصیل کرده و بعد به آمریکا رفته است. ستاره زاهدی بعد از کودتای شاه درخشان گشت، چرا که پدرش تیمسار فضل اللّه زاهدی این کودتا را رهبری کرد. در سال ۱۹۵۷ اردشیر زاهدی با دختر شاه، شهناز ازدواج کرد. او در سال ۱۹۶۴ شهناز را طلاق داد. تا سال ۱۹۷۱ وزیر امور خارجه کابینه هویدا بود، ولی به علت اینکه به شاه مستقیما گزارش می کرد، هویدا از او ناراحت شد و زاهدی در سال ۱۹۷۱ به آمریکا رفت و به شاه گفت: یا من یا هویدا. ولی هویدا در این بین برنده شد. زاهدی گفت که دیگر به ایران برنمی گردد و از سال ۱۹۷۳ به عنوان سفیر ایران در آمریکا بوده است. او به طور چشمگیری پارتی برگزار می کند و از اعضای برجسته واشنگتن و کنگره آمریکا دعوت به عمل می آورد. ولخرجیهای او در مهمانیها برای ایران مشکلاتی به بار آورده است. اما شاه برای تماس داشتن با او ارزش قایل می شود. او به دانشجویان ایرانی در آمریکا گفت: ببینید ایران چگونه برای ترقی جوانهایش مناسب است و من به چنین پستی رسیده ام. یکی از دانشجویان گفت: بله ولی شاه فقط یک دختر دارد.

قسمتA/۲

محرمانه

خانواده سلطنتی

به طور کلی تصور می رود که اکثر اعضاء خانواده سلطنتی به درجات مختلف فاسد، غیراخلاقی و به مقدار زیادی نسبت به ایران و ملت ایران بی علاقه هستند. زندگی های تجملاتی و گران قیمت آنان، پارتی بازی و دخالت آنان در تجارتهای دولتی و خصوصی، باعث گسترش این نظریه در بین مردم شده که دو پسر اشرف، شهریار و شهرام، عمیقا در سوءاستفاده های مالی در شرکتهای تجاری دست دارند.

تصمیمات سیاسی تا اندازه ای از طرف شاه گرفته می شود. اما احتمالاً تعدادی از اعضاء خانواده سلطنتی در این امور نفوذ دارند. در کنفرانس رامسر سپتامبر سال ۱۹۷۵ فرح مؤدبانه اما در انظار عمومی،در مورد حقوق اجتماعی و تحصیلات با شاه مخالفت کرد و از آن زمان او شروع به صحبت کرده و در طی دو سال، نقش عمده ای در قدرتمند کردن رژیم ایفاء کرده است. فرح محبوب ترین عضو خانواده پهلوی در نزد مردم است. ولیعهد رضا پهلوی در حال حاضر به سوی قدرت مرکزی در حرکت است، اما به نظر نمی رسد آن موفقیتی را که در وجود شاه است، در او پیدا کرد. از او به عنوان محصلی در حد متوسط نام برده می شود. در مورد تحصیلاتش شایعات زیادی وجود دارد، ولی شاه اصرار دارد که او حداقل تا پایان تحصیلات دبیرستانی در ایران بماند. بجز فرح و اشرف، شاه به عضو دیگری از خانواده سلطنتی در امور سیاسی اطمینان ندارد. دیگر کسان شاه، خواهرش شمس و فاطمه به او نزدیک هستند. برادرانش غلامرضا و عبدالرضا از صحنه سیاسی به دور هستند. تعدادی از اعضاء خانواده سلطنتی تا اندازه ای فاسد، فاقد اخلاق و بی علاقه به مردم تلقی می شوند و این بیشتر به خاطر زندگی اشرافی و مشاغلی که هم در دولت و هم در بخش خصوصی دارند، می باشد.

صفت مشخصه و خصوصیات شاه

اگر چه ظاهر شاه و کلیه تحصیلاتش به صورت غربی است، شاه نژاد و رفتارش ایرانی است و در حقیقت موفقیت قابل توجه او در رهبری کشورش بیشتر به این واقعیت متکی است، که او یک سیاستمدار کامل ایران است. اگر چه او با اقتدار در یک محیط غربی کار می کند اما واقعا یک ایرانی غرب زده در خانه نبوده، بلکه از دو فرهنگ به طور مساوی استفاده کرده و هنر پذیرش اجتماعی را پیش برده است. در نتیجه او اغلب تصمیمات و بیانیه های غربی را توسط مفاهیم ایرانی به کار گرفته و تفسیر نموده اگر چه او خود از ارزشها و صفات غربی آگاهی دارد. برای اینکه شاه، ایران را به دنیای مدرن وارد کند او این صفت ممتاز را که سلطنت از جانب خداوند بوده و با خصیصه ملی آن، که برای بیشتر ایرانیها منجمله طبقه تحصیلکرده جذبه زیاد دارد، برای اداره مؤثر ملت به کار می برد. در واقع شاه بر این عقیده است که او را خداوند برای رهبری ایران به طرف یک عصر طلایی فرستاده است. تشخیص فکری و فردی و ذکاوت او ایران را به قدرتی رساند که از زمان صفویه به این طرف سابقه نداشته است و از این معنا می توان گفت که حکومت سلطنتی هنوز برای ایران مناسب بوده و یک نیروی مؤثر برای وحدت و پیشرفت می باشد. این موضوع که تصمیمات او غیرقابل تخلف و مقدس است، برای او این مشکل را ایجاد کرده که نمی تواند مشاوران کاملاً مورد اعتماد پیدا کند و به طور معمول فرح و اشرف و علم می توانند بدون این که زیانی متوجه ایشان باشد،

با شاه مخالفت کنند. از طرف دیگر حداقل ۶ نفر دیگر مستقیما به او گزارش می دهند و تعداد زیادی هم در قسمتهای مختلف جامعه با او در تماس هستند

روابط شاه با آمریکا

شاه از آمریکا و این حقیقت که ما قصد بهره برداری از ایران را نداشته ایم، متشکر است. از طرف دیگر چون شاه اعتماد به نفس خود را باز یافته است و ایران به صورت قدرت منطقه ای درآمده، در حال حاضر دسترسی ما به خیلی از بخشهای جامعه متمدن ایران که قبلاً از آنها استفاده می کردیم، مشکل شده است. اما این نبایستی روابط ایران و آمریکا را تیره تر کند، چرا که روابط ما بر پایه منافع دوجانبه است. ما متوجه شده ایم که اغلب مقامات و افراد بلند پایه تمایل به سکوت و خاموشی دارند که امکان دارد این موضوع برای ترس از ساواک باشد، و بعضی از افراد هم نسبت به همکاری ما با رژیم نامطمئن هستند. اما در واقع این طرز کار و تمایل نتیجه موفقیت سیاست ۲۰ سال گذشته ما در ایران می باشد که در جستجوی راهی برای کمک به ایران و رهبرش بوده که آن را قوی و متکی به خود کنند. وقتی که ایران از ایمنی و ثروت و اطمینان برخوردار باشد، می تواند به اندازه کافی بین منافع خود و حامی خود فرق گذارد. ایرانیان دیگر به خارجیها اجازه نمی دهند تا آنها بفهمند که موضوع آنها تا چه اندازه تظاهر و تا چه اندازه حقیقی است.

در ارتش هم شاه کوشش دارد که وابستگی آن را از آمریکا کمتر کند و برای این کار منابع خرید تسلیحات را گوناگون کرده است. اما او پی برده است که بیشتر تسلیحات پیچیده که او خواستار آن است و بیشتر مستشارانی که او برای آموزش پرسنل خود به آنها نیاز دارد، در هیچ کجای دیگر به جز آمریکا وجود ندارد و در حال حاضر نفوذ آمریکا در بیشتر سطوح ارتش به طوری است که کم کردن تسلیحات در یک قسمت و یا کم کردن سریع در قسمت دیگر در آمادگی جنگی ایران اثر منفی می گذارد و این روابط ارتشی ایران و آمریکا در آینده نزدیک تغییری نخواهد کرد. شاه معتقد است که ارزش ایران برای آمریکا

آنقدر زیاد است که آمریکا چاره ای جز حمایت ایران و لذا آزاد گذاشتن او در تصمیم گیری ندارد. برخورد ایرانیان در زمینه سیاست است که روابط حسنه را تا زمانی که منافع ایجاب می کند حفظ کنند، و از آن به بعد روابط ارزشی ندارد.

طرح برای آینده

ما اغلب گزارش کرده ایم که شاه عقلاً این را پذیرفته است که یک مقدار دمکراسی را وسعت بخشد. البته این به آن معنا نیست که شاه دمکراسی نوع اروپایی یا آمریکایی می خواهد. چرا که این نوع دمکراسی با احتیاجات جامعه ایران تطبیق نمی کند. دمکراسی ای مورد نیاز است که موجب دخالت بیشتر مردم در امور ملی گردد. برای این کار او به دو جهت کشیده می شود. از یک طرف فردگرایی ایرانیها و عقیده شخص شاه در مورد موهبت الهیِ حکومت سلطنتی ایجاب می کند یک رهبری قوی که قدرت مجلس را هم دارد حکومت کند. زیرا او تجارب تلخی از بیشتر دمکراتیک شدن ایران در زمان مصدق دارد. شاه در سیاست اعمال قدرت بر علیه مخالفانش سیاست دیرینه سازش با مخالفان را کنار گذاشته. از طرف دیگر به نظر می رسد که او آگاه باشد که توسعه بیشتر خدمات دولتی حمایت مردم را تضمین نمی کند و بنابراین افزایش شرکت همه جانبه مردم لازم است. این کار از طریق برگزاری انتخابات آزادتر، نوشتن مقالات انتقادی از

انقلاب سفید او توسط استادان، روشنفکران و دیگران و به وجود آوردن انواع حکومتهای محلی و احزاب سیاسی با چارچوبها و محدودیتهای تعیین شده، انجام می گیرد. ما بر این عقیده هستیم که شاه درصدد به وجود آوردن راه حلی است که هم شرکت همه جانبه و هم کنترل در آن باشد و این همان مصالحه سنتی ایرانی است.

ملکه فرح

هنوز بزرگترین یاور خانوادگی شاه در سلطنت پهلوی است. او یک زن جوان بدون اعتماد به نفس بوده، سرپرست مسایل هنری و رفاه و آسایش و کودکان را به عهده داشته و در حال حاضر به یک شخص معروف ملی تبدیل شده. او هنوز در امور سیاسی نفوذ و توانایی ندارد. او فعالیت خود را در ۲۴ بنیاد خیریه در مقابل رقیبش اشرف ادامه می دهد. شاه از برخورد گرم و صمیمی او استفاده کرده و او را به بازدید مناطق دور افتاده و عقب مانده ای مثل بلوچستان و کردستان فرستاده است. او همچنین با قرار دادن فرح به عنوان نایب السلطنه، اعتماد خود را به او ابراز داشت. در سالهای ۱۹۷۰ و ۱۹۷۲ شاه او را تنها به شوروی و چین فرستاد، ولی فرح در سال ۱۹۷۳ در مقابل رقیب خود اشرف که شهرتش افزایش می یافت نفوذی کسب نکرده بود. اما او در سال ۱۹۷۳ دوباره با سفرهایش به مناطق بیابانی ایران نفوذ و دخالت خود در سیاست را نشان داد. همان طور که فرح وارد میدان سیاست می شد، بیشتر درک می کرد که رهبران تنها هستند و دور آنها را چاپلوسان گرفته اند. نقش او زمانی که شاه او را به عنوان نایب السلطنه تا ۱۸ ساله شدن ولیعهد انتخاب کرد، افزایش یافت. محبوبیت او در بین مردم باعث خواهد شد که به هنگام جانشینی بهتر با اشرف مبارزه کند.

اشرف

از اوائل رژیم شاه، اشرف دارای قدرتی در صحنه بوده و با اراده ای قوی و بی پروا. او شخصا در اولین

سالهای نامطمئن برادرش به استوار نمودن او کمک کرد. توطئه های او با ملکه مادر برای ۳ زن شاه و نابرادریش عبدالرضا معروف است. اما از دهه ۶۰ که شاه اطمینان خود را در سلطنت به دست آورد، نفوذ سیاسی و شخصی اشرف و بیشتر کارهای او در مورد امور زنان و حقوق بشر بوده است. او نماینده ایران در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل بوده و همچنین او در صحنه سیاسی نقش مهمی داشته است. سفر او به چین و هندوستان باعث روابط خوب این دو کشور با ایران شد. مؤسسات خیریه اشرف، کارهای کمی برای مردم ایران انجام داده اند. تا زمانی که شاه زنده است روش زندگی اشرف دارای اهمیت کمی است و بجز شرمساری برای رژیم پهلوی چیزی در بر ندارد. ولی اگر شاه قبل از روی کار آمدن ولیعهد بمیرد، اشرف وارد صحنه مبارزه با فرح می شود. کسانی که ممکن است از اشرف پشتیبانی کنند: هویدا، شریف امامی، نصیری، کریم پاشا بهادری، رشیدی و علی رضایی خواهند بود. در این بین اسداللّه علم، منوچهر اقبال، فریدون مهدوی و احتمالاً ارتش از فرح پشتیبانی خواهند کرد. تحلیل سفارت این است که فرح بر اشرف پیروز می شود، چون بهتر می توان او را پشت پرده کنترل کرد تا اشرف سرسخت را.

ولیعهد

شاه آینده ایران یک پسر ۱۴ ساله است که بر خلاف تحسین مقامات در مورد او به نظر می رسد که از هوش متوسط و معمولی برخوردار باشد، از اوایل دوران جوانی در خانه خود و در محوطه کاخ سعدآباد، جدا از والدین و برادرها و خواهرهایش و با حضور مراقبین زندگی کرده است. او اولین مرتبه در موقع تاجگذاری شاه در سال ۱۹۷۶ و سپس در مانور دریایی خلیج فارس حضور یافت. نفوذ خارجی اولیه در فلسفه و تحصیلات ولیعهد زبان فرانسه است؛ اگر چه او انگلیسی هم مطالعه می کند. بیشتر به خاطر دلایل امنیتی شاه می خواهد که جانشینش تحصیلات خود را در ایران تکمیل کند.ولی تأکید دارد که آموزش نظامی، اقتصادی را در خلال مسافرتهای خارجی به پایان برساند. ولیعهد چند باری به سوئیس و فرانسه مسافرت کرده و در سال ۱۹۷۳ یک سفر یازده روزه به آمریکا داشت. شاه امیدوار است که ولیعهد از اول زمامداریش با قدرت برای ایرانی با ثبات کار کند.

قسمت A/۳ محرمانه

مشکلات جانشین

اگر در طول ۵ یا ۱۰ سال آینده ایران، شاه را از دست بدهد به دوگونه اثر خواهد داشت.

در کوتاه مدت : اگر شاه قبل از ۲۰ ساله شدن ولیعهد بمیرد و یا کشته شود، بر طبق قانون اساسی، فرح جانشین او خواهد بود که با همکاری شورای سلطنت کشور را اداره خواهد کرد. ارتش و نیروهای امنیتی و طرفداران مدرنیزه شدن، از او پشتیبانی کرده و سیاست دولت به شکل قبلی باقی می ماند. ولی اگر جانشین شاه رهبر قادری نباشد احتمالا دوره بحران به دنبال خواهد داشت و خرابکاریهایی از جانب چپهای رادیکال و مسلمانان مرتجع صورت خواهد گرفت که ارتش و نیروهای امنیتی دخالت کرده و یا از سلطنت پشتیبانی خواهند کرد و یا از یک مرد مقتدری مانند رضا شاه. امکان ضعیف تر است، که تحولی باعث مرگ شاه و برکناری فرح و شورای سلطنت شود. تحت چنان شرایطی، یا سلسله جدیدی آغاز

خواهد شد و یا مردی تحت عنوان رئیس جمهوری روی کار خواهد آمد و ممکن است، به خاطر ملی گرایی خارجیان را از کشور بیرون کند. در دراز مدت : اگر شاه در مدت ۱۰ تا ۱۵ سال از دست برود انتقال قدرت به یک جانشین طرفدار شاه آسانتر خواهد بود و جنگ و رقابت بر سر قدرت کمتر خواهد شد.

مشکلات و دردسرها

موضوع مهم در این بازی قدرت که بعد از خروج شاه از صحنه خواهد بود، نفوذ قدرتهای خارجی است. در حال حاضر به نظر می رسد که شوروی آمادگی برای ایفاء نقش دارد، ولی ما امیدواریم که آمریکا با استفاده از نفوذش جلوی کوشش شوروی را گرفته و به میانه روهای داخل ایران اجازه دهد که مسئولیتها را در دست بگیرند تا اینکه اوضاع به صورت عادی برگردد. با روی کار آمدن یک حکومت جدید سؤالاتی در رابطه با ادامه استفاده از تجهیزات اطلاعاتی، دسترسی به بنادر ایران، هماهنگی هوایی، گاز، نفت و روابط آتی ایران و آمریکا در امر تجارت مطرح خواهد گشت که به نظر ما استفاده از این تجهیزات در دوران حکومت جدید به اندازه حال نخواهد بود.

مدرنیزه شدن رژیم سلطنتی ایران؛ یک ارزیابی سیاسی

ص: ۲۸۰

شماره سند : تهران ۸۷۷۶

از : سفارت آمریکا در تهران قسمت A/۴

به : وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی تاریخ : ۱۰/۴/۵۵

موضوع : مدرنیزه شدن رژیم سلطنتی ایران؛ یک ارزیابی سیاسی

گزارشگر : استمپل

۱ سند زیر خلاصه ای از تهران ۱۲۳ A می باشد که به قسمت پستی شما و آدرسهای دیگر ارسال شده.

۲ توسعه سریع اقتصادی ایران یک رشد پیوسته و ملازم را در مشارکت سیاسی به وجود نیاورده است. بیشتر گروهها در حالی که مناسبات و روابط کافی با سیاسیون را برای منافع خود حفظ کرده اند، به خاطر بدبینی و بدگمانی نسبت به سیستم سیاسی فعلی، از فعالیت سیاسی بیشتری خودداری کرده اند. شاه به طور کامل بر سیاستهای حاضر در ایران تسلط و نفوذ دارد، ولی برای افزایش ثبات در ایران باید گروههای موجود به طور موفقیت آمیزی در جریانات سیاسی دخیل باشند. ترکیب نخبگان ایران در حال تغییر و تحول می باشد و بیشتر گروهها که در اصل پشتیبان رژیم هستند مانند تجار، افسران ارتش، مقامات رسمی طبقه متوسط، و بیشتر روشنفکران ممکن است تهدید جدی نسبت به وفاداریهای خودشان احساس کنند؛ مخصوصا در بحرانی که وحدت این افراد را بین دو مرکز قدرت تقسیم کند.

۳ در حال حاضر مخالفت چندان آشکاری نسبت به دولت حاضر وجود ندارد. مذهبیون محافظه کار بیشتر از جنبه های مدرنیزه کردن ناراضی و ناخشنود می باشند، ولی تاکنون فقط مشکل بالقوه ای بوده اند. عملیات تروریستی نظرات مردم را جلب می کنند و تحریک جدی به شمار می روند، ولی فقط اثر حاشیه ای بر قوه محرکه سیاسی ایران دارند. از این گذشته اخیرا دولت ایران با موفقیت آنها را شکار کرده

است. تعدادی از دانشجویان و روشنفکران به خصوص آنهایی که در خارج هستند با رژیم مخالفت می کنند. ولی آنها طوری متشکل نشده اند که بتوانند از حمایت عمومی برخوردار باشند. تا زمانی که وضعیت اقتصادی ایران نسبتا خوب باقی بماند و شاه و یا یک جانشین قانونی در قدرت باشد، این مخالفتها احتمالاً اثر مهمی بر روی سیر تکاملی وضعیت سیاسی ایران نخواهند داشت.

۴ هنوز سیاست ایران شدیدا به شخصیتها و نفوذ اقوام و دوستان وابسته است. علیرغم توسعه اخیر اقتصادی گامهای کوچکی در جهت تشکیلاتی کردن کشور برداشته شده است. قدرت مجلس کاهش یافته و حزب رستاخیز نوپا و جدید، هنوز به آن صورت سازمان یافته نیست که بتواند نقش مهمی را ایفا کند؛ گرچه رهبران آن از طریق کار دفتری سیاسی، دارای نفوذ زیادی هستند. شیوه های تکنولوژی جامعه مدرن با روشهای سنتی استبداد پدرانه ایران متضاد هستند. شاه، دولت و حزب می گویند که می خواهند ارزشهای اجدادی و موروثی را با عدم تمرکز دولت و مدیریت حزب تغییر دهند، در صورتی که عوامل بازدارنده کاری از پیش نمی برند. موفقیت این مرحله میزانی از توانایی سیستم سیاسی ایران برای تطبیق و مدیریت یک اجتماع مدرنیزه می باشد.

۵ ظاهرا ایران شروع به سعی در تأثیرگذاری روی محیط خارجی کرده و این بعد از مدت دهها سال است که بر ایران نفوذ کرده اند و تأثیر گذاشته اند. اتحاد جماهیر شوروی هنوز به عنوان دشمن شماره یک عمومی محسوب می شود و ایالات متحده آمریکا ابرقدرت پشتیبان اصلی ایران می باشد. به هر حال

ناسیونالیسم رستاخیزی ایران، روابط دولت را با دوستان وخیم تر و بحرانی تر کرده است و مبادرت به مقصر شناختن بی کفایتیهای خارجیان در توسعه صنعتی و اقتصادی در حال افزایش است.

۶ گذشته از حوادث مهم پیش بینی نشده، مثل ترک ناگهانی شاه، ایران مشکلات مدیریت اقتصادی فزاینده ای خواهد داشت و این به همراه دخالت بیشتر گروههای حزبی که دولت را بیشتر مورد انتقاد قرار خواهند داد، خواهد بود. که این احتمالاً نتیجه اش باعث محدود شدن بعضی از فعالیتهای سیاسی و متقابلاً انتقاد بیشتر از خارجیان خواهد بود. ایران مواضع لازم برای اداره یک جامعه در حال رشد را برای اصلاحات به وجود خواهد آورد، اما این روش خیلی آسان نخواهد شد. سازش غیر مستقیم، نه رودررویی مستقیم، روش سیاسی کامل ایران باقی خواهد ماند و در پنج الی ده سال آینده شاه یا خودش در مسئولیت با دیگران شریک خواهد شد و یا وقتی اطرافیانش بازنشسته و یا بمیرند، او مجبور به این کار خواهد شد. اگر یک بحران دنباله دار در حدود ۶ الی ۷ سال آینده اتفاق افتد، احتمالاً در ابتدا شورای سلطنت حافظ سلطنت و کشور خواهد بود و اگر گروهها منافع خودشان را مهمتر از وحدت و ثبات بدانند، مسابقه قدرت صورت خواهد گرفت.

۷ با توجه به تحولی که احتمال آن در آینده می رود، منافع آمریکا در حفظ روابط نزدیک با ایران و حمایت از توسعه و مدرنیزه ساختن آن می باشد. لازمه داشتن این روابط دیپلماتیک زیرکانه، صبر و تحمل در برابر تندیها و آمادگی برای صحبت آشکار و صادقانه در جهت حل مشکلات می باشد، که این مشکلات، موجودیت این تحول داخلی و خارجی که کلاً به نفع مصالح آمریکا است را تمدید می کند.هلمز

قسمت A/۵

محرمانه

حزب رستاخیز شروع به کار می کند

خلاصه: با انتخاب دبیرکل و دیگر مقامات مقدماتی، حزب رستاخیز آماده افزایش فعالیتها و تشکیلات خود می شود تا نقش بزرگتری در سیاست ایران بازی کند. دبیر کل جدید جمشید آموزگار افراد وفادار به خود را در رتبه های حساس این حزب به کار گمارده است که این گروه جدید روحیه فعالتر کردن و مدرنیزه تر کردن را دارند. بزرگترین مسئله که رهبری این حزب با آن رو به روست، برآوردن خواست شاه در مورد شرکت همه جانبه حقیقی مردم می باشد. موفقیت این حزب در توانایی برای مقابله با این سه مسئله است:

آ گسترش امکان شرکت فعالان علاقه مندی که به دلیل عدم گسترش سنتی حزب دلسرد شده اند.

ب تشکیل سازمانهای میانه رو برای کانالیزه کردن عقاید به رهبری ملی.

ث گسترش آرام قدرت حزب برای همکاری با دولت به طریقی که بتواند در تمام سطوح دولت را کمک کرده ولی داخل دستگاه دولتی نشود و از طرفی نفوذ خود را نیز از دست ندهد.

قسمت A/۶

تک حزبی در ایران

از : سفارت آمریکا در تهران تاریخ : ۱۰ جولای ۱۹۷۵

به : وزارت امور خارجهمحرمانه

موضوع : تک حزبی در ایران

خلاصه: این گزارش تحلیلی است از انگیزه ها و نتایج حاصل از تحول ایران به سیستم تک حزبی و تشکیل حزب رستاخیز از جانب شاه در دوم مارس. ما معتقدیم این عمل عمدتا از تمایل شاه به تسلط بیشتر و کم کردن انتقادهای داخلی برخاسته؛ اگر چه چنین اقدامی در دوران رشد ناسیونالیسم و اعتماد به نفس ایران غیر ضروری به نظر می رسد. به علاوه او می خواست بعضی ایرانیان با کفایت را که به سبب عضویت در احزاب مخالف، خود را کنار گذاشته می دیدند، در جریانات سیاسی وارد کند. این حرکت با وضعی که شاه اغلب از دموکراسی سبک غربی دارد و آن را برای ایران با تجارب تاریخی و فرهنگی مخصوصش، بی ثمر، نامتناسب و باز می داند، سازگاری دارد.

بسیاری از علایم حاکی از آنند که ایجاد حزب واحد در ایران اقدامی بود که شاه برای کاستن قدرت روز افزون نخست وزیرش انجام داد. حال مقصود او هرچه بوده باشد، چنین نتیجه ای ظاهر شده است.

انتخابات ۲۰ ژوئن حزب رستاخیز مردم ایران، باعث شرکت و توجه آنان که از شم سیاسی برخوردارند، در انتخابات شد. اما در حال حاضر انتظار نمی رود که این مانور سیاسی شاه چندان تغییری در عوام ایجاد کند و این مسئله برخلاف نظر شاه مبنی بر رشد دادن نهادها با عدم دخالت او در سطوح پایین می باشد. این امر باعث می شود که نهادهای سیاسی نتوانند یاد بگیرند که چگونه بدون صدور راهنمایی از جانب او فعالیت خود را ادامه دهند. (پایان خلاصه)

بررسی قضیه از جنبه مؤسسات و امنیت

با هم به طور اجمالی اظهارات مکرر شاه و دولت را مبنی بر اینکه سیستم چند حزبی نتوانسته است، از افراد با کفایت سیاسی استفاده کند قبول می کنیم. سیستم تک حزبی این مشکل را حل می کند. اگر چه هنوز نتوانسته است که قابلیت خود را در جذب علاقه عموم به فعالیتهای خود نشان دهد. به علاوه ناراحتی شاه از انتقادات هرچند محدودی که در سیستم چند حزبی مطرح می شد، عامل مهمی در تصمیم او به حذف جناح مخالف، ولی رام ایران بود. اگر چه شاه آشکارا اعلام کرده بود که سیستم چند حزبی را ترجیح می دهد، ولی در واقع وی از ترتیب دادن یک حزب جناح مخالف که برای او معقول یا مقبول باشد عاجز بود. برخورد او با دو دبیر کل سابق حزب مردم علی نقی خانی و ناصر عامری مطمئنا او را قانع کرده است که فضای سیاسی تحت کنترل ایران، یک حزب مخالف را تحمل نمی کند. موقعی که انتقادهای این دو دبیر کل، باعث ناراحتی شاه یا هویدا شد به سادگی مرخص شدند. عامل مؤثر دیگر در تصمیم شاه ممکن است همان نظر مشهورش درباره دموکراسی غربی باشد. او اعتقاد دارد که این دموکراسی حتی در همان جوامعی که آن را پدید آوردند، نمی تواند آن چنان که انتظار می رود موفق باشد. او به دموکراسی به عنوان پدیده ای بسیار مجزا از جو فرهنگی و سیاسی ایران می نگرد. به نظر او ایران تنها تحت حکومتهای بسیار متمرکز و مستبد قادر بوده است به عظمت دست یابد. در این زمینه، حزب رستاخیز ملت ایران را می توان قدمی دیگر به سوی افزایش تسلط بر این جامعه دانست. اخراج روزنامه نگاران دارای سوابق مشکوک،

تعطیل اجباری روزنامه ها و مجلات کوچک، اتخاذ سیاست خشن نسبت به ناآرامی های سابقه دار دانشجویی (که از آغاز دسامبر ۱۹۷۴ تا آخر مارس ۱۹۷۵ طول کشید) همگی نمودار اتخاذ سیاست تندتر در مورد آنها که فعالیت در فضای سیاسی فعلی ایران را نمی پذیرند، می باشد. در واقع شاید مسئله دانشجویان و توطئه ۱۹۷۳ روزنامه نگاران و روشنفکران بر ضد شاه باعث جلو انداختن اتخاذ چنین تصمیمی از جانب شاه شده باشد. زیرا برنامه هایی برای ایجاد کمیته های حزب در هر دانشکده در دست اجرا است. به هر صورت شاه نشان داده است که در بسط تسلط خود بر تمام زمینه های زندگی ایرانیان می باشد، و تاکتیک قدیمی روشنفکران و دیگران را که یک ناظر آزاد و غیر متعهد در ظاهر نامیده است، به هیچ می گیرد. حزب رستاخیز حائز مکانیسمی است که علاوه بر ایجاد امکان راه یابی در فعالیت سیاسی، وسیله ای قانونی نیز برای شناسایی مخالفین نامطلوب می باشد. بنای حزب رستاخیز بر این نظریه شاه است، که معترضان به برنامه او در ایران باید بین زندان، تبعید یا محو شدن، یکی را انتخاب کنند.

اینک حزب جدید چهار حزب موجود را در خود تلفیق کرده است. این امر همراه با انتقادهای جاری روزنامه ها از احزاب قدیم به جهت خودخواهیشان و جارو جنجال های آنان بر سر مسایل تصنعی و یا به خصوص حمله، حزب ایران نوین، به سبب عدم موفقیت آن در جلب مردم ممکن است باعث رانده شدن بعضی سردمداران حزبی شود. به هر حال در حزب رستاخیز پستهایی برای چهره های سرشناس احزاب دیگر در نظر گرفته شده است. بیشتر ساخت حزب جدید مبتنی است بر آنچه در حزب ایران نوین بوده است؛ به این ترتیب کمتر کسی از اعضای فعال سابق بدون پست خواهند ماند. ایرانیان هم به عنوان اعضای نهادهای گوناگون و هم به عنوان افراد مملکت برای پیوستن به حزب رستاخیز هجوم آورده اند تا اعتقاد خود را به شعار جدید سیاسی ایران یعنی «سلطنت، مجلس، انقلاب شاه و مردم» به اثبات رسانند. هنوز ما شک داریم که شاه حمایت آنان را صادقانه بداند و یا از حزب رستاخیز انتظار موفقیت بیشتر از اسلاف

خود، در جذب مردم به فعالیتهای سیاسی داشته باشد. به نظر می رسد که او آماده است به دنبال حرکت سنتا ایرانی خود، بدون چندان توجهی به محتوی، به شکل تأکید ورزد.

گزارش مطبوعات برعکس است. اکثرا افراد مورد تماس سفارت اعلام سیاست جدید توسط شاه را با بدبینی و حیرتی که هنوز هم باقی است می نگرند. نحوه اعلام آن نیز، حالت شکاکیتی را که ایرانیان نسبت به سیاست دارند، تشدید کرد. در صحبتهایی که با ایرانیان عادی (عادی در برابر فعالین حزبی که قاعدتا منافعشان را در ابراز عقاید خود در نظر می گیرند) از قبیل کتابفروش، تاجر جزئی، و دیگران شد، فهمیدیم که به نظر آنان احزاب سیاسی قبلی وسیله خوبی برای اظهار نظرات سیاسی نبودند. به نظر می رسد آنان درباره حزب جدید هم عقیده مشابه این را حفظ کرده اند. در سطح جهانی، مخصوصا بین آمریکاییها و اروپاییها که قبلاً هم به رژیم شاه معترض بودند، عکس العمل منفی تر بوده است. اگر چه انحلال سیستم چند حزبی انتقادات خارجیان را تشدید نموده است، ولی تردید داریم که شاه به آنها توجه کند. او موقعیت خود و کشورش را به سبب نفت و سابقه رهبری موفق، چنان قوی یافته است که انتقادات به سیاست داخلی خود را محکوم به محو یا بی نتیجه گی می بیند. در این مورد شاید او حق داشته باشد، ولی عکس العمل بین المللی ممکن است بازگشت ایرانیان مقیم خارج را که می توانند به حل مسئله کمبود نیروی انسانی ماهر کمک کنند به اشکال اندازد.

تنزل هویدا؟

شاید بتوان ایجاد حزب رستاخیز از جانب شاه را اقدامی برای کاستن قدرت روزافزون هویدا دانست. سابقه این ملاحظه و اثر آن بر موقعیت شاه در سیاست روزانه در شماره های ۱۱ ،A/V/آوریل و A/V۵۱۶ آوریل شرح گردیدند. هر روز بیشتر آشکار می گردد که یک نتیجه مهم تشکیل حزب رستاخیز تنزل موقعیت هویدا بوده است. اگر این تنزل مقصود شاه بوده باشد، که یحتمل هم هست، اولین بار نخواهد بود که شاه بر ضد وزیری که از حدود معین خود تجاوز نموده اقدام کرده است.

نمونه های تاریخی

در سال ۱۹۶۲ علی امینی آخرین نخست وزیری که تا حدودی حائز قدرت مستقل از شاه بود، مصالحه بین سلطنت و جبهه ملی را تأیید نمود. به موجب آن یک پنجم کرسیهای مجلس و حداقل یک وزیر در کابینه برای آنها تضمین می شد. جبهه ملی با همه تفرقش اعتقاد داشت که باید صبر نمود تا تمام ایران به دامنش بیفتد و آن گاه مصالحه کنار گذاشته شود. شاه هم همین را بهانه نمود تا نخست وزیر خود را که به طرفداری از «تقلیل قدرت پادشاه در سیاست شهرت داشت» کنار گذارد. بعد هم یک سری جانشینان رام تر به دنبال آمدند.

در سالهای ۱۹۶۳ ۱۹۶۲ شاه برنامه اصلاحات ارضی خود را که بعدا هسته انقلاب شاه و مردم شد به حسن ارسنجانی که شخص لایق و مصممی بود محول کرد. او از طریق سخنرانیهای ماهرانه و گسترده و مسافرتهای مکرر به مناطق روستایی خود را به روستاییان، مترادف با اصلاحات ارضی شناساند. از تمامی محبوبیت روز افزون خود به صورت سرمایه سیاسی در تشکیل حزب دهقانان استفاده کرد و در همان مرحله شاه خواستار توقف بلندپروازیهای ارسنجانی شد. از آنجایی که شاه همواره شخصیت شناس زیرکی بود، ارسنجانی را عازم سفارت در رم کرد و حساب هزینه نامحدودی هم در اختیارش گذارد. اگر چه او قول داد که بر خواهد گشت، ولی به زودی تسلیم تلألو زندگی رومی شد و دیگر عاملی در

سیاست ایران حساب نگردید. به هیچ وجه اطمینان نداریم که شاه هویدا را هم به عنوان تهدیدی تلقی کرده باشد. احتمالاً او هویدا را وسیله ای سودمندتر از امینی یا ارسنجانی یافته است. این موضوع، نخست وزیر بودن او را برای ده سال و نیم توجیه می کند.

به هر حال هم سفارت و هم SRF (سیا) بر اساس شواهدی گزارش نموده اند که قدرت و فساد حزب ایران نوین هویدا، مهمترین عوامل قانع کننده شاه به این نکته بود که عملکرد سیستم حزبی، مطلوب او نیست و باید عوض شود. به دنبال کنگره افتتاحیه ۳۰ آوریل تا ۶ می و تشکیل حزب رستاخیز، شواهد قانع کننده ای جمع آوری شد که دال بر شکست هویدا می باشند.

شاه در سخنرانی اعلام سیستم حزبی جدید در ۲ مارس، هویدا را برای مدت ۲ سال به سمت دبیر کل حزب معین کرد (بعدا به چهار سال افزایش یافت)، اما شاه این را هم روشن نمود که هویدا قدرت انتصاب زیردستان اصلی حزب را نخواهد داشت. (هویدا گفته است که امیدوار است تا آخر دوره، دبیر کل باقی بماند. شایع شد که او نخست وزیری را حفظ خواهد کرد. کمی بعد از انتخابات جمشید آموزگار جانشین او خواهد شد).

کنگره حزب رستاخیز

انتخاب نصراللّه انتظام، یار قدیمی اسداللّه علم وزیر دربار و رقیب قدرتمند هویدا، به سمت رئیس کنگره احتمالاً از به هم خوردن تعادل قوا در صحنه احزاب سیاسی ایران حاکی بود. شواهد دیگر بر انحطاط مقام هویدا در حوادثی که منجر به تشکیل اساسنامه حزب شد، آشکار می گردد. هویدا در همین کار با کمیته های تهیه اساسنامه، پیش نویس را یافت که قدرت زیادی برای کنترل حزب به دبیرکل (خود او) و یک کمیته منتصب دبیرکل قائل می شد. دبیر کلی این توانایی را داشت که برای دیگر واحدهای حزب محدودیت ایجاد کند، امور مالی حزب را کنترل کند و مقامات مختلف حزب را عزل یا نصب کند. به علاوه پیش بینی شده بود که تواناییهای دبیرکل تنها در این امور منحصر نشود، بلکه وی مجاز به انجام هر کاری برای پیشبرد امور حزب باشد. معلوم بود که کمیته منتصب دبیرکل می بایست بقیه امور مدیریت و انضباطی در سلسله مراتب حزب، مثل کنترل کمیته های مدیران جزء واحدهای محلی حزب را به عهده بگیرد. کمیته های مدیران جزء هم تحت ریاست یک قائم مقام سازمانی منتصب از جانب دبیرکل هستند. در جریان کنگره انتقاداتی از مشی و سیاست دولت عنوان شد که در چند سال اخیر از لحاظ بی پرده گویی بی سابقه بوده است. در این کنگره وزیر کشور جمشید آموزگار اساسنامه دیگری را پیشنهاد کرد که در آن قدرت دبیرکل محدودتر و در عوض دوائر گوناگون حزبی تقویت می شدند. در پایان، نتیجه پیشنهادی آموزگار با تغییرات جزیی تصویب شد (ضمیمه شماره ۱ حاوی متن اساسنامه نهایی می باشد). در این نسخه قدرت بین دبیرکل و دوائر حزب، مخصوصا هیئت اجرایی تقسیم شده است و سیستم بازرسی و تشخیص فردی که مشخصه فعالیتهای سیاسی ایرانی است، در آن منعکس است. در نتیجه مصوبه کنگره، طرح کمیته دبیران رد می شود ولی دبیر کل باز هم بالاترین مقام اجرایی محسوب می گردد و حق انتصاب حداکثر سه قائم مقام، و مقامات مختلف اجرایی حزب برای او محفوظ است. او بر هزینه و تخصیص بودجه حزب نظارت دارد ولی هیئت اجرایی نیز امور ممیزی را کنترل می کند.

دبیر کل از طریق انتصاب دبیران کل استان، نظارت خود را بر تمام شبکه های مناطق حفظ می کند. از طرف دیگر، هیئت اجرایی مسئولیت احساس اجرای مصوبات حزب، تجدیدنظر و تأیید اسامی کاندیداهای انتخابات مجلس و شوراهای محلی حزب را به عهده دارد. همچنین این هیئت مسئول تصویب قوانین داخلی و دستور کار کنگره های حزب و بودجه پیشنهادی دبیر کل به اضافه تشکیل یک هیئت نظارت، که وظیفه اش محدود به گزارش هر مسئله حزبی به هیئت اجرایی است می باشد. هویدا به عنوان نخست وزیر ریاست دایره سیاسی حزب رستاخیز را هم عهده دار است. وظیفه این دایره هماهنگ کردن فعالیتهای حزب و دولت و تجدید نظر مسایل ملی، که از جانب هیئت اجرایی یا هویدا به آن ارجاع می گردد،می باشد. اکثریت اعضای دایره سیاسی باید از جانب هیئت اجرایی انتخاب گردند. واضح است که هویدا برای اطمینان از کنترل حزب باید هم هیئت اجرایی و هم دبیرکلی را در دست داشته باشد. اما یکی از رقبای هویدا، جمشید آموزگار، به عنوان رئیس هیئت اجرایی انتخاب شد و به فرهنگ مهر، هم رئیس دانشگاه پهلوی که عموما وی را دست پرورده علم، وزیر دربار، می دانند پست قائم مقام ریاست تسلیم گشت. پست دیگر قائم مقام ریاست را هم مهناز افخمی رهبر سازمان زنان و همدم اشرف پهلوی دارد.

جالب است بدانیم که مهدی قاسمی و دکتر حسین تاجداد مقام معاونت هیئت اجرایی را دارند. اولی عضو سابق کمیته مرکزی حزب مطرود توده است و دومی هم بنا به گزارشات SRF (سیا) با روسها روابط

نزدیکی دارد. یکی از اعضای هیئت اجرایی، دکتر احمد قریشی به ما اطلاع داد که مسایل شخصیتی در تشکیل کنگره اساسنامه حزب دخالت داده نشد. حتی روحیه ای وجود داشت که باعث می شد حداکثر کوشش برای تصویب یک سند، تا حد ممکن دموکراتیک و عملی به کار برده شود و حزب جدید از پایگاه مردمی خوبی برخوردار گردد. در حالی که این امر ممکن است صادق بوده باشد ولی با دریافتی که ما از سیاست ایران داشته ایم و آن را سرشار از رقابتهای شخصی می دانیم تطبیق ندارد.

هنوز خیلی زود است که هویدا را با ضربه هایی که خورد، از دور خارج شده فرض کنیم. در برابر رقبایش او از چندین امتیاز برخوردار است. حزب ایران نوین تماما خود را به حزب رستاخیز ملحق نمود و به این ترتیب حزب رستاخیز با حائز شدن گروه کثیری از فعالین حزبی طرفدار هویدا از همان اوائل فعالیتش از کادر سابقه داری برخوردار شد. به علاوه، اعضای سابق حزب ایران نوین در استانها موقعیتهای حساس کنترل انتخابات کشوری را در دست داشتند. این تغییر پایگاه قدرت هم در نظر گرفته شد و حزب رستاخیز دستورات اکیدی، ظاهرا از شاه دریافت کرد که شرکت سردمداران حزب ایران نوین در کنگره حزب محدود گردد.

در هر ارزیابی موقعیت هویدا، اسم پرویز ثابتی هم به میان می آید. ثابتی تمام دوران زندگیِ بزرگسالی اش روابط نزدیک با هویدا را داشته است و در حال حاضر رئیس اداره سوم ساواک یعنی مسئول امنیت داخلی می باشد. ثابتی و خانواده اش مانند هویدا طرفدار تقلیل قدرت پادشاه بوده اند (رجوع به شماره ۷۵ ۱۶، A آوریل) و در گذشته همیشه اداره ثابتی مسئول بازرسی اظهار نظر و تصفیه نهایی کاندیداهای مقامات سیاسی بوده است، و به این ترتیب هویدا توانسته است سوابق چندین نفر را که سابقه شبهه انگیزی داشته اند روشن کند. به نظر می رسد که شاه به رئیس اطلاعات خود سپهبد حسین فردوست اطمینان می کند. کار تجدید نظر کاندیداهای انتخاب مجلس به عهده اوست. شاید این حرکت برای

تضعیف نخست وزیر بوده باشد.

هویدا هرکجا که توانست اقدام به تطبیق سازمان سیاسی جدید به نفع خود کرد، ولی زیاد موفق نشد.

هویدا هنوز پایگاه قوی قدرت خود را در نخست وزیری حفظ می کند و در چند ماه آینده موقعیتش بالا یا پایین خواهد رفت. اما حداقل در حال حاضر ظاهرا این موقعیت در برابر رقبایش تنزل نموده است؛ حال اینکه مقصود شاه همین بوده باشد یا نه را در نظر نمی گیریم.

انتخابات

انتخابات عمومی در ۲۰ ژوئن دو ماه زودتر از زمان معمول انجام شد. افراد گوناگون برای صندلیهای مجلس خود را نامزد کرده بودند. صلاحیت تمامی آنان قبلاً توسط شوراهای منطقه ای حزب رستاخیز، هیئت اجرایی و مقامات امنیتی بازرسی شده بود. (رجوع به گزارش ۵۰۲۹ تهران). عکس العمل اولیه نسبت به انتخابات بسیار وسیعتر از معمول بود و بیش از ۱۰۰۰۰ نفر نامزدی خود را برای به دست آوردن ۲۶۸ صندلی مجلس و ۳۰ صندلی سنا اعلام کرده اند. شاید به علت معرفی حزب جدید توسط شخص شاه بوده باشد. ۸۴۱ نفر از این بین تأیید شدند و اجازه تبلیغات دریافت کردند، ولی نامزدی دقیقا نصف اعضای مجلس فعلی و ۱۱ نفر از ۳۰ سناتور پذیرفته نشد. اگر چه به سبب تصمیمات رژیم بدین مضمون بحث در موارد نفت، سیاست خارجی و انقلاب شاه و مردم ممنوع اعلام شد، و فعالیتهای انتخاباتی عاری

از اهمیت و بزرگی شایسته و بایسته بود؛ ولی در چند سال اخیر این پر جنب و جوش ترین انتخابات ایران بوده است. از مشخصات این فعالیتها بیانات تلویزیونی کاندیداها (که معمولاً به ذکر مشاغل و فعالیتها و در تعهد ارائه طرحهای خوب خلاصه می شد)، پوسترها و بلندگوهای سوار بر اتومبیل را می توان نام برد. در تهران هم پدیدار شدن تابلوهای انتخاباتی با کمک شرکت اتوبوسرانی تهران یا عضویت در اتحادیه ها و اصناف کارگری هم از دیگر مشخصات آن بود و دولت تا آنجا که برایش امکان داشت ثبت نام در رأی گیری اجباری نمود. نخست وزیر هویدا چندین بار اعلام نمود که عدم ثبت نام در رأی گیری ایجاد زیان به حزب جدید محسوب خواهد گردید و مهمتر از آن به شناسنامه شرکت کنندگان مهر، نقش خواهد شد. آنان که شناسنامه شان عاری از این نقش باشد از خدمات اساسی مثل ویزای خروج محروم خواهند شد. در پایان رأی گیری با ثبت نام حدود ۸/۶ میلیون ایرانی انجام شد. از آنجایی که شمارش انداختن رأی به طور سرّی انجام گشت دولت نتوانست رأی دادن همه ثبت نام کنندگان را ضمانت کند و شمارش نهایی آشکار ساخت که با وجود بیشترین تعداد ثبت نام کنندگان در تاریخ انتخابات ایران، تعداد شرکت کنندگان از نصف تعداد ثبت نام کنندگان کمتر بوده است. با آماری که ما در مورد ۲۴۴ برنده انتخابات مجلس (از مجموع ۲۶۸) چنین فهمیدیم که تعداد آراء ۲۰۱ نفر یا ۸۲٪ این عده در انتخابات ۱۹۷۵، کمتر از تعداد آراء بزرگان انتخابات ۱۹۷۱ بوده است.

در بسیاری از موارد مجموع آراء برای افراد این عده ۲۱ تا ۵۱ مجموع آراء انداخته شده برای افراد در ۱۹۷۱ است. کمترین تعداد آراء برنده برای ۲۷ نماینده انتخاباتی ۲۱۸ ر ۵۱۷ نفر بوده است. ولی در سال ۱۹۷۵ نماینده اول تهران توانست فقط تعداد ۲۹۴ ر ۲۳۸ رأی و نماینده آخر تهران ۸۳۵/۴۰ نفر یعنی کمتر از ۱۲۱ آراء نماینده آخر در ۱۹۷۱ به دست آورد. با این حال دولت اعلام کرد که تعداد رأی دهندگان امسال مجلس ۱/۵ میلیون و در سال ۱۹۷۱، ۹/۰ میلیون بوده است. در واقع ما هم معتقدیم که

رأی دهندگان سال ۱۹۷۵ بیش از سال ۱۹۷۱ است ولی مجموع ۱/۵ میلیون را درست نمی دانیم. در انتخابات نیمه ۶۰ که به دقت در آن دست برده شد، عملاً هیچ کس رأی نداد و مقامات انتخاباتی به سادگی ارقام مبالغه آمیز دلخواه خود را برای حفظ وجهه برنده از پیش معین، اعلام کردند. در انتخابات سال ۱۹۷۵ که شاید بتوان وصف آزادترین در تاریخ جدید را برایش به کار برد، آمار واقعی به رقبای انتخاباتی ارائه شد. این آمار با ارقام افسانه ای که مقامات در انتخابات گذشته صادر می کردند بسیار فاصله دارد.

چندین بازنده ناراضی نزد ما از تاکتیکهای غیر قانونی که به کار گرفته شد شکایت نمودند. این تاکتیکها شامل این موارد می شوند: پر کردن ورقه افراد بی سواد توسط عمال کاندیدا، ارتباط گرفتن این افراد با رأی دهندگان در محل صندوق و پر کردن صندوق. واضح است که انتخابات کاملاً آزاد نبوده است و وقتی که یک کاندید از قبل معین می گشت، مقداری از آراء برداشته می شد و یک مقام وزارت کشور به ما اطلاع داد که ۱۰٪ انتخابات با نفوذ وزیر دربار، تقلب شده بود، اما گزارشهای تعقیب قانونی و ابطال آراء به سبب اعمال نادرست کاندیداها یا مقامات انتخاباتی، حاکی از قصد دولت به اجرای نمایشی تمیز می باشد.

مشهورتر این است که نتایج انتخابات عدم اعمال فشار از جانب تهران را نشان می دهند.

ایران اقبال، نماینده قدیمی گنبد و خواهر منوچهر اقبال رئیس هیئت مدیره شرکت نفت و نخست وزیر اسبق، فقط ۴۰ رأی احراز نمود و دیگر چهره های برجسته پارلمانی مثل محمد علی دشتی، فضل اللّه صدر و احمد رفیعی هم باختند. در تهران اشخاص مهم دیگری با پشتوانه انتخاباتی ضعیف تر بوده اند که اگر

مرکز در انتخابات دخالت می کرد احتمال باختنشان خیلی کم می شود. اطلاعات موجود در حال حاضر، این طور نشان می دهند که فقط ۴۸ نفر از ۲۶۸ نماینده فعلی مجلس و ۱۱ نفر از ۳۰ سناتور انتخاباتی توانسته اند، انتخاب گردند.

در اکثر نواحی گروههای خصوصی مانند اتحادیه های کارگری، توانستند کاندیداهای خود را به مجلس بنشانند و در بقیه مناطق هم نیروهای سنتی موقعیت خود را تحکیم نمودند. ولی هیچ یک از این دو جریان در سطح کشور عمومی نبودند. اکثریت برندگان چهره های جدیدند که برای سفارت ناشناخته اند و مدتی طول می کشد تا جریانها، اگر جریانی باشد، معین گردند. به هر صورت تغییر نحوه انتخابات به هیچ وجه این موضوع را که پارلمان با هر شکلی که داشته باشد غیر مؤثر است و از اعمال نفوذ در بخشهای مهم تنظیم یا اجرای خط مشی سیاسی عاجز است، عوض نمی کند. ایرانیانی که ما با آنها صحبت می کنیم این موضوع را می فهمند و این امر بدبینیشان را در مورد کل سیاست، جدا از اینکه انتخابات اخیر را درست بدانند یا نه، تشدید می کند.

آینده

احتمال می رود که حزب رستاخیز به صورت سازمان سیاسی فراگیر و ناموفق درآید که تمام زمینه های زندگی کشور را در بر گیرد و به این ترتیب به یک ارگان سیاسی بی معنی تبدیل گردد. به هر حال ما معتقدیم که شاه می خواهد که حزب جدید کنترل سیاسی او را در جامعه ایرانی باز هم توسعه دهد. در هر دو صورت این نکته برای شاه خیلی اهمیت دارد که سازمان جدید تحت کنترل شخصی هویدا یا هر کس دیگر نرود. در واقع، بسیار بعید است که یک نفر تنها بتواند کنترل حزب رستاخیز را به دست گیرد، زیرا شاه با یک اقدام سنتا ایرانی، سازمانی ایجاد کرده است که ذاتا صاحب اختلاف است.

اساسنامه با کنترل یک نفره مخالفت می کند و این امر با وارد شدن رقبای شخصی و عالی مقامی چون

هویدا، علم، آموزگار، انصاری وزیر بودجه و اقتصاد و نهاوندی رئیس دانشگاه تهران تشدید می گردد. این رهبریت منقسم و رقابت انگیز می تواند با پروردن دسته بندی های داخلی کارایی حزب رستاخیز را بکاهد. در واقع، شاید شاه هنگامی که تشکیل جناحها یا دسته های حزب را در اعلان ۲ مارس خود پیش بینی نمود، این امر را هم در نظر آورده بود. با دانستن طبیعت سیاست ایرانی، احتمال اینکه تشکیل هر یک از این جناحها بر اساس اختلافات ایدئولوژیکی باشد بعید است. در عوض پیروان شخصی حریفان قدرتمندی که برای به دست آوردن موقعیت در درون خود حزب کشمکش می کنند، باعث ایجاد این جناحها خواهند شد. درست همان طور که احزاب حریف در محدوده سیستم چند حزبی ایران، از حامیان شخصی رهبرانشان تشکیل یافته بود. این وضعیت متفرق رجوع اکثر دعواها به شاه را برای تصمیم گیری ایجاب خواهد کرد و راهنمایی رهبریت حزب توسط مقام پادشاهی تضمین می گردد.

نکات برجسته

برجسته ترین جنبه برپا شدن حزب رستاخیز ممکن است آشکار نمودن تغییر مشی چندین ساله شاه برای کنار گرفتن تدریجی از فعالیتهای روزانه سیاست ایران باشد. این مشی همراه با روند سریع توسعه ایران کمک کرده بود که چندین مرکز قدرت جداگانه که همه آنان منافعشان در حفظ ثبات مملکتی بود

پدیدار گردند. (رجوع به شماره E) حزب ایران نوین یکی از این مراکز بود که اکنون سازمان بزرگتر و نامتجانس تری جایگزین آن شده است، که حداقل در آغاز تحت کنترل شاه خواهد بود و از استقلال کمتری برخوردار است. احتمالاً این امر باعث خواهد شد که قابلیت حزب در کمک به ثبات اوضاع وقتی که شاه صحنه را ترک کرده کاسته شود. تشکیل یک حزب سیاسی منفرد در آغاز چندان تفاوتی برای شخص متوسط ایرانی ایجاد نمی کند. احزاب مخالف سابق چنان بی اثر بودند که ایران همان موقع هم فقط به طور اسمی تک حزبی نبود. شاه تمام تصمیمات مهم سیاست را خود اتخاذ می کرد و این کار را ادامه هم خواهد داد. در اکثر موارد او فقط باید اوضاع موجود را قانون بندی کند. در انجام این امر به هر حال بخشی از نمای ظاهری شرکت در قدرت را که برای ایران و ایرانیان بسیار مهم است را هم حذف کرده است.

تشخیص اینکه او هوای چه امتیازاتی غیر از افزایش کنترل خود بر نیروهای موجود در دو جامعه را دارد مشکل است.

میکلوس

تحول اخیر قدرت در ایران

ص: ۲۹۰

از : سفارت آمریکا در تهران قسمت A/۷

به : وزارت امور خارجهتاریخ : آوریل ۱۹۷۵ ۴/۱۱/۷۵

محرمانه

موضوع : تحول اخیر قدرت در ایران

خلاصه : ساخت قدرت در ایران طی دهه اخیر شاهد سلطنتی بوده است که روز به روز محکمتر، مطمئن تر و خودکامه تر شده است. در چند سال اخیر با رشد پیچیدگی امور کشور مراکز محدود قدرت سر برآورده اند که شاه نتوانسته یا نخواسته است کنترل مستمر خود را بر آنها حفظ کند. تجارت عمده و صنعت، یکی از این مراکز است. سیستم سیاست حزبی یکی از مراکز سابق بوده و ارتش یکی از مراکز بالقوه مستقل قدرت می باشد که در ذیل تحت بررسی قرار گرفته اند : اگر این مراکز قدرت رشد خود را همچنان ادامه دهند، پس از غیبت شاه بهر صورت که باشد، سهم به سزایی در حفظ پایداری و آرامش کشور خواهند داشت. اما شاه اخیرا اقدام به کاهش استقلال عملی احزاب از طریق حل کردن آنها در یک جنبش که رهبری آن منقسم و در قبال شاه مسئول است نمود. به میزانی که او قادر به حفظ نظارت دقیق خود بر حزب جدید است. این دستگاه از جوابگویی نیازها و فشارهای احتمالی آینده عاجز خواهد بود.

(پایان خلاصه)

۱ شاه و اعمال قدرت

در طول دهه اخیر شاه به یک چهره فوق العاده تبدیل شده است. یک حاکم خشک فداکار و مستبد که معین کننده مسیر کشورش است و برای حصول اطمینان به اینکه کشور حتما همان مسیر را می پیماید در امور دخالت می کند. به مرور تجربه و اعتماد به نفس شاه افزایش یافته است و مشاورین ارشدی چون تیمسار یزدان پناه از صحنه کنار رفته اند، وی نیز کمتر به منظور مشورت در امور سیاسی به دیگران رجوع

کرده است. بعضی ناظران تصور کرده اند که او از واقعیت به دور مانده، ولی این طور نیست. او با دقت تمام کانالهای متعدد ارتباط مستقیم با خود را، از طریق گروه وسیعی از افراد مقامات حفظ کرده است. از طریق این شبکه شخصی سنتی، اطلاعات بنیادی برای تصمیمات خود فراهم می کند. سیاست شاه این است که به تنهایی تصمیم بگیرد. قسمتی از آن به این دلیل است که کس دیگری با دید وسیع و عمق آگاهی او در داخل صحنه پیدا نمی شود که بتواند به طور مداوم به او اطمینان کند و همچنین به این دلیل که بعید است کسی به استثناء شهبانو، شاهزاده اشرف و وزیر دربار (علم) حاضر باشد به او اقداماتی را پیشنهاد کنند که مطلوب نظرش نباشد یا به او بگویند که تصمیمش جاهلانه بوده است. اینک بیشتر به علت موفقیت سیاستهای شاه همراه با رشد پیچیدگی امور مملکت، یک نفر، هر قدر هم با استعداد، یافت نمی شود که قادر به اتخاذ تمام تصمیماتی که روزانه برای گذراندن امور جامعه لازمند، باشد. به عنوان یک امر لازم به ناچار مراکز محدود قدرت مختلف با منافع متعدد تشکیل شده اند، که خودشان امور روزانه خود را در محدوده فعالیت و چارچوب رهنمودهای سیاسی شاه کنترل می کنند. این گروهها به خاطر توانایی زیاد خود در اعمال سیاستهای داخلی شاه، آزادی عمل محدودی به دست آورده اند که به رواج قدرت یابی از راه اعمال نفوذ منتهی شده است.

این تغییرات در ساخت قدرت داخلی ایران، نتیجه تحول اجتماعی مملکت بوده است. شاه آگاهانه

قدرت و نفوذ برای این مراکز معین نکرد؛ اما تا این اواخر هم با توسعه آنها مخالفتی نداشت. در واقع مدتی به نظرمان می رسد که وی تأییدشان هم می کند زیرا فکر می کردیم مقصود او از رشد مراکز مستقل با طرح او برای نقشی هادی تر، خلاصه تر و جداتر برای پادشاهان آینده بود تا امکان رقابتها در سطوح پایین ایجاد شود. ما معتقدیم که این مراکز قدرت رقیبی برای شاه فعلی نیستند. اگر در مورد حزب ایران نوین ممکن است وی احساس تهدید بالقوه کرده باشد در هر حال او می تواند در موارد معین که خودش انتخاب می کند در کار این مراکز دخالت کند؛ اگر چه کنترل کامل و دائم آنها را نمی تواند داشته باشد (حتی قبل از رشد مراکز مستقل قدرت، بوروکراسی سنتا بی عرضه و تنبل ایران سدی عملی برای تسلط دقیق شاه بر اوضاع بود). این گزارش، یکی از مرکز فعلی قدرت یعنی تجارت عمده و صنعت، یکی از مراکز سابق قدرت یعنی سیستم حزبی و یکی از مراکز بالقوه مستقل «قدرت ارتش» را به طور خلاصه تحت بررسی قرار می دهد.

۲ مراکز قدرت

الف: تجارت عمده و صنعت

در دهه ۱۹۶۰ یعنی از همان اوان کوشش شاه برای صنعتی کردن ایران، تجارت عمده و صنعت به هزاران طریق از سیاست دولت برای تشویق تکاثر سرمایه های خصوصی نفع می برد. در یک محیط بسته سیاسی به ناچار بسیاری از درخشان ترین و فعال ترین چهره های ایران جلب حوزه اقتصاد شده اند، جایی که ابتکار فردی طبق ارزشهای بی سر و ته مانند رشد ملی، اغلب بسیار مورد پسند واقع می شد. این رویه به جایی رسیده است که تجارت عمده و صنعت چنان وسیع و پیچیده شده اند که دولت دیگر قدرت نظارت نزدیک بر اعمال روزانه را از دست داده است و مدیران به تدریج اعمالگر قدرت قابل ملاحظه ای شده اند.

یک نمونه از جریان رشد استقلال این بخش معامله بین لاجوردی و دوپونت به مبلغ ۵۰۰ میلیون دلار است. این معامله بدون نفوذ دربار یا ارجاع به آن مذاکره و امضاء شده بود. امری که همین چند سال پیش

غیر ممکن بود. بعضی تجار با اطمینان به کارمندان سفارت اظهار کرده اند که دیگر لازم نیست یک وزیر یا سناتور آشنا داشته باشی تا کارهایت انجام شود حالا نام و موقعیت (ثروت) آنها قدرت و وجهه لازم برای انجام شدن امور را دارد. به علاوه زمانی تجارت عمده و صنعت مقادیر متنابهی برای حزب ایران نوین تأمین می کرد و احتمالاً چنین کاری را برای جانشین، حزب رستاخیز ایران نیز انجام خواهد داد. به این ترتیب برای هردو امکان ارتباطات جدید و توسعه بیشتر حوزه فعالیت مستقل پدید خواهد آمد. مهمترین بخش توسعه و رشد اخیر ایران اقتصاد بوده است. چون تجارت عمده و صنعت بزرگترین استفاده ها و منافع را از سیاستهای شاه برده اند. به همین دلیل تجارت عمده و صنعت حکم پایه های اساسی در ساختمان رژیم فعلی را داشته اند و اگر چه سعیشان بر این بوده است که از سیاست به مفهوم رسمی آن اجتناب کنند؛ ولی می توان انتظار داشت که آنها به هر رژیم آتی که آرامش و سیاستهای مشابه رژیم حاضر همراه خود بیاورد حمایت عمده مالی بکنند.

ب: سیستم حزبی

حزب ایران نوین یک حزب عمده سیاسی به مفهوم غربی آن نبود و چنین انتظاری هم از او نمی رفت. به هر حال این حزب یک نهاد عظیم با وسعتی بود که به استثنای حزب مطرود توده هرگز در ایران شبیه آن

وجود نداشته است. اصولاً جذابیت آن برای اعضایش در آن بود که شخص را به سطح بالا می رساند. اما مهمتر از آن استفاده ای بود که به رهبران آن مخصوصا نخست وزیر هویدا، برای توسعه نفوذ و قدرتشان می رساند. حزب ایران نوین با توجه به تشکیلات سرتاسری، متصل به ساختهای محلی قدرت می باشد و ارتباط آن با تجارت عمده و رابطه نزدیک آن با تشکیلات امنیتی(۱) همچنین رابطه با قدرت رهبری، توانایی آن در پر کردن تمام مشاغل برجسته دولتی به وسیله خود اعضای حزب، حائز قدرتی قابل توجه بود. حزب بر سیاست خارجی نفوذ نداشت ولی با اجرای اهداف متعدد خود در دوره قدرت و نقشش به عنوان نگهبان انقلاب شاه و مردم اصول انقلاب را عملی نمود.

اکثرا اعضای صاحب مقام موقعیت خود را مدیون هویدا بودند که طی بیش از ده سال نخست وزیری پایگاه قدرت دهشتناکی برای خود در حزب ساخت، برپایی این پایگاه از زمانی شروع شد که در نشست حزب در ژانویه ۱۹۷۵ وی به عنوان دبیرکلی برگزیده شد. این موضوع در مسافرتهای متعدد وی به استانها و تشویق طرحهای عمرانی جاری و انتصاب اشخاص جدید و دریافت عریضه از مردم مانند پادشاهان قدیم نمایان می گردد. معروف است که هویدا پادشاهی استبدادی را در ایران بی موقع می داند اما واقعگرا هم هست و با دقت در تجدید قدرتش و چاپلوسی برای داشتن رضایت شاه، روال سیاسی موفقی برای خود دست و پا کرده است. ما علامتی دال بر قصد او به تغییر سیاست خود نیافتیم؛ اما آن طوری که مشهور است ممکن است شاه بر اساس گزارشهای عدم کفایت حزب و فساد و احساس اینکه ایران نوین برای ایفای نقش مخالف بیش از حد قوی شده است، ممکن است باعث شده باشند که شاه قضایا را از دید دیگری ببیند.

واضح است که شاه دلایل متعددی برای انحلال سیستم چند حزبی (رجوع به ۲۰۶۹ تهران) که قدرت ایران نوین یکی از آنها بود دارد. ما بعید می دانیم که او هویدا یا ایران نوین را رقیبی برای قدرت پادشاهی

خود یافته باشد. اگر چه ممکن است رشد و تسلط فزاینده هویدا و ایران نوین برای او علامت این بوده باشد که حزب می تواند به جای برسد که شاه نتواند آن را کنترل کند و حزب دیگر قادر به اجرای وظیفه ای که او در نظر گرفته بود نباشد. مطمئنا این گونه عنوان ساختن نقش حزب و رهبرش نزد شاه از جانب دشمنان هویدا بوده است و در هر صورت زمانی که شاه احزاب سیاسی را در حد یک حزب منفرد که به ابتکار همایونی تشکیل شده منحل کرد، واضح بود که این نشانه یک بازگشت حداقل در این زمینه به کنترلهای سختتر شاهانه و نقض صریح طرحهای ظاهری خودش برای دخالت کمتر در مسایل روزانه بوده است.

اگر توسعه ای که برای حزب رستاخیز ایران در نظر گرفته اند حاصل شود، فعالیتهای آن ضرورتا از حوزه نظارت دقیق شاه خارج خواهد شد. برای مقابله با این امر شاه عضویت تمام مقامات بالای ایرانی را در آن اجباری کرده است و به این ترتیب وی خود را مطمئن نموده است که برای رقبای خود هم تکلیف تعیین خواهد کرد و هیچ کس هم کنترل حزب را به دست نخواهد آورد. یک حزب بی قابلیت و منقسم نخواهد توانست مانند ایران نوین پایگاه و زمینه قدرتی بعد از شاه داشته باشد. در حقیقت امتحان اینکه حزب رستاخیز بعد از شاه پایدار بماند بسیار کم است.

ج: ارتش

۱- این امر از آنجا تأیید می شود که هویدا خود رابطه نزدیکی با یکی از رؤسای قدرتمند ساواک (پرویز ثابتی) دارد و حزب هم این توانایی را داشت که اشخاص سابقه دار در جبهه ملی یا حزب توده را در کادر بالای خود نگه دارد در حالی که روزنامه نگاران یا دیگران با همین سوابق اخراج می شوند.

ارتش را می توان یک مرکز قدرت به هر مفهومی تعریف کرد؛ به هر حال نباید فرض کرد که ارتش مستقل از شاه عمل می کند. البته قوه چنین کاری را دارد ولی واقعیت این است که شاه هم حساسیت زیاد دارد که ارتش رو به رشدش، یعنی تکیه گاه نهایی سلطنت راضی و وفادار باشند. وی آخرین تجهیزات را برای ارتش فراهم می آورد؛ آنها را از مالیات بر درآمد معاف کرده است؛ به میزان ۲۰ درصد حقوقشان را نسبت به کارکنان کشوری افزایش داده است. سعی فراوان دارد که بر وجهه و نقششان بیفزاید و در عین حال به منظور یک اقدام احتیاطی فرماندهیشان را مستقیما نسبت به شخص خود، مسئول قرار داده است. وفاداری نیروهای مسلح شاه را در مواجهه با دردسرها تقویت زیادی نموده است. برای مثال در سال ۱۹۶۳ دستجات ارتش محکم در برابر گروههای تظاهر کننده بر ضد اصلاحات ارضی و شرکت زنان در انتخابات ایستادند.پانزده سال پیش بسیاری از مشاغل دولتی در دست افسران تشویقی یا بازنشسته بود. ولی الآن این طور نیست.

خانواده های سطح بالای ایران برخلاف سابق، ارتش را دیگر پله ای برای دست یافتن آنها به مدارج ترقی نمی یابند. بسیاری از جوانان تحصیلکرده خدمت وظیفه سربازی را تنفرآور می دانند و کوششهای فراوان می کنند که از آن اجتناب ورزند که اغلب موفق نمی شوند. ده سال پیش ترفیع تمام افسران از سرهنگ به بالا می بایست با تصویب شخص خود شاه باشد. ترفیعات بر اساس رابطه اعلیحضرت همایونی با آنها بود. این امر باعث ایجاد یک وفاداری شدید شخصی بین افسران نه به دستگاه پادشاهی، بلکه به خود صاحب دستگاه شد. به مرور که ارتش توسعه یافت دیگر امکان نداشت که فقط آنان در رابطه شخصی با شاه ترفیع یابند و حالا تدریجا ترفیع بر اساس آزمایش لیاقت، داده می شود. اگر چه هنوز ترفیع امراء باید با تصویب شاه باشد. همچنان که ماشین نظامی ایران رشد خود را ادامه می دهد و تجهیزات پیشرفته ای به دست می آورد، احتمال می رود ایران مجبور شود به تحصیلات و قابلیت یادگیری لازم برای

عمل با این تجهیزات بیشتر از مصالح امنیتی ارج گذارد. اگر چه مخالفین سرسخت حکومت فعلی بین دانشجویان و نخبگان تحصیلکرده، پیدا می شوند، این احتیاج و رقابت بین ارتش و بخش خصوصی برای جذب استعدادها شتاب بیشتر خواهد یافت و جریان استخدام جوانان قابل آموزش، از خانواده های کم درآمد و اغلب دهاتی که احتمال پیشرفتشان از طرق معمول و غیر لشکری کم هست و خود و اقوامشان هم کمترین بهره را از اصلاحات شاه برده اند، خواهد بود. ابتدا این طور به ذهن می رسد که این استخدام شدگان طبقه پائین به سبب بهبود و پیشرفت این موقعیت خود که بدون انقلاب شاه و ملت برایشان امکان پذیر نبود، همواره سپاسگزار خواهند بود. اما وضعیت های مشابه در دیگر کشورهای در حال رشد چنین نتیجه ای به بار نیاورده است. ما معتقدیم که این باعث ایجاد چند دستگی قابل توجهی میان افسران خواهد شد. آنها عموما به دستگاه پادشاهی وفادارند، ولی دیگر عمده وفاداری را منحصر به شخص پادشاه فعلی

نمی دانند. به علاوه یک گروه کوچکتر هم معتقدند که خود پادشاهی هم با زمان نمی سازد، ولی در حال حاضر برای ایران چاره قابل اجرایی غیر از آن یافت نمی شود و ما تأکید می کنیم که این معنایش عدم وفاداری ارتش در ایران نیست. به عکس به اعتقاد ما ارتش در مواجهه با هر رقیب حکومت غیر از شاید یکی از خودشان بشدت جانب سلطنت را خواهد گرفت. معنای اصلی منظور ما این است که دیگر سیستم سنتی نظارت و تشویق شخصی از بالا برای ساخت ارتش ایران که روز به روز پیچیده تر و پیشرفته تر

می شود قدیمی شده است و می شود. اگر این جریان ادامه یابد تمایل ارتش به استقلال بیشتر در عمل افزایش خواهد یافت، مخصوصا اگر وضع نامعینی مثل مردن شاه در زمان صغارت ولیعهد پیش آید.

۳ نتیجه گیری

ما این تحولات ساخت قدرت ایران را، به استثنای ایجاد سیستم تک حزبی برای منافع ایالات متحده مفید می دانیم. تا زمانی که شاه زنده است احتمالاً آن مراکز قدرت نقشهایی در تبعیت از شاه ایفاء خواهند کرد و به محض اینکه او بالاخره بمیرد و شاه جدید و تازه کار ظرفیت بی چون و چرای پدرش را برای دخالت در امور نداشته باشد، حوزه عمل این مراکز قدرت احتمالاً افزایش چشمگیری خواهد یافت و خصوصا حالا که قبل از مردن شاه مقداری استقلال عمل هم داشته اند، این امر بیشتر صادق است. اکثر ایرانیان با مقاصدی که شاه برای ایران معین کرده است، موافقت دارند. مگر بعضیها که به روشهای او خرده می گیرند. مراکز قدرت هم که در این گزارش معرفی شده اند بیش از همه از سیاستهای او بهره برده اند. مراکز قدرت یاد شده جز حزب رستاخیز که ممکن است آن را استثناء کنیم، منافعشان در وضع موجود است و احتمالاً این توانایی را دارند که در دوران انتقالی تحویل سلطنت به جانشین جدید کمکی برای حفظ ثبات باشند. از این نظر ایجاد حزب رستاخیز یک اقدام قهقرایی خواهد بود. زیرا این ارگان سیاسی جدید حزبی است بی کفایت، بارکش که جثه بزرگش تجزیه شده و استقلالش هم از حزب ایران نوین کمتر است. بنا بر این محتمل نیست موقعی که محمدرضا پهلوی دیگر رفته است بتواند پایه محکمی برای ثبات محسوب شود. در هر صورت حالا که شاه برنامه اش را برای کناره گیری از سلطنت به نفع فرزند خود اعلام کرده است و جایگزینی رضا پهلوی بعد از او به توافق رسیده است، ادامه سر برآوردن بناهای نیمه مستقل قدرت می تواند، حداقل چاره ای برای تضمین ثبات در مرحله انتقال جانشین یک حاکم مستبد باشد. هلمز

قسمت A/۸ محرمانه

نقش و شخصیت ارتش تأثیرات رفتار

گروه افسران نظامی ایران

خلاصه : افسران ایرانی در حال حاضر فعالیتهای سیاسی علیه رژیم ندارند. دولت ایران قدمهایی جهت اجرای اقدامات امنیتی و رفتارهای دقیق جهت حفظ وفاداری آنها برداشته است. مشکل بزرگتر در اصلاح افسران، تعویض (تغییر) شخصیت افسران از آنچه که بودند می باشد. افسران جوان نشان داده اند که در آینده افرادی بی درد سر خواهند بود، اگر اوضاع اقتصادی و ساخت سیاسی آنها مورد رسیدگی قرار گیرد. متوجه شده ایم که درک ما از رشد فکری افسران ایرانی محدود بوده است و بر این عقیده ایم که باید توجه بیشتری به چگونگی این مسئله مهم داشته باشیم. ما توصیه می کنیم که آموزش زبان فارسی برای مستشارانی که به ایران فرستاده می شوند به طور مؤثری افزایش یابد و ترتیب برنامه هایی در این جهت برای پیشبرد منافع آمریکا داده شود.

ما در مورد این موضوع مصمم هستیم که گزارشات مکرری تهیه کرده و بفرستیم

قسمت A/۹

گزارش وضعیت مواد مخدر

خلاصه : در سالهای گذشته نقش ایران در زمینه مواد مخدر بین المللی افزایش چشمگیری داشته است. بیشتر حشیش از طرف افغانستان و پاکستان به ایران وارد می شود و به کشورهای اروپای غربی توسط عبور کنندگان از ایران به وسیله کامیون حمل می شود که اغلب با خطوط حمل و نقل بین المللی (TIR)همراهی می شوند. موضوع مهم مسئله اعتیاد بیش از اندازه در ایران است. برای اصلاح وضعیت معتادین به مواد مخدر در داخل، ایران بایستی در قسمت منطقه ای و بین المللی همکاری کند و این چیزی است که در گذشته اجرا نمی شده است. با وجود فعالیتهایی که بر ضد مواد مخدر به وسیله پلیس ملی انجام گرفته است (در خلال ۲۰ سال گذشته) اما قانونی برای همکاری آنها با نمایندگان کشورهای دیگر وجود ندارد. ساختمان بوروکراسی ایران همکاری بین پلیس و ژاندارمری و گمرک را در مورد گرفتن مواد مخدر مشکل کرده است. فعالیتهای ادارات برای جلوگیری از اشاعه مواد مخدر در ایران خیلی کم است و محدود عمل می کنند. برنامه این اداره با پلیس و ژاندارمری احتیاج به هماهنگی و آموزش لازم برای اجرای مأموریتها دارد.

بخش سوم

شاه و آمریکا

سند شماره ۱سرّی

ایران ۱ تهدیدات ایران (سرّی)

شاه معتقد است که ایران با تهدیدات زیادی در سالهای آینده مواجه خواهد شد که عمده آنها تهدید شوروی است. از قدیم ایرانیها ترس تسلط یافتن روسها را به خود داشته اند و آنها را تهدید عمده ای برای تمامیت ارضی خود قلمداد کرده اند. علیرغم همکاریهای اخیر اقتصادی ایران و شوروی، شاه به سختی معتقد است که اهداف تاریخی روسیه که تسلط بر امور خلیج فارس و ارتباط یافتن با بنادر آبهای گرم از راه خشکی می باشد، همچنان تعیین کننده خط مشی روسیه در قبال خاورمیانه و جنوب آسیا خواهد بود. شاه می داند که تصرف نظامی ایران سریع ترین راه برای دستیابی به این آمال می باشد. ولی او احتمال اقدام چنین عملی را بعید می داند؛ به این دلیل که روسیه اکنون مشغولیتهای مهمتری از قبیل چین، تشنج زدایی با اروپا و بهبود روابط با ایالات متحده دارد. به علاوه او به کمک ایالات متحده در دفع حمله شوروی حساب می کند. آنچه بیشتر باعث نگرانی اوست تهدیدی است که روسیه غیر مستقیم و با کمکهای آشکار و نهانی خود به عناصر ناراضی و حکومتها، خصوصا حکومت عراق که قصد برهم زدن امنیت ایران را دارد اعمال می کند. تهدیدات استراتژیک حاصل از پیوندهای نزدیک بین هند، عراق، افغانستان و اتحاد شوروی شاه را مضطرب نموده است. به عقیده وی نفوذ فزاینده شوروی در بین این کشورها باعث تشدید کلیه تهدیدات علیه منافع ایران می شود. شاه می ترسد که اینک با آشکار شدن علائم تقلیل نفوذ روسیه در ساحل شرقی مدیترانه، آن کشور بیش از پیش توجه خود را به ازدیاد نفوذ در خلیج [فارس]، تحکیم روابط با افغانستان و عراق در شمال و حمایت از اقدامات شورشی برای سرنگونی حکومتهای محافظه کار در ناحیه استانهای ساحلی تا جنوب معطوف سازد. این دلیل عمده شاه برای اعزام نیروهای ایرانی به عمان و جنگ با شورشیهایی که توسط جمهوری دمکراتیک خلق یمن که پیرو شوروی است، می باشد. او در مورد

تحولات اخیر ترکیه بیمناک است، زیرا با کاسته شدن ثبات ترکیه امنیت ایران نیز در درازمدت در معرض خطر قرار خواهد گرفت. به علاوه مشکلات سیاسی پاکستان که توسط ناراضیان در مرز شمال غربی و استانهای بلوچستان ایجاد شده موجب تردید او در توانایی پاکستان در حفظ تمامیت خود شده است. حقیقت این است که شاه نهضت مخفی و جدایی خواه بلوچ در پاکستان را تهدید مستقیمی برای بلوچستان ایران می داند.شاه همچنین امنیت تجهیزات و خطوط نفت خود به غرب را حائز اهمیت حیاتی برای ایران می داند. او بشدت نسبت به ضربه پذیری.. نقش حساسی است...(۱)

شرکت خانواده سلطنتی در تجارت ایران

سند شماره ۲

سرّی غیرقابل رؤیت برای خارجیانژوئن ۱۹۷۲ خرداد ۵۱

شرکت خانواده سلطنتی در تجارت ایران

منافع خاندان سلطنتی یک طیف وسیعی از تولیدات سیمان گرفته تا محصولات کشاورزی را شامل می شود. این دلالت بر آن ندارد که آنها بیشترین سهام را در این کمپانیهای متعدد دارا می باشند. در بسیاری

۱- این سند در این جا ناتمام بوده و صفحات بعدی آن به دست نیامد.

موارد آنها سهامدارانی بی سروصدا و با کمترین سهم بوده و یا کسانی دیگر برای آنها سهام گذارده اند. بعضی از اعضای خانواده سلطنتی علاقه آشکار شخصی به فعالیتهای شرکتهایشان دارند.

شاهپور عبدالرضا، به عنوان یک مالک بزرگ که علاقه زیادی به کشاورزی پیشرفته دارد، در شرکت ایران جاندیر که ماشینهای کشاورزی می سازد و وارد می کند و می فروشد سهام دارد. او همچنین به حفظ منابع طبیعی و حیوانات علاقه مند است، لذا او مالک شرکت صفاریهای ایران و یک شرکتی است که مسافرتهای شکاری را سازمان می دهد (سازمان حفاظت و محیط زیست یا شکاربانی).

در زیر لیست خیلی اجمالی از بعضی داراییهای تجارتی خاندان پهلوی (به غیر از شاه) نشان داده شده است:

بنیاد پهلوی

این سازمان مالک هتلها، رستورانها و سهام های بسیار در شرکتهای متعددی می باشد. از میان مسایل یاد شده نقش آن در بخشهای دارویی (مؤسسه رفاهی داروپخش) و کارخانجات پنبه نسوز و سیمان بیشتر است.

این بنیاد ۵۰٪ تولیدات سیمان ایران را کنترل می کند. بنیاد درآمد فزاینده ای دارد که ظاهرا صرف امور خیریه ای که بنیاد مدعی بود به خاطر آن تشکیل یافته است می شود؛ ولی رقمی در حدود ۲۰ تا ۴۰ درصد این درآمد به اعضاء خانواده سلطنتی می رسد.

بنیاد به طور مؤثری اداره نمی شود چرا که اکثرا از آن برای یافتن شغل برای دوستان و وابستگان خاندان پهلوی استفاده می شود. چون این بنیاد از پشتیبانی دربار برخوردار است اولویتهایی بی اندازه به آن داده می شود، به طوری که توسعه تجارت ایران را مختل ساخته و مانع رشد آن می شود بنیاد سرچشمه بیشتر نارضایتیهای ایرانیان از فعالیتهای خانواده سلطنتی است. سرّی

یادداشت مذاکرات

ص: ۲۹۸

سند شماره ۳

از : تورین محرمانه

به : سفارت آمریکا تهران

موضوع : یادداشت مذاکرات

شرکت کنندگان : کارمند قسمت روابط عمومی فیلیپ پیلزبوری، جیوب گاتی.

محل : رستوران فرانچسکوتورینو تاریخ : ۳۱ آگوست ۱۹۷۷ ۹ شهریور ۵۶

آقای گاتی حدود سه هفته در ژوئیه ۱۹۷۷ ۱۶ تیرماه ۵۶ در پروژه IBRD در ایران بسر برد. مشاهدات او موضوع این گزارش می باشند.

۱ اردوی کار (تربیتی)

آقای گاتی به همراه دو تن از همکاران توسط ماشین به لرستان سفر کردند. یکی از مأموران ساواک هم به همراه آنان بود. نزدیکی قم تصادفی صورت گرفته بود و جاده بسته شده بود. مأمور برای آنها اجازه گرفت و آنها با استفاده از یک جاده خاکی بیراهه ادامه دادند. به زودی چند جیپ از عقب و جلو آنان را اسکورت کردند. بعد از مدتی آنها به جایی در کنار کویر رسیدند که مأمور آن را اردوی تربیتی می نامید. طول آن ۷ یا ۸ کیلومتر بود و سه ردیف سیم خاردار به دور آن کشیده شده بود. سربازان با مسلسل به صورت آماده باش ایستاده بودند. آقای گاتی گفت که موقع رسیدن به مقصد از او خواسته شد مهمان سرهنگ ساواک لرستان که اسمش را نگفتند باشد. آقای گاتی گفت سرهنگ به او تریاک تعارف کرد و او نپذیرفت. بعد از مدت کوتاهی سرهنگ به راحتی گفت که ۲۰۰/۰۰۰ نفر در این اردوهای تربیتی وجود دارند. آقای گاتی گفت البته هیچ وقت از اصطلاح «زندانی سیاسی» استفاده نمی شد. اوضاع داخل اردو که او توانست مشاهده کند او را لرزانیده بود.

۳ ارتش

آقای گاتی چندین جلسه با افسران، مخصوصا افسران نیروی دریایی، صحبت کرده : (ایتالیاییها منافع

قابل توجهی در نیروی دریایی ایران دارند، چون بسیاری از ایرانیان به دانشگاه نیروی دریایی در گمبورن می روند و ایران کشتیهایی را که در لاسپنر ساخته می شود خریداری می کند). آقای گاتی گفت ارتش از رژیم حمایت می کند، ولی به طور فزاینده ای نگران مبالغ عظیم پولی هستند که از خریدهای ارتش حاصل می شود و به جیب عده ای غیر نظامی می رود. گذشته از این آنها نگران حقوقهای نسبتا کم خودشان هستند. گاتی احساس می کرد که ارتش نقش فعالتری در سیاست ایفا خواهد کرد و حتی می تواند بعد از رفتن شاه فعلی کودتایی انجام دهد و پسرش را به عنوان رهبر روی کار آورد.

۲ منابع انسانی و فساد

گاتی در مورد اتلاف نیروی انسانی به خاطر فساد تا جایی که مشاهده کرده بود گفت: ایرانیان از خارج بر می گردند، با تحصیلات و تخصص عالی ولی اینجا دیگر کاری نمی کنند، در عوض تمام پروژه ها به شرکتهای خارجی داده می شود. او نظرات خاصی در مورد پروژه ساختمان قبر شاه بیان کرد. این برنامه ۱۱۴ آرشیتکت دارد که اکثرا خارجی بودند و تحت نظر قسمتی که آرشیتکت دربار سلطنتی گفته می شد کار می کردند. گاتی از وجود فامیلهای شاه در همه جا متعجب شده بود. او گفت برادر شاه، ترابری را کنترل می کند و حمل و نقل کامیون را بر ترن ترجیح می دهد. او حاضر نمی شود که راه آهن بین اراک و اصفهان ساخته شود؛ این پروژه می تواند مقدار زیادی از خرجهای حمل و نقل بکاهد. خواهر شاه مسئول صنایع است. هیچ تصمیم اساسی بدون مشورت با او گرفته نمی شود. شهبانو مسئول خانه سازی می باشد و او وزیر فعلی مسکن را به دلیل آشناییشان در پاریس در دوران دانشجویی انتصاب کرده است.

۴ نفوذ فرانسه

گاتی تحت تأثیر نفوذ عمیق فرهنگ فرانسوی مخصوصا در سیستم تعلیم و تربیت وزارتخانه ها قرار گرفته بود. فرانسویها به گفته او فعالانه مخصوصا در سازماندهی مجدد وزارتخانه های دولتی شرکت

دارند، و درصدد فراهم آوردن امکان فرستادن کارمندان ایرانی برای تحصیل در مدارس بزرگ فرانسه هستند

۵ بعضی برداشتهای عمومی

الف) شاه و شهبانو مورد انتقاد قرار نمی گیرند ولی انتقادهای روزافزونی نسبت به زیاده رویهای خانواده سلطنتی صورت می گیرد.

ب) مردم در ایران رو به سوی دیکتاتوری دارند نه دمکراسی، حتی اگر دیکتاتور کسی غیر از شاه باشد. ظاهرا امید و علاقه کمی به دمکراسی در ایران وجود دارد.

ج) به جای احساسات ضد کمونیستی احساس عمیق، و گسترده ضد شوروی وجود دارد. گاتی بر اساس ادعاهای شوروی بر ایران از انشعاب در حزب توده صحبت می کرد.

ص: ۳۰۰

سند شماره ۴

تهران، ایران ۵ ژانویه ۱۹۷۸ ۱۵ دی ۵۶

اصلان عزیز

بدین وسیله از زحمات شما در انجام ترتیبات ملاقات هیأت شش نفره سناتورهای آمریکایی (به ریاست ویلیامز و معاونت استیونس) از ۹ تا ۱۱ ژانویه قدردانی می کنیم. اعلیحضرت شاهنشاه آریامهر در ملاقات رسمی ظهر ۱۰ ژانویه سناتورها را خواهند پذیرفت. به دنبال آن در ساعت ۱ بعد از ظهر جلسه صرف ناهار می باشد.

شش سناتور مذکور عبارتند از :

سناتور هاریسون ای ویلیامز رئیس

سناتور تد استیونس معاون رئیس

سناتور هاوارد کانن

سناتور آبراهام ربیکوف

سناتور ارنست اف هالینگز

سناتور جاکوب ک جاویتس

آنها در ملاقات و ناهار توسط سفیر سولیوان و من همراهی خواهند شد.

با تقدیم احترامات عالی و گرمترین درودهای شخصی.

ارادتمند جک سی میکلوس

حضرت عالیجناب

دکتر امیر اصلان افشار

ریاست تشریفات

دربار شاهنشاهی

تهران، ایران

۵ ژانویه ۱۹۷۸ ۱۵ دی ۵۶

اصلان عزیز

بدین وسیله از زحمات شما در انجام ترتیبات ملاقات نمایندگان (نمایندگی کنگره زابلوکی) ۱۳ الی ۱۵ ژانویه قدردانی می کنیم. اعلیحضرت شاهنشاه آریامهر در ملاقات رسمی ظهر ۱۴ ژانویه نمایندگان را خواهند پذیرفت. به دنبال آن در ساعت ۱ بعد از ظهر جلسه صرف نهار می باشد.

نمایندگان عبارتند از :

نماینده کلمت جی زابلوکی

نماینده دانته بی فاسل

نماینده جاناتان بی بینگهام

نماینده لئو جی رایان

نماینده هلن اس مینر

نماینده دانالد جی پیز

نماینده جان جی کاوانف

نماینده ویلیام اس برومفیلد

نماینده پائول فیندلی

نماینده لاری وین جونیور

نماینده شرلی ان پتیس

نماینده بنجامین ای جیلمن

نماینده جی هربرت بروک

نماینده کریستوفر دد

نماینده دل گلاوس

عالیجناب

دکتر امیراصلان افشار

ریاست تشریفات

دربار شاهنشاهی

اگر چه هیچ یک از اعضای کادر اداری نمی توانند در برنامه اولیهای که سناتورهای ایالات متحده شرکت دارند حضور یابند ما این را بسیار مهم می دانیم که (از دیدگاه منافع مشترک ایران و آمریکا) افراد زیر در برنامه ۱۴ ژانویه شوند :

آقای کنت هاردینگ افسر مخصوص نمایندگان

آقای جان جی برادی مدیران کمیته روابط بین المللی

مجلس نمایندگان

آقای جرج آر بردس معاون اجرایی آقای رئیس زابلوکی

سفیر سولیوان و من این گروه را در ملاقات و ناهار همراهی خواهیم نمود.

با تقدیم احترامات عالی و گرمترین درودهای شخصی

ارادتمند:

قائم مقام هیئت دیپلماتیک

جک سی میکلوس

مکالمه تلفنی رئیس جمهور با شاه

سند شماره ۵

شماره سند ۹۱۶۹

از : وزیر امور خارجه واشنگتن دی سی تاریخ : ۱۰ سپتامبر ۱۹۷۸ ۱۹ شهریور ۵۷

به : سفارت آمریکا تهران فوری ۶۴۴۸استفاده اداری محدود

موضوع : مکالمه تلفنی رئیس جمهور با شاه

۱ کاخ سفید در ساعت ۴ بعد از ظهر یکشنبه به وقت محلی بیانیه زیر را انتشار داد:

«رئیس جمهور امروز صبح به شاه ایران تلفن کرد و در مورد وضع فعلی ایران با او بحث کرد. رئیس جمهور روابط نزدیک و دوستانه بین ایران و آمریکا و اهمیت اتحاد ادامه دار ایران با غرب را دوباره تصریح کرد. رئیس جمهور تأسف عمیق خود را در مورد کشتار ابراز داشت و اظهار امیدواری کرد که خشونت هر چه زودتر پایان بیابد. او همچنین اظهار امیدواری کرد که حرکت به سوی آزادیهای سیاسی ادامه یابد.

۲ (برای اطلاع شما) در این زمینه ما به خبرگزاریها می گوییم که رئیس جمهور صبح یکشنبه قبل از رفتن به گیتسبورگ به همراه نخست وزیر بگین و رئیس جمهور سادات به شاه تلفن کرد و مکالمه تلفنی ۱۰ تا ۱۵ دقیقه طول کشید.

۳ مخاطبها می توانند از آنچه که در بالا گفته شد در تماسهای بین دولت و خبرگزاریها به طور مناسب استفاده کنند.کریستوفر

آقای سفیر عزیز

ص: ۳۰۳

سند شماره ۶

سرّی حساس

آقای سفیر عزیز

از: وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی تاریخ : ۱۰ اکتبر ۱۹۷۸ ۱۸ مهر ۵۷

به : جناب آقای ویلیام اچ سالیوان سفیر آمریکا تهران اداری غیر رسمی

آقای سفیر عزیز

مؤلف نامه ضمیمه در کار تجدید پرونده روانپزشکی سیا (CIA) در مورد شاه می باشد و مایل است شما با جواب دادن به سؤالات فهرست شده و افزودن هر گونه نظری که می خواهید به وی کمک کنید. اگر خواستید می توانید از طریق کانالهای SRF یا از طریق من جواب خود را ارائه دهید (من علاقه مند به جوابهایتان هستم. اگر راه قبلی را برگزیدید، ممکن است که درخواست کنید تا آنها را به من برسانند).

جری پست همچنین دست اندر کار تحلیلهایی در مورد شاهزاده رضا خواهد بود و ما قصد داریم تا آخر اکتبر کارها را مرتب کنیم.ارادتمند: هنری پرشت

ضمیمه: سرّی حساس لیست سؤالات

۶ اکتبر ۱۹۷۸ ۱۴ مهر ۵۷

برای کمک به برآوردمان از وضع دماغی شاه در حال حاضر عکس العمل احتمالی وی، اگر جناب سفیر مبادرت به جواب سؤالات ورزند، بی فایده نخواهد بود.

۱ در رابطه با دوره های افسردگی شاه، آیا هیچ گاه آنقدر شدید بوده است که به طور چشمگیری با کار رهبری وی تداخل داشته باشد؟ آیا نسبت به شرایط بی تناسب به نظر می رسید یا اینکه در قبال مشکلات سیاسی بی میلی و یأسهای متناسبی بودند ؟ در این موقع چه اثراتی در تصمیم گیری های وی مشهود است ؟

آیا وی هیچ گاه دچار فلج بی تصمیمی می شود و یا میل پیدا می کند که تصمیماتی را که در غیر این صورت احتمالاً خودش اتخاذ می کرد، به دیگران واگذارد؟

۲ چگونه خود را از این افسردگی بیرون می کشد ؟ تصمیم گیری وی بعد از یک دوره افسردگی چگونه است، آیا به صورت مبالغه آمیزی قاطع می شود؟

۳ نقش همسر وی را توصیف کنید و به چه میزان شاه به او تکیه می کند.

۴ اظهار نظر درباره برنامه زمانی وی سودمند خواهد بود، در زمینه طرح تحویل یک ایران پا برجا و مدرن به فرزندش، آیا شواهدی دریافت شده است که وی برنامه اش را به تعویق انداخته باشد و احساس کرده باشد برای تحقق بخشیدن به اهداف خود باید مدت بیشتری اداره امور را در دست داشته باشد ؟

۵ هر گونه پیشنهادی که شامل افزایش حمایت نظامی خارجی در دوره بحران داخلی می باشد ارائه شود.

۶ اگر چه شاه ابراز داشته است که بسیاری از سیاستهای اعطایی آزادیهای بیشتر وی بر اثر ابتکارات آمریکا اتخاذ شده اند، اهداف وی برای رسیدن به جامعه دموکراتیک تر برای چندین سال برنامه ریزی شده اند؛ لطفا نظارت خود را درباره میزان تعادل دیدگاههای خود شاه که وی امید اجرای آن را دارد و تسلیم با اکراه او به فشار خارجی را شرح دهید.جرالد ام. پست پزشک

یادداشتهای گروه مسایل کشور ۵ مهر ۵۷

سند شماره ۷

محرمانه ۲۷ سپتامبر ۱۹۷۸

يادداشتهای گروه مسایل کشور ۵ مهر ۵۷

سفير جلسه را با اظهار اينکه هفته خصوصا پر کاری را پشت سر گذاشته ايم، افتتاح کرد. اترتون و سوليوان دو سفير آمريکا در ملاقاتی که با شاه داشتند درباره طرح صلح کمپ ديويد با وی صحبت کردند شاه به طور غير علنی از توافقنامه مصر و اسرائيل حمايت می کند، زيرا او شديدا حکومت سادات را به دولت افراطی ترجيح می دهد. در پی عکس العمل شديد روسها نسبت به توافقها، نگرانی وسيعی در جهان عرب به وجود آمده است.

نمايشگاه تجارت بين المللی تهران همچنان ادامه دارد. بنا به گزارش آقای وستلی اين هفته تعداد بيشتری اجازه بازديد يافتند، ولی ملاحظات امنيتی همچنان سخت می باشد. شرکتهای آمريکايی نتايج مختلفی را گزارش می دهند. به نظر می رسد بعضی از شرکت کنندگان آمريکايی موفقيتهای خوبی عايدشان بشود.

ديروز در اعتراض به محاصره منزل آيت اللّه خمينی در عراق، قسمتی از بازار بسته بود. با برداشتن سربازان از خانه خمينی انتظار از سر گرفته شدن روال عادی تجارت در بازار را داريم. اکثر تانکها از خيابانهای تهران برداشته شده اند.

عليقلی اردلان امروز وزير دربار می شود.آقای اردلان خيلی زود خانواده سلطنتی را به سبب دخالت در تجارت خصوصی شديدا سرزنش نمود. اين امر نشان می دهد که در دولت جديد وزارت دربار اهميت کمتر و کابينه برجستگی بيشتری خواهد داشت. سفير اشاره نمود که وزارت دادگستری نيز در حال تحقيق در امور صنعت پتروشيمی که پسر عموی اردلان از اعضای برجسته آن است می باشد.

در هفته گذشته به همراه رؤسای بالای بخشها با دو وزیر کشاورزی و اطلاعات ملاقات داشته است.

مدیریت فعلی وزارت کشاورزی کاملاً تحسین برانگیز است و نسبت به مدیریتهای قبلی برتری زیادی دارد. آقای شلنبرگر اظهار داشت که مصاحبه هال ساندرز را می توان در تلویزیون محلی نمایش داد.ICA (مرکز همکاریهای فرهنگی) نیز درصدد تهیه یک جزوه سؤال و جواب مانند، برای دانش آموزان ایرانی که قصد تحصیل در آمریکا را دارند می باشد. وی افزود ICA درصدد برپا کردن نمایشگاه ادی گونینگ نیز هست. ژنرال گست دیروز در پنجاه و پنجمین مراسم فارغ التحصیلان نظامی شرکت کرد. شاه نیز حضور داشت اعلیحضرت نگرانی خود را از فعالیتهای میگها به تیمسار ربیعی ابراز کرد. به عقیده سفیر، روسها بر این باورند که ناآرامی های اخیر، دخالتهای ایران در افغانستان و کمکهای ایران به سومالی را متوقف می نماید. ربیعی همچنان به ژنرال گست گفت، که ارتش ایران درباره بودجه خود نگران است، زیرا از این پس وجوهات جدید باید به تصویب هیأت دولت برسد.

به دنبال آن صحبت از بعضی مسایل طرحهای هاری هاچینز، براون و روت به میان آمد. چاه بهار دچار مشکلاتی در امور پرسنلی و تدارکات است که در تاریخ اتمام و هزینه آن اثر خواهد گذارد.

آقای لمبراکیس گزارش داد که امور بعضی بنیادها (از قرار معلوم غیر از بنیاد پهلوی) مورد تحقیق می باشد. وی افزود که در رابطه با امتحانات دانشگاه ملی دیروز دچار مشکلاتی شده بود.

از مذاکره اخیر آقای گرین با تیمسار طوفانیان اطلاعات جالبی به دست آمد؛ از این قرار که آخرین نظریه

شاه این بوده است: «صرفه جویی، تقلیل و گسترش » تیمسار طوفانیان افزود که در سال جدید مالی خریدهای نظامی عمده ای از جانب ایران انجام نخواهد شد.

ICA (مرکز همکاریهای فرهنگی) گزارش داد که در مرکز فرهنگی عباس آباد تجهیزات بیشتری برای مشاوره با دانشجویان فراهم می کنند. علیرغم لغو امتحان اعزام، ثبت نام برای دوره های انگلیسی به میزان زیادی ادامه دارد.

آقای ددیچ که متخصص تنیس و اداره(DEA) مبارزه با مواد مخدر است، در یک کنفرانس منطقه ای در قاهره شرکت خواهد کرد و سپس راهی فرانکفورت و زوریخ خواهد شد.

جلسه گروه مسایل کشوری

محرمانه سند شماره ۸

۲۵ اکتبر ۱۹۷۸ ۳ آبان ۵۷ جلسه گروه مسایل کشوری

سفیر جلسه را با صحبت درباره دیدارکنندگان متعدد سفارت گشود. کودل سولارز آمده و رفته است دونکن، قائم مقام وزارت دفاع و همراهانش تهران را ترک کرده اند، ولی هنوز در کشور هستند. جانشین وزیر، کوپر و معاون قائم مقام وزارت میکلوس در چند روز آینده وارد خواهند شد. آن گاه سفیر سولیوان یک میهمان را معرفی نمود، وی که نامش کلی بود، ناظر امنیت منطقه بود که در جلسه گروه مسایل کشوری حضور یافته بود. از تاریخ آخرین جلسه گروه، سولیوان دوبار شاه را ملاقات کرده بود، این طور می نمود که شاه نسبت به حوادث اخیر، خصوصا اعتصابات شرکت ملی نفت ایران نگران بود. سفیر و ریچارد باش با رئیس کنسرسیوم جان اورنج ملاقاتی خواهند داشت، که می توانند به فهم ماهیت اعتصابات نفت کمک کند. فردا روز تولد شاه است و می تواند حادثه آفرین باشد. سولیوان تذکر داده بود که آمریکاییها کمتر به انظار عمومی بروند. ارتش ایران از اینکه اقدامات قاطع تری در مقابله با تظاهرات اتخاذ نشده کمی عصبانی است. شاه مخالفت می کند، اول به این جهت که عاملین ناآرامی ها به آسانی منزوی نمی شوند. دوم به این دلیل که اگر روشهای شدید مسلحانه پیش گرفته شود، نتایج آن قابل پیش بینی نیست. نظر سفیر بر این بود که اوضاع حتما به رهبری بیشتری نیاز دارد. سپس سولیوان موضوعات کوتاه تری را مطرح کرد، جانشین وزارت، کوپر شنبه بعد از ظهر وارد خواهد شد. آقای کوپر ملاقات شامی با آقای یگانه خواهد داشت، خانمها میلز و تیلور، در ملاقات شام با آقای کوپر آقای انصاری او را همراهی خواهد کرد. روز انتشار سؤال و جوابهای (مربوط به) ملک حسین عقب خواهد افتاد، تا کابینه اسرائیل نشست خود را برگزار کند. آقای شلنبرگر مراقبت خواهد کرد، تا نسخه های ما (از سؤال و جوابها) تا آن زمان مخفی بماند. بخش سیاسی، امور سه ملاقات کننده از دولت را تنظیم خواهد کرد.

این سه عبارتند از : آقایان، گریفین، کلمنت و کوهن.

برادر لی شهردار لس آنجلس تصمیم گرفته است که در برنامه «امور شهری تهران » شرکت نکند. ممکن است که سمینار کلاً به تعویق بیفتد. آن گاه سفیر از خانم دیرزمن درباره قبض مالیاتی سؤالاتی نمود. خانم دیرزمن در جواب اظهار نمود که این قبض در واقع سه قبض جدا از هم است. قانون جدید مخصوصا امکانات پیش بینی شده برای مناطق سخت موجب استقلال قابل توجه آمریکائیها شده است، هر یک از رؤسای بخشها گزارش فعالیتهای عمده قسمت خود را آمریکایی ارائه داد. بنا به گزارش آقای شلنبرگر در سفری که به اتفاق آقای کوران به اصفهان نمودند. دستگاه آموزش و پرورش اصفهان نیز سهم خود را از مشکلات برده است. اکثر مدارس به مناسبت تظاهرات تعطیل و مدیران ارشد در ناراحتی به سر می برند. آقای جان میلز پیامی از دوپونت درباره نتایج احتمالی دولت ایران از وام دادن یا حمایت تعرفه ای برای وی دریافت نمود. آقای میلز اظهار داشت که او و آقای تیلور ملاقاتی با وزیر برنامه داشتند. وزیر مذکور به سه نکته قابل ذکر اشاره نمود. ۱ افزایش حقوقها، ازدیاد بودجه امسال و سال بعد را ایجاب خواهد کرد. ۲ ششمین برنامه پنجساله شروع خواهد شد. ۳ مؤسساتی که علیرغم روال پیشنهاد شده اعتصابات خود را خوابانده اند مجبور خواهند شد که قراردادهای خود را تقلیل دهند، آقای آدلر تذکر داد که شرکت ایالات متحده در تحقیق علل واقعه طبس هیچ انعکاس عمومی نیافته است.

سند شماره ۹

محرمانه

اول نوامبر ۱۹۷۸ ۱۰ آبان ۵۷

سفیر جلسه را با مروری بر حوادث هفته شروع کرد. چند روز خیلی سخت و آشفته و بدترین روز یکشنبه ۲۹ اکتبر بود. گروههای بسیار زیاد، غیرقابل کنترل در خیابانها تظاهرات می کردند. فقط یک گروه بسیار کوچک به نفع دولت تظاهرات کردند که چشمگیر نبود و صورت مصنوعی داشت. رئیس جمهور کارتر دیروز ولیعهد را به حضور پذیرفت و پشتیبانی قاطع خود را از شاه اعلام کرد. اگر عکس العمل نسبت به صحبتهای دکتر اون را در نظر داشته باشیم، می توانیم به زودی انتظار عکس العمل شدیدتری نسبت به نظرات رئیس جمهور داشته باشیم. سفیر پارسون و سولیوان صحبتهای خود را با شاه ادامه دادند. اکنون دیدگاههای سیاسی شاه منسجم تر شده است. اما در مجلس قهرمانی وجود ندارد که به پا خیزد و قاطعانه از دولت شریف امامی پشتیبانی کند. نخست وزیر سخت افسرده و خسته شده است و اقلیت کمی در دولت تصمیم می گیرند.

بخش اقتصادی نیز همچنین در بی ثباتی به سر می برد، آقای کوپر سرپرست تیم اعزامی به ایران با آقای یگانه وزیر امور اقتصاد مذاکراتی داشته است. یگانه در بیمارستان به سر می برد و از ذات الریه یا حمله قلبی رنج می برد. اعتصابات ادامه دارد، مهمترین اعتصابات، اعتصابات شرکت نفت می باشد. سفیر آقای انصاری را بارها در طول هفته ملاقات کرده است. تولیدات نفت به طرز چشمگیری کاهش یافته است، ولی آقای لینک به سولیوان گفته است که ۹۰٪ کارکنان حاضرند به سر کار بازگردند. نفوذ ۱۰٪ بقیه کارگران که از به سر کار برگشتن کارگران جلوگیری می کنند، توسط ارتشیان تقلیل یافته است.

از طرف دیگر یک نماینده مجلس حملات خود را علیه گنجی وزیر جدید آموزش و پرورش بشدت

شروع کرد و گفت که ۰۰۰/۰۰۰/۳۲۱ ریال پول را به خارج فرستاده است؛ و آقای سفیر معتقد است که ممکن است این وضع از دوباره باز شدن دانشگاه ممانعت به عمل آید. جان میلز گزارشی در مورد سفر اخیر معاون وزیر کوپر داده کوپر حالا می داند که در ایران چه می گذرد، و ایرانیان دید بهتری نسبت به وضع دلار دارند. آقای شلنبرگر بازدیدی از دانشگاه تهران کرد. او هزاران دانشجوی جوان را دید که در جلسات مختلف شرکت می کنند. در مسجد نماز می خوانند و شعار می دهند. آقای شلنبرگر در نمایشگاهی از فساد رژیم و جنایات آن دید، نیمی از زنان چادر به سر داشته. با وجودی که شلنبرگر و دوستش تنها خارجیان آنجا بودند ولی هیچکدام احساسات ضد خارجی حس نکردند.

ژنرال کاست گزارش داد که وضع پرداختی های نظامی ایران به آمریکا وخیم است. از مستشاری نظامی خواسته شد تا تعداد ملاقاتها را کم کند، چون نیروهای مسلح با کمبود بودجه مواجه هستند. آنها مخصوصا احساس می کنند برنامه های بررسی مدیریت خیلی گران تمام می شود. آقای لمبراکیس گفت که مشکلات سیاسی ادامه دارند. جلسات و میتینگهای زیادی گزارش شده اند ولی کمونیستها تعداد کمی از سخنگویان را تشکیل می دهند. شش استان ایران اکنون استاندار ندارد. ددیچ گفت که مشکل اصفهان حل شده و مک گافی به زودی گزارشی خواهد داد. خانم دیرزمن گفت که رئیس جمهور هنوز لوایح مالیات را امضاء نکرده و IRS کپی های آن را چاپ کرده است. این مقداری نابسامانی ایجاد می کند.

نظر دولت آمریکا درباره اوضاع ایران

ص: ۳۰۸

سند شماره ۱۰

از : وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی سرّی

به : سفارت آمریکا تهران ۷۸۹۵ ۱۷ آبان ۵۷ ۸ نوامبر ۱۹۷۸

موضوع : نظر دولت آمریکا درباره اوضاع ایران

۱ سفارتهایی که اطلاعات زیر را دریافت می داند بایستی دولتهای میزبان را در جریان خلاصه امر قرار داده و نظر دولت آمریکا را با مقامات عالیرتبه در میان گذارند.

۲ به طوری که از طریق منابع مطبوعاتی آشکار شده، ثبات داخلی ایران شدیدا تحت فشارهای غیر عادی قرار گرفته است. در روزهای ۴ و ۵ نوامبر تظاهرات و اغتشاشات در تهران باعث خسارات وسیع و انهدام مقادیر زیادی از اموال عمومی و خصوصی گردیده است. اواخر روز ۵ نوامبر نخست وزیر شریف امامی و دولت استعفا کردند.

۳ اول روز ۶ نوامبر شاه در گفتاری به مردم ایران گفت که دولت نظامی را مأمور کار کرده است وی روشن کرد که این دولت نگهبان خواهد بود وظیفه دارد که از اغتشاش جلوگیری کند و قدرت دولت را اعمال کند.شاه بدین خاطر دست به این اقدام زد که موفق نشده بود نمایندگان مسئول مخالفین را متقاعد کند که حکومت ائتلافی را تشکیل دهند. او وعده داد پس از استقرار امنیت یک دولت ملی بر اساس اصول آزادی منصوب خواهد کرد تا انتخابات آزاد ترتیب بدهند

۴ وضعیت امنیتی بهبود یافته؛ گرچه حوادث متفرقه ای دائما روی می دهد.

۵ دولت آمریکا قویا حمایت خود را از کوششهای شاه جهت اعاده نظم به عمل آورده تا هر چه زودتر در شرایط مجاز نسبت به استمرار دادن آزادیها و برنامه های توسعه ای کشور اقدام نماید.

روز ۶ نوامبر این مطلب از سوی سخنگوی وزارت خارجه تأکید گردیده است. به شرح زیر :

«ما از شاه در تصمیماتش حمایت می کنیم، شاه یک دولت نظامی زیر نظر خود منصوب کرده، زیرا دولت غیر نظامی نمی توانست نظم را اعاده کند و زمینه برگزاری انتخابات آزاد را فراهم سازد. چندی قبل از تصمیم اخیر، شاه امکانات دولت غیر نظامی را که شامل ائتلاف اعضای مخالف باشد بررسی کرده و چون آنان از شرکت در کابینه ائتلافی امتناع کرده اند، و راه حل دیگری ظاهرا وجود نداشته است، شاه از ارتش درخواست تشکیل کابینه را کرده است. شاه تأکید کرده است که حکومت نظامی موقتی بوده و او قصد دارد سریعا و در صورت امکان کشور را به سوی انتخابات آزاد و دولت غیر نظامی سوق دهد.»

۶ طبق بر آورد ما، شاه آگاهی کامل از نارضایتیهای قانونی مردم ایران دارد که در خلال هفته ها و ماههای گذشته ابراز داشته اند. او خود را متعهد ساخته تا امکان مشارکت عمومی در سیاست را فراهم آورد و وضع اقتصادی و شرایط اجتماعی را بهبود بخشد. در خلال تابستان و پاییز گذشته امواج بی نظمی و توقف کارها، به طور فزاینده ای باعث اختلال وظایف دولت گردیده است. امیدواریم تشکیل دولت موقت جدید که روز ۶ نوامبر اعلام گردیده، تسهیلات اعاده جوّ منظم و آرام که لازمه کار دولت در هر جامعه ای هست را فراهم آورد. به خصوص در مورد وضع موجود در ایران که شاه تعهد کرده است، اشتباهات گذشته را تصحیح نماید. با فساد و بی عدالتی مبارزه کند و یک دولت ملی جهت اجرای انتخابات در شرایط مجاز هر چه زودتر تشکیل دهد. مطمئن هستیم که مردم ایران و رهبرانشان می توانند جهت حصول این اهداف با وحدت کار کنند.

۷ واضح است که یک جنبه اقتصادی در ورای این کارها وجود دارد. اعتصابات در بخش نفت باعث کمبود تولید و صدور در دو هفته پیش شده است و در روزهای اخیر استخراج به طور متوسط حدود ۲۵٪ وضع عادی است. امیدواریم افرادی که نقش اساسی در اقتصاد ایران بازی می کنند، در جهت حل اختلافات خود جمع شده و در جهت پیشبرد منافع عمومی قدم بردارند.

۸ ما نگران هستیم که مبادا این عدم ثبات به امنیت منطقه لطمه وارد سازد. دولت آمریکا همواره از کوششهای شاه حمایت کرده تا رهبری قاطع را در ایران در این دوره بحرانی به عهده گیرد. اعتقاد داریم که تصمیمات او در زمینه مشارکت عمومی در حکومت شجاعانه هستند و آنها استحقاق حمایت همه جانبه را دارند.

۹ شما باید میزبانان خویش را از تصمیم ما مبنی بر استفاده کامل از نفوذمان برای حفظ منافع حیاتی غرب، آگاه سازید. در این مقطع منظور حمایت قاطع از کوششهای شاه برای انسجام کشور و ایجاد زمینه برای استقرار ثبات می باشد.

ونس

بازدید رئیس آلیس چالمرز از تهران

سند شماره ۱۱

از: وزارت امور خارجه آمریکا محرمانه

به : سفارت در تهران

مخصوص آمریکایی ها

۸ آبان ۵۷ ۳۰ اکتبر ۷۸

موضوع : بازدید رئیس آلیس چالمرز از تهران :

۱ دیوید اسکات، رئیس آلیس چالمرز و همراهان از ۲۳ تا ۲۶ نوامبر (۲۵ آذر) از تهران بازدید خواهند کرد و در هتل هیلتون اقامت خواهند کرد.اسکات علاقه مند است که احتمالاً در غروب پنجشنبه ۲۳ نوامبر با سفیر سولیوان ملاقات کند. او در آن روز ساعت ۲ بعد از ظهر از اسرائیل وارد تهران خواهد شد. اسکات در ساعت ۴۵/۱۰ صبح ۲۵ نوامبر با شاه ملاقات دارد و تهران را در صبح ۲۶ ترک خواهد کرد. برای اطلاع شما، اردشیر زاهدی یک مهمانی شام برای اسکات برپا کرده است و ممکن است خودش هم میزبان آن باشد.

۲ قدردانی خواهیم نمود اگر سفیر اطلاع دهد، که آیا او هم با اسکات ملاقات داشته و وقت آن را مشخص کند.ونس

...

ملاقات شاه با دیوید. د. اسکات و آلیس چالمرز

سند شماره ۱۲

یادداشت به پرونده محرمانه

از : کمپانی اقتصادی بارباراشل ECON/COM,B L SCHELL

موضوع : ملاقات شاه با دیوید. د. اسکات و آلیس چالمرز

دیوید اسکات رئیس هیئت، رئیس اجرایی (مدیر عامل) و رئیس بنگاه (شرکت) آلیس چالمرز توسط شاه در یکشنبه ۲۵ نوامبر ۱۹۷۸(۴ آذر ۵۷) ساعت ۱۱ صبح پذیرفته شد. شرح زیر توسط آقای وان وانر نماینده آلیس چالمرز در ایران که اسکات را تا قصر همراهی نموده، ولی شخصا در ملاقات حضور نداشت، تهیه شده است. آقای اسکات شاه را از نظر روحی در وضع بسیار نامناسبی یافت او کمی خوشحال شد موقعی که اسکات از بچه هایش و سفیر زاهدی تعریف کرده. اسکات برای شاه اظهار همدردی کرد و خاطرنشان کرد که بازرگانان آمریکایی عموما در حمایت او جدی هستند. شاه با تأسف گفت که خیلی ها اظهار پشتیبانی از او می کنند ولی همه اینها لفظی هستند و کمک واقعی به او نیستند. اسکات (در حالی که می کوشید نشان دهد کمکهای او تنها لفظی نیست) سفر اخیرش را به آرژانتین شرح داد و به شاه گفت که موفق شده است تصمیمی راجع به عدم تصویب تقاضای وامهای (EX]M) برای پروژه های آلیس چالمرز را که به خاطر نقض حقوق بشر بود عوض کند.

اسکات سپس در ادامه صحبتش طرح مشترک سرمایه گذاری آلیس چالمرز را برای تهیه وسایل معدنی در ایران توضیح داد (ایرگرام ۵۴[A/). او خاطرنشان کرد که او به اندازه کافی اطمینان داشته است که پروژه اش را فوری در ایران به انجام رساند. در این لحظه ضمن یک سکوت طولانی در حالی که اشک در چشمان شاه حلقه زده بود، اسکات نیز ناراحت شد. سرانجام شاه از او پرسید که چه اشتباهی در ایران شده؟ او در جواب گفت من توانایی جواب این سؤال را ندارم، ولی سرمایه داران آمریکایی از شاه حمایت

می کنند. بر عکس رسم معمول سنت، اسکات بلند شد و سپس شاه اسکات را به آغوش کشید و از او به خاطر هدیه اش تشکر کرد. چیزی که معمولاً اتفاق نمی افتاد. به دنبال این ملاقات یک مقام رسمی وزارت دربار که اسکات را می شناسد گفت که روحیه شاه خراب است، و دوست واقعی برای مشورت ندارد. اسکات چنین پیشنهاد داد، که احتمالاً سودمند خواهد بود اگر زاهدی بیش از همیشه از ایران دیدن کند، برای اینکه او تنها کسی است که در زمانی که شاه بشدت نیاز دارد، می تواند نقش دوست و محرم اسرار را برای او داشته باشد. از اسکات خواسته شد موقعی که به آمریکا برمی گردد زاهدی را از جریان مطلع کند.

محرمانه

۴ دسامبر ۷۸

درخواست ارزیابی ها

ص: ۳۱۱

سند شماره ۱۳ سرّی

از : سفارت آمریکا در تهران

به : وزارت امور خارجه واشنگتن فوری ۲۵۴۷

سرّی تهران ۱۲۷۶۹

تاریخ :۳ دسامبر ۷۸ ۱۲ آذر ۵۷ مرجع :STATE ۳۲۶۳۲۲

موضوع : درخواست ارزیابی ها

۱ همان طوری که در تلگراف اصلی درخواست شده من با همکاران انگلیسی، فرانسوی، آلمانی و ژاپنی تبادل نظر کردم. سفیر عربستان سعودی در آن زمان در تهران نبود.

۲ شما قبلاً از طریق لوکاس در جریان نقطه نظرهای سفیر انگلیس قرار گرفته اید. و تنها چیزی که باید من به آن اضافه کنم این است که تعطیلات شاه قریب الوقوع خواهد بود و مدت زیادی ادامه خواهد داشت.

۳ موضع فرانسه این است و بود که مدتی است عمر شاه به سر آمده، و آنها معتقدند که هر چه زودتر شاه ایران حرکت کند بهتر خواهد بود و آنها معتقدند که بسیار خوب خواهد بود که شاه قبل از اینکه ایران را ترک کند، یک شورای سلطنت تشکیل بدهد. و آنها معتقدند که این جنبه خیلی جدی نخواهد بود.

۴ سفیر آلمان خیلی خوش بین به نظر می رسید. او احساس می کند که امکان دارد دولت بختیار در غیاب شاه موفق شود، ولی در صورتی که شاه شورای سلطنت را فورا تشکیل بدهد. او فکر می کند که حتی ممکن است شاه بتواند پس از مدتی تحت عنوان حکومت پادشاهی مطابق با قانون اساسی به ایران برگردد.

۵ همکار ژاپنی من جدیدا آمده و من با او دو مشورت کرده ام ولی او به دلیل آشنا نبودن با مسایل نمی خواهد اظهار نظر کند.

۶ نظر مشترک همه همکاران این است که وضعیت قانون و دستور از کنترل خارج شده و شیوه های

بدوی در تمام کشور رایج شده که البته همراه با احساسات شدید نسبت به بیگانگان می باشد. در واقع وضعیت کنونی به سرعت به طرف هرج و مرج نزدیک می شود.

۱۲۷۶۸ تهران سرّی سولیوان

نوار ادعا شده از صحبت شاه با افسران ارتش

سند شماره ۱۴

از : وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی تاریخ ۸ فوریه ۱۹۷۹ ۱۹ بهمن ۵۷

به : سفارت تهران فوری ۳۱۵.محرمانه

موضوع : (بدون طبقه بندی) نوار ادعا شده از صحبت شاه با افسران ارتش

مرجع : تهران ۱۹۲

۱ ادعای مقامات مسئول «متخصص صدا» مبنی بر اینکه ما صحت نوار را تأیید می کنیم متناقض و بدون قاطعیت است. بعضی اعتقاد به اعتبار آن دارند و بقیه آن را قبول ندارند.

۲ دولت آمریکا قصد ندارد مطلب را بیشتر تعقیب کند و اگر پرسیده شد، موضعش این خواهد بود که «متخصصین» توافق ندارند و ما دلیلی نمی یابیم که نتیجه بگیریم نوار معتبر است.

محرمانه

ونس

گزارشی از نقشه شاه برای بازگشت

ص: ۳۱۲

سند شماره ۱۵

۲۰۱۶تهران محرمانه

از : سفارت آمریکا تهران ۲۱بهمن ۵۷ ۱۰ فوریه ۷۹

به : وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی

موضوع : (محرمانه) گزارشی از نقشه شاه برای بازگشت

۱ محرمانه تمام متن

۲ خلاصه :یک طرفدار سابق رژیم شاه که از بختیار حمایت می کند از تحلیل رفتن حاکمیت قانون و نظم اظهار هراس می کند، و اعتقاد دارد که تنها راه حل قابل قبول این است که شاه کناره گیری خود را از سلطنت اعلام کند. وی می ترسد که شاه در آینده نزدیک به ایران باز گردد. او احتمال می دهد که اگر کمونیستها و گروههای تروریست بدون تصویب نهضت خمینی به فعالیت ادامه دهند، محافظه کاران هم اقدام به تشکیل گروههای مسلح برای مراقبت و حفظ نظم بکنند. (پایان خلاصه)

۳ منبع ما منصور اقبال که به طور کامل نمی توان به وی اعتماد کرد، ولی در اوضاع خوب وارد است به مشاور سیاسی گفت که در مجامع طرفدار رژیم شایع است که شاه قصد دارد در ۱۴ فوریه (۲۵بهمن) به ایران باز گردد. تیمسار نشاط در این رابطه به مراکش پرواز کرده است. ما تقریبا اطمینان داریم که این تحریف شده گزارشی است که شاه قصد دارد در چنان تاریخی به قاهره برود.

۴ یک دلیل که چرا طرفداران رژیم چنین گزارشی را قبول کرده اند هراس روزافزون آنها از اوضاع حاکمیت قانون و نظم و انتظارات خودشان می باشد. اقبال دیروز ۱۰ فوریه در تظاهرات طرفداران قانون اساسی به حمایت بختیار شرکت کرده بود آشکارا از تهدید و تمسخر جمعیت هنگام ترک استادیوم امجدیه و پاره شدن لاستیک بسیاری از اتومبیلهای پارک شده توسط جوانان خشن تکان خورده بود. دوست و

همسایه او شخصی به نام مهندس ملول به تازگی با خانواده اش به اراک فرار نمود، زیرا دو شب پیش اتومبیلش را منفجر کرده و اخطار کرده بودند که اگر وی به اظهارات خود به طرفداری از بختیار ادامه دهد (ظاهرا نامه ای به یک روزنامه نوشته بود) او و خانواده اش کشته خواهند شد. اقبال می پرسد کجاست آزادی بیان ؟

۵ اقبال از طریق دکتر حجازی خبر یافته بود که نامه خوشامد گویی شریعتمداری به خمینی به مناسبت ورود او عاری از هر گونه اشاره به مقام فائق خمینی در نهضت اسلامی یا ذکر لقب امام بود. در نتیجه این اواخر تلی از کتابهای شریعتمداری از همه جا جمع و جلوی در خانه او خالی شد. او همچنان از جان خود می ترسد و ساکت مانده است.

۶ اقبال به این نتیجه رسیده است که تنها راه نجات اوضاع این است که شاه کناره گیری خود را از سلطنت اعلام کند، و اگر بخواهد می تواند پسرش را جانشین خود معرفی کند. بدون چنین اقدامی، اقبال می ترسد روحیه و موقعیت بختیار به تحلیل رود. از دید اقبال و دوستانش مردم هر چه بیشتر طرف او هستند، ولی از جانب عوام جاهل که تحت حکومت شاه متحمل مشقت زیاد شده اند و عملشان از روی احساس است مورد تهدید قرار می گیرند. اگر اوضاع این چنین بیشتر ادامه یابد مردم با سلاحهایشان به خیابان خواهند آمد مثل لبنان. او مایل است اگر بتواند از طریق زاهدی ملاقاتی را به نحوی با شاه داشته باشد و این را به او بگوید. اظهار نظر: کناره گیری از سلطنت بیشتر و صریحتر توسط طرفداران رژیم که

اعتبارشان از اقبال هم بیشتر است مطرح می شود. گزارش قبلی سفارت را ببینید.

۷ حرف آخر اقبال اشاره به این بود که ترور خمینی به تدریج خیلی ها را به عنوان جزیی از یک راه حل به خود جلب می کند. وی اظهار داشت که شخصا مشکلات را که این می تواند ایجاد کند، درک می کند اما عنوان نمود که حتی بعضی اشخاص در مجامع مذهبی که حامی خمینی نیستند ممکن است از اینکه ببینند، صدای افراطی خمینی از صحنه حذف می شود چندان بیزار نباشند.

۸ بالاخره اقبال به اعلامیه منتشر شده حزب کمونیست که در آن از خمینی مقام خود را در نهضتش پرسیده اند و تهدید کرده اند که اگر جواب وی رضایت بخش نباشد، آنها خواهند «جنگید » اشاره نمود. در عین حالی که وی اقرار نمود که چنین فعالیت علنی کمونیستها بهتر از عملیات مخفی است، ولی اعتقاد داشت که این ترس بسیاری از محافظه کاران را افزایش می دهد و ممکن است باعث شود که آنها به فکر تشکیل گروههای مراقبت و حفظ نظم به عنوان تنها دفاعشان بیفتند.

۹ اظهار نظر : لازم نیست به اقبال به عنوان یک منبع خبری، اهمیت بسیار زیادی داده شود. به هر حال عقاید وی حاوی منطق شخصی است که طرفداران رژیم و دیگر محافظه کاران را به خود جلب می کند؛ زیرا آنها رهایی از موقعیت فعلی را جز با یک خونریزی عظیم امکان پذیر نمی بینند.ادامه تروریسم و عدم امنیت ممکن است خیلی از مردم را که اکنون سکوت کرده اند، به فعالیت بیشتر بکشاند. یا فعالیت سیاسی (اگر اجازه داده شود) یا مقابله خیابانی با تروریسم. این دورنمای قریب الوقوعی نیست، اما با ادامه عدم امنیت ناشی از ناآرامی ها، این را نباید از نظر دور داشت.سولیوان

آقای سولیوان عزیز

سند شماره ۱۶

۱۹۰۶ خیابان مین موروبای کالیفرنیا ۹۳۴۴۲ (۸۰۵)۷۷۲ ۱۲۳

جناب آقای ویلیام اچ سولیوان ۷دسامبر ۱۹۷۸ ۱۶ آذر ۵۷

تهران ایران

سفیر

سفارت ایالات متحده

آقای سولیوان عزیز:

به دنبال حوادث اخیر در ناحیه شما، این فکر به ذهنمان خطور کرد که شاید اعلیحضرت ولایتعهد علاقه داشته باشند، در این کشور قطعه زمین بزرگی (با خانه) در ساحل کالیفرنیا بخرند که محل آن در مرکز باشد و در عین حال از لحاظ موقعیت دور از دسترس باشد.

به ضمیمه، بروشوری است که مشخصات ملک به طور کامل می آید.اگر صلاح دانستید لطفا والاحضرت ولایتعهد را از آماده خرید بودن آن، آگاه فرمایید.

با صمیمیت تمامم لین گرابهورن کمپانی

رانکورآریو گرانده

آریوگرانده بخش سن لوئیز آبیسپو

کالیفرنیا

این مزرعه با شکوه با در بر گرفتن بیش از ۹۷۰۰ جریب از زمینهای نزدیک سواحل دریاچه لوپز شروع، و تا جنگل ملی لوس پدرس و اقیانوس آرام امتداد داشته، میراث غنی از مزرعه داری پرثمر را از اولین زمان اعطای زمین اسپانیایی با خود حفظ می کند.

رنکو، آریو گرانده.... یکی از آخرین قطعات بزرگ زمینهای ممتاز در ساحل کالیفرنیای مرکزی

اندازه : ۹۷۵۰جریب

قیمت : ۵/۵۰۰/۰۰۰ دلار

نحوه پرداخت :حداقل ۲۹٪ پرداخت اول و بقیه با اقساط و یا تماما نقد.

سفر شاه و DGA

ص: ۳۱۵

سند شماره ۱۷

از : وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی تاریخ ۶ مارس ۱۹۷۹ ۱۵ اسفند ۵۷

محرمانه

یادداشت برای پرونده ها

موضوع: سفر شاه و DGA

لس جانکا از شرکت DGA در روز ۶ مارس در زمینه ارتباط سفر دان آجر به مراکش که در این هفته قرار است انجام گیرد ملاقات کرد. DGA در نظر دارد که یک قرارداد پشتیبانی (دارایی حقیقی، حفاظت، خدمات قانونی و غیره) برای شاه در صورتی که به آمریکا بیاید تهیه کند.

جانکا پرسید که نقطه نظرهای من چیست، در صحبت خصوصی من به او گفتم که اگر شاه به آمریکا بیاید این مسئله برای روابط بین ایران و آمریکا، و برای موضع غرب در منطقه اسفناک خواهد بود و مسایل امنیتی زیادی برای پرسنل در تهران و مقامات رسمی در واشنگتن به وجود خواهد آورد. من مطمئن نبودم که ما قادر باشیم که سفارت تهران را حفظ نماییم. من به او گفتم که موضع ایران در قبال مراکش و مصر چگونه است و احتمال این که سازمان آزادیبخش کوشش خواهد کرد که شاه را برباید را توضیح دادم.

من گفتم که به عقیده من شاه به توصیه غلط به اینجا می آید. امنیت برای او قابل اطمینان نخواهد بود مگر این که او را اسیر نگهدارند. احتمال دارد که قانون و کنگره او را مورد اتهام و بازخواست قرار دهند. این مسئله در مورد دارائی های او هم صادق است. جانکا پرسید که آیا آمریکا می تواند حفاظت او را مهیا کند یا حداقل این کار را در ابتدا به عهده بگیرد. من گفتم که فکر می کنم که امکان چنین کاری باشد، اما فعلاً به مادر شاه گفته ایم که او باید به آژانس های حفاظتی خصوصی مراجعه کند.

جانکا پرسید آیا موضع آمریکا صحیح است که ما مقدم شاه را به آمریکا گرامی بداریم؟ من گفتم این

موضعی بود که در دسامبر ژانویه اتخاذ شد و این موضوع علنی گشت. من در مقامی نبودم که به جانکا موضع کنونی آمریکا را بگویم جانکا گفت تصور کنیم که شاه از «آگر» بپرسد که آیا آمریکا او را خواهد پذیرفت. من به او گفتم که فکر می کنم که آقای «آگر» بایستی جواب بدهد که این سؤالات مربوط به دولت آمریکا بوده و بایستی به سفیر پارکر مراجعه کند، من گفتم شاید آقای نیوسام نقطه نظر متفاوتی در این مورد داشته باشد. من به جانکا گفتم که به تجربه من مقدار خیلی کمی از امور مربوط به ایران از روزنامه ها مخفی مانده این برای شرکت خوب نخواهد بود که شاه به اینجا بیاید. مخالفتها و خطراتی برای دولت آمریکا و پرسنل پیش می آید. من می توانم به راحتی تعهد این موضوع را به خود بدهم که امکان دارد مطبوعات بگویند که DGA مسئول هر گونه خسارتی که در این مورد وارد می شود، می باشد.

هنری پرشت

امور خاور نزدیک ایران

موضع دولت آمریکا در قبال ویزاهای فامیل و وابستگان شاه

ص: ۳۱۶

سند شماره ۱۸

وزارت امور خارجه محرمانهتاریخ ۱۸ آوریل ۱۹۷۹

از: هارولد اچ. ساندرز (معاون وزیر امور خارجه در امور سیاسی) ۲۷ فروردین ۵۸

به: پ. آقای نیوسام (امور خاور نزدیک)

موضوع: موضع دولت آمریکا در قبال ویزاهای فامیل و وابستگان شاه

ما تعداد زیادی درخواست از اشخاص با نفوذ آمریکایی مبنی بر تهیه یک نوع ویزای قانونی در آمریکا برای مسافرت (یا پناهندگی الزامی یا غیر الزامی) شاهدخت اشرف پهلوی و خانواده اش و دیگر وابستگان شاه (جمشید آموزگار، انصاری، تیمسار اویسی) دریافت کرده ایم. موضع ما این است که پاسخگویی به این درخواستها برخلاف منافع ما که نزدیک شدن به دولت جدید است، می باشد. شکی نیست که این افراد را به زور به ایران برمی گردانند و تمام افراد می توانند در وضعیت خروج آزاد یا با تمدید ویزا اینجا باقی بمانند و آنها حتی می توانند به آمریکا وارد و یا از آن خارج شوند، ولی این در صورتی است که ما از مسایل مورد نیاز پاسپورت صرف نظر کنیم و این روش ممکن است به تصویب برسد.

ما شنیده ایم که خانواده شاه پاسپورت مراکشی به دست آورده اند. ما فکر نمی کنیم تهیه مدارکی که ورود به دیگر کشورها را تسهیل کند از وظایف ما باشد. در این میان مسئله اشرف احتمالاً از خود شاه هم بدتر است. احتمالاً گذشته نفرت آور اشرف او را از دریافت ویزای آمریکایی محروم می کند. اطلاعاتی که ما از یکی از پسرهای او به دست آورده ایم حاکی از آن است که اشرف امکان دارد از هیچ کوششی برای برگرداندن رژیم سابق چشم پوشی نکند.

دولت موقت ایران از این واهمه دارد که مبادا طرفداران شاه (با پشتیبانی ما) یک گروه ضد انقلابی تشکیل بدهند. ما نباید موقعیتی به وجود آوریم که این اتهامات را افزایش دهد. ما از هرگونه نقطه نظری در

مورد مواضعمان درباره تهیه ویزاهای الزامی و غیر الزامی و یا دیگر حمایتهای آمریکا برای افراد رژیم گذشته تشکر می کنیم. توصیه می شود که شما این مواضع را تصویب کنید.

تصویب تکذیب

ص: ۳۱۷

سند شماره ۱۹

خیلی محرمانهتاریخ: ۲۰ آوریل ۱۹۷۹

از: معاون وزارت خارجه در امور سیاسی واشنگتن ۳۱ فروردین ۵۸

به: امور خاور نزدیک NEA آقای ساندرز

ما با توجه به نامه شما نسبت به وضع مدارک خانواده شاه و وابستگانش پیشنهادات زیر را می کنیم:

شاهدخت اشرف و خانواده اش و دوستانش کوشش زیادی را در رابطه با مسئله مدارک کرده اند. ما باید جواب این سؤال ها را با گفتن اینکه شاهدخت اشرف وکیلی دارد که به این کارها رسیدگی می کند و او با وزارت امور خارجه در تماس می باشد، بدهیم. برای اطلاع شما باید بگویم این وکیل آقای ویلیام جکسون می باشد که وکیل راکفلر نیز می باشد. او به وزارت امور خارجه آمده و ما او را کاملاً در جریان سؤالات مربوط به مدارک قرار دادیم. و سؤالات دیگری که توسط ایرانیها در این زمینه مطرح می شود باید به طور جداگانه ای بررسی شود و ما هیچ گونه سیاست کلی نسبت به این موضوع اتخاذ نخواهیم کرد.

دیوید. پ نیوسام

رونوشت: آقای رافل خانم هارپر آقای سیورتس

تمایل شاه به اقامت در ایالات متحده

سند شماره ۲۰

از: وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی۲۶ جولای ۷۹ ۴ مرداد ۵۸

به: سفارت آمریکا تهران فوری ۳۷۱۲

منتشر نشود.سرّی

چروکی، فقط برای ملاحظه کاردار لینگن

موضوع: تمایل شاه به اقامت در ایالات متحده

۱ ما دوباره نحوه جواب دادن به درخواستهای مداومی را که شاه از کانالهای گوناگون ابراز می دارد، مطرح کرده ایم. این درخواستها راجع به اقامت شاه، شهبانو و خانواده وی در ایالات متحده می شود (او حداقل می تواند اکتبر را در مکزیک باقی بماند). من مایلم نظرات شخصی و خصوصی شما را از اثر چنین حرکتی بر امنیت آمریکاییهایی که در ایرانند (خصوصا مقامات رسمی آمریکا در محوطه سفارت) و همچنین بر روابط ما با دولت ایران، بدانم.

۲ آیا جواب شما به سؤال مطرح شده در پاراگراف ۱ تفاوتی می کند اگر (الف) شاه از ادعای خود و وراث خود نسبت به سلطنت صرف نظر کند، یا (ب) موافقت کند که جدا از هرگونه فعالیت سیاسی خودداری کند و این در ملأ عام تأیید گردد.

۳ ما به وضوح درمی یابیم که، به حداقل رساندن اثر پذیرفتن شاه، بستگی به بازرگان و توانایی و اختیارات دولت در اداره فرماندهی نیروهای امنیتی که از افرادمان حفاظت می کنند و توانایی آنها در به حداقل رساندن هر عکس العمل خصمانه عمومی که علیه افراد یا روابطمان ایراد شود، دارد. از آنجایی که این مسئله در واشنگتن به دقت تحت بررسی است، باعث تشکر خواهد بود اگر این پیام را با هیچ یک از همکارانتان در میان نگذارید. لطفا جواب خود را برای وزیر ارسال دارید. با بهترین درودها ونس

علاقه شاه به اقامت در آمریکا

ص: ۳۱۸

سند شماره ۲۱

از سفارت آمریکا در تهرانسرّی پخش محدود

به: وزیر امور خارجه، واشنگتن برای وزیرتاریخ: ۲۸ ژوئیه ۷۹ ۶ مرداد ۵۸

موضوع: علاقه شاه به اقامت در آمریکا

شماره سند ۱/۷۹۳۰

۱ پیام شما جویای ارزیابیهای شخصی من در مورد امنیت آمریکاییهای مقیم ایران و روابط ما با دولت ایران در صورت پذیرفته شدن شاه به آمریکا بوده.

۲ هر نوع قضاوتی در آن مورد باید بدون تردید مخفی باشد و بماند، و این به خاطر وضع غیرقابل پیش بینی ایران که تا به حال پیشرفتی در حل مسئله مراکز قدرت حاصل نشده می باشد. با توجه به این مسئله من نتیجه می گیرم که اقامت شاه در آمریکا در آینده نزدیک یعنی ۲ تا ۳ ماه آینده برای منافع ما و امنیت آمریکاییهای داخل ایران مانند گذشته مضر و خطرناک خواهد بود. از طرفی من معتقدم که این وضع می تواند تا آن زمان بهبود یابد و تدریجا امکان انجام آن کار تحت کنترل خودمان در اواخر پاییز بیشتر خواهد بود. حتی این قضاوت هم نسبی است و بستگی زیادی به شانس خوب افراد مربوطه دارد. نظرات من ادامه دارد.

۳ به نظر من ۲۳ ماه آینده زمان غلطی برای این کار می باشد و این به دو دلیل است: اول به خاطر اینکه ایرانیان تا اندازه زیادی در صحنه فعلی سر خورده شده اند (و لذا به دنبال بهانه می گردند) و دوم به خاطر وضعیت حساس روابط دو جانبه مان.

۴ ایران امروز در آشفتگی سیاسی باقی مانده است. «دولت» بازرگان هنوز تحت سلطه انتقادات و کنترل کامل آیت اللّه و اطرافیان او در قم می باشد. تصمیم گیری روزانه پراکنده می باشد و بیشتر توسط

گروههای انقلابی و افراد پراکنده در داخل و خارج دستگاه دولتی انجام می گیرد. سرخوردگی فزاینده ای به خاطر اینکه انقلاب نتوانسته تغییرات زیادی در ایران انجام دهد وجود دارد و در واقع برای خیلی از اقشار جامعه وضع از قبل بدتر می باشد.

۵ در چنین جوی ما مناسب ترین بهانه می باشیم؛ تا جایی که خمینی در هفته گذشته حتی ما را متهم به دست داشتن در جریان سوزانیدن خرمنها در بعضی نقاط ایران کرد. اگر ما الآن به شاه پناهندگی دهیم به طور حتمی تظاهرات عظیمی بر علیه سفارت انجام خواهد گرفت. اگر خوش شانس باشیم تا همان حد پیش می روند و ما شاهد حمله واقعی مانند فوریه گذشته نخواهیم بود. ولی هیچ تضمینی برای این مسئله وجود ندارد. چون نیروهای معمولی نظامی و پلیسی ایران به مقدار زیادی روحیه خود را از دست داده و نمی توان به آنان اعتماد کرد که بتوانند قدرت لازم را اعمال نمایند. در واقع دولت هنوز باید توانایی جایگزینی نیروهای چریکی غیر منظم فعلی را که خمینی برای پاسداری از سفارت در فوریه گذشته فرستاده با نیروهای منظم پیدا کند. احتمال انجام عملیات تروریستی فردی یا گروهی بر علیه ما در صورت آمدن شاه زیادتر خواهد شد.

۶ روابط دو جانبه ما هم دارای تفاهم و قدرت کافی برای تحمل این چنین برخوردی با شاه نمی باشد.

من فکر می کنم ما در جریان از بین بردن توهمات ایرانیان انقلابی که فکر می کنند، ما هنوز واقعیتهای ایران را نپذیرفته ایم و با شاه و صهیونیستها و ساواکی ها برای براندازی انقلاب تلاش می کنیم، پیشرفتهایی

حاصل کرده ایم. ولی پیشرفت خیلی کند است و بعید به نظر می رسد که در مورد خمینی موفقیتی داشته باشیم. دادن پناهندگی به شاه می تواند تمام دستاوردهای ما در این جهت را خنثی کند و من احتمال تکرار همان شیوه قبلی که به فرمان خمینی سیاستی تند بر علیه ما در جریان قطعنامه جاویتس اتخاذ کردند را نفی نمی کنم.

۷ من می گویم که در هر دو طرف در داخل ایران و در روابط دو جانبه ما احتیاج به انعطاف بیشتری داریم تا بتوانیم عواقب بدی که ممکن است به دنبال پذیرش شاه (که من معتقدم باید بالاخره او را بپذیریم) برای منافع ما پیش آید تحمل کنیم.

۸ ۲۳ ماه آینده حساس و امیدوار کننده در هر دو جنبه هستند. از لحاظ داخلی بازرگان تلاشهای بیشتر و قوی تری می کند تا قدرت دادگاههای انقلاب و حاکمیت کمیته های انقلابی که خیابانها را در دست دارند را به دولت موقت انتقال دهد. مشکلات فزاینده با اکراد و اقلیتهای عربی در خوزستان یادآور خوبی برای بعضی عناصر انقلابی هستند که باید اقداماتی در جهت بازسازی قدرت و ترکیب ارتش انجام گیرد. ولی کلید اصلی برای حاکمیت بیشتر دولت در انجام موفقیت آمیز انتخابات (مجلس خبرگان در سوم اوت انتخاب می گردد) که باید دولت قانونی تا پاییز روی کار بیاورد، می باشد.

۹ از نظر من اهمیت فوق العاده دارد که ما خودمان را با مواضع حساب نشده در برابر شاه خراب نکنیم. توهماتی که در مورد مواضع ما و دخالت دولت آمریکا وجود دارد زمینه را برای بعضی انقلابیون داغ، که می خواهند برنامه های سیاسی را به عقب اندازند و ما را هم بکوبند فراهم می سازد.

۱۰ لذا من معتقدم که ما نباید بار سنگینی بر روابط ضعیف ما با رهبری انقلابی اینجا بگذاریم، تا قبل از اینکه روابط عمق و قدرت بیشتری یابند. با وجود مشکلاتی فراوان در زمینه های متعدد ما احساس کرده ایم که در هفته های گذشته قدردانی بیشتری، حداقل در دولت بازرگان، نسبت به اهمیت روابط حسنه

با آمریکا وجود دارد. مصوبات هفته گذشته کنگره مبنی بر بازخرید ۴ کشتی تخریب کننده سپورانس که قرار بود به ایران آیند، به ما و به دولت ایران این امکان را داده تا با انعطاف بیشتری به قطعات یدکی که نیاز به آنها برای نیروی هوایی و غیره زیادتر است دسترسی پیدا کند. این توهمات دولت بازرگان مبنی بر اینکه ما از روی خصومت چنین محموله هایی را نمی دهیم را خنثی نمود.

۱۱ با فرض اینکه روابط دو جانبه ما ادامه یابد و عمق بیشتر بیابد و با فرض اینکه بعد از انتخابات دولتی مقتدرتر روی کار آید که کنترل بیشتری بر نیروهای امنیتی کشور داشته باشد، عواقب پذیرفتن شاه را می توان در آن صورت کنترل نمود. من لذا پیشنهاد می کنم هر گونه تصمیمی را به تأخیر اندازیم و ببینیم اوضاع در ۶۰ تا ۹۰ روز آینده چگونه است. فکر می کنم کمک زیادی باشد اگر ما در این مدت سفیری معرفی کنیم، چون این عمل به مثابه رأی اعتمادی به واقعیتهای جدید ایران خواهد بود.

۱۲ ارزیابی بالا در صورتی که شاه قبل از آمدن به آمریکا به طور علنی ادعای خود و وارثین خود نسبت به سلطنت را پس بگیرد عوض خواهد شد و عواقب خیلی کمتری در بر خواهد داشت (ولیکن اقرار می کنم که مشکل می توان انتظار داشت او چنین کاری را در آینده نزدیک به عهده بگیرد.) از طرفی فکر نمی کنم تعهد علنی شاه به عدم دخالت در مسایل سیاسی تأثیر مفید داشته باشد. اینجا برای آن پشیزی ارزش قائل نخواهند بود.لینگن

سوءظنهای دولت موقت ایران درباره شاه

ص: ۳۲۰

سند شماره ۲۲

به: جولای ۷۹ ۸ مرداد ۵۸محرمانه

از: وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی

به سفارت آمریکا در تهران، دارای حق تقدم ۳۷۷۳

موضوع: سوءظنهای دولت موقت ایران درباره شاه

۱ محرمانه تمام متن

۲ آگاه کاردار ایران در ۳۰ ژوئیه با کارمند وزارتخانه تماس گرفت تا به فوریت بپرسد که آیا شاه در حال آمدن به ایالات متحده می باشد. آگاه گفت که چنین گزارشی را از یک منبع موثق دریافت کرده است و دکتر یزدی از او خواسته بود که با وزارتخانه تماس گرفته و نگرانی دولت موقت را، ابراز کند. کارمند وزارتخانه موضع آمریکا را تشریح کرد و گفت که آگاه مطمئنا از فشارهای شدیدی که از جانب کنگره و دیگر مراکز به بخش اجرایی وارد می شود تا در موضع دولت آمریکا تغییر حاصل آید، مطلع بود. کارمند وزارتخانه گفت که می تواند به آگاه اطلاع دهد که در موضع ایالات متحده تغییر داده نشده است و وی از هیچ برنامه ای برای آمدن شاه به آمریکا خبر ندارد. این مقام افزود که تصور می کند آگاه از حضور سه فرزند پهلوی در آمریکا اطلاع دارد. آگاه گفت که آن را می دانست.ونس

معرفی سفیر

سند شماره ۲۳

طرح: کاردار لینگن ۱۱ مرداد ۵۸ ۲ اوت ۱۹۷۹

طبقه بندی: سرّیتصویب: کاردار لینگن

از: سفارت آمریکا تهران

از: کاردار

به: وزارت خارجه آمریکا فوری ۳۰۱۴

به: نیوسام

سرّی تهران ۸۲۲۴۸

موضوع: معرفی سفیر

۱ از شما و وزارتخانه به جهت پیام مبسوطی که فرستادید متشکرم.

۲ در پیامتان خواستار نظرات من با توجه به مسئله زمان بندی و آمادگی اوضاع پیرامون مسئله تقاضای سفیر برای اینجا شده بودید. جواب کوتاه من حاکی از آن است که به عقیده من معرفی فوری یک سفیر جدید حتی زودتر از برنامه زمانی پیشنهادی شما منافع ما را در ایران تأمین خواهد کرد. در جواب طولانی ترم عقیده منطقی شما مبنی بر اینکه جو اوضاعی که این عمل در آن انجام می گیرد باید آن چنان باشد که اهداف مشی ای را که دنبال می کنیم تأیید کند، را در نظر می گیرم. این جو به مقدار زیادی نمایانگر آن است که دولت موقت ایران آماده است در زمینه فعالیت دو طرفه برای بازسازی روابط انجام دهد، خواهد بود.

۳ با گفتن مطالب فوق این را هم باید تذکر داد که دولت موقت ایران منتظر علامتی و اشاره ای از جانب ما هم می باشد. ما تنها کشور مهم یا تنها قدرت عمده ای هستیم که سفیری اینجا ندارد. تقریبا از هر سؤالی

که از ما می کنند مشهود است که برنامه زمانی و شخص مورد نظر برای سفر تأثیر زیادی در روابط فیمابین خواهد داشت. علیرغم آنچه که ممکن است در مورد مسئولیتهای دولت موقت ایران در مقابل جریان کاتلر و وضع فعلی روابط فکر کنیم. اکثر ایرانیها طولانی شدن غیبت یک سفیر را این طور تلقی می کنند که ما هنوز باید برای آشنا شدن با واقعیتهای ایران وقت صرف کنیم. لذا معرفی یک سفیر به عنوان یک رأی اعتماد تلقی خواهد شد.

۴ دو گروه دیگر نیز نسبت به تصمیمات ما علاقه نشان می دهند. گروه اول شامل تعدادی از حکومتهای دیگر، خصوصا متحدین ما در اروپای غربی می شود که به میزان مشابهی روی اقدام ما در این مورد حساب می کنند و امیدوار و متوقعند که زود اقدام شود. گروه دوم جماعت تجار آمریکایی را که در ایران منافع و مشکلاتی دارند، شامل می گردد. این گروه مخصوصا به تصمیمات در مورد سفیر حساسند. اساسا هر تماسی که در این بخش گرفته شده، اشاره به این موضوع داشته است که عدم اقدام ما، عاملی منفی در تصمیمات ما و فعالیتهای آتی آنان در ایران خواهد داشت.

۵ به این دلایل، من همچنان عدم تأخیر در اقدام به معرفی یک سفیر را مهم فرض خواهم نمود. اگر چه به نظر من برنامه زمانی که شما در پیامتان پیشنهاد کرده اید خیلی طولانی است، ولی احتمالاً در رابطه با اوضاع واقع گرایانه بوده است. همین جنبه است که میزان اعتبار این گزارش خواهد بود.

۶ در چند ماه آینده توجهات معطوف به جریان انتخاباتی خواهد بود که باید یک دولت مورد تأیید مجلس را جایگزین کند. نتیجه نامعلوم و انتخابات از قرار آشفته خواهد بود. ولی هم دولت موقت و هم آیت اللّه شدیدا روی آن حساب می کنند. در صورت وقوع اتفاق ناگواری دولتی جدید و قوی تر بر سر کار خواهد آمد.

۷ در حال حاضر دلیلی در دست ندارم که فکر کنم موضع این دولت اختلافات فاحشی با موضع دولت

موقت داشته باشد. اینجا در تمام سطوح خود من را به گرمی پذیرفته اند و می شود گفت بیانات عمومی دولت در رابطه با ما اخیرا مثبت بوده است. ما حس می کنیم که هم یزدی و هم بازرگان به طور روز افزونی به لزوم اقدام در جهت تفاهم بیشتر با ما پی می برند. در مدار رهبری ارتش این امر حتی بیشتر صادق است.

۸ تجهیزات امنیتی مربوطه به محوطه ما هنوز مطمئن نیست. تأکید می شود که این امر قبل از ورود سفیر جدید تثبیت شود. امیدواریم که با استفاده از فرصتی که گشایش امکانات معمولی ویزا برای ما فراهم می سازد این مسئله نیز حل شود.

۹ فرضیاتی که در بالا اشاره شد مبتنی بر مواضع دستگاه دولت و همچنین قم است. همان طوری که به شما اشاره کردیم بیانات عمومی آیت اللّه و اطرافیانش در هفته های اخیر معتدل تر بوده اند. اما باید تأکید کنم که مواضع او مبتنی است بر چیزی که ما آن را یک تنفر بنیادی از آمریکا می دانیم. بسیاری از آنان که اطراف او هستند سوءظنشان نسبت به مقاصد ما حتی بیشتر است. در زمینه برخورد با امور خارجی این گروه احساساتی و سطحی اند. از آنجایی که این جمع به آیت اللّه بلافاصله دسترسی دارند و در صحبتهای روزانه او صاحب اثرند، دائما احتمال انفجارهایی غیرقابل محاسبه از آن جانب است و می توان ما را به همان برنامه زمانی که شما پیشنهاد می کنید به عقب برگرداند. ما خیلی ساده باید همراه با جریان زمان مراقب اوضاع باشیم.

۱۰ باید ملاحظه یکی از عواملی که در برنامه زمانی و جو اوضاع مؤثر است، یعنی طرز برخورد ما

نسبت به شاه را نیز کرده و به عقیده من خیلی عالی است که شاه تا ورود یک سفیر به اینجا، به آمریکا نیاید.

پایداری بیاید و قدرتی که با معرفی یک سفیر در روابط دو جانبه عایدمان خواهد شد به ما در برخوردمان

با عکس العمل خصمانه و غیرقابل اجتناب که نسبت به روش ما در مورد شاه مخصوصا از جانب

آیت اللّه ها ایجاد خواهد شد، کمک خواهد کرد.

۱۱ نهایتا مسئله تقابل یعنی سطح نمایندگی ایران در واشنگتن مطرح می شود. ما باید زمانی که

منافعمان ایجاب کرد سفیر اینجا را تعیین کنیم، نه اینکه به اقدامات دولت موقت وابسته باشیم. در عین حال

باید همچنان برای دولت ایران روشن سازیم که بازسازی رابطه فیمابین امری است دو جانبه که محتاج

مایه گذاری از هر دو طرف می باشد.

۱۲ وزیر در پیامش خواستار مشورتهایی در اواخر اوت یا اوائل سپتامبر شده بود. من دومی را

ترجیح می دهم.

۱۳ با درودهای صمیمانه.لینگن.

پرسش دولت موقت درباره شاه

سند شماره ۲۴

۲۵ مرداد ۵۸ ۱۶ اوت ۱۹۷۹

از: وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی

به: سفارت آمریکا تهران فوری ۴۱۱۰

سرّی STATE تهران ۲۱۴۸۶۱

چروکی برای کاردار

موضوع : پرسش دولت موقت درباره شاه

مرجع : تهران ۹۱۳۳

۱ (سری تمام متن)

۲ همانطوری که کاردار ناس در ماه مه به اطلاع نخست وزیر رساند (تهران ۴۶۶۳) انتظار می رود چهار فرزند پهلوی تحصیل خود را امسال در ایالات متحده انجام بدهند. سه تای کوچکتر از آنها اینک در کشور هستند. رضا آخر هفته پیش برای یک اقامت کوتاه وارد امریکا شد تا امتحان مهارت زبان انگلیسی توفل خود را همانطور که خواسته شده پشت سر گذارد. وی برای آمدن اینجا احتیاج به ویزا داشت و آن را از سفارت ما در مکزیکوسیتی بدست آورد.

۳ رضا درخواست ویزا برای والدینش نکرد و در این مورد تفحصی هم ننمود (برای اطلاع شما: در عین حالی که پیشنهاد می کنیم دولت موقت را از این واقعیت مطلع نکنید، شما باید بدانید که شاه پیش از ترک ایران ویزایی فراهم کرد و آن هنوز معتبر است. پایان)

۴ شما می توانید، همان طور که ما اخیرا در واشنگتن چنین کردیم، به اطلاع ایرانیان برسانید که در موضع دولت آمریکا نسبت به سفر شاه به آمریکا تغییری حاصل نشده است.

کریستوفر

بیماری شاه

ص: ۳۲۳

سند شماره ۲۵

شماره سند: ۱۱۳

از: سفارت آمریکا در تهرانتاریخ: ۲۱ اکتبر ۷۹ ۲۹ مهر ۵۸

به وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی. خیلی فوری ۴۳

سرّی تهران ۱۱۱۳۳

مرجع: سازمان ۲۷۵۰۰۱

برای معاون نیوسام

موضوع: بیماری شاه

۱ تمام متن سرّی است.

۲ من در ساعت ده امروز صبح فرصتی به دست آوردم تا با امیر انتظام (سفیر) قرار ملاقاتی بگذارم (برای معرفی هنری پرشت) به این منظور که او را از دستورالعملها آگاه سازم و از او بخواهم تا ترتیب یک قرار ملاقات فوری را با بازرگان (نخست وزیر) بدهد (جرج کیو در ۱۹ اکتبر تهران را ترک کرد). بعد از مذاکره با انتظام، قدم زنان به طرف در رفتیم تا به ملاقات بازرگان برویم. وزیر خارجه یزدی هم، به ما پیوست.

۳ در جهت مطلع ساختن آنان نظرات ما مبنی بر اینکه شاه نیاز فوری به پذیرفته شدن در آمریکا و استفاده از امکانات پزشکی آنجا را دارد من اظهار داشتم که تصمیم ما مبنی بر پذیرش شاه به طور کلی به خاطر مسایل بشر دوستانه بوده است. من روی این مسئله تأکید کردم که ما دولت موقت ایران و نخست وزیر را به رسمیت می شناسیم و قبول داریم و این نکته منعکس کننده پذیرش ما در مقابل تغییرات در ایران است. همچنین ما میل داریم که در هر زمینه ای که ممکن است با هم کار کنیم تا بتوانیم به هر ترتیب روابط

جدیدی را با ایران پایه گذاری کنیم.

۴ من اظهار امیدواری کردم که دولت موقت ایران در این مسئله با ما همکاری کند. تا بتوانیم بحران سیاسی ناشی از ورود شاه به آمریکا را مشترکا کنترل کنیم و ما در جستجوی راه حلی برای پایه ریزی روابط جدید بین دو کشور هستیم. همچنین روی این موضوع تأکید کردم که ما امیدواریم و اطمینان داریم که دولت موقت ایران باید تا آنجا که ضرورت دارد قدمهایی در راه ایجاد امنیت برای مجامع ما در ایران در برابر در برابر تظاهرات مردمی که ممکن است به وجود آید، بردارد.

۵ واکنش سه مخاطب ما تقریبا متفاوت بود، ولی لحن ملایمی داشت. عکس العملها متفاوت بود.

اظهار نظر امیر انتظام در رابطه با این، مانع جدیدی بود که در راه تلاشهایی که به گفته خود او، او و دیگر دوستان ایالات متحده به خاطر برقراری روابط بین دو کشور انجام داده بودند قرار داشت. عکس العمل بازرگان به آرامی ولی در رابطه با قبول واقعیت بود. واکنش یزدی (کسی که بر بحث تسلط داشت) تأکید روی مشکلاتی بود که این مسئله می توانست برای آمریکا در ایران به وجود بیاورد.

۶ بحث ما به شکل خوبی ادامه پیدا کرد و یزدی بحث را در نکات زیر خلاصه کرد:

الف) دولت موقت ایران قویا ترجیح می دهد که شاه به فرض اینکه واقعا به معالجات پزشکی در خارج از مکزیکو نیازمند است. این معالجات را در محلی غیر از آمریکا ادامه دهد. یزدی گفت که حتی اگر این امکانات پزشکی در مکزیکو در دسترس نیستند، این مسئله برای دولت موقت ایران قابل درک نیست که

چرا شاه از امکانات پزشکی در اروپای غربی استفاده نمی کند.

ب) چنانچه ایالات متحده به شاه اجازه اقامت بدهد یزدی احساس می کرد که معالجه شاه در خارج از شهر نیویورک در نظر افکار عمومی اینجا هم بیشتر قابل پذیرش خواهد بود. او می گفت که ایرانیان نیویورک را مرکز راکفلرها و صهیونیستها می دانند و این مسئله را پیچیده تر خواهد کرد. او مرکز پزشکی آندرسون را در هوستون به عنوان مرکزی پیشرفته برای تشخیص بیماری پیشنهاد کرد (یزدی در مورد تجربیات شخصی خود از مراکز پزشکی کترینک و آندرسون توضیحاتی داد).

ج) برای کمک به دولت موقت ایران در این مورد که مردم و خمینی را متقاعد کند که مسئله پذیرش شاه به وسیله آمریکا یک حیله نیست، دولت موقت امیدوار است که به یک دکتر ایرانی اجازه داده شود که اعتبار گزارشات پزشکی را تأیید کند. (این موضوع که آیا از او انتظار می رود که شاه را هم معاینه کند روشن نبود.) در جواب به پرسش ما، یزدی گفت که هم اکنون تعداد زیادی از دکترهای ایرانی در آمریکا هستند که می توانند این وظایف را انجام دهند، بدون اینکه پزشکی از ایران فرستاده شود. یزدی همچنین پرسید که اگر تشخیصات طبی معالجه شیمیایی ممتد و یا معالجات دیگر را پیشنهاد کرد، شاه در آمریکا خواهد ماند. من به او گفتم که در این مورد هیچ ضمانتی نمی توانیم بکنیم.

د) در انتها، دولت موقت ایران از دولت آمریکا انتظار دارد که قبلاً از شاه ضمانتی مبنی بر اینکه او...(۱)

شاه در آمریکا

۱- متأسفانه این سند ناقص و به همین صورتی که مشاهده می کنید پیدا شد.

ص: ۳۲۵

سند شماره ۲۶

شماره: ۱۱۲۷۳

از: سفارت آمریکا در تهرانتاریخ: ۲۴ اکتبر ۷۹

به: وزارت خارجه واشنگتن فوری ۴۴۴۹۲ آبان ۵۸

گزارشگر: تامست

طبقه بندی: محرمانه

موضوع: شاه در آمریکا

۱ (محرمانه تمام متن)

۲ عکس العمل ورود شاه به آمریکا خیلی کم بوده است. اغلب روزنامه های فارسی و انگلیسی زبان داستان را به نحوی عادی با استفاده از سرویسهای خبری گزارش شده از سوی سخنگوی وزارت امور خارجه ابراهیم مکلا نقل کردند. بر اساس گزارش روزنامه تهران تایمز مکلا گفته است که درک دولت ایران از عزیمت شاه مخلوع به ایالات متحده فقط برای معالجه بوده و او و همسرش حق اداره فعالیتهای سیاسی از هر نوع را در آمریکا نخواهند داشت. او توضیح داد که شاه از سرطان موضعی رنج می برد. رادیو تلویزیون (NIRT) از موضوع به کلی چشم پوشی کرده. نه رادیو و نه تلویزیون در بخش اخبار ۲۳ اکتبر و امروز خبری از سفر شاه اعلام نکرده اند.

۳ چند تظاهرات، دیروز در تهران برگزار شد که شامل گروههایی بود که از مقابل سفارت عبور کرده و توقفی نداشتند. بعضی از شرکت کنندگان شعارهایی ضد آمریکایی دادند و حامل پرچمهایی خطاب به آمریکا و پرزیدنت کارتر بودند. به هر حال این احساسات ضد آمریکایی آشکارا در رابطه با هدف اصلی برخی از تظاهرکنندگان جهت یادبود سالگرد مرگ فرزند بزرگ خمینی در چند سال پیش بوده است.

(توضیح: به صورت وسیعی اعتقاد بر این است که مصطفی خمینی از سوی ساواک و عوامل CIAمسموم شده است. بیانیه های ضد آمریکایی به نظر می رسد که مرتبط با اسطوره عامیانه مرگ مصطفی باشد، نه ورود شاه ایران به آمریکا پایان نظریه).

تظاهرات مشابه دیگری نیز بودند که مربوط به مسایل آموزشی بودند نه شاه یا آمریکا.

۴ تظاهراتی برای روز جمعه ۲۶ اکتبر (۴ آبان) طرح شده است. این تظاهرات که از سوی حزب جمهوری اسلامی دعوت شده است؛ جهت ابراز حمایت از رهبری آیت اللّه خمینی است و در دانشگاه تهران برگزار می شود. یکی از مسیرهای راه پیمایی از مقابل سفارت می گذرد و تصور ما این است که تظاهر کنندگان موقعیت را برای تظاهرات علیه آمریکا مناسب دیده و شاید این تظاهرات شامل اعتراضاتی بر علیه حضور شاه در آمریکا بشود.

همچنین احتمال دارد که پس از پایان تظاهرات در دانشگاه تهران و بازگشت عادی، شرکت کنندگان به سوی سفارت آیند. ما احتیاطات لازم را خواهیم کرد ولی در این لحظه اعتمادمان رو به افزایش است که می توانیم از عهده این آخرین توسعه در روابط دو طرفه فیمابین با ایران را نسبتا بدون آسیب برآییم.

لینگن

شاه در آمریکا

ص: ۳۲۶

سند شماره ۲۷

از: وزارت خارجه واشنگتن دی سی۲۶ اکتبر ۷۹ ۴ آبان ۵۸

به: سفارت آمریکا در تهران فوری ۵۱۶۰

مرجع: سازمان ۲۷۹۱۳۵

سرّی: فقط برای لینگن قابل رؤیت است.

موضوع: شاه در آمریکا

۱ تمام متن سرّی است

۲ سفیر ایران دکتر فرهنگ وآوا (مأمور مطبوعاتی) در ۲۶ اکتبر با مأمور سازمان ملاقات کردند و درباره موضوع پزشکان مقیم آمریکا که از طرف ایران انتخاب شده بودند تا اطلاعاتی از وضع سلامتی شاه به دست آورند، مذاکراتی انجام شد.

۳ مأمور سازمان به فرهنگ وآوا گفت که دولت آمریکا مایل است با پزشکان منتخب جمهوری اسلامی ایران در ارتباط باشد. او دو پاکت مهر شده به فرهنگ داد که به پزشکان بدهد. محتوی این پاکتها اطلاعاتی بود که قبلاً به یزدی داده شده بود. همچنین بولتن پزشکی بیمارستان نیویورک در تاریخ ۲۵ اکتبر ضمیمه بود. مأمور سازمان به فرهنگ گفت که اگر پزشکان سؤالاتی در این مورد داشتند آنها می توانند با رئیس مرکز طبی تماس بگیرند. او (مأمور سازمان) به عنوان کانالی برای رد و بدل کردن سؤالات و جوابها بین آنها و پزشکان در نیویورک انجام وظیفه خواهد کرد.

۴ ملاقات با فرهنگ حالت دوستانه ای داشت. فرهنگ راجع به طرز تأمین نیازهای دولت ایران هیچ اظهار نظری نکرد. غالب اظهارات او جنبه مثبت داشت و بر این اساس متمرکز بود که دولت ایران می خواهد همه بدانند که آنها درباره اقامت شاه در آمریکا، کاری انجام می دهند. فرهنگ سؤال کرد که آیا

دولت ایران در تهران در این مورد آگاهی دارد؟ به او گفته شد که سفارت دستورالعملهایی برای اطلاع وزارت امور خارجه داده و حداکثر در ۲۷ اکتبر مذاکراتش را به وزیر خارجه دکتر یزدی انجام خواهد داد.

۵ فرهنگ این نکته را ذکر کرد که احساسات مردم ایران در رابطه با مسئله شاه رو به ازدیاد است، و به عنوان مثال درخواست اعضای ایرانی سفارت ایران در اینجا را (آمریکا) بیان داشت که سفارت روز ۲۶ اکتبر بسته باشد، چون آنها می خواهند به دلیل مخالفت با حضور شاه در آمریکا در مقابل سفارت تظاهرات داشته باشند.

۶ فرهنگ وآوا مطالب روزنامه ها را عنوان کردند. این مطالب حاکی از آن بود که شاه احتیاج به یکسال معالجه در آمریکا دارد. مأمور سازمان تأکید کرد که آنها نباید بر اساس اخبار مطبوعات نتیجه گیری کنند. مدت اقامت شاه در آمریکا بستگی به نیازهای پزشکی او دارد که این مدت با صلاحدید متخصصین پزشکی لایق تعیین می شود. مأمور سازمان به فرهنگ گفت که به نظر او هنوز متخصصین پزشکی در شرایطی نیستند که بتوانند مدت این اقامت را تعیین کنند و قبلاً باید آزمایشهایی به عمل بیاید.

۷ وآوا راجع به مسئله پاسپورت شاه سؤال کرد. به او گفته شد که بر طبق قوانین مهاجرت آمریکا از شرط پاسپورت صرف نظر شده است. مأمور سازمان گفت که چنین مسئله ای غیر طبیعی نیست.

۸ در ۲۶ اکتبر دو پزشک ایرانی با رئیس بخش پزشکان وزارتخانه ملاقات کردند. تقاضای آنها این بود که: الف شاه را معاینه کنند، ب پرونده های پزشکی او را و همچنین عکسهای داخلی او را ملاحظه

کنند تا بتوانند خبر معتبری از این موضوع داشته باشند. گرچه در مذاکرات بین مأمور سازمان و مأمور سفارت، ایران تقاضای معاینه شاه را نکرد، ولی گفت که پزشکان باید پرونده های پزشکی او را ملاحظه کنند.

۹ برای اطلاع شما رئیس سازمان پزشکی تقاضای دوم پزشکان ایرانی را به دکترهای شاه در نیویورک ابلاغ کرده است، اما تقاضای معاینه شاه به پزشکان ابلاغ شد. زیرا این صحیح نیست و ثانیا این خارج از پیشنهاد ما در تلگراف مرجع است.کریستوفر. شماره سند ۹۸۸۰

حضور شاه در آمریکا

سند شماره ۲۸

۲۸ اکتبر ۱۹۷۹ ۶/۸/۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا در تهران

به: وزیر امور خارجه واشنگتن فوری ۴۵۰۳

محرمانه تهران ۱۱۳۷۱موضوع: حضور شاه در آمریکا

۱ محرمانه تمام متن

۲ عکس العمل منفی علیه حضور شاه در آمریکا در حال تکوین است. در آخر این هفته خمینی دوبار انتقاد کرد. یک بار گفت اخیرا... دشمنان اسلام شاه را به آمریکا پذیرفته اند. نوبت دیگر با استفاده از حضور شاه در آمریکا به روابط گذشته دو کشور تاخت. او در حین سخنرانی دوم گفت که ممکن است پذیرش شاه توسط آمریکا یک توطئه باشد.

۳ مطابق اخبار روزنامه ها در ۲۷ اکتبر کارگران شرکت نفت هشدار دادند که در صورتی که آمریکا از تحویل شاه خودداری کند ایران ممکن است اقدام به تلافی اقتصادی کند.

۴ سرانجام رادیو تلویزیون ملی ایران سکوت خود را نسبت به موضوع شکست. ابتدا سرمقاله آتشین روزنامه جمهوری اسلامی و سپس گزارشی از سخنرانی دکتر محمد بهشتی را که در راه پیمایی وحدت ۲۶ اکتبر در دانشگاه تهران ایراد نمود، پخش کرد. وی اظهار داشت که ایران حضور شاه را در آمریکا به عنوان یک میهمان تحمل نخواهد کرد، و سپس تفسیر خودش (بخش خبری اطلاعات خارجی ۲۷۱۳۴۶ لندن اکتبر ۷۹) که در سمپاشی از هرچه که تابه حال از آن جانب دیده ایم بدتر بود. در۲۷ اکتبر پرشت مقام وزارت خارجه و کاردار به بهشتی تلفن کردند و بهشتی به نظر می رسید که در مورد حضور شاه در آمریکا خیلی کمتر از احتمال فعالیتهای ضد انقلابیون سلطنتی نگرانی دارد.

۵ ما هنوز بر این باوریم که مادامی که دولت موقت به طور معقول قانع شده باشد که شاه برای معالجه تا مدت معینی در آمریکا بسر می برد و معالجه او در کشور دیگری امکان پذیر نیست، و نه شاه و نه همراهانش سعی در تضعیف انقلاب اسلامی ایران ندارند، دولت ایران قصد ندارد حضور شاه در آمریکا را یک مسئله بزرگ جلوه دهد. در حالی که از لحاظ فنی سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران وابسته به دولت است، غالبا به صورت مستقل عمل نموده و مقامات عالی رتبه مملکتی از تحت کنترل درآوردن صادق قطب زاده سرپرست آن ابراز ناامید کرده اند. اگر افراطیون انقلاب، روحانیون خام و تیپ عموما بی مسئولیت تعیین کننده مسئله حضور شاه در آمریکا بشوند، علیرغم تمایل دولت موقت، کاملاً محتمل است که مجبور به اتخاذ موضعی شود که در غیر آن صورت آن را نمی پذیرفت.لینگن

شاه در آمریکامحرمانه تهران ۱۱۵۱۵

از: سفارت آمریکا در تهران سند شماره ۲۹

تاریخ: ۳۱ اکتبر ۱۹۷۹ ۹ آبان ۵۸

به: وزارت امور خارجه واشنگتن فوری ۴۵۷۴ موضوع: شاه در آمریکامحرمانه تهران ۱۱۵۱۵

۱ متن کاملاً محرمانه است.

۲ در مدتی که مأمور سفارت با معاون چهارم بخش سیاسی وزارت امور خارجه، پارسا کیا، در ۳۱ اکتبر به خاطر مسایل دیگری ملاقات داشت، پارسا کیا مسئله شاه در آمریکا را طرح کرد و در یک تقاضای شخصی و غیر رسمی سعی داشت به دولت آمریکا بفهماند که چرا شاه باید آمریکا را ترک کند. پارسا کیا مطالب زیر را اظهار داشت:

۳ او و اعتصام مدیر کل بخش اروپا و آمریکا سخت کوشیده بودند تا از بحران در روابط ایران و آمریکا جلوگیری کنند، اما این مسئله غیر ممکن شده بود. آنها نمی خواستند که دولت موقت جمهوری اسلامی ایران یک یادداشت رسمی در مورد شاه به دولت آمریکا بنویسد و تا آنجا که امکان داشت از این عمل اجتناب می کردند. اما فشارهایی که از خارج اعمال می شد، زیاد بود.

۴ رهبران دولت موقت (بازرگان و یزدی) قدرت زیادی نداشتند و تصمیماتی که باید در مورد ارائه حضور شاه در آمریکا گرفته شود، به دست آنها نبود. وزارت امور خارجه در صورتی قادر است که زیانهای آمریکا را در قبال روابط با ایران جبران کند که شاه بلافاصله بعد از مرخص شدن از بیمارستان آمریکا را ترک کند و در غیر این صورت بحرانی به وجود می آید. پارسا کیا گفت که تصمیمات درباره دیگر مسایل خارجی هم نظیر روابط با مصر توسط خمینی گرفته می شود. او تلویحا گفت (به طور مستقیم بیان نکرد) که ادامه حضور شاه در آمریکا ممکن است منجر به قطع روابط ایران و آمریکا شود.

۵ پارسا کیا گفت که رهبران دولت موقت مایلند که شاه در مکزیک باشد، ولی موضوع آمریکا مسئله

دیگری است. دولت موقت معتقد بود که موقعیت شاه در آمریکا مانند موقعیتی است که خمینی در پاریس داشت و از آن استفاده خواهد کرد، تا بر علیه دولت موقت توطئه بکند. او هم چنین خاطرنشان کرد که ۲۰۰۰۰۰ ایرانی در آمریکا زندگی می کنند و همچنین شاه از ثروت بی حسابی بهره مند است (عددی که او در مورد این ثروت استفاده کرد ۲۰ میلیارد بود.) پارسا کیا گفت که ایران مرکز شایعات است اما رهبران دولت موقت تا به حال شایعه سرطان شاه را نشنیده اند. به همین دلیل آنها نسبت به بیماری شاه مظنون بودند. آنها همچنین نمی فهمیدند که چرا شاه باید معالجات طبی خود را در آمریکا ادامه دهد.

۶ پارسا کیا گفت که رهبران دولت موقت (که منظور او به روشنی خمینی و اطرافیانش بودند) سیاستمدار نیستند و اصول دیپلماسی را نمی فهمند. آنها به نتایج تصمیماتی که هم اکنون می گیرند توجه ندارند. پارسا کیا گفت که آنها (رهبران قم) به دقت منتظر بودند ببینند که شاه اجازه اقامت در آمریکا به دست خواهد آورد یا خیر، و اگر چنین شد آنها فورا به پا خواهند خاست. (او نگفت که این کار را به چه صورت خواهند کرد ولی روشن بود که روابط را قطع خواهند کرد.)

۷ در طول صحبت، پارسا کیا به مصاحبه سناتور جکسون اشاره کرد. او گفت که این اظهارات سطوح بالای وزارت امور خارجه ایران را خیلی نگران کرده. یزدی فورا تقاضا کرد که نسخه ای از این مصاحبه را ببیند. یزدی معتقد است که جکسون یکی از رهبران قدرتمند آمریکاست. او می خواست بداند که آیا اظهارات جکسون پیامی از جانب دولت آمریکا است؟ مأمور سفارت پارسا کیا را مطمئن ساخت که چنین چیزی نیست.لینگن

کتاب هشتم

دخالتهای آمریکا در ایران

ص: ۳۳۱

معرفی کتاب دخالتهای آمریکا در ایران (۱)

با افول سلطه شیطانی امپراطوری جبار انگلیس در صحنه عالم، امپریالیسم آمریکا با نیرو و توان تازه ای به همراه کوله باری از تجارب سالها سلطه استعمارگران انگلیسی به عنوان یک سردمدار جدید جریان استکبار جهانی نمایان شد. آمریکا با استفاده از منابع سرشار مادی، پس از حضور در جنگهای جهانی و به دست آوردن پیروزی در جنگ، خود به عنوان بزرگترین مدعی تسلط بر گستره عالم وارد صحنه شد. رفته رفته مناطقی که سالیان سال تحت سلطه و نفوذ استعمار انگلیس بودند، شاهد پیدا شدن سروکله سلطه گر جدیدی با رنگ و بوی تازه و خاص خودش شدند. رقیب جدید با شیوه های تازه و مدرن تر و بعضا وحشیانه تر، برای چپاول هرچه بیشتر ملتهای تحت ستم به میدان می آید و به راستی آنچه که در این مدت کمتر از یک قرن از خود بجا گذاشته، کارنامه ای درخشان و بی نظیر در ظلم و جنایت و غارت مستضعفین عالم بوده است. هیچ سلطه گری در طول تاریخ از این حیث نمی تواند با آمریکای جهانخوار برابری کند.

کشور ما نیز یکی از همان مناطقی است که به لحاظ موقعیت خاص سیاسی، جغرافیایی و منابع طبیعیش، در طول قرن اخیر، عرصه تاخت و تاز این سلطه گران چپاولگر بوده است. به تدریج که سلطه انگلیس در دنیا رو به ضعف می گذاشت، از تسلط همه جانبه آن در کشور ما نیز کاسته گردید و به همین نسبت حضور فعال امپریالیسم آمریکا بیشتر و بیشتر می شد، تا جایی که پس از سرنگونی دکتر مصدق که در میان کشمکش این دو قدرت شیطانی، مجالی برای حضور در صحنه پیدا کرده بود، آمریکا به عنوان قدرت مسلط در همه جوانب سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ما در این سرزمین شروع به حکمروایی کرد و نقش انگلیس تنها محدود به حفظ شبکه فراماسونها شد.

امپریالیسم آمریکا همزمان با گسترش شبکه های نفوذ و سلطه خود در سراسر جهان، به مثابه یک مجموعه جهانی استکباری، در کشور ما نیز طرحهای دراز مدت و کوتاه مدت خود را برای بسط این شبکه

شیطانی به اجرا می گذارد. هجوم همه جانبه آمریکاییها از کودتای ۲۸ مرداد به این طرف، رفته رفته سیر صعودی خود را طی می کند تا به یکی از نقاط عطف آن یعنی حرکت رفرم گونه آمریکا تحت عنوان، به اصطلاح انقلاب سفید، اجرا می شد، مطرح می شود. برای اینکه عمق برنامه ها و طرحهای شیطانی آمریکا را دریابیم، به نقل فرازهایی از سخنان امام در ۴ آبان ماه ۱۳۴۳ در مدرسه فیضیه قم پس از طرح قرارداد آمریکایی کاپیتولاسیون می پردازیم: «ایران دیگر عید ندارد، عید ایران را عزا کردند»

«ما را فروختند، استقلال ما را فروختند، باز هم چراغانی کردند، پایکوبی کردند».

«عزت ما پایکوب شد، عظمت ایران از بین رفت، عظمت ارتش ایران را پایکوب کردند».

«قانونی را به مجلس بردند که در آن، اولاً ما را ملحق کردند به «پیمان وین» و ثانیا الحاق کردند به آن که تمام مستشاران نظامی آمریکا، با خانواده هایشان با کارمندان فنیشان، با کارمندان اداریشان، با خدمه شان و با هرکس که به آنها بستگی دارد از هر جنایتی که در ایران می کنند، مصون هستند».

«اگر یک خادم آمریکایی، یا یک آشپز آمریکایی مرجع تقلید شما را در وسط بازار ترور کند، زیر پای خود منکوب کند، پلیس ایران حق ندارد جلو او را بگیرد! دادگاههای ایران حق محاکمه ندارد! باید پرونده به آمریکا برود! و در آنجا اربابها تکلیف را معین کنند!»

«اگر نفوذ روحانیون باشد نمی گذارد این ملت یک روز اسیر انگلیس و روز دیگر آمریکا باشد».

«اگر نفوذ روحانیون باشد نمی گذارد، اسرائیل اقتصاد ایران را قبضه کند، نمی گذارد، کالاهای اسرائیل آن هم بدون گمرک در ایران فروخته شود.»

«اگر نفوذ روحانیون باشد نمی گذارد، اینها، خودسرانه، چنین قرضه سنگینی را بر ملت ایران تحمیل کنند.»

«اگر نفوذ روحانیون باشد نمی گذارد یک دست نشانده آمریکایی این غلط ها را بکند، از ایران بیرونش می کنند.»

«نظامی های آمریکا و مستشاران نظامی آمریکا، برای شما چه نفعی دارند؟ اگر این مملکت اشغال آمریکاست پس چرا اینقدر عربده می کشی؟ چرا اینقدر دم از ترقی می زنی؟ اگر این مستشاران، نوکر شما هستند پس چرا از اربابها بالاترشان می برید؟ اگر نوکرند با آنان مثل سایر نوکرها عمل کنید؟ اگر کارمند شما هستند شما هم مثل سایر ملل که با کارمندانشان عمل می کنند با اینان رفتار نمائید. اگر مملکت ما در اشغال آمریکاست اعلام کنید، پس ما را از این مملکت بیرون بریزید.»

«من نمی دانم کجاست این انقلاب سفیدی که اینقدر روی آن جار و جنجال راه انداخته اند؟ خدا می داند که من مطلعم و رنج می برم، من مطلعم از این دهات و شهرستانهای دور افتاده و از این قم عقب مانده، من این ملت فکری کنید، این قدر قرض روی قرض نیاورید، این قدر نوکر نشوید. البته دلار نوکری هم دارد! ندارد به آمریکاییها بگوید بالای چشم شما ابروست!!»

«ما چون ملت ضعیفی هستیم و دلار نداریم باید زیر چکمه آمریکا برویم؟ آمریکا از انگلیس بدتر، انگلیس از آمریکا بدتر، شوروی از هر دو بدتر، همه از هم بدتر، و همه از هم پلیدترند، لیکن امروز سروکار ما با آمریکاست.»

«رئیس جمهور آمریکا بداند، این معنا را بداند که امروز در پیش ملت ما، از منفورترین افراد بشر است که چنین ظلمی به ملت اسلامی کرده است، امروز قرآن با او خصم است، ملت ایران با او خصم است. دولت آمریکا این مطلب را بداند که او را در ایران ضایع و مفتضح کردند.»

«امروز تمام گرفتاری ما از آمریکاست، تمام گرفتاری ما از اسرائیل است، اسرائیل هم از آمریکاست، این وکلا هم از آمریکا هستند، این وزرا هم از آمریکا هستند، همه دست نشانده آمریکا هستند، اگر نیستند چرا در مقابل آن نمی ایستند، داد بزنند؟»

امام همچنین اعلامیها روشنگرانه ای علیه کاپیتولاسیون پس از سخنرانی تاریخی خود صادر کردند، نکات برجسته ای از این اعلامیه که نقش آمریکا و اسرائیل را بیشتر تشریح می کند چنین است:

«دنیا بداند که هر گرفتاری که ملت ایران و ملل مسلمین دارند از اجانب است، از آمریکا است، ملل اسلام از اجانب عموما و از آمریکا خصوصا متنفر است، بدبختی دول اسلامی از دخالت اجانب در مقدرات آنها است، اجانبند که مخازن پر قیمت زیرزمینی ما را به یغما برده و می برند، انگلیس است که سالیان دراز طلای سیاه ما را با بهای ناچیز برده و می برد، اجانبند که کشور عزیز ما را اشغال کرده و بدون مجوز از سه طرف به آن حمله کرده و سربازان ما را از پا درآوردند. دیروز ممالك اسلامی به چنگال انگلیس و عمال آن مبتلا بودند امروز به چنگال آمریکا و عمال آن»

«آمریکا است که از اسرائیل و هواداران آن پشتیبانی می کند، آمریکا است که به اسرائیل قدرت می دهد که اعراب مسلمان را آواره کند آمریکا است، که اسلام و قرآن مجید را به حال خود مضر می داند و می خواهد آنها را از جلوی خود بردارد، آمریکا است که روحانیون را خار راه استعمار می داند. باید آنها را به حبس و زجر و اهانت بکشد، آمریکا است که به مجلس و دولت ایران فشار می آورد که چنین تصویب نامه مفتضحی را که تمام مفاخر اسلامی و ملی ما را پایمال می کند تصویب و اجرا کنند، آمریکا است که با ملت اسلام معامله وحشیگری و بدتر از آن می نماید».

«امروز اقتصاد ایران به دست آمریکا و اسرائیل است و بازار ایران از دست ایرانی و مسلم خارج شده است و غبار ورشکستگی و فقر به رخسار بازرگان و زارع نشسته است و اصلاحات آقایان بازار سیاه برای آمریکا و اسرائیل درست کرده است و کسی نیست که بداد ملت فقیر برسد».

مجموعه حاضر، که تحت عنوان دخالتهای آمریکا در ایران(۱) به حضور امت شهید پرور و قهرمانمان ارائه می دهیم، اسناد و مدارکی است که حکایت از اهداف و مقاصد آمریکا از حکمروایی جابرانه اش در زمان رژیم شاه معدوم می کند. یکی از ویژگیهای این اسناد جامعیت آنها است، چرا که در دوران انقلاب و پس از پیروزی آن، بخش متنابهی از مدارکی که حاکی از جنایات امپریالیسم آمریکا بود، توسط

جاسوسان آمریکایی یا از کشور خارج شد و یا در داخل جاسوسخانه به انحاء مختلف از بین رفت.

لذا از آنچه که مربوط به روابط آمریکا و رژیم شاه معدوم می شد، صرفا به نگهداری مدارک پراهمیت تر با جامعیت بیشتر اکتفاء کرده اند. به همین دلیل به وضوح در این اسناد، دخالتهای آمریکا در ایران به عنوان، نیروی حاکم بدون رقیب، مشاهده می شود و دیگر شاید نیازی به هیچ گونه توضیحی در معرفی اسناد نباشد، لیکن برای ارائه یک جمع بندی خلاصه با استفاده از اسناد، به نکاتی که از اهمیت بیشتری برخوردارند اشاره می کنیم.

در سند شماره ۱۶ در مقام بیان سابقه تاریخی رژیم شاه، چنین آمده است که، رضا شاه از تاج و تخت در سال ۱۹۴۱ توسط انگلیس و شوروی برکنار شد، همچنین فشار آمریکا نیروهای خارجی را در سال ۱۹۴۶ از خاک ایران خارج کرد و شاه دوباره به کمک آمریکا به تاج و تخت برگشت. کنترل صنعت نفت جهانی توسط غرب بعد از ملی شدن نفت در سال ۱۹۵۱ ایران را تقریبا ورشکسته کرد و بقاء شاه متکی به پشتیبانی خارجی و استقلال و تمامیت ارضی آن منوط به حضور افراد آمریکایی و موافقت نامه های امنیتی بود. از همین مختصر می توان دریافت که ماهیت رژیم ۵۰ ساله کذایی، چه بوده است و حافظ استقلال و تمامیت ارضی ایران چه نیروهایی بوده اند، در همین رابطه بد نیست به بررسی انگیزه ها و

۱- البته قبلاً به اطلاع امت قهرمان رسانده بودیم که بخش عمده ای از اسناد در هنگام اشغال لانه جاسوسی توسط جاسوسان از بین رفت که این جریان جدای از خروج اسناد و یا نابود کردن آن پس از پیروزی انقلاب به عنوان یک طرح امنیتی و حفاظتی بوده است.

مقاصدی که امپریالیسم آمریکا از روی کار آوردن رژیم شاه داشته است، از زبان خود جاسوسان متمدن و مترقی بپردازیم، رژیم وابسته ای که در جهت حفظ منافع ارباب خود در منطقه، از بیت المال مردم محروم و مستضعف به سایر رژیمهای دست نشانده آمریکا در منطقه چون مصر و اردن (سند ۱۲ و ۱۶) کمکهای مالی و نظامی فراوان می کرده.

در سند شماره ۱۴ که حاوی نتایج بازرسی وزارت امور خارجه آمریکا می باشد، چنین عنوان می شود که: «ایران برای آمریکا از نظر جغرافیایی و نفت حائز اهمیت است. ایران تحت نظر شاه که آمریکا را واجد نقش حیاتی در مساعی خود برای متجدد ساختن کشورش می داند، و می خواهد آن را از نظر نظامی و صنعتی قوی و متکی به خود سازد، محیط مناسبی برای تعقیب مقاصد آمریکا می باشد.»

به دنبال آن منافع آمریکا در ایران را به این شرح بر می شمارد:

«مکان استراتژیکی ایران، قدرت نسبی آن میان کشورهای خلیج فارس، منابع داخلی و بازار داخلی بورژوازی آن، این کشور را یک منطقه بسیار با اهمیت برای ایالات متحده، در حال حاضر و برای یک آینده قابل پیش بینی، نموده است. ما احتیاج به یک ایران دوست و مستقل و ایمن و باثبات داریم که هم بتواند و هم بخواهد نقش مسئولانه و سازنده در منطقه به ویژه در خلیج فارس بازی کند. ما نیاز مبرم به دسترسی به راه هوایی ایران و ترکیه که واسطه میان اروپا و شرق برای هواپیماهای نیروی دریایی و بازرگانی خود داریم.»

«به طور خلاصه: استفاده برای تسهیلات ویژه نظامی و اطلاعاتی که به خاطر ملاحظات جغرافیایی، گذشته از امکانات سیاسی، نمی تواند در جای دیگر با آثار همانند باشد، همچنین منافع اقتصادی و تأمین نفت و گاز، مناسب بودن ایران برای سرمایه گذاری (تا چندین میلیارد دلار).»

پس از ذکر منافع، سند شماره ۱۴، اهداف آمریکا در ایران را بر می شمارد:

۱ تقویت و کمک به توانایی ایران جهت ژاندارمی منطقه.

۲ حفظ تصمیم گیرندگانی که در مورد منافع آمریکا مؤثرند.

۳ ابقای دسترسی بلا اشکال به کریدور هوایی ایران ترکیه و بنادر ایران.

۴ تأمین، برقراری، نگهداری و استفاده بلامانع از تسهیلات اطلاعاتی و نظامی در قلمرو ایران.

۵ تأمین دسترسی به بنادر ایران جهت کالاها و خدمات بازرگانی آمریکایی و برقراری یک جو مساعد برای سرمایه گذاری سرمایه داران آمریکایی.

۶ تأمین دسترسی به منابع نفتی و مواد معدنی در ایران به قیمتهای قابل تحمل برای آمریکا و هم پیمانانش.

۷ تشویق ایران به ثابت نگهداشتن قیمت نفت.

۸ کمک به ثبات داخلی سیاسی ایران و گسترش رفتار مطبوع میان ایرانیان نسبت به آمریکا.

اهداف و منافع کلی آمریکا با حواشی بیشتر و یا کمتر در کلیه اسناد این کتاب آمده است، خصوصا اسناد ۱۵ و ۱۸ و ۲۲ در این زمینه قابل بررسی هستند.

مواردی که به نقل از اسناد آوردیم، محورهای عمده و زمینه های اصلی مداخلات آمریکا در منطقه و خصوصا ایران است. یکی از بارزترین موارد دخالتهای آمریکا در ایران، حضور نظامی آمریکا در ایران و در منطقه بوده است، که البته با پیروزی انقلاب اسلامی و اخراج بخش عمده مستشاران نظامی آمریکا و

پس از آن با اشغال لانه جاسوسی، به طور کامل با حضور مستقیم و غیر مستقیم نظامیان آمریکایی در ایران خاتمه داده شد. در کنار روابط اقتصادی، محور عمده روابط شاه را با آمریکا مسایل نظامی تشکیل می داد. آمریکا برای حفظ منافع سرشار اطلاعاتی و اقتصادی که در منطقه داشت، نیاز به یک بازوی مسلح نظامی داشت و طبیعی است که بهترین شکل این حضور نظامی به طریقه غیرمستقیم و توسط نیروهای بومی در منطقه و با مخارج خود آنان است.

شیوه های نوین استعمار دیگر اقتضاء نمی کرد که بسان گذشته برای کسب منافع خود در حفظ آن اقدام به لشگرکشی نماید، از این روست که آمریکای جنایتکار پس از روی کار آوردن عروسک دست نشانده ای چون شاه معدوم، او را وادار می کند که با بهره گیری از نیروی انسانی این مردم محروم و مستضعف و با استفاده از منابع فراوان مالی شان، دست به تشکیل یک نیروی نظامی در جهت حفظ منافع ابرقدرت های سلطه گر بزند. آمریکا علاوه بر حفظ منافع شیطانی خود در تأسیس این نیروی ژاندارم با ایجاد بازار فروش برای سلاحهای خود بهره اقتصادی سرشاری را به دست می آورد. طبیعی است به دنبال فروش این سلاحهای پیچیده، سیل کارشناسان و مستشاران برای سازماندهی ارتش همان گونه که مورد طبع آمریکای جنایتکار است و همچنین با بهانه آموزش طریقه استفاده از این سلاحها، به کشور سرازیر می شود. حضور کارشناسان نظامی با حقوقهای گزاف، خود یک عامل مهم برای حفظ و تداوم سلطه سیاسی و اقتصادی به شمار می رود، در سند شماره (۴) آمده است که روابط نظامی آمریکا با ایران باعث استحکام موقعیت آمریکا در ایران می شود و رئیس بخش مستشاری، یک مشاور بسیار مطلوب برای شاه است!! مسئله قابل ذکر در مورد روابط نظامی آمریکا با ایران جاه طلبی های شاه بوده که همواره در تلاش ایجاد یک قدرت عمده نظامی در منطقه بوده است، طبیعی است که آمریکا تنها به همان میزان که منافع کسانی که به اتکاء کمکهای روسیه می خواسته اند به جدال با آمریکا پرداخته و به استقلال برسند.

همان گونه که در مورد اهداف و منافع استراتژیک آمریکا در ایران آمده است، اهمیت و نقش ایران برای آمریکا، بیش از منافع اقتصادی که از آن به دست می آورد، موقعیت جغرافیایی و استفاده از ایران به عنوان یک پایگاه مهم برای جمع آوری اطلاعات بوده است، در سند شماره ۱۱ آمده است:

«ایران برای آمریکا، کمکهای فراوان و امکانات وسیعی برای کارهای جاسوسی و اطلاعاتی فراهم بکند و اینکه ارتباط کاری نزدیک بین ساواک و سیا (SRF)وجود دارد.»

در سند شماره ۱۳، هلمز رئیس سابق سازمان جاسوسی CIA خواهان ادامه روابط ایران و آمریکا و دسترسی به مواضع برای امکان فعالیتهای منحصر به فرد جاسوسی و مخابراتی می شود. همین مسئله در سند شماره ۱۹ نیز تصریح شده است. همچنین سند مهم شماره ۲۰ که به قول خود جاسوسان گزارشی از عوامل مختلف جامعه اطلاعاتی آمریکا و دیگر بخشها و سازمانها در ایران می باشد، میزان گستردگی فعالیت دستگاههای اطلاعاتی و جاسوسی آمریکا را در کشور ما در زمان شاه معدوم نشان می دهد.

در زمینه اجحافات اقتصادی رژیم شاه در ارتباط با آمریکا، همان گونه که اشاره شد، خدمات و آمریکا، و ۷۰٪ نفت عمومی اش در منطقه ایجاب می کند، مبادرت به فروش سلاح به شاه می کند و هیچگاه اجازه نمی دهد، که این نوکر دست نشانده از حدودی که برایش معین شده تجاوز کند.

سند شماره یک حکایت از جریانات مختلفی که در رابطه با فروش اسلحه بین شاه و آمریکا در سال های (۴۵۱۳۴۴) (۶۶۱۹۶۵) وجود داشته و تمایلات شاه برای خرید اسلحه از شوروی در قبال

عدم فروش اسلحه توسط آمریکا می کند. آمریکاییها بنا به مصالح کلی خود در آن زمان برآوردن تمامی آرزوهای جاه طلبانه شاه را ضروری نمی دیدند، آرزوهایی که از طرف شاه با عنوان کردن بهانه هایی چون خطر ناصر عنوان می شد، ضمن اینکه چندان بی میل نبودند که عکس العملهای شاه را در این رابطه و میزان جسارتش را در نزدیک شدن به شوروی برای دریافت سلاحهای بیشتر ارزیابی کنند. در نهایت شاه رفتار آمریکاییها را با خودش تعبیر به رفتار با یک نوکر کرده است و آمریکاییها عملاً به وی می فهمانند که بیشتر از یک نوکر نیز، قدرت ابراز نظر و بروز اراده از خود را ندارد. در واقع این سند مؤید این مطلب است که رژیمی با خصوصیات رژیم شاه، هرگز بدون اتکاء به آمریکا نمی تواند به حیات خود ادامه دهد.

نکته قابل توجه دیگر، تمایل روسها به فروش سلاح به رژیم شاه است. دو سال پس از سرکوبی حرکت انقلابی مردم مسلمان ما در خرداد ۴۲ (۱۹۶۳) می بینیم روسها با دست باز حاضر به فروش سلاحهای پیشرفته خود به شاه هستند، هرچند با جوی که آمریکا برای شاه قهرا ایجاد می کند، در این راه موفقیت چندانی کسب نمی کنند و روابط حسن همجواری را با فروش بخشی از سلاحهای درخواستی شاه و تأیید شده توسط آمریکا حفظ می کنند، که خود این مسئله میزان صداقت مدعیان حمایت از مبارزات آزادیبخش خلقهای جهان بر علیه امپریالیسم را آشکارتر می کند. و به راستی چه ساده اندیش بوده اند اسرائیل بوده است. علاوه بر آن ۱۶٪ نفت ایران برای اروپای غربی و ۲۴٪ آن به ژاپن صادر می شده که در گذشته نزدیک هم پیمانان آمریکای جنایتکار در تحریم اقتصادی علیه ایران بوده اند، به طور کلی برنامه های اقتصادی که توسط آمریکا طرح ریزی می شد، متضمن این بود که نیروی انسانی ماهر و کارگر متخصص جذب صنایع جدید شوند و بدین ترتیب روزبه روز از تعداد کارگران کاسته می شد. جالب توجه است که واشبورن، عنصر سابق دستگاه جاسوسی شیطان بزرگ در ایران در نامه ای به هلمز (سند شماره ۱۱) اقرار می کند که کمی حقوق کارمندان و کارگران مستضعف مربوط به آمریکا و خرید کلان سلاحهای

آمریکایی است. در سند شماره ۱۹، آمریکای جنایتکار اعتراف می کند، که موقعیت دولت ایران در به ثمر رساندن یک اقتصاد غیر متکی به نفت در سال ۱۹۹۰ که نفت، به پایان غیرقابل قبول به نظر می رسد، در عین حال با توجه به این حقیقت تلخ، شیطان بزرگ سیاست اقتصادی رژیم شاه را مورد تأیید قرار می دهد و از از جز این نیز انتظاری نیست. همراه با جنایات گسترده امپریالیسم آمریکا در ایران، ملت ما از هجوم فرهنگی شیطان بزرگ نیز در امان نماند، در سندهای (۱۳ و ۱۴) با ذکر فعالیتهای مستقیم فرهنگی آمریکا از انجمن ایران و آمریکا و سپاه صلح، اشاره به تشکیل مجمع تفکر جوانان در جاسوسخانه خود، متشکل از کارمندان جوان سفارت برای جستجوی شیوه نزدیک شدن به جوانان ایرانی می شود، گذشته از اینها نفوذ فرهنگی غرب از طریق دانشگاههای داخلی، ساخته دست خارج و اعزام دانشجویان ایرانی به آمریکا اعمال می شود. سند شماره ۱۹ در سال ۱۹۷۵ آماری ارائه می دهد مبنی بر اینکه ۲۰ هزار دانشجوی ایرانی در آمریکا تحصیل می کنند، و بیش از ۵۰ دانشگاه آمریکایی با مؤسسات آموزشی ایران رابطه دارند. همچنین سند شماره ۱۱ به عنوان نمونه از تأسیس مرکز مطالعات مدیریت ایران تحت نظر دانشگاه هاروارد یاد می شود، این مرکز تربیت متخصصان وابسته به امپریالیسم را همراه با حمایتهای مداوم آمریکا برای ادامه کار آن، به عهده داشته است. مرکز برنامه ریزی برای جنایات و خیانت های امپریالیسم خونخوار آمریکا در تهران، به اصطلاح سفارتخانه، و یا در واقع مرکز جاسوسی شیطان بزرگ بوده است، که در سند شماره ۱۳ از آن به عنوان هیئت بزرگ دیپلماتیک یاد می شود که در سال ۱۹۷۴ به

ادعای همین سند بزرگترین هیئت در خاور نزدیک بوده است. در واقع، به اصطلاح سفارتخانه آمریکا، نه تنها بر اداره کشور ما نظارت داشته، بلکه صاحب یک نقش فعال در کلیه کشورهای منطقه و ناظر به فعالیتهای سایر، به اصطلاح سفارتخانه های شیطان بزرگ، بوده است.

علاوه بر این جاسوسان یا هیئت بزرگ دیپلماتیک، واحدهای دیگر آمریکایی که در ابعاد گسترده به استناد سند شماره ۱۳ در ایران فعالیت می کرده اند، عبارتند از «هیئت مستشاری نظامی ARMISH-MAGG»، «تیمهای کمکهای عملیات فنی (نظامی)، TAFT»، «اداره اطلاعات آمریکا»، «سپاه صلح»، « انجمن ایران و آمریکا»، «نمایندگی از وزارت کشاورزی آمریکا»، «اداره مبارزه با مواد مخدر»، «اداره خدمات مالیاتی داخلی»، و «۲۰ واحد مجزا در کار فعالیتهای نظامی و جاسوسی».

مسئله دیگر که در سند شماره ۱۴ و در بسیاری دیگر از اسناد این کتاب و مدارک دیگری که به یاری خدا انتشار خواهد یافت، وجود مجموعه ای است به نام «قسمت هدایت مسایل کشور» THE COUNTRY DIRECTORATEکه در برخی جاهای دیگر تحت عنوان «هیئت مسایل کشوری» (COUNTRY TEAM)آمده است. این هیئت که از سفیر و سایر مسئولین درجه اول آمریکایی در قسمتهای مختلف تشکیل می شده، در واقع حکم «هیئت دولت» و وزیران واقعی را در اداره کشور در زمان رژیم شاه داشته و در طی جلسات آن همه مسایل کشور مورد بحث و بررسی و تصمیم گیری قرار می گرفته است. طبیعی است آمریکای جنایتکار برای حفظ سلطه شیطانی خود بر کشور ما، همواره در پی ارزیابی و تحلیل وضعیت نیروهای مخالف رژیم شاه خائن بوده است، تا مبادا با سرنگونی رژیم شاه، بساط سلطه و غارت و چپاول برچیده و منافع حیاتی شیطان بزرگ در منطقه در معرض نابودی قرار بگیرد. آشکار است که نحوه برخورد و شیوه تحلیل امپریالیسم آمریکا نسبت به نیروهای مخالف رژیم شاه مبتنی بر همان بینش مادی، سرمایه داری غرب است، به همین دلیل است که عملاً آنچه به عنوان راه حل برای مقابله با

جریانهای مخالف ارائه می دهد، تنها در مقابل جریانهایی مؤثر می افتد، که خود با انگیزه و آرمانهای صرفا مادی شروع به حرکت نموده اند. این است که می بینیم جریانهای غیر الهی عموما در مواجهه با رژیم ناموفق هستند، لیکن عجز و سردرگمی شیطان بزرگ زمانی آغاز می شود که با یک حرکت الهی مواجه است، حرکتی که از شائبه های مادی مبراست. پیروزی انقلاب اسلامی بزرگترین گواهی این مدعاست. در همین اسناد با همه نارسایی آنها می بینیم که دستجات کوچکی که اغلب با استراتژی جنگ مسلحانه مبتنی بر بینشهای ماتریالیستی، دست به فعالیت زده اند، در تحلیل آمریکاییها هرگز به عنوان یک خطر جدی برای رژیم شاه به حساب نمی آیند.(۱) علی الخصوص که رژیم شاه با هدایت آمریکا به اندازه کافی به شوروی نزدیک شده بود تا روسیه هرگز در پی یک تدارک جدی برای سرنگونی شاه نباشد. عجیب نیست که در اوج فعالیتهای این گروه های مسلح (۱۳۵۱)، در عین به قتل رسیدن چند جاسوس آمریکایی، جاسوسان امپریالیسم اظهار می کنند که هیچ مخالفت سازمان یافته ای بر علیه شاه وجود ندارد (سند شماره ۶). به طریق اولی جریانهای سیاسی میانه رو اعم از صاحبان گرایش به غرب همچون جبهه ملی و یا شرق گرایان چون حزب توده، مقهور اقدامات انقلابی و مترقی شاه، یعنی انقلاب سفید، و سیاست حقوق بشر کارتری می شوند و تا سرحد وزارت در کابینه های شاهنشاهی ارتقاء مقام می یابند! (سند شماره ۲۳).

۱- نقل از سند شماره ۱۹ : "تروریستها به نظر نمی رسد که برای رسیدن به اهداف سیاسی خود که منجر به سرنگونی رژیم سلطنتی شود از پشتیبانی زیادی برخوردار باشند."

در مورد حرکت مذهبی به رهبری روحانیت اگرچه در سند شماره ۵ در تحلیلی که از ضعف بینش مادی تحلیلگر آن ناشی می شود، پیروزی روحانیون در مقابله با رژیم شاه نامحتمل قلمداد می شود، اما در همان سند همواره به عنوان یک احتمال قوی در جانشینی به جای رژیم شاه و سپس به عنوان یک نیروی مخالف سلطه خارجی و دشمن آمریکا شناخته می شوند. نهضت اسلامی در ۱۵ خرداد به اعتراف خودشان تحت عنوان یک حرکت ارتجاعی، بی رحمانه توسط رژیم سرکوب شد.(۱) نهضتی که به رهبری روحانیت متعهد و در رأس آن امام بت شکن، خمینی عزیز شکل گرفت و تمامی محاسبات ماتریالیستی شرق و غرب را در مواجهه با حرکت اصیل، رهایی بخش محرومین و مستضعفین درهم ریخت. در سند شماره ۱۸ می بینیم که جاسوسان هم در ارزیابی خود بیان می کنند که «ارتش و نیروهای مسلح قادر بوده اند که امنیت داخلی را برقرار کنند و تحت اغلب شرایط غیر از بی نظمی ملی سرتاسری، قادر به این کار خواهند بود.» منتهی هرگز به ذهن علیلشان خطور نمی کند که چه کسی و با چه شیوه ای در کمتر از چند سال پس از آن می تواند موجبات این بی نظمی ملی سرتاسری را فراهم کند.

مدعیان حقوق بشر به گواه اسناد ارائه شده در این کتاب (۱۱ و ۱۳ و ۱۹ و ۲۲) به صراحت متذکر می شوند که از همه ظلمها و جنایاتی که توسط ساواک و نیروهای امنیتی شاه در مقابل مخالفین روا می شده است، نه تنها آگاهی کامل بلکه همکاری نزدیک داشته اند. در سند شماره ۲۲ وقاحت و بیشرمی را مدعیان تمدن و ترقی به حدی می رسانند که می گویند: «ایران تاریخی شامل ۲۵۰۰ سال فرمانروایان خودکامه و اغلب خارجی دارد و تصور کلی جریانهای دمکراتیک اساسا برای سنتهای ایرانی بیگانه است.»

و خنده آور است که در سند شماره ۱۱ شاه معدوم امپریالیستهای مستکبر را از نصایح خردمندانه خود بی نصیب نمی گذارد و از آنها می خواهد قانون اساسی آمریکا را در جهت محدود کردن آزادی و ابراز عقیده اصلاح کنند. به هر حال آنچه که گفته شد، حدیث تازه ای برای مردم انقلابی میهن اسلامی ما نبود،

چه آنها این همه درد و رنج را با تمام وجود احساس کرده اند، برای مردم ما ظلمها و جنایتهای آمریکا یک واقعیت ملموس است و بخشی از تاریخ زنده این مرزوبوم است و برای همین است که این چنین از انقلاب اسلامی و دست آوردهای آن دفاع می کنند. تولد دوباره اسلام در ایران، نوید بخش رهایی مستضعفین در سرتاسر عالم و به خصوص کشورهای اسلامی است و جای تعجب ندارد که هر بار آمریکا با تمامی قوا برای مقابله با انقلاب اسلامی وارد میدان شود، و به دنبال یافتن جانشین مناسب برای رژیم شاه از قبیل رژیمهای جنایتکاری چون صدام حسین باشد. امتی که این گونه برجسته ترین پایگاه شیطان بزرگ را در منطقه خاورمیانه از چنگ او به در آورده، باید منتظر توطئه های رنگارنگ شیطان بزرگ، چه به صورت تجاوزات خارجی و چه از ناحیه اغتشاشات گروههای داخلی که هیچ گاه واقعا بر ضد آمریکا عمل نکرده اند، باشد. لازم به تذکر نیست که هنوز بندهای وابستگی بسیاری چه از لحاظ اقتصادی و یا فرهنگی بر پای مردم مظلوم ما وجود دارد و بایستی با تمام قوا در گسیختن آن اهتمام ورزیم، همان گونه که امام در آستانه اقامت در قم فرمودند: «ما اگر بخواهیم استقلال حقیقی به دست آوریم باید سعی کنیم تمامی اشکال نفوذ آمریکا، چه اقتصادی و چه نظامی و چه سیاسی و فرهنگی را از بین ببریم و من امیدوارم که ملت ایران به این مهم هر چه زودتر برسد.»والسلام علیکم و رحمه اللّه و برکاته

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

تغییر جهت برنامه خرید تسلیحات نظامی برای ارتش ایران

۱- اسناد شماره ۵ و

ص: ۳۴۰

سند شماره ۱

نسخه اول، قسمت الف (A)تاریخ سند: ۲۵/۵/۱۳۴۵، ۱۶ اوت ۱۹۶۶

گزارشگر: تاچر، مودطبقه بندی: سری الف ۸۹: وزارت امور خارجه

برای اطلاع: آنکارا، بغداد، لندن، مسکو، راولپندی

موضوع: تغییر جهت برنامه خرید تسلیحات نظامی برای ارتش ایران

خلاصه ای از سوابق تلاش آمریکا برای ایجاد روابط تازه با ایران. غیرقابل رؤیت برای اتباع خارجی

خلاصه: عوامل سیاسی، اقتصادی، و نظامی مشترکا در روابط ایران و آمریکا تقریبا یک بحران ایجاد کرده اند، زیرا شاه درصدد برآمده است که برای خرید ارزان با آمریکا چانه بزند، اتکاء خود به آمریکا را کاهش دهد، و خرید تسلیحات نظامی خود را متنوع سازد، و با این اقدام، به سوی نوعی حضور مهم و ناخوانده نظامی شوروی در زمینه تسلیحات سوق داده شده است. شواهد برخی از این تمایلات دیده می شوند. با نمایش استقلال بیشتر در سیاست خارجی، شاه در پی بهره برداری سیاسی از تنوع تسلیحاتی است. این حرکت مسلما ادامه خواهد یافت. شاه همچنین به طرز فزاینده ای از تلاش آمریکا برای کنترل هزینه های نظامی خود خشمگین شده است. او معتقد است که در تشخیص و تعیین خطر و اختصاص امکانات برای مقابله با آن خطر (که به نظر وی عبدالناصر است تا روسها) باید مسئولیت نهایی تصمیم گیری را داشته باشد. چنین نگرشی در آینده آشکارتر خواهد شد.

با توجه به اقتصاد شکوفای ایران، بالا رفتن عظیم اعتبار شاه در ایران، و موفقیت کلی او در برانداختن تظاهرات، شاه می خواهد به یک رابطه نظامی نزدیک با سودمندی متقابل با آمریکا، ادامه دهد. مدارک نشان می دهد که در امکان حفظ انحصار آمریکا بر تسلیحات نظامی ایران باید قویا شک و تردید نمود، مگر با ارائه شرایطی فوق العاده جالب که ما هم در موقعیتی نیستیم تا چنین شرایطی را فراهم سازیم. ولی

سوابق همچنین نشان می دهد که تلاشهای فراوان دیپلماتیک در جهت خنثی کردن گرایش مهم به شوروی، مؤثر و تا حدودی نیز موفقیت آمیز بوده است. «بررسی سالیانه» که با توجه به یادداشت تفاهم ۱۹۶۴ تهیه شده بود مجددا ارزشیابی خواهد شد.

تلاش در جهت قید صریح وتوی آمریکا بدون شک منجر به یک انفجار عمده در روابط ایران و آمریکا خواهد شد، خواه بلافاصله و خواه در زمانهای بعد. یک نتیجه گیری از این بررسی این است که کمی تنوع در خریدهای تسلیحات نظامی ایران به سود منافع دراز مدت سیاسی آمریکا خواهد بود. به طور کلی چنانچه رهایی شاه از صمیمیت فراوان کنونی با آمریکا به افراط نگراید، گرایش جدید او برای ما فواید قطعی خواهد داشت.

۱ زمینه و انگیزه ها: تغییر در جهت گیری های ایران از ژوئن ۱۹۶۵ آغاز گردید، که شاه از اتحاد شوروی بازدید نمود و در آنجا پیشنهادی را پذیرفت که منجر به توافقی جهت احداث یک کارخانه ذوب آهن در ایران در ازاء دریافت گاز طبیعی گردید. این موافقت نامه با استقبال فراوان در ایران روبرو گردید و این استقبال هم ادامه دارد. موافقت نامه، موفقیت شاه را که بسیاری از ایرانیان وی را بیش از حد وابسته به ایالات متحده می دانستند، بالا برد. سپس بحران هند و پاکستان در سپتامبر ۱۹۶۵ شاه را متقاعد ساخت که ادامه وابستگی انحصاری به ایالات متحده در زمینه خرید تسلیحات نظامی ممکن است، وی را به همان سرنوشتی دچار سازد که متحد وی پاکستان به آن گرفتار شده بود، و مصمم شد آزادی عملی را به دست

آورد که به نظر وی طبق یادداشتهای تفاهم ۱۹۶۲، ۱۹۶۴ با ایالات متحده از آن برخوردار نبود. چه در این یادداشتها ایالات متحده به طور ضمنی انحصار تدارک و کنترل میزان تأسیسات نظامی و مخارج نظامی ایران را به دست آورده است. بهبود چهره اقتصادی ایران در اواخر ۱۹۶۵ نیز به این تصور شاه که می تواند روابط نظامی خود با ایالات متحده را بر پایه جدیدی قرار دهد، کمک کرد. خصوصا وی به طور غیر مستقیم دست به این کار زد، زیرا در عین سعی در حفظ اساس روابط خود، مسئولیت هر نوع تغییر مهم را هم به گردن ایالات متحده انداخت.

۲ یادداشتهای تفاهم: هنگامی که یادداشت تفاهم اصلی در ۱۹۶۲ منعقد گردید فلسفه آن تا آنجا که به ایالات متحده مربوط می شد این بود که در ازاء یک تعهد پنج ساله برای تحویل سلاحهای نظامی، در تعیین برنامه های آینده نه تنها با توجه به عوامل نظامی، بلکه با در نظر گرفتن تواناییهای اقتصادی ایران، ما نوعی حق رأی به دست می آوریم. یادداشت ۱۹ سپتامبر ۱۹۶۲، با قید این شرط مورد موافقت شاه قرار گرفت که چنین برداشت می شود که اگر تحولات بین المللی به صورتی در آید که خطر غیرقابل پیش بینی در حال حاضر برای ایران ایجاد کند، این برنامه ممکن است مورد تجدید نظر قرار گیرد. این موافقت نامه دو سال ادامه یافت. در سال ۱۹۶۴(۱) اجبارا اصلاح گردید تا زمینه لازم را جهت مدرنیزه کردن نیروهای مسلح ایران فراهم سازد، منجمله افزایش نسبی در میزان آنها که متضمن خرید سلاحهای آمریکایی بیشتر، تحت برخی شرایط معین، به ارزش ۲۰۰ میلیون دلار از طرف ایران بود.

این شرایط متضمن پیش بینی یک بررسی سالیانه بود تا«پیشرفت و اجرای این تفاهم فی مابین و رابطه آن را با برنامه توسعه اقتصادی و اجتماعی ایران بررسی نماید. که این شامل» یادداشت تفاهم ۴ ژوئیه ۱۹۶۴ می شد که در آن از «یک بررسی مشترک در زمینه یک بررسی مشترک در زمینه تأثیر خریدهای نظامی بر روی موازنه پرداختها و وضعیت بودجه ایران صحبت شد. بدین ترتیب، یادداشت ۱۹۶۴ از

یادداشت ۱۹۶۲ محدودتر به نظر می رسد. دست کم تا آنجا که به ایالات متحده مربوط می شد، مفهومی ضمنی در این یادداشت وجود داشت که عبارت از بررسی مشترک» حق اعمال نوعی کنترل بر روی مخارج نظامی ایران را به ایالات متحده خواهد داد، اگر چه این سند فاقد هرگونه اشاره ای که دال بر اینکه شاه هرگز چنین برداشتی از این عبارت داشت، می باشد. اگر چنین برداشتی را داشت، وی بدون شک آن را تجاوز به حق حاکمیت ایران تلقی می کرد، که می بایست به طور موقت پذیرفته شود تا بتواند سلاحهای نظامی را که برای دفاع از کشورش حیاتی می دانست، به دست آورد.

به هر حال، تعهد پنج ساله جدید ناشی از یادداشت ۱۹۶۴ عملاً فقط کمی بیش از یک سال دوام یافت.

لازم به توجه است که در رابطه با امضاء یادداشت ۱۹۶۴، وقتی شاه شرطی را وارد کرد مبنی بر اینکه «بایستی دسترسی به منابع افزایش یابد و مخارج اضافی را ممکن سازد»، منظور وی به دست آوردن گردان دوم هاک (از محدود بودن به یک گردان، ناراضی بود)، یک ایستگاه رادار در خلیج فارس، و «یک یا

۱- لازم به تذکر است که در اوائل ۱۹۶۴ وقتی شاه از نارسائی های موافقتنامه ۱۹۶۲ گله داشت □ به رئیس جمهور نوشت: "آقای رئیس جمهور □ در نامه خود به شما مایلم در مسایل مورد علاقه طرفین با کمال صراحت با شما حرف بزنم □ اگر ایالات متحده در چنان وضعی نیست که علاوه بر برنامه پنج ساله نیازهای روشن و فوری نظامی ما را جهت ایفای وظایفمان برآورده سازد □ من فکر می کنم ممکن است بصلاحمان باشد ترتیبی بدهیم تا نیازهای اضافی خود را □ تحت شرایط مناسب □ از ایالات متحده آمریکا یا جای دیگر خریداری کنیم" □ (تأکید از ماست).

احتمالاً» دو اسکادران از هواپیماهای جنگنده مدرن بود، مثلاً، تغییر هواپیماهای موجود از اف ۵ الف به اف ۴ سی، یا هواپیماهای پیشرفته تر دیگر (خلاصه NEMCONدر تهران۹).

در آن هنگام تصور می رفت که یادداشت تفاهم جدید اقدام برجسته ای در جهت حفظ موقعیت ایالات متحده می باشد، و اینکه جاه طلبیها و عدم رضایتهای شاه صرفا ناشی از بخشی از آرزوی همیشگی او برای دست یافتن به سلاحهای نظامی پیشرفته تر است. ولی از دیدگاه کنونی به گذشته می توان مشاهده کرد که شاه ایران از همان هنگام امضاء قرار داد، احتمالاً در جستجوی راههایی بود تا هرچه زودتر با ظاهری موجه از این محدودیتها رهایی یابد. او به طرزی فزاینده نگران «خطر ناصر» بود و می ترسید که در صورت درگیر شدن با جمهوری متحده عربی (مصر) ایالات متحده به کمک وی نشتابد، و این نگرانی هنگامی افزایش یافت که جمهوری متحده عربی در پاییز ۱۹۶۴ قوای خود را به عراق اعزام نمود. یک سال بعد با پیش آمدن بحران هند و پاکستان نگرانی وی آهنگ تازه ای به خود گرفت.

۳ اخطار نسبت به مشکلات آینده: در خلال بحران هند و پاکستان در اواخر ۱۹۶۵ و متعاقب آن، شاه چندین بار در گفتگوهای خود از پاکستان به عنوان نمونه کشوری یاد نمود که هنگام گرفتاری با یک همسایه غیر کمونیست از طرف ایالات متحده رها و حتی مجازات گردید. از ایالات متحده گله دارد که با ایران «به عنوان یک مستعمره» رفتار می کند، از بهبود اقتصادی کشورش اظهار غرور می کند، و توصیه های متخصصین امور اقتصادی را که معتقد است در عمل غلط از آب در آمده اند، (یعنی، گزارشهای بررسی سالیانه) بی ارزش می داند، و از شرایط متداول برنامه نظامی آن موقع، مخصوصا بهره تعیین شده برای اولین اعتبار ۲۰۰ میلیون دلاری که برای سال قبل در نظر گرفته شده است، شکایت دارد. شاه مخصوصا اظهار کرد که قضاوت درباره احتیاجات واقعی ایران بهتر است در تهران انجام گیرد و اضافه کرد که اگر تصمیم بگیرد که برخی اقلام دیگر تسلیحات نظامی مورد نیاز است: «شما نمی توانید ما را متوقف

سازید.» او همچنین اخطار کرد که ایالات متحده نباید اجازه بدهد که مسئله تدارک نظامی« به یک معامله کارخانه ذوب آهن دیگر تبدیل شود» اولین تهدید آشکار که ممکن است به اتحاد شوروی روی بیاورد (تهران ۶۰۹). سفیر کوشش کرد تا توجه شاه را به منافعی که ایران از توافقنامه های ۱۹۶۲، ۱۹۶۴ به دست می آورد، متوجه سازد و او را وادار کرد که به اهمیت ادامه آنها اذعان نماید. در تفسیری که در آن موقع به واشنگتن ارسال شد، سفیر گفت که مسئله نرخ بهره در قسمت بعدی موافقت نامه ۱۹۶۴ یک مشکل اصلی به نظر می رسد، «اگر یک ۴٪ تعیین کنیم، حرکت شاه را برای خرید تسلیحات نظامی از جای دیگر کند خواهد کرد (ولی متوقف نخواهد کرد). اگر بر روی نرخ ۵٪ تکیه کنیم خرید از جای دیگر تشدید خواهد شد (تهران ۶۱۱).

۴ اخطار نوامبر ۱۹۶۵: بدون اطلاع یا مشورت قبلی هیئت مستشاری نظامی آمریکا، شاه در ۹ نوامبر ۱۹۶۵ به دولت دستور داد تا لایحه ای را به مجلس ببرند که به موجب آن دولت بتواند ۲۰۰ میلیون دلار دیگر صرف خرید تسلیحات نظامی کند. این عمل نخستین اخطار عمومی شاه به ایالات متحده بود که از این پس می خواهد نسبت به احتیاجات نظامی خود به طور یک جانبه تصمیم بگیرد. در گفتگوهای متعدد، روشن شد که شاه خصوصا نگران این بود که کشورهای مختلف عربی هواپیماهای مافوق صوت (مخصوصا میگ ۲۱) به دست آورده اند و مصمم بود «بر اساس بهترین سلاح و بهترین قیمت موجود صرفنظر از کشور مورد نظر» هواپیمای پیشرفته تر و وسائل دفاع هوایی خریداری کند (تهران ۷۰۲). در

گفتگویی با سفیر در ۱۱ نوامبر، شاه در مورد عدم کارآیی برنامه های آمریکا گله داشت و گفت «تصمیم گرفته شده است» که سلاحهای بیشتری به ارزش ۲۰۰ میلیون دلار خریداری شود که وی امیدوار بود از آمریکا تهیه شود. ولی ایران با جاهای دیگر نیز وارد معامله خواهد شد (تهران ۷۱۵). هویدا، نخست وزیر، ضمن اشاره به اینکه آمریکا «حق نخستین امتناع» را خواهد داشت گفت «ایران از این می ترسد که در صورت بروز اختلاف بین ایران و اعراب، آمریکا و دیگران با توسل به بهانه ای نظیر کمک ایران به کردها از کمک به ایران خودداری کنند» به عبارت دیگر با توجه به تجربه کنونی پاکستان، ایران دیگر مایل نیست برای تدارکات تسلیحاتی خود کاملاً به ایالات متحده وابسته باشد (تهران ۷۱۶).

۵ تأخیرها و مانورها: کمی قبل از مکالمات خلاصه شده در بالا، اوائل نوامبر به شاه اطلاع داده شده بود که مطالعاتی در زمینه سلاحهای ضد هوایی در آمریکا در دست انجام است و اینکه انتظار می رود که تصمیمات قطعی در ماه دسامبر اعلام شوند. در ۱۱ نوامبر او به سفیر گفت که برای اتخاذ تصمیم نهایی خود در مورد بدست آوردن سلاحهای اضافی «شاید» تا آن موقع صبر کند. در ماه دسامبر، علاقه خود را نسبت به هواپیماهای میراژ آشکار ساخت و معتقد بود که با هواپیماهای میگ ۲۱ برابری می کنند. او به دریافت هواپیماهای اف ۴ سی علاقه مند بود ولی فکر می کرد که خیلی گران تمام خواهند شد (تهران ۹۲۹). در ژانویه ایالات متحده تصمیم گرفت که یک هیئت تحقیقاتی نظامی به ایران اعزام نماید. در همین اثناء شاه افسر رکن پنجم خود، تیمسار سپهبد حسن طوفانیان را به اروپا فرستاد تا در مورد امکانات وسائل نظامی آنجا به جستجو بپردازد. این عمل از ما پنهان نگه داشته نشد، ولی نتایج این سفر با هیئت نظامی ما در میان گذاشته نشد.

در ماه ژانویه شاه همچنین مبارزه ای را جهت افزایش درآمدهای نفتی از کنسرسیوم آغاز نمود و به سفیر گفت که «اگر درآمدهای نفتی آن طور که انتظار می رود (از طریق برخی طرحهای یکجانبه توسط

ایران) افزایش نیابد، وی ممکن است مجبور شود که تغییر جهتی به سیاستهای ایران منجمله خریدهای نظامی بدهد» (تهران ۱۰۴۰). در اواخر فوریه، شاه در نامه ای از اطریش که تعطیلات خود را در آنجا می گذرانید، به رئیس جمهور نوشت «منافع ملی ما اقتضاء می کند که در آماده کردن خود برای مقابله با هرگونه تهدید، وقت را از دست ندهیم و با ارز خارجی محدود خود سلاحهای نظامی مورد نیاز خود را با یک قیمت معقول از ایالات متحده خریداری کنیم، یا درصدد پیدا کردن فروشندگان دیگری باشیم که حاضرند، شرایط بهتری را به ما پیشنهاد نمایند» (تأکید از ماست).

یک هیئت بررسی به ریاست تیمسار سرتیپ پترسون در ۱۶ فوریه وارد تهران شد و تقریبا بلافاصله یک تخمین توافق شده را از تهدید خارجی منجمله «تهدید اعراب» با ژنرال طوفانیان امضاء کرد. و این اقدامی بود که سفارت را آشفته ساخت ولی شاه را خوشحال نمود، ولی این اقدام به هیچ وجه فشار بر روی ایالات متحده را کاهش نداد. تا هنگام خروج هیئت در سوم مارس چنین به نظر می رسید که نیازهای اساسی شاه را می توان به همان ۲۰۰ میلیون دلاری که از تصویب پارلمان گذشته است محدود ساخت، اگرچه برای همین کار فشار شدیدی بود و انجام آن نیز تا حد زیادی به شرایط مالی بستگی داشت. در این ضمن شاه علنا فشار خود را افزایش داد تا آن قیمتها و منابع تأمینی را به دست آورد و احساس می کرد که ناچار به کسب آنها می باشد، تا زمینه امتیازات سیاسی را از لحاظ کسب یک حالت مستقل تر که بدون شک در صورت به دست آوردن مقداری سلاح از شوروی که قبلاً در آن زیان برای خود تصور می کرد،

فراهم سازد.

۶ شاه خود را به زور وارد می کند: در نطقی خطاب به نمایندگان مجلس در اول مارس، شاه آزادی مانورهای خود را محدود ساخت و علنا اعلام نمود، اگر درآمدهای نفتی ایران تا حد رضایت وی افزایش نیابد «ما چاره ای جز این نخواهیم داشت که احتیاجات خود را از بازارهای جدید به دست آوریم.» وی اعلام کرد، «ما از هیچ کس دستور نمی گیریم و تحت نفوذ هیچ کس نیستیم، خواه در زمینه نظامی و خواه در زمینه اقتصادی. اکنون ما خواهیم دید که درآمدهای نفتی مان چقدر است و شرایط گردش کالاها چیست، خواه نظامی و خواه غیر نظامی. آن گاه مطابق با عالی ترین منافع ایران عمل خواهیم کرد. البته من ترجیح می دهم از کالاهایی استفاده کنیم که با آنها آشنا هستیم، ولی به شرط اینکه شرایط برای ما قابل قبول و قابل عمل باشند» (تهران ۱۱۸۱).

با لحنی که می توان آن را یک اشاره سربسته به مفاهیم ضمنی گزارش سالیانه دانست، شاه علنا به اقتصاددانان خارجی شدیدا حمله کرد.

با توجه به این نطق و نشانه های متعدد دیگر، ما نظر دادیم «روشن است که از سرگرفتن کمک ایالات متحده به ناصر علیرغم تأخیر وی در خروج از یمن، و گزارشات مربوط به کمک نظامی بیشتر ایالات متحده به یونان و ترکیه متعاقب سفر مگ ناگتون به این دو کشور با چشم پوشی از ایران، همگی این احساس شاه و زیردستان عالی رتبه وی را تشدید کرده اند، که ایالات متحده بار دیگر تصمیم گیرنده دولت ایران فرض شده است و اینکه نگرشی مبتنی بر «پاپا بهتر می داند» ایالات متحده در قبال نیازهای نظامی ایران توهین آشکاری به شئون ملی ایران است، و ایران برای خرید نیازهای دفاعی خود از امکانات لازم برخوردار است، و تعقیب سیاست کنونی موازنه پرداختها از طرف ایالات متحده پیشرفت چشمگیر اقتصادی ایران را به مخاطره می اندازد، و اینکه بهترین راه معامله با عموسام درست کردن یک جو عمومی

است»

(تهران ۱۱۸۵). سفیر نسبت به خطرات علنی ساختن مسئله خریدهای نظامی اعلام خطر کرد، و آرام، وزیر امور خارجه، که به نظر می رسید نقش یک «آدم سر به راه» از طرف شاه به وی محول شده است، مشتاقانه این موضوع را پذیرفت و گفت درست در همان روز این نکته را به شاه خاطر نشان کرد. در یک اخطار نسبتا گستاخانه، سفیر گفت اگر آنچه که ایالات متحده انجام می دهد کافی نیست، چنانچه ایران بخواهد سیاست خود را «تغییر جهت دهد» ما هیچ کاری را نمی توانیم بکنیم، ولی به عقیده وی در آن صورت ایران بیشترین سختیها را متحمل خواهد شد (تهران۱۱۹۴).

اگر اشاره ای لازم می بود تا نشان بدهد که بررسی سالیانه به طور کل با واقعیتهای روابط ما با ایران دیگر تناسبی نداشت، شاه در ۱۴ مارس در یک گفتگو با سفیر چنین اشاره ای را آشکار ساخت. زیرا گفت فوریت مسئله خرید اسلحه رو به افزایش است،« لازم نیست که به علت بررسی سالیانه در آن تأخیر شود.» وی گفت که اظهارات علنی اش جنبه «بلوف، تهدید یا باج خواهی» ندارند. او با کنایه ارزش یک میگ را که می گفت با قیمتی حدود ۶۰۰۰۰۰ دلار قابل خریداری است، با آنچه که برای یک اف ۴ سی شنیده بود، یعنی بین ۳۰۰۰۰۰۰، ۳۵۰۰۰۰۰ دلار مقایسه کرد. سفیر بار دیگر روشن ساخت که اگر آنچه که ممکن است انجام دهیم کافی نیست،ایران باید در مورد درست بودن تغییر سیاستش تصمیم خود را بگیرد. با اشاره به یادداشتهای تفاهم ۱۹۶۲، ۱۹۶۴ سفیر گفت هرچه که از بررسی پترسون به دست آید

تجدید نظر در یادداشت ۱۹۶۴ «و هماهنگی آن با بررسی سالیانه را ایجاب خواهد کرد.» چنین به نظر می رسد که شاه از موضع خود عقب نشست و با بی میلی روش طرح شده از طرف سفیر را پذیرفت، ولی این مذاکره جنجالی بود که ضمن آن چنین به نظر می رسید که شاه ایران مایل است مسئولیت وقایعی را به ما نسبت دهد که در آمریکا اتفاق خواهد افتاد. در یک گفتگو با هاری سفیر آمریکا در ماه آوریل، شاه بار دیگر اخطار کرد که ایالات متحده نباید اجازه بدهد که مسئله تدارک نظامی به «یک معامله کارخانه ذوب آهن دیگر» تبدیل گردد تهدید (یا پیش بینی) دیگر که ممکن است به شوروی روی بیاورد.

۷ پیش به سوی شکست: بعد از اینکه هیئت پترسون رفته و گزارش خود را آماده می کرد، رئیس جمهور به نامه شاه جواب داد و نیز با اشاره برآورد هیئت را ارائه کرد. در آن نامه اشاراتی به بررسی سالیانه آمده بود، به این ترتیب علاقه ما به ادامه کنترلهای اقتصادی روشن شد، همچنین نقش مک نامارا در به وجود آوردن ابزارهای تحلیلگر انقلابی در برآورد عوامل مؤثر در قیمت گذاری برای استفاده در شرایطی که اتخاذ تصمیم بسیار پیچیده است یادآور شد. احتمال می رود که یادآوری دوم باعث جلب توجه شاه شده باشد، زیرا او جریان را به سادگی مسئله میزان علاقه ایالات متحده به دوستی با ایران یا شاید هم به کنار داشتن شوروی از تأمین نظامی ایران تلقی می کرد. زمانی که گزارش پترسون بالاخره در دسترس قرار گرفت شاه تصور نمود که این سند راهنمای دولت آمریکا شده و لااقل حاکی از ترتیب کلی حجم قیمتهای لوازم آمریکایی که به او پیشنهاد می شود خواهد بود.

در این مرحله شکاف بین مواضع ایالات متحده و ایران با سرعت زیادی رو به افزایش گذاشت در حالی که گزارش پترسون هنوز در دسترس نبود، در تمام مدت این مطلب بیشتر واضح می شد که شاه انتظار دارد که تلاش فوق العاده ای را که هنوز اثری از آن مشاهده نمی شد، از جانب آمریکا برای باز داشتن او از توسل جستن به منابع دیگر تأمین، انجام دهد. هنگامی که دولت ایران، آمار خواسته شده برای گزارش

سالیانه را ارائه داد، آشکار بود که در درآمد آتی اعلام شده اغراق شده بود، تا نشان دهد ایران توانایی خرید تجهیزات نظامی که خواستار آن بود را دارد، و در واقع ما محرمانه اطلاع یافته بودیم که هنگامی که شاه ارقام ارائه شده توسط بانک مرکزی را ملاحظه کرد «درخواست کرده بود که بعضی از تخمینها تغییر داده شود» (A ۷۳۸). سفارت در گزارش به وزارتخانه اظهار کرده بود «اگرچه ایالات متحده منطقا تحریف منابع ایران در خریدهای نظامی را نمی پسندد، ولی به هیچ طریق امید نمی رود بتوان شاه را قانع نمود که نیازی به ایجاد آنچه او تشکیلات دفاعی کافی برای حفاظت از تأسیسات حساس بی دفاع در جنوب کشور می پندارد نیست (تأکید از ماست).» این شرح محدودیتهای شدیدی بود که در حوزه آن، برنامه بررسی سالیانه می بایست برگزار شود تا نیازهای رسمی یادداشت تفاهم ۱۹۶۴ را رفع نماید.

برای کمک به روشن شدن سیاستهای مورد لزوم وضع ناهنجار آینده برای آگاهی افکار سیاستمداران عالی رتبه واشنگتن در اواسط ماه مه سفیر اجازه بازگشت به ایالات متحده را دریافت کرد. او خصوصا بر اهمیت قیمتهای معقول برای اف ۴ها تأکید کرد. این موضوع مورد علاقه بود و مرتب ورد زبان ایرانیها شده بود (که آن را با نرخ رایج ۵/۲٪ پیشنهاد شده روسها مقایسه می کردند). از دیگر موارد تأکید جنبه سیاسی این است که به شاه نشان داده شود که ایالات متحده دوستی او را مفروض قرار نمی دهد. سفیر با رئیس جمهور مک نامارا و دیگر مقامات پنتاگون و البته با وزیر خارجه و زیر دستان صاحب مقامش دیدار کرد. او نقشی که آژانس عمران بین المللی، علیرغم قطع عملی کمکهای اقتصادی آمریکا به ایران، در

مذاکرات ایفا می کرد، خاطر نشان ساخت و علاوه بر آن این نقطه نظر مطرح شد که ایالات متحده می تواند به طریقی معین نماید ایران چه نسبت از درآمدش را باید صرف جنگ افزار ارتش کند. در عین اینکه در دوران اقامتش در آنجا هیچ تصمیم نهایی اتخاذ نشد ولی به نظر رسید که اختلاف بین واشنگتن و منطقه کمتر شده بود.

در موقع بررسی سالیانه در ۲۵ مه سفارت هنوز ارقام قیمتهایی که می تواند به شاه بدهد در اختیار نداشت، اما تمایل کلی از جانب ایالات متحده برای دادن یک اعتبار ۲۰۰ میلیون دلاری با نرخ متوسط بهره بین ۵، ۶٪ به شاه، اظهار شد. سفیر با پافشاری و ذکر مقدار قابل ملاحظه ای از جزئیات، امتیازاتی را که هنوز ایران را در خرید از آمریکا برخوردار می کند یادآور شد، امتیازاتی از قبیل اقلامی که هنوز مراحل تولیدی را می گذرانند و استفاده از کمکهای که اگرچه کاهش یافته اند ولی هنوز متشابهند. و دیگر اعطاییها، شاه این سؤال را مطرح کرد که آیا ممکن است اگر ایران قربانی یک اقدام نظامی ناصر بشود، آمریکا تأمینات ایران را قطع کند، همین طور که درباره پاکستان چنین کرده بود. سفیر خاطر نشان کرد که نمی توانست چنین تضمینی را بدهد. شاه پرسید که اگر او از منابع غیر آمریکایی هم بخواهد خرید کند چه اثری بر ارسال لوازم از جانب ایالات متحده خواهد داشت؟ مطابق با دستورات به او گفته شد که چنین خرید خارجی بر حجم اعتبارات ایالات متحده مؤثر خواهد بود. شاه علاقه مخصوص خود را به سیستم کنترل و اعلام خطر هوایی بلوشارک و هواپیماهای اف ۴ ابراز داشت، اما آشکارتر درباره خواستهایش در زمینه تجهیزات دفاع ضد هوایی ساکت تر بود (تهران۱۹۵۹).

بخش اقتصادی بررسی سالیانه به سرعت انجام شد. سفیر غیر واقعی بودن بعضی تخمینها را گوشزد کرد، تخمین هایی از قبیل ۵/۱۷٪ افزایش درآمد نفت، کسری بودجه های پیش بینی شده نسبتا زیاد برای سالهای آینده، افزایش نسبت خریدهای نظامی به ۷٪ درآمد تولید سالیانه، و هزینه کمرشکن خدمات وام

دهی. شاه تمام این نگرانیها را کنار گذاشت و درباره خط لوله گاز به اروپا و دیگر طرحهای قرضی صحبت کرد و به سرعت به مسئله تمدید نظامی ثروتهای نفتی ایران بازگشت. در گزارش سفیر آمده است: «شاه موافقت کرد که من خلاصه اطلاعات اقتصادی آژانس عمران بین المللی در آمریکا را به نظر نخست وزیر و مقامات بالای اقتصادی برسانم، این موضوع را تحت تجدید نظر و مذاکره مداوم نگاه داریم» (تهران ۱۹۵۴). بعد به عنوان تیری در تاریکی شاه صحبت را با اشاره به علاقه شوروی به فروش میگ به ایران خاتمه داد. (جای دیگر قبلاً به طور غیر عمدی احتمال خرید تانکهای روسی را عنوان کرده بود). به زودی بعد از آن جلسه شاه عازم یک سفر یک ماهه به رومانی، یوگسلاوی و مراکش شد. قبل از ترک کشور، وی گفت اگر ایالات متحده نخواهد نیازهای او را تأمین کند، او اول به انگلیسیها، بعد به فرانسویها و اگر لازم شود به روسها روی خواهد آورد. او اضافه نمود که امیدوار است در آن صورت هیچ ناراحتی در کار نباشد.

۸ اوضاع به اوج ناامیدی می رسد: زمانی که ارقام قیمتها و اطلاعات مربوط به فراهم بودن اقلام نظامی در اوائل ژوئن در دسترس قرار گرفت آنها شامل بعضی مطالب انفجارآمیز بودند. قیمت یک اسکادران اف ۴ سی که هیأت پترسون ۳۲ میلیون دلار تخمین زده بود، ۵۰ میلیون دلار رسیده بود. بلوشارک از ۸/۲۲ به ۳۲ میلیون دلار افزایش یافته بود، تانکهای شرایدن که بنا به تخمین پترسون ۵۲ میلیون دلار بود به ۳/۸۷ میلیون دلار رسیده بود. یک گردان هاواک به جای ۵/۳۰ میلیون، ۴۰ میلیون

دلار و قیمت ولکان (توپخانه ضد هوایی) به جای ۱۵ میلیون ۴۰ میلیون دلار ثبت شده بود. معلوم بود که جای دادن «تمام نیازهای تعیین شده در یک اعتبار ۲۰۰ میلیون دلاری عملاً یک امر غیر ممکن بود.

نخست وزیر هویدا گزارش داد که شاه در مواجهه با اوضاع، همان طور که ژنرال طوفانیان به او رسانده بود، آن را ناامید کننده» نامید، به علاوه قیمت گذاری و چیز دیگری که باعث برافروختن شاه شد. این بود که آمریکا به جای دو اسکادران ۱۴ تایی هواپیماهای اف ۴ سی، فقط یک اسکادران ۱۲ تایی به او پیشنهاد می کرد. او هزینه برنامه تحقیق و توسعه ای را که آمریکا برای ایران ارزیابی کرده بود به باد حمله گرفت. نخست وزیر اظهار داشت که اصلاً فکرش را نمی شد کرد که شاه با شیطان بخوابد (منظور شوروی است) اما در کمال ناامیدی این امر ممکن بود اتفاق بیافتد. سفیر اخطاریه تندی درباره عواقب اجتناب ناپذیر روی آوردن ایران به روسها صادر کرد (۱۶۸۳).

در ۲۷ ژوئن شاه به تهران بازگشت. در ۲۹ ژوئن سفیر و ژنرال چایکونسکی را نزد خود خواند و مواضع خود را مشخص کرد. او می خواست «کشنده ترین و حساس ترین» لوازم را از ایالات متحده بخرد و مخصوصا نمی خواست هواپیما را از روسها بخرد به این دلیل که «همین که یک خلبان به پرواز در می آید او از کنترل خارج است و در واقع می تواند به ضد کشورش تبدیل شود». از طرف دیگر تجهیزات ضد هوایی که چندان امکان سوءاستفاده ای در آنها نیست از جای دیگر شاید از شوروی می شد خریداری شود. سفیر درباره گرفتاریهای اجتناب ناپذیری که متعاقب خواهند بود هشدار داد. در اینجا شاه شروع به توجیه و تغییر نظرها کرد و گفت که او باید «آزادی عمل» داشته باشد و آمریکا باید به ایران که در قضیه ویتنام با آمریکا بوده است، اعتماد کند و ما باید بفهمیم که او با اتخاذ یک موضوع «مستقل» واقعا فعالیتهایی را که موجب بی ثباتی منطقه می شود بی اثر خواهد کرد. این مذاکره مشکل با این درخواست شاه تمام شد که او را درباره عواقب روی آوردن او به شوروی مطلع سازیم، تا او بتواند ترتیبات دیگری را نیز همین حالا به

جای آینده اتخاذ کند. شاه نشان داد که او هنوز امیدوار است که بتواند دو اسکادران اف ۴ سی به علاوه بلوشارک و دیگر لوازم را از آمریکا بخرد.

۹ درگیری علنی: در دو مصاحبه با روزنامه نگاران آمریکایی، الفرد فرندلی از واشنگتن پست و توماس اف بریدی از نیویورک تایمز در اوایل ژوئن، شاه شروع به فهماندن این موضوع کرد که او تصمیم گرفته که برای خرید اسلحه از شوروی اقدام کند. این نظر در سودمندترین عبارات برای ایران ارائه شد، ولی به چه قیمتی؟ یکی از نکات این قیمت این بود که در عین حالی که او می خواست عکس العمل بیشتری از جانب آمریکا را نشان دهد، بیشتر شانس عقب کشیدن را از دست می داد.

طی همان هفته ما اطلاع یافتیم که واقعا اقدام رفتن به طرف شوروی انجام گرفته بود. چند تن از نزدیکترین مشاوران شاه شامل بعضی افسران عالیرتبه ارتش نزد سفیر آمدند و اصرار کردند که آمریکا باید برای جلوگیری از یک فاجعه با شرایط جالبتری پا پیش نهد. سفارت طی یک تشریح منطقی اوضاع درخواست کرد که آمریکا باید از یک عکس العمل علنی دست بردارد و در رابطه با هواپیماهای اف ۴ کوشش بیشتری انجام گیرد و دیگر آنکه ما باید بین تغییر جهت نظامی که منتهی به روی آوردن به منابع اروپای غربی و یا شوروی می شود، تفاوت قائل شویم (تهران ۰۰۳).

مهمترین چیزی که به فکر شاه خطور کرد این پیام بود که او نمی توانست به سادگی هرچه می خواهد از آمریکا و باقی را از جاهای دیگر که شامل شوروی می باشد بخرد. مثلاً علاوه بر عواقب سیاسی، وی

می بایست محدودیتهای امنیتی را نیز در نظر بگیرد. زمانی که سفیر روز ۵ ژوئیه پیام دریافت شده از علم نخست وزیر سابق را ملاحظه کرد در این مسئله گشایش خاصی حاصل شد. در پیام آمده بود که اگر قیمتهای آمریکا اصلاح شوند، شاه مایل است «بعضی اقلام از لیست مربوط به شوروی را به لیست آمریکا انتقال دهد».

دریافت این پیام علیرغم این بود که سه روز پیش مضامین امنیتی را مورد تأکید قرار داده بود (به عنوان نمونه اگر شورویها اداره کننده موشکهای زمین به هوا در کشور باشند ما نمی توانیم هواپیماهای بسیار پیشرفته اف ۴ سی خود را در اختیار ایران بگذاریم (تهران ۰۳۱) علم طبق معمول سخت تحت تأثیر قرار گرفته بود ولی معلوم بود که تمام نکات پیام را به امیر خود نمی رساند. علم اظهار داشت که شاه احساس می کند آمریکا با او مانند یک «نوکر» رفتار می کند. سفیر اظهار داشت که اطمینان ندارد که شاه مقاصد ما را اشتباه نفهمد و به نظر می رسید که نمی خواهد گوش فرا دهد، و برای حمله کردن شتاب زدگی به خرج می داد (تهران ۰۸۰).

به زبان دیگر عوامل روانی بیش از پیش اهمیت پیدا کردند. ما از علم شنیدیم که شاه از یک شایعه (بی پایه) آزرده شده بود، شایعه این بود که ایالات متحده سیاستمداران شایسته را تشویق به این فکر می کرد که ما ممکن است برای برهم زدن اوضاع، آنها را به قدرت برسانیم. از علم این زمزمه را شنیدیم که به نظر می رسید ایالات متحده بعضی از اشخاص را برای عملیات احتمالی «رزرو» نگه داشته است، که اشاره ای به دانشجویان ناراضی ایرانی در ایالات متحده بود، شاه در یک مذاکره با سفیر حتی گفت که به ضرر منافع ایالات متحده خواهد بود اگر او مجبور شود بعضی از مقامات امنیتی خود را از نظارت بر روسها به نظارت فعالین در ایران بگمارد. از طرف دیگر گزارشاتی دریافت کردیم که شاه بعد از اتخاذ یک تصمیم اساسی دیگر حالت بیقراری که وزنه ای از سر او برداشته باشند. دیگر توپ در زمین او نبود. در یک

مذاکره در ۱۱ جولای، او به سفیر گفت با اقدام به سوی روسها او دیگر نمی توانست حرف آنها را نشنیده بگیرد. حتی اگر آمریکا پیشنهاد پر امتیازتری ارائه کند، زیرا آن گاه او را یک «عروسک» محسوب خواهند کرد. البته این استدلال می تواند موقعی درست باشد که پیشنهادی از جانب شوروی دریافت شود و آن وقت شاه لااقل قسمتی از آن را نپذیرد.

۱۰ کوششهای بیشتر: قبلاً زمانی که سفیر اشاره کرده بود که ملاحظات امنیتی خود به تنهایی ایالات متحده را ناگزیر به عمل خواهد کرد، که اگر ایران برای تجهیزات نظامی روی به شوروی بیاورد از دادن اقلام معینی خودداری خواهد شد.

طبق معمول عکس العمل شاه چنین بود که اینها «بهانه هایی» بیش نبودند (به عنوان نمونه تهران ۱۴۵). مثلاً او چنین اخطارهایی را توجیهات قبلی برای تلافی سیاسی آینده تلقی می کرد. وقتی که رئیس جمهور در اواخر جولای نامه دیگری به شاه نوشت که سفیر آن را تسلیم کرد، فرصت دیگری پیش آمد تا نکته مورد نظر ما مفهوم گردد. در پی آن یک مذاکره درباره جنبه امنیتی که رئیس جمهور با وضوح تمام با اشاره به و با ذکر اینکه دولت آمریکا همیشه می تواند «بهانه» پیدا کند، یک بار دیگر سعی کرد تا آن را نادیده بگیرد. در نتیجه سفیر مدادی برداشت و به شاه نشان داد که چگونه سیستم کنترل و اعلام خطر هوایی باید مرتبط به هرگونه موشک زمین به هوا و دفاع شکاری هردو با هم باشد، چگونه چنین هماهنگی می تواند تنها در صورت بودن مرکزی که کنترل مؤثر داشته باشد، و چگونه چنین مرکزی از قرار معلوم بخشی از

سیستم حساس بلوشارک که شاه خیلی روی آن اصرار می ورزید، ناچارا در دسترس کسانی که موشکهای سام را اداره می کنند خواهد بود. این دفعه به نظر رسید که مقصود حالی شد، و موقعی که شاه با ضعف جواب داد «در سرتاسر کشور تکنسینهای روسی را در یک محوطه بسته نگاه خواهیم داشت»، آشکار بود که او بالاخره فهمید آن طور آسان که او فکر می کرد نمی توان تجهیزات نظامی روسی و آمریکایی را به سادگی با هم مخلوط کرد یا اینکه از هم جدا نگهداشت.

دیگر نکات اساسی نامه رئیس جمهوری عبارت بودند از اینکه ما مشغول تجدید نظر در قیمت و تاریخ واگذاری دو اسکادران (در عوض یکی) اف ۴ هستیم، و اینکه اگر ایران بخواهد ترتیبات نظامی با اتحاد شوروی داشته باشد نه تنها ملاحظات فنی، بلکه سیاسی هم ما را با مشکلات جدی در ادامه کمک نظامی به ایران مواجه خواهد ساخت، و شاید از همه مهمتر اینکه ما قصد این را نداریم که یک موضع همه چیزی یا هیچ چیزی را اتخاذ کنیم. در یک جمله که به دقت طرح شده و آشکارا در شاه مؤثر واقع شد و باید با خواندنش نفس راحتی کشیده باشد. این طور آمده بود که «اگر ایران برای اسلحه به کشورهای کمونیست روی آورد، ما آنقدر کوته بین نخواهیم بود که از روابط نزدیکمان چشم پوشی کنیم، اما من جدا از ضربه خوردن به کمک نظامیمان خوف دارم» (یک گفته شاه در تمام مذاکره بدین مضمون که ظاهرا ایالات متحده با «چمدان بسته و بلیطهای درجه یک» آماده ترک ایران است، نشان می دهد که او چقدر بایستی نگران شده باشد که خرید از شوروی نه تنها «ضربه خوردن» بر برنامه های ما، بلکه شاید قطع کامل آن را به دنبال می آورد). با این همه، در عین اینکه شاه گفت هیچ گونه شرایطی از جانب شورویها از قبیل اخراج هیئت نظامی خودمان، بیرون کشیدن از سنتو یا حتی جای دادن تکنسینهای روسی در ایران را قبول نخواهد کرد، به نظر رسید که فکر می کند باز باید بعضی خریدها از شوروی انجام شود. حتی اعتقاد داشت که شاید با معامله با شورویها بتواند کوششهایشان را برای ایجاد یک بلوک به اصطلاح «مترقی» متشکل از

کشورهای خاورمیانه قطع کند. (تهران ۳۶۵).

اینک یک حرکت جزئی خلاف جریان در حال جلب توجه کردن است. روشن بود که یک ماه بعد از اقدام ایران به طرف شوروی، چندان جواب صحیحی دریافت نشده بود. شورویها به نظر می رسد فقط کلی ترین جواب را ارائه داده بودند و آشکارا قصد عقب کشیدن خود را داشتند. به تدریج شواهدی به دست آمد که طرح معامله اسلحه با شوروی آن چنان که شاه انتظار داشت مورد پسند واقع نشده بود و زمزمه هایی حتی بین ارتش شروع شده بود و مشاوران شاه (شاید به استثنای هویدا نخست وزیر) تقاضای احتیاط می کردند. صحبتی هم از انتقال خرید دریایی به انگلیس بود (تهران ۴۹۲) که برای ما قابل قبول و حتی درست بود. بنابه گفته علم نخست وزیر سابق که شاید نزدیکترین معتمد شاه باشد، شاه اخیرا گفته بود که دخالت دادن بی مناسبت شورویها در امور نظامی مانند کنار هم گذاشتن «بنزین و آتش» است. نامه رئیس جمهوری و مذاکره مفصل در مورد جنبه های امنیتی اثر بیشتری می کردند. در رأس این جریانات، شواهد مشوش کننده فعالیتهای ناشایست شورویها، در رابطه با طرح کارخانه ذوب آهن بود. اضطراب جو پایین بود، ولی جریان هنوز حل نشده بود (تهران ۵۴۳).

۱۱ حرکت به پیش: در اوایل اوت ایالات متحده آماده اعلام کردن موضع خود به شاه بود. ما حاضر بودیم تا با خریدهای ایران در محدوده اعتبار ۲۰۰ میلیون دلاری کار را شروع کنیم، اما پیشنهادمان به فروش تجهیزات عمده حساس و پیشرفته همچنان باید مشروط باقی می ماند تا ایران موضع خود را در

قبال احتمال خرید از اتحاد شوروی روشن کند. جزییات این جنبه از روی تأمل نامشخص گذارده شد. در حوزه این محدودیت، ما آماده مذاکره تمام اقلام نظامی به استثناء ناوشکن که در گزارش پترسون آمده بودند، بودیم. اینک ما پیشنهاد می کنیم که ایران بتواند دو اسکادران اف ۴ از «تولید جدید» بخرد، مثلاً در تاریخ جلوتر ولی تقلیل چشمگیری در قسمت داده نشد. از طرف دیگر توافق قیمتی بسته بشود تا هزینه های (عرضه و تقاضا) برگردانهای هواپیماهای هاوک رفع شود. از همه مهمتر ایالات متحده هنوز می خواست اعتبار ۲۰۰ میلیون دلاری را (با نرخ ۵ تا ۶ درصد) در بخشهای ۵۰ میلیون دلاری ارائه دهد که این امر واریز کردن بهای هر دو اسکادران اف ۴ را غیر ممکن می ساخت. همچنین هر بخش هم به نتیجه بررسی سالیانه تحت یادداشت تفاهم ۱۹۶۴ متکی خواهد بود. (آمریکا ۲۳۱۸۳).

این شرط دومی از همه ظریف تر بود، مخصوصا به این علت که دستورات، (آمریکا ۲۳۱۳۴) (تفاهم) عبارتی بدین مضمون را در متمم یادداشت، اقتضا می کرد که «به شرط نتایج دو جانبه رضایتمندانه که در تجدید نظر بررسی سالیانه انجام می گیرد، تصمیمات قرار بود که با رضایت دو جانبه باشد. ولی این آمریکا را چنان نشان می داد که می خواهد آنچه را که می بایست، به شرطی برای تحقق سالیانه با یکدیگر باشد تبدیل کند»، چیزی که حریصانه به آن قاپ زده شده و به وسیله آن اقتصاددانان ایالات متحده با استفاده از نوعی حق وتو تشخیص می دهند که آیا ایران بیش از حد خود را محتاج می داند یا نه. از آنجایی که ما با این وضع می توانستیم اگر بخواهیم شرط «بررسی سالیانه» توافق نامه ۱۹۶۴ را بدین نحو تفسیر کنیم، به نظر می رسید که تجدید نظر پیشنهادی بی جهت باعث ضرر بود، و سفارت درخواست کرد (تهران ۵۷۰) که «این حساس ترین جانبه است و مستلزم استفاده ایران از حق حاکمیت خود است که چه چیزی را در راه دفاع خود بدهد.

مذاکره کردن بر سر این نکته... بی جهت مشوق برانگیخته شدن خواهد بود. حتی اگر شاه به دلایل

تاکتیکی بخواهد اصلاح پیشنهادی را بپذیرد. باز هم مسئله موجب دشمنی عمیق خواهد بود و تخم اشکال را در آینده خواهد کاشت. وزارتخانه موافقت کرد که مسئله می تواند شفاها عنوان شود (آمریکا ۲۳۹۹۱)، و بدین وسیله از یک انفجار عمده حتمی اجتناب ورزید.

موضع جدید ایالات متحده در ۱۰ اوت توسط سفیر مایر و معاون قائم مقام وزارت دفاع هوپز به اطلاع شاه رسانیده شد. مطابق دستورات، از بین نکات بر ادامه اهمیتی که ما برای بررسی سالیانه قائل می شویم تأکید کرد. هم چنین توضیح داده شد که ما نگران این هستیم که سفارشات ایران بیش از اندازه باشد و اینکه تدارکات در حوزه اعتبار ۲۰۰ میلیون دلاری تحت تأثیر محتوای خریدهای نظامی بخشی از کشورهای جهان سوم قرار بگیرد. نکات بسیار زیاد دیگری نیز مورد اشاره قرار گرفتند. شاه صمیمی بود و گفت در عین اینکه شورویها به روی آوردن او «در کل» پاسخ مثبت داده بودند، «نمی خواست از ما پنهان کند که آنها چندان اشتیاقی نشان ندادند.» او عقیده خرید تعدادی سام از روسها را کنار نگذاشته بود و هنوز اظهار می داشت که می شود آنها را با تجهیزات پیشرفته آمریکایی در کنار داشت. اما تحت تأثیر این بحثها قرار گرفته بود که می تواند کاملاً فکر موشکهای زمین به هوا را، چه هاوک و چه اس ۲ A را کنار گذارد، و اشاره کرد که موشکهای نوع دوم در جنگهای ویتنام عدم کارایی خود را نشان دادند.

از طرف دیگر وی مصمم بود که چیزی از شوروی بخرد و از «مقداری توپ ضد هوایی، نفر بر زرهی و کامیون» نام برد. از قرار معلوم اینها در دسته ای هستند که فراهم آوردن اقلام «اساسی، پیشرفته و حساس»

توسط آمریکا را دچار اشکال نخواهند کرد.

بر اساس احتمال، به نظر می رسید که تدارکات جدید اعتبار ۲۰۰ میلیون دلار بدین ترتیب توافق شد، اما چند مورد نامشخص همچنان باقی ماند. البته اصلی ترین آنها این بود که آیا و به چه میزان ایران باز قصد خرید تجهیزات نظامی از شوروی را دارد؟ دیگر اینکه آیا خرید تجهیزات دریایی از بریتانیای کبیر هم زمان با تدارکات اعتبار ۲۰۰ میلیون دلار انجام خواهد شد و در این صورت تأثیر چنین اقدامی بر معامله چه خواهد بود؟ اگر این دفعه ایران خرید موشکهای زمین به هوا را لغو کند مقداری انعطاف ممکن است حاصل شود. معلوم بود که مهمات عادی ضد هوایی از منابع غیر آمریکایی خریداری خواهد شد، و این معقول بود. بالاخره به هر قیمت اساس کار خرید نیازهای ایران از آمریکا خواهد بود، زیرا شاه خیلی نگران آن بود. اما به دلایل سیاسی، خواست او به خرید از منابع غیر آمریکایی و استفاده آمریکا از بررسی سالیانه برای مهار کردن او، مسلم بود که مشکلاتی را در آینده برایش پیش آورد. گذشته قراردادهای خرید نظامی، و جریان نزدیک به بحران فعلی، این طور نشان می دهند که چنین قراردادهایی هیچ گاه آن طور که در آغاز پیش بینی می شوند، طول نمی کشند.

۱۲ استنباطها: وضع مضطربی که در رابطه با فشار فعلی ایران برای خرید نظامی بیشتر پیش آمده است همیشه می تواند عود کند، اما در حال حاضر به نظر می رسد که تحت کنترل در آمده باشد. در این برهه مفید است که بعضی مضامین سیاسی این جریان را تا آنجا که معلوم شده است، بررسی کنیم. البته لازم نیست که بر روی این واقعیت که ارزیابی های ایران و آمریکا برای درجه فوریت تهدید اعراب توجهمان را معطوف بخود سازد، اگر چه شایسته است به طور گذرا به خاطر آوریم (رجوع به بخش ۵ بالا) که تیم بررسی نظامی که مأموریتشان از جانب رئیس جمهور بود، به طور کلی موافقت کردند که «اتحاد سیاسی و فرماندهی مشترک بین مصر و عراق تهدیدی مستقیم و خطرناک برای ایران است».

مهمترین مضمون خیلی ساده این است که روابط بین ایران و آمریکا از زمان یادداشتهای تفاهم ۱۹۶۲ و ۱۹۶۴ خیلی زیاد تغییر یافته است. این قابل فهم است، اینک وضع اقتصادی ایران خیلی بهتر است، و موقعیت داخلی شاه بسیار قوی تر است و او به میزان معینی ایران را با جریان ناسیونالیسم آفریقا آسیایی هماهنگ ساخته است. ایران بعد از اینکه توسط ما تقویت شده است مانند بسیاری از کشورهای دیگر اکنون می خواهد که بر پاهای خود بایستد. اما هنوز نمی خواهد که این مفروض باشد، مثلاً هنوز به عنوان دوست توقع رفتار امتیازآمیز دارد. در این وضعیت امکانات بررسی سالیانه به طور روز افزون از واقعیات روابط امروز آمریکا با ایران به دور می افتد. یک رابطه واقع بینانه و جامع مستلزم این است که این امر هنگام استناد به توافق نامه اصلاح شده ۱۹۶۴ در نظر گرفته شود.

اغلب این سؤال مطرح شده است، هنگامی که شاه تهدید به روی آوردن به شورویها برای اسلحه کرد، بلوف می زد یا نه؟ و جنبه دیگر این سؤال این است که آیا هیچ گاه آمریکا توانایی منع او از چنین عملی را داشت؟ آیا شکایتهای شاه از آمریکا، نگرانی او درباره «عواقب»،«دستور گرفتن» و رفتاری مثل یک «نوکر»، همه در عمل توجیهات تصمیم سیاسی بوده باشند که ممکن است مدتها پیش گرفته بود، که برای نشان دادن استقلال از ایالات متحده روی به شورویها بیاورد؟ آیا هیچ کاری نبود که آمریکا می توانست انجام دهد، یا هنوز هم می تواند، تا او را از خرید مقداری تجهیزات از شوروی باز دارد؟ ما فکر نمی کنیم که این سؤالات جواب ساده ای داشته باشند. درست همان طور که در مورد آمریکا نتوانسته ایم هر زمان دقیقا

مشخص کنیم که حفظ انحصار نظامیمان در ایران چقدر برایمان ارزش دارد، شاه هم که یک آدم دمدمی مزاج بیش نیست. احتمالاً شاه هم، حداقل در آغاز، نظر مطمئنی نداشت که به کجا می رود و کجا تصمیم خواهد گرفت که امتیازات سیاسی خرید از شوروی (در رابطه با نشان دادن استقلال) از ضررهای چنین اقدامی در رابطه با روابط با آمریکا بیشتر می شود. اگر ایالات متحده زودتر پای جلو نهاده بود، و اگر تظاهر به کنترل اساسی ترین تصمیمات نظامی و اقتصادی باعث برانگیخته شدن او نشده بود، شاید امکان داشت که او از رفتن نزد شورویها بازداشته شود. به هر صورت، این به معنی آن نیست که بعد از شروع تغییر جهت سیاست خارجی ایران در پاییز ۱۹۶۵ انحصار تأميناتی آمریکا در ایران باز هم امکان ابقاء داشت.

اعلامیه علنی ماه نوامبر بدون کمترین مشورت قبلی با مشاورین نظامی شاه صادر شد. در آن آمده بود که ایران به ارزش ۲۰۰ میلیون دلار تجهیزات نظامی خریداری خواهد کرد. پیامد آن یادداشت خصوصی بود که این خرید لزوما از ایالات متحده نخواهد بود (بخش ۴) و نشانه آشکاری بود که شاه قبل از آن تصمیم به تغییر دادن خرید نظامی خود گرفته بود. واقعیت همین است اگرچه او هرچند گاهی این مقصود را مطابق اوضاع تغییر داده است به اینکه می خواهد ذخیره های جنگی بزرگتری داشته باشد.

تغییر جهت به خودی خود متناقض با منفعت دراز مدت سیاسی ایالات متحده نیست. در حقیقت اگر جدایی شاه از سیاست خود که تا اینجا صمیمیت زیاد و متکی به ایالات متحده بوده است چندان دور نرود، شاید امتیازات برجسته ای برای آمریکا داشته باشد. زیرا گرچه رژیم در حال حاضر ثبات بسیار دارد، با در نظر داشتن جریاناتی که در حال حاضر در این بخش دنیا رایج است، یا شاه یا جانشینانش ناچار می شوند از آمریکا روی بگردانند. و هر چه بیشتر این روی گردانی به تأخیر بیفتد خشونت بیشتری در آن خواهد بود.

موضع ایران در حال حاضر اگرچه کمتر متکی و جداتر از صف ماست، می تواند بدین ترتیب عامل

ثبات بیشتر و خطر کمتر در آینده باشد. این ناگزیر تغییر رابطه قیومیت سابق بین آمریکا و ایران در زمینه نظامی را ایجاب می کند تا به صورت رابطه ای طبیعی تر، سالمتر و به این ترتیب پاینده تر درآید.

مایر

دلایل فروش تجهیزات نظامی به ایران با شرایط مساعد

سند شماره ۲

سری

۱ علیرغم فضای ضد آمریکایی، شاه دوست ما باقی می ماند

الف) دوستی که در جریان بحرانهای آذربایجان و مصدق به وجود آمد

ب) متفق وفادار سنتو

ج) گروه پزشکی ایران در ویتنام

د) تسهیلات ویژه

«آگاهی فزاینده دشواریهای بالقوه اقتصادی»

۱ برنامه عمران اقتصادی شتاب مؤثری به دست آورده است و هفتاد و پنج درصد از درآمد نفتی ایران به عمران اقتصادی اختصاص یافته و سال گذشته رشد متوسط حدود ۱۰ درصد بوده است.

۲ اداره اقتصاد ایران با سیاستهای روشنفکرانه ای که نشانه آگاهی فزاینده مشکلات بالقوه اقتصادی است به مراتب بهبود یافته است.

۳ پیشبرد جریان صنعتی شدن با شرکت فزاینده سرمایه شخصی ایرانی و خارجی در سطح عالی قرار گرفته است.

۴ اصلاحات بودجه ای رهبران ایران را قادر ساخته است، تا تصویر روشنتری از هر زمانی در گذشته درباره منابع مالی در دسترس برای حکومت و موارد استفاده دیگر آنها داشته باشند.

۵ اصلاحات ارضی، مالکیت زمین را در ۸۰٪ از روستاهای ایران تغییر داده و در حدود یک میلیون خانواده روستایی فراهم کرده است و اکنون سرگرم تمرکز و قدرت استحصالی کشاورزی و سطح و زندگی روستایی است، که به نحو منحصر به فردی به مورد اجرا گذاشته شده است.

۶ برنامه اقدامات مدنی نیروهای مسلح ایران آموزش و پرورش و بهداشت و راهها و آب و سایر نعمتهای بهبودی را به هزاران روستای ایرانی می آورند.

۷ سپاه دانش با تقریبا ۲۰ هزار سرباز وظیفه آموزش دیده و به روستاها فرستاده شده است تا خواندن و نوشتن بیاموزند.

۸ سپاه بهداشت مرکب از پزشکان نظام وظیفه و کارمندان بهداشت، ۳۵۰ گروه را برای بهبود شرایط بهداشت در روستاهای سراسر ایران فرستاده است.

۹ آموزش حرفه ای به وسیله نیروهای مسلح فراهم شده و به سربازان وظیفه که در روستاها در سراسر ایران به کار می روند، مهارتهای سودمندی را داده است.«شایستگی اعتبارگیری طبق نظر بانک بین المللی عمران روستائی». سفارت با نظر بانک بین المللی روستایی مبنی بر اینکه ایران شایسته گرفتن اعتبار است سهیم است. ظرف چهار چهار سال گذشته بازپرداخت وامهای رسمی ایران از برداشتهای آن در مورد این وامها فزونی داشته است و در سال های ۱۹۶۵ و ۶۶ سال ایرانی پرداخت بدهی، تنها ۷٪ درآمدهای ارز خارجی جاری مملکت را تشکیل داده است. نظر به اینکه درآمد ایران از نفت و صادرات سایر اقلام مدام رو به افزایش است، ایران می تواند از خارج به نحو فزاینده ای وام بگیرد.

برآورد مبالغی که ایران می تواند بدون زیان به شایستگی اعتبارگیری خود وام بگیرد. بیش از رقم محافظه کارانه ۲۰۰ میلیون دلار در سال برای چند سال آینده بر اساس شرایط معقول است.

هرچند حکومت تعدادی طرحهای بزرگ اقتصادی که مستلزم مصالح و تجهیزات وارداتی در نظر گرفته، بعضی از طرحهای بزرگتر به شکل کالا پرداخت خواهد شد و بسیاری از طرحهای دیگر به آن سرعت که حکومت مایل است قابل اجرا نخواهد بود. بنابراین سفارت معتقد است که برنامه عمران اقتصادی ایران تمامی ظرفیت وام گیری خود را ظرف چند سال آینده جذب نخواهد کرد و ظرفیت قابل ملاحظه ای برای بازپرداخت اعتبارهای نظامی وجود خواهد داشت.

با یک احتساب محافظه کارانه ایران استطاعت آن را خواهد داشت، که سالیانه لااقل ۳۰ میلیون دلار برای اعتبارهای نظامی ظرف چند سال آینده بپردازد.

«این موفقیت دیگری برای شوروی در، از میدان بردن نفوذ ایالات متحده خواهد بود.»

الف) موفقیتهای شوروی تاکنون: اتحاد با آرزوهای ملی

۱ طرح ذوب آهن ۲۸۶ میلیون دلار (شامل صنایع ماشین ابزار و گاز طبیعی) با این استدلال که غرب نخواسته است تحویل دهد.

۲ موافقتنامه های پایاپای سالیانه با اتحاد شوروی، لهستان، چکسلواکی، مجارستان، رومانی و بلغارستان.

۳ دیدار شاه در تاریخ ماه ژوئن ۱۹۶۵ از اتحاد شوروی و برنامه های دیدار از رومانی، لهستان، بلغارستان و مجارستان ظرف پنج ماه آینده دیدارهای فزاینده در سطح عالی.

۴ برنامه مبادلات فرهنگی فعالی هنرمندان، تیم های ورزشی، فیلمها، مذاکرات درباره موافقت نامه فرهنگی با اتحاد شوروی که تقریبا منعقد شده است، تعداد فزاینده کتابهای شوروی در ایران.

۵ در سال ۱۹۶۵ ایران بزرگترین دریافت کننده کمک از شوروی بود.

۶ سایر موافقتنامه ها هواپیمایی کشوری، ترانزیت، شیلات دریای خزر، سد ارس، بندر پهلوی و سیلوهای گندم.

ب) هدفهای کنونی شوروی: بیرون راندن غرب

۱ رادیوی صدای ملی ایران در باکو که به وسیله شوروی اداره می شود حمله می کند به: سفارتهای آمریکا و انگلیس، آرمیش مگ، اداره اطلاعات آمریکا، ایستگاه رادیو تلویزیون ارتش آمریکا، سنتو، ایرانیان تحصیلکرده در آمریکا و کنسرسیوم نفت.

۲ رادیوی پیک ایران تحت کنترل حزب توده در بلغارستان حمله می کند.

۳ رادیو مسکو انتشار کتابی را در شوروی که تصویر کننده کمک آمریکا به ایران به عنوان علت دردسرهای اقتصادی ایرانیان است که مورد بررسی قرار می دهد.

ج) صحنه آخر: به دریا انداختن ملی گرایان ایران

۱ هدف دراز مدت اعلام شده از سوی مولوتف در سال ۱۹۴۰ همان مانده است. منطقه ای که در جنوب بندرهای باتوم (دریای سیاه) و باکو (در دریای خزر) در جهت خلیج فارس قرار گرفته است از مرکز آرزوهای اتحاد شوروی.

۲ روابط جدیدی در شرف تکوین است: سالمتر و پایدارتر

الف) ایران بر روی پاهای خود می ایستد (هدف ما بود)

ب) برنامه های مؤسسه بین المللی عمران آمریکا به تدریج از مرحله خارج می شود.

ج) به نظر می رسد که تقریبا به طور کامل پشت کرده ایم

د) مرحله انتقالی باید چنان باشد که از سرمایه گذاری ما (یک میلیارد و ششصد میلیون دلار) حمایت شود.

ه) شاه حاضر برای خرید است ولی خواستار رفتار مساعدتری از لحاظ شرایط است.

۳ اندکی افزایش هزینه نظامی قابل توجیه است

الف) تأسیسات نفتی ثروت را به نحو فزاینده ای آسیب پذیرند.

ب) تجهیزات توصیه شده جنبه دفاعی و پر کردن شکافها را دارد. (دفاع هوایی)

ج) توانایی ایران به نحو مشخصی پایین تر از جمهوری متحده عربی، ترکیه و حتی عراق است.

د) شاه می خواهد با تهدیدهای منطقه ای مقابله کند (ویتنام ایرانی نباید باشد).

ه) هدفها: بازدارندگی و اتکای به خود.

و) نیازهای تأیید شده بر اساس بهترین قضاوتهای نظامی ایالات متحده.

۴ توانایی اقتصادی ایران را نباید دست کم گرفت

الف) ایران در رونق است که از پنج سال پیش تاکنون تفاوت دارد.

ب) برنامه اصلاحات ارضی، سپاه دانش و سپاه بهداشت بسیار برجسته است.

ج) طبق اظهار بانک بین المللی عمران روستایی شایستگی دادن اعتبار دارد.

د) درآمد نفتی سالیانه ۵۰۰ میلیون دلار و در شرف افزایش است.

ه) آگاهی رشد یابنده درباره دشواریهای بالقوه اقتصادی.

و) سایر کشورها برای دادوستد با ایران رقابت می کنند.

۵ زنجیره واکنشهای نامساعد، اگر پاسخگویی ما نارسا باشد

الف) ایران از جای دیگر خریداری خواهد کرد و الگوی ایالات متحده را نقص خواهد کرد. (میگها به مبلغ

ص: ۳۵۴

هفتصد هزار دلار)

ب) توانایی ما برای نفوذ بر شاه به نحو حادی کاسته خواهد شد.

ج) بدون چنین نفوذی دشواریهای اقتصادی نحوست بارتر خواهد بود.

د) این آغاز پایان یافتن فعالیت آرمیش مگ* خواهد بود.

ه) مانعی برای افزایش تأسیسات ویژه ما خواهد بود.

و) موفقیت دیگری برای شوروی در از میدان به در بردن نفوذ ایالات متحده خواهد بود.

۶ اقلام فروش چکی مورد نیاز است

الف) برنامه عملی در چهارچوب حداکثر ۴۰۰

ب) سری اوراق قرضه خارجی عملی ۶۷ - FY

ج) تأکید بر واقعیتهای اقتصادی زندگی در جریان بررسی سالیانه «به نظر می رسد که ما تقریبا به طور کامل

پشت کرده ایم.»

نه تنها ما کمکهای مؤسسه بین المللی عمران را در ایران خاتمه می دهیم بلکه ما همچنین:

۱ شرایط ۴۳۰ PL سخت تری به ایران پیشنهاد می کنیم (ده ساله و بهره به نرخ وام گیری جاری خزانه)

واشنگتن نتوانسته است ما را با هرگونه نمونه ای از قراردادهای عنوان چهار، شامل شرایط نسبتا سخت تر

فراهم کند.

۲ سرگرم اجرای مالیات مساوی کردن بهره ها و کنترلهای داوطلبانه نسبت به جریان سرمایه های

خصوصی آمریکا به ایران هستیم و بدین ترتیب ایران را به عنوان یک کشور رشد یافته تلقی می کنیم و بدین

ترتیب وام گیری خصوصی را از ایالات متحده گرانتر می کنیم.

۳ نرخ غیر رضایت بخش برداشت نفت. برداشت آرامکو عربستان سعودی بسیار بالاتر از برداشت

کنسرسیوم از ایران است.

۴ ماجرای گودرزیان هنوز هم باقی است؛ رهبری ایران هم چنان معتقد است که پس از دو سال دارایيهای سلطنتی می تواند خلاص شود، اگر تصمیم واقعی حکومت ایالات متحده وجود داشته باشد.

۵ مسئله دانشجویان ایرانی رهبران ایران به ترتیبی معتقدند که فعالیتهای ضد رژیم دانشجویان ایرانی ممکن است در پوزه بند قرار گیرد.

۶ ادامه کمکهای به مقیاس بزرگ ایالات متحده به ترکیه و حتی به ناصر بر خلاف تقلیل کمکهای آژانس بین المللی عمران در ایران باعث می شود که رهبران ایران معتقد شوند که حکومت ایالات متحده به دوستی با ایران وقعی نمی گذارد.

«ایران در حال رونق است و با پنج سال پیش بسیار متفاوت است».

«برنامه اصلاحات ارضی، سپاه دانش و سپاه بهداشت بسیار برجسته است».

آگاهی فزاینده دشواریهای بالقوه اقتصادی

۱ برنامه عمران اقتصادی شتاب مؤثری به دست آورده است و هفتاد و پنج درصد از درآمد نفتی ایران به عمران اقتصادی اختصاص یافته و سال گذشته رشد متوسط حدود ۱۰ درصد بوده است.

۲ اداره اقتصاد ایران با سیاستهای روشنفکرانه ای که نشانه آگاهی فزاینده مشکلات بالقوه اقتصادی است به مراتب بهبود یافته است.

۳ پیشبرد جریان صنعتی شدن با شرکت فزاینده سرمایه شخصی ایرانی و خارجی در سطح عالی قرار گرفته است.

۴ اصلاحات بودجه ای رهبران ایران را قادر ساخته است، تا تصویر روشنتری از هر زمانی در گذشته درباره منابع مالی در دسترس برای حکومت و موارد استفاده دیگر آنها داشته باشند.

۵ اصلاحات ارضی، مالکیت زمین را در ۸۰٪ از روستاهای ایران تغییر داده و در حدود یک میلیون خانواده روستایی فراهم کرده است و اکنون سرگرم تمرکز و قدرت استحصالی کشاورزی و سطح و زندگی روستایی است، که به نحو منحصر به فردی به مورد اجرا گذاشته شده است.

۶ برنامه اقدامات مدنی نیروهای مسلح ایران آموزش و پرورش و بهداشت و راهها و آب و سایر نعمتهای بهبودی را به هزاران روستای ایرانی می آورند.

۷ سپاه دانش با تقریبا ۲۰ هزار سرباز وظیفه آموزش دیده و به روستاها فرستاده شده است تا خواندن و نوشتن بیاموزند.

۸ سپاه بهداشت مرکب از پزشکان نظام وظیفه و کارمندان بهداشت، ۳۵۰ گروه را برای بهبود شرایط بهداشت در روستاهای سراسر ایران فرستاده است.

۹ آموزش حرفه ای به وسیله نیروهای مسلح فراهم شده و به سربازان وظیفه که در روستاها در سراسر ایران به کار می روند، مهارتهای سودمندی را داده است.«شایستگی اعتبارگیری طبق نظر بانک بین المللی عمران روستائی». سفارت با نظر(۱) بانک بین المللی روستایی مبنی بر اینکه ایران شایسته گرفتن اعتبار است سهیم است. ظرف چهار سال گذشته بازپرداخت وامهای رسمی ایران از برداشتهای آن

در مورد این وامها فزونی داشته است و در سال های ۱۹۶۵ و ۶۶ سال ایرانی پرداخت بدهی، تنها ۷٪ درآمدهای ارز خارجی جاری مملکت را تشکیل داده است. نظر به اینکه درآمد ایران از نفت و صادرات سایر اقلام مدام رو به افزایش است، ایران می تواند از خارج به نحو فزاینده ای وام بگیرد.

برآورد مبالغی که ایران می تواند بدون زیان به شایستگی اعتبارگیری خود وام بگیرد. بیش از رقم محافظه کارانه ۲۰۰ میلیون دلار در سال برای چند سال آینده بر اساس شرایط معقول است.

هرچند حکومت تعدادی طرحهای بزرگ اقتصادی که مستلزم مصالح و تجهیزات وارداتی در نظر گرفته، بعضی از طرحهای بزرگتر به شکل کالا پرداخت خواهد شد و بسیاری از طرحهای دیگر به آن سرعت که حکومت مایل است قابل اجرا نخواهد بود. بنابراین سفارت معتقد است که برنامه عمران اقتصادی ایران تمامی ظرفیت وام گیری خود را ظرف چند سال آینده جذب نخواهد کرد و ظرفیت قابل ملاحظه ای برای بازپرداخت اعتبارهای نظامی وجود خواهد داشت.

با یک احتساب محافظه کارانه ایران استطاعت آن را خواهد داشت، که سالیانه لااقل ۳۰ میلیون دلار برای اعتبارهای نظامی ظرف چند سال آینده بپردازد.

۱- گزارش بانک بین المللی عمران روستایی در تاریخ ۲۹ دسامبر ۱۹۶۵ حاکی است که "ایران در موقعیتی قرار گرفته که بتواند وامهای اضافی قابل ملاحظه ای بر اساس شرایط متعارف بگیرد. این نتیجهگیری به وسیله ثبات احتمالی درآمدهای نفتی ایران و این واقعیت که در سالهای بر داشت محصول عادی واردات مواد غذائی به استثناء قند و شکر و چای به میزان جزئی خواهد بود تقویت شده است."

«این موفقیت دیگری برای شوروی در، از میدان بردن نفوذ ایالات متحده خواهد بود.»

الف) موفقیتهای شوروی تاکنون: اتحاد با آرزوهای ملی

۱ طرح ذوب آهن ۲۸۶ میلیون دلار (شامل صنایع ماشین ابزار و گاز طبیعی) با این استدلال که غرب نخواسته است تحویل دهد.

۲ موافقتنامه های پایاپای سالیانه با اتحاد شوروی، لهستان، چکسلواکی، مجارستان، رومانی و بلغارستان.

۳ دیدار شاه در تاریخ ماه ژوئن ۱۹۶۵ از اتحاد شوروی و برنامه های دیدار از رومانی، لهستان، بلغارستان و مجارستان ظرف پنج ماه آینده دیدارهای فزاینده در سطح عالی.

۴ برنامه مبادلات فرهنگی فعالی هنرمندان، تیم های ورزشی، فیلمها، مذاکرات درباره موافقت نامه فرهنگی با اتحاد شوروی که تقریبا منعقد شده است، تعداد فزاینده کتابهای شوروی در ایران.

۵ در سال ۱۹۶۵ ایران بزرگترین دریافت کننده کمک از شوروی بود.

۶ سایر موافقتنامه ها هواپیمایی کشوری، ترانزیت، شیلات دریای خزر، سد ارس، بندر پهلوی و سیلوهای گندم.

ب) هدفهای کنونی شوروی: بیرون راندن غرب

۱ رادیوی صدای ملی ایران در باکو که به وسیله شوروی اداره می شود حمله می کند به: سفارتهای آمریکا و انگلیس، آرمیش مگ، اداره اطلاعات آمریکا، ایستگاه رادیو تلویزیون ارتش آمریکا، سنتو، ایرانیان تحصیلکرده در آمریکا و کنسرسیوم نفت.

۲ رادیوی پیک ایران تحت کنترل حزب توده در بلغارستان حمله می کند.

۳ رادیو مسکو انتشار کتابی را در شوروی که تصویر کننده کمک آمریکا به ایران به عنوان علت

دردسرهای اقتصادی ایرانیان است که مورد بررسی قرار می دهد.

ج) صحنه آخر: به دریا انداختن ملی گرایان ایران

۱ هدف دراز مدت اعلام شده از سوی مولوتف در سال ۱۹۴۰ همان مانده است. منطقه ای که در جنوب بندرهای باتوم (دریای سیاه) و باکو (در دریای خزر) در جهت خلیج فارس قرار گرفته است از مرکز آرزوهای اتحاد شوروی.

دوگ عزیز

ص: ۳۵۷

سند شماره ۳

سرّی تاریخ ۲۱ ژانویه ۱۹۷۲ (۱/۱۱/۱۳۵۰(

دوگلاس هگ، اسکوایر

وزیر مختار سفارت آمریکا، تهران

دوگ عزیز:

از نامه ۱۸ دسامبر شما در مورد اهداف و طرح راهنمای همکاری امنیتی تشکر می کنم. ما واقعا با شما هم عقیده هستیم که مسایلی که در پیام وزیر دفاع مطرح شده اند کهنه و قدیمی شده و احتیاج به تصحیح دارند.

من به پیوست کپی یادداشتی که قبل از دریافت نامه شما در این مورد تهیه کرده ایم ارسال می دارم.

این نظرات در یک گزارش دفتر امور خاور نزدیک که چندین کشور را تحت پوشش دارد گنجانده شده و توسط سیسکو به سپایزر داده شد. (نخست وزیر) در حال حاضر سعی دارد موضع روشنی از وزارت دفاع و خارجه کسب کند تا پیام جدیدی به دنبال ۲۱۷۹۵۵ دوم دسامبر ۱۹۷۱ فرستاده شود.

نخست وزیر امیدوار است که بتواند چنین پیامی را تا آخر ماه بفرستند.

با احترام، جک میکلوس.

پیوست. ولوگانگ لهمن اسکوایر

مشاور سیاسی

فرماندهی نیروهای آمریکا در اروپا

ادامه سند شماره ۳

تاریخ ۲۵ ژانویه ۱۹۷۲ (۵/۱۱/۱۳۵۰)

سرّی رسمی به جان.اچ راوس. اسکواین

به دنبال نامه جک به دوگ هک در ۲۱ ژانویه ۱۹۷۲ فکر کردم که ممکن است بخواهید نسخه ای از آخرین اصلاحات اهداف و راهنمای برنامه های همکاری امنیتی آمریکا با ایران را داشته باشید.

محترمانه

رابرت داول

پیوست: نسخه ای از راهنمایی برای طرحهای همکاری امنیتی (سال های ۷۸۷۴)

اهداف آمریکا در همکاری امنیتی

یاری ایران برای توسعه نیروهای مسلح، تا بتوانند از ایران در کلیه موارد به غیر از حمله همه جانبه شوروی دفاع کنند.

تشویق ایران برای ایفای نقش اصلی در جهت تأمین امنیت خلیج فارس

حفظ امنیت داخلی

تضمین عرضه مداوم حقوق اساسی، اولویتها، و رسمیت ها.

راهنمای برنامه همکاری امنیتی

ادامه برنامه ریزی برای پول نقد فروش خارجی اسلحه و فروش تجاری

لازم برای نیل به اهداف همکاری امنیتی

هیچ اعتباری برای فروش اسلحه خواسته نشده چون انتظار می رود که ایران برای تأمین مالی از بانک EX-IM به خاطر خریدهای نظامیش از آمریکا کمک بگیرد.

باید برای ادامه طرح کمک نظامی بلاعوض و آموزش نیرو، برنامه ریزی شود که این شامل خرجهای متناسب مستشاری نظامی پایین تر از سطح ۵۰۰/۰۰۰ دلار برای سال ۷۳ و بعد از آن خواهد بود.

مشکل نظامی

ص: ۳۵۹

سند شماره ۴

سرّی تاریخ ۱۷/۵/۱۳۴۸

اهمیت کلی

روابط نظامی ما با ایران (روش اعتباری تجهیزات نظامی و کمکهای مستشاری نظامی) یک اصل اساسی در استحکام موضعمان و نفوذمان در ایران می باشد.ما تهیه کننده اصلی نیازمندیهای نظامی شاه در دوران پس از جنگ جهانی دوم بوده ایم، مخصوصا از سال ۱۹۵۵، و این همچنان به قوت خود باقی می باشد. به رغم خریدهای اخیر او از بریتانیا، ایتالیا و روسیه (وسایل حمل و نقل و تجهیزات ضد هوایی از کشور آخری). رئیس نظامی سرگروه مستشاری نظامی ایران برای شاه یک مشاور بسیار مطلوب، عینی و مطلع روی تجهیزات قدرت نظامی فردی و سازماندهی می باشد. نقش نظامی ما اهمیت تازه ای بعد از امداد اقتصادی و گروه امداد آمریکا که در سال ۱۹۴۷ به پایان رسید، داشته است. شاه به کرات گفته است که خواست اصلی او از آمریکا فروش تجهیزات پیشرفته که او برای دفاع احتیاج دارد، می باشد.

تمایل شاه به تجهیزات، ما را به طور دائم در ناراحتی نگه داشته است. ما ناراحت مشکلات اقتصادی می باشیم که بنیان نظامی او آن را به وجود آورده، و تأثیر آن به لحاظ جذب مهارتها و امکانات، و تأثیر واقعی نظامی او می باشد. پیشتر از این، مخصوصا موقعی که ما کمک اقتصادی برای پیشرفت اقتصادی ایران تهیه می کردیم، بر آن بودیم تا به منظور عدم فزونی پیشرفت اقتصادی، برنامه نظامی را محدود کنیم. ما این مفهوم را در برنامه نظامی که با یادداشت روی کمکهای نظامی سال ۱۹۶۲ شروع شده بود، نوشتیم. و در بررسی سالیانه اقتصادی دو طرف، مورد توجه قرار گرفته که تأثیر خرید تجهیزات را در اقتصاد پیش بینی کنیم.

هیئت امدادی و بودجه، هنوز اهمیت زیادی برای این مفهوم قائل می باشند. ولی حالا که شاه (با

ترم های اعتباری) در حال خرید تجهیزات نظامی می باشد (و با درجه اعتباری قبلی، کاملاً متوقف شده)، او درباره محدودیتهای خارجی کمتر از خود کشش و حوصله نشان می دهد.

از طرف ما، خودداری جدید کنگره درباره خریدهای خارجی از تجهیزات نظامی آمریکا و پیامد سختگیری که هر سال روی اعتبارهای دولتش گذاشته شده، عوامل محدودکننده مهمی بوده اند. هزینه زیاد اعتبار تجاری آمریکایی، اجناس را گران کرده ولی مقداری در برنامه اعتباری سال گذشته بوده است.

با شروع سال ۱۹۶۴، سعی ما بر این بوده است که اگر نه یک راه حل، بلکه مدخلی بجوئیم تا به سوی برنامه های دراز مدت تحصیل تجهیزات نظامی، که به گونه ای نظری با ایرانیان به توافق رسیده ایم، نقبی بزنیم. اما ادارات ایالات متحده، و به ویژه کنگره از سپردن تعهدات قبلی در خصوص فروش اسلحه به دول خارج ناراضی بوده اند. و از طرف ایرانی، با آگاه شدن شاه از نیازی جدید، که قبلاً غیرقابل پیش بینی بود، «بسته های» ما تقریبا به محض آنکه خرید آنها مورد توافق قرار می گرفت میل به تلاشی نموده است.

افزایش سرسام آور قیمت تسلیحات نظامی و نیاز گاهگاهی برای اختتام خرید پیش از آنکه تولید یک فقره قطع شود، از عوامل فشاری بوده اند که میل به افزایش برنامه های سالیانه توافق شده ما نموده اند.

کشورهای دیگر در عدم تمایل ما راجع به فروش مقادیر بیشتری تجهیزات نظامی به ایران، با ما همساز نیستند. اتحاد جماهیر شوروی دائما شاه را در فشار گذاشته است تا هر چه را که می خواهد

(هواپیمای میگ، موشک، تانک) با قیمت و شرایط جالب توجه بخرد (معمولاً با اعتبار ۵/۲ درصد).

کشورهای اروپای غربی و انگلستان، به نظر می آید که آماده برای فروش تولیدات نظامی خود بدون محدودیت هستند، هر چند که شرایط اعتبار آن ها مانند شرایط اتحاد جماهیر شوروی جالب توجه نیست.

به طور کلی، نظر هیئت کشور ما این بوده است که مؤثرترین محدودیت ما بر روی فروش اضافی، در راهنمایی دقیق تکنیکی و تشویق حرفه ای «گروه نظامی آمریکا در ایران» نهفته است. در نیل به این هدف ما پیشرفتهایی در زمینه به فکر واداشتن ایرانیان درباره هزینه های مستمر که با خرید دستگاه های اسلحه همراه است، داشته ایم و به ویژه آنها را واداشته ایم که از عامل محدودکننده پرسنل آموزش دیده برای به کار انداختن و نگهداری دستگاهها، آگاهی حاصل نمایند. بعضی خریدها از قدرتهای غربی قابل قبول و احتمالاً به لحاظ سیاسی مطلوب است. اما محدودیتها و مشکلات عملی، اساسی هستند و از مشاهده خرید تجهیزات بیشتر از دیگران ناخشنود خواهیم گردید. ما در واشنگتن به این نتیجه رسیده ایم که پس از تمام بحثهای انجام شده در اینجا چنانچه شاه بالاخره عزم خود را مبنی بر خرید معدودی تجهیزات نظامی جزم نموده است، آن را دریافت خواهد داشت. و در صورتی که ما مایل به فراهم آوردن آن نبودیم یا از انجام این کار برنیامدیم می تواند از دیگران دریافت نماید.

در سالهای اخیر نیز به این امر واقف شده ایم که کوشش در راه تشویق او برای نخریدن تجهیزات و متقاعد کردن او به اینکه تهدیدات را آگراندیسمان می کند، بی فایده خواهد بود. فی المثل، بحث درباره ضعف همسایگان عرب او به عنوان موضوعی بی ربط به کناری نهاده شده و شاه با نظری انتقادی درباره کیفیت متغیر رهبری آنها ذکر نموده است و از امکان اتحاد آنها علیه وی و غیره.

وضع جاری

تمرکز شاه بر مسایل امنیتی، که احساس می کند با عقب کشیدن انگلیس از خلیج فارس، باید به عهده

گیرد، موجد احساس ضرورت بیشتری برای «نیازمندیهای» نظامی گردیده است. در سال ۱۹۶۸ با او یک «لیست توضیحی» از نیازهای نظامی دوربرد تهیه کردیم که توقعات نسبتا زیاد او را سطح ۰۰۰/۰۰۰/۶۰۰ دلار تنزل داد. قرار بر این شد که این مبلغ در ۱۰۰ میلیون دلار، سهام خارجی سالانه سرمایه گذاری شود، البته زیر نظر بررسی اقتصاد سالیانه و اقدام کنگره بر برنامه کمکهای نظامی و سرمایه گذاری آن.

بلافاصله مشکلات با سهام خارجی سال گذشته، یعنی هفتمین سهام خارجی (که در ۱۹۶۴ شروع شده بود) آغاز گردید. بطن مشکل این بود که شاه اصرار داشت که دو اسکادران F ۴-به این سهم افزوده شود تا تحویل آن را در پایان ۱۹۷۱ تضمین نماید. هزینه این اسکادران به قیمت رایج ۳/۱۳۳ میلیون دلار بود و این هزینه بیم آن می رفت که به ۱۴۳ میلیون دلار برسد مگر اینکه تعهدی آشکار به خرید داده می شد. پس از کش و قوس بسیار مشکل به این ترتیب رفع شد که دولت ایران F۴-ها را با اعتبار بخرد و دولت آمریکا «تنخواه گردان اضافی» را تأیید نماید، یعنی هزینه ۷/۵۳ میلیون دلار F۴ها را برای سهام خارجی هشتم در سال مالی ۱۹۷۰ به تعویق بیندازد. قرار بر این شد که دولت ایران، در صورتی که اعتبار دولت آمریکا برای سال مالی ۱۹۷۰ پرداخت نشود، ریسک ها را عهده دار شود، اما وزارت در طریق گرفتن تأیید از وزارت دفاع و کنگره درباره مفهوم تنخواه گردان اضافی سعی جدی مبذول داشت. این نکته را نیز متذکر

می گردد که در سال مالی ۱۹۶۹ دولت ایران ۶۶ میلیون دلار وسایل نظامی (عمدتا قطعات یدکی، مهمات، خدمات نگهداری و تکنیکی) از آمریکا به صورت نقدی ابتیاع نمود.

ما هنوز در مورد سهام خارجی هشتم تلگراف نزده ایم و ژنرال تویچل به مذاکره در مورد خریدهای اضافی پیشنهادی ادامه می دهد. اما دولت ایران پیشاپیش در مورد تسریع مذاکرات برای ۱۰۰ میلیون دلار اعتبار بعدی اظهار تمایل نموده است و مهدی سامی، مدیر سازمان برنامه اوائل سپتامبر به واشنگتن عزیمت نموده تا راه را برای تأمین اعتبارات هموار سازد. (به طورکلی، بستها سالیانه و شرایط اعتبار بالاخره در اواخر بهار مورد توافق قرار گرفته است). صورت مشکل عمومی را ذیلاً می توان به دست آورد.

الف ۷/۵۳ میلیون دلار پیشاپیش به تأمین هزینه F-۴-ها اختصاص داده شده است.

ب ۲۷ میلیون دلار برای سرمایه گذاری هواپیماهای دارای سیستم هشدار دهندهRUDY)

(PEACE مورد نیاز است.

د خمپاره اندازهای ۱۵۵ میلیمتری به ارزش ۶ میلیون دلار مورد درخواست می باشد.

ه ۴۰۰ تانک M-۴۷- احتیاج به تعمیر دارد. ما شاه را ترغیب کردیم که به جای خرید تانکهای اضافی تازه و گرانقیمت تر این کار را انجام دهد. هزینه بالغ بر ۲۵ میلیون دلار خواهد بود.

و شاه هنوز علاقه مند به ابتیاع ۲۳۴ تانک SHERIDANموشک های SHELLELAGHمی باشد.

تهیه کنندگان این تانکها می گویند که تولید در صورتی که سفارش ایران پیش از ژانویه ۱۹۷۰ انجام نپذیرد ممکن است متوقف شود (این گونه اظهارات را ما همواره به طور کامل موجه نیافته ایم). کل هزینه این سیستم تسلیحاتی در حدود ۱۰۵ میلیون دلار می باشد.

ز مطالعه ای که ما درباره نیازهای دفاعی خلیج فارس انجام دادیم به این نتیجه رسید که یک قدرت جاسوسی سرّی کافی خواهد بود. ولی حتی اگر هواپیمای موجود یا آنها که در حال تهیه شدن می باشند به

کار گرفته شوند و کشتیهای جدیدی ابتیاع نگردند. (موافقت آشکار ایرانیان از این نظر هنوز حاصل نشده است) سه ایستگاه رادار و سه ایستگاه عمق سنج متغیر حدود ۱۵ میلیون دلار هزینه بر خواهد داشت.

ج هر چند که چهار سال قبل چنین می نمود که شاه را موقتا ترغیب کردیم که دفاع هوایی را می توان بدون خرید اسلحه های دقیق دفاعی با هواپیمای حامل رادار سر و سامان داد (او در آن موقع فکرش متوجه سیستم HAWKبود)، این تصمیم به قوت خود باقی نیست. رویارویی اخیر با عراق در مورد شط العرب چنین می نماید که شاه را متقاعد نموده که پایگاههای هوایی او در مقابل حملات ناگهانی بسیار آسیب پذیر می باشند. بالنتیجه، قراردادهای مشروط برای موشکهای PAPIER انگلیسی (حدود ۹۴ میلیون دلار) و ORELIKONSبرای پایگاههای هوایی و پایگاههای (حدود ۵۰ میلیون دلار) به امضاء رسیده است.

اخیرا به ما اجازه داده شده است تا در این مقطع درباره سیستم HAWKبا او مذاکره نماییم. هر چند که ما هنوز از دوباره متقاعد کردن شاه مبنی بر اینکه هواپیما، از عهده این کار بر خواهد آمد، دست نشسته ایم، امید موفقیت درخشان نیست. بهترین امید ما این است که او را وادار به تمرکز روی مسایل نیروی انسانی و تأثیر بخشی واقعی بکنیم.

آشکار است که تمام اینها به رغم برنامه ریزی، دربسته ۱۰۰ میلیون دلاری جای نخواهد گرفت. ما ممکن است قادر شویم که او را راغب سازیم تا مقداری از این لوازم را به تعویق بیندازد. ممکن است که او برای افزایش ۱۰۰ میلیون دلار اعتبار، پافشاری نماید، یا مقداری تجهیزات کمتر پیشرفته از تهیه کنندگان

غیر آمریکایی بخرد. نیز ممکن است درخواست خرید بعضی از آنها را به صورت نقدی از ما بنماید. چنین می نماید که شاه روی معامله نفت حساب می کند که متضمن فروش نفت به آمریکا ورای برداشت معمولی کنسرسیوم می باشد تا تعمیر تانکهای M۴۷- و شریدان SHERIDANتأمین ننماید. نماینده جنرال موتور روی معامله اینجا کار می کند که باید در جایی از واردات که دولت آمریکا به برای واردکنندگان تخصیص داده، قرار داده شود. در این باره زیاد خوش بین نیستیم.

نمایندگیهای مختلف و نیز کنگره با توسعه اعتبار سالیانه ایران بالاتر از سطح ۱۰۰ میلیون دلار به سختی مخالفت می ورزند. امکان زیادی هست که اندازه محدود شده اعتبار کل مورد حمایت دولت که از جانب کنگره برای فروش نظامی به دولتهای خارجی اجازه داده می شود، آن را غیر عملی سازد. اما، تجربه گذشته نشان داده است که اگر رئیس جمهور تصمیم بگیرد که فروش اعتبار تا میزان معینی انجام پذیرد، راههایی برای به دست آوردن اعتبار مورد قبول یافت شده است. شاه که از این موضوع آگاه است، مسلما رئیس جمهور را در ماه اکتبر با این مسئله درگیر خواهد ساخت، هر چند که رئیس جمهور این امر را روشن ساخته است که ترجیح می دهد که صحبتهای خود را با سران کشورها در سطح بالاتری نگه داشته و کمتر به امور سیاسی ویژه بپردازد.

محافل مذهبی

ص: ۳۶۳

سند شماره ۵

تاریخ سند ۱۳۴۹ (می ۱۹۷۲) محرمانه

محافل مذهبی

خلاصه

شاه ایران یک ژست تقوای علنی می گیرد و از مآثر اسلامی دفاع می کند، گویا اینکه ایرانیان که اکثرشان شیعه هستند چندان مجذوب احساسات اسلامی تمام عیار نیستند. روحانیت ایران دیگر نفوذ سیاسی عمده ای ندارد هر چند به اندازه کافی دنباله رو دارد که گاهگاهی می تواند یک «ترمز» در برنامه های دولتی ایجاد کند. و طی ۱۰ سال گذشته به حالت عقب نشینی در حال مبارزه بوده و در مقابل جزر و مد در حال رشد یک کشور مادی که بیش از اندازه مجذوب غرب شده است، خود را باخته است. چنانچه در اثر جریانات غیرقابل پیش بینی از قبیل رکود اقتصادی یا ضعف حکومت (در نتیجه مرگ شاه یا درهم ریختگی ارتش)، منجر به مبارزه سایر اقشار جمعیت بشود، روحانیت اسلامی می تواند بدون شک عده ای را گرد آورد. در آن صورت چون آمریکا از نظر مذهب مسیحی است و چون روحانیت به طور سنتی مخالف با نفوذ خارجی بوده است احتمال دارد که ما مورد حمله سیاسی قرار بگیریم.

سابقه

فرقه شیعه اسلام، که ۹۰٪ مسلمانان ایران به آن تعلق دارند، خواه چنین باشد که به منظور اتحاد ایرانیان با یکدیگر بر علیه بقیه جهان اسلامی بوده یا نه، به طور عمده ای در گسترش هوشیاری ملی مشخص ایران کمک کرده است. به طور کلی ایرانیها چندان مجذوب احساسات اسلامی همه جانبه نیستند و مثلاً در مورد مسئله جنگ با اسرائیل بیشتر گرایش به این امر دارند که آن را عربی تلقی کنند نه اسلامی. هر چند که رفرمهای مادی رضاشاه و شاه فعلی باعث دشمنی با افکار مذهبی و سنتی و محافظه کار در

ایران شده است. این دو زمامدار با دقت نسبت به تعالیم اسلام احترام نمودند و این تعالیم را هم حامی و هم متقاضی برنامه های رفرم خود معرفی نموده اند.

تضعیف روحانیت به وسیله رفرم

از زمان ظهور رضاشاه، جامعه مذهبی ایران خود را با تغییرات پشت سر هم مواجه یافته است هر یک از یک تغییرات انحصار روحانیت را در مورد آموزش و پرورش، روابط اجتماعی و خانوادگی، قانون، رسوم و اخلاق عمومی کاهش داد، و بدین وسیله محبوبیت و نفوذ سیاسی کلی آن را تقلیل بخشید. شاه فعلی در انجام رفرم هایی که بیشتر در زمینه های آموزش و پرورش، روابط خانوادگی و اجتماعی و حقوق زنان می باشد، مستقیما رو در روی طرز فکر سنتی قرار گرفته است. روحانیت که از نفوذ قابل توجهی در زندگی خانواده ها به ویژه در مناطق روستایی برخوردار است، نقش دنیایی خود را به علت اینکه ایرانیان به هدایت و رهبری و حمایت دولت چشم دوخته اند، مرتبا از دست می دهد. در ۱۰ سال گذشته، حضور دولت در مناطق روستایی با همکاری سپاه پیکار با بی سوادی و سپاه ترویج، سپاه بهداشت و امثالهم کمک زیادی به قدر اقتدار روحانیت کرده است. تعجب آور نیست که مخالفت مذهبی با تلاش جاری (و احتمالاً ناموفق) دولت در برقراری سپاه دین، که حکومت را برای اولین بار در زمینه آموزش

مذهبی به طور مستقیم قرار می دهد، از یک عزم نهایی برخوردار است.

لکن، از ۱۹۶۳ (۱۳۴۲) که مرتجعین مذهبی یک شورش وسیع را دامن زده بودند و بی رحمانه به وسیله رژیم سرکوب شد، روحانیت از تشکل احساسات در عملیات سیاسی منع گردید. هیچ رهبر مشخصی از ۱۹۶۱، پس از فوت رهبر برجسته شیعیان وجود نداشته است. آیت اللّه خمینی، که به خاطر فعالیتهای ضد دولتی اش توقیف و در ۱۹۶۴ به عراق تبعید شد، خیال رهبری ایرانیان مسلمان را دارد. اما همکاری نزدیک او با حکومت عراق در زمینه تبلیغات و عملیات ضد شاه، امکان هر نوع آشتی را با شاه فعلی از بین برده است و جاذبه اش را برای بسیاری از مسلمانان ایرانی که ممکن بود در غیر این صورت با بعضی از ایده هایش که اساسا آزادی خواهانه است مشارکت کنند، کاهش داده است.

نفرت باقیمانده مذهبی

نفرت باقیمانده مذهبی بر علیه رژیم عمیق و گزنده است. اما جریان «کاهش دادن اختلاف» میان محافل مذهبی ناراضی و دولت در دست اقدام است. با وجودی که بخش عمده ای از روحانیت اغلب در انتخاب تاکتیکهای خود، مرتجع و فرصت طلب بوده است، معهذا تمامی آن از جریان اصلی طرز فکر عامه ایرانیان دور نمانده است. بدین جهت دولت ارتشاء تهدید، نوازش شاهانه، کنترل مقبره معروف شیعیان ایران (در مشهد)، و کنترل و سانسور کلیه فعالیتهای عمومی را به کار گرفته است تا رهبران مذهبی سیاست مآب را از داشتن دنباله روان سیاسی قابل توجهی مانع شود. به طور کلی معروف شده است که ساواک به طور عمده ای در روحانیت رخنه کرده و این امر سبب کاهش بیشتر نفوذ آن شده است. حکومت در عین حال که تو دهنی محکمی را بر ملاهای ناراضی زده است، تلاش دارد که پارامترهایش را با خود همراه سازد، لکن تا کنون موفق نشده است که یک رهبر موافق دولت، که بتواند از آمریت وسیعی در میان مسلمانان ایران برخوردار باشد (رهبر جامع جای خود دارد) تهیه کند.

امکانات بازگشت روحانیت

در هر حال ملاها قادر نشده اند که جریان توسعه و رفرم را متوقف کنند، یا فصل مشترکی با یک نیروی سیاسی عمده بیابند که پایدار باشد. لذا ترتیب همکاری با دولت، تا زمانی که پیشرفت اقتصادی باقی باشد، احتمالاً ادامه خواهد داشت. چنانچه حوادث پیش بینی نشده ای، مانند بحران بارزی در اقتصاد یا تضعیف آشکاری در کنترل دولت روی دهد که منتهی به مناقشه سایر اقشار مردم با دولت گردد، ملاهای عصبانی در سلسله مراتب مسلمین می توانند دنباله رویان قابل ملاحظه ای به خصوص از میان بازاریان و طبقات پایین را بسیج کنند. حتی در آن شرایط نیز احتمال ندارد که آنها به یک نقش تاریخی مانند آنچه که در ۱۸۹۲، که در آن زمان حمله بر علیه امتیاز تنباکوی بلژیک را رهبری کردند، یا ۱۹۰۷، که نقش کلیدی در انقلاب مشروطیت داشتند، و یا ۱۹۵۲، که پشت سر دولت برای شکست بریتانیا قرار گرفتند، بازگردند.

جنبشهای مذهبی دیگر

ایران قبل از مسلمان شدن زردشتی بود، و امروزه نیز تقویم و آداب بسیاری مانند تعطیلات نوروز یادگار زردشتی گری است. در سال گذشته مطبوعات و تلویزیون زردشتی گری را با هواداری بیشتری

نسبت به سالهای گذشته مورد بحث قرار دادند که منجر به پیش بینی بعضی از ناظران شد مبنی بر اینکه رژیم ممکن است مفید بداند که روزگار آغاز زردشتیگری را مورد تأکید مجدد قرار دهد.

مذهب بهایی شاید با ۱۰ هزار پیرو در ایران، به طور رسمی در محبوبیت قرار ندارد هر چند که یکی از نزدیکان شاه دکتر ایادی مانند سایر برجستگان ایرانی، بهایی است.

ارمنی ها مخصوصا از نظر خدمات امنیتی، به خاطر پیوستگی هایشان با روسیه مورد اعتماد رژیم نیستند. جوامع یهود، بهایی و ارمنی در امور استخدامی دولت دچار تبعیضهایی می باشند، اما در مذاهب خود آزادند.

تأثیر بر چهره آمریکا

تا آنجا که مربوط به خط مشی آمریکا می شود، بازگشت نفوذ ملاها، هر چند که غیر متحمل است، بر چهره ما در اینجا اثر نامطلوب خواهد داشت، زیرا ما مسیحی هستیم، و در چشم عامه ارتباط نزدیک با این رژیم رفرمیست و با اسرائیل داریم. رهبران مذهبی محافظه کار، قسمت عمده دنیاگرایی ایران و نیز روابطش را با اسرائیل، متوجه نفوذ آمریکا می دانند. به علاوه، روحانیت ملی به طور سنتی با نفوذ خارجی در ایران مخالفت کرده است. بنابراین در صورت غیر محتمل بازگشت روحانیت به یک وضعیت مهم سیاسی با نفوذ در چند سال آینده، می توانیم انتظار مورد حمله قرار گرفتن را داشته باشیم.

مه ۱۹۷۲ محرمانه گروه ۳ برای یک مدت ۱۲ ساله از طبقه بندی خارج نشود.

مخالفت سیاسی افراطیون و جبهه ملی

سند شماره ۶

محرمانه

مخالفت سیاسی افراطیون و جبهه ملی

خلاصه

در ایران مخالفت سازمان یافته با شاه، چه کمونیست و چه غیر کمونیست عملاً وجود ندارد. سرکوب مداوم و رخنه مؤثر، نزاعهای ایدئولوژیکی داخلی، سازش ایران و شوروی، رفرم اجتماعی قابل توجه و پیشرفت اقتصادی توسط رژیم اکثر عناصر مخالف را ساکت یا سر خورده و یا مأیوس کرده است. البته مخالفین سرسختی وجود دارند که به طور بالقوه در زمان بحران تهدید به حساب می آیند (اما) آنها پیروان چندانی ندارند، در نیروهای امنیتی فاقد نیروی معلومی هستند، هیچ راه حل معتبری ندارند که ارائه دهند و از رهبران برجسته ای نیز برخوردار نیستند، و تحت نظارت شدید ساواک قرار دارند، معهذا آنها بلاشک استخدامهایی برای فعالیتهای خرابکارانه و تروریستی که اهمیت تزایدی طی چهار سال گذشته یافته است، انجام داده اند؛ هر چند که هنوز تهدیدی برای ثبات ایران تلقی نمی شوند. فعالیت عمده ضد رژیم خارج از ایران به وسیله حزب توده با حمایت شوروی، عوامل CHICOM و سایر اپورتونیستها صورت می گیرد که دانشجویان ایرانی را در خارج استخدام و سازمان می دهند، تبلیغات ضد شاه راه می اندازند و سعی می کنند که شاه را هنگام مسافرتهای خارجش ناراحت کنند.

این گروهها امروزه نفوذ اندکی داخل ایران دارند. جز اینکه تعداد نسبتا کمی از دانشجویان دانشگاه از آنان هواداری می کنند هیچ راه مجازی در ایران نیست که نسبت به شاه یا سلطنت و یا خط مشی ها و برنامه های تحت نظارت شاه مخالفت ابراز شود. احزاب و گروههای سیاسی مخالف سرخورده و ناتوان شده، اعضایشان به وسیله رژیم یا ساکت شده اند و یا استخدام. حزب کمونیست توده از ۱۹۴۹ غیر قانونی

اعلام شده و از زمان اوج گیری محبوبیتش در ۵۳ ۱۹۴۹ شدیدا سرکوب گردیده است. بسیاری از رهبران سیاسی جبهه ائتلاف سیاسی گسیخته ملی که از مصدق حمایت می کردند، دوره هایی از توقیف را گذرانده و تحت نظارت شدید قرار دارند، و همه آنها حدود فعالیت مجاز خود را تشخیص داده اند. عوامل ارتجاعی تحت رهبری روحانیت و مخالفان سرسخت رفرمهایی چون توزیع زمین و حقوق زنان با شدت تمام در ۱۹۶۳ که برای آخرین بار تظاهرات به راه انداختند، سرکوب شدند.

روحانیت در عین حال که از آن زمان سخت تحت کنترل قرار دارد هنوز از مقداری احترام کافی برخوردار است که بتواند گاهگاهی ترمزی در بعضی از برنامه های دولت ایران (مانند طرحهای سپاه دین) ایجاد کند. گروههای دانشجویی، کارگری، سیاسی، مذهبی و سایرین که به طور بالقوه ممکن است دردسر ایجاد کنند، کاملاً توسط سرویسهای امنیتی مورد رخنه واقع شده اند. سازش ایران و شوروی و شکاف ایدئولوژیکی میان جناحهای مسکو و پکن بیش از پیش تلاش خرابکارانه کمونیستی را تضعیف کرده است. برنامه های رفرم اجتماعی و اصلاحات ارضی انقلاب سفید و ملی گرایی مستقل شاه در امور خارجی بسیاری از تقاضاهای عناصر مترقی، ملی و روشنفکر را برآورده کرده است. اقتصاد رو به رشد فرصتی برای کارهای ساختمانی و پاداشهای مادی عرضه کرده است که برای عده زیادی جانشین خشنودکننده ای جهت مشارکت بیشتر سیاسی شده است. تعداد زیادی از حامیان سابق جبهه ملی و حزب توده مورد استقبال دستگاه قرار گرفته اند و اینک در سطوح بالای دولت قرار دارند.

به طور خلاصه، مخالفت سازمان یافته مؤثر در ایران وجود ندارد و عده ای مخالف غیرقابل تعقیب یا فعالیت زیرزمینی دارند و یا به خارج از کشور رفته اند. اما تعدادی مخالف سرسخت ولو از هم پاشیده باقی هستند. روشنفکران آزادیخواه چه پیر و چه جوان، که می خواهند قدرت شاه محدود باشد (حتی عده ای خواهان از بین رفت سلطنت هستند) از سرکوب فعالیتها و ایده های سازش ناپذیر خشمگین می باشند، همچنین عناصری از بازاریان محافظه کار و روحانیت خشمگین هستند که می توانند از نظر اقتصادی و اجتماعی زمان را به عقب برگردانند بعضیها معروف بوده و هنوز هم پیروان کافی دارند تا گاهگاهی ترمز در برنامه های دولت ایران ایجاد کنند. و بالاخره عناصری، به ویژه در میان جوانان، یافت می شوند که ویژگیهای مارکس را می پذیرند و می خواهند که ایران را در مسیر سوسیالیسم مردمی قرار دهند. گروههایی از جوانان بعضی اوقات مورد تعقیب و محاکمه فعالیتهای کمونیستی ضد کشوری قرار می گیرند. در ۱۹۶۹ روی هم رفته بیست نفر به تشکیل گروههای کمونیستی جهت براندازی دولت محکوم شدند. در ۱۹۷۱ فعالیت گروهی ناراضی حادثه سیاهکل را که اینک معروف شده است به وجود آوردند. این حادثه حمله ای بود به وسیله یک دسته مسلح در یک پست ژاندارمری در سیاهکل که دهکده کوچکی است، در سلسله جبال البرز و حدودا ۳۵ کیلومتری جنوب شرق رشت. در این حادثه ۲ ژاندارم کشته شده و یکی زخمی گشته و بعد گروه حمله کننده به میان کوهها فرار کردند، ولی به زودی به وسیله یک گروه فوق العاده دولتی (شامل واحدهایی از ارتش) بین ۱۵۰ تا ۱۷۵ نفر دستگیر شدند. سیزده نفر آنها که زندانی شده بودند بعدا محاکمه و اعدام گردیدند. بنا به قولی در میان دستگیر شدگان دو عرب فلسطینی بودند و بقیه در چین کمونیست تعلیم دیده بودند لکن تقریبا ۵۰ نفر از این ناراضیان موفق به فرار شدند و خشونتهای دولتی بعدی بعضی اوقات به طور رسمی به گروه سیاهکل نسبت داده می شود. سوءظنی وجود دارد مبنی بر اینکه چنین گروهی دیگر وجود ندارد اما دولت ایران آن را برای برچسب زدن به سایر

تروریست ها به کار می برد (واقعه سیاهکل چند هفته بعد از حادثه شهرت داخلی زیادی به دست آورد) و در ژانویه ۱۹۷۲ دولت ایران اعلام کرد که ۱۲۰ نفر را به جرم قتل، سرقت بانک، بمب گذاری، حمل غیر مجاز اسلحه و مهمات، قصد آدم ربایی، سرقت هوایی، تبلیغ کمونیستی و فعالیتهای ضد دولتی به محاکمه خواهد کشانید. اتهاماتی مبنی بر اینکه جرم زندانیان از قبل و سنگینی محکومیتها (از میان ۳۲ نفری که محکوم به مرگ شده بودند ۱۹ نفر اعدام ۱۰ نفر به حبس ابد محکومیت یافتند و از سه نفر دیگر خبری نشد) انتقاد شدیدی را از جانب مطبوعات و روشنفکران غرب برانگیخت. انتقادی که تا اندازه ای چهره شاه را هم در داخل و هم در خارج مخصوصا در اروپای غربی خراب کرد. ما فکر می کنیم که خشونت نشان داده شده از طرف دولت به وسیله این توقیفها و محاکمه ها عملیات تروریستی را به تأخیر انداخت و گروههای خرابکار را مجبور به تجدید سازمان و تعلیمات نمود. اما وقتی که این امر انجام شد انتظار می رود که فعالیت چریکی شهری به همان اندازه قبل از خشونت تکرار شود. تلاش عمده ضد رژیم خارج از کشور و عمدتا در اروپا انجام می گیرد. سران اصلی حزب توده که سالهاست خارج از ایران به سر می برند و مورد حمایت شوروی می باشند، دانشجویان ایرانی را در خارج سازمان می دهند و یک ایستگاه رادیویی مخفی را از بلغارستان یا لایپزیک در آلمان شرقی، که برای ایران برنامه دارد، اداره می کنند. دو ایستگاه ضد رادیویی ضد شاه از عراق و باکو روسیه سخن پراکنی می کنند. در حال حاضر گفته می شود که ایستگاه رادیویی آلمان شرقی در دست تجدید سازمان وسیعی است. یک گروه کوچک در ۱۹۶۵ از حزب

توده انشعاب کرده و خود را کمونیست چینی معرفی کرده که آن کشور هم موفق به نفوذ قابل توجهی میان دانشجویان ایرانی در اروپا شد. همچنین عناصر جبهه ملی قدیم نیز در خارج به چشم می خورد که از فعالیت کمتری برخوردار است. شاید مرئی ترین و ناراحت ترین و مطمئنا معروفترین آنها کنفدراسیون دانشجویان ایرانی (CIS) می باشد که یک سازمان ناراضی دانشجویی است با پیروان زیاد میان دانشجویان ایرانی در اروپا و با برخورداری از حمایت روشنفکران آن قاره. این سازمان چپی بوده و حمایت وسیعی از عناصر حزب توده دریافت می دارد (بعضیها می گویند که رهبری آن از حزب توده است). این سازمان در هدایت تظاهرات ضد شاه و سیاستهای او نقش عمده ای دارد. اثر واقعی این گروههای در تصویر شاه است به عنوان یک مستبد ظالم در نزد گروههای نسبتا زیادی در خارج از کشور، و نیز شهرت نامطلوب در مورد محاکمات ایران در خارج ایجاد کرده است و هنگام سفرشان به خارج برای او و میزبانانش ناراضی درست می کند. سرانجام قابل توجه است که فعالیتهای نوع دیگری از یک ناراضی، یعنی ژنرال تیمور بختیار، که رییس سابق ساواک بوده و پس از تبعید به وسیله شاه درصدد گرفتن یک انتقام شخصی است، وجود دارد. وی چند سال اول تبعیدش را در سوئیس به سر برده و از آنجا فعالیتهای دانشجویی ضد شاه را اداره می کرده است. و سپس به عراق رفته تا احتمالاً مستقیم تر در عملیات ضد شاه و ضد ایرانیان فعالیت کند (توقیف او در بیروت برای حمل اسلحه و امتناع دولت لبنان از تحویلش به ایران منجر به قطع روابط میان ایران و لبنان شد) ژنرال بختیار در اواسط ۱۹۷۰ در عراق به قتل رسید و گمان می رود که این عمل توسط عمال ساواک انجام شده باشد.

گروههای اقلیت

سند شماره ۷

تاریخ: می ۱۹۷۲ محرمانه

موضوع: گروههای اقلیت

مقدمه و خلاصه

ایران دارای اقلیتهای مهم قبیله ای، مذهبی و زبانی می باشد که در گذشته مشکلات عدیده و جدی برای کشور به وجود آورده اند. گروههای بزرگ قبیله ای به طور سنتی از قانون حکومت مرکزی سرپیچی نموده و ضرورتا در خلال دورانهای قدرت مرکزی ضعیف خود مختار می شدند. حتی در قرن بیستم، بیعتهای قبیله ای و اختناق به طور مهمی شانس دولت های ایران را تحت تأثیر قرار می داد. اما، در سالهای اخیر، گروههای اقلیت به طور مؤثری به وسیله فشارهای دولت مرکزی و برنامه های افزون پاینده همگون سازی مهار شده اند با قول پاداش بیشتر به خاطر شرکت در یک اقتصاد مترقی. کردهای ایران که در قسمت حساس مرز ایران و عراق سکونت دارند، به طور دقیقی به وسیله دولت کنترل می شوند که مبادا وفاداری نژادی آنها در مشاجرات عراق و کردها درگیرشان نماید. جنگهای پراکنده که سال پیش در مرز ایران و عراق بروز کرده است، معمولاً در جنوب نواحی کردنشین بوده و به علت خشم ناگهانی مذهبی یا قبیله ای نبوده است. جمعیت عرب زبان جنوب ایران که در خوزستان در طول مرز عراق و خلیج فارس زندگی می کنند، از وقتی که از هویت عرب بودنشان و حالت اقلیتشان به وسیله گوش کردن به رادیو بغداد و زندگی در قلب سرزمینهای آسیب پذیر نفتی ایران آگاه گشته اند، مشکلات امنیتی مشخصی را به وجود آورده اند. اما کوششهای اعراب عراقی و مترقی برای به وجود آوردن نارضایتی فعال در بین این جمعیت به هر حال نتایج چشم گیر چندی در بر نداشته است و حساسیتهای امنیتی ایران نسبت به این جمعیت عرب تدریجا رو به کاهش است.

کردها

کردها بزرگترین گروه اقلیت نژادی در ایران و بیش از ۱۰۰۰/۰۰۰ نفر می باشند و در بیشتر قسمتهای آذربایجان غربی، کردستان و کرمانشاه زندگی می کنند که با نواحی عراق و ترکیه که آنجاها هم محل سکونت کردهاست، هم مرز می باشند. اگر چه کردها استقلال فکری دارند، اما در سالهای اخیر هیچ مقاومت گسترده ای را در مقابل کنترل دولت نشان نداده اند. جمهوری مهاباد، یک ایالت کرد «مستقل» که در ۱۹۴۵ به وسیله اتحاد جماهیر شوروی به وجود آمد، حمایت محلی کمی را به خود جلب کرد که فقط تا ۵۰ مایلی اطراف مهاباد امتداد یافت و به محض اینکه گروههای شوروی از ایران خارج شدند منحل گشت. با این وجود تا کودتای ۱۹۵۸ قاسم در عراق، نیروهای ایران از آن پس بیشتر نواحی کردی را آن چنان که گویی قلمرو دشمن است، اشغال کرده اند. این کودتا و شورش متعاقب کردها مشوق دولت ایران شد تا تغییر تاکتیکهایش را برای تأکید بر برنامه هایی به منظور پیشرفت در منطقه در جهت جلب بیعت با کردها، دنبال کند. یک چنین سیاست کج دار و مریز باعث حفظ امنیت داخلی در بین کردهای ایران شده و در نرمش و آرامی رفتار نسبت به دولت مرکزی به پیشرفتهایی رسیده است. اما نشانه هایی وجود دارد که برخی از کردهای ایرانی که در نزدیک عراق زندگی می کنند هویت کرد بودن را در سطحی بالاتر از هویت ایرانی نگه داشته اند و برخی از آنها به طور نزدیکی با ملامصطفی بارزانی و تلاشش در به دست آوردن

خودمختاری در حوزه عراق احساس هویت می کنند.

بنابراین، بعید نیست که دولت ایران در مورد به اجرا گذاشتن موافقتنامه ای که بین رژیم بعث و کردهای عراق در ۱۱ مارس ۱۹۷۰ به دست آمده، نگران نباشد. با اجرای تام و تمام، آن موافقتنامه تا اندازه زیادی در داخل عراق برای کردها خودمختاری فراهم می کند و نه تنها کردهای عراق دیگر مخالفت داخلی که هم اکنون انجام می دهند برای دولت عراق فراهم نمی کنند، بلکه خودمختاری کردها در عراق ما بین برخی از کردهای ایران تمایل مشابهی را برای خودمختاری دامن می زند. ایران سیاست کمک به ملامصطفی بارزانی را در پیش گرفته است اگر چه او کسی است که با کمک روسها در ۱۹۴۵ جمهوری مهاباد را تشکیل داد. ایران با کمک و شاید راهنمایی اسرائیل در دادن آذوقه و مسلح کردن افراد بارزانی کمک کرده است و هنگام عقب نشینی پناهگاهی در اختیارش گذاشته است اندازه کمک به او بسته به روابط ایران با عراق و ناصر و سایر رادیکالهای عرب تغییر می کند. عراقیها از جانب خودشان کردهای وفاداری را مانند جلال طالبانی، تشویق کرده اند تا با استخدام افرادی در ایران به تشنج دامن بزنند. هر چند که پتانسیل ایجاد تشنج و وجود تعداد زیادی ژاندارم ایرانی را در مناطق مرزی کردنشین ضروری بوده است، ولی احتمال کمی وجود دارد که مسئله واقعی امنیت در منطقه کردنشین وخیم شود.

بختیاری

چیزی بین ۵۰۰/۰۰۰ ۳۰۰/۰۰۰ قبایل بختیاری که مردمانش با لهجه فارسی صحبت می کنند و پیرو مذهب تشیع می باشند هنوز در نواحی کوهستانی غرب اصفهان زندگی می کنند، که بیشترشان فعلاً به کار کشاورزی مشغولند؛ ولی بسیاری از آنها هنوز کولی هستند. با واقع شدن در جایی که می توانند جاده اصلی را در جنوب تهران کنترل کنند و فاصله زیادی تا پایتخت دارند، بختیاریها تأثیر سیاسی مهمی را تا اوائل قرن بیستم داشته اند. حمایت تسلیحاتی بختیاریها پیروزی مشروطه خواهان را بر علیه قاجارها

مسی نمود و بسیاری از بختیاریها هنوز به عنوان مخالفان آرام مشروطیت شناخته می شوند. هر چند قدرت نظامی آنها عاقبت به وسیله رضاشاه شکسته شد، خانواده های متمول بختیاری تا زمان حاضر هم چنان سیادت خود را حفظ کرده اند. در بین بختیاریهای برجسته در زمانهای اخیر علیاحضرت ثریا (بختیاری اسفندیاری)، همسر دوم شاه و ژنرال تیمور بختیار، رئیس اسبق ساواک و دشمن شماره یک آشکار که تا کشته شدنش در عراق در اوت ۱۹۷۰ در تبعید بود، بوده اند.

قشقایی

قبایل قشقایی که شاید مرکب از ۰۰۰/۲۰۰ ترک زبان باشند، در نواحی اطراف غرب شیراز زندگی می کنند. آنها به طور سنتی با بختیاریها فرق دارند. هنوز مانند آنها (بختیاریها)، اهمیت سیاسی قشقاییها امروزه به مقدار زیادی تاریخی می باشد و شانسی وجود ندارد که آنها دوباره به عنوان یک نیروی سیاسی مهم مستقل در آیند. در ۱۹۴۶ یک شورش رهبری شده توسط قشقاییها باعث استعفای سه عضو حزب توده در دستگاه دولتی گردید. در اوایل دهه ۱۹۵۰ رهبران ایل قشقایی از مصدق پشتیبانی کردند و با سقوط مصدق ایل قشقایی تسلیم و رهبران اصلی تبعید گشتند. در اواخر ۱۹۶۳ قتل کارمند رسمی اصلاحات ارضی در استان فارس معیارهایی برای تنبیه بر علیه قشقاییها را به دنبال داشت که به هر گونه

بقایای روحیه استقلال طلبی در میان طوایف خاتمه داد. اما دولت ایران به طور ملایمی نگران فعالیت ضدرژیم تنی چند از قشقاییها که اکنون در حال تبعید در اروپا بسر می برند، می باشد.

اعراب

در حدود ۴۰۰/۰۰۰ عرب زبان عمدتا در استانهای خوزستان و فارس و در طول خلیج فارس زندگی می کنند. با پیوستگیشان به مذهب سنی و یا زبانشان و داشتن خانواده ها و سایر وابستگیهایی با کشورهای عراق و عرب در قسمت جنوبی خلیج. این جمعیت هدف تبلیغات توسعه اعراب بوده است که از ناصر القاء شده ولی اخیرا بیشتر از عراق القاء می شود. افراط گرایی تبلیغات عراق بر علیه شاه و دولت ایران فقدان یک شخصیت عراقی، با جاذبه و جلال ناصر بدنامی بعثیون حتی در میان دیگر اعراب و سختگیری عراق در مسلمانان ایرانی (هر چند هم شیعه) که اخیرا از عراق رانده شدند، همه اینها دست به دست هم داده اند تا مساعی ایران را برای سرکوب تمایلات تجزیه طلبی در بین جمعیت عرب نشین خود هموار سازد. این به علاوه گذشت زمان بدون رویدادهای جدی، به از بین رفتن تدریجی نگرانی ایران درباره مشکلات امنیتی ناشی از جماعت عربش کمک می کند.

سایر گروههای مهم نژادی

قبایل لار که بسیار به بختیاریها نزدیک هستند، بزرگ نیستند و تقریبا مرز مشترک نواحی غربی بختیاریها را اشغال کرده اند. آنها به مدت طولانی از لحاظ سیاسی غیرفعال بوده اند. در پهنه جنوب شرقی ایران در حدود ۵۰۰/۰۰۰ بلوچی در استانی نسبتا ابتدایی و منزوی سیستان و بلوچستان زندگی می کنند، و عمدتا در پرورش چهارپایان به کار گرفته می شوند. از وقتی که جنگ هند و پاکستان (INDO-PAK) با کوششهای خارجی برانگیختن ملت بلوچ اتفاق افتاد که می توانست دولت ایران را برای توجه بیشتر به این منطقه راهنمایی کند. دولت ایران برای کمک به پیشرفت این ناحیه از طریق احیا، کارهای بسیار کمی

انجام داده است. در حدود ۰۰/۳۰۰ ترکمن با ریشه مغولی و لهجه ترکی نواحی گرگان و شمال شرقی نواحی مرزی را اشغال کرده اند.

در بین اقلیتهای مذهبی، مهمتر از همه سنی ها هستند که در حدود ۱۰٪ جمعیت می باشند. اگر چه احساسات شدیدی بین جماعت شیعه و سنی وجود دارد از آنجا که سنی ها همیشه در مجموعه های جدا بین گروههای نژادی مانند کردها، اعراب، بلوچها و ترکمنها زندگی می کنند، نزاعهای مذهبی غیر معمول است. سایر اقلیتهای قابل توجه مذهبی و نژادی شامل حدودا ۷۵۰۰۰ یهودی است که عمدتا در تهران و اصفهان زندگی می کنند و تاریخ طولانی در ایران دارند، ولی تقریبا خارج از زندگی سیاسی بوده اند. در حدود ۰۰۰/۱۰۰ ارمنی مسیحی که در شمال غربی نزدیک ارمنستان و در شهرهای بزرگ زندگی می کنند (مخصوصا تهران و اصفهان)، و در حدود ۰۰۰/۷۰ آسوری، مسیحیان نستوری هستند که در بیشتر قسمتهای اطراف دریاچه رضاییه در شمال غربی ایران زندگی می کنند.

بهاییان ایران که از یهودیگری تغییر آیین داده اند توسط دولت ایران در اختناق زندگی می کنند. شاید دولت این عمل را به عنوان باج سبیل به ملاها که بهاییگری را به عنوان بدعتی در دین اسلام به شمار می آورند، انجام می دهد و شاید هم به خاطر نسبت دادن فعالیت سیاسی به بهاییهاست.

پیگیری صحبت پرزیدنت با شاه

ص: ۳۷۲

سند شماره ۸

سرّی تاریخ: ۲۵ خرداد ۴۹ (۱۵ ژوئن ۱۹۷۲)

کاخ سفید واشنگتن

یادداشت برای: وزیر امور خارجه وزیر دفاع

موضوع: پیگیری صحبت پرزیدنت با شاه

طی مذاکراتی که در سی ام و سی و یکم ماه می، پرزیدنت با شاه در تهران انجام داد، پرزیدنت به درخواست کلی شاه در مورد ادامه حمایت آمریکا در رفع نیازهای تجهیزات نظامی ایران پاسخ مثبت داد. پرزیدنت تعهدات مشخصی که در ذیل توضیح داده می شود، متقبل شد که فعلاً نیاز به پی گیری دارد:

۱ اصولاً ایالات متحده حاضر است که هواپیماهای ۱۴F و ۱۵ Fرا به ایران بفروشد و این در صورتی میسر است که ما از کارآیی عملیاتی آنها رضایت کامل کنیم.

۲ ایالات متحده حاضر است که برای ایران بمبهای هدایت شونده لیزری را فراهم آورد.

۳ ایالات متحده در رابطه با برخورد به اصطلاح «کارگری» تعداد بیشتری از تکنسینهای نظامی یونیفورم پوش از واحدهای خدماتی آمریکا به امر فعالیت در واحدهای خدماتی ایران، به ایران انتقال خواهد داد.

از وزارت دفاع درخواست می شود که تا سی ام ژوئن با هماهنگی وزارت خارجه، یادداشتی آماده کند که در آن روش اجرای هر یک از این برنامه ها به نحوی که با تعهدات پرزیدنت هماهنگی داشته باشد توضیح داده شود.

هنری الف کیسینجر

پیگیری مذاکرات رئیس جمهور با شاه ایران

ص: ۳۷۳

سند شماره ۹

کاخ سفید واشنگتن۲۵ جولای ۱۹۷۲ سرّی

یادداشت برای: وزیر امور خارجه وزیر دفاع

موضوع: پیگیری مذاکرات رئیس جمهور با شاه ایران

رئیس جمهور یادداشت وزیر دفاع را با تاریخ ۵ جولای ۱۹۷۲ یعنی «پیگیری مذاکرات رئیس جمهور با شاه ایران را» مطالعه نموده و طرز عمل زیر را تأیید نموده است.

۱ هواپیماهای F۱۴ و F۱۵: توسط هیئت های خدماتی هر چه زودتر به ایران دستورالعمل درباره ظرفیت هواپیماها و نیازمندیهای آموزشی و لجستیکی مرتبط با آنها داده شود. به منظور فراهم آوردن زمینه کافی برای مقایسه دو هواپیما، این دستورالعمل اولیه از آنجا که هر هواپیما به سوی مرحله مؤثر عملی حرکت می کند، باید توسط هیئت های خدماتی با گزارش پیشرفت مناسب همراه گردد.

رئیس جمهور به شاه گفته است که ایالات متحده در اصول مایل به فروش این هواپیماهاست و این منوط به آن است که ما از این طرز عمل مؤثر آنها رضایت حاصل کنیم. در این چهارچوب، تصمیم به خرید و زمان بندی می بایستی به عهده دولت ایران گذاشته شود.

۲ بمبهای هدایت شونده با لیزر: هر چه زودتر توسط تیم نیروی هوایی آمریکا بایستی دستورالعمل به ایرانیان داده شود. دریافته ایم که تحویل اسلحه را می توان هفت ماه پس از گشایش حواله رسمی ایران شروع کرد. رئیس جمهور به شاه گفته است که ایالات متحده آماده است تا این تجهیزات را برای ایران فراهم نماید.

۳ تکنسینهای نظامی: نیازمندیها می بایستی فورا از طریق سفارت و اداره نظامی آمریکا در تهران به دست آمده و ترکیب هیئت قرارداد مراجعه و هزینه هر چه زودتر بایستی با دولت ایران انجام پذیرد. رئیس

جمهور به شاه اطلاع داده است که ایالات متحده تعداد فراوانی تکنسین نظامی با یونیفورم از خدمات آمریکا در ایران به کار خواهد گماشت تا با خدمات نظامی ایران کار کنند.

وزارت دفاع، با همکاری وزارت امور خارجه، هر چه زودتر مقدمات مشروح در فوق را پایه ریزی نمایند. رئیس جمهور همچنین قید نموده است که عموما تصمیم درباره تحصیل تجهیزات نظامی می بایستی بدوا به دولت ایران واگذار شود. چنانچه دولت ایران تصمیم به خرید تجهیزاتی گرفته است، بایستی آن را به خرید تجهیزات آمریکا با مهارت کامل تشویق نمود و راهنماییهای تکنیکی درباره ظرفیت تجهیزات مورد بحث را در اختیارش قرار داد.

هنری الف کیسینجر

داگ عزیز

سند شماره ۱۰

وزارت امور خارجه سرّی اداری غیر رسمی ۲۶ جولای ۱۹۷۲

ال. دوگلاس هک عزیز

مشاور وزیر سفارت آمریکا

تهران، ایران

داگ عزیز

اینک از سوی دکتر کیسینجر یادداشتی داریم که آن را خیلی رضایت بخش تلقی می کنیم. این یادداشت در مورد عملکرد اشخاص در پیگیری گفتار ریاست جمهور و شاه دستورات لازم را می دهد (نسخه پیوست می باشد). بر اساس این یادداشت به زودی چندین تلگراف اجرایی را که حاوی چگونگی به اجرا گذاشتن تصمیمات ریاست جمهوری است، برایت خواهیم فرستاد. پاسخ پرسش شما را درباره پرسنل نظامی پیشاپیش پست کرده ام. مطمئنا پیش از این نامه، آن را دریافت خواهی کرد. اما آنچه که در آن نامه مهم است، عبارت از پشتیبانی کامل از اظهارات سفیر به هویدا می باشد، به این ترتیب که ما به هیچ وجه قصد دخالت در موضوع اجرایی نداریم، اما تا حد امکان پاسخگوی تقاضا برای تربیت پرسنل خواهیم بود. پیغام بعدی احتمالاً با هیئتهای دستورالعمل دهنده درباره ۱۴F و ۱۵F سرو کار خواهد داشت که در صورت نیاز می توان تا ماه اکتبر به ایران فرستاد.

فکر می کنم که آخرین پاراگراف یادداشت پیوست، برگ برنده ای است که بدان وسیله بتوانیم هر گونه هیئت دستورالعمل دهنده ای را که به نظر شما مطلوب برسد، اعزام نماییم. بنابراین خواهش می کنم که تردید روا مدارید.

پرچم را در اهتزاز نگهداربا گرمترین درودها ارادتمند: جک سی. میکلوس

پیوست: نسخه یادداشت از دکتر کیسینجر مورخه ۲۵ جولای ۷۲

جناب ریچارد هلمز

سند شماره ۱۱

سرّی ۱۱ اوت ۱۹۷۳

جناب ریچارد هلمز

سفیر آمریکا، تهران ایران

آقای سفیر عزیز:

همان طور که چند تن از همکاران ما که هنوز فعال هستند در خاطر دارند، آنچه که ما Airgrams می نامیم این طور شروع می شد:

«وزیر خارجه محترم، واشنگتن دی سی، آقای عزیز: افتخار دارم که این گزارش را تقدیم کنم که...

برخی از این عاقله مردها به من گفتند که چنین طرز نگارش به شخص خاصی (اگر چه بدانند که او به طور حتم هرگز گزارش را نخواهد خواند) در آنها احساس پر معنا و حضوری ایجاد می کند که اینک گمشده است. به همین جهت بود که فکر کردم نظارت خودم را درباره ایران به صورت نامه ای برایت بنویسم هر چند که تحویلت داده شود یا نشود. میل و رغبت شما برای خواندن نامه به من کمک کرده است که درباره مضمون نامه، حتی به طور تمام وقت، فکر کنم و نوشتن آن برایم رضایت بخش شود.

خواهش می کنم با خیال راحت با هر کسی که میل دارید نامه را با هم بخوانید. به خاطر رابطه نزدیک و احترامی که برای Bill Lehfeldtقائلم، نسخه ای از نامه را برای او گذاشته ام و چشم انداز خود را توصیف می نمایم. از سال ۱۹۵۹، که برای گذراندن تابستان، با یکی از دوستان ایرانی به اینجا آمدم، علاقه خاصی و عمیقی نسبت به ایران پیدا کردم. دوستان ایرانی همسال من تحصیلکرده بریتانیا، اروپا و ایالات متحده بوده اند. بنابراین آنها بیشتر سالهای عمر خویش با انگارهایی غربی رویارو بوده اند. در نتیجه آنها، خصوصا استانداردهای لیبرال آمریکایی و اروپای شمالی را برای هدایت زندگی فردی و جمعی قبول و

تحسین می کردند. بسیار از آنها به خاطر رها کردن یا کنار گذاشتن این استانداردها در راه یافتن زندگی مدرن ایرانی که اغلب هم موفقیت آمیز است احساس تنفر و خیانت می کنند. من مطمئنم که نظرات و مشکلات آنها در من بی تأثیر نبوده است.

به این واقفم که در مورد بسیاری از روابطمان با ایران به طور کامل یا جزئی بی اطلاعم، به ویژه هنگام بحث با دیگران در سفارت درباره اینکه آیا منافع و تعهد در روابط با ایران به طور صحیحی سنجیده شده اند؟ اغلب به طور عجیبی جواب شنیده ام که ایران در حالی که مخاطره قابل ملاحظه ای برای خودش وجود دارد، برای آمریکا کمکهای فراوان و امکانات وسیعی برای کارهای جاسوسی و اطلاعاتی فراهم کرده است. به صورتی مبهم می دانم که ایران به ایالات متحده اجازه داده است که از طریق ایران استراق سمع از کشورهای همسایه بکند و اینکه ارتباط کاری نزدیکی بین ساواک و سیا (SRF)وجود دارد.

این برای من کافی نیست که درباره اندازه و مخاطره برای این و ارزش واقعی فعالیتهای مربوطه نتیجه گیری کنم. با کمبود اطلاعات بیشتر، شک طبیعی و حرفه ای من نمود بیشتری می یابد. نقطه نظرات من در این نامه درباره موضوعات مورد بحث طی ده تا پانزده سال است. چرا که میل دارم که با به پایان رسیدن آن زمان در مقام ارشدی در این سفارت باشم. بنابراین بیشتر به نتایج بعدی عملیات و دریافتهای کنونی می اندیشم. این نقطه نظرها منتهی به این می شود که سعی کنم روش حکومتی شاه را بفهمم تا در پرتو آن بتوانم حدس صائبی درباره اینکه احتمالاً چه بر سر او و حکومتش خواهد آمد داشته باشم. در بین

بیشتر ایران شناسان این اشتراک نظر وجود دارد که شاه در سالهای اخیر سعی کرده مانند یک شاه قانونی رفتار کند و ایده آلهای دموکراتیک خود را که گفته می شود در Le Roseyکسب کرده، اجرا کند. بر فرض صحت و سقم این مطلب (باید بگوییم Le Rosey مکان بعیدی برای کسب کردن عقاید دموکراتیک است) این واضح است که در اوائل دهه ۱۹۵۰ مخصوصا بعد از جریان مصدق، شاه تصمیم قطعی گرفت که در عین سلطنت، حکومت هم بکند. هم چنین به نظر می رسد سیستم انتخابی او برای به اجرا گذاشتن چنین حکومتی مبتنی بر دید بدبینانه سنتی خصوصیت ایرانی است که شاه خصوصا ممکن است (به این پذیرش چندین جا در «مأموریت برای وطنم» به طور تلویحی اشاره شده است) به خاطر آمادگی ایرانیان برای عوض کردن جبهه خود و رهبرانشان به طور ارادی در دوران مصدق آماده قبول آن باشد».

یک اظهار نظر استاندارد در کتابهایی درباره ایران صرف نظر از تاریخ تألیف آنها (قرن نوزدهم ۱۹, th cent تألیف James Morier and Percy Sytesو دهه های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ ۳۰ ۱۹۲۰s andتألیف Morgan Shasterو کتاب دهه ۱۹۵۰ ۱۹۵۰sتألیف Norman Jacobsو کتاب دهه ۱۹۶۰ ۱۹۶۰sتألیف Marvin Zonis) ذکر شده که تاریخ انقیاد و خواری ملی در تاریخ اسلامی ایران که برای مدت طولانی تنها توسط صفویها گسسته گردید، در شخصیت ایرانی، خصوصیات منفی بارزی بر جای نهاده است. از آنجایی که می خواهم به تفصیل در این باره بحث کنم، حال تأکید می کنم که به هیچ وجه اینها گویای داستان ایرانی جماعت نیست.

در محافلی که ایرانیان احساس خودی بودن می کنند وفا و صمیمت و دوستی حکمفرماست. به علاوه ایرانیها دارای ذوق و زیبایی شناسی، احترام برای زبان و کاربرد ماهرانه هوش و دریافت می باشند، که از مردمی با قدمت و غنای فرهنگی و تمدن ایرانی انتظار می رود. علاوه بر این و یا همان طور که بعدا اشاره خواهم کرد ایرانیان از خصوصیات منفی و اثرات سوء آنها کاملاً آگاهند و سعی در از بین بردن آنها دارند.

زیر سلطه بیگانگان (اعراب، مغولها، ترکها) یا استعمار (انگلیسی ها، روسها)، ایرانیان مفهوم ملیت خود را از طریق فرهنگ، خصوصا زبانشان را در شعر از قبیل شاهنامه فردوسی و مناعت خویش در چله نشینی و حریم زندگی خصوصی، پشت دیوارهای بلندی که هنوز هم نشان بارز معماری سنتی ایران است، حفظ کرده اند. دنیای بیرون به طور موجهی، به عنوان دشمن دیده می شود. به علاوه سلطه خارجی همیشه یک احساس «هر کس برای خویشتن» را بین زیر سلطه ها ایجاد می کنند و قرنها این احساس بخشی طبیعی، از زندگی فردی و اجتماعی یک ایرانی را تشکیل داده است. در چنین محیطی سوءظن متقابل، عدم اطمینان، رقابت و چشم و همچشمی و فردگرایی خودبینانه شدید وجه مشخص روابط ایرانیان با یکدیگر بوده است، (کتاب نخبگان سیاسی ایران از ماروین زونیس سند تفصیلی این مطلب است) التهاب روانی زندگانی در چنین جوّی به طور سنتی در مجامله و تعارفهای ماهرانه در زندگی روزمره و به ویژه در رابطه بین رئیس و مرئوس و جانبداریهای خصوصی التیام یافته است. این جانبداری از روابط بسیار نزدیک و صمیمی بین اعضای خانواده بسیار بزرگ و دوستان قدیمی، حاصل می شود. ممکن است ایرانیان با چنین دلبستگیهایی اکثر ایام فراغت در دوران جوانی را با یکدیگر بگذرانند اینها مردمی هستند که هر ایرانی آنها را به عنوان انسان کامل می بیند... می توان به آنها اعتماد کرد، محرم رازشان نمود و در حضورشان احساس آرامش کرد. با مابقی عالم باید با بدبینی رفتار کرد و در صورت امکان برای منافع شخصی استثمارشان نمود و بازی شان داد و در صورت لزوم با حسابگری تسلیمشان شد. شاه با پذیرفتن

چنین دیدگاهی از خصوصیت مردم خود، سیستم حکومتی ای را برگزید که از این کیفیتها استفاده کند.

نمی دانم که آیا شاه در حقیقت آگاهانه این سیستم را از هخامنشیان که اغلب اوقات رژیم خود را با آن یکی می داند، اتخاذ کرده یا خیر؟ اما سیستمی که او انتخاب کرد در حقیقت دارای شباهت زیادی به شیوه ای که هرودت در کنترل اداره امپراطوری خویش از کوروش و داریوش یاد می کند، می باشد.

این سیستم ساده و خام است، اما در عمل مانند زبانهای بدوی که به گفته زبانشناسان پیچیده ترین دستور را دارند، پیچیده است. هر ارگان مهم دولتی به وسیله چند نفر که می بایستی در حالت رقابت و عدم اطمینان شدید نسبت به یکدیگر نگه داشته شوند، اداره می شود. قَدَر قدرت شاه است و قدرت و نفوذی که افراد ممکن است داشته باشند باید منشعب و مشتق از شاه باشد. بنابراین رقبا می کوشند که برای نزدیکتر شدن به شاه از یکدیگر سبقت بگیرند. آنها که در رأس در حال رقابت هستند همین قانونها را برای کنترل زیردستان خویش به کار می برند، در نتیجه سیستم و جوی که ایجاد می شود تا پایین ترین سازمان دولتی یکسان است.

جو دسیسه و رقابت شخصی پیوسته این ضمانت را می کند که هیچ کس به عنوان موجودی مستقل توسط دیگران شناخته نمی شود و هیچ کس هم آن چنان شخصیتی نخواهد شد که بتواند بر طبق حق خویش، شخصا کسانی را به طرف خود جلب کند شناخت عمومی از شاه سر چشمه می گیرد... مردم فقط ممکن است شاه را ستایش کنند... وزیر دارایی، جمشید آموزگار، یکی از بالاترین نشانها را که نشان درجه یک تاج است در نتیجه مذاکره موفقیت آمیز خود برای نرخ مورد موافقت، در سال ۱۹۷۱ دریافت کرد.

این یک موفقیت شخصی محکمی بود که استعدادهای فوق العاده آموزگار را نشان داد که تشریفات امضاء کردن آن از طریق تلویزیون، بر روی شاه متمرکز شود و سران نمایندگان کشورهای تولید کننده نفت یک سخنرانی کوتاه در تمجید از شاه به عنوان طراح موافقتنامه ایراد کنند و نیز بلافاصله بعد از دریافت

مدال تاج، تبلیغ شخصی برای آموزگار به طور ناگهانی متوقف شد و او خودش را کنار کشید تا قبول ضرب المثل فارسی، از خطر گل سر سبد شدن در باغ شاه پرهیز کند.

این الگوها تقریبا به گونه ای بی نهایت تکرار می شود. در مورد زمینه مورد علاقه من این الگوها در شرکت ملی نفت ایران به طور وضوح دیده می شود. دو نفر، رضا فلاح و دکتر اقبال، در رأس با یکدیگر در حال رقابت هستند. رابطه مخصوص اقبال و شاه به خاطر وفاداری وی، در دوران مصدق و آمادگی او برای استعفاء از سمت نخست وزیری و از طرف دیگر به گردن گرفتن اشتباه شاه به خاطر دعوت او مطبوعات دنیا برای مشاهده انتخابات فرمایشی، به وسیله مشاور شخصی شاه در امور نفت بودن رضا فلاح اعتدال پیدا می کند. تعداد زیادی از این رقابتها از طریق تشکیلات و سازمانی که مشتق و منبعث از این رقابت مرکزی بوده گسترش زیادی پیدا کرد. شاه بدون تردید مهارت قابل ملاحظه و نسبتا نبوغ آمیزی در اجرای این سیستم از خود نشان داده است. او باید جزییات بیش از صد شخصیت و روابط متغیر آنها با یکدیگر را در ذهن نگهدارد.

او ناچار است تضمین کند که نه تنها افراد بلکه سازمانها هم در رقابت متقابل باشند، به طوری که همکاری و نه رقابت بین افراد وزارتخانه خطری متوجه او ننماید. در همان حال این افراد و سازمانها باید به گونه ای بازی داده شوند که در عین بی اعتمادی به یکدیگر و بدگمانی نسبت به خود و هموطنان خود به مدت طولانی با جدیت کار کنند تا به اهداف مشترکی که شاه برای کشور در نظر گرفته است، دست یابند.

این سیستمی است که شاه توسط آن بر یک ملت استوار و یک موج پرخروش اقتصادی فرمان رانده و آن را اداره کرده است. در یک چنین نامه ای جای کافی وجود ندارد اگر بخواهیم پشتیبانی فرعی از این سیستم را که به وسیله کاربرد ماهرانه اندازه های حساب شده سرکوبی و فشار و همچنین استفاده از مجاری متعدد اطلاع به مدارج عالیه و ارائه دقیق چهره فرمانروا را توصیف کنیم. در هر صورت اینها برای شما آشناست و در رژیمهای مدبرانه توتالیتر در هر جای دنیا مشترک است.

هدف من در بقیه نامه توصیف فشارهای وارد بر رشد توسعه اقتصادی در این سیستم، اثرات اجرای ۲۰ ساله این سیستم روی شاه و جامعه ایرانی و پیشنهاد کردن گامهایی است که ما ممکن است در پرتو این عوامل برداریم.

ناظران ایرانی و خارجی هر دو بر سر این مطلب توافق دارند که نیازمندیها و عملیات تجارتی و اقتصاد رشد یابنده ایران، ظرفیت اداره سیستم سیاسی شخصی شاه را بسیار سنگین می نماید. یک نشانه این مطلب اهمیت و رشد عظیم فساد در دولت ایران است. این در ایرگرام (airgram)ضمیمه که من در آماده کردن آن کمک کردم و هنوز درست است، توصیف شده است، به طور انفجارآمیزی رشد کرده است و من معتقدم که فساد و تورم که تا حدودی به هم ارتباط دارند روشن ترین علل بی ثباتی در ایران هستند.

اما در مدت طولانی یا کمتر این خطرهای فوری به خاطر بی کفایتی و بی ظرفیتی سیستم سیاسی شاه برای اداره رشد اقتصادی تقویت و تشدید می شود. امیدوارم توضیحاتم مطلب را روشن کرده باشد که این سیستم با اعطای مهارتهای غیر معمولی به شاه برای حفظ کنترل و تمرکز دادن قدرت، فوق العاده است. در مراحل اولیه توسعه اقتصادی ایران قدرت و کنترل مرکزی آنها به طور قابل قبولی در ضمانت اینکه در ارتباط با چند پروژه زیربنایی Infastructureکه سریعا در آن زمان جلو افتاد، بدون اینکه به خاطر تأخیر در دیوانسالاری سست و عظیم ایران خراب شود، مؤثر افتاده بود. اما در حال حاضر برای توسعه

اقتصادی ایران مهمتر از ساخت و تأسیس مسئله مدیریت و اداره می باشد.

سیستم سیاسی مرکزی شاه به هر حال در تمام سطوح نیازمند مدیرانی است که دارای حالتی باشند که نه فقط رقابت دیوانسالارانه عادی، بلکه رقابت شخصی شدیدی نیز بین آنان حکمفرما باشد. نیرو و اندیشه ای که باید صرف مطالب اساسی شود، در عوض، صرف دسیسه های مزمن می شود. از آنجایی که قدرت شامل قدرتی است که تقسیم می شود، تمرکز قدرت و کنترل در بالا نیازمند این است که مقدمتا تمام تصمیمات در آغاز گرفته شود.بنابراین سیستم کنترل سیاسی ایران بیشتر درباره هرم خشن مدیریتی که عموما رژیمهای توتالیتر و کشورهای در حال توسعه را شکل می دهد، مبالغه می کند. به علاوه چون سیستم تمامی قدرت را برای همه منظورها در اختیار شاه قرار داده، هنوز امکان ندارد کسی به نمایندگی یا وکالتا بدون اینکه تمام سیستم و موقعیت شاه را مورد تهدید قرار دهد،وظایف خاص اقتصادی را انجام دهد.

به این ترتیب این کفش کهنه در اکثر جاها در هر زمانی بیشتر و بیشتر پا را می زند. اما ایرانیان تحصیلکرده خارج، محیط درگیری درون فردی را در وزارتخانه ها و آژانسهایی که اداره کننده توسعه اقتصادی هستند، تقریبا غیرقابل تحمل می یابند. به علاوه، کندی و تناقض در تصمیم گیری، حس پراگماتیسم ایرانی و استانداردهای غربی را در چگونه انجام دادن کار که خصوصیت این اشخاص است آزار می دهد. نتیجه این، فرار مستمر مغزها به خارج (بر عکس تبلیغات دولت ایران) در تخصصهای مهم

چندی چون پزشکی و مهندسی است. شما ممکن است از بخش کنسولی، آخرین تعداد ویزای مهاجرت را بخواهید. در ارتباط با این تصمیم والدین ایرانی طبقه متوسط است که می خواهند فرزندانشان تحصیلات خارج را داشته باشند. چه در مدارس خارجی در ایران و چه در خارج،والدین امیدوارند فرزندانشان از اینکه جنبه های منفی شخصیت ایرانی را بگیرند، پرهیز کنند. هم چنین یک مهاجرت دسته جمعی از ادارات دولتی به طرف بخش خصوصی فعال ایران در جریان است. بسیاری از مستخدمین ترجیح می دهند در شرکتهای خصوصی کار کنند و دیگران به طور کلی ادارات دولتی را ترک می کنند. همزمان با این نیروها به طور فزاینده ای هدر می رود. این نیروها هرز رفته بسیار زیاد است. اما مهمتر و تضعیف کننده تر هرز رفتن انسانها است. وزرا و کارمندان ارشد به طور عادی ۱۵ ساعت در روز کار می کنند از آنجایی که بایستی آنها آماده برای تصحیحات روزانه ضروری غیرقابل شمارش که حرکت تشکیلاتشان را ممکن می سازد، باشند، این رأی آنها غیر ممکن است که درباره هر مسئله ای به طور ثابت دقایقی چند بتوانند کار کنند، و این همراه با عدم امنیت دیوانسالاری که سیستم به آن اعتماد دارد، فشار عصبی زیادی وارد می کند. در عین حال همان سازمانها جوانان با تحصیلات عالی به علت نداشتن مسئولیت، ترش رو و بی مصرف می شوند، یا اینکه با اتخاذ تصمیمهای پیش پا افتاده لازم برای تنفیذ آنها در معرض خطر از دست دادن مشاغل خود قرار می گیرند.

بنابراین به طور خلاصه سیستم سیاسی شاه، به او وسیله ای داده است که توسط آن ثباتی ۲۰ ساله، قدرت به طوری در حال رشد و بالاتر از همه رشد ثابت و عظیم اقتصادی را به دست آورد. هزینه فوری استفاده از این سیستم، این است که اولاً شهرت و دوباره اعتبار بخشیدن به صفات منفی در زندگی و شخصیت ایرانی است که ایرانیان خود از آن (صفات) به اندازه اثرات لاینفک آن، به علت موانعی که در راه رسیدن به رشد ملی و مدرنیزه کردن، ایجاد می کند، متنفر هستند. هزینه بزرگتر و پردوام تر استحکام

بخشیدن به شکل مدیریتی است که اگر عوض نشود، به طور مهلکی رژیم را به خاطر علتی بدتر از انتقادی که یک ایدئولوژی می تواند بر پیکر آن وارد آورد، تضعیف خواهد کرد. دیده خواهد شد که رژیم ظرفیت دستاورد را نخواهد داشت و از نیل به اهداف خویش عاجز خواهد ماند.

این، خطر آشکاری برای منافع ما در ایران می باشد، خواه به تدریج، خواه ناگهانی. همان طور که در بالا توصیف شد، تغییر اقتصادی به تغییر سیاسی منجر خواهد شد. این تغییر می تواند تا مرگ شاه به تأخیر افتد، که در این صورت احتمالاً یک دوره طولانی بی نظمی و بی قانونی در بین طبقه متوسط ایران که از قبول ادامه سیستم شاه خودداری کرده و سعی می کند روی یک سیستم جدید کار کند، به وجود بیاید. متناوبا سیستم ممکن است تدریجا طی یک مدت طولانی فرسوده شود. این نوع فرسایش ممکن است اشکالاتی بگیرد که شاه لزوما در آغاز آنرا تشخیص ندهد. (برای مثال مطلب زیر را ببینید).

وقتی برای شاه مسجل شد که سیستم کنترلش از هم پاشیده شده، با سرعت و شتابزدگی احتمالاً با روشهای مؤثری که برای تکنوکراتها که چرخ ایران را می گردانند، غیرقابل قبول است، درصدد تصحیح آن بربیاید. علاوه بر این، این عکس العمل او را شبیه به یک Canuteمی کند که سعی دارد مسیر طبیعی و آرام تغییر را حفظ کند. به خاطر نسبت نزدیک ما با شاه خطرهایی که متوجه شاه است، خطر برای ایالات متحده نیز محسوب می شود، مگر اینکه ما وی را آماده و وادار به قبول آنها بکنیم یا ارتباط خویش را، از تلاشهایی که او در جهت باقی ماندن آن (خطرها) می کند، قطع کنیم. ما همچنین باید روشن کنیم که ایالات

متحده، این پیشرفت در زندگی ایرانیان و برخورد آن را با سیستم کنترل سیاسی ایران درک کرده است، و این تغییرات را به عنوان چیزی طبیعی و مطلوب، قبول می کند.

بسیاری از تغییراتی که من فکر می کنم که می توانیم حمایت و تفاهم خود را از آنها نشان دهیم، قبلاً در بخش خصوصی آغاز شده است. در سال ۱۹۷۰، مرکز مطالعات مدیریت ایران ICMSدر اینجا تأسیس شد. که امسال اولین گروه از آن فارغ التحصیل خواهند شد. همان طور که احتمالاً اطلاع دارید، این مرکز نسخه بدل مدرسه بازرگانی هاروارد است و به موجب قرارداد ۱۰ ساله، این مرکز زیر نظر هاروارد اداره و برنامه درسی آن کنترل می شود. شاه، زمین مرکز را هدیه کرد و شاهزاده عبدالرضا به عنوان رئیس هیئت مدیره ای که ظاهرا هنوز مرکز مطالعات مدیریت ایران را، که به عبارت فارسی یک تشکیلات به غایت تخریبی است، نشناخته است، منصوب گردید.

مدرسه، جدا از هدایای شاه که قبلاً ذکر آن رفت، تماما به بخش خصوصی تکیه دارد. مؤسسین و حامیان آن صریحا قصد دارند با تدریس تکنیکهای مدیریت جدید در مدرسه، فشار مانع را در راه مدیریت خوب و صحیح برداشته و محیط بی معنی و هیجان آمیز رقابت شخصی را که الآن تا اندازه زیادی در بازرگانی خصوصی و بخش دولتی نیز حکمفرماست، بشکند. در خاتمه این، آنها اصرار دارند که مرکز، وابسته به کمکهای دولت نباشد و در عوض طبق قرارداد تحت نظر هاروارد باشد. من انتظار دارم که مرکز، در آینده تحت فشار زیادی باشد تا خود را تغییر داده و منطبق بر سیستم باشد. در حقیقت یک چنین حمله ای توسط قاسم خرد جو، رئیس هیئت مدیره IMDBI که عضو هیئت مدیره مرکز مطالعات نیز هست، قبلاً شده. ممکن است از شما تقاضای کمک و راهنمایی غیر رسمی در این موقعیتها و در فرصتهای دیگر، چه تشریفاتی و چه جدا، بشود که شما حمایت خود را از مرکز مدیریت ایران، نشان بدهید، با درک و قبول اینکه این مرکز چه معنی و اهمیتی برای ایران دارد.

بخش خصوصی همچنین شروع کرده است به شناخت و عمل بر طبق اینکه پول را برای مردم بیش از هر چیز دیگر خرج کند. تمام طبقات از کارمندان دولت به طور فاحشی کم حقوق می گیرند و وضعیتی است که فساد و بی کفایتی را افزایش داده، و این سابقا برای کارمندان بخش خصوصی در تمام سطوح بجز در سطح خیلی بالا صدق می کرد.

اکنون به هر حال، صنعت خصوصی شروع به مقابله با مشکل عدم کفایت پرسنل و مغزهای متفکر، به وسیله بالا بردن حقوق و امتیازات مخصوص در استخدام کارمندانی جدید با مهارتهای خاص، کرده است برای مثال، فارغ التحصیلان مرکز مطالعات مدیریت ایران و مدرسه بازرگانی خارجی، اکنون به طور منظم حقوقهایی بیش از ۱۲۰ هزار ریال در ماه دریافت می کنند، در حالی که حداکثر حقوق پرداختی از طرف دولت در حدود ۳۰ هزار ریال است. این کمی حقوق کارگران دولت، رابطه مستقیم با ایالات متحده دارد. بنا بر بررسیهایی که سازمان بین المللی کار انجام داده، دولت تعداد بسیار زیادتری کارمند طبقه متوسط نسبت به بخش خصوصی دارد و تمام کارمندان دولت ایران کم حقوق می گیرند.

این همه برای یک حقوق کارمند دولت آنقدر ساده است که نمی تواند باور کند که کمی حقوق وی به خاطر این است که شاه بیلیونها دلار جهت خرید اسلحه از آمریکا بر باد داده است. این وضع زمانی وخیم می شود که کارمندان دولت خدمات اجتماعی حیاتی از قبیل بهداشت و تحصیل، را فراهم می کنند. در حال حاضر خشمی عظیم جامعه را فرا گرفته چون درست در زمانی که بالاترین حد خریدهای اسلحه دولت

ایران، در معرض عموم قرار گرفت، وزیر بهداری شروع به استخدام پزشکان پاکستانی جهت کار در استانها کرده است تا از دادن حقوق و تهیه مسکن و امتیازات حرفه ای که پزشکان ایرانی در صورت ترک تهران و یا به خاطر عزیمت از خارج، طالب آنها هستند، اجتناب کند. ممکن است فرصتی به دست آورید و درباره این مسئله با شاه صحبت کنید... من می دانم که سفیر مک آرتور در رابطه با حقوق معلمین با شاه صحبت کرد.

مدت زیادی است که مقامات در قسمتهای معین دولتی، لزوم روشهای مدیریت مدرن را دریافته اند. این خصوصا در مورد آنچه که سابقا سازمان برنامه بود و حالا سازمان برنامه و بودجه است، صدق می کند. شاه همیشه نظر دوگانه ای نسبت به این سازمان که بسیاری از بهترین مغزها را تحت نظر رهبرانی قوی و محکم مثل عبدالحسین ابتهاج و خداداد فرمانفرماییان، به دولت جذب کرده، داشته است. شاه تمایل داشته است که استقلال سازمان برنامه را در طول سالهای گذشته، که تلاشهای زیادی در جهت اینکه یک طرح در مدت تعیین شدن، به اهداف خود برسد و طرح جدیدی آماده شود، انجام می شد را تحمل کند.سپس به طرز مؤثری در اولین سال طرح جدید، قدرت و موقعیت طرح را کاهش دهد. این کاهش قدرت در طرح همیشه باعث عصبانی شدن کارگزار شده است گرچه نتایج (کاهش قدرت) برای او شخصا در طول سال، کمتر مهم و جدی بوده است. ابتهاج برای مدتی به زندان رفت و فرمانفرماییان فقط از کار برکنار شد.

شرکت ملی نفت ایران، در حال حاضر نمونه دیگری از یک چنین محیطهایی در دولت است، در حالی که مقامات خود را با مسئولیتهای تازه زیر نظر مدیریت جدید یا کنسرسیوم تطبیق می دهند. سؤال اساسی آنها این است که چطور از روشهای مدیریت جدید که کنسرسیوم همیشه داشته است، در سیستم کنترل سیاسی آینده استفاده کنند؟

ظاهرا راه حل این است که شرکتهای فرعی نظم یافته با خطهای مدرن، که با موضوعات عملی سر و کار دارند، بیشتر باشند، در حالی که شرکت ما در شرکت ملی نفت ایران و شرکت فرعی به راه پیشین خود و همچنین به ایفای نقش قبلی خویش در جریان سیاسی شاه ادامه دهد. فشارهایی که این ایجاد خواهد کرد واضح است. قسمت مشکل تر به عهده شماست که به شاه در درک این مطلب یاری دهید که جوش و خروش و تغییرات حاصله از این تلاشها، و روشن کردن گاهگاهی و نامنظم سیاست ایران که نتیجه اجتناب ناپذیر آنها خواهد بود، بر بی ثباتی ای که مطمئنا و بالمآل در صورت حفظ این فشارها یا سیاست شل کن سفت کن اختناق و آزادی توسط شاه خواهد انجامید، ارجحیت دارد.

تا به حال من پیشنهاد گامهایی می کردم که ما می توانستیم در تعقیب منافع خویش در موقعیت فعلی و در رابطه با شاه که به احتمال زیاد تا مدتی که در پیش است زنده می ماند، برداریم. معتقدم که ما همچنین باید به خاطر احتمالات دیگر در آینده نامعین که اکنون، احتمالاً به نظر می رسد ولی امکان باقی ماندنش زیاد است، احتیاط هایی بکنیم. ارزش چنین احتیاطی این است که در جلوی چشمان ایرانیان تحصیلکرده و فهمیده ای که هر رژیمی در این مملکت ناچار متکی به آنان است، هویت ما را از شاه جدا می سازد. انجام این کار در موقعیت فعلی از گذشته خیلی نزدیک تا اندازه ای آسانتر خواهد بود، زیرا که موضعی که شاه گرفته درباره اینکه ایران یک ملت استوار و مستقل و بدون وابستگی به هیچ کشوری، دارای ایستادگی کامل بین المللی باشد، راهگشای مقصد ماست. به هر حال اگر از روی بصیرت نگاه کنیم، این کار ما، این

نکته را روشن می کند که به خاطر پیوندهای فرهنگی و خصوصی طولانی ثابت و واقعیتهای جغرافیای سیاسی و جغرافیای اقتصادی ما منافع دائمی در ایران داریم.

همچنین ما باید این نکته را روشن کنیم که ما و شاه، با هم در تأکید و افتخار به خاطر احترام گذاشتن به ارزشهای ایرانی و اصول انقلاب سفید سهیم شویم تا در مقابل از شاه، احترام متقابل به قانون اساسی و استانداردهای خود را، بخواهیم. شاه از ما می خواهد که قانون اساسی خویش را تغییر داده و از فعالیت سیاسی قانونی و اظهار عقیده در ایالات متحده به طور مؤدبانه ولی قاطعانه و بدون عذرخواهی، جلوگیری کنیم. در صورت تکرار این درخواست و تقاضا این نکته باید روشن شود که اینها بیجا و اهانت آمیز است.

اگر چه این تقاضا و رد آن به وسیله دو دولت، به عنوان مسایل محرمانه تلقی می شود ولی اخبار آن به ما و به سرعت از دستگاه ایرانیان گسترش پیدا می کند. در همین جهت، ما باید هم چنین بر روی معامله متقابل بیشتر در روابطمان اصرار کنیم. ما نباید محدودیتهای مسافرت مقامات کنسولی و دیپلماتیک خود را بپذیریم. کمونیستی درباره سفر دیپلماتیک یک اساس کافی برای دولت ایران فراهم آورده، تا یک چنین شروطی را بر دیپلمات های کمونیستی به عنوان یک معامله متقابل تحمیل کند، بحث اینکه یک چنین محدودیتهایی لازم است تا دولت ایران قادر به جلوگیری از دیپلماتهای کمونیست باشد بی مورد و بی اساس است. به علاوه باید دولت ایران را وادار کنیم که پاسپورت های آمریکایی که ما به ایرانیان می دهیم، قبول کند. این باعث می شود که هم ایرانیان و هم آمریکاییان بتوانند در ایران اقامت داشته باشند و به خصوص به خاطر مشکل زنان آمریکایی که در تأهل مردان ایرانی هستند، دارند. نکته معمول این است که بر طبق قوانین بین المللی ایران منحصرا حق تعیین وضع ملیت افرادی که در حیطه کشور زندگی می کنند، دارد. هیچ شکی درباره وجود این حق نیست. مسئله این است که اجرای این قانون با روابط

دوستانه ای که ما و شاه، ادعای داشتن آن را داریم، مناسب است یا نه. از همه اینها گذشته، دولت ایران طبق قوانین بین المللی حق دارد شما و من را بدون توجیه P.N.G. کند، اما دولت ایالات متحده مطمئنا یک چنین عملی را از طرف ایران، بدون اعتراض و اخطار نمی پذیرد. این یک مسئله حقیقی و بسیار دشوار است.

گاهی اوقات تا خودکشیهایی در بین زنان آمریکایی در ایران اتفاق می افتد، هر سال درخواستهای دیوانه کننده ای از طرف زنان آمریکایی از بخش کنسولی می شود که آنها به خاطر قانون طلاق در ایران از فرزندان خود به طور دائم جدا هستند و از اینکه شوهرانشان اجازه دیدار آنها را با فرزندانشان نمی دهند، رنج می کشند و یا به خاطر اینکه شوهرانشان اجازه لازم برای صدور پاسپورت ایرانی را به همسرانشان می دهند، خود را به طور دائم در ایران گرفتار می یابند.اگر وضعیت خیلی بد است یا زنان آمریکایی علایق زیادی در آمریکا دارند گاهی می توان کاری برای آنها انجام داد. به هر حال، با وجود خط مشی فعلی سفارت، بخش کنسولی، در بیشتر موارد، هیچ کاری نمی تواند انجام دهد. من نمی گویم که این زنان، قهرمان هستند، یا اینکه ازدواج مختلط در ایران، مشکلتر از هر جای دیگر است. این به هر حال عامل کلاسیکی در رویه دیپلماتیک بین المللی و آمریکایی است که به وسیله پافشاری بر رفتار برابر تبادلی برای شهروندان، در روابط خود با دیگر کشورها، یک ملت، احترام برای خویش کسب می کند. ارزش، لیاقت و جلب شهروندان مربوطه، ارتباطی به این ندارد. پافشاری بر این اصل، در اینجا، احترام زیادی برای ایالات

متحده کسب می کند. بسیاری از ایرانیان به خاطر اصرار ما، در اجرای حقوق کامل کنسولی در مدت دستگیری و دادگاه Sharor La Bereking اگر چه آن دختر آشکارا، احمق بود، عمیقا تحت تأثیر قرار گرفتند. استانداردها باعث می شود که صرف نظر از ماهیت کشورهای دیگری که ما با آنها، روابط خوب و دوستانه ای داریم، آمریکا حقیقت را حفظ کند.

علاوه بر این، این مشکل زنان آمریکایی یک بمب ساعتی بالقوه، در روابط ما با شاه است. اگر یک وقتی، یکی از این زنان خودکشی کرده و یا کتک خورده، دختر یک سناتور یا برادر زاده رئیس دادگاه عالی باشد. بنابراین، من پیشنهاد می کنم این مشکل با شاه مطرح شود، تا آنجایی که من می دانم، فکر نمی کنم هیچ یک از سفرای ایالات متحده در سالهای اخیر در ایران، درباره این مطلب، با شاه صحبت کرده باشد. من فکر می کنم عنوان کردن مطلب او را قانع می سازد و این، از مسایلی است که شاه با یک دستور عمومی می تواند حل کند.

باز هم مطلب، برای نوشتن هست، ولی در آن صورت، وقتی برای تایپ کردن باقی نمی ماند. چند نکته در آخر هست، که بعضی از آنها به متن اصلی نامه ای که من می خواهم بدون رعایت هیچ گونه نظمی تقدیم کنم، مربوط است. من امیدوارم که شما، خط مشی ترغیب به گزارش کردن وقایع کوچک را همان طور که اتفاق می افتد بدون اینکه مستلزم تطابق با خط خاصی در سفارت باشد، ادامه دهید. یک مسئله دشوار، گزارش کردن شایعاتی است که اخیرا در رابطه با ازدواج قانونی دوم شاه با گیلدا عضد، اوج گرفته است. مسئله اینجاست که آیا شایعه به طور گسترده ای به وسیله ایرانیان مهم پذیرفته شده یا نه، تا آنقدر که آنها، نسب به آن عکس العمل نشان دهند. بسیاری از این شایعات را، یک مدت طولانی نمی توان تأیید کرد اما عکس العمل نسبت به یک شایعه ای که برای ایالات متحده اهمیت دارد، یک حقیقت قابل تأکیدی است که باید گزارش شود.

گاهگاهی، دولت ایران دادگاههای قانونی تروریستها را علنی می کند. این دادگاهها به وسیله نظامیان اداره می شود که نه فقط استانداردهای آمریکایی و اروپای غربی لازمه مراحل دادگاه را نقض می کنند، بلکه همچنین از حفاظتهای امنیتی و رویه ای که مجرم به طور عادی در دادگاههای عادی ایران دارد، چشم پوشی می کند.

خبرنگاران غربی و نمایندگان سازمانهای بین المللی که شامل آنهایی است که قابل احترام و غیر کمونیست هستند مثل هیئت ژوری بین المللی سازمان ملل ((Geneva، در این دادگاههای علنی شرکت می کنند. نتیجه، عکس العمل بد در مطبوعات بین المللی و محکوم سازی به وسیله سازمان بین المللی است که هویدا، شاه و سخنگوی دولت ایران به آن به صورت بدی، جواب می دهند. از این رو تصور جهانی از اینکه این رژیم تجاوزکار و متکبر است، تشدید می شود. آنها به نظر نمی رسد هیچ گاه کنجکاوانه بفهمند. سیر قبلی حوادث، حداقل سه بار در زمانی که من اینجا بودم، اتفاق افتاده است. ما دو کار می توانیم در این باره انجام دهیم.

اول، هنگامی که یک دادگاه، علنی اعلام شد و مطبوعات دعوت شدند، ما باید اجازه برای یک مأمور سفارت، برای شرکت در دادگاه بگیریم و در صورت موافقت، یک نفر را به دادگاه بفرستیم. این مطلب به صورتی قوی مطرح می شود طوری که این اهانت به ما نشود که مربوط به دادگاه هستیم. اگر دولت ایران در علنی کردن دادگاهها، پافشاری کرد، ما باید اولاً بشناسیم: در این دادگاهها چه می گذرد. به خاطر اینکه

وزارت امور خارجه و دولت آمریکا آماده برای پرسش انتقادی باشد که به شاه بفهمانیم چرا در این موقع، علنی کردن دادگاه، در مقابل بیشتر غربیها صرف نظر از تعهدات سیاسی آنها (غربیها) و گناهکار یا بیگناه بودن متهم، اینقدر اهانت آمیز است. انجام این کار دشوار خواهد بود. افرادی که می توانند نقطه شروع باشند، علم و هویدا هستند. یک تذکر مفید و محتاطانه به شاه می تواند این باشد که به او گفته شود که این نوع دادگاهها، کاری است که کمونیستها انجام می دهند.

آخرین نکته در این نامه شاید مهمترین آن باشد. در سه سال و نیم اقامت در اینجا، من در خدمت سه سفیر بوده ام. رهبری خاص مسایل ما در ایران کاملاً مستلزم وجود سفیری به مدت طولانی در ایران است. از این رو، وقتی من اینجا را ترک می کنم، خیلی امیدوارم که شما بتوانید حداقل بیش از سه سال در ایران بمانید و رهبری سفارت را به عهده بگیرید و هم چنین نوعی رابطه توسعه یافته با شاه برقرار کنید که ما در سالهای دشوار آینده به آن احتیاج خواهیم داشت.

با احترام

جان.ال.واشیورن

منشی دوم سفارت

اهداف: اهداف اصلی شما در رابطه با جلسه و یا نشست با شاه عبارتند از

ص: ۳۸۵

سند شماره ۱۲

وزارت امور خارجهسرّی آوریل ۱۹۷۴ فروردین ۱۳۵۳ ایران

اهداف و اوضاع

اهداف: اهداف اصلی شما در رابطه با جلسه و یا نشست با شاه عبارتند از:

شرح دادن تلاشهای صلح جویانه شما در خاور میانه و طرحهای شما در قدمهای بعدی به طوری که او بفهمد تا چه اندازه کمکش به مصر و اردن اهمیت دارد. بنابراین او لزوم تلاش جهت اختلاف بین سوریه و عراق را می تواند بفهمد.

آگاه سازی شاه در مورد روابط بین شوروی و آمریکا در خاورمیانه و یک جا دوباره به او اطمینان و قوت قلب بدهید که شما هنوز از روی احتیاط با بن بست رو به رو می شوید.

تصدیق و تأیید کمیسیون مشترک اقتصادی در طرح کابینه با گروههای اجرائی زیر است و توافق روی یک بیانیه از برنامه هایی که می تواند در خلال ملاقاتهای شما انجام پذیرد.

تأکید مجدد در مورد تمایل آمریکا برای ادامه همکاری نزدیک با ایران در مورد امنیت منطقه ای و همکاری نظامی تا آنجایی که امکان داشته باشد. تبادل نظر بر روی کوششهای شاه برای کمک و همکاری با رژیمهای دوست در منطقه و ارتباط دادن کوششهای او با کوششهای ما.

بیان نقطه نظرهای ما در مورد وضعیت اقتصادی جهان، مخصوصا تشریح خواسته ما در مورد قیمت نفت در رابطه با ثبات اقتصاد بین المللی که منافع ایران بدان بستگی دارد.

هر کدام از مطالب گفته شده بالا با جزئیات نکات مورد بحث زیر در رابطه می باشند.

اوضاع

ایران با افزایش چشمگیر درآمد نفت، چشم اندازهای اقتصادی خوب، افزایش اختیارات سیاسی و

توانایی در اعمال قدرت خارجی که برای قرنها از آن محروم بود، پیش می رود. شاه در مورد موقعیت سیاسی محلی خود مطمئن است و اعتقاد دارد که ابتکار عمل در خلیج فارس و اوپک در دست اوست، و او توسط برنامه هایی سعی در نشان دادن این مطلب که ایران درآمدهای نفتی خود را در راه درست و اساسی به کار خواهد برد، دارد. مانند تحصیلات ابتدایی مجانی، توسعه برنامه های بهداشتی، اهدای وام به کشورهای عقب مانده و غیره. ایرانیان به علت نقش رهبری که در افزایش قیمت نفت در ۱۹۷۳ داشته اند مورد انتقاد قرار گرفتند و طرح اهدای وام آنان حمایت زیادی کسب نکرده.

روابط ما با ایران در یک حد خیلی نزدیک ادامه دارد، و ما سعی داشتیم که روابط دو جانبه خود را در زمینه اقتصادی و فنی با در نظر گرفتن هدف ایجاد یک چهارچوب و جوی برای بحث در مورد مسایلی از قبیل منافع استراتژیکی و نفت گسترش دهیم. شاه به این مسئله جواب مثبت داده است. او به خصوص علاقه زیاد به قدرت اتمی نشان داده و خواهان حل جزئیات آن شده. از فرصت استفاده کرده اعلام می کنیم که کمیسیون مشترک همکاری اقتصادی هم تشکیل شده، در زمینه های نظامی ما همکاری خیلی خوب و نزدیک داریم. فقط مسئله علاقه شاه برای تولید موشک در ایران را باید حل کنیم و به او اطمینان دهیم که متخصصین کافی برای بهره برداری از وسایل آمریکایی به او خواهم داد. ولی تنها مسئله ای که بین آمریکا و ایران باقی می ماند مسئله قیمت نفت می باشد که در این زمینه ایرانیها راه دشواری را پیش گرفته اند و

مسئله دیگر پیشنهاد وام برای توسعه کشورهای خارجی است، که ترس ما از این است که این کار وامهایی که به طور معمول به سازمانهای کمک بین المللی داده می شوند را به جاهای دیگر منحرف خواهد کرد.

وزارت خارجه، آوریل ۱۹۷۴

مسایل و نکات مورد بحث

وضعیت اعراب و اسرائیل

تجزیه و تحلیل دورنمای گذشته: شاه معتقد است که آمریکا باید از هرگونه کوشش برای فراهم ساختن هر چه زودتر راه حل مناسب بین اعراب و اسرائیل دریغ نورزد. او با یهودی کردن اورشلیم ظاهرا مخالف است و از کناره گیری اسرائیل از تمام مناطق اشغالی عرب و برگرداندن در مورد آنچه که در حال حاضر ما انجام می دهیم و نقطه نظرهای ما در مورد استقرار حاکمیت، می خواهد.

مسایل و نکات مورد بحث شما:

وضعیت مذاکرات ترتیب داده شده بین سوریه و اسرائیل و طرح بازگشت به کنفرانس ژنو را توضیح دهید، که اهمیت این توافق این است که سوریه را از تندروها جدا خواهد کرد و زمان بیشتری برای مذاکرات بین مصر و اسرائیل و شاید تحولاتی در جبهه اسرائیل و اردن به وجود خواهد آورد.

ما در یک خط باریک با روسها قدم برمی داریم و ما آنها را به اندازه کافی درگیر کرده ایم، تا نتوانند مخرب واقع شوند و در عین حال کنترل محتوای مذاکرات در دست خودمان می باشد.

ما معتقدیم که شاه این استراتژی را درک خواهد کرد. رئیس جمهور سادات در حال انجام تحولاتی در سیاست می باشد. ما عمیقا از پشتیبانی ایران در مورد کوششهایمان تشکر و قدردانی می کنیم.

وزارت خارجه آوریل ۱۹۷۴

روابط آمریکا و شوروی

تجزیه و تحلیل دورنمای گذشته

شاه توجه زیادی به پیمان با شوروی و امکان اینکه آن منافع روسی را در خاورمیانه آزاد کند، دارد. او علاقه زیادی به پیشرفت MBER و CSCE و مذاکرات سالت دارد. او معتقد است که ما قدرت دفاعی خود را کاهش داده ایم و متحدان خود را در یک موقعیت آسیب پذیری رها کردیم. او حس می کند که آمریکا نباید هیچ چیزی کمتر از برابری در MERV"Sرا بپذیرد. شاه معتقد است که عملکرد شوروی در خاورمیانه نشان دهنده ادامه استفاده اقماری از قبیل عراق و یمن جنوبی برای انجام اهداف سیاست خارجی خود می باشد، و شاه به ارزیابی ما در مورد نیّت و اهداف شوروی در خاورمیانه علاقه دارد.

مسایل و نکات عمده مورد بحث شما

ما ملاحظه تمام جوانب کار را در مورد هدف شوروی در مذاکراتمان و CSCE را خواهیم کرد، و قدرت دفاعی خود را از دست نخواهیم داد. هنوز برای اظهارنظر در مورد مذاکرات سالت و MBERزود است. روس ها در خاورمیانه به طور چشمگیری سعی می کنند که حداقل در ظاهر، خود را در جریان صلح بین اعراب و اسرائیل دخیل نشان دهند.

از زمانی که آنها تنزل اخیر را در این منطقه تشخیص داده اند، ما با دقت مسئله مناطق دیگر از قبیل خلیج و عربستان جنوبی را تحت نظر داریم تا با اتخاذ تدابیری جلوی کوششهای جدید شوروی را در منطقه بگیریم. هدف و برنامه ما تا اکتبر بر روی تحکیم وضعیت سیاسی استوار بوده، به صورتی که نفوذ آنها را کاهش دهیم. افزایش حضور نیروهای دریایی ما در اقیانوس هند، به منظور زیر نظر داشتن عملهای شوروی و اهداف او در منطقه می باشد.

وزارت خارجه آوریل ۱۹۷۴

مسایل و نکات مورد بحث

افزایش همکاریهای دوجانبه

تجزیه و تحلیل دورنمای گذشته: سفیر هلمز در مورد اهداف شما مبنی بر افزایش همکاری دو جانبه به تفصیل با شاه بحث و گفتگو کرد و شاه با حرارت پاسخ داده. مقدار زیادی از جزئیات باقی مانده، که مورد بحث و تصمیم گیری قرار خواهند گرفت.

مسایل و نکات مهم و اصلی که شما باید مطرح کنید:

ما از توافقی که با شاه بر سر تشکیل یک هیئت مشترک اقتصادی و انتصاب وزیر اقتصاد انصاری به عنوان نایب رئیس ایرانی استقبال می کنیم. نایب رئیسها، منشی خزانه با منشی امور تجاری به عنوان علی البدل خواهند بود. این دو نایب رئیس باید به زودی بر سر تاریخ اولین ملاقات هیئت همکاری کنند.

نقطه نظرات چیست؟

اگر شاه موافقت کرد، توافق بر روی کمیسیون مشترک اقتصادی بایستی در جلسه کار ملاقاتتان باشد.

(بیانیه ای به این منظور تهیه شده).

ما به طور کامل با آقای انصاری در مورد همکاری که شامل چه تعداد گروههایی که برای همکاری در

مسایل مختلف لازم هست، بحث و گفتگو خواهیم کرد. نقطه نظر ما این است که می بایست با دقت زمینه ها را برای تمرکز و مرکزیت انتخاب کرده و توجه مخصوصی به اینکه کجا می تواند پیشرفت حاصل شود داشته باشیم، ما می خواهیم از بحث ساده جلوگیری کنیم.

از رئیس کمیسیون انرژی اتمی آمریکا به همراه تعدادی از باتجربه ها و نخبگان دعوت به عمل آمد تا در آینده نزدیک به تهران بیایند و در این مورد که ما چگونه می توانیم به بهترین وجه در رشته های هستی ای همکاری داشته باشیم، صحبت و تبادل نظر نماید. در مورد نکات ویژه که شاه و هلمز در آن به توافق رسیده اند باید صحبت شود، و اینها نقطه های شروع صحبت می باشند نه حدود صحبت.

تعداد اقلامی که مورد توجه شاه می باشند عبارتند از ساخت موشکهای نظامی در ایران و تهیه تعداد بیشتری از تکنیسینهای نظامی آمریکایی برای مشورت با نیروهای نظامی و این خواستها مشکلات تکنیکی جدی و مسایل قانونی در سیاست داخلی، ایجاد می کند. به هر حال ما آماده ایم که در مورد جزئیات کانالهای فنی و تا آنجایی که به بهترین وجه نیازها و خواسته های او برآورده شود با آنها صحبت و گفتگو کنیم.

ما از پیشنهادات شاه در مورد افزایش مباحث، تبادل نظرهای سیاسی و حفاظتی، ملاقات و نشستهای عادی در زمینه دو جانبه در وزارت امور خارجه و سطح رئیس ستاد بزرگ ارتش با خوشرویی تمام

استقبال می کنیم.

وزارت خارجه آوریل ۱۹۷۴

حفاظت منطقه ای

تجزیه و تحلیل: به علت حضور شوروی در کشورهای همسایه، شاه احساس بی ثباتی و عدم استحکام قدرت می کند. او نگران جنبشهای رادیکال در خلیج فارس، دشمنی عراق نسبت به ایران جداسازی در استانهای همجوار پاکستان می باشد. او نیاز این مسئله که می بایست همکاری بیشتری با دولتهای عربی میانه رو داشته باشد را درک کرده است، که البته این مطلب در رابطه با رادیکاله کردن منطقه و به منظور جلوگیری از آن می باشد. تهیه چنین همکاری ساده نیست به خاطر اینکه اعراب برای مدت زیادی نسبت به ایران با تردید عمل می کردند. به هر حال اخیرا شاه کمکهای نظامی خود را به عمان برای جلوگیری و متوقف کردن یمن جنوبی که از یاغیان ظفار پشتیبانی می کند افزایش داده و دولت او با کمکهای اقتصادی به مصر موافقت کرده است.

در رابطه با شرق، او همکاری با پاکستان را ادامه می دهد و در همان زمان روابط خود را در چند ماه اخیر با هندوستان و افغانستان افزایش داده است. و در حال حاضر سعی بر این دارد که همکاری خود را با تعدادی از دول عربی افزایش دهد و مشکل اصلی در مورد همکاری با عربستان می باشد. و او عراق را به عنوان قمر شوروی می شناسد و از مدتها قبل به عنوان دشمن ایران محسوب می شود. شاه در نظر دارد آنچه را که می تواند برای خارج ساختن بغداد از حالت توازن، انجام دهد و بدین خاطر او کمکش را به جنبش کردهایی که تحت رهبری بارزانی می باشند ادامه می دهد.

مسایل و نکات مهم مورد بحث

ما با دقت هر چه بیشتر به مسایل حفاظتی منطقه می نگریم. آمریکا پشتیبانی بی دریغ خود را از

کوششهای ایران در قوی کردن خویش و همکاری ایران با همسایگان میانه روی عرب ادامه می دهد. ما افزایش نیروهای نظامی ایران در عمان را تأیید می کنیم، حرکتهای اخیر او را در رابطه با کمکهای اقتصادی به مصر را تحسین می کنیم. این مسئله باید فعالیتهای سیاسی و اقتصادی ما را در مصر افزایش دهد و طوری طرح ریزی شود که بتواند رئیس جمهور سادات را از نفوذ روسها برهاند. و ما امیدواریم که شاه در مورد افزایش همکاری با عربستان سعودی دلسرد نشود، و می دانیم که این کار ساده ای نیست. ولی همکاری نزدیک بین ایران و عربستان سعودی یک امر ضروری در ثبات آینده و پیشرفت در منطقه خلیج می باشد. و ما امیدواریم که امکان انجام کارهای بیشتر از طرف ایران نسبت به اردن که نقش اساسی و مرکزی در استراتژی خاورمیانه و کشورهای کوچکتر از قبیل یمن جنوبی و مناطق شیخ نشین دارد، باشد. گزارشهایی مبنی بر اینکه عراق تمایل به مستحکم کردن روابط خود با کشورهای غربی دارد، به دست ما رسیده است. و ما دوست داریم نظر شاه را در این مورد و لزوم چگونگی معامله با عراق را بدانیم، و در صورت امکان شما می توانید نظر او را در مورد وضعیت کردها بپرسید. ما از کوششهای ایران در امر تهیه کمکهای نظامی مدرن به پاکستان قدردانی می کنیم. این مسئله به ثبات منطقه کمک می کند و باعث حفاظت و اعتماد به نفس پاکستان می شود. یک کمک متوسط به پاکستان باعث نگرانی هندوستان

نخواهد شد، چون به هر صورت هندوستان دلایل اقتصادی قوی برای برقراری دوستی با ایران را دارد. ما از اینکه شاه با رغبت پیشنهاد ما را مبنی بر تعهد ایران در قرار دادن یک برنامه کمک مالی در صدر برنامه ها به پاکستان پذیرفته است، خوشحال هستیم.

به نظر می رسد که رژیم افغانستان در ماههای اخیر نسبت به مسئله پرشتانیستان نسبتا ساکت مانده است، ولی فکر می کنیم که نفوذ شوروی در آنجا به طور چشمگیری افزایش یافته و احتمال بالقوه دردسر باقی مانده است. ما باید نسبت به ماجرای افغانستان در این مسئله جویا باشیم و بدین خاطر این مسئله را تا آینده نزدیک مناسب نمی بینم. ما از کوششهای ایران در امور توسعه روابط افغانستان قدردانی می کنیم.

همکاری نظامی

تجزیه و تحلیل

همکاری نظامی ما با ایران از موقعی که رئیس جمهوری نیکسون در ماه مه ۱۹۷۲ از ایران دیدن کرده تا حدود زیادی بیشتر شده. علاوه بر فروشهای زیاد وسایل نظامی و ادامه مأموریت مستشاری نظامی ما، ما در حدود بیش از ۵۰۰ نفر تکنسین نظامی را به منظور کمک به ایرانیها در بهره برداری وسایل جدید آمریکایی تهیه کرده ایم، و معتقدیم که کانالهای دو طرفه موجود در امر کمکهای نظامی به خوبی کار خود را انجام می دهند، و مکانیزمهای جدید مورد نیاز نمی باشند، اصولاً ایرانیها از همکاری نظامی ناراضی هستند، ولی شاه امکان دارد که اطمینان مجددی در مورد پشتیبانی نظامی در رابطه با تأمین تکنسینهای نظامی آمریکای از ما بخواهد. او ممکن است که تقاضای ساختن یک کارخانه کوچک موشک سازی در ایران را بنماید.

مسایل و نکات مهم مورد بحث

ما هر کاری که از دستمان در جهت فراهم آوردن تکنسین ماهر در امر بهره برداری از تجهیزات

آمریکایی ارتش ایران برآید، انجام می دهیم، و با شاه در مورد مشکلاتی که در رابطه با افزایش مستشاری فنی به وجود خواهد آمد، صحبت خواهیم کرد.

به خاطر پیچیدگی دستگاههای موشکی، ما ترجیح می دهیم که بحث در این زمینه از طریق کانالهای ارتشی دو جانبه ادامه پیدا کند. مواضع کنگره هم مورد بحث قرار گیرد.

مسایل اقتصادی بین المللی

تجزیه و تحلیل

از آن موقع که ایرانیها نقش عمده در افزایش قیمت نفت به تاریخ دسامبر ۱۹۷۳ پیدا کردند، قدمهایی برای تثبیت موقعیتشان و کاهش اثرات این افزایش بر روی کشورهای عقب افتاده برداشتند. آنها یک نقطه نظر اصلاح طلبانه از جهان اقتصاد در پیش گرفته و ادعا می کنند که ترقی روزافزون نامناسب غرب با خرید نفت ارزان ممکن شده و صادرکنندگان مواد خام قیمت بالاتری برای تولیدات خود باید داشته باشند. ایران اظهار داشته که سالانه ۷۰۰ میلیون دلار به IMF(صندوق بین المللی پول) و ۲۰۰ میلیون دلار به IBRKقرض خواهد داد و همچنین یک توسعه بین المللی مالی برای کمک به کشورهای عقب

افتاده را پیشنهاد کرده است.

شاه همچنان بر این عقیده استوار است که قیمت نفت بایستی بالا بماند. در مجموع دولت ایران در داخل برنامه های توسعه اقتصادی اش را افزایش داده و تحصیلات ابتدایی را رایگان اعلام کرده و یک برنامه توسعه طب ملی را ایجاد کرده.

سخنگوی وزارت امور خارجه از یک قسمت از صحبتهایتان در ۱۵ آوریل سازمان ملل متحد که پیشنهاد کرده بودید که کشورهای عضو اوپک برای بالا بردن قیمت نفت مورد سرزنش قرار بگیرند، انتقاد کرد. (ایرانیها دلیل این افزایش را مالیاتهای سنگین و سود کمپانیهای نفت می دانند) با این حال شاه نیز نقطه نظر مثبتی برای صحبتهای شما در مورد کودها داشت زیرا او معتقد بود که نفت، بیشتر بایستی برای استفاده های پتروشیمی و کمتر برای استفاده های سوختی به کار برود. ایران بیش از این نمی تواند تولیدات نفتی خود را افزایش دهد.

نکات مورد بحث شما

استقلال داخلی جهان اقتصادی ما به طور خوبی متعادل بوده و تقاضای ناگهانی از هر سویی غیرقابل ارائه می باشد.

ما امیدواریم که کشورهای تولید کننده نفت در سیاست قیمت گذاری میانه روی را مد نظر قرار داده و برخواسته هایشان که به ضرر دیگران می باشد، پافشاری نکنند. ما خوشحالیم که ایران مسئولیت کمک به کشورهای عقب افتاده که از افزایش قیمت نفت متأثر هستند، پذیرفته. با این حال ما بر این عقیده هستیم که بهترین کمک مناسب، وجود یک قیمت عادلانه می باشد.

پیشنهاد ایران برای وامهای نوسازی سازنده بوده و ما امیدواریم که کشورهای صادرکننده نفت منابع نفتیشان را با کشورهای عقب افتاده هماهنگ کرده که این یک کار منظم و هدفدار می باشد. ما همچنان

امیدواریم که کشورهای تولیدکننده نفت حمایتشان را از ایجاد مؤسسات مثل IBRDو IMFافزایش دهند.

توانایی ما در اهداء چنین وام جدیدی توسط تعهدات قبلی ما به مؤسسات متفاوت و قوانین کنگره کاملاً محدود می شود.

وزارت خارجه آوریل ۱۹۷۴

یادداشت دیرکرد برای بازرسان

سند شماره ۱۳

تهران ایران

۱۰ ژوئیه ۱۹۷۴ محرمانه

یادداشت به: سفیر کلاود.جی.راس

موضوع: یادداشت دیرکرد برای بازرسان

روابط ایران و آمریکا عالی است. در ایران، از موقعیت ممتازی برخورداریم و نقش برجسته ای در محاسبات سیاست خارجی ایفا می کنیم. در تمام امر قابل ملاحظه منطقه ای یا بین المللی ما در واقع دیدهای همانندی داریم و تنها استثناء مربوط می شود به تأمین و تعیین قیمت نفت.

مقصود ما، تضمین حفظ و تقویت این موقعیت است. در راه رسیدن به این هدف ما در پی سهم متناسبی از تجارت خارجی قدرتمند ایران، طرحهای بلندپروازانه اقتصادی آن و ادامه دسترسی به مواضع برای امکان فعالیتهای منحصر به فرد جاسوسی و مخابرات می باشیم. ما همچنین در پی آنیم که اطمینان حاصل کنیم که ایران به ایفای نقش مسئول و سازنده ای در امور منطقه ای ادامه می دهد.

تعقیب این اهداف نیاز به تعداد متنابهی کارمند دارد. اینک تهران بزرگترین هیئت دیپلماتیک در خاور نزدیک است، به اضافه ترکیب معمول هیئت دیپلماتیک، ما حضور نظامی عمده ای نیز در شکل هیئت مستشاران نظامی، GENMISH و تیمهای کمکی عملیات فنی داریم. همچنین ما یک سپاه صلح (۱۹۵ داوطلب)، یک انجمن بزرگ و فعال ایران و آمریکا، نمایندگانی از وزارت کشاورزی، اداره مبارزه با مواد مخدر، تأسیس قریب الوقوع یک اداره خدمات مالیات داخلی در منطقه و حدود ۲۰ واحد مجزا که عمدتا در کار فعالیتهای نظامی و جاسوسی ما در ایران هستند، داریم.

از لحاظ تشکیلاتی ما مشکل چندان مهمی نداریم. اختیار و مسئولیت سفیر نسبت به تمام فعالیتهای

رسمی آمریکا در ایران مورد تفاهم بوده و به رسمیت شناخته شده است. واحدهای نظامی زیر دست تحت اختیار هماهنگ کننده رئیس هیئت مستشاری که نماینده ارشد نظامی در ایران است عمل می کنند. او مانند دیگر نمایندگان ادارات به سفیر گزارش می دهد و رهنمودهای خط مشی دریافت می کند. ارتباطات طولی و عرضی از طریق جلسات روزانه رؤسای بخشها با سفیر جلسات هفتگی تیم کشوری و جلسات ویژه تمام ادارات و نمایندگیهای دیگر در کشور حفظ می شود.

اگر چه مسئله عمده برجسته ای غیر از نفت وجود ندارد که بتواند باعث پاره شدن روابطمان با ایران یا ادامه پی گیری اهدافمان شود، چندین موضوع هستند که باید ذکر شوند. آنها در ذیل بحث شده اند.

۱ تعیین خط مشی

همان طور که اشاره شد مسئله ای که بیش از همه می تواند باعث پاره شدن مناسبات ایران و آمریکا بشود، مربوط است به دید ما و مواضع مختلفمان نسبت به تأمین نفت و قیمت آن. در پی تصمیم جنجال برانگیز اوپک در دسامبر ۱۹۷۳ به چهار برابر کردن قیمت نفت طی یک شب، این سفارت مداوما و به تکرار اصرار کرده است که دولت آمریکا با کشورهای تولیدکننده به گفتگو بنشیند و موضع خود را به صورتی معقول و معتبر و با به رسمیت شناختن کامل منافع و علایق ایران مطرح کند. ما متأسفیم که این تبادل نظر هنوز انجام نگرفته است و برای ما هم توجیهات کافی فراهم نشده است، تا در مذاکراتمان با

دولت ایران مسئله را عنوان سازیم.

با دریافتن اهمیت روزافزون ایران، ما برای برنامه های جدیدی پیش قدم شده ایم که عمدتا از طریق افزایش تجارت، سرمایه گذاری و مبادلات فنی و علمی روابطمان وسیع تر و عمیق تر گردد. در نظر گرفته شده بود که این کار زیر نظر یک کمیسیون نوبنیاد، مشترك اقتصادی انجام گیرد. تا به امروز نتایج قدری نگرفته اند. هدف ما از مطرح کردن این موضوع این است که بگوییم همچنان این موضوع مورد علاقه و توجه ما است. ما نسبت به مشکلاتی که واشنگتن در هماهنگی و اجرای چنین کوشش جدید و عمده ای با آنها مواجه است و همچنین پیشرفتهایی که در زمینه های مشخص مثل انرژی هسته ای به دست آمده است بی تفاوت نیستیم.

۱۲ اجرا و مدیریت

در مجموع ما احساس می کنیم که هیئت کارکنان شایسته ای یا در اینجا و یا در راه دارد. به هر حال یک مشکل سابقه دار ما انتصاب به موقع کارکنان است، بهتر است بین زمان تصدی یک پست توسط یک نفر و جانشین وی مدت زمان مناسبی تداخل باشد. این امر مخصوصا در زمینه مسئولیتهای حساس مستقل و عملیاتی که بر اثر نبودن تداخل امکان بسیاری از تماسها و آشناییهای با امور از دست می رود، وخامت خود را نشان می دهد. ما درخواست یک برنامه معقول تر و مناسب تر برای انتصاب و تعریض کارکنان داریم.

زمینه دیگر در ارتباط با مدیریت مربوط به بودجه و نحوه تنظیم بودجه مان می شود. اخیرا ما شاهد افزایش سریع و غیر منتظره هزینه عملیات، هزینه زندگی در محل، ترازهای حقوق محلی و هزینه مسکن بوده ایم. همچنین ما مجبور بوده ایم که کارکنان خود را به منظور رفع نیازهای پیش بینی نشده، عملاً یکشنبه عوض کنیم. سیستم مالی و بودجه فعلی هیچ اختیاری برای حل به موقع این مشکلات با کارآیی و

ثمربخشی لازم را فراهم نمی کند، و یا فقط اختیار کمی می دهد. ما اغلب خود را در موقعیتی شبیه به «به ماده ۲۲ رجوع کنید» می یابیم که به ما می گویند چون در بودجه منظور نشده است، وجوهات در دسترس قرار نمی گیرند. از طرف دیگر به ما می گویند درخواستهای وجوهات اضافی نباید در بودجه بیاید چون اسناد مؤید آنها را فراهم نکرده ایم. غالبا رفع هر دو نیاز به طور همزمان غیر ممکن می باشد.

۳ فعالیتهای سیاسی

دولت در اینجا بسیار ترکیب یافته و استبدادی است. تمام تصمیمات اصلی در بالا گرفته می شوند.

پادشاه علاوه بر سلطنت، حکومت هم می کند. فعالیت سیاسی به معنی غربی آن جدیدالولاده است و به دقت تحت نظر قرار دارد. به این ترتیب در این جامعه مقید و نیمه آگاه تماس سیاسی و اعمال نفوذ اکثرا محدود به سطوح بالا می شود.

نارضایی و انتقاد بدون مرز نه تحمل می شود و نه مورد تشویق قرار داد. تماس خارجیان با ناراضیان و آشنایی با دیدگاه های آنان نه تنها منع می شود بلکه اگر هم با سماجت پیگیری شود می تواند احتمالاً به تحریک یا طرف شخص بینجامد. بدین ترتیب، کارمندان مأمور گزارش سیاسی باید در برقراری تماس و به دست آوردن اطلاعات مورد علاقه ما باید دقت و زیرکی زیادی به کار برند. از آنجایی که در ایران روابط

بسیار شخصی اند، کارمندان موفق سیاسی باید در زمینه های شخصیت، تلقین فکر و قضاوت، استعداد درخشان داشته باشند. در گذشته نه چندان دور کار تهیه گزارش سیاسی از این مرکز نه تنها از مشکلات ناشی از محیط، بلکه از لحاظ عدم کارآیی لازم اداری دچار مشکلاتی بوده است. مشکل دوم به میزان وسیعی رفع شده است و ما چشم به راه بهبود قابل ملاحظه ای در کیفیت و کمیت کار تهیه گزارش سیاسی خود می باشیم.

۴ امور سرمایه گذاری

مشکلات چندان مهمی در این بخش وجود ندارد

۵ پیشرفت بازرگانی

با اجرای یک برنامه تجارت کشوری و فعالیت یک مرکز تجاری، تهران زمینه آزمایش اقدامات جدیدی در جهت پیشرفت بازرگانی می باشد. هر دو نسبتا جدید می باشند و ما هنوز در حال برآورد کارآیی آنها در پیشبرد اهداف بازرگانی خود با در نظر گرفتن افزایش عظیم نیاز وارداتی ایران و توانایی پرداخت آن می باشیم. یک تحلیل وضعی از سود یا زیان تلاشهای پیشرفت بازرگانی مشکل می باشد. در زمینه خدمات، به هر حال بحثی نیست که تمام مستخدمین در این کار کاملاً مشغول ارائه خدمات به بازدیدکنندگان که تعداد آنها همیشه در حال افزایش است و همچنین درخواستهای محلی و یا از آمریکا می باشند.

نمی توانیم با رضایت تمام بگوییم که امکانات فعلی ما کافی یا مناسب برای ارائه همه خدماتی که مطلوبمان هست، می باشد. خصوصا ما درخواست می کنیم که فضای اضافی برای کارمندان بیشتری در بخش اقتصادی تجاری فراهم گردد و بشدت احساس می کنیم مرکز بازرگانی و فعالیت اداره تجاری باید در یک ساختمان قرار گیرد. این نظر به واشنگتن ابلاغ شده است ولی جواب رضایت بخشی دریافت نشده

است.

۶ یادداشت کنسول

۶ کنسول یادداشتی تهیه کرده که در آن با ذکر مقداری تفصیلات درباره مشکلاتی که در کار کنسولی با آنها مواجه هستیم، بحث کرده است. او آماده است اینها را تماما با شما در میان گذارد. اظهار نظر ما منحصر به یادآوری این مطلب است که یکی از مشکلات ما مربوط می شود به حجم رو به افزایش متقاضیان غیر مهاجر، اشکالات تشخیص صداقت این متقاضیان و مسایل فیزیکی سروکار داشتن با چنین تعداد زیادی مخصوصا در فصل اوج گرفتن تقاضای ویزای دانشجویی. برای بهبود وضع ما اقدامات چندی اتخاذ کرده ایم ولی مشکلات از لحاظ کار اداری و فیزیکی باقی می ماند که محتاج توجه و تصمیم واشنگتن می باشد.

۷ جاسوسی داخلی

در مجموع در این ناحیه از لحاظ کارمندان مضیقه ای نیست. گزارشات جاسوسی برای بررسی یکپارچگی و کیفیت توسط مشاور و یا اگر باشد، توسط سطوح بالاتر تجدید نظر می شوند. یک مسئله که

همچنان مورد علاقه ما است مربوط می شود به اطلاعات درباره جهت و فعالیت سیاسی ارتش ایران. اگر چه از طریق هیئت مستشاری ما(MAGG) و تیمهای کمک عملیات فنی (TAFT)ارتباط وسیعی با نیروهای مسلح ایران داریم، ولی هنوز باید در پی اطلاعات مطلوبمان از لحاظ کیفی و کمی باشیم. ما درصدد هستیم این را از طریق یک برنامه سیستماتیک تر سؤال و جواب آخر مأموریت از افسران منتخب MAGG و TAFT بهبود بخشیم.

۸ مدیریت این مرکز

تحت این عنوان کلی مایلم نظر شما را به دو مسئله که در ارتباط با مشکلات بودجه و مدیریت مالی تحت یک عنوان دیگر اشاره شد جلب کنم. مسئله اول مربوط است به روحیه کارکنان. این هیئت نه تنها بزرگ است بلکه در یک شهر بزرگ و شاید بتوان گفت پایتختی بی عاطفه قرار دارد. با تمام بزرگش هنوز در زمینه های مشخص کمبودهایی دارد. مسکن، حمل و نقل و خدمات برجسته ترین آنها می باشد.

ما سعی کرده ایم با استفاده از امکانات مالی و پرسنلی خود این مشکلات را آسانتر کنیم. معهذا کوتاهی هایی وجود دارند. مخصوصا در رابطه با مسکن این صادق تر است...

گزارش بازرسی در مورد نحوه روابط با ایران

سند شماره ۱۴

سرّی

وزارت خارجهسرّی اکتبر ۱۹۷۴

دفتر بازرس کل، خدمات خارجه

گزارش بازرسی در مورد نحوه روابط با ایران

بازرسان کلود. جی. راس هوارد.ل.چرنات رابرت.م.کلین. مایکل.ف.باسو.ر.بارتلت.مون.

توزیع محدود

این گزارش بازرسی وزارت خارجه منحصرا برای استفاده وزارت خارجه منظور گردیده است و ممکن است بخشی از این گزارش تحت یک یادداشت انتقالی به یکی از سازمانها ارسال شود. در پستهای سرویس خارجی می توان این گزارش را به اختیار متصدی اصلی، به نمایندگان سایر وزارتخانه های اجرایی ایالات متحده، در صورت داشتن ارتباط مستقیم با آنها نشان داد. هیچ گونه توزیع دیگری خارج از وزارت خارجه یا به وسیله سایر سازمانها، چه به طور کامل و چه به طور جزئی، نباید بدون اجازه قبلی و کتبی از طریق بازرس کل سرویس خارجی وزارت امور خارجه به عمل آید.

تصویب طبقه بندی از: کلود. جی. راس

سرّی GDS

امضاء

سرّی

فهرست مندرجات

نقشه ایران

نظر اجمالی (صفحات زرد کمرنگ)

خط مشی و منابع مدیریت

ضمیمه جدول منابع

ضمیمه مفاهیم ضمنی پیشنهادات منبع

صورت فهرست پیشنهادات (به طور جداگانه در دسترس است)

یادداشتها (به طور جداگانه در دسترس است)

تهران

اداره اطلاعات آمریکا

امور اقتصادی و بازرگانی

مبادله فرهنگی و آموزش بین المللی

عملیات کنسولی

پرسنل

عرصه و اعیان

خدمات عمومی

مرور تفصیلی عملیات

بودجه و امور مالی

امنیت

انجمن کارمندان آمریکایی

انجمن مدرسه آمریکایی

تبریز

شاخه کنسولگری در تبریز

عرصه و اعیان کنسولگری

خرمشهر

عملیات کنسولی

پرسنل

تجهیزات و وسایل مکان

امنیت

این گزارش بازرسی در زمینه گزارشهای حسابرسی جداگانه سابق است. هر چند که بررسی مفصل کلیه معاملات صورت نگرفته، جنبه های حسابرسی شامل آزمایشهای مناسب برای ارزیابی میزان تأثیر کنترلهای داخلی و عملیات مدیریت می باشد. بازرسی در مکانها و زمانهای ذیل انجام پذیرفته است:

واشنگتن، از اوائل ژوئیه تا ۱۱ ژوئیه ۱۹۷۴ و از بیستم اوت تا سیزدهم اکتبر ۱۹۷۴.

ایران از دوازدهم ژوئیه تا شانزدهم اوت ۱۹۷۴

سرّی

نحوه روابط با ایران

نظر اجمالی

ایران برای آمریکا از نظر جغرافیایی و نفت حائز اهمیت است. ایران تحت نظر شاه، که آمریکا را واجد نقش حیاتی در مساعی خود برای متجدد ساختن کشورش می داند و می خواهد آن را از نظر نظامی و صنعتی قوی و متکی به خود سازد، محیط مناسبی برای تعقیب مقاصد آمریکا می باشد. این کشور به طور روزافزونی با ثبات و پویا شده است و نیروی رشد یابنده اقتصاد و درآمد نفتی آن قادرش ساخته است تا چیزی را که زمانی دارای روابط تحت قیومیت با آمریکا بود، به طرف برابری تکامل بخشد. هر چند که این امر یک استقلال نظر به همراه آورده است که می تواند تفاوتهایی ایجاد کند. لکن مواضع و منافع سیاسی و جغرافیایی ایران و آمریکا در اکثر مسایل منطقه ای و بین المللی عموما به موازات یکدیگر بوده است.

آمریکا از یک موقعیت بسیار ممتاز در ایران برخوردار است و یک همکاری نزدیک و متقابلاً سودمند در مورد طیف وسیعی از موضوعات فرهنگی و نظامی و اقتصادی و سیاسی وجود دارد.

به جز نظرات متفاوت قابل توجهی که درباره قیمت و عرضه نفت میان ما وجود دارد، هیچ اختلاف عمده ای در روابط ایران و آمریکا نیست. لیکن مسایل و ملاحظاتی وجود دارد که سازندگان و مدیران خط و مشی آمریکا نسبت به ایران باید، در نظر بگیرند. یکی درجه ای از روابط آمریکا با ایران است که وابسته

به یک شخص بوده است که عدم اطمینان در مورد عواقب مرگ یا خلع شاه در خصوص ثبات ایران، رفتار خارجی، و طرز تلقی نسبت به آمریکا ایجاد می کند. نکته دیگر، آثار احتمالی تصادم بعضی از جنبه های روابط ما با ایران در مورد خط مشی های آمریکا در مناطق دیگر است، به ویژه در خلیج فارس. ساختمان نظامی ایران، که به مقدار زیادی به خاطر مستشاران فنی و فروش اسلحه آمریکایی است، دارد منجر به عدم موازنه میان ایران و همسایگان خلیج فارس آن می شود. این امر می تواند اثر سوء در آینده همکاری ایران و عربستان سعودی، که ما درصدد تقویت آن به عنوان یک امر ضروری برای امنیت خلیج فارس هستیم، داشته باشد. همچنین ممکن است باعث تشویق وابستگی سنگین تر عراق به اتحاد شوروی برای حمایت تسلیحاتی شود و احتمال مسابقه تسلیحاتی را در منطقه زیاد کند. به هر صورت، تصور عراق در مورد وضعیت حمایت نظامی آمریکا از ایران، کوششهای ما را برای بهبود روابطمان با بغداد مشکل می سازد. کانون سوم نگرانی، در دامنه و پیچیدگی روابط ما با ایران و مشکل ناشی از آن نهفته است و اینکه چگونه اطمینان حاصل نماییم که درباره همه اتفاقات آگاهی داریم و اینکه از عواقب ضمنی آن برای منافع آمریکا اطلاع داریم.

با توجه به این مسایل و نگرانیها، دو چیز به نظر می آید؛ یکی بررسی خط مشی بلند مدت ما با ایران است که شامل برآورد اثر نهایی خط مشی فعلی ما می شود تا چهارچوب تحلیلی و استنباطی را جهت تصمیم گیری فراهم آورد؛ و دیگری یک مکانیسم محکم و قابل اعتماد برای نظارت و تنظیم عناصر ترکیبی ارتباط نزدیک و فوق العاده چند پهلوی ما با ایران است.

«قسمت هدایت کننده کشور» و سفارت آمریکا به طور مؤثری در برقراری روابط کلی ما با ایران مشغول همکاری هستند. (آنها مجهز به افراد توانا و کیفیت رهبری سطح بالایی می باشند. منابع در این زمینه به خوبی توسط یک مدیریت ارشد مورد بهره برداری واقع می شوند. یک مسئله عملیاتی مشکل در

ایران (که چگونه از موضوعاتی که در جامعه همجوار، و میان گروههای حساسی مانند نظامیان و مخالفان رژیم به طور پنهانی می گذرد، کسب اطلاع کنیم) مورد توجه خاص سفیر و مدیران ارشد این مأموریت قرار دارد.

تقلیل اصطکاکهای احتمالی فرهنگی و اجتماعی ناشی از ورود هزاران کارمند شرکتهای پیمانکار بخش خصوص آمریکا در ایران طی چند سال آینده مستلزم برنامه های توجیهی بهبود یافته، برای این کارمندان و خانواده هایشان می باشد که بهتر است قبل از ترک آمریکا صورت گیرد. «قسمت هدایت کننده کشور» باید تلاشهای خود را برای جلب توجه پیمانکاران آمریکایی مربوطه برای تمرکز روی این مشکل بالقوه جدی افزایش دهد و علاوه بر این راههایی پیدا کنند که طی آن منابع وزارتخانه (خارجه) برای کمک به جریان توجیه به کار گرفته شود.

ازدیاد منابع دولت آمریکا در ایران و تغییر و تبدیل بعضی از آنهایی که هم اکنون در آنجا هستند برای فراهم آوردن حمایت کافی جهت مقاصد خط مشی ما لازم است. این امر شامل ساختن یک مکان سفارتی دیگر و یک پاویون مرکز تجارتی در محوطه سفارت، تغییر محل کنسولگری خرمشهر به شیراز، افتتاح یک کنسولگری در اصفهان، و برقراری یک مجموعه چهارگانه از مناصب جدید اداری جهت سفارتخانه و پستهای متشکله ارتش می باشد. به علاوه اینک زمان مناسبی است برای مطالعه دقیق بعضی از برنامه های ما در ایران، از قبیل اداره اطلاعات آمریکا و سپاه صلح، تا معلوم شود که چگونه آنها را می توان نسبت به

منافع آمریکا مسئول تر ساخت که برای مالیات دهندگان آمریکایی کمتر هزینه بردارد.

در نتیجه کشفیات و جمع بندی های بحث شده بالا، بازرسان تعدادی پیشنهاد به وزارتخانه و پستهای ما در ایران طی گزارش بعدی خود داده اند. شش تای آنها به عنوان پیشنهادات مهمتر در اینجا شایسته بررسی است:

الف) یکی اینکه NEA به گروه رابط وزارتخانه ای خود دستور دهد که یک مطالعه در مورد خط مشی بلند مدت با توجه به روابط ما با ایرانیان به عمل آورد.

ب) دیگر اینکه NEA مسئله تأمین نظارت سطح بالا و هماهنگی امور ارتباطی آمریکا در ایران را مورد غور و بررسی قرار دهد. بد نیست که در این مورد بخواهد امکان گردهمایی معاون وزارتخانه را با گروه رابط بین وزارتخانه های NEA جهت رسیدگی به این امر مورد ملاحظه قرار دهد.

ج) سفارتخانه در تهران یک «بانک فکری» مرکب از متصدیان غیر ارشد را احضار کرده تا این مسئله را که چه کاری باید برای برقراری تماس مؤثرتر با جوانان ایرانی انجام داد بررسی کرده، و نظرات خود را در مورد مسیر آینده کمیته جوانان سفارتخانه ارائه دهد.

د) هیئت اداری کشور ایران مسئله تأمین دریافت توجیه کافی و مناسب در مورد مشکلات زندگی در ایران را برای کارمندان شرکتهای اجرایی شرکتها در مورد مطلوبیت چنین برنامه توجیهی و فراهم آوردن امکان کمک و مشاوره مناسب وزارتخانه توجه پیدا کنند. یکی از راهها برای تحقق این امر می تواند امکان به کار گرفتن منابع FSI بر اساس پرداخت پاداش باشد.

ه) NEA اداره اطلاعات آمریکا را وادار کند که ارزیابی مجددی در مورد برنامه این اداره در ایران با توجه به تعیین این امر که آیا منابعش به بهترین وجه ممکن مورد استفاده قرار می گیرند یا خیر، به عمل آورد و اگر چنین نیست معلوم کند که چه تغییراتی در جهت مثبت باید انجام داد.

و) NEA از سپاه صلح بخواهد که این امور را انجام دهد:

(۱) مرور ارزیابی دوباره در خصوص برنامه اش در ایران با نظر به اینکه چه تغییراتی جهت جوابگوتر بودن برنامه ها برای نیازمندیهای ایران و تأمین مؤثرتر مقاصد این سپاه مطلوب است و (۲) مروری در میان حمایتی که دولت ایران در مورد برنامه های سپاه صلح با توجه به ازدیاد وسیع منابع مالی و وضع پشتیبانی آن از داوطلبان سازمان ملل انجام می دهد به عمل آورده، تا معلوم شود که آیا لازم است که با دولت ایران تماس گرفته شود که کمک خود را در این برنامه ها به طور قابل توجهی افزایش دهد یا خیر؟

علاوه بر اینها، پیشنهادات زیر مشتمل بر اهمیت ضمنی منابع می باشد:

ز) اینکه A/BFاز درخواست بودجه برای سال مالی ۱۹۷۶ توسط اداره بودجه فدرال FBO)) حمایت کند تا وجوهی برای ساختمان دو قسمت جدید دفتر سیاسی در تهران در نظر گرفته شود.

ح) اداره بودجه فدرال بررسی خود را با وزارت بازرگانی و کنگره در مورد یافتن فرمولی برای پولی که اجازه ساختمان یک پاویون مرکز تجارتی در محوطه سفارتخانه را برای سال مال ۱۹۷۶ بدهد، تسریع نماید.

ط) اینکه M/BF وPER و NEA درخواست سفارتخانه ما را در تهران، جهت ایجاد پست متصدی تحقیق بازار و پست متصدی کارگزینی با بودجه وزارت دفاع، تصویب نمایند.

ی) اینکه A/BF و PER و NEAامکانات دو منصب دیگر یکی برای اصفهان و یکی برای شیراز در

اولین فرصت بعد از گشایش آن دو پست فراهم آورند.

سرّی

خط مشی و منابع

راهنماییهایی در مورد خط مشی فعلی در قبال ایران

هیچ مدرک مستندی وجود ندارد که بیانیه مشخصی در مورد خط مشی آمریکا نسبت به ایران تلقی شود. در مارس ۱۹۷۳، «هیئت اداری کشور» یک شبکه بررسی با طبقه بندی سرّی تنظیم نمود، که شامل یک بیانیه جامع پیشنهادی درباره منافع، هدفها، مسایل مربوط به خط مشی و شقوق ثانوی و سیاستهای توصیه شده بود. این شبه بررسی به طور غیر رسمی در سطح اداره کل تصویب گردید. اما هرگز در جریان تصویب رسمی قرار نگرفت و از این جهت تعهد رسمی به بار نیاورد.

در خصوص مسئله خاص سیاست تسلیحاتی، «قسمت هدایت کننده کشور» برای تیم بازرسی دو یادداشت NSCتحت عنوان «پیگیری مذاکرات رئیس جمهور با شاه ایران» به ترتیب مورخ ۱۵ ژوئن و ۲۵ ژوئیه ۱۹۷۲ تهیه نمود. این یادداشتها خطاب به وزارتهای خارجه و دفاع (آمریکا) فروش اسلحه و تجهیزات به ایران و قراردادهای کمکی فنی نظامی مربوطه را تصویب می کرد.

منافع ایالات متحده:

مکان استراتژیکی ایران، قدرت نسبی آن میان کشورهای خلیج فارس، منابع داخلی و بازار داخلی بورژوازی آن، این کشور را یک منطقه بسیار با اهمیت برای ایالات متحده، در حال حاضر و برای یک آینده قابل پیش بینی نموده است. ما احتیاج به یک ایران دوست و مستقل و ایمن و با ثبات داریم که هم بتواند و هم بخواهد که یک نقش مسئولانه و سازنده در منطقه به ویژه در خلیج فارس بازی کند. ما نیاز مبرم به دسترسی به راه هوایی ایران و ترکیه، که واسطه میان اروپا و شرق برای هواپیماهای نظامی و

تجاری ما باشد و نیز به بنادر ایران جهت کشتیهای نیروی دریایی و بازرگانی خود داریم.

ما نیاز داریم که از قلمرو ایران برای تسهیلات ویژه نظامی و اطلاعاتی خود استفاده مداوم به عمل آوریم که به خاطر ملاحظات جغرافیایی، گذشته از امکانات سیاسی، نمی تواند، در جای دیگری با آثار همانند باشد.

منافع اقتصادی ایران عمده است. بازار ایران، که مرتبا توسط درآمد نفت تأمین می شود، برای کالاها و خدمات آمریکا به سرعت در حال گسترش است. طی دو هفته گذشته بیش از هفت بیلیون (میلیارد) دلار به صورت قرارداد امضاء شد. همین طور آب و هوای ایران مناسب سرمایه گذاری بخش خصوصی ایالات متحده، که اینک به ارزش ۵۰۰ میلیون دلار تخمین زده می شود و انتظار می رود که به سرعت تا چندین میلیارد دلار افزایش یابد، است. ایران یکی از منابع اصلی نفت و گاز طبیعی برای کشورهای OECD اروپایی و ژاپن بوده است و نیز برای ما واجد اهمیت روزافزونی می باشد. ما نفع زیادی در دسترسی قابل اطمینان به نفت و منابع معدنی ایران به قیمتهای مناسب جهت خود و دوستانمان داریم.

منافع ایالات متحده در ایران در سالهای اخیر گسترش یافت و شکوفا شد. این امر، قسمتی به خاطر طرز تفکر شاه در مورد مفید بودن ایالات متحده برای کشورش بود. در صورت مرگ یا عزل شاه، ممکن است دید رژیم جانشین بدین نحو نباشد. به علاوه، نزدیکی روابط ایران و آمریکا می تواند یک مسئله قابل

بهره برداری برای عناصر رادیکال و ضد رژیم باشد. لذا ایالات متحده یک توجه اساسی در ثبات بلندمدت ایران تحت حکومتهای منطقا دوست نسبت به آمریکا دارد که احتمال نداشته باشد بر علیه ما اقدام کنند. به همین دلیل به نفع ایالات متحده است که رفتار دوستانه ای میان مردم ایران نسبت به آمریکا پرورش و ادامه یابد.

هدفهای ایالات متحده:

هدفهای آمریکا که ناشی از منافع فوق الذکر است، به ترتیب زیر می تواند تنظیم شود:

تقویت و کمک به توانایی و خواست ایران برای داشتن یک نقش با ثبات و مسئولانه در امور بین المللی، به خصوص در خلیج فارس.

برقراری روابط دو طرفه نزدیک و تعاونی به وسیله ادامه دسترسی دوستانه به تصمیم گیرندگانی که در مورد منافع آمریکا مؤثرند.

ابقای دسترسی بلا اشکال به کریدور هوایی ایران ترکیه و بنادر ایران.

تأمین برقراری و نگهداری و استفاده بلامانع از تسهیلات اطلاعاتی و نظامی در قلمرو ایران.

تأمین دسترسی به بازار ایران جهت کالاها و خدمات آمریکا و برقراری یک جو مساعد برای سرمایه گذاریهای بخش خصوصی آمریکا.

تأمین دسترسی قابل اطمینان به نفت و مواد معدنی ایران به قیمتهای قابل تحمل برای خودمان و سایر اعضای OECO

تشویق ایران به تجدید جریان ازدیاد درآمد حاصل از نفت به نحوی که اثر نامطلوب قیمتهای بالاتر نفت را در موازنه پرداختهای کشورهای مصرف کننده، منجمله ایالات متحده، به حداقل برساند.

کمک به ثبات داخلی سیاسی ایران در بلند مدت و گسترش رفتار مطبوع میان ایرانیان نسبت به آمریکا.

شرایط ایران به طور اساسی مساعد تعقیب این هدفهای خط مشی می باشد. شاه قویا طالب آن چیزی است که می خواهد ایران در زمان حیاتش به آن برسد، و این خواست لااقل تا یک اندازه معین متمم خواست ما است. خواه ایران به موقعیت «قدرت جهانی» که جزء آمال بزرگتر شاه است، برسد یا نرسد. هدف عمده او یک جامعه با ثبات و متجدد است که چه از نظر نظامی و چه از نظر صنعتی قوی باشد. مهمتر از همه، واضح است که شاه از آمریکا انتظار دارد که نقش اصلی را در کمک به ایران جهت نیل به هدف، مخصوصا در زمینه نظامی، بازی کند. به خاطر مطالب فوق الذکر، ما موفق شده ایم که اکثر هدفهای خط مشی خود را به طور چشمگیری تأمین نماییم. ایران به طور متزایدی یک کشور دینامیک و متکی بخود و قوی شده است که نسبت به ایالات متحده دوست و در اکثر موارد مفید به منافع ما است. ایران با قدرت جدیدش به یک دید استقلالی رسیده است که ممکن است منجر به تفاوتهایی بشود، ولی منافع ژئوپلیتیک ما معمولاً موازی یکدیگر بوده؛ همچنان که نظرات ما در اکثر مسایل مهم منطقه ای و بین المللی چنین است. روابط ایران و آمریکا عالی است و ما از وضع ممتازی در ایران بر خور داریم. هر چند که این روابط بدون اشکالات و نگرانیهای خط مشی نیست.

مشکلات و نگرانیهای مربوط به خط مشی

تنها اختلاف مهم در مورد خط مشی میان ایران و ایالات متحده ناشی از دیدگاههای مربوطه ما در

مورد قیمتهای نفت و عرضه آن می باشد. شاه و دولت او، هر چند که به مقیاس اوپک، میانه روی در بحثها را قبل از افزایش قیمت در دسامبر ۱۹۷۳ رعایت می کرده و از ناراحتی آمریکا آگاه است، اما نسبت به سطح قیمت فعلی متعهد است. اختلافات ما در مورد نفت هنوز اثر زیادی در سایر قسمتهای روابط دو جانبه ما نداشته است. لیکن تأخیر در حل این مسئله، نگرانی را در شاخه اجرائی و کنگره آمریکا افزایش می دهد و بعضی از اعضای آنها شروع به اظهار عدم رضایت در خصوص فقدان پیشرفت در ترغیب کشورهای تولیدکننده نفت، منجمله ایران، برای تقلیل قیمتها نموده اند. به علاوه انتقاد ایران از وضع عربستان سعودی در این مسئله، تلاشهای ما را برای تشویق عربستان در رعایت خط مشی های سازنده تولید نفت دچار اشکال می کند.

یک مشکل اساسی دراز مدت که در مورد خطی مشی ما راجع به ایران وجود داشته، اتکای روابط دوستانه ما با ایران روی رفتار و طرز تفکر یک نفر یعنی شاه است، که قبلاً هم به آن اشاره شد. واقعیات سیستم سیاسی ایران چنان است که در تحلیل نهایی، تنها دیدگاهی که به حساب می آید، نظرات شاه است که کلیه تصمیمات مهم را خودش می گیرد و خط مشی ما الزاما با این وضع تنظیم می شود. در جامعه بسته ای مثل ایران، چندان اطلاعی از تفکر مردم در دست نیست، و هیچ راهی برای پیش بینی عواقب مرگ یا عزل شاه وجود ندارد که بتوان گفت در آن صورت ثبات و رفتار خارجی ایران نسبت به آمریکا چگونه خواهد بود. خوشبختانه روابط نزدیک ما با ایران برای بیش از دو دهه وجود داشته است و ایرانیان یک نسل یا بیشتر در رابطه با ما و اتکا به ما خو گرفته اند. دلایلی وجود دارد که بتوان امیدوار بود از اینکه مقداری از روابط ما با ایران بعد از شاه زیر بار تغییراتی خواهد رفت. سؤال در اینجا است که این تغییرات چه اندازه و در چه مواردی خواهد بود. سازندگان و مدیران سیاست ایالات متحده نسبت به ایران مواجه با یک عامل ظریف و نامطمئن می باشند که باید آن را در محاسبات خود به حساب بیاورند.

بعضی از جنبه های روابط ما با ایران با خط مشی های ایالات متحده نسبت به سایر مناطق برخورد دارد؛ که این امر نگرانیهایی در مورد آثار بلند مدت احتمالی آنها ایجاد می کند. فی المثل، فروش وسایل نظامی آمریکا و مستشاران فنی تا اندازه زیادی مسئول قدرت مسلط بودن ایران بر خلیج فارس بوده اند. با توجه به جهت گیری کلی سیاست ایران و وابستگی نزدیک ما، این امر در بیشتر موارد یک توسعه مثبت از نظر منافع ایالات متحده بوده است. اما قدرت تسلیحاتی ایران یک عدم توازن نظامی میان ایران و سایر کشورهای خلیج فارس و عمدتا عراق و عربستان، ایجاد می کند. در مورد عربستان سعودی، این وضع یک مخاطره روزافزونی به وجود می آورد از اینکه عکس العملی باعث به خطر انداختن روابط حسنه ما با آن کشور (عربستان) بشود. علاوه بر آنکه همکاری ایران و عربستان را، که ما درصدد تشویق آن هستیم تا یک پایگاه تأمین ثبات و امنیت در خلیج بشود، غیر ممکن می سازد. در مورد عراق، تاریخچه طولانی برخورد مداخله متقابل میان بغداد و تهران، ممکن است عراق را وادار کند که برای حمایت متقابل بیشتر به طرف شوروی متمایل شود، و در نتیجه صحنه برای بهبود روابطمان با عراق در اثر عرضه وسایل نظامی به ایران، دچار اشکال شده است. زیرا عراق آن را در زمینه حوادث اخیر مرزی خود و کمک ایران به شورشیان کرد، علت تلقی می کند.

ابعاد پیچیدگی روابط ما با ایران، که به طور فزاینده ای در حال گسترش است، یک نگرانی خاص برای دست اندرکاران خط مشی آمریکا ایجاد می کند. و آن اینکه چگونه در یک موقعیت فوقانی قرار داشته

باشیم که عکس العملهای ما در قبال مشکلاتی که بروز می کند، با پیشنهادات جدیدی که به عمل می آید (مخصوصا از طرف شاه) با اطلاع از کلیه عواقب احتمالی آنها باشد. از جمله این عواقب، اثرات ثبات و پیشرفت داخلی ایران، تقاضا در مورد منابع انسانی و مادی آمریکا، و آثار هدفهای سیاسی آمریکا در سایر مناطق می باشد. تنها در زمینه نظامی ما به مقدار فوق العاده ای با ایران همکاری می کنیم. از زمان دستورالعمل ۱۹۷۲ رئیس جمهوری آمریکا در مورد خط مشی اسلحه، که عمدتا تصمیم گیری در مورد خریداری وسایل نظامی را به دولت ایران واگذار کرد، شاه برای مجموعه وسیعی از اسلحه و مهمات و تجهیزات و تخصص فنی مربوط به ما روی آورده است، علاقه او نه تنها شامل سیستمهای عمده تسلیحات است، بلکه شامل سیستمهای پیچیده کنترل و فرمان و رادار و اطلاعات می شود. شاه همچنین علاقه مند است که ایران بتواند بعضی از اقلام نظامی آمریکا را، منجمله بعضی از انواع موشک را، بسازد و تسهیلات تعمیراتی وسیعتری برای اقلام دفاعی موجودش فراهم آورد. بعضی از درخواستهای شاه ممکن است در این مرحله از توسعه ایران، زیادی جاه طلبانه باشد و برای ما انجام آنها مشکل و یا به مصلحت نباشد. این مسایل مستلزم برخورد محتاطانه است تا از اخلال در روابط ما احتراز شود.

از آغاز سال ۱۹۷۲ تا کنون ما به ایران بیش از ۷ میلیارد اسلحه و تجهیزات فروخته ایم که تحویل آنها تا سال ۱۹۷۸ طول می کشد. ما بر اساس یک باز پرداخت، تیمهای کمکی و فنی وزارت دفاع DODرا عرضه می داریم که با مأموریت مستشاری ما متفاوت است (ARMISH/MAGG). و این امر برای فراهم آوردن تخصص فنی جهت تسهیل ادغام این لوازم جدید در نیروهای مسلح ایران است. تعداد زیادی از پرسنل قراردادی دفاع غیر نظامی آمریکا نیز کمک به امر تلفیق این وسایل و تسهیلات می نمایند. تا کنون حدود ۱۵۰۰۰ نفر کارمند غیر نظامی، از این دست در ایران به کار گرفته شده و انتظار می رود که این تعداد تا سال ۱۹۷۸ به ۰۰۰/۱۲ نفر افزایش یابد (که علاوه بر آنها شاید ۰۰۰/۳۰ نفر از بستگانشان نیز باشند) و

این مسئله یک دسته مشکلات از نظر تنظیم فرهنگی و روابط اجتماعی متقابل برمی انگیزد.

علاوه بر این وابستگی های نظامی، ما دارای مناسبات صمیمانه با ایران در چندین دسته از فعالیتهای اطلاعاتی و امنیتی می باشیم. شرکتهای خصوصی آمریکایی درصدد برقراری سازمانهای مشترک در زمینه های متعدد صنعتی و بازرگانی با شرکتهای ایرانی می باشند. اخیرا موافقت کرده ایم که اورانیوم تصفیه شده ای را برای دو ایستگاه اتمی فراهم کنیم، تا شاه بتواند کار یک صنعتی اتمی را راه بیندازد. احتمال دارد سایر نقل و انتقالات مهارتهای صنعتی و تکنولوژیکی آمریکایی به ایران در آینده نزدیکی دنبال شود.

مشکلات و نگرانیهای ذاتی در خط مشی ما نسبت به ایران دلالت بر نیاز به یک مکانیسم وابسته جهت نظارت و هماهنگی عوامل مرکب روابط فوق العاده و چند جانبه ما با ایران می کند. آثار و عواقب این امور برای منافع آمریکا چه در ایران و چه در جاهای دیگر باید درک شود تا بتوانیم یک خط مشی درست اتخاذ کنیم و تصمیمات عملیاتی بگیریم. به علاوه نیاز به یک بررسی درباره خط مشی های بلندمدت آمریکا نسبت به ایران وجود دارد تا بشود تحلیل لازم را جهت اخذ تصمیمات خط مشی به دست آورد. دو پیشنهاد اصلی مطرح شده در قسمت دوم تحت مدیریت، مربوط به این نکات است.

منابع

منابع اختصاص یافته برای حمایت از هدفهای خط مشی آمریکا در ایران به صورتی که در جدول منابع

در ضمیمه Iمی باشد، به طور دربست کافی نیست. چنانچه بخواهیم که آنها کاملاً جوابگوی احتیاجات خط مشی باشند، بعضی از رده ها باید به طور عمودی اصلاح شود.

نیاز مبرمی به افزودن دو بخش به ساختمان موجود سفارت وجود دارد. این بخشها جای مناسب را برای قسمت کنسولگری که شدیدا مورد احتیاج بوده و میزان کارش از حدود ستادهای موجودش فزونی گرفته است و نیز جهت قسمت اقتصادی و وابسته های دفاعی که کارشان شلوغ شده است، فراهم خواهد آورد. علاوه بر آن، بودجه ای جهت ساختن یک پاویون بازرگانی در محوطه سفارت لازم است تا بتوان فعالیتهای دفتر تجاری و مرکز بازرگانی را از نظر محل در یک جا گرد آورد. (رجوع شود به یادداشتهای بازرسان در مورد امور اقتصادی و بازرگانی و درباره عرصه و اعیان).

وابستگی های روزافزون ایران و آمریکا در خصوص طیف وسیعی از فعالیتها منجر به هجوم وسیعی از آمریکاییها به تعدادی از استانها می شود که شاه می خواهد در آن محلها تسهیلات دفاعی را افزایش داده و رشد صنعتی را مورد تأکید قرار دهد. برای ارائه سرویس و حفاظت مناسب به این جماعات متفرق آمریکایی و جهت تأمین مسئولیتهای تجارتی و گزارشی این مناطق تصمیم گرفته شد که کنسولگری اصفهان را باز نموده و کنسولگری موجود در خرمشهر را به شیراز متصل نماییم. به علت محدودیتهای بودجه طرحهای فعلی مستلزم پر کردن اولیه دو پست است که باید با انتقال یک پست تصدی خرمشهر تا اصفهان و دوتای دیگر به شیراز تکمیل گردد. در عین حال که این ترتیبات سبب عملیاتی شدن پستهای جدید می شود. برای رسیدگی به کارهای اصفهان و شیراز کافی نخواهد بود.باید مقرر شود که هر چه زودتر دو متصدی دیگر، یکی برای هر پست، فراهم شود. (رجوع شود به یادداشت بازرس در مورد پرسنل)

کنسولگری تبریز، که اهمیت آن در گزارش بازرسی قبلی ۱۹۷۲ مطرح شده بود، نمایندگی منبعی را

خواهد داشت که کمک عمده ای می نماید و این کمک کاملاً موجه است. از آن گذشته، باید چنان با دقت کارمندانش تأمین شود که توانایی بالقوه آن کاملاً تضمین شود. (رجوع شود به یادداشت بازرس در مورد ادامه کار کنسولگری تبریز)

مرور بر سایر فعالیتهای آمریکا در ایران، این سؤال را مطرح می کند که آیا برنامه های فعلی اداره اطلاعات آمریکا و سپاه صلح در ایران استفاده احسن را از منابع مورد دسترس خود به دست می آورند، یا خیر؟ این موضوع پیشنهادات ارائه شده در بخش دوم مدیریت است. سرّی

بخش دوم: مدیریت (پیشنهادات ۱ تا ۶) تنظیم (صورت بندی) خط مشی

وابستگی چند جانبه ایران و آمریکا در زمینه های نظامی، اطلاعاتی، تجارتی و فرهنگی در چندین سال گذشته همراه با جریان تقریباً مداوم بررسی خط مشی بوده است. سفارت و قسمت هدایت کننده کشور تحت رهبری معاون نخست وزیر در NEAبه طور فعال در این جریان مشارکت داشته اند. این امور برای نیازهای خط مشی ما در ایران حساسیت آور بوده و اهمیت برقراری تنظیم دقیق منابع را برای خط مشی ایجاب می نماید. علاوه بر سفارتخانه و قسمت هدایت کننده کشور SCI، EB، PM، S/Pدر وزارت امور خارجه در جریان صورتبندی خط مشی قرار دارند.

هرچند که تصمیم اصلی برقراری خط مشی تسلیحاتی ما به وسیله رئیس جمهور پس از ملاقات با شاه در سال ۱۹۷۲ گرفته شد، اما «قسمت هدایت کننده کشور» در تکمیل خط مشی های عملیاتی برای کاربرد دستورالعمل در ایران معاضدت نموده است. همکاری با PMو (وزارت) دفاع نیز صمیمانه بوده است.

«قسمت هدایت کننده کشور» نقش مهمی در هماهنگی داده های مختلف در جریان صورت بندی خط مشی دارد. رئیس جدید نشان می دهد که به همان اندازه نسبت به مسایل خط مشی و احتیاج برای تصمیمات به موقع در مورد مشکلات خط مشی حساس است، که رئیس قبلی. شاهد اقدام «قسمت هدایت کننده کشور» در این مورد، تهیه یک طرح منسجم تجدید نظر شده بود که شامل مسئله فوت یا عزل شاه می گردیده و اینکه در صورت وقوع چنین حادثه ای چه اختیاراتی از نظر خط مشی برای آمریکا مطرح می شود. این نوشته فعلاً تحت بررسی سفارت جهت اظهار نظر و تشریک مساعی است. نمونه دیگر از همکاری نزدیک سفارت و «هیئت اداره کشور» در تنظیم یک سری مبادله (اطلاعات) است بین آنها، در خصوص پیشنهاداتی جهت گسترش کمیسیون مشترک برای همکاری با ایران.

تعدادی از مهمترین تصمیماتی که در روابط ما با ایران مؤثر بوده است در رده رئیس جمهوری، مشاور امنیت کشور و وزیر (امور خارجه) اتخاذ شده است. «قسمت هدایت کننده کشور» در مراحل اولیه این جریان فعال است، اما مایل است کمی اطلاعات در مورد تصمیمات اتخاذ شده داشته باشد. گذشته از این امر، ارتباط و هماهنگی میان شرکت کنندگان در تنظیم خط مشی خوب بوده است و اجرای روابط ما را با ایران برای ادامه کار، به نحوی که به طور مناسب جوابگوی نیازمندیهای کوتاه مدت ما باشد، ممکن ساخته است. لکن بعضی از کسانی که از واشنگتن در این جریان مشارکت دارند، با توجه به حجم دائم التزاید وابستگی ما با ایران در زمینه نظامی و اطلاعات، در آثار بلندمدت، که باید چهارچوبی باشد جهت بررسی و ارزیابی عواقب خط مشی در مورد تصمیماتی که برای اتخاذ آنها احضار شده اند، وجود

ندارد.

پیشنهاد به وزارت (امور خارجه)

۱ دایره NEA به گروه هم بسته وزارتی خود دستور دهد که یک بررسی در مورد خط مشی بلندمدت با توجه به روابط ما با ایران به عمل آورد.

اجرای خط مشی

خط مشی ماهرانه و به طور مؤثر اجرا می شود. در مورد اجرای کلی روابط با ایران یک هماهنگی عالی میان «قسمت هدایت کننده کشور» و سفارت وجود دارد. این دو دارای کارمندان شایسته و رهبری توانا می باشند. هماهنگی میان وزارت امور خارجه و سایر وزارتخانه ها و سازمانهای درگیر در اجرای خط مشی در واشنگتن به طور کلی خوب است اما امکان بهبود نیز هست. خزانه داری مایل است که یک طرفه و بدون مشورت، مخصوصاً در موضوعات بین المللی نفت، عمل کند. برنامه فروش (مهمات) نظامی ما به ایران مستلزم رابطه نزدیک میان وزارت امور خارجه و وزارت دفاع است. اما گاهی اوقات امر مشاوره به خوبی صورت نمی گیرد، چون مکاتبات وزارت دفاع بدون رخصت متناسب از طریق وزارت امور خارجه به هیئت نظامی آمریکا در ایران ارسال می شود.

سفیر (آمریکا در ایران) می تواند شاه را هر وقت که بخواهد فوراً ببیند و از آن گذشته، گاهی اوقات

همچنین به وزیر متنفذ دربار، نخست وزیر و سایر مقامات کلیدی نظامی و غیر نظامی دسترسی دارد. وی آشنایی گسترده ای با سایر مقامات ارشد دولتی، مجلس، تجار عمده، دانشگاهیان و دیگر گروههای روشنفکر دارد. قائم مقام میسیون، در صورت لزوم دسترسی به افسران نظامی، مقامات زیر کابینه و وزراء دارد و مستشاران سیاسی و اقتصادی با رده های مناسب دولتی و بخش خصوصی تماس خوبی دارند. به طور کلی تماسهای میسیون بسیار خوب بوده و حوزه وسیعی از صحنه ایران را فرا می گیرد.

در حال حاضر، هنوز هم دولت ایران در مورد کلیه تصمیماتی که در سطح بالا اتخاذ می شود بسیار مقتدر است. مسایل اساسی مهم و موضوعات طرفینی در سفیر و شاه با وزارت دربار رسیدگی می شود و گرایش به نادیده گرفتن وزارت امور خارجه (ایران) دارد. چون تماسها و مذاکرات در چنین سطحی صورت می گیرد، ناگزیر بسیاری از مکاتبات مربوطه از طبقه بندی فوق العاده برخوردار بوده و به طور بسیار محدود توزیع می شوند. اما سفیر این نکته را برای خودش محفوظ کرده است که کلیه همکارانش در مأموریت (میسیون)، که احتیاج داشته باشند، از مسایل مطلع شوند.

رئیس هیئت نظامی آمریکا در ایران، به عنوان مقام ارشد نظامی آمریکا در ایران، کنترل غیر رسمی اما مؤثری در همه یگانهای آمریکایی که تعدادشان بیش از بیست واحد است و در ایران عمل می کنند، به عمل می آورد، یکان DAO مستثنی است. او به عنوان نقطه تماس سفیر با فعالیتهای نظامی آمریکا در این کشور عمل می کند. از یک طرف او کانالی است که سفیر را در جریان امور قرار می دهد و از طرف دیگر وسیله ای است برای رساندن دستورالعمل های سفیر به هیئت نظامی آمریکا در ایران. با ایفای یک نقش عمده توسط کارمند امور نظامی و سیاسی سفارت در این جریان، هماهنگی به طور نزدیک و فوری انجام می گیرد.

رئیس هیئت مستشاران نظامی آمریکا در ایران نه تنها با افسران ارشد نظامی ایران به طور مرتب ملاقات می کند، بلکه به طور متناوب با شاه نیز دیدارهایی دارد. این گونه دیدارها حتماً چه قبل و چه بعد از انجام

آن، با سفیر مورد بررسی قرار می گیرد.

تنها مقام دیگر آمریکایی که گاهگاهی با شاه ملاقات می کند، رئیس سیا (CIA=SRF) است. باز هم سفیر قبل و بعد از این ملاقاتها به طور کامل در جریان قرار می گیرد. در این مورد موضوعاتی که باید مطرح به دقت توسط سفیر مورد موشکافی قرار می گیرد. رئیس SRFوظایف نظارتی و هماهنگی چندی در سایر مقامات کلیدی نظامی و غیر نظامی دسترسی دارد. مورد عملیات امور اطلاعاتی آمریکا در ایران دارد، به استثنای چند مورد که توسط DATT(وابسته دفاعی) انجام می شود. البته سفیر نیز به طور کامل در جریان این عملیات اطلاعاتی قرار دارد. اجرای خط مشی و انجام روابط با ایران، به طور کلی به وسیله ایجاد نوعی مکانیسم سطح بالا با نظارت و هماهنگی در کلیه زمینه های همبستگی آمریکا در ایران در امور نظامی، اقتصادی، سیاسی، اطلاعاتی و تکنولوژی، تسهیل می شود و این امر توأم با این نظر است که برای تعیین کنندگان خط مشی و مدیران، روشن ترین تصویر ممکن را در مورد نتیجه روابط مختلف ما و عواقب آن برای آمریکا در ایران و جاهای دیگر فراهم آورد.

پیشنهاد به وزارتخانه

۲ دایره NEA در مورد مسئله تأمین نظارت و همکاری کافی در سطح بالایی از وابستگی آمریکا در ایران تحقیق نماید. به عنوان یک احتمال می تواند از امکان معاون وزارت (امور خارجه) بخواهد که گروه

رابط وزارتخانه ای NEA به این وظیفه بپردازند.

استفاده از منابع برای انجام هدفها

سفیر و قائم مقام میسیون (مأموریت)، رهنمودهای کلی مؤثر و نیرومندی برای مدیریت منابع میسیون می دهند. آنها همچنین یک رابطه نزدیک و همکاری مؤثر میان سفارتخانه و کنسولگری های تبریز و خرمشهر ایجاد می نمایند. خرمشهر از راهنمایی و حمایت خوب سفارت برخوردار بود و مسئولان سفارتخانه تشخیص دادند که بازدیدهای متناوب از پستهای مورد شمول، مطلوب است.

گزارش سیاسی معمولاً از کیفیت عالی و به موقع برخوردار است. اما در پوشش بعضی از عوامل اصلی وجود دارد که دسترسی به آنان مخصوصاً مشکل است. از جمله رهبران مذهبی، نظامی و مخالفان سیاسی رژیم؛ چنان که در ذیل آمده است مدیریت ارشد درصدد معاشرت به بخش سیاسی است تا راههایی برای حل این مشکل پیدا کند. همچنین نیاز برای گزارشات تحلیلی محسوس تر است و در ماههای اخیر بخش سیاسی تهیه یک سری از گزارشات را بر عهده گرفته است، تا این وضع را چاره کند. هم بخش سیاسی و هم بخش اقتصادی و بازرگانی از بابت وقتی که توسط ملاقات کنندگان رسمی و خصوصی آنها گرفته می شود، رنج می برند. بخش اقتصادی و بازرگانی با کیفیت بسیار مؤثری در رویارویی با تقاضاهای بسیار متزاید در خصوص گزارشات خدمات تجاری و مشاوره بازرگانی ملاقات کنندگان عمل می کنند و علاوه بر آنها از عهده مسایل مربوط به خط مشی راجع به نفت و امور وابسته بر می آیند. این بخش و در واقع کلیه مأموران سفارتخانه به خوبی در قبال فرصتهای صادراتی آمریکا و پروژه های سرنوشت ساز و کمکهای فنی هشیاری به خرج می دهند.

فعالیتهای کنسولی به خوبی اداره می شود و بخش کنسولگری درصدد یافتن راههایی است که عملیات کنونی مربوط به صدور ویزاها را کم کارتر بسازد، همچنین حجم کار کارمندانش را که سخت در مضیقه

هستند، می توان با انتقال کار اخذ ویزای خروجی ایرانیان به بخش اداری، سبک کرد. کارهای مربوط به خدمات عمومی در اثر عدم نظارت کافی در مورد فعالیتهای پرسنل آمریکایی و محلی این بخش دچار اشکال است. فعالیتهای بودجه ای و مالی به طور مؤثر طرح ریزی و اجرا می شوند. هرچند که خالی ماندن یک پست تکمیلی برای مدتی طولانی این بخش را دچار کمبود پرسنل نموده است. مدیریت کارگزینی با کفایت است و واحد پرسنل آگاه به نیاز خود برای بهبود وضع استقبال از تازه واردهایی است که محتاج به کمک برای یافتن خانه بوده تا بتوان آنها را به سرعت به فعالیت واداشت. خدمات کمکی به بخش اداری به خوبی تقسیم بندی شده و کاملاً مورد قدردانی است. عملیات امنیتی، منجمله فعالیتهای گارد امنیت دریایی، از ترتیب خوبی برخوردارند. بخش ارتباطات و سوابق به طور مؤثر درصدد تکمیل مأموریت خود می باشد. قسمت پست (مراسلات)، با وجودی که بسیار شلوغ است، منتهای استفاده را از فضای موجود می کند. اما شدیداً نیازمند ساختمان یک دفتر کار است. بعضی از اقداماتی را که می توان برای بهبود این امر نمود در یادداشت مربوط به عملیات کنسولگری پیشنهاد گردیده است. یک عده کارمند مستعد ایرانی می توانند برای مدیریت مراسلات کمک مؤثری باشند.

مدیریت ارشد پست، در جستجوی راههایی برای به کار گرفتن منابعی جهت استفاده کامل در چندین بخش مشکل آفرین سیاسی و اطلاعاتی می باشد. جامعه ایرانی به طور عمده جامعه بسته ای است و رخنه

خارجیان را از یک حد معین مانع می شود. سفیر و مشاوران اصلی او به خوبی از شکاف میان کوششهای جمع آوری اطلاعات سیاسی آگاه بوده و می دانند که به نسبت اطلاعات در مورد آنچه که تحت روبنا رخ می دهد چقدر اندک است. تماسهای خارجیان با ناراضیان نه تنها منکوب می شود، بلکه اگر تحت تعقیب قرار بگیرند، عکس العمل شدیدی را از جانب ساواک، یعنی سرویس امنیتی همه جا حاضر ایران باعث می گردد.

یک کانون که مشمول نگرانی مداوم است مربوط به اطلاعاتی است که درباره فعالیتها و جهت گیری سیاسی نیروی نظامی ایران است که بخش بسیار حساسی است. هرچند که تماسهای وسیع با قوای مسلح ایران از طریق هیئت مستشاران نظامی آمریکا در ایران و تیمهای کمک فنی برقرار است، اما اطلاعات در خصوص کیفیت و کمیت مطلوب هنوز در دسترس نیست. بدیهی است که این امر باید با نهایت حزم و احتیاط رسیدگی شود. با راهنمایی سفیر و رئیس هیئت مستشاران نظامی، قرار شده است که یک برنامه منظم تری از خلاصه گزارشهای پایانی هر دوره فعالیتها با حضور افسران منتخب هیئتهای مستشاری و فنی اجرا گردد. هنوز زود است که بتوان در تأثیر این روش قضاوت کرد، اما در عین حال سفارتخانه فعالانه در جستجوی روشهای دیگری برای حل این مشکل می باشد.

حوزه مبهم دیگری که شایسته بررسی دقیق جهت یافتن طرحی برای کاربرد منابع پست به طور مؤثرتر می باشد، حوزه جوانان است. آنچه که از نارضایتی وجود دارد از سوی جوانان است و پست تشخیص داده است که تماسهایش با جوانان چندان مطلوب نیست. کمیته جوانان سفارتخانه اوائل امسال ایجاد یک «مجتمع تفکر جوانان» را که مرکب از کارمندان جوان باشد پیشنهاد نموده است تا بتوان روی این مسئله که چه کاری باید کرد تا به جوانان ایرانی نزدیکتر شد، فکری نمایند. امور حادتری این گروه را از تشتت ماه مارس مانع شد و تاکنون گردهم نیامده اند. به نظر می آید که این ایده دارای مزیت قابل

ملاحظه ای باشد و نباید خبرش بدون امتحان کردن آن، به جایی درز کند.

پیش بینی ورود هزاران کارمند آمریکایی شرکتهای خصوصی و خانواده هایشان به ایران طی چند سال آینده، هیئت اداری کشور و سفارتخانه را وادار به تفکر فوری تر در خصوص اثرات و کاهش اصطکاکهای احتمالی بین الاجتماعی نموده است و اگر این امر مورد اهمال واقع گردد، ممکن است منجر به بروز احساسات ضد آمریکایی شود. بسیاری از تازه واردان هرگز خارج از وطن خود نبوده اند و در خصوص تطبیق و مفاهمه بین الفرهنگی مواجه با مشکلات سخت خواهند بود. افتتاح کنسولگری اصفهان و شیراز به منظور تسهیل این وضعیت است. اما مشکل در اینجا است که خود شرکتها باید قبلاً در آمریکا توجیه شوند و بعداً کارمندانشان به ایران فرستاده شوند. چند تا از این شرکتها با قسمت هدایت کننده کشور و یا سفارتخانه در مورد توجیه کارمندان مشورت به عمل آورده و در حال دریافت راهنمایی و کمک می باشند. لکن این امر آنقدر جدی است که مستلزم یک روش جامعتر و منظم تر است.

در برنامه های دو سازمان آمریکا، امکان دارد که جایی برای بهبود در نحوه استفاده از منابع وجود داشته باشد. بعضی از فعالیتهای اداره اطلاعات آمریکا ممکن است همگام با واقعیتهای متحول در ایران و فرصتهایی که ایجاد می کنند نباشد. (مثلاً) در زمانی که شاه بر عدم تمرکز و توسعه استانها تأکید دارد، اداره اطلاعات آمریکا همچنان توجه خود را منحصر به پایتخت می نماید. این عقیده موجه است که بعضی از فعالیتهای این اداره با نظر به ارتباط و فایده بخش بودنشان به نقطه بازده نزولی رسیده است. از سوی دیگر

امکانات جدید برای اقدام مؤثر، مانند تأسیس یک مرکز دو ملیتی در تبریز به نظر می آید که از جای دیگر سربلند می کند. به نظر می رسد که یک تجدید ارزیابی دقیق در مورد برنامه اداره اطلاعات آمریکا در ایران مطلوب باشد. برنامه سپاه صلح در ایران نیز می تواند از یک بازبینی مشابه سود جوید. بعضی از فعالیتهای به نظر می رسد که جنبه نهایی پیدا کرده است و عده ای از داوطلبانش بدرد استخدام نمی خورند. بررسی در مورد اینکه آیا مناسب است با توجه به افزایش وسیع منابع مالی دولت ایران بتوان حمایت محلی آن را ترتیب داد، خالی از فایده نیست.

پیشنهاد به پست

۳ پست روی پیشنهاد «مجتمع فکری» متشکل از افسران جوان کار کند تا این مشکل بررسی شود که چه کاری می توان برای برقراری تماس مؤثرتر با جوانان ایرانی انجام داد و توصیه هایی در مورد مسیر آینده کمیته جوانان سفارتخانه به عمل آید.

پیشنهاداتی به وزارتخانه

۴ قسمت هدایت کننده کشور، این مسئله را بررسی می کند و اطمینان حاصل نماید که کارمندان شرکتهای خصوصی آمریکا و خانواده هایشان که به ایران می آیند به طور کافی و با فرصت مناسب در مورد مشکلات زندگی در ایران توجیه شده باشند. قسمت هدایت کننده کشور باید درصدد اتخاذ تدابیری باشد که به مدیران شرکتها در مورد مطلوبیت چنین برنامه توجیهی هشدار دهد و تا جایی که مقدور است، راهنمایی و معاضدتهای مناسب در وزارتخانه به عمل آورد. یکی از راههایی که می تواند در این خصوص مورد ملاحظه قرار گیرد امکان استفاده از منابع FSI است که ممکن است بر اساس پرداخت حق الزحمه انجام شود.

۵ NEA مصرانه از USIA (اداره اطلاعات آمریکا؟) بخواهد که یک بازبینی در مورد برنامه سرویس

اطلاعات آمریکا در ایران به عمل بیاورد با این نظر که معلوم شود آیا منابع آن به بهترین وجوه مورد استفاده قرار می گیرد یا نه، و اگر چنین نیست چه تغییرات مفیدی می توان به عمل آورد.

۶ NEA مصرانه از سپاه صلح امور زیر را بخواهد:

(الف) بررسی و تجدید ارزیابی برنامه هایش در ایران برای تعیین اینکه چه تغییرات مطلوبی جهت بیشتر پاسخگو بودن برنامه هایش به نیازهای ایران و تأمین مؤثرتر اهداف سپاه صلح لازم است.

(ب) بررسی میزان حمایتی که توسط دولت ایران به برنامه های سپاه صلح عرضه می شود. برای احراز این نکته که با توجه به افزایش منابع مالی دولت ایران و حمایتش از داوطلبان سازمان ملل، آیا لازم است که تماس گرفته شود که دولت ایران کمکهای خود را به این برنامه ها به طور عمده افزایش دهد؟

۳- ۹۷ - ۱۰۰-۵۴-۶ DARPA

۲۴۴۶ جمع وزارت دفاع- ۸۶۱۴- ۱۰۴۸۱- ۹۵۰۵- ۵۶- ۳۲۵

جمع منافع دولت آمریکا- ۱۱۵۲۰- ۱۶۴۷۷ -۱۷۴۱۶- ۱۵۴۶۳- ۳۱۱ -۶۱۱

(الف) ترکیب حقوق آمریکاییها مشمول این ارقام به میزان ۵/۵ درصد نسبت به کل هزینه سال قبل برای سالهای مالی ۷۵ و ۷۶ افزایش محسوب گردیده است، مگر اینکه طور دیگری در پای نوشته بیاید.

(ب) هزینه، عملیات، به جز حقوق آمریکاییها برای سالهای مالی ۷۵ و ۷۶ به همان نسبتی افزایش محسوب شده که میان سالهای ۷۳ و ۷۴ بوده است، جز اینکه طور دیگری در پای نوشته بیاید.

(۱) بهترین برآورد ارائه شده به وسیله سازمان مزبور.

(۲) به ضمیمه بودجه پروژه بهبود جزئی ویژه FBO که در سال مالی ۷۵ و ۷۶ منظور گردیده است. بابت تعمیر و جابجایی و نگهداری FBO برای سالهای مالی ۷۵ و ۷۶ به میزان ۲۵ درصد بالاتر از سال قبلی منظور شده است. این درصد بر اساس نرخ تورم برآورد شده توسط بخش اقتصادی سفارت می باشد.

(۳) تیم مزبور در ژوئیه ۱۹۷۴ به دو نفر تقلیل یافت ۵ نفر ترک گفته اند و لذا حقوق آمریکاییها تعدیل گردید.

(۴) به ضمیمه بودجه سال مالی ۷۵ مطابق آنچه تقدیم شد. افزایش سال ۷۶ به همان نسبت افزایش سال ۷۵ نسبت به سال ۷۴ است.

(۵) جمع پرداخت دولت ایران برای این فعالیت به وسیله مذاکرات توسط وزارت خارجه انجام شد. هزینه تخمینی سال مالی ۷۶ ممکن است بین ۰ تا ۱۰ میلیون دلار باشد انجام مذاکره مفید خواهد بود.

(۶) از مرحله خارج شدن DARPAO در سال مالی ۱۹۷۵ احتمال دارد.

سپاه صلح

سپاه صل ح

(۱) ۱۱۰۰ ۱۲۱۳ ۸۶۱ ۹۴۲ ۱۰ کارمندان ۴

PCV´S ۸۳

PCV´S ۸۷

(۱) ۱۱۰۰ جمع سپاه ۱۲۱۶ ۸۶۱ ۹۴۲ ۱۰ ۱۷۴

ك شاورزی

۱۳۹ وابسته ۱۱۶ ۵۲ ۴۷ ۲ ۱

۱۹۵ پرداخت توسط دولت ایران ۷ ۱۸۶ ۲۳۷ ۱۹۸ ERS

۳۲۴ جمع کشاورزی ۳۰۲ ۲۸۹ ۲۴۵ ۲ ۸

FAA ۹۲ ۸۸ ۹۷ ۳ ۱۰۷

DEA ۷۲ ۷۹ ۸۴ ۳ ۹۱

IAD ۱ ۶ ۱۴ ۱۷ ۲۱

وزارت دفاع

DIA ۷ ۵ ۱۷۰ ۱۸۱ ۱۹۵ ۲۱۳

ص: ۴۱۰

هیئت مستشاری ۶۲۰۰- ۸۱۰۰ –۷۲۰۰- ۳۸ –۲۱۲

STRATCOM –۸۷ –۲ –۱۳۸۲ –۱۴۰۰ –۱۴۱۸ –۱۴۳۶

GENMISH –۱۶ –۱۱ –۶۵۶ –۷۰۰– ۷۴۷ –۷۹۷

جدول مناب ع

منابع دول ت آمریکادرایرا ن

وزارت خارجه متمم مجاز

خارجی بودجه ها

بودجه ها تخصیص یافته بر حسب دلار به نزدیکترین ارقام هزار

آمریکا محلی رقم واقعی

(سال مالی

۷۳)

رقم واقعی

(سال مالی

۷۴)

رقم تخمینی

(سال مالی

۷۵)

رقم تخمینی

((سال مالی ۷۶

۱۹۹۰ طبق برنامه ۱۶۹۲- ۱۴۵۶ -۱۲۶۹- ۲۲- ۴۱

۳۳۷۸ تسهیم شده -۲۶۸۶ -۲۱۴۹-۱۷۳۲ -۱۳۸- ۲۸

۳۲ نمایندگی ۲۸ ۲۵ ۲۲

بجز ساختمان) FBO

ضمایم سفارتخانه)

۲۱۸ (۲) /۸۰/ ۸۲ ۱۲۹

۱۶ ۱۳ ۱۱ ۹ FSI

۵۶۳۴ جمع وزارتخانه -۴۵۹۹ -۳۸۲۳ -۳۱۶۱- ۱۵۶- ۶۹

/۰۵ گارد دریایی ۱۴ ۱۰۰ ۹۵ ۹۰

سروی س اط لاعات آمری کا:

۱۶۷۳ (۱) عملیات عمومی ۱۴۴۰ -۱۲۷۹- ۱۲۲۲- ۸۱ -۱۴

۸ (۱) کمکهای پرسنلی ۱ ۲ ۱

۱۶۸۲ (۱) جمع سرویس ۱۴۴۸- ۱۲۸۷ -۱۲۲۸- ۸۲- ۱۴

تجارت ۳۹۹- ۱۲۲- ۴- ۱

پیشنهادات مربوط به منابع درباره توصیه های بازرسان

ایستگاه (پست) حذف اضافه تغییر محل یا تنظیم به نحو دیگر

در تهران بنای دو قسمت ضمیمه دفتر سفارت در سال

مالی ۷۶

شماره fsl تجدید برنامه در مورد پست

۵۵۲/۳ از بخش کنسولگری به بخش

اداری

ساختمان پاویون جدید تجارت در سال ۷۶

ساختمان قسمتهای جایگزینی برای آپارتمانهای

کارمنـدان و خانه دریایی در سال مالی ۱۹۷۶ یک کارمند تحقیقات بازار FSR/D یک کارمند معاون کارگزینی FSR/D با بودجه

وزارت دفاعدر خرمشهر افتتاح کنسولگری جدید در اصفهان

یک پست FSO برای اصفهان یک پست FSO برای شیراز

در تبریز فروش محوطه اصل چهار بنای محل اقامت برای معاون کنسول در قسمت جنوبی

ساختمان کنسولگری جنوبی ساختمان کنسوگری

آسیای جنوبی و جنوب غربی: چشم اندازهای جدید خط مشی

ص: ۴۱۲

سند شماره ۱۵

سرّی

آسیای جنوبی و جنوب غربی: چشم اندازهای جدید خط مشی

خلاصه:

از ۱۹۷۱، زمانی که حوادث موازنه منطقه ای و جهانی قدرت را به وضعی دیگر درآوردند، در آسیای جنوبی و خلیج فارس چارچوب به کار بستن خط مشی ایالات متحده به طرق مهمی تغییر یافته است. هند و ایران در محدوده مناطق فرعی منطقه خود به عنوان بازیگران سیاسی نظامی مسلط سر برآورده اند.

قدرت اقتصادی و مالی که کشورهای تولید کننده نفت در خلیج فارس به دست آورده اند با وسعت و وضع رشد اقتصادی ایشان تناسب ندارد. نیاز ایالات متحده به نفت خلیج فارس افزایش پیدا کرده است.

سیاست مربوط به خلیج به اوضاع اعراب اسرائیل پیوند یافته است. آسیای جنوبی و خلیج فارس با جدیتی بیش از هر زمان دیگر پس از الغاء استعمار با یکدیگر فعل و انفعال دارند و با علائم ضعیفی از پیدایش سیاست منطقه گرایی ظاهر شده است. از زمان اقدام ایالات متحده به برقراری نزدیکی بیشتر با چین و کناره گیری بریتانیا از خلیج، مفهوم قدرت بزرگ تغییر یافته است. روابط ایالات متحده با هند به وخامت گراییده است، اما ارتباط نظامی ما با کشورهای خلیج محکمتر شده است. شوروی با هند و عراق روابط پیمانی دارد. و ابرقدرتها مشغول افزایش دخالت نظامی خود در اقیانوس هند هستند. از زمان جنگ ۱۹۷۳ اعراب و اسرائیل صف بندیهای جدید در جهان عرب و سیاست جداسازی ایالات متحده موقعیت شوروی را در خاورمیانه ضعیف کرده است. بین چین، ایران و ایالات متحده در این منطقه اشتراک منافع محدودی حاصل شده است.

سیر گرایشها در این ناحیه نشان می دهد که این الگوهای جدید ژئوپلوتیک در آینده به مدت چند سال

همراه با اصطکاکهای بالقوه بین ایران و کشورهای عرب خلیج و بین هند و ایران ادامه خواهد یافت.

اصطکاکهای دراز مدت در داخل آسیای جنوبی و شبه جزیره عربستان، و بین ایران و عراق به وجود خواهد آمد و علاوه بر این بی ثباتی سیاسی در هر دو منطقه فرعی می تواند دخالت کشورهای بزرگتر منطقه و قدرتهای بزرگ را به دنبال خود آورد. ایران، هند و احتمالاً پاکستان ممکن است در تولید اسلحه به یک ظرفیت محقر ولی در عین حال با اهمیت نائل شوند و در محدوده این ناحیه فروش اسلحه ممکن است چشمگیرتر شود. حوزه تعیین خط مشی در آینده مقداری به یک سیستم دو قطبی شبیه خواهد بود؛ هر قطب در صف بندی ژئوپلوتیک یک ابرقدرت متفاوت قرار خواهد گرفت. معذالک عواملی هستند که پیچیدگی ایجاد می کنند، که عبارتند از: قدرت اقتصادی تولیدکنندگان عرب نفت، نیاز ما به نفت عربستان سعودی، و اثر درگیری ما در کشمکش اعراب با اسرائیل. بجز قیمتهای نفت و سطح تولید نفت گرایشها و روند اوضاع در منطقه بیشتر برای منافع ژئوپلوتیک ما مساعد است تا منافع شوروی.

منافع اساسی ما در منطقه عبارتند از: ثبات، محدود کردن نفوذ شوروی و در عین حال اجتناب از رویارویی با اتحاد شوروی، و داشتن دسترسی به نفت و گاز خلیج فارس. به علاوه، ما خواهان دستیابی به راهها و بنادر هوایی و دریایی، و همچنین به فرصتهای سرمایه گذاری و بازرگانی هستیم و می خواهیم تولیدکنندگان نفت را تشویق کنیم درآمدهای اضافی خود را با احساس مسئولیت به کار برند. در آسیای جنوبی، میل داریم هیچ قدرت خارجی نفوذ خارج از اعتدال نداشته باشد. ما تقدم هند را (در اتخاذ

تصمیمات مربوط به خود) می پذیریم و آماده ایم با میزان فعلی نفوذ شوروی در هند به سر بریم و ممنوعیت واگذاری تجهیزات دفاعی کشنده را به هند و پاکستان همچنان حفظ می کنیم. در خلیج فارس، ما می خواهیم در عین حالی که از دسترسی خود به منطقه و نفت آن حفاظت می کنیم نفوذ شوروی و کشورهای افراطی عرب را مهار کنیم. ما همکاری منطقه ای برای امنیت را به سرکردگی ایران و عربستان سعودی ترغیب می کنیم و تجهیزات و خدمات دفاعی را به مقادیر زیاد به کشورهای دوست می فروشیم. در اقیانوس هند، ما یک نیروی دریایی کوچک را در بحرین حفظ می کنیم و با نیروهایی از ناوگان اقیانوس آرام خود دیدارهای متناوبی داریم و به طور کلی برای ایجاد ظرفیت عملیات طولانی تر مشغول توسعه تسهیلات و تأسیسات جزیره دیه گو گارسیا هستیم. خط مشی ما نسبت به آسیای جنوبی و جنوب غربی این است که از دخالت نظامی مستقیم بپرهیزیم، هرچند که با پاکستان و ایران پیمانهای امنیتی داریم که در برابر یک تهدید شوروی می توانند فعالتر شوند.

جدی ترین تهدید نسبت به منافع ما عدم ثبات سیاسی است که می تواند به مخاصمه محلی، سقوط رژیمهای دوست، و رویارویی قدرتهای بزرگ منتهی شود. تهدید از جانب عراق و یمن جنوبی به رژیمهای سنتی به این امر مرتبط است، حتی در مناطقی که حکومتها ثبات دارند نیز تصاعد مخاصمه محلی یک خطر محسوب می شود. در نتیجه شکست ما در حل مخاصمه اعراب و اسرائیل، استفاده از منابع طبیعی در سیاست خارجی، کاربرد خصمانه قدرت مالی جدید منافع ما نیز ممکن است در تهدید قرار بگیرند. تهدید منافع ما از جانب شوروی مستقیم نیست، مگر در موارد اوضاع محلی که ممکن است دخالت شوروی را در پشتیبانی از نیروهای سیاسی دوست خود به دنبال داشته باشد. پس از درنظر آوردن استراتژی های مختلفی که می توانیم یکی از آنها را برگزینیم، به این نتیجه رسیده ایم که لازم نیست طالب این باشیم که دخالتمان در آسیای جنوبی از حد یاری اقتصادی و فنی برای کمک به ثبات داخلی و بهبود رابطه تجاری

فراتر رود. باید از هر چیز که ما را مقابل هند قرار دهد از قبیل از سرگیری فروش سلاحهای کشنده به پاکستان، اجتناب ورزیم. پاکستان حتی با کمک ما هم نمی تواند خود را در برابر هند قرار دهد و حمایت ما از پاکستان به سادگی هند را به شوروی نزدیکتر خواهد کرد و به آن انگیزه اضافی خواهد داد تا یک ظرفیت کارآمد سلاحهای هسته ای برای خود ایجاد کند. به دلایل مشابه ما باید هرگونه بهبود روابط چین و هند را با خوشرویی استقبال کنیم. چین با داشتن منافع بیشتر در پاکستان بازیگر غیر منطقه ای عمده در صحنه ژئوپلتیکی آنجا خواهد بود. منافع ما فعالیت سیاسی نظامی در پاکستان را در سطح رقابت آمیز ایجاب نمی کند.

در خلیج فارس، حمایت ما از ایران به عنوان قدرت مسلط باید به جهت نیازمان به روابط خوبمان با عربستان سعودی اعتدال یابد. از آنجایی که ایران قادر است از خود در قبال هر تهدید منطقه ای دفاع کند، ما باید فروشها و کمک نظامی آینده خود را به ایران به سیستمهایی محدود کنیم که توانایی جدید با اهمیتی، به خلیج فارس نیفزاید، و باید این را به سعودیها و شورویها تفهیم کنیم. ما باید پیشنهاد روابط اقتصادی و تکنولوژیکی توسعه یافته به تولیدکنندگان نفت را عرضه کنیم و باید ایشان را به حمایت از کشورهای میانه رو عرب تشویق کنیم. ما باید از فرو نشاندن مرافعات منطقه ای پشتیبانی دیپلماتیکی داشته باشیم و باید کار برای رسیدن به صلح اعراب اسرائیل را ادامه دهیم. ما باید به طور کلی از دخالت نظامی بیشتر و تعهدات سیاسی نظامی اضافی در این منطقه اجتناب ورزیم. تا زمانی که سیر تحولات ژئوپلتیکی منطقه

در جهت مساعد فعلی خود ادامه داشته باشد، باید خود را از مانورهای سیاسی منطقه ای برکنار داریم، و در عین حال تولیدکنندگان نفت را تشویق کنیم کشورهای کم سعادت تر، خصوصاً آنها که در آسیای جنوبی و جهان عرب واقعند را یاری نمایند. ما باید ادغام اقتصادی کشورهای منطقه را در یک واحد مورد تأیید قرار دهیم، و در ضمن بپذیریم که این احتمالاً به ادغام سیاسی یا نظامی منجر نخواهد شد. ما در حضور دریایی خود در اقیانوس هند نباید تغییرات حاد ایجاد کنیم، مگر به عنوان عکس العمل مستقیم به حرکات آشکار شوروی. در درازمدت، ما باید هر آنچه که می توانیم انجام دهیم تا برخوردهای ایران و هند را به حداقل برسانیم زیرا برخورد این دو ثبات کل منطقه را به مخاطره خواهد انداخت و آمریکا و شوروی را به رویارویی با یکدیگر دعوت خواهد کرد.

ایران به قدرت می رسد: پیامدهای آن برای سیاست آمریکا

ص: ۴۱۵

سند شماره ۱۶

سرّی ۲۴ ژوئن ۱۹۷۴

ایران به قدرت می رسد: پیامدهای آن برای سیاست آمریکا

خلاصه

شاه و ملتش اعتماد به خویشتن را دوباره در سال ۱۹۶۰ به دست آوردند. این اعتماد به نفس با افزایش منابع برای کسب قدرت ملی در داخل ایران و تغییراتی در محیط خارج از ایران که فرصتهایی را برای وسعت نفوذ ایران مهیا کرد، همزمان بود. در خلال سالهای ۱۹۶۵ و ۱۹۷۱ ایران مصممانه برای اینکه خود را بازیگر عمده سیاسی و نظامی در خلیج فارس بسازد اقدام کرد، تا جای بریتانیا را گرفته و دیگر خارجیان را از رفتن به این منطقه باز دارد. از سال ۱۹۷۱ ایران افقهای سیاسی خود را به وسیله نفت توسعه داد و از قدرت مالی و نقش خویش و موقعیت ممتازش در خلیج فارس استفاده کرد تا یک نیروی دیپلماتیک در دنیای عرب و جنوب آسیا بشود.

نقش پیشرو ایران در افزایش قیمت نفت در دسامبر ۱۹۷۳ نه تنها برای پشتیبانی از جاه طلبیهای منطقه ای خود بود، بلکه بدان منظور بود که ایران را به صورت یک عامل در دنیای سیاسی و اقتصادی و به صورت رهبر جهان چهارم، و کشوری که نظریاتش بایستی به طور جدی توسط قدرتهای بزرگ مورد نظر قرار گیرد درآورد.

برای آمریکا، نقش جدید ایران، مسایل فوری و اساسی در قیمت گذاری و سطح تولید نفت و اصل احتمال دخالت و مسابقات تسلیحاتی در خلیج فارس خشم و غضب عربستان سعودی را پیش آورده است. در عین حال بیشتر حرکتها و اقدامات اخیر ایران از دیپلماسی ما در خاور نزدیک و جنوب آسیا حمایت کرده است. ایران به طور کلی از نیروهای میانه روی منطقه حمایت کرده است. در یک دید وسیع

ژئوپلتیک یک اشتراک منافع محدود ولی مهم بین چین، ایران و آمریکا در جنوب و جنوب غربی آسیا وجود دارد که در آن هر سه کشور خواسته شان محدود کردن نفوذ شوروی می باشد. ایران سنگ کلیدی در این طاق است. (ایران محور اصلی این مجموعه می باشد) با توجه به گرایشهای در منطقه در حال حاضر، دورنمای تداوم این مجموعه خوب است، اما امکان دارد به وسیله ماجراجوییهای ایران به خطر بیفتند. وظیفه مهم سیاست آمریکا این است که دسترسی ایران را به آن هدفهایی که قابل تحقق بدون درگیر کردن نظامی آمریکا هماهنگ با منافع آمریکا در منطقه دیگر است، محدود کند.

سیر تحول در ایران

سرّی در ۳۱ دسامبر سال ۱۹۸۲ از زمره اسناد طبقه بندی شده خارج می شود.

سیر تحول در ایران

تاریخ احساس حقارت؛ بعد از استقرار صفویه و کشورگشایی نادر شاه ایران به یک دوره انحطاط رو آورد، که تا دهه اخیر از این وضع کاملاً خارج نشد. نیروهای خارجی در عرض این کشور رژه رفتند و مقامات خارجی تصمیمات دولتی را تعیین می کردند و می گرفتند. قسمتهای بزرگی از خاک ایران از دست رفت. گروههای قومی به وسیله نیروهای خارجی ملعبه قرار گرفتند و کشور به منطقه های تحت نفوذ تقسیم شد. بعد از شکست مشروطه خواهان برای به دست آوردن کنترل قاطع ایران، رضاخان یک دیکتاتوری جدید از تاج و تخت برقرار کرد و قدرت دولت مرکزی را بر روی قبایل و ایلات اعمال کرده و

شروع به مدرنیزه اقتصاد و ارتش کرد تا ایران را از مداخلات خارجی آزاد کند. اما او از تاج و تخت توسط انگلیس و شوروی در سال ۱۹۴۱ برکنار شد و ایران دوباره بیشتر به صورت یک منطقه درآمد تا یک کشور؛ نیروهای مسلح اش در طول چند ساعت شکست خوردند. سرزمین آن به وسیله کشورهای دیگر اشغال شده و به عنوان یک راه ترانزیتی به شوروی مورد استفاده قرار گرفت. تنها فشار آمریکا و سازمان ملل و سیاست مزورانه ایرانیها بود که این نیروهای خارجی را در سال ۱۹۴۶ از ایران بیرون کرد.

عکس العمل این تحقیرها غیرقابل اجتناب بود. جنبش ملی نضج گرفت و موقعیت ممتاز و مخصوص شرکت نفت ایران و انگلیس را به عنوان سمبلی از استثمار ایران به وسیله بیگانگان هدف قرار داد. جبهه ملی که شدیداً تحت نفوذ کمونیستها بود با شاه بر سر کنترل دولت و قوای نظامی به مبارزه برخاست و تقریباً پیروز شد. شاه دوباره به کمک آمریکا به تاج و تخت برگشت. بالاخره قدرت سیاسی خود را اعمال کرده و قدرت چپی ها را با ارتش آموزش دیده آمریکاییش و نیروهای امنیتی درهم شکست. اما خاطره هایی که به جای مانده بود بسیار تلخ بود. کنترل صنعت نفت جهانی توسط غرب بعد از ملی شدن نفت در سال ۱۹۵۱، ایران را تقریباً ورشکسته کرد و بقاء شاه متکی به پشتیبانی خارجی و استقلال و تمامیت ارضی آن منوط به حضور افراد آمریکایی و موافقتنامه های امنیتی بود. با پذیرش اینکه احتیاج موقتی به کمکهای نظامی و اقتصادی برای ساختن ایران خودکفا مورد نیاز است شاه در جستجوی راهی برای متمرکز کردن قدرتش بود تا راههایی برای آزادی ایران از وابستگی به خارج پیدا کند. این نقطه برگشت در اوایل سال ۱۹۶۰ جامه عمل بخود پوشاند. پس از نابود کردن چپی ها شاه دست راستیها را با اصلاحات ارضی و مدرنیزه کردن اجتماعی به مبارزه طلبید و با یک درگیری خونین در سال ۱۹۶۳ پیروز شد. رشد جهانی اقتصاد تقاضا برای نفت ایران را افزایش داد و معاهده کنسرسیوم در سال ۱۹۵۴ باعث افزایش درآمد ایران از نفت شد و به ایران فرصت داد که هر دو، یعنی رشد اقتصادی و مدرنیزه کردن نظامی،

را از نظر مالی تأمین کند. زمینه برای سیاست خارجی قطعی تر برای ایران فراهم شد.

تغییرات در محیط خارج از ایران

شاه از عربهای ملّی گرای رادیکال حداقل بعد از کودتای ۱۹۵۸ عراق و مداخله مصر در جنگ داخلی یمن که بعد از انقلاب ۱۹۶۲ شکل گرفت هراسناک بود. کوتاهی آمریکا در پشتیبانی از پاکستان در جنگ ۱۹۶۵ با هندوستان شاه را متقاعد کرد که نمی تواند به پشتیبانی نظامی آمریکا در یک برخورد منطقه ای متکی باشد. این حوادث به او انگیزه بیش از حد کافی داد تا نیروهای نظامیش را بازسازی کرده و منابع تهیه این وسایل را تنوع بخشد و هرجا که ممکن است، تهدیدها را خنثی کند. در سال ۱۹۶۶ آمریکا موافقت کرد که فانتوم های F/۴(اف ۴) به ایران بفروشد و با این کار یک نوع اسلحه جدید به خلیج فارس فرستاد و به ایران بعد از تحویل این سلاحها در ۱۹۶۸ موقعیت تسلط نظامی بر منطقه را داد. جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۶۷ احتیاج به یک نیروی نظامی برتر در یک محیط احتمالاً خصمانه عرب را بیشتر نشان داد. مهمترین تغییرات، قدرتهای بزرگ را درگیر می کرد که مدتها مانع سیاست خارجی ایران بودند. اعلامیه ۱۹۶۲ ایران مبنی بر اینکه اجازه نخواهد داد پایگاههای موشکهای خارجی در ایران باشد، کافی بود که روابط ایران و شوروی عادی و نیروهای نظامی ایران از مرزهای شوروی آزاد و در امان باشند. شاه خروج انگلیسیها را از خلیج فارس پیش بینی کرد و فعالیتهای نظامی دیپلماتیک خود را در منطقه

چنان جهتی بخشید تا نقش برجسته ای در آنجا به دست آورد. از ادعای ایران نسبت به بحرین به عنوان یک امر غیر عملی منصرف شد، ولی مذاکرات خود را برای مالکیت بر ابوموسی و تنب ها برقرار کرد. با افزایش درآمد حیاتی نفت ایران و حمله به یکی از تانکرهای نفتی در باب المندب شاه بیشتر متقاعد شد که او بایستی از خطوط حیاتی نفتی اش در خارج از خلیج فارس هم حفاظت کند. دکترین نیکسون که ابتدا در سال ۱۹۶۹ آشکار گشت عقیده شاه را در مورد قدرت نظامی متکی به خود تقویت کرد و در تشنج زدایی که بعدا به وجود آمد برای شاه چنین به نظر رسید که انرژی شوروی را برای مداخله در خاورمیانه تقویت کرده است. تمام نشانه ها حاکی از لزوم یک تنش نیرومند و برتر از دیگر کشورهای منطقه بود و این اعتقاد که ایران نمی تواند بر روی حمایت خارجی حساب کند به چشم می خورد. در عین حال ایران کاری کرد که تهدید شوروی را به وسیله معاملات پایاپای و مبادله گاز ایران با کمکهای نظامی و اقتصادی شوروی و تشویق روابط با ثبات بین ایران و شوروی تخفیف دهد.

سال ۱۹۷۱ و بعد از آن

تغییرات مهم از سال ۱۹۷۱ به بعد قدرت بالقوه ایران را افزایش داده و راههای اختیاری دیپلماتیک جدیدی را به وجود آورده است. هنگامی که بریتانیا از خلیج فارس رفت ایران ۳ جزیره را اشغال کرد و نقطه نظر خود را این گونه روشن کرد که کشورهای خارجی از خلیج بایستی به کنار بمانند. با پیشنهاد این عقیده که کشورهای خلیج مسئول امنیت خلیج می باشند ایران موقعیت برتر خود را تحکیم بخشید. در حالی که طرح و پیشنهاد ایران برای پیمان امنیت خلیج پیشرفت چندانی به دست نیاورده، موضع ایران برای امنیت خلیج مورد تأیید آمریکا بوده است و نیروهای ایرانی هم اکنون در عمان مشغول عملیات بوده و این را می توان نمونه ای از همکاری ایران برای امنیت خلیج دانست.

جنگ هند و پاکستان در سال ۱۹۷۱ پاکستان را به عنوان رقیب سرسخت هندوستان شکست داد و

باعث شد که ایران توجه نظامی و دیپلماتیکش متوجه سمت شرقی شود. ابتدا با ایجاد چتری بر روی پاکستان و برقراری تأسیسات نظامی در جنوب شرقی و اعلام نقشی برای خود در اقیانوس هند، و بعداً از طریق روابط نزدیکتر با هندوستان مرگ ناصر و سیاست جدید سادات و اخراج مستشاران شوروی از مصر و صف بندیهای جدید در جهان عرب که پیش از جنگ اکتبر صورت گرفت علاقه ایران را به پشتیبانی بیشتر از اعراب جلب کرد. خود جنگ نشانگر آسیب پذیری اسرائیل و کارآیی جدید اعراب بود که ایران به سرعت حرکت کرد تا که وضع خود را با صف بندی جدید تطبیق دهد. ایران همچنین با سرعت نسبت به صف بندیهای قدرتهای بزرگ واکنش نشان داد. روابطش را با چین و دیگر کشورهای کمونیستی عادی کرد. معاهده های شوروی با مصر، هندوستان و عراق و کودتای افغانستان مجدداً باعث شد تا ایران از اینکه در محاصره قرار گیرد هراسناک شود. اما حوادث بعدی در مصر نگرانی ایران را از آن جهت کاهش داد و نگرانی ایران در مورد نفوذ شوروی در هندوستان و افغانستان تقلیل پیدا کرد. دیدار پرزیدنت نیکسون از ایران در ماه مه ۱۹۷۲ ایران را از نظر روانی تقویت کرد و به شوروی گوشزدی بود که آمریکا از ایران حمایت می کند، و باعث شد که سیاست محدودیت فروش سلاحهای آمریکایی کمتر شود. معاملات عظیم تسلیحاتی که بعد انجام گرفت به همه نشان داد که ایران قصد دارد در هر وضعیتی برتری نظامی خود را حفظ کند و نطق شاه درباره باقی گذاشتن زمین سوزان القا کننده این اندیشه بود، که ایران در مقابل حمله

شوروی با شدت هرچه بیشتر از خود دفاع خواهد کرد.

قدرت نفت

ایران ناراحتی خود را از دخالت غرب بر روی کنترل صنعت نفت جهان فراموش نکرده بود. ایران با استفاده از موضع معامله گری بر اساس ثبات سیاسی و موفقیتهای اقتصادی و اهمیت منطقه ای در سال ۱۹۷۳ آخرین قدم را در راه به دست گرفتن کنترل کامل صنایع نفت خود برداشت و کنسرسیوم را به سطح یک خریدار تنزل داد. در نتیجه تقاضای نفت و روند قیمتها و تحریم نفت از سوی اعراب و وحدت بیشتر اوپک افقهای جدیدی گشوده شد. بالا رفتن قیمتهای نفت در دسامبر ۱۹۷۳ که در آن ایران نقش پیشرو را بازی می کرد نه تنها کوششی بود برای ثروتمند شدن و فرار از عارضه فقر برای همیشه بلکه یک نوع مبارزه طلبی در قبال قدرت انحصاری اقتصادی و سیاسی جهان به شمار می رفت. ایران که دیگر ایفای نقش مهم منطقه ای را به دست آورده بود این چنین دید که فرصتی برایش پیش آمده که به صورت عاملی در دنیای سیاست و رهبر جهان چهارم که تازه به وجود می آمد و همچنین به صورت کشوری که نظریاتش را قدرتهای بزرگ باید به حساب آورند، درآید.

با این ثروت و قدرت جدید ایران یک فرصت بیسابقه ای یافت که محیط خارجیش را تحت نفوذ خود درآورد. ایران با به کار بردن پول و نفت خود وارد قراردادهای مهم اقتصادی با هندوستان، پاکستان، مصر و سوریه شده و قراردادهای کم اهمیت تری با مراکش (مغرب)، اردن، سودان و دیگر کشورها منعقد کرد. از طریق این معامله ها ایران، عربهای میانه رو را مثل سادات، حسین و حسن حمایت کرده و شکاف بین سوریه و عراق را ترغیب کرد و نگرانی هندوستان را از اینکه ایران از پاکستان حمایت کند کاهش داده و به پاکستان یادآوری کرد که مواظب باشد، در حالی که دسترسی به مواد خام و کالاهای مصرفی و نیروی انسانی ماهر را به دست می آورد ایران را نیز به حساب آورد.

ایران نه تنها به عمان بلکه به اردن و یمن هم کمک نظامی داد. ایران برای اولین بار بعد از دوران امپراطوریهای باستانی (پادشاهان باستانی) عامل مهم سیاسی در هر دو منطقه خاور نزدیک و جنوب آسیا شده است. تهدید کننده ترین دشمنان احتمالی ایران یعنی عراق و یمن جنوبی منزوی شدند و رقابت ایران با هندوستان به حالت انجماد درآمد. در عین حال ایران برای مصر و سوریه و هندوستان اختیاراتی را فراهم کرد که از اتکاء خودشان به شوروی بکاهند و به تضعیف موضع شوروی در منطقه کمک کرد.

نتایجی برای آمریکا

بعضی از جنبه های جدید اطمینان و قاطعیت ایران مسایل مهم و فوری برای آمریکا به وجود می آورد، که واضح ترین آن موضوع قیمت نفت است. ایران برای حفظ و افزایش درآمد خود و قدرت معامله گری خود که در سایه قیمتهای جدید نفت به دست آمده است بیش از هر صادرکننده نفت دیگری به سختی خواهد کوشید و مبارزه خواهد کرد. ایران برای پولی که از این بابت به دست می آید هم مصرف داخلی دارد و هم مصرف خارجی. ایران حتی حاضر خواهد بود میزان تولید نفت را کاهش دهد، تا اینکه کنترل قیمت نفت را بپذیرد؛ و باید توجه داشت که کاهش قابل ملاحظه تولید نفت ایران ممکن است به زیان ایالات متحده باشد. برتری نظامی ایران در خلیج فارس و نگرانیش درباره قوای عربهای رادیکال و تندرو و

شکنندگی سیاسی با بعضی از کشورهای شبه جزیره عربستان، تمایلی در ایران برای مداخله ایجاد کرده که ممکن است به درگیری بینجامد و به روابط آمریکا و اعراب لطمه بزند.

مسابقه تسلیحاتی در خارج که هم در نتیجه دستاوردهای ایران و هم در نتیجه عوامل دیگر بوده است، امکان دارد به تصاعد سریع باعث درگیریهای محلی، افزایش مداخلات ابرقدرتها در خلیج فارس و ظهور اسلحه های جدید در میدان مناقشات اعراب و اسرائیل شود. قدرت نظامی ایران و موضع برتری آن امکان دارد نگرانی عربستان سعودی را افزایش داده و باعث شود عربستان برای محدود کردن ایران به ما فشار آورد.

در عین حال، بیشتر اقدامات اخیر ایران در جهت حمایت از دیپلماسی ما در خاور نزدیک و جنوب آسیا بوده است. کمک ایران به مصر، اردن و سوریه به نزدیکترین موضع آنها علیه عربهای تندرو کمک کرده و باعث جدا شدن سوریه از عراق می شود. کمک ایران به هندوستان راههای اختیاری به این کشور در مقابل شوروی می دهد (چیزی که ما می توانیم فقط در یک دامنه محدودی فراهم کنیم) و همچنین کمک ایران به پاکستان کمک به یکی از متفقین ماست. به طور کلی ایران پول و نقش را برای حمایت از کشورهای میانه روی منطقه به کار برده و به انزوای کشورهای تندرو کمک کرده است.

از نظر ژئوپلتیک وسیع از سال ۱۹۷۱ اشتراک منافع مهمی در بین چین، ایران و ایالات متحده آمریکا به وجود آمده که پاکستان نیز یکی از حلقه های زنجیره ای آن است. صحبتهایی از محور پکن اسلام آباد تهران به میان آمده و اتحاد شوروی از پشتیبانی چین از پیمان سنتو انتقاد کرده و همچنین اتحاد شوروی طبق معمول از استفاده آمریکا و انگلیس از ایران به عنوان یک مهره انتقاد کرده است. هرچند این محور را به سختی می توان رسمی یا بدون اصطکاک نامید چین، ایران و آمریکا به وضوح منافع مشترکی در محدود کردن نفوذ شوروی در منطقه و بقاء پاکستان دارند. همچنین واضح است که ایران سنگ کلیدی این طاق

(مهار کردن) به شمار می آید که بدون ایران موقعیت آمریکا، پاکستان و حتی چین تضعیف خواهد شد. با توجه به روندها و گرایشهای منطقه چشم انداز ادامه موجودیت این صف بندی به نفع ایالات متحده آمریکا و به زیان اتحاد شوروی خوب است. معهذا این طاق (مهار کردن) امکان دارد در نتیجه ماجراجوییهای ایران به خطر بیفتد که ممکن است به یک درگیری ویرانگر محلی با اعراب یا هندوستان منجر شود و باعث جلب شوروی از سوی دیگر و بالنتیجه تقویت مواضع شوروی بشود. وظیفه مهم سیاست آمریکا در قبال ایران این است که تمایلات ایران را به مداخله مخصوصاً در موقعیتهایی که باعث کشانده شدن آمریکا و شوروی به منطقه شود محدود کند و بدین ترتیب عرفی از مشورتهای ایران و آمریکا از چنین اقداماتی برقرار شود. روند گرایشها در این منطقه در جهت ما، در حرکت است و ایران در این مورد عامل مهمی است و ما نبایستی این موقعیت را با دادن یک چک سفید (دادن اختیارات تام) به خطر بیندازیم.

(NEA) امور خاور نزدیک

مگ میچ هود

۷۴/۲۴/۶

قسمت اول: جهت کلی روابط با ایران

سند شماره ۱۷

از: هلمز سفیرتاریخ: ۲۷ می ۱۹۷۶ ۶ خرداد ۱۳۵۵ محرمانه

به: سربازرس هربرت پراپس

قسمت اول: جهت کلی روابط با ایران

علیرغم چند مسئله که در زیر مطرح شده، روابط بین ایران و آمریکا عالی است. بیشتر از دو دهه ما از یک رابطه مخصوص بر اساس برخورد مشترکمان نسبت به کمونیسم و شوروی، تنفر دوجانبه از عدم ثبات در خاورمیانه، و تشخیص اینکه روابط نزدیک و مبتنی بر تشریک مساعی به منافع هر دو کشور خدمت می کند، بهره مند بوده ایم. به نظر شاه آمریکا یک قدرت نیرومند و نسبتاً بی غرض است که ایران را در برابر شوروی به وسیله تسلیحات خیلی پیچیده و متخصصین برای استفاده و نگهداری آنها و مهارتهای اقتصادی، فنی و حرفه ای که برای توسعه کشورش مورد نیاز است، حفاظت می کند. منافع ما در ایران شامل باقی ماندن ایران به صورت یک کشور باثبات و دوست است که نقشی مسئولانه در منطقه به عهده دارد و به ما اجازه پرواز و اجازه استقرار تسهیلات نظامی و اطلاعاتی در قلمرو آن را می دهد، و همچنین به ما امکان دسترسی مستمر به بازارهایش و منابع معدنی و نفتی را می دهد، می باشد.

تداوم تلاشهای هیئت (نمایندگی سیاسی) در جهت حصول اطمینان و ارتقاء رابطه دو جانبه سودمند می باشد. رشد قابل توجه روابط تجاری ما، مشارکت وسیع ما در توسعه داخلی و مدرنیزه کردن ارتش و ازدیاد آمریکاییهایی که در این کشور زندگی می کنند، مستلزم توسعه سفارت و عوامل وابسته به آن بوده است که امروز بزرگترین و پیچیده ترین هیئت در امور خاور نزدیک است. علاوه بر ساخت عرفی کنسولی و دیپلماتیک، ما حضور نظامی بزرگی در ظاهر نماینده وزارت دفاع داریم. مستشاری نظامی و تیمهای همکاری تکنیکی (TAFT)وابسته دفاعی، یک سپاه صلح موقتی (که در تابستان به طور موقت تعطیل

خواهد شد)، انجمن ایران و آمریکا که بسیار فعال و بزرگ است، نمایندگیهایی از وزارتهای کشاورزی و بازرگانی، سازمان مبارزه با مواد مخدر و اداره مالیات بردرآمد و حدود ۲۰ واحد جداگانه دیگر که با فعالیتهای نظامی و اطلاعاتی ما در ایران در ارتباط و پیوستگی هستند.

از نظر سازمانی ما مشکلات مهمی نداریم. اختیار و مسئولیت سفیر برای تمام فعالیتهای رسمی آمریکا در ایران به وسیله هر زیردستی فهمیده و قبول شده است. کنترل او بر واحدهای نظامی دایر در ایران سال گذشته به وسیله به وجود آمدن مقام نماینده ارشد دفاعی که هماهنگ کننده تمام تشکیلات نظامی است مستحکم شد. نماینده دفاعی مستقیماً به سفیر گزارش می دهد و راهنمایی از او می گیرد. تمام نمایندگان سازمانی دیگر نیز این کار را انجام می دهند. سفیر به طور روزانه با رؤسای قسمتها و به طور هفتگی با تیم کشور و هر زمان که لازم است با دیگر سازمانها و نمایندگان آمریکایی در هیئت به منظور برقراری ارتباطات و هماهنگی ملاقات می کند. کار پستهای جزء، از جمله کنسولگریهای جدید در اصفهان و شیراز به وسیله یک هماهنگ کننده کنسولی که با DCM کار می کند، سرپرستی و هدایت می شود. [قائم مقام رئیس هیئت (سفارت آمریکا)=]DCM. مأموران کنسولگری ها به طور متناوب برای مشورتها و کنفرانسها به تهران می آیند و مأموران سفارت از قسمتهای مختلف به پستهای استان، برای مشاوره و همکاری با آنها، مسافرت می کنند. ارتباط خوب تلفنی با تمام کنسولگریها، جریان دو طرفه تبادل اطلاعات بین آنها و سفارت را امکان پذیر می سازد.

روابط بین سفارت و دولت ایران منعکس کننده رابطه عالی بین دو کشور می باشد. من یک رابطه دوستانه و نزدیک با شاه و مقامات ارشد دولت ایران دارم و همچنین شاه برای بعضی از دیگر اعضای معین هیئت قابل دسترسی است. دیگر مقامات سفارت دسترسی خوبی به مقامات دولتی ایران و رهبران مهم در بخش خصوصی دارند. این روابط همیشه آن طور که ما تمایل داریم سودمند نیست، به خاطر اینکه دولت ایران و جامعه ایران با تمرکز قدرت ساخته شده است و تمام تصمیمات مهم در بالا گرفته می شود. حتی اغلب مقامات نسبتاً ارشد به درستی از سیاستهای و برنامه ها مطلع نیستند و تأثیر کمی بر روی آنها دارند. ما همچنین در مورد توسعه منابع اطلاعاتی درباره مخالفین و حتی درباره گرایشات در میان ارتش به خاطر حساسیتهای ایرانیان و عدم موافقت دولت ایران در مورد تماسهای خارجی با این گروهها، مشکلاتی داریم.

قسمت دوم : مسایل و مشکلات

علاوه بر اختلافات آشکار بین ایران و ایالات متحده در مورد قیمت نفت و مقداری که به دولت ایالات متحده تعلق می گیرد، چندین مشکل و مشکلات بالقوه دیگری به وجود آمده اند که بایستی به دقت رسیدگی شوند تا اثرات جمع شونده آنها به رابطه سالم اساسی بین دو کشور و جوی که ما در آن این روابط را رهبری می کنیم ضرری نرسد. محدودیتهای کنگره در مورد انتقال تجهیزات نظامی تهیه شده به وسیله آمریکا به یک کشور ثالث و یا دادن امتیاز، بیش از پیش یک مورد آزاردهنده در روابط ماست. ایرانیها مقررات ما را به عنوان یک محدودیت در توانایی آنها برای ایفا کردن نقشی که آنها به خاطر وضع ثروت، قدرت و سطح پیشرفت کشور خود در منطقه احساس می کنند، می بینند. در حالی که این مقررات برای حصول اطمینان از اینکه تسلیحات آمریکا بر علیه منافع آمریکا به کار گرفته نمی شود، می باشد. امکانات زیادی برای بهبود روش و سرعتی که ما به تقاضاهای ایرانیها پاسخ می گوییم وجود دارد. مشکلات جریان

وجوه نقد (نقدینگی) ایران، به سختگیری بیشتری توسط دولت ایران در مورد هزینه تجهیزات و خدماتی که از ما خریداری شده منجر شده است. همین طور قیمتها از مقدار مقرر افزایش پیدا می کند. شاه و دولت ایران اعتمادشان را نسبت به صحت و قابلیت ما به عنوان منبع اصلی لوازم نظامی از دست می دهند. توسعه سریع در اندازه و گسترش جامعه آمریکایی در ایران (در حال حاضر به ۲۵/۰۰۰ تخمین زده می شود و انتظار می رود که تا سال ۱۹۸۰ به دو برابر برسد) در زمانی که غرور و اعتماد به نفس ایرانیها در حال رشد است اختلافات فزاینده فرهنگی یک تهدید بالقوه می باشد. اخیراً یک نظر خواهی غیر رسمی توسط سفارت درباره گرایش ایرانیان نسبت به افزایش حضور خارجی به منظور دست یافتن به بینشی که به کم کردن مشکلات بالقوه کمک کند، انجام شد. مشکلات و عیوب متعددی در زمینه اقتصادی و بازرگانی وجود دارد که آقای بروین (Brewin) و کارمندانش آماده برای بحث هستند. اولین مشکل عدم توانایی در دستیابی به یک موافقت با دولت ایران در جهت بازپرداخت بدهی وام و اجاره ایران به مبلغ ۳۵ میلیون دلار است (علیرغم اقدامات سطح بالا توسط سفارت که به سالهای قبل برمی گردد). انتظار می رود که انتقاد کنگره از ایران به خاطر پرداخت نکردن این بدهی افزایش یابد و ما متوجه هستیم که فعالیتهای آینده بانک صادرات واردات ممکن است که با این بدهی ارتباط داشته باشد. فعالیتهای کمیسیون مشترک ایران آمریکا به سرعت و کیفیتی که ما امیدوار بوده ایم پیشرفت نکرده است. دلایل از این قرار است:

الف): کندی ایران در انجام تعهدات مالی اش برای پروژه های مشترک مورد توافق.

ب): عدم تمایل ایالات متحده به پرداخت قسمتی از هزینه خیلی از پروژه ها و تمام هزینه بعضی دیگر.

ج): سؤالاتی که درباره موقعیت تیم مشاوره بزرگراهها که هم در ایران است و آینده تیمهای همکاری فنی ایالات متحده که با حمایت USIRJC عمل می کند.

مشکل سوم متوجه موقعیت مرکز بازرگانی ما و سرپرست آن است. نظر وزارت خارجه این است که مرکز نباید موقعیت دیپلماتیک داشته باشد و ما و وزارت اقتصادی و دارائی تا کنون نتوانسته ایم که وزارت خارجه را به عدول از موضعش واداریم. اگر ما نتوانیم استمرار موقعیت فعلی مرکز بازرگانی و یا چیزی شبیه به آن را به دست بیاوریم در روابط بازرگانی بین ایران و ایالات متحده واکنش های جدی وجود خواهد داشت.

آقای پرو ونچر چندین مشکل اداری را با شما مطرح خواهد کرد. ولی من تمایل دارم که یکی از آنها را که برای ۲۰ سال سفارت را می آزارد، مورد توجه قرار دهم. همینطور که هیئت نمایندگی (سفارت آمریکا) گسترش یافت، ساختمان چنسری Chanceryبرای دربر گرفتن احتیاجات دفتری ما نامناسب تر گردید. طرحهایی برای توسعه ساختمان تأیید و تصویب شده ولی عملی انجام نگرفته است. در جولای ۱۹۷۵ FBOبه ما اطلاع داد که عملیات ساختمانی در سال ۱۹۷۷ آغاز خواهد شد، ولی به نظر می رسد که این کار با وقفه جاری، در ساختن ساختمانهای جدید غیر محتمل باشد. در این میان کارآیی و امنیت تعدادی از اعضای هیئت به خاطر اتاقها و امکانات نامناسب مختل گردیده است.

پروژه همکاری امنیتی نظامی برای سال ۸۳ ۷۹

ص: ۴۲۳

سند شماره ۱۸

سرّی غیرقابل رؤیت برای افراد خارجی نوامبر ۱۹۷۶ آبان ۱۳۵۵

از: فرمانده مستشاری نظامی. تهران ایران

به: فرماندهی کل نیروهای مسلح آمریکا در اروپا (غیرقابل رؤیت برای افراد خارجی)

موضوع: پروژه همکاری امنیتی نظامی برای سال ۸۳ ۷۹

۱ اهمیت استراتژیک

اهمیت اولیه ایران به واسطه موقعیت کلیدیش در مجاورت اتحاد شوروی و نقش فزاینده رهبری آن در منطقه خلیج فارس و ناحیه ساحلی اقیانوس هند و موقعیتش به عنوان یکی از تولیدکنندگان اصلی نفت در دنیا و خریدار تولیدات ایالات متحده، می باشد. با ثبات و در جهت غرب، ایران به دادن حقوق، اختیارات و امکانات به ایالات متحده به صورت دو جانبه و از طریق همکاری در داخل شبکه سنتو ادامه می دهد. نفت ایران برای دنیای آزاد اهمیت فزاینده ای خواهد داشت

۲ هدفهای همکاری امنیتی ایالات متحده

الف کمک به ایران برای برقراری یک پایگاه بسیج توانا و مناسب.

ب ترغیب به مشارکت فعال در مجامع امنیتی طرفدار غرب.

ج همکاری در به دست آوردن حقوق، اختیارات و امکانات برای آمریکا و متفقین و رد کردن آنها به مخالفت نسبت به منافع آمریکا.

د کمک به ایران برای مستقر کردن و نگهداری نیروهای پشتیبانی تدارکاتی و رزمی قادر به انجام وظایف دفاعی احتمالی.

ه ترغیب به همکاری منطقه ای نزدیک تر و مقاومت در برابر نفوذ کمونیسم.

و افزایش دسترسی آمریکا به منابع نفتی عظیم.

۳ تهدید به امنیت ایران از دو جنبه دیده می شود

خارجی: در وهله اول عراق و مقدار کمتری اتحاد شوروی و افغانستان.

داخلی: بی نظمیهای احتمالی که به وسیله عوامل تروریست ایجاد شده و یا آشوب های قبیله ای. تهدید به همین صورت نیز به وسیله ارتش یک کشور ملاحظه می شود.

۴ تواناییها و محدودیتها

به هر سه نیرو مربوط می شود. نیروهای مسلح ایران قادر بوده اند که امنیت داخلی را برقرار کنند و تحت اغلب شرایط غیر از بی نظمی ملی سرتاسری قادر به این کار خواهند بود. آنها نمی توانند حمله های خارجی از دو جهت را متوقف کنند و یا به طور مؤثر حمله یک قدرت اصلی (بزرگ) را به تأخیر بیندازند. ایران قادر است که حمله ای از جانب عراق را متوقف کند، ولی احتمال از دست دادن قسمتی و یا تمام مرز آبرفتی بین ایران و عراق وجود دارد. نیروهای نظامی ایران اخیراً در ظفار به لحاظ جنگی آزمایش شدند، ولی آنها هنوز فاقد درجه رهبری میانه حرفه ای که در اغلب نیروهای غربی وجود دارد هستند. آنها در

حال توسعه و تجدید سازماندهی هستند تا تواناییهای خود را افزایش دهند.

۵ برنامه همکاری امنیتی توصیه شده

الف: همکاری امنیتی درخواست شده دولت ایران چیزی است که ایران برای مقابله با تهدید ملاحظه شده لازم می داند. ایران با چندین کشور که به وسیله اتحاد شوروی حمایت می شوند و با سلاحهای پیچیده روسی مجهز هستند مواجه است. ایران معتقد است که باید یک نیروی مسلح مدرن و قوی داشته باشد که قادر باشد از صنعت نفت استراتژیک خودش دفاع کند و ثبات اقتصادی و سیاسی را برقرار نماید. قطع احتمالی نفت ایران و اثر آن بر روی ایالات متحده و متفقین یک ریسک (تهدید) اولیه است که ایالات متحده، در صورتی که ایران برای مقابله با تهدیدات مذکور مهیا نباشد، باید با آن روبرو شود.

ب: نیروی هوایی ایران باید قادر باشد که با تهدیدی که به وسیله هواپیماهای پیشرفته مطرح می شود مقابله کند. به منظور دفاع از تأسیسات نفتی که به شدت ضربه پذیر هستند، نیروی هوایی ایران باید با هواپیماهای تکامل یافته و تسلیحات دفاع هوایی مجهز شود. به علاوه، نیروی هوایی باید قادر باشد که از نیروی زمینی و نیروی دریایی حمایت کند. به خاطر اینکه نیروی هوایی فقط دارای ۸ پایگاه اصلی است و تأسیسات تولیدی و بارگیری متراکم نفت در جنوب متمرکز شده اند، توانایی دفاع هوایی ایران برای امنیت ملی و اقتصادی آن حیاتی می باشد، بنابراین یک شبکه رادار با یک سیستم فرماندهی و کنترل عالی برای اخطار اولیه و کنترل تمام دفاعی هوایی و هواپیماهای تاکتیکی طرح ریزی شده است. هواپیماهای F-۱۶ و F-۱۸ برای بالا بردن خنثی سازی، جلوگیری و حمایت هوایی و پوشش هوایی نیروی دریایی لازم است. هواپیماهای آواکس (E-۳A)به منظور بالا بردن قدرت فرماندهی و کنترل و همکاری در نایل شدن و برقرار کردن برتری هوایی مورد احتیاج هستند. AMSTSبرای توسعه دادن به قابلیت انعطاف و زمان پاسخ برای حمایت تدارکاتی مورد لزوم است. هواپیماهای P-۳برای مراقبت دریایی هوابرد، پاسداری

عملیات ضد زیردریایی در خلیج فارس، دریای عرب و اقیانوس هند مورد استفاده قرار می گیرد.

ج: به خاطر زمین ناهموار در ایران و نامناسب (ناکافی) بودن شبکه حمل و نقل، پروژه های مربوط به تجهیزات خودرو پیشرفته اضافی و تسلیحات مربوطه. نیروی زمینی بایستی قادر باشد که از مرزهای کشور و تأسیسات استراتژیک نفتی در زمینهای مجاور مرز عراق در مقابل تهدید که به وسیله تعداد زیاد تانکهای ساخت روسیه و توپخانه مطرح است دفاع کند. هواپیمایی ارتش باید کار اکتشاف هوایی، آتش پشتیبان، جنگ ضد تانک، تهیه تدارکاتی، تخلیه دارویی (پزشکی)، فرماندهی و کنترل، حمل و نقل هوایی سربازان، و در رزم حمایت توپخانه را انجام دهد.

د: تمامی نفت ایران از طریق خلیج فارس صادر می شود و بیشتر واردات کشور از طریق خلیج فارس وارد می شود، بنابراین، اقتصاد و قابلیت دوام سیاسی ایران مستلزم دسترسی مطمئن و امن در رفت وآمد در خلیج فارس می باشد. توسعه یک نیروی دریایی مدرن از اهمیت بسزایی برای ایران در جهت ایجاد امنیت برای تجارب آزاد در خلیج فارس برخوردار است. کشتی حمایت شده به وسیله هلیکوپتر، هلیکوپترهای ASW و زیردریاییهای تهاجمی دیزلی ایران را با یک قدرت ضد سطح آب و ASW برای حفاظت خطوط دریایی در خلیج فارس، خلیج عمان، دریای عرب مهیا می کند. کشتیهای تدارکاتی به نیروی دریایی ایران قدرت تدارکاتی حرکت در عملیات با پایداری بیشتر و فاصله زیادتر می دهد. LSTSتدارک مجدد

سایتهای ساحلی و جزایر ساحلی را تسهیل می کند.

ه اگر چه فروش تسلیحات به ایران به وسیله وزارت خارجه و وزارت دفاع و همچنین کنگره در بعضی موارد به دقت تحت کنترل قرار می گیرد، ایالات متحده به طور کلی قول داده است که تجهیزات نظامی مرسوم را در طیف وسیعی در اختیار ایران قرار دهد. برنامه های جاری نظیر HAWK - I و F-۴وF-۵وF-۱۴، تقاضا برای منابع انسانی ماهر نیروی هوایی ایران، و بنابراین قدرت جذب ایران (را به دنبال دارد). مالکیت بیشتر تجهیزات پیچیده نظیر F-۱۸ ،F-۱۶، آواکس، زیردریایی و غیره مشکلات انسانی را می تواند مطرح سازد. عامل دیگری که بر تواناییهای جذب نیروی هوایی ایران اثر می گذارد، تفاوتهای فرهنگی بین ایران و گرایشات آمریکا در جهت فرماندهی و کنترل، عملیات مشترک، طرح ریزی دراز مدت، هماهنگی داخلی، ارجحیت ها، و دیگر عواملی که در طرز فکر غربی اساسی به نظر می رسد و هنوز به وسیله ایرانیها کاملاً پذیرفته نشده است، می باشد. بعضی از مسایلی که در برنامه های مدرنیزه کردن نیروی هوایی ایران با آن برخورد شد دنباله همین تفاوتهاست. اگرچه بودجه فعلی ایران کسری نشان می دهد، ایران به نظر می رسد که منابع مالی را برای پرداخت سریع برای آنچه که سفارش می دهد دارا باشد. پیشرفت در جهت اعتماد به نفس به وسیله مراحلی از موقعیت (تیمهای عملیاتی و کمکهای فنی) TAFTو همچنین به وسیله یک پروژه سرتاسری کاهش در پرسنل TAFTنشان داده شده است. هیچ پروژه ای برای کاهش مؤثر در Mو O به خاطر تجهیزات پیشرفته که برای ساخت دفاعی نیروی هوایی ایران پیشنهاد شده است اجرا نشده. یک تشکیلات دفاعی توانا باید نتیجه خریدهای تعیین شده باشد و باید از هدفهای آمریکا که در پاراگراف ۲ اظهار شده حمایت کند. در حال حاضر اقدام تجهیزات مربوط به دفاع هوایی به نظر می رسد که بالاترین ارجحیت نسبی را دارا باشند. به هر حال توسعه تشکیلات سرتاسری دفاعی هدف نخستین دولت ایران است و تجهیزات به همان ترتیب که در دسترس قرار می گیرد

مورد بهره برداری قرار خواهند گرفت.

۱ اهمیت ایران برای سیاست جهانی آمریکا و اهداف منطقه ای

ص: ۴۲۶

سند شماره ۱۹

وزارت امور خارجه سرّی ۲ ژانویه ۱۹۷۷ ۱۲ دی ۱۳۵۵

ایران

۱ اهمیت ایران برای سیاست جهانی آمریکا و اهداف منطقه ای

مدت تقریبی ۳۰ سال است که وابستگی وسیع و گسترده آمریکا با اهمیت خاص ایران از جهت حمایت و منافع ملی اصلی آینده ایالات متحده آمریکا، مطابقت دارد. روابط اولیه ما خیلی کم و بر پایه عوامل سیاسی جغرافیایی قرار داشت، اما حالا در بر گیرنده مناطق زیادی از حکومت داخلی و وابستگیهای بخش خصوصی می باشد. جریاناتی در مقابل ما قرار گرفته که می تواند اصطکاکهای جدی به وجود آورد اما منافع ملی زیر بدون تغییر باقی مانده اند.

مانع برای اهداف شوروی

منافع دوجانبه برای جلوگیری از نفوذ و قدرت شوروی به خصوص در خاورمیانه موضوعی است که به عنوان اساس روابط ما با ایران باقی مانده است. نزدیکی ایران به شوروی و تجربه ای که ایران از وسعت طلبی تاریخی شوروی دارد و رهبری ضد کمونیستی قوی (ایران) منجر به اشتراک نقطه نظرهای هر دوی ما در رابطه با سیاستهای خارجی دنیا گشت که اولین بار صراحتاً توسط رئیس جمهور ترومن اعلام شد. در رابطه با این همکاری هر دوی ما منافع زیادی به دست آورده ایم. آمریکا تنها کشور غربی بوده و هست که قادر است در نهایت مانعی در مقابل شوروی برای حمایت از ایران باشد. در دو دهه اول بعد از جنگ، ایران یکی از گیرندگان کمکهای مالی و فکری آمریکا بوده و برای ما نقش مؤثری جز عضویتش در پیمان سنتو و پیش بینی خبرهای متعدد و تجهیزات نظامی بازی نکرده است. این اوضاع تغییر کرده و امروز ایران به عنوان یک قدرت منطقه ای، قدرت مالی و نفوذ آن را دارد که بیشتر خودش

کارها را انجام دهد. ایران می تواند نقش مهم مستقلی در خاورمیانه، جنوب آسیا و اقیانوس هند برای پیشبرد ثبات منطقه ای ایفا کرده و با فعالیت و سیاستهای روسیه با نیروهای هر قدرت منظم دیگر روبرو شود.

دسترسی به موقعیت بی نظیر سیاسی جغرافیایی ایران

ما محل مناسب دیگری نداریم که بتوانیم از خاک آن این استفاده ها را که در خاک ایران می بردیم داشته باشیم. نقطه عملیات دستگاههای اطلاعاتی آمریکا در ایران گزارش قاطعی درباره عملیات نظامی شوروی به خصوص در زمینه پیشرفتهای موشکی و در مورد همبستگی شوروی با پیمان سالت (SALT) در اختیار ما قرار داده، حق پرواز بر خاک ایران برای ما مسیر مناسب هوایی بین کشورهای اروپایی و کشورهای شرق ایران به وجود می آورد. به علاوه حق فرود آمدن از لحاظ تحت نظر داشتن دریای عمان و مرزهای شوروی برای ما اهمیت خاصی داشته است.

تهیه نفت برای آمریکا و متحدان او

برای آمریکا و متحدان او

اگرچه ایران یکی از اولین افزایش دهندگان قیمت نفت بوده و وجود ما را در این موضوع فراموش کرده

ولی به هر حال ایران مقدار زیادی نفت برای آمریکا و متحدانش صادر می کند و بیش از ۸ درصد نفت وارداتی ایالات متحده از ایران وارد می شود و بیش از ۱۶ درصد نفت ایران برای اروپای غربی و تقریباً ۲۴ درصد برای ژاپن و ۷۰ درصد نفت اسرائیل از ایران تأمین می شود. با وجود کشمکشهای لاینفک در روابط خرید و فروش، ایران برای ما یک منبع نفتی مستقل بوده است. ایران در سالهای ۷۴ ۱۹۷۳ برخلاف پیمان اعراب در تحریم حمل و نقل نفت به اسرائیل، شرکت نکرده و صدور نفت خود را به این کشور ادامه داده است. رهبران ایران غالباً اظهار داشته اند که ایران در جنبشهای سیاسی تحریمی شرکت نخواهد کرد.

توسعه و پیشرفت ثبات منطقه ای

سیاست آمریکا در سالهای گذشته این بوده که به ایران کمک کرده و او را تشویق نماید که یک قدرت منطقه ای با مسئولیتهای محدود امنیتی و یک نقش مؤثر در پشتیبانی از منافع دوجانبه ما بازی کند. ایران این نقش را قبول کرده برای اینکه این موضوع بانقطه نظرهای شاه که ایران نقش اساسی در منطقه دارد تطبیق می کرد. و ایران قدرت نظامیش را در عمان به کار گرفته و از قدرت مالی برای وام دادن به هندوستان، پاکستان، مصر، اردن و سوریه استفاده کرده، و دارای نفوذی در کمک به حل روابط منطقه منجمله برقراری مجدد روابط هند با پاکستان و افغانستان بوده است.

ایران تنها قدرت منطقه است که قادر بوده پیشرفتهایی در زمینه روابط اطمینان بخش چه با اعراب و چه با اسرائیل به دست آورد. رهبران ایران در یک تماس و مذاکره نزدیک با ایالات متحده بوده و سیاست محافظه کارانه را در پیش گرفته و سادات و اسد را تشویق به برداشتن قدمهایی به طرف صلح کرده و در مرحله نهایی قسمت دوم مذاکرات صحرایی سینا (در جایی که اسرائیل بایستی مناطق نفتی اشغال شده مصر را پس دهد) با به کار بردن سیاست ایران منابع قابل اطمینانی برای اسرائیل نگهداری کرده. بالاخره ایران به عنوان قوی ترین قدرت خلیج فارس در جستجوی ترتیباتی در زمینه تشکل امنیتی با دیگر

کشورهای خلیج فارس بوده، اگرچه سوءظن های ایرانیان سنت گرا از این واقعیت در آینده نزدیک باعث شود که احتمالاً بخواهند از آن جلوگیری کنند. در حالی که ما نیروهای مخالفی هم در مقابل منافع خود می بینیم که این تشکل امنیتی ایران و اعراب خلیج فارس احتمالاً یک برگ برنده ای برای ما خواهد بود.

نگهداری روابط اقتصادی، تجاری و روابط فرهنگی مفید

در سال ۱۹۷۵ آمریکا، آلمان را یکی از بزرگترین تهیه کنندگان کالای شخصی و خدمات به ایران و بازارهای جهان می داند.

فروش آمریکا به ایران البته غیر از وسایل نظامی در سالهای ۷۵ الی ۸۰ بالغ بر ۲۰ بیلیون دلار می باشد. لذا مبلغ پرداختی مازاد برای آمریکا بین ۸ الی ۱۰ بیلیون دلار می باشد. (فروش مهمات و تجهیزات نظامی تقریباً این مبلغ مازاد را دو برابر خواهد کرد). شرکت و تجارتخانه های آمریکایی به تعهدهای مختلف مشترک خود در ایران ادامه داده و مجموعه سرمایه گذاریها تقریبا ۰۰۰/۰۰۰/۵۰۰ دلار خواهد بود. عرضه بانک EX – IM (قرضها و ضمانتها) در ایران در حدود ۱ بیلیون دلار است. قرارداد کمسیون مشترک ایران و آمریکا به طور مؤثری در روابط همکاری ما در زمینه های گوناگون مثل برنامه های هسته ای و دیگر فرصتهای انرژی، کشاورزی، مسکن، قدرت آموزش فردی، حمل و نقل علوم

مفید واقع شده است. روابط فرهنگی ما وسیع می باشد؛ بالغ بر ۲۰۰۰۰ دانشجوی ایرانی در حال تحصیل در این کشور بوده و بیش از ۵۰ دانشگاه آمریکا با مؤسسات آموزشی ایران رابطه دارند.

۲ وضعیت سیاسی و اقتصادی ایران سیاسی

دو امر وابسته بر صحنه سیاست حکمفرما می باشند: یکی قدرت بلند پروازی بدون چون و چرای شاه که بیشتر تصمیمهای کوچک و بزرگ را می گیرد و دیگری ثبات سیاسی ایران است. تمام این برنامه ها نشان می دهد که این وضع حداقل برای سالهای آینده ادامه پیدا می کند.

شاه که تجربه ۳۵ سال سلطنت را دارد، توده وسیعی از مناطق پرجمعیت در مناطق روستایی به او وفا دارند و به طور کلی همکاری گروههای مسلح و دستگاههای اطلاعاتی و امنیت با او کامل می باشد. همچنین از حمایت بی دریغ گروههای تکنوکرات شخصی برخوردار است. بدون شک گروهی از دانشمندان و تکنوکراتها علاقه مند به امور سیاسی نیستند ولی سیستم سیاسی را قبول کرده اند و یا به طور آرامی با قدرت فرمانروایی شاه مخالف می باشند و همچنین خیلی از رهبران روحانی و طرفدارانشان رژیم سلطنتی کنونی و فرم سیاسی آن را قبول ندارند. معهذا مخالفت سازمانی با رهبری شاه و سیاستش محدود به تشکیلات تروریستی کوچک می باشد. تروریستهای فعال که از جانب گروههای متعصب راست گرا و چپ گرا هستند احتمالاً تعدادشان زیر هزار نفر بوده و متناوباً از پشتیبانی دو هزار نفر دیگر برخوردار می باشند.

تبلیغات پنهانی و قتلها، (قبلاً شامل ۶ آمریکایی در سه سال گذشته بوده است.) تروریستها به نظر نمی رسد که برای رسیدن به اهداف سیاسی خود که منجر به سرنگونی رژیم سلطنتی بشود از پشتیبانی زیادی برخوردار باشند. فعالیتهای دولت بیشتر در زمینه برنامه پیشرفتهای اقتصادی، قدرتمندی نیروهای مسلح ایران، و برنامه تنظیم شده که به عنوان انقلاب شاه و مردم شناخته شده است متمرکز

می باشد، عنوان قبلی که از سال ۱۹۶۲ در جریان قرار گرفته با یک مقیاس وسیع در برنامه اصلاحات اراضی استفاده شده. فعالیتهای مؤثر جدید بیشتر در زمینه های بیسوادی بهداشت، فساد در ادارات دولتی، دادگاههای محلی و شرکت عموم در مالکیت صنایع خصوصی می باشد. غیر متمرکز کردن قدرت مدیریت در خارج از تهران همچنین جزو برنامه های مهمی است که در دست بررسی می باشد.

ارزیابی برنامه های دراز مدت (۵ تا ۱۰ سال) و ثبات سیاسی ایران طبیعتاً مشکل به نظر می رسد. برای مدت ۳۰ سال به خصوص در ۱۵ سال گذشته یک جامعه خیلی سنتی به طرف جامعه اقتصادی سوق داده شده که در هیچ کشوری در جهان چنین سابقه ای نداشته. نتیجه این تغییرات افزایش فوق العاده در شماره ایرانیان تحصیلکرده، منجمله هزاران ایرانی تحصیلکرده در آمریکا و اروپای غربی و نیز مقیاس زیادی از مدنیت تمدن را نشان می دهد و همچنین اساس و فرم یک اقتصاد مدرن همپا با بخش کشاورزی سنتی و افزایش توقعات در بخشهای زندگی عمومی به صورت جداگانه و بی ثباتی ظهور خواهد کرد. در خلال این مدت بیشتر برنامه های فوق به طولانی شدن عمر شاه بستگی دارد.

انحلال احزاب موجود و تبدیل آنها به یک حزب سیاسی منفرد در سال ۱۹۷۵، به عبارت دقیق تر یک جنبش سیاسی وسیع، را به خاطر این پدید آورد که شاه لزوم شرکت سیاسی مردم را تا اندازه ای و هم چنین عدم تمرکز نسبی تصمیم گیری را درک کرده است. پروژه پیشرفتهای اقتصادی و اجتماعی همچنین

نشان دهنده بالا رفتن تقاضاهای مردم می باشد.

وضعیت اقتصادی

اگر چه در دهه گذشته برای وسعت بخشیدن به اساس اقتصاد قدمهای مؤثرتری برداشته شده است، معهذا اقتصاد ایران همچنان وابسته به صنایع نفت و تولید گاز طبیعی باقی مانده است. که تولیدات فوق روی هم رفته ۸۰٪ درآمد دولت ایران و ۹۸٪ تا ۹۹٪ درآمدهای مبادلات خارجی را تأمین می کند. آینده عمومی اقتصاد ایران رضایت بخش است. مبادلات اندوخته خارجی در پایان سال مالی تقریباً بالغ بر ۷ بیلیون دلار و درآمدهای واردات به مبلغ ۲۰ تا ۲۲ بیلیون دلار در سال ۱۹۷۵ باقی خواهد ماند.

سرمایه گذاران بازار جهانی آماده است که پولی از موجودیهای خصوصی و عمومی ایرانیان قرض بگیرد، معهذا در حال حاضر سرمایه های ایران به عنوان قرض دادن به کشورهای خارجی بیشتر از آن است که او از کشورهای خارجی قرض می گیرد.

طرح توسعه و پیشرفت برنامه ششم در سالهای ۷۸ الی ۸۳ انجام خواهد گرفت. دولت تصمیم دارد که تا پایان این مدت، ایران بر پایه های اقتصادی قرار گرفته و در زمینه پیشرفتهای گوناگون اقتصادی برای کاهش صدور ذخیره نفتی اقدام کند (که منجر به نگهداشتن ذخایر محدود نفتی در یک حد دلخواه و افزایش صنایع نفتی و کود و پتروشیمی و دیگر مشتقات نفتی برای نیازهای محلی می باشد). توانایی ایران برای رسیدن به این اهداف به طور جدی با کمبود نیروی انسانی در تمام سطوح مواجه خواهد شد اما این امر به طور ویژه در مورد افراد ماهر و کارگران متخصص و در سطوح متوسط و پایین صدق می کند. جریان توسعه برنامه عمرانی (در سالهای ۱۹۷۵ ۱۹۷۳) پس از تحقق یافتن، امکان دارد فقط ۶۰ درصد موفقیت کسب کند. یک قسمت زیادی از این کمبود احتمالاً محدود به کمبود نیروهای انسانی و خط سیرهای باریک حمل و نقل می شود.

رهبران ایران در تلاش هستند که یک اقتصاد متنوع قوی برای پاسخگویی به احتیاجات مردم و یک اساس سیاست جدید قبل از اینکه ذخائر نفتی کشور به طور تقریبی در اوایل سال ۱۹۹۰ به پایان برسد بنا بگذارند. این، کار ساده ای نبود و موفقیت در این برنامه غیرقابل قبول به نظر می رسد.

۳ اوضاع و روابط سیاسی ایالات متحده آمریکا با ایران

روابط ایران و آمریکا عالی می باشد. این روابط در مدت ۳۰ سال بر پایه همکاریهای نزدیک برقرار بوده که قسمت وسیعی از منافع ما را در زمینه های مورد نظر در برمی گیرد. بازتاب دیگر داخلی که به توافقنامه همکاری ایران و آمریکا در سال ۱۹۵۹ و عضویت ایران در تشکیلات پیمان مرکزی انجامید باعث این شد که ایران تحت حمایت ما قرار گیرد.

معهذا یک تغییر قابل ملاحظه ای در تعادل این روابط در خلال دهه گذشته رخ داده است. ابتدا اعتماد یک جانبه از طرف ایران به آمریکا وجود داشته، در سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ روابط ما با ایران به صورت حمایت از ایران بود. همان طور که اقتصاد ایران به صورت ناگهانی ترقی کرد، ثبات سیاسی افزایش پیدا کرده و ارتش توسعه یافت و درآمد نفتی دو برابر و سه برابر شده و تعادل ما بین دو کشور تغییر کرده ایران به طور چشمگیری رو به استقلال رفت و به طور مسرت بخشی خواستار این است که آمریکا نظراتش را

بررسی کند. به استثناء قیمت نفت، این تغییر تعادل هیچ گونه مخالفت جدی در بین دو طرف به وجود نیاورده است. اما در روابط دو جانبه اشکالاتی ایجاد کرده است.

محتوای اصلی سیاست خارجی ایران تحت رهبری شاه و یا جانشین او بر این پایه است که از نفوذ شوروی در ایران واهمه دارند. مانع اصلی این تهدید این است که (همین تهدید باعث گردیده) شاه نمی تواند آمریکا را با کشوری دیگر معاوضه کند. معهذا به عنوان یک قدرت اجرایی پذیرفته شده، شاه با دقت اعمال ما را بر اساس مناسبات دو جانبه و اینکه آیا تغییرات اساسی در سیاستهای ما و اراده ما در مقابله با شوروی تغییر می دهد یا نه، ارزیابی می کند. او نگرانی عمیق خود را در یک یا دو سال اخیر مبنی بر اینکه آیا آمریکا به عنوان یک متفق مورد اطمینان و قدرت منطقه ای دراز مدت باقی خواهد ماند اظهار کرد. این نگرانیها ناشی از رشد عمومی و انتقاد کنگره ای از خریدهای نظامی ایران و اعمال ایران نسبت به روش و موضعی که در زمینه مسایل گوناگون فیمابین ایران و آمریکا در پیش می گیریم، و همچنین تلاشهایی که ایران را در این اختلافات، مطیع جهت ما می کند، حساسیت نشان خواهد داد. اگر او تصمیم درست و یا غلطی بگیرد و در مورد تغییرات در روابط ایران و آمریکا پیش بینی هایی در منطقه نماید و درک کند که به حال منافع مهم می باشد. قادر خواهد بود توازنی در سیاستش که می تواند نشان دهنده منافع ما باشد در پیش گیرد. به هر حال امکان دارد که به صورت شکست خودش بروز کند.

۴ مسایل مهم

فروش تجهیزات نظامی: به کار بردن درآمد نفت برای یک ارتش نیرومند و مجهز با مدرن ترین سلاحها در درجه اول اهمیت قرار دارد و مخصوصاً چیزی است که شاه به آن علاقه زیادی دارد. برای شاه دسترسی به تجهیزات و تکنولوژی و خدمات (ارتش) در درجه اول اهمیت قرار دارد. اگرچه ایران مقدار زیادی از تجهیزات کشورهای دیگر خریداری می کند، بهرحال درصد خیلی زیادی از این کالاها از

آمریکا وارد می شود. (که از سال ۱۹۷۰ بیش از دو میلیون دلار بوده است.).

ایران ترجیح می دهد که از منافع آمریکا که به آنها عادت و آشنایی دارد و به تمام خواسته هایش البته نه همه آنها جواب مناسب می دهد استفاده کند. در سالهای اخیر که معمولاً جوابهای مناسب آمریکا در این زمینه بر پایه سیاستی که «به طور معمول تصمیم ها برای دریافت تجهیزات نظامی بر عهده دولت ایران می باشد» استوار گردیده است.

در حال حاضر سه درخواست بزرگ تحت مطالعه و بررسی وزارت دفاع آمریکا است و منتظر تصمیم اجرایی می باشد. این سه درخواست عبارتند از: ۱ ۱۴۰ فروند هواپیمای ۱۶ F(خریداری تعداد ۱۶۰ فروند از این نوع هواپیماها قبلاً به تصویب رسیده). ۲ هفت عدد آواکس ۳ ۲۵۰ ۳ .E فروند هواپیمای L ۱۸ – F. در صورتی که درخواستها به تصویب برسد، بعداً آنها را تسلیم کنگره خواهند کرد. ایران به نظر می رسد که می داند هیچ گونه تصمیمی در آینده نزدیک تا قبل از ۲۰ ژانویه گرفته نخواهد شد.

نقشه های توسعه نظامی جاه طلبانه شاه، دسترسی پیاپی به تجهیزات که او از منابع آمریکا می خواهد، و سیاست عدم مبادرت در رد کردن احتیاجات نظامی ایران. مناسبات نظامی با ایران را هدف اصلی طرفداران کنترل فورش اسلحه و حمایت کردن از کنگره قرار داده است.

به هر حال یک تغییر اساسی در آینده این خط مشی، موجب یک ریسک خواهد شد که شاه با عمالی بر

علیه ارتشیها و دستگاههای اطلاعاتی جاسوسی ما در ایران و به احتمال زیاد با اقتصاد و منافع تجاری ما مخالفت کند. به علاوه سیاستی که مبنی بر اختصار (کم کردن) فروش تجهیزات نظامی در بعضی از امور مخصوص موجب مقایسه بین آنچه را که ما برای ایران می کنیم و آنچه را که شوروی برای مشتری عراقی انجام می دهد می شود. همچنین این سؤال پیش می آید که آیا سیاست منع فروش تجهیزات نظامی بیشتر با سیاست دراز مدت ما، مبنی بر ساختن ایرانی که بتواند مثل یک سد در مقابل توسعه شوروی در منطقه بایستد متناقض نخواهد بود؟

قیمتهای نفت

در طی سه سال گذشته، ایران یکی از طرفداران عمده افزایش قیمت نفت بوده، ولو اینکه قیمت نفت در جلسه اخیر اوپک در دو دهه فقط ۵ الی ۱۰ درصد افزایش یافته ولی می توانیم از ایران این توقع را داشته باشیم که در آینده چشم به افزایش قیمت را داشته باشد.

ایران اغلب جواب منفی مبنی بر عدم افزایش قیمت نفت به آمریکا داده است. از طرف دیگر بحث می کرد که افزایش قیمت نفت باعث ایجاد انگیزه در کشورهای صنعتی خواهد شد تا به دنبال منابع انرژی غیر از نفت بگردند. ما اغلب این برنامه ها را با شاه مطرح می کنیم ولی در زمینه مخالفت شخصی نقطه نظرهای ما، ما درصدد استفاده از نفوذی که برای مثال در رد یا به تأخیر انداختن فروش تجهیزات نظامی را دارا هستیم نمی باشیم و می گوییم که اعمال نظیر آن در هدف نهایی موفق نخواهد بود و از لحاظ اقتصادی در مناطق دیگر سودمند نخواهد بود. این تنها مسئله ای است که شاه شخصاً به عنوان خواسته هایش دنبال خواهد کرد. او تنها افزایش درآمد تا آنجایی که مقدور است را می خواهد در ارتباط با این مسئله، قابل ملاحظه است که منافع ایران تا اواخر سال ۱۹۸۰ به طور چشمگیری سقوط خواهد کرد.

حقوق بشر

وضعیت حقوق بشر در ایران به طور وسیعی در آمریکا درک شده است و موجب نارضایتی افراد و گروههای نزدیک به ایران را شده است. این اتفاقِ نظر به همراه مقررات قانونی می تواند باعث کاهش انعطاف ما در مقابله با ایران و موجب اصطکاک بین روابط شود.

یکی دیگر از مشکلات اساسی اخیر مسئله ساواک و تشکیلات حفاظتی ایران می باشد که نظارت مستقیم بر دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا داشته و کارهای غیر قانونی انجام می دهد. در وهله اول رهبران ایرانی معتقدند که این امر مملکتی است. ولی همچنین، خارجیان پیشرفتهای بزرگ ایران را در جهت احیای حقوق سیاسی و اجتماعی نادیده می گیرند و رفتار مخالفین سیاسی در ایالات متحده به صورت غلطی اغراق آمیز و گمراه کننده است.

برنامه های دراز مدت

استقلال قطعی و شاهنشاهی دراز مدت ایران و سیستم مقتدرانه می تواند ما را به طرف افزایش سایر اختلافات در سیاستهای مربوط به خودمان و همچنین در افزایش سایر اختلافات سوق دهد. در زمره سؤالاتی که باید با دقت دسته بندی شوند عبارتند از: ۱ آیا افزایش مناسبات ایران و عراق موجب تضعیف

روابط ایران و اسرائیل خواهد شد؟ ۲ آیا افزایش قدرت نظامی ایران باعث مداخله یکجانبه در امور مناطق خلیج فارس خواهد شد؟ ۳ آیا واقعاً تهیه تجهیزات نظامی برای ایران موجب تحریک یک مسابقه تسلیحاتی در منطقه نخواهد شد؟ ۴ آیا ایران موضع محکمتری در مسایل LO - OC و شمال و جنوب خواهد گرفت.

۵ رعایت حقوق بشر

ایران یکی از ممالک مقتدر منطقه است و همچنین در روشهای قانونی خاصی در رابطه با جنایتهای درگیر با مسایل امنیت را دنبال می کند. هر دو مطلب منجر به انتقاد بین المللی گشته، اما این انتقادات در مورد رفتار ایرانیان با محکومین امنیتی می باشد.

گزارشهایی در زمینه حقوق بشر از سازمان عفو بین المللی و همچنین دو تن از نظاره گران کمیته حقوقدانان ادعاهای امنیتی مبنی بر قانونی بودن سیستم به طور معمولی دو موضوع را در بر می گیرد: محدوده قدرت مقامات ساواک در فعالیت به عنوان مقامات ارتشی در دادگاههای نظامی بعضی افراد، تعداد مردمی که در رابطه با وقایع مربوط به سازمان امنیت دستگیر شده بودند، ادعاهای بر افرادی که در رابطه با جنایات سازمان امنیت ماههای زیادی بدون داشتن اتهام قانونی و بدون داشتن دسترسی به وکلا متهم شده بودند، در اسارت گرفتن تعداد نامحدودی از زندانیان سیاسی، ادعای مبتنی بر به کار بردن شکنجه و دیگر تهدیدهای وحشیانه در مقابل چنین افراد، اینکه تمام این متهمین در دادگاههای نظامی به طور دربسته و بدون مشورت کافی محاکمه گشته اند، و این حقیقت که حقوق برگشتی متهمین از جانب ساواک و تصمیمات دادگاه محدود می باشد.

دولت ایران به بیشتر این اتهامات جواب داده و از به کار بردن روشهای خاص امنیتی خود دفاع کرده. رویه معمولی دنبال شده این است که تهدیدات بر علیه امنیت ملی به اندازه کافی جدی بوده و افرادی که این

جرمها را مرتکب شده اند، آنقدر بیرحم هستند که باید روشهای خاصی اتخاذ گردد.

در رابطه با این جریان بایستی توجه کرد که قدرت ایالتی متمرکز شده اجدادی ایران در یک استمرار تاریخی در مقابل کمونیسم و دیگر جنبشهای مخالف و فعالیتهای تروریستی بوده است.

دولت ایران هم متوجه طرفداری جوامع خارجی از سیستم دادگاهی و قضایی معمولی او شده است و می افزاید تا زمانی که موجودیت رژیم هم مورد حمله و تهدید واقع شده باشد، معتقد به استفاده از دادگاههای جنحه و جنایی و غیرنظامی و عادی نمی باشد.

۶ موضع گیری کنگره راجع به ایران

ما معتقدیم که وابستگی و مهم بودن ایران برای منافع ملی ما در کاخ سفید، به خصوص سنا قابل درک است. ولی توجه روزافزونی بر روی چند سال گذشته و یا بیشتر بر روی نقش ایران در بالا بردن قیمت نفت، میزان خریدهای نظامی ایران، احتمال یک حرکت نظامی غیر مسئولانه در آینده بعد از شاه و دیدگاه های ایران که راجع به حقوق بشر وجود دارد را می رساند. این اقدامات می تواند منجر به وجود آوردن مخالفینی از جناح لیبرالها در رابطه با پیشنهاد فروش سلاحهای جنگی به ایران در هر دو مجلس بشود و احتمال به وجود آمدن بحث جدی در مورد تقاضای F-۱۸L در زمانی که این تقاضا به کنگره داده می شود، بگردد.

سند شماره ۲۰

طبقه بندی: سرّی تاریخ: ۲۶ ژانویه ۱۹۷۷ ۶ بهمن ۱۳۵۶

از: سرپرست سازمان اطلاعات مرکزی (CIA) ای. اچ. نوچ

به: آقای مک میکلوس کاردار موقت سفارت آمریکا تهران ایران

آقای میکلوس عزیز

سفیر لیتل در نامه اش مورخ ۹ آگوست ۱۹۷۶ موقعیت و منظور FOCUS ایران را به اطلاع سفیر هلمز رساند و از هیئت برای مشارکت در آن دعوت کرد. من خوشوقت هستم که کامل شدن FOCUSایران را به اطلاع شما می رسانم و نسخه اصلی گزارش نهایی را برای اطلاع و استفاده شما ضمیمه می کنم.

FOCUS ایران یک گزارش جامع است. ما در انجام بررسی متوجه شده ایم (این موضوع در گزارش منعکس شده است) که علاقه واشنگتن به سفارت آمریکا تهران به طور استثنائی زیاد است. از آنجا که منافع تصمیم گیرندگان سیاسی و تحلیلگران آنقدر وسیع و متنوع است، ما معتقدیم که یک لیست محدود ارجحیت داده شده از اقلام منافع اطلاعاتی مالی برای شما می تواند، سودمند باشد. سفیر لیتل در آینده چنین لیستی را در اختیار شما خواهد گذاشت. شما انتقاد از بی میلی مستشاری نظامی را در تهیه اطلاعات برای نمایندگان جامعه اطلاعاتی در تهران برای اینکه این اطلاعات بتواند به کانالهای اطلاعاتی ملی برود، ملاحظه خواهید کرد. به من گفته شده است که وضعیت هم اکنون خیلی بهتر شده است. ما در نظر داریم که این موضوع را با وزارت دفاع مطرح کنیم. این وضعیت از هیئتی به هیئت دیگر تفاوت دارد ولی این چهارمین باری است که مشکل در بررسیهای FOCUS پدیدار شده است. از زمان آغاز آن در دو سال قبل، FOCUSبرای اشخاصی که در واشنگتن با گزارش از خارج در ارتباطند سودمند بوده است. امیدواریم که تلاشهای هیئتهای نمایندگی خارج از کشور که نقش اساسی در تهیه اطلاعات ملی سراسری دارند را ارج

بگذاریم. FOCUSایران برای ما سودمند بوده است و امیدواریم که برای شما و تیم کشوریتان نیز مفید باشد. من از شما دعوت می کنم که نظراتتان را در مورد گزارش FOCUSیا اکنون و یا بعد از دریافت مجموعه گزارشها از سفیر لیتل، ابراز دارید. اگر شما راهی برای اینکه ما حمایتمان را از سفارت شما مستحکم تر کنیم می بینید، لطفاً به اطلاعمان برسانید.

ای. اچ. نوچ

کفیل سرپرست

ضمیمه

سرّی

سرپرست سازمان مرکزی اطلاعات CIA

کمیته منابع انسانی

کمیته فرعی ارزشیابی FOCUSایران

بررسی جامعه اطلاعاتی از گزارشات منابع انسانی تهیه شده توسط هیئت آمریکا در ایران

ضمیمه کشفیات یک بررسی درون سازمانی از گزارش عوامل مختلف جامعه اطلاعاتی و دیگر بخشها و سازمانها در ایران می باشد و تحلیل های FOCUS از گزارش هیئت های نمایند گی خارج از کشور به وسیله کمیته منابع انسانی به منظور بالا بردن مدیریت مؤثر هماهنگی و بکارگیری برنامه های گزارشی چه

در محل مأموریت و چه در سطح واشنگتن انجام می گیرد.

تحلیلهای FOCUS در دو قسمت است، قسمت اول مفاد گزارش، یعنی کفالت و اقتضاء و به موقع بودن آن و میزان جوابگویی گزارش به اطلاعات مورد نیاز سیاستمداران واشنگتن و جامعه اطلاعاتی را ارزیابی می کند. ارزیابی گزارش به وسیله مأمور اطلاعات ملی مربوطه و بر اساس یک سمینار بین سازمانی که در آن تحلیلگران اطلاعاتی و سیاستمداران شرکت می کنند، نوشته می شود. برای آن جنبه های این ارزیابی که در آن توافق عمومی به دست می آید، برای ثبت نظرات مخالف پیش بینی هایی به عمل آمده است.

قسمت دوم: بررسی اقدام: ۱ مشکلات گزارش دادن و فرصتهایی که ناشی از ارزیابی گزارشها که با خود ارزیابی یکسان است را بررسی می کند. و ۲ پیگیری اقدام موافقت شده و یا توصیه شده را انجام می دهد. هدفهای چنین کاری این است که راههای بهتری را برای بهبود هماهنگی در سطح واشنگتن پیشنهاد کرده و اطلاعات و حقیقت یابی هایی به منظور یاری سفرا در نظارت کلی بر منابع و برنامه ها و گزارش حوزه مأموریت فراهم کند. بررسی اقدام بر اساس یک بحث کمیته فرعی ارزشیابی در مورد نظرات نوشته شده که به وسیله مدیران گزارش واشنگتن تهیه شده و یک آزمون ارزیابی گزارش در مقابل سابقه فعالیتهای گذشته عناصر گزارش دهنده، شرایط محیطی درگیر در کار گزارش، تناسب خطوط راهنمای گزارش و موضوعات مربوطه مؤثر در به کارگیری، مدیریت و هماهنگی برنامه های دایره گزارش می باشد. کمیته منابع انسانی از نظرات و با توصیه های مربوط به برنامه FOCUS استقبال می کند.

قسمت اول تشخیص گزارش FOCUSایران

واشنگتن دی. سی. ۲۰۵۰۵ مأموران اطلاعاتی ملی

تاریخ: ۴ نوامبر ۱۹۷۶ ۱۳ آبان ۱۳۵۵

برای: سفیر ادوارد. اس. لیتل، رئیس کمیته منابع انسانی

از: دیوید. اچ. بلی مأمور اطلاعات ملّی برای خاورمیانه

موضوع: قسمت اول تشخیص گزارش FOCUSایران

۱ مقدمه: در تاریخ ۱۴ اکتبر ۱۹۷۶ یک سمینار بین سازمانی به ریاست من برای رسیدگی به مفاد گزارشهای هیئت نمایندگی ما در ایران تشکیل شد تا کفایت، تناسب، به موقع بودن و جوابگویی گزارش به اطلاعاتی مورد نیاز سیاستمداران واشنگتن و انجمن اطلاعاتی را بررسی کند. بیش از ۴۰ نفر در سمینار شرکت کرده بودند. نمایندگان چند اداره در وزارت خارجه، کارمندان USIA ،NCS(آژانس اطلاعاتی)، DOD/ISA(وزارت دفاع)، مأموران مختلف CIAو DIA(آژانس اطلاعاتی دفاعی)، خدمات نظامی، NSA، وزارت خزانه داری، و کارمندان جامعه اطلاعاتی. لیست دفاتر شرکت کننده در برگ Aمی باشد. بحث سمینار که اساس این گزارش را تشکیل می دهد در حدود سه ساعت به درازا کشید و نسبتاً برنامه کار را که در برگ Bهست به خوبی دنبال می کند. سفیر هلمز برای شرکت در FOCUSدعوت شده بود و سرهنگ پاتریک (دستیار من) FOCUS را با هیئت نمایندگی در تهران در آینده نزدیک در میان خواهد گذاشت.. نظرات و پیشنهادات سفیر هلمز به دقت مورد بررسی قرار خواهد گرفت. خصوصاً در قسمت بعدی بررسی FOCUS.

۲ نظریه های کلی: سعی نشده که بحث در تمام برنامه کار و دیگر موضوعات خلاصه شود. در عوض

من موضوعات منتخب را مورد توجه قرار داده ام. به خصوص بعضی از آنها که لزوم فعالیت پیگیری را چه در واشنگتن و چه در هیئت نمایندگی می رسانند. در بحث در مورد موضوعات اطلاعاتی و گزارشی حال و آینده تلاش کرده ایم که حداقل با یک روش کلی ارجحیت و اهمیت اطلاعات و اثر آن بر آمریکا و برنامه هایش را مورد توجه قرار دهیم.

۳ به طور کلی گزارش از هیئت در مورد اغلب موضوعات خیلی خشنود کننده است. خیلی از مشکلات تحلیل و اطلاعاتی که وجود دارند، از طبیعت ساخت قدرت ایران ریشه می گیرند. چون که شاه تقریباً یک سلطان مطلق (مستبد) است، تشخیص اینکه او واقعاً چه فکری می کند مهم است تا در نتیجه از آن چیزی که برای خوشایند شنوندگان به خصوص اظهار می دارد، متمایز شود. گزارشات گفتگوهایی که سفیر هلمز و دیگر مقامات عالیرتبه آمریکایی با شاه داشته اند، در این باره مفید هستند، به خصوص وقتی که آنها شامل نظریه های خصوصی شخص گزارش دهنده باشند.

۴ ملاحظات منطقه ای: گزارش در مورد روابط ایران با اغلب همسایه هایش خوب بوده است (نه فقط از هیئت نمایندگی در تهران، بلکه همچنین از هیئتهای نمایندگی آمریکا در دیگر کشورها). برای مثال گزارش در مورد روابط ایران و عربستان سعودی عالی بوده است، اگرچه گزارش مبسوطی نیز از گفتگوهای دو جانبه درباره ملاحظات اقتصادی و ترتیبات امنیتی دو طرف مفید خواهد بود. گزارش وسیعی در مورد روابط ایران و عمال و گزارش کافی از روابط با کشورهای آسیای جنوبی داشته است. به عنوان یک موضوع دراز مدت، تشخیص و تحلیلهای مداوم هیئتهای نمایندگی در مورد ملاحظات ایران در منطقه اقیانوس هند مورد استقبال واقع خواهد شد.

۵ دو مورد به خصوص اسرائیل و عراق هستند: توافق شرکت کنندگان در سمینار بر این است که گزارش از تهران یک دید کافی از روابط اسرائیل ایران به دست می دهد. این رابطه یک موضوع پراهمیت

خواهد بود که اطلاعات بیشتر از جانب ایران به دست آورده می شود.

۶ مشکلات ما در ارزیابی روابط ایران عراق: به واسطه عدم حضور یک سفارت در بغداد پیچیده هستند. این موضوع ما را مجبور می سازد که به مقدار زیادی به گزارش هیئت ایرانی تکیه کنیم. پوشش گزارشی عالی در زمان درگیریهای عراق و کردها وجود داشت ولی گزارشهای فعلی پراکنده است، حتی درباره ایران. پیشنهاد شد که محدودیتهای تکنیکی جمع آوری شده (اطلاعات) و اتکای زیادمان بر اطلاعات تهیه شده به وسیله ساواک در زمینه منابع انسانی را می توانیم به وسیله افزایش تحلیل هیئت نمایندگی در مورد روابط ایران و عراق جبران کنیم.

۷ یک نگرانی اساسی که به وسیله تعدادی از استفاده کنندگان از گزارش ابراز شده این بود که واشنگتن به روشنی در مورد هدفهای دراز مدت شاه آگاهی ندارد. برای مثال چرا او به جمع آوری وسیع لوازم پیچیده نظامی مشغول است؟ شاه اظهار می دارد که استحکامات کافی در مقابل عراق کمونیست مجهز فقط احتیاطی هستند، ولی تهیه پایگاههای جدید منافع دیگری را تداعی می کند. در سال ۱۹۸۵ وقتی که درآمدهای نفتی از تولید ایران به نقطه اوج رسیده و همسایه های نفتی ثروتمندش آن طرف خلیج فارس هستند، شاه قصد دارد که با تسلیحات ذخیره شده اش چه بکند؟ آیا او هنوز اظهار علاقه برای ثبات منطقه خواهد کرد؟ یا او هدفهایی برای بی ثباتی خواهد داشت؟ تلاشهای توسعه داده شده تیم کشوری برای تشخیص هدفهای دراز مدت شاه و معرفی گرایشهای دراز مدت در منطقه خلیج فارس و همچنین

تأکیدی در مورد تحلیل در میان جامعه واشنگتن مورد نیاز است.

۸ دیگر روابط خارجی، هیئت نمایندگی در زمینه توسعه روابط با شوروی ارجحیت قائل شده است و کار بسیار خوبی در گزارش این موضوع انجام داده است. نظریه های که از طرف شرکت کنندگان در واشنگتن در مورد گزارش روابط خارجی ایران به طور کلی ابراز شد، شامل نکات زیر می باشد: (۱) نیاز به توافق استفاده کنندگان در واشنگتن در مورد تهیه لیستی مطابق روز و به طور مرتب از نیازهای گزارشی هیئت نمایندگی. (۲) ارزش گزارش در مورد عکس العملها از منابع گوناگون (منجمله کارمندان متوسط دولت) تا اینکه تقریباً به طور کامل بر روی گفتگوها با کانالهای ارتباطی ارشد دیپلماتیک یا اطلاعاتی تکیه شود. (۳) نیاز برای گزارش کاملتر هیئت در مورد روابط اقتصادی علمی و دفاعی ایران با فرانسه، بریتانیا، و تمام کشورهای اروپای شرقی. وزارت خارجه و دیگر سازمانهایی که موضوعات مواد مخدر را دنبال می کنند اصرار کردند که گزارش در مورد ارتباط مواد مخدر به وسیله تمام عوامل مناسب سفارت افزایش یابد.

۹ روابط دو جانبه با ایالات متحده، گفتگوهای قابل ملاحظه ای درباره حجم قراردادهای دوجانبه رسمی و غیر رسمی بین ایالات متحده و ایران و مشکلات و احتمالاتی که این قراردادها برای سیاستمداران و کارشناسان اطلاعاتی به وجود می آورد مطرح شد، به عبارتی همان طور که یک شرکت کننده از NSC تأکید کرد. هزاران پیمانکار آمریکایی مستقل از کانالهای قانونی و قبل از اینکه دولت آمریکا موفق به بررسی مفاهیم سیاست خود بشود با دولت ایران رابطه تجاری برقرار می کنند. این موضوع یک مشکل جدی سیاسی را برای دولت آمریکا تشکیل می دهد. به عبارت دیگر، هزاران آمریکایی غیر رسمی به طور قانونی در ایران هستند که نشان دهنده یک ذخیره پنهانی مهم اطلاعاتی هستند، ولی هیئت نمایندگی فاقد پرسنل برای به عهده گرفتن یک تلاش سیستماتیک برای بهره برداری از

این داراییها است.

۱۰ موقعیت (وضعیت) داخلی: ما نه فقط به بازتابهای بیشتری در مورد اینکه چه چیزی در پشت حرفها و اعمال شاه است، بلکه همچنین اطلاعات اضافی و تحلیلهایی در مورد اینکه چگونه تصمیمات شکل می گیرند و چه کسی در اتخاذ آنها تأثیر دارد، احتیاج داریم. در این باره دانستن اینکه چو موضوعاتی در شاه پنهان نگه داشته می شود و اینکه به چه میزان گزارشهایی که به او داده می شود توسط زیردستانش دستکاری می شود، خصوصاً مهم می باشند. تا چه حدی این کارهای جلوی دید او را می گیرد؟ او را منزوی می کند؟ و رژیم او را به خطر می اندازد؟ باید تذکر داده شود که ایرگرامهای اخیر سفارت (در مورد ۱۵ فرد «عالیرتبه در اطراف شاه، و مقامات بالای نظامی» نمایانگر نوع گزارشی است که خصوصاً سودمند می باشد. به هر حال تحلیلگران وزارت خارجه در میان آنهائی بودند که اظهار داشتند که اطلاعات و تحلیل ها کافی درباره جانشینی تاج و تخت ندارند. نحوه انتقال قدرت چه خواهد بود؟ رهبران چه کسانی خواهند بود؟ پروژه های شاه، منجمله برنامه های توسعه اقتصادی او چگونه با رفتنش متأثر خواهد شد؟

۱۱ گزارش بیوگرافی باید دوباره مورد تأکید قرار گیرد. چیزی که مورد احتیاج است فقط اطلاعات بیوگرافی نیست، بلکه تحلیلهای بیوگرافی و اطلاعاتی است. چنین گزارشی بایستی که بر روی رهبران مهم و مؤثر متمرکز شود، و همچنین افسران ارشد و اعضای اصلی خانواده سلطنتی. یک توصیه برای کاستن

این ضعف، راههای بهتری برای بهره برداری از تجربه مقامات همیاری امنیتی آمریکا و به دست آوردن گزارش موجود حاوی اطلاعات در مورد عقاید مقامات نظامی ایران، است. علاوه بر این تلاشی باید در واشنگتن صورت گیرد که تحلیلهای بیوگرافی در دسترس، در میان جامعه اطلاعاتی تقسیم و منتشر گردد.

۱۲ گزارش در مورد تروریسم خوب بوده است، اگر چه ما وابسته به اطلاعات تهیه شده به وسیله ساواک باقی می مانیم. یک احتیاج مداوم به اطلاعات دست اول درباره عوامل مختلف وجود دارد. در حالی که از نظر سیاسی ملاقات با مخالفین شناخته شه شاه برای مقامات سفارت یک موضوع مشکل و حساس است. هیأت نمایندگی باید زیادترین مقدار تماسهای ممکن را داشته باشد.

۱۳ برای درک بهتر از چگونگی برخورد ایرانیان عادی، وضعیتشان مورد نیاز است. برای مثال، وقتی که برنامه های مبارزه با تورم و فساد شروع شد، هیأت گزارش خوبی از اثرات این جریانات بر روی تجار ایرانی تهیه کرد. چنین گزارشاتی تقلیل پیدا کرده است. به طور مشابه، ما به اطلاعات دست اول در مورد اثر اساسی طرحهای توسعه اقتصادی احتیاج داریم. آیا پیشرفت (بهبودی)های اقتصادی قابل لمس در سطح روستا وجود داشته است؟

۱۴ موضوعات دیگری که مورد بحث قرار گرفت شامل، احتیاج به شناخت بهتر ساواک، کارکرد داخلی آن، قابلیت اتکای سیاسی و نفوذ آن بر روی شاه می باشد. در ارتباط با اطلاعات در مورد ساواک سؤالهایی در زمینه متدهای آن و وضعیت حقوق بشر در ایران وجود دارد.

گزارش از هیأت نمایندگی واقعاً خوب بوده است، ولی حتی پوشش بهتر در رابطه با توجه مستمر کنگره مورد نیاز است.

۱۵ ملاحظات اقتصادی: البته گزارشات اقتصادی وسیع از هیأت وجود دارد که بسیاری از آنها سودمند است. پوشش خوبی از موانع آشکار در سر راه پیشرفت وجود دارد (برای مثال احتیاجات برای

نیروی انسانی ماهر، بنادر و غیره). گزارشات عمیق تر در مورد توسعه وسیع صنایع بخشهای مهم صنعتی (برای مثال فولاد، پتروشیمی و مس) موجب قدردانی خواهد بود. رقابت میان ارتش و قسمتهای غیرنظامی برای نیروی انسانی ماهر، کمیاب و اثر چنین رقابتهایی بر روی آمادگی ارتش و اقتصادی غیرنظامی مستلزم تأکید بر گزارشات مخصوص است. جنبه های کمی نیروهای انسانی و درجه تأثیر (سودمندی) تلاشهای آموزشی نیز مستلزم تحقیقات وسیع تر است.

۱۶ ایرانیها اطلاعات خود را درباره راه حل های جایگزینی به جای نفت در آینده به عنوان یک منبع انرژی در میان می گذارند. درباره استراتژی قیمت گذاری نفت، گزارش CIA/DOD(وزارت دفاع و سیا) خصوصاً سودمند است، چون اطلاعاتی را فراهم می کند که برتر از تعبیرات (گفته های) مقامات ایرانی است. یک نماینده وزارت خزانه داری گفت که اطلاعات بیشتری از طراحان و تکنسینهای شرکت ملی نفت ایران سودمند خواهد بود. خصوصاً در مورد طرحها و استراتژی ای صنعت نفت. به طور مشابه اطلاعاتی در مورد توسعه ذخایر گاز طبیعی و پیش بینی ها برای صادرات بیشتر مورد نیاز است.

۱۷ ارتش و T و S: توجه قابل ملاحظه ای در میان گفتگوهای سمینار به وسیله تحلیلگران نظامی درباره عدم وجود اطلاعات قابل اطمینان در میان جامعه اطلاعاتی درباره تواناییهای نیروهای مسلح ایران ابراز شد. اطلاعات اصلی OB و Eو TO به سادگی در دسترس نیست. به علاوه ارزیابی تهدید نظامی و غالب آمدن بر توازن قوای منطقه ای نیز علیرغم حضور قابل توجه نظامی آمریکا در ایران ناقص است.

گزارشات خوبی از شرکتهای آمریکایی که ایرانیها را در زمینه تجهیزات (مثلاً هلیکوپتر) آموزش می دهد سازنده بوده است. اطلاعات بهتری در مورد ساختمان بنادر و پایگاههای ایران مورد نیاز است. متأسفانه، گزارشات آموزشی سازمان همکاری امنیتی، گزارشات مسافرت به پایگاههای ایران و اطلاعات مشابه به طور عادی به تحلیلگران اطلاعاتی در واشنگتن نمی رسد.

۱۸ گزارشات عالی درباره طرحهای توسعه اتمی ایران رسیده است. هر نشانه ای که ایرانیها در حال پیشرفتی برای توسعه سلاحهای اتمی هستند، خصوصا،مهم خواهد بود.

۱۹ بیشتر اطلاعاتی که هم اکنون درباره همکاری در تولید (تولید مشترک) نظامی یا انتقالات سلاح به کشور ثالث در دسترس است، به وسیله شرکتها تهیه شده و یا در هیأت کنترل تدارک پرونده شده است. ما برای قضاوتهای مستقل در چنین زمینه هایی اطلاعات نامناسبی داریم. خصوصاً تشخیص احتمال انتقال تکنولوژی پیچیده ایالات متحده مشکل می باشد. هیأت باید به جدا کردن گزارش در مورد تولید نظامی ادامه دهد تا مطمئن باشیم که گزارش بین قسمتهای نظامی و اقتصادی واقع نشود.

۲۰ ملاحظات برای آینده: تعدادی توصیه توسط شرکت کنندگان در سمینار در جهت افزایش پوشش گزارشی عنوان شد. من توصیه می کنم که اینها به وسیله کارمندان HRC و در مشاوره با مدیران مناسب (جمع آوری اطلاعات) واشنگتن بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

یک مأمور مورد احتیاج سفارت (احتمالاً یک مأمور سیاسی نظامی) برای اطمینان پیدا کردن از تلاشهای سیستماتیک هیأت برای تعقیب ردپای معاملات مهم مقاطعه کاران و بازرگانان آمریکایی با دولت ایران سودمند خواهد بود. این مأمور همچنین باید که هدایت طرح ریزی ارزیابهای متناوب تیم کشوری را در اهمیت برد کامل فعالیتهای ایالات متحده در ایران و اثرات آن بر روی دولت ایران و اهالی ایران و هدفهای سیاسی خارجی آمریکا به دست گیرد.

استعداد نهانی سازمان همکاری امنیتی محتاج این است که بیشتر به کار گرفته شود. ارتباط ها با ایرانیان، گزارشات آموزشی، گزارشات سفرها و از این قبیل، باید به طور عادی (مرتب) در دسترس DAO و از طریق آن دفتر به جامعه واشنگتن ارسال گردد.

دانشجویان مبادله ای، معلمین، مبلغین مذهبی و غیره که برای مدتی در ایران زندگی می کنند، بایستی که به طور متناوب بر یک اساس برگزیده (منتخب) درباره اطلاعاتی که از طریق فعالیتهای عادیشان کسب می کنند، مورد سؤال و پرسش قرار گیرند. شاید مأمور سیاسی نظامی که در بالا به آن اشاره شد این کارها را در تهران انجام دهد. CIA/DCDمی توانند در ایالات متحده پیگیری کنند.

یک لیست کامل از بازرگانان آمریکایی که در حال انجام معاملات مهم و اساسی هستند باید در دسترس هیأت اعزامی و تحلیلگران در واشنگتن قرار گیرد. تحلیلگران بعداً می توانند ترغیب شوند که چنین لیست تجدیدنظر شده مرتب را به عنوان کلید برای تهیه نیازهای فعالیت جمع آوری (اطلاعات) CIA/ DCD مورد استفاده قرار دهند. این لیست همچنین باید کوششهای هیأت اعزامی در تعقیب ردپای بازرگانان آمریکایی در ایران را تسهیل کند.

۲۱ احتیاجات اطلاعاتی ترجیحی. من در اختیار کمیته منابع انسانی شما خواهم بود که لیست احتیاجات اطلاعاتی ترجیحی ویژه را که مستلزم توجه هیأت در میان ترم آینده می باشد، تهیه کنم.

دیوید. اچ. بلی

(افسر) مأمور اطلاعات ملی برای خاورمیانه

شرکت کنندگان در سمینار ستاد شورای امنیت ملی

وزارتخانه: USIA و سازمان اطلاعات وزارت دفاع DIA، سازمان امنیت ملی NSA، بخشهای مختلف دفاعی، خزانه داری و سازمان مرکزی اطلاعات CIA و بخشهای مختلف آن و عضو جامعه اطلاعاتی.

FOCUS ایران برنامه کار

۱ ارزیابی مفاد گزارش در مورد موضوعات (موارد) مهم زیرین

الف: ملاحظات منطقه ای

۱ پیشرفت در جهت انجام یک پیمان امنیتی دوطرفه با ضمانت (بانی شدن) ایران با کشورهای ساحلی خلیج فارس. آیا چنین پیمانی سرانجام، آمریکا را از منطقه کنار خواهد گذاشت و یا جریان ناگسیخته نفت از خلیج را به خطر خواهد انداخت؟

۲ موقعیت روابط ایران با عربستان سعودی. آیا ایران انتظار واژگونی و یا سرنگونی دولتهای عربستان سعودی و کویت را در آینده قابل پیش بینی دارد؟ اگر مورد تهدید واقع شدند، آیا رژیمهای عرب اعتنایی به توصیه های شاه و یا کمک ایران را قبول خواهند کرد؟

۳ تلاشهای دولت ایران برای فشار به بحرین برای تفسیر موقعیتش در دور کردن نیروهای خاورمیانه MIDEASTRORدر ۱۹۷۷.

۴ نشانه هایی که شاه قصد جرح و تعدیل حضور ایران را در عمان داشته باشد (یا نیروهایش را خارج کند و یا اینکه حضور آنها را دائمی سازد). طبیعت و وسعت روابط دو جانبه امنیتی ایران با عمان چه مقدار است؟ آیا آن شامل کنترل تنگه هرمز و همکاری مشترک آینده می باشد؟ آیا یک سیاست عادی در رابطه با «راه عبور بی ضرر» برای کشتیهایی که به خلیج وارد و یا از آن خارج می شوند وجود دارد؟ آیا ایران به دنبال برقراری یک پایگاه دائمی عملیات در عمان به منظور قدرتش در اقیانوس هند و یا دریای سرخ

است؟

۵ ابقای توافق ایران عراق در مارس ۱۹۷۵. آیا نشانه هایی مبنی بر اینکه تهران در حال احیای جنگ کردها و یا اینکه تهران اجازه می دهد که عملیات چریکی در کردستان عراق از ایران پایه گذاری شود. می باشد؟ آیا اتحادیه ملی کردی طالبانی هیچ موفقیتی در استخدام پناهندگان کرد عراقی و یا کردهای ایرانی داشته است؟

۶ موقعیت تلاشهای حمایت شده عراق برای واژگونی رژیم در ایران. آیا بغداد از عملیات تروریستی فداییان در داخل ایران حمایت می کند؟ طبیعت و وسعت حمایت عراق که از گروههای تروریست ایرانی می شود چقدر است؟ آیا بغداد در میان افراد قبایل بلوچی و یا ساکنین عرب خوزستان ایجاد اختلاف و نارضایتی می کند؟

۷ موقعیت روابط ایران با پاکستان و هند. آیا ایران هنوز به ابقای کشور فعلی پاکستان متعهد است؟ آیا ایران سیاست خودداری از هر مداخله مستقیمی را در مشکل بلوچستان پاکستان تغییر داده است؟ آیا آشوب بلوچها به جنوب شرقی ایران رسوخ کرده است؟

۸ موقعیت شرکت ایران در سنتو RCD و دیگر تلاشهای مشترک همکاریهای منطقه ای.

۹ وسعت و طبیعت درگیریهای دوجانبه بین ایران و افغانستان. یا تغییرات مهمی در برنامه کمکهای ایران برای کابل بوده است؟ آیا چنین کمکی موفقیتی در معتدل کردن سیاستهای افغانستان نسبت به

پاکستان و یا کم کردن نفوذ شوروی در افغانستان داشته است؟

۱۰ پیشرفت در جهت اجرای طرح مثلثی دفاعی خیالی ایران آفریقای جنوبی استرالیا در اقیانوس هند. آیا قراردادها اجرا می شوند که مفهوم را متأثر سازند؟ آیا ایران قدمهای دیگری برای دستیابی به پایگاه سابق بریتانیا در جزیره GAN(گن) برداشته است؟

ب: مواجهه (برخورد) اعراب اسرائیل

۱ تغیرات در سیاست ایران برای برقراری روابط خوب ولی مخفی با اسرائیل در موضوعات سیاسی، اقتصادی و نظامی. آیا ایران ارتباطش با اسرائیل در رابطه با اطلاعات حساس نظامی و تکنیکی بر قرار است؟ آیا نفت ایران به طور مداوم به خط لوله اسرائیل منتقل می شود؟

۲ موقعیت روابط ایران با میانه روهای عرب و عوامل رادیکال (منجمله سازمان آزادی بخش فلسطین). آیا تغییرات مهمی در همبستگی تهران با دنیای عرب بوده است؟ و تأثیرات احتمالی منطقه ای این تغییرات چه خواهد بود؟

آیا طرحهای اعانتی و بازرگانی و همچنین فعالیتهای مشترک ایران و اعراب از افزایش اتکاء متقابل اقتصادی کشورهای منطقه خبر می دهند؟

۳ توسعه روابط ایران و مصر و اثر آن در روابط تهران و عربستان سعودی، اسرائیل و ایالات متحده. موقعیت برنامه های آموزشی نظامی ایران برای پرسنل مصری چه هست؟ ایران در مقابل چنین آموزشهایی چه به دست می آورد؟

ج: روابط با ابرقدرتها

۱ موقعیت روابط ایران با اتحاد شوروی. آیا افزایش قابل ملاحظه ای در نفوذ شوروی بوده است؟ آیا مقادیر و شرایط روابط اقتصادی و همکاری نظامی با کمونیستها تغییر کرده اند؟ آیا اختلافات مرزی

برجسته ای وجود دارد؟ آیا اجازه عبور با هواپیما از فراز ایران ادامه پیدا می کند؟ آیا شرایط موافقت مبادله گاز طبیعی به وسیله دو طرف رعایت می شود؟

۲ موقعیت روابط با ایالات متحده. آیا تغییراتی در طرح سرمایه داخلی اش برای کالاها و خدمات ایالات متحده تعهد کرده است.

۳ موقعیت افراد آمریکایی در ایران. آیا شمار فزاینده پرسنل نظامی آمریکا و پیمانکاران آمریکایی روی رفتار ایرانیان نسبت به آمریکا اثر نامطلوبی گذاشته است؟ آیا هیچ نشانه ای که دولت ایران قصد دست زدن به اعمالی که ممکن است قرارداد موجود مستشاری نظامی را تغییر دهد، و یا ارتباطات ایالات متحده، AEDS یا تأسیسات پنهانی ایالات متحده را در خطر اندازد وجود دارد؟ آیا ایران قصد باز پس گرفتن حقوق اضافی که به آمریکا برای استقرار P-۳های نیروی دریایی در بندرعباس داده دارد؟

د: ملاحظات داخلی

۱ حد مخالفت داخلی. آیا تروریستها موفقیتی در جلب توجه هواداران داشته اند؟ آیا سیاستهای مطبوعاتی دولت تأثیری در تصویر عمومی تروریستها داشته است؟ ساواک در مبارزه ضد تروریسم تا چه

حد موفق بوده است؟ آیا شاه از تلاشهای ساواک خشنود به نظر می رسد؟ آیا قتل افراد آمریکایی احساسات ضد آمریکایی را در میان توده عمومی مردم برانگیخته است.

۲ جلوگیری از تلاشهای نامحدود به وسیله کمونیست ها و دیگر گروههای رادیکال. عوامل اصلی ضد رژیم چه هستند و از جانب چه کسی حمایت می شوند؟ (عراق، لیبی، اتحاد شوروی، کوبا، سازمان آزادیبخش فلسطین؟)

۳ موقعیت مبارزات ضد فساد و تورم شاه. آیا مقررات جدید برای اجرای سیاستهای شاه مؤثر بوده است؟ آیا آنها قابل اجرا هستند و احتمال متوقف کردن فساد و سودجویی موجود را دارند؟

۴ نشانه های بهتر شدن (یا بدتر شدن) توزیع درآمد در ایران. آیا بهبود (پیشرفت) قابل لمس اقتصادی در سطح روستا بوده است؟ اثر سیاسی آگاهی فزاینده اقتصادی در میان توده مردم چیست؟

ه: ملاحظات اقتصادی

۱ موقعیت برنامه توسعه جاری، شامل تلاشهای صنعتی و کشاورزی، اثر کارگر، بندر و دیگر مشکلات زیربنایی در تلاشهای توسعه چیست؟ آیا کوششهای دولت برای حل مسایل هیچ گونه اثری داشته اند؟ آیا کاهشهایی در اهداف سرمایه گذاری برای پروژه های وسیع محتمل است؟

۲ نقصان زمینه نیروی انسانی ماهر قابل آموزش. آیا ایران می تواند یک رشد سریع اقتصادی را با زمینه محدود تکنولوژیش محتمل شود؟ آیا مردم هجوم خارجیها برای انجام طرحهای توسعه را قبول می کنند؟

۳ توسعه جایگزینی مؤثر به جای نفت به عنوان یک منبع انرژی موقعیت طرحهای توسعه صنعت ملی پتروشیمی به عنوان یک راه چاره به جای تولید نفت چیست؟ آیا تأسیسات رآکتورهای اتمی طرح ریزی شده طبق برنامه پیش می روند؟ برنامه های ایران برای انباشته کردن و برای انجام برنامه های همکاری

چیست؟

۴ استراتژی های قیمت گذاری نفت، برنامه های ایران برای حفظ درآمد نفتی اش از اثرات تورم جهانی و بالا رفتن هزینه های کالا چه هستند؟ آیا نشانه هایی هستند که دولت به طور رادیکال از توافقش با کنسرسیوم جرح و تعدیل به وجود آورد.

۵ تغییرات در استراتژی های سرمایه گذاری خارجی جاری. کارشناسان مالی اصلی چه کسانی هستند و نفوذ آنها بر سیاستهای دولت به چه اندازه است؟ آیا تغییرات عمده ای در رابطه بین بانک مرکزی و وزارت دارایی (اقتصاد و دارایی) بوده است؟

۶ دستورالعملهای جدید در رابطه با همکاری تولیدی نظامی و انتقالات به کشور ثالث مورد توجه قرار می گیرد. برنامه های ایران برای مشارکت در توسعه صنایع تسلیحاتی منطقه ای در پیوستگی با کشورهای عرب ترکیه و پاکستان چه هستند؟ آیا تغییراتی در استراتژی های توسعه تکنولوژی بومی D و Rایران بوده است؟

و: ساخت داخلی قدرت

۱ قدرت شاه در استحکام بخشیدن به پایه قدرتش آیا تغییرات در شخصیت شاه وجود داشته است؟

تأثیر آنها بر رفتار سیاسی او چیستند؟ طبیعت ایرانی چیست و اثر آن بر روی رژیم چیست؟

۲ تشخیص هویت افسران نظامی که احتمالاً نقش اصلی را در هر انتقال قدرتی در صورت کشته شدن شاه بازی می کنند. نظرات سیاسی آنها چیست و چه کسانی از اعضای دولت و خانواده سلطنتی به آنها نزدیکترند؟

۳ رابطه شاه با طرحهای حزب رستاخیز. آیا حزب قادر است که نظم را بر اعضایش اعمال کند؟ آیا تغییراتی در رهبری حزب به وجود خواهد آمد؟ آیا تغییرات در رهبری اثری بر سیاستهای حزب و یا نفوذ آن دارد؟

۴ قدرت (نیرو) و تمایل جاری حزب توده. رهبران اصلی حزب توده چه کسانی هستند و از کجا فعالیت (عمل) می کنند؟ منابع اصلی کمک برای حزب چه هستند؟ آیا ارتباطاتی بین توده و گروههای فعال تروریست که در داخل ایران فعالیت می کنند وجود دارد؟ تا چه درجه ای تلاشهای استخدامی (عضوگیری) حزب توده در میان دانشجویان ایرانی در خارج موفق بوده است؟

ز: امور نظامی

۱ توسعه و مدرنیزه کردن نیروهای موجود (فعلی) نظامی چه قدمهایی برای برقراری استحکام نیروهای ایران در مقابل عراق برداشته است؟ آیا تغییراتی در جهت افزایش کفایت و جوابگویی نیروهای مسلح اتفاق افتاد؟ آیا عدم کفایتهای رزمی که در طول جنگ ظفار تذکر داده شد به دوباره ارزیابی کردن احتیاجات و هدفهای نظامی منجر شد؟

۲ تغییرات در رشته های سطح بالای رهبری نظامی. آیا تغییراتی که در جهت گیری متمایل به غرب ایران اثر بگذارند، رخ داده؟ آیا مدرکی در مورد سازش رهبران بالای نظامی و پیمانکاران خارج وجود دارد؟

۳ نشانه هایی از تصمیم ایران برای به عهده گرفتن توسعه سلاحهای اتمی. آیا نشانه هایی هست که ایران برنامه هایی برای تخلف از اصول پیمان عدم توسعه اتمی دارد؟

۴ توسعه تأسیسات بندری و نظامی در خلیج عمان و اقیانوس هند. چه قدمهای نظامی برای به دست گرفتن کنترل ورودی خلیج فارس برداشته شده؟ آیا تغییراتی در مواضع پیش بینی شده نسبت به اشغال ابوموسی و جزیره تنب به وسیله ایران به وجود آمده؟

۱. معرفی قوت و ضعفهای گزارش جاری.

الف در بین (داخل) هیأت نمایندگی.

ب خارج از هیأت نمایندگی.

۲. ارزیابی هیأت از حمایتی که توسط جامعه اطلاعاتی از آن می شود.

۳. نتایج جمع بندی های و توصیه ها برای کارهای گزارشی آینده.

قسمت دوم: بررسی اقدام

سرّی

سرپرست سازمان اطلاعات مرکزی، کمیته منابع انسانی، کمیته فرعی تشخیص، ۲۷ دسامبر ۱۹۷۶ ۶

دی ماه ۱۳۵۵، FOCUS ایران

قسمت دوم: بررسی اقدام

۱ مقدمه

کمیته فرعی ارزیابی در ۳۰ نوامبر ۱۹۷۶ در جلسه اش گزارش ارزیابی (قسمت اول) را بررسی نمود. نمایندگانی از وزارت خارجه DIA، CIA، ارتش، نیروی دریایی، نیروی هوایی، ستاد جامعه اطلاعاتی و افسر (مأمور) اطلاعات ملی حضور داشتند. قسمت دوم نتایج کلی، مشاهدات و نظریه (توصیه)های کمیته فرعی ارزیابی را خلاصه می کند، و نظرات سازمان (CIA) را درباره موضوعاتی که در جریان بررسی پدیدار شد منظور می دارد. به کمیته فرعی توصیه شد که نظرات سفارت تهران در مورد منافع به هیئت نرسیده است و بنابراین در بررسی منعکس نشده است. مأمور (افسر) اطلاعات ملی برای خاورمیانه از سفارت بازدید کرد و یک طرح ارزیابی گزارش را به طور غیر رسمی با مأموران هیئت نمایندگی درمیان گذاشت. هیچ مشکل و یا موضوع برجسته قابل گزارش در آن زمان شناسایی نشد.

۲ نتایج، مشاهدات و اقدام پیگیری

الف. توافق در (ارزیابی) گزارش

کمیته فرعی در قضاوت ارزیابی گزارش از سفارت آمریکا تهران در مورد اغلب مسایل و موضوعات خشنودکننده، بوده و خیلی از مشکلات اطلاعات و تحلیل که وجود دارد از طبیعت ساخت قدرت در ایران ناشی می شود.

ب. شاه به عنوان یک منبع اطلاعات

در بحث راجع به اطلاعات اصلی از ایران تحلیلگران وزارت خارجه گفتند که: «شاه برای ۳۵ سال حکومت کرده است. از نظر روابط نزدیک و درازمدت ما، استحکام (ثبات) او (در زیر همه صحنه سازیها) و خلوص (رک گویی) او (در محدوده مفهوم فارسی)، ما تا حدودی هدفهای او و تاکتیکهایش را می دانیم. او احتمالاً این را به نفع خودش می بیند که در آینده ما را مطلع نگهدارد. با درنظر داشتن طبیعت او ما به مقدار زیادی متکی به صحبتهای فردی او و توانایی سفیرمان و دیگران که سئوالات نافذ را مطرح کنند، باقی می مانیم. به طور واقع بینانه ما نباید انتظار داشته باشیم که به طور عمده ای اطلاعات بیشتری از آنچه هم اکنون کسب می کنیم از او بگیریم». سیا CIA اظهار می دارد که: سودمند خواهد بود اگر که منابع متناوب اطلاعات درباره شاه داشته باشیم. در مقام اهمیت کمتری نظرات مشابهی درباره اشخاصی که به شاه نزدیک هستند (آنهایی که با شاه صلاحدید می کنند، نظرات او را در موضوعات حیاتی اجرا می کنند، زندگیش را محافظت می کنند، اطلاعات بیشتر برایش می آورند و غیره) قرار دارد».

ج. گزارش (یادداشت مکالمه)

نمایندگان وزارت خارجه پیشنهاد می کنند که «سفارت آمریکا باید ترغیب گردد که جریان یادداشتهای مکالمه و رپرتاژ غیر رسمی محیطی را ادامه دهد. کمیته فرعی بر ارزش چنین گزارشات

نیمه رسمی به مأموران سیاست واشنگتن تأکید می کند. او اشاره می کند تجربه در این بررسی FOCUS و دیگر بررسیها نشان می دهد که یادداشتهای مکالمه ای، معمولاً در دسترس تحلیلگران علاقه مند خارج از وزارت خارجه قرار نمی گیرد. عضو وزارت خارجه با مطرح کردن موضوع با مقامات مسئول در وزارت خارجه و تقاضای همکاری آنها برای جستجوی یک راه حل برای این مشکل موافقت نمود.

د. اطلاعات از آمریکاییهای غیر رسمی در ایران

پاراگراف ۲ ارزیابی گزارش. اصرار به افزایش تلاشهایی از طرف هیئت نمایندگی برای به دست آوردن اطلاعات درباره تحولات ایران، از تعداد زیاد دانشجویان مبادله ای آمریکایی، معلمین، مبلغین مذهبی و بازرگانان در ایران دارد. عضو وزارت خارجه اظهار می دارد که هیئت نمایندگی هم اکنون تماسهایی با آمریکاییهای غیر رسمی در ایران برقرار می کند. دیگر اعضای کمیته فرعی اشاره می کنند که محدودیت هایی در ارتباطهای اطلاعاتی با مبلغین مذهبی و دسته های مشخصی از دانشجویان مبادله ای وجود دارد. آنها معتقدند که ملاحظات درباره روابط متقابل آشکار اجتماعی و طبیعی سفارت با شهروندان آمریکایی می تواند مشکلاتی ایجاد کند. کمیته فرعی معتقد است که سفیر در بهترین موقعیت است که فرصتها و ریسکهای پنهانی دخیل در تلاشهای جمع آوری (اطلاعات) در این محدوده حساس و مشکل را ارزیابی کند.

ه. مشخصات بازرگانان آمریکایی

کمیته فرعی موافقت دارد که یک لیست از بازرگانان آمریکایی که تجارت اساسی در ایران انجام می دهند ممکن است، برای هیئت سودمند باشد و مطمئنا در واشنگتن سودمند خواهد بود. تحلیلگران می توانند این لیست را به عنوان راهنمایی در تهیه مطالب بیان شده به صورت دقیقتر برای قسمت داخلی جمع آوری (اطلاعات) DCD (CIA) در ایالات متحده به کار برند. عضو وزارت خارجه در این رابطه

اشاره می کند که طبق قسمت (۳۶ (v) (a قانون کنترل صدور تسلیحات، لازم است که رئیس جمهور در ۳ گزارشات ۳ ماهه اش به کنگره یک تخمین از تعداد شهروندان آمریکایی که در پایان ۳ ماه در کشورهای خارجی برای مأموریت در اجرای فروش تحت برنامه فروشهای نظامی خارجی یا گواهی صدور تجارتی یا تأیید شده به وسیله دفتر کنترل تدارکات، هستند، منظور دارد.

و. گزارش نظامی

کمیته فرعی معتقد است که ارزیابی گزارش درباره احتیاج برای اطلاعات اضافی جبهه ای غلو می کند. CIAاشاره می کند که «اطلاعات اساسی OB و E و TOبرای واحدهای مشخص در دسترس نیستند. مثل قسمت گارد سلطنتی». DIAخاطرنشان می کند که در طول ۱۸ ماه گذشته ۱۳۰ گزارش در موارد نظامی رسیده است (۸/۱۰ درصد تمام گزارشات اطلاعاتی DIAاز DIO ایران). تحلیلگران CIAدرخواست اطلاعات اضافی در مورد تواناییهای سرتاسری نیروهای مسلح و طرحریزی های نظامی احتمالی و طرح ریزی توسعه نیرو در محدوده زمانی ۷۸ ۱۹۷۳ را کردند. NIOکه در قسمت دوم گفتگوها شرکت کرده بود، موافق بود که مسئله این نیست که اطلاعات اساسی (پایه ای) در دسترس نیستند بلکه شکافهای

مهمی وجود دارد، نکته ای که CIA و DIAبر آن توافق دارند احتیاج به اطلاعات بیشتر در مورد پایگاههای نظامی ایران را تأیید می کند، ولی نیازمندیهای به اطلاعات در مورد این تأسیسات به طور نامناسب بیان شده. گزارشات بیوگرافی رسیده در مورد ایران ۶ درصد مجموع گزارش است (در مقابل حدود ۱۲ درصد برای تمام گزارشات رسیده DIA). باید تذکر داده شود که منابع تحلیلی ما محدود هستند و اینکه بیوگرافی در مقابل سایر اهداف از ارجحیت کمتری برخوردار است. هماهنگی نزدیک و مستمری بین تحلیلگران بیوگرافیک DIA و دفتر مرجع مرکزی CIA (ORC)که دارای اختیار برای استفاده از سیستم وابسته دفاعی از طریق DIA را دارد، وجود دارد. لازم است که تحلیلگران و کسانی که اطلاعات جمع می کنند، در ارتباط با گزارش بیوگرافیک تحلیلهای خود را بهبود بخشند. ما این احتیاج را در دیاگرام ۱۵ دسامبر ۱۹۷۶ به جمع آوری کنندگان که بدین وسیله ما از آنها علت اینکه چرا یک گزارش به خصوص بیوگرافیک تهیه شده و همچنین اطلاعات تقاضا شده قضاوتی در مورد دایره نفوذ و اختیار به وسیله رهبران نظامی اصلی که گزارش در مورد آنها تهیه شده را خواهیم خواست.

ز. اطلاعات سازمان همکاری امنیتی

کمیته فرعی معتقد است که این سازمان رسمی اصلی ایالات متحده در ایران دارای اطلاعات وسیعی در مورد نیروهای مسلح ایران، پایگاههای نظامی و شخصیتها است (جمع آوری شده در جریان عادی کارش) که به سهولت در دسترس تحلیلگران در واشنگتن که می توانند از آن استفاده کنند، نمی باشد.

DIA اظهار می دارد که این مشکل اطلاعاتی مستمر را به دفتر وزیر دفاع و دفتر وابسته دفاعی در تهران ارجاع کرده و پیشرفتهای قابل توجه در رابطه کاری بین مستشاری نظامی و DIO در تهران در ماههای اخیر رخ داد. این چهارمین بررسی FOCUSاست که کمیته فرعی توجه را به این موضوع جلب کرد. کمیته فرعی پیشنهاد می کند که ستاد جامعه اطلاعاتی موضوع را بر یک اساس ارجحیت با مقامات

مناسب در سازمان اطلاعاتی دفاعی و وزارت دفاع دنبال کند.

کارمند اضافی. گزارش ارزیابی پیشنهاد می کند که یک مأمور گزارشی اضافی در سفارت آمریکا تهران احتیاج است. مقامات وزارت خارجه در این موضوع هم عقیده نیستند. وزارت خزانه داری اشاره می کند که قسمت اقتصادی شایسته است و به طور کامل به کار گرفته می شود ولی بیش از حد توسعه داده شده. کمیته فرعی با این توصیه موافق نیست. او معتقد است که مدیران جمع آوری (اطلاعات) واشنگتن و رو□ای هیئت نمایندگی مربوطه برای تصمیم گرفتن درباره حوزه ای که قضاوتها و کشفیات را در بردارد، در این و با دیگر بررسیهای FOCUSهمکاریهای سودمندی در تصمیمات مدیریت با توجه به کارمندگیری که آنها در موردش مسئول می باشند، خواهد داشت.

راهنمای پی گیری

کمیته فرعی پیشنهاد می کند که کمیته منابع انسانی که با افسر اطلاعات ملی و سیاستمداران واشنگتن همکاری نزدیکی دارند، یک لیست احتیاجات اطلاعاتی برای انتقال به هیئت تهیه کنند.

دیوید. جی. کارپنتر

وزارت خارجه

رئیس کمیته فرعی ارزیابی

احتیاجات اطلاعاتی واشنگتن

ص: ۴۴۶

سند شماره ۲۱

از: ادوارد. اس. لیتل سرّی۱۷ می ۱۹۷۷، ۲۷ اردیبهشت ۵۶، دفتر رئیس

به: ویلیام اچ. سولیوان سفیر آمریکا تهران

سرپرست سازمان مرکزی اطلاعات (CIA)، کمیته منابع انسانی،

در موقع ارسال بررسی FOCUS ایران برای جک میکلوس (کاردار) در ژانویه، سرپرست سازمان مرکزی اطلاعات (CIA) سیا اشاره کرد که یک لیست محدود اولیه با ارجحیت از مسایل اطلاعات ملی برای سفارت تهیه خواهد شد. ضمیمه، لیست مزبور است که به وسیله کمیته منابع انسانی با نظر مأمور اطلاعات ملی برای خاور نزدیک و جنوب آسیا تهیه شده است. چون لیست فشرده است ترتیبی برای ارجحیت منظور نشده است. راهنما جدا از بررسی FOCUSتهیه شده است و در فرم اسکلت وار به نظر می رسد. ما امیدواریم که این لیست برای شما به عنوان یک نمودار هماهنگ شده بین سازمانی، مهمترین احتیاجات اطلاعاتی واشنگتن را در برداشته باشد. یک راهنمای مفصل تر براساس منظمی از طریق کانالهای سازمانی برای شما تهیه شده است.

همچنان که در برنامه FOCUS تجربه کسب می کنیم، امیدواریم که این ارزیابی های گزارشی منبع انسانی و راهنمای گزارشی که از آنها جریان پیدا می کند کار هیئتهای خارج از کشور را سهل تر و آسان تر سازد. نظرات شما در مورد این موضوع مایه خوشوقتی من است.سفیر ادوارد لیتل سرّی

سرّی

راهنما: ایران

لیست زیرین سرفصلهای مورد علاقه جوامع اطلاعاتی و امور خارجه می باشد.

۱ سیاسی

الف: داخلی.

۱ هدفها و سیاستهای درازمدت شاه و مشاورین اصلی او، نظامی و غیرنظامی.

۲ تصمیمات اساسی سیاسی، ملی، امنیتی و اقتصادی به وسیله چه کسانی و چگونه گرفته می شود.

۳ نقشی که ساواک در دولت بازی می کند.

۴ نقش دولت ایران در نقض حقوق بشر.

۵ برنامه ریزی های آینده و فعل و انفعالات شخصی که جانشین را تعیین می کند.

ب: خارجی.

۱ منابع تهدیدات نظامی خارجی برای ایران.

۲ موازنه قدرتها در منطقه به نحوی که ایران را متأثر می سازد.

۳ روابط با اتحاد شوروی و کشورهای خلیج فارس، خصوصا عربستان سعودی و عراق.

۴ روابط با هند، پاکستان، افغانستان و ترکیه.

۲ اقتصادی.

الف: برنامه های رشد اقتصادی، به ویژه استراتژی و سیاستهای فروش شرکت ملی نفت ایران.

ب: طرحهایی که برای توسعه اتمی ریخته شده.

۳ قابلیتهای نظامی نیروهای مسلح سلطنتی ایران.

ارزیابی سالیانه درباره سیاست و منابع ایران

سند شماره ۲۲

از: سفارت آمریکا تهران سرّی ۵ آوریل ۱۹۷۲، ۱۶ فروردین ۱۳۵۶

برای اقدام: وزیر امور خارجه

موضوع: ارزیابی سالیانه درباره سیاست و منابع ایران

قسمت ۱ ارزیابی های سیاسی

الف: منافع آمریکا در ایران

۱ ایالات متحده آمریکا و ایران در پایان جنگ جهانی دوم از طریق منافع متقابل در مهار کردن سیاستهای گسترش طلبانه شوروی به سوی یکدیگر کشانده شدند (در آن زمان شمالغربی ایران در اشغال اتحاد شوروی بود). مناسبات آمریکا و ایران از این منافع از آن زمان الهام گرفته و تعدادی از ترتیبات همکاری برای پیشبرد و حفظ این هدف داده شده است. در زمانی که ما از دستمان برمی آمد ما یک سپر امنیتی در اطراف ایران از طریق یک تعهد دوجانبه برای به کمک دفاعی ایران رسیدن در صورت حمله از جانب اتحاد جماهیر شوروی، یا متفقان کمونیست آن ایجاد کردیم. ما همچنین خود را با پیمان بغداد (که بعدا سنتو نامیده شد) جزئا برای همین منظور وابسته کردیم. همزمان ما یک برنامه وسیع شامل مساعدتهای اقتصادی، فنی و نظامی به عهده گرفتیم تا ایران بتواند از منافع خود دفاع کند و منابع خود را در محیطی از ثبات داخلی و اصلاح اقتصادی و اجتماعی رشد دهد. بسیاری از این برنامه ها به هدف خود رسیده و پایان پذیرفته اند. تنها ترتیب مهمی که هنوز ادامه دارد در زمینه مساعدتهای نظامی است که در آن ایالات متحده اسلحه و پشتیبانی فنی فراهم می کند که بهای آن تماما اکنون از طرف ایران پرداخت می شود. ایران که در یک موقعیت استراتژیکی قرار گرفته به نوبه خود به ما محلهایی برای اطلاعات با ارزش که به آسانی قابل جایگزین کردن نیست و تأسیسات مخابراتی فراهم می کند و همچنین حق پرواز

از طریق تنها دالان هوایی قابل دسترس و امن در این قسمت از جهان برا ما تأمین می کند.

۲ در ضمن کیفیت و ماهیت مناسبات تحول یافته هر چند، مقصود اصلی آن به طور اساسی همان است که بود. به همان ترتیبی که ایران رشد می کرد و رونقش فزون می گشت به طوری که در ظرفیتهای خود جلب اعتماد کرده بود. ایالات متحده انتظار داشت و از ایران خواست تا نقش فعال تری در صحنه های منطقه ای و بین المللی ایفا کند. تا اندازه زیادی ایران در چهارچوب آنچه که شاه سیاست پرداز عمده ایران به عنوان یک «روابط ویژه» از بعضی جهات به همان دلایل که قابل مقایسه با مناسبات ایالات متحده با ناتو و اسرائیل است، به این انتظار آمریکا پاسخ مثبت داده است. به خواهش ما ایران در کمیسیون چهار دولت در ویتنام شرکت کرد و به متفق ما، ویتنام جنوبی تجهیزات نظامی تحویل داد.

همین اواخر یک واحد نظامی برای نظارت بر متارکه در ارتفاعات جولان فرستاد. به توصیه ما ایران مساعدت مالی به مصر و عده ای از کشورهای دیگر نیازمند تحویل داد که در این کشورها منافع ما با ایران مشترک بود. ایران یک کمک دهنده بزرگ به IFAD بوده است و مسئولیت فراهم کردن افزایش مالی که با شرایط ایالات متحده برای شرکت تطبیق می کرد بوده است. ایران همچنین یک نقش معتدل کننده پشتیبانی در امور منطقه ای ایفا کرده و اختلافات محلی را به سازش رسانده و به عمان کمک کرده است تا شورش تحت پشتیبانی کمونیستها را در منطقه جنوب عمان سرکوب کند. خلاصه برحسب توانایی و نفوذ ایران یک نقش سازنده و کمک کننده در اموری که مستقیما مورد علاقه ایالات متحده بوده، داشته است. ظرف

آینده قابل پیش بینی علایق اصلی ایالات متحده در ایران به ترتیب زیر است:

الف: حفظ یک ایران با ثبات مستقل غیر کمونیست و همکار که نیرو و اراده کافی برای ایستادگی در مقابل تجاوزگری احتمالی شوروی اعم از مستقیم یا غیرمستقیم دارد و ادامه نقش ایران برای ثبات در خلیج فارس، خاورمیانه و آسیای جنوبی.

ب: تضمین و حفظ یک منبع قابل اتکاء نفت برای غرب ژاپن و اسرائیل به قیمت حتی الامکان پایین (یک ملاحظه اولویتی برای سراسر منطقه آسیا خاور نزدیک) با توجه به وزنه محدودی که ما در مواضع قیمت گذاری ایران داریم.

ج: پرورش پشتیبانی بیشتر ایران در مورد تأکید حکومت کارتر درباره بهبود حقوق بشر، عدم اشاعه کلاهکهای هسته ای و خویشتن دار نسبت به نقل و انتقال سلاحهای قراردادی (سلاحهای غیرهسته ای).

د: حفظ دستیابی ایالات متحده به سمتی از ایران که دالان هوایی حیاتی ترکیه و ایران را تشکیل می دهد. (و دسترسی به بنادر ایران برای کشتیهای آمریکایی) در پشتیبانی از منافع امنیتی مشترک.

ه: حفظ استفاده از سرزمین ایران برای تأسیسات ویژه اطلاعاتی و مخابراتی که بدون از دست دادن کارآییش نمی توانست در جای دیگری قرار گیرد.

و: حفظ دستیابی به بازارهای سریع الرشد ایران جهت کالا و خدمات آمریکا و همچنین ادامه همکاری مالی ایالات متحده و ایران.

ز: حفظ گفت و شنود مؤثر و همکاری با ایران درباره تعداد زیادی از مسایل اقتصادی و سیاسی چندین جانبه از قبیل همکاری اقتصادی شمال و جنوب، مناسبات اعراب و اسرائیل، کنترل سلاحها، مسایل مربوط به اقیانوس هند و خلیج فارس و قانون دریا.

ح: تشویق همکاری بیشتر ایران در کوششهای ضد مواد مخدر ما که جنبه جهانی دارد.

ب: مرور کلی

۱ دو فقره از سیاستهای پایه ای ایران که به نحو بسیار مستقیمی در نتیجه نزدیکی ایران به اتحاد شوروی و ارزیابی آن از مقاصد شوروی شکل گرفته عبارتند از برنامه نوسازی نظامی ایران و سرکوبی فعالیتهای کمونیستی داخلی. این دو سیاست همچنین دو سیاستی است که به احتمال قوی به وسیله تأکید حکومت آمریکا بر محدود کردن نقل و انتقال سلاحهای قراردادی و حقوق بشر مورد سؤال قرار خواهد گرفت. عدم حصول توافق در هرکدام از این دو زمینه میزان موفقیت ما را در پیشبرد منافع دیگرمان در ایران و تا اندازه ای در منطقه در معرض تأثیرات منفی قرار خواهد داد.

۲ تعهدات امنیتی رو به فرسایش ما نسبت به ایران دیگر قابل اعتماد نیست و با تشویق ایالات متحده ایران، تنها راه دیگر قابل دوام خود را در خودکفایی نظامی تشخیص داده است، هر چند ایران خیالبافیهایی ندارد که بتواند به تنهایی تجاوز مستقیم شوروی را بازدارد. بدین ترتیب ایران دست به برنامه نوسازی نظامی با مقیاس بزرگ و گرانقیمت و به دست آوردن سلاحهای بسیار پیچیده به ویژه از ایالات متحده زده است. ایران نیازهای خود را در قبال ارزیابی تهدیدات احتمالی از همسایگانش به ویژه اتحاد جماهیر شوروی و عراق اندازه می گیرد و نوع دستگاههای نظامی که برای دفاع از مرزهای خود و نزدیکیهای آن از هریک از جهات مورد توجه قرار می گیرد.

۳ مسئله اینکه چه چیزی می تواند تقویت بنیه نظامی ایران را به میزان معتدلی برساند، مسئله اساسی است. شاه خاطرنشان ساخته است که اگر ایالات متحده عرضه سلاحهای خود را به ایران کاهش دهد او به منابع دیگر رجوع خواهد کرد. خریدهای مهم اخیر از سایر کشورها از جمله اتحاد شوروی این تصمیم را معنی دار می کند و بنابراین موفقیت کامل در تدوین برنامه به دست آوردن سلاحهای ایران تنها با قائل شدن یک مهلت کلی نقل و انتقال اسلحه به منطقه از سوی همه تحویل دهندگان اسلحه تحقق خواهد یافت. بنابه قضاوت ما کوششهای یک جانبه به چنین مقصودی نخواهد رسید.

۴ معذالک در میان دو قطب افراطی قطع کامل و عرضه نامحدود ما معتقدیم که محلی برای مانور وجود دارد.

نتیجه، تحت تأثیر این اصل قرار خواهد داشت که بدانیم ما تا چه اندازه به نحو مؤثر و متقاعدکننده ای برای نیل به هدف، توافق متقابل با یاران درباره ماهیت تهدیدهای جاری و آینده علیه آنچه که برای مقابله با آنها لازم است، حرکت کنیم. از بسیاری جهات این فرا روند مشورت باید نزدیک به الگوی آمریکا و اسرائیل باشد. برای این منظور این امر نه تنها شامل بررسی تفصیلی محیط سیاسی و نظامی منطقه خواهد بود بلکه همچنین بررسی منظم نیروهای منابع ملی و انسانی ایران و زیربنای آن و ظرفیت جذب آن نیز خواهد بود، یک چنین خط مشی برای اقدام نیازمند اختصاص کادرهای واجد شرایطی فنی که در حال حاضر تعهدی نسبت به واشنگتن و تهران ندارند، خواهد بود. همچنین فرض بر آن است که از جانب ایران ظرفیت و آمادگی که هنوز مورد آزمایش قرار نگرفته، معلوم گردد. معذالک در صورت فقدان یک چنین کوششی تصمیمات یکجانبه حکومت ایالات متحده برای خودداری از فراهم کردن اسلحه برای ایران به عنوان تنزل علاقه ایالات متحده نسبت به ایران و دوستی با آن تعبیر خواهد شد که عواقب آن نیز باید درنظر گرفته شود.

۵ زمینه اختلاف نظر جدی احتمالی دیگر مربوط به حقوق بشر است. به قضاوت ما بین تصویری که غربیها از ایران زمان حال دارند از یک طرف، و واقعیت ایران از سوی دیگر به اندازه تجارب فرهنگی و اخلاقی و تاریخی بین غربیها و ایران اختلاف دارد. ایران تاریخی شامل ۲۵۰۰ سال فرمانروایان خودکامه و اغلب خارجی دارد و تنها به نحو نسبتا محدودی در معرض ارزشهای لیبرال غربی قرار گرفته است. فرایافت های جریانهای دمکراتیک اساسا برای سنتهای ایران بیگانه است هرچند ایران در صف مقدم بعضی از انواع حقوق بشر از قبیل آزادی مذهبی قرار گرفته، که این امر در غرب مورد توجه زیاد واقع می شود.

اصلاحات ارضی و آموزش و پرورش عمومی و حقوق زنان و سایر اصلاحات اجتماعی و اقتصادی تنها اخیرا (یعنی در سالهای دهه ۱۹۶۰ و دهه ۱۹۷۰) در مقابل مخالفتهای سخت محافظه کارانه وارد جریان شده اند. شکی نیست که حتی این پیشرفتهای محدود در صورتی که رهبری نیرومند و مصمم شاه و پدرش قبل از او وجود نمی داشت، تحقق نمی یافت. در جریان همین چند دهه اخیر شاه از سوی چپ گرایان تحت پشتیبانی کمونیستها و راست گرایان مسلمان محافظه کار زمین دار، در معرض مبارزه جویی قرار گرفته و چندین بار به لبه پرتگاه رسیده که ممکن بود، احتمالاً باعث معکوس شدن جهت گیری طرفداری ایران از غرب شود. همین اواخر ایران ناگزیر بود با گروهها و اجتماعات کوچک ایثارگر که وحدت چندانی بین یکدیگر نداشتند و مخالفین، مارکسیست اسلامی نامیده می شدند و در

کوششهایی برای سرنگون کردن نام کنونی متوسل به تروریسم شده بودند مقابله کند. نشانه هایی از پشتیبانی بیگانه از این کوششها در دست است. رژیم ایران به این کوششها پاسخ شدید داده است هر چند همیشه کار او مؤثر نبوده است.

۶ موفقیتهای رژیم به طور عمده در سطح سیاسی، خلقی و اقتصادی از طریق برنامه های پیش دستی کننده و سیاستهایی که هر مخالف قابل تصوری ممکن بود عنوان کند و وارد کردن مخالفین در فعالیتهای مشروع و قانونی بوده است. آنچه که باقی مانده مخالفینی هستند که فاقد هدفهای سیاسی بوده و تنها میل دارند جایگزین دستگاه رهبری کنونی بشوند و این موضعی است که در ایران پشتیبانی خلق را برنمی انگیزد. روش رژیم نسبت به این مخالفین که به عقیده آن دارای جهت گرایی کمونیستی بوده و یا تحت الهام کمونیستها قرار گرفته اند بسیار خشن است و تابع قوانینی است که نزدیک به قوانینی بود که در ایالات متحده در سالهای دهه ۱۹۵۰ به مورد اجرا گذارده می شد. علاوه بر این سیستم دادگاههای مدنی ایران پرپیچ و خم بوده و در معرض انتقادهای زیادی از لحاظ عدم کارآیی قرار گرفته اند، این اوضاع توأم با مخلوط ناهنجاری از قوانین دوران ناپلئون و قوانین اسلامی منجر به نظامی از روالهای قضایی برای رسیدگی به مسایل امنیتی شده است که با فرایافت های غربی (یا لااقل انگلوساکسون) کاملاً بیگانه است. شاید در ایران حدود سه هزار و پانصد «زندانی سیاسی» وجود داشته باشد، هر چند سازمان عفو بین المللی و گروههای مشابه مدعی هستند تا ۲۰۰/۰۰۰ زندانی سیاسی در ایران وجود دارد. در میان این زندانیان سیاسی اکثریت بزرگی دست به عملیات خشونت آمیز زده یا در آن شرکت داشتند. بنابراین آنچه که در توصیه به اجرای سیاستهای حقوق بشر، هماهنگ با فرایافت های خودمان مواجه هستیم در موضعهای قانونی و روشی که مختص رژیم کنونی نبوده و ریشه های عمیقی در سنتهای ایرانی دارد دارای اختلاف بسیار زیادی است. حکومت کنونی ایران نسبت به نگرانیهای ما بی تفاوت نیست. ما شاهد

اصلاحات جزئی در این زمینه بوده ایم و معتقدیم که می توانیم بیشتر از آن نیز انتظار داشته باشیم اگر به آرامی تداوم و با صبر و شکیبایی به شکل عدم رویارویی پیش برویم.

۷ زمینه دیگر اختلاف مربوط به قیمتهای نفت است ایران به نحو پیگیرانه ای استدلال کرده است که:

الف: افزایشهای قیمت نفت به آن اندازه ای که مفسرین غربی مدعی شده اند به مصیبتهای غرب (یا حتی کشورهای کم رشد) نیفزوده است.

ب: نفت ماده ای است که باید حفظ شود و قیمتهای بالاتر تهیه منابع انرژی دیگر را تشریح می کنند در حالی که:

ج: ایران در افزایش قیمتهای صادرات عمده خود با توجه به قیمتهای بالا رونده جهت کالاهای غربی اعم از نظامی و غیرنظامی کاملاً محقّ است. این موضعی است که استدلالهای غرب موفق نشدند آن را شکست دهند. تحولات چند سال آینده مانند نزاع دو گروه جداگانه در داخل اوپک ممکن است منجر به کاهشهای جزیی در تصمیمات ایران بشود. معذالک شاه این موضع را اتخاذ کرده است که سیاست نفتی یک امر کاملاً اقتصادی است و نباید تحت تأثیر ملاحظات سیاسی قرار گیرد. به همین جهت شاه در سال ۱۹۷۳ از الحاق به تحریم نفت اعراب خودداری کرد و همچنان تحویل دهنده عمده نفت به اسرائیل است. ما می توانیم و باید نقطه نظرهای خود را درباره قیمتهای نفت (و عرضه نفت) براساس منظم ارائه داده و به گفت و شنودهای مشورتی با ایران ادامه دهیم تا اینکه به مرور زمان بتوانیم آن قسمت از استدلالهای

ایران را که ما، در مقابل آنها استدلال متقابل داریم از میان ببریم. ما باید تمامی مسئله قیمت گذاری را مورد مطالعه قرار دهیم، زیرا هیچ بعید نیست که این امر به موقع افزایش یکجانبه قیمتهای نفت اوپک یا قیمتهای آن قسمت از نفت را که در بازار آزاد وجود دارد کاهش دهد. ولی درباره این مسئله و مسئله دیگر در صورتی که به طریق رویارویی مستقیم عمل کنیم نه تنها نفعی نخواهیم برد بلکه چیز زیادی از دست خواهیم داد. طریقه بهتر و مؤثرتر آن است که در شرایط دوستانه به استدلال بپردازیم.

به نحو صمیمانه ای اعتقاد دارد که عدم اشاعه سلاحهای هسته ای در مورد ایران صدق می کند. در عین حال شاه سرمایه گذاریهای سنگینی در پرورش و رشد انرژی هسته ای زمان صلح تقبل کرده و نگران است که در آینده به اندازه کافی سوخت هسته ای به دست آورد.

ایران از هم اکنون در آفریقای جنوبی و زئیر و جاهای دیگر در جستجوی منابع متنوع برای این گونه سوخت است. می توان انتظار داشت که ایران همچنان به کارخانجات غنی کردن و تکنولوژی مشابه علاقه نشان خواهد داد و با توجه به میزان همکاریهای آینده با حکومت آمریکا در زمینه هدفهای جهانی هسته ای در نتیجه میزان همکاریهای آمریکا، ایران علاقه های خود را برای تأمین عرضه سوخت به دست می آورد.

۹ ایالات متحده آمریکا (از لحاظ حاشیه ای) بزرگترین صادرکننده کالاهای غیرنظامی (نظامی) و خدمات به ایران است. در سال ۱۹۷۶ معادل ۸/۲ میلیارد دلار کالای غیرنظامی آمریکایی به ایران صادر شده که انتظار می رود در سال بعدی به ۲/۳ میلیارد دلار افزایش یابد و معادل صادراتی قبل از ۱۹۷۵ گردد. ما می توانیم انتظار داشته باشیم که تا چند سال آینده این صادرات در اطراف ۳ میلیارد دلار باشد.

۱۰ در مسایل چند جانبه اقتصادی و سیاسی ایران به احتمال قوی بین (الف) احتیاط برای احتراز از برخورد با منافع کشورهای کم رشد از یک سو و (ب) حساسیت برای حفظ مناسبات خود با کشورهای

رشد یافته در نوسان خواهد بود. در تریبون های تبلیغاتی شمال و جنوب، ایران احتمالاً از نقطه نظر کشورهای کم رشد پشتیبانی خواهد کرد، ولی شور و ذوق ایران از مسئله ای به مسئله دیگر تفاوت خواهد داشت.

IFAD وسیله دیگری است که برای سیاست ایران اهمیت خواهد داشت (به ویژه اگر ستاد IFADبه تهران منتقل شود). در حالی که نقش آن در سازمانها و گروه بندی های قدیمی تر مانند کمیسیون ملل متحد برای بازرگانی و توسعه و موافقتنامه عمومی درباره تعرفه و بازرگانی و حتی G۷۷ هم چنان در حال غیرفعال خواهند بود.

۱۱ دانشجویان ایرانی در ایالات متحده شاید بزرگترین رقم دانشجو را نسبت به هر کشوری تشکیل دهند و می توان انتظار داشت که تعداد آنها که اکنون ۳۰ هزار نفر برآورد می شود افزایش یابد. این امر نظر تلخ حکومت ایران را درباره فعالیتهای مخالفین ایرانی در ایالات متحده و اروپای غربی تغییر نخواهد داد. ولی این مسئله باید به نحو معقولی مهار شود زیرا هم ایران و هم ما چشم انداز وسیع تری درباره روابط کلی بین خود داریم.

۱۲ هدفهای سیاسی دیگری نیز برای حکومت ایالات متحده در ایران وجود دارد. از قبیل جلب همکاری ایران در یک برنامه مؤثر علیه تولید تریاک در کشورهای همسایه و به دست آوردن آراء ایران در هیئتهای سازمان ملل متحد برای یک سلسله از مواضع حکومت ایالات متحده و غیره. معذالک اینها

همراه با منافع بزرگتر که قبلاً ذکر شده به طور متقابل به یکدیگر وابسته هستند و از یک جو کلی دوستی و همکاری ناشی می شوند؛ همان طور که شاه نیز آن را چنین درک می کند.

ج: هدفها، خط مشی ها و مسایل

۱ هدفهای ما همان است که در قسمت الف به عنوان منافع ایالات متحده ذکر شده است

خط مشی های عمده ای که در پشتیبانی از این منافع اتخاذ می شود به ترتیب زیر است:

a) ادامه فروش سلاحهای قراردادی به ایران. (سلاحهای غیر هسته ای) کوشش به متقاعد کردن سیاستمداران ایران در منافع خودشان به اینکه صاحب گزینش بیشتری باشند و سرعت سیر نوسازی سلاحها را برای جذب مؤثرتری مشخص کنند. این عمل از طریق مشاورت فنی نزدیکتر بین سازمانهای دفاعی ایالات متحده و ایران باید صورت بگیرد. تأکید بر روی نفع متقابل ما در یک ایران نیرومند و امن از طریق مشورتهای نزدیک بین دو حکومت، شامل در معرض قرار دادن شاه و رئیس جمهور و وزیر امور خارجه و همچنین تماسهای مکرر در سطوح متعدد شامل کارمندان نخبه در واشنگتن و همچنین سفیر و کارمندان متعدد او در تهران. بایستی در عین حال تعهد اساسی حکومت ایالات متحده نسبت به سطح پایین تری از تسلیحات در سراسر جهان که ما امیدواریم و انتظار داریم ایران سهم خود را در آن داشته باشد، توجه کرد. شانسهایی که ما بتوانیم چنین کاهشی در تسلیحات به دست آوریم بستگی به این دارد که تا چه میزان ما می توانیم ۱ ایران را متقاعد کنیم که ما به عنوان تحویل دهنده سلاحهای مورد نیاز و خدمات فنی همچنان قابل اتکا هستیم. ۲ فراهم کردن پشتیبانی وسیع بین المللی (از جمله پشتیبانی اتحاد شوروی) برای پایین بودن سطح نقل و انتقالات سلاحها و ۳ کمک به بهبود اوضاع امنیتی در منطقه اطراف ایران از قبیل تحولات امکان پذیری نظیر نرخ پایین تر تسلیحات عراق (شاید و البته به حل بحران اعراب و اسرائیل یا یک نزدیکی پرمعناتری بین هند و پاکستان. (بدین مناسبت لازم است در نظر گرفته

شود که خروج نیروهای ایالات متحده و شوروی از اقیانوس هند به خودی خود نگرانی ایران را درباره مقاصد آینده همسایگانی نظیر هند یا عراق کاهش نخواهد داد). هیئت مستشاران نظامی آمریکا در ایران حتی اگر از لحاظ تعداد کاهش یافته است باید همچنان رهبری را در پرسنل فنی متعدد حکومت ایالات متحده و شرکتهای خصوصی که به نوسازی نظامی ایران از طریق برنامه هایی که تماما به هزینه ایرانیان صورت می گیرد، در دست داشته باشد. افزایش پرسنل بخش سیاسی نظامی سفارت بایستی برای رهبری این کوششها کمک کند.

(b نشان دادن ادامه نگرانی ایالات متحده در امور حقوق بشر در ایران چه از لحاظ چهره عمومی ایران و چه از لحاظ متفق بالفعل ایالات متحده و به خاطر آینده ثبات خود ایران که در آن ایالات متحده ذیعلاقه و ذینفع است از محکوم کردنهای ناشی از قدرت یا پشتیبانی بیش از حد حکومت ایالات متحده در مورد انتقاد از اوضاع مربوط به حقوق بشر اجتناب شود. ولی کار مداوم با سیاستمداران ایران و بوروکراسی این کشور برای تشخیص هویت مناطقی که در آنها لیبرالیزه کردن قوانین و عرف ایران به امنیت داخلی ایران صدمه نخواهد زد، بلکه در دراز مدت به آن کمک خواهد کرد، ادامه یابد.

(c پیشبرد مشورتهای منظم و در واقع گفت و شنود با ایران درباره قیمتهای نفت به ویژه در ارتباط این قیمتها با قیمتهای واردات از ایالات متحده (استدلالی که شاه خوشش می آید آن را در سر و کار داشتن با

ما به کار ببرد). کوشش به نشان دادن تا آنجایی که ممکن باشد به این که ایرانیان درباره میزان تورم در اقلامی که از ما خریداری می کنند غلو می کنند (از طریق مقابله با افزایش هزینه جهت تجهیزات و خدمات نظامی در مقابل قیمتهای حقیرانه واردات غیر نظامی). معذالک ما باید بپذیریم که درباره کوشش ما حدودی وجود دارد تا زمانی که ۱ ایران هم چنان به اینکه نفت را به چه کسی تحویل می دهد تبعیض سیاسی قائل نیست (مثلاً اسرائیل یا غرب را تحریم نکرده است) و ۲ قیمتهای ایران با قیمتهای نفت سایر جاهای دیگر چنان خارج از حدود تطبیق نیست.

(d) ادامه گفت و گوی خود با ایران برای حفظ تعهد حکومت ایران درباره امور مربوط به عدم اشاعه سلاحهای هسته ای و جلب مساعدت ایران در این زمینه. باید به نفع ما باشد که به اندازه کافی مقادیر سوخت برای برنامه های انرژی هسته ای برای مقاصد صلح برای ایران فراهم کنیم. در عوض باید بتوانیم از ایران بخواهیم که در بازداشتن دیگران در تعقیب برنامه اشاعه سلاحهای هسته ای به ما کمک کند، چنانچه ایران در گذشته در این زمینه سودمند بوده است (مثلاً نسبت به پاکستان).

(e) ادامه همکاری اطلاعاتی با ایران برای فراهم کردن یک محصول مشترک با رشد مداوم و نشان دادن علاقه مداوم ما به امنیت ایران در زمانی که ما بخواهیم خرید سلاحهایی بر حسب انتخاب و به مقدار کم را به ایران توصیه کنیم.

(f) ادامه پشتیبانی نیرومند از صادرات بازرگانی غیر نظامی شرکتهای خصوصی به ایران از طریق مأمورین بازرگانی سفارت و مرکز بازرگانی ایالات متحده و نمایشگاههای ویژه بازرگانی به پشتیبانی از برنامه های بازرگانی سراسری ما. ادامه یک سطح گزارشگری مداوم اقتصادی و مالی برای مقابله با روندهای متغیر در فرایافت ها و رفتارهای اقتصادی ایران (مثلاً علاقه کمپانیهای ایالات متحده به معاملات پایاپای با استفاده از نفت). حفظ علاقه ما در تولید کشاورزی ایران از طریق نماینده وزارت

کشاورزی آمریکا در اینجا با توجه به این که ادامه بهبود تولید کشاورزی در ایران به فرآیند رشد اجتماعی و اقتصادی و بالنتیجه ثبات سیاسی مساعدت می کند.

g) ادامه برنامه مؤثر اداره اطلاعات ایالات متحده در امور فرهنگی به عنوان وسیله دیگری از کمک به رشد ایران، و نشان دادن علاقه کم نشدنی ایالات متحده نسبت به آینده ایران و ادامه بر قرار کردن پیوندها با رهبران افکار عمومی در ایران، در زمینه های آموزش و پرورش و اطلاعات (مقصود غیر از اطلاعات سیاسی یا نظامی است) و زمینه های مربوطه که در دراز مدت باید به انتقال ایران به داشتن یک جو دمکراتیک تر کمک کند.

h) همچنین پشتیبانی بیشتری از تماس مردم با مردم از طریق جریان دادن دیدار کنندگان ایرانی از ایالات متحده و تعداد زیادی از دانشجویان ایرانی که در آمریکا تحصیل می کنند. خدمات روادیدی در سفارت آمریکا در ایران باید کادر مناسبی داشته باشد.

i) به همین ترتیب داشتن کادرها در خدمات آمریکایی و حمایت از شهروندان آمریکا لازم است تا از حضور فزاینده آمریکا در ایران پشتیبانی کند و از فشار در امر روابط عمومی با مردم اجتناب شود.

j) از طریق مبادله مکرر دیدارهای مقامات ایرانی از وزارتخانه ها و سازمانهای مختلف و هم چنین وزارت امور خارجه کوشش شود تا پشتیبانی فزاینده ایران در تریبون های تبلیغاتی بین المللی درباره مسایل اقتصادی و سیاسی مورد علاقه حکومت آمریکا جلب شود. برای این وظیفه تعداد بیشتری از وقت

مأمورین سفارت آمریکا اختصاص خواهد یافت.

k) حفظ یک برنامه کافی ضد مواد مخدر در ایران از طریق عملکرد مأمورین مبارزه با مواد مخدر، چه ساکن ایران و چه دیدار کننده از ایران، برای ادامه جلب همکاری ایران در محدود کردن تولید تریاک در کشورهای همسایه و عبور ترانزیتی مواد مخدر به ایالات متحده، و همچنین کاهش دادن مسایل و مشکلات مربوط به مواد مخدر در جامعه آمریکایی (مقیم ایران، مترجم).

۲ مسایل

a) بحرانی ترین مسئله در روابط دو جانبه ما مربوط به تصمیم واشنگتن درباره ادامه سیاست نقل و انتقال سلاحهای متعارفی (مقصود غیر هسته ای) به ایران است. این امر در اینجا به عنوان یک میخ مصوری روش جدید حکومت نسبت به ادامه روابط نزدیک با ایران تلقی خواهد شد. ما توصیه می کنیم این مسئله مطابق با خط مشی که در بحثهای من روند مذکور در بالا شرح داده شده حل شود.

b) یک مسئله مربوطه عبارت خواهد بود از دامنه انتقادات واشنگتن از اوضاع حقوق بشر در ایران که مخالف با برداشت تدریجی گرایانه از تشویق اصلاحات در این زمینه است. ما معتقدیم که حکومت ایران کوششهای حکومت آمریکا را برای بهتر کردن چهره ایران و کارهای آن تحمل خواهد کرد ولی کوششهای آمریکا در این رشته باید همیشه به عنوان کوششهای یک دوست علاقمند و نگران درک شود که درباره هدفهای مشترک تبادل نظر می کند و به هیچ وجه با خاطرات ایرانیان درباره سیاستهای کاپیتولاسیون و استعماری که به وسیله حکومتهای غرب در گذشته بر ایران تحمیل می شده است مشابهتی ندارد.

c) توجه زودرس آمریکا به مسئله عرضه کافی سوخت هسته ای قابل اتکاء به کشورهایی مانند ایران که وارد برنامه های جاه طلبانه پرورش انرژی هسته ای می شوند به خودی خود یک هدف با ارزشی است و می تواند اثرات جنبی پشتیبانی فعال ایران را برای کوششهای عدم اشاعه سلاحهای هسته ای آمریکا

فراهم کند.

d) سرانجام یک مسئله نسبتا کوچکتر عبارت است از حل و فصل بدهی معوقه ایران از زمان جنگ جهانی دوم مربوط به قرارداد وام و اجاره که به مرور تصاعد بهره در حال حاضر به ۳۵ میلیون دلار رسیده است. ما توصیه می کنیم که این مسئله به نحو بسیار فعالانه حل شود و ایرانیان نیز همین میل را دارند، حتی اگر این حل و فصل معادل با سازش درباره مبالغ مورد بحث برای حفظ آبرو به طور کلی باشد.

میکلوس

مخالفت مذهبی و روشنفکری در ایران

ص: ۴۵۵

سند شماره ۲۳

از: سفارت آمریکا تهران محرمانه ۲۵ جولای ۱۹۷۷ ۳ مرداد ۱۳۵۶

به: وزارت خارجه واشنگتن

گزارشگر: استمپل

موضوع: مخالفت مذهبی و روشنفکری در ایران

تحریکهای مخالف

خلاصه: انتقاد از رژیم در روزنامه های خارجی که آزادانه در اینجا منتشر می شوند، اگر چه به سختی استقبال می شوند ولی به مدت طولانی تحمل شده است. این موضوع در زمینه انتقادات عناصر داخلی صحت ندارد. در دو سال گذشته طرز برخورد مقامات نسبت به این موضوع آرامتر شده است. در حقیقت قسمت زیادی از انگیزه از خود شاه ناشی می شود و کمیسیونها و گروههای تحت حمایت دولت برای انتقاد از سیاست و عمل دولت تشکیل شده است. اخیرا انتقاداتی از طرف گروههایی که با سازمانهای تروریستی همکاری ندارند و از کانالهای حمایت شده رسمی خارجی نیستند، شده است. آنها با عبارتهایی که نسبتا با دقت پرداخته شده تقاضا دارند که شاه سلطنت کند نه حکومت و همچنین تقاضای تجدید حیات آزادی بیان. باید دید آیا چیزهای بیشتری مطرح خواهد شد و دولت در قبال آن چه خواهد کرد. اما در آزادیخواهی به نظر می رسد که نیمه باز است. در حالی که تأکید مجددمان در مورد حقوق بشر هماهنگ و پذیرفته شده، ما معتقدیم که باید از هر اظهار نظر رسمی که به صحه گذاشتن بر مفاد انتقاد تعبیر شود اجتناب کنیم. (پایان خلاصه).

ضمائم:

۱ نامه به شاه

۲ نامه به نخست وزیر

۳ موضوع برای اطلاع شما

سابقه: دوبار در این قرن کوششهایی برای هم چشمی کردن با فرمهای غربی دولت، احزاب سیاسی، آزادی بیان و حق مخالفت در ایران انجام گرفته و منجر به شکست شده است. این مفاهیم اساسا در این رژیم سلطنتی غریبه هستند. وفاداریها و علاقه ها و به طور سنتی در مرتبه اولویت به خانواده، قبیله و فقط به صورت فاصله داری به سلطان و ملت قرار دارد. تشریک مساعی، تلاشهای گروهی و کار در داخل مؤسسه ها قسمتی از میراث پارسی نیستند، و فقدان آنها بیانگر دلیل اساسی برای شکستهای گذشته در ریشه گرفتن و روییدن ارزشهای سیاسی غرب می باشد. نارضایتی و مخالفت به طور عمومی به عنوان کوششهایی برای سرنگون کردن رژیم مستقر و خنثی کردن هدفهای آن دیده شده است. با این حال این تصور که ایران که سرزمین متکی به خود نیست و باید با نفوذها و عقاید خارجی همسازی داشته باشد در حال قوت گرفتن است. جواب ما استقبال از انتقاد سازنده بوده است ولی آن را در محدوده های قابل کنترل باید نگهداشت.

بعضی از محافظه کاران و روشنفکران این موضوع را یک مجرای کافی و شایسته و راضی کننده نمی دانند. یک هسته از گروههای فناتیک قدیمی و مذهبی هنوز وجود دارند و رژیم شاه به طور دائمی خود را در رقابت با آنهایی که هنوز عقیده دارند سلسله صفویه (قرن هفدهم) به نقطه اوج توسعه و سازمان

اجتماعی رسیده بود می بیند. مخالفت مذهبی با دولت ادامه یافته است و حتی رشد یافته و این به همان اندازه که گامهای مدرنیزه کردن از زمان انقلاب سفید (۱۹۶۳) تندتر شده است، می باشد. گروههای تروریست، احتمالاً در پرتو مجاهدین خلق، شروع به عضوگیری از میان جوانان تأثیرپذیر با زمینه عمیق (مذهبی) مسلمان کرده است. بیشتر این جوانان به خاطر تنفر از برنامه رفرمی شاه به خصوص اصلاحات ارضی و اعطای حق رأی به زنان جذب آنان شده اند. دولت ایران بشدت مواظب امامهای رادیکال عمده است و برنامه هایی را برای بی اعتبار کردن بعضی و مواظبت دیگران شروع کرده. در همین دوره، ۱۹۷۵۱۹۶۳ اعضای متمایل به چپ جبهه ملی که خیلی از آنها اعضای حزب توده «کمونیست» بوده اند از فعالیت دست کشیده اند.

بعضی به همکاری پذیرفته شدند، که تحت تأثیر اقدامات (تلاشهای) انقلابی شاه قرار گرفته اند. حداقل دو نفر از آنها وزیر شدند. بیشتر آنها به سادگی از سیاست خارج شدند و نسبت به آن بی علاقه شدند. چندین نفر از آنها استاد دانشگاه باقی ماندند، بعضی به تجارت پرداختند (و همان طور که ثروت ایران به سرعت در اواخر دهه ۶۰ و ۷۰ افزایش پیدا کرد ثروتمند شدند). خیلی به طور خصوصی منقد شاه، بدبین نسبت به دولت و بی تمایل نسبت به شرکت در فعالیتهای تحت حمایت دولت از قبیل رستاخیز باقی ماندند. خیلیها توسعه کشور را پذیرفتند ولی انتقادشان را بر نقصان آزادیهای مدنی و حضور سانسور در مطبوعات و انتشارات و روش حبس و غیره متمرکز کردند. به علاوه یک جنبش متمایل به چپ فزاینده در میان روشنفکران و جامعه علمی وجود دارد. نمایندگان این جنبش نه فقط در گروههای دانشجو، بلکه تا حدی در قسمتهای دیگر جامعه، به خصوص آنهایی که آموزش دانشگاهی خارجی داشته اند وجود دارد.

تجزیه و تحلیل کردن سیستم سیاسی

هم زمان با علاقه فزاینده ایران در مورد وجهه حقوق بشرش که در پاییز ۱۹۷۶ شروع شد، این

تشخیص پیدا شد که مردم نسبت به قدرت دولت در جوابگویی به مسایل اقتصادی و اجتماعی انتقاد دارند. علاوه بر این بر رهبران ایران آشکار می شد که برای هماهنگ کردن و ادامه دادن رشد اقتصادی ایران چیزی بیشتر از افزایش تعداد طبقه متوسط لازم بود. به طور خلاصه، شاه و دولت ایران در بهار ۱۹۷۷ شروع به جستجو برای راههای ترغیب حمایت فعال زبده های (دولتمردان) جدید کردند. انتقاد در داخل حزب رستاخیز، شوراهای شهر و استان و مجلس تحمل شد تا جایی که خیلی از کسانی که مشتاقانه شرکت می کنند هم اکنون متحیرند که چه نتیجه خوبی گرفته شده است. آیا کسی گوش می دهد؟ برای اینکه اعتبار بیشتری به این مراحل داده شود، دولت ایران فعالیتهای کمیسیون سلطنتی، سازمان بازرسی شاهنشاهی و گروه مطالعه مشکلات ایران را احیا کرد. به هر گروه حکم جداگانه ای که گاهی تداخل با هم پیدا می کنند داده شده است.

کمیسیون سلطنتی روی سرپرستی توسعه اقتصادی، ریشه کن کردن و محو فساد کار می کند. سازمان بازرسی شاهنشاهی پیشرفت انقلاب اداری و از هفت ژوئن بازرسی اعلام نشده تمام وزارتخانه ها و دفاتر را مراقبت می کند. تیم مطالعه مشکلات ایران ارزیابی و بحث در مورد سیاستها و مشکلات دولت ایران و ارسال گزارشات و انتقادهایشان به شاه را به عهده دارد. برای افتتاح مبارزه جدید در ژوئن و جولای (خرداد تیر مرداد) جلسات کمیسیون از تلویزیون سراسری پخش شده، گزارشات کمیته و شهادتهای

وزارتخانه، بی کفایتیها (ناکارآیی) و کمبودها در برنامه توسعه اقتصادی ملی را آشکار کرد و تعبیر و تفسیر فراوانی بر روی آن انجام گرفت. خشم کمیسیون در مورد نیرو، کتاب درسی، سیمان، کمبودهای بیمارستانی بود و هیجانی به وجود آورد.

وزرایی که مورد حمله قرار گرفتند مجبور به دفاع از سیاستهای خود و یا قول برای تغییر شدند. در جلسه مشابهی در ژوئن که به وسیله گروه مطالعه تشکیل شد، نخست وزیر و دیگر مقامات بالا درباره عدم اداره صحیح و سَمبَل کاری مورد سؤال قرار گرفتند. بر طبق خلاصه ای که به وسیله یک عضو گروه مطالعه که در ضمن کارمند محلی خدمات اطلاعاتی ایالات متحده است، تهیه شده، خیلی از اعضا عدم اعتماد و انزجار عمیقشان را از دولت ایران ابراز کردند. چندین بار در طول جلسه سؤال و جواب محرمانه با نخست وزیر، امانت و درستی دولت مورد اعتراض واقع شد و عمل آن مورد اعتراض قرار گرفت. در دو ماه گذشته سازمان بازرسی شاهنشاهی به عنوان سگ مراقب دولت ایران، به منظور رسیدگی به شکایتهای شهروندان و انجام تحقیقات مستقل و تهیه گزارشات برای شاه از نو طرح ریزی شده است. این سازمان پر قدرت ترین و مؤثرترین سازمان از سه گروه است و از اعتقاد کامل شاه برخوردار است. سؤالی که باقی می ماند این است که آیا شاه و نخست وزیر به وعده های خود عمل می کنند؟ و آیا قادر خواهند بود که یک توده شکاک را قانع سازند که قصد آنها جدی است؟

منابع نزدیک به نخست وزیر ادعا می کنند که این مبارزه ای که به دقت برای گشودن و اجازه دادن به انتقاد بیشتر از دولت طرح ریزی شده پیشقدمی بخشش شاه و عملیات اخیر نخست وزیر بود که به آن گزارشها اعتبار بخشید. در یک گفتار برای مطبوعات در پنجم ژوئن و در دوازدهم ژوئن برای I.C. هویدا گفت که هر ایرانی حق دارد که در تمام امور ملی جز جایی که اساس ملت ایران مطرح است انتقاد کند (به عنوان مثال: شاه، قانون اساسی، و انقلاب شاه و ملت).

او موقعیت دولت را عنوان کرد: «هیچ دلیلی نیست که چرا کشوری که از ضعف (با رهبری شاه) به موقعیت استحکام رسیده است از انتقاد هراسان باشد.»

اینکه این موضوع به سرانجام خواهد رسید هنوز معلوم نیست. پس از آنکه مقاله ای در کیهان در تاریخ ژوئن چاپ شد که از وجود سانسور انتقاد کرده بود،

نخست وزیر به روزنامه کیهان تلفن کرده و آنها را متهم به تندروی کرد، وقتی که آنها انتقاد خود او را در مورد ترتیبات سانسور فعلی منعکس کرده بودند.

با این حال آشکارا به نظر می رسد که دولت ایران یک موضع قابل تحمل تری از گذشته درباره مخالفت با سیاستهای دولت گرفته است. حتی شایعه ای وجود داشته مبنی بر اجازه دادن به وجود یک حزب سیاسی دیگر، ولی تاکنون در حد شایعه باقی مانده است.

تحریک مخالفت

نشانه های دیگری که از قانون اصلاحی دادگاه نظامی سرچشمه می گیرد و حملات متقابل بر علیه ادعاهای بین المللی در مورد شکنجه در ایران، بعضی گروهها و اشخاص را که سابقا بی تفاوت بوده اند، به طور آزمایشی به صحنه سیاسی بازگردانده است. این موضوع به وسیله عقیده آنها در باب اینکه خطر سرکوبی کمتر است (برای اینکه ایران می خواهد یک ذره فضای سیاسی را باز کند) تقویت شده است و

سیاست جدید حقوق بشر ایالات متحده کشورها به طور عمومی و به خصوص ایران را وادار کرد که پلیس را در سرکوبی مخالفین محدود کنند. بارزترین مدرک این بیدار شدن مجدد دو نامه هستند که به طور خصوصی انتشار پیدا کرده اند: یکی برای شاه فرستاده شده و دیگری برای هویدا، نخست وزیر. سفارت نسخه هایی از این نامه ها را به فارسی به دست آورده و به طور غیر رسمی به انگلیسی ترجمه کرده است (ضمیمه های ۱ و۲).

نامه شاه احتمالاً یک گزارش پرداخته شده در مورد آرزوهای لیبرالی مخالفین سابق است و به وسیله دوازده نفر نوشته شده است، که سه نفر آنها نامه را امضا کرده اند. هر سه نفر از ارشدهای جبهه ملی هستند که یکی قبلاً وزیر دادگستری بوده است. چندین نفر که نزدیک به این محفل هستند می گویند که کسان دیگری هستند که راههای شکستنی سکوتشان را مورد توجه قرار داده اند. یک عضو برجسته سابق جبهه ملی، نوه مصدق، به دوستانش به طور خصوصی اشاره کرده است که خیلی از افراد محفل قدیم باقی هستند، و اگر واقعا موضوع آزادی دادن باشد فعالیتهای بیشتری خواهد بود. اغلب آنهایی که در نوشتن نامه به شاه دخالت داشته اند از زمان مصدق به صورت باز و یا به آرامی و سکوت مخالف دولت بوده اند. این موضوع باعث شد که داریوش همایون قائم مقام دبیرکل حزب رستاخیز در حضور جمع به آنها به عنوان فسیلهای سیاسی که خارج از کانالهای قبول شده از همان ایده های خاک خورده قدیمی انتقاد می کنند اشاره کند.

نامه دوم که برای هویدا، نخست وزیر نوشته شده بود به وسیله ۴۰ (چهل) روشنفکر که تشکیل انجمن نویسندگان ایران را می دهند، امضا شده بود. بر طبق یک بررسی محلی سیاسی (ضمیمه ۳) در حقیقت این یک قسمت از یک سری می باشد که از چند ماه پیش شروع شده است. بر طبق گفته دو منبع در تهران، این نشان دهنده یک خطر فکری است که در محفلهای مخالف برای چندین سال رایج بوده است، خطی که گاه

گاهی در گذشته به وسیله رادیو مخفی پیک ایران اجرا می شد. مطابق گفته یکی از امضاء کنندگان نامه تمام چهل نفر نامه را امضا کرده اند به خاطر اینکه دولت در جو حاضر مسئله حقوق بشر جرأت نمی کند همه ما را زندانی کند. لیست امضاء کنندگان تعدادی از روشنفکران مخالف قدیمی است، خیلیشان با هنر یا تعلیم سروکار دارند؛ دکتر غلامحسین ساعدی (موضوع تحقیقات حقوق بشر آمریکا یک نویسنده برجسته است که مدت زمانی در زندان بسر برده است؛ علی اصغر حاج سید جوادی یک روشنفکر ضد کمونیست برجسته است که دو سال پیش وقتی رادیو پیک ایران مقاله ای از او را پخش کرد به سختی آزرده شد. چندین نفر دیگر سابقه ای نزدیک به (حزب) توده تا جبهه ملی دارند. تاکنون دولت ایران به طور باز عکس العمل نشان نداده است بجز اینکه چنین پیشنهاداتی را بدون اشاره کردن به اسامی و یا تبلیغات کردن بدنام کرده است. کسانی که نامه ها را نوشتند خودشان را با تمایلاتی که در آنها بود معرفی کردند و منتظرند، که ببینند دولت ایران عاقبت چه خواهد کرد. امیدواری آنها به این است که انتقاد بیشتری را باعث شوند، شاید حتی به انتقادات قابل لمس (قانون اساسی، شاه، انقلاب شاه و ملت) نزدیک تر شوند.

آشوب مذهبی

فعالیتهای گروههای مذهبی در ۶ ماهه گذشته تحریک مشابهی را نشان داده است هر چند جزئیات کمتری در مورد آنها دانسته شده است. مسلمانهای دست راستی تلاش کردند که گروههای حقوق بشر

خارجی را نسبت به سرنوشت آنهایی که به کشتن آیت اللّه شمس آبادی متهم شده بودند علاقه مند کنند، بر این اساس که آنها شهدای مذهبی بودند. این کار به نظر می رسد که موفق نبوده است بجز به مقدار خیلی کمی در بریتانیای کبیر، ولی اشاره هایی هست که علیرغم تعصب دست راستیشان بعضی از امامها و آیت اللّه های محافظه کار اصولی تر، می خواهند که از حقوق بشر برای اتحاد با آنهایی که در جناح چپ قرار دارند و علایق مشترک برای تطابق می تواند به وجود آید، استفاده کنند. علائم رقابت با رژیم از این بخش عمدتا فرعی و ثانویه هستند. افزایش استفاده از چادر در میان زنان با تحصیلات دانشگاهی یک نشانه از مخالفت با دولت است، مقاومت در مقابل قانون حقوق زنان (تقریبا معادل تحمیل گری گروه فشار) و انتشار شوخیهای بی تملق درباره شاه.

سرکشی مذهبی به وسیله تجدید حیات طالعهای سیاسی اسلامی در صحنه های سیاسی همسایه تصویب شده است. پاکستان، جایی که مخالفت مذهبی حداقل تعادل قوایی را به نظر می رسد که از پارلمان جدید در دست داشته باشند، و عربستان سعودی جایی که شاه حقوق فناتیک اسلامی را به عنوان مشکلات جدی برای هر سلطان سعودی که حکومت می کند، می بیند. شاه و دولت قدمهای با احتیاط و از روی دوراندیشی برداشته اند که این نوع مخالفت پنهانی را در کنترل نگهدارند. علاوه بر مواظبت عادی که از فرقه های مذهبی می شود، شاه بالاخره سفری به مشهد برای زیارت بارگاه امام رضا در ماه می انجام داد و با رهبران مذهبی ملاقات کرد و در گفتارش گفت که مسلمان مؤمن نباید به وسیله فریب توسط گروههای خرابکار به تروریسم کشیده شود. نخست وزیر و فرح در سفرهایشان به استانهای مختلف زمانی را به ایراد نطق و خطابه اختصاص دادند، برای اینکه مؤمنین را آرامش دهند و آنها را به آشتی و حمایت از دولت بکشانند. یک عضو باهوش و حساس دفتر مخصوص فرح اظهار می دارد که خانواده سلطنتی به دقت موقعیت مذهبی را مراقبت می کنند و تلاشهای بیشتری را به سوی تجددگرایی به وسیله مشارکت وسیع تر

در پروژه های دنیوی بکشاند.

دولت چه خواهد کرد؟

دولت ایران و حزب رستاخیز در حال همسان (یکسان)سازی این صعود ناگهانی انتقاد و مخالفت محدود هستند که به وسیله یک مجموعه از سیاستهای خود دولت و شرایط به ظهور رسیده است. در کوتاه مدت سه راه حل به نظر می رسد (یا مجموعه ای از روشها):

۱ دولت ممکن است با به وجود آوردن انگیزه و فشار تلاش کند که عملیات این مخالفین را زیر چتر حزب رستاخیز بیاورد، از انتقادکنندگان بخواهد که در حزب فعال شوند و یا انتقادهایشان را به واحدهای حزب ارائه دهند. دولت ایران می تواند مخالفت در حال پیدایش را به طور کامل در داخل سیستم سیاسی فعالی در بر بگیرد. این کار کاملاً امکان پذیر نخواهد بود چون سازمانهای دیگر مثل کمیسیون سلطنتی، گروه مطالعه مسایل ایران و سازمان بازرسی شاهنشاهی هستند که در این زمینه نقشی به عهده دارند. با معرفی بعضی از انتقادکننده ها از طریق امضاهایشان در نامه ها، ممکن است از این افراد خواسته شود که در حزب نقشی به عهده داشته باشند. بعضی ممکن است توجه کنند ولی احتمالاً اغلب آنها نخواهند کرد و همین طور که تلاش می کنند امتناع خودشان را از مشارکت به وسیله حمله به سیستم و شخص شاه توجیه کنند، این کار نهایتا آنها را به اختلاف و کشاکش با خود سیستم می کشاند.

۲ هم شاه و هم دولت ممکن است به سادگی عقب بنشینند و به انتقاد بیشتری به عنوان بهای باز کردن سیستم سیاسی اجازه بدهند. این کار فقط در صورتی عملی می باشد که این نوع مخالفت به صورت امنی قابل اداره (در غالب عبارات امنیتی) باشد و دیگر اینکه سیستم به اندازه کافی باثبات باشد که بتواند چیزی را که شاه «تجملات مخالفین» می خواند تحمل کند. هر اشاره ای از حمایت خارجی و یا حتی حمایت عمومی برای گروههای مخالف از هر قسمتی احتمالاً یک شکست تند و تیز (شاید پیچیده) به دنبال خواهد داشت.

۳ دولت ممکن است به سادگی چنان انتقاداتی را سرکوب کند و یا آن را بر اساس ارجحیت امنیت کشوری محدود کند. این یک راه حل غیر محتمل به نظر می رسد، چون که هدف بازگشودن سیستم سیاسی را شکست می دهد. بدون شک شاه این روش را در پیش خواهد گرفت، خصوصا اگر که انتقادات از کنترل خارج بشود و یا از حد مجاز افزایش پیدا کند و با اساس منظمی به شاه، قانون اساسی و یا انقلاب شاه و مردم حمله شود. حالت اخیر هویدا اشاره می کند که انتقاداتی که این بنیادهای اساسی را به سؤال می کشند مجاز نخواهند بود و یا انتقادکنندگان محکوم به سرکوبی و اذیت و محدود شدن خواهند شد.

در مقام علم، دولت ایران احتمالاً هر سه این راهها را (تحمل برای خارج کردن انتقاد، کوشش برای اینکه آن را به سمت حزب راهنمایی کند، و فرمهایی از کنترل برای حفظ آن از بی ثبات کردن سیستم سیاسی رو به رشد ایران) در شرایط مقتضی استفاده خواهد نمود. درجه سرکوبی بستگی دارد به ماهیت پیام انتقاد کننده.

اگر انتقاد مخالف در مورد مسایلی که برای ۱۰ ۷ سال گذشته (مثل انتقاد از حقایق فعلی زندگی) باشد، ممکن است که در یک حد نسبتا بالای توبیخ قابل تحمل باشد. اگر انتقاد به منطقه ممنوعه (شاه، انقلاب شاه و مردم یا قانون اساسی) تجاوز کند، رژیم احساس اجبار و قید خواهد کرد که آن را قطع نماید.

البته هر انتقاد جدی باید که با یکی از ممنوعه ها ارتباط داشته باشد و تا این درجه فحوای انتقاد محکم خواهد بود. خود شاه ممکن است که برایش مشکل نباشد که به انتقاداتی که در مورد تعادل قانون اساسی و شاه می شود (اگر با یک طرح سازندگی انجام شود) تن در بدهد.

۴ طرز برخورد ایالات متحده

ایالات متحده در مراحل این افزایش انتقاد مستقیما مداخله ندارد و نباید داشته باشد. انتقادکنندگان از دولت ایران ممکن است از سمبلهایی استفاده کنند که خیلی از آمریکاییها با آن همدردی کنند. ایالات متحده ممکن است به خاطر آن روابط نزدیک سنتی در زمان سلسله پهلوی با ایران زیر آتش قرار بگیرد. در هر دو مورد ما باید با مراحل انتقاد به عنوان یک موضوع داخلی ایران روبرو شویم. در مواقع بجا و در مکانهای صحیح به طور خصوصی برای ما ضرری نخواهد داشت که تأیید خودمان را در مورد باز کردن سیستم سیاسی ابراز داریم و فکری را که بدان منجر شده تقویت کنیم. به عبارت دیگر، ایالات متحده باید از اغوای انتشار اعلامیه رسمی در مورد این موضوع که ممکن است به وسیله انتقادکنندگان و یا حامیان رژیم فعلی و یا هر دو بد تعبیر شود خودداری کند.

با در نظر داشتن اختلافات فرهنگی و دیدگاههای سیاسی بین نخبگان (دولتمردان) و اشخاص عادی در هر دو کشور و همچنین تاریخ طولانی ارتباط بین دسیسه های خارجی و مخالفت در ایران آمریکا هر چه کمتر در این جریانات ظاهر شود، بهتر است.(سولیوان)

کتاب نهم

بنی صدر

ص: ۴۶۲

بنی صدر

لهذا دیدید که آن روزی که این جوانهای بیدار عزیز ما این لانه

جاسوسی را گرفتند، این شیاطین به دست و پا افتادند، یکی

گفت که اینها خط شیطان هستند و به دنبال این کردند که ما

الآن اسیر آمریکا هستیم، نه اینکه نمی فهمیدند که نه اسیر

آمریکا نیستیم. می خواستند ما را از استقلال بیرون بیاورند و

به دامن آمریکا بیندازند و قضیه گرفتن این محل جاسوسخانه

ناگوار بود برای آنها، برای اینکه پرونده های اینها ظاهر

می شد، پیدا می شد، این پرونده ها، این همه کوشش برای اینکه

اینها را رها کنید بروند، ما در گرو آمریکا هستیم، اینها را

بگذارید بروند. اینها، این جوانهای عزیز ما که می گفتند ما در

خط اسلام هستیم، می گفتند بهشان که شما در خط شیطان

هستید.

از بیانات امام خمینی با خانواده شهدای

جنایت آمریکا در هفتم تیرماه ۱۳۶۰

مجموعه اسنادی که طی این جزوه در اختیار ملت مسلمان و متعهد ایران قرار می گیرد، مربوط به آقای

ابوالحسن بنی صدر می باشد.

قبل از اینکه به خود اسناد بپردازیم، لازم است نکاتی چند پیرامون زمان دستیابی به این اسناد و اینکه

چرا هم اکنون به اطلاع ملت غیور می رسد، را به اطلاع برسانیم:

الف: اسناد اول تا هفتم این مجموعه در حدود دیماه ۱۳۵۸ به دست آمد، یعنی قبل از انتخابات ریاست

جمهوری. در آن زمان نتیجه ترجمه و بررسی ما این بود، که هفت سند اول بر این معنی دلالت دارد که سازمان سیا با توجه به جنبه هایی که در آقای بنی صدر دیده است، در وی طمع کرده و در پاریس یکی از جاسوسان برجسته سیا به عنوان یک تاجر آمریکایی با وی ملاقات نموده است و سپس قرار بر این شده که این جاسوس سیا به بهانه تجارت به ایران آمده و در ایران ملاقات با آقای بنی صدر را ادامه دهد. حداقل مقصود و هدف سازمان سیا در این موقع این بوده که رضایت نامبرده را برای مشاورت یک شرکت آمریکایی جلب نماید و بعد تحت این پوشش تماسها را با وی دنبال کند.

اینها مجموعه اسنادی بودند که تا آن زمان از آقای بنی صدر به دست آمده بود. در آن موقع استدلال ما درباره آقای بنی صدر این بود که علیرغم اینکه سازمان سیا در وی طمع کرده است، ما از اینکه آقای راترفورد به ایران آمده باشد و توانسته باشد نظر آقای بنی صدر را جلب کند، مطمئن نیستیم. از سوی دیگر در پرسشی که از تام آهرن رئیس ایستگاه سیا در تهران آمده است و با آقای بنی صدر ملاقات کرده و وی را با حقوق ماهیانه ۱۰۰۰ دلار به عنوان مشاور شرکت آمریکایی استخدام کرده است.

لیکن از آنجایی که آهرن از کاندیداتوری آقای بنی صدر برای ریاست جمهوری مطلع بود، ما در یک چنین امر حساسی نمی توانستیم به گفته های وی استناد کنیم، از طرف دیگر صحت گفته های آهرن زمانی

به ثبوت می رسید که اسنادی که توسط خود وی در لحظه اشغال لانه جاسوسی به صورت رشته شده درآمده بود، به همت برادران و خواهران ما درست می شد، لذا ما ناچار باید منتظر می ماندیم که همین طور که به تدریج این اسناد درست می شدند، اسناد مربوط به ملاقات آقای بنی صدر و راترفورد به دست آید. هرچند که در همان زمان نیز این فکر بود که اسناد به همین صورت، بدون کم و کاست به اطلاع امام برسد، که در آن زمان حجت الاسلام آقای موسوی خوئینی ها به لحاظ فقدان دلایل کافی این امر را صلاح ندانستند.

ناگفته نماند که دانشجویان علیرغم مخالفتهای بی وقفه و اتهامات و دشنامهای فراوان آقای بنی صدر به دانشجویان و کل حرکت اشغال لانه جاسوسی، هیچ گاه نخواستند از مسئله اسناد، به گونه ای انحرافی در مقابل آقای بنی صدر استفاده کنند، همچنان که پس از انتخاب آقای بنی صدر به عنوان رئیس جمهور، تعداد محدودی از برادران که از موضوع این اسناد اطلاع داشتند، از طرح کوچکترین مسئله ای در این رابطه منع شدند، مبادا که با پخش شایعه ای مبنی بر اینکه از آقای بنی صدر در رابطه با لانه جاسوسی اسنادی موجود است، به مقام ریاست جمهوری و به تبع آن به کل جمهوری اسلامی صدمه و زیانی وارد آید. این مسئله مسکوت ماند تا اینکه در اوایل اردیبهشت ماه ۱۳۶۰ اسناد شماره ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ از میان اسناد رشته شده به دست آمد و البته با توجه به شواهد موجود در همین اسناد، اسناد دیگری نیز باید در همین رابطه وجود داشته باشد، که هنوز آنها را به دست نیاورده ایم.

با به دست آمدن این اسناد و با توجه به عملکردها و سخنان آقای بنی صدر، لازم بود که امام امت در جریان امر قرار بگیرند، این اسناد به اطلاع ایشان رسید و ایشان فرمودند که اسناد فعلاً محفوظ بماند و همچنان مطابق امر امام عمل شد.

بعد از اینکه مسئله عدم کفایت سیاسی آقای بنی صدر در مجلس مطرح شد، طی تماسی که با امام امت

گرفته شد دیگر از جانب ایشان اصراری برای حفظ اسناد در میان نبود و اسناد برای طرح در مجلس در اختیار موسوی خوئینی ها قرار گرفت، لیکن متأسفانه به علت کمی وقت، اسناد مورد بحث آن چنان که باید و شاید مطرح نشد. لذا همان طور که در مجلس قول داده شده، ما این اسناد را برای اطلاع امت قهرمانمان در اختیار روزنامه ها قرار می دهیم و در آینده طی جزوه مستقلی جداگانه آن را به انتشار خواهیم رساند. باشد که مردم مسلمان و مبارز ایران از سیاستها و توطئه هایی که برای نابودی انقلاب اسلامی صورت می گیرد از زبان اسناد خود این آمریکای جهانخوار مطلع گردند.

توضیح: (س، د، لور ۱)، اسم رمز آقای ابوالحسن بنی صدر می باشد که در اسناد سیا به کار رفته است. این مسئله با توجه به شواهدی که در اسناد است فهمیده می شود، از جمله در سند شماره ۱ تلفن منزل وی ذکر شده است و در سند شماره هشت می گوید وی ناشر روزنامه انقلاب اسلامی است و همچنین در سند شماره ۱۱ می گوید که وی عضو شورای انقلاب عضو مجلس خبرگان، سرپرست بانکهای ملی شده و ناشر روزنامه می باشد و این مطلب در پرسشی که از تام آهرن رئیس قرارگاه سیا انجام گرفته نیز تأیید شده است که نوار فیلم آن موجود است

مقدمه و معرفی اسناد

به منظور اینکه سیر اسناد مربوط به (س، د، لور ۱) مشخص شود توضیحات زیر ارائه می شود:

۱ جمع آوری اطلاعات

آمریکا برای اینکه سلطه خویش را بر مناطق و کشورهای مختلف حفظ نماید، قبل از شروع هر عملی احتیاج به اطلاعات دقیق نسبت به آن کشورها و مناطق دارد. این اطلاعات از معادن آن کشورها گرفته تا تاریخ و فرهنگ و مذهب و ... همه را شامل می شود. شاید میزان تحقیقات و اطلاعات اینان از کشور ما از خود ما در طول سیصد سال اخیر بیشتر باشد. از موارد دیگر جمع آوری اطلاعات که شاید از موارد قبلی مهمتر باشد، جمع آوری اطلاعات در مورد گروههای سیاسی مختلف یک کشور مخصوصاً گروههای مخالف رژیم می باشد. حتی اینها اطلاعات زیادی از گروههای موافق با خودشان نیز جمع آوری می کرده اند، چرا که می دانند آنچه در مواضع رسمی و سخنرانیهای رسمی بیان می شود با آنچه در پنهان مطرح است تفاوت دارد و این نکته را هم از رموز سیاست می دانند، چه بسیار افرادی که در رژیم شاه معدوم هرچند کل رژیم وابسته بود اطلاعات سرّی مملکت را به آنها می فروختند. جمع آوری اطلاعات و به خصوص اطلاعاتی که در پشت پرده سیاست می گذرد، امروزه یکی از پایه های تسلط ابرقدرتها بر مستضعفین می باشد، چرا که این اطلاعات هستند که آنها را قادر به انتخاب عمل می نمایند.

۲ وزارت امور خارجه آمریکا و سیا

این دو سازمان هر دو کار جمع آوری اطلاعات را به عهده دارند، ولی با این تفاوت که وزارت امور خارجه مصونیت سیاسی دارد. در واقع شکل رسمی دارد و افراد مشخصی دارد. بنابراین نمی تواند دست به هر کاری بزند و دامنه فعالیت محدودی دارد. اینها بیشتر کارشان مربوط به جمع آوری اطلاعات و تحقیقات در مورد مسایلی است که در خود جامعه مطرح است و اغلب این اطلاعات را از مهمانیهای رسمی و ملاقاتهای رسمی به دست می آورند. اما سازمان سیا که وظیفه جداگانه ای بر عهده دارد کارش

بیشتر جمع آوری اطلاعات سرّی مملکت می باشد و این کار را با تعبیه جاسوسانی در مواضع حساس انجام می دهد، یا اینکه به افرادی که در مواضع حساس هستند نزدیک شده و با استفاده از نقاط ضعفشان آنها را به دام اندازد.

این سازمان مانند شیطان عمل می کند، و اگر در افراد مستعدی طمع نمود، با لطایف الحیل به آنها نزدیک شده تا آنها را به دام بیندازد، این شیطان در این هدف از هیچ کاری فروگذار نمی کند و تمامی اسباب فریب را آماده می نماید، حالا یا موفق می شود و آنها را با پول می خرد و یا با وعده مقام و پشتیبانی و غیره می خرد و اگر دید نمی تواند آنها را بخرد، اهداف خودش را در آنها القاء می کند، و اگر دید که فرد محکم است و آگاه، مجبور است رهایش کند.

۳ آمریکا و انقلاب اسلامی

در زمانی که انقلاب اسلامی در حال پیروزی بود، آمریکا دریافت که دیگر رژیم شاه رفتنی است و باید رژیم جدید را به خود متمایل سازد. چون از رژیم نو بنیاد اطلاعات زیادی نداشت، اولین پله، لزوم نزدیکی

به افراد مؤثر و مهم رژیم برای کسب اطلاعات بود. دیگر اینکه در صورت امکان افرادی از این رژیم را در اختیار خود گیرد تا بعد از طی زمانی دوباره سلطه خویش را بر ایران از سر گیرد.

این کار هم جز با کنار زدن امام از صحنه امکان پذیر نبود. اسناد سیا در لانه جاسوسی نشان می دهد که تنها هدف آمریکا این بوده و هست که امام را از صحنه سیاسی این مملکت خارج نماید. عمدتاً این منظور را سیا با ایجاد قطبهای کاذب و پروبال دادن به اشخاص در مقابل امام، برای از بین بردن وحدت امت حول رهبری امام، انجام می داده و می دهد چرا که با هر فردی به هر حال می توان کنار آمد، جز با امام.

بعد از این توضیحات می پردازیم به اصل مطلب:

سیر اسناد مربوط به س، د، لور ۱

مقدمه

یکی از افرادی که در پاریس برای اهداف شیطانی، مورد نظر سیا واقع شد، فردی با نام رمز (س، د، لور ۱) می باشد. هدف از تماس با وی به دست آوردن اطلاعات در مورد نهضت بود و در این راه هدف نهایی، به استخدام درآوردن فرد مورد نظر بوده است. طبیعی است که ابتدا نمی توانستند با وی مطرح کنند که ما از طرف سازمان سیا مأمور تماس با شما هستیم، برای نزدیک شدن به وی محملی درست کردند، به این ترتیب که چون فرد مورد نظر به مسایل اقتصادی آشنایی دارد، مأموری از طرف سیا با اسم رمز راترفورد «ر» (اسم حقیقی او ورنون کاسین می باشد) که خود نیز در مسایل اقتصادی وارد است خود را به عنوان یک تاجر آمریکایی مهم به وی معرفی کند، در آنجا دو ملاقات با وی انجام داده و مطرح می کند که اگر من روزی برای تجارت به ایران آمدم، می توانم شما را ملاقات کنم یا نه؟ که س، د، لور ۱ هم قبول می کند.

بعد از این ملاقاتهای ابتدایی، سیا شروع به تهیه مقدمات کار می کند. این ملاقاتها حدود یک ماه قبل از پیروزی انقلاب در پاریس بوده است.

توضیح سند اول

قشقایی، در ملاقاتی که با تام اهرن رئیس ایستگاه سیا در تهران انجام می دهد، به وی می گوید که اگر تا به حال با س، د، لور ۱ تماس نگرفته اید. تماس بگیرید، البته این تشخیص قشقایی بوده است که س، د، لور ۱، به درد سیا می خورد و اصرار می کرده که سیا با وی تماس بگیرد.

توضیح سند دوم و سوم

سیا خلاصه ای از جریان شروع تماس و ادامه کار را برای ایستگاه تهران می فرستد و در ضمن آن می گوید که اولین ملاقاتها با س، د، لور ۱ حدود یک ماه قبل از پیروزی انقلاب در پاریس انجام شده و چون وی تمایل خودش را به دیدن راترفورد در تهران ابراز کرده، در طی این مدت سیا مشغول تهیه مقدمات سفر راترفورد به تهران بوده است. در ۲۳ خرداد ۱۳۵۸ راترفورد از آمریکا با س، د، لور ۱ تماس می گیرد و به وی می گوید که در آینده نزدیکی از هندوستان به ایران آمده و س، د، لور ۱ هم با دیدن وی موافقت می کند. سیا با یک شرکت تجاری که رئیس آن با سیا همکاری دارد، تماس می گیرد و مدارکی تهیه می کند که نشان می دهد، راترفورد شخصی است به نام ویلیام فاستر و نماینده کمپانی مزبور، پاسپورت و

سایر مدارک جعلی را نیز به همین نام برایش تهیه می نماید و وی را آماده سفر به ایران می نماید.

در این سند به ایستگاه تهران اطلاع داده می شود که راترفورد برای اینکه سوءظن کسی را برنیانگیزد، باید از نزدیک شدن به سفارت خودداری کند و در انتها انتقادات ایستگاه تهران را در مورد این برنامه جویا می شود.

توضیح سند چهارم و پنجم

بین سند سوم و چهارم باید اسناد دیگری هم موجود باشند، ولی ما تا به حال آنها را پیدا نکرده ایم، شاید در آینده در میان اسنادی که خرد شده (رشته شده) یافت شوند. قاعدتاً در طی این اسناد برنامه سفر راترفورد با توجه به انتقادات ایستگاه تهران تکمیل می شود.

چون در سند دوم تذکر داده شده که باید راترفورد از نزدیک شدن به سفارت اجتناب نماید و همچنین از طرفی لازم است که گزارش کارش را از طریق ایستگاه تهران به مرکز بفرستد و دستورات لازم را در مورد ادامه نحوه کار و انتقادات و پیشنهادات مرکز را دریافت کند، بنابراین برنامه ای ریخته می شود که در طی آن در تاریخ معینی در محلی خارج از سفارت رئیس ایستگاه تهران را ببیند، البته آنها قبلا همدیگر را ندیده بودند. جزئیات این ملاقات را ایستگاه تهران مشخص کرده و از طریق دستگاههای مخابراتی به آمریکا مخابره می کنند، تا به راترفورد اطلاع داده شود.

توضیح سند ششم و هفتم

مرکز در این سند که به تهران ارسال شده اظهار می دارد که راترفورد به این جهت که باید عادی جلوه نماید، مطالب مربوط به تجارت را هم از طریق تلکس به شرکت تجاری اطلاع می دهد. همچنین یک برنامه تماس اضطراری با ایستگاه تهران هم ریخته شده است، در زمانی که تغییراتی یا اشکالاتی در برنامه یا سفر یا ادامه کار راترفورد پیش بیاید.

توضیح سند هشتم

این سند مربوط به اولین ملاقات راترفورد با س، د، لور ۱ در اقامتگاه س، د، لور ۱ می باشد. در قسمتی از این سند می خوانیم «ل ۱ تأکید کرد که وی جزء ۱۵ نفر اعضای شورای انقلاب هست» و کلاً جوّ این ملاقات به نحوی بوده که راترفورد در انتها می گوید:

«هرچند ملاقات مختصر بود، اما شواهدی به اندازه کافی وجود داشت که حاکی از این باشد که احتمالاً راهی برای جلب همکاری وی وجود دارد».

توضیح سند نهم

مرجع این سند تلگراف تهران ۵۴۱۵۴ می باشد که ما آن را نداریم، شاید بعدها در میان رشته ها سندش به دست آید، و این نشان می دهد که بین سند هشتم و نهم لااقل یک سند پیدا نشده است.

اما می توان حدس زد که این سند باید مربوط به دومین ملاقات راترفورد با س، د، لور ۱ باشد.

سند شماره نهم ملاقاتی است که طبق برنامه ای که در سندهای چهارم و پنجم ذکر شده است بین

راترفورد و آهرن رئیس قرارگاه سیا، درون اتومبیل انجام می گیرد. طی این ملاقات راترفورد می گوید چون س، د، لور ۱ در ۱۷ شهریور به خاطر تعطیلی خارج شهر بوده نتوانسته وی را ملاقات نماید. در این سند تأکید می شود که راترفورد بتواند حداقل مقصود یعنی استخدام س، د، لور ۱ به عنوان مشاور شرکت را برآورد، راهی فرانکفورت می شود و الا سفرش را تا نیل بدین مقصود به تأخیر می اندازد.

توضیح سند دهم

این سند گزارشی است که راترفورد از سومین ملاقاتش با س، د، لور ۱ به تام آهرن (رئیس قرارگاه سیا در لانه جاسوسی) داده و آهرن طی این تلگراف به مرکز مخابره کرده است. اکثر مسایل مطروحه در این ملاقات مربوط به مسایل اقتصادی ایران می باشد. در این ملاقات یکی از دوستان س، د، لور ۱ به نام شندر نیز حضور دارد.

توضیح سند یازدهم

بعد از سومین ملاقات با س، د، لور ۱، راترفورد گزارشی می نویسد و طی آن به تحلیل و ارزیابی س، د، لور ۱ می پردازد و طی همین تلگراف پیشنهاداتی در مورد روش ادامه تماس با وی را تا رسیدن به مقصود ارائه می نماید (البته این سند هم با استفاده از نظرات راترفورد به وسیله تام آهرن نوشته شده است.)

در ابتدای سند راترفورد می گوید چون که وی مقامهای مهمی در رژیم کنونی دارد باید تماس با وی ادامه یابد و سپس اضافه می کند که وی آینده سیاسی درخشانی هم خواهد داشت. بعد می گوید که وی از وقتی به ایران آمده و عهده دار مسئولیتهایی شده است فرق کرده و سپس مواردی از این تغییر را ذکر می نماید.

سپس راترفورد ۷ جنبه مثبتی را که در وی وجود دارد می گوید (البته این ۷ مورد به نظر سازمان سیا، جنبه مثبت می باشد) و بعد هم ۵ جنبه منفی وی را ذکر می کند:

در قسمتی از این سند آمده است:

«چون او یک توطئه گر (طراح) کهنه کار است، اگر احساس کند که رژیم از اهداف انقلابی خود دور می شود یا اینکه به نفع خودش خواهد بود، ممکن است در آینده برای توطئه علیه رژیم مانعی سر راه خود نبیند.»

«اگر چه او احتمالاً در حال حاضر هیچ مشکل مالی ندارد، اما باید در نظر داشته باشد که ممکن است با یک تذکر کوتاه به خارج تبعید شود و در آن زمان می تواند از کمک مالی ما استفاده کند.»

توضیح سند دوازدهم

این سند متن گفتگویی است که با تام آهرن در تاریخ ۸ دیماه ۱۳۵۸ انجام گرفته است. وی در این گفتگو می گوید راترفورد حدود ۲۹ مرداد ۱۳۵۸ به تهران آمد و حدود سه هفته در تهران اقامت نمود و حداقل سه و شاید ۵ بار با س، د، لور ۱ ملاقات کرد.

در آخرین جلسه بنی صدر موافقت کرده که به عنوان مشاور اقتصادی این کمپانی فعالیت نماید و پیشنهاد حقوق ماهانه ۱۰۰۰ دلار هم پذیرفته است.

***

این بود کل اسناد سازمان سیا که در مورد بنی صدر فعلاً در اختیار ماست. آیا بعد از پیشنهادات مطرح شده در سند یازدهم در تاریخ ۱۸ شهریور تا زمان اشغال لانه جاسوسی (۱۳ آبان ۱۳۵۸) ملاقاتی صورت گرفته یا نه؟ نمی دانیم، آیا این جاسوس سیا یعنی راترفورد بعد از اشغال لانه جاسوسی باز هم برای ادامه تماس و جلب همکاری آقای بنی صدر به ایران آمده است؟ این را هم نمی دانیم، اما اگر تا زمان اشغال لانه جاسوسی ملاقات دیگری صورت گرفته باشد، احتمالاً اسنادش در باقیمانده رشته ها یافت می شود.

والسلام

واللّه اعلم بحقایق الامور

سند شماره ۱

از: تهران ۵۳۳۶۵ (به کفالت گلگروف)(۱) ۱۷ خرداد ۱۳۵۸ اعضاءسرّی

به: رئیس

اخطار جاسوسی پخش محدود س، د، لور س، د، داتر(۲)

عطف به: الف رئیس ۴۴۶۷۵۲ ب تهران ۵۳۲۶۰(۳)

۱ س، د، راتر ۴ (ر۴) تأیید می کند که س، د، لور ۱، (ل ۱) و خانواده اش در تهران اقامت دارند، تلفن خانه او ۸۵۰۸۰۶(۴) می باشد. ر ۴ گفت که (ل ۱) با پسر عموی(۵) من در ۱۰ خرداد شام خورده است و از فعالیتهای قطب زاده و یزدی به تلخی گله کرده است، او حالا خودش را در رده مقابل آنها قرار می دهد. ر ۴، گفت که ل ۱ فرد جاه طلبی می باشد که هنوز فکر می کند اگر شایسته ریاست جمهوری نباشد، حداقل شایستگی وزارت را خواهد داشت.

۲ در ملاقات ۱۲ خرداد ر ۴ اتفاقاً موضوع ل ۱ را مطرح کرد. ر ۴ دوباره اصرار کرد که اگر بعد از اولین جلسه ملاقات در پاریس ما هنوز با ل ۱ تماس برقرار نکرده ایم، این کار را انجام دهیم.

۳ پرونده ۰۶۳۵۲۷۲۰۱ و ۲۰۱ ۹۵۹۲۸۹ (۶)تا ۱۷ خرداد ۱۳۷۸ در بایگانی حفظ شود.

تماماً سرّی سرّی

۱- هرگاه به عللی رئیس قرارگاه در قرارگاه نباشد مثلاًـ مسافرت رفته باشد معاون وی کفیل وی می باشد. در اینجا هم گلگروف که نام رمز یکی از جاسوسان است در غیاب رئیس قرارگاه وظایف وی را انجام می داده است.

۲- س □ د □ راتر ۴ اسم رمز یکی از عوامل سیا در ایران به نام خسرو قشقایی می باشد.

۳- دو تلگراف (الف) و (ب) که عطف به این تلگراف می باشند هنوز پیدا نشده اند.

۴- این شماره تلفن منزل س □ د □ لور ۱ است که توسط قشقایی به سیا داده شده است.

۵- ترجمه این لغت شامل پسر عمه و پسر خاله هم می شود.

۶- این دو شماره به ترتیب شماره پرونده های خسرو قشقایی و ابوالحسن بنی صدر در سیا می باشد.

سند شماره ۲

از: رئیس ۴۸۱۹۷۱ قسمت اول از دو قسمت(۱) ۲ خرداد ۱۳۵۸ اعضاءسرّی

به: تهران با حق تقدم

اخطار جاسوسی بخش محدود س، د، لور

عطف به: رئیس ۴۵۹۱۵۸(۲)

۱ آنچه که در زیر می آید طرح ریزی مجددی است که برای عملیات س، د، لور ۱. سفر «گای، دبلیو، راترفورد» (هویت الف)(۳) به تهران برای نزدیک شدن به س، د، لور ۱ انجام شده است. ما به طور آزمایشی در نظر داریم که سفر راترفورد به ایران را برای چهارمین هفته مرداد یا هفته اول شهریورماه برنامه ریزی کنیم. برای اینکه موضوع را در ذهن قرارگاه تهران در مورد این عملیات که مدت زیادی به تأخیر افتاده، تازه کنیم به اطلاع می رسانیم که راترفورد برای اولین بار (در دیماه ۱۳۵۷) در پاریس به س، د، لور ۱ نزدیک شد که در آن موقع نامبرده در جمع اطرافیان خمینی فعالیت می کرد. راترفورد دو مرتبه با ل ۱ ملاقات نمود و اگرچه ملاقاتها به واسطه حضور دانشجویان، روزنامه نگاران و بیکاران از همه نوع، درهم و برهم بودند ولی به نظر می رسد که راترفورد توانسته باشد زمینه یک ارتباط محرمانه ای بین خودش و او بچیند. راترفورد بدون اینکه جزئیات یا اسامی واقعی را ذکر کند به س، د، لور ۱ گفت که او یک تاجر آمریکایی است که مرکز تجاریش در اروپاست و تماسهایی در سطح بالا با بخشهای بازرگانی و حکومتی آمریکا، هر دو، دارد. ظاهراً ل ۱ به قدر کافی مجذوب راترفورد شده بود تا با درخواست ملاقات خصوصی راترفورد، در صورت عبور وی از ایران، طی مسافرت تجاری آینده اش به خاور دور، موافقت نماید. راترفورد به او گفت که حدس می زند این مسافرت در اوایل بهار ۱۳۵۸ صورت پذیرد.

۲ به علت تأخیرات متعدد ناشی از تحول اوضاع ایران، مسافرتهای خود ل ۱ و مسئله پوشش

مسافرت راترفورد به ایران، تا تاریخ ۲۲ خرداد ۱۳۵۸ هیچ تماسی بین این دو نفر برقرار نشد. در این تاریخ راترفورد (در حالی که تظاهر می کرد در بروکسل است) با وی تماس تلفنی گرفت که مفاد آن طی تلگرام مرجع(۴) گزارش شد. (طی این تماس راترفورد گفت درنظر دارد تقریباً سر راه خود به اروپا هنگام بازگشت از سفر هند سری هم به ایران بزند و از ل ۱ پرسید آیا در آن هنگام می تواند او را ببیند. ل ۱ با این ملاقات موافقت نمود و راترفورد وعده کرد که با نزدیکتر شدن زمان ورودش به او تلفن کرده و موعد دقیق آمدنش را بگوید.)

۳ ضرورت تهیه پوششی مطمئن و غیرقابل تردید برای راترفورد در مدت اقامتش در تهران از آنجا ناشی می شود که تجار و دیپلماتهای خارجی در معرض خطر دستگیری هستند. برای تهیه آن چنان پوششی که راترفورد بتواند کاملاً نقش خود را ایفا کند، ستاد مرکزی تصمیم گرفت تا «امکانات جعل شده»

۱- این عبارت نشان می دهد که تلگراف شامل دو قسمت است که فقط قسمت اول آن به دست ما افتاده است.
۲- این تلگراف که تلگراف حاضر به آن عطف شده است در دست نیست.
۳- در اسناد مربوط به سازمانهای جاسوسی و اطلاعاتی اسامی واقعی □ شماره تلفنها و سایر مشخصات حساسی که بوسیله آن می توان جاسوسان را شناسایی کرد در متن تلگراف اصلی به کار نمی رود. در این گونه موارد تلگراف دیگری که فقط و فقط شامل همین اسامی واقعی و شماره تلفن است به تلگراف اصلی عطف می شود. در اینجا هم که نام رمزی واقعی آقای گای □ دبلیو □ راترفورد □ ورنون کاسین می باشد.
۴- منظور از تلگرام مرجع همان تلگرامی است که در قسمت (عطف به) آمده یعنی (رئیس ۴۵۹۱۵۸). همان طور که قبلاً تذکر داده شد این تلگرام در دسترس نیست.

پوششی را با یک پوشش زنده مجسم عوض نماید.(۱) این پوشش به نحوی طرح ریزی گشته که توضیحات دقیق و موجه را برای حضور و فعالیتهای راترفورد در اختیارش قرار می دهد تا در صورت نیاز در شرایط مختلف از آنها استفاده نماید. مثلاً موقعی که شک ل ۱ را برانگیزد یا موقعی که یک کمیته محلی او را بازداشت یا زندانی کند، یا اینکه در جریان دیدارش از وزارتخانه های مختلف در هتل یا خیابان مورد سؤال یا ایذاء کسی قرار گیرد. این پوشش که جزئیات آن در زیر می آید زمینه آن کاملاً محکم کاری شده است و شامل یک شماره تلفن اضطراری می باشد که راترفورد می تواند ۲۴ ساعته از آن استفاده نماید.

۴ جزئیات عملی تهیه این مجموعه پوشش اواسط خرداد با همکاری «دان میدز» مورد بررسی قرار گرفت. آقای دان میدز، یک بازرگان سرشناس آمریکایی است که چندین سال است در این زمینه سیا(۲) را یاری می دهد. سابقه فعالیتهای تجاری آقای میدز گوناگون بوده و از جمله شامل تعدادی تجارب بین المللی است که احتمالاً با نوع تجارتی که مورد توجه دولت موقت ایران است سازگاری دارد، مانند سیستم برق رسانی به روستاها، تجهیزات کشاورزی، ماشینهای خیاطی و غیره. ما معتقدیم با استفاده از این نوع پوشش راترفورد قادر خواهد بود علاوه بر نیل به پروردن و پختن ل ۱ و تحویل نامبرده به مأمور سفارت، یک مأموریت اصیل بازرگانی را نیز به انجام برساند. میدز موافقت کرده برای راترفورد نوعی اشتغال واقعی فراهم نماید که مستلزم دیدار راترفورد از وزارتخانه ها و بانکها، تماس با افراد و نوشتن گزارش (و تلکس آنها به دفتر مرکزی میدز در پنسیلوانیا) باشد.

همچنین اگر راترفورد پول کم بیاورد می تواند با تلگراف از میدز وجوهات اضافی درخواست کند تا بدین ترتیب احتیاج به قرارگاه تهران در این زمینه منتفی گردد.

۵ راترفورد حامل نامه ای خواهد بود که وی را مشاور شرکت میدز «کارور اسوشیتز» معرفی می کند.

این نامه مشتمل است بر مجوز مسافرت و شرح و نوع و مدت کاری که وی در ایران یا هندوستان یا هر دو

انجام می دهد. اطلاعات مندرج در نامه برای اینکه راترفورد بتواند رویدادهای لازم برای ورود را حاصل کند، کفایت خواهند کرد. مثلاً یک ضمانت نامه مالی به دولت میزبان از جانب شرکت اصلی را در بردارد.

طی هفته اول مردادماه راترفورد به دفاتر میدز در نزدیکی فیلادلفیا خواهد رفت تا با ماهیت کار شرکتش و نیز سابقه افراد و مکانهایی که به داستان پوششی شکل می دهند آشنا شود (در حال حاضر مشغول ارزیابی

۱- برای اینکه عبارات "امکانات جعل شده پوششی" و "پوشش زنده مجسم" روشن شود توضیح می دهیم که گویا در ابتدا قرار بود مدارکی را جعل نمایند که بر طبق آن آقای راترفورد نماینده یک شرکت آمریکایی می باشد □ واضح است که چون این مدارک جعلی هستند □ وقتی که راترفورد به عنوان مظنون مورد بازجویی قرار می گیرد با پیگیری شرکت آمریکایی مشخص می شود که یا شرکتی با این نام وجود ندارد و یا اینکه بر فرض وجود □ نماینده ای با مشخصات راترفورد ندارد. اینجاست که مشخص می شود که مدارک جعلی بوده و دست راترفورد رو می شود. این بود مفهوم "امکانات جعل شده پوششی". اما برای اینکه سازمان سیا در چنین مواردی با این مشکلات مواجه نشود ابتدا با بعضی شرکتها که همکاری فعال با سیا دارند وارد مذاکره شده و با اطلاع رئیس شرکت برای جاسوسان خود مدارک نمایندگی و غیره تهیه می کند. این گونه پوششها برای مأموران سیا "زنده مجسم" هستند است چرا که در صورت پیگیری و مراجعه به آن شرکت هم مشخص می شود که این فرد نماینده آن است. بدین ترتیب این پوشش کاملاً طبیعی و مستند جلوه می کند.

۲- در اسناد سازمان سیا هیچ وقت نام سیا به کار نمی رود. همواره نام رمز آن که "آر □ تی □ اکشن" است به کار می رود. شاید علتش این باشد که در صورت افشای این گونه اسناد در وهله اول مشخص نشود اسناد مربوط به سازمان سیا می باشد.

سفر واقعی راترفورد به هندوستان بر مبنای یک مأموریت فرضی و بازگشت وی از طریق تهران همراه با توضیحات مناسب در مورد عدم تکمیل آن هستیم. بدین طریق راترفورد در پاسپورت خود ورودیهای تازه خواهد داشت که به اعتبار توجیه پوشش وی خواهد افزود، علاوه بر آن او یک دستورالعمل برای کار ظاهریش در هندوستان خواهد داشت).(۱)

۶ قرار است راترفورد در تاریخ ۱۸ مرداد ۱۳۵۸ به نام «هویت (ب)»(۲) پاسپورت عادی و جعلی ایالات متحده را دریافت کند. در مدتی که راترفورد در ستاد است اسناد کمکی از قبیل کارتهای اعتبار، خورده اشیاء جیبی و دفترچه واکسیناسیون و غیره برای وی تهیه خواهد شد، و نیز پیشنهاد می شود که راترفورد از طریق آتن (که وی آن را خوب می شناسد) به ایران یا هندوستان مسافرت نموده تا از این طریق ویزای تجاری را به عوض گرفتن در واشنگتن در آنجا بگیرد. ما در نظر داریم که راترفورد حداکثر دو هفته در تهران اقامت نماید، این عامل کنترلی بر چگونگی برقراری موازنه بین کسب حداکثر مصاحبت با ل ۱ و در عین حال احتراز از برانگیختن ظن او به اینکه راترفورد «در این حول و حوش می پلکد» خواهد بود، پیش بینی شده که ۶۰ درصد وقت راترفورد در ایران صرف کار پوششی وی می شود که فکر می کنیم به قدر کافی وقت برای ملاقات وی با ل ۱ باقی می گذارد.

۷ توصیه می شود که راترفورد از نزدیک شدن به سفارت آمریکا خودداری کند، ولی اتخاذ تصمیم برای شیوه های ارتباطی را به قرارگاه وا می گذاریم. برنامه ریزی نزدیک قرارگاه و راترفورد در این قضیه حکم تعیین کننده خواهد داشت، چرا که پیش بینی اینکه عبور از مرحله دوباره تا برقراری مجدد رابطه محرمانه استوار چه سرعتی ممکن است به خود بگیرد امری است دشوار، این دیگر به شعور راترفورد بستگی دارد که تصمیم بگیرد با چه شدتی و برای مقاصد چقدر دست بالایی، جدیت به خرج دهد.

در نظر داشته باشید که برنامه قبلی برای این قضیه بر این فرض استوار بود که ل ۱ را از راههای

معمولی نمی توان به استخدام درآورد و اینکه هدف ما به این صورت درآمده که ل ۱ را تشویق کنیم تا محتاطانه با یک دوست مورد اطمینان در سفارت آمریکا که به مسایل اقتصادی علاقه مند است رابطه محرمانه داشته باشد. تصمیمات مهم مشخصی مانند چگونگی تماس ل ۱ با مأمور سفارت (چگونگی تماس مأمور سفارت با وی) و نیز زمان بندی چنین تماسی در رابطه با عزیمت راترفورد از ایران، مخصوصاً مستلزم طرح ریزی دقیق و مشترک خواهد بود.

۸ از قرارگاه تقاضا می کنیم در مورد طرحی که رئوسش در بالا آمده و اینکه آیا زمان بندی مسافرت پیشنهادی راترفورد به ایران برای قرارگاه مناسب هست، نظریاتش را ابراز دارد. هرگونه تحول دیگری را به اطلاع شما خواهیم رساند.

۹ پرونده ۹۵۹۲۸۹ ۲۰۱، تا ۲ مرداد ۱۳۷۸ در بایگانی حفظ شود.تماماً سرّی

۱- بحث بر سر این است که برای اینکه داستان پوششی راترفورد کاملاً طبیعی جلوه کند وی را به هند هم بفرستند که بعد از آن به ایران بیاید و مدارکی هم برایش تهیه کنند که نشان دهد راترفورد در هند به کار تجاری مشغول بوده و بدین ترتیب در صورتی که وی توسط کمیته بازداشت شود داستان وی خیلی طبیعی تر جلوه می کند چرا که پاسپورتش ورودی و خروجی هند را هم دارد.

۲- با مراجعه به (هویت ب) مشخص می شود که راترفورد تمام مدارکش را با نام ویلیام ا. فاستر تهیه کرده است. بنابراین هر تماسی که وی در ایران داشته است و هر نشانه ای که از خود به جا گذاشته است با نام ویلیام ا. فاستر می باشد. برای جلوگیری از اشتباه تذکر می دهیم که نام حقیقی وی همان طور که در (هویت الف) آمده است ورنون کاسین می باشد و نیز راترفورد نام رمز نامبرده است که در مدارک سیا به کار رفته است.

سند شماره ۳

از: رئیس ۴۸۱۹۸۸ ۳ مرداد ۱۳۵۸ اعضاء سرّی

به: تهران با حق تقدم

اخطار جاسوسی پخش محدود س، د، لور

عطف به: رئیس ۴۸۱۹۷۱(۱)

۱ هویت الف... ورنون کاسین(۲)

هویت ب .... ویلیام، ا، فاستر(۳)

۲ پرونده ۹۵۹۲۸۹ ۲۰۱ تا ۲ مرداد ۱۳۷۸ در بایگانی حفظ شود. تماماً سرّیسرّی

سند شماره ۴

از: تهران ۵۳۸۹۴ ۲۰ مرداد ۱۳۵۸ اعضاءسرّی

به: فوری فرانتک، رونوشت فوری برای رئیس، بن، آلمان دیرتک(۴)

اخطار جاسوسی پخش محدود ل، پ، گامین س، د، لور

عطف به رئیس (۵)۴۹۲۲۱۹

۱ ترتیبات تماسها به قرار زیر می باشند:

الف راترفورد در یکی از روزهای هفته قبل از ساعت ۱۳ به یکی از شماره های «هویت الف» تلفن می کند و یکی از شماره های داخلی «هویت ب» را می خواهد (تماس تلفنی نباید از اتاق هتل انجام گیرد). خود را به نام «هویت ج» معرفی می کند و سراغ «هویت د» را می گیرد.(۶) فردی که تلفن را جواب می دهد می گوید که «هویت د» در اداره نیست و قرار است در یک ساعت معینی به اداره برگردد. ساعات معینی که گفته می شود روز ملاقات را تعیین می کند. بدین ترتیب که ساعت یک یعنی ملاقات در همان روز و ساعت

دو یعنی ملاقات در روز بعد.

ب علائم راهنمایی دیگر در خیابانهای اطراف هتل اینترکنتینانتال وجود ندارد، بنابراین راترفورد

برای رسیدن به محلی که ماشین او را سوار می کند باید طبق برنامه زیر عمل کند:

هتل را ترک کند، به سمت چپ پیچیده (در امتداد خیابان آریامهر سابق) به طرف غرب برود تا به اولین

چهارراه برسد سپس به سمت چپ پیچیده و از سمت چپ خیابان امیرآباد سابق) به طرف جنوب برود.

۱- این تلگراف عطف به تلگراف قبلی می باشد.
۲- ورنون کاسین نام حقیقی آقای راترفورد می باشد.
۳- ویلیام □ا□ فاستر نامی است که آقای راترفورد تمامی مدارکش را با آن تهیه نموده است.
۴- فرانتک و دیرتک از اداره های فنی سازمان سیا هستند که اولی به احتمال قوی در فرانسه می باشد.
۵- این تلگراف که تلگراف حاضر پیرو آن می باشد در دست نیست.
۶- با مراجعه به سندی که این هویتها را مشخص می کند روشن می شود که "هویت الف" شماره های تلفن سفارت و "هویت ب" شماره های داخلی مربوط به قرارگاه سیا می باشد □ "هویت ج" جورج جانسون می باشد یعنی وقتی راترفورد تماس گرفت باید خود را جورج جانسون معرفی کند و سراغ "هویت د" یعنی آقای آهرن را بگیرد که رئیس قرارگاه سیا در تهران است. علت اینکه راترفورد خود را به نام جورج جانسون معرفی می کند این است که اگر تلفن سفارت کنترل بشود مشخص نگردد که چه کسی تماس گرفته است و همان طور هم که در ادامه سند ذکر شده است هیچ وقت ساعت و روز تماس به وسیله تلفن گفته نمی شود و این مسئله خود از شگردهای جاسوسی می باشد.

پگویین(۱) سوار بر پیکان ۴ در زرد کمرنگ برای سوار کردن راترفورد به طرف شمال خیابان امیرآباد

حرکت می کند. اگر راترفورد به چهارراه بعدی (تقاطع امیرآباد و کشاورز بلوار الیزابت دوم سابق) برسد

باید همان جا منتظر بماند تا پکوئین برسد و سوارش کند.(۲)

ج راترفورد باید دقیقاً رأس ساعت ۰۰۲۰ هتل را ترک کند.

۲ لطفاً به راترفورد اطلاع دهید که برای منتظر ماندن در خیابان و سوار ماشین شدن، لباس معمولی

بهترین لباس است. از او بخواهید که مشخصات لباسی را که می خواهد بپوشد برای ما شرح دهد.

ما از توضیحاتی که شما در مورد مشخصات جسمانی نامبرده می دهید تشکر می کنیم.(۳)

۳ با علم به اینکه برنامه سفر راترفورد جنبه آزمایشی دارد توصیه می کنیم که وی با احتساب دو یا سه

روز بیشتر از حداقل مدتی که قرار است در تهران بماند، هرچه زودتر برای خروج از تهران بلیطش را رزرو

نماید چرا که تمام صندلیهای پروازهای خطوط هوایی به مقصد غرب از چندین هفته جلوتر رزرو شده اند.

تا تاریخ ۲۰ مرداد ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سرّی سرّی

۱- پکوئین نام رمز رئیس قرارگاه سیا در تهران یعنی آقای تام آهرن می باشد.

۲- همان طور که در سندهای قبلی ذکر شده است راترفورد نباید به سفارت نزدیک شود چرا که احتمال دارد مظنون واقع شود اما از طرفی چون ناگزیر است با رئیس قرارگاه تهران رابطه داشته و پیشرفت کارها را به وی اطلاع دهد و درضمن در این عملیات مهم و حساس با وی مشورت هم بکند بنابراین تمام برنامه فوق الذکر بین آنها طرح ریزی شده است. هر وقت که راترفورد بخواهد آهرن را ملاقات نماید تلفنی به سفارت می زند و همان گونه که قبلاًذکر شد عمل می نماید اگر به وی گفته شد که آهرن ساعت یک می آید راترفورد می داند که قرار ساعت ۲۰ همان روز است و اگر گفته شده که ساعت ۲ می آید یعنی قرار ساعت ۲۰ فردا شب است.

۳- اینکه قرارگاه تهران مشخصات جسمانی راترفورد را می خواهد نشان می دهد که آهرن و راترفورد یکدیگر را نمی شناسند.

سند شماره ۵

از: تهران ۵۳۸۹۵ ۲۰ مرداد ۱۳۵۸ اعضاءسرّی

به: فوری فرانتک، رونوشت فوری برای رئیس، بن، آلمان، دوپرتگ

اخطار جاسوسی پخش محدود ال، پی، گامین(۱) س، د، لور

عطف به: (۲)۵۳۸۹۴

«هویت الف» ۸۲۹۰۵۱، ۸۲۰۰۹۱، ۸۲۴۰۰۱.

«هویت ب» ۱۱۰۶ تکرار می شود ۱۱۰۶ یا ۱۱۳۵ تکرار می شود ۱۱۳۵.

«هویت ج» جورج جانسون.

«هویت د» آقای آهرن.

تا ۲۰ مرداد ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سرّی سرّی

۱- ال پی گامین نام رمز این عملیات است اغلب عملیات سیا دارای نام رمز می باشند.

۲- این تلگراف عطف به تلگراف قبلی می باشد.

ص: ۴۷۸

سند شماره ۶

از: رئیس۴۹۴۶۷۷ ۲۳ مرداد ۱۳۵۸ اعضاءسرّی

به: تهران رونوشت برای فرانتک، دیرتک، آنتک

اخطار جاسوسی پخش محدود ال.پی.گامین س.د.لور

عطف به: تهران ۵۳۸۹۴(۱)

۱ برای اطّلاع شما، راترفورد محل و برنامه های قطعی سفر خود را از طریق «ال، پی، نایت» (هویت)(۲) اظهار می دارد که آن هم به ستاد مرکزی اطلاع می دهد. بعد از دریافت خبر، ستاد در زمان مناسب مسیر پنهانی و رزرو جا در هتل و رزرو بلیط راترفورد را به اطلاع قرارگاه خواهد رسانید، انتظار می رود که این تمهیدات امکان دهند ارتباطات به نحو نسبتاً سریعی انجام گیرد، زیرا که راترفورد در اغلب موارد به «ال، پی، نایت» تلگراف ارسال خواهد کرد. در نظر داشته باشید که در رابطه با احتمالات زیر نیز دستورالعملهایی برای تماس اضطراری ترتیب داده شده اند. الف تأخیر در آتن حین گرفتن ویزا برای ایران یا هندوستان. ب لزوم تماس با راترفورد در صورتی که، بنا به دلایلی، قرارگاه تهران با ستاد مرکزی تصمیم به الغاء مأموریت بگیرند (قابل اجراء فقط در دهلی نو و تهران). ج ضرورت تماس با قرارگاههای آتن و دهلی نو در مواقع اضطراری.

د به تعویق افتادن عمل، در زمانی که (بعد از یک یا دو ملاقات) ل ۱ اظهار کند که به نظر او موضوعات مورد بحث راترفورد به اتمام رسیده، باید از تماس اضطراری استفاده شود، در چنین شرایطی خوب است راترفورد به نحوی مدتی خود را معطل نموده و بهانه موجهی بتراشد تا از ل ۱ برای وعده غذا یا یک گفتگوی غیر رسمی دعوت نماید. بر این اساس راترفورد می تواند (با طرح سؤالی درباره سفر تجاری خود) تلگرافی به ال، پی، نایت، بزند که جواب آن فقط بعد از ۵ روز خواهد رسید. به این ترتیب

راترفورد می تواند ادعا کند که منتظر پاسخ شرکت خود می باشد، اما به عبارت دیگر تا زمان عزیمتش وقت کشی کند، امید است تحت این شرایط ل ۱،احتمالاً مخالفتی با یک یا دو ملاقات اجتماعی بیشتر ننماید. (در تمام احتمالات فوق الذکر اولین کانال ارتباط از طریق ال، پی، نایت خواهد بود.)

۲ برای ملاقات اولیه در تهران، اگر اوضاع جوی اجازه دهد راترفورد لباس عادی می پوشد که شامل شلوار خرمایی رنگ، پیراهن (بدون کراوات) و کت خواهد بود. قد وی تقریباً ۱۸۵ سانتیمتر است و ظاهری لاغر دارد، ۶۳ ساله و با قامتی کشیده است، چشمانش آبی و موهای اطراف شقیقه اش در حال خاکستری شدن است، نامبرده دفترچه نارنجی روشن برنامه پرواز لوفت هانزا را در دست چپ خواهد داشت. (مشخصات جسمانی پگویین به راترفورد داده شده است.)

۳ پیشرفتهای (حاصل) در مسافرت راترفورد را به محض اطلاع خبر خواهیم داد. به هر حال در نظر داشته باشید که بهترین تخمینی که فعلاً می توان درباره زمان ورود راترفورد به تهران زد، ۲۸ مردادماه است.

۴ پرونده ۹۵۹۲۸۹ ۲۰۱ تا ۲۳ مرداد ۱۳۷۸ در بایگانی حفظ شود. تماماً سرّی سرّی

۱- این تلگراف که تلگراف حاضر پیرو آ می باشد همان سند شماره چهار است.

۲- با مراجعه به سند شماره هفت مشخص می شود که این "هویت" شرکت مشاورتی ران میدز "کارور اسوشیتز" است ضمناً ال پی نایت نام رمز این شرکت در تلگرافات سازمان سیا است.

ص: ۴۷۹

سند شماره ۷

از: رئیس ۴۹۴۶۸۳ ۲۳ مرداد ۱۳۵۸ اعضاءسرّی

به: تهران رونوشت برای فرانتک، دیوتک، آنتک

اخطار جاسوسی پخش محدود ال، پی، گامین س، د، لور

عطف به: رئیس (۱)۴۹۴۶۷۷

۱ هویت: شرکت مشاورتی «دان میدز»، «کارور استوشیتز»(۲)

۲ پرونده ۹۵۹۲۸۹ ۲۰۱، تا ۲۳ مرداد ۱۳۷۸ در بایگانی حفظ شود.تماماً سرّی

سرّی

۱- این تلگراف عطف به سند شماره شش می باشد.

۲- این تلگراف هویّت مذکور در سند شش را مشخص می نماید.

سند شماره ۸

از: تهران(۱) ۸ شهریور ۱۳۵۸ اعضاء(۲) سرّی

به: رئیس

اخطار جاسوسی پخش محدود ال، پی، گامین س، د، لور

۱ ... تماسهای تلفنی ۷ شهریور، راترفورد موفق شد که برای ساعت ۸ صبح روز ۸ شهریور با س،د،لور در اقامتگاهش قرار ملاقاتی بگذارد. هر چند این ملاقات مختصر بود، اما ما را قادر ساخت که... را تجدید کرده و ملاقات دیگری را برای ۱۱ شهریور ترتیب بدهیم.(۳)

۲ اگرچه ساختمان شامل سه آپارتمان است (هر طبقه یک آپارتمان به نظر می رسید که خانواده خواهر ازدواج کرده س، د، لور ۱ (ل ۱) و خانواده خود ل ۱ هر سه واحد را در اختیار دارند.

۳ به نظر می رسد که س، د، لور ۱ در وضع جسمی و روحی خوبی به سر می برد. او تأکید کرد که شبانه روز گرفتار است و وقت کمی برای صرف امور خانواده اش دارد. به نظر می رسد که وی از اینکه بار دیگر راترفورد را می بیند خوشحال است و همچنین تمایلش در صحبت با راترفورد در مقایسه با دوران اقامتش در پاریس درست کمی قبل از آنکه به تهران بازگردد، بیشتر بود.

او از زمانی که با همراهان خمینی به ایران برگشت به پاریس نرفته است (نظریه: ل ۱ در پاسخ تلفنهای راترفورد به هتل تلفن زده بود اما راترفورد را با اسم کوچک سراغ گرفته بود، به وی گفته بودند کسی با چنین اسمی نامش (در دفتر هتل) ثبت نشده است.)

۴ ل ۱ تأیید کرد که وی جزء ۱۵ نفر اعضای شورای انقلاب است. در مورد قدرت شورای انقلاب و نقش آن ل ۱ نظر داد که این شورا آن طور که باید و شاید مؤثر عمل نمی کند. واضح بود که وی برای تمام اعضاء شورا ارزش زیادی قائل نیست.

۵ علاوه بر کار با شورای انقلاب او همچنین جزء ۷۲ نفر اعضای مجلس خبرگان که در حال حاضر مشغول بررسی قانون اساسی جدید هستند می باشد. او پیش بینی می کند که تقریباً ظرف یک ماه این کار تمام شود. (نظریه: او ملاقات ما را برای شرکت در یکی از جلسات خبرگان ترک کرد.)

۶ نسبت به دولت بازرگان ل ۱ آن را به استهزاء گرفت و .... دولت .... او .... شجاعت .... می داند، او تصدیق کرد................ در این مقطع تاریخی .... زیرا که .... حمایت و پذیرش ملت .... برای نامزدهای این مقام .... (نظریه: .... گزارشات منتشره، او شغلی در دولت نپذیرفته چرا که ارزش کمی برای آن قائل است.)

۷ با اغتنام فرصت برای طرح مسئله، راترفورد اشاره کرد از مجموع آنچه شنیده به نظر می رسد که اتخاذ تصمیمات مهم به خمینی واگذار می شود و بدون او امور از هم می پاشد. ل ۱ به سرعت با اشاره به

۱- چون که تاریخ این سند ۸ شهریور مشخص می گردد که شماره این تلگراف باید حدود (۵۴۰۸۰) باشد.

۲- این تلگراف از اسنادی است که قسمتی از آن نابود شده است. بنابراین قسمتها در متن ترجمه سند با نقطه چین مشخص گردیده است عباراتی که در روی نقطه چینها نوشته شده است عباراتی است که اطمینان صد درصد نسبت به درستی آنها وجود دارد.

۳- اسناد ورود راترفورد به ایران در دست نیست تا بتوان تاریخ دقیق ورود وی به ایران را مشخص نمود. اما با توجه به شواهد مشخص می گردد که وی اوایل شهریور به ایران آمده است. ملاقات ۸ شهریور که سند حاضر حاصل آن است باید اولین ملاقات راترفورد با آقای ابوالحسن بنی صدر باشد. طبق اظهار همین سند دومین ملاقات هم در تاریخ ۱۱ شهریور بوده (که سند مربوط به آن در دست ما نیست) و طبق سند شماره ده سومین ملاقات هم در تاریخ ۱۴ شهریور بوده است.

اینکه درباره توانایی و قدرت خمینی مبالغه شده، استثنایی بر این تحلیل عنوان کرد. او این مسئله را واضح کرد که خمینی قادر نیست کشور را به تنهایی اداره کند و باید به دیگران تکیه کند. (نظریه: این نظر تا حدی مطابق با آن چیزی است که در پاریس گفت «من به خمینی احتیاج دارم اما خمینی هم به من احتیاج دارد.» لحن این نظریه به نحوی بود که انسان استنباط می کند این ل ۱ فکر می کند نسبت به آنچه از خمینی می توان انتظار داشت محدودیتهایی وجود دارد.)

۸ او همچنین خاطرنشان کرد که دارد روزنامه انقلاب اسلامی را انتشار می دهد، او ادعا می کند که روزانه صدهزار نسخه به چاپ می رساند.

۹ (نظریه: هرچند ملاقات مختصر بود اما شواهدی به اندازه کافی وجود داشت که حاکی از این باشد که احتمالاً راهی برای جلب همکاری وی وجود دارد.)

۱۰ پرونده ۹۵۹۲۸۹ ۲۰۱ تا ۸ شهریور ۱۳۷۸ در بایگانی حفظ شود.

تماماً سرّی سرّی

سند شماره ۹

از: تهران ۵۴۱۶۵(۱) ۱۸ شهریور ۱۳۵۸ اعضاء سرّی

به: رئیس رونوشت برای فرانتک

اخطار جاسوسی پخش محدود ال، پی، گامین س، د، لور

عطف به: تهران ۵۴۱۵۴ (که مورد نیاز فرانتک نیست)

۱ راترفورد در ملاقات مختصری که در تاریخ ۱۸ شهریور درون اتومبیل انجام شد، گزارش داد که وی قادر نبوده روز قبل س، د، لور ۱ (ل ۱) را ببیند. به او گفته شده که ل ۱ خارج شهر است، علتش را هم احتمالاً می توان اعلام روز ۱۷ شهریور به عنوان تعطیل مخصوص کشوری دانست.(۲)

۲ راترفورد سعی می کند ل ۱ را امروز یا یک وقتی در ۱۹ شهریور ببیند، اگر او این کار را بکند و حداقل مقصود ما برآورده شود، یعنی علاقه ل ۱ به وضوح نسبت به شغل مشاورت جلب شود، راترفورد تصمیم خواهد گرفت که در تاریخ ۲۰ شهریور از طریق پرواز شماره ۶۰۱ لوفت هانزا(۳) راهی فرانکفورت شود تا در ساعت ۳۰/۱۲ به وقت محلی به آنجا برسد. اگر این حداقل مقصود برآورده نشد ولی امکان نیل بدان در طول این سفر باقی بماند، عزیمت راترفورد به تأخیر می افتد. در این مورد ممکن است از او خواسته شود از مسیری غیر مستقیم برگردد، تا از تأخیر بیش از حد به واسطه رزرو بلیط جلوگیری شود.(۴)

۳ پرونده ۲۰۱ ۹۵۹۲۸۹ تا ۱۸ شهریور در بایگانی حفظ شود.تماماً سرّی سرّی

۱- این تلگراف که سند حاضر پیرو آن می باشد در دست نیست. با توجه به اسناد نزدیک به سند تهران ۵۴۱۵۴ که در دسترس هستند مشخص می شود که تاریخ این سند ۱۷ شهریور می باشد.

۲- چون در این سند آمده است که راترفورد قادر نبوده در ۱۷ شهریور س د لور ۱ را ببیند و با مقایسه آن با سند شماره ده که ملاقات ۱۴ شهریور باس د لور ۱ است و نیز سند شماره یازده که تحلیل ۱۶ شهریور راترفورد ازس د لور ۱ می باشد مشخص می گردد که قاعدتاً این سند باید بعد از سند شماره یازده آورده شود. اما علت اینکه این تلگراف در اینجا آمده است این است که تمامی تلگرافهای این مجموعه به ترتیب تاریخ و شماره تلگراف تنظیم شده اند و خود قرار در تهران این

تلگراف را بـا وجود تـأخر زمانیش نسـبت به اسـناد شـماره دو و یازده زودتر مخابره نموده است. علت این امر هم این است که مواقع که مسـئله ای نسـبت به مسایـل دیگر جنبه فوریت دارد زودتر مخـابره می شود □ در این سـند به مسـئله احتمال تأخیر در عزیمت راترفورد مطرح است که نسبت به مسایل دیگر اولویت دارد.

۳- این عبارت نشان می دهـد که راترفورد پرواز شـماره ۶۰۱ لوفت هانزا به مقصـد فرانکفورت در تاریخ ۲۰ شهریور را رزرو کرده است. آن طور که از یکی از اسـناد نـاقص که هنوز رشـته های آن به طور کامل پیـدا نشـده است و به همین دلیل در این مجموعه اسـناد آورده نشـده فهمیـده می شود راترفورد در این تاریخ از ایران رفته است. یادآوری می شود که راترفورد تمامی مـدارکش را با نام جعلی ویلیام □ ا □ فـاستر تهیه کرده است. این دیگر به عهـده کارکنان مسـلمان و متعهـد هواپیمایی و سایر ارگانهـای مربوطه است که مشـخص نماینـد آیـا این جاسوس کارکشـته سازماان سـیا در ادامه مأموریتش برای جلب همکاری آقای بنی صدر باز هم به ایران آمده است؟ مخصوصاً بعد از اشغال لانه جاسوسی.

۴- منظـور از عبـارت مسـیر غیر مسـتقیم این است که: در صورتی که راترفورد چنـد روزی بیشـتر در تهران بمانـد بلیطی را که رزرو کرده از دست می دهـد و اگر هم بخواهـد دوباره بلیطی به مقصد فرانکفورت رزرو نماید به علت شـلوغی پروازها مدت زیادی معطل می شود. بنابراین به جای اینکه مسـتقیماً راهی فرانکفورت شود می تواند با هر پروازی به مقصد خارج مثلاً رم □ پاریس□ لندن و غیره که جا داشته باشد راهی خارج و بعداً از آنجا به فرانکفورت برود.

ص: ۴۸۳

سند شماره ۱۰

از: تهران ۵۴۱۷۳ ۱۸ شهریور ۱۳۵۸ ساعت ۳۲/۱۴ دقیقه اعضاءسرّی

به: رئیس

اخطار جاسوسی پخش محدود ال، پی، گامین س، د، لور

مطالب زیر گزارش راترفورد از ملاقات ۱۴ شهریور با س، د، لور ۱ می باشد.

۱ راترفورد در شب چهاردهم شهریور برای سومین بار با س، د، لور ۱ به مدت یک ساعت و نیم در محل مسکونی ملاقات نمود. تقریباً ۱۰ نفر از اعضای خانواده و دوستانش در بخش عمده آن است حضور داشتند. یکی از دوستانش که نامش را شندر (با این تلفظ)(۱) بیان می کرد مدیریت بازرگانی در دانشگاه کالیفرنیا خوانده و چهار ماه پیش به ایران آمده است. او و ل ۱ اهل یک شهر (همدان) بوده و از قدیم الایام دوستان خانوادگی بوده اند. چون ل ۱ او را دعوت کرد که به ملاقات خصوصی ما در اتاق بپیوندد، من مجبور بودم که اغلب اوقات روی مسایل اقتصادی تاکید کنم، (طی آن شب معلوم شد که شندر مدیریت بازرگانی خوانده و امیدوار است که وارد کار تجارت شود.)

۲ در بدو ورود به خانه برای ملاقات، راترفورد در آن طرف خیابان چند مرد مسلح دید و حدس زد که محافظان ل ۱ باشند. تا خواست زنگ بزند پنج نفر از آن محافظان مسلح به طرف راترفورد یورش بردند و از وی پرسیدند چه می خواهد. خوشبختانه یکی از آنها راترفورد را از ملاقات اولش می شناخت بعد از اینکه محرز شد ل ۱ منتظر یک ملاقات کننده است راترفورد تا طبقه دوم ساختمان اسکورت شد.

۳ در حالی که شندر حضور داشت چشم انداز ارز خارجی ایران مورد بحث قرار گرفت، ل ۱ گفت هرگونه محدودیتهایی که بر روی ارز خارجی اعمال شود بدان منظور خواهد بود که اطمینان حاصل شود که هرگونه سوءاستفاده های واقعی یا محتمل یا راه گریزهایی که در دوران رژیم گذشته تشویق یا اغماض

می شد، اجازه داده نخواهد شد که در رژیم انقلاب اتفاق بیفتد. ل ۱ گفت که در حال حاضر درباره مقررات ارز خارجی هیچگونه تغییرات عمده ای در نظر گرفته نشده است.

۴ در مورد مسایل مربوط به تعرفه، ل ۱ گفت که هیچ اقدامی در مرحله کنونی برای بالا بردن جداول تعرفه ای در مورد کالای وارداتی مد نظر نیست، علاوه بر این قصد رژیم جدید این خواهد بود که زمینه مساعدی برای پایین آوردن تعرفه های اقلام و کالاهای ضروری به منظور تخفیف بار هزینه زندگی توده ها، فراهم کند. از سوی دیگر تعرفه کالای تجملاتی احتمالاً افزایش خواهد یافت.

۵ درباره ملی کردن، ل ۱ گفت که حکومت وی قصدی برای آغاز برنامه ملی کردن به مقیاس بزرگ ندارد. او استدلال کرد تنها علت ملی شدن بانکها این بود که آنها به واسطه عرفهای بانکی و سوءاستفاده های تحت رژیم سابق، ناسالم تشخیص داده شده بودند. اقدام ملی کردن بانکها بیانگر کوششی برای اعاده اطمینان (مردم) به سیستم بانکی بود. او هرگونه احتمالی را در این مورد که دولت قصد دارد اقداماتی در مورد ملی کردن تجارتهای کوچک انجام دهد رد کرد.

(نظریه راترفورد: بعد از نوشتن این مطلب راترفورد شماره اخیر مجله «ایرانیان» را دید که از قول ل ۱ گزارش کرده اقدامات بیشتری برای ملی کردن در پیش است. ل ۱ در ملاقات ۱۴ شهریور خلاف این را گفته است. همچنین طی تماس تلفنی تحت «پوشش نماینده کمپانی» با سیروس ابراهیم زاده معاون وزارت

۱- منظور این است که املای دقیق نام وی را نمی دانیم ولی نامش چیزی شبیه شندر بود.

اقتصاد و امور دارایی در تاریخ ۱۲ شهریور به راترفورد اطمینان داده شد که دولت هیچ گونه طرحی برای گسترش برنامه های ملی کردن ندارد و در حقیقت از سرمایه گذاریهای مؤسسات تجارتی خصوصی خارجی استقبال می کند.)

۶ راجع به امکانات فعالیت در بخش خصوصی فرد مورد نظر تأکید کرد که دولت همچنان مصمم است سرمایه گذاران داخلی و خارجی هر دو را به فعالیت در تجارت خصوصی تشویق کند. به منظور تشویق سرمایه گذاران وامهای به مقیاس کوچک هم اکنون نیز در اختیار افراد قرار داده می شود. شرایط، ملزومات و امتیازات بر پایه توافق مورد به مورد قابل مذاکره می باشند. به طور خلاصه، برای شرکتهای خارجی علاقه مند به رفع نیازهای اولویت دار و مهم ایران، دولت مایل است بیشترین امتیازات و تشریفات را اعطاء کند.

۷ در مورد اسلحه، ل ۱ گفت که ایران فعلاً علاقه ای به تهیه اسلحه اضافی ندارد. در حال حاضر دولت در وهله اول علاقه مند به تهیه لوازم یدکی برای تجهیزاتی است که قبلاً از آمریکا خریداری کرده است.

۸ نظریه راترفورد: در یک جا شندر از راترفورد پرسید که او در دولت است یا در تجارت. به او اطمینان داده شد که در دومی است. هرچند ل ۱ ممکن است این سؤال را قبل از ورود راترفورد پیش کشیده باشد، راترفورد بیشتر عقیده اش بر این است که یک سؤال عادی بوده است.(۱)

۱- این سند کامل به دست نیامده است و احتمالاً یک صفحه دیگر دارد.

سند شماره ۱۱

از: تهران ۵۴۱۷۴ قسمت اول از دو قسمت(۱) ۱۸ شهریور ۱۳۵۸ اعضاءسرّی

به: رئیس

اخطار جاسوسی پخش محدود ال، پی، گامین س، د، لور

آنچه در زیر می آید تحلیل و ارزیابی راترفورد در ۱۶ شهریور از قضیه س، د، لور ۱ می باشد:

۱ با در نظر گرفتن مقامی که س، د، لور ۱ در رژیم جدید دارد (یعنی عضو شورای انقلاب، عضو مجلس خبرگان، سرپرست بانکهای ملی شده و ناشر) این طور به نظر راترفورد می آید که فعالیتها برای جلب همکاریش باید ادامه یابد. یک فرد با امکاناتی که او از آن بهره مند است باید قادر باشد اطلاعات با ارزشی را در دوره ای که در پیش است در اختیار گذارد. حتی از این مهم تر «ر»(۲) همچنان ل ۱ را به عنوان فردی که آینده سیاسی درخشانی خواهد داشت به حساب می آورد. به نظر می رسد ل ۱ که فردی جاه طلب و از لحاظ سیاسی زیرک است نقش خود را محتاطانه با چشم داشت به روزی که خمینی از صحنه کنار رود بازی می کند.

۲ جای تعجب نیست که ل ۱ در تهران تصویری از خود بروز می دهد که تا حدی با آنچه در پاریس قبل از بازگشتنش داشت متفاوت است. در پاریس او یک توطئه گر (طراح) بود و تمامی وقت خود را به تنظیم نقشه هایی برای چگونگی از میدان به در کردن رژیم بر سر قدرت در آن زمان اختصاص می داد. او در خارج در بین روشنفکرانی که به او چشم داشتند و به وی احترام می گذاشتند، حاضر بود برای تحقق اهداف گروهش به هرگونه فداکاری دست بزند. او که زرنگ و باهوش بود و شبانه روز با استراحت کمی کار می کرد، به نظر می رسید که از مبارزه لذت می برد و به راحتی مخاطراتی را که درگیر این گونه فعالیتهای جسورانه است می پذیرفت.

۳ بر اساس سه ملاقات ما در تهران، روشن می شود که شخص مورد نظر همان طور که قابل پیش بینی بود از وقتی که مقامات مسئولیت آوری را در رژیم تازه تأسیس پذیرفته فرق کرده است. هنوز شبانه روز کار می کند اما به گونه ای دیگر. اگر چه در پاریس او یک انقلابی بود که با ظاهر امور سرو کار داشت، اکنون او خودش را درگیر مسایل ظریف اداره یک مملکت می بیند. سعی او اکنون بر این است که وضع موجود را حفظ و پایه های آن را تحکیم نماید. او همچنان از مبارزه صحبت می کند. کاملاً واقف است که در بخش معتنابهی از مردم چندان اشتیاقی نسبت به تغییر رژیمها وجود ندارد و به نظر می رسد که اهمیت کاری را که در پیش است درک می کند. هرچند او همچنان خود را انقلابی می داند و به نظر می آید که از تبلیغات مقتضای مقامش در نهضت و مزایای قدرت (یعنی محافظانی که به عنوان یک عضو شورای انقلاب برایش گمارده شده اند) لذت می برد. در واقع امر به نظر می آید که او بیشتر یک دیوانسالار (بوروکرات) است تا یک انقلابی، هرچند او همواره روشنفکری ملایم طبع بوده. با وجود این حالا که در تهران جای گرفته به نظر می رسد دارد جا می افتد. او کمی شکم آورده، لباسهای کاملاً اندازه سفارشی می پوشد و ساعت طلای جدیدش را که ظاهری گرانقیمت دارد به رخ می کشد. دیگر به نظر نمی رسد که گروهی دانشجوی ژولیده مانند آن روزها در پاریس، در خانه اش باشند. اینک او می تواند این گونه افراد را در دفترش در ساعات

۱- این تلگراف دارای دو قسمت است که تا به حال فقط قسمت اول آن پیدا شده است.

۲- "ر" مخفف راترفورد است.

«عادی» کار بپذیرد. اکنون منزلش برای استفاده از اوقات فراغت و ملاقات افراد به دقت انتخاب شده

است.

مطالب فوق بدان معنی نیست که فرد مزبور قدرت تحرک خود را به عنوان یک اصلاحگر (رفرمیست)

از دست داده است، برای توجه به این است که هر روزی که می گذرد به نظر می رسد که او بیشتر و بیشتر در

دیوانسالاری (بوروکراسی) انقلابی که به موفقیت رسیده، فرو رفته است و اکنون وی با مبارزه ای برای به

جریان انداختن امور حکومت به نحوی هموار مواجه است.

۴ در ارزیابی فرد مورد نظر، در رابطه با تمایل وی در همکاری با ما، «ر» ملاحظات مثبت و منفی زیر

را خاطر نشان می سازد:

الف مثبت(۱)

(۱) چون او یک توطئه گر (طراح) کهنه کار است، اگر احساس کند که رژیم از اهداف انقلابی خود دور

می شود یا اینکه به نفع خودش خواهد بود، ممکن است در آینده برای توطئه علیه رژیم مانعی سر راه خود

نبیند.

(۲) : اگرچه او احتمالاً در حال حاضر هیچ مشکل مالی ندارد، اما باید در نظر داشته باشد که ممکن

است با یک تذکر کوتاه به خارج تبعید شود و در آن زمان می تواند از کمک مالی ما استفاده نماید.

(۳) : به عنوان یک روشنفکر او ترجیح می دهد که خودش تصمیم بگیرد تا اینکه کورکورانه از فرد

دیگری پیروی کند.

(۴) : اگر چه او به خمینی احترام می گذارد، اما او را مصون از خطا نمی داند.

(۵) : او آگاه است که دار و دسته هایی در داخل رژیم در شرف تکوین است، و شاید آگاه است که باید در

رفتار با اطرافیانش احتیاط کند. به عنوان مثال او گفت که تمام اعضای شورای انقلاب دارای صلاحیت

یکسانی نیستند اما او مجبور است که سر کند و با آنها سرو کار داشته باشد، احتمالاً این عدم اعتماد مجبورش می کند که درهایی را باز بگذارد.

(۶) : او جاه طلبی سیاسی دارد. او احتمالاً روزنامه اش را به این منظور ایجاد کرده که از آن به عنوان پایگاه قدرتی جهت مقاصد سیاسی آینده اش استفاده نماید.

(۷) : هرچند در دوره های پرمشغله در پاریس و تهران از نظر وقت در مضیقه بود، برنامه خود را کنار گذاشته تا با ما ملاقات نماید. (نظریه «ر» : امید است توجه شود که دسترسی به وی از نقطه نظر ما همچنان یک مشکل است.)

۱– دقت در موارد مثبتی که راترفورد از شخص س □ د □ لور ۱ تحلیل کرده است □ مشخص می کند که افراد مورد توجه سازمان سیا برای به قدرت رسیدن و کنترل حکومت در ایران □ چه کسانی می باشند. اگرچه فعلاً ملت مسلمان و متعهد ایران به طور کامل آقای ابوالحسن بنی صدر را شناخته اند و کاملاً به خصوصیات وی آگاه گشته اند و حتی نقاط ضعف بزرگتری از آنچه در این اسناد مذکور است از وی بروز کرده است با این حال با توجه به اینکه این تحلیل مربوط به ۱۶ شهریور ۱۳۵۸ و ماهها قبل از انتخاب آقای بنی صدر به ریاست جمهوری است قابل توجه و تعمق می باشد و با در نظر گرفتن اینکه آمریکا از شهریور ۱۳۵۸ می دانسته که نامبرده فردی است که درصورت لزوم حتی علیه رژیم جمهوری اسلامی توطئه هم می کند □ فردی است که احتمال دارد تبعید شود و در تبعید به کمک مالی نیاز دارد □ فردیست که معتقد به ولایت فقیه نیست □ روشنفکر به مفهوم آمریکایی اش است... و بالاخره جاه طلب است. بسیاری از توطئه ها و حرکتهای آمریکا و عمال داخلی و خارجیش علیه امام خمینی و جمهوری اسلامی ایران معنی دار می شود.

ب منفی

(۱) : چون موقعیت خود را در رژیم کنونی محکم کرده است شخص مزبور در حال حاضر واقعاً به ما احتیاج ندارد.

(۲) : افشا شدن روابط مخفیانه اش با ما احتمالاً به زندگی حرفه ای سیاسی فرد مزبور خاتمه خواهد داد، یقین است که او این نکته را از نظر دور نخواهد داشت.

(۳) : تجربه سالیان دراز بر این نکته تأکید دارد که ناشرین روزنامه به خودخواهی متمایلند و اغلب غیرقابل اعتماد هستند.

تصمیم او که یک روزنامه راه بیندازد شاید حاکی از این باشد که ل ۱ تنها به آینده سیاسی خودش علاقه مند است و قصد ندارد با ما در خطهایی که ما درنظر داریم همکاری کند.

(۴) : هرچند اظهارات شخص مورد نظر علیه شرکتهای آمریکایی که در امور داخلی ایران دخالت می کنند، ممکن است نشانه این باشد که او نمی خواهد کاری به کار دولت ایالات متحده داشته باشد، اما «ر» مایل است طور دیگری فکر کند.

(۵) : بر اساس این فرض که ما همچنان به استخدام ل ۱ علاقه مند هستیم. مطالب زیر خلاصه نظریات «ر» دوگونه روش نزدیک شدن به ل ۱ می باشد.

الف تحت پوشش غیر رسمی: یک شخص در پوشش غیر رسمی که به تهران مأمور شود، دو تا سه ماه بعد از ملاقات «ر» می تواند با شخص مورد نظر تماس بگیرد و (با استفاده از کارت پوششی کمپانی «ر») پختن وی را در شرایط راحت تری از سرگیرد. پنج یا شش ملاقات ظرف یک یا دو ماه احتمالاً فرد مأمور را قادر خواهد ساخت تا فرد مورد نظر را جهت نزدیکی و تماس به طور گام به گام در خطر قرار دهد.

ب تحت پوشش رسمی: «ر» بیشتر عقیده اش بر این است طی این سفر می تواند ترتیب معرفی یک مأمور

با پوشش رسمی را با فرد مورد نظر بدهد. ترجیحاً بنا به دلایل امنیتی این مأمور نباید در عملیات حساس دیگری دست داشته باشد. اگر بنا به دلایلی چنین مأموری در حال حاضر در دسترس نباشد او می تواند یکی از کارتهای ویزیت «ر» را در یک تاریخ بعدی به کار برد.

۶ بعد از سومین ملاقات راترفورد توصیه می کند که تماس تحت پوشش غیر رسمی صورت گیرد تا قرارگاه محفوظ بماند، از سوی دیگر اگر تأخیر عملی نباشد ادامه پختن توسط یک مأمور با پوشش رسمی بجا خواهد بود.

۷ پرونده ۹۵۹۲۸۹ ۲۰۱ تا ۱۸ شهریور ۱۳۷۸ در بایگانی حفظ شود. تماماً سرّی

سرّی

پرسش از تام آهرن

سند شماره ۱۲شنبه ۸ / دی / ۵۸ جلسه هشتم

موضوع: پرسش از تام آهرن

به من گفته شده بود که دولت آمریکا به طور اعم و سیا به طور اخص، درنظر دارند که اگر امکاناتی موجود باشد، با افرادی که در انقلاب ایران می توانند نقشی داشته باشند تماس برقرار شود. لذا زمانی که امام در فرانسه بود یک افسر بازنشسته سیا مأمور شد که به فرانسه رفته و با آقای بنی صدر تماس برقرار نماید. ایشان خود را به عنوان نماینده یک کمپانی معرفی کرده و اظهار داشته است که نسبت به آینده اقتصادی ایران و ارتباط آن با دنیای غرب مخصوصاً آمریکا علاقه مند به صحبت با بنی صدر می باشد؛ بنی صدر نیز با این مسئله موافقت داشت. زمان این ملاقات اولیه، کمی قبل از مراجعت امام به تهران است که در فرانسه قرار شده بود. زمانی که من به ایران آمدم، ستاد مرکزی هنوز علاقه مند به دنبال نمودن این مسئله بوده و در این ارتباط از من خواسته شد که نسبت به این مسئله کار نمایم. آن مرد در حوالی ۲۹ مرداد به تهران آمده و مدت سه هفته در ایران اقامت نمود، با بنی صدر حداقل ۳ بار و شاید حتی ۵ بار در این مدت ملاقات نموده است.

هدف نهایی ما: به استخدام درآوردن بنی صدر.

برنامه مرحله ای: در این مرحله تمامی مسایل رو نشود و صرفاً در این مرحله از وی به عنوان یک مشاور اقتصادی قابل اطمینان این کمپانی که نسبت به مسایل اقتصادی و همچنین مسایل سیاسی مربوط به امور اقتصادی و همچنین مسایل سیاسی اعم اظهارنظر می کند استفاده شود.

گامهای بعد: ملاقاتهای بعدی با وی در تهران و یا در پاریس (فرانسه) می تواند قدری بیشتر پیشروی نموده و نسبت به یک سری مسایل مهم سیاسی از وی سؤالاتی شود. در آخرین جلسه بنی صدر موافقت نموده که به عنوان مشاور اقتصادی قابل اطمینان این کمپانی فعالیت نماید و پیشنهاد حقوق ماهیانه ۱۰۰۰

دلار را نیز پذیرفت.

سؤال: آیا بنی صدر می دانست که طرف مقابل وی یک مأمور سیا است؟

جواب: قرار نبوده که به بنی صدر در این مرحله گفته شود که طرف مقابل سیا می باشد لذا به وی گفته نشده بود. اما یک مسئله بود که می تواند به وی این برداشت را داده باشد که عبارت است از نحوه پیشنهاد ماهیانه ۱۰۰۰ دلار که بدون این ترتیبات معمولی تجاری انجام پذیرفته باشد مورد پیشنهاد و همچنین توافق قرار گرفت و این می تواند بیانگر حداقل باشد که این مسئله به این سادگی ها نیست.

مسئله دوم اینکه نسبت به زمینه سؤالات راجع به مسایل اقتصادی، سؤالاتی مطرح شده بود. در رابطه با مسایل سیاسی که تا حدود زیادی ربطی به مسایل اقتصادی نداشته است و این مسئله هم می توانسته است به وی برداشت دیگری بدهد. یک نکته قابل ذکر هم اینکه تا به حال پولی به ایشان پرداخت نگردیده است.

نام فرد ملاقات کننده: ویلیام فاستر

البته این اسم حقیقی نبوده ولی پاسپورت و دیگر وسایل شخصی وی با این اسم بوده است، اسم رمز وی در تلگرافها ما کاسئلون(۱) می باشد.(۲)

کتاب دهم

ملاقات

۱- لازم به توضیح است که نام رمز این جاسوس سیا در اسناد راترفورد می باشدو آهرن این مسئله را اشتباه کرده است.
۲- نوار ضبط صوت این گفتگو در دست می باشد.

ص: ۴۹۰

ملاقات

معرفی کتاب

«این ننگ را ما به کجا ببریم که برخی از اهالی مملکت حالا که آمریکا را ملت شکست داده است باز روابط با آمریکا دارند.»

«امام خمینی»

انقلاب اسلامی ایران در حقیقت تجلی شکوهمند یک تغییر است. پاسخی خونین به دعوت الهی برای تغییر انسان. ان اللّه لایغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم. امت به پا خاسته ما با دل و جان پذیرای این تغییر و تحول شدند و بر این سبیل به یاری خدا تا امروز استوار مانده اند و خواهند ماند، ان الذین قالوا ربنااللّه ثم استقاموا. این تغییر حکایت از گرایش یک امت به سمت اللّه و گسستن او از طاغوت است در تمامی مظاهر آن و طبیعی است که در مسیر این تغییر با تمامی موانعی که بخواهند راه او را سد کنند به مقابله برخواهد خاست و به اتکای نیروی لایزال الهی به پیش خواهد رفت. قویترین عامل تسریع و هدایت این تغییر، رهبری نهضت و انقلاب بوده است، رهبری که دقیقاً با عنایت خدای تعالی و بر اساس سنت او توسط مردم کشف می شود و این انقلاب جوشیده از متن مردم را به سمت قله فلاح رهنمون می شود. انقلاب اسلامی ایران یادآور نهضت صدر اسلام به رهبری پیامبر عظیم الشأن است که در چهارچوب هماهنگ مبانی و بنیادها، شکل گرفت و به ثمر رسید و شاید به جرأت بتوان گفت که پس از صدر اسلام، هرگز چنین حرکتی اصیل که ریشه در عمق مکتب دارد به خود صورت واقع نپذیرفته باشد. البته طبیعی است که در کنار این حرکت شکوهمند جریانهای انحرافی بسیاری با ظواهر گوناگون رشد کرد، ولی سیر انقلاب او را سرانجام به انزوا کشاند. این مجموعه حکایت جریانی است که از سرگیری فعالیت سیاسیش با تغییر رئیس جمهور آمریکا و طرح سیاست حقوق بشر آغاز می شود، حکایت جریانی است که با امید و الهام از سوی شیطان بزرگ به مبارزه با شاه برمی خیزد. آن هم نه مبارزه با شاه که با استبداد و خفقان!! و حتی در مقطعی از مبارزه ضد استبدادی خود راضی به ماندن نظام شاهنشاهی هم می شود.

حکایت جریانی است که با مشورت و توصیه های شیطان بزرگ گام به گام به خیال خود نهضت را به پیش می برد و از ترس اینکه مبادا انقلاب اسلامی در دامن شرق تجاوزگر بیفتد، به دامن غرب جنایتکار پناه می برد و در این راه به تبادل اطلاعاتی بسیار وسیعی می پردازد و بسیار سخاوتمندانه اطلاعاتی را که از درون نهضت اسلامی دارد در اختیار جاسوسان شیطان بزرگ می گذارد.

حکایت جریانی است که بیگانه از ماهیت انقلاب اسلامی که هیچ مأمن و پناهگاهی جز خدا ندارد، با مذاکرات و نشست و برخاستهای مداوم با ایادی شیطان بزرگ، در کمال ساده اندیشی معتقد است که

خروج شاه و در نهایت پیروزی انقلاب ثمره این مذاکرات است. حکایت جریانی است که حتی پس از پیروزی انقلاب نیز دست از امدادهای پنهانی شیطان نمی شوید و با جدیت هرچه تمامتر، همکاری، نزدیکی و روابط حسنه بیشتر طلب می کند و گویی با وجودی که همواره شعار خود را استقلال قرار داده، هیچگاه عملاً به استقلال نیندیشیده و همراه دیگر نیروهای مترقی مردمی را که آمریکای جنایتکار و شوروی تجاوزگر را به اتکاء خدا از خود طرد می کنند محکوم می کند و بالاخره حکایت جریانی است که پس از مراودت پیگیر برجسته ترین چهره آن صاحب عنوان [SDPLOD](۱)می شود.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

گزارش مجدد از ریچارد کاتم

۱- حروف رمزی است از طرف سازمان سیا برای معرفی امیر انتظام در اسناد به کار می رفت. SDPLOD]

شماره : ۴۵۱۰

از: وزارت امور خارجه واشنگتن تاریخ: ۸ ژانویه ۷۹محرمانه

به: سفارت آمریکا در تهران فوری ۱۸/۱۰/۵۷

موضوع: گزارش مجدد از ریچارد کاتم

۱ کارشناس وزارتخانه ۷ ژانویه برای گزارش تکمیلی تلگراف مرجع با کاتم تماس گرفت. کاتم تأکید کرد که اطرافیان خمینی و مخالفان در تهران از یک کودتای ارتش که به یک اختناق خونین بینجامد، می ترسند.

او گفت که در روزهای آخرش در تهران ۳ ۲ ژانویه مخالفین در اطلاعاتشان در مورد کودتا خیلی خیلی مطمئن بودند. آنها اسامی شش ژنرال، در میان آنها اویسی، ربیعی، خسروداد و سه تای دیگر را که کاتم به یاد نمی آورد، از رهبران اصلی ارتش گفته بودند. نقشه های کودتا در ساختمانی متعلق به «ساختمان تحقیقات» خیابان شاه عباس کشیده می شد. مخالفین می گویند برنامه ریزها، تهران را به شش منطقه تقسیم کرده اند؛ هرکدام تحت نظر یک ژنرال. اعمال قوانین شدید نظامی و دستگیریها با یک اشاره علامت شروع خواهند شد. خیلیها از مخالفین (رژیم) می ترسیدند که آمریکا از چنین کودتایی پشتیبانی کند.

۲ علیرغم کینه ای که نسبت به آمریکا در میان توده مردم دیده می شود، کاتم فکر می کرد که اطرافیان خمینی و مخالفین رژیم در تهران آماده اند تا در مواضع پیچیده و مفصلی در مورد روابط آینده با آمریکا فکر کنند. او آنها را این طور توصیف می کرد که از شوروی می ترسند و خواهان این هستند که برای امنیت، ایران به آمریکا متکی باشد. آنها خواستار روابط دفاعی رسمی نبودند ولی می خواستند تا آمریکا در مقابل تهدید شوروی از ایران پشتیبانی کند. پیروان خمینی معتقد هستند که مسکو از وجود دولتی در ایران تحت

رهبری افرادی که می خواهند نفوذ خودشان را در وراء مرزها منجمله مسلمانان شوروی گسترش دهند، ناراحت است.

۳ کاتم در مورد امیرانتظام، یک تاجر ایرانی این طور گفته است:

احتمالاً یک رهبر خیلی مهمی از جناح خمینی است. امیرانتظام به کاتم گفت که می خواهد با سفارت در تماس باشد. کاتم ظاهراً او را در این جهت تشویق کرده است.

۴ مخالفین میانه رو به قول کاتم بختیار را تا زمانی که حرکت ضد شاه جریان داشته باشد، تحمل خواهند کرد و وقتی احساس کنند که تظاهرکنندگان دارند مأیوس می شوند، حملات خودشان را علیه بختیار آغاز خواهند کرد. از بختیار به عنوان یک شخصیت متزلزل که نتوانسته در برابر پیشنهاد شاه برای نخست وزیری مقاومت کند، حالا هر چند به سود ایران تمام شود، یاد می کنند.

۵ کاتم به طور مفصلتری مسئله شورای سلطنت (در پاراگراف ۴ تلگراف مرجع) را توضیح داد. شورا متشکل خواهد بود از یک ژنرال منتخب شاه، علی امینی (که شاه معتقد است که به او وفادار است ولی در واقع از مخالفین طرفداری می کند) بهشتی (سرهنگ اصلی خمینی در تهران) وکیل مترقی، نزیه و برای شکستن آراء مساوی فرح، سنجابی نخست وزیر می بود مجلس منحل می شد و انتخابات اعلام می شد و مجلس جدید احتمالاً قانون اساسی را تصریح می کند تا شاه را از آن حذف کند.

۶ بالاخره کاتم در مورد گفتگویی با یک (سرهنگ) بازنشسته توضیح داد و گفت که تمام سرهنگهای

بازنشسته (اخراج شده توسط شاه) انقلابی بودند، چون سواد (آگاهی) داشتند. بیشتر ژنرالها بی سواد بودند و به همین دلیل بود که شاه آنها را ارتقاء مقام می داد. ژنرالها وفادار خواهند ماند، ولی سرهنگها دیگر بیشتر از این نمی توانند فشار را تحمل کنند. می گویند تعداد زیادی از سرهنگها و افسرهای رتبه های پایین در تشکیلات خمینی همکاری می کنند. گروه خمینی تازگی به ارتش توجه و اهمیت بیشتر می داد.

محرمانه

ونس

نظرات دو گروه از مخالفین عقب نشینی

ص: ۴۹۶

شماره : ۱/۰۴۳۱

از: سفارت آمریکا تهران ۹/۱/۷۹ تهران ۱۹/۱۰/۵۷محرمانه

به: وزارت امور خارجه واشنگتن. فوری

موضوع: نظرات دو گروه از مخالفین عقب نشینی

مرجع: تهران ۳۶۷

خلاصه

منبع جدید نهضت آزادی می گوید، نهضت آزادی با دولت بختیار مقابله و رقابت نخواهد کرد و سعی خواهد کرد که رفتن شاه هر چقدر ممکن باشد آرام صورت می گیرد و از آمریکا می خواهد که جلوی ارتش را در سرکوبی افراد غیرنظامی بگیرد. رهبران میانه رو در جهت مشابهی تندتر حرکت می کنند تا سعی کنند از درد سر بعد از رفتن شاه پیشگیری بشود. منبع معتقد است، نمایندگان مذهبی در شورای سلطنتی به آرام شدن وضع کمک می کنند و می گوید شریعتمداری احتمالاً آماده است، شرکت کند. خلاصه تمام.

۱ در دو گفتگو، صبح ۹ ژانویه، مسئول سیاسی این طور برداشت کرد که هم رهبران میانه رو سیاسی و هم نهضت آزادی آماده اند که دولت بختیار را تحمل کنند. برای وقت محدودی تا تأثیر رفتن شاه از کشور تعدیل بیابد، و هر دو منبع معتقد هستند که شاه می خواهد فرار کند، آنها از توصیه مسئول سیاسی مبنی بر اینکه سازمانهایشان نقشه برنامه بعد از رفتن شاه را با نظم هر چه تمامتر بکشند، استقبال کردند.

۲ مسئول سیاسی با امیر انتظام عضو کمیته مرکزی نهضت آزادی برای اولین بار ملاقات کرد (قویاً محفوظ بماند) پروفسور ریچارد کاتم حسن نیت دو طرف را تأکید کرد و بحث فوراً به مشکلات بالقوه ایران بعد از شاه برگشت. انتظام نظر نهضت آزادی را بیان کرد که «اگر آمریکا مخالفت کند، ارتش نمی تواند

علیه مردم برگردد». مسئول سیاسی جواب داد آمریکا در تماسهایی که با افراد ارتش داشته، خواهان پیروی از دولت ملی بوده است ولی نهضت بهتر است شناخت بیشتری در مورد حدود و عمق تأثیرات و گرفتاری دولت آمریکا در ارتش ایران پیدا کند. مخصوصاً در مورد مسایل حیاتی که دیدگاههای افسران زیاد نمی تواند متأثر از خارجیان باشد. بعد از بحث کوتاهی انتظام محدودیتها و نقش آمریکا را در این شرایط درک کرد.

۳ مسئول سفارت تکرار کرد که آمریکا مخالف مسئله کودتای نظامی است و فکر نمی کند که این بتواند یک راه حل دراز مدت برای مشکلات ایران باشد و این را چندین بار برای عموم و به طور خصوصی متذکر شده بود. برای همین دولت آمریکا مشخصاً علاقه مند بود که بداند نهضت آزادی و دیگران هنگام رفتن شاه برای پیش گیری از تحریک ارتش که به خونریزی و اغتشاش منجر می شود، چه کار می کنند؟ انتظام گفت: خیلی واضح است که حاضریم کمک کنیم. خمینی نمی خواهد که به ارتش آزار و ضرر بخورد. «به هر حال قسمتی از ملت است.» بعضی از وزرای بختیار به نهضت آزادی توصیه کرده بود که مقاومت کنند و یک دولت انتقالی لازم بود تا راه را برای یک دولت ملی از مردان خوب باز کند. او قول همکاری نهضت آزادی را داد که جلوی خشونت و کشتار گرفته شود و کوشش جدی از طرف نیروهای خمینی در جهت کنترل کردن جمعیتهای خیابانی انجام گیرد. مسئول سفارت گفت که این حتماً کوششهای ما را مبنی بر نگهداشتن اوضاع در خط قانون اساسی تحکیم می بخشد.

۴ در این زمان مسئول سفارت مسئله اینکه آیا نهضت آزادی می تواند جمعیت خیابانی را کنترل کند یا نه را مطرح کرد. انتظام گفت که نهضت آزادی در واقع نگران کسانی بود که در اعمال خشونت آمیز دست داشتند مانند «قتل». من می توانم مطمئناً بگویم که هیچ کدام از این افراد از این نهضت نیستند.» مسئول سفارت هنوز مشکوک بود و پرسید آیا نهضت آزادی و رهبران مذهبی می توانند از نفوذشان در آنجا استفاده کنند؟ انتظام جواب داد آنها حتماً سعی خواهند کرد.

۵ انتظام بعد از به قول خودش «مسئله حساس» در مورد زمان بندی دولت انتقالی را مطرح کرد.

نهضت آزادی از بازگشت شاه می ترسد. شایعات می گویند که ژنرال اویسی با کارتر ملاقات کرده که برای یک کودتای متقابل پشتیبانی بگیرد. نهضت آزادی فکر می کرد، می توانست زیاد برای حرکت به طرف دولت ملی منتظر بماند. نهضت درک کرده که چرا بختیار باید تا زمانی که شاه نرفته در قدرت باشد، ولی فکر می کرد که در سه هفته تا یک ماه بعدی شورای سلطنت مجبور خواهد بود. دولت جدید مورد تأیید خمینی را روی کار بیاورد. مسئول سفارت شایعه اویسی را به عنوان یک دروغ مبتذل توصیف کرد و مسئله را به این محدود کرد که دولت آمریکا از هر دولت قانونی حمایت می کند ولی نمی خواهد روی اگر و شایدها فکر کند.

۶ کارمند سفارت از «امیر انتظام» پرسید آیا در مورد وضع اقتصادی کشور فکر شد؟ آیا انقلاب اسلامی وقتی شاه رفت اجازه خواهد داد که مردم به کار برگردند؟ اگر نه، کشوری نمی ماند تا انقلاب آن را تسخیر کند. تدریجاً انتظام لبخندی زده و گفت: «بله ما نقشه هایی داریم برای آن، او اشاره کرد که نهضت آزادی جداً در مورد تعدیل فشارهای اقتصادی بعد از رفتن شاه فکر کرده ولی او در جزئیات نمی رفت.

۷ ملاقات دوم با دکتر میناچی از کمیته دفاع از آزادی و حقوق بشر همان زمینه های صحبتهای قبلی بررسی شد. میناچی گفت جلسه روحانیت در ۸ ژانویه نقشه ای کشید که در آن روحانیون در تمام کشور

خواستار آرامش در مساجد شده بود. این قبلاً در تهران از ۹ ژانویه در جریان بوده. میناچی گفت هیئت مدیره کمیته دفاع از آزادی حقوق بشر روز ۱۴ ژانویه جلسه داشتند تا با همکاری کامل با وزیر دادگستری بختیار را منصوب کنند ولی خاطرنشان ساخت که این همکاری به وزارت دادگستری محدود می شود و اهدافش مشکلات بشر هستند. مسئول سفارت این را تشویق کرد.

۸ میناچی گفت: رهبران مذهبی میانه رو قم در مورد رفتن شاه مقداری عصبی بودند. میناچی مسئله شورای سلطنت را با علی امینی در میان گذاشته بود و فکر کرده خوب است که از روحانیون هم در این شورا باشند. او ۱۰ ژانویه با شریعتمداری ملاقات می کند و گفت مسئله را عنوان خواهد کرد. او مطمئن بود که مثلث قم حاضر بودند در چنین کاری کمک کنند.

۹ میناچی گفت: مسایل شورای سلطنت هنوز مغشوش بودند. بختیار در مورد شورای قانونی در ماده ۳۸ صحبت کرده بود. ولی شاه تحت ماده ۴۲ می رفت که به او اجازه می داد هرکسی را برای شورای سلطنت انتصاب کند. میناچی گفت بحث اخیر در مورد شورای سلطنت ۷ نفره فقط با قسمتی از عضویت، قانونی ماده ۳۸ بوده او نمی دانست تفکر فعلی چیست، ولی حدس می زد که بحثهای زیادی رد و بدل شود تا مسئله حل گردد.سولیوان

نهضت آزادی در وقایع اخیر

ص: ۴۹۸

شماره : ۰۰۶۷۰

از: سفارت آمریکا تهران تهران ۱۴ ژانویه ۷۹ محرمانه

به: وزارت امور خارجه واشنگتن فوری

موضوع: نهضت آزادی در وقایع اخیر

خلاصه: انتظام به کارشناس سفارت گفت که اعلام افراد شورای سلطنت برای نهضت آزادی مشکلی را پیش نخواهد آورد. نهضت آزادی فکر می کند مجلس، بختیار را تأیید کند.

برگشت خمینی در آینده به ایران که گزارشات مطبوعات می گویند آن قدر حتمی نیست. بعضی از گروههایی که امنیت را بر عهده گرفته اند، از گروههای نهضت آزادی هستند.در مورد دیگران اطلاعات کامل موجود نیست. تظاهرات تا آخر هفته ۱۸ ۱۹ ژانویه ادامه خواهد داشت. ۱۳ ژانویه تظاهرات دانشگاه توسط نهضت آزادی برگزار و کنترل شد. نقشه های نهضت آزادی برای آرامش بعد از شاه پیشرفت می کند.

۱ کارشناس سیاسی استمپل با امیر انتظام عضو کمیته مرکزی نهضت آزادی ملاقات کرد تا وقایع اخیر را بررسی کنند. امیر انتظام گفت شورای سلطنت که ۱۳ ژانویه تعیین شده برای نهضت آزادی مشکلی پیش نمی آورد. وارسته و تهرانی مخالفین سابق بودند با سوابق خوب و علی آبادی هم در موردش نظر خوبی دارند.

۲ انتظام گفت که معتقد است که مجلس وقت گذرانی می کند ولی عاقبت از بختیار حمایت خواهد کرد؛ در حالی که بعضی از اعضای مجلس شاید خواهان روی کار آمدن ارتش باشند. (که همه معتقدند موجب کناره گیری بختیار خواهد شد اکثریت به مصالح کشور رأی خواهند داد.) نهضت آزادی محتاطانه با نمایندگان در مورد رای صحبت و تشویق خواهد کرد. چون رأی نهایی هنوز داده نشده.

۳ در مورد برگشت خمینی به ایران انتظام گفت علیرغم گزارشات مطبوعات خمینی هنوز تصمیم نگرفته چه موقع برگردد. گروه نهضت آزادی در این جا و از جمله سیدمحمد بهشتی ترجیح خواهد داد که خمینی سفرش را بیشتر از یک یا دو روز به عقب بیندازد. تا وضع ارتش و امنیت آرام گردد. انتظام گفت که در واقع به خاطر امنیت خمینی نگران است. مسلماً گروههای خارج از جنبش اسلامی هستند که خوبی خمینی را نمی خواهند. افراطیون در ۵۰ سال قبل خیلی از ملیون را کشته اند و انتظام نمی خواهد خمینی بعدی باشد.

وضع امنیتی در ایران، اگر خمینی موقع برگشت کشته شود، آنقدر وحشتناک می شود که نمی توان تصور آن را کرد.

۴ انتظام گفت: تعدادی از روزنامه های محلی فارسی منجمله آیندگان وقتی عنوان می کنند که خمینی به هر کشوری که به شاه پناه دهد، حمله می کنند اشتباه می کنند. انتظام گفت: ما امیدواریم که او در مورد گروه خمینی دقیق صحبت کند. خمینی درک می کند که ممکن است ضروری باشد که برای خارج ساختن شاه از ایران به او در آمریکا یا اروپا پناهندگی داده شود و کشور مذکور توسط نهضت اسلامی مورد مؤاخذه قرار نخواهد گرفت.

۵ گروههایی که در چند محل طبق گزارشات، مسئولیت امنیت را از پلیس گرفته اند احتمالاً گروههای

عملیاتی نهضت آزادی هستند. انتظام گفت: تمام آنهایی که شمال، اطراف تبریز و قسمتهای دیگر آذربایجان شرقی را به دست گرفته اند به طور حتم نهضت آزادی هستند.

گزارشاتی از شهرهای جنوبی مانند شیراز نداشتیم. همچنین نکته مثبت به قول انتظام تظاهرات مردم در دانشگاه روز ۱۳ ژانویه که در اوج خود ۲۰۰۰۰۰ نفر به گفته نهضت آزادی، ولی تماشاچیان باتجربه می گویند ۱۰۰/۰۰۰، صد در صد توسط جنبش اسلامی کنترل می شد. به گفته انتظام نهضت آزادی هم مانند ما از این مسئله تعجب کرده چون حزب توده در دانشگاههای قوی بوده. (نکته: انتظام به طور واضح فکر می کرد که این نتیجه کار تشکیلاتی خوبی بوده که نهضت آزادی انجام داده ولی حاضر نبود تمام اعتبار را به نهضت اختصاص دهد. چون او و دیگران معتقد بودند که مارکسیستها مقداری از این جریان خوشحال شده اند) نهضت آزادی در آخر هفته ۱۸ ۱۹ ژانویه تظاهرات اساسی خواهد داشت چه شاه بماند چه نماند.

۶ انتظام گفت: که نهضت آزادی از قبل برای روز رفتن شاه برنامه ریزی کرده. آیت اللّه ها هم صحبتهای آرام کننده کرده بودند و خواهند کرد. نهضت آزادی خود گروههایی تشکیل داده تا از مجسمه و ساختمانهای عمومی حفاظت کنند. وقتی کارشناس سیاسی در مورد این گروهها و گروههایی که امنیت شهرها را به دست گرفته بودند، پرسید انتظام گفت: که آنها از گروههای مختلف مذهبی می آیند. (نظر: ما حدس می زنیم که مقداری از اینها و بیشتر تشکیل دهندگان یا مجاهدین و یا وابسته به مجاهدین هستند.)

محرمانه

سولیوان

برگشت خمینی به ایران عقب می افتد

ص: ۵۰۰

شماره : ۰۷۸۴

از: سفارت آمریکا در تهران تاریخ: ۱۶ ژانویه ۷۹ مطابق ۲۶/۱۰/۵۷

به: وزارت امور خارجه واشنگتن فوری

موضوع: برگشت خمینی به ایران عقب می افتد

۱ امیر انتظام از نهضت آزادی ایران، عضو کمیته مرکزی، به مسئول سیاسی حدود یک ساعت و نیم بعد از رفتن هواپیمای شاه تلفن زد که سفارت را مطلع کند که آیت اللّه خمینی در آینده نزدیک برنمی گردد (تکرار) برنمی گردد. علت این مسایل را مسایل امنیتی ذکر کرد.

۲ مطلب بالا بهترین اطلاعات نهضت آزادی است. و طیف مخاطبها باید در نظر بگیرند که الف) محدوده زمانی مشخص نیست. ب) نهضت آزادی در روزهای اخیر در مورد برگشت فوری خمینی کمی بی تفاوت شده اند. البته اطرافیان خمینی در پاریس عقیده دیگری دارند که ممکن است خیلی زود تصمیم خمینی را عوض کنند.

سولیوان ۰۷۸۴

نهضت آزادی کمیته های اعتصاب تشکیل می دهد

ص: ۵۰۱

شماره : ۰۸۳۳

از: سفارت آمریکا در تهران تاریخ ۱۷/۱/۷۹محرمانه

به: وزارت امور خارجه واشنگتن

گزارشگر: (STEMPEL) استمپل فوری ۲۷/۱۰/۵۷

موضوع: نهضت آزادی کمیته های اعتصاب تشکیل می دهد.

مخالفان در مورد مراحل بعدی بحث می کنند.

خلاصه: نهضت آزادی معتقد است که اوضاع ایران تا ۲۱ ژانویه ثبات پیدا خواهد کرد. خمینی قصد ندارد قبل از ۲۱ ژانویه وارد ایران شود ولی بین ۵ روز تا یک هفته دیگر این کار را خواهد کرد. می خواهد شورای سلطنت و مجلس منحل شوند، ولی مخالفین میانه رو در گروه شریعتمداری به دنبال سازش هستند که به همکاری و یا ادغام دو شورا بینجامد. منبع نهضت آزادی می گوید خمینی کمیته ای تشکیل داده تا مسئله اعتصابات اصلی را حل کند و کارش را ۱۷ ژانویه آغاز کرده است. (پایان خلاصه)

عضو کمیته مرکزی نهضت آزادی امیر انتظام به کارشناس سیاسی «استمپل» گفت: که وضع بعد از رفتن شاه بهتر از آن شده که کسی فکر می کرد. او مفصلاً و خالصانه از آمریکا برای همکاری با ارتش در پیشگیری از برخورد تشکر کرد. انتظام گفت: نهضت آزادی با خمینی تماس گرفته و آیت اللّه تصمیم گرفته که در آینده نزدیک به ایران نیاید. وقتی که توضیح بیشتری خواسته شد، انتظام گفت: هنوز تصمیم قطعی گرفته نشده ولی نهضت آزادی معتقد است که اوضاع کم کم ثبات پیدا خواهد کرد. جمعیت راهپیماییهای روز ۱۹ ژانویه تا ۲۱ ژانویه فرصت بزرگی برای ابراز احساسات خواهند داشت. خمینی قبل از این برنمی گردد و شاید در ۷ روز آینده چنین کاری بکند، هنوز مسئله در پاریس بررسی می شود.

۲ در جواب سؤال کارشناس که وضع سیاسی چطور خواهد شد؟ انتظام گفت: خمینی از مجلس و

شورای سلطنت خواهد خواست که منحل شوند، اگر حرف شنوی نکردند آنها را در فشار خواهند گذاشت. توسط زور هم اگر لازم بشود، برکنار خواهند شد.

کارشناس سیاسی جنبه سازشکارانه تری از داستان را از زبان دکتر ناصر میناچی شنید که طرفدار شریعتمداری است که گفته نمایندگان تمام گروههای مخالف طی ۲۴ ساعت آینده ملاقات خواهند داشت تا ببینند مسئله دولت دوگانه شورای سلطنت و شورای انقلاب چطور حل می شود.

میناچی ترجیح می دهد که دو شورا در هم ادغام شوند و این برنامه پشتیبانی قوی دارد. امکانات دیگر مورد بررسی ملاقات مشترک این دو گروه و یا اعمال مشابه (مثلاً هر دو گروه یک نخست وزیر انتخاب کنند) می باشد. میناچی گفت: آیت اللّه منتظری حالا از پاریس برگشته است و در یک سری ملاقات شرکت خواهد کرد. میناچی وانمود می کند که نمی داند که منتظری چه پیغامی از پاریس دارد. (نظر: در حالی که موضع خمینی احتمالاً طی بحث روشن خواهد شد، انتظام عنوان می کند که نهضت آزادی در چنین جلساتی شرکت خواهد کرد ولی فقط به عنوان راه حل خواستار تشکیلات فعلی و استقرار تشکیلات خمینی خواهد شد. البته ظاهراً جای بحث و معامله هنوز باقی است.)

۳ انتظام گفت: خمینی به تازگی کمیته ای ۵ نفره ترتیب داده تا مسئله اعتصابات را حل کنند. بازرگان که رئیس کمیته نفت بوده جدا می شده تا بتواند مسئله نفت را کنترل کند. و عضو مسن نهضت آزادی، دکتر یداللّه سحابی ریاست گروه جدید را به عهده می گیرد. انتظام از نام بردن افراد دیگر در این زمان خودداری

کرد. کمیته کارش را همان صبح شروع می کرد. و باید ممکن باشد که اکثراً اعتصابات را طی چند روز حل کنند. در جواب سؤالی در مورد امکان تلاش حزب توده برای جلوگیری از حل مسئله اعتصابات پرسیده شد. انتظام گفت:

مناطق نفتی مسئله خاصی بودند و چپی های رادیکال تهدید مهمی در برابر توافقهای دیگر نبودند.

(نظر: به عنوان معتقدین قدیمی به قانون مورفی ما مطمئن نیستیم که جریان اینقدر آرام تمام شود.)

سولیوان

نهضت آزادی ایران در تلاش فرونشاندن اوضاع و تسریع پیشرفتهای خود

ص: ۵۰۳

شماره : ۱/۰۹۲۶

از: سفارت آمریکا در تهران تاریخ ۱/۱۸/۷۹

به: وزارت امور خارجه واشنگتن

گزارشگر: استمپل (STEMPEL) ۲۸/۱۰/۵۷ مرجع تهران ۰۸۳۳

موضوع: نهضت آزادی ایران در تلاش فرونشاندن اوضاع و تسریع پیشرفتهای خود

خلاصه: منبع نهضت آزادی که از طرف بازرگان صحبت می کرد، مصراً از سفارت خواست که به تحت فشار گذاشتن ارتش ایران ادامه دهند تا تیراندازی نکند و به جمعیت حمله نشود. بازرگان می خواهد آمریکا بداند که طرح وارد شدن نهضت آزادی در دولت باید سریعتر انجام گیرد تا جلوی نفوذ چپی ها گرفته شود. نهضت آزادی معتقد است که اختلاف بین شورای خمینی و دولت فعلی خود به خود با مشکلات کم، حل خواهد شد و دولت اسلامی روی کار خواهد آمد. این شایعات مبنی بر معامله بین بختیار و حرکت اسلامی را قوت می بخشد.

در ضمن سؤالات در مورد زمان بازگشت خمینی و دوستانش نشانگر این است که می خواهند قبل از بازگشت تمام اوضاع را بررسی کنند. (خلاصه تمام)

۱ محمد توسلی عضو عالیرتبه نهضت آزادی ایران به دستور رهبر نهضت آزادی بازرگان با کارشناس سیاسی (استمپل) ملاقاتی برای مطرح کردن دو نکته داشته است:

الف: نهضت آزادی از آمریکا به خاطر جلوگیری از کودتای نظامی و تلاش او در ارتش تشکر می کند و آمریکا را تشویق می کند که به این روش ادامه دهد.

ب: برای جنبش اسلامی ضروری است که به منظور مقابله با نفوذ حزب توده و کسب موقعیت در جامعه سیاسی امروز هرچه بیشتر به سرعت برنامه های خود بیفزاید.

۲ در سؤالی که در رابطه با تحت کنترل نگهداشتن ارتش منبع نقطه نظرهای نهضت آزادی را به نقل از دو مأمور که در محل حضور داشتند یادآور شد. از غروب ژانویه، ارتش مجسمه شاه را پایین آورد تا به آن هتک حرمت نشود و ملت خوشحالی کردند. روز بعد فرماندار نظامی خوزستان، ژنرال جعفریان، در یک نطق احساساتی برای سربازها توضیح داد که باید تا جای ممکن از شاه دفاع کرد و آخرین نامه شاه را که در آن مصرانه خواسته بود که ملت را سلامت نگهدارند خواند. سربازها در مقابل طعنه های جمعیت عکس العمل نشان دادند و تیراندازی کردند. بعد تانکها را به داخل خیابانها آوردند که ماشینها را خورد می کرد و به مردم تیراندازی می کرد. این مسئله درگیری شدیدی بین ژنرال جعفریان و فرماندار نظامی، شمس تبریزی، به وجود آورد. در نتیجه یک نفر (ناشناس ولی در رابطه با مسئولین) گروه چماق به دستان را تشکیل داد که در شهر و دانشگاه جندی شاپور به مردم حمله کردند. تا بعد از ظهر ۱۷ ژانویه مردم در خانه هایشان پناه گرفته بودند و از بیرون آمدن می ترسیدند. نهضت آزادی حدود ۳۰ نفر کشته احتمال می دهد و مقدار زیادی هم زخمی (نظر: این زیاد دور از بقیه گزارشات نیست.)

۳ نهضت آزادی می گوید وقایع مشابه ولی بدون اینقدر خشونت در دزفول، گیلان و اراک روی داده. نهضت آزادی اصرار کرد که دولت آمریکا ارتش را همواره تحت فشار قرار دهد تا از حمله به مردم خودداری کند.

کارشناس سفارت گفت: ما به کار خودمان ادامه خواهیم داد. ولی او شدیداً بر لزوم محدود کردن

احساسات مردم تأکید کرد و صحبت کردن مستقیم با رهبران ارتش که ما متقاعد شده ایم خواهان خونریزی نیستند را پیشنهاد کرد. منبع این دفعه خوشبین تر و راحت تر مطالب را پذیرفت.

۴ بحث به سیاستهای وضع فعلی رسید. توسلی گفت: که چپی ها قدرتمندتر شده اند. سخنرانان حزب توده به خصوص به آذین که اخیراً آزاد شده (محمود اعتمادزاده) و خواستار جمهوری تنها و نه جمهوری اسلامی شده بود امروزه همه جا سخنرانی دارد. گروههای دانشجویی همچنین فعال شده اند و مقداری درگیری هم در بین گروههای چپ و اسلامی دانشگاه، در دانشگاه تهران پیش آمده است.

۵ اوضاع طوری است که ایجاب می کند که جنبش اسلامی به سرعت به برنامه ریزی خود بیفزاید. بازرگان می خواست که دولت آمریکا بداند واقعیت همین است و خواستار حمایت و تفاهم ما شده بود. وقتی پرسیده شد چه نوع حمایتی خواسته اند توسلی گفت: صرفاً درک این مسئله که نهضت به کجا می رود و با نفوذ کردن در ارتش از اغتشاشاتی که ممکن است در ارتش به وجود بیاورد، جلوگیری بشود. کارشناس سفارت گفت: آمریکا از یک راه حل صلح آمیز و آرام پشتیبانی خواهد کرد و از نهضت آزادی خواست که با دولت فعلی ایران کنار بیاید. توسلی گفت: این مسئله در جریان است.

۶ برنامه ریزی بر اساس قول بازرگان چنین می باشد:

خمینی اسامی اعضای شورای انقلاب اسلامی را در ۱۹ یا ۲۰ ژانویه اعلام خواهد کرد. بازرگان و رهبر جبهه ملی، کریم سنجابی حتماً در شورا خواهند بود، اما دیگر اسامی مشخص نیست. یک نکته مهم این است که در شورای انقلاب رهبران مذهبی نخواهند بود. توسلی گفت: طرحهایی که هنوز به طور کامل فاش و مشخص نشده شامل گروه ویژه مشورتی متشکل از رهبران مذهبی مانند طالقانی و منتظری می باشند.

به دنبال اعلام موجودیت شورای اسلامی احتمالاً استعفای اعضای مجلس و نخست وزیر که از ۱۷

ژانویه آغاز شده است ادامه خواهد داشت.

انتظار می رود که بختیار خود پیشقدم شود و قدرت را به شورای انقلاب اسلامی واگذار کند، که انتخابات منصفانه ای به زودی برنامه ریزی شود. (توسلی فکر می کرد که این کار حدود دو یا سه ماه به طول خواهد کشید ولی هنوز تصمیم قاطعی گرفته نشده است.)

۷ در جواب سؤال ارتباط بین شورای خمینی و شورای سلطنت که ارتش به آن وفادار بود توسلی گفت: می داند که در این مورد تلاشهایی در جریان است که او از ماهیت آن خبر ندارد. (توضیح: توسلی آشکارا معلوم است که از تلاشهای میناچی خبری ندارد. مراجعه شود به:

مرجع A پاراگراف ۲۲ REF A PERT

۸ بازگشت خمینی هنوز قطعی نیست اما به طوری که بازرگان گفته خمینی بازگشتش را تا کسب قدرت واقعی توسط شورای انقلاب و تحت کنترل قرار دادن بیشتر ارتش به تأخیر خواهد انداخت. این تصمیم به طور مداوم تحت بررسی است. منبع خبری تصور کرده که این مسئله احتمالاً به این معنی است که خمینی در ۶ تا ۱۰ روز آینده به ایران باز می گردد. مذاکره به قول منبع خبری مبنی بر ادامه تماسهای مداوم در روزهای آینده پایان یافت.

۹ نظریه و تحلیل: این خوش برخوردترین ملاقات توسلی با گزارشگر بوده است و به نظر می رسد که با برخورد خودش می گوید که آمریکا در ارزیابی اوضاع، واقع بین تر از سابق بوده است. او روشن ساخت

که بر اساس دستورات بازرگان صحبت می کرد. بازرگان فکر می کرد که مهم است نکاتی را که او ارائه داده است، آمریکا آنها را درک بکند. بر اساس این امتیاز، او به حدی به اهداف آینده نهضت آزادی خوش بین بود که تاکنون نسبت به هیچ چیز نبوده است و مایل بود که زمینه هایی را که او اطلاع کاملی از آنها نداشت مشخص بکند. در حالی که او یا از تلاشهایی که برای آشتی دادن شورای سلطنت و شورای خمینی (REF A) شده خبر نداشت و یا در ریاکاری مهارت دارد (گزارش دهنده به نظر اولی معتقد است). او متقاعد شده است که راه حل برای انتقال قدرت پیاده خواهد شد.

طریقه راحت و آرامی که انتظام و توسلی با مشکلات دولت قانونی در چهارچوب اسلامی برخورد می کنند به شایعات رایجی که خمینی با بختیار معامله و سازش کرده قوت و اعتبار می بخشد.

(مراجعه شود به گزارش (SRF = CIA) سیا)

اگر این حتی یک واقعیت باشد، به نظر می رسد که نهضت آزادی به نقش ارتش آگاهی ندارد که براساس اطلاعات ما به هیچ وجه آماده مسامحه کاری نیست و راه حل نهضت آزادی را بدون درگیری و بحثهای سخت می پذیرد.

۱۰ در جواب سؤال در مورد بازگشت خمینی، این اولین بار بود که یک شخص مسئول در نهضت احتمال می داد که خمینی ممکن است بازگشت خود را تا استقرار و چهارچوب اسلامی چه توسط مصالحه چه با زور، به تأخیر اندازد.

مشکل این طرح از نقطه نظر خمینی می تواند این باشد که او تاکنون از طرف گروههای مختلف داخل کشور برای بازگشت تحت فشار است. مطبوعات محلی تاکنون چند پیام مبنی بر درخواست بازگشت او گزارش کرده اند و بنا به گزارشات علی امینی در پاریس است تا از او بخواهد که برگردد.

ما حداقل بعضی از این درخواستها را حقیقی قلمداد می کنیم نه فقط آنچه که در فارسی به عنوان تعارف

معمول است.

۱۱ مذاکره با مقامات نهضت آزادی در دو سه روز گذشته به اضافه اظهارات مختلفی که از پاریس می آید (مراجعه شود به عنوان مثال REF B) این مسئله را نتیجه می دهد که تزلزل و تردیدهایی در فکر خمینی هست و همچنین نمایانگر افزایش اختلاف میان اطرافیان خمینی می باشد.

این نکته بر ما آشکار می سازد که زمانی که مذاکرات در اینجا ادامه دارد، در پاریس یک عدم است که ما نه در یک سردرگمی سیاسی هستیم و نه قوه پیشرفت تدریجی، و حل اختلافات مهم را متعهد شده ایم.

تنها مشکل این است که خمینی به هر دلیل از بازگشت فوری صرف نظر کرده است. بنابراین امکاناتی برای مذاکرات بیشتر حداقل فعلاً حاصل شده است.

سولیوان

مخالفت مذهبی، فعالیتهای بعد از تظاهرات

شماره : ۱/۹۵۷

از: سفارت آمریکا در تهران تهران ۹۴۵ تاریخ ۲۰ ژانویه ۷۹ محرمانه

به: وزارت امور خارجه واشنگتن. دی سی فوری۳۰/۱۰/۵۷

موضوع: مخالفت مذهبی، فعالیتهای بعد از تظاهرات

خلاصه: منابع نهضت آزادی با نتیجه تظاهرات ۱۹ ژانویه راضی هستند. خشونتی گزارش نشده و فقط دو گروه چپی سعی داشتند دخالت کنند که توسط پاسداران راهپیمایی متفرق شدند. کمیته اعتصابات خمینی کارش را در ۲۰ ژانویه با برنامه ای که بخشهای اساسی منجمله کارگران عمومی بسر کار بازگردانیده شوند، شروع کرد.

نهضت آزادی خبر دارد که چپی ها خودشان در ۲۱ ژانویه در جنوب تهران تظاهرات خواهند داشت مذاکرات بین بختیار و گروههای مذهبی هنوز ادامه دارد. هیئت مذهبی احتمالاً به پاریس خواهد رفت تا بگوید که شورای اسلامی با یک زیربنای قانونی ایجاد شود. نهضت آزادی نگران است که بختیار و شورای سلطنت کنار نکشند. افرادی که موضوع را از پشت دنبال می کنند نباید بی جهت خوشبین باشند. (پایان خلاصه).

۱ کارشناس سیاسی استمپل با مأموران نهضت آزادی توسلی و انتظام (محفوظ بماند) عصر ۱۹ ژانویه ملاقات کرده و بعد دوباره با انتظام در ظهر ۲۰ ژانویه. هر دو از نتیجه راهپیمایی راضی بودند. ادعا داشتند که در این برنامه ۵/۲ میلیون آدم شرکت داشتند (دیگران و مطبوعات می گویند ۴/۱، ۸/۱ میلیون) و روز بدون خشونت تمام شده بود. توسلی اشاره کرد که دو گروه چپی سعی داشتند داخل تظاهرات شوند، ولی توسط پاسداران به آرامی متفرق شدند. شعارها همه اسلامی بود. نهضت آزادی گفت، روحیه مردم به خوبی عاشورا نبوده ولی هر دو (و دیگران که با آنها صحبت شده) این را ناشی از رفتن شاه

می دانند حالا که او رفته مردم به مسایل دیگری فکر می کنند مانند هوا، حبوبات (مواد غذائی) و نبودن سوخت مصرفی.

۲ انتظام گفت: گروه منتخب خمینی در اعتصابات کار را امروز شروع کرده و دکتر یدالّله سحابی به عنوان رئیس و محمد جواد باهنر رهبر مذهبی و مهندس علی اکبر معین فر به عنوان اعضاء این گروه معرفی شدند دو عضو دیگر را بعداً معرفی خواهد کرد. انتظام گفت: سحابی می خواهد بررسی کند که آیا انتظام را در این گروه بیاورد؟ چون او در جای دیگر هماهنگی بیشتری می تواند بکند. انتظام اضافه کرد که در هر حال کار کمیته را دنبال خواهد کرد. در جواب سؤالی انتظام تأکید کرد که برنامه کار کمیته هم در بخش خصوصی و هم کار دولتی بوده و هدف این بوده که کشور دوباره راه بیفتد.

کارشناس سیاسی اشاره کرد نخست وزیر قدمهای اساسی برداشته بود تا بخش خصوصی از ۲۰ ژانویه کار را آغاز کند. اگر هدف کمیته همین بوده خوب می شد اگر کار سریع پیش می رفت تا درگیری پیش نیاید چون هر دو طرف می خواهند، سر کار برگردند. انتظام مسئله را فهمید و تأکید کرد که توافق، چپی ها را هم در بر خواهد گرفت که سعی دارند در جنبش کارگری رخنه کنند. (نظر: ما امیدواریم تلاشها سریع باشند ولی خطر نزدیک است.)

۳ توسلی گفت: گرداننده های حزب توده خواستار تظاهرات چپی و ضد مذهبی احتمالاً برای صبح ۲۱ ژانویه شده اند. محل تظاهرات میدان قزوین، ۱ مایلی شمال ایستگاه ترن خیابان ششم بهمن

(توضیح: غیر از شرکت توده ایها و چپی های افراطی در فعالیتهای دانشگاهی این اولین امتحان حزب توده در جمع مردم خواهد بود. این اولین اجتماع متشکل چپی ها اگر تشکیل شود، ممکن است نهضت آزادی را وادار کند تا سرعت تلاشهایشان را در جهت ایجاد راه حل سیاسی میانه رو بیشتر کند.)

۴ در صحبت جداگانه ای دکتر میناچی (طرفدار شریعتمداری) تأیید کرد که صحبتها بین مخالفین و نمایندگان بختیار در مورد راه حل اختلاف بین شورای خمینی (اسلامی) و شورای سلطنت پیشرفت کرده است. میناچی گفت: شورای خمینی هنوز اعلام نشده چون مذاکرات در مورد روابط آینده آن با شورای سلطنت هنوز ادامه دارد. میناچی گفت: آیت اللّه رفسنجانی و منتظری احتمالاً ۲۰ یا ۲۱ ژانویه به پاریس می روند، البته اگر معامله ممکن به نظر آید. میناچی هم ممکن است همراهشان برود. هدف سفر این خواهد بود که خمینی را متقاعد کنند که شورای اسلامی باید یک وابستگی قانونی با رژیم فعلی داشته باشد وگرنه رهبران مذهبی میانه رو قبول نخواهند کرد. میناچی چگونگی این را نمی دانست ولی حدس می زد که شورای اسلامی بتواند بعضی از اعضایش را از شورای انقلاب بگیرد؛ به عنوان قسمتی از انتخابات.

۵ انتظام نظر نسبتاً متفاوتی در مورد وضع سیاسی داشت. او گفت: خمینی درصدد اعلام شورای انقلاب است و نخست وزیر و کابینه انتخاب شده اند (او مدعی بود که اسامی را نمی داند ولی احتمالاً می داند). مسئله اینجاست که بختیار قبول نکرده استعفا بدهد. (مطبوعات خارجی گزارش کردند که بختیار حاضر نیست قدرت را به خمینی بدهد. او گفت: یک روحانی جای نخست وزیر را نمی گیرد.) انتظام معتقد بود شورای سلطنت و مجلس به زودی استعفا خواهند داد (نظر: این پیشداوری است.) و لازم است کوشش شود بختیار کنار برود. دولت آمریکا باید توصیه کند که استعفا دهد. کارشناس سیاسی اشاره کرد که بختیار نخست وزیر قانونی بوده و این عامل مهمی است که ارتش را پشت دولت غیر ارتشی نگه می دارد. کارشناس سفارت نظر شخصی خودش را گفت که اگر خمینی بخواهد برنامه خودش را به طور

واقعی پیاده کند، باید با جنبه های قانون اساسی مصالحه و سازش کند. انتظام که با صحبتهای مصالحه در پاراگراف قبلی آشنا نیست سرش را تکان داد و مسئله را تمام کرد.

۶ نظر و تحلیل: مقدار زیادی سردرگمی و تردید در میناچی و انتظام دیده می شود و این نشانگر این است که مخالفین نمی دانند که اگر بختیار و دیگر ارگانهای اجرایی از استعفا خودداری کنند، چه وضعی پیش می آید. میناچی که آدم خوش بینی است راه حلی برای مسئله مقابله با شورای سلطنت با شورای انقلاب نمی بیند. بختیار گفته که اگر او را اخراج کنند ارتش اوضاع را با خونریزی به دست می گیرد. مشکل عکس العمل ارتشیها به پیشنهادهای خمینی و اینکه راه حل خمینی خارج از چهارچوب قانون اساسی است موضع رهبران مذهبی میانه رو را قوی کرده است. با وجودی که او حاضر نبوده که در گذشته با خمینی علناً مخالفت کند لیکن آن طور که شنیده ایم شریعتمداری ۱۹ ژانویه مصاحبه ای داشته و تا حدی از بختیار دفاع کرده و اصرار دارد که شورای انقلاب اسلامی باید بر اساس قانون اساسی باشد. خمینی موقعیت برتری خودش را از دست نداده ولی مقداری تقلیل پیدا کرده. اگر تشکیلات مذهبی داخل کشور آماده باشد تا با استعفا نکردن بختیار بسازند در آن صورت است که جریانات خمینی را وادار خواهند کرد تا در جهت مصالحه گام بردارد و با وجود یکدندگی سازش کند.

۷ سفیر و دیگر کارشناسهای سفارت متوجه شده اند که منابع وزارتخانه در مطبوعات زمینه سازی کرده اند که ظاهراً قسمتی بر اساس گزارشات تلگرافی که در بالا به آن اشاره شد می باشد و آنها صورت

خوبی به مذاکرات در ایران در مورد وضع خمینی داده اند. میناچی اساساً یک فرد خوشبین است و خمینی همیشه یکدنده بوده. مذاکرات ایرانی هیچ گاه برنامه صاف و منطقی نبوده و همیشه در خطر بادهایی بوده که از بیرون می وزیده. برای چند روز هفته آزاردهنده آینده، ما فکر می کنیم که در مورد این جریان لزومی به اظهارنظر نیست. مگر اینکه دلایل محکمتر و قانع کننده تر داشته باشند (و ما اینجا نمی توانیم تصور کنیم که چه می تواند باشند.)

اگر ضرورت داشته باشد که مطبوعات را در مورد گذشته و زمینه ها مطلع کنیم، معتقدیم که صحیحتر و عاقلانه تر است که یک دید خیلی محتاطانه و کمتر خوشبینانه به آنها بدهیم که در همان خط گفته های بسیار خوب هادینگ کارتر در مورد استخوانهای یخ زده باشد.

سولیوان

نهضت آزادی می خواهد توسط آمریکا فشار وارد سازد

ص: ۵۰۹

شماره : ۱/۱۰۷۷

از: سفارت آمریکا در تهران ۹۵۷ ۱/۲۲/۷۹ مطابق ۲/۲۲/۵۷ محرمانه

به: وزارت امور خارجه واشنگتن

گزارشگر: استمپل

موضوع: نهضت آزادی می خواهد توسط آمریکا فشار وارد سازد، اختلاف با میانه روها بروز می کند

۱ تمام متن محرمانه است.

۲ خلاصه: انتظام، عضو نهضت آزادی به کارشناس سفارت گفت که نهضت آزادی مصراً خواستار ملاقات با افسران ارشد است تا بازگشت آرام خمینی را ترتیب دهند. نهضت آزادی می خواهد آمریکا نخست وزیر مجلس و شورای سلطنت را وادار به استعفا کند. کارشناس سیاسی گفت: این کاری نیست که آمریکا بتواند انجام دهد و حتی کوشش در این جهت خطرناک خواهد بود. حصول توافق ضروری و حیاتی است و تلاش خمینی برای برپایی دولت رقیب هنگام بازگشت، خیلی خطرناک خواهد بود. منبع گفت: نهضت آزادی می خواست که در مورد منافع آمریکا در ایران گفتگو کند تا از برخوردهای احتمالی آینده جلوگیری شود. در ضمن به منابع میانه رو مذهبی اشاره کرد که ملاقات با ارتش حیاتی بوده و گزارشات مبنی بر اختلافات در رهبری مذهبی را تأیید کرد.

۳ امیرانتظام، عضو کمیته مرکزی نهضت آزادی به مأمور سفارت، استمپل در ۲۲ ژانویه گفت که نهضت آزادی مصرانه می خواهد ملاقاتی بین بهشتی، بازرگان و ژنرال مقدم و ژنرال قره باغی ترتیب دهد. برای مذاکره در مورد اوضاع بازگشت خمینی؛ و مصرانه از آمریکا خواست که ارتش را در مورد این ایده خوب متقاعد سازد. میناچی (میانه رو و طرفدار شریعتمداری) نیز چنین مطلبی را در حدود یک ساعت بعد از انتظام گفت، کارشناس سفارت به هر دوی آنها جواب داد (انتظام، میناچی) دولت آمریکا این کار را

شروع کرده و ادامه خواهد داد.

انتظام گفت که تلاش برای نزدیکی نهضت آزادی به ارتش احتمالاً به ملاقات در ظرف ۲۴ ساعت آینده منجر خواهد شد. یک محل بیطرف و بدون وابستگی تا کنون درنظر گرفته شده (انتظام نگفت کجاست) و ترتیب بازگشت صلح آمیز خمینی خیلی مهم است. (روشن است که انتظام و نهضت آزادی بازگشت خمینی را در ۲۶ ژانویه به عنوان یک حقیقت پذیرفته اند.)

۴ در مورد اوضاع سیاسی، نهضت آزادی گفت: مشکل فعلی نخست وزیر است که نمی خواهد علیرغم مذاکرات کنار بیاید. انتظام گفت: او و یکی از رهبران نهضت آزادی (مشخص نکرد) قرار ملاقاتی برای دیدن بختیار در ۲۲ ژانویه داشتند.

آنها نهضت آزادی را به توافق و مصالحه مجبور خواهند کرد تا جایی که شورای سلطنت قدرت را به شورای انقلاب منتخب خمینی واگذار کند.

انتظام گفت: که بهترین راه حل این است که آمریکا به بختیار فشار بیاورد که مجلس و شورای سلطنت استعفا بدهند و راه را برای جنبش اسلامی باز کنند.

۵ مأمور سفارت جواب داد که این کار را آمریکا نمی تواند بکند و نه مفید است که بکند. گیرنده چنین توصیه ای احتمالاً بیشتر از فشار آمریکا داد و بیداد می کردند تا به آن توجه بکنند. انتظام گفت: این به نظر می رسد که تنها راه اجتناب از خونریزی و کودتا باشد.

مأمور سفارت جواب داد: به نظر می رسد که هنوز بهترین راه حل مصالحه و توافق می باشد. بختیار مشروعیت دارد حتی اگر خمینی آن را نپذیرد.

انتظام گفت: خمینی در حال حاضر مشروعیت هیچ ارگانی را نمی پذیرد، نه شورای سلطنت، نه نخست وزیر و نه مجلس. مأمور سفارت بی پرده گفت که شاید وقت آن است که کسی به خمینی توضیح دهد که توافق و سازش تنها راه حل جدی اجتناب از خونریزی است. به نظر نمی رسد که دولت آماده تسلیم باشد و یا ارتش به آن اجازه چنین کاری را، حتی اگر بخواهد، نمی دهد. تلاش خمینی به منظور تشکیل یک دولت رقیب بعد از ورودش می تواند خطرناک باشد.انتظام بعد از کمی تأمل پرسید: که آیا منظور از این حرف احتمال وقوع کودتاست؟ مأمور سفارت گفت: که این احتمال کاملاً از صحنه بیرون نرفته است در روزهای اخیر (احتمال وقوعش هست) هیچ کس، نه ارتش، نه آمریکا و نه مخالفین حقیقتاً نمی خواهند که کار به اینجا بکشد.

۶ سپس انتظام موضوع صحبت را عوض کرد و گفت: نهضت آزادی مایل است که با یک هیئت آمریکایی ملاقات کند برای مذاکره در مورد منافع آمریکا در ایران و تلاش برای اجتناب از درگیری بین آمریکا و جنبش اسلامی که خواستار روابط خوب با آمریکا است.

مأمور سفارت گفت: او همیشه مشتاق نظرات و نکاتی است که نهضت آزادی ارائه می دهد. اما به نظر می رسد که یک مقدار بی موقع است که روی این نکته بحث شود، در حالی که نیرنگهای سیاسی هنوز قوی هستند. انتظام گفت: فرصت برای پیشنهاد باقی و راه باز است.

۷ در خبرهای گوناگون گزارش شده است در پایان گفتگو، انتظام تأیید کرد که مأمور سفارت از توسلی (از نهضت آزادی) این خبر را که از حالا به بعد انتظام به عنوان عامل اصلی تماس نهضت آزادی با سفارت به شمار می رود، دریافت کرده بود. انتظام گفت: نهضت آزادی دو شایعه را شنیده است.

۱ شنیده است که ژنرال اویسی با یک هواپیمای ارتشی ایران به ایران بازگشته است.

۲ شنیده است که چند ژنرال در سفارت آمریکا پناه گرفته اند.

مأمور سفارت قویاً این شایعات را تکذیب کرد و انتظام آن را پذیرفت.

۸ در یک گفتگوی کوتاه جداگانه ای، مأمور سفارت توسط ناصر میناچی اطلاع یافت که ملاقات رهبران نهضت آزادی و سران ارتش احتمالاً در غروب ۲۲ ژانویه یا صبح زود ۲۲ ژانویه اتفاق خواهد افتاد.

میناچی نظرش این بود که خمینی تصمیم به بازگشت در ۲۶ ژانویه گرفته است. علیرغم نصایح همه متحدان سیاسیش در اینجا (توضیح: میناچی و انتظام هر دو نسبت به اطرافیان خمینی در پاریس بدگمان هستند و آنها را تحقیر می کنند. اگر چه مستقیماً حرفی در مورد معتمدین خمینی، یزدی و قطب زاده نمی گویند، ولی کاملاً از احساس آنها این مسئله پیداست.)

۹ میناچی همچنین به درگیری که بین رهبران مذهبی در ایران در رابطه با چگونگی حل مسئله خمینی وجود دارد اشاره کرد. میناچی بعد از ظهر ۲۲ ژانویه برای صحبت با آیت اللّه ها در مورد چگونگی به حداقل رساندن خشونت و درگیری در رابطه با آمدن خمینی به قم رفت. به نظر می رسد که او مطمئن است از اینکه مثلث آیت اللّه های قم از خط مشی خمینی تا جایی که پشتوانه قانون اساسی داشته باشد، حمایت خواهند کرد.

ص: ۵۱۱

(نظریه: ما قبلاً سخنان باشهامتی از گروه قم شنیده ایم، اما قبل از حمله خمینی ارزشش را از دست داده بود و ما متقاعد نشده ایم که این دفعه هم فرقی کرده باشد.)

۱۰ توضیح و تحلیل: اوضاع حالت تشریفاتی به خود گرفته است. خمینی فشار می آورد. متحدین او در داخل کشور (نهضت آزادی ایران) در مورد نتیجه کار نگران هستند و ناراحتند و تلاش می کنند که معامله کنند و شواهد زیادی وجود دارد مبنی بر اینکه آمریکا باید دوطرفه بازی کند. میل شدید ایرانیان برای کنار گذاشتن سازش با جبهه مخالف تا آخرین ساعت ادامه می یابد و صحنه سیاست را تبدیل به بازی (CHICKEN)می کند.

هر دو جبهه تا آخرین دقایق بدون اغماض جلو می آیند و هیچ کدام ول کن معامله نیستند. این مسئله وقتی مکرراً پیش می آید تأثیر ثابت و محکمی روی شرکت کنندگان نخواهد داشت (۵ نوامبر، محرم عاشورا، اربعین و حالا). ارتش با اعتصاب افسران (همافران) در اصفهان، همدان، دزفول، و مشهد رو به رو شده است. (طبق گزارش امیر انتظام)

از طرف دیگر به اقرار تمامی گروههای دست اندرکار، روحانیون مخالف میانه رو به تدریج از خط سازش خمینی به تنگ آمده اند. بهترین امید در شرایط فعلی این است که مشکلات درونی هر گروه آن را وادار به سازش کند و از برخورد رودررو جلوگیری به عمل آید.

سولیوان

دیگ سیاست بشدت می جوشد، تجدید خشونت افزایش پیدا می کند

ص: ۵۱۲

از: سفارت آمریکا تهران

تهران ۱۳۷۹ ۲۸/۱/۷۹ مطابق ۸/۱۱/۵۷

محرمانه

به: وزارت امور خارجه واشنگتن

موضوع: دیگ سیاست بشدت می جوشد، تجدید خشونت افزایش پیدا می کند

۱ متن کاملاً محرمانه است.

۲ خلاصه: اعلان بختیار مبنی بر اینکه او به پاریس می رود، ملاقاتها و مذاکراتی در تهران و بین تهران و پاریس به راه انداخته. رهبران مذهبی میانه رو ظاهراً از ترس خشونت می خواهند که او هرچه زودتر در مورد بازگشت خمینی مذاکره کند. نهضت آزادی ظاهراً بیشتر متوجه یک سازش سیاسی است. جمعیتی که از چند استان اجتماع کرده اند برای پیشواز آیت اللّه خمینی، ناآرام هستند. علمای تهران تقاضای ۴۸ ساعت آرامش کرده اند ولی احتمال خشونت خیلی قابل توجه است. (پایان خلاصه).

۳ در گفتگو با دلال (واسطه) سیاسی میانه رو میناچی و امیر انتظام روشن شد که در ۲۴ ساعت گذشته ظاهراً تصمیم بختیار مبنی بر رفتن به پاریس بالاترین نماینده اجرایی خمینی در تهران یعنی بهشتی و بعضی اعضای دیگر، همچنین مقدار خیلی زیاد مکالمه با پاریس انجام گرفت که ظاهراً معامله ای (شب ۲۷ ژانویه) انجام گرفت.

ملاقات امام و بختیار به زحمت گنجانده شد. رهبران عملاً یکسره ملاقات دارند. در طی روز ۲۸ ژانویه برای اینکه جزییات برنامه را پیاده کنند و جو شک و تردید رهبران خیلی قوی است.

۴ میناچی معتقد است که نقطه حساس، کنار هم قرار دادن خمینی و بختیار است. تا هرچه زودتر وقتی برای برگشت خمینی تعیین کنند، جمعیتی که در تهران تجمع کرده اند قاطع و مقاوم می شوند.

سخنرانان در مجلس عزاداری ۲۷ ژانویه قاطعانه گفتند که اگر خمینی ۲۸ ژانویه نیاید، جنگ مسلحانه ۳۰ ژانویه شروع خواهد شد و قشر میانه رو نهضت آزادی خیلی متوجه اند که تأخیر بی جهت در پیشرفت به طرف یک معامله سیاسی که خمینی را برگرداند به معنی خشونت در چند روز آینده خواهد بود. احتمال عکس العملهای کنترل نشده توسط گروههای شهرستانی زیاد می شود گزارشات پراکنده از غارتگری در جنوب تهران و اتفاقهای مشابه در جاهای دیگر بوده خیلی از منابع دانشگاهی ما می گویند گروههای رادیکال که چپ تر از حرکت مذهبی هستند، مردم را به یک مبارزه فعالتر که دعوت می کنند. ولی وضع فعلاً تحت کنترل است.

۵ عضو نهضت آزادی، انتظام، معتقد است که بختیار باید یک معامله کامل سیاسی در پاریس انجام دهد، چون در غیر این صورت وقتی که موقع توافق در تهران برسد، او گروگان ارتش خواهد بود. یک سناریو بختیار را نشان می دهد که به نوعی از خمینی حرف شنوی دارد و رضایت آیت اللّه مبنی بر اینکه تا زمان برگشت و سناریو بعدی بختیار توافق را جور می کند و برای آرام کردن ارتش و استقبال از امام برمی گردد.

۶ به دنبال کوششی که علمای تهران برای ایجاد زمان بیشتر برای انجام گرفتن این برنامه های سیاسی دارند آنها در ۲۸ ژانویه اعلامیه ای داده اند با امضای طالقانی که خواهان ۴۸ ساعت دیگر آرامش شده تا نخست وزیر برنامه برگشت خمینی را تنظیم کند. انتظام و میناچی فکر می کنند که مسئله ورود باید تا آن

زمان حل گردد وگرنه نهضت آزادی و دیگران مشکلاتی در کنترل کردن جمعیت خواهند داشت.

۷ نظرات: میناچی عموما طرفدار خشونت نیست و مسلما ناراحت است. چند تا از خبرنگاران

آمریکایی در سه روز گذشته در شهر گشته اند. جو و حالت جمعیت و ارتش را کلاً خشن توصیف کرده اند.

سؤال اصلی حالا این است آیا پروسه سیاسی می تواند به راه حلی برسد که قبل از اینکه سران داغ

(انقلابی) امور را به دست بگیرند، حرکت انفجاری را خنثی کند.

سولیوان

نهضت آزادی مجددا برای معامله با دولت ایران تلاش می کند

از : سفارت آمریکا شماره : ۱/۱۴۴۷

به : وزارت امور خارجه واشنگتن تاریخ : ۷۹/۲۹/۱

گزارشگر : STEMPEL(استمپل) ۹/۱۱/۵۷

بخش سیاسی سرّی

موضوع : نهضت آزادی مجددا برای معامله با دولت ایران تلاش می کند

۱ کلیه متن محرمانه است.

۲ خلاصه:

۳ امیر انتظام (نهضت آزادی) تقاضای ملاقات با مأمور سیاسی (استمپل) را کرد (و بر ضرورت آن تأکید کرد، حتی پیشنهاد کرد که شرایط سخت امنیتی در رستوران کاروانسرای سفارت باشد.)

در صبح ۲۹ ژانویه او خشم نهضت آزادی را نسبت به تیراندازی دو روز گذشته بیان کرد و گفت: نهضت آزادی تعداد کشته ها را در ۲۷ ژانویه ۴۳ نفر و تعداد زخمی ها را ۳۰۰ نفر گزارش داد. او همچنین اضافه کرد که پلیس در سنندج یورش وحشیانه ای در ۲۸ ژانویه بعد از کشته شدن یک پلیس روز قبل کرد و به طرف ۲۰۰ نفر تیراندازی شد.(نظریه: این ارقام احتمالاً بالاست).

انتظام گفت: که خود او شخصا شنیده است که نخست وزیر در خلال ملاقات ۲۸ ژانویه بعد از خواندن گزارش ساواک که پلیس را مسئول حوادث اخیر معرفی کرده به ارتش دستور دستگیری کامل پلیس سنندج را داده است.

۴ کارمند سفارت اضافه کرد که به نظر می رسد که به خاطر حوادث دو روز گذشته مضطرب و پریشان است، اما اطلاعات ما نشان می داد که فعالیت های دو روز توسط دیگران شروع شده اند نه به وسیله نهضت آزادی. انتظام گفت: که نهضت او معتقد است که تیراندازی ۲۷ ژانویه در دانشگاه را عوامل حزب توده

شروع کرده است ولی سنگ اندازی روز ۲۹ ژانویه توسط عوامل تحریک کننده دولت صورت گرفته است.

انتظام گفت ولی مقصر اصلی خشونت دولت است و این مسئله راه حل مصالحه با خمینی را به هم زده.

مأمور سفارت گفت: شاید گروه سومی تلاش می کنند که راه سازش را ببندند.

گفتگوهای طولانی در مورد علل خشونت و اینکه درگیریها به خشم و کین افزوده بود و مانع راه حل سیاسی شده بود انجام گرفت.

۵ انتظام گفت: در حال حاضر مشکل این است که خمینی بختیار را به خاطر خونریزیها طرد و تکذیب خواهد کرد، علی رغم این، نهضت آزادی در صدد ملاقات با ژنرال مقدم و ژنرال قره باغی در روز ۲۹ ژانویه است تا تلاش خود را به منظور بازگشت خمینی به سلامت ادامه دهند.

مصاحبه مطبوعاتی بختیار در صبح روز ۲۹ ژانویه کمکی به وضع فعلی نکرد اما حداقل یادآور شد که فرودگاه باز است، انتظام شدیدا آمریکا را تحت فشار گذاشت تا از ارتش بخواهد که بر روی مردم آتش نگشایند و از روشهای دیگری برای کنترل جمعیت هرگاه که لازم باشد استفاده کند. این مسئله ممکن است امکان اصلاح اوضاع را افزایش دهد. حتی اگر چنین نیز باشد انتظام خوش بین نبود.

کارشناس سفارت بی پرده به انتظام گفت : که به نظر آمریکا جنبش اسلامی می بایست با ارتش و یا دیگران سازش می کرد که در غیر این صورت ممکن است آنها قربانی توطئه عده ای بشوند که به دنبال خشونت و آنارشیسم، نه آرامش بودند.

انتظام گفت : که مشکل می شود به بختیار اعتماد کرد. او در مورد آرامش ارتش قولش را حفظ نکرد.

مأمور سفارت گفت : دولت ایران احساس می کند که نهضت آزادی به قولش وفا نکرده است، چون خشونت و درگیری، دوباره اوج گرفته است.

مأمور سفارت و انتظام هر دو بر این مسئله که گروه سومی مسئله اعتماد را پیچیده و بغرنج می سازند توافق داشتند. ولی وضع خیلی حساس است و نباید بر گذشته ها تأکید کرد.

به هر جهت هر دو طرف می بایست به هر نحو شده ترتیب سلامت رسیدن خمینی را فراهم کنند.

۶ امیرانتظام گفت: این مسئله مهم است که خمینی به ایران آورده شود و افراد واسطه کنار گذاشته شوند. مأمور سفارت پرسید: که منظور اشخاصی که در پاریس هستند، می باشد؟ انتظام خیلی با دقت جواب داد یزدی خوب است و او (انتظام) مدت زیادی است که او را می شناسد. مأمور سفارت نسبت به بقیه همراهان خمینی نظر انتظام را خواست، و روشن است که او چیزی را نمی گفت مگر چیزهای خوب و بنابراین هیچ چیز نگفت. رهبران مذهبی داخل کشور و نهضت آزادی خیلی میانه روتر از گروه پاریس هستند، موقعیت مملکت را بهتر درک می کنند و احترام سالمتری برای توانایی های چپی های رادیکال دارند تا گروه پاریسی. مأمور سفارت نهضت آزادی را تشویق کرد که مناسبات را ترتیب دهد. انتظام گفت: او خودش مقام مسئول نهضت آزادی است که با بختیار مذاکره کرده است و مایل است که هرگاه ضرورت داشته باشد، مجددا آن کار را بکند. فعلاً نهضت آزادی فعالیتش را در ایجاد تفاهم با نیروهای امنیتی متمرکز کرده است. مذاکرات با این نتیجه که نهضت آزادی به تلاشهای خود برای رسیدن به توافق خواهد افزود و آنهایی که باعث در هم شکستن توافق می شوند، شناسایی خواهد کرد و آمریکا هم خواهان عدم خشونت در مقابله با مردم خواهد شد، پایان گرفت.

۷ نظریه: حوادث ۲۴ ساعت گذشته به روشنی گرفتاریهایی برای دو طرف به بار آورده است. اما

عامل تشویق کننده این است که آنها تمایل دارند که دوباره تلاش بکنند. بر اساس حرفهای دکتر میناچی سیاستمدار میانه رو میانجی گر، ارتش نشان داد که خواستار ملاقات می باشد لیکن آنها در هفته گذشته منزوی بوده اند. انتظام از اینکه ملاقات امنیتی جلو بیفتد راضی به نظر می رسید. اما درگیر مشکلات ناشی از برگردانیدن جریان توافق سیاسی به خط اصلی خودش است. او روشن ساخت که در تلاشهای اولیه اش با بختیار به توافق رسیده که بختیار به خمینی خوشامد گفته و استعفا دهد. خمینی موافقت کرده بود که بختیار دوباره انتخاب شود و کابینه خود را بالاخره تشکیل دهد. در توافق دوم بختیار پذیرفته است که بدون هیچ شرطی به پاریس برود که این بالاخره قابل پذیرش نشد. برنامه سناریو و مطلب بالا مطلوب به نظر می رسد، به جز اینکه خمینی به طور قطعی تصمیم گرفته که توافق اصلی اول را به هم بزند. (قبل از خشونت در جریانات ۲۹ ژانویه) از مذاکرات کاملاً روشن است که انتظام فکر می کند که همراهان پاریسی خمینی احتمالاً بعد از دریافت حقایق توافق اول را به هم زده اند. بر اساس حرفهای یک روزنامه نگار که در صبح روز ۲۹ ژانویه کنفرانس مطبوعاتی داشته، نخست وزیر از طرف خمینی یک موافقت نامه ای داشته که مسئله بالا را انکار می کند.میناچی احساس می کند که توافقنامه اول احتمالاً هنوز قابل اجرا است. اگر بختیار یک مقدار از سیاست خمینی به طور علنی تعریف بکند. وضع ما برگشته به همان اوضاع ۵ روز قبل، فقط با این تفاوت که مواضع قدری سخت تر و قاطع تر شده و به مردم نیز توهین شده است. سولیوان

برگشتن خمینی در انتظار تأیید ارفرانس

از : سفارت آمریکا تهران محرمانه ۱۵۱۴ ۳۰ ژانویه ۷۹ ۴/۱۱/۵۷

به : وزیر امور خارجه واشنگتن دی. سی. فوری

رونوشت : سفارت آمریکا پاریس

موضوع : برگشتن خمینی در انتظار تأیید ارفرانس

۱ تمام متن محرمانه است.

۲ مقام ارشد نهضت آزادی انتظام به مسئول سیاسی ساعت ۳۰،۱۳ به وقت محلی تلفن کرد که بگوید توافق با دولت انجام گرفته. تنها مانع ماندن خمینی تقبل ارفرانس در انجام پرواز مخصوص است انتظام اشاره کرد (صحیح) که فرودگاه تهران باز است و احتمالاً الان دولت ایران تأیید نهایی خودش را به ارفرانس می دهد. نهضت آزادی امیدوار بود که تائید نهایی بعد از ظهر یا عصر حاصل گردد خمینی با شنیدن تقبل، پاریس را شب ۳۰ ژانویه ترک می کند و ۳۱ ژانویه حدود ساعت ۳۰۸ به وقت تهران می رسد. برنامه ها کلاً همانهایی هستند که قبلاً برنامه ریزی شده بودند (مراجعه به تلگراف) خمینی وارد می شود کمیته منتخب از او استقبال می کنند بعد به بهشت زهرا از طریق شهیاد می رود (سخنرانی دارد) او بعد از سخنرانی در آرامگاه به محلش می رود تا ملاقاتیها را که علما و شاید نخست وزیر بختیار و کابینه او باشند ببیند او دو یا سه روز در تهران می ماند قبل از این که به قم برود.

۳ در ۳۰ ژانویه طی ملاقاتی با مسئول سیاسی دکتر میناچی اطلاعاتی راجع به معامله ای با دولت ایران که به برنامه های برگشت منجر می شد تبادل شد ژنرال مقدم (ساواک) و قره باغی (فرمانده قوا) با مهندس مهدی بازرگان و دکتر یداللّه سحابی رهبران ارشد نهضت آزادی شب ۲۹ ژانویه ملاقات کردند متأسفانه حجت الاسلام بهشتی و آیت اللّه رفسنجانی (که قرار بود بیایند) آنجا نبودند. آنها از غیبت عذرخواهی کرده و گفتند که در تحصن دانشگاه تهران در اعتراض به کشتارهای ارتش در ۲۸ و ۲۹ ژانویه

شرکت کرده اند (نظر : این در واقع دفعه دومی است که بهشتی از رو در رویی با رهبران اصلی ارتش سر باز زده. ولی ظاهرا قره باغی دستور دارد که معامله کند چون مشکلی پیش نیامده) هم مقدم هم بازرگان بعدا به میناچی گفته بودند که با وجود غیبت سران مذهبی ملاقات خیلی مفید بوده است. مردان ارتش و نهضت آزادی در تقسیم کار برای استقبال از خمینی به توافق رسیدند (ارتش باید از فرودگاه و جاده ای که به شهیاد منتهی می شد حفاظت کند و نهضت آزادی امنیت بعدش را به عهده داشته باشد) و گروه موافق بودند که ملاقاتهای دیگری هم در روزهای آینده مورد لزوم است. به قول میناچی افراد ارتش گفتند که با تغییرات سیاسی ضروری موافق هستند و ارتش در صورتی تغییرات اینها را قبول می کند که در چهارچوب قانون اساسی باشند.

۴ تحلیل و نظر : هم میناچی و هم انتظام مطمئن بودند که خطر اولیه برخورد بین ارتش و نهضت مسلمانان به اندازه قابل توجه ای کاهش پیدا کرده. هیچ کدام نمی توانستند اطمینان دهند که خمینی جمهوری اسلامی اعلام نکند و بدین ترتیب مقابله سیاسی را برانگیزد، ولی میناچی فکر می کرد خمینی با دیگر علما قبل از اعلام مواضع قاطع توافق کامل کرده است. انتظام گفت که بر خلاف توصیه نهضت آزادی خمینی تصمیم به برگشتن به ایران را گرفته بود. دلایل اصلی این تصمیم که خمینی شخصا به وسیله تلفن به بازرگان و انتظام گفته بود از این قرار است (و انتظام به سفارت گفته) :

الف احساس می شود که وجود خمینی برای کنترل تهدید رشد یابنده کمونیست (که نهضت آزادی

(تکرار) خیلی جدی می بیند) لازم می باشد.

ب لزوم برای رهبری شخصی تا راه حل مناسب را انجام دهد و مقابله با ارتش را، به حداقل برساند.

ج معتقد است اگر مقابله پیش آید وجود او تضمین می کند که افراد ارتش به شکل جمعی دولت را تنها بگذارند و بدین ترتیب مرحله خشونت بار انقلاب به حداقل می رسد. به نظر ما اگر خمینی بدین ترتیب وارد ایران شود، آماده است که با وضع آن طور که هست برخورد کند و با مسایل بر اساس احساسی که در هنگام ورود دارد برخورد کند. به قول انتظام او خشونت نمی خواهد ولی پیروزی می خواهد. این احتمال وجود دارد که در غیاب فشارهای قوی بر علیه اش، او تمایل غیرقابل پیشگیری برای اعلام دولت اسلامی و پاک کردن بقایای رژیم سابق داشته باشد. بهترین امید در تقلیل خشونت ظاهرا نهضت آزادی است و رهبران مذهبی میانه رو که سعی دارند خمینی را متقاعد کنند که موقع ورود زیاد سخت نگیرد. این می تواند یک راه حل باشد.

خمینی بازمی گردد و برخورد ظاهرا به تعویق افتاده است

از : سفارت آمریکا در تهران گزارش : استمپل ۱/۳۱/۷۹

به : وزیر امور خارجه آمریکا محرمانه تهران ۱۰۱۵۴۷/۱۱/۵۷

موضوع : خمینی بازمی گردد و برخورد ظاهرا به تعویق افتاده است.

۱ تمام متن محرمانه است.

۲ خلاصه : ورود خمینی قطعی است. آیت اللّه موافقت کرده است که قبل از درگیری با بختیار مشورت شود. در مورد تدارک امنیت ورود خمینی موافقت شده ولی راجع به جزئیات و ادامه امنیت برای خمینی و همراهانش باید راهی پیدا شود، آخر خلاصه.

۳ دکتر میناچی روز سی و یکم ژانویه به وابسته سیاسی اطلاع داد که برنامه ورود خمینی تنظیم شده است. ملاقات دوم سران نهضت آزادی ایران و ژنرال قره باغی و مقدم عصر سی ام ژانویه جهت آماده کردن بقیه مسایل امنیتی و حفاظتی برقرار شده است. این ملاقات موفقیت آمیز بود. (میناچی قول داد که توضیح بیشتری در ملاقات ظهر بدهد.)

۴ در ضمن گفتگوی تلفنی عصر سی ام ژانویه که میناچی حضور داشت آیت اللّه خمینی شخصا اطرافیانش را در تهران مطمئن ساخت که قبل از اعلام شورای انقلاب و یا دولت با آنها مشورت کند. رهبران مذهبی و نهضت آزادی (انتظام) عقیده دارند که مذاکرات از برخورد (با دولت بختیار) در موقع ورود جلوگیری خواهد کرد (نظریه : آسودگی آشکار آنها با توجه به ورود طوری بود که بسیاری از نگرانیها را می پوشاند) میناچی و امیرانتظام مانند بقیه مطمئن بودند که این توافق ها مواضع آنها را به قدر کافی معتدل خواهد کرد تا توافق با نخست وزیر و ارتش را ممکن سازد، ما کوششهای خودمان را ادامه خواهیم داد ولی مشخصا تصمیم خمینی مبنی بر مشورت با دوستانش قبل از درگیری با بختیار قدم مهمی در جهت مثبت است.

۵ میناچی و منبع دیگری از اطرافیان بازرگان که عصر روز سی ام ژانویه با انگلیسیها صحبت کرد و گفت که باقی مانده مسایل امنیتی راجع به ورود خمینی که تاکنون لاینحل مانده قرار است در جلسه آینده با سران نهضت آزادی و ارتش بررسی شود. جلسه در طی دو روز آینده است.سولیوان

جناب آقای امیرانتظام معاون

ص: ۵۱۹

تهران ایران

جناب آقای امیرانتظام معاون تاریخ :۱۳ مارس ۱۹۷۹

نخست وزیر ایران تهران محرمانه

عالیجناب:

پس از رفتن پرسنل آمریکایی از پادگان نیروی هوایی ایران در کپکان، من و شما اهمیت حفظ تمامیت تجهیزات آن موضع و موضع مشابه در پادگان نیروی هوایی در بهشهر را مورد بحث قرار دادیم.

در تعقیب این موضوع، سرتیپ زلالی بازرسی کل نیروی هوایی ایران اخیرا از وابسته هوایی ما سرهنگ شیفر درخواست نمود برآوردی از نوع پرسنل حفاظتی که باید موضع و تجهیزات همراه آن را در وضع قابل استفاده نگاه دارند به وی ارائه دهد. سرهنگ شیفر این اطلاعات را به بازرسی کل تسلیم نمود. همچنین اشاره نمود که دولت ایالات متحده حاضر است همچنان حقوق این پرسنل را بپردازد تا زمانی فرا برسد که دولت ایران تصمیم بگیرد چه اقدامی در رابطه با این دو موضع اتخاذ کند.

تیمسار زلالی پس از مطالعه این اطلاعات و در میان گذاشتن آن با تیمسار ایمانیان، فرمانده نیروی هوایی ایران، پیشنهاد نمود که این سفارت شما را از مشکلاتی که نیروی هوایی ایران در اقدام به حفظ امنیت و تمامیت این دو موضع مواجه شده است آگاه سازیم. او درخواست نمود که شما اقدام مقتضی برای امکان پذیر ساختن انجام مسئولیتهای نیروی هوایی در این رابطه اتخاذ کنید.

اساس مشکلات مربوط می شود به ناتوانی نیروی هوایی ایران به اعمال تسلط بر دو پادگان خود زیرا کمیته های محلی که دو موضع را تصرف کرده اند در امور دخالت می ورزند. در بهشهر ستوان صفازاده فرمانده مأمور از نیروی هوایی گزارش می دهد که نیروی حفاظتی وی به تحلیل رفته و چپاولگری شروع شده است. در کپکان، تیمسار زلالی قادر به ارتباط با سروان محمدی که آخرین فرمانده منصوب در

آنجاست نبوده است.

اعتقاد بر این است که اگر شما مدارکی برای تیمسار زلالی تهیه کنید که مؤید اختیار وی به نظارت بر مواضع باشد مشکل وی می تواند رفع شود. با داشتن این مدارك می تواند تیم های نیروی هوایی ایران را به بازدید مواضع بفرستد تا اقدامات حفاظتی لازم را ترتیب دهند. در همان زمان، وابسته هوایی ما می تواند ترتیب تصویب هزینه حقوقی غیرنظامیان ایرانی را که عهده دار کار نگهداری تجهیزات هستند بدهد و سیستمی برای ادامه قابلیت استفاده از مواضع برپا کند.

اگر شما با این پیشنهاد موافقت دارید لطفا مستقیما با نیروی هوایی ایران تماس حاصل کنید و مرا از هر اقدامی که می خواهید وابسته نظامی ما در این زمینه انجام دهد مطلع فرمائید.

با عرض ارادت

ویلیام اچ. سولیوان سفیر

سفر به کپکان

سری. غیر قابل رویت برای خارجیان ۱۱/۱۲/۵۷ (DAO) دفتر وابسته دفاعی DATT: شیفر : تی. اکی

سرهنگ نیروی هوایی آمریکا AAIRA: جانسون راچ، اف سروان نیروی هوایی آمریکا

موضوع : سفر به کپکان

۱ گزارش اطلاعاتی (DAO) دوم مارس ۱۹۷۹ جمعه، ۱۱ اسفند

خلاصه : در تاریخ ۲۷ فوریه DATTو AAIRA به وسیله یک هواپیمای C/۱۳۰متعلق به نیروی هوایی اسلامی ایران (NIIAF) به ایستگاه هوایی رادار شمالی واقع در کپکان (۴۴ و ۵۸ و ۳۶۱۶ مختصات جغرافیایی منطقه است مترجم) برای آزاد نمودن ۲۲ تکنسین مخابرات آمریکا که در محل مانده بودند عزیمت نمودند. به ضمیمه گزارش مربوطه و حوادث روزانه به انضمام توقفها در مهرآباد است.

اولین دیدار از مرکز مخابرات و مؤثر ۰۲۰۰

بازگشت به سفارت از مهرآباد.

۱ تا ۲۱ حذف شده (منظور مواد ۱ تا ۲۱ است که در صفحه اول دیده می شود)

۲۲ متن کامل : S/NO FORN سری غیرقابل رویت برای افراد خارجی) صبح زود ۲۷ فوریه ۱۹۷۹ DATTو AAIRA در سفارت با دو نفر از کارمندان امیرانتظام معاون نخست وزیر ملاقات نمودند. ما همراه با گارد مجاهدین و دو نفر عضو دفتر امیرانتظام آقایان سرمدی و نادر زاگر با ماشین به طرف فرودگاه راه افتادیم. تا هنگام ورود به قسمت نظامی فرودگاه اتفاقی نیفتاد. در آنجا جلوی ما را گرفتند و خواستار ارائه مدارک شدند. اهمیت نامه امیرانتظام بستگی به نظر بازرس داشت هر ایستگاه بازرسی به نظر می رسید که واحدی کاملاً مستقل است و هر کدام در اختیار یک ایرانی که عبور کنندگان را بازرسی نماید همه رئیس و مسئول بودند و همه باید تأییدیه صادر می کردند. از در اصلی تا کمیته پایگاه نظامی راه کوتاهی بود (کمیته گروهی محلی شامل یک ملا و چندین عضو از محل و وسائلی) که می بایست دوباره به

ما اجازه عبور دهد. بعد فعالیتهای پایگاه. پایگاه به طور نامنظمی مشغول به کار بود به ما گفتند که قسمت پرواز در اعتصاب است. ما یک تأییدیه دیگری از کمیته بزرگتری لازم داشتیم و یک دستور برای پرواز C ۱۳۰ از سرپرست خلبانان. در اینجا خلبانان نوبتشان بود که تصمیم بگیرند که پرواز کنند یا نه. همان طوری که قبلاً نیز توضیح داده شد در انقلاب مردم آزادند هر طوری که دلشان می خواهد تصمیم بگیرند یک افسر نیروی هوایی به DATT گفت که قبل از انقلاب آنان فقط باید دستورات را انجام می دادند ولی حالا می توانند تصمیم بگیرند که آیا پرواز لازم و خوبی است یا نه.

به هر حال فرهنگ ایرانی سرنوشت ما را تغییر داد. همان طور که DATT و آقای نادر زاگر دنبال تأییدیه از کمیته بودند اتفاقا با رئیس جدید نیروی هوایی تیمسار اصغر ایمانیان که یک جلسه با بعضی از همافران و افسران ارشد داشت، با نادر زاگر همکلاس بود برخورد کردند نتیجتا پرواز فورا تأیید شد و این بدان معنا بود که ما می توانیم بعد از ۴ ساعت اقامت در پایگاه نیروی هوایی پرواز نماییم. قبل از پرواز ما می بایست با سربازان مردمی ناهار بخوریم. نهار برخلاف دفعات گذشته که خیلی تشریفاتی بود شامل لوبیا پلو و نون لواش محلی بود. مسئله مهم درباره ناهار این بود که افسران آماده به خدمتها، همافران و دیپلماتها همه از یک ظرف و با هم غذا می خوردند. چیزی که قبلاً تصور آن نمی شد ۲ تن از ستوانهای نیروی هوایی به AAIRA گفتند که آنها امشب پاس هستند و واقعا هم در ساعت ۲ صبح سر پاس خودشان بودند. B حدود ساعت ۱۳ ما به قسمت پرواز به دنبال هواپیمای خودمان می گشتیم هیچ کس شماره

هواپیما را نمی دانست تا این که یکی از اعضاء گروه پروازمان را دیدیم او شماره هواپیما را می دانست، وقتی که به هواپیما رسیدیم به یک خلبان و رئیس پرواز ضدآمریکایی برخورد کردیم. بعد از یک بحث داغ با افراد نخست وزیری و گاردهای ما، او به اکراه راضی شد که ما را ببرد. بعد از یک آزمایش زمینی برای تعمیر، هواپیمای دیگری پیدا شد و بالاخره به کپکان پرواز نمودیم که پرواز بدون حادثه سپری شد. خلبان در حقیقت خیلی ماهر و حرفه ای بود اگر سرسخت نمی بود، رسیدن به فرودگاه مثل هر حادثه آن روز بود. ما را در نگهبانی تا تأیید اوراقمان نگه داشتند، با وجود این که ما ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال پول همراه داشتیم خیلی زود اوراق ما را تأیید نمودند. رفتن به اردوگاه هم بدون حادثه ای برگزار شد.

دو تا دهکده گلی و بدون برق و تعداد زیادی مردم که آمده بودند تازه واردها را ببینند تمام جریانی بود که در مسیر دیدم. در اردوگاه دوباره ما را تحت نظر گرفتند و محلیهایی که منتظر حقوقشان بودند ما را نگاه می کردند تقریبا ۵ روز قبل تکنسینهای آمریکایی را گروگان گرفته بودند و گفته بودند که دستگاه را خاموش کنند. تا قبل از آمدن گروهها و سربازان و نیروهای خمینی با آنها بدرفتاری می شده (وسایل شخصی آنها دزدیده شده) این سربازان از پادگان مشهد آمده بودند. سربازان مشهدی از آمریکاییها به خوبی نگهداری می کردند و فقط آنها را نگه داشته بودند تا این که حقوقها و حسابها پرداخت شود پرداختن حسابها حدود ۵ ساعت به طول انجامید. نکته جالب توجه این که ستوان مسئول سربازان مشهد ادعا می کرد که از افراد PLOبوده و همراه یاسر عرفات می جنگیده. سربازان محلی از افراد مشهدی می ترسیدند. C حدود ساعت ۲۲ تمام آمریکاییها آزاده شده و به DAO رفتند. پرواز ساعت ۲۳ در شب در ارتفاع ۳۹۰۰ پایی از بین دو رشته کوه صورت گرفت. خدمه خلبان نیروی هوایی اسلامی ایران کارشان را واقعا عالی انجام دادند ما به مهرآباد بازگشتیم و دوباره تحت نظر قرار گرفتیم مسئله این که با این ۲۴ آمریکایی چه باید کرد مطرح شد ساعتها در این مورد مذاکره صورت گرفت تا این که تصمیم گرفتند ما را به

کمیته مرکزی خمینی در تهران بفرستند. به هر حال دوباره رسم و رسومات ایران به داد ما رسید. یک سرهنگ مجاهدین را که به سفارت در روز ۱۴ فوریه کمک نمود در آنجا دیدیم و به ما کمک کرد که به عوض کمیته به سفارت برگردیم. هنگام بازگشت گویا از سرزمین متروک عبور می کردیم. چندین بار جلوی ما را گرفتند و اتوبوس به وسیله افراد کاملاً مسلح محاصره گردید و تفنگها را به ما نشانه رفتند تا این که صحت مدارکمان ثابت گردید. حدود ساعت ۳۰/۲ بود که ما بالاخره سالم به سفارت رسیدیم.

D زمانی که ما در مهرآباد بودیم DATT، سرهنگ همایون معاون فرماندهی سابق یک بخش حمل و نقل و سرهنگ حسینی را دید، مقام جدید آنها را نتوانست بفهمد. DATT همچنین تیمسار ایمانیان را در مرکز حمل و نقل یکم در لباس شخصی دید ولی اجازه ندادند با او صحبت کند.

توضیح و تفسیر مسئولان : سفر روشنگرانه ای بود و همان طوری که گزارش شد در هیچ قسمت کنترل مرکزی وجود ندارد و هر قسمت بازرسی به تنهایی کار می کند و زیر نظر فرمانده خودش است. کارها صورت می گیرد ولی خیلی پراکنده است. حرکت کند است ولی چرخها می چرخند همافران مسئول بعضی قسمتها شده اند و چند مورد مشاهده شده که افسران زیر دست همافران کار می کنند. پایگاه در کپکان زیر نظر ستوان جاعل (JALL) از مشهد بود. بدون دوستی نزدیکی که بین تیمسار ایمانیان و افراد نخست وزیری بود به احتمال زیاد گروه نمی توانست پرواز کند.

اوضاع در آذربایجان

شماره سند ۳۱۶۷

از: سفارت آمریکا تهران انتشار محدود ۲۲ مارس ۷۹ سرّی

به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی. فوری

ارجاع به: تهران ۳۱۵۲

موضوع: اوضاع در آذربایجان

۱ سرّی تمام متن

۲ در ۲۱ مارس به انتظام معاون نخست وزیر اظهار داشتم که من از یک دوست ایرانی چیزهایی درباره تشکیل کمیته های خود مختاری در آذربایجان شنیده بودم. انتظام گفت: وی هم اطلاعات مشابهی داشت و از مضامین آن برآشفته بود.

۳ به هر حال موقعی که از سفیر ترکیه پرسیدم که آیا چنین گزارشاتی دریافت داشته است؟ عقیده وی این بود که اطلاعات غلو شده است. او احساس می کرد آذربایجانیها باید از بازرگان راضی باشند. زیرا او یکی از خودشان است.

سولیوان

ملاقات با معاون نخست وزیر «امیرانتظام»

از: سفارت آمریکا در تهران تاریخ ۹ آوریل ۷۹ ۲۰ فروردین ۵۸ محرمانه

به: وزیر خارجه واشنگتن

تهیه شده: توسط ناس

موضوع: ملاقات با معاون نخست وزیر «امیرانتظام»

۱ تمام متن محرمانه است.

۲ دو روز پیش (۷ آوریل)، برای عرض ادب با امیرانتظام معاون نخست وزیر، یک ملاقات داشتم. او را مطلع ساختم که بر مبنای ملاقات اخیر وزیر (آمریکایی) و کاردار جدید ایران در واشنگتن و همچنین مکالمه های اخیر من در وزارتخانه، ایالات متحده علاقه مند است روابط خود را با ایران به حالت عادی برگرداند و من نیز متذکر شدم که علیرغم تغییرات انقلابی که در ایران به وقوع پیوسته، منافع مشترک می تواند پایه های روابط خوبی در آینده باشد. استقلال، ثبات، تمامیت ارضی و پیشرفت اقتصادی ایران برای ما دارای اهمیت شایانی است.

۳ همچنین به او گفتم به خاطر برخی دلایل، از زمان انقلاب تا کنون روابط ما در سطح پایین و محدودی بوده است. مهمترین این دلایل این بوده که آبروریزی و مشکل و دردسری در روند روزمره دولت جدید پیش نیاید. من متذکر شدم که در این دوره مسئولیتم از ارائه نظریاتی که او و دیگران در مورد گامهایی که هر دو طرف در جهت عادی کردن روابط می توانند بردارند، قدردانی کنم. و نیز پیشنهاد کردم که گفتگوهای بی پرده ای در اینجا و در واشنگتن داشته باشیم و اجازه ندهیم که سوءظنها عمیق تر شود. برای نمونه به تبلیغاتی اشاره کردم که شوروی در سراسر ایران براه انداخته و در آن آمریکا را متهم به دخالت در کردستان و ترکمن صحرا نموده است و مطبوعات ایران نیز این تبلیغات را تکرار می کنند. آیت اللّه خمینی خود نیز اخیراً گفته که عوامل آمریکا مسئول ناآرامیها در این دو ناحیه هستند.

من از او خواستم که به آیت اللّه اطمینان بدهند که علاقه اصلی آمریکا به استقلال و تمامیت ارضی ایران است و اینکه در حال حاضر و در آینده عملی در جهت بی ثباتی ایران انجام نخواهیم داد.

۴ امیرانتظام گفت که دولت وی نیز همچنان خواهان روابط خوبی با آمریکاست و در عین حال خواهان روابط خوبی با سایر کشورها می باشد. او متذکر شد که بازرگان اخیراً این تمایل را به طور علنی اظهار داشته است. او گفت در عین حال ایالات متحده باید این را درک کند که در طول ۲۵ سال، دولت آمریکا وابستگی نزدیکی با رژیم سلطنتی سابق داشته و در سال ۱۹۵۳ (۱۳۳۲) علیرغم خواست مردم، شاه را به قدرت رساند. به همین دلیل این موضوع قابل درک است که احساسات ضد آمریکایی در ایران شدید و گسترده باشد و عادی کردن روابط می بایست با دقت صورت گیرد. او از اطمینان خاطری که آمریکا در مورد درگیر نبودن در حوادث ناراحت کننده داد، سپاسگزاری نمود و اظهار امیدواری کرد که این موضوع حقیقت داشته باشد.

۵ در مورد مسایل دیگری که با معاون نخست وزیر مورد بحث قرار گرفت، به طور جداگانه گزارش خواهد شد.

ناس

دستگیری کارمند محلی آژانس ارتباطات بین المللی

شماره سند ۳۶۷۴

سیاسی: لمبراکیس سفارت آمریکا تهران محرمانه

وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی. فوری

آژانس ارتباطات بین المللی واشنگتن دی سی. فوری

موضوع: دستگیری کارمند محلی آژانس ارتباطات بین المللی

۱ (محرمانه و تمام متن)

۲ در ملاقات با امیرانتظام معاون نخست وزیر در ۷ آوریل، کاردار مسئله دستگیری دکتر رضا امینی، کارمند آژانس ارتباطات بین الملل را مطرح نمود و او گفت: در این دستگیری بعضی ایرانیان دیگر که برای بنگاههای آمریکایی کار می کنند جریان معینی احساس می شود.

۳ انتظام از دیگر دستگیریهای مذکور بی اطلاع بود (کارکنان ایرانی AIU و موتور لا، تلکسی جداگانه)؛ اما گفت از قضیه امینی مطلع بود. اطلاعات مشخصی دریافت شده بود که امینی و پنج تن دیگر برای توطئه علیه انقلاب گرد هم جمع شده بودند. این اتهامات تحت بررسی قرار دارند. امیرانتظام گفت هیچ جریان ضد آمریکایی منظور نیست.

۴ کاردار گفت از اینکه می شنود چنین جریانی نبوده احساس آسودگی می کند اما متشکر خواهد بود اگر گزارشات بیشتری در مورد قضیه امینی و همچنین دیگران دریافت کند. امیرانتظام گفت: هرگاه که بتواند چنین خواهد کرد.

۵ کاردار گفت امینی مدت ۳۰ سال برای سفارت آمریکا (USIS) کار کرده است. او آنچه را که برای یک مشاور عالی معمول است انجام می دهد. کاردار مطمئن بود که چنین شغلی در سفارت ایران در واشنگتن نیز وجود داشته است. یک سال است که او دکتر امینی را می شناسد و صحت چنین اتهاماتی را

نسبت به او مشکل می داند. مشاور سیاسی هم که حضور داشت عقیده شخصی خود را اظهار داشت که آن اتهامات اشتباهاً وارد شده اند. دکتر امینی به عنوان مشاور عالی سفارت آمریکا باید وقایع سیاسی اخبار دنیا را مورد بحث قرار دهد؛ او شخصی که توطئه بچیند نیست. انتظام سر تکان داد و یادداشت برداشت ولی هیچ نظر بیشتری ابراز نداشت.

۶ اظهارنظر : می ترسیم که این قضیه بیرون از حوزه نفوذ انتظام باشد. کاردار درخواست ملاقات هرچه زودتر با یزدی، معاون نخست وزیر نموده است. وی بیشتر در امور کمیته ها وارد است. مشاور سیاسی همچنین ترتیب ملاقات دیگری با دکتر بهشتی یار خمینی برای جمعه آینده (۱۳ آوریل) داده است. در آن روز قضیه دوباره مطرح می شود. البته اگر امینی تا آن موقع تحت بازداشت باشد.

ناس

ملاقات با امیرانتظام معاون نخست وزیر درباره موارد زیر

از: سفارت آمریکا در تهران ۱۶ آوریل ۷۹محرمانه

به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی. تهران ۳۹۷۱ ۲۷/۱/۵۸

گزارشگر: استمپل STEMPEL

موضوع: ملاقات با امیرانتظام معاون نخست وزیر درباره موارد زیر:

۱ گرفتن و خرید لوازم یدکی هلی کوپتر از آمریکا

۲ ترتیب انتقال ۸ میلیون دلار لوازم یدکی که در فرودگاه دالاس می باشد

۳ مراقبت و حفاظت انجمن ایران و آمریکا

۱ متن تماماً محرمانه است.

۲ خلاصه: انتظام اقرار کرده که حکومت مشکلات داخلی دارد و به ما و دیگران شدیداً توصیه کرد که دخالت نکنیم. او گفت بررسی قراردادهای آمریکا تا دو هفته دیگر تمام خواهد شد. اشاره کرد که نیروی هوایی عملاً قطعات یدکی هلیکوپتر ندارد. تعویضها مشکل هستند چون در آمریکا اشکالاتی هست. او از هشت میلیون دلار قطعات یدکی دولت ایران که در تگزاس مانده یاد کرد. نسبت به حمله کمیته به انجمن ایران و آمریکا موضع غیر مشخص گرفت. (خلاصه تمام).

۳ کاردار و رئیس فعال قسمت سیاسی روز ۱۵ آوریل با معاون نخست وزیر، انتظام، تماس گرفت تا مشکلات کوچکی را بحث کنند. مسایل زیر مطرح گردید:

۴ انتظام اشاره کرد که شورای انقلاب تصمیمات سیاسی کلی را می گیرد ولی به تلاشهای مسئولین سفارت تسلیم نشد و اسامی اعضاء را نگفت او گفت که اطلاعات هنوز محرمانه هستند. وقتی کاردار از او در مورد وضع انقلاب جویا شد، انتظام بحث را به قراردادهای آمریکا منحرف کرد و گفت وزیر دفاع، ژنرال ریاحی، رئیس کمیته ارزیابی تهدیدات نیروهای مسلح دولت ایران و بررسی قراردادهاست. انتظام

گفت: ارزیابی باید تا یک یا دو هفته دیگر تمام شود. آن وقت می تواند بیشتر در مورد روابط آمریکا و ایران و آینده قراردادها صحبت کند. در ضمن دولت ایران یک «مشکلات داخلی» دارد و انتظام گفته امیدوار است آمریکا دخالتی نداشته باشد. دولت ایران دخالت قدرتهای خارجی را نمی خواهد.

کاردار این حرفهای قالبی و دیکته شده را قطع کرد (شاید به خاطر افراد دیگر ایرانی که گوشه اتاق کتاب می خواندند) و قاطعانه گفت: که آمریکا دخالتی نداشته و ندارد؛ و بعد صحبت کم کم از حالت اعلام مواضع رسمی درآمد. انتظام گفت که او و نخست وزیر بازرگان با روسها ملاقات کرده اند و همچنین انگلیسیها و چینیها و بر سیاستهای مستقل ایران تأکید کرده و گفته است که ایران می خواهد که خودش تصمیم بگیرد. (مسئولین سفارت کمی در مورد افرادی که شایعه پراکنی می کنند و روابط خوب بین ایران و آمریکا را بهم می ریزند صحبت کردند و انتظام هم با سر تأیید کرد.)

۵ انتظام بعد گفت که دولت ایران این مشکل واقعی را دارد: هلی کوپترهایش قطعات یدکی ندارند و آمریکا بیش از ۶۱ نیازهای ایران را تأمین نمی کند. کاردار جواب داد که گویا این مسئله در ارتباط با حکم منع صدور محمولات بهرینگ به ایران است. کاردار گفت که دولت ایران در این دادگاه نماینده ای نداشت ولی اگر نماینده می بود، احتمالاً دستور منع صدور را صادر نمی کردند. کاردار فکر می کرد که یک توافقی در جریان باشد. ولی به دولت توصیه کرد که یک وکیل خوب بگیرد تا در چنین مسایل پیچیده ای مربوط به قراردادها مشورت کنند تا این طور مسایل پیش نیاید.

۶ انتظام بعد گفت که دولت ایران کشف کرده که حدود ۸ میلیون دلار قطعات یدکی در فرودگاه دالاس دارد و نیروی هوایی ایران یازده «هواپیمای ۷۴۷» دارد که می تواند آنان را به دنبال وسائل به آمریکا بفرستد. کاردار پیشنهاد کرد که اگر مشکلی پیش آمد ارتش ایران این مسئله را با دفتر MAGG (مستشاری نظامی) در سفارت هماهنگ کنند.

۷ انتظام تأکید کرد که مشکلات آمریکا هنوز اساساً در محدوده کار معاون نخست وزیری یزدی هستند؛ ولی داوطلب شد که در مورد جریان فردی از کمیته محل وارد انجمن فرهنگی ایران و آمریکا "TAS"شده و گفته دانشجویان اعتراض کرده اند که قیمت کلاسهای انگلیسی که الآن ثبت نام می شوند خیلی گران می باشد و دستور داده که آنها را پایین بیاورند. این فرد آزادانه از انتظام یاد کرده بود (این مسلماً انتظام را خیلی آزار داد. «آنها حق نداشتند که چنین کاری را بکنند».) او از مسئولین "TAS"خواست تا اسم، آدرس و شماره تلفن هر کسی را که سعی کرد در امور "TAS"دخالت کند به دفتر او گزارش کنند (تا در آینده اگر مشکلی پیش آمد).

ناس

رضا امینی «۱۷ اردیبهشت»

ص: ۵۲۷

شماره : ۴۶۷۷

از: سفارت آمریکا در تهران

به: وزیر امور خارجه واشنگتن دی. سی. فوری

موضوع: رضا امینی «۱۷ اردیبهشت»

۱ محرمانه. تمام متن یک گزارش خبری است.

۲ آخر ملاقات با نخست وزیر بازرگان (معاون، امیرانتظام و مشاور سیاسی فعال، استمپل هم حاضر بودند) من مسئله رضا امینی را پیش کشیدم و به طور مختصر اعتماد کاملمان را نسبت به او شرح دادم. امیرانتظام برگشت به طرف نخست وزیر و به فارسی گفت: «این همان مسئله ای است که گفته بودند و ما داریم روی آن کار می کنیم.» بدون دستوراتی از نخست وزیر، امیرانتظام به من گفت ما این مسئله را به شورای انقلاب رد می کنیم و توقع داریم به زودی کاری انجام دهند.

۳ یک منبع نزدیک به تشکیلات کمیته ها به مشاور سیاسی فعال در ۴ و ۶ ماه می گفت که معتقد است الآن راه برای کار مساعد روی مسئله امینی باز است. ما امیدواریم این طور باشد.

تقاضای دولت موقت جهت اطلاعاتی درباره فعالیتهای خرابکار

ص: ۵۲۸

سند : ۱۰

از: سفارت در تهران ۲۷ می ۱۹۷۹ (۶/۳/۵۸)سرّی

به: واشنگتن فوری شماره: ۵۴۹۱

گزارشگر: TOMSETHتامست

موضوع: تقاضای دولت موقت جهت اطلاعاتی درباره فعالیتهای خرابکار.

۱ تمام موضوع سرّی است. کسب تکلیف می شود.

۲ در ملاقات کاردار با انتظام یک بار دیگر علاقه دولت ایران به مبادله اطلاعات ابراز گردید.

همانطوری که به یاد دارید ما قبلاً به او متنی در مورد افغانستان دادیم.

در ملاقات ۲۴ می، انتظام گفته بود که این اطلاعات مفید واقع شده ولی دولت موقت بیشتر به ناآرامیهایی که امنیت داخلی را به خطر می اندازد، علاقه دارد. در ملاقات ۲۶ می، افزود که دولت موقت نگران مداخله عراقیها در خوزستان و فعالیت فلسطینیها و لیبیاییهاست.

انتظام گفت که دولت موقت اطلاع یافته است که جرج حبش اخیراً از چند منطقه خلیج فارس دیدن کرده است و شاید یکی از دلایل این سفر ایجاد ناراحتی برای ایران بوده است. (او افزود که دفتر فلسطین در اهواز موجب نگرانی دولت موقت شده است و سپس با جنبانیدن سر گفت که متأسفانه دولت هیچ کاری درباره این دفتر نمی تواند بکند، چرا که باز شدن این دفتر با تمایل خمینی انجام شده است.)

۳ کاردار به انتظام گفت که نظر صادقانه اش این است که مسئله حفاظت از اطلاعات امینی که به دولت موقت داده می شود، از اهمیت ویژه برخوردار است. انتظام به سرعت پاسخ داد که اطلاعات درباره افغانستان فقط به بازرگان گفته شده و پس از آن سندش نابود شده است. (نظریه: ما فکر می کنیم که این اطلاعات در یک سطح نسبتاً وسیعتری پخش شده، در صحبت کاردار با یزدی به نظر می رسید که مشارالیه

نیز از موضوع باخبر است.) کاردار به انتظام گفت که من در مورد امکان تبادلات خبری بررسی می کنم تا اگر ممکن بود هرگونه اطلاعات که در مورد فعالیتهای مذکور داشته باشیم به شما بدهم.

۴ کسب تکلیف: اگر وزارت قبول کند که خطر مبادله اطلاعات درباره فعالیتهای خرابکاری فلسطین، لیبی و عراق به امکان روابط و همکاری نزدیک با دولت ایران می ارزد و لذا سند این اطلاعات جهت دادن به انتظام را درخواست کنید.

ناس

دریافت اطلاعات درباره خرابکاری لیبی

۳ ژوئن ۱۹۷۹ ۱۳/۳/۵۸ تهرانسرّی

از: سفارت آمریکا در تریپولی لیبی

به: وزیر امور خارجه آمریکا واشنگتن دی. سی.

موضوع: دریافت اطلاعات درباره خرابکاری لیبی

دریافت نسخه ای از هر گونه گزارشی که درباره فعالیتهای خرابکاری لیبی در ایران که برای ارائه کردن به انتظام تهیه شده، باعث تشکر و قدردانی خواهد بود. از آنجا که به نظر می رسد مسئله لیبی، احتمالاً در مذاکراتی که در تهران با انتظام در پیش است، مطرح خواهد شد، دریافت نظریات معاون نخست وزیر (DEP - PM) در مورد مسافرت جلّود به ایران و توضیحات لیبی در مورد وضعیت امام موسی صدر موجب امتنان و سپاس خواهد شد.

بلوکر

از: سفارت آمریکا در تهران تهران ۶۳۷۹ ۱۹ ژوئن ۷۹ ۲۹ خرداد ۵۸ محرمانه

به: وزارت امور خارجه آمریکا، فوری

مرجع ۱۵۳۳۱۶

موضوع: روابط ایران و آمریکا

۱ متن تلگراف خبری کاملاً محرمانه است.

۲ خلاصه: در مراسم خداحافظی انتظام، معاون نخست وزیر، جریان جاری روابط ایران و آمریکا را بررسی کردیم. او تمایلات دولت را برای عادی کردن روابط اعلام داشت. ولی ظاهراً از موانعی که تشکیلات موازی دولت در دولت در این راه پیش آورده بودند، خیلی ناراضی بود. (پایان خلاصه).

۳ همراه با مشاور سیاسی (POLCOUNS) در ۱۸ ژوئن یک نشست خداحافظی با امیرانتظام برگزار کردم. من مطالب مندرج در تلگراف مرجع را برای او آماده کردم (او قبلاً آن را درخواست کرده بود).

او به دقت توجه کرد و گفت این مطالب در کنفرانس مطبوعاتی که قرار است در چند روز آینده برگزار کند سودمند خواهد بود. او همچنین گفت که در نظر دارد علاقه دولت ایران را برای داشتن یک رابطه خوب با آمریکا بازگو کند. او اضافه کرد که خودش و بقیه همکارانش در دولت، امید پیشرفت روابط بین دو کشور را دارند. هر چند که عقیده دارند که این امر مدتی طول خواهد کشید. او گفت این امر ممکن است هفته ها و یا حتی ماهها به طول بینجامد ولی ما می دانیم که منافع مشترک خیلی زیادی داریم.

من جواب دادم که ما حداکثر سعی خویش را خواهیم نمود که با توجه به اینکه ما اختلاف عمده ای در خط مشی نداریم، جریان را عادی کنیم. من همچنین خاطر نشان کردم که نقطه نظرهای مشروعی وجود دارد که قابلیت انعطاف ما را در موضوعاتی مانند قراردادها محدود می کند. به هر حال من او را به حسن نیت خودمان مطمئن ساختم.

۴ بحث کوتاهی راجع به حملات مطبوعات به عمل آمد. انتظام در انتها اظهار داشت که نگرانی شدید او از بابت روابط دولت ایران با دولت ایالات متحده است، نه از بابت مطبوعات که ممکن است برای پول درآوردن مسایلی را بنویسند. در این باره او از من راجع به طرحهایمان برای سفیر سؤال کرد و من با صراحت جواب گفتم که عدم قبول کاتلر (CUTLER)به عنوان سفیر از طرف دولت ایران مسایلی را در واشنگتن به وجود آورده که فعلاً باید حل شوند. بنابراین متأسفانه امکان جایگزینی فوری برای وی وجود ندارد. در هر صورت من اضافه کردم که انتصاب و تأیید آن، جریانی نسبتاً طولانی است. لذا دولت ایران باید صبور باشد و بیان داشتم که نباید انتظار پیشرفت مهمی تا پاییز داشته باشد. در حالی که به وضوح تمایلی جهت جایگزینی سفیر داشت ولی به نظر می رسید که انتظام مشکلات را درک می کند.

۵ در طول گفتگوهایمان (که رئوس گوناگونی را در تلگرافهای ماه سپتامبر ذکر شده شامل می شد) انتظام با موضعی که در مقابل من گرفت، نشان داد که او و بقیه اعضای دولت از ناراحتیهایی که در رابطه با سیستم دوگانه دولت برایشان پیش آمده، رنج می برند. او چندین بار بیان داشت که وقتی افراد غیر مسئول ولی سیاسی کار، اظهارات عجولانه ای می کنند، کار دولت را سخت تر می کنند. (او گفت بعد از سالها دیکتاتوری مردم آزاد شده اند. آنها فکر می کنند حق دارند هرچه می خواهند بگویند و هرکس می خواهد یک رهبر باشد).

در موضوع دیگری من از او در مورد انتصابش به سوئد پرسیدم. او جواب داد این برای ما ساده تر است

تا با یکدیگر در استکهلم صحبت کنیم. مقدمتاً فکر می کردیم که بیشتر از چند ماه به طول نخواهد انجامید تا مسایلمان را حل کنیم ولی این مردم دخالتهایشان را ادامه می دهند. ما امیدواریم که فرصت داشته باشیم که مسایلمان را حل کنیم. ما در این جهت به کمکهای شما نیاز داریم. ما باید صبر کنیم، هر چند ممکن است یکی دو سال به طول بینجامد، در حالی که انتظام ظاهراً خالصانه کوششهایش را در جهت بهبود رابطه با ما نشان می دهد و به نظر می رسد که مانند تعداد کمی از ایرانیان اهمیت روابط ایران و آمریکا را در این روزها درک می کند. وقتی که یادآور شدم (به او و خودم) که ایران یک انقلاب سیاسی خیلی شدید را تجربه کرده و این، زمان و صبر فراوانی می خواهد تا اوضاع دوباره مرتب شود، ناامیدیش راجع به عدم پیشرفت فقط مقداری تقلیل پیدا کرد.

ناس تهران ۶۳۷۹

روابط ایران و عراق

ص: ۵۳۲

طبقه بندی: محرمانه بخش: سیاسی

از: سفارت آمریکا در تهران ۲۹/۳/۵۸

به: وزیر امور خارجه واشنگتن. فوری شماره: ۶۳۷۸

تاریخ ۱۹ ژوئن ۷۹

گزارشگر : TOMSETH

مرجع: ۱۳۰۸ بغداد B و ۶۲۹۲ تهران A

موضوع: روابط ایران و عراق

۱ موضوع محرمانه تلگراف توضیحی

۲ امیرانتظام در خداحافظیش در ۱۸ ژوئن از کاردار، اطلاعاتی را در مورد مقاصد عراق نسبت به ایران جویا شد. کاردار ابتدا اظهار داشت که نمی داند کدام طرف باعث ناراحتیهای موجود شده است. کاردار انواع نگرانیهای موجود را که در اثر انقلاب به وجود آمده اند، برشمرد و تذکر داد که شاید عراقیها با به راه انداختن ناراحتیهای مرزی بخواهند از سیاست انگلستان در مورد خط دوران استفاده کنند. انتظام درباره این موضوع چیزی برای گفتن نداشت ولی وقتی کاردار به او تذکر داد که برنامه های رادیویی عربی ایران روش غیر دوستانه ای را نسبت به عراق پیش گرفته اند، بشدت تعجب کرد و یادداشتی برداشت و ظاهراً در آینده سعی خواهد کرد که این برنامه ها تعدیل بشود. ما امید و خوشحالی از موفقیت انتظام در این باره نداریم ولی این را خاطرنشان می سازیم که این نشان می دهد که اعضای دولت موقت حتی در دایره محدودیت دولت از هماهنگی برخوردار نیستند و به این نتیجه رسیدیم که صادق قطب زاده مدیر عامل جنجالی صدا و سیمای ایران ممکن است، بدون آگاهی دولت موقت سیاست خارجی ایران را دیکته کند.

سفیر ایران (جدید) در سوئد

ص: ۵۳۳

تاریخ: ۲۴/۶/۷۹ شماره: ۶۵۵۰ ۳/۴/۵۸محرمانه

از: سفارت آمریکا در تهران

به: سفارت آمریکا استکهلم

موضوع: سفیر ایران (جدید) در سوئد

۱ متن کاملاً محرمانه است.

۲ عباس امیرانتظام به عنوان معاون نخست وزیر در دولت موقت اسلامی و انقلابی بازرگان زمانی که در فوریه این سال به قدرت رسید خدمت می کرده است. او مسئول دفتر ارتباطات مطبوعات (به عنوان سخنگوی دولت) و امور خارجه و نخست وزیری بوده است.

۳ امیرانتظام، در حدود ۴۶ سال دارد. او در نیمه ۱۹۵۰ با مدرک مهندسی الکترونیک از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد، او سپس در دانشگاه پاریس بود که مدرک فوق لیسانس گرفت و در دانشگاه کالیفرنیا در برکلی مدرک مهندسی ساختمان را گرفت. طبق گزارشی که به ما رسیده است او با یک آمریکایی ازدواج کرد و بعد از فارغ التحصیل شدن برای مدتی در منطقه سانفرانسیسکو کار کرد. اما بعداً به ایران بازگشت ابتدا برای یک شرکت مشاور خصوصی کار کرد، اما بعداً شرکتهای خودش را در کار وارد کردن لوازم سنگین بود، تأسیس کرد.

۴ امیرانتظام یکی از مؤثرترین مدافعین عادی کردن روابط بین ایران و آمریکا در کابینه بازرگان بوده است. گاهگاهی به دلیل ارتباط آمریکاییش به عنوان یک عامل آمریکا به او حمله شده است.

اما او به طور کلی به وسیله این تهمتها ترس به خودش راه نداده است. اخیراً در ۲۱ ژوئن در یک مصاحبه مطبوعاتی با یک برخورد منطقی ضرورت تفاهم بین ایران و ایالات متحده را توضیح داد.

۵ در همان حال امیرانتظام به موجب ناتوانی دولت در تحکیم اقتدارش ناامیدتر شده است. به کاردار

قبلی ما گفت که او و شریکش در اینکه فکر می کردند می توانند موقعیت اینجا را در عرض چند ماه به حالت طبیعی (عادی) برگردانند، اشتباه کرده اند.

او همچنین در مورد ادامه دخالت افراد نیرومند سیاسی خارج از دولت در مسایل اداری شکایت کرد.

در حالی که ما نمی توانیم از مقتضیات عزیمت او از کابینه مطمئن باشیم. اما فکر می کنیم که آن یک حرکتی است که او ممکن است به خوبی پذیرفته و حتی تشویق کرده باشد.

لینگن

نامه از لینگن به امیرانتظام

ص: ۵۳۴

تاریخ سند: ۱۲/۴/۱۳۵۸ ۳ ژوئیه ۷۹

از: سفارت آمریکا در تهران

به: امیرانتظام

موضوع: نامه از لینگن به امیرانتظام

عالیجناب

همان طوری که احتمالاً اطلاع دارید، من به تهران آمدم که موقتاً به عنوان کاردار این سفارت جایگزین چارلی ناس شوم تا سفیر جدیدی از کشورم وارد شود.

چارلی ناس برای این از توجهاتی که شما طی چند ماه گذشته به مناسبتهای مختلف به او، و از طریق او به این سفارت مبذول داشته اید، تعریف کرده است. دولت من خواسته است که مخصوصاً قدردانی خود را به سبب بیاناتی که شما در ۲۱ ژوئن در یک برنامه همگانی در مورد روابط ایران و ایالات متحده ایراد فرمودید ابراز دارم. همان طوری که دیروز به وزیر خارجه یادآور شدم بیاناتی از این قبیل و اعلامیه ۲۷ ژوئن وزیر خارجه نیز، به طور وسیعی به پیشرفت تفاهم بهتر میان دو ملت و دولتهایمان در عمل مشکل ولی مهم بازسازی یک رابطه جدید کمک می کند که واقعیتهای جدید را در ایران منعکس می سازد.

من مطمئنم که شما به طور زیادی گرفتار مقدمات عهده دار شدن منصب جدیدتان در اسکاندیناوی هستید.

لطفاً اجازه بدهید تبریکات خود را به مناسبات منصبتان و بهترین آرزوهای خود را برای ادامه موفقیت در آن را تقدیم دارم.

ارادتمند شما

ال بروسل لینگن

کاردار موقت

ملاقات با معاون نخست وزیری آقای امیرانتظام

مرجع: تهران ۶۹۴۱ A وزارت ۱۷۵۱۶۶ B

از: سفارت آمریکا در تهرانتاریخ: ۸ ژولای ۷۹

به: وزیر امور خارجه، آقای ونس، واشنگتن ۱/۷۰۶۴

موضوع: ملاقات با معاون نخست وزیری آقای امیرانتظام

۱ این موضوع کاملاً سرّی است.

۲ خلاصه گزارش: در ملاقات مورخ ۷ جولای ۷۹ با آقای امیرانتظام، معاون نخست وزیر، تمایلات آمریکا را برای عادی کردن روابط با ایران مجدداً متذکر شدم. همچنین در مورد چند مطلب تجاری و غیر تجاری از قبیل قراردادهای نظامی مهم، تلفنهای GTEالکترونیکی ساخت آمریکا و رفتار با اقلیتهای مذهبی گفتگو شد. انتظام به ضعف دولت موقت اشاره کرد و مشکلاتی را که دولت موقت در اعمال قدرت بر سیستمهای موازی غیر رسمی یعنی کمیته های انقلاب داشته، توضیح داد. او مجدداً خواهش کرد که تبادل اطلاعات در مورد فعالیتهایی که در داخل و یا در کشورهای مجاور صورت می گیرد داشته باشیم. چرا که اینگونه اطلاعات از نظر امنیتی داخلی ایران حائز اهمیت اند. (پایان خلاصه گزارش)

۳ نحوه برخورد من با مسئله روابط ایران و آمریکا درست همان شیوه ای بود که در برابر یزدی به کار بردم. (مرجع A). من از انتظام به خصوص در مورد اقداماتش برای تسهیل حرکت به طرف عادی کردن روابط مفید دو جانبه در دوره بعد از انقلاب تشکر کردم و متذکر شدم که به نظر ما مصاحبه اش در ۲۱ ژوئن در این مورد بسیار مفید بوده است. در مورد فرستادن سفیر به ایران من پیشنهاد کردم، همان طور که به یزدی پیشنهاد کرده بودم، که در حال حاضر اوضاع به همین صورت باشد در این مورد هرچه کمتر گفته شود بهتر است و این در واقع همان نظریه ای است که سخنگوی وزارت امور خارجه اظهار داشته است. به طور غیر رسمی به او توجه دادم که ما نمی توانیم سفیری به ایران بفرستیم که مورد قبول ایرانیان نیست.

سپس افزودم که مدتی وقت لازم است تا این مورد طوری حل شود که رضایت همه را تضمین نماید.اوقات خوشی را در استکهلم برای او آرزو کردم.

۴ همچنین از تلاشهای انتظام در مورد انتقال ذخایر و خوار و بار ارتش آمریکا در ایران و بازگشت دادن وسایل مخابراتی نظامی تشکر کردم و به او توجه دادم که ما همچنان به خاطر تعدد مراکز قدرت با مشکلاتی در مورد کنترل وسایل و اموال مربوطه رو به رو شده ایم. انتظام تعجب کرد که چرا هنوز مسئله ذخایر خواروبار حل نشده است. او تمایل دولت موقت را در مورد خرید آنها تکرار کرد و گفت که درباره آن با وزیر بازرگانی تماس خواهد گرفت. وقتی من به این تمایل اشاره کردم که تمام مسایلی که از دوره قبلی همکاریهای نظامی به جا مانده باید به طور منظم دور ریخته شوند، تا ما بتوانیم دوباره وسعت و ماهیت روابطی که ایران در این مورد می خواهد را تعیین کنیم، انتظام پاسخ داد که این موضوع از حساسیت خاصی برخوردار است و به علت فشارهای وارده به دولت موقت به ویژه از طرف گروههای چپ، باید در مورد آن محتاطانه عمل شود.

۵ موضوع GTE را مطرح کردم. همچنین احتیاج به مصالحه در بعضی از موارد که کمپانیهای آمریکا حاضرند که درباره این موارد با خلوص نیت مذاکره کنند را به او یادآور شدم و اشاره کردم که کمپانیهای دیگر به مذاکرات توجه دارند و بینش آنها نسبت به انعطاف پذیری ایران از این مذاکرات، متأثر خواهد بود. در این مورد انتظام بی اطلاع به نظر می رسید؛ ولی گفت که با وزیر پست و تلگراف و تلفن گفتگو خواهد کرد

و نظریات من را به او خواهد گفت. همچنین به هیئت اجرایی کمپانی دوپونت اشاره کردم. در این موقع انتظام بلافاصله به من اطمینان داد که خسارت سهامداران خارجی که در شرکتهای ملی شده ایرانی سهام داشتند جبران خواهد شد. سرانجام به مسئله اقتصاد اشاره شد و توجه او را به خلاصه اطلاعاتی که به سفارت ایران در واشنگتن درباره کاهش صدور اجناس به ایران داده شده است، جلب کردم و نیاز به سرعت عمل در مورد خریدهای مهم بررسی شد.

۶ در مورد رفتار با اقلیتهای ایران من به انتظام یادآوری کردم که این موضوع در آمریکا و به خصوص در کنگره از اهمیت خاصی برخوردار می باشد. سپس در مورد آقایان، هایی و دانیل پور (مرجع) صحبت کردم و به او گفتم که از واشنگتن از ما خواسته اند که در مورد صحت این خبر که اینها الآن تحت محاکمه هستند، اطلاعاتی کسب کنیم. انتظام حتی از دستگیری این افراد اظهار بی اطلاعی کرد و قول داد که مطلب را بررسی کند و نتیجه تحقیقاتش را به ما بگوید.

۷ سپس از نظرهای انتظام درباره نحوه عمل دولت موقت در سطح مملکت با توجه به ملاقاتهایی که بین کابینه و شورای انقلاب با خمینی در هفته گذشته انجام شده بود، جویا شدم. انتظام پاسخ داد که دولت موقت همچنان مشکلات فراوانی دارد و بیشتر این مشکلات به وسیله افراد ایده آلیستی که می خواستند کمک کنند، ایجاد می شود. او افزود که حل این مشکلات به زمان احتیاج دارد و ما و شما (آمریکا) باید صبور باشیم. او در دنباله سخنانش خاطر نشان ساخت که دولت موقت در اعمال قدرت مشکلاتی دارد ولی او مسئول تمام کارها شناخته می شود. مردم زیادی که در خارج از کادر دولتند، به دولت اجازه نمی دهند که خودش امور مملکتی را انجام دهد و این مردم حتی دانش و یا تخصص اداره مملکت را ندارند. انتظام همچنین گفت که دولت موقت به کرات سعی کرده است که این افراد را قانع کند که دست از مزاحمت بردارند و این تلاش از پشتیبانی خمینی برخوردار بوده است. او سپس به گروههای چپ حمله

کرد و گفت قصد دارند که انقلاب را نابود کنند و برای این کار به وسیله شوروی پشتیبانی می شوند. در این زمینه او افزود که امیدوار است که آمریکا دولت موقت را از چنین فعالیتهای خرابکارانه آگاه کند.

۸ من به او متذکر شدم که بعضی افراد سیاسی مهم اظهاراتی می کنند که موجب دردسر برای ایران می شود و دیگران این را تحریک کننده تلقی می کنند. انتظام آهی کشید و گفت یکی از عواقب این انقلاب این بوده است که هر کسی خود را صدای ملت بپندارد. او گفت در این مورد حتی بین افراد دولت نیز اختلاف نظر وجود دارد. روش ایران همیشه داشتن روابط مناسب با همه کشورها به خصوص همسایگانش می باشد. ولی در همان روز صادق طباطبائی، سخنگوی دولت، برخلاف روش و سیاست دولت در مورد عراق اظهاراتی می کند و همین مسئله نیز در رادیو و تلویزیون به وسیله صادق قطب زاده مطرح و تکرار می شود. بودجه صدا و سیما را دولت می پردازد ولی عملاً هیچ کنترلی در پخش برنامه های آن ندارد.

۹ انتظام گفت که بلافاصله بعد از انقلاب، دولت موقت به این نتیجه رسید که همه از امام گرفته تا کمیته ها و پاسداران انقلاب و دادگاههای انقلاب بر ضد دولت موقت کار می کنند. نخست وزیر و کابینه صدها بار با خمینی تماس گرفته ولی تا دو هفته قبل که دولت موقت تصمیم به اتخاذ یک موضع قاطع گرفت نتیجه مطلوبی حاصل نشد. او افزود که دولت موقت می خواهد اوضاع را سریعاً به وضع عادی بازگرداند و پیش بینی کرد که در عرض یک یا دو هفته سیاست و تشکیلات کلی دولت برای عموم اعلان

می شود، و این نتیجه ملاقات و توافق اخیر با رهبر انقلاب بوده است. او در جواب سؤال من گفت که بازرگان مصمم است که وظیفه اش را به نحو احسن تا پایان (به طور موفقیت آمیز) انجام دهد. او بازرگان را شخص ایده آلی برای این کار توصیف کرد و گفت که او تنها کسی است که غیر عملی بودن برنامه ای که به وسیله عوامل مذهبی ارتجاعی پیشنهاد شده است را تشخیص می دهد چرا که آنها می خواهند زمان را ۱۰۰۰ سال به عقب برگردانند. ولی با وجود این تسلیم چپگرایان نخواهند شد.

۱۰ انتظام خوشبین بود که سفرش به سوئد باعث این نخواهد شد که وظیفه اش به عنوان کانال ارتباطی بین دولت ایران و آمریکا قطع شود. او حتی گفت که ارتباط ساده تر نیز خواهد شد. در آنجا بهتر از واشنگتن و تهران می توانیم حرفهای خود را بزنیم. به علاوه او به طور منظم، دو ماه یک بار، به ایران خواهد آمد. وقتی از او در مورد تعیین سفیر برای آمریکا سؤال شد گفت که ممکن است یکی دو ماه طول بکشد و خوشبین بود که خودش نامزد این مقام خواهد شد. انتظام سپس از من جویای اطلاعاتی درباره کشورهای همسایه ایران شد و من هم نظر کلی خود را در مورد برداشت عراق از روابط با ایران (براساس مرجع D) بیان کردم.

علاقه امیرانتظام به اطلاعات مشترک

از: کاردار سفارت در تهران ۱۸/۴/۵۸شماره: ۷۰۹۸ تهران

به: واشنگتن وزیر خارجه. فوریتاریخ: ۹ ژولای ۱۹۷۹

گزارشگر: LAINGEN لینگن مرجع: ۵۴۹۱ تهران ۷۰ A تهران B

طبقه بندی: محرمانه بخش: کاردار CHG CHRON

موضوع: علاقه امیرانتظام به اطلاعات مشترک

۱ تمام مطالب محرمانه است.

۲ همان طوری که مرجع اطلاعاتی نشان می دهد معاون قبلی نخست وزیر، انتظام (که اکنون سفیر تعیین شده برای پنج کشور اسکاندیناوی است) در ملاقات با من قویاً خواستار مبادله هرگونه اطلاعات در مورد سیاستهای داخلی ایران و مقاصد عراق نسبت به ایران شد. ما قصد نداریم که در سیاست داخلی ایران مداخله کنیم ولی متشکر خواهیم شد. اگر وزارت در نظر بگیرد که آیا جواب دادن در مورد عراق برای ما مفید نیست؟

۳ امیرانتظام اظهار داشت که نگرانی خود را در مورد مقاصد عراق قبلاً با ناس مطرح کرده و بازرگان نیز حداقل در یکی از ملاقاتهای خود با سولیوان به این مطلب اشاره کرده است. انتظام در برخوردش با من گفت که نگرانیش مربوط به وضعیت رهبران بغداد و شوروی نسبت به ایران می باشد و بر این تأکید کرد که معتقد است این یکی از نکات منافع مشترک بین دولت موقت و آمریکاست.

۴ همچنان که در منبع اطلاعاتیB منعکس شده است جوابهای من به انتظام یک سلسله ملاحظات کلی از گزارش موجود در سفارت از بغداد بود. سپس گفتم که قسمت منافع آمریکا از آنجا چند مورد به دولت ایران درباره علاقه ما به صلح بین ایران و عراق اشاره کرده بود و نگرانی خود را درباره ناراحتیهای موجود بین عراق و ایران ابراز داشتم. سپس گفتم که ما این مسئله را بررسی خواهیم کرد تا ببینیم آیا در

موقعیتی هستیم که اطلاعات دقیقتری بدهیم؟

۵ سپس به خروج احتمالی انتظام به استکهلم اشاره کردم و از رابطه های ما در آنجا جویا شدم. او پیشنهاد کرد که سخنگوی دولت، طباطبائی، جای او را خواهد گرفت و قبول کرد که دکتر یزدی هم می تواند یک رابط مفید باشد.

۶ من راهنمایی وزارت را در این مورد خواستارم. از نقطه نظر منافع ما در اینجا جواب مثبت می تواند عواقب سودمندی داشته باشد. سهیم کردن دولت موقت در ارزیابیهای ما از وضع عراق می تواند معرف این باشد که آمریکا همان طور که می گوید توجه زیادی به ثبات در منطقه خلیج فارس دارد. فرض کنیم که می توانیم چیزهایی بدهیم که مبنی بر اینکه عراق قصد جنگ ندارد و به این مسایل تعادل بخشیم. این ممکن است مواضع میانه روی را تقویت کند؛ مثل صدا و سیمای ایران که همان طور که به انتظام گفتم نسبت به ما روش خصمانه ای دارد. در مورد روابط دوجانبه ما با دولت موقت پذیرش این موضوع می تواند اعتماد ما را به آنها بفهماند و تمایل ما برای همکاریهای سودمند متقابل مفید واقع شود.

۷ البته موضوع سفر احتمالی انتظام نیز وجود دارد. ما طباطبائی را به عنوان رابط پیشنهاد نمی کنیم، چرا که اطلاعات ما در مورد او خیلی کم است. ترجیحاً ما می توانیم از پیشنهاد امیرانتظام در مورد ارتباط با یزدی استفاده کنیم، چرا که او نیز مانند انتظام در مورد روابط ایران و عراق نگران است و همچنین او کسی است که می تواند برای توسعه روابط مطمئن مفید واقع شود. همچنین ادامه تماس با انتظام درباره این

موضوع خالی از فایده نخواهد بود چرا که ما معتقدیم که علاقه و درگیریش نسبت به امورات داخلی همچنان قوی خواهد بود.

۸ با گفتن تمام این، من تشخیص می دهم که منافع وسیعتری مطرح است؛ همچنین منافع ما در عراق.

با وجود این به نظر من ما می توانیم منافع خود را در اینجا تضمین کنیم و در عین حال در مورد عراق نیز در این مورد خاص ضرر نخواهیم کرد.

۹ اما در مورد اطلاعاتی که ما مبادله می کنیم می تواند از نوع ارزیابیهای ۲۱ ژوئن ۱۹۶۲ بغداد باشد؛ البته باید به صورتی که لازم است سانسور شود. ولی اطلاعات در مورد نقل و انتقالات نیروهای عراقی و توانایی آنها از حساسیت بیشتری برخوردار است ولی در این مورد نیز ممکن است مواردی وجود داشته باشد که تبادل آنها در منافع ما باشد.

۱۰ سرانجام باید بگویم که اگر اطلاعاتی از اشتغال این هیئت در این طور مأموریتها در گذشته دارید برای من بنویسید؛ چرا که افراد سفارتخانه چنین موردی را به یاد ندارند.

آقای سفیر عزیز

ص: ۵۴۰

محرمانه تهران ایران

اداری غیر رسمی ۱۰ ژوئیه ۱۹۷۹

جناب آقای مینوت رادنی کندی

استکهلم، سوئد

آقای سفیر عزیز

شما به زودی همکاری ایرانی به نام عباس امیرانتظام، معاون سابق نخست وزیر و سخنگوی دولت را در کنار خواهید داشت. او توسط دولتش به مقام سفیر سفارت سوئد با اعتبارنامه برای نروژ، فنلاند، دانمارک و ایسلند منصوب شده است. چه مرد خوشبختی!!!

من نسخه هایی از این نامه را به هر یک از همکارانت در این چهار کشور دیگر می فرستم.

ما جداگانه اطلاعات مشروحی درباره زندگی امیرانتظام را برای شما خواهیم فرستاد. به طور مختصر، وی یک ایرانی فوق العاده با نزاکت، مؤدب و غربی منش است. خیلی زیاد در اینجا محصور انقلاب و در پوسته درونی انقلاب است، اما به سختی در روش و ظاهر، انقلابی به نظر می آید. او مدت قابل توجهی را در کشور ما گذرانده است و ایالات متحده را بسیار خوب می شناسد و آنجا را دوست دارد. مطمئناً شما از او خوشتان خواهد آمد.

یکی از سؤالاتی که فعلاً در حوزه دیپلماتیک اینجا به طور متناوب مطرح است این است که «چرا انتظام می رود». ما هنوز پاسخ خوبی در این مورد نداریم. او اینجا به بعضی از ما گفته است که امکان دارد در استکهلم در موقعیتی بهتر از اینجا برای پاسخگویی به آن باشد. فرض بر این است که رفتن او لااقل تا اندازه ای ناشی از پیچیدگیها و مانورهای حلقه داخلی انقلاب می باشد و این باعث شده که امیرانتظام احساس کند که در حال حاضر در خارج از ایران راحت تر خواهد بود. او به ما می گوید علیرغم مسافت

زیاد قصد دارد به شرکت فعالش و توجهش به آنچه در اینجا (ایران) می گذرد ادامه دهد.

با گفتن همه اینها، ما اعتراف می کنیم که چندان آگاهی واقعی نسبت به رفتن او نداریم. او ملاقات و صحبت با شما را استقبال خواهد کرد و ما هر چیزی که شما بتوانید از آن مسافت در مورد نظرات و گفته های او به ما بگویید استقبال خواهیم کرد. در واقع هر مطلبی که وی ممکن است در مورد حلقه های داخلی رهبری و روابط داخلی آنها برای ارائه داشته باشد مورد علاقه ما می باشد.

ارادتمند شما

با سلام گرم ال بروس لینگن کاردار موقت

تهران، جولای ۱۹۷۹ ۲۰/۴/۵۸

آقای سفیر عزیز

مجدداً از اینکه با وجود برنامه کار زیاد خودتان فرصتی دادید که من شما را قبل از عزیمتتان ملاقات کنم تشکر می کنم. محبت شما دلیل دیگری که بر آن چیزی است که اعتقاد دارم ادامه می یابد تا ذخیره دوستی خوبی نسبت به کشورم در ایران باشد. من به هر یک از سفرایمان در اسکاندیناوی نامه نوشته به آنها راجع به شغل شما و ورود قریب الوقوع شما گفته ام. من می دانم که آنها دیدار شما را خوشآمد خواهند گفت.

مجدداً بهترین آرزوهایم را برای موفقیت شما در اولین بازگشتتان به تهران هستم.

با گرمترین سلامها دوستدار شما

ل بروس لینگن

کاردار سفارت آمریکا در ایران

سفیر جدید ایران در سوئد

استفاده اداری محدود

از: سفارت آمریکا تهران تاریخ: ۱۵ ژوئیه ۷۹

به: سفارت آمریکا استکهلم

برای سفیر

موضوع: سفیر جدید ایران در سوئد

۱ من نامه ای برای شما در مورد سفیر جدید ایران در سوئد (که برای چهار کشور دیگر اسکاندیناوی

هم منصوب می شود) فرستاده ام.

به هر حال، سرویس پستی (خدمات پستی) اینجا به آن بخش جهان بدون شک از سرعت کمی برخوردار است و بنابراین باید شما را از ورودش به آنجا در هفته گذشته مطلع کنم.

۲ عباس امیرانتظام که معاون نخست وزیر دولت موقت و سخنگوی دولت بود شخصی است دلپذیر، مؤدب و غربی منش که مدت قابل ملاحظه ای در آمریکا زندگی کرده است. اما وی همچنین عضو فعالی در حلقه داخلی انقلاب بوده است. اینکه وی چرا عازم شده است برای ما کاملاً روشن نیست و هر چیزی که در این زمینه از وی به دست آورید، سودمند خواهد بود. وی برای حفظ ارتباط با ما دچار دغدغه است. بنابراین مطمئنم که در اولین فرصت در پی شما خواهد بود. ما به گرمی وی را توصیه می کنیم.

لینگن

موضوع: اطلاعاتی در مورد شرح زندگی عباس امیرانتظام سفیر جدید ایران به سوئد

ص: ۵۴۲

شماره : ۳۶۳۸

از: وزارت امور خارجه واشنگتن. دی. سی ۱۹ جولای ۱۹۷۹

به: سفارت آمریکا، استکهلم با اطلاع: سفارت آمریکا،تهران

ارجاع به: استکهلم ۲۴۹۲، تهران ۶۵۵۰

موضوع: (بدون طبقه بندی) اطلاعاتی در مورد شرح زندگی عباس امیرانتظام سفیر جدید ایران به سوئد.

۱ (محرمانه) وزارتخانه چیز زیادی برای افزودن به تلکس مرجع ندارد. به هر حال، شاید برای استکهلم جالب باشد که بداند امیرانتظام همیشه بین دولت ایالات متحده و مردم آمریکا تمایز قائل می شود. او می گوید که به مردم آمریکا بسیار احترام می گذارد. وی همچنین ادعا می کند که در سرتاسر ایالات متحده صاحب دوستانی هست.

۲ (استفاده اداری محدود) وزارتخانه از دریافت هرگونه اطلاعات اضافی درباره شرح زندگی یا عکسهایی از امیرانتظام، که در مدت انتصابش در استکهلم به دست آید تشکر خواهد نمود. همچنین نظراتی که به وسیله آنها بتوان فعالیت وی را برآورد کرد مفید می باشند

سفیر امیرانتظام

از: وزیر امور خارجه واشنگتن دی. سی.۳۱ / جولای ۹/۷ ۹/۵/۵۸)

به: سفارت آمریکا در استکهلم

پیوست به: سفارت آمریکا تهران

تهران سرّی ۸۰۶۰

موضوع: سفیر امیرانتظام

۱ تمام متن سرّی

۲ قبل از اینکه ایران را به قصد مأموریت جدیدش به عنوان سفیر در استکهلم ترک نماید، امیرانتظام به مسئول ما گفت که مایل است که با کارمندان دولت آمریکا در خارج از ایران گفتگو نماید. انتظام اگر می خواست می توانست دید ما را نسبت به حالت و چگونگی مسایل سیاسی ایران، زمانی که به عنوان معاون نخست وزیر بود، به عنوان یک عضو حساس در دولت موقت ایران روشن نماید، بهبود بخشد.

۱۳ اگر شما موافق هستید ممکن است که در اولین فرصت با او ملاقات کرده و موارد زیر را محتاطانه با او در میان گذارید:

... ما یادمان هست که او متذکر گردیده که مایل است وقایع ایران را پس از رسیدن به استکهلم تحلیل نماید... اگر سفیر (انتظام) موافق باشد ما آماده هستیم که کارمند سیاسی سابق تهران، جان استمپل، را برای ملاقاتی اعزام داریم. ترتیب این ملاقات را فوراً می شود داد. این مسئله می تواند با احتیاط مطرح گردد. استمپل (مقام سرویس خارجی آمریکا در آکادمی نیروی دریایی در پست معاونت) کارش را شروع نموده و ما امید داریم که در صورتی که مایل باشد ترتیب مسافرتی را در هفته آینده بدهیم.

ونس

مکالمه با سفیر ایران امیرانتظام

ص: ۵۴۳

از: سفارت آمریکا در استکهلمتاریخ: اگوست ۷۹

به: وزیر امور خارجه واشنگتنشماره : ۳۱۵۹ استکهلم / فوری ۱۱ مرداد ۵۸

موضوع: مکالمه با سفیر ایران امیرانتظام

۱ تمام متن سرّی است.

۲ کاردار عصر روز ۳۱ ژوئیه در دفتر کار سفیر ایران در سوئد با امیرانتظام ملاقات کرد. معاون سابق نخست وزیر دولت انقلابی ایران اواخر ژوئیه به استکهلم وارد شده بود. محل سکونت وی در استکهلم خواهد بود، ولی در عین حال سفیر منتصب به پنج کشور اسکاندیناوی خواهد بود.

طبق برنامه ۲۸ اوت او استوارنامه خود را به کارل گوستاو ۱۶ پادشاه سوئد تقدیم خواهد کرد. انتظام از روزهای دانشجویی خود در برکلی، تحسین او از موفقیتهای آمریکا تأسف او از فساد سیاست ۲۵ ساله آمریکا در ایران و تصمیم او به بهبود روابط دوجانبه تنها در شرایط احترام متقابل، عدم دخالت در مسایل داخلی ایران و عدم تعرض به استقلال ایران میسر است. او گفت که ما و دیگر کشورها نباید موقعیت آشفته سیاسی امروز ایران، آنها را به بیراهه بکشد. مردم ایران مشغول ساختن یک کشور نمونه اسلامی هستند. (اگرچه با جذر و مدها و درد و رنجهای زیاد) به هر حال سالها بعد کشورهای دیگر ایران را الگو قرار خواهند داد که ایران خواهان روابط خوب با آمریکا، شوروی و چین است. ولی آنها وقتی موفق خواهند شد که بر مبنای احترام به ایران و حکومت اسلامی آن و تمامیت و حاکمیت ملی و استقلال آن قدم بردارند. اگر آمریکا درسی از انقلاب ایران نیاموزد و تلاشهایی که هم اکنون یا بعداً برای بازگرداندن روابطی از نوع روابط ویژه ای که در زمان شاه وجود داشت از سر بگیرد، در این صورت دشمنی نسبت به آمریکا در طی ۶ ماه گذشته بر افکار عمومی ایران حاکم بوده، در آینده نیز تعیین کننده سیاست دولت و افکار عمومی مردم ایران خواهد بود. مردم ایران از دیرباز از تجاوزات شوروی نیز می ترسیدند و به آن

مشکوک بوده اند. بنابراین چنین اخطاری به مسکو نیز فرستاده شده است.

۳ در مقابل سؤالهای مختلف، انتظام گفت که او درصدد است که یک سفیر فعال باشد. می خواهد نه تنها در کشورهای اسکاندیناوی (محل مأموریتش) بلکه به عنوان سفیر سیار در است تمام اروپا انجام وظیفه کند. او اشاره کرد که از نزدیک مراقب روابط ایران با کشورهای دیگر اروپایی است. و نیز مراقب سفرای آنها در این کشورها. او گفت که هدف این است که این مسئولیت ویژه سیاسی اداری از دوش دولت بازرگان برداشته شود. او به عنوان جمله معترضه گفت: به احتمال زیاد برای حل یک مسئله کوچک به زودی به آلمان خواهد رفت و در سوئد او درصدد است که به طور مرتب با هموطنان خود ملاقات کند (بیشتر آنها از طبقه دانشجو می باشند). در این دیدارها او اظهار امیدواری کرد (خواهد کرد) که تمام ایرانیان، از جمله کسانی که در حزب کمونیست عضو هستند می توانند برای سربلندی ایران کار کنند. بدین ترتیب تاکنون با صدها دانشجوی ایرانی ملاقات کرده تا همکاری آنها را جلب کند ونیز به آنها در مورد علت قطع کمک مالی دولت برای یک دوره تحصیلی توضیح بدهد.

انتظام گفت که او «دانشجویان حرفه ای» و کسانی که از لحاظ درسی ضعیف هستند را تصفیه خواهد کرد و از کسانی که سابقه درسی خوبی دارند حمایت خواهد کرد.

انتظام به سابقه فعالیتهای خود در جنبش مقاومت ملی در سالهای ۵۰ اشاره کرد. یکی از دوستان خوب مردم در آن زمان در سفارت آمریکا ریچارد کاتم، کارمند سیاسی بود. او گفت کوتام یکی از

سیاستمداران معدود آمریکایی است که در آن زمان عواقب احتمال اصرار آمریکا در به قدرت رساندن شاه را درک کرد.

انتظام گفت: کوتام که علاقه اش به ایران را حفظ کرده در اکتبر گذشته در پاریس با امام خمینی ملاقات کرد و در نوامبر گذشته به تهران مسافرت کرده. او فکر می کرد که حالا در یک دانشگاه در سواحل پرینستون (پنسیلوانیا) تدریس می کند. او توصیه کرد که به عنوان قدم عاقلانه ای آمریکا باید کوتام COTTAM را به عنوان سفیر آینده به ایران بفرستد.

۵ در مراسم استقبال از انتظام در استکهلم، کاردار ما او را از علاقه سفارت به حفظ همکاری نزدیک با هیئت او مطمئن ساخت و تأکید کرد که ما دوست داریم در مواقع لزوم کمک کنیم. انتظام گفت: ما از این ملاقات مقدماتی بسیار خوشحال شدیم و اظهار امیدواری کرد که ما مسایل خودمان را به او ارجاع کنیم. اطلاعات جدیدی از علایق دو جانبه را هر زمان که به دست می آمد به او بدهیم.

۶ تفسیر: توصیف کاردار لینگن از امیرانتظام به عنوان یک شخص با هوش و نماینده بسیار ماهر دولت انقلابی ایران در سخن گفتن کاملاً صحیح است. انتظام در حقیقت علاقه به ادامه تماس با آمریکا دارد و به نظر می رسد که خالصانه می کوشد تا دوباره روابط دوجانبه خوبی را بین ایران و آمریکا برقرار کند. سفارت گفتگو با امیرانتظام را در حد امکان ادامه خواهد داد.

CANNEY

امیرانتظام سفیر

ص: ۵۴۵

شماره : ۷۱۰

از: وزیر خارجه واشنگتن ۳ اوت ۱۲۷۹ مرداد ۵۸ سرّی

به: سفارت آمریکا در استکهلم فوری

گزارشگر: کریستوفر

اطلاع: سفارت آمریکا در تهران

موضوع: امیرانتظام سفیر

۱ تمام متن سرّی.

۲ استمپل در روز یکشنبه پنجم اوت به وسیله پرواز شماره ۳۰ در ۱۵/۹ صبح به تهران خواهد آمد و در سه شنبه اینجا را ترک خواهد گفت. به استقبالش بروید و به او جا بدهید. لطفاً قرار ملاقات او را با انتظام فراهم کنید. یکشنبه دیروقت خوب است و امکان یک ملاقات بعدی برای دوشنبه هم می ماند.

کریستوفر

مبادله اطلاعات با دولت موقت

ص: ۵۴۶

از: واشنگتن وزیر امور خارجه ۸ آگوست ۷۹ مطابق با ۱۷ مرداد ۵۸ سرّی

به: سفارت در تهران فوریشماره : ۱۰۶۷۲۹

گزارشگر: ونسموضوع: مبادله اطلاعات با دولت موقت

خلاصه گزارش: تقاضا و تمایل زیاد دولت موقت برای مبادله اطلاعات در مورد تهدیداتی که در قبال دولت موقت صورت می گیرد. محل مبادلات تهران خواهد بود. تاریخها بعداً تعیین خواهد شد. (پایان خلاصه).

۱ تمام موضوع سرّی است.

۲ در اثنای گفتگوهایی که بین سفیر ایران در سوئد (انتظام) و افسر خدمات خارجی (استمپل) در مورخه پنجم اوت در استکهلم انجام گرفت. انتظام قویاً تمایل دولت موقت را برای مبادله اطلاعاتی که مربوط به حمایت دولتهای خارجی از تهدیدات داخلی ایران است، خواستار شد. این پیشنهاد را در اول لیست کارهایی که آمریکا باید برای بهبود روابط انجام دهد، گذاشته و افزود که تصمیم شرکت در این ملاقاتها به وسیله خمینی شخصاً تأیید شده است.

۳ در روز بعد استمپل افسر سابق سیا CIA، SRF در تهران آقای جرج کیو را به انتظام معرفی کرد. تا اهداف این تبادل اطلاعات و زمینه ها را برای او توضیح دهد. کیو ماهیت حساس این موضوعات را شرح داده و اقدامات حفاظتی مربوط به آن را بیش از حد لازم می دانست. انتظام گفت که دولت موقت می خواهد این اطلاعات در تهران مبادله شود، چرا که به صحنه عملیات نزدیکتر است. کیو گفت که دولت آمریکا مأمور ارشد اطلاعاتی خود را به تهران خواهد فرستاد. و کاردار در تهران هماهنگیهای لازم را به عمل خواهد آورد. انتظام در پاسخ گفت که امیدوار است که این برنامه مداوم باشد و کیو گفت: دولت آمریکا این برنامه را هر ۳ یا ۶ ماه انجام خواهد داد و اگر مواقعی تبادل اطلاعات فوری خارج از برنامه لازم باشد

انجام خواهد گرفت. انتظام پرسید آیا آمریکا می تواند یک رابط دائم در تهران داشته باشد و کیو گفت که این موضوع برای آینده است و الآن کسی در تهران نیست.

(تبصره: کیو به عنوان افسر ارشد اطلاعاتی معرفی شد و واژه CIA سیا هرگز به کار نرفت.)

۴ در این گفتگو سؤالاتی درباره تاریخ مبادله اطلاعات نیز به میان آمد. انتظام تاریخ ۲۷ آگوست را رد کرد. چرا که او باید استوار نامه خود را در ۲۸ آگوست به مقامات سوئدی در استکهلم بدهد. سپس قرار شد که دولت آمریکا توسط کاردار خود در استکهلم با انتظام تماس بگیرد و تاریخ ۳۰ آگوست یا اوایل سپتامبر را به او بدهد. انتظام پاسخ داد که او برای دوره اول ملاقاتها در تهران خواهد بود ولی در دوره های بعد او الزاماً در تهران نخواهد بود. در جواب به نگرانی آمریکا از لحاظ امنیتی جریان، انتظام توضیح داد که گیرندگان این اطلاعات به بازرگان، یزدی و یک افسر ارشد اطلاعات که نامش بعداً مشخص خواهد شد، و خودش محدود خواهد شد. کیو به این حقیقت اشاره کرد که مطالب بسیار محرمانه نمی تواند به صورت نوشته عرضه شوند و به صورت شفاهی انجام می گیرند. این مسئله ای برای انتظام نبود.

۵ ما از عکس العمل شما در جهت انجام این مبادلات قدردانی می کنیم و پیشنهادات شما در مورد اجرای این کار مفید خواهد بود. آیا می خواهید که برنامه ملاقاتها و زمینه های مربوط به آن را در ملاقات خود با بازرگان در ۱۱ آگوست مطرح کنید؟

تذکر: این گزارش برای کاردار آهرن و تامست هم فرستاده شده است.ونس

مبادله اطلاعات با دولت ایران

ص: ۵۴۷

شماره : ۸۹۴۶

از: سفارت در تهرانتاریخ ۱۸/۵/۵۸

به: وزیر امور خارجه واشنگتن فوریطبقه بندی: سرّی

گزارشگر: لینگنمرجع: ۲۰۶۷۲۹ STATE

بخش: CHO

موضوع: (مبادله اطلاعات با دولت ایران)

۱ موضوع تماماً سرّی است. تلگراف برای کسب تکلیف.

۲ مبادله اطلاعات بین امیرانتظام و کارشناس خدمات خارجی استمپل (STEMPEL) درست همان چیزی است که ما انتظار داشتیم. به خصوص در مورد مطالبی که انتظام قبلاً اشاره کرده بود. به ناس و من (لینگن (LAINGEN اشاره کرده بود. فکر می کنم که بخواهیم این موضوع آزمایشی را با دقت دنبال کنیم و اولین ملاقات را طوری ترتیب دهیم که حاکی از حسن نیت تمام باشد. ولی در عین حال احتیاط در دور اول مبادلات مناسب به نظر می رسد، چرا که این یک کار بسیار حساس است و شخصیتهایی در آن درگیر می شوند که اطلاعات امنیتی ما در مورد آنها هنوز محدود است.

۳ ما فکر می کنیم که در ملاقاتهای اولیه تا جایی که ممکن است باید به دولت تأکید کنیم که تهدیدات داخلی ایران کاملاً از پشتیبانی کشورهای خارجی برخوردار است و طوری وانمود کنیم که ما را از آشوبهای داخلی دولت و کشور مبرا سازد. البته این کار مشکل خواهد بود، ولی باید با یک تلاش مداوم پیگیری شود.

۴ احتمالاً شروع کار مشکل خواهد بود ولی ما باید سعی کنیم که در این آزمایش بعضی از اطلاعات نیز در عوض به آمریکا داده شود. مثال: روش دولت موقت نسبت به عراق، پشتیبانی ایران از شورشیان

افغانستان، روش روسیه در روابط مستقیم با دولت موقت، حزب توده و غیره.

۵ ما با مخالفت کیو (CAVE) با انتظام در مورد تماس دائم در تهران برای مبادله بدون وقفه اطلاعات موافق هستیم و آمدن مأمور اطلاعاتی از واشنگتن به مخفی کاریها و پوششهای اینجا کمک خواهد کرد. با وجود این، ما می توانیم درباره مسئله تجدیدنظر نماییم و این تجدیدنظر بستگی به توسعه کارها دارد.

۶ در مورد زمان ملاقات که ۲۰ آگوست پیشنهاد شده است تنها در صورتی که مأمور تماس بتواند به موقع در اینجا حاضر شود مشکلی نخواهیم داشت. اگر طرحهای کنونی تأیید شود کاردار در ۲۷ آگوست به واشنگتن خواهد آمد. تاریخ پیشنهاد شده دیگر از آغاز هفته دهم سپتامبر است.

۷ من در مورد پیش کشیدن موضوع با بازرگان مشکوکم و در ملاقاتم در ۱۱ آگوست در صورتی که او در این باره صحبت خواهم کرد که قبلاً انتظام در مورد تبادل با کیو (CAVE) و استمپل (STEMPEL)با او صحبت کرده باشد. در تلگراف مشخص نیست که بازرگان و دیگران در مورد این ملاقاتها چیزی می دانند یا نه، من می توانم در این مورد طی گفتگو جویا شوم ولی توضیحات در این باره از وزارت می تواند مثمر ثمر واقع شود.

لینگن

مذاکره با امیرانتظام

شماره : ۶۸۹۱

از: وزیر امور خارجه واشنگتن تاریخ: آگوست ۷۹ برابر با ۱۸ مرداد ۵۸

به: سفارت در تهران فورینسخه آن به کاخ سفید

گزارشگر: ونس (VANCE)

موضوع: مذاکره با امیرانتظام

خلاصه: انتظام نظراتی برای بهبود روابط ایران و آمریکا دارد. او به عنوان یک سفیر فوق العاده از طرف دولت موقت انقلابی ایران در اروپا خدمت می کند. انتظام نسبت به نفوذ مذهب افراطی در دولت و خمینی اظهار نگرانی می کند. اصطکاکهای قابل ملاحظه ای بین گروههای خیلی مذهبی (رادیکال) افراطی اطراف خمینی و کسانی که صرفاً «مسلمانان خوب» در نهضت آزادی خوانده می شوند و هم اکنون ملت را اداره می کنند، وجود دارد. انتظام ظاهر شدن دوباره بختیار در صحنه سیاست را مسئله مهمی قلمداد نمی کند. اگر دولت به طور جدی عمل کند، خطر چپ مسئله ای نخواهد بود.

انتظام در مورد انتخابات، تشکیلات دولت موقت، تهدیدات خارجی و روابط سخنانی ایراد کرد. هم اکنون پیشنهادهای اساسی اقتصادی به منظور بهبود اوضاع اقتصادی به وسیله شورای انقلاب تحت بررسی است. (خلاصه تمام)

جزوه های بیوگرافی

۱ تمام متن سرّی است.

۲ در ۵ آگوست (۴ مرداد) استمپل مقام سرویس خارجی، به منظور تبادل نظر با امیرانتظام (سفیر ایران در سوئد) در مورد مسایل جاری ایران، به سوی سوئد پرواز کرد. در دو روز گذشته حدود ۵/۴ ساعت گفتگو شد. گزارشهای تلگرافی زیر مهمترین قسمتهای این گفتگوهاست و به صورت موضوعی

تنظیم شده است.

۳ استمپل گفتگو را با اطمینان خاطر و حسن نیت دولت آمریکا نسبت به دولت ایران شروع کرد.

سپس گفتگوی مختصری در خصوص روابط ایران و آمریکا در پی آن انجام گرفت. مهمترین نکاتی که به وسیله امیرانتظام عنوان شد، عبارتند از:

الف: عادی کردن روابط با آمریکا باید به آهستگی پیش رود، تا سوءظن کسانی را که نظر خوبی نسبت به آمریکا ندارند، برنینگیزد.

ب: در رابطه با ارتباط با دولت موقت احتمالاً بهترین شیوه حفظ تماس با خود نخست وزیر، هر ۲۰ ۱۵ روز یک بار می باشد.مسلماً الآن خیلی زود است که بشود یا آیت اللّه خمینی ملاقات کرد.

ج: تبادل سفیر احتمالاً در پاییز مناسب خواهد بود. شاید زمانی که دولت جدید دائمی مستقر شده باشد انتظام افرادی نظیر «ریچارد کات» و «رمزی کلارک» را به عنوان سفیر پیشنهاد کند.

۴ انتظام گفت که چند چیز است که آمریکا برای نشان دادن صمیمیت خود نسبت به رژیم جدید می تواند انجام دهد و اینها می تواند به دولت موقت ایران در برخورد با جنبشهای انقلابی داخل و خارج که نسبت به اعمال گذشته آمریکا عمیقاً نفرت دارند، کمک کند. «شرح نقطه نظرها»

الف تهیه اطلاعاتی در مورد هر نوع تهدید داخلی که با حمایت خارجی صورت می گیرد.

ب حداکثر کمک در مورد لوازم یدکی مورد نیاز ارتش.

ج مبلغ ۳/۱ میلیارد دلار جریمه دیرکرد مربوط به بازپرداخت وامها را لغو کنید. (SIC)

د در تهیه مواد اولیه مورد نیاز صنایع، که برخی شرکتهای آمریکایی از فرستادن آنها خودداری می کنند، کمک شود.

ه دفتر صدور ویزا در تهران را دوباره باز کنید. زیرا هزاران ایرانی می خواهند که به آمریکا بروند.

انتظام گفت: خود او شخصاً می خواهد که دانشجویان زیادی به آمریکا و دیگر کشورهای انگلیسی زبان بروند. مثلاً هندوستان امسال به جای ۱۵۰۰ ویزا که پارسال داد، ۶۰۰۰ ویزا برای دانشجویان ایرانی صادر کرد. او اظهار امیدواری کرد که آمریکا از آن پیروی کند.

۵ استمپل گفت: که پیشنهادهای انتظام را گزارش خواهد کرد و به دولت ایران اصرار خواهد کرد که در مورد لوازم یدکی نظامی و مواد اولیه کارخانه ها با سفارت در تماس باشند. برداشت ما چنین بود که جز در مواردی که صورت حسابها پرداخت نشده باشد، هیچ وقفه ای نباید صورت پذیرد.

در مورد سؤال مربوط به تکنسینهای خارجی استمپل یادآور شد که فعالیت دادگاه انقلاب علیه خارجیان و زندانی کردن آنها یا جلوگیری از خروج آنها از کشور در مورد هیئت های تجاری آمریکا هم صورت گرفته و نهایتاً به ضرر حل مسایل خواهد بود. در مورد ویزا به انتظام گفته شد که تسهیلات جدید آمریکا تا آخر آگوست آماده خواهد شد، ولی پیش از گشایش باید مسایل امنیتی آن کاملاً حل شود. این بدان معنی است که کمیته های گاردهای فعلی سفارت باید بروند و به جای آنها پلیس یا افراد ارتشی متحدالشکل در بیرون محوطه گمارده شوند. انتظام یادداشت کرد و گفت: که در ملاقات آینده اش در تهران، هفته آینده مسئله را فقط به خاطر جلب «رضایت خاطر ما» حل خواهد کرد. استمپل به او توصیه کرد که در مورد بازگشتش به تهران با کاردار «لینگن» تماس بگیرد.

۶ انتظام گفت که او از طرف نخست وزیر به عنوان «سفیر فوق العاده» در اروپا خدمت می کند تا انقلاب را به مقامات حساس توضیح داده و با مشکلاتی که در تمام این کشورها ظاهر می شود، درگیر شود.تا این تاریخ تنها کسانی به عنوان سفیر انتصاب شده اند که یا «مذهبی افراطی (فناتیک) بودند و یا افراد قدرت طلب که هیچ نزدیکی با انقلاب ندارند. او به این خاطر سوئد را به عنوان پایگاه انتخاب کرده که در روابط ایران و سوئد عملاً هیچ مشکلی وجود ندارد و این دست او را باز می گذارد.

۷ انتظام خیلی نگران نفوذ مذهب بر سیاست ایران بود. انتقال اخیر افراد شورای انقلاب به دولت و برعکس حالتی بود که در آن شورای انقلاب قدرت بیشتری به دست آورد تا از دست بدهد. شورای اخیر خبرگان شامل اکثریتی از روحانیون است و انتظار می رود که در یک ماه آینده بررسیهای خود را در مورد قانون اساسی تمام کند.

انتظام گفت که طرح فعلی شامل انجام رفراندوم قانون اساسی در نیمه سپتامبر و بعد انتخابات ریاست جمهوری و مجلس در یک ماه یا یک ماه و نیم آینده خواهد بود. خمینی آدم خوبی است و اعتقاد به برتری آخوندیسم در هر مورد ندارد. ولی او تحت فشار دائمی از جانب اطرافیان تندرو که خواهان برکنار کردن «مسلمانان خوب و خالص» و روی کار آمدن روحانیون می باشند، است.

انتظام بدین حقیقت اقرار کرده که روحانیون در انتخابات آینده بیش از نیمی از کرسیهای مجلس را به دست خواهند آورد و به آمریکا و دیگران تذکر داد که مجبور خواهند بود به مدت چهار سال با روحانیون

درگیر باشند. انتظام با تردید اظهار امیدواری کرد که میانه روها بعد از انتخابات بتوانند دولت را به دست آورند. او این مسئله را برای باز گرداندن اعتماد به طبقه متوسط و نیز برای حیات اقتصادی ضروری می داند.

۸ در جواب سؤال مستقیمی درباره بختیار در صحنه سیاست، انتظام مسئله را منتفی دانسته گفت که بختیار می کوشد کتاب خاطراتش را به اتمام برساند. او بختیار را تهدیدی برای دولت موقت نمی داند. جبهه ملی و جبهه دموکراتیک قادر به رقابت با احزاب مذهبی در انتخابات نیستند و درصدد ایجاد آشوب نمی باشند. حزب جمهوری اسلامی به رهبری آیت اللّه بهشتی قویترین گروه خواهد شد. این مسئله انتظام را آزار می دهد. چون (بهشتی، رفسنجانی و موسوی) از مهمترین روحانیونی هستند که اصرار دارند خمینی دولتی متشکل از روحانیون داشته باشد. انتظام گفت خوب است خمینی به تهران بیاید، جایی که دولت موقت بتواند وی را بیش از سه ساعت در هفته ببیند.

۹ در مورد ریاست جمهوری، انتظام گفت که طالقانی و بهشتی در انتخابات شرکت خواهند کرد؛ با وجود اینکه طالقانی خودش می گوید «نه». به عقیده بازرگان در مورد شرکت در انتخابات بی میل است معهذا شرکت خواهد کرد و وی بهترین انتخاب خواهد بود. اگر دولت موقت قاطع عمل کند و قدمهای حساب شده بردارد فداییان و چپها مسئله ای نیستند. انتظام خصوصاً نگران حمایت خارجی شوروی، لیبیاییها و عراقی از گروههای قومی مخصوصاً کردها و عربها بود (خوزستان).

به استثناء دخالت خارجی، اقوام و اقلیتهای مذهبی مشکلات بزرگی نخواهند بود. انتظام گفت که عده زیادی از قانون اساسی جدید خوشحالند و کردها اگر دولت موقت، ارتش را به حرکت درآورد، حاضر به مصالحه خواهند بود.

۱۰ انتظام نتایج دگرگونی اخیر در دولت موقت را شرح داد. او گفت که پنج نفری که از شورای انقلاب

وارد دولت موقت شده اند، حالا شناخته شده اند اما کسانی که از دولت به شورا رفته اند، شناخته نشده اند. او به خاطر مسایل امنیتی از دادن نام آنها خودداری کرد. شورا به وسیله ۲۵ نفر تثبیت شده است و به همین تعداد می ماند (این بیشتر از آن چیزی است که ادعا شده است). ارتباط بین شورا و دولت موقت بهتر شده است. آیت الله رفسنجانی معاون وزارت کشور شده و مسئولیت سپاه پاسداران را از دکتر چمران که معاون نخست وزیر بوده و اخیراً به سمت وزارت دفاع منصوب شده به دست گرفته است. دیگر معاون وزارت دفاع آیت الله خامنه ای است. همچنین آیت الله مهدوی کنی نیز به وزارت کشور رفته که تصدی کمیته ها به عهده وی بوده است و همان نقش را در وزارت کشور به عهده دارد. این برنامه بیش از آنچه انتظام فکر می کرده موفق بود.

۱۱ چهارمین عضو شورای انقلاب ابوالحسن بنی صدر است که پست معاونت وزارت اقتصاد در امور بانکی به او پیشنهاد شده است اما او آن مقام را قبول نکرده، ولی به کار مشغول شده. وی تغییر سیستم بانکی را به عهده دارد. میانه انتظام با بنی صدر خیلی بد است. او گفت که وی مزاحمی است که دائم حرف می زند و شکایت می کند اما از مسئولیت گریزان است. کلماتش شبیه و گاهی با لحن آرامتری نسبت به آشنای قدیمیش، صادق قطب زاده می باشد که سرپرست صدا و سیمای ایران بوده و در مورد او گفته که از وفاداران به خمینی اما نسبت به دولت موقت غیرمسئول است.

۱۲ علاوه بر چمران، ابوالفضل بازرگان (پسر برادرش)، صادق طباطبائی، معاونان بازرگان هستند.

عباس سمیعی رئیس سازمان حفاظت محیط زیست و برادر دکتر یزدی (وزیر خارجه) معاون وزارت بهداری است.

۱۳ درباره تهدیدات خارجی: انتظام از شواهدی که دولت موقت از توطئه های شوروی در ایجاد فرستنده ۵ واتی در محلهای مختلف تهران که برنامه های خرابه کاری را پخش می کند در دست دارد، صحبت کرد. وزارت مخابرات آنها را توقیف کرده است. پروازهای شوروی هم یک مسئله است. در یک مورد دولت موقت اجازه عبور از مازندران تا ۲۱ پایی را داده است. هواپیماها در ۴۰۰۰ پایی به طرف خلیج فارس پرواز می کنند و حداقل یک پاکت برای کردهای شورشی فرو می ریزند. دولت موقت درخواستهایی برای پرواز بلوچستان دریافت داشته ولی به آنان پاسخ مثبت نداده است. انتظام گفت دولت موقت اکنون مطمئن شده که جرج حبش سه مرتبه در کردستان بوده و به کردها کمک مالی کرده است.

۱۴ انتظام گفت که شورای انقلاب در حال حاضر انقلاب اقتصادی برای بازسازی کشور را مورد بررسی قرار می دهد انتظام گفت که خود او روشهای زیربنایی را تدارک دیده که در صورت اجرا، ۲ تا ۳ میلیون بیکار به سر کار برمی گرداند. طرح دیگری که از اقدامات نرمتری شامل می شود، ۵۰۰ هزار تا یک میلیون نفر را مشغول به کار می کند. او از توضیح بیشتر خودداری کرد.

۱۵ یادداشتهای بیوگرافیک : در گفتگو مسایل زیر روشن شد:

انتظام در سال ۱۹۵۵ در رشته مهندسی از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد، سپس به عنوان مهندس مشاور شروع به کار کرد. در سال ۱۹۶۳ به مدت ۱۱ ماه به پاریس رفت. از ۶۶ ۱۹۶۴ در دانشگاه برکلی کالیفرنیا مشغول تحصیل بود و در رشته اقتصاد درجه فوق لیسانس گرفت. از ۱۹۶۶ تا اواخر مارس ۱۹۶۹ در آمریکا کار کرد، بعد به عنوان مهندس مشاور به تهران برگشت. در سال ۱۹۷۱ شرکتی را تأسیس کرد که اخیراً منحل گردید. او تمام داراییهایش را که غیرنقدی بود فروخت. غیر از سهامی که در یک

کارخانه کوچک مواد غذایی داشت (چیزی که فداییان او را به خاطر آن متهم به سرمایه داری کردند). او ازدواج کرده و داری یک دختر بزرگ و دو پسر ۴ و ۶ ساله است. همسرش از آمدن به استکهلم خوشحال بود. ولی اخیراً دلش برای وطن تنگ شده است.

VANCE

وزیر امور خارجه ونس

تبادل اطلاعات

شماره : ۸۷۷۹

از: وزیر امور خارجه واشنگتن دی. سی.تاریخ: ۱۹/۵/۵۸

به: سفارت آمریکا در تهران فوری

گزارشگر: کوپر COOPER

طبقه بندی: سرّی

موضوع: تبادل اطلاعات

۱ موضوع تماماً محرمانه است.

۲ سیا (CIA) از کاردار آمریکا در استکهلم می خواهد که به انتظام اطلاع دهد که ما حاضریم تبادل اطلاعات بعد از دهم سپتامبر انجام شود. کاردار از انتظام خواهد خواست که با یزدی تماس بگیرد و یزدی با شما تاریخ دقیق تبادل اطلاعات را تعیین کند. هدف ما از انجام این روش این است که اطمینان حاصل شود که یزدی و انتظام در مواضعشان نسبت به این ملاقاتها هماهنگی کامل دارند.

۳ در این زمان شما نباید موضوع ملاقات را با یزدی و نخست وزیر در میان بگذارید. اگر این سؤال به میان آمد، شما باید از تمام مقامات رسمی که در این جلسه شرکت خواهند کرد آگاه شوید و بگویید که بعد از تماسهای بیشتر با واشنگتن به آنها جواب خواهید داد.

۴ امکان دارد که جرج کیو برای گفتگوهای بیشتر با انتظام سفر دیگری به استکهلم بنماید و ما تصویب سفر را تا تصمیم و بررسی نهایی واشنگتن به تعویق انداخته ایم.

کوپر

تبادل اطلاعات (سرّی)

از: سفارت آمریکا در استکهلمسرّی تهران ۳۳۲۸

به: وزیر امور خارجه واشنگتن دی سی. فوری ۱۴ اوت ۷۹ ۲۳/۵/۵۸

گزارشگر: کندی مینوت

موضوع: تبادل اطلاعات (سرّی)

۱ تمام موضوع سرّی

۲ همان طوری که در مرجع اطلاعاتی ب اشاره شده است، انتظام از ۱۸ تا ۲۲ آگوست در تهران خواهد بود. او در ۱۵ آگوست، استکهلم را به قصد بن ترک خواهند نمود تا «مشکلات دانشجویی» را حل کند و سپس از فرانکفورت در ۱۷ آگوست به ایران رهسپار خواهد شد.

۳ خبر پرشت توسط معاون رئیس اطلاعات به ما رسید. انتظام گفت که او قبل از سفرش به ایران و یا به محض ورود به ایران با دکتر یزدی در مورد تبادل اطلاعات تماس خواهد گرفت. انتظام می داند که این اطلاعات ممکن است از نظر محتوی کامل نباشد و اگر ملاقات در دهم سپتامبر انجام می گرفت، ممکن بود از محتوای بهتری برخوردار باشد. انتظام به کاردار گفت که با یزدی تماس خواهد گرفت و ترتیب ملاقات را خواهد داد. انتظام گفت با کاردار «لینگن» بعد از گفتگوی او با یزدی تماس گرفته خواهد شد تا مناسبات را فراهم آورد.

KANNEDY – MINATT

ملاقات برای تبادل از اطلاعات

ص: ۵۵۳

از: واشنگتن دی. سی تهران ۸۶۶۴ ۲۰ اوت ۷۹ ۲۹/۵/۵۸ سرّی

به: سفارت آمریکا در تهران

گزارشگر: کریستوفر

موضوع: ملاقات برای تبادل از اطلاعات.

۱ مطالب تماماً سرّی است.

۲ افسر اطلاعاتی «رابرت کلیتون امس» در ساعت ۱۰ صبح ۲۱ آگوست از پاریس وارد تهران خواهد شد. او حامل یک جواز مخصوص خواهد بود برای اینکه بتواند از مطالب اطلاعاتی مورد تملک خود محافظت کند.

شماره پاسپورت «امس» ۱۳۵۱۳۱ و تاریخ صدور آن اول ژوئن ۱۹۷۸ و محل صدور آن واشنگتن است. لطفاً به استقبال او آمده و او را یاری کنید. اگر ممکن است پیشنهاد می کنم که شما نحوه این گفت و شنود اطلاعاتی را به امس تذکر دهید، تا قبل از ملاقاتش با مقامات ایرانی از آنها آگاه شود.

کریستوفر

صحبت با سفیر جدید ایران

ص: ۵۵۴

شماره : ۳۶۳۸

از: سفارت آمریکا استکهلم ۱۰/۶/۱۳۵۸ اول سپتامبر ۷۹ محرمانه

به: وزارت خارجه واشنگتن دی سی. با حق تقدم

ارجاع به: استکهلم ۳۶۲۹

موضوع: صحبت با سفیر جدید ایران

۱ (محرمانه تمام متن)

۲ شروع خلاصه: عباس امیرانتظام سفیر ایران در سوئد (و دیگر کشورهای شمال اروپا) روز ۳۰ اوت یعنی کمتر از ۴۸ ساعت پس از تسلیم استوارنامه اش به کارل گوستاو شانزدهم (پادشاه سوئد) به ملاقات سفیر آمد. انتظام در یک مذاکره پردامنه در مورد مقاصد هیئت دیپلماتیک خود، شورش کردها، روابط ایران و آمریکا، و نارضایتیش از وسایل ارتباط جمعی سوئد صحبت کرد. (پایان خلاصه).

۳ عباس امیرانتظام، معاون سابق نخست وزیر در دولت بازرگان و رهبر نهضت مقاومت ملی ایران، در ۲۸ استوارنامه های خود را تسلیم کارل گوستاو شانزدهم پادشاه سوئد کرد. در ۳۰ اوت همراه همسرش به منظور ابراز احترام در اقامتگاه سفیر به ملاقاتش آمد. این، ملاقاتی دلپذیر، بی آلایش و صمیمانه بود که طی آن انتظام به خواست خود، اطلاعاتی در مورد مقاصد هیئت خود، روابط ایران و آمریکا، مسئله کردها و وسایط جمعی سوئد ارائه نمود.

۴ انتظام با لحنی جدی و جدا از مهمل گویی گفت که وظیفه عمده ای که در پیش دارد اقدام به مسافرت وسیع در اروپاست (از وی این طور استنباط شد که تمام اروپا را می گوید) تا با دو گروه مقدم ایرانی یعنی دانشجویان و صاحبان مهارت مثلاً ایرانیانی که مهارتهای مدیریت و تکنیکی دارند تماس حاصل کند، و آنها را از «واقعیات» و «حقیقت» انقلاب آگاه کند. او گفت که تعداد ایرانیان در اروپا، خصوصاً دانشجویان،

بسیار بیشتر از آن چیزی است که آمار رسمی نشان می دهد زیرا در خلال رژیم شاه، اگر نگوییم اکثر، بسیاری از دانشجویان از آشکار ساختن خود به سفارتخانه ها خودداری می کردند. وی به عنوان اعتراض افزود که خیلی از دانشجویان ایرانی هم عوامل ساواک بوده اند. انتظام گفت جهت دستیابی به ایرانیان تلاش ریشه داری به وسیله گروههای مذاکره کننده، سمینارها و کنفرانسهای مطبوعاتی خواهد کرد. به هر حال وقتی که برمی گردند، دولت ایران قادر به تأمین کمکهای مالی آنها و یا وعده برنامه یا استخدام آنها نخواهد بود. او اعتقاد داشت که ایمان مذهبی و نوعی حس ناسیونالیسم و غرور باید باعث بازگشت آنها شود. او تعداد دانشجویان ایرانی سوئد را بین ۳۰۰۰ تا ۳۵۰۰ نفر تخمین زد. این رقمی است که به میزان قابل ملاحظه ای بیشتر از آن است که قبلاً اظهار می شد. انتظام بین ایرانیان و دانشجویان ایرانی کرد الاصل تمایزی قائل نمی شد و صحبتی از ۲۰۰ تن از کردها که روز ۲۵ اوت در سفارتخانه اش تظاهرات کردند، نکرد و همچنین صحبتی از دانشجویان کرد که در سراسر این هفته با پیاده روی جلوی سفارت را به اشغال خود درآوردند، و به اعتراض به زد و خوردهای کردستان دست به اعتصاب غذا زده بودند به میان نیاورد.

۵ انتظام گفت وی شخصاً مطمئن است که شورویها «غیر مستقیم» مستقیماً «هرگز» ر شورش فعلی حزب دموکرات دست دارند، و فکر می کند ارتش به زودی آن را سرکوب خواهد کرد. او گفت که پیام اخیر خمینی که در آن مردم را به «مسلح شدن فرا خوانده» است عملی لازم و پر اهمیت بوده و کارایی آن با جواب تمام ایرانیان حقیقی ثابت شد. او گفت همان طوری که جریان وقایع آینده نشان خواهد داد، دولت

وی قادر به ریشه کنی فکر مارکسیست لنینیستی و مائوئیستی می باشد. وقتی پرسیده شد که چه مدتی برای ثبات یافتن اوضاع لازم می باشد؟ او گفت بین شش ماه تا یک سال.

۶ انتظام گفت در عین حالی که نیازهای ایران عظیم می باشد ولی آنقدری که به قطعات یدکی مخصوصاً قطعات هلیکوپتر و هواپیما نیاز هست به اسلحه احتیاج نیست، او برآورد کرد که تقریباً ۱۰۰۰ هلیکوپتر به علت نگهداری نادرست و فراهم نبودن قطعات یدکی بر زمین هستند. او این نیاز مشخص را «حیاتی» خواند. وی توضیح داد که انبارهای قطعات یدکی هلیکوپتر و هواپیما مملو از تجهیزات پیشرفته هستند اما قطعات اصلی فلزی که مورد نیاز می باشند در قلت به سر می برند. او از سفیر پرسید که آیا کمک خواهد کرد تا این پیام به مقامات ایالات متحده برسد و سفیر اطمینان داد که توصیف وی از اوضاع به اطلاع واشنگتن خواهد رسید.

۷ انتظام و سفیر بر سر این موضوع توافق داشتند که اینک به تلاش وسیعی احتیاج هست تا هم ایرانیها و هم آمریکاییها از مسایل مورد نظر یکدیگر و وقایع ایران آگاه شوند. سفیر به انتظام اطمینان داد که مایل است با وی در تماس نزدیک باشد. انتظام اظهار تشکر کرد و گفت که وی تاکنون صحبتهای سودمندی با معاون هیئت رئیسه که قبلاً کاردار بود، داشته است و البته تمایل دارد که ارتباط نزدیک با کارمندان سفارت آمریکا را ادامه دهد.

۸ انتظام نارضایتی خود را از نحوه برخورد وسایل ارتباط جمعی سوئد در رابطه با اوضاع ایران خصوصاً اوضاع کردها و تشریح آنها در مورد شخص خودش ابراز کرد. همان طوری که در تلکس مرجع آمده است مطبوعات سوئد به انتظام به عنوان نماینده جاهلیت خمینی که باعث سرکوب وحشیانه کردها شده است شدیداً حمله کرده اند. انتظام گفت که از بیاناتی هم که نخست وزیر سوئد در مورد تلاش نظامی و سیاسی دولت ایران بر علیه کردها ایراد کرده است نامسرور است.

۹ انتظام روز ۴ سپتامبر برای چهار روز وارد کپنهاک می شود و طی آن استوارنامه های خود را تقدیم می کند. پس از آن به همان منظور سفر خود را به ترتیب به اسلو، هلسینکی و ریکیاویک ادامه می دهد.

۱۰ طی صحبت، انتظام بی نهایت مشتاق، بی آلایش، صمیمی و در عین حال موقعی که از وقایع جاری در ایران بحث می کرد خیلی جدی بود. وی ابزار امیدواری کرد که آمریکا دیگر هرگز به خود اجازه ندهد برای مدت طویلی مثل ۲۵ سال از حقیقت جدا افتد. او گفت آمریکا می توانست احساسات حقیقی مردم را بشناسد؛ ولی اشخاص معینی بین شما مایل نبودند که حقیقت را بشناسند.

۱۱ انتظام و همسرش، که دانشجوی سابق دانشگاه ایالتی سانفرانسیسکو است با اشتیاق درباره اقامتشان در کالیفرنیا صحبت کردند.

انور انتظام، زن ریز نقش و زیبایی است که صاحب استعداد طنز خوب و رفتار بی آلایش و مهرآمیز هم می باشد. وی انگلیسی را با لهجه عامیانه آمریکایی صحبت می کند و در لباس پوشیدن ذوق به کار می برد.

خانم و آقای انتظام سه فرزند ۹، ۷، ۲ ساله دارند.

مینوت کندی ۳۶۳۸

مذاکره با انتظام

ص: ۵۵۶

شماره : ۱۹۶۴

از: سفارت آمریکا استکهلمتاریخ: ۱۹اکتبر ۷۹

به: وزارت امور خارجه واشنگتن فوری

بااطلاع: سفارت آمریکا تهران فوری

ارجاع به: (A) آمریکا ۲۵۸۴۱۵، (B) تهران ۱۰۴۶۸

موضوع: مذاکره با انتظام

۱ (سرّی تمام متن)

۲ وزیر مختار در ۱۵اکتبر به امیرانتظام تلفن زد تا همان طور که تلکس مرجع پیشنهاد کرده بود تحولات اخیر ایران را مورد بحث قرار دهند. به هر حال انتظام به بحث در مورد تحولات خاصی از قبیل شخصیتهای جدید کابینه اظهار تمایل کرد ولی تمایلی به بحث در مورد روابط عمومی آمریکا و ایران نداشت. وی به تفصیل تأسف خود را از کوتاهی آمریکا در اتخاذ اقدامات عملی ابراز نمود. اقداماتی که بلافاصله باعث بهبود روابط دو جانبه شود و بازرگان و اطرافیان او مثل انتظام که علیرغم «امتناع آمریکا» هنوز با اصرار هرچه تمامتر طرفدار غرب هستند تقویت کند و به تدریج حرکات ضد آمریکایی آیت اللّه خمینی را «رهبری که شما (آمریکا) باید با او کنار بیایید» ملایم کند.

۳ از همان اوایل روشن بود که فکر و قلب او در جهت توصیف اعضای جدید کابینه نبود و نخواهد بود. در مجموع وی این واقعیت را بیان داشت که تغییرات کابینه تأثیر بسیار کمی بر مقاصد اقتصادی دولت تا تحولات ایران خواهد داشت. اگر تأثیری هم باشد، این خواهد بود که این شخصیتهای جدید باعث تقویت تصمیم به محو آثار گذشته و کار تبدیل ایران به یک جمهوری اسلامی حقیقی در چند سال آینده خواهد شد. چند عضو جدید مخصوصاً یداللّه سحابی و پسرش عزت اللّه سحابی «خیلی مذهبی» هستند، و

خوشبختانه کمک خواهند کرد تا تمایزات بین چهره های مذهبی و غیر مذهبی کمتر نمایان شود.

۴ انتظام به طور مختصر اسامی اعضای جدید کابینه را به شرح زیر بیان داشت:

... چمران مهندس بسیار عالی، عمر خود را تماماً وقف انقلاب یا کار نموده است، رهبر جنبش مقاومت، ۱۵ سال در آمریکا گذرانده است، در لابراتوارهای بل روی طرحهای تحقیقاتی فضایی کار می کرد تا اینکه آمریکا وی را به جهت نظرات سیاسیش «بیرون انداخت». چمران یکی از بزرگترین رهبران انقلاب خواهد بود. علیرغم رفتار خشن آمریکا، چمران می خواهد با آمریکا رابطه داشته باشد. برای کشور حماقت است اگر چمران و نیازهای (دفاعی) ایران نادیده گرفته شود.

... فروهر وکیل عالی، حدود ۵۰ ساله، رهبر حزب ملت ایران بود...

شهیدی چهل و اندی ساله، عضو حزب آزادی «مثل خودم» (احتمالاً اینجا اشاره انتظام به نهضت آزادی ایران بود.)

...عزت اللّه سحابی مهندس، فارغ التحصیل دانشگاه تهران، حدود ۵۲ ساله، عضو نهضت مقاومت با انتظام.

...بنی اسدی اوایل دوره چهل سالگی، فارغ التحصیل یک کالج آمریکایی.

... حبیبی عضو حزب آزادی، اقامت در فرانسه، حدود ۴۸ ساله.

...یداللّه سحابی حدود ۴۷ ساله، «خیلی مذهبی»، پدر عزت اللّه سحابی.

۵ درباره نزیه، انتظام گفت او جای «امنی» پنهان است. وکیل و مدیر عالی است ولی در انتقادات خود بصیرت ندارد. مدتی قبل، طی سخنرانی، نزیه با بیان چندین موضوع و ابزار خشم و ایجاد سوءظن نسبت به رشد آهسته اقتصاد، سرانجام باعث اخراج شوم او از شرکت نفت شد. انتظام گفت او و دیگر دوستان نزیه «اعتقاد دارند که او می تواند نجات داده شود.»

۶ توجه انتظام هیچ گونه از موضوع روابط ایران و آمریکا پرت نشده. او یأس جدی را که خودش و دیگر ایرانیانی که در فرنگ تحصیل و مسافرت کرده اند، متحمل آنند را تشریح نمود. علت یأس کوتاهی آمریکا در نشان دادن آن علاماتی که حاکی از قبول انقلاب ایران و تمایل آمریکا به ارتباط با انقلاب بر اساس برابری و احترام می باشد.

انتظام گفت که آمریکا دقیقاً می داند که چگونه به نیازهای فعلی ایران پاسخ گوید... قطعات یدکی هواپیما، از بلوکه خارج نمودن وجوه ایران در آمریکا، مواد خام برای صنایع ایران، و غیره... در حالی که مقامات آمریکایی در تهران و واشنگتن الفاظ امیدوارکننده ای بر زبان می آورند از اتخاذ اقداماتی که پشتوانه آنها عاجز شود، عاجزند. در بین آنها که آمریکا را بهتر از همه می شناسند این سوءظن رشد می کند که آمریکا در حال بازی یک سیاست انتظار است. انتظام گفت که اگر استراتژی همین است، شکست خواهد خورد. ایران به اندازه کافی مشکلات دارد و پنهان نمی شود که اختلافات جدی در مورد اینکه تا کجا و به چه سرعتی با انقلاب همراهی شود. اما همه بر این اتفاق نظر دارند که به «شاهی که شما حمایتش می کردید» یا هر شاه دیگری اجازه داده نخواهد شد که حکومت کند. آمریکا بهای زیادی برای این بازی سیاست انتظار خواهد پرداخت. انتظام نسبت به این توضیحات که قوانین و نه سیاست آمریکا باعث تأخیر ارسال چیزهایی مثل قطعات یدکی هلیکوپتر شده است اعتنایی نکرد. او گفت زمانی که شاه چیزی را می خواست، آمریکا با موفقیت راههایی برای تهیه آنچه شاه می خواست پیدا می نمود. الآن آمریکا می تواند

به آسانی در یک لحظه راههایی را برای کمک به تهران پیدا کند.

۷ انتظام به بدگمانی رهبران انقلاب نسبت به اتحاد جماهیر شوروی اشاره نمود. در عین حال سفیر شوروی فعالترین شخص در تهران است. روزانه از مؤسسات دولتی با پیشنهادات هر نوع کمک دیدن می کند. او مداوم پس زده می شود ولی دوباره پدیدار می شود تا دوباره کوشش کند. امیرانتظام گفت فعالیت شوروی مشخصاً مقابل موضع آمریکا، که به چشم خیلی از ایرانیانِ والامقام کاملاً انفعالی است، قرار دارد. وزیر مختار در جواب گفت که این اشتباه بزرگی است که حرف آمریکا را که واقعاً قصد برقراری روابط حسنه بر پایه احترام متقابل و منافع دارد باور نشود. پیشنهاد شد که انتظام می تواند بعداً که به تهران برمی گردد به لینگن، کاردار تلفن بزنند و سیاست آمریکا را مورد بحث قرار دهند. انتظام گفت که چنین خواهد کرد و اشاره نمود که از ۹ تا ۱۷ اکتبر در تهران خواهد بود.

۸ انتظام ۶ اکتبر عازم پاریس شد. هدف عمده در آنجا برپا کردن یک «روزنامه ایرانی است که به آلمانی، فرانسه و انگلیسی چاپ می شود تا در سرتاسر اروپا منتشر شود.» او گفت این شبیه به فعالیتی است که هم اکنون در واشنگتن اجرا می شود صدای ایران و منظور از آن توضیح اهداف، روشها و سیاستها و مشکلات ایران می باشد.

۹ انتظام در ۱۸ اکتبر به استکهلم باز خواهد گشت و مدت کوتاهی پس از آن اعتبار نامه های خود را در اسلو و هلسینکی تسلیم خواهد نمود.مینوت کندی ۴۱۶۴

سفارت ایالات متحده آمریکا در تهران، ایران ۱۵ اکتبر، ۱۹۷۹

آقای سفیر عزیز

وقتی، روز بعد صحبت کردیم شما از من یک ورقه کاغذ که موقعیت انتقالات بخشهای اضافی را آن طور که ما در نظر داریم تشریح کند، درخواست نمودید. یک ورقه کاغذ از این نوع ضمیمه است، امیدوارم مفید باشد.

من از فرصتی که برای گفتگوی بی پرده راجع به بعضی از مشکلات در روابط بین ایران و آمریکا دادید قدردانی می کنم. همانطور که وزیر در نیویورک به دکتر یزدی اشاره کرد، هدف ما این است که با دولت شما به طور صمیمانه کار کنیم تا یک رابطه استوار بر واقعیتهای جدید در ایران را ایجاد نمایم.

با گرمترین سلامها

دوستدار ل. بروس لینگن

کاردار سفارت آمریکا در ایران

ضمیمه دارد.

مکالمه کاردار با سفیر امیرانتظام

ص: ۵۵۹

شماره : ۱/۱۰۹۷۷

از: سفارت آمریکا در تهرانمحرمانه ۲۳/۷/۵۸

به: واشنگتن فوری

رونوشت: سفارت آمریکا در استکهلم ۱۲۵

جناب آقای امیرانتظام سفیر وزارت امور خارجه تهران ایران

موضوع: مکالمه کاردار با سفیر امیرانتظام

۱ کل متن محرمانه است.

۲ خلاصه: کاردار ۴ در تاریخ ۱۳ اکتبر با سفیر ایران در سوئد، انتظام، ملاقات کرده تا درباره روابط ایران و آمریکا با او بحث کند. در طول بحث امیرانتظام به سوءظن ایرانیان اشاره کرد که آمریکا یک «بازی انتظار» را در پیش گرفته است و امیدوار است که دولت جدید ایران سقوط کند. او خواست که ایالات متحده ابتکار پیشنهاد برای حل مشکلات حکومت فعلی ایران مثل قسمتهای یدکی پیچیده ارتشی و قراردادهای تجاری را به دست گیرد. انتظام پیشنهاد کرد که کاردار کلیه تماسهای خود را با کلیه مشاوران حکومت فعلی ایران و دیگران از طریق وزیر خارجه یزدی برقرار کند، تا او قادر باشد به شکل صحیحی مشاوران را روشن کند. کاردار با حالت اعتراض اشاره کرد که کلیه تلفنهای بین سفارت و مشاوران حکومت فعلی ایران از طریق اداره تشریفات وزارت خارجه درخواست شده است. در پایان مکالمه امیرانتظام اشاره کرد که خمینی به ما اطمینان دارد (خودش، یزدی و بازرگان). اما اشاره کرد که این کمک بزرگی به این گروه است اگر آمریکا بتواند کمک کند تا آنها راه حلی برای مشکلات بین ایران و آمریکا پیدا کنند. (پایان خلاصه)

۳ کاردار از تاریخ ۱۳ اکتبر، ملاقاتی با امیرانتظام سفیر ایران در سوئد کرد که در اداره نخست وزیری

بود (او به تازگی به اتاق هویدا نقل مکان کرده است) که این نشان می دهد که او به رابطه نزدیکش با بازرگان ادامه می دهد. فضای مذاکره در ابتدا سرد بود ولی در انتهای مذاکره به گرمی گراییده بود. انتظام در میان نقطه نظر دولت فعلی ایران انعطاف پذیری از خودش نشان نداد و نمی توانست با دیده اغماض از این جرم آمریکا بگذرد که اگر آمریکا می خواهد روابطش را با ایران بهبود بخشد باید یک روش اصلاحی در پیش گیرد. انتظام صریحاً خودش را از یک گروه نخبه مدرنیستها (بازرگان، یزدی، چمران) می داند که مورد اعتماد خمینی هستند و کسانی هستند که رابطه ایران و آمریکا را حمایت می کنند و در برابر یک اکثریت محافظه کار.

۴ صدور تجهیزات نظامی: کاردار سر صحبت را با بیان قدردانی ما از صحبتهای مفید انتظام با سفارت آمریکا در استکهلم باز کرد. او اشاره کرد به اتفاقات اخیر در روابط ایران و آمریکا با تأکید بر اینکه آمریکا می خواهد روابطش را با ایران بهبود ببخشد و بازی انتظار که امیرانتظام با سفارت ما در استکهلم مطرح کرده بود نبوده است. کاردار سپس به مسئله تجهیزات نظامی پرداخت با اشاره به اینکه اگر چه دکتر یزدی در نیویورک ما را متهم کرده بود که تحویل تجهیزات را به تأخیر می اندازیم، ولی بیشتر تأخیر به خاطر آماده نبودن وسایل حمل و نقل ایران بوده است.

۵ انتظام بیان کرد که این برداشت او بود که یکی از مشکلات بزرگ حل نشده تحویل قطعات طبقه بندی شده نظامی به ایران بوده است. کاردار تشریح کرد که مسایلی در رابطه با مقررات ما وجود دارد

که دلیل بر این تأخیر باشد و همچنین ما احتیاج داریم که از امنیت این تجهیزات مطمئن شویم. او گفت که ما هنوز مشکلات بزرگی در دسترسی ساده به ۱۴ - Fها داریم. لازم است که این مسایل به طور مجزا بررسی شود. انتظام گفت که به نظر می رسد که شما منتظر نتیجه انقلاب هستید تا اینکه توطئه جدید بر علیه کشور مطرح کنید. انتظام گفت که او شخصاً درک می کند که این مسئله حقیقت ندارد، ولی این چیزی نیست که ملت ایران به طور کلی به آن اعتقاد دارند.

اگر آمریکا می خواهد ثابت کند که صداقت دارد، باید با پیشنهاداتی برای حل مشکلات اساسی پیش آید. دولت فعلی ایران فکر می کند که ایالات متحده در مورد قراردادهای نظامی دولت گذشته ایران را فریب داده است و اگر حالا دولت آمریکا در درخواستش برای بهبود در روابط صادق است باید این مشکلات را تصحیح کند.

۶ کاردار به خلاصه اعمالی که تا به حال انجام شده در جهت حل مسئله تجهیزات FMSنظامی از قبیل سرمایه گذاری مطمئن، تبادل اطلاعات و چیزهای دیگر پرداخت. او گفت که می فهمد که بعضی از ایرانیها فکر می کنند که این تأخیرات از جهت حکومت آمریکا بوده است در حالی که در داخل خود آمریکا در بین مردم این انتقاد وجود دارد که هنگامی که جنگ در کردستان ادامه دارد دولت آمریکا به ایران قطعات یدکی می دهد.

۷ در این حال بارها مکالمه برمی گشت به مسئله تجهیزات FMS نظامی و هر وقت کاردار می خواست توضیح دهد که چه کارهایی در این مورد تا به حال انجام شده با این جواب انتظام رو به رو می شد که آمریکا باید خود را بیشتر مایل جلوه دهد. خصوصاً او درخواست نامه ای را می کرد که در آن مشخص شود که در چه مواردی دولت ایران خودش باعث تأخیر در دریافت این تجهیزات شده است. (سفارت مشغول تهیه خلاصه ای از این است) و درخواست کرد که آمریکا پیشنهاداتی در جهت رفع دیگر مشکلات نیز تهیه

کند (به نفع دولت ایران). او چندین مرتبه درخواست کرد که جلسه ای برای ملاقات با طرفهای آمریکایی بعد از اینکه آنها پیشنهادات خود را تهیه کردند برگزار شود. اگرچه امیرانتظام نامه ای در جهت حل مسئله قطعات یدکی طبقه بندی شده می خواست کاردار تشریح کرد که مسایل باید به طور جداگانه ای هر کدام بررسی شوند. در چندین جا امیرانتظام توضیح داد که روسها خیلی آماده برای همکاری بودند و با پیشنهادهای تازه به طور مداوم می آمدند در حالی که آمریکاییها هیچ پیشنهادی نداده بودند.

۸ امور اقتصادی: در طول مکالمه امیرانتظام همان مطلب را نیز در مورد مسایل اقتصادی همانند معاملات نظامی بیان کرد. حکومت ایالات متحده می تواند خیلی بیشتر از آن چیزی که فعلاً انجام می دهد در جهت کمک به حکومت فعلی ایران در حل مسایل اقتصادی دادگاهی انجام دهد، امیرانتظام گفت که ما هر روز میلیونها دلار برای این قراردادها ضرر می دهیم در حالی که حکومت آمریکا خیلی به کندی با ما پیش می آید. کاردار گفت که او نمی تواند این طرز بیان را بپذیرد. کاردار محدودیتهای ما را در انجام آنچه که از نظر قضایی از دست ما برمی آید (تحت نظام قضایی خودمان) توضیح داد و شرح مختصری از کارهایی که تا حال شده بود داد.

۹ مدارک و اسناد تماسهای رسمی: در طول صحبت کاردار، زمینه های صحبتش با صباغیان در مورد اعدام سه سناتور را برای انتظام توضیح داد. او گفت که صحبت با صباغیان سودمند و جالب بوده است. همچنین او گفت که ما متأسفیم که این مسئله برای عموم عنوان شده است. انتظام تکرار کرد که امیدوار

است در آینده کاردار چنین تماسهای اساسی را به یزدی و بازرگان و چمران محدود کند. اگر او بخواهد دیگر مقامات رسمی حکومت فعلی ایران را ببیند، باید ابتدا مستقیماً با یزدی مطالبش را مطرح کند. انتظام گفت که ما در اقلیت هستیم. اکثر رهبران دیگر حکومت فعلی ایران در واقع درک نمی کنند که چه موازنه حساسی را ایران باید بین آمریکا و شوروی حفظ کند. آنها ممکن است آنچه را که در ملاقات می گذرد بیشتر از حد خود جلوه دهند و مردم را از آن مطلع کنند. مسئله صباغیان، اگر با یزدی یا انتظام از ابتدا مشورت می شد، این به آنها فرصتی می داد تا مقامات رسمی مورد نظر را توجیه کند. او و یزدی نمی خواهند روابط کاردار را با مردم قطع کنند بلکه می خواهند مطمئن بشوند که مشکلی رخ نمی دهد. کاردار به طور مؤدبانه ای اعتراض کرد که کلیه قرار ملاقاتهای او از طریق اداره تشریفات وزارت امور خارجه است. او اشاره کرد که سفارت معتقد است که باید تماسهای بیشتری با ایرانیان خصوصاً «رهبران اسلامی داشته باشند. امیرانتظام موافق بود ولی پیشنهاد کرد، کاردار چنین مطالب مهمی را در این جلسات مطرح نکند.»

اگر شما چنین عمیق وارد مسایل بشوید، نتیجتاً همه چیز نابود خواهد شد. مثل سفیر شوروی باشید او هرگز نقطه نظری را پیشنهاد نمی کند. در حقیقت او حتی وقتی که یزدی و امام به دولتش حمله می کنند چیزی نمی گوید. او چنین بیاناتی را فراموش می کند (به نظر می رسید انتظام کلیه رهبران حکومت فعلی را بجز احتمالاً چمران در لیستی می بیند که باید توسط یزدی چک شود).

۱۰ حمله مطبوعات به ایالات متحده: به منظور مقابله با تأکید انتظام در این مورد که حکومت ایالات متحده سعی کافی در جهت حل مشکلات روابط ایران و آمریکا انجام نداده است. کاردار زمینه هایی را مطرح کرد که دولت ایران کاری برای کمک انجام نداده بود. مانند دستیابی به اموال آمریکا (نظامی)، پرداخت غرامت به سفارت در جهت ترمیم خسارات وارده بعد از اشغال آن (اشاره به حمله به سفارت بعد از انقلاب)، زندانی کردن اتباع آمریکایی بدون جرم، اخراج روزنامه نگار ما و مشکلات ما با پاسداران در

داخل سفارت هنگامی که ما سعی می کنیم مفید باشیم، مانند تأمین نفت سوختی ما، خودمان را مورد انتقاد قرار می دهند. حکومت فعلی ایران ظاهراً تشخیص نمی دهد. که این طور مسایل همراه با فقدان عملکرد صحیح در سیستم دادگاهی چه تأثیرات جدی روی افکار عمومی آمریکا می گذارد. مسئله با یک سری حملات مداوم و بی پایه در نشریات تهران که نیمه دولتی هستند، تشدید می شود. این اتهام که سه سفیر قبلی CIA سیا همدست شده بودند و بر علیه انقلاب توطئه چینی می کردند و می خواستند انقلاب را سرکوب کنند مثال خوبی برای این جریان است.

۱۱ انتظام بیان کرد که دولت فعلی ایران چنین چیزی را مطرح نکرده است. این کار مطبوعات بوده است. کاردار مطرح کرد که معاون نخست وزیر، طباطبائی، جملات عرفات را در این مورد تکرار کرد. به نظر می رسید که امیرانتظام به خوبی خجالت کشید و گفت: ولی ما قبلاً این جریان را اصلاح کرده ایم. آیا شما این مسئله را در روزنامه های امروز ندیدید؟ انتظام ادامه داد که در صحبت با بازرگان و طباطبایی این توافق به دست آمده بود که یک مقاله در جهت پس گرفتن این حرف ابتدا در خبرگزاری پارس و سپس توسط کلیه نشریات ایرانی پخش شود (نکته: تابه حال هیچ مقاله ای در جهت پس گرفتن این حرف در هیچ یک از نشریات چاپ نشده).

۱۲ دانشجویان: انتظام گفت که حدود ۳۲۰۰ دانشجوی ایرانی در سوئد و ۳۰ تا ۴۰ هزار در اروپا هستند. او نگران که به این مسئله بود که دانشجویان در سوئد فقط زبان سوئدی را فرا می گیرند به جای

فراگیری یک زبان بین المللی و او معتقد بود که آنها باید زبان بین المللی را فراگیرند. کاردار تکرار کرد که سفارت ایالات متحده در بخش کنسولگری امکانات خود را محدود کرده و شرایط نمره روی اعتبار مدارس تأکید کرد: ما امیدواریم که حکومت فعلی ایران درک کند که چرا درصد رد ویزای دانشجویی اینقدر زیاد است. ما سعی می کنیم که مطمئن بشویم که فقط دانشجویان با کیفیت لایق به ایالات متحده پذیرفته شوند. انتظام گفت که او مسئله را درک می کند و در حقیقت در خارج سعی می کنند به دانشجویان بفهمانند برای همیشه نمی توانند دانشجو بمانند.

۱۳ در انتهای مکالمه کاردار دوباره بیان کرد که امیدوار است انتظام دولت فعلی ایران را متقاعد سازد که حکومت ایالات متحده در فکر حل مشکلات در روابط دو کشور هست. ما امیدواریم که انتظام بتواند کاری کند که تبلیغات ضد آمریکایی در نشریات ایرانی کاهش یابد. انتظام تکرار کرد که او صادقانه فکر می کند که رابطه بین ایران و آمریکا باید بهبود یابد و دوباره درخواست کرد که ایالات متحده سعی کند هرچه زودتر راه حلهایی برای مشکلات متقابل دو کشور پیدا کند. در جواب یک سؤال کاردار انتظام گفت که خمینی به آمریکا اطمینان ندارد. او به بازرگان و یزدی و انتظام اطمینان دارد. به این دلیل است که ما اینجا هستیم. انتظام گفت که اگر بتواند در حل مشکلات آمریکا در ایران موفق شود، این موضوع آنها را قوی خواهد کرد. انتظام اشاره کرد که کاردار باید از یزدی بخواهد یک قرار ملاقات از خمینی برای او ترتیب دهد.

یزدی و انتظام ملاقات اطلاعاتی

از: سفارت آمریکا در تهران تهران ۱۱۰۸۹محرمانه

به: وزیر امور خارجه آمریکا۲۶/۷/۵۸

موضوع: یزدی و انتظام ملاقات اطلاعاتی

۱ تمام متن محرمانه است.

۲ بعد از ظهر ۱۵ اکتبر کاردار به همراه R. SMITH و G. CAVEبرای دو ساعت با وزیر خارجه یزدی و سفیر ایران در سوئد، عباس امیرانتظام ملاقات کردند. دکتر چمران هم قرار بود بیاید. وی در کردستان بوده است.

۳ کاردار مقدمتاً توجه یزدی را به تفسیر تندی که در تاریخ ۱۵ اکتبر از رادیو پخش شده بود جلب نمود. یزدی موافقت کرد به مقاله نظری بیندازد و برخورد با مطبوعات مسئله اصلی در طی ملاقات بود. یزدی اصرار داشت که توطئه ای از طرف مطبوعات آمریکا بر علیه (انقلاب) ایران تدارک دیده شده و گفت موقعی که نیویورک بوده عده زیادی از نمایندگان وسایل ارتباط جمعی آمریکا با وی ملاقات کردند. وی نگفت چه کسانی و در کجا و کی ملاقات داشتند. ما اثری از گزارش مطبوعاتی در مورد چنین ملاقاتی در موقع اقامت او در نیویورک پیدا نکردیم.

۴ یزدی پرسید که چه عکس العملی از طرف دولت آمریکا نسبت به ملاقاتهای وی با سایروس ونس و مقامات برجسته آمریکایی مشاهده شده؟ به یزدی گفته شد که از نظر مقامات آمریکایی ملاقات خوب نبوده. ما توقع داشتیم که ملاقات با وزیر خارجه آمریکا پایه بهبود روابط ایران و آمریکا را بریزد. اما مواضعی که یزدی اتخاذ کرده به ما نشان داد که هر بهبودی در روابط دوجانبه ایران و آمریکا یک مرحله از آنچه پیش بینی می کردیم کندتر خواهد بود. مسایل از واقعیات خود بزرگتر تصور شده بودند. در این ملاقات یزدی از ملاقاتهای اخیر آرامتر به نظر می رسید.

۵ در زمانی که گفتگو برای حل مشکلات قطعات یدکی و وسایل نظامی جریان داشت وی (یزدی) تصدیق کرد که بعضی از این مشکلات به علت عدم هماهنگی مؤثر از طرف دولت ایران بوده اما او مؤکداً اظهار کرد که عملاً در جستجوی شواهدی از حسن نیت آمریکا در جهت حل مشکلات می باشد. او از شنیدن مشکلات در منطقه امنیتی MOVخیلی ناراحت شد. وی گفت که نه سفارت و نه وزارت دفاع به وی در این رابطه حرفی نزده است. کاردار بر آمادگی دولت ایالات متحده در جهت حل مشکلات تأکید کرد. یزدی خاطرنشان کرد که مایل می باشد توسط گروه سه طرفه ای از سفارت، وزیر خارجه MFA و MONOوزارت دفاع، یک هیئت فعالی برای مقابله با مشکلات تشکیل گردد.

۶ هم امیرانتظام و هم یزدی به نظر می رسیدند که از ملاقات با SMITHو CAVE راضی بودند. یزدی مخصوصاً نسبت به خلاصه ای که در مورد مسایل انرژی آمریکا بوده خیلی علاقه مند بود ولی از تأثیری که فسخ کردن قرارداد گاز شوروی بر روی برنامه های انرژی شوروی می گذارد بی خبر بود. او گفت ایرانیان می کوشند که قیمت نفت گاز را از ۷۲ سنت در هزار فوت مکعب بالاتر ببرند. او همچنین از اتفاقات سیاسی که به خاطر اینکه شوروی بین ۸۳ ۸۱ وارد کننده نفت خواهد شد ممکن بود صورت گیرد، نگران بود و می پرسید منتظر چه جور فشارهایی باید باشد؟ او اشاره کرد که نظرات شوروی اخیراً خیلی دوستانه بوده.

۷ در مورد اینکه روسها وقتی که با نیاز وارد کردن نفت رو به رو می شوند ممکن است چه کار کنند، موضعی که از طرف آمریکا گرفته شد این بود که اساساً ما علاقه مند به بیان اطلاعات و واقعیات هستیم.

ایرانیان خودشان باید نتیجه گیری بکنند. ما به یزدی خاطرنشان ساختیم که برای روسها خیلی مشکل خواهد بود که پول نفت را در ارز قوی بدهند، چون این جلوی پیشرفت اقتصادی را می گیرد. در حال حاضر ۴۰٪ از درآمد تبادلات ارزی شوروی از نفت می آید و نتیجتاً از دست دادن چنین درآمدی ضربه سهمگینی به برنامه های اقتصادی آنها خواهد بود. مسئله ای که این موضوع را حاد می کند این است که این ضربه نسبتاً زود می آید. اول ما فکر می کنیم روسها سعی خواهند کرد که نفت را در شرایط سهلی بخرند و احتمالاً روی ایران فشار خواهند گذاشت تا با چنین قراردادی موافقت کند. یزدی فکر می کرد که این خیلی بعید است که ایران با چنین برنامه ای موافقت کند.

۸ طی بحث نفت، موضوع رئیس قبل شرکت نفت حسن نزیه، توسط کاردار پیش کشیده شد. یزدی توضیح داد که نزیه خطای مهمی کرده که با ایدئولوژی اسلامی انقلابی درافتاده است. آن طور که یزدی بیان کرد این یک اشتباه نابخشودنی از طرف نزیه بوده. یزدی سعی کرد وضع نزیه و آندرو یانگ در آمریکا را با هم تشبیه کند. کاردار جواب داد که چنین تشابهی خیلی غلط است. وقتی از محل نزیه پرسیده شد یزدی جواب داد که او زنده است و در تهران می باشد.

۹ مقدار زیادی از گفتگو به کردستان اختصاص داده شد. یزدی قانع شده بود که یک پشتیبانی قوی خارجی برای آشوب کردها وجود دارد. او وضع آنجا را وخیم توصیف کرد. دولت ایران اطلاعاتی داشته که به نظرشان قابل اعتماد بوده مبنی بر اینکه، آمریکا و اسرائیل هم با عراق در اخلال همدست بوده اند. کاردار سعی زیادی کرد که نشان دهد، آمریکا منافع خیلی کمی در کمک به شورشیان کرد دارد. نظر آمریکا در ثبات و تمامیت ایران است. علاقه عمده آمریکا در ایران این است که نفت جریان داشته باشد. هر وضعی در ایران که این جریان را تهدید کند، به ضرر منافع و علایق آمریکا خواهد بود.

۱۰ ما سعی کردیم که مسخرگی مسئله دخالت اسرائیل با عراق را در نظر بگیریم. نوع حمایتی که

کردها لازم داشتند، به دخالت اسرائیل احتیاجی نداشت. تازه عراق نمی توانست احتمال افشای همکاریش با اسرائیل را تحمل کند. یزدی به نظر می رسید فکر می کرد که عراق از طرف خودش از کردها حمایت نمی کند. ما توضیح دادیم که شاید عراق از نفوذ ملی گرایی شیعه نگران شده، و برای ضعیف کردن دولت ایران تصمیم به تقویت کردها گرفته. یزدی گفت که اطمینان کافی به صدام حسین در مورد اکثریت شیعه در عراق داده شده. یزدی گفت که اگر دخالت عراق ادامه پیدا کرد، ایران مسئله ایجاد تحرك میان جامعه شیعه عراقی را بررسی خواهد نمود.

۱۱ اینها و نظرات دیگر یزدی نشانگر مقدار زیادی خیالات واهی در مورد سیاست آمریکا نسبت به ایران می باشد. او گمان می کرد که گروهی داخل دولت آمریکا (احتمالاً سیا CIA) در فعالیتهایی دست دارند، مبنی بر برانداختن دولت ایران و این بدون اطلاع مقامهای ارشد آمریکا صورت گرفته. CIA سیا چنین کارهایی را در گذشته هم کرده است.

بازدید جرج کیو از تهران

ص: ۵۶۵

شماره : ۱۱۵۱

از: سفارت آمریکا تهران۳۰/۷/۱۳۵۸ ۲۲ اکتبر ۷۹

به: وزارت خارجه واشنگتن دی. سی. فوری

طبقه بندی: سرّی برای نیوسام معاون وزیرانتشار ممنوع چروکی

ارجاع به: تهران ۱۱۳۳

موضوع: بازدید جرج کیو از تهران

۱ (سرّی تمام متن)

۲ همان طوری که تلکس مرجع آشکار می کند، انتظام بین گروهی بود که من در مورد بیماری شاه برایشان توضیح دادم و تصمیم به سفر به آمریکا داشت. انتظام مانند هر کس دیگری از دولت موقت، نیاز به کنترل عکس العملی سیاسی را درك می کند.

۳ چون زمانی که ما دیروز توضیحات خود را ارائه دادیم جرج کیو تهران را ترک کرده بود من این طور فرض می کنم که او باز نخواهد گشت و نیازی به بازگشتن وی نیست. اینك من اطلاع دارم که دفتر نمایندگی به وی دستور داده است که از پاریس بازگردد و وی فردا صبح وارد خواهد شد. من به فرض اینکه وی دستوراتی دارد که مورد تأیید شماست و باعث باز شدن دست ما در اینجا می شود در این رابطه هیچ گونه مشکلی ندارم.

به هر حال من مایلم که بگویم که از لحاظ صرفه خودمان و در رابطه با روابطمان با انتظام (که اکنون سفر خود را به استکهلم تا آخر این هفته به تعویق انداخته است) حضور او ضروری به نظر نمی رسد.

از: سفارت آمریکا در الجزیرهسرّی: تهران ۳۰۲۵

به: وزیر امور خارجه در واشنگتن و سفارتهای آمریکا در مادرید، موترویا، پاریس، تهران، رباط، تریپولی، تاریخ ۸/۸/۵۸

موضوع: جشن بیست و پنجمین سالگرد انقلاب الجزیره.

۱ تمام متن سرّی است.

۲ با توجه به زمان بندی ملاقات بین دکتر برژینسکی و بن جدید، رئیس جمهور حکومت الجزایر و با وزیر امور خارجه، بن یحیی، به امکان تماس و ملاقات دکتر برژینسکی با رئیس هیئت کشورهای ذیل که در جشن شرکت می کنند، بستگی دارد:

اسپانیا: سفیر اسپانیا در الجزیره و مقامات دیگری از آن کشور از دکتر برژینسکی درخواست ملاقات کرده اند.

فرانسه: سفیر فرانسه در اسپانیا درخواست ملاقات یکی از وزراء را کرده است.

لیبی: اگر قذافی به الجزیره برود، سفیر لیبی در الجزایر تمایل محتاطانه خود را برای تهیه مقدمات ملاقات قذافی با دکتر برژینسکی نشان داده است.

ایران: کاردار ایران در الجزیره امروز به من اطلاع داد که با تهران تماس خواهد گرفت تا امکان تمایل بازرگان یا یکی دیگر از هیئت دولت ایران را برای ملاقات با دکتر برژینسکی یا مقامات دیگر آمریکایی که از الجزیره دیدن می کنند، سؤال کند.

مسایل ذکر شده نشان دهنده قسمتی از تمام موضوعات در ارتباط با سیاست خارجی ما که هم اکنون در الجزایر اجرا می شود می باشد. (مقامات دولت الجزایر، دیپلماتها و خبرگزاریها) در حقیقت دولت آمریکا زمینه یک هیئت نمایندگی پرقدرت را ریخته که مهره اصلی آن دکتر برژینسکی است. شانس دکتر

برژینسکی برای تماسهای مؤثر با دیگران در الجزایر، فراوان می باشد. هم هیئت های نمایندگی و هم دیگران واقفند که دکتر برژینسکی عامل تهیه کننده اسلحه برای مراکش شناخته شده است.

هیتز

قسمت دوم

ص: ۵۶۷

بسم اللّه الرحمن الرحيم

اسنادی که در این بخش از کتاب ارائه می شوند، اسناد سازمان جاسوسی سیا می باشد. همان طور که خود ملاحظه خواهید کرد این اسناد از نظر شکل ظاهری و نوع مطالب با اسناد وزارت امور خارجه تفاوت دارند. اینک برای آشنایی بیشتر ابتدا فرم اسناد توضیح داده می شود.

فرم اسنادی که در این بخش خواهد آمد بر دو قسم است:

الف اسناد تلگرافی: فرم این اسناد مطابق نمونه زیر است:

سرّی ۲۵ مهر اعضاء سیا

از: تهران ۵۴۵۲۲

به: رئیس

موضوع.

اسناد شمار (۱)، (۲)، (۳)، (۴)، (۵)، (۸)، (۹)، (۱۰)، (۱۱)، و ... از این نوع می باشند.

ب گزارشات: فرم این اسناد مطابق نمونه زیر است:

طبقه بندی گزارش سرّی..........

موضوع:...........

منبع:......

اسناد (۶) و (۷) از این نوع می باشند. این گزارشات همواره دارای ضمیمه ای هستند که در این ضمیمه اسم رمز منبع مذکور است.

****

حال توضیحات و تذکرات زیر را در مورد اسناد به عرض می رسانیم:

۱ اسم رمز منابع: سیا برای محافظت منابع و عدم شناسایی هویت واقعی آنها در اسناد خود برای هر منبع اسم رمزی را انتخاب کرده است. این اسامی از سه قسمت تشکیل یافته است.

الف دو حرف اول مشخص کننده کشوری است که منبع در رابطه با مسایل آن کشور فعال است. به طور مثال این دو حرف برای ایران می باشد که به س. د. ترجمه شده است.

ب بعد از این دو حرف خود اسم رمز می آید که ممکن است دارای معنی یا بی معنی باشد. در ترجمه چنانچه اسم رمز با معنی باشد معادل فارسی آن و الا تلفظ انگلیسی آن به کار رفته است.

ج بعد از اسم رمز شماره ای به کار رفته است که بعد از علامت قرار دارد. این شماره اکثراً یک می باشد. مانند SDTRAMP/۱ که ترجمه اش می شود س. د. صدای پا ۱ و یا اسم رمزی که در این اسناد می باشد SDPLOD/۱، س. د. آهسته رو ۱ این اسم رمز متعلق به عباس امیرانتظام است.

۲ اسم رمز مأمورین و کارمندان سیا: کلیه مأمورین سیا دارای یک اسم رمز و یک شماره رمز می باشند. که در اسناد از این اسم یا شماره رمز استفاده می شود. همچنین جعل پاسپورتهای تقلبی برای

مأمورین یا جاسوسانشان هم امری عادی است. به طور مثال اسم رمز آقای جرج کیو یکی از مأموران سیا آدلیسك می باشد، که در این اسناد برای ملاقات با امیرانتظام به تهران و استکهلم مسافرت می نماید.

۳ تلگرافات ضمیمه: برای رعایت امنیت بیشتر سیا هیچ گاه اسم حقیقی، محل سکونت، شماره تلفن یا مشخصات دیگری را که باعث شناسایی منابع می شود در یک سند همراه اسم رمز آنها نمی آورد. در این موارد این گونه مشخصات حساس در سند دیگری همراه با سند اولی ارسال می شود و به سند اولی رجوع داده می شود. مثلاً در مورد سند دوم شماره تلفن در تلگراف ضمیمه ارسال می شود.

۴ نوار ماشین تایپ: بعضی اسناد این بخش از کتاب از روی نوار ماشین تایپ پیاده شده اند که در پاورقی ذکر می شود. لازم به تذکر است که بعد از تایپ شدن هر سند و تصحیح نهایی آن گزارش به اتاق مخابرات می رود و در آنجا شماره می خورد. بنابراین گزارشاتی که از روی نوار پیاده شده اند دارای شماره نمی باشند، مگر در مواردی که بنابر قرائنی شماره سند را تشخیص داده باشیم مانند اسناد شماره (۶) و (۷).

۵ ترتیب اسناد: اسنادی که ارائه می شوند به ترتیب تاریخ مرتب شده اند و هرجا که سندی مربوط به اسناد دیگر بوده است در پاورقی توضیح داده شده است.

۶ پاورقیها: هرجا که در متن سند مطالب مبهمی باشد یا یک سند احتیاج به توضیحات دیگری باشد این گونه توضیحات به صورت پاورقی پایین هر صفحه ذکر شده اند.

والسلام

اخطار جاسوسی (چندسند)

ص: ۵۶۹

سند شماره ۱

از: استکهلم ۲۶۲۸۶سرّی ۱۳ مهر ۵۸ اعضاء سیا

به: رئیس با حق تقدم، رونوشت تهران با حق تقدم

اخطار جاسوسی پخش محدود.... اداره خاور نزدیک اقدام نماید س. د. آهسته رو

مرجع: رئیس ۵۲۵۳۸۱

۱ در ۱۳ مهر، اسناد اسبکس و توضیحات مرجع رد شد. س. د. آهسته رو ۱ قصد دارد تا ۲۵ مهر در تهران بماند، بعد به استکهلم بر خواهد گشت تا استوارنامه اش را در اسلو و هلسینکی ارائه نماید. بین سی تا چهل روز پس از آن جهت انتخابات و تشکیل دولت جدید به تهران باز خواهد گشت. او مطمئن نیست که چه مدت در استکهلم مأموریت خواهد داشت و اضافه کرد که او در این مورد بی تفاوت است زیرا او «فقط یک سرباز» در خدمت دولتش است.

۲ س. د. آهسته رو ۱ بلافاصله از فرصت استفاده نمود و موضوع نارضایتی از روابط بین دولت آمریکا و ایران را مطرح کرد. دولت جدید حدود ۹ ۸ ماه است که بر سر قدرت بوده و ایالات متحده هیچ گونه ابتکاری در حل مسایل دوجانبه از خود نشان نداده است. اگرچه، بنا به گفته س. د. آهسته رو ۱ ما این مسایل را می دانیم و راه حلش را نیز داریم. این موضوع ایرانیان را با این تصور باقی گذاشته که ایالات متحده دارد بازی می دهد و منتظر است ببیند، در آینده چه می شود، با این هدف که در آینده در امور داخلی ایران دخالت کند. با درنظر گرفتن گذشته، این به ما بستگی دارد که پیشنهاداتی بکنیم و اکثر «از خود گذشتگی» را ما باید بنماییم. س. د. آهسته رو ۱ گفت «آنها» روسها را دوست ندارند، اما سفیر روسیه ۱۰۰ بار به دیدن دولت موقت آمده است و ۱۰۰ بار هم بیرونش انداخته اند. اما او برای دادن کمک و راه حلها پافشاری دارد. سؤال شد که او به چه «مسایلی» اشاره داشت. س. د. آهسته رو ۱ فقط به

وسایل یدکی و پولهای بلوکه شده اشاره کرد.

۳ من دیگر هیچ گونه نظریه ای در خلال این گفتگو یکجانبه که خیلی مؤدبانه و قاطعانه ارائه شد ندادم. بجز البته نفی اینکه ایالات متحده قصد هیچ گونه دخالتی در مسایل ایرانیان را دارد. س. د. آهسته رو ۱ گفت که این ممکن است که راست باشد اما نبودن پیشقدمی از طرف آمریکا با بهره گیری از وضعیت گذشته و حال رژیم، به اضافه اظهارات اخیر کاردار در تهران در مورد دستگیریهای مجدد و اعدامها، دولت ایران را در این توهم باقی گذاشته است. س. د. آهسته رو ۱ بارها گفت که او صادقانه صحبت می کند و می خواهد که من این اظهارات را به دولت ایالات متحده منعکس نمایم.

۴ بنا به دستورات وزارت امور خارجه کاردار، ساعت ۱۴ امروز (۱۳ مهر) با س. د. آهسته رو ۱ قرار ملاقات دارد. قبل از اینکه کاردار برای ملاقات برود درباره آنچه که در بالا آمده است توجیه خواهد شد تا از بی ارتباطی و عدم رد کردن اطلاعات اجتناب شود.

۵ پرونده ۹۶۲۰۵ ۲۰۱، تا تاریخ ۱۳ مهر ۷۸ در بایگانی نگهداری شود.

طبقه بندی طبق د. ۹.ث.۱

سند شماره ۲

از: تهران(۱) سرّی ۱۹ مهرماه ۱۳۵۸ اعضاء سیا.

به: رئیس با حق تقدم

اخطار جاسوسی پخش محدود(۲) س. د. آهسته رو ۱

مرجع رئیس ۵۲۷۷۱۵

۱ س. د. آهسته رو (۳)۱ به کاردار گفت که به خاطر دلایل امنیتی شب را در محلهای مختلف می گذراند.

او گفت که معمولاً تا ساعت ۱۹ در (محل مذکور در گزارش بعدی)(۴) می توان با او تماس گرفت.

۲ آدلسیک(۵) و مأمور توجیه ملاقاتی خواهند داشت. چنانچه در فرودگاه مشکلی پیش آید آقای

آدلسیک باید با سفارت تماس بگیرد. ترجیحاً قبل از تماس با س. د. آهسته رو ۱. شماره ها عبارتند از

۸۱۰۰۹۱، ۸۲۵۰۹۱، ۸۲۹۰۵۱ و شماره داخلی کاردار در ساعات اداری ۱۶۰۰ و یا ۱۶۰۲ و شماره

گارد محافظت ۱۲۱۴ می باشد.

۳ لطفاً مسیر را اطلاع دهید.

۴ بدون پرونده تا ۱۹ مهرماه (۶)۱۳۷۸ در بایگانی نگهداری شود. طبقه بندی د. ۹. ث. ۱.

سرّی پگویین تماماً سرّی

ضمیمه سند شماره ۲

از تهران(۷) ......سرّی: ۱۳۵۸ اعضاء سیا

به: رئیس فوری

اخطار جاسوسی پخش محدود.(۸) س. د. آهسته رو

مرجع: تهران

۱ مشخصات: ۸۵ ۶۸ ۶۶ تکرار می شود ۶۶۶۸۸۵(۹)

۲ بدون پرونده تا تاریخ ۱۹ مهرماه ۱۳۷۸ در بایگانی نگهداری شود. طبقه بندی طبق د. ۹. ث. ۱. تماما

سرّی

سرّی

پگویین

۱– این سند از اسنادی است که از روی نوار ماشین تایپ شده و بنابراین شماره ندارد.

۲– آورده شده که متأسفانه نتوانستیم معنای آن را بفهمیم. FGI در متن سند کلمه

۳– س. د. آهسته رو ۱ اسم رمز عباس امیرانتظام می باشد.

۴– همان گونه که قبلاً متذکر شدیم اسامی و یا شماره تلفن یا آدرس در خود تلگراف نمی آید بلکه در تلگراف ضمیمه می آید و در اینجا هم از گفتن شماره تلفن محل خودداری شده است.

۵– آدلسیک اسم رمز یکی از مأمورین سیا به نام جورج کیو می باشد.

۶– اسناد سیا تا بیست سال در بایگانی نگه داشته می شوند بعد از بیست سال مورد ارزیابی مجدد قرار می گیرند. اگر لازم تشخیص شدند در بایگانی می مانند و الا نابود می شوند.

۷– این سند هم از روی نوار ماشین تایپ پیاده شده و ضمیمه گزارش قبلی می باشد.

۸– در این سند هم کلمه FGI آورده شده است.

۹– اطلاعات حساس مانند شماره تلفن و آدرسها به خاطر جلوگیری از اشتباه تکرار می شوند.

ص: ۵۷۱

سند شماره ۳

از: تهران ۵۴۵۰۲ سرّی ۲۵ مهرماه ۵۸ اعضاء سیا

به: رئیس با حق تقدم

اخطار جاسوسی پخش محدود س. د. آهسته رو

۱ در بعد از ظهر ۲۴ مهر کاردار(۱)، آقای ران اسمیت(۲) و آقای آدلسیک به مدت ۲ ساعت با یزدی و س. د. آهسته رو ۱ ملاقات کردند. نکات مورد بحث این ملاقات به وسیله کاردار از طریق وزارت امور خارجه گزارش داده شده است. س. د. آهسته رو ۱ گفت که چمران نتوانست در این ملاقات شرکت نماید، زیرا که در کردستان معطل شده بود. آنها هر لحظه منتظر بازگشت وی به تهران بودند. آدلسیک برنامه ریخته است که به امید ظاهر شدن چمران دو روز در تهران بماند. بر طبق نظر س. د. آهسته رو ۱ آنها همیشه علاقه مند به برقراری دوباره روابط نزدیک می باشند.

۲ قسمت اعظم مذاکره در مورد مسئله عراق و کردستان بود. یزدی بی هیچ تردیدی عقیده دارد که اسرائیل و آمریکا شدیداً همراه با عراقیها در حمایت از شورش کردها دست دارند. ما موفق شدیم که نشان دهیم که این عقیده چقدر نامحتمل است. اما حقیقتی که به زودی مطرح کرد به عنوان تلقی جدی ایرانیان حاکی از شدت بی اعتمادی و شکاکی نسبت به خارج، در دولت بازرگان است.

۳ آقای اسمیت اطلاعات خلاصه خیلی خوبی راجع به مشکلات برنامه انرژی شوروی داد. با مباحثاتی که با یزدی انجام شد واضح شد که آنها از نتایج لغو قرارداد گاز با شوروی آگاه نیستند. باور بفرمایید که دادن این اطلاعات خلاصه همراه با اطلاعات خلاصه ای که آدلسیک داده است به آنها یک سرّی اطلاعات حقیقی برای جمع بندی و ارزیابی می دهد برای وقتی که دولت اثرات اقدامات خود را بررسی می نماید. در یک مورد در این مذاکرات یزدی به طور ساده لوحانه ای گفت که بعضی نظرات ما را در

مورد پیشنهادهای روسیه به او که اخیراً هم خیلی دوستانه بوده اند، نمی فهمد. ما خاطرنشان کردیم که او در شرایط جاری شوروی چاره ای جز دوستانه رفتار کردن در حال حاضر ندارد. سروصدا موقعی ایجاد می شود که که شوروی وارد کننده خالص نفت بشود.

۴ س. د. آهسته رو ۱ خروجش را تا روز ۳۰ مهر به تأخیر می اندازد. در خلال جریان ملاقات به نظر می رسد که وی با دلایل ما بیشتر موافق بود تا با دلایل یزدی. موضوعی که کاردار را بر جای خود میخکوب کرد، این بود که یزدی طرز تلقی خصومت آمیزی را که در ملاقاتهای اخیر بروز داده بود، متوقف کرده بود و حتی اشاره به پیشرفتهایی در حل مسایل معوقه بین دو کشور نمود. او تا آنجا پیش رفت که پذیرفت ادامه بعضی مشکلات مربوط به عدم هماهنگی از جانب ایرانیان است.

۵ در اواخر ملاقات آدلیسک هم به یزدی و هم به س. د. آهسته رو ۱ خاطر نشان ساخت که قسمت اعظم آن نوع اطلاعات تاکتیکی که آنها راجع به عراق و افغانستان می خواهند به وسیله وسایل فنی قابل جمع آوری می باشد و آنها را به استفاده از امکاناتشان ترغیب نمود.

۶ پرونده ۹۶۲۰۵۴ ۲۰۱، تا ۲۵ مهر ۱۳۷۸ در بایگانی نگهداری شود. طبقه بندی طبق د. ۹. ث. ۱.

تماماً سرّی سرّی

۱- نام کاردار بروس لینگن می باشد.

۲- ران اسمیت از متخصصان امور نفت و همکار سازمان سیا است.

سند شماره ۴

از: تهران ۵۴۵۱۱سرّی ۲۶ مهرماه ۵۸ اعضاء سیا

به: رئیس با حق تقدم، رونوشت به پاریس، لندن.

اخطار جاسوسی پخش محدود س. د. بهانه

۱ علاقه مندیم که با ستاد مرکزی این سؤال را مطرح کنید که آیا عاقلانه است که آدلسیک سر راه سفرش توقف کوچکی در لندن بنماید یا خیر؟ گمان نکنید که ما در حال حاضر قصد داریم که سازمان جاسوسی انگلیس(۱) را در جریان ملاقات با یزدی و س. د. آهسته رو ۱ قرار دهیم. تصور نکنید در شرایطی که ما قرار نیست نفع زیادی ببریم هیچ گونه شایستگی و تمجیدی در دیدن آنها (انگلیسیها مترجم) وجود دارد، چون که ما عقیده داریم که اگر آنها را ملاقات کنیم عاقلانه نیست که واقعیت سفر آدلسیک به تهران را از آنها مخفی نماییم.

۲ علاوه بر آن به نظر نمی آید که هیچ دلیل ضروری وجود داشته باشد که در حال حاضر س. د. بهانه ۱(۲) را ببینیم. زیرا که هنوز با آدلسیک تماس نگرفته پس احتمالاً خبر جدیدی در مورد س. د. جانوس ۳۲(۲) ندارد. تمام آنچه ما می توانیم از او به دست آوریم شایعاتی است که اخیراً بین جامعه ایرانیان در لندن رواج دارد.

۳ لطفاً نقطه نظرهای ستاد مرکزی را اطلاع دهید.

۴ پرونده ۲۱۵۱۷۷ ۲۰۱ تا ۲۶ مهرماه ۷۸. در بایگانی نگهداری شود.

طبقه بندی طبق د. ۹. ث. ۱. تماماً سرّی.سرّی

۱- می باشد. و همچنین اسم رمز کلیه منابعی که در رابطه با انگلستان کار می کنند با ۱ GN GRAPH اسم رمز سازمان جاسوسی انگلیس شروع می شود.

۲- و ۲ س. د. بهانه ر و س. د. جانوس ۳۲ اسم رمز دو تن از مأموران ساواک می باشد. س. د. بهانه ۱ در انگلستان اقامت دارد و با سیا همکاری می کند.

ص: ۵۷۳

سند شماره ۵

از: تهران ۵۴۵۲۶سرّی ۲۶ مهرماه ۵۸ اعضاء سیا

به: رئیس

اخطار جاسوسی پخش محدود س. د. آهسته رو

مرجع: الف تهران ۵۴۵۲۷

ب تهران ۵۴۵۲۸

۱ بعد از ظهر ۲۶ مهر آدلسیک به مدت یک ساعت و نیم به تنهایی س. د. آهسته رو ۱ (آ ۱) را ملاقات نمود. گزارش این ملاقات جداگانه از طریق جاسوسی ارسال خواهد شد. س. د. آهسته رو ۱ گفت که بعد از جلسات توجیهی یکشنبه ۲۳ مهر او، یزدی و بازرگان را ملاقات کرده و درباره نکات مذکور در آن جلسات بحث نمودند. اگر چه توضیحات جالب بودند اما دقیقاً آنچه دولت بازرگان احتیاج داشت نبودند.بنا به گفته س. د. آهسته رو ۱ در حال حاضر احتیاج دولت به اطلاعات نظامی درباره وضعیت کردها و اطلاعات سیاسی در مورد اینکه چه کسی از کردها پشتیبانی می کند و چرا می باشد.

این باعث یک بحث طولانی شد که آدلسیک با موفقیت س. د. آهسته رو ۱ را از این اشتباه که اسرائیلیها با عراقیها در پشتیبانی از شورش کردهای ایرانی همکاری می کند درآورد. س. د. آهسته رو ۱ گفت که آنها آرزو داشتند که آدلسیک پیشنهادهای سازنده ای برای اینکه دولت ایران چگونه می تواند خود را از مسئله کردها خلاص نماید داشته باشد.

اگرچه باور نکردنی به نظر می رسد اما آنچه واقعاً از ما می خواهد این است که راه حلی برای مسئله پیدا کنیم. آدلسیک پیشنهاد کرد که برای حل مسئله کردها دولت ایران راه حل قدیمی میانجیگری کشور سومی را پیش گیرد. ترکها در مورد هر گونه ناآرامی در کردستان نگرانند و احتمالاً خوشحال خواهند شد که

درباره این مسئله ایرانیها با ایشان داخل مذاکره شوند. س. د. آهسته رو ۱ سؤال کرد که آیا ایالات متحده می تواند محرکی و بانی ای برای کشورهای ترکیه و عراق تهیه نماید یا ارائه دهد که این کشورها در حل مسئله کردستان به ایران کمک کنند. به آ ۱ گفته شد که ما با دولت عراق روابط دیپلماتیک نداریم، اما از این فرصت به دست آمده، من فکر می کنم که دولت ایالات متحده همکاری ایران و ترکیه را برای حل مسئله کردها تشویق می نماید؛ با تذکر و تأکید این مطلب به آ ۱ که اگرچه شواهدی از پشتیبانی کردها توسط عراقیها هست، اما آخرین چیزی که عراق می خواهد تشکیل یک جمهوری کردستان مستقل در خاک ایران است.

۲ در مورد «رابط» س. د. آهسته رو ۱ گفت که برای آینده نزدیک ترجیح می دهد که ارتباط با خود او باشد. آدلسیک شماره منزل خودش را در آمریکا به او داد و آ ۱ گفت اگر مسئله ای اتفاق افتاد از اروپا تلفن خواهد کرد. او چندین تقاضا در مورد اطلاعات دیگر نمود که آدلسیک در برگشت مطرح خواهد کرد. آ ۱ سؤال کرد آیا برای ما مشکلی ایجاد نمی کند که تماس ما با او ادامه یابد؟ آدلسیک گفت که نه؛ ما ترتیب را این طور داده بودیم که با همان سرعتی که او پیش می رود پیش برویم. (منطبق با او باشیم.)

۳ پرونده، ۲۰۱ ۹۶۲۰۵۴ تا ۲۶ مهر ۷۸ در بایگانی نگهداری شود.

طبقه بندی طبق د. ۹. ث. ۱. تماماً سرّی.سرّی

اثرات جنگ کردها بر روی روابط ایران و عراق

سند شماره ۶

طبقه بندی گزارش سرّی اخطار جاسوسی غیرقابل رؤیت برای خارجیان

غیرقابل رؤیت برای پیمانکاران و یا مشاوران پیمانکاران.

کشور: ایران

موضوع: اثرات جنگ کردها بر روی روابط ایران و عراق

۱ در هفته گذشته، اوضاع کردستان ایران به طور قابل ملاحظه ای وخیم گردیده است. در هفته گذشته ارتش ایران بیش از صد نفر زخمی و مجروح داشت. نخست وزیر مهدی بازرگان با عجله سعی دارد که شرایط جنگ را از راههایی تغییر دهد. اگر چه دولت نظرش این است که آرامش دائمی برای مسئله کردها فقط از راه توسعه اقتصاد منطقه عملی است و این کار را نمی توان شروع کرد، مگر اینکه شرایط به حالت عادی برگردد.

۲ وزیر امور خارجه، ابراهیم یزدی ضمن مسافرتش به هاوانا مباحثه ای طولانی با رئیس جمهور عراق صدام حسین داشت. در ضمن این مباحثه، یزدی، حسین را مطمئن ساخت که ایران در ناآرامیهای جامعه شیعیان عراق دست نداشته و اضافه بر آن ایران هیچ گونه طرح و نقشه ای برای بحرین ندارد و اینکه انقلاب ایران به کشورهای دیگر صادر نخواهد شد. در آن موقع یزدی و حسین توافق نمودند که بعداً دوباره یکدیگر را در تهران یا بغداد ملاقات نمایند. یزدی به حسین گفت که در آن موقع هر دو می توانند توافقنامه بین دو کشور را بر اساس معاهده مارس ۷۵ مورد بحث قرار دهند.

۳ یزدی در برگشت به ایران توسط روزنامه جمهوری اسلامی به خاطر گفتگوهایش با صدام حسین در هاوانا مورد انتقاد قرار گرفت. به خاطر اوضاع وخیم کردستان ایران در حال حاضر یزدی از آن می ترسد که هرگونه پیشنهاد علنی در رابطه با دولت عراق موج انتقاد را در ایران برانگیزد. دولت بازرگان

فکرش را کرده بود که آیت اللّه روح اللّه خمینی یک اعلام عمومی بنماید مبنی بر اینکه ایران درصدد صدور انقلاب نیست و در حال انجام هیچ گونه عملی علیه تمامیت ارضی عراق نمی باشد. اما اشکال در اینجاست که رهبر جامعه شیعیان در عراق مستقل از خمینی هستند و اگر او تصمیم بگیرد که به اظهارات خمینی بی توجهی نماید، یا مورد سؤالشان قرار دهد آن وقت روابط بین دو کشور وخیم تر خواهد گردید.

۴ این گزارش در تاریخ ۲۶ مهر ۵۸ تهیه گردیده است.

۵ محدوده پخش گزارش سفارت و وابسته دفاعی در تهران به واحدهای عمان، بیروت، قاهره، اسلام آباد، جده، کراچی، کویت، منامه، دهلی نو، و تل آویو ارسال شد.

طبقه بندی گزارش سرّی: اخطار جاسوسی منابع و روشهای جاسوسی درگیر بوده است. غیر قابل رؤیت برای خارجیان غیرقابل رؤیت برای پیمانکاران و یا مشاورین پیمانکاران، پخش و اقتباس اطلاعات در اختیار گزارشگر است.تا تاریخ ۲۶ مهر ۷۸ در بایگانی نگهداری شود. طبقه بندی طبق د. ۹. ث. ۱. طبقه بندی شده توسط مأمور گزارشگر قید شده، کلیه قسمتهای سند طبقه بندی و کنترل کل مدرک را داراست.

اطلاعات تکمیلی سند شماره ۶

از: تهران ۵۴۵۲۷(۱) سرّی ۲۶ مهرماه ۵۸ اعضاء سیا

به: رئیس رونوشت به عمان، بیروت، قاهره، اسلام آباد، جده، کویت، منامه، دهلی نو، تل آویو.

اخطار جاسوسی س. د. آهسته رو جاسوسی

اطلاعات تکمیلی گزارش ضمیمه: برای اطلاعات بیشتر درباره مشخصات س. د. آهسته رو ۱ ستاد

مرکزی می تواند به گزارش شماره...(۲) تهران که برای پخش نیست مراجعه نماید، بدون واسطه شماره

پرونده و ردیف ندارد.

این گزارش به وسیله آدلسیک گرفته شده است. شماره گزارش جریان محلی (۱۰۷۷۸ خاور نزدیک

ایران تهران) است و طبقه بندی توسط ۱۵۳۵۶(۳) تأیید گردیده است.

پگویین

۱- این سند از روی نوار ماشین تایپ پیاده شده و بنابراین شماره ندارد ولی با توجه به گزارش تهران ۵۴۵۳۶ سند شماره (۱۱) مشخص می شود که شماره اش ۵۴۵۲۷ است.

۲- شماره این گزارش را ندیدیم و این به علت این است که این شماره ها را باید دستگاه مخابرات بزند ولی این سند از روی نوار پیاده شده است.

۳- این شماره رمز آقای تام آهرن رئیس سیا در تهران است که این سند را سرّی طبقه بندی نموده است.

سند شماره ۷

طبقه بندی گزارش سرّی ... اخطار جاسوسی ...(۱)

غیرقابل رؤیت برای خارجیان ... غیر

قابل رؤیت برای پیمانکاران ... یا مشاوران پیمانکاران ...

کشور: ایران موضوع:(۲)

منبع:(۳)

۱ قرار است رفراندوم قانون اساسی ایران در آینده ایران نزدیکی برگزار گردد. انتخابات مجلس بلافاصله متعاقب آن خواهد بود. مهدی بازرگان نخست وزیر مصمم است که هرگونه کوششی باید انجام گیرد تا روحانیون در مجلس اکثریت را به دست نیاورند. در اواخر مهر رهبران سیاسی دولت بازرگان از جمله خودش، ابراهیم یزدی، وزیر امور خارجه و عباس امیرانتظام سفیر ایران در سوئد درباره این موضوع با آیت اللّه خمینی مذاکره کردند. آنها می خواستند روشی را برای قانع کردن خمینی مبنی بر اینکه مجلس باید غیرروحانی داشته باشد، شروع کنند. آنها همچنین قصد داشتند که وی را از حمایت کردن تعداد زیادی از روحانیون باز دارند؛ چرا که معتقد بودند هر کس که علناً توسط خمینی حمایت شود برنده می شود.

۲ علیرغم اینکه دولت بازرگان نیاز به توسعه پایگاه خود قبل از انتخابات دارد، ولی هنوز چندان کاری برای ایجاد احساساتی که باعث تقویت آن می شود انجام نداده است. پیشرفت کمی در بازسازی ارتش حاصل شده است. و این باید مقداری دولت را کمک کند. به هر حال تلاشها برای در آوردن پاسداران تحت کنترل مستقیم ارتش بی نتیجه بوده اند. هنوز شورای انقلاب پاسداران را کنترل می کند.

۳ در دولت بازرگان شکاف وجود دارد. این شکاف عمدتاً بر سر مسایل اقتصادی می باشد. عباس

امیرانتظام قائم مقام نخست وزیر اصول سیاست اقتصادی را تشریح کرده است. این سیاست بر اساس وام آزاد و شامل یک برنامه دو بخشی بود:

الف فراهم آوردن پول برای صنایع با شرایط آسان تا صنعتی کردن کشور ادامه یابد.

ب فراهم آوردن وسیع وجوه برای طرحهای ضربتی اشتغال زا به نحوی که میزان بیکاری را کاهش دهد. علی معین فر، وزیر نفت با عنوان کردن طرح خودش که در آن شرایط در اختیار گذاشتن پول به سختی انجام می شد با این طرح مخالفت کرد. کابینه با ۱۲ رأی موافق طرح امیرانتظام را تصویب نمود ولی به هر حال معین فر توانست دولت را قانع کند که تا در اجرای آن عجله نکند. در نتیجه، عمل معین فر تغییراتی در طرح امیرانتظام به وجود آورده است ولی این تغییرات ذاتاً جزیی بودند و طرح امیرانتظام آماده اجراست.(۳)

۱- این گزارش از روی نوار ماشین تایپ پیاده شده است. ترجمه ای که ملاحظه می نمایید ترجمه تلفیقی از دو گزارش است که از دو نوار ماشین تایپ مختلف به دست آمده است و چون هر دو گزارش در قسمت (۱) مشترک بوده اند واضح است که این دو گزارش یکی هستند.

۲- و ۲ در این نوع گزارشها همواره موضوع گزارش و توضیحاتی در مورد منبع گزارش ذکر می شود ولی چون احتمالاً این گزارش چرک نویس گزارش اصلی می باشد که مأمور گزارش پس از مشورت با رئیس ایستگاه عنوان مناسب برای موضوع و منبع انتخاب خواهد نمود بنابراین این متن فاقد شرح و موضوع و منبع می باشد.

۳- این گزارش در مقایسه با گزارشهای مشابه ناقص است چرا که محدوده پخش گزارش و زمان به دست آوردن گزارش در آن قید نشده است. بنابراین می توان احتمال داد که این گزارش پیش نویس گزارش نهایی باشد.

اطلاعات تکمیلی سند شماره ۷

از: تهران(۱) ۵۴۵۲۸سرّی ۲۶ مهر ۱۳۵۸ اعضاء سیا

به: رئیس، رونوشت برای: عمان، بیروت، قاهره، اسلام آباد، جده، کراچی، کویت، منامه، دهلی نو و

تل آویو.

اخطار جاسوسی س. د. آهسته رو. جاسوسی

اطلاعات تکمیلی گزارش ضمیمه: س. د. آهسته رو ۱. رئیس به گزارش شماره تهران(۲) که برای

پخش، نیست مراجعه کند.

بدون واسطه. شماره پرونده و ردیف ندارد. گزارش به وسیله آدلسیک گرفته شده است. شماره گزارش

جریان محلی ۱۰۷۷۹ خاور نزدیک ایران تهران) توسط ۰۱۵۳۵۶ تأیید گردیده است.

پگویین

۱- این سند اطلاعات تکمیلی گزارش بعدی می باشد. این سند چون از روی نوار پیاده شده شماره ندارد ولی با توجه به گزارش تهران ۵۴۵۳۶ سند شماره (۱۱) شماره آن به دست می آید.
۲- چون گزارش از روی نوار پیاده شده است شماره این گزارش را ندارد.

سند شماره ۸

از: رئیس ۵۳۵۲۳۵سرّی ۲۶ مهر ۵۸ اعضاء سیا

به: تهران با حق تقدم، رونوشت: پاریس، لندن

اخطار جاسوسی پخش محدود س. د. بهانه

مرجع: تهران ۵۴۵۱۱(۱)

۱ ما در این مورد موافق هستیم که دلیلی وجود ندارد که مسافرت آدلسیک به ایران و یا کوششهای ما مبنی بر پاسخ به دولت موقت ایران را در جلسه توجیهی اطلاعاتی به سازمان جاسوسی انگلیس افشا کنیم. با این وجود در نظر اخیر مبادله اطلاعات با سازمان جاسوسی انگلیس درباره وضعیت ایران، اعتقاد بر این است که با مأموریت موقت به لندن در سر راه به ستاد مرکزی مختصراً برای بحثهای عمومی مقامات تحقیقی سازمان جاسوسی انگلیس درباره ایران به عنوان توقف سر راه(۲) .... با توافق رئیس ایستگاه یا رئیس هیئت نمایندگی بررسی شود.

۲ موافق هستیم که در این سفر با س. د. بهانه تماس گرفته نشود.

۳ از گزارش در مورد هرگونه مذاکره ای که تابحال س. د. آهسته رو ۱ درباره از سر گیری نوعی روابط اطلاعاتی انجام شده قدردانی می کنیم.

۴ بدون پرونده. تا تاریخ ۲۶ مهر ۷۸ در بایگانی نگهداری شود. طبقه بندی طبق د. ۹. ث. ۱. تماماً

سرّی.سرّی

۱- این تلگراف جواب تلگراف تهران ۵۴۵۱۱ سند شماره (۴) می باشد.

۲- چون این سند از درون ماشین پودر کننده اسناد به دست آمده لذا بعضی از قسمتهای آن خوانا نیست.

ص: ۵۷۹

سند شماره ۹

از: پاریس ۱۳۶۹۴سرّی ۲۷ مهر ۵۸ اعضاء سیا

به: تهران رونوشت به رئیس

اخطار جاسوسی پخش محدود س. د. آهسته رو.

۱ لطفاً کلیه تلگرافهای راجع به س. د. آهسته رو ۱ به پاریس و لندن برای اطلاع آدلسیک مخابره نمایید. ۲ بدون پرونده. تا ۲۷ مهر ۱۳۷۸ در بایگانی نگهداری شود. طبقه بندی طبق د. ۹. ث. ۱. تماماً سرّی.سرّی

سند شماره ۱۰

از: تهران ۵۴۵۳۳سرّی ۲۷ مهر ۱۳۵۸ اعضاء سیا

به: رئیس فوری

اخطار جاسوسی پخش محدود

مرجع: رئیس ۵۳۶۱۷۰

آقای کیو تهران را به مقصد پاریس در صبح جمعه ۲۷ مهرماه ترک کرد. تا ۲۷ مهر ۱۳۷۸ در بایگانی نگهداری شود. طبقه بندی طبق د. ۹. ث. ۱. تماماً سرّی.سرّی

سند شماره ۱۱

از: تهران ۵۴۵۳۶ (جاموتی قائم مقام رئیس)سرّی ۲۸ مهر ۵۸ اعضاء سیا

به: پاریس، لندن، رونوشت به رئیس

اخطار جاسوسی، پخش محدود س. د. آهسته رو.

مرجع: الف تهران ۱۳۶۹۴ (که به لندن فرستاده نشده است.)(۱)

ب تهران ۵۴۵۲۶

ج تهران ۵۴۵۲۷ (۱۰۷۷۸ خاور نزدیک ایران تهران)

د تهران ۵۴۵۲۸ (۱۰۷۷۹ خاور نزدیک ایران تهران)

ه تهران ۵۴۵۰۲

۱ گزارشهای ب الی ه به پاریس و لندن بنا به درخواست مرجع الف مخابره گردید.

۲ پرونده ۹۶۲۰۵۴ ۲۰۱. تا ۲۸ مهر ۱۳۷۸ در بایگانی نگهداری شود. طبقه بندی طبق د. ۹. ث. ۱.

تماماً سرّی.

سرّی

۱- این تلگراف در پاسخ به تلگراف پاریس ۱۳۶۹۴ سند شماره (۹) می گوید که گزارشهای درخواستی فرستاده شد.

ص: ۵۸۰

سند شماره ۱۲

از: تهران ۵۴۵۳۹[۱] (جاموتی قائم مقام رئیس)[۲] سرّی ۲۹ مهر ۱۳۵۸ اعضاء سیا[۳]

به: پاریس، فوری، رئیس

اخطار جاسوسی پخش محدود شاه.

مرجع: الف رئیس ۵۳۶۷۶۶

ب پاریس ۱۳۷۱۵

۱ صبح روز ۲۹ مهر، بر طبق برنامه ای که قبلاً به وسیله تلفن ریخته شده بود، کاردار و آقای هنری پرشت با س. د. آهسته رو ۱ ملاقات کردند. س. د. آهسته رو ۱ به کاردار گفت که هنوز برنامه اش این است که ۳۰ مهر به استکهلم برود. کاردار در مورد مسئله شاه با س. د. آهسته رو ۱ صحبتی نکرد.

۲ تا ۲۹ مهر ۱۳۷۸ در بایگانی نگهداری شود. طبقه بندی طبق د. ۹. ث. ۱. تماماً سرّی.

سرّی

۱- با توجه به سندهای موجود قبل و بعد از ۲۹ مهرماه مشخص می گردد که شماره این تلگرافها باید ما بین ۵۴۵۳۶ و ۵۴۵۵۰ باشد. از طرفی با توجه به مرجع سند شماره (۱۳) مشخص می گردد که شماره تلگراف ۵۴۵۳۹ است.

۲- چون روز ۲۹ مهر رئیس ایستگاه تام اهرن به کشورهای عربی مسافرتی نموده جورج اکیف که نام رمزش جاموتی می باشد به عنوان قائم مقام وظایف وی را برعهده دارد

۳- این سند را از روی نوار پیاده شده است و شماره ندارد.

ص: ۵۸۱

سند شماره ۱۳

از: تهران(۱) (جاموتی قائم مقام رئیس)(۲) سرّی ۲۹ مهر ۱۳۵۸ اعضاء سیا(۳)

به: پاریس، فوری، رئیس

اخطار جاسوسی پخش محدود در مورد سلامت شاه.

فقط رئیس ایستگاه پاریس و آقای جورج کیو حق رؤیت دارند.

مرجع: الف رئیس ۵۳۶۷۶۷

ب پاریس ۵۴۵۳۹

۱ همان گونه که در مرجع ب اطلاع داده شده است در جلسه ای که کاردار و آقای هنری پرشت با نخست وزیر بازرگان و وزیر امور خارجه، یزدی، جهت رساندن پیغام در مورد سلامت شاه و سفر قریب الوقوعش به آمریکا داشته اند س. د. آهسته رو ۱ هم شرکت داشته است. عکس العمل س. د. آهسته رو ۱ این بود که این جریان زحمات آن کسانی را که خواهان گسترش روابط با آمریکا هستند مشکلتر می کند.

۲ یزدی در مورد ضرورت معالجه در نیویورک و یا حتی آمریکا قدری مشکوک بود و پیشنهاداتی بنابر تجارب تخصصی خودش کرد.

۳ از آنجا که فعلا از جریان شاه اطلاع دارد، احتمالاً ضرورتی ندارد که به او اطلاع بدهیم که آقای کیو اطلاعات جاسوسی مهمی برایش دارد. لطفا به ما اطلاع بدهید، که آیا ستاد مرکزی هنوز از ایستگاه می خواهد که به س. د. آهسته رو ۱ بگوید که آقای کیو می خواهد هر چه زودتر او را در اروپا ملاقات کند یا نه؟

۴ تا ۲۹ مهر ۱۳۷۸ در بایگانی نگهداری شود. طبقه بندی طبق د. ۹. ث. ۱. تماماً سرّی.

سرّی

سند شماره ۱۴

۸۸۵ ۶۶۶

آقای کیو علاقه مند است که در مورد موضوعی که در ملاقات با کاردار فاش گردید گفتگو نماید. آقای کیو بعد از ورود امیرانتظام در ۳۰ مهرماه در استکهلم خواهد بود.

۱- با توجه به تلگرافهای موجود قبل و بعد از ۲۹ مهر مشخص می شود شماره این تلگراف باید مابین ۵۴۵۳۹ و ۵۴۵۵۰ باشد.
۲- چون روز ۲۹ مهر رئیس ایستگاه تام اهرن به کشورهای عربی مسافرتی نموده جورج اکیف که نام رمزش جاموتی می باشد به عنوان قائم مقام وظایف وی را برعهده دارد.
۳- این سند از روی نوار پیاده شده است.

سند شماره ۱۵

از: تهران(۱) (جاموبی قائم مقام رئیس)سرّی ۲۹ مهر ۱۳۵۸ اعضاء سیا(۲)

به: پاریس، فوری، رئیس

اخطار جاسوسی پخش محدود شاه.

فقط رئیس ایستگاه پاریس و آقای جورج کیو حق رؤیت دارند.

مرجع: رئیس ۵۳۶۷۶۹

۱ قائم مقام ایستگاه در بعد از ظهر ۲۹ مهرماه با س. د. آهسته رو ۱ در دفتر کارش تماس گرفت و به او گفت که آقای جورج کیو فردا در استکهلم می خواهد درباره موضوعات مطرح شده در گزارش مرجع با او ملاقات نماید. س. د. آهسته رو ۱ گفت برنامه او تغییر کرده و تا پنجشنبه ۳ آبان در تهران خواهد بود. قائم مقام ایستگاه به س. د. آهسته رو ۱ گفت که آقای جورج کیو سعی خواهد کرد که قبل از سوم آبان برای ملاقات به تهران بیاید. س. د. آهسته رو ۱ گفت ملاقات در تهران برای او قابل قبول نیست. قائم مقام ایستگاه به س. د. آهسته رو ۱ گفت در صورتی که آقای کیو نتوانست قبل از ۳ آبان برای ملاقات به ایران بیاید ما با شما در تماس خواهیم بود تا برنامه پرواز شما را داشته باشیم.

۲ شماره تلفن دفتر س. د. آهسته رو ۱ ۸۸۵ ۶۶۶ تکرار می شود ۸۸۵ ۶۶۶ و شماره تلفن منزل وی در دسترس نمی باشد.

۳ تا ۲۷ مهر ۱۳۷۸ در بایگانی نگهداری شود. طبقه بندی طبق د. ۹. ث. ۱. تماماً سرّی.

سرّی

۱- با توجه به تلگرافهای کامل قبل و بعد از ۲۹ مهرماه مشخص می شود که شماره این تلگراف باید مابین ۵۴۵۳۹ و ۵۴۵۵۰ باشد.

۲- این سند از روی نوار پیاده شده و شماره ندارد

سند شماره ۱۶

از: رئیس ۵۴۳۲۱۶سرّی ۹ آبان ۱۳۵۸ اعضاء سیا

به: استکهلم، رونوشت برای تهران

۱ بنا به گفته س. د. آهسته رو ۱ او برنامه ریزی می کرد که تهران را برای استکهلم در تاریخ ۳ آبان ترک نماید. او قصد داشت به استکهلم برود و همسرش را بردارد و در ادامه برنامه به اسلو رفته تا استوارنامه اش را ارائه دهد. در مدت اقامت در تهران س. د. آهسته رو ۱ راجع به بدتر شدن روابط بین ایران و عراق خیلی نگران بود و از ما خواست اگر احتمالاً اطلاعاتی در مورد روابط ایران و عراق داشته باشیم به او بدهیم. ما خیلی ممنون می شویم که اگر مأموران مربوطه در اولین فرصت با س. د. آهسته رو ۱ تماس گرفته و اطلاعات زیر را به س. د. آهسته رو ۱ بدهند و تأکید کنند که این گزارش به وسیله آدلسیک در جواب درخواست و اظهار علاقه ای که س. د. آهسته رو ۱ در تهران کرده بود ارائه می شود.

۲ موضوع گزارش به قرار زیر است:

تا اوایل مهر اعضای عالیرتبه دولت عراق متقاعد شده بودند که سیاست ایرانیان این بوده که فعالانه ادعاهایشان را در مورد جزیره بحرین ادامه دهند. نظر عراقیها بعد از مطالعه دقیق بیانات متعدد رهبران مذهبی ای که به تفصیل در مورد ادعای ایرانیان نسبت به بحرین سخن گفته بودند، به دست آمده است. قبل از نتیجه گیری مبنی بر اینکه ایران فعالانه ادعایش را در مورد بحرین دنبال می کند، رهبر عراق صدام حسین فکر می کرد که امکاناتی در مورد مذاکره با دولت موقت ایران وجود دارد، مخصوصاً بعد از مذاکره اش با وزیر امور خارجه ایران ابراهیم یزدی در خلال مدت کنفرانس کشورهای غیر متعهد در هاوانا. دولت عراق به هر حال مشکلات و مسایلی در رابطه با تعیین راه صحیح و مناسب در مورد رفتار موقت ایران دارد. ابتدا صدام حسین امیدوار بود که مستقیماً با نخست وزیر بازرگان طرف معامله باشد. در

حال حاضر عراقیها درباره دولت موقت ایران نامطمئن هستند. به طوری که به طور روزافزون عقیده پیدا می کنند که دولت بازرگان نمایندگی و نمایش زیادی ندارد و قدرت حقیقی دست جامعه روحانیت ایران است که با عراق خصومت دارند. با وجود عدم موفقیت در دنبال کردن پیشنهاداتی که در مذاکرات هاوانا بین یزدی و صدام حسین مورد بحث قرار گرفته بود. عراق هنوز دوست دارد که اختلافش را با ایران از طریق مذاکره رفع نماید. ترجیح آنها این است که با دولت بازرگان مذاکره نمایند.

دلواپسی آنها این است که دولت بازرگان امکان دارد کنترل کامل نداشته باشد، و صدام حسین هم نمی خواهد که وارد مذاکره با رهبران مذهبی ایران بشود.

۳ از همکاری استکهلم در مورد مسئله س. د. آهسته رو ۱ قدردانی می کنیم.

۴ پرونده ۹۶۲۰۵۴ ۲۰۱، تا ۷ آبان ۱۳۷۸ در بایگانی نگهداری شود.

طبقه بندی طبق د. ۹. ث. ۱. تماماً سرّی.

بی تی

شماره ۳۹۴۵(۱)

۱- این سند مورخ ۹ آبان ۵۸ می باشد و سند قبلی ۲۹ مهر ۵۸ . ما بین این دو سند احتمالاً اسنادی بوده که یا پودر شده اند و یا در میان رشته ها به دست خواهند آمد. در هر حال هرگونه سندی که بعداً در این رابطه پیدا شود جداگانه در اختیار مردم مسلمان قرار خواهد گرفت.

سند شماره ۱۷

از: تهران ۵۴۶۳۶سرّی ۹ آبان ۱۳۵۸ اعضاء سیا

به: رئیس

اخطار جاسوسی پخش محدود س. د. آهسته رو س. د. صدای پا(۱)

۱ س. د. صدای پا ۱ در جلسه ۷ آبان گفت که ناصر میناچی وزیر ارشاد ملی از او در مورد انتشار روزنامه پیشنهادی امیرانتظام کمک خواسته است. س. د. آهسته رو ۱ در یکی از جلسات طرح ریزی شرکت کرده است و این طور به نظر می رسد که این طرح هنوز مراحل اولیه را می گذراند. هنوز در مورد تیراژ، مندرجات، سرمقاله ها، تعداد زبانهایی که روزنامه باید به آن چاپ شود و محل روزنامه (مثلاً تهران یا محلی در اروپا) تصمیمی گرفته نشده است.

۲ س. د. صدای پا ۱ اظهار داشت امیدواری کمی موجود است تا این برنامه در خدمت تبلیغ انقلاب به طرز مؤثری به کار آید، حتی اگر کارش بگیرد.

۳ ما پیشرفت این فعالیت را کنترل و دنبال کرده و آن طور که مناسبت دارد شما را از آن مطلع خواهیم ساخت.

۴ پرونده ۸۶۷۷۶۴ ۲۰۱ تا ۹ آبان ۱۳۷۸ در بایگانی نگهداری شود. طبقه بندی طبق د. ۹. ث. ۱.

تماماً سرّی.(۲)

سرّی

۱- این فرد که نام اصلی وی سیمون فرزامی بود در رابطه با اسناد لانه جاسوسی و ارتباطش با سازمان سیا دستگیر و به اعدام محکوم شد.

۲- شاید این سند در رابطه با سندهای قبلی بی ارتباط به نظر آید ولی درهر حال چون مربوط به س. د. آهسته رو ۱ است این سند در این قسمت آورده شده است.

سند شماره ۱۸

۱ هیچ مسئله ای آدلسیک....(۱)

۲ پیشنهاد تمدید اقامت آدلسیک سؤالاتی درباره امنیت او و ترس ابراز شده س. د. آهسته رو ۱ درباره اقدامات سیا علیه انقلاب را مطرح می کند. با اطلاعات کمی که ما از پرونده آدلسیک درباره مسافرتهای قبلی او به اینجا دادیم جواب سؤال امنیت فردی او را با درنظر گرفتن یک سری ملاقاتهای عملیاتی به عهده خود او و ستاد مرکزی می گذاریم. درباره شکست سیاسی احتمالی ما فکر می کنیم که آدلسیک زیادی در کار است و کاردار نیز نگرانی خود را ابراز داشت. ما فکر می کنیم که اقامت طولانی آدلسیک را نمی توان از ایرانیها پوشیده نگه داشت و اینکه هیچ گونه بهانه بی ضرری مانند تروریزم قابل قبول نخواهد بود. بنابراین حداقل بعضی از ملاقاتهای پیشنهاد شده را محتملاً باید به س. د. آهسته رو ۱ و همکاران اعلام نمود.(۲)

کتاب یازدهم

آمریکا حامی اشغالگران قدس

۱- این سند از درون دستگاه پودر کننده بیرون کشیده شده است و چون دستگاه در حین کار خراب شده بود قسمتی از سند درون ماشین باقی مانده بود.

۲- با توجه به متن این پاره سند مشخص می گردد که تاریخ این سند باید در زمانی باشد که آدلسیک در تهران بوده است و می خواسته اند مدت اقامتش را طولانی تر نمایند. با توجه به اینکه آدلسیک تهران را درصبح جمعه ۲۷ مهرماه ترک کرده است تاریخ این سند احتمالاً مربوط به حدود ۲۵ مهر می باشد. بنابراین این سند اگر مابین سند شماره (۳) و (۴) قرار گیرد بی مناسبت نمی باشد.

معرفی کتاب

بسم اللّه الرحمن الرحیم

«آمریکا و اسرائیل در رأس دشمنان اسلامند.»

«اسرائیل دشمن بشریت و انسان است.»

امام خمینی

مشخصه بارز و اصلی رژیمی که با نام اسرائیل در قرن اخیر موجودیت یافت، اتکای به غیر و حمایت خارجی است. رژیمی که به ابتکار امپریالیسم انگلیس و با غصب سرزمین مسلمانان محروم نطفه آن بسته شده و در دامان امپریالیسم آمریکا رشد نمود. در ابتدا انگلیسیها برای بسط سلطه شیطانی خود، با شعار "تلاش برای برپایی حکومت ملی یهودیان" به کمک صهیونیستها دست به اشغال بخشی از سرزمینهای مسلمین زدند و در واقع پایگاهی را بنیاد نهادند که همه قدرتهای شیطانی عالم در قلب سرزمینهای اسلامی از آن بر علیه اسلام به ستیز برخیزند و هر روز با تهاجم غیرانسانی خود برجان و مال مسلمین یورش برده و با نیرنگ و تزویر جهان اسلام را به ضعف و نابودی بکشانند.

اساسا انگیزه اصلی ایجاد رژیم نژادپرست صهیونیستی در سرزمین اشغالی، مقابله با اسلام بود، زیرا اگر مسلمین به اتحاد می رسیدند استکبار جهانی را به نابودی می کشاندند و بی دلیل نیست که امام روز قدس را روز اسلام می داند.

با افول سلطه جهانی انگلیس، دوست و متحد قویتری چون امپریالیسم آمریکا به مدد اسرائیل می آید و سیل کمکهای بی دریغ نظامی و اقتصادی آمریکا این جمعیت قلیل و اندک را جسورتر می کند تا هر روز فاجعه ای و حادثه ای تازه بیافرینند. از کشتارها و جنایات رژیم اشغالگر قدس و اینکه چگونه شبکه صهیونیستی حاکم بر آن علاوه بر قدرتهای استکباری با تمام رژیمهای فاسد و خائن وابسته به همکاری و هماهنگی دارد، بسیار شنیده ایم. و به همین خاطر است که یک چنین رژیمی از هیچ خشونت سبعانه ای در

حق مردم محروم و مظلوم فلسطین دریغ نمی ورزد. همان طور که می دانیم تا زمانی که شاه جنایتکار به عنوان دست نشانده شیطان بزرگ بر مقدرات مردم ایران مسلط بود، می بایستی نفت کشور ما به سوی اسرائیل جنایتکار جریان می یافت، تا ماشین قتل و جنایت اسرائیل یک لحظه از فعالیت باز نایستد و زمانی که با خروش ملت قهرمان ما و با یاری خدا و رهبری امام رژیم دست نشانده آمریکا سقوط می کند، امپریالیسم آمریکا بیکار نمی نشیند و این بار گستاخی را به جایی می رساند که رژیم های وابسته ای که به

ظاهر در مقابل اسرائیل هستند را وادار به ارسال نفت به رژیم خیانتکار اسرائیل می کند. به طور کلی سیر جریانات در خاورمیانه با ابتکار و هدایت امپریالیسم آمریکا به صورتی است که جماعت نژادپرست صهیونیستی که هیئت حاکمه جنایتکار اسرائیل را تشکیل می دهند، از هر لحاظ بر اوضاع منطقه مسلط باشند و هر طرح و برنامه ای که بخواهند را به یاری شیطان بزرگ به اجرا بگذارند و در این راه از مساعی فراوان سایر رژیم های دست نشانده عربی که به نا حق بر کشورهای اسلامی سلطه یافته اند و سر در آخور امپریالیسم دارند بهره می برد. در اینجا همواره امت اسلام است که مورد ظلم واقع شد. ظلمی که از کینه و عداوت عمیق کفر جهانی نسبت به اسلام و مسلمین ناشی می شود. این اتحاد نامقدس اسرائیل غاصب را آنچنان جسور می کند که در ژوئن ۱۹۶۷ دست به اشغال بیت المقدس، سرزمین پیغمبران و اولیاء خدا می زند. اکنون سالها است که قدس عزیز، این اولین میعادگاه پیروان دین حنیف و اولین قرارگاه عاشقان لقاءاللّه در چنگال سدکنندگان سبیل اللّه است و خاک مقدسش جولانگاه تاخت و تاز دشمنان خدا و خلق و قاتلان پیامبران و مردان بزرگ الهی است. قدس عزیز، هم اکنون از جانب رژیم صهیونیستی، پایتخت رژیم «جور و ستم و غصب و تجاوز» اعلام شده است. با حمایت قدرتهای استکباری جهان و در رأس آن آمریکای جنایتکار، رژیم اشغالگر قدس اکنون خاستگاه انبیاء الهی و سرزمین فرزندان هابیل را قرارگاه وارثان قابیل نموده و بساط حکومت اعقاب نمرود را در پرورشگاه حضرت ابراهیم(ع) گسترده است.

اکنون در همین زمان این حکام خود عملیاتی وحشیانه را علیه صاحبان حقیقی قدس، فلسطینیان مظلوم و شجاع و علیه مردم قهرمان و شهید داده لبنان و نهایتا علیه تمامی مسلمانان جهان آغاز کرده و خون صدها انسان بی گناه را بر زمین ریخته است.

اما آنچه که امروز بر تمامی مردم آزاده دنیا روشن شده این است که رژیم اشغالگر قدس در قلب جهان اسلام هرگز نمی تواند، بدون پشتیبانی آمریکا به حیات خود ادامه دهد. چه رسد به اینکه با این جسارت به

مال و عرض و ناموس مسلمین تجاوز کند و به همین دلیل مبارزه با این سرطان مخوف، لازمه اش نبرد بی امان با آمریکای جنایتکار است و لذا در صف نبرد جایی برای نوکران آمریکا نیست زیرا رژیمهای دست نشانده ای از قبیل عربستان و عراق و اردن به سبب وابستگی خود توان نبرد مقدس با رژیم صهیونیستی را ندارند.

گوشه هایی از اسناد باقیمانده لانه جاسوسی که حکایت از اتحاد امپریالیسم آمریکا و رژیم صهیونیستی دارد را بنا بر وظیفه ای که داشتیم و تعهدی که نموده بودیم در این مجموعه گرد آوردیم. باشد که با آگاهی بیشتر جهان اسلام و مستضعفین عالم از این پیوندهای نامقدس، مسلمین محور واقعی مبارزه را که تنها اسلام است و نه قومیت که رنگ و بویی از شرک و نژاد پرستی دارد را یافته و همگام با انقلاب شکوهمند اسلامی ایران پایه های سلطه استکبار جهانی را یکی پس از دیگری در سراسر عالم محو و نابود سازند.

سند اول جزوه نسبتا مفصلی است پیرامون سرویسهای جاسوسی و امنیتی اسرائیل که توسط جاسوسان شیطان بزرگ تهیه و تنظیم شده است. در این سند در حقیقت آمریکای جنایتکار تصویر روشنی از جنایات و عملیات ضدانسانی دستگاه جاسوسی رژیم نژادپرست تحت الحمایه خود را ترسیم نموده است. رژیمی که موجودیت خود را مرهون قدرتهای استکبار جهانی است، الزاما در منطقه ای با وسعت ناچیز و جمعیت اندک بایستی دست به تشکیل یک چنین مجموعه عظیم جاسوسی و امنیتی بزنند. همچنان

که به تصریح خود سند، حوزه فعالیت دستگاههای جهنمی جاسوسی اسرائیل نه تنها به منطقه و کشورهای مسلمان بسنده نمی کند، بلکه در برگیرنده کل جهان است و در هر کجای عالم که رژیم فاسد و وابسته ای وجود دارد از یاری و همکاری دستگاههای اطلاعاتی و جاسوسی اسرائیل بی بهره نیست. عملیات موساد که تنها بخشی از این مجموعه شیطانی را تشکیل می دهد، آنقدر گسترده است که شوروی، آمریکا و سازمان ملل متحد و اروپای شرقی را به لحاظ جمع آوری اطلاعات سیاسی و اقتصادی و علمی در برمی گیرد. در بخشی از این سند آمده است:

"موساد در اکثر پایتختهای اروپایی، ترکیه، ایران و مراکز استراتژیک در آمریکای لاتین، آفریقا و خاور دور پایگاههایی (اطلاعاتی و جاسوسی دارد و عملیات گوناگونی از "روابط وابسته رسمی" با سرویسهای میزبان (مثل سیا و ساواک)، برای رد و بدل نمودن اطلاعات، تا انجام عملیات ویژه اجرائی که مستقیما بر علیه تروریستهای عرب می باشد، به انجام می رساند." (تأکید داخل پرانتز از ما است.)

اینها پا را از هم فراتر گذاشته، حتی از جاسوسی ارباب خود نیز کوتاهی نمی کنند، به طوری که در دفتر سفیر آمریکا، میکروفن مخفی نصب کرده اند.

این سند همچنین مبین توطئه ها و جنایتهایی است که با پوشش به اصطلاح دیپلماتیک توسط کارگزاران صهیونیسم در سفارتخانه های اشغالگران قدس در پهنه گیتی صورت می گیرد؛ به طوری که در قسمتی از آن چنین آمده است: «اداره "جمع آوری"، یکی از ادارات هشتگانه موساد و بزرگترین اداره آن، تحت پوششهای دیپلماتیک در کشورهای خارجی فعالیت می کند.» اکنون دیگر کاملاً مشخص است که اشخاصی که به عنوان سفیر و کاردار و غیره در مراکز توطئه خود یعنی سفارتخانه ها، مشغولند، عهده دار چه نقشی هستند.

همان گونه که قبلاً نیز اشاره کردیم، در هر کجای عالم که رژیم فاسد و فاجر مصدر امور است،

دستگاههای اختناق و سرکوب آن، از همکاری صمیمانه موساد و دیگر سرویسهای جاسوسی اسرائیل برخوردار است. مشخصا خود سند موارد زیر را تصریح می کند:

«موساد مسئولیت آموزش سرویسهای اطلاعاتی ترکیه، غنا و ژاپن را دارد.»

«اسرائیل با سرویسهای اطلاعات و امنیت آفریقای جنوبی همکاری دارد.»

طبیعی است که دستگاه ساواک، عامل سرکوب مبارزین و انقلابیون مخالف رژیم جنایتکار شاه نیز در این همکاریها از سهمی بسزا و دیرینه برخوردار است:

«در اواخر ۱۹۵۸، یک سازمان وابسته رسمی سه جانبه، شامل موساد، سرویس امنیت ملی ترکیه و ساواک تشکیل شد، که این سازمان نیزه سه سر نامیده شده بود.»

«علاوه بر تداوم مبادلات اطلاعاتی، جلساتی نیز در هر نیمسال، در سطح رؤسای سرویسها داشته است.»

البته ظاهرا محصول این همکاری مداوم و مستمر چیزی فراتر از آموزش اعضاء پرسنل خود فروخته جنایتکار ساواک بوده و موساد از این طریق سیاستهای صهیونیسم بین المللی را بر رژیم آمریکایی شاه تحمیل می کرده و با تمام توان زمینه های سرکوبی مسلمانان اعم از ایرانی یا عرب را در منطقه فراهم می کرده اند. این مطلب را خود سند به وضوح به شکل زیر بیان می کند:

«هدف اصلی روابط اسرائیل با ایران، ایجاد و توسعه سیاستهای ضد عربی و موافق اسرائیل در

تصمیمات مقامات ایرانی بود. از اواخر ۱۹۵۰ به بعد، در طی سالها، موساد در عملیات مشترکی با ساواک، همکاری داشته است. موساد به فعالیتهای ساواک یاری داده است و کردهای عراق را حمایت کرده است.»

آشکارا دیده می شود که چگونه ساواک و موساد از یک سو بر علیه اعراب مسلمان دست به توطئه می زدند و از سوی دیگر انقلابیون مسلمان را در ایران به خاک و خون می کشیدند و به این ترتیب طبیعی است که این دستگاه شیطانی، یعنی موساد، وجود جمعیتهای مختلف مسیحی و مسلمان را در لبنان بهترین زمینه برای عملیات جاسوسی و اطلاعاتی بداند و دست به ایجاد یک تشکیلات مخفی در این مسیر بنماید.

به طور کلی سند اول یک چارت سازمانی دستگاههای جاسوسی اسرائیل را با اجزاء و خصوصیات کامل آن نشان می دهد و می تواند راهنمای خوبی برای شناخت بیشتر مبارزین مسلمان از این دستگاه جهنمی باشد، تا به اتکای اللّه و با وحدت کلمه با تمامی قوا هر روز ضربه جدیدی بر پیکره پوسیده و رو به زوال آن وارد آورند، که عاقبت امر ظالمان در دنیا و عقبی جز خسران چیزی نیست.

در سند دوم که مربوط به ۱۹۶۵ می شود، دیده می شود که چگونه رژیم اسرائیل فعالیتهای خود را در ایران گسترش می دهد و به رژیم شاه نزدیک می شود و در این راه حتی از طرحهای کشاورزی و صنعتی استفاده می کند، البته بدون سر و صدا و با پوشش، که در این زمینه مساعی فراوان سفیر آمریکا با نماینده رژیم اشغالگر قدس که در آخر سند آمده است، قابل توجه است.

در سند سوم، شاهد حمایت بیدریغ و همه جانبه شاه از اسرائیل هستیم، که با فروش نفت نه تنها به ادامه بقای اسرائیل کمک می کند، بلکه از سوی دیگر به یکپارچگی جهان اسلام ضربات فراوان وارد می کند. طبیعی است که شاه عامل شماره یک امپریالیسم آمریکا در منطقه و یار وفادار اشغالگران قدس شکست اسرائیل را محال بپندارد. چنان که به زعم او خودش نیز شکست ناپذیر بود. غافل از اینکه همان گونه که توده های مسلمان با اتکای به خدای تعالی و احکام اسلام شر او را از سر مسلمین کم نمودند. بار دیگر

تمامی مسلمین در سر تا سر منطقه با مسلسلهای متکی بر ایمان، و توکل بر خدا اسرائیل غاصب را به سزای جنایاتش خواهند رساند، هر چند که رژیمهای وابسته ای همچون عربستان جانشین شاه در تأمین نفت اسرائیل و آمریکا شده باشند.

در سند شماره یک گفته شد که چگونه در پوشش سفارت و مورد دیپلماتیک مأمورین اطلاعاتی درجه اول صهیونیسم مشغول به کار هستند. اسناد چهارم و پنجم مصادیق جزئی این مطلب در ایران هستند.

آقای بن یوحنان که زمانی از مشاوران نزدیک نخست وزیر و وزیر امور خارجه رژیم اشغالگر قدس، بوده بعنوان کاردار در هیئت نمایندگی جاسوسان اسرائیل مشغول است و آنقدر این جناب ناظر به امور مختلفه است که جاسوسان شیطان بزرگ نیز دست به دامن او می شوند تا دانسته های خود را در اختیار آنان قرار دهند. جاسوس آمریکایی نیز مشفقانه خبر گرایش رژیم دست نشانده شاه به اسرائیل را در اختیار عامل صهیونیسم در ایران قرار می دهد.

سند شماره ۶ پرده از حمایت بیشمار شاه از اسرائیل در زیر چتر حمایتی اربابشان، آمریکا، برمی دارد. عوامل اسرائیل از ترس خشم توده های مسلمان در ایران، بدون نمود خارجی در سطح وسیعی مانند به اصطلاح سفارتخانه های سایر دول امپریالیستی مشغول چپاول بیت المال مردم محروم این دیار بوده اند. نزدیکی رژیمهای اسرائیل و شاه که حیات سیاسی، اقتصادی و نظامی خود را مدیون حمایتهای مستقیم

آمریکا هستند، امر غریبی نیست. بلکه اطلاع سفارتخانه های عرب از این همکاریها و سکوت و رضایت آنها سؤال برانگیز است. همان رژیمهایی که پس از سرنگونی رژیم آمریکایی شاه بر اثر انقلاب خونبار اسلامی و قطع تمام روابط با اسرائیل و در مقابل ایجاد روابط با مردم فلسطین، به فغان آمدند و کار به جایی رسید که آنها همگام با اسرائیل غاصب دست به توطئه های مشترک برای براندازی جمهوری اسلامی می زنند.

در سند هفتم حضور جاسوس دیگری از وابستگان رژیم اشغالگر قدس را در تهران می بینیم، که البته این بار جاسوسان شیطان بزرگ به صراحت قید می کنند که وی فعالیتهای جاسوسی در ایران دارد.

در سند هشتم نیز شاهد تبادل نظر جاسوسان دوست و متحد(!) در مورد مسایل ایران هستیم که هماهنگی لازم را در چپاول مردم و سرکوبی مبارزین با یکدیگر به عمل می آورند. همان طور که در سند شماره یک از همکاری مستقیم ساواک و موساد و تشکیل سازمان «نیزه سه سر» یاد شده بود، در سند هشتم نیز کارمند رژیم صهیونیستی، دوست آمریکایی خود را در جریان دقیق ماوقع یکی از عملیات ساواک و خشونت وحشیانه ساواک (به تعبیر خود جاسوس صهیونیست) قرار می دهد. همین همکاری خائنانه را در سند نهم به وضوح می بینیم و به این ترتیب عجیب نیست که اسرائیل غاصب از پیامدهای انقلاب اسلامی این چنین هراسناک است و دوستان قدیمی خود را در ساواک، امروزه در کردستان و سایر مناطقی که نیروهای ضدانقلابی بر علیه جمهوری اسلامی ایران مشغول توطئه هستند، یاری می رساند. نکته قابل توجه دیگر در سند نهم، نگرانی اسرائیل جنایتکار، از عدم توافقی احتمالی بین ایران و آمریکا در تمامی زمینه ها است! این نکته وابستگی حیات نامیمون اسرائیل را به سلطه جهانی آمریکا نشان می دهد.

سند دهم نیز گزارشی است از سیا که سوابق جاسوسان مرکز توطئه رژیم اشغالگر قدس را که عموما در دستگاههای جاسوسی و نظامی اسرائیل سالیان متمادی به کشتار و قتل عام اعراب مسلمان اشتغال

داشته اند و سپس برای ادامه سلطه شیطانی صهیونیسم به جنایات خود در ایران ادامه می دهند را نشان می دهد؛ البته با نظارت شیطان بزرگ!

سند یازدهم نیز مانند سایر اسنادی که ذکر آن رفت، هدایت و هماهنگی آمریکا در ارتباط با فعالیتهای رژیم صهیونیستی و شاه معدوم را نشان می دهد و علاوه بر آن اتحاد و یگانگی آمریکا و اسرائیل را در مقابله با نهضتها و حرکتهای انقلابی مردم مسلمان فلسطین و سایر رژیمهای انقلابی عرب مسلمان به وضوح آشکار می کند. این مطلب با وضوح و جزئیات بیشتر در اسناد دوازدهم، سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم نیز مشاهده می شود. سند شانزدهم نیز اطلاعات دقیق جاسوسان شیطان بزرگ از سلاحی است که به دست رژیم صهیونیستی برای سرکوبی مسلمین ساخته شده، که امیدواریم افشای آن برای رژیم صهیونیستی نتایج زیانباری همراه داشته باشد.

.... و نهایتا سند هفدهم یعنی آخرین سند، گزارش زندگینامه یکی از سران رژیم صهیونیستی، یعنی اسحق رابین جنایتکار است که توسط جاسوسان سیا تهیه و تنظیم شد؛ مردی که با کشتار مردم قهرمان فلسطین پله های ترقی را تا نخست وزیری رژیم صهیونیستی طی کرد و عکس العمل او در قبال حمله اعراب در ۱۹۶۷ چیزی جز ترس و غش نبود.

ویژگی بارز اسنادی که شرح مختصری از آن را آوردیم، وحدت عمل و هماهنگی کامل رژیم صهیونیستی با آمریکای جنایتکار در عملیات خائنانه خود در سراسر جهان و خصوصا منطقه است و به

وضوح دیده می شود، که اگر یک آن حمایت مستقیم شیطان بزرگ از این غاصبان حقوق مسلمین قطع شود، دیگر ادامه حیات بر آنان مقدور نیست.

به همین دلیل باز بر این نکته تأکید می کنیم که این جهاد مقدس بر علیه اشغالگران قدس، نبرد بی امان بر علیه شیطان بزرگ را طلب می کند و در این صف، نوکران آمریکا، آنان که هماهنگ با رژیم شاه با صهیونیسم همراهی می کردند و امروز جانشین شاه در تأمین نفت اسرائیل هستند، هرگز نمی توانند ایفای وظیفه تاریخی خود را بنمایند.(۱) به این امید که همه مسلمین حول مکتب حیات آفرین اسلام با مسلسلهای متکی بر ایمان با اتحاد و یگانگی این پایگاه استکبار جهانی در قلب امت اسلام را محو و نابود سازند و برای این پیکار مقدس، انقلاب شکوهمند اسلامی در ایران که ادامه نهضت انبیاء است، بهترین الگوست و اطمینان داریم که نابودی این پایگاه کفر، که مطابق سنن الهی دوام چندانی هم ندارد، زمینه ساز حکومت حضرت ولی عصر(ع) و نوید بخش رهایی مستضعفان از چنگال مستکبران است.

والسلام

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

توضیح: در اسناد شماره ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵ به علت طولانی بودن متن فقط به ترجمه مطالب مهم اکتفا شده و اصل سند به طور کامل به چاپ رسیده است.

سرویسهای اطلاعات خارجی و امنیت اسرائیل

۱- جالب اینجاست که همان رژیمهایی که به تصریح اسناد جاسوسی آمریکا هیچ مخالفتی با فعالیتهای اسرائیل در ایران با علم به وجود آن نداشتند امروز همگام با امپریالیسم آمریکا! انقلاب اسلامی ایران را متهم به ارتباط با اسرائیل می کنند!!

سند شماره (۱)

سری

غیرقابل رؤیت و تحویل به اتباع بیگانهمارس ۱۹۷۹

غیرقابل تحویل به کنتراتچیان یا مشاورین کنتراتی

حق اقتباس و انتشار اطلاعات تحت نظر ناشر (تهیه کننده) امکان پذیر است.

سرویسهای اطلاعات خارجی و امنیت اسرائیل

این یک «بررسی» از سرویسهای امنیت و اطلاعات خارجی اسرائیل است، که توسط کارکنان «مدیریت عملیات ضد اطلاعاتی» (DOCS)، «سازمان مرکزی اطلاعات» (CIA)، با همکاری و هماهنگی «سازمان اطلاعاتی دفاع» (DIA) تهیه و انتشار یافته است. این «بررسی» جانشینی برای «بررسی اطلاعات ملی» (NIS) بخش ۵۶، امنیت و اطلاعات می باشد، و حدودا در همان فاصله زمانی که «بررسی اطلاعات ملی» چاپ می شود، اصلاح و دوباره چاپ و تکثیر خواهد شد و یا بر حسب آنچه پیشرفت امور تجویز و تضمین کند، منتشر خواهد شد.

اجازه انتشار، نسخه اصلی، یا کپی اضافی این «نوشتار»، از طریق کانالهای وضع شده در «سازمان مرکزی اطلاعات» (CIA) می تواند به دست آید.

اخطاریه: منابع و متدهای اطلاعاتی عنوان و مورد بحث قرار گرفته (WN) است.

(یادداشت اخطاریه اطلاعاتی WNINTEL)

اطلاعات امنیت ملی (NSI): افشای غیر مجاز، مشمول جرایم جزائی می باشد. (UDSCS)

اختصارات برای کنترل انتشاراتی: f(NF) NOFORNغیرقابل رؤیت و تحویل به اتباع بیگانه.

NC) NOCONTRACT) غیرقابل رؤیت و تحویل به کنتراتچیان یا مشاورین کنتراتی.

PP) PROPIN) احتیاط شامل اطلاعات اختصاصی است.

NO) NFIBONLY) فقط برای ادارات NFIB

OC) ORCON) حق اقتباس و انتشار تحت ناظر ناشر (تهیه کننده) امکان پذیر است.

REL......... این اطلاعات برای تحویل به...... مجاز می باشد.

FGI اطلاعات دولت بیگانه

این نوشتار به صورت میکروفیش موجود است. برای اخذ میکروفیش از این نوشتار به ۷۱۷۷(OCR/DSB)تلفن بزنید. برای اخذ چاپهای بعدی به علاوه یا به جای کپی به ۵۲۰۳(PPG/RDB) تلفن بزنید. طبقه بندی مشتقات توسط ۰۵۹۹۱۰ تجدید نظر ۳۰ سال پس از تاریخ کنونی نوشتار خواهد بود. مشتق شده از D۹b.۱

بررسی «سرویسهای اطلاعات و امنیت بیگانه» جزء اطلاعات ملی است و نباید در اختیار و رؤیت نمایندگان دول بیگانه یا هیئتهای بین المللی قرار گیرد، بجز در مواردی که اجازه نامه ویژه از رئیس (CIA) دریافت شده باشد، آن هم بر طبق مقررات «شورای امنیت ملی» (NSC) مقررات اطلاعاتی شماره ۱.

کلیه مطالب مندرج در این صفحه «محرمانه» تلقی می شود. سرّی NOFORN / NOCONTRACT / ORCON

ص: ۵۹۵

فهرست مندرجات

یک روابط با سرویسهای دیگر

دو روابط وابسته با سرویسهای بیگانه

ج. (C). شین بث سرویس امنیت داخلی و ضدجاسوسی

۱ وظایف EISS) BETH – SHIN)

۲ سازماندهی

۳ عملیات اداری

۴ روشهای اطلاعاتی

د. (D). اطلاعات نظامی (MI)

۱ وظایف

۲ سازماندهی

یک: اطلاعات نیروی هوایی (AFI)

دو: اطلاعات نیروی دریایی (NI)

۳ عملیات اداری

۴ روشهای عملیاتی

۵ روابط با سرویسهای دیگر

ص: ۵۹۶

ه. (E). مرکز تحقیقات و طرح ریزی سیاسی (RPPC)

و. (F). پلیس ملی (NP)

ز. (G). افراد عالیرتبه اصلی (سران) (KO)

ح. (H). نظریات در مورد منابع اصلی

۱ مطالب منبع

۲ انتشارات آشکار تکمیلی

اشکال

زریت (Zarit)، ژوئن ۱۹۷۵ (عکس)

فرهنگ لغات

معنیاختصار

سازمان دفاعی (DO) نیروی مقاومت(هاگانا) Haganah

جنبش آزادی (FM)(هروت) Herut

فدراسیون عمومی کار در اسرائیل (GFLI)(هیستادروت) Histadrut

نیروهای ارتش اسرائیل IDF(IDF)

حزب کار اسرائیل ILP(ILP)

سازمان ارتش ملی (NMO)(ایرگون) Irgun

بخش تحقیقات (RD)

اطلاعات سیاسی (PI)

حزب کمونیست اسرائیل ICP(MAKI)

حزب کارگران اسرائیل IWP(MAPAI)

ص: ۵۹۷

حزب کارگران متحد UWP)MAPAM)

اطلاعات نظامی MI)MI)

سرویس اطلاعات سری (کلمه به کلمه:مؤسسه مرکزی اطلاعات و وظایف ویژه).(SIS)(موساد)MOSSAD

گروه های سرنیزه ای (خط اول)، (SG)(پالماچ) Palmach

جمع آوری و تولید مخفیانه (CCP)

کارگران چپ گرای اسرائیل IWL)RAFI)

کمونیستهای جدید چپ گرا NCL)RAKAH)

سرویس اخبار (اطلاعات) (IS)(شی) Shay

چپ جدید اسرائیل NCL)SIAH)

سرویس امنیت داخلی و ضدجاسوسی (CISS)(شین بث) Shinbeth

شاخه پلیسی اطلاعات نظامی (PBMI)

سرویس امنیت و اطلاعات دریایی (ISS)

کمیته سران سرویسها (CHS)(وعدت) Va adat

الف (A) کلیات

مرجع اصلی اطلاعات و امنیت اسرائیل «وعدت راشه ای ها شروتیم» (کمیته سران سرویسها) است. که معمولاً به عنوان «وعدت» شناخته می شود. «وعدت» فعالیتها و عملیات اعضای خویش را هماهنگ می سازد. «موساد لتافکدیم میوچادیم» (سرویس اطلاعات سری) یا موساد که اسم معمول آن می باشد، مسئولیت عمده عملیات خارجی را عهده دار است و تحت نظر و تابع نخست وزیر می باشد.

«شروت بیتاچون کلالی» (امنیت داخلی و ضدجاسوسی) که معمولاً به شین بث مشهور است، مسئول

امورات امنیتی است و مستقیما تحت نظر نخست وزیر می باشد.

«اگاف مودین» (اطلاعات نظامی)، مسئولیت اصلی «اطلاعات استراتژیکی نظامی» و «اطلاعات ارتباطاتی» را عهده دار است و تحت فرماندهی رئیس ستاد نیروهای ارتش اسرائیل می باشد.

وزارت امور خارجه، حمایت «تحقیقاتی و طرح ریزی سیاسی» جامعه اطلاعاتی اسرائیل را مهیا می سازد.

وزارت کشور، «پلیس ملی» را با کمک «بازرسی پلیس» و «حفظ امنیت مرزهای کشور» یاری می دهد.

۱ سوابق و توسعه سرویسها

در سال ۱۹۴۸، هنگامی که قیمومیت انگلستان پایان یافت، جمعیت یهودی سرزمین فلسطین، کشور اسرائیل را تأسیس نمود. در میان سازمانهای دولتی که ایجاد شدند، واحد امنیتی و اطلاعاتی نیز وجود داشت که به «سرویس اخبار (اطلاعات)» (شی) معروف بود. این سازمان، که بازوی اطلاعاتی «نیروی مقاومت زیرزمینی» (هاگانا) صهیونیستها بود، در زمان قیمومیت انگلستان، با تأسیس «آژانس یهود» در سال ۱۹۲۹، در کنگره صهیونیستها در زوریخ سوئیس، شروع به عملیاتی در مقیاس جهانی زد. در آن

زمان، «آژانس یهود» متشکل از صهیونیستها و غیرصهیونیستها، از جمله شرکت و حضور فعالانه و گسترده آمریکاییان بود. «آژانس یهود» که جهت حمایت و پشتیبانی یهودیان تحت فشار و محروم، و حفظ جامعه یهودی فلسطینی ایجاد شده بود، در طی سالیان دراز، به طور مؤثری تحت کنترل صهیونیستها قرار گرفته است.

این «آژانس» به عنوان پوششی برای «شی» به کار می رفت و عملیات مخفی خود را در اروپای غربی و ایالات متحده گسترش داد.

از سال ۱۹۲۳ تا ۱۹۴۸، اهداف «شی» بدین قرار بود: پیشبرد امر تأسیس یک کشور مستقل اسرائیلی، نفوذ در تأسیسات و تشکیلات قیمومیتی انگلستان به منظور مطلع نمودن رهبران صهیونیست از طرز تفکر آنان و ارائه طرحهای عملیاتی، جمع آوری اخبار و اطلاعات سیاسی جهت بهره گیری در تبلیغات صهیونیستی، نفوذ در احزاب و دستجات عرب و ضدصهیونیستی در فلسطین و کشورهای مجاور، نظارت و کنترل همه گروههای افراطی در میان جوامع یهودی در فلسطین و خارج از آن،حفظ امنیت قاچاق اسلحه و برنامه های مهاجرت غیرقانونی «هاگانا»، و نهایتا جمع آوری اطلاعات از آلمانهای نازی به منظور تأمین و تضمین امنیت نیروهای زیرزمینی یهود و کانالهای گریز در سرتاسر اروپا در قبل و حین و بعد جنگ جهانی دوم بوده است. «شی» از بخشهای زیر تشکیل یافته بود:

اطلاعات سیاسی، امنیت داخلی و ضدجاسوسی، اطلاعات نظامی، شاخه پلیسی اطلاعات نظامی، و بالاخره اطلاعات و امنیت دریایی. این سرویسها هر کدام مستقلاً از طرف وزارتخانه های مختلفی که شخصا در قبال آنها مسئول بودند، عمل می نمودند. این مجامع امنیت و اطلاعات در رقابت با یکدیگر بوده و مکررا به طور مستقل عمل می نمودند. این هرج و مرج محصول کلی و عمومی بعد از جنگ بود که انجام عملیات و وظایف فوری زیادی را، در هر زمان که ایجاب می نمود، کاملاً الزامی می دانست. در تعدادی از

پایتختهای اروپای غربی، تمامی سرویسها حضور داشته و برای عمال و منابع مشخص و یکسانی در رقابت با یکدیگر بودند.

در آوریل سال ۱۹۵۱ نخست وزیر و کابینه اش به سبب جو حسادت متقابل و عدم اعتماد غالب و شایع در بین سرویسها، که به قیمت گزافی از جهت عدم هماهنگی تلاشهایشان، در این زمینه منتهی شده بود، شدیدا احساس خطر کرده و تصمیم به دوباره سازی کامل ساختمان اساسی جامعه امنیت و اطلاعات اسرائیل گرفتند.

نیروی متحرکی که پشتوانه این طرح بود، مرد فقیدی به نام «ریوون شیلوا» (Reuven Shiloah)بود، که دوباره سازی سرویسها را بر طبق وظایف، عملکرد و مسئولیتهایشان عملی کرده و مکانیسمی را که عملیات آنان را هماهنگ کند، تأسیس نمود. «شیلوا» رئیس این مرجع که «کمیته سران سرویسها» یا «وعدت» نام گرفت، بود. او «سرویس اطلاعات و امنیت دریایی» و واحد نوبنیاد «اطلاعات هوایی» را در «اطلاعات نظامی» ادغام نمود. «سرویس اطلاعات سیاسی» را از وزارت خارجه جدا و مستقل نمود و در شکل «سرویس اطلاعات سری» دوباره سازی کرد (موساد). تنها وزارت خارجه بخش تحقیقات را حفظ نمود. «سرویس امنیت داخلی و ضد جاسوسی» (شین بث)،غیر از تغییرات داخلی همچنان دست نخورده باقی ماند. «بخش وظایف ویژه» (STD)در اداره «بازرسی پلیس» یک جزء جدید این دستگاه گشت. دوباره سازی «شیلوا» در ساختمان امنیت و اطلاعات، جامعه مؤثر و بسیار هماهنگی را به وجود آورد.

سرویسهای امنیتی و اطلاعاتی اسرائیل این استخوان بندی را نسبتا بدون تغییری، در طی جنگهای اعراب و اسرائیل در اکتبر و نوامبر ۱۹۵۶، جنگ ۶ روزه در ژوئن ۶۷، و جنگ «یوم کیپور» در اکتبر ۷۳، حفظ نمودند. به هرحال، در طی اوایل و اواسط دهه ۱۹۶۰، دولت اسرائیل تغییراتی را در ساختمان و وظایف هر یک از سرویسهای جامعه امنیت و اطلاعات در نظر گرفته بود. علیرغم دوباره سازی اولیه «شیلوا»، اغلب آنچه که در سرویسهای امنیتی در این دوره اتفاق افتاد، بستگی به روابط شخصی بین «بن گوریان» و رؤسا و مدیران جامعه بود. در اوایل ۱۹۶۳، درست قبل از بازنشستگی و کناره گیری وی، بن گوریان کمیته ای را برای بررسی اوضاع، تعیین و انتخاب نمود. او نگران آن بود که تأسیسات و تشکیلات امنیتی و اطلاعاتی که به سبب نقش او به عنوان نخست وزیر و وزیر دفاع، معمولاً رضایت بخش عمل می نمود، با کناره گیری وی رو به زوال رود. طبق گزارشات، او نیز از عدم صراحت و روشنی در زنجیر فرماندهی و عملیات این جامعه، ناراضی بود و به کمیته مزبور دستور داد تا وظایف چگونگی وابستگی هر یک از سرویسها را تعریف و معین نماید.

در ژوئیه ۱۹۶۳، کمیته گزارش خود را تسلیم نخست وزیر جدید، لوی اشکول (Levi Eshkol)فقید نمود. کمیته چنین عنوان نمود که در حالی که وظایف نخست وزیر و وزیر دفاع الزاما نباید در دست یک فرد متمرکز شود. معهذا نخست وزیر باید از همه فعالیتهای «اطلاعات و امنیت ملی» هر یک از سرویسها مطلع گردد و «ارزیابیهای منتقدانه اطلاعاتی» به توسط و براساس نقطه نظرهای مختلفی که از منابع گوناگون به دست می آید، متعادل و تصحیح شود. به منظور نیل به این اهداف، کمیته توصیه نمود که «بخش تحقیقات» وزارت امور خارجه تقویت شود. که توانایی ارائه «ارزیابیهای سیاسی مستقل» درباره مسایل خاورمیانه و موضوعات سیاسی دیگر را داشته باشد.

با رشد کیفی و تقویت بخش تحقیقات، کمیته معتقد بود که بدین نحو، «تعادل و توازن مشخصی» برای

ارزیابیهای امنیتی و سیاسی، که تقریبا تا آن زمان،تنها توسط «اداره تولیدات» سرویس اطلاعات نظامی تهیه می شد، به وجود آید. همچنین کمیته مشاهده نمود که وجود «موساد» که کنترل «جمع آوری مواد اطلاعاتی سری» را به عهده داشت، بتواند تا حدودی واحد ارزیابی مستقل دیگری را تسهیل و احتمالاً تشکیل دهد. کمیته انتخاب «مشاور مخصوصی» را که تنها وابسته به نخست وزیر باشد، نیز امری مهم و حیاتی تلقی نمود. مشاور باید شخصیتی با صلاحیت و کارایی عالی باشد که نخست وزیر را در حفظ تماس و کنترل فعالیتهای مختلف سرویسهای اطلاعاتی و امنیتی یاری دهد. توصیه های اساسی کمیته، در این زمان تکمیل و به کار برده نشد و تنها به وجود پست «مشاورت» و جا به جایی اختیار و مسئولیت «شین بث» از وزیر دفاع به نخست وزیر، جامه عمل پوشانده شد. در فاصله کوتاه زمانی، بین سپتامبر ۶۵ تا ژوئیه ۶۶، ایزر هارل (Isser Harel) رئیس قبلی «وعدت» و رئیس «موساد» به عنوان مشاور مخصوص نخست وزیر «اشکول» در مسایل امنیتی و اطلاعاتی انجام وظیفه نمود. هارل در اثر مشاجراتی درباره رویه ها و سیاستهای داخلی جامعه استعفاء نمود و در این زمان جانشینی دیگر به جای او انتخاب نگشت.

به دنبال شکست و افت اطلاعاتی عنوان شده در جنگ «یوم کیپور»، دولت اسرائیل در نوامبر ۱۹۷۳، «کمیسیون آگرانت» (Agranat) را برای تحقیق مسایلی که مرتبط به «عملیات جنگی» و «اجراء» سرویسهای امنیتی و اطلاعاتی بود، تعیین کرد. کمیسیون در گزارش کوتاه و مقدماتی خود در آوریل ۱۹۷، سه پیشنهاد تقویت و فعال نمودن پست «مشاورت مخصوص نخست وزیر» را در امور امنیت و اطلاعات

مطرح نمود. کمیسیون همچنین تغییراتی در نیروهای امنیت و اطلاعاتی را از طریق تأسیس یک واحد «تحقیقات و ارزیابی» و در «موساد» و ارتقاء و توسعه «بخش تحقیقات» و در وزارت امور خارجه، پیشنهاد نمود. هدف این اصلاحات و تغییرات دوری نمودن از اعتماد و اتکاء «فوق العاده و منحصرانه» به اطلاعات نظامی، در ارزیابیها و تخمینهای گسترده و اساسی بود. کمیسیون همچنین، نیاز به هماهنگی عملیاتی بهتری در زمینه «جمع آوری اطلاعات» در بین سرویسها را تأکید نمود، ولی مخالف هماهنگی در قضاوتهای «اطلاعات تکمیلی نهایی» بود. گزارش کامل و نهایی کمیسیون، البته اگر تهیه و انتشار یافته باشد، هیچ گاه به طور عمومی مطرح نشد.

از سال ۱۹۷۴ تا۱۹۷۶، توصیه های گزارش مقدماتی کمیسیون آگرانت، اعمال شد. نخست وزیر، ارتشبد مخصوص «رهاوم زیوی» (Rahavam Zeevi)، را به عنوان مشاور مخصوص خود برگزید. پستی که کاملاً جنبه مشورتی داشت و هیچ گونه قدرت و مسئولیت اجرائی در بر نداشت. «زیوی» متصورا این شغل جدید را علاوه بر نقش مشاورت نخست وزیر در مسایل «ضدتروریسم» در اختیار داشت. «زیوی» همچنین وابسته نخست وزیر در «اطلاعات نظامی» بود و نیز نخست وزیر را از اختلاف نظرات میان سرویسهای امنیتی و اطلاعاتی، با خبر می ساخت.

به هر حال، در اکتبر ۱۹۷۶، «زیوی» از این پست استعفا داد و سرتیپ بازنشسته، و رئیس قبلی «اطلاعات نظامی»، «یهوشافت هرکبی» (Yehoshafat Harkabi)، جانشین وی شد. در ژانویه ۱۹۷۵، مرکز «تحقیقات و طرح ریزی سیاسی» وزارت امور خارجه، شروع به کار و فعالیت نمود. تغییراتی در ساختمان «اطلاعات نظامی» صورت گرفت و واحد جدید «تحقیقات و ارزیابی» برای بررسی و ارزیابی اطلاعات و اخبار، در داخل موساد تأسیس شد. منصوبین جدیدی برای اکثر سرویسها و واحدهای امنیت و اطلاعات تعیین شدند، و در ژوئن ۱۹۷۷، دولت اسرائیل یک کمیته اجرائی در «امور امنیتی» را تأسیس

نمود.

۲ اهداف و ساختمان

اهداف و مقاصد اساسی سرویسهای اطلاعات و امنیت اسرائیل عبارتند از: (۱) کشورهای عربی توانایی و قدرت آنها، مقاصد و نظریاتشان درباره اسرائیل، روابط آنها با شوروی و سایر قدرتها، تأسیسات رسمی و نمایندگان آنها در سرتاسر جهان، رهبران، سیاستهای داخلی و سیاستهای بین اعراب، خصوصیات اجتماعی و نظامی، آمادگی نظامی و دیگر امورات جنگی، (۲) جمع آوری اطلاعات درباره سیاستهای سری ایالات متحده و یا تصمیمات آن، در صورتی که درباره اسرائیل باشد، (۳) جمع آوری اطلاعات علمی در آمریکا و سایر کشورهای پیشرفته، (۴) تصمیمات و سیاستهای دولت شوروی و کشورهای اروپای شرقی در قبال اسرائیل و مسایل و مشکلات مهاجرت یهودیان از این مناطق، (۵) نظارت و تعقیب نزدیک از همه فعالیتهای ضد صهیونیستی در سرتاسر جهان و (۶) جمع آوری اطلاعات سیاسی و اقتصادی در همه مناطق مورد توجه و علاقه خود، نظیر آفریقا. سرویسهای اسرائیل همچنین کوششهای ویژه ای را بر علیه تبلیغات اعراب و خنثی نمودن فعالیتهای ضدصهیونیستی به عمل می آورند. در سالهای اخیر، اسرائیل بسیاری از فعالیتهای عملیاتی خود را مصروف ستیزه جویی و مبارزه بر علیه تروریسم عرب نمود. تروریسم در سالهای متمادی، توسط فداییان فلسطینی که به حملات پرجرأت و

مرگ آور، از طریق «مناطق بین مرزی مجزا شده» دست زده، و یا اغلب در سطح بین المللی بر علیه پرسنل و اموال اسرائیل اقدام نموده اند، رشد و گسترش یافته است. اسرائیلیها در مقیاس جهانی، برنامه های عملیاتی گسترده سری «اقتصاد، سیاسی و شبه نظامی» را نیز، به خصوص در آفریقا، برعهده دارند.

اجازه و اختیار تشکیلات اطلاعات خارجی و امنیت داخلی، در حالی که به وسیله دستور و قانون به خصوصی تشریح نشده است، تلویحا در قانون اسرائیل قرار دارد. بند ۲۹ از قوانین کشوری می گوید: «دولت موظف و مجاز است، به خاطر مصالح کشور، مطابق هر قانون، هر عملی که کاربرد آن قانونا به هیچ مسئول و عامل دیگری تعلق نگیرد را اعمال نماید.» این قانون تلویحا مدیریت امورات اطلاعات و امنیت کشور را به عهده دولت می گذارد، زیرا که عامل و مسئول مجاز دیگری اجازه عمل در این حوزه را، طبق قانون دیگری دارا نمی باشد. کوششهایی در طی سالها توسط مسئولین دولتی و جامعه اطلاعات و امنیت برای تصویب قانونی که وضعیت و عملیات سازمانهای اطلاعات خارجی و امنیت را تعریف کند، به عمل آمده، ولی تاکنون نتیجه ای از این تلاشها حاصل نشده است.

از طرف دیگر، امنیت داخلی مشخص تر در قانون تعریف شده است. قوانین دفاع (اضطراری) ۱۹۴۵ که (در زمان قیمومیت انگلستان وضع شده است.) قانون نظامی در ۲۱ ژوئن ۱۹۵۵ و قانون تجدید نظر جزائی (امنیت کشور) در ۳۱ ژوئیه ۱۹۵۷، که معادل احکام رسمی سری انگلستان می بود، همگی درباره امنیت داخلی می باشد. قوانین اضطراری ۱۹۴۵، به اداره ارتش قدرت دستگیری و تبعید عوامل مزاحم و مخرب و اینکه مناطق مخصوصی را به عنوان «مناطق محصور غیرقابل عبور» مشخص و علامت گذاری نماید و از ساکنین محلی تقاضای اجازه عبور و مرور از این مناطق را بکند، داده است. در حالی که این قوانین در اصل درباره یهودیان و اعراب موجود در فلسطین، تعیین و به اجراء گذاشته شده است، ولی در حال حاضر در سطح وسیعی جامعه عرب را در اسرائیل کنترل و محدود می کند. اجراء قوانین از ارتش به

پلیس در سال ۱۹۶۶ محول شده است و طبق گزارشات، ارگانهای امنیت داخلی، فعالیت عناصر خود را برای انجام و تقبل این مسئولیت افزایش داده اند.

قوانین اسرائیل تنبیه و مجازات سختی را از مجازات اعدام یا زندان ابد، برای خیانت یا همکاری با دشمن، تا زندان ۳ تا ۱۵ ساله برای جاسوسی و تماس با عمال خارجی، و همکاری و دستیاری در خیانت بر علیه کشور و افشای غیر مجاز اطلاعات، توسط کارمندان و پرسنل عمومی را مقرر نموده است.

هیچگونه وضعیت و تعیین زمان و محدودیت جزائی در رابطه با افشاء غیرمجاز اطلاعات طبقه بندی شده، وجود ندارد.

تشکیلات مرکزی جامعه اطلاعات و امنیت اسرائیل «وعدت» است، که وظیفه اصلی و اولیه آن هماهنگی کلیه فعالیتهای امنیتی و اطلاعاتی در داخل و خارج اسرائیل می باشد. «وعدت» شامل رئیس موساد، رئیس اطلاعات نظامی، رئیس شین بث، رئیس کل بازرسی، مدیر کل وزارت امور خارجه، رئیس مرکز تحقیقات و طرح ریزی سیاسی وزارت امور خارجه، و مشاورین سیاسی، نظامی، اطلاعاتی، و ضدتروریستی نخست وزیر می باشد. رئیس بخش «وظایف ویژه» در اداره بازرسی پلیس نیز، گاهی در نشستهای «وعدت» شرکت می کند و یا به جای رئیس کل بازرسی پلیس در جلسه حضور می یابد.

نشستها هر دو هفته یک بار برگزار می شود، ولی می تواند بیش از این تعداد تشکیل گردد. در این جلسات رؤسای هر سرویس، معمولاً خلاصه ای از فعالیتهای مهم سرویس خود را در دو هفته گذشته ارائه می کند.

رئیس موساد ریاست «وعدت» را به عهده دارد، و به همین اندازه، در برابر نخست وزیر مستقیما مسئول می باشد. اعضاء «وعدت» دارای موقعیت و مقام «نسبتا مساوی» می باشند و واژه «ممیون» (Memune) به رئیس موساد که عنوان ریاست «وعدت» را دارد، به عنوان یک نوع برتری و مقام عالیرتبه در برابر بقیه، به نام او الحاق شده است؛ هر چند که در حقیقت، ریاست اطلاعات نظامی، هم اکنون ریاست موساد را از جهت قدرت و اهمیت تحت الشعاع قرار داده است. این پیشرفت و تحولات منتج از ادامه اعتماد و تکیه اسرائیل به آمادگی ارتش، در حفظ بقای ملی می باشد.

موساد مسئول جمع آوری اطلاعات خارجی و اجراء و اداره برنامه های عملیات مخفی در خارج از اسرائیل می باشد. شین بث مسئول ضداطلاعات و امنیت داخلی است، و به عنوان مسئول مجاز دولتی در مسایل امنیت پرسنل دولتی، انجام وظیفه می کند. شین بث مسئول و مأمور امنیت فیزیکی بنادر، فرودگاهها و تأسیسات حیاتی نظامی اقتصادی داخل اسرائیل و حفاظت هیئتهای اسرائیل و عملیات ال عال در خارج از اسرائیل می باشد. شین بث قدرت دستگیری و بازداشت ندارد. این وظیفه توسط بخش «وظایف ویژه» در اداره بازرسی پلیس که در رابطه و همکاری نزدیکی با شین بث عمل می کند، صورت می پذیرد.

در مناطق و سرزمینهای اشغالی که تحت حیطه و کنترل نیروهای ارتش اسرائیل می باشد، شین بث تعهد دستگیری و جستجو، را به ارتش واگذار کرده، و از آنان مسئولیت می خواهد. یکی از واحدهای مخصوص که تحت اداره «بازرسی کل پلیس» می باشد، گارد مرزی است که مأموریت آن حراست از خطوط آتش بس در برابر نفوذ اعراب و کشف و شناسایی تروریستهای فدایی می باشد. در سالهای اخیر، واحدهای گارد مرزی به طور فزاینده ای در کنترل و سرکوب اغتشاشات و تظاهرات منطقه کرانه غربی به کار گرفته شده اند.

سرویس اطلاعات نظامی، علاوه بر مسئولیت کسب اطلاعات تاکتیکی و استراتژیک، بررسی و تخمینهای اطلاعات ملی، و ارزیابی تمامی اخبار مرتبط به اعراب را تهیه می کند. همچنین مسئول تولید، توسعه و تعمیم، و حفاظت کدهای ارتباطاتی و روشهای نوشتارها و شماره های سری ارتباطاتی، برای تمامی سرویسها، از جمله وزارت امور خارجه و نیز برای دستگاههای ارتباطاتی می باشد.

مرکز تحقیقات و طرح ریزی سیاسی، که قبلاً بخش تحقیقات وزارت امور خارجه بوده آنالیز مواد خام اطلاعاتی به دست آمده از منابع مختلف را، برای مسئولین و مقامات رسمی کشور، در سطح تعیین خط مشی سیاسی تهیه می نماید.

سایر سازمانهای دولتی که حمایت و پشتیبانی از جامعه اطلاعات و امنیت را فراهم می آورند، وزارتخانه دارایی و امورات مالی (گمرکات و مالیات، سرمایه گذاری و اوراق بهادار) و وزارتخانه جهانگردی، خطوط هواپیمایی ملی، ال عال (ELAL)، و خط کشتیرانی ملی، زیم (ZIM) می باشد. در مواقع لزوم، سازمانهای غیر رسمی صهیونیستی که مستقر در اسرائیل بوده و محافل یهودی در سرتاسر جهان، به عملیات و فعالیت اسرائیلی ها کمک و یاری می دهند.

حدود ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ نفر پرسنل، که تقریبا ۵۰۰ نفر از آنان افسر می باشند، در موساد کار می نمایند. شین بث حدود ۱۰۰۰ پرسنل دارد که ۵۵۰ نفر از آنها درجات نظامی دارند. در اطلاعات نظامی حدود ۷۰۰۰ پرسنل فعالیت دارد که ۴۵۰ نفر از آنان افسران و بقیه به عنوان شاغلین و کارمندان غیرنظامی

رده بندی شده اند.

تعداد کارمندان رسمی مرکز تحقیقات و طرح ریزی سیاسی وزارت امور خارجه، بین ۷۵ تا ۱۰۰ نفر می باشد. افراد پلیس ۱۲ هزار تن بوده و گارد مرزی حدود ۶ هزار نفر می باشد.

از آنجایی که بودجه و وضع مالی سرویسهای اطلاعات و امنیت، بسیار سری نگاهداشته می شود، بسیار دشوار است که اطلاعات صحیح و دقیقی درباره مجموع مبالغ و مخارج و هزینه های در این راه صرف شده، به دست آید. مقدار بودجه اختصاص داده شده، در بودجه نظامی نهفته شده است و تنها نخست وزیر، وزیر دفاع، یک یا دو نفر از دستیاران عالیرتبه، وزیر دارایی، حسابرسی کشور و بازرسان دفاعی وی، از مبلغ آن آگاهی دارند. حسابرسی کشور مستقیما با رؤسای سرویسها، که درخواست بودجه در اول سال مالی در ماه آوریل می نمایند، در تماس است. حدود و تخمین مخارج به توسط رؤسای سرویسها که به درستی و امانت مشهورند، معمولاً به عنوان نقطه آغاز «مذاکرات بودجه» قابل قبول می باشد. وزارت دارایی، تصویر و ارقام ده ساله از مخارج مالی را لازم می داند (عمل غیرممکنی که چندان جدی گرفته نشده است.) (احتمالاً هم در گذشته، و هم در آینده منظور می باشد. م) حسابرسی کل، نشستهایی را با سران سرویسها و کادر اداری آنان، برای بررسی و بازبینی برنامه های مفصل آنها، تا حد جزئیات برگزار می کند. این نشستها در طول ماه مه ادامه می یابد و منتج به تعریف کامل و مشخصات دقیقی، از کلیه کوششها و مخارج سرویسها می گردد. در اکتبر، تصمیمات درباره، مقدار مشخص بودجه مورد نیاز، براساس آنالیز برنامه های تکمیلی در ماه می، اتخاذ می شود. سپس این بودجه برای تصویب مقامات عالیرتبه ارسال می گردد و دقیقا بودجه بندی و طرح ریزیها، براساس بودجه، توأما برای آغاز دوره جدید کامل می شود.

اغلب کمکها و پشتیبانی اداری سرویسها، توسط وزارت دفاع بر آورده می شود. انواع گوناگون پوشش

و حفاظت توسط نیروهای ارتش اسرائیل (IDF)، تهیه گردیده و مخارجش را خود می پردازد. همکاری نزدیک حرفه ای بین سرویسهای امنیت و اطلاعات غیرنظامی و اطلاعات نظامی وجود دارد. همه این سرویسها نظیر ادارات و بخشهای دولتی تحت بازرسی دفتر حسابرسی کشور می باشند. معاون مدیر کل حسابرسی کشور، مسئول بازرسی سرویسهای دفاع و امنیت، پلیس و وزارت امور خارجه می باشد.

بازرسی سالانه شامل حسابرسی، مدیریت مالی و نحوه اداره تشکیلات اداری است. حسابرسی کشور موظف است، که مقرون به صرفه بودن عملیات سرویسها، و مؤثر بودن آنها و اینکه آیا بااخلاق و غیرقابل سرزنش و انتقاد عمل کرده اند را، مشخص نماید. بخشها و دوایر و دفاتر دولتی اسرائیل، به طور مداوم، پول، پرسنل، تجهیزات و وسایل از یکدیگر قرض می نمایند و حقوق توسط دفتری که شخص مربوطه بدانجا منتقل شده است، پرداخت می شود. یک افسر اطلاعاتی و یا کارمند رسمی وزارت امور خارجه که در نیویورک مستقر است و به آژانس یهود فرستاده می شود، حقوق و مزایای خود را از آژانس دریافت می کند. ولی موقعیت بازنشستگی و رتبه خود را در حین این گونه خدمات و وظایف از دست می دهند.

۳ جنبه های سیاسی

یک روابط و مناسبات بین دولت و سرویسها: جامعه اطلاعات و امنیت، از موقعیت مستحکمی در دولت برخوردار است، و فعالیتهای آنها به خوبی به شکل عملیات نسبتا عمومی درآمده است. اعضای

نسلی که برای تأسیس کشور اسرائیل تلاش نمودند، همراه و یاور طولانی سربازان اولیه ای، که برای تأسیس این کشور، فعالیتهایی نظیر مهاجرت غیرقانونی و قاچاق اسلحه نمودند، می باشند. بسیاری از رهبران فعلی، از میان نظامیان عالیرتبه، که در سلسله جنگهای با اعراب شرکت داشته، و وابسته به یکی از احزاب مهم سیاسی اسرائیل بودند، انتخاب شده اند. همه آنها تجاربی در مسایل پنهانی داشته و شخصا به سبب دروس سختی که درباره ارزش فوق العاده امنیت و اطلاعات گرفته اند، به آن متقاعد و معتقد شده اند. سرویسهای اطلاعات و امنیت کمك و حمایت فوق العاده ای را از وزارت امور خارجه دریافت می دارند. بسیاری از دیپلماتهای عالیرتبه قبلاً از افسران اطلاعاتی بوده اند و بنابراین با مسایل و عملیات اطلاعاتی به خوبی آشنایی دارند. اینها با مشاهدات تجربی و استعدادهای سرشار و متعدد خود، دستیارهای ذیقیمتی برای همکاران سری سرویسها می باشند؛ که با پوششهای بسیار مناسب دیپلماتیک توسط فعالیتهای مداوم وزارت امور خارجه حفظ می شوند. علاوه بر این، تقریبا هر دیپلمات اسرائیلی در خارج از کشور، زبان خارجی را به خوبی صحبت می کند و دارای دانش و بینش، از حوزه تحت فعالیت خود می باشد. به علاوه دارای تخصص و خصوصیاتی بوده که فعالیت گسترده تر اجتماعی را برای آنان فراهم می سازد و نتیجتا تماسها و آشنایان فراوانی می یابند که قابل مقایسه با سرویسهای خارجی دیگر نیست. در خیلی از موارد، افسران سفارت، از جمله رؤسای هیئتهای دیپلماتیك، قبلاً تبعه کشورهایی که بدان مأمور شده اند، بوده اند. اطلاعات و اخبار به دست آمده توسط دیپلماتهای اسرائیلی در اختیار جامعه امنیت و اطلاعات برای بهره برداری فوری در عملیات اطلاعاتی یا لیست برداری و طبقه بندی آرشیوی گذارده می شود، برای آخرین توجه و امکان در پوشش پرسنل اطلاعاتی، زندگی متعادل دیپلماتیکی متنوع و متعددی، با ظرافت خاص در خارج از مکان کار او تهیه می شود که معمولاً امکان کشف و کنترل افسران اطلاعاتی را به سبب پیچیدگی، توسط کشور میزبان به سختی دشوار می کند. نظیر این گونه حمایت

مؤثر در، قبال فعالیتهای عملیاتی توسط وزارت دفاع و آژانس یهود، تأمین می شود.

سرویسهای امنیت و اطلاعات اسرائیل نقش مهمی را در داخل دولت و بخشهای خصوصی بازی می کنند. بسیاری از رهبران چه در خدمات شهری و یا صنعتی، زمانی به طور مستقیم و یا غیر مستقیم با جامعه اطلاعاتی همکاری می نمودند. وظایف و مأموریتهای اطلاعاتی، به عنوان شغل نهایی تلقی نمی شود و غالبا افرادی با سوابق امنیتی و اطلاعاتی برای مشاغل دولتی برگزیده می شوند. بدین طریق، سرویسها فعالیتهای خود را توسط افرادی که آشنا و ادامه دهنده روابط و مأموریتهای خود در مسئولیتهای اطلاعاتی و امنیتی می باشند و در پستهای عالیرتبه، در بخشهای خصوصی و دولتی قرار می گیرند، تکمیل می کنند. به طور رسمی، کلیه سرویسها جنبه غیرسیاسی داشته و اعضاء جامعه برای عضویت در احزاب و یا درگیری در فعالیتهای سیاسی ترغیب نمی شوند. کمیته امورات دفاعی و خارجه مجلس اسرائیل «کنست» (Knesset)معمولاً مکان دولت، برای بحث و بررسی، بازبینی و تحلیل سیاستها و فعالیتهای حساس خود می باشد. رئیس موساد و رئیس شین بث، اغلب در نشستهایی که به آنان مربوط شده و یا مورد توجهشان است، شرکت می کنند.

دو روابط و مناسبات بین مردم و سرویسها: موقعیت و کیفیت فعلی روابط بین سرویسها و مردم، البته به خاطر شرایط کنونی سرویسها که حافظین کشور و مردم اسرائیل بوده و در پیشاپیش جبهه مبارزه بر علیه تروریسم عرب و نیروهای نظامی اعراب عمل می کنند، خوب است. اکثر اسرائیلیها، هوشیارانه از این

موقعیت آگاهی داشته و بنابراین از سرویسها و عملیاتشان حمایت می کنند. پیشرفت و ترقی تاریخی اسرائیل و مبارزه طولانی و مداوم بر علیه اعراب، چنین جو هماهنگ و یکنواختی را ایجاد کرده است. در زمانهای گذشته، به علت رقابتها و درگیریهای سیاسی و اختلاف نظرهایی که در مورد جریاناتی که باید در اسرائیل حاکم باشد، وجود داشت، گاهی منتج به حملات لفظی و مطبوعاتی بر علیه سرویسها، به عنوان ابزار یک رژیم پلیسی می گشت. در چندین مورد برای نمونه، به ناچار نمایندگان سرویسها، در نشستهای دربسته و غیرعلنی دادگاه برای دفاع از جامعه امنیت و اطلاعات و پاسخگویی بر علیه اتهاماتی نظیر وحشیگری، اعمال غیرقانونی و آدم ربایی حضور یافته اند. اگر چه مباحثات و مشاجرات مجلس «کنست» گاهی احتمالاً فعالیتها و روش های غیرقانونی سرویسها را منعکس می کند، ولی جامعه اطلاعات و امنیت، کاملاً وفادار است و اگر دولت درخواست انجام وظایف مشخصی، چه قانونی و یا غیرقانونی را بنماید، مطمئنا اجراء خواهد شد.

اطمینان و اعتماد به جامعه اطلاعات و امنیت، بعد از جنگ ۶ روزه ۱۹۶۷ افزایش یافت و توجهاتی را به خود معطوف داشت. قسمتی که به وسیله اطلاعات نظامی، شین بث و نیروهای پلیس، در مشارکت، پیروزی و کنترل مناطق جدید اشغالی اعراب به توسط اسرائیل اجرا شد، مورد احترام و افتخار فوق العاده در همه رسانه های عمومی اسرائیل قرار گرفت، به هر صورت آنچه که به نام «شکست اطلاعاتی» در جنگ یوم کیپور سال ۱۹۷۳ مشهور شد، سبب تضعیف اعتماد عمومی به سرویسها گردید. فعالیت بلافاصله کمیسیون اگرانت، که مسئولیت ارزیابی جامعه و شناسایی کمبودها و نواقص، و بهبودی روابط و همکاری بین اعضاء جامعه را به عهده داشت، نسبتا موجب اعتماد جدیدی در جامعه شد. ادامه مبارزه سرویسها بر علیه تروریسم نیز وفاداری اسرائیلیها را به جامعه حفظ نمود. حمله «انتبه» (Entebbe) در ژوئیه ۱۹۷۶، که منتج به نجات گروگانهای ربوده شده اسرائیلی شد، یکی از عملیات چند سال اخیر بود که

تخیلات عمومی جامعه را برانگیخت و به عنوان مثالی از عملیات سرویسها، که بسیار خوب طراحی، هماهنگ و عمل شده است، به یاری جامعه آمد. این حمله موفقیت آمیز نظیر هیچ مسئله دیگری در سالهای اخیر، سبب حفظ اعتماد اسرائیلیها نشده است و مطمئنا نماینده شایستگی و اوج جامعه اطلاعات و امنیت اسرائیل می باشد.

۴ معیارهای حرفه ای

۱ درستی و تمامیت: رؤسا و کارمندان عالیرتبه جامعه امنیت و اطلاعات دارای عالیترین معیارهای حرفه ای در درستی و امانت داری بوده و این گونه استانداردها را بر اعضای زیر دست خود اعمال می دارند. اختلافات نسبتا ناچیزی بین حقوق اولیه کارمندان جدید و کارمندانی که از رتبه های عالی برخوردارند، وجود دارد. تفاوت ناچیزی که می باشد حاصل از اعطای موقعیتهای «جبران مادی» و امتیازاتی نظیر حسابهای قابل بهره برداری و خرج، خرید اجناس خارجی که به کشور وارد می شود، از طریق کانالهای فرعی که مالیاتی بدان تعلق نمی گیرد و لغت اعجازانگیزی در اسرائیل به نام «پروتکتسیا» وجود دارد، که به معنای فردی است که می تواند اجناس، امتیازات و خانه را از طریق روابط با نفوذ دولتی، با قیمت نازلی به دست آورد. به هر صورت، این یک عمل معمول در تمامی تأسیسات دولتی است. از آنجا که سرویسهای امنیتی و اطلاعاتی، مخصوصا «شین بث» پوششهای سختی را در داخل جامعه خود برقرار

کرده اند، اطلاعات پرسنلی، بودجه و حسابها تنها توسط تعداد قلیلی از مقامات عالیرتبه دولتی حفظ می گردد و مشمول کنترل، بازبینی و دوباره خوانی گسترده بوروکراتیک نمی گردد. مقامات عالیرتبه خارجی که توسط مقامات زیردست مصرف می شود، را کنترل می کنند و در صورتی که اختلاس و نادرستی مالی کشف شود، با فرد مقصر و خاطی، برخوردی بسیار سخت خواهد شد.

۲ کارایی: سرویسهای امنیت و اطلاعات اسرائیل از بهترین نوع خود در جهان می باشند. پرسنل ماهر و تکنیکهای پیچیده، این سرویسها را از تأثیر فوق العاده ای برخوردار کرده است. این سرویسها توانایی برجسته ای در زمینه های تشکیلاتی، جلوگیری از خرابکاری سیاسی و ضدجاسوسی و ارزیابی اطلاعاتی، که از پرسنل و عمال تازه کار یا محافل یهودی و دیگر منابع در سرتاسر جهان به دست می آورند، دارند. توانایی اطلاعاتی، امتیاز برجسته و تفوق فوق العاده ای را به اسرائیل، نسبت به دولتهای عرب داده است. امتیازی که عامل مهمی در جنگ ۱۹۶۷ بود.

اعضائی از جامعه اطلاعات و امنیت کشور، که سابقا در سرویس اخبار (اطلاعات) عضویت داشته اند، و دیگر بخشهای «هاگانا» (نیروی مقاومت زیرزمینی)، که در قبل و ضمن جنگ جهانی دوم، فعالیت داشته اند، عامل ترقی و کسب استانداردهای عالی و کارایی مؤثر بوده اند. تشکیلات این جامعه، از آغاز تأسیس کشور اسرائیل، در جذب مجموعه تیمی توانا و پرسنلی بسیار تحصیلکرده و باسواد، از اروپا و خاورمیانه کاملاً موفق بوده است. افرادی که بدون آنکه سخنی از چگونگی جذب آنان نماییم، پیدا نمودن نظایر آنان مشکل است. برای مثال پرسنل «گارد کهنه» کاملاً به چهار یا پنج زبان خارجه مسلطند؛ خصوصیتی که به تنهایی معدل کل شایستگی عملیاتی آنان را بالا می برد. نسل جوانتر تعلیمات و تمرینات سختی را دیده، از جمله برای کمک در کسب این گونه ملاکها و لیاقتها، در خارج از اسرائیل به تحصیل می پردازند. برای این دانشجویان درگیری در عملیات سری، حین ادامه دروس، امری غیرعادی

نمی باشد. موفقیتهای سیستم ارسال و دریافت علائم اطلاعاتی، بر علیه اعراب در گذشته از آنچنان سطحی برخوردار بود که همزمان نیازی به عملیات عالی عمال انسانی بر علیه دشمن، وجود نداشت. جزئی از این موفقیت به سبب ضعف امنیت ارتباطات و مخابرات اعراب بود. اسرائیلیها هم اکنون با مشکلاتی به سبب بهبود تدریجی امنیت ارتباطاتی اعراب، روبرو شده اند. «شکست اطلاعاتی» جنگ یوم کیپور، مثالی از کمبود و نقص تواناییهای ارتباطات و مخابرات اطلاعاتی در آن زمان بوده است. در سالهای اخیر نیز غیر از اطلاعات مخابراتی، علائمی از نقصهای کیفی اطلاعاتی درباره اعراب و عدم موفقیت در عملیات عمال انسانی وجود داشته است.

یکی از ضعفهای اساسی، در سیستم اطلاعات و امنیت اسرائیل، حاصل از تولید اکثر ارزیابی های ملی و تهیه گزارشات نهایی اطلاعاتی، تنها به توسط سرویس «اطلاعات نظامی» بود، تا آنکه به دست یک سرویس مستقل فراهم شود. خطر بالقوه ای، در اینگونه ترتیبات تشکیلاتی وجود دارد، زیرا که سرویسهای نظامی نمی توانند در مشاهده و گزارش تحولات خارجی و تهیه ارزیابی های اطلاعات ملی، به اندازه کافی منتقدانه و رک عمل نمایند، این مسئله مشکل اساسی در جنگ «یوم کیپور» بود. از سویی علاقه و توجه بالقوه ای در سرویسهای نظامی برای انجام عملیات نظامی وجود دارد که در ارزیابی های اطلاعاتی آنان اثر خواهد گذاشت. کمیسیون آگرانت این مشکل را تشخیص، و تغییرات لازمه را توصیه نمود.

۳ امنیت: طبق گزارشات واصله، امنیت فیزیکی مقرهای فرماندهی و ادارات مرکزی امنیت و اطلاعات نظامی و غیرنظامی در «تل آویو» بسیار عالی است. دو سرویس، «موساد» و «اطلاعات نظامی»، در ابتدا در یک مجموعه نظامی عظیم در قلب شهر قرار داشت. ساختمانها توسط گاردهای ارتش و موانع سیم خاردار محکمی حفاظت می شود. «اطلاعات نظامی»، در همین محل باقی مانده است، ولی «موساد» هم اکنون بخشی از یک ساختمان چند طبقه که دارای دفاتر تجارتی است را در آن سوی خیابان این مجموعه نظامی اشغال کرده است. شین بث، که قبلاً در تعدادی ساختمان در شهر جافا (Jaffa)مستقر بود، در مکان جدیدی که درست در شمال «تل آویو» می باشد، در ژوئن ۱۹۷۰ اسکان یافت. این تأسیسات جدید، که برای استفاده این سرویس طراحی و ساخته شده است، دارای آزمایشگاه فنی و دفاتر معمولی کار می باشد. درب ورودی توسط گارد کنترل و حفاظت می شود و کارمندان در داخل محوطه، کارت شناسایی عکس دار باید بر سینه نصب کنند. خانه های حفاظتی بسیار مناسب دولتی، برای تمرین و اسکان افسران خارجی اطلاعاتی میهمان، مقامات عالیرتبه خارجی و عمال مهم و حساس، در نظر گرفته شده است.

حدود ۱۰۰۰ نفر، به عنوان افسران کادر در «موساد» و «شین بث» فعالیت می کنند، همه این افراد بازرسی کامل و طولانی امنیتی را گذرانده اند. اگر کوچکترین شکی درباره فردی بروز کند، متقاضی رد خواهد شد. پرسنلی که دارای سوابق فعالیتهای کمونیستی می باشند، معمولاً از طرف اعضای عالیرتبه رهبری سرویسهای امنیتی و اطلاعاتی، مورد اعتماد قرار نخواهد گرفت. این طرز تلقی شامل اعضای سابق احزاب کمونیست اروپا، که تعدادی از آنان، برای سرویس سری مناسبند، نخواهد شد؛ مخصوصا اگر آنها ایدئولوژی کمونیست را ترک نموده و وابستگی به «حزب کار اسرائیل» داشته باشند. به هر صورت، این استثناء بعد از بروز و ظهور تعدادی از جاسوسهای برجسته، در اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه

۱۹۶۰، دیگر در دوایر دولتی و سیاسی به کار گرفته نشده است. حادثه آهرون کوهن، متخصص مسایل خاورمیانه و عضو «حزب کارگران متحد»، اسرائیل بیر (عکس ۱)، کارمند پیمانی وزارت دفاع و سرهنگ دوم ذخیره نیروهای ارتش اسرائیل، که جاسوس شوروی بود و دکتر کورت سایت (Kurt Sitte)، پرفسور فیزیک غیر یهودی در تکنیکون حیفا (Haifa) که برای سرویس اطلاعات چکسلواکی کار می کرد، سبب شد که «شین بث» در شرایط امنیتی خود تجدید نظر کند. در ضمن این حوادث سبب تحریک، شک و تردید بسیار «شین بث» درباره اعتماد به افرادی که سابقا مارکسیست بوده اند، شد. سرویسها، سیستمهای امنیت داخلی را چنان طرح ریزی کرده اند که ضعفهای ایدئولوژیک توسط بازرسی مکرر و کامل امنیتی آشکار گردد. اسرائیلیها معتقدند که افرادی با ضعفهای ایدئولوژیک، احتمالاً در دراز مدت خطرات امنیتی خواهند داشت. ساکنین اسرائیل موظف به انجام ضوابط سخت اسم نویسی و حمل دائمی مدارک و مشخصات فردی می باشند. در داخل جامعه اطلاعات و امنیت اسرائیل مشکلات و دشواریهایی برای آنکه مشخصات پرسنلی خود را آشکار ننمایید، وجود دارد. حتی این امر برای کارمندان معمولی دولت به طور گسترده وجود دارد. تقسیمات مجزای سازمانی بین کلیه سرویسها بشدت وجود داشته و با افراد شخصی که معمولاً از اعضاء (Hard – core) می باشند، می توان به داخل سازمان دیگر رفت و آمد نمود. پرسنل امنیتی و اطلاعاتی، به طور گسترده از اسامی مستعار استفاده می نمایند و مکررا آن را نیز تغییر می دهند. عادت ملی استفاده از اسامی یهودی اروپایی و آمریکایی در ابتدای تولد نیز شناسایی بعضی از

اسرائیلی ها را مشکل می نماید. در داخل اسرائیل، مقامات خارجی میهمان و عمال هرگز از یک وسیله نقلیه دوبار در ملاقات پنهانی با افسران اسرائیلی استفاده نمی کنند. تعدادی از شماره تلفنهای خارج از لیست عمومی و تلفنهای خصوصی که متعلق به مقامات رسمی و پرسنل است، تنها در اختیار افراد معدودی می باشد. به کارگیری این نوع رفتار و روش حرفه ای در داخل کشور، بهترین تمرین روزانه برای پرسنل امنیت و اطلاعات، قبل از دریافت وظایف خارجی می باشد.

اطلاعات طبقه بندی شده نباید در خطوط تلفن مورد بحث قرار گیرد. علیرغم استاندارد نسبتا بالای امنیتی، به هر صورت طبق گزارشات مقامات اسرائیل گاهی در رعایت این مقررات سستی و تعلل می نمایند. از سویی اسرائیل نیز دارای یک «شبکه پسران کهنه کار» (Network old Boy)، بسیار شبیه انگلستان می باشد. اسرائیلیهایی که تمایل به توضیح و صحبت از موضوعات طبقه بندی شده دارند، بدون توجه به آنکه اهمیت و نیازی به دانستن آن باشد، از این شبکه استفاده می کنند. اسرائیلیها مشکلاتی در معامله با یهودیان در آن سوی مرزها، که به حمایت آنها نیازمندند، نیز دارند. ولی از جهت امنیتی، ممکن است آنان قابل اعتماد نبوده، و امکان عدم وفاداری وجود دارد.

تأسیسات و محتوای ذخائر و بایگانی باید با استانداردهای سخت امنیتی تطبیق کند. رده های طبقه بندی، خیلی سری سری محرمانه و محدود (برابر با «تنها برای استفاده اعضاء») به کار رفته است.

مدارک سری و خیلی سری، تنها توسط پیک و در پاکتهای دوبل حمل می شود و دو رسید دریافت می شود، یکی برای بسته و یکی برای محتوای آن. مدارک هنگام ورود و خروج به وسیله، تاریخ، شماره مدارک و اسناد، موضوع و یا نام، و اداره و دفتری که مسئولیت مدارک را پذیرفته است، کنترل و ضبط می شود.

حداقل سه بار در هر سال لیست برداری می شود. ثبت اسناد، چاپ کامپیوتری کلیه مدارک «خیلی سری» را که هر واحد مسئول و حافظ آن است، به طور مرتب، چهار مرتبه در سال تهیه می کند. ارتباطات

الکتریکی تماما توسط دستگاه «تله تایپ» و دیگر وسایل «ارتباطات امنیتی» صورت می پذیرد. لیستی از کلیه مدارکی که باید از بین رود تهیه گردیده و افسران امنیتی باید ناظر بر نابودی تمامی اسناد سری و خیلی سری باشند.

همه پرسنلی که باید «تأییدیه» دریافت نمایند، تاریخچه پرسنلی خود را کامل کرده و تحت تحقیقات و بازرسی عادی قرار می گیرد. برای دریافت «تأییدیه عالی»، بازرسی می تواند شامل تمامی فامیل متقاضی و بازرسی کامل صحرایی گردد. مهاجرین جدید از شوروی و کشورهای اروپایی شرقی، به طور عادی به مدت ۴ یا ۵ سال، از دستیابی به اطلاعات طبقه بندی شده ممانعت می شوند. این قوانین به سبب مشکلات حاصل از «پروتکتسیا» همواره قابل اعمال نمی باشد. در داخل نیروهای ارتش اسرائیل، «مخاطرات امنیتی»، «به شین بث» گزارش می شود و توسط افسران واحد امنیت که مسئول تهیه گزارشات مرتب مدت دار از فعالیتهای افرادند، بشدت نظارت و مراقبت می شوند. برای تحریک و ارزیابی هوشیاری امنیتی کادرهای نیروهای ارتش اسرائیل، پرسنل امنیت صحرایی، در میان افراد نظامی رفت و آمد نموده و سعی به جمع آوری و بیرون کشیدن اطلاعات نظامی از آنان می کنند.

۴ روشهای اخلاقی و انضباطی: «موساد» و «شین بث» جزء ساختمان سرویسهای غیرنظامی اسرائیل بوده و متقاضیان باید به وسیله امتحانات سرویسهای غیرنظامی پذیرفته شوند. کسانی که دارای درجه دانشگاهی و در سنین ۲۰ تا ۳۰ سالگی باشند، ترجیح داده می شوند، اگر چه افراد دیگری که

خصوصا دارای خصوصیات مطلوبی هستند، نیز پذیرفته شده اند. سرویسهای امنیتی و اطلاعاتی، در رقابت مستقیم با وزارت امور خارجه می باشند و بنابراین رشد و گسترش جامعه تجارتی کشور، در شرایط نامساعدی قرار گرفته است. اکثر جوانان اسرائیل، گمنامی سرویسهای اطلاعاتی را دوست نداشته و به کسب درآمد در جهان تجارت و معاملات تمایل بیشتری دارند.

پرسنل امنیت و اطلاعات، که نمی خواهند و یا نمی توانند خود را با زندگی بسته و محدودی که مقررات امنیتی، و ضروریات و خواص عملیاتی آن را محدود نموده، وفق و عادت دهند، برکنار شده و یا در صورتی که اعمالشان «سرویس» و یا کشور را به خطر اندازد، به سختی تنبیه می شوند. برای تقویت روحیه و اخلاقیات افسران کادر اطلاعاتی، سرویسها در اوائل دهه ۱۹۶۰، برای جبران مخاطرات و گمنامی حاصل از مشاغل پرسنل خود، درخواست پاداش نموده و مجلس اسرائیل نیز با پاداش ۳۰ درصد در سال موافقت نمود. (شکل ۲)

ب (B) موساد سرویس اطلاعات سری

۱ وظایف

موساد مسئول جمع آوری اطلاعات خارجی، عملیات سیاسی، و فعالیتهای ضدتروریستی می باشد.

در انجام مأموریت جمع آوری اطلاعات صحیح و مثبت، وظیفه اصلی موساد در اجراء عملیات انسانی عمال، بر علیه کشورهای عرب و مقامات و نمایندگان رسمی، و تأسیسات آنها در سرتاسر جهان، تنظیم شده است. خصوصا در اروپای غربی و ایالات متحده در هر نقطه که منافع ملی اعراب، با منافع اسرائیل در خاورمیانه، برخورد کند. موساد به جمع آوری اطلاعات در زمینه آمادگی، روحیه و اخلاقیات، تسلیحات و تجهیزات، و چگونگی اداره و رهبری هر یک از ارتش های عرب که در صورت بروز جنگ می تواند وارد کارزار بر علیه اسرائیل شود، می پردازد. همه گونه اطلاعات که سیاستهای داخلی اعراب و روابط میان

رهبران اصلی آنان و فعالیتهای دیپلماتیکی همه کشورها در جهان عرب را به خوبی منعکس نماید، مورد جمع آوری قرار می گیرد. موساد فعالیتهای تجاری اعراب را، مخصوصا در زمینه خرید تسلیحات از غرب، ردیابی می کند و کوششهایی در جهت خنثی نمودن استخدام متخصصین نظامی، اقتصادی و سیاسی توسط اعراب، به عمل می آورد. در این زمینه تمایل اصلی در استخدام و به کارگیری این افراد به عنوان عمال اطلاعاتی است در صورت عدم موفقیت، موساد یا آنان را از یاری اعراب منصرف می کند یا به کشف وظایف و مسئولیتهای آنان به طور دقیق مبادرت می ورزد. از سویی موساد مسئول تحریکات کاملاً حساب شده، آزردگیها و مزاحمتهایی، برای ایجاد عدم اعتماد متقابل در میان اعراب نیز می باشد. دور نمودن ترحمات و توجهات غرب از اهداف اعراب و ردیابی و خنثی نمودن تبلیغات منفی اعراب، و تعقیب و مقابله با تروریسم عرب از وظایف دیگر آن است. در حوزه فعالیتهای ضدتروریستی، در مواقع بسیاری، اسرائیلی ها به وسیله انجام عملیاتی، جنگ و مقابله را به تروریستهای عرب، به خصوص در قسمتهایی از خاورمیانه و اروپای غربی، تحمیل نموده اند. لبنان در واقع بسبب جمعیتهای مختلف مسیحی، دروز (Druze)، و مسلمان جاذبترین کشور برای طرحهای اطلاعاتی است.

اسرائیلیها در لبنان، دارای تشکیلات مخفی بوده و عملیاتی را در این همسایه شمالی خود انجام می دهند. اسرائیل در گذشته، عملیات اجرای و شبه نظامی خود را برعلیه اعضاء، پایگاهها و رهبران

تروریستهای فلسطینی در لبنان افزایش داده بود. همچنین اسرائیل در جنگهای داخلی لبنان، از مسیحیان راستگرا، حمایت و پشتیبانی نموده است.

موساد علاوه بر اجرای عملیاتی بر علیه اعراب، برای حمایت از کشور اسرائیل، صهیونیسم و به طور کلی یهودیان، اطلاعات سیاسی، اقتصادی و علمی در کشورهای اروپای شرقی و غربی، جمع آوری می کند.

کوششهای جمع آوری اطلاعات، به خصوص در کشورهای شوروی، ایالات متحده، و سازمان ملل متحد که تصمیمات و خط مشی آن می تواند اثرات و انعکاساتی بر اسرائیل و اهداف صهیونیسم داشته باشد، متمرکز شده است. هدفهای اطلاعاتی در اروپای شرقی و شوروی شامل روشن نمودن سیاستهای دولتی آنها درباره اسرائیل، مسایل مهاجرتهای یهودیان، استخدام افرادی که در مکانهای استراتژیکی، بوروکراسی شوروی و اروپای شرقی قرار داشته و به علت اعتقاد و تمایل و یا فساد، علاقه مند به یاری فعالیتهای صهیونیستی در این کشورها می باشند. از سویی به کسب آگاهی از مقدار و کیفیت کمکهایی که به گروه های مستقر در خاورمیانه، چه در داخل اسرائیل یا کشورهای عربی، توسط دول اروپای شرقی و شوروی اختصاص داده شده است، نیز می پردازد.

هدفهای اسرائیل در کشورهای غربی به همان مقدار که درباره بلوک شرق متذکر شدیم، از اهمیت متساوی برخوردار است. موساد اطلاعاتی در قبال سیاستهای کشورهای غربی، واتیکان، و سازمان ملل متحد، درباره خاورمیانه جمع آوری می نماید. تلاش در افزایش معاملات تسلیحاتی که بنفع نیروهای ارتش اسرائیل است و کسب اطلاعات برای بهره برداری، در خاموش نمودن دستجات ضداسرائیلی در جهان غرب به عهده موساد است.

۲ سازماندهی

موساد از ۸ اداره تشکیل شده است: (۱) طرح ریزی عملیاتی و هماهنگی (۲) جمع آوری (۳) عملیات سیاسی و روابط وابسته (۴) پرسنلی، مالی، لجستیکی، و امنیت (۵) آموزش و تعلیمات (۶) تحقیقات (۷) عملیات تکنیکی و (۸) تکنولوژی. (شکل ۳)

اداره «طرح ریزی عملیاتی و هماهنگی» با مدیریت کلیه «منابع و تجهیزات» موساد سروکار داشته و مسئول مدیریت داخلی و هماهنگی عملیاتی، اجرائی و اداری تشکیلات موساد و روابط و تماسهای این سرویس با کل جامعه امنیت و اطلاعات اسرائیل می باشد. این اداره نیز با نیازها و ضوابط موساد، و توسعه طرحهای کلی جمع آوری اطلاعات سروکار دارد. اداره «جمع آوری» مسئول اجراء عملیات مخفی خارجی، و ایجاد مقدمات، تهیه و تولید گزارش از منابع مخفی می باشد. این اداره بزرگترین واحد موساد است و دارای دفاتری در خارج از کشور و به خصوص اروپا، تحت پوششهای دیپلماتیک و همچنین غیررسمی می باشد، که از طریق عملیات در کشور ثالثی برنامه های خود را بر هدفها و منابع عرب متمرکز و اجراء می نماید.

مدیریت اداره «عملیات سیاسی و روابط وابسته» مسئول عملیات سیاسی و روابط با سرویسهای خارجی دوست می باشد. همچنین این اداره مسئول حفظ تماس با کشورهای و گروههای سیاسی که روابط عادی دیپلماتیک با اسرائیل ندارند، نظیر کشورهای آفریقایی، لبنان و یا دستجات راستگرای

مسیحی لبنان و اندونزی، می باشد، بخش «عملیات ویژه» و یا بخش «جنگهای روانی» نیز احتمالاً تحت تکفل این اداره می باشد. این بخش عملیات بسیار حساس مخفی را بر علیه تروریستهای عرب و نازیهای سابق، خرابکاری، جنگهای روانی و شبه نظامی نظیر طرحهای ترور شخصیتها و تبلیغات منفی دقیق در تضعیف روحیه دشمن، را به عهده دارد.

در غیبت رئیس موساد، مدیر اداره «طرح ریزی عملیاتی و هماهنگی» به عنوان رئیس عمل می کند. در حالی که در سالهای قبل، در این گونه شرایط، رئیس اداره «جمع آوری» به عنوان رئیس موساد انجام وظیفه می نمود. با حرکت و تحرک در جهت بهبود و گسترش هماهنگی در جامعه امنیتی و اطلاعاتی اسرائیل، رئیس اداره «طرح ریزی عملیاتی و هماهنگی» عملاً بر مدیر اداره «جمع آوری» سبقت جست.

در مقر فرماندهی (اداره مرکزی)، رؤسای دو اداره مدیریت منطقه ای، عملیاتی، اجرائی و اداری، و مالی هر یک قسمتی از «کنترل مناطق» را به عهده دارند. ادارات منطقه ای که تحت کنترل اداره «جمع آوری» و اداره «عملیات سیاسی و روابط وابسته» می باشند به قرار زیر است:

(۱) آمریکای مرکزی (۲) آمریکای جنوبی (۳) اروپای شرقی و شوروی (۴) آفریقا (۵) آسیا و اقیانوسیه (۶) حوزه مدیترانه و خاورمیانه (۷) اروپا (۸) آمریکای شمالی. در زیر نظر هر یک از این «کنترل مناطق» شاخه ها و بخش هایی که مسئول یک یا چند کشورند، فعالیت می نمایند.

گزارشات مثبت نهایی درباره اطلاعات و ضداطلاعات به اداره مرکزی موساد در «تل آویو» فرستاده می شود و توسط اداره تحقیقات، ارزیابی می شود و در ادارات مختلف دولتی پخش می گردد. گزارشات اطلاعاتی درباره اعراب توسط موساد به اداره تحقیقات مدیریت سرویس اطلاعات نظامی فرستاد می شود، در حالی که گزارشات ضدجاسوسی از طریق موساد به شین بث منتقل می شود. تمامی این اطلاعات و گزارشات مراحل مخصوصی را توسط ادارات بازرسی ضداطلاعات طی می کنند.

موساد کنترل همه فعالیتهای اطلاعات خارجی اسرائیل را به دست دارد. تنها استثناء برای اجرای عملیاتی از داخل اسرائیل، بر علیه هدفهای نظامی در مناطق و حوزه های احاطه کننده کشورهای غربی است که در قلمرو مدیریت «اطلاعات نظامی» است. عملیات خارجی موساد به دو طبقه اصلی تقسیم می شود: طبقه اول در خاورمیانه، به عنوان خط اول دفاعی، و طبقه دوم، قسمتهای دیگر جهان است. اسرائیل، مصر را به عنوان هدف اصلی حوزه ای، برای استقرار شبکه اطلاعاتی برگزیده است. در سال ۱۹۷۰، تخمینهای اسرائیل نشان داد که حدود ۵۰ درصد تلاشهای عملیاتی بر علیه مصر انجام پذیرفته است. اولویت بعدی نیز سوریه می باشد. بسیاری از این فعالیتها بر علیه اعراب در خاورمیانه، براساس پوششهای عمیق و پیچیده عملیاتی توسط اسرائیلیها، به طرق غیرقانونی، با استخدام و بکارگیری اعراب در کشورهای جهان سوم، و بدنبال آن بازگشت عادی آنها به کشورهایشان در منطقه عربی صورت می پذیرد. دو مثال خوب از پوششهای عمیق عملیات غیرقانونی اسرائیل، حادثه «کوهن» و «لوثر» است. «الیاهوبن کوهن» یک یهودی متولد مصر بود که در عملیات خرابکاری اسرائیل بر علیه تأسیسات آمریکا و انگلیس، در سال ۱۹۵۲ در مصر، دخالت داشت. کوهن در حین تعقیب، موفق به فرار شد و به اسرائیل رفت، در حالی که اعضای این حلقه خرابکاری توسط مصریان دستگیر شدند. بالاخره، موساد، کوهن را برای عملیات غیرقانونی که به منظور توسعه شبکه های اطلاعاتی و کسب اطلاعات نظامی و سیاسی در سوریه، طراحی شده بود، به استخدام خود درآورد. او تمرینات و تعلیمات سخت و فشرده ای را

دید و شخصیت جدیدی به نام کامیل امین ثابت (Kamil Amin Thabet) فقید را که یک تاجر متولد سوریه بود، انتخاب کرد. او به آرژانتین مهاجرت کرد و در آنجا به یک عضو فعال «جامعه مهاجران عرب» تبدیل شد. در نهایت کوهن به سوریه رفت و در آنجا به وسیله دو عرب دیگر که قبلاً به استخدام اسرائیل درآمده بودند، یاری شد. از ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۵، کوهن به نحو غیرقانونی در دمشق زندگی و فعالیت می کرد، و موفق به ایجاد تماسهای متعدد با شخصیتهای سیاسی و نظامی سوری در تأسیسات سوریه شد. کوهن گاهی سفرهایی به اروپا و اسرائیل برای رد و بدل نمودن و کسب اطلاعات لازمه می نمود. بالاخره، در ژانویه ۱۹۶۵، سوریها او را تعقیب نموده و حین انتقال و ارسال اطلاعات به تل آویو شناسایی و دستگیر نمودند. عامل شکست او، به سبب استفاده از تجهیزات رادیویی «مورس دستی» بود و در روز دستگیری به مدت طولانی یک ساعت، در حال مخابره بود (شکل ۴). دادگاه سوریه، کوهن را محاکمه و او را متهم به جاسوسی نمود. کوهن در می ۱۹۶۵، در مقابل عموم در دمشق به دار آویخته شد.

ژوهان ولفگانک لوثر (معروف به زیوگوزاریه)، یک افسر «اطلاعات نظامی» بود. در ۱۹۵۹ در یک جلسه «وعدت»، موساد نیاز خود را برای مردی که به نحو غیرقانونی تحت پوشش یک افسر سابق نازی، مقیم قاهره شود، اعلام نمود. «لوثر» این مأموریت را که اساسا بر علیه فعالیتهای سلاحهای مخصوص که توسط دانشمندان آلمانی در مصر به کار افتاده بود، پذیرفت. او آموزشهای سخت و گسترده آلمانی در اسرائیل گذراند، از جمله حتی آموزش اسب سواری نیز دید. در اوائل ۱۹۶۰، او به آلمان رفت و به عنوان یک پناهنده آلمان شرقی و افسر سابق مستقر در آفریقا خود را معرفی نمود. اگر چه «لوثر» همسری در اسرائیل داشت، ولی برای منطقی جلوه دادن داستان خود با یک زن آلمانی ازدواج نمود. در ۱۹۶۱، او به قاهره رفت و در آنجا یک آکادمی اسب سواری تأسیس کرد. «لوثر» حین فعالیتهای خود تماسهای متعدد با محافل آلمانیها در قاهره برقرار نمود و با تعدادی از شخصیتهای معروف و مسئول مصری آشنا شد. او

سفرهایی نیز از مصر به کشورهای اروپای غربی، برای رد و بدل و کسب نمودن اطلاعات کرد. در ۱۹۶۴، لوثر نامه های تهدید کننده، برای متخصصین آلمانی مقیم مصر ارسال داشت. در فوریه ۱۹۶۵، او توسط مصریان دستگیر و محاکمه و زندانی شد. بالاخره در ۱۹۶۸، آزاد شد و به اسرائیل رجعت نمود. اسرائیل اعلام کرد که این عملیات حدود ۲۵۰ هزار دلار خرج داشته است. آنها اشتباهات «لوثر» را ناشی از عدم کفایت در استفاده از وسایل ارتباطی و بهره برداری از آن در عملیات اجرائی دانستند. «لوثر» مجبور به اقرار همه عملیات در طول دوره حبس خود شد. (شکل ۵)

مقر موساد، در خارج از منطقه عربی خاورمیانه، اکثرا تحت پوششهای دیپلماتیک، در داخل سفارتخانه ها و کنسولگریهای اسرائیل می باشد. موساد در ایالات متحده، اکثر پایتختهای اروپایی، ترکیه، ایران و مراکز استراتژیک در آمریکای لاتین، آفریقا و خاور دور، پایگاه هایی دارد و عملیات گوناگونی از "روابط وابسته رسمی" با سرویسهای میزبان، برای رد و بدل نمودن اطلاعات، تا انجام عملیات ویژه اجرائی، که مستقیما بر علیه تروریستهای عرب می باشد، به انجام می رساند.

مدیریت "جمع آوری" و مدیریت "عملیات سیاسی و روابط وابسته" اجزاء جداگانه ای در موساد می باشند و به نحو دقیقی در مقر فرماندهی از یکدیگر تفکیک شده اند. دو اداره فوق، دارای کادرهای ثابت و جداگانه ای در مقرهای معظم خارج از اسرائیل می باشند. البته یا دو پایگاه موساد، یا دو بخش جداگانه در یک پایگاه، در بعضی کشورها وجود دارد، که یکی برای "جمع آوری مخفی به طور یکجانبه" و دیگری

برای "روابط وابسته" اطلاعاتی با سرویسهای خارجی است. برای مثال، در حال حاضر، اسرائیل در پاریس، یک سفارتخانه، یک سرکنسولگری و یک هیئت از وزارت دفاع اسرائیل دارد. در زیر پوشش سفارت، موساد یک مدیریت جمع آوری "کنترل منطقه ای" دارد. مجموعه مستقر در پاریس، در طی سالها، نقطه اتکاء فعالیتهای اطلاعاتی اسرائیل در قاره اروپا بوده است.

در سوئیس، اسرائیل دارای یک سفارت در "برن" و یک سرکنسولی در زوریخ می باشد، که پوشش لازم را برای افسران اداره "جمع آوری" که در عملیات یکجانبه دخالت دارند، به وجود می آورند. این تأسیسات دیپلماتیک، روابط نزدیکی با کشور سوئیس در سطح داخلی نیز برقرار کرده، و در زمینه عملیات آشکار، نظیر امنیت فیزیکی از مقامات اسرائیلی و تأسیسات تجاری در این کشور، و حفاظت اعضاء کادر اسرائیلی و ملاقات کنندگان اسرائیلی همکاری می کند. همچنین همکاری نزدیکی بین اسرائیل و سوئیس، در زمینه های علمی و تکنیکی، مرتبط به عملیات اطلاعاتی و امنیتی برقرار است. مقامات سوئیسی سفرهای متعددی به اسرائیل نموده اند و اسرائیلیها نیز به طور مداوم به سوئیس و از طریق سوئیس رفت و آمد می کنند. این گونه ملاقاتها، به هر صورت، معمولاً توسط واحد "کنترل منطقه ای" عملیات سیاسی و روابط وابسته مستقر در سفارت اسرائیل در پاریس، مستقیما با سوئیس، و نه از طریق مقامات مستقر در سفارت اسرائیل در "برن" انجام می پذیرد، هر چند که سفارت "برن" نیز از آن مطلع می گردد.

از طرفی در اسپانیا، هیچ تأسیسات رسمی و یا نیمه رسمی اسرائیلی وجود ندارد. هر چند که برای مدتی، تماسهایی بین مقامات رسمی مدیریت اداره «عملیات سیاسی و روابط وابسته» موساد با سرویس اسپانیا برقرار شد. ملاقاتهای اصلی ظاهرا در اواخر دهه ۱۹۶۰ در پاریس بوده است، بعد از آن تماسهای دیگری در مادرید و پاریس گرفته شد. امکان وجود یک پایگاه از اداره «جمع آوری» مخفی مستقر در

اسپانیا وجود دارد. در ژانویه ۱۹۷۳، باروح آشرکوهن، یک افسر موساد، در مادرید توسط اعراب ترور شد. «عملیات ویژه» براساس هدفهای خاصی توسعه یافته اند. اداره مرکزی، تلاش در هدایت و مدیریت آن از داخل اسرائیل می نماید و افسران و عمال موساد را برای «وظایف موقت ویژه ای» به کار می گیرد. در ژوئیه ۱۹۷۳، یک جوخه ترور مرکب از ۱۶ اسرائیلی در قتل یک عرب مراکشی در «لیله هامر» نروژ شرکت داشتند. مسئولین نروژی شش نفر از این گروه را دستگیر، محاکمه و زندانی نمودند، بقیه نیز گریختند. در جریان محاکمه، معلوم شده که اینان از افسران اسرائیلی موساد و یهودیان اروپایی بوده اند، که برای انجام مأموریت مخصوص استخدام شده و اکثر کارها و آمادگیهای لازمه را در پاریس گذرانده اند و سپس به نروژ، برای انجام مأموریت خود که قتل تروریستهای عرب بود، وارد شده اند. بعد از این ترور، ۲ تن از اعضاء جوخه به همراه یک افسر امنیتی سفارت اسرائیل، تقاضای پناهندگی نمودند. دولت نروژ اگر چه که این افسر امنیتی سفارت ظاهرا، در عملیات شرکت نداشته بود، به او پناهندگی سیاسی اعطا نکرد.

۳ عملیات اداری

نخست وزیر رئیس موساد را انتخاب می کند. نخست وزیر، احتیاجی به تصویب کابینه خود و یا مجلس «کنست»، برای این انتصاب ندارد. مدیران ایستگاهها (یا پایگاهها) و کارمندانشان، افسران کادر موساد می باشند، ولی در خارج از کشور در قبال همه سرویسهای امنیتی و اطلاعاتی عمل می نمایند. اگر

یکی از اعضاء شین بث یا نیروهای ارتش اسرائیل، شایسته ترین فرد در جامعه برای انجام وظیفه ویژه ای، در خارج از کشور شناخته شود، با حفظ عضویت سازمانی خود، آن مأموریت به او واگذار و تکلیف می شود و تا زمانی که در خارج از مرزهای اسرائیل به سر می برد، تحت کنترل موساد می باشد. این قانون، به هر حال شامل «آتاشه نظامی (زمینی، دریایی، هوایی)» که تحت تکفل مدیریت «سرویس اطلاعات نظامی» باشند، نمی گردد.

موساد دارای یک برنامه منطقی ارتقاء مشاغل و رتبه نمی باشد. سازمان افسرانی را که در مأموریتهای محوله موفق بوده اند، را تا مشاغل عالی مدیریت ارتقاء رتبه می دهد. نتیجه این گونه رویه ها سبب درهم ریختگی شده است، زیرا که اغلب، بعضی از مجریان موفق عملیاتی، ضرورتا مدیران و اداره کنندگان لایق و عالی نمی باشند.

الف تعلیمات و آموزش: دوره آموزشی موساد، مشتمل بر دروس اساسی عملیاتی برای اعضاء جدید و پرسنل معمولی است. از جمله دروس عمومی عملیاتی و دروس تخصصی عملیات صحرایی، مرتبط به مشاغل می باشد. همه افسران جدید، ملزم به گذراندن دروس پایه عملیاتی به مدت چهار ماه، قبل از شروع به انجام وظایف و مشاغل می باشند. کلیه دوره آموزش، تقریبا دو سال به طول می انجامد و به طور کلی به دوازده کلاس تقسیم می شود. اکثر دوره آموزشی در حومه «تل آویو» گذرانده می شود. مدرسین این دروس، معلمین دائمی و افسران اطلاعاتی که موقتا بدین وظیفه گمارده شده اند و کادرهای اداره مرکزی موساد می باشند که شامل رئیس موساد و مدیران ادارات است، که گاهی در رشته تخصصی خویش سخنرانی می نمایند.

هر سه سرویس، مدرسه عالی مشترکی را در اورشلیم اداره می نمایند که دروس تخصصی را به مدت دو تا سه ماه در مسایل سیاستهای بین المللی، هدفهای سیاسی و اقتصادی اسرائیل، وسایل و تجهیزات

تکنیکی جدید عملیاتی و مطالعه آخرین اطلاعات درباره سرویسهای اطلاعاتی خارجی را می گذرانند.

همه افسرانی که در اواسط سابقه کاری خود هستند، ملزم به شرکت در این «مدرسه عالی»، بعد از بازگشت از یک مأموریت خارجی می باشند. طبق گزارشات حدود ۴۰ تا ۵۰ دانشجو، در یک دوره این دروس اسم نویسی می کنند. مدرسین و کارمندان این مدرسه مشتمل از نمایندگان سه سرویس بوده و مستقیما تحت نظر مدیریت موساد انجام وظیفه می کنند.

نخست وزیر و یا تعدادی دیگر از مقامات عالیرتبه، در مراسم کلاسهای فارغ التحصیلان شرکت و سخنرانی می کنند. تعدادی از افسران جوان موساد، که در بعضی رشته های آموزش عالی و یا زبانهای خارجی ضعیف می باشند، برای کسب درجات عالی به دانشگاههای خارج از اسرائیل فرستاده می شوند و همزمان با استفاده از پوشش تحصیلی، به فعالیتهای عملیاتی خارج از دروس دانشگاهی خود می پردازند. یکی از اهداف تثبیت شده در سرویسهای امنیتی و اطلاعاتی اسرائیل تسلط کامل تمامی افسران، به زبان عربی است. دروس فشرده زبان عربی مدت ۹ ماه هر سال در حومه تل آویو به دانشجویان سرویسها تدریس می شود. وزارت امور خارجه نیز دو یا سه عضو خود را برای این دروس می فرستد. افسران موساد که به عملیات در مناطق عربی اعزام خواهند شد، نیز نظیر افسران شین بث، دوره مشابه آموزش زبان عربی را می گذرانند. برای تمرین بیشتر، این افسران موساد در مناطق تحت اشغال اسرائیل به مدت دو سال کار می کنند، تا مهارت زبان خارجی خود را قبل از اعزام به مناطق تعیین شده گسترش دهند. در طول این

مدت معمولاً این افسران در سینا و اغلب با ارتباط و هماهنگی با سرویس «اطلاعات نظامی» به فرستادن عمال بدوی به داخل مصر، انجام وظیفه می نمایند. همه افسران موساد در استفاده از سلاحهای کوچک آموزش دیده و ملزم به شلیک آنها در مقاطع زمانی مرتبی می باشند.

ب حقوق و مزایا: رئیس موساد یک افسر، در لیست درجه یک حقوقی سرویسهای غیرنظامی است. او حقوق قابل توجهی، به علاوه فوق العاده و مزایای پذیرائی دریافت می کند. بر طبق گزارشات چندین رتبه درجه ۲ و ۳ برای افسران موساد وجود دارد. حقوق متوسط ماهانه افسران موساد بعد از کسر مالیات به علاوه پاداش و مزایای خانوادگی و مسکن، مجموعا ۴۰۰۰ لیر اسرائیل (۴۶۰ دلار آمریکا) می باشد، این افسران مزایا و مخارج پذیرایی نیز دریافت داشته و یک وسیله نقلیه سواری و کوپن بنزین به آنان داده می شود. مدارک عالی دانشگاهی، افسران اطلاعات را به رتبه بالاتر حقوقی خواهد برد. بنابراین یکی از مدیران هیئت رئیسه، با داشتن درجه عالی تحصیلی، درآمدی مشابه رئیس کل سازمان دارد. یک افسر متوسط با دریافت فوق العاده برای بستگان خود بیشتر از افسران ارشد حقوق دریافت می کند به طور کلی، حقوق رتبه های عالی سرویسهای غیرنظامی، به سختی قابل مقایسه با افسران ارشد نظامی می باشد.

تفاوت نسبتا ناچیز بین رتبه ها، به کمک فوق العاده های خوبی جبران می شود. این امر به خصوص در رتبه های عالی دیده می شود. افسران مأمور در خارج از اسرائیل، مزایا و فوق العاده زندگی قابل توجهی را دریافت می کنند، که مطابق آنچه که باید به یک افسر امور خارجه معمولی داده شود، می باشد. برای رعایت مقاصد پوششی، این حقوقها توسط وزارت امور خارجه، پرداخت می شود. اگر به هر حال، یک افسر اطلاعاتی نیازمند آپارتمان بزرگتر یا خانه ای برای ملاقات و ارائه کار، مقاصد عملیاتی و یا ضروریات خانوادگی باشد، سرویس او، بی سر و صدا تفاوت مخارج را خواهد پرداخت.

افسران و خانواده هایشان، هر زمان که امکانی می یابند، با وسایل حمل و نقل توریستی اسرائیل

مسافرت می کنند. هر پایگاه در خارج اسرائیل، دارای بودجه برای مخارج خود و مخارج پذیرایی می باشد.

مسئولین بیش از اندازه میهمانی نمی دهند و اگر میهمانی داده شود، مفصل است. برای مقامات و افسران عالیرتبه اطلاعات بیگانه و یا عمال برجسته، که میهمان اسرائیل می باشند، کوششها و مهمانیهای پرخرجی برای گسترش دوستی و همکاری در اداره مرکزی موساد در اسرائیل برپا می شود.

۴ روشهای عملیاتی

موساد در طی سالها، از تماس و ارتباط نزدیک با شخصیتهای بلند پایه و دفاتر دولتی، در همه کشورهایی که مورد توجه و اهمیت اسرائیل می باشند، برخوردار بوده است. در محافل یهودی، تقریبا در تمامی کشورهای جهان، صهیونیستها و دیگر مشتاقانی که حمایت فوق العاده ای از کوششهای اطلاعاتی اسرائیل می نمایند، وجود دارد. این گونه تماسها به دقت رشد و گسترش داده می شود، و به عنوان کانالهای اطلاعاتی، مواد گمراه کننده، تبلیغات منفی و دیگر مقاصد به کار می روند. موساد عملیات مخفی، را در سرتاسر اروپا از جمله شوروی و کشورهای اروپای شرقی، آمریکای جنوبی و شمالی، خاورمیانه، آفریقا، خاور دور هدایت و مدیریت می کند. فعالیتهای موساد به طور کلی، از طریق مراکز و تأسیسات رسمی و نیمه رسمی، مؤسسات پیچیده پوششی، به اشکال مختلف، سازمانها و تجارتخانه ها و دفاتر که بعضی از

آنها مخصوصا برای مقاصد موساد تأسیس می شود، یا آن که برای هدف مشخصی قابلیت تطبیق دارد، صورت می پذیرد. موساد با نفوذ مؤثر، در داخل تشکیلات ملی غیرصهیونیستی و سازمانهای بین المللی یهودی نیز به کار می پردازد.

وظایف افسران اطلاعاتی در تحت پوششهای دیپلماتیک، تنظیم مبادلات اطلاعاتی با مقامات رسمی سرویسهای محلی کشورها، اداره مسایل ارتباطاتی و وسائل مخابراتی، حفظ آدرسهای مسکونسرویسهاهای پرداخت حقوق و امورات مالی، و هدایت عمال به سوی هدفهای مورد نظر می باشد. تشکیلات رسمی که برای پوشش به کار می رود شامل: هیئت های خرید اسرائیلی و شرکتهای توریستی دولتی اسرائیل، نظر ال عال و دفاتر زیم (ZIM)می باشد. مؤسسات ساختمانی اسرائیل گروههای صنعتی و سازمانهای بین المللی تجاری اسرائیل، نیز پوششهای غیررسمی می باشند. افرادی که تحت پوششهای پیچیده و یا غیرقانونی فعالیت می نمایند، معمولاً برای هدفهای نفوذی که نیازمند به کاربری نحوه های ظریف و عمق و وسعت، و زمان طولانی است، و یا دولت اسرائیل هیچ گاه مشارکت در آن را نمی پذیرد، به کار می روند. بسیاری از اسرائیلی ها، در کشورهای عربی بدنیا آمده، و در آنجا رشد و تحصیل نموده اند و بعد به اسرائیل هجرت کرده اند و بیشتر در سخن، رفتار و آداب، و طرز تفکر به اعراب نزدیکتر و مسلط تر می باشند تا به اسرائیلیها. موساد به وسیله پاسپورتهای تقلبی و مدارک شناسایی عربی و غربی، و تهیه داستانهای منطقی، از سابقه و گذشته افراد و پوششهای مناسب دیگر، به طور موفقیت آمیزی افراد خود را به داخل مصر و کشورهای عربی دیگر به طرق نامشخصی، با مدارکی که ملیت عربی یا اروپایی او را ثابت می کند، انتقال می دهد. در اسرائیل افراد متعددی که دانش منطقه ای و زبان خارجی کشورهایی که مورد نظر سرویسهای اطلاعاتی باشد را بدانند، زیاد زندگی می کنند. این متخصصین مناطق جهان، قادرند که کمک ارزشمند و ذیقیمتی در تحلیل اخبار اطلاعاتی و جمع بندی نیازها و ضوابط کشورها بنمایند. بدین

طریق سهم مهمی در افزایش پتانسیل عملیاتی خواهند داشت، زیرا که آنها افسران اطلاعاتی اسرائیل را در تخمین و ارزیابی سریع و مؤثر، و معتمد بودن عمال و خبر دهنده هایشان یاری می دهند. این اشخاص به خاطر امکان عبور کامل به عنوان تبعه کشور مورد نظر، نیز مورد استفاده قرار می گیرند. استعداد خوب اسرائیل برای جعل و تهیه پاسپورت تقلبی و توانایی تهیه مدارک، به واقعی جلوه دادن افراد کمک بسیاری می کند.

سرویس اطلاعات اسرائیل، اتکاء بسیاری بر محافل و سازمانهای مختلف یهودی در خارج از کشور، برای استخدام عمال و کسب و بیرون کشیدن اطلاعات عمومی دارد. طبیعت خشن و تهاجمی ایدئولوژی صهیونیسم، که تأکید بر آن دارد که همه یهودیان متعلق به اسرائیل بوده و باید به آن باز گردند، سبب انصراف، رد و عدم حمایت از عملیات اطلاعاتی اسرائیل به توسط تعدادی از یهودیان شده است. بهر صورت، البته تعداد قابل توجهی از یهودیان سرتاسر جهان، مخالف صهیونیسم می باشند. نمایندگان اطلاعات اسرائیل، با آگاهی از این حقیقت، معمولاً در محافل یهودی با محافظه کاری بسیار به عملیات پرداخته و براساس مقررات، مأموریتهای خود را باید با ظرافت و کاردانی فوق العاده ای که هیچ مزاحمت و ناراحتی برای اسرائیل به وجود نیاورد، به انجام رسانند.

از سویی موساد نیز تلاش می کند که به محافل ضدصهیونیستی نفوذ کرده و مخالفتها را خنثی کند.

علیرغم همه مراقبتها و محافظه کاریها، اسرائیل مکررا ناچار به عقب نشینی شده است و حوادث مختلفی

تاکنون در رد تلاشهای موساد در استخدام یهودیان آمریکایی، به توسط یهودیان افشاء و به مقامات ایالات متحده، گزارش شده است. برنامه های اسرائیل برای افزایش رشد تکنولوژیک، علمی و نظامی با سرعت زیادی به واسطه بهره برداری از «برنامه های مبادلات علمی» رو به بهبود رفته است. موساد نقش مهمی را در این تلاش بازی می کند. علاوه بر کسب مقادیر زیادی از مقالات علمی و مجلات تکنیکی چاپ شده، در سرتاسر جهان از طرق کانالهای آشکار، اسرائیل بسیاری از عملیات مخفی خود را در بدست آوردن اطلاعات علمی و تکنیکی صرف می نماید. این گونه عملیات شامل تلاش در نفوذ و دستیابی به طرحهای مشخص طبقه بندی شده نظامی ایالات متحده و دیگر کشورهای غربی است.

سازمان ملل متحد، یک هدف اصلی برای نفوذ و دستیابی موساد است، زیرا که مکان اصلی برای مبادلات بین المللی در همه رشته ها می باشد، و از سویی اهمیت و سهم مهمی در حل اختلافات، بین اعراب و اسرائیل دارد. عمال اسرائیل در سازمان ملل، تحت پوششهای دیپلماتیک و مطبوعاتی فعالیت می کنند.

استخدام موساد، آموزش و کنترل عمال، به طور گسترده ای متغیر است و بستگی به هدف، منطقه عملیات و واحد آن در اداره مرکزی دارد. در حالی که به مقدار مشخصی، معیارهای عملیاتی وجود دارد، ولی افسران اطلاعات اسرائیل ظاهرا از آزادی قابل توجهی در انجام عملیات برخوردارند. هیچ گونه قانون مشخصی که قبل از استخدام و به کارگیری عامل، تصویب ویژه اداره مرکزی را ملزم بداند وجود ندارد و تنها استثناء، کشورهای کمونیستی می باشد. اسامی و مشخصات عمال برای پرونده های قطور اداره مرکزی لازم می باشد، ولی این یک طریقه عادی منظم نیست. عملیات اندیشیده شده بر علیه شوروی و کشورهای اروپای شرقی، به هر حال با دقت بسیار بررسی و عمل می شود و نیازمند مقادیر زیادی طرح ریزی و کنترل توسط اداره مرکزی است، و حتی یک گروه مخصوص متشکل از «متخصصین منطقه ای» مسئول اجازه و تصویب و اداره این گونه فعالیتها می باشند. موساد به خصوص علاقمند به کسب

اطلاعات فوری، درباره تحولات، جابه جایی و انتقال واحدهای ارتش روسیه از شوروی به خاورمیانه می باشد. همچنین یک واحد کوچک، وابسته و یا درون موساد می باشد، که تنها هدف و مسئولیتش تذکر به روسها از طریق تماس و تبلیغات منفی درباره مسئله یهودیان در هر منطقه از جهان است. هر نوع شخصیتی، حتی سیروس ایتان (Cyrus Eatan)تحریک به طرح مسئله یهودیان شد. تلاشهای اسرائیل باید تأثیر مداومی داشته باشد، که روسها را اغلب وادار به حمله و عکس العمل بر علیه سرویس اسرائیل می کند و در تبلیغات منفی خود به افشای مفصل توطئه های اسرائیل بر علیه توده بی گناه شوروی می پردازد.

تقریبا به نحو منحصرانه ای، اسرائیل همه عمال خود را از افراد نژاد یهود انتخاب می کند. به هر حال این امر، دارای خطرات امنیتی است، زیرا که ممکن است، تردیدی در وفاداری به کشور صهیونیستی اسرائیل و یا وطن خویش، وجود داشته باشد. استخدام افراد غیریهود نسبتا نادر است.

بسیاری از عربها، به خصوص داوطلبین آنها، به طور مستقیم و غیرمستقیم سرویسها را یاری می دهند. این امر حاصل از هوسهای مادی و پولی است. به هر حال اسرائیلی، این اعراب را منابع خوبی برای کسب اطلاعات موثق نمی دانند. اسرائیل اغلب فلسطینی ها را بر بقیه به سبب کنترل بیشتر آنان، ترجیح می دهد، زیرا که اکثر پس انداز و درآمدشان بعد از جنگ ۱۹۴۸، در اسرائیل مسدود شده است. در شرایط مشخصی، این سپرده های بانکی، به جهت خدمات اطلاعاتی این افراد آزاد شده است. اسرائیلیها تقریبا از

هر نوع تمایلات و گرایشات عمال بهره برداری می کنند. تلاش زیادی برای اتکاء به نژاد یهود، گرایشات طبیعی مذهبی، طرفداری از صهیونیسم، تنفر از افکار و اعمال ضد نژاد سامی، احساسات ضدروسی در موقع لزوم و غرایز انسانی، می نمایند. تهدید به اخاذی نیز به کار می رود. تکنیکهای استخدامی دیگری نظیر، پیشنهاد پول، فرصتهای شغلی و یا آزاد ساختن از زندان نیز، مورد استفاده است.

پول در میان اعراب اثر مخصوصی دارد. اسرائیل تاکنون به طور موفقیت آمیزی بر نقاط ضعف دیگر اعراب نیز نظیر حسادت، رقابت، ترس و اختلافات سیاسی بین آنها، تکیه و بهره برداری کرده است.

اسرائیل از مکانهایی که با پرچم کشورهای بیگانه مزین شده، نیز بنحو موفقیت آمیز و گسترده ای، برای استخدام افراد استفاده می کند. در حوادث متعددی اسرائیل به اتباع کشورهای اروپای غربی، تحت پوشش سازمان ملی اطلاعات ناتو، نزدیک و متوسل شده و آنها را به استخدام خود درآورده است، تا عملیاتی در کشورهای مشخص عربی انجام دهند.

در حالی که افسران اطلاعات، عملاً به اهمیت مسایل امنیتی آگاهی دارند، با همه این اوصاف، بی دقت می باشند. اگر چه تعلیمات بسیار خوبی دیده اند، افسران اطلاعاتی اسرائیل اغلب در استفاده از تلفن در خارج از کشور بی ملاحظه اند. همچنین آنها اغلب مقادیر زیادی اطلاعات به خاطر اعتماد فوری و تماس با عمالی که تنها روابط مختصری با آنان داشته اند، بروز می دهند. معهذا، آنها هر چند صباحی، اصول اساسی حرفه خود را به کار می برند و برای مدتی زندگی عمال خود را با مقررات متعدد امنیتی، که ناچار به تحمیل آن می باشند، سخت و دشوار می کنند. گاهی در ملاقاتهای از پیش تعیین شده، بین یک افسر و یک عامل، «ضد مراقبت» توسط دو یا چند افسر دیگر، برای شناسایی تأمین مراقبتهای احتمالی، مکان ملاقات و حفاظت افسر رابط، انجام می پذیرد. در مراحل استخدام عمال، افسران تماما از اسم مستعار استفاده کرده و موافقتهای محرمانه ای با عامل مورد نظر به اجراء می گذارند و برای او نیز اسمی فرضی یا

مستعار انتخاب می کنند. هرگاه پول یا پاداشی به عامل داده می شود، افسران می کوشند که با دریافت رسیدی که به دستخط اوست، تضمینی دریافت کنند. اگر چه گاهی ممکن است یک عامل برای کسب آموزش ویژه به اسرائیل فرستاده شود، ولی اجرای آن آسان و ارزان تمام نمی شود. بنابراین، معمولاً افسران اطلاعاتی شخصا مسئول آموزش عمال بوده و اساسی ترین مهارتهای حرفه ای، مسایل حفاظت و امنیت، و استفاده از دستگاههای رادیویی و بهره برداری از کدهای ارتباطاتی، را به او یاد می دهند. اگر فوریت شرایط، آموزشهای ویژه ای را ایجاب کند، افسران اسرائیلی آپارتمانی را برای مقاصد خود در پاریس یا نیویورک اجاره می کنند. عمالی که این گونه تعلیم دیده اند، استفاده از مرکب سری و ترکیبات آن را آموخته و نحوه پنهان نمودن مدارک و نامه ها را در بدن و لباس می آموزند. همچنین تسلیم اطلاعات به مکانهای مخفی تضمین شده و یا چگونگی تماس و ارتباط با افسر مربوطه و یا اداره مرکزی را یاد می گیرند.

متدهای ارتباطی بسیار مختلف است و به مکانها و شرایط بستگی دارد. تماس برای ملاقاتهای شخصی بین عامل و افسر رابط از طریقه نوشته های سری، نوشتارهای باز، و یا پیغام شفاهی به توسط پیک (وابسته یا رابط موثقی) انجام می گیرد. مراکز و شهرهای مورد استفاده، دارای اسم کد بوده و مکانهای ملاقاتی در وقتهای مشخص، با زمانها و مکانهای دیگر اضافی مشخص می شود. در مواقع حساس و فوری، عامل به وسیله کد باز تلفنی یا تلگرافی، که از قبل تعیین شده یا نامه کددار، افسران اطلاعاتی را با

خبر می کند. در صورتی که زمان اجازه دهد، از طریق نوشته های سری یا پیک، افسر مزبور مطلع می گردد. اسرائیلیها تأکید بسیاری بر روابط شخصی، با عمال خود دارند. آنها به سبب دست و دلبازی فوق العاده در اعطاء امتیازات فردی و کمکهای پولی برای حفظ خشنودی عمال، شناخته شده و مشهورند. یکی از این افراد، یک روزنامه نگار در پاریس بود که مسئولین فرانسوی را به استخدام خود در می آورد و به کسب اطلاعات از خبردهندگان ناشناس و یا شناخته شده در جهان سیاسی فرانسه می پرداخت. او مبلغی برابر ۱۰۰۰ دلار آمریکایی هر ماه دریافت می کرد. بعد از سالها فعالیت مداوم و یک رشته همکاری با افسران اسرائیلی، به خدمات او به تدریج، ولی نسبتا فوری خاتمه داده شد. پرداخت معینی که به طریق نرخ یک ماه حقوق برای هر سال خدمت حساب می گردد، برای تخفیف احساس آزردگی عامل به او پرداخت می شود. از جهت دیگر، اسرائیلیها می توانند مطلقا با افسران اطلاعات و عمال خود، با بیرحمی و خشونت عمل کنند؛ به خصوص اگر بی وفایی و خیانت، عملیات حساسی را تهدید و یا امنیت کشور اسرائیل را به خطر اندازد. حوادث مختلفی درباره یهودیان اروپایی، که حین یا بعد از کار برای سرویس اسرائیلی با مصریان نیز، برای مبلغ قابل توجهی پول، وارد معامله شده اند، اتفاق افتاده است. این گونه یهودیان که تشویق و تحریک به سفر به اسرائیل، یا عبور غیرقانونی شده اند، در دادگاه اسرائیل محاکمه شده و به اشد مجازات ۱۰ تا ۱۴ سال زندان محکوم شده اند.

اداره مرکزی موساد، بایگانی، جریان و نشر گزارشات را با روش دشواری کنترل می کند که با آزادی زیادی که در انجام عملیات، اجازه داده شده است، متناقض است. یک افسر اطلاعاتی اسرائیل، در خارج از کشور باید همه اطلاعات گزارش شده توسط عامل خود را بپذیرد، و نباید حتی یک لغت را نیز تغییر دهد. افسران اطلاعاتی از اداره مرکزی سؤالهای آماده و مفصلی دریافت می کنند و تنها مقدار ناچیزی از محتوی درخواست شده را می توانند تغییر داده، و سپس مطالب را کامل تحویل دهند. بسیاری از عمال، از

سطح دانش ضعیفی برخوردارند و افسران اطلاعاتی حین ملاقات از آنان، براساس سؤالات اداره مرکزی، بازپرسی می کنند، تا اطلاعات دقیق را کسب کنند. افسر اطلاعات سپس باید همه گفته های عامل راحتی اطلاعات آشکار را نیز گزارش کند. افسر اطلاعات، در صورتی که بخواهد، می تواند یادداشتها و تذکرات خود را نیز با گزارش عامل ارسال کند.

اداره مرکزی موساد، گزارشات عمال را برای همه آژانسهای مشتری خود ارسال نمی دارد. حجم قابل توجهی از گزارشات برای یک واحد ویژه «بررسی و آنالیز» فرستاده می شود. برای مثال، معمولاً گزارشاتی که درباره مسایل اعراب است به سرویس اطلاعات نظامی و گزارشات ضد اطلاعاتی به شین بث منتقل می شود. به هر صورت، گزارشات استثنائی نیز برای مقاماتی که خط مشی سیاسی اسرائیل را تعیین می کنند، فرستاده می شود. افسران اطلاعات موساد، کپی گزارشات را به سفرای اسرائیل نشان نمی دهند و تنها به اداره مرکزی در تل آویو ارسال می دارند.

سرویسهای اسرائیل علاقه بسیار وافر و هوشیارانه ای در بهره برداری و توسعه تجهیزات تکنیکی دارند. از سالهای ۱۹۴۷ ۱۹۴۸ سرویس اخبار و اطلاعات عملیات سری "تأمین مراقبت تکنیکی" را بر علیه اعراب و هیئتهای انگلیسی در سازمان ملل متحد به کار می برد. موساد با همکاری شین بث، آموزشهای تکنیکی را به سرویسهای امنیت و اطلاعات ترکیه و غنا تعلیم می دهد. مبادله تجهیزات و اطلاعات تکنیکی با سرویسهای اطلاعات و امنیت ژاپن نیز برقرار شده است. موساد در عملیات تکنیکی،

در خارج از اسرائیل، توسط شین بث و اطلاعات نظامی یاری می شود. قدرت و توانایی تکنیکی سرویسهای اسرائیل، برای تقاضاهای عادی کافی است. علاوه بر این، هماهنگی بسیار نزدیکی بین سرویسها و نیازهای صنعتی کشور وجود دارد. صنایع کشور تهیه و توسعه کشور تهیه و توسعه تجهیزات تکنیکی مورد نیاز سرویسها را برای ادامه عملیات ارتباطاتی و مخابراتی، تضمین و حمایت می کند. وجود برنامه های محدود تحقیقاتی، که همراه و آمیخته با لیاقت و مهارت عالی اسرائیل در مسایل تکنیکی است، چنین نشان می دهد که اسرائیل قصد ندارد که از پیشرفتهای حاصل در وسایل تأمین مراقبتهای ارتباطاتی و مخابراتی و دستگاههای خنثی سازی آن عقب بماند.

یک روابط با سرویسهای دیگر: موساد روابط خوبی با شین بث سرویس اطلاعات نظامی، مرکز تحقیقات و طرح ریزی سیاسی وزارت امور خارجه و بخش "وظایف ویژه" پلیس دارد. موفقیتهایی نظیر حمله انتبه، نمونه ای از طرح ریزی و اجرای هماهنگ و دقیق می باشد. این حادثه گواهی، بر روابط خوب میان سرویسهای اسرائیل است. کمیسیون "آگرانت" از هماهنگی بیشتری بین سرویسها حمایت نمود و پست و نقش مشاورین اطلاعاتی را برای کنترل و تحت نظر داشتن اختلافات و مشاجرات مدیریت داخلی سرویسها، را احیاء نمود. مبادلات بین موساد و سرویسهای دیگر از طریق "وعدت" که مکانیزم هماهنگی است، و به کارگیری کمیته های ویژه هماهنگی در مسایل مشخص، به هر صورت همکاری و هماهنگی بین سرویسها را تضمین و تداوم می بخشد.

دو روابط وابسته با سرویسهای بیگانه: موساد روابط وابسته با بسیاری از سرویسهای امنیتی و اطلاعاتی سراسر جهان دارد. غیر از چند استثناء، مدیریت اداره "عملیات سیاسی و روابط وابسته خارجی" مسئول تماس با اکثر سازمانهای خارجی است. در اکثر ملاقاتها، نقطه تماس در پایتخت کشورهای خارجی است؛ هرچند که تعدادی از سرویسهای خارجی به روابط وابسته در خود اسرائیل

پافشاری می کنند.

در حال حاضر، موساد با همکاری شین بث، روابط وابسته ای با سرویسهای اطلاعاتی و امنیتی بیگانه از طریق عضویت در گروه "کیلووات" حفظ کرده است. این گروه تشکیلاتی است که با مسایل تروریسم عرب سروکار دارد و مشتمل از کشورهای آلمان غربی، بلژیک، ایتالیا، انگلستان، لوکزامبورک، هلند، سوئیس، دانمارک، کانادا، فرانسه، ایرلند، سوئد، نروژ، و اسرائیل است. اسرائیل روابط و تماس های غیر رسمی با کشورهای دیگر اروپایی نظیر اسپانیا، پرتغال و اطریش در مسایل تروریسم نیز دارد.

اسرائیل در طی سالها کوشید، تا حلقه محاصره اعراب را با ایجاد روابط با کشورهای غیر عرب مسلمان در خاورمیانه بشکند. در اواخر ۱۹۵۸، یک سازمان روابط وابسته رسمی سه جانبه، شامل موساد، سرویس امنیت ملی ترکیه (TNSS) و سازمان اطلاعات و امنیت ایران (ساواک)، تشکیل شد، که این سازمان "نیزه سه سر" نامیده شد. بر اساس توافقات، این سازمان چیزی علاوه بر روابط دوجانبه موساد، با هریک از این سرویسها بود. تشکیلات "نیزه سه سر" علاوه بر تداوم مبادلات اطلاعاتی، جلساتی نیز هر نیم سال، در سطح روسای سرویسها داشته است. مبانی کلی اصل توافق با ترکها، علاوه بر تصویب قانونی روابط وابسته بین دو کشور اسرائیل و ترکیه، تأکید نموده است، که موساد اطلاعاتی از فعالیتهای عمال شوروی در ترکیه، و کسانی که بر علیه ترکیه در سراسر خاورمیانه عمل می کنند، را در اختیار سرویس ترکیه قرار دهد. در مقابل، ترکها موافقت نمودند که هرگونه اطلاعات از مقاصد سیاسی

کشورهای عربی را که بر امنیت اسرائیل اثری دارد، در اختیار اسرائیل بگذارد.

در ضمن ترکیه فعالیتها و مشخصات عمال مصری، که بر علیه اسرائیل فعالیت می کنند را در اختیار آنها قرار دهد. همچنین سرویس اسرائیل تعلیمات تکنیکی و ضد جاسوسی ترکها را به عهده گرفته است.

هدف اصلی روابط اسرائیل با ایران، ایجاد و توسعه سیاستهای ضد عربی و موافق اسرائیل، در تصمیمات مقامات ایرانی بود. از اواخر دهه ۱۹۵۰ به بعد، در طی سالها، موساد در عملیات مشترکی با ساواک، همکاری داشته است. موساد، به فعالیتهای ساواک یاری داده است و کردهای عراق را حمایت نموده است. اسرائیل مرتباً گزارشاتی درباره فعالیتهای مصر در کشورهای عربی، تحولات و حوادث عراق، و فعالیتهای کمونیستها، که اثراتی بر ایران داشت، به سازمان اطلاعات ایران منتقل می کرده است.

روابط وابسته اسرائیل در آفریقا، به نحو قابل توجهی "کشور به کشور" متفاوت است، و به فوریت شرایط بستگی دارد. فعالیتهای اطلاعاتی اسرائیل در آفریقا، معمولاً تحت پوششهای تعلیمات و آموزشهای نظامی و پلیسی، فروش تسلیحات به قوای نظامی کشورها و برنامه های کمک و توسعه، انجام می پذیرد.

کشورهای عرب توأم با سازمان "وحدت آفریقا"، فشار فوق العاده ای بر اکثر کشورهای آفریقا، در قطع همه روابط رسمی با اسرائیل وارد آورده اند. علیرغم قطع روابط دیپلماتیک بین اسرائیل و بسیاری از کشورهای آفریقایی، اسرائیل هنوز روابط وابسته خوب اطلاعاتی، را با تعدادی از سرویسهای آفریقایی، حفظ کرده است. اسرائیل نیز روابطی با سرویس کنیا دارد. در آفریقای مرکزی، اسرائیل هنوز در زئیر فعالیت است. در غرب آفریقا، اسرائیل سرویس امنیت و پلیس لیبریا، را آموزش می دهد. همچنین در تأسیس سرویس اطلاعات نظامی غنا همکاری داشته است. در آفریقای جنوبی، اسرائیل روابطی با سرویسهای اطلاعات و امنیت آفریقای جنوبی دارد.

اسرائیل در طی سالها، در آمریکای لاتین بسیار فعال بوده است. یکی از بزرگترین موفقیتهای اطلاعاتی، دستگیری آدولف آیشمن، رهبر سابق نازی بود که در آرژانتین به وقوع پیوست. اخیراً، اکثر فعالیتهای "روابط وابسته" در آمریکای لاتین، در مسایل آموزشی و عملیات ضد تروریستی متمرکز شده است. برای مثال، کنسولگری اسرائیل در ریودوژانیرو، پوششهای لازمه را برای پایگاه منطقه ای موساد فراهم آورده است که شامل کشورهای برزیل، آرژانتین، شیلی و اروگوئه می باشد. افسرانی از این مرکز برای تعلیم به سرویس آرژانتین به بوینس آیرس می روند. در جریان این گونه تماسها، افسران اسرائیلی درگیری گسترده تری را در عملیات مشترک ضد تروریستی، توصیه می کنند. اسرائیل "روابط وابسته ای" با سرویسهای امنیتی مکزیک، نیکاراگویه، کاستاریکا، پاناما، جمهوری دومینیکن، ونزوئلا، کلمبیا، اکوادور و پرو نیز حفظ کرده است. کاراکاس مرکز منطقه ای برای آمریکای مرکزی، شمالی و غربی آمریکای لاتین است.

اسرائیل مدت زمانی در آسیای شرقی فعالیت می نمود. آنها آموزش اطلاعاتی را در اختیار دولت جمهوری چین (ملی) قرار می دادند و "روابط وابسته ای" با آنان داشتند. اسرائیل روابطی نیز با ژاپن، تایلند، اندونزی و سرویسهای کره جنوبی، به خصوص در مسایل تروریستی دارد. بزرگترین مرکز منطقه ای موساد در آسیای شرقی در سنگاپور می باشد. رئیس پایگاه موساد در سرتاسر این منطقه، مکرراً سفر کرده و با سرویسهای کشورهای مجاور معاملات و قراردادهایی می بندد. اندونزی به عنوان یک

کشور مسلمان، روابط دیپلماتیک رسمی با اسرائیل ندارد. بنابراین، روابط دوجانبه موساد اندونزی، خیلی محافظه کارانه می باشد.

نمایندگان موساد در سنگاپور، مورد تأیید و تصویب سرویس اندونزی می باشند. همچنین افسران موساد در جاکارتا، نیز تحت پوششهای تجاری فعالیت می کنند. دلیل اولیه "روابط وابسته" با اندونزی، کسب کمک در تلاشهای ضد تروریستی می باشد. از سوی دیگر، بدین طریق، اسرائیل نه تنها در عملیات ضدتروریستی درگیر می شود، بلکه فرصتی نیز برای جمع آوری اطلاعات و درگیری در فعالیتهای سیاسی یک کشور مسلمان نیز می یابد.

ج (C) شین بث سرویس امنیت داخلی و ضدجاسوسی

۱ وظایف

شین بث در اسرائیل، مسئولیت امنیت داخلی و ضد جاسوسی را به عهده دارد و اساساً فعالیتهای آن محدود به داخل اسرائیل می باشد. مسئولیتهای اولیه و عمده شین بث شامل: جمع آوری اطلاعات از تشکیلات اطلاعاتی بیگانه دوست و دشمن است و با فعالیتهای آنان حفاظت امنیتی مقامات و تأسیسات اسرائیل در خارج از کشور و تعقیب و تحقیق درباره همه گونه اشکال براندازی (نظیر انهدام، خرابکاری و تروریسم) است که توسط نیروهای داخلی و یا خارجی، چه در داخل و یا خارج اسرائیل به وقوع می پیوندد. شین بث همه اخبار به دست آمده را ارزیابی کرده، سپس با مطالب دیگر جاری و آشکار موجود از منابع اسرائیلی و خارجی، ترکیب و طبقه بندی می کند و گزارشات نهایی ارزیابی شده را در اختیار آژانسهای دولتی ذیربط، برای اجرا قرار می دهد. شین بث برای مقابله با دو مخالف اصلی خود یعنی سرویسهای امنیت و اطلاعات اعراب و کشورهای شوروی و اروپای شرقی عمل می کند.

شین بث زمانی در عملیات مثبت اطلاعاتی و امور مهاجرت، در کشورهای بالکان به خصوص

رومانی، بلغارستان، یوگسلاوی و لهستان به نحو موفقیت آمیزی دخالت داشته است، ولی دیگر بدان ادامه نمی دهد. شین بث مقام مسئول در مسایل امنیت فیزیکی و امنیت کارکنان می باشد. در ضمن مسئول حفاظت و امنیت شخصی رئیس جمهور، نخست وزیر و وزیر دفاع است. شین بث قدرت دستگیری کسی را ندارد و این تنها بر عهده بخش "وظایف ویژه" اداره بازرسی پلیس اسرائیل است، که یک نیروی ملی است، و اداره مرکزی آن در اورشلیم واقع شده است. زمانی که دستگیری فردی لازم است، شین بث گزارش مفصلی را درباره آن فرد، به علاوه درخواست حکم جلب، را به وزارت دادگستری تسلیم می کند. اداره حقوقی، درخواست را به بخش "وظایف ویژه" می فرستد که حکم جلب را صادر و فرد خاطی را دستگیر می کند. زمانی که اقدام فوری لازم و ضروری است، شین بث مستقیماً بخش "وظایف ویژه" را باخبر می کند. این بخش قدرت دستگیری مظنون و زندانی نمودن موقت او را داشته و می تواند صدور قبض ضمانت را به تعویق اندازد. گاهی افسر شین بث، به عنوان مشاور مخصوص در دادگاه کنار اعضای دادستانی حضور می یابد.

۲ سازماندهی

شین بث، هشت (۸) اداره برای انجام وظایف و عملیات خود تشکیل داده است. (۱) اداره امور اعراب؛

(۲) اداره امور غیر عرب؛ (۳) اداره امنیت حفاظتی؛ (۴) اداره پشتیبانی عملیاتی؛ (۵) اداره تکنولوژی؛ (۶) اداره مشاورت حقوقی و بازپرسی؛ (۷) اداره هماهنگی و طرح ریزی؛ (۸) امور اداری.

ادارات منطقه ای صحرایی شین بث: مناطق "غزه سینا" با اداره مرکزیش در اشگلون (Ashgelon)، منطقه شمالی که اداره مرکزیش در حیفا است و منطقه کرانه غربی با اداره مرکزی خود در اورشلیم واقع شده است. یک واحد در داخل اداره مرکزی ملی شین بث در تل آویو می باشد، که بعنوان چهارمین اداره منطقه ای، انجام وظیفه می نماید. این دوایر منطقه ای خود نیز به بخشهای متساوی دیگری تقسیم شده اند، ولی از تشکیلات اصلی مادر کوچکتر می باشند. (شکل ۶)

دایره "امور اعراب"، مسئول نظارت بر فعالیتهای اعراب در زمینه های ضدجاسوسی، عملیات ضد تروریستی، کنترل براندازیهای سیاسی، تحقیقات، حفظ و نگهداری اندکس (لیست اسامی و موضوعات) ضد اطلاعاتی درباره اعراب است. واحدها و اجزایی که این گونه فعالیت ها را به عهده دارند، از قسمتهای تدافعی و تهاجمی تشکیل شده اند. این اداره از طریق دفاتر صحرایی که توسط افسران منطقه ای کنترل می شود، عمل می نماید. این گونه افسران گزارشات خود را به فرماندهان منطقه ای می دهند، ولی اتکاء آنها بر دایره "امور اعراب" برای راهنمایی و پشتیبانی است، که شامل کمک در مسایل ضد جاسوسی، ضد خرابکاری، و تأمین مراقبت مخفی و پشتیبانی تحقیقاتی، ضبط و بایگانی است. وظایف نهائی اداره مرکزی (مقر فرماندهی کل) تعیین دکترین، نظارت و سیستماتیک نمودن فعالیتها می باشد.

دایره "امور غیر عرب"، نفوذ به داخل احزاب سیاسی افراطی نظیر حزب کمونیست اسرائیل (MAKI)، کمونیستهای جدید چپگرا (RAKAH) که گروه عظیمی از منشعبین بوده و حامی اعراب می باشند، چپ جدید اسرائیل (SIAH)، ضد صهیونیستها و سازمانهای راست افراطی را به عهده دارد.

این اداره همچنین تقلبات، بازار سیاه، قاچاق پول و اجناس به داخل و خارج از کشور و نقض قوانین

کنترل اقتصادی را تحقیق و تعقیب و رسیدگی می کند. شین بث مسئول ضبط خطوط تلفنی، قطع یا ضبط صحبتهای دیپلماتیک تلفنی، و تلفنهای داخل کشور می باشد.

دایره "امور غیر عرب" مسئول "روابط وابسته" با بیگانگان و انجام همه تماسهای مکاتباتی شین بث با دیگر سرویسهای اطلاعاتی و امنیتی بیگانه می باشد. بازپرسی از مهاجران یهودی که از شوروی و کشورهای اروپای شرقی آمده اند، نیز توسط این دایره تقبل شده است.

اداره "امنیت حفاظتی" مسئول حفاظت از ساختمانهای دولتی و سفارتخانه های اسرائیل، تأسیسات ال عال و زیم (ZIM) و کشتیهای تجاری تأسیسات علمی و صنایع نظامی و حفاظت از رهبران کشور می باشد. در ضمن این اداره از همه مجتمعهای صنعتی مهم و حیاتی، مخصوصاً صنایعی که دارای ارزش عینی و یا بالقوه نظامی است، حفاظت می کند. در جلوگیری از درز و افشای اسرار صنعتی نظیر اختراعات، مراحل عمل، آمار و غیره دخالت دارد. همچنین روابط و تماس وابسته با کلیه افسران امنیتی که در داخل دولت اسرائیل فعالیت می کنند، نیز دارد. اگرچه افراد گارد و افسران امنیتی، حقوق خود را از مؤسساتی، که در آن فعالیت دارند، دریافت می کنند: ولی استخدام آموزش و کنترل آنان در مسئولیت شین بث است. اداره امنیت حفاظتی کنترل امنیت ارتباطات داخلی و اطلاعات سری را نیز در اختیار دارد. برای مثال، یک واحد کوچک در داخل این اداره تمامی مسایلی که در رابطه با جاسوسی است، با دفتر سانسور نامه و تلگراف رتق و فتق می کند.

اداره "امنیت حفاظتی" فعالیتهای امنیتی شین بث را در خارج از کشور نظیر حفاظت از پرسنل، دفاتر حمل و نقل، بخشهای دیپلماتیک، تجهیزات و وسایل را اداره می کند. اگرچه موساد، مسئول عملیات یکجانبه و مسایل "روابط وابسته" اطلاعاتی است و سرویس اطلاعاتی نظامی، کنترل سیستم آتاشه نظامی و "روابط وابسته" نظامی را در اختیار دارد. شین بث نیز امنیت حفاظتی و "روابط وابسته" با سرویسهای امنیتی محلی کشورهای بیگانه را در حفاظت از اموال و پرسنل اسرائیلی را به اجرا درمی آورد. برای مثال، یک دفتر منطقه ای "امنیت حفاظتی" در پاریس وجود دارد که وظیفه و توجه عمده آن به امنیت از ال عال و زیم (ZIM) معطوف می باشد.

اداره "پشتیبانی عملیاتی" مسئول پشتیبانی و یاری ادارات عملیاتی با تأمین مراقبت مخفی، مشاهدات، امنیت فرودگاهها، سانسور، تجهیزات استراق سمع، وظایف ویژه و پشتیبانی در خنثی سازی امواج صوتی و ایجاد پارازیت می باشد. این اداره دارای واحدهای تاکتیکی است، که عملیات ضد اطلاعاتی، حفاظت مقامات عالیرتبه کشوری، و ضبط تلفنی را یاری می رساند. این اداره، با به کارگیری یک دستگاه گیرنده فوق العاده پیشرفته، که به وسیله یک دستگاه کنترل با صفحات کلیدی که در دفاتر شین بث نصب شده است، سرویس را پشتیبانی می کند. این دستگاه شین بث را از ضبط تلفی از طریق جعبه های محلی انشعابات تلفنی، و حتی از طریق مراکز تلفن که تحت نظارت وزارت خدمات مخابراتی و تلفنی می باشد بی نیاز می کند. و نیز از امکان بهره برداری سوء کارمندان چپگرای "خدمات تلفنی" بدین نحو جلوگیری می کند.

اداره "تکنولوژی" پشتیبانی خود را در اختیار ادارات عملیاتی، در زمینه های زیر قرار می دهد:

الکترونیک، مکانیک و شیمیایی: این اداره پشتیبانی تکنیکی خود را در حوزه های عملیاتی نظیر تأمین مراقبت مخفی صوت و تصویری، ارتباطاتی، عکسبرداری، دخول سری، ضبط تلفنی، سانسور نامه،

و وسایل امنیتی و غیره، در اختیار ادارات عملیاتی می گذارد.

اداره "مشاورت حقوقی و بازپرسی" مسئولیت همه بازپرسیهای ضد اطلاعاتی و امنیتی، که به بخش "وظایف ویژه" پلیس واگذار نمی شود را برای ادارات عملیاتی شین بث انجام می دهد. این اداره بهره برداری ویژه ای از دستگاه دروغ سنج می نماید. همچنین بر موثق بودن منابع موساد رسیدگی نموده و جعل کنندگان و یا عمال دوجانبه مظنون را مورد، نظارت و رسیدگی خود قرار می دهد. پرسنل بخشهای این اداره، به مناطق مختلف کشور سفر کرده، و آزمایش دروغ سنجی و بازپرسی را انجام می دهند. در ضمن در تهیه پرونده های محاکمه افراد و دیگر مسایل حقوقی مورد نیاز، ادارات عملیاتی شین بث را یاری می کند.

اداره "هماهنگی و طرح ریزی" مسئول هماهنگی متدولوژی ضد اطلاعاتی و امنیتی، کارآموزی، ارزیابی و تقویت امنیتی و بایگانی و ثبت مرکزی است. این اداره پرونده های "کارت و مشخصات" افراد غیر عرب را نگهداری می کند. علاوه بر مراحل عادی صدور کارت مشخصات، بایگانی و ثبتی نیز درباره تمام افرادی که در پلیس کشور پرونده ای دارند، می باشد. بدین طریق همه دفاتر دولتی به سرعت می توانند از طریق شین بث، پرونده پلیس کارمندان کنونی و یا آینده را رسیدگی و مشاهده کنند. همه گونه نتایج حاصله از مراحل "ردیابی" از قبیل رسیدگی به صحت اسامی تا تحقیق و بازجویی از همسایگان، به این اداره کانالیزه شده است. این بایگانی از یک کامپیوتر نظامی استفاده می کند. بایگانی اسامی و مشخصات

اعراب هنوز به سبب مشکلاتی که در اسامی عربی وجود دارد، به کامپیوتر مجهز نشده است.

"امور اداری" مسایل و وظایف عادی نظیر اداره پرسنلی، مالی، تدارکات و حمل و نقل، ارتباطات و امنیت را به عهده دارد.

تشکیلات تعیین خط مشی در داخل شین بث "مدیریت سرویس" نامیده می شود. این مجتمع یک بار در ماه تشکیل می شود و اعضاء آن مشتمل از مدیران ادارات (از جمله مدیران منطقه ای) است، که از یک رتبه و درجه مساوی برخوردار می باشند.

۳ عملیات اداری

رئیس شین بث، توسط نخست وزیر انتخاب می شود. نخست وزیر ممکن است برای انتخاب، با کسانی مشورت کند و یا درخواست توصیه نماید، ولی به تصویب مجلس کنست و کابینه نیازی ندارد.

شین بث، مسئول حفاظت از همه پرسنل اطلاعاتی غیرنظامی و پرسنل امنیتی است. علاوه بر این، شین بث پرسنل را براساس خصوصیات مشخصی که بر اصل وفاداری به کشور، تحصیلات قابلیت و استعداد و توانایی استوار است، انتخاب می کند و در معرض پذیرش و تصویب سرویسهای غیرنظامی کشور قرار می دهد، تا نهایتاً به استخدام آنان درآید. ارتش در قبال مراحل امنیتی، که مرتبط به پرسنل نظامی است. نسبتاً خودمختار است، زیرا که واحدهای امنیت نظامی اکثر این مقدمات را شخصاً به عهده دارد. به هر صورت، شین بث معیارها رویه ها و سیاستها را برای کنترل امنیتی ارتش وضع و تنظیم می کند.

از میان ۵۰۰ افسر شین بث، حدود ۱۰۰ نفر ابتدا انتخاب، سپس غربال شده و نهایتاً به عنوان افسر امنیتی تعلیم و آموزش داده شده اند تا در تمام تشکیلات دولتی، به فعالیت بپردازند. این گونه افسران در دفتر نخست وزیر، سرویسهای اطلاعاتی و امنیتی از جمله موساد، انستیتوهای علمی، تأسیسات ال عال و مقرهای خدمات خارجی مستقر شده اند.

اکثر کارمندان کادر، که تعدادی از آنان نیز زنان اسرائیلی می باشند، از سوابق تحصیلی عالی و تجارب گسترده ای برخوردارند. حدود ۳۱ افسران شین بث در ابتدای شروع کار خود، به عنوان افسران امنیتی در خارج از کشور عهده دار وظایفی گردیده، و تحت کنترل اداری و عملیاتی موساد قرار می گیرند. پس از اتمام تکلیف خارجی و بازگشت به کشور، افسران شین بث به سرویس امنیتی داخلی بازگردانده می شوند. از آنجا که افسران عالیرتبه موساد و شین بث تحت کارآموزی و آموزش مشابه ای در مدرسه "عملیات عالی مشترک" قرار گرفته اند، متد عمل و سبک کار مشابهی دارند.

تبادل پرسنل، به مقدار زیادی در بین سرویسهای معمول است. شین بث ممکن است، یک سرگرد ارتش را برای وظایف موقتی بپذیرد، یا آنکه یک افسر بازنشسته را بر اساس کار دائم به استخدام خود در آورد. تمام کسانی که به استخدام شین بث در می آیند، در معرض تحقیقات کامل «سوابق امنیتی» و حداکثر آزمایشات جسمی، امتحان دروغ سنجی و آزمایشات دقیق روانکاوی را باید با موفقیت بگذرانند.

رسیدگی امنیتی از متولدین اسرائیل، نسبتاً آسان است. زیرا که اسرائیلیهای جوان زندگی کاملاً تدوین شده ای دارند، و به سختی از راحت طلبیهای زندگی برخوردار شده اند. پرونده های پلیس، کارنامه مدرسه ای، معلمین و پروفسورهای دانشگاهی، کارنامه نظامی، جنبشهای دانشجویی، گرایشات سیاسی، کارنامه رأی آنان، تاریخچه خانوادگی، تمایلات سیاسی، و دوستان آنان، با دقت از نزدیک مورد بررسی و

آزمایش قرار خواهد گرفت. اگر متقاضی متولد خارج از اسرائیل است، کارنامه مفصل مهاجرت او ممکن است اطلاعات مناسبی را آشکار کند. که با «بازپرسی روبرو» می توان آن را دوباره بازرسی و چک نمود. وفاداری به اسرائیل، ملاک اساسی می باشد. اگر متقاضی از جوانی، یک صهیونیست بوده باشد، او به طبقه بندی ویژه تعلق دارد اگر او هرگز به احزاب چپ نظیر MAKI، MAPAM و RAKAH یا به حزب دست راستی، نظیر هروت (HERUT) وابسته نبوده باشد، امکان استخدام وی نسبتاً بهبود می یابد. این امر که یک یهودی گذشته اش، ناشناس باشد، نسبتاً غیر ممکن است، زیرا که او زمانی در اختیار مسئولین کشور بوده است. در ضمن، چون در اسرائیل افراد کاملاً مطمئن، که دارای مجالس و محافل یهودی بوده و یا می باشند، از هر کشور بیگانه ای، بسیار زیاد است. آنها می تواند مورد مشورت اطلاعاتی، درباره متقاضیان قرار گیرند.

رئیس شین بث، یک افسر رتبه اول، از یک سرویس غیر نظامی، می باشد و دارای حقوق و مزایای پذیرایی است. تفاوت نسبتاً ناچیزی بین رتبه ها وجود دارد، که به واسطه مزایای نسبتاً خوبی نظیر، منازل مسکونی، وسایل حمل و نقل و مسافرت، مخصوصاً در رتبه های بلند پایه جبران شده است.

۴ روشهای عملیاتی

عملیات شین بث، در داخل اسرائیل، می تواند به ۴ دسته ذیل تقسیم شود:

(۱) عملیات بر علیه بیگانگان به طور عموم. (۲) بر علیه اعراب. (۳) بر علیه کمونیستها. (۴) بر علیه اسرائیلی ها. به نظر می رسد که در عملیاتها، تفاوت ناچیزی در به کارگیری تکنیکها وجود داشته باشد. ولی دارای تفاوت بیشتری در شدت و دامنه آن می باشد، زیرا که اکثر آن بر علیه اعراب، جهت داده شده است.

فعالیتها و عقاید دیپلماتها، چه در داخل و چه در خارج از تأسیسات دیپلماتیک موجود در اسرائیل، از

مهمترین مسایل مورد توجه شین بث می باشد. دولت اسرائیل ترجیح می دهد که حضور دیپلماتها را به عنوان جستجو، کنجکاوی و جمع آوری اطلاعات تلقی کرده، تا آنکه برای ارتقاء روابط صمیمی، به اسرائیل آمده باشند.

درجه ظن و شدت عملیات بر علیه دیپلماتها، توسط روابط غالب بین کشورها و اهداف بلند مدت دیپلماتیک آنها تعیین می شود. عملیات شین بث، با پلیس و اطلاعات نظامی، بسیار خوب تنظیم و هماهنگ شده است. پلیس اسرائیل بسیار نزدیک با شین بث، در حفاظت از تأسیسات داخلی نظیر سفارتخانه ها و کنسولگریها فعالیت می کند و در تأمین مراقبتهای مخفی دیپلماتها، روزنامه نگاران و خبرنگاران خارجی، و توریستهای مورد توجه شین بث، با آن همکاری می کند. افسران پلیس مراقبت ۲۴ ساعته، در مقابل همه سفارتخانه ها، کنسولگریها، نمایندگیها و مکانهای هیئتهای مسکونی و محلهای ورود و خروج پرسنل خارجی، بخصوص افسران دیپلماتیک را که بعد از ساعات عادی اداری، یا در تعطیلات، در محل کار خود حضور می یابند، را ضبط می کنند. در ضمن آنها شماره نمره اتومبیلی که افسران با آن حضور یافته و یا خارج می شوند، را یادداشت می کنند. نمره های دیپلماتیک، در رنگ با اتومبیلهای خصوصی تفاوت دارد، و دارای اعداد پیشوندی است، که کشور به خصوصی را نشان می دهد.

امنیت مناطق مرزی و سرزمینهای اشغالی، اساساً در مسئولیت سرویس اطلاعات نظامی، گارد مرزی

و شین بث است. با استفاده از خبردهندگانی که احتمالاً از اعراب محلی یا یهودیان فلسطینی است، و بسیار شبیه اعراب می باشند، شین بث توانسته است، در عناصر مخرب غرب از جمله هسته های کمونیستی و گروههای ناسیونالیست عرب نفوذ کند. این خبردهندگان، حین بازگشت به کشورهای مجاور، عوامل جاسوس محلی عرب را نیز با خود همراه کرده، و با هماهنگی با اطلاعات نظامی آنها را به عمال دوجانبه تبدیل می کنند.

غیر از اعراب، شین بث نظر خود را، اساساً به عناصر مخرب چپ، معطوف ساخته است. احزاب RAKAH و MAKI که وفاداری خود را به شوروی اعلام نموده، و آن را جزء وظایف خود می دانند، از احزاب قانونی شناخته شده اند و در مجلس کنست نمایندگانی دارند. شین بث به نحو کاملی، در هسته های تشکیلاتی کمونیستها نفوذ کرده و از طریق خبردهندگانشان، فعالیتهای آنان را دنبال می کنند، و عملیات تکنیکی و تأمین مراقبت مخفی را بر علیه آنان اجرا می نمایند. عمال شین بث در بسیاری از جلسات «جبهه بین الملل کمونیست» شرکت کرده اند.

از آنجا که همه خارجیان، بدون توجه به ملیت یا مذهب که شامل یهودیان نیز می شود، به عنوان خطرات بالقوه، برای کشور اسرائیل به حساب آورده می شوند، سبب آن شده است که شین بث تعداد زیادی از خبردهندگان خود را از میان مردم محلی اسرائیل، که به جهت کار و یا فعالیت در تماس با خارجیان می باشند، استخدام می کند. برای مثال کارمندان مشروب فروشی، منشیهای هتل، تلفنچی، سکرتر، رانندگان تاکسی، مستخدمین، فروشندگان خواروبار فروشی، و شیرینی جات، فاحشه ها، شوفرها و گارسونها، در یک طبقه بندی ویژه این گونه کارها می باشند. همچنین در این طبقه بندی اعضاء اتحادیه های تجاری، دانشمندان و کسانی که در زمینه های علمی می باشند، نیز قرار دارند.

در اسرائیل قانونی وجود دارد که به پلیس و سرویسهای امنیتی اختیار می دهد که هر تبعه اسرائیلی را،

که در تماس با خارجیان است، دستگیر و بدون اجازه رسمی یا بدون دلیل موجه و آشکاری نظیر «استخدام» و یا «انجام معاملات» برای بازجویی حبس نمایند.

چون همه دیپلماتها، در معرض تأمین مراقبتهای مخفی می باشند، شین بث به راحتی از تماس آنها با اتباع اسرائیلی آگاه می شود. زمانی که طرح و نقشه ای وجود داشته، و شین بث تحریک و ظنین شود، برای افزایش و کسب اطلاعات بیشتر، از وسایلی برای ضبط تلفن و تلگراف و استفاده از دیگر روشهای تکنیکی می کوشد. احضار اتباع اسرائیل و تلاش در جهت همکاریهای آنان، توسط اعضای شین بث امری غیرعادی نمی باشد. در صورتی که فرد مزبور، از این کار خودداری کند، متمم قانون جنایی (امنیت کشور)، برای او تذکر داده می شود و نتایج شوم آن را به او اخطار می کند. این امر معمولاً شخص را وادار به قبول می نماید. مقامات امنیتی اسرائیل به دنبال آثار و علائمی از روابط نامشروع افراد می باشند، تا بتوانند آن را به عنوان مستمسکی برای جلب و پذیرش همکاری آنان به کار برند. برای مثال، شین بث تلاش می کند که بتوسط یک کارمند دفتری که روابطی با یک دختر اهل اورشلیم داشت، به دفتر سرکنسول ایالات متحده، در اورشلیم نفوذ کند. آنها کوشیدند که با صحنه سازی، و حیله سقط جنین دروغین، این کارمند را در یک تلاش ناموفق به استخدام خود درآورند. آنها قبل از تلاش به اخاذی و تهدید به او کوشیدند، تا به توسط این دختر اسرائیلی، از او اطلاعاتی را بیرون کشند.

دو هدف بسیار مهم دیگر، برای شین بث در اسرائیل، سفارت آمریکا در تل آویو و تشکیلات نظارت بر

آتش بس سازمان ملل متحد (پاسداران صلح) (UNTSO)، که دارای یک اداره مرکزی در اسرائیل است، می باشد. دو یا سه کوشش ناتمام و عقیم، در استخدام گاردهای دریایی(MARINE) ، به وسیله پاداشهای پولی انجام پذیرفته است. عملیات شین بث، در استخدام پرسنل (UNTSO)، روشهای تهدید، ترس و اخاذی می باشد.

در سال ۱۹۵۴، یک میکروفن مخفی، که توسط اسرائیلیها، در دفتر سفیر آمریکا در تل آویو کار گذارده شده بود، کشف شد. در ۱۹۵۶ یک ضبط تلفنی که متصل به دو تلفن محل مسکونی هیئت نظامی بود، پیدا شد. در ۱۹۶۰، یک میکروفن، در پشت گچ دیوار، دفتری که اتاق افسران عملیاتی، کمیسیون مشترک آتش بس، اسرائیل و اردن بود، کشف شد.

رئیس شین بث اخیراً در شهادت در مقابل کمیته قضائی مجلس کنست، اظهار کرد که شین بث مکرراً دست به دخول غیرقانونی و ضبط تلفنی در اسرائیل زده است. برطبق گزارشات، آنچه مورد توجه اعضاء کمیته بوده است، مسئله تهیه اطلاعاتی است که مرتبط به "امنیت ملی" نمی باشند. این گونه تذکر داده شده است که این گونه فعالیتها، براساس هیچ قانونی نمی باشد و تنها با اجازه و اختیار رئیس شین بث بدان عمل شده است.

اسرائیلیها خود را در اجرای ماهرانه تأمین مراقبتهای مخفی و دخول سری، بسیار خوب نشان

داده اند. زنان و مردان اغلب با هم در تیمهای تأمین مراقبت و تعقیب مخفی، به منظور تخفیف شک و ظن قرار داده شده اند. اگر شخص مورد تعقیب، برای استفاده از تلفن، در کنار کیوسکی توقف کند، بلافاصله تیم تأمین مراقبت شرایط را به مرکز کنترل اطلاع داده که آنها تیم "ضبط تلفنی" را باخبر کرده و تلاش به ضبط آن نمایند. گفتار و یا اطلاعات مربوطه، بلافاصله به تیم تأمین مراقبت، در خیابان منتقل می شود. پرسنل شین بث در دخول به منازل خصوصی مهارت داشته و در آنجا با مهارت به بازرسی اسباب و نامه های افراد

می پردازند. تجهیزات عکسبرداری قابل حمل مخصوصی برای این گونه مقاصد به کار رفته و ظهور آن در لابراتوار شین بث به دست می آید.

تکنیسنهای شین بث، فرستنده های رادیویی را در کیفهای فونوگراف (دستگاه ضبط صدا)، در کفه قلابی زیرین قوطی های قهوه کار می گذراند. همچنین در انتهای اجاقهای خوراک پزی دستی که می توان بدون درآوردن وسایل ارتباطاتی (گیرنده فرستنده) از آن به عنوان اجاق استفاده نمود، نصب می کنند.

صورت مذاکرات

ص: ۶۲۹

سند شماره (۲)

صورت مذاکرات

طبقه بندی : محرمانه

شرکت کنندگان : آقای دیوید تورگمن دبیر دوم هیئت نمایندگی اسرائیل، توماس گرین کارمند سیاسی

مکان : باغ رستوران هتل پالاس تهران زمان: جمعه ۲ آوریل ۱۹۶۵ ساعت ۳۰/۱۱ پیش از ظهر

آقای تورگمن اظهار کرد که عملیات اسرائیل در ایران بیشتر نهانی است. او گفت در حالی که دولت وی مایل است روابطش را با ایران گسترش دهد، موقعیت حساس ایران را در شناسایی اسرائیل و نیز بسیاری از دولتهای عرب، درنظر می گیرد و بنابراین زیاد بر روی تماسها و روابط پافشاری نمی کند.

او گفت که با توجه به موقعیت یهودیان ایرانی که به اسرائیل مهاجرت کرده اند، ایرانیها که در آنجا تحصیل می کنند می توانند توسط ایرانیهای سابق به فارسی تعلیم داده شوند.

این به اسرائیل یک موقعیت حساس و نادر می دهد تا به تکنیسنهای کشاورزی، تعلیماتی برای برنامه های کوچک و طرحهای صنعتی کوچک، بدهد. تورگمن می گوید دولت وی سعی خواهد کرد که محتاطانه کمکهای اسرائیل را به ایران در سال آینده توسعه دهد.

نظریه: تورگمن خیلی صمیمی بود و به نظر می رسید که مایل است روابطش را با سفارت آمریکا بیشتر کند.

مکالمه ما بیش از یک ساعت طول کشید.

آقای سفیر عزیز

سند شماره (۳)

سری

وزارت امور خارجه تاریخ: ۱۳ فوریه ۱۹۶۹ ۲۴ بهمن ۱۳۴۷

اداری غیررسمی اجناب مستطاب سفیر آمریکا در تهران ایران: آرمین اچ. مایر

آقای سفیر عزیز :

در جلساتمان با شرکتهای نفتی و انگلیسیها، به هنگام مقایسه یادداشتهای مربوط به ملاقات شاه با نمایندگان کنسرسیوم در تاریخ ۳۱ ژانویه، از گفته قطعی شاه در مورد خط لوله اسرائیل اطلاع یافتیم. او گفته است این خط برای ایران سود مالی دارد و ایران درنظر دارد بدون توجه به شکایات اعراب، استفاده از آن را ادامه دهد.

او اضافه کرده است که مطمئن است اعراب قادر به شکست دادن اسرائیل نیستند و اسرائیل برای ایران منزلت یک دوست را دارد. با بهترین سلامها

ارادتمند

تئودور ل. الیوت، جونیور

ملاقات با بن یوحنان از هیئت نمایندگی اسرائیل

ص: ۶۳۰

سند شماره (۴)

به : کاردار محرمانه

از : دوناد آر. توسانیت یادداشت تاریخ : ۱۰ نوامبر ۱۹۷۰ برابر با ۱۹ آبان ۱۳۴۹

موضوع : ملاقات شما با آقای بن یوحنان از هیئت نمایندگی اسرائیل در ۱۲ نوامبر ساعت ۱۱ صبح

آقای بن یوحنان کنسول هیئت نمایندگی اسرائیل در تهران شما را بنا به تقاضای خودش در ۱۲ نوامبر ساعت ۱۱ صبح، ملاقات می کند. آقای بن یوحنان فقط در حدود ۳ ماه در تهران بوده است و پرونده های بیوگرافی ما در مورد او حاوی هیچ اطلاعاتی نیست. با توجه به حمایت ایران از رأی اصلی آفریقا آسیایی مذاکرات مجمع عمومی سازمان ملل متحد، به عنوان یک نقطه شروع، شما ممکن است آن را برای دریافت نظرات یوحنان به طور غیرمستقیم در مورد موقعیت جاری روابط ایران اسرائیل و به منظور دریافتن اینکه آیا اسرائیلیها یک تغییر جزئی در گرایش ایران نسبت به اسرائیل را کشف کرده اند (همان طور که ما کرده ایم) مفید بیابید. ما برای اطلاع شما یک نسخه از A ۱۴۸ -مورخ ۱۲ می ۱۹۷۰ خودمان را ضمیمه می کنیم.

جالب خواهد بود که ارزیابی او را در مورد دلایل و مقاصد در پشت تجدید روابط ایران جمهوری متحده عربی را به دست آورید و نظر او را به طور غیر مستقیم در مورد عراق جویا شوید. ما از طریق مطبوعات مطلع شده ایم که چندین افسر بلندپایه ارتش عراق (احتمالاً طرفداران ژنرال هردان تکریتی که تبعید شد) اخیراً اعدام شده اند. تا آنجا که ما می دانیم رادیو بغداد به این موضوع هنوز اشاره ننموده است. تمام نشانه ها اشاره بر این دارد که یک کشمکش بر سر قدرت برای مدتها در عراق ادامه داشته است. آیا اسرائیلیها هیچ اطلاعاتی در این مورد که در آنجا چه می گذرد، دارند؟

ما شنیده ایم که آمار مناطق کردنشین به تعویق افتاده است و دیگر اینکه اختلافات فیمابین بارزانی و

دولت در بغداد بالا گرفته است. آیا اسرائیلیها هیچ اطلاعی در مورد تحولات در کردستان عراق دارند؟

سرانجام، آیا اسرائیلها اطلاعاتی در مورد نیروهای عراقی در اردن دارند.

ملاقات آقای بن یوحنان از هیئت نمایندگی اسرائیل

ص: ۶۳۱

سند شماره (۵)

یادداشتمحرمانه

به : آقای توسانیت تاریخ: ۱۲ نوامبر ۱۹۷۰ برابر با ۲۱ آبان ۱۳۴۹

از : داگلاس هک

موضوع : ملاقات آقای بن یوحنان از هیئت نمایندگی اسرائیل

آقای بن یوحنان می گوید که او در حدود ۲ سال و نیم در تهران بوده است. او پس از ۸ سال از اسرائیل به اینجا آمد و گفت خیلی راضی است که تغییری در مأموریت وی از داخل اسرائیل حاصل می گردد. او ۵ سال در اسرائیل در جوار دفتر نخست وزیر به عنوان مشاور سیاسی و ۲ سال گذشته را با همان مقام با وزیر خارجه ابان گذراند. او گفت شغل دوم او را در مأموریتهای مختلف مشغول نمود و وقت کمی برای خودش (در خانه) داشت. قبل از این مأموریت او در هیئت نمایندگی اسرائیل در هلسینکی خدمت نمود. او خود را یک مأمور حرفه ای سرویس خارجی می بیند.

بن یوحنان آینده زیادی را برای موقعیت روابط ایران جمهوری متحده عربی نمی دید. او گفت که روابط اقتصادی با اسرائیل در حال بهبود یافتن است که به یک تعداد فزاینده قرارداد برای ساختمان و غیره در ایران رسیده است. از نظر سیاسی او گفت که روابط در طول ۵ تا شش سال گذشته تغییری نکرده است.

در مورد سؤال نیروهای عراقی در اردن، او اطلاعاتی که اشاره به موفقیت شاه حسین در بیرون کردن آنها داشته باشد، نداشت. در حقیقت شکست نیروهای عراقی در شرکت در کشمکش اخیر بین اردن و فلسطینیها ممکن است، ترتیب خارج کردن آنها را از اردن را برای شاه حسین مشکلتر کند.

بن یوحنان گفت حدوداً ۳۰۰۰ یهودی در عراق باقی مانده اند. او در این مورد که امید زیادی به خروج نزدیک آنها از عراق وجود دارد مشکوک بود. مسایل در عراق به شدت بی ثبات هستند و شایعاتی در

مورد اعدامهای جدید وجود دارد، ولی او اطلاعات قطعی نداشت.

وضعیت غیرعادی هیئت نمایندگی اسرائیل در تهران

سند شماره (۶)

صورت مذاکراتمحرمانه

شرکت کنندگان : آقای آمون بن یوحنان وزیر اسرائیل در تهران، آندرو آی، کیلگور کنسول سیاسی

مکان : هیئت نمایندگی اسرائیل تهران

موضوع : وضعیت غیرعادی هیئت نمایندگی اسرائیل در تهران

آقای بن یوحنان اظهار داشت که هیئت نمایندگی اسرائیل در تهران در هر رابطه حقیقی (واقعی) از طرف دولت ایران مثل هر سفارتخانه دیگری با آن محترمانه رفتار می شود. سفیر کبیر مئیر عزری (ازری) به سهولت به شاه و دیگر مقامات بالای ایران دسترسی دارد. وقتی سفیر کبیر در مسافرت است آقای بن یوحنان نیز قادر است که مقامات بالای ایرانی منجمله شاه را که او برای انجام امور بین ایران و اسرائیل احتیاج دارد ببیند، ملاقات نماید. فقط در جنبه های تشریفاتی است که با هیئت نمایندگی اسرائیل به صورت متفاوت از دیگر سفارتخانه های معمولی در تهران رفتار می شود. پرچمی از اسرائیل در هیئت نمایندگی افراشته نیست و هیچ علامتی در جلوی ساختمان آن را به عنوان هیئت نمایندگی اسرائیل مشخص نمی کند. سفیر کبیر عزری در تشریفاتی که آداب و رسوم دیگر سفرا را ملزم به شرکت می کند، حضور پیدا نمی کند. به هر صورت بن یوحنان ارجحیتی در عدم اجبار به بازی کردن نقش تشریفاتی که اغلب وقت زیادی از دیگر سفرا می گیرد، می بیند.

بن یوحنان گفت که سفارتخانه های کشورهای عرب در تهران کاملاً آگاهند که هیئت نمایندگی اسرائیل در اینجا بجز برای موارد تشریفاتی در حقیقت مثل تمام سفارتخانه های دیگر می باشد. آنها کاملاً این وضعیت غیرعادی امور را قبول داشته اند و هیچ نکوهشی در مورد آن به دولت ایران نکرده اند. وزیر اسرائیلی ادامه داد که بنابراین موقعیت آنچنان است که تا زمانی که استحکام واقعی مهیا باشد و مادامی که

اعراب بتوانند استحکام روابط نزدیک ایران و اسرائیل را تحمل کنند و تا جایی که این جریان از نشانه های سطحی، آشکار نباشد، اسرائیلیها متمایل به پیش رفتن با حقه های دیپلماسی تشریفاتی هستند. بن یوحنان تشخیص می دهد که جهت اسلامی قوی خیلی از ایرانیان آنها را متمایل می کند که با همکیشان مسلمانشان در مشاجرات اسرائیل اعراب همدردی کنند و آن را برای ایران سودمند می سازد، که سیاستهای حقیقی خود را به وسیله وانمود کردن اینکه اسرائیل را به رسمیت نمی شناسد، بپوشاند.

شاه یک رهبر بااستعداد است

در زمینه ظهور سریع ایران به عنوان یک کشور جلودار در این قسمت از دنیا، وزیر اسرائیل به سفر جاری شاه به اتحاد شوروی اشاره کرد. با نگرشی به حرکتهای داخلی و بین المللی شاه در ۱۰ سال گذشته، بن یوحنان پادشاه ایران را یک مرد فوق العاده زیرک برای رهبری یافته بود. وقتی من از وزیر سؤال نمودم که آیا او فکر نمی کند که جاه طلبیهای شاه برای ایران از احتمالات واقع بینانه کشور فراتر رفته است، او پاسخ داد این طور فکر نمی کند. وقتی شاه گفت که ایران خودش را در طول یک یا دو دهه در هر جنبه ای به حد بریتانیای کبیر بالا خواهد برد چه کسی می توانست بگوید که او اشتباه می کند. البته شاه مجبور است که سرمایه سنگینی در زمینه آموزش و پرورش به منظور داشتن مردمی با سطح علمی و تکنیکی لازم برای اداره جامعه ایکه او در نظر دارد، مصرف نماید. به هر حال از نظر افزایش سریع درآمد از نفت و دیگر منابع هیچ دلیل قابل مشاهده ای برای اینکه چرا این کار نمی تواند انجام پذیرد، وجود ندارد.

یادداشت بیوگرافیکی

بن یوحنان احتمالاً نزدیک به ۵۰ سال دارد. او انگلیسی را خیلی خوب صحبت می کند و می گوید که یک دیپلمات اسرائیلی حرفه ای است. وی چندین سال در دفتر نخست وزیر مرحوم اسرائیل لوی اشکول کار کرد. پس از آن بیش از ۲ سال برای آباابان نخست وزیر که نسبت به او خیلی علاقه مند است کار کرد. او گمان می برد چنانچه ژنرال موشه دایان و پنیاس سفیر وزیر مالیه برای نخست وزیر شدن به

بن بست رسید آبان وزیر خارجه شانس نخست وزیری اسرائیل شدن را دارا می باشد. آشکار بود که او امیدوار بود که وقایع به این طریق صورت پذیرد. بن یوحنان برای ۲ سال در تهران بوده است و انتظار دارد که حداقل یک سال بیشتر نیز اقامت داشته باشد و شاید هم ۲ سال. او فوق العاده باهوش و در مورد امور ایران با اطلاع به نظر رسید.

سند شماره (۷)

سفارت آمریکا تل آویو تاریخ : ۳۰ آوریل ۱۹۷۶ ۱۰/۲/۱۳۵۵

محرمانه آقای هاوتورن میلز کنسول امور سیاسی سفارت آمریکا تهران

هاوک عزیز :

من درباره یک اسرائیلی که به مدت نامعلومی برای اقامت به تهران می آید و در اینجا در سفارت نسبت به ما دوستانه و سودمند بوده است، مطلب می نویسم.

او ادیا دانون دستیار مخصوص کمیسیونر ملی پلیس برای امور مناطق اشغالی از سال ۱۹۶۸ به اینطرف بوده است. در آن مقام، او یک رابط عادی قسمت سیاسی بوده است و در تهیه اطلاعات در رابطه با سیاستها و فعالیتهای اسرائیل در ساحل غربی خیلی مورد استفاده بوده است. او یک یهودی زاده مصری است.

او در آینده نزدیک برای یک مأموریت در رابطه با سازمان یهودیان به تهران می آید. او به ما گفته است که رهبران اسرائیلی کمی راجع به جامعه یهودیان در ایران نگرانند، وی آن جامعه را برای ما ثروتمند، ولی تا درجه زیادی در حال ایرانی شدن، توصیف کرد. جامعه به طور کلی حامی اسرائیل بوده است ولی نه به حدی سودمند که مطلوب باشد. شغل دانون آنطوری که خود او آن را برای ما توصیف نمود با امور فرهنگی و سنن یهودیان مرتبط است، ولی ما معتقدیم که قصد اولیه وی انجام هرآنچه که می تواند، برای مستحکم کردن روابط بین جامعه یهودیان و اسرائیل، می باشد. برای اطلاع شما ما همچنین معتقدیم که وی ممکن است قدری در فعالیتهای جاسوسی اسرائیل شرکت داشته باشد.

شماره این هفته مجله نیوزویک دارای یک مقاله راجع به راهپیمایی عید پسه در مناطق اشغالی ساحل غربی به وسیله متعصبین گروه گوش امونیم می باشد؛ شما در آن یک نقل قول جالب از دانون پیدا خواهید

کرد.

با بهترین آرزوها، دوستدار شما

جان ای. کرومپ کنسول سیاسی

موضوعات سیاسی ایران

سند شماره (۸)

صورت مذاکرات محرمانه

تاریخ سند : ۶ مارس ۱۹۷۷ ۱۵ اسفند ۵۵

شرکت کنندگان : یورام شانی، دبیر اول هیئت نمایندگی اسرائیل ایران، جان دی استمپل، سفارت آمریکا، تهران زمان و مکان : محل اقامت شانی، ۶ مارس ۱۹۷۷

موضوع : موضوعات سیاسی ایران

شانی من و همسرم را برای گفتگو درباره سفر آینده مان به اسرائیل برای شام دعوت کرده بود. در خلال میهمانی موضوعات قابل توجه زیر مطرح شد.

۱ طبق گفته منابع شانی، در حدود سه یا چهار ماه قبل ساواک در یک یورش به تروریستها خانه ای را اشتباهی محاصره نمود. او نمی توانست دقیقاً زمان آن را مشخص کند. ولی ظاهراً قبل یا در طول دستگیریهای نوامبر دسامبر ۱۹۷۶ بود. ساواک به طور نسبتاً بد و وحشیانه ای به طرف خانه آتش گشود و همه ساکنان را کشت که از پس آن تروریستها از یک ساختمان در نزدیکی (احتمالاً خانه بغلی) ظاهر شدند و در یک تیراندازی تمام عیار با نیروهای امنیتی که منجر به مرگ تمام تروریستها و دو یا سه مأمور امنیتی شد، درگیر شدند. شانی گفت این واقعه تنها اشتباه بزرگ در شناسایی است که او از آن با اطلاع می باشند و منجر به مرگ غیر ضروری "چندین" غیر نظامی شد.

۲ فریبرز عطاپور، یک روزنامه نگار برجسته ایرانی، مرد بدذات مورد توجه هیئت نمایندگی اسرائیل است. در حدود ۱۸ ماه قبل شانی یکسری از نوشته های ضد اسرائیلی عطاپور را جمع آوری کرد و به وزارت خارجه شکایت نمود. آنها قول دادند که جلوی عطاپور را بگیرند، و تا زمانی که شانی برای سه ماهه گذشته تقاضایش را هر دو هفته یک بار تکرار نکرده بود این کار را انجام ندادند. در طی عمل شانی

فهمید که عطاپور مبلغ قابل ملاحظه ای پول از دولت سوریه دریافت کرده و در حقیقت به وسیله دوستانش به عنوان یک مرد خیلی فرصت طلب نگریسته می شد. شانی گفت از میان تمام روزنامه نگارانی که او ملاقات کرده است، فقط عطاپور به طور غیر معمولی خشن و گستاخ بوده است.

۳ شانی گفت که او در طول دو سال و اندی که در ایران بوده است به مقدار زیادی مسافرت کرده ولی همیشه در هتلها خود را به عنوان یک استرالیایی معرفی نموده که از آبروریزی برای دولت ایران اجتناب ورزیده باشند. این به بحث روی روابط اساسی ایران و اسرائیل منجر شد. شانی گفت این روابط در بیشتر سطوح خیلی آزاد و آشکار بوده است. در جواب به سئوال بدون مقدمه درباره روابطش با جامعه محلی یهودیان، او گفت تلاشهای به خصوص انجام نپذیرفته. به هر حال، در بحثها درباره ایران آشکار بود که تماسهایش در جامعه یهودی ایرانی عالی هستند. خود شانی ۳۸ سال دارد و در حدود ۱۲ تا ۱۴ سال در وزارت خارجه بوده است. او در اورشلیم خدمت کرده است و یک تور ۴ ساله را در سیدنی گذرانده است. فارسی او متوسط رو به خوب است و خودش را به عنوان مأمور سیاسی هیئت نمایندگی (اسرائیل) معرفی می کند. او می گوید که اغلب تماسها با بخش هشتم سیاسی وزارت خارجه را او انجام می دهد.

رایا، زن او، یک مورخ هنری جذاب ۳۰ ساله می باشد که برای گرفتن یک PHD در هنرهای اسلامی در دانشگاه هیبرو کار می کند. آنها یکدیگر را در اورشلیم حدود ۴ سال پیش کمی قبل از آمدن به ایران ملاقات کردند. هردو آنها انگلیسی را عالی ولی با لهجه صحبت می کنند. آنها هیچ فرزندی ندارند.

تروریستها در ایران و (مطالب) متفرقه

سند شماره (۹)

سری غیرقابل رؤیت برای بیگانگان صورت مذاکرات

شرکت کنندگان : جان دی. استمپل، مأمور سیاسی، سفارت آمریکا، یوارم شانی، دبیر اول اسرائیل (سفارت)

موضوع : تروریستها در ایران و (مطالب) متفرقه

زمان و مکان : ۸ می ۱۹۷۷ ۲۸/۲/۵۶، رستوران گرانادا تهران

من شانی را در مورد سفر ونس، وزیر خارجه، توجه نمودم و اشاره کردم که سفر خیلی خوب انجام شده. شانی گفت که او شنیده است که نگرانیهایی در مورد اظهارنظر ونس، که به این اشاره می کند که ایران و ایالات متحده در مورد همه چیز موافقت نداشته اند، وجود داشته است. من پیشنهاد کردم که نسخه ای از مصاحبه مطبوعاتی، برای نشان دادن اینکه این نگرانی لزومی ندارد، برای او فراهم نمایم.

فعالیت منتسب تروریستی در سازمان مهاجرت یهودیان

شانی گفت گزارشات روزنامه در مورد تلاش دو تروریست برای وارد شدن به سازمان یهودیان به وسیله تیراندازی فقط نیمی از حقیقت بوده اند. دونفر در این کار شرکت داشته اند و هر دو کشته شدند. اگرچه یکی از آنها یک دوره محکومیت به زندان را، به خاطر جرائم منتسب بر علیه کشور، طی نموده، و لیکن آنها هیچ ارتباطی با جنبشهای شناخته شده تروریستی نداشته اند. شانی گفت حتی روشن نبود که این زوج قصد حمله به سازمان یهودیان را داشتند. پلیس آنها را در خیابان متوقف نمود، آنها به طرف پلیس آتش گشودند و در تیراندازی که به دنبال آن صورت گرفت یک تروریست به داخل سازمان یهودیان پناهنده شد، که در آنجا کشته شد. ایرانیها معتقدند که آن دو نفر مسلمانهای متعصب دست راستی بوده اند که ممکن است سازمان یهودیان را برای عملیات آینده درنظر داشته اند.

یک نبرد تروریستی دوم؟

شانی گفت که دوستان او گزارش کرده اند که یک درگیری مسلحانه در ۱۶ می در جایی در تهران وقتی که پلیس گروهی را در دو خانه تیمی محاصره کرده بود، صورت گرفت. نبرد دو ساعت به طول انجامید به طوری که گزارش شده نیروهای امنیتی ۷ نفر را از دست دادند و چندین نفر از تروریستها کشته شدند، اما اشاره کرد که دوست او گفت که تمام کسانی که در تیراندازی درگیر بودند، سرانجام مورد اصابت تیر قرار گرفتند.

تعبیر محلی جدید از قتل (کارکنان) راک ول

شانی گفت که یک دوست نزدیک او، که گفته است که با یک عضو ثانوی گروه تروریستی که سه کارمند راک ول را در اوت ۱۹۷۶، مضروب ساخت، صحبت کرد. داستان زیر را که به وسیله گروه تروریستی شایع گردیده برای او نقل نمود: گروه تروریستی حقیقتاً به دنبال فقط یک نفر از افراد بوده است یک سرگرد CIAکه حدود ۱۴ ساعت قبل از قتل، ظاهراً با یک طرح کامل برای کنترل سری خطوط تلفنی تهران به ایران وارد شده بود، دو نفر دیگری که کشته شدند به خاطر این بوده که هفت تیر کشیده اند، ولی هدف اصلی

عملیات سرگرد CIA بود. (نظریه: تمام کارمندانی که کشته شدند برای مدتی در ایران زندگی می کردند، اگرچه یکی از آنها شب قبل تازه از مرخصی بازگشته بود، هیچ کدام اسلحه حمل نمی کردند. عیوب این داستان اشاره بر یک تلاش تبلیغاتی آشکار دارد.)

انتخابات اسرائیل

در جواب پرسش من، شانی گفت وضعیت در اسرائیل کاملاً درهم ریخته است. پیروزی بگین همه را در هیئت نمایندگی اسرائیل حیرت زده کرد و مردم تازه شروع به دسته بندی کردن مفاهیم اولین تغییر، در دولت از زمان استقلال نموده اند.

ناصر عصار

شانی گفت: یک نفر نزدیک به عصار گفت که عصار از مرخص شدنش پس از مصاحبه مطبوعاتی اخیرش، که به طوری که گزارش شده شاه را آزرده خاطر گردانید، خیلی خشمگین بود. طبق گفته دوست وی، عصار، خلعتبری وزیر خارجه، و شاه مصاحبه مطبوعاتی را قبلاً مورد بحث قرار دادند و عصار موافقت شاه را برای مطرح کردن تمام موضوعاتی که او بدانها اشاره کرد دریافت کرده بود. ظاهراً، عصار برای تسکین آزردگیش به سمت سفیر ایران در پاریس منصوب خواهد شد.

سابقه اطلاعاتی در مورد هیئت بازرگانی اسرائیل تهران

سند شماره (۱۰)

یادداشت شماره ۱۱۷ (سیا) SRF سری

۲۱ جون ۱۹۷۷ مصادف با ۳۰/۴/۵۶

موضوع : سابقه اطلاعاتی در مورد هیئت بازرگانی اسرائیل تهران

مطالب زیرین پیگیری های ستاد SRF (سیا) در مورد اعضای هیئت بازرگانی اسرائیل می باشد:

۱ اوریل لوبرانی، در ۱۷اکتبر ۱۹۲۶، متولد شد و از ژوئن ۱۹۷۳ تاکنون سفیر غیر رسمی در ایران بوده است. درجه لیسانس علوم انسانی (افتخاری) از دانشگاه لندن دریافت کرده است. در نیروهای دفاعی اسرائیل و هاگانا (مقاومت) از ۱۹۴۴ تا ۱۹۴۸ خدمت کرده است. در ۱۹۵۰ به وزارت خارجه وارد شد و اول بار در قسمت خاورمیانه، و سپس به عنوان دبیر خصوصی شارت، وزیر امورخارجه، از ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۳ خدمت نمود. از ۱۹۵۲ تا ۵۶ به مأموریت در لندن گمارده شد. از ۱۹۵۷ تا ۶۱ دستیار مشاور، و سپس مشاور بن گورین (نخست وزیر) در امور اعراب بود. (در طول این دوره، گرایش غیر دوستانه اش (ناموافقش در جهت اعراب حداقل دوبار انتقاد مطبوعات اسرائیل را درپی داشت.) وقتی که بن گورین در ۱۹۶۳ استعفا نمود، به عنوان سفیر در برمه منصوب شد، ولی هرگز پستش را در دست نگرفت. به عنوان دبیر سیا و رئیس دفتر خصوصی اشکول، نخست وزیر، باقی ماند. از ۱۹۶۵ تا ۶۸ سفیر اسرائیل در اوگاندا، رواندا، و بروندی بود که در طول آن زمان برنامه کمک اسرائیل را، که مشاورانی در ارتش نیروی هوایی و پلیس اوگاندا قرار داد، اجرا نمود؛ این روابط او را به یکی از مطلع ترین اشخاص در اوگاندا تبدیل نمود و سفارت ایالات متحده او را دوستی با ارزش و همیاری کننده یافت. از ۱۹۶۸ تا ۷۱ سفیر اسرائیل در اتیوپی بود. از ۱۹۷۱ تا ۷۳ در هیئت مدیریت صنایع کور (KOOR) به عنوان رئیس پروژه ها و تشکیلات اقتصادی مشترک در خارج بود، این هیئت سیاست اساسی صنایع کور، بزرگترین شرکت صنعتی اسرائیل

را تعیین می کند. با سارا نی لوی ازدواج کرد و دارای ۴ فرزند است. گفته می شود که یک کارمند لایق دولت، ولی یک شخص نسبتاً بی مزه (کودن و بی محتوا) می باشد.

۲ آریه لوین، که قبلاً لوا لوین نامیده می شد، در حدود سال ۱۹۲۷ در ایران متولد شد، و گمان می رود که مأمور اطلاعاتی باشد. ظاهراً افسر سابق نیروهای دفاعی اسرائیل (سرهنگ دوم) که به وزارت خارجه عاریه داده شده است. از ۱۹۶۳ تا ۶۵ دبیر اول در آدیس آبابا بود. از ۱۹۶۶ تا تاریخی نامشخص کاردار در کیگالی و رواندا بود. از ۱۹۶۵ تاکنون افسر رابط ارشد خارجی بوده است (یک آریه لوین، احتمالاً مشابه،

از ۱۹۶۸ تا ۱۹۶۹ رئیس سانسور ارتش، و رئیس اطلاعات نیروهای دفاعی اسرائیل بود.) از سال ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۰ کنسول، در پاریس بود. به عنوان متخصص در مورد ایران، جایی که بزرگ شده است توصیف شده. در مدارس میسیون پروتستان ایالات متحده تحصیل کرده است. به روسی (زمینه یهودی روسی دارد)، فرانسه، انگلیسی، عبری، و عربی سلیس صحبت می کند. به طوری که گزارش شده در ایالات متحده مسافرت و زندگی کرده است. (تاریخی در دست نیست). خیلی آشکار طرفدار ایالات متحده است. زمانی که در رواندا بود، موضوع مورد علاقه روسها بود.

۳ یورام شانی، در حدود سال ۱۹۳۹ متولد شده است، از ۱۹۷۳ دبیر اول (اسرائیل) در تهران بوده است. از حدود ۱۹۶۵ در وزارت خارجه بوده است. در اورشلیم (که تاریخ آن نامعلوم است) و به عنوان

معاون کنسول در سیدنی، و استرالیا برای چهار سال خدمت کرده است (در حدود سال ۱۹۶۹).

۴ الیزر یوتوات (یا یوتواث) در کنسولگری اسرائیل در نیویورک به عنوان مسئول آرشیو و پیکهای دیپلماتیک از ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۱ خدمت نمود. بین ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۲ دبیر دوم (سفارت اسرائیل) در رم بود. در ۱۹۷۰ یک کلنل یوتوات (Milatt) وابسته نظامی در توکیو، به طوری که گزارش شده به تایوان سفر نمود تا خریدهای جنگ افزار اسرائیل را مورد گفتگو قرار دهد.

۵ آبراهام لونز، اکارمی لونز (یا لونتز) در فوریه ۱۹۳۱ در تبریاس، اسرائیل، متولد شد و از ۱۹۷۵ تاکنون در تهران Milat (وابسته نظامی) بوده است. قبل از این مأموریت، رئیس اطلاعات نیروی دریایی، نیروهای دفاع اسرائیل (از ۱۹۷۱ به بعد) بوده است. به عنوان یک افسر خیلی لایق و باهوش توصیف شده است و ظاهراً هیچ آموزش اطلاعاتی رسمی نداشته است. در الکترونیک و فرماندهی دریایی با تجربه است. به عنوان فرمانده قایق مأمور تعقیب زیردریایی (در ۱۹۶۴) و به عنوان قائم مقام فرمانده پایگاه دریایی حیفا (در ۱۹۷۱) خدمت کرده است. آموزش افسری را در مدرسه نیروهای دریایی فرانسه، در برست فرانسه، از ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۳ دیده است و مدرسه هدایت و دریانوردی نیروی دریایی سلطنتی را ساوث ویک، انگلیس، را در ۱۹۶۲ دیده است. به انگلیسی و فرانسه خوب، و احتمالاً کمی عربی، صحبت می کند. همسرش آدا، در سال ۱۹۳۲ در حیفا متولد شد، و قبلاً (قبل از ۱۹۶۳) در نیروی دفاعی اسرائیل نرس بوده است. برادر زنش (شوهر خواهرش) سروان امانوئل کلمپرر، قائم مقام کمیسیونر کشتیرانی در سال ۱۹۶۹ بود. لونز و قائم مقامش، موشه موسی لوی، هردو شخصاً و به طور حرفه ای از نظر دفتر وابسته دفاعی در تل آویو در سال ۱۹۷۵ به عنوان افسران اطلاعاتی برجسته شناخته شده بودند.

۶ (سرهنگ دوم) موشه موسی لوی قبل از مأموریتش در تهران ۱۹۷۴ افسر رابط خارجی در ستاد نیروهای دفاعی اسرائیل بود. در اوت ۱۹۶۶ یک سرگرد لوی (احتمالاً قابل تشخیص) به طوری که

گزارش شده، با استاد ایرانی در مدرسه اطلاعاتی تازه تأسیس همکاری می کرد؛ ظاهراً کمک نمود که برنامه های آموزشی را مرتب کنند و مواد درسی را سازماندهی نمایند. این شخص، که در ایران به عنوان کمکی کار می کرد، بعداً فرمانده "سازمان جمع آوری (اطلاعات) سری مستقیم" در مرز اسرائیل اردن بود.

سرهنگ دوم لوی، یک کارشناس چند زبانه (به عربی، فرانسه، انگلیسی، عبری صحبت می کند و فارسی را دارد یاد می گیرد) به طوری که گزارش شده در ابتدا وقتی که مقام جاریش را به دست گرفت، به خاطر کمبود کار ناراضی بود. به هر حال، او خیلی زود برای خودش وظایفی به وجود آورد. منجمله اطلاعاتی در مورد آرایش جنگی ایران و بهتر کردن افسران ایرانی، همسرش سکرتر سفیر و همچنین چند زبانه است. هر دو به عنوان اشخاص با شخصیت (جذاب) و ماهر در به وجود آوردن ارتباط میان محفلهای نظامی خارجی، منجمله پرسنل نظامی ایالات متحده توصیف شده اند.

سند شماره (۱۱)

سری تهران ۱۹ فوریه ۱۹۷۸ ۲۰ بهمن ۱۳۵۷

آقای وزیر عزیز:

پیوست گزارش خلاصه ای از نتایج سفر اخیر وزیر خارجه دایان به واشنگتن است، که من از رسانیدن آن به نظر شاهنشاه به توسط شما و در اولین فرصت قدردانی می کنم. من تهران را به قصد واشنگتن در صبح روز ۲۰ فوریه برای شرکت در جلسه کمیسیون مشترک ایران و ایالات متحده ترک خواهم نمود. اگر شما یا اعلیحضرت سؤالی درباره پیوست داشته باشید، و یا هر نظریه ای که می خواهید به واشنگتن رسانیده شود، معاون من، جک میکلوس، که در غیاب من متصدی خواهد بود، در جریان می باشد و البته در اختیار شما خواهد بود. ما از اعلیحضرت برای ادامه تبادل نظر راجع به این موضوع قدردانی می کنیم و منتظر شنیدن نتایج ملاقات اعلیحضرت با میهمان مهم این هفته می باشیم.

با احترامات فائقه و درودهای گرم شخصی

ارادتمند، ویلیام اچ. سولیوان سفیر کبیر

جناب امیر عباس هویدا وزیر دربار تهران

سرّی

سفر کوتاه دایان به واشنگتن هیچ تحولی مهمی را در پی نداشت، او معتقد است که به تلاشها برای موافقت بر یک بیانیه اصول مشترک با سادات باید ادامه داد، ولی به بحث راجع به محتوای اعلامیه در زمانی که در اینجا بود علاقه مند نبود. او از ما برای از سرگیری جلسات کمیته سیاسی، بر این اساس که عدم تقارنهای نامطلوبی در جلسات مستمر کمیته امنیتی در قاهره هنگامی که کمیته سیاسی به حالت تعلیق درآمده بود، وجود داشت؛ تقاضای کمک نمود. ما تقبل کردیم که این را با مصریها مطرح کنیم ولی

اشاره کردیم که فکر نمی کنیم او تا بیانیه اصول مشترک مورد موافقت قرار نگرفته، جوابگو باشد. دایان همچنین، نگرانی اسرائیل را از فروش هواپیما به عربستان سعودی ابزار نمود (مقدار خیلی کمی راجع به فروش پیشنهادی به مصر گفته شد).

اسرائیلیها نسبت به اشاره ما به تخلیه تمام جبهه ها تحت قطعنامه ۲۴۲ سازمان ملل اظهار ناخشنودی کردند. وزیر (خارجه آمریکا) به دایان برای قبول اسرائیلیها در این باب فشار آورد که قطعنامه ۲۴۲ مستلزم تخلیه از تمام جبهه ها می باشد، و تصور می شود که موافقتهایی در مورد تعدیلات مرزی، ترتیبات امنیتی و رابطه سیاسی در ساحل غربی با اردن می تواند بدست آید. دایان از پاسخ مستقیم اجتناب ورزید و فقط این را گفت که اسرائیلیها برنامه خودشان «برنامه بگین» را برای ساحل غربی دارند. از تبادل نظرهای اخیر ما با اسرائیلیها، آشکار است که بگین هنوز آماده قبول اصول تخلیه از ساحل غربی نیست، که از نظر تعهدات ایدئولوژیکی که به مدت طولانی به آنها معتقد بوده قابل فهم است؛ ولی اگر قرار است که راه حل موفقیت آمیز برای مشکل و جنبه های آتی استقرار صلح باشد، از اهمیت قاطعی برخوردار است.

ما معتقدیم که این مشکلترین تصمیم برای اسرائیلیها در هفته های آینده است. ما مطمئن هستیم که اعلیحضرت اهمیت این نکته به خصوص را تشخیص می دهند.

ص: ۶۴۱

سند شماره (۱۲)

از : وزارت خارجه واشنگتن، دی. سی. تاریخ : ۱۰ می ۱۹۷۹ ۲۰/۲/۱۳۵۸

طبقه بندی : سری

طرح خودمختاری که هفته پیش بگین به کمیته وزرا ارائه داد، ظاهراً بر اساس برنامه خود مختاری اصلی بگین در دسامبر ۱۹۷۷ می باشد. طرح جاری فرمول کمپ دیوید را به حساب می آورد. مفسر هاآرتز گفت که برنامه بگین دو اعلامیه یک جانبه را استنتاج می کند. اعلامیه اول اظهار می دارد که اسرائیل نه اجازه می دهد که یک کشور فلسطینی در مناطق جودا، ساماریا و غزه تشکیل شود و نه آن را تحمل خواهد کرد.

دومین اعلامیه اظهار می دارد که در پایان ۵ سال خودمختاری، اسرائیل متقاضی تشخیص حق حاکمیت غیر قابل شک خود بر مناطق یاد شده، خواهد بود.

گزارشات مطبوعات اشاره می کند که چندین ماده در برنامه بگین بحثی را در کمیته وزرا به وجود آورد. حریف، یک ناظر مطلع و مفسر معاریو گزارش می کند که در جلسه ۸ می کمیته وزرا از چندین وزیر انتظار می رفت که موضوع اینکه طرحها باید اظهار دارند که سرچشمه اختیار شورای اداری از اسرائیل ناشی می شود، را مورد بحث قرار می دهند.

اعلامیه های بگین مبنی بر اینکه اسرائیل هرگز یک کشور فلسطینی را قبول نخواهد کرد و روی حاکمیت اسرائیل بر جودا، ساماریا و غزه پس از ۵ سال خودمختاری تأکید می کند، آشکارا برای مطمئن ساختن موافقین جنگ در داخل هروت و حزب ملی مذهبی طرحریزی شده است.

منابع دولتی می گویند که پیشنهاد بگین برای مذاکره با لبنانیها، حداد را برای به مخاطره انداختن دهکده های جنوب لبنان به منظور آماده شدن برای یک حمله سراسری نظامی اسرائیل تشویق نمود.

مشکلات بگین همان طوری که به مذاکرات نزدیکتر می شود، هم سیاسی و هم روانی هستند. در مورد جبهه سیاسی او مجبور است که بین تقاضاهای سیاستهای داخلی و سیاستهای مربوط به مذاکرات قدم بردارد. از لحاظ روانی بگین باید خودش را متقاعد سازد که او به اصول خودش خیانت نمی کند.

در ۸ می آسوشیتدپرس گزارش کرد که کابینه اسرائیل به برقراری دو محل اسکان جدید در ساحل غربی رأی داد. یاوین معاون نخست وزیر و عده ای از وزرا با این حرکت مخالفت نمودند. رادیو اورشلیم گزارش کرد که گروه صف در کنیسه (پارلمان) به خاطر آزاد کردن چریکهای فلسطینی به ازای یک سرباز اسرائیلی در دو ماه قبل، رأی عدم اعتماد خواهد داد.

کمیته مقدماتی کنفرانس وزرای خارجه کشورهای اسلامی پیشنهاد می کند، که عضویت مصر از سازمان کنفرانس اسلامی به تعلیق درآید. خبرگزاری خاور میانه مصر، اظهار می دارد که این تصمیم به وسیله مانورهای مراکش برای ممانعت از حضور مصر در کنفرانس به عمل آمده است.

بنا به گزارش رویتر مراکش به طور رسمی به مصر اعلام نموده که به هواپیمایی که مقامات مصری را ح عمل می کند، اجازه فرود نخواهد داد.

سفارت آمریکا در صنعا گزارش می کند که یک تیم ۸۱ نفره تایوانی با ۶ هواپیما از ۱۶ هواپیمای ۵ F به یمن وارد شدند. این برنامه که با استفاده از هواپیماهای آمریکایی و خلبانان تایوانی که تماماً بوسیله سعودی ها پرداخت می شود، یک شروع خجالت آور است. میگهای روسی از زمان ورود هواپیمای ۵ F

پایتخت یمن روزانه پروازهایی بر فراز فرودگاه و محل پارکینگ هواپیماهای ۵ - Fنموده اند.

فرانسیس یونسه وزیر خارجه فرانسه در یک سخنرانی در مجلس ملی گفت که موضع دولت فرانسه نسبت به پیمان مصر و اسرائیل نه خصومت و نه مخالفت می باشد. در روابط بین اسرائیل و کشورهای عربی مشکل فلسطینیها وجود دارد که اکثریت آنها در تبعید هستند و آرزوی یک کشور از خودشان را دارند و بدون پیدا کردن یک راه حل درست برای این مشکل یک صلح بادوام وجود نخواهد داشت.

یک سرویس خبری غربی از مقامات فرانسوی نقل قول می کند که عراق به زودی یک قرار ۵/۱ میلیارد دلاری با فرانسه برای خرید ۱۰۰ هواپیمای ۱ - Fمیراژ و دیگر سلاحهای پیچیده امضاء خواهد نمود.

سند شماره (۱۳)

از : وزارت خارجه واشنگتن دی. سی.

طبقه بندی : محرمانهتاریخ : ۱۸ ژوئیه ۱۹۷۹ ۲۷/۴/۱۳۵۸

دو فدراسیون بزرگ مزارع اشتراکی اسرائیل که هر دو به فرقه هایی از حزب کارگر وابسته هستند، اعلام کرده اند که در آینده نزدیک در یکدیگر ادغام خواهند شد. یک تحلیل سیا بر این اشاره دارد که ادغام به جنبش کوچک مزارع اشتراکی اجازه مشارکت در تصمیم گیریهای حزب کارگر را می دهد. ایگال آلون وزیر اسبق خارجه ممکن است از اتحادیه مزارع اشتراکی به عنوان پایگاهی برای مقابله با رئیس حزب کارگر شیمون پرز استفاده کند. دو جنبش اشتراکی یعنی ایهود و موحد از سال ۱۹۵۱ به خاطر اختلافات ایدئولوژیکی در آن زمان از یکدیگر جدا بوده اند. ولی یک نسل جدید از رهبران که در مشاجره اصلی شرکت نداشته اند ادغام را برای هر دو جنبش قابل قبول اعلام کرده اند. اگرچه جنبش مزارع اشتراکی شامل کمتر از ۳ درصد جمعیت اسرائیل می شود ولی منابع مالی، سازمانی و انسانی آن می تواند به طور جدی در انتخابات ملی اهمیت داشته باشد. وظیفه اولیه فدراسیون جدید، بازسازی ایدئولوژی سوسیالیستی حزب کارگر می باشد. اغلب اعضای مزارع اشتراکی (کیبوتز) این باور خود را پنهان نمی سازند که حزب کارگر در انتخابات سال ۱۹۷۷ به این خاطر شکست خورد که ایدئولوژی سوسیالیستی خود را بی اهمیت کرد و چهره یک ماشین سیاسی فاسد و کم بها را بدست آورد. رهبران کیبوتز (مزارع اشتراکی) همچنین خواهان پایان بخشیدن به چیزی که آنها سیاستهای گمراه کننده لیکود (حزب لیکود) می نامد، می باشند. چندین نفر از رهبران کیبوتز در مراسم گشایش فدراسیون بر علیه سیاست اسکان دولت بگین صحبت کردند. رهبران کیبوتز قطعنامه ای را برای ضمیمه سازی جولان تصویب نمودند.

فدراسیون جدید کیبوتز ممکن است نقشی اساسی در کشمکش بر سر رهبری حزب کارگر بازی کند. آلون و رابین شروع به تجهیز حمایت به منظور مقابله با شیمون پرز برای کنترل حزب نموده اند. نسل جوانتر رهبران کیبوتز منجمله حریف که به نظر می رسد پیروان زیادی داشته باشد روشن ساخته اند که می خواهند نقش سیاست با روشهای قدیمی را کاهش دهند و مشتاق حمایت از برنامه های آلون ۶۱ ساله نیستند. نفوذ سیاسی اتحادیه کیبوتز احتمالاً با اتحاد بیشتر بین رهبری آن و یک شاخه که بوسیله رئیس هیئت مدیره بانکها پولیم لوینسون رهبری می شود بالا برده خواهد شد. لوینسون و حریف، متحدین دیرینه سیاسی هستند.

در یک مقاله در اورشلیم پست در ۱۷ ژوئیه راجع به بحث در مورد فعالیتهای سرکنسولگری آمریکا در اورشلیم چنین نوشته شد که هر اقدام اسرائیل بر علیه مقامات کنسولگری آمریکا نتیجه معکوس بر اقدامات هیئت های نمایندگی اسرائیل در خارج خواهند داشت. مقاله می گوید که مقامات کنسولی آمریکا از دخالت در فعالیتهای سیاسی در ساحل غربی منع شده اند ولیکن منابع سیاسی خلاف این را می گویند. یک وکیل اسرائیلی که ۲ مورد دعوای فلسطینیها در زمینه مصادره زمین در دادگاه اقامه می کند به سرکنسولگری آمریکا در اورشلیم گفت که این دعواها بر اساس حقوق بشر بین المللی مطرح گردیده است. رادیو اورشلیم در ۱۷ ژوئیه گزارش کرد که دو مورد استقرار نظامی سال قبل به غیرنظامی تبدیل شده، ولی تغییر در وضعیت استقرار بر حسب دستورات یک مقام بالا اعلام نشده بود.

رادیوی نیروهای دفاعی اسرائیل گزارشی در مورد نظرات بگین در مورد صحبتهایش با سادات پخش کرد. بگین گفت هر دو موافقت نمودند که تانکرهای اسرائیلی روز بعد از استرداد مناطق نفتی آلما به مصر با نفت مناطق آلما پر شوند. بگین گفت او و سادات موافقت نمودند که در مورد اسکانها مخالف باشند. در مورد خودمختاری او گفت که اسرائیل به همکاری کامل مردم ساحل غربی و غزه برای مطمئن ساختن آنها از خودمختاری کامل نیاز دارد، ولی این (همکاری) آنها را ملزم به شرکت در انتخابات نمی کند. بگین گفت او و سادات در شورای اروپا شرکت نخواهند کرد، ولی وزرای خارجه خود را به شورا خواهند فرستاد.

وزیر کشور کویت در ۱۷ ژوئیه گفت دولت او از برنامه انرژی پرزیدنت کارتر استقبال می کند و برای همکاری سازند، بین ملل مصرف کننده و تولیدکننده نفت در امور انرژی اظهار امیدواری می کند.

ص: ۶۴۵

سند شماره (۱۴)

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی تاریخ سند: ۳ اوت ۱۹۷۹ ۱۲ مرداد ۱۳۵۸

شماره سند: ۱۹۵۹

طبقه بندی: سری

۱ پیش بینی برای سقوط دولت بگین: جدا از یک تغییر در دولت که از مرگ، ناتوانی، یا استعفای بگین نخست وزیر ناشی می شود، امکان دارد که دولت به طور ناگهانی سقوط کند. این مورد که دولت رأی اعتماد را در کنیسه از دست بدهد، یا اگر در مقام پیش بینی چنان شکستی استعفا دهد، اتفاق خواهد افتاد. در آتمسفر فعلی سیاسی و روانی، چنین سقوطی احتمالاً به وسیله یک انتخابات جدید دنبال خواهد شد، تا با اصلاح کردن ائتلاف با استقرار یک کابینه کارگری.

۲ سه موضوع وجود دارد که می تواند سقوط دولت را به دنبال داشته باشد: مذهب، اقتصاد و سیاست خارجی.

۳ بحثهای مذهبی شدیداً در اسرائیل التهاب پذیر هستند. نه فقط ائتلاف برای بقاء وابسته به آراء احزاب مذهبی می باشد (حزب مذهبی ملی و آگودت اسرائیل)، بلکه اجزا دنیاپرست جنگ طلبی در ائتلاف وجود دارند که با معتقدین دوستانه نیستند (حزب لیبرال و جنبش دموکراتیک، خصوصاً در لحن بسیار دنیاپرستانه هستند)، به علاوه، عوامل ماوراء مذهبی (معتقد) که فقط در حرکت اسرائیل به طرف یک حالت مذهبی تر علاقه مند هستند، فشار مداومی روی احزاب مذهبی اعمال می کنند. در نتیجه، یک عکس العمل، که با فشار عمومی از تاتوری کارتا ماوراء مذهبی شروع می شود و با خارج شدن احزاب مذهبی از ائتلاف به نقطه اوج می رسد، می تواند به سرعت اتفاق بیافتد.

۴ مسایل اقتصادی نیز می تواند یک نقطه اشتغال سیاسی فراهم بیاورد. عدم رضایت عمومی از

سیاستهای اقتصادی دولت بگین در داخل کنیسه و حتی در میان ائتلاف منعکس شده است. مخالفین بی شمار دولت فعلی می توانند از رأی در مورد یک مسئله اقتصادی به عنوان بهانه ای برای رأی دادن برعلیه کابینه استفاده کنند، یا آنها می توانند در یک لحظه بحرانی امتناع ورزند و یا غیبت نمایند.

۵ سرانجام، امتیازاتی در مورد مسایل حساس مرتبط با خودمختاری چیز بی ارزشی است که می تواند پشت دولت را بشکند. امتناع یا غیبت چندین عضو کنیسه از لیکود و حزب ملی مذهبی در یک رأی گیری نزدیک می تواند پایان را برای کابینه هجی کند.

۶ (طبقه بندی نشده) عکس العمل در مقابل مصاحبه رئیس جمهور با نیویورک تایمز: یادین معاون نخست وزیر اسرائیل گفت هر تلاشی برای تغییر رأی ۲۴۲ سازمان ملل برای پیشدستی کردن مخالفت سازمان آزادیبخش فلسطین یک مانع خطرناک برای پیشبرد مذاکرات در جهت صلح خواهد بود. یادین گفت مقایسه مشکل فلسطینیها با جنبش حقوق مدنی ایالات متحده "مایه تاسف" است.

الف: تامیر وزیر دادگستری گفت "موضوع نفت" ایالات متحده را به کوشش و تسریع مذاکرات برانگیخته است. او گفت یک توافق "عام ملی" اسرائیلی در مقابل تلاش برای گذشتن از وراء خودمختاری اداری برای فلسطینی ها مقاومت خواهد نمود.

ب: یک مقاله یدیوت آهارونات گفت سیاست ایالات متحده در زمینه مذاکرات با سازمان آزادیبخش فلسطین یک "نگرانی بزرگ" برای اسرائیل می باشد. روزنامه در شگفت است که آیا از اسرائیل تقاضا شده

که "یک کشور سازمان آزادیبخش فلسطین" را به رسمیت بشناسد.

ج: معاریو گفت نظرات رئیس جمهور یک اساس ایدئولوژیک، برای فشار به اسرائیل در مذاکرات خودمختاری به وجود می آورد.

۷ عکس العمل مطبوعات ساحل غربی مختلط بود، یک روزنامه میانه رو به وسیله سخنان رئیس جمهور ترغیب شده بود و دو روزنامه دیگر مصاحبه را رد می کردند.

۸ (محرمانه) برگ مذاکرات خودمختاری: برگ، وزیر کشور اسرائیل، از چیزی که او در گزارش به کمیته وزراء در مورد مذاکرات خودمختاری، به عنوان نقش ایالات متحده در آخرین دور مذاکرات خودمختاری مشخص می نمود؛ انتقاد کرد. او "مداخله" ناروای ایالات متحده در گفتگوها را محکوم کرد و از پیشنهادهای "یک طرفه ای" که به طوری که گفته شده ایالات متحده ارائه داده، اظهار شگفتی نمود. "برگ گفت ما اکنون به یک منطقه مین گذاری شده وارد می شویم". او نظر خودش را که ایالات متحده فقط زمانی می تواند پیشنهاد ارائه دهد که مذاکرات با بن بست مواجه شود، تصریح نمود. سفارت آمریکا در تل آویو گزارش می کند که مطبوعات اسرائیل، به تعبیر برگ از مذاکرات اعتراض نمی کنند. سفارت در تل آویو همچنین اظهار نظر می کند که با رسیدن مذاکرات خودمختاری به اصل موضوع، انتقادات از جانب اسرائیل احتمالاً غیرقابل اجتناب خواهد بود، مگر اینکه ایالات متحده تصمیم به باقی ماندن در یک حالت انفعالی بگیرد.

۹ (طبقه بندی نشده) اسرائیل نظرخواهی: هاآرتز گزارش می کند که محبوبیت بگین همان طور پایین باقی می ماند. در یک نظرخواهی در ژوئیه، فقط ۴۳ درصد از جواب دهندگان نسبت به نخست وزیری بگین اظهار رضایت کردند، که در مقابل ۶۰ درصد در سال قبل ۶/۴۰ درصد در ماه قبل قرار می گیرد.

۱۰ سازمان آزادیبخش فلسطین سیاستهای داخلی: رویتر گزارش می کند که جبهه خلق برای آزادی فلسطین تحت رهبری جرج حبش مجدداً مکانی در کمیته اجرای ۱۵ نفره سازمان آزادیبخش فلسطین پس از یک غیبت تقریباً ۵ ساله به دست می آورد. جایگزینی عضو سابق کمیته، مرحوم زهیر محسن، به طوری که گفته شده فرصتی برای تجدید بنای کمیته فراهم می آورد. رویتر بعداً گزارش می کند که دو فرقه افراطی فلسطینی که به وسیله عراق حمایت می شوند، (جبهه مجاهدت خلق و جبهه آزادیبخش فلسطین) نیز ممکن است مکانهایی در شورا به دست آورند. ما اشاره می کنیم که گروه حبش قرار بود که دوباره به کمیته سابق در فوریه امسال و در جریان شورای ملی فلسطین، ملحق شود. ولی گروه به خاطر منازعه در کمیته قبلی بین فرقه های واپس گرا و الفتح، بر سر دو سازمان افراطی که قبلاً اشاره شد، به کمیته ملحق نشد. ما هیچ گونه تأییدی از اینکه توافقی صورت گرفته باشد که به جبهه خلق برای آزادی فلسطین اجازه داده باشد که جایش را در کمیته قبلی به دست آورد، نداریم.

۱۱ (طبقه بندی نشده) مصر مذاکرات سه جانبه:سازمان خبرگزاری خاورمیانه مصر گزارش می کند که اطلاع پیدا کرده است که مصر تصمیم نهائی در مورد موضوع شرکت در ملاقات سه جانبه ای که از طرف ایالات متحده درخواست شده را پس از بازگشت خلیل نخست وزیر و وزیر کشور پطروس غالی از اسرائیل، آغاز خواهد نمود.

۱۲ (محرمانه) عراق محاکمه توطئه گران: دادگاه ویژه که توطئه گران را در عراق محاکمه می کند

دومین جلسه خود را در دوم اوت برگزار کرد. هنوز هیچ نتیجه ای اعلام نشده است. قسمت حفاظت منافع آمریکا در بغداد گزارش می کند، که شهر به حالت عادی بازگشته است. ایده مداخله سوریه در توطئه ادامه پیدا می کند. دو بعثی برجسته سوری، که هر دو از نظر رهبران سوریه مرتد شناخته می شوند، در یک مراسم در دوم اوت که در مورد آن خیلی تبلیغ شده بود، شرکت کردند. این یک تودهنی عراقیها به دمشق می باشد؛ اگرچه هیچ مدرکی وجود ندارد که عراق تاکنون مستقیماً حافظ اسد را برای وقایع عراق سرزنش کرده باشد.

۱۳ (طبقه بندی نشده) ضربه کماندوهای اسرائیلی: رادیو اورشلیم اعلام کرده است که در شب دوم و سوم اوت یک نیروی حمله نیروهای دفاعی اسرائیل به پایگاههای تروریستها در جنوب فتح الاند حمله نمود. نیروی اسرائیلی هیچ تلفاتی را متحمل نشد، و برطبق گفته سخنگوی نیروهای دفاعی اسرائیل، ۷ تروریست کشته شدند.

خلاصه اطلاعاتی (جاسوسی) ۹۲۹ اول نوامبر ۷۹

ص: ۶۴۸

سند شماره (۱۵)

از : وزارت خارجه واشنگتن دی. سی.تاریخ: اول نوامبر ۱۹۷۹۱۰/۹/۱۳۵۸

طبقه بندی : سری

موضوع : خلاصه اطلاعاتی (جاسوسی) ۹۲۹ اول نوامبر ۷۹

تجدید سازمان کابینه دولت اسرائیل در ۲۹ اکتبر که بگین را به عنوان سرپرست وزارت خارجه تعیین نمود، بایستی که پایگاه ائتلاف را در کنیسه مستحکم تر نماید. به نظر ما بگین قادر نخواهد بود که وزارت خارجه را علاوه بر نخست وزیری اداره نماید. دو جنبه مهم ترمیم کابینه قصور در انتصاب یک وزیر خارجه عادی و پذیرفتن هوارتیز در کابینه بودند.

عدم توانایی بگین در پیدا نمودن یک جانشین شایسته برای دایان گواه شدت اختلافات داخلی ائتلاف و همچنین عدم توانایی فزاینده بگین برای به کار گرفتن یک رهبری قوی می باشد. بگین به یادین و برگ برای به دست گرفتن پست وزارت خارجه مراجعه نمود. به طوری که گزارش شده یادین تقاضا کرد چنانچه او وزیر خارجه گردد مذاکرات خودمختاری را انجام دهد و همچنین کاتز وزیر کار که عضوی از جنبش دموکراتیک او می باشد پست خود را حفظ نماید. بگین این تقاضاها را نمی توانست بپذیرد. آنها (تقاضاها) به جنبش دموکراتیک اجازه می دهد که مقامات اساسی کابینه را علیرغم این حقیقت که جنبش فقط ۷ عضو در کنیسه دارد، برای خود حفظ نماید. علاوه بر این مذاکرات خودمختاری برای حزب ملی مذهبی که به طور مکرر راجع به بیش از حد بودن اعضای جنبش در کابینه اعتراض داشته است، خیلی مهم است و حزب از نقش اساسی خود در مذاکرات چشم پوشی نخواهد نمود.

برگ بیش از همه در چشم پوشی از وزارت کشور بی میل بود. علاوه براین برگ درحال حاضر یک نقش اساسی مهم را که متعلق به وزیر خارجه در هدایت مذاکرات خودمختاری می باشد داراست. وزارت

خارجه به عنوان یک مؤسسه، هرگز یک نقش مسلط در تشکیل سیاست خارجی اسرائیل ایفا ننموده است. اهمیت ترمیم کابینه تا جایی که مربوط به وزارت خارجه می شود در عزیمت دایان، که نفوذ زیادی روی بگین و در نتیجه روی سیاست خارجی اسرائیل داشته است، می باشد. پذیرش هوارتیز در کابینه یک علامت در مورد روش آتی سیاست خارجی می باشد. هوارتیز در مخالفت با امتیازاتی که موافقت کمپ دیوید را دربرداشت استعفا نمود. اگر دولت بگین بحران فعلی کابینه را سپری نماید، شانسی وجود دارد که بگین، بن میر عضو کنیسه را به عنوان قائم مقام وزیر خارجه معرفی نماید.

یک نظرخواهی عمومی که به وسیله هاآرتز منتشر شد، نشان می دهد که اگر انتخاباتی اکنون برگزار شود حزب کارگر ۵/۳۸ درصد از آراء و لیکود ۵/۱۶ درصد و حزب جدید ماوراء راست ته ایار ۳ درصد از آراء را دریافت خواهند نمود. دیگر نتایج به این شرح هستند: ۸۴ درصد به طور کلی از نقش دولت بگین ناراضی هستند.

فقط ۸/۳۰ درصد از نقش بگین به عنوان نخست وزیر راضی هستند. ۵۰ درصد آماده هستند که امتیازات ارضی در مقابل صلح بدهند، گرچه ۸۲ درصد مخالف تقسیم اورشلیم با هر دولت دیگری هستند.

برطبق رادیو اورشلیم رئیس سازمان اسکان یهودیان در ۳۱ اکتبر اعلام نمود که اسرائیل امسال ۳ اسکان جدید در بلندیهای جولان برقرار خواهد نمود.

رویتر گزارش می کند که ویتنام به ازاء وام ۷۰ میلیون دلاری عراق ۷۵ خلبان به عراق خواهد فرستاد.

سفارت آمریکا از صنعا یمن گزارش می کند که تغییرات اخیر در ارتش نشان دهنده این است که پرزیدنت صالح ممکن است در حال تشکیل دادن یک ارتش جدید برای نگهداشتن خودش در قدرت باشد.

نشانه هایی هست که از مبالغ مهم تجهیزات آمریکایی که در شش ماهه گذشته به یمن منتقل شده در تسلیح این ارتش استفاده شده است. رویتر به نقل از رئیس سرویس مخفی آلمان گزارش می کند که او اظهار داشته دولت آلمان نمی تواند از همکاری بیشتر با اطلاعات اسرائیل (سازمان) جلوگیری کند. رویتر همچنین گزارش می کند که سفرای سوریه، عراق و کویت از وزارت خارجه آلمان تقاضا کردند که راجع به بازجویی چریکهای زندانی فلسطینی به وسیله مأموران مخفی اسرائیلی گفتگو کنند.

DIA اطلاعات دفاعی اسرائیل تانک جدید

ص: ۶۵۰

سند شماره (۱۶)

تاریخ سند: ۱ نوامبر ۱۹۷۹ ۱۰ آبان ۱۳۵۸

طبقه بندی: محرمانه شماره سند: ۱۴۳۷

موضوع: DIA اطلاعات دفاعی اسرائیل تانک جدید

۱ در ۲۹ اکتبر نیروی دفاعی اسرائیل (IDF) به طور رسمی تانک مرکاوا را قبول کرد. این پس از حداقل ۶ سال کار برای تهیه یک تانک اصلی جنگی مناسب برای تاکتیکها و دکترینهای اسرائیلی به دست آمده. اولین گروه ۱۲تایی از تانکهای مرکاوا در بلندیهای جولان برای تیپ هفتم نظامی قسمت سی و ششم فرستاده شده.

۲ در جشنی برای این موضوع سرلشکر، اسرائیل تال طراح و مدیر برنامه تانکهای اسرائیلی به افسران گفت که مرکاوا تانک خیلی خوبی است.

۳ نکات قدرت این تانک عبارتند از: (۱) یک توپ اصلی (۲) حفاظ خوب برای سرنشینان (۳) مهمات مخصوص (۴) خروج و ورود راحت از در عقب (۵) پرسنل پیاده نظام را می تواند حمل کند (۶) راندن راحت (۷) موتور جلو بودن.

این تانک از نقطه نظرات زیر محدود شده: قدرت موتورش از تانکهای استاندارد کمتر است و (طرح) نیمرخ نسبتاً بلندی دارد.

تانکهای جدید به اندازه ۱۰تا در ماه تولید می شود و تا ۴ الی ۵ سال آینده تل آویو دارای ۴۳۵ مرکاوا خواهد بود. این مدل جدید قدرت نیروی دفاعی اسرائیل را تا سال ۱۹۸۰ زیاد خواهد کرد.

تانک اسرائیلی ۱۹۸۰ به بعد

نفرات سرنشین: ۴

وزن: ۵۶ MT (بدون بار)

سرعت: ۵۰ کیلومتر در ساعت

محدوده عملیات: ۵۰۰ کیلومتر تقریباً

موتور: دیزل ۹۰۰ قوه اسب

کنترل آتش: محدوده یاب لیزر و کامپیوتر بالستیکی

مهمات: توپ ۱۰۵ میلیمتری

۲ عدد مسلسل ۶۲/۷ میلیمتری

حفاظ: حفاظ فضادار، هم HOLL هم TURRET

سازنده: MAJOR، HOBRLE آمریکا ۵-J۳۱

اسرائیل گزارش بیوگرافیک اسحاق رابین نخست وزیر

ص: ۶۵۱

سند شماره (۱۷)

محرمانه

تاریخ: ژوئن ۱۹۷۴ خرداد ۱۳۵۳

اسرائیل گزارش بیوگرافیک اسحاق رابین نخست وزیر

در ۲۲ آوریل ۱۹۷۴ حزب کارگر اسرائیل اسحاق رابین را نامزد نمود تا به عنوان نخست وزیر بر گلدامایر پیشی بگیرد. او مسئول تشکیل دولت شد تا جایگزین دولتی شود که ماه قبل وی به عنوان وزیر کار به آن پیوسته بود. رابین، ناتوان در رسیدن به موافقت با حزب ملی مذهبی، یک شریک ائتلافی سابق، کابینه ای متشکل از اعضای صف کارگر (ILP و MAPAM حزب کارگران متحد)، حزب مستقل لیبرال و جنبش حقوق شهروندان (CRM) تشکیل داد. ائتلاف جدید ۶۱ رأی از ۱۲۰ رأی کنیسه (پارلمان) را به دولت که آن را در سوم ژوئن تأیید کرد می دهد. مطمئناً رابین بیشتر از خیلی از اعضای ILPخودش با قراردادن CRMدست چپی در ائتلاف مخالف است و این کار تعدادی از همکاران منجمله نخست وزیر قبلی گلدامایر را رنجانیده است.

به خاطر اینکه او رئیس ستاد ارتش در جنگ ۱۹۶۷ اعراب و اسرائیل بود، رابین یک شخصیت محبوب عامه است، ولی قدرت سیاسی او از روابطش با اعضای اصلی نخبگان حاکم ناشی می شود تا از هر نوع پایگاه قدرت سازمانی، تأیید پینچاز ساپیر وزیر پرقدرت سابق مالیه در انتخاب شدن او اساسی بود. پس از بازگشت از یک مأموریت ۵ ساله به عنوان سفیر اسرائیل در ایالات متحده در اوائل ۱۹۷۳، رابین روی مبارزه انتخاباتی صف کارگر در ۱۹۷۳ کار کرد. او در ابتدا به نمایندگی در کنیسه در ۳۱ دسامبر ۱۹۷۳ به عنوان عضوی از MAPAI (حزب کارگران اسرائیل)، بزرگترین شاخه ILP انتخاب شد.

به خاطر اینکه او در دولت قبل از اکتبر شرکت نداشت، رابین نمی توانست به خاطر شکستهای دولت در

انجام جنگ اکتبر ۱۹۷۳ در هیچ مسئولیتی شریک شود.

کمیته مرکزی ILP در انتخاب رابین به عنوان رهبرش خواست که تحت تاثیر این اتهامات که رابین در شب جنگ ۱۹۶۷ در یک حالت اضطراب حاد غش کرد، نباشد. این ادعاها که در یک یادداشت رسمی بود به وسیله معاون سابق رئیس ستاد او، سرلشکر عزر وایزمن درست قبل از رأی کمیته مرکزی فاش شد و یک عکس العمل منفی قوی در مدافعین رابین منجمله رهبران بلوک محافظه کار مخالف لیکود (اتحاد) به وجود آورد. برای چندین سال این سبب از پا درآمدن رابین (غش کردن) در آگاهی عمومی بوده است.

رابین به سادگی قبول می کند که او از وایزمن درخواست کرد که برای ۲۴ ساعت مسئولیت را به عهده بگیرد، ولی اظهار می دارد که فقط به این خاطر بود که او خسته بود و احتیاج به استراحت داشت.

رابین همچنین متهم شده بود که مبالغی برای حضور پیدا کردن (در مراسم) زمانی که او در ایالات متحده سفیر کبیر بوده، قبول کرده است. رابین اظهار داشته که این کار کلاً قانونی بوده و او به این خاطر سخنرانی می کرد که سیاست اسرائیل را تشریح کند و یا به منظور جمع آوری اعانه و بدون دریافت مبلغی این کار را انجام می داده است.

پسران نسل....

رابین نمایانگر یک انقطاع مشخص با نسل گذشته رهبران اسرائیلی می باشد و تغییرات زیادی را که

جامعه مصرانه خواستار آن بوده عینیت می بخشد. او اولین نخست وزیر سابرا (متولد اسرائیل) می باشد و در ۵۲ سالگی جوانترین است. خود جریان انتخابات مثل جزء جزء شدن سیاست در ILPطوفانی شد (برای اولین بار ماشین حزب نتیجه را از پیش تعیین نکرد). رابین و مخالفش از RSFI و بعد وزیر اطلاعات شیمون پرز بر یک اساس شخصی و بدون رجوع به وابستگی فرقه ای شان به ILP، فعالیت نمودند، و رأی گیری به صورت مخفی بود. رابین در قبول نامزدی گفت، "پسران نسل سر راهی رشد کرده اند و با آنها، مهاجرینی که از زمان استقلال ملی آمدند .... نسلی که به دنبال استمرار است ولی یگانگی خود را دارا می باشد."ژنرال مرتب و منظم سابق همچنین قبول کرد که او شخصاً دو سخنرانی آماده کرده بود.

شاهین نظامی فاخته سیاسی

امنیت اسرائیل برای رابین از سند واقعی صلح مهمتر است چون که او به امنیت به عنوان کلیدی برای به دست آوردن تشخیص رسمیت بدون شرط از جانب اعراب، نظر دارد. به نظر او اسرائیل برای به رسمیت شناخته شدن به عنوان یک کشور مستقل جنگ می کرده است نه برای قلمرو. نخست وزیر جدید به عنوان یک شاهین نظامی و یک فاخته سیاسی توصیف شده است (متعهد جستجو برای یک صلح گفتگو شده و لیکن آماده برای استفاده از زور برای محافظت از امنیت اسرائیل می باشد.) او معتقد است که مذاکرات با کشورهای عربی زمان می برد و فکر می کند که اسرائیل باید در یک حالت همیشه آماده برای هر نوع اضطرار نظامی باقی بماند. او واقع بین و کمتر از رهبران قبلی اسرائیل اصولی می باشد. رابین احساس می کند که دولت باید برای صلح مجالی بدهد و قابلیت انعطاف نشان دهد. رابین توجه کمی به سودمندی سازمانهای بین المللی در مذاکرات صلح دارد. در ژوئیه ۱۹۷۱ او سازمان ملل را محل عوام فریبی خواند و آن را متهم نمود که برای ۱۵ سال یک نقش منفی درباره اسرائیل بازی کرده است. پیش از جنگ اکتبر ۱۹۷۳ اعراب و اسرائیل رابین معتقد بود که اسرائیل می تواند بیشتر قلمروهای اشغالی را بازپس دهد و

فقط شرم الشیخ و قسمتهای استراتژیک بلندیهای جولان و ساحل غربی را حفظ کند. از زمان جنگ او به طور رسمی از جداسازی بلندیهای جولان و سینا به سه منطقه (یکی تحت حاکمیت اسرائیل، یکی با حضور نظامیان اسرائیل و یکی به صورت غیرنظامی در آمده ولی تحت کنترل اعراب) طرفداری می کرد.

رابین از بازگشت مناطق عرب نشین ساحل غربی به اردن و تجدید اسکان و تجدید استقرار پناهندگان طرفداری می کند و معتقد است که این اعمال سرانجام به فلسطینی کردن اردن منجر می شود. در عین حال او معتقد است که استقرار غیرنظامیان در ساحل غربی یک جزء جداناشدنی اسرائیل می باشد.

در خلال یک مصاحبه در مارس ۱۹۷۴ با یک خبرنگار انگلیسی، رابین گفت اسرائیل نمی تواند یک کشور جداگانه فلسطینی را بپذیرد. بعداً در بین یک مکالمه محرمانه با همان خبرنگار، رابین گفت او احساس می کند که تاریخ در جهت یک کشور جداگانه حرکت می کند و اسرائیل ممکن است، مجبور باشد که با آن حرکت کند. رابین متمایل است که به یک توافق با مصر قبل از شروع هر نوع مذاکره ای با اردن برسد.

ژنرال به عنوان سفیر کبیر

تنها مأموریت دیپلماتیک رابین یعنی سفیر کبیر در ایالات متحده با یک بهبود بی سابقه در روابط

ایالات متحده اسرائیل و بدتر شدن روابط شخصی او با وزیر خارجه آباابان و سلسله مراتب وزارتخانه مشخص شد. رابین با روش ساده و بی پرده خود به دنبال هدفهای اولیه اش در ایالات متحده یعنی تسلیحات و حمایت اقتصادی برای اسرائیل و اطمینان از اینکه ایالات متحده یک بازدارنده اتحاد شوروی در مدیترانه باقی بماند، بود. رابین احساس می کرد که یک سفیر کبیر باید کمک کند که به سیاست شکل بدهد نه اینکه فقط دستورات را اجرا نماید. او از نیرنگهای تشریفاتی وزارتخانه انتقاد می کرد. او اغلب از ابان می گذشت که مستقیماً در مورد موضوعات مهم با نخست وزیر روبرو شود و نخست وزیر به او به خاطر داشتن درک عمیق سیاستهای آمریکا و فهم خوب روابط اسرائیل ایالات متحده اعتبار می داد. در ژوئن ۱۹۷۲ رابین با عباراتی به کاندیداهای ریاست جمهوری ایالات متحده رجوع کرد که هیچ شکی باقی نمی گذاشت که او فکر می کرد، ریچارد نیکسون تا جایی که مربوط به اسرائیل می شود بهترین رئیس جمهور خواهد بود. ابان حس می کرد که اسرائیل باید خارج از سیاستهای ایالات متحده باقی بماند. رابین همچنین بعضی اعضای مؤسسه یهودیان آمریکایی را به واسطه امتناع از استفاده از آنها به عنوان واسطه در رودررویی با دولت آمریکا از خود رنجاند. یک مقام ایالات متحده گفت که رابین می تواند گاهی اوقات یک S.O.B به نظر آید ولی او یک S.O.B مؤثر می باشد. یک مقام عالی رتبه ایالات متحده به رابین با نیرومند بودن در مبادلات دو طرفه دیپلماتیک و استاد حقایق بودن اعتبار می دهد، با استعداد در تحلیل، ماهر در ارائه نظرات و متقاعد کننده در بحث.

قهرمان مهاجرت دسته جمعی

اسحاق رابین در اول مارس ۱۹۲۲ در اورشلیم متولد شد. او می خواست که یک کشاورز شود. بنابراین به کالج کادوری که یک مدرسه شبانه روزی کشاورزی است وارد شد. به محض فارغ التحصیل شدن در سال ۱۹۴۰ رابین یک جایزه بورس از کمیسیونر انگلیسی فلسطین دریافت نمود. بعداً در همان

سال ایگال آلون فرمانده پالماچ (گروه حمله هاگانه، سازمان زیرزمینی یهودی) او را استخدام نمود که به سازمان ملحق شود. در طول جنگ جهانی دوم جهانی رابین برای انگلیسیها جنگید و در مناطق ویشی فرانسه در لبنان و سوریه در جنگهایی شرکت کرد.

در ۱۹۴۶ یک بار دیگر با پالماچ او به مدت ششماه به وسیله انگلیسی ها به اتهام قاچاق پناهندگان به فلسطین زندانی شد. کارهای برجسته او در طول ۴۸۱۹۴۶ شامل حملاتی برای آزادی بازداشتیهایی که به طور غیرقانونی مهاجرت کرده بودند، خیلی از وقایعی را که بعداً لئون اوریس کاراکتر داستانی آری بن کانن را در کتابش به نام مهاجرت (دسته جمعی یهودیان) توصیف کرد القاء نمود.

در طول جنگ ۱۹۴۸ اعراب اسرائیل رابین فرماندهی یک تیپ که جاده منتهی به اورشلیم را حفاظت می کرد برعهده داشت. او همچنین افسر اجرائی ستاد برای آلون و بعداً رئیس پالماچ بود. در زمانی در طول جنگ در نژو، رابین و رئیس جمهور مصر جمال عبدالناصر و بعد یک افسر ارتش ملاقات کردند و راجع به موقعیت نظامی بحث کردند و ظرف میوه ای را تقسیم نمودند. رابین نماینده ای در گفتگوهای صلح موقت اعراب و اسرائیل در جزیره رودز در ۱۹۴۹ بود. در آن مناسبت گمان می رود که اولین باری بود که رابین کراوات می زد.

رابین، جوانترین سرهنگ ارتش اسرائیل به مسئولیت مدرسه آموزش فرماندهان ارتشی گمارده شد،

او همچنین به عنوان رئیس عملیات در ستاد کل ارتش عمل می نمود. پس از حضور در کالج ستاد در کمبریج انگلستان بین ۵۳۱۹۵۲ رابین به عنوان رئیس آموزش نظامی منصوب شد. او به عنوان فرمانده فرماندهی شمال از ۱۹۵۶ تا ۱۹۵۹ خدمت نمود که در آن موقع او رئیس عملیات ستاد کل شد. او در ۱۹۶۰ قبل از اینکه به اسرائیل بازگردد ۲ ماه یک دوره آشنایی با سلاحهای مدرن را در تگزاس گذراند که پس از آن به قائم مقامی رئیس ستاد منصوب شد. در ۱۹۶۴ رابین به مقام ریاست ستاد نیروهای دفاعی اسرائیل ترفیع پیدا نمود. او که یک متخصص فنون جنگی با استعداد است مدرنیزه کردن نیروهای دفاعی اسرائیل را هدایت نمود و استراتژی اساسی که با موفقیت در جنگ ۱۹۶۷ اعراب و اسرائیل به کار گرفته شد را تهیه نمود.

رابین مردی که بندرت احساسات خود را بروز می دهد عمیقاً به وسیله مسئولیتهایش در ۱۹۶۷ تحت تأثیر قرار گرفته بود. فشار ناشی از تقاضاهایی که در روزهای سخت پیش از جنگ از او می شد شروع به ظاهر شدن روی رئیس ستاد کردند: او کم می خوابید و به طور مداوم سیگار می کشید. در ۲۳ می رابین دیگر قادر به انجام وظایفش نبود (یا به خاطر از حال رفتن و غش کردن که از طرف وایزمن ادعا شد، یا به خاطر مسمومیت از نیکوتین که به وسیله کارمندان او گزارش شده و یا به خاطر خستگی فوق العاده که به وسیله خود او قبول شده است و یا مجموعه ای از هر سه) و او از معاون خود خواست که مسئولیت را به عهده بگیرد. عصر روز بعد رابین فرماندهی را مجدداً از سرگرفت و اعتبار نهائی برای پیروزی اسرائیل در جنگ ژوئن ۱۹۶۷ به نیروهای نظامی که به وسیله او بنیاد نهاده و هدایت شد داده شده است.

اعتقاد قوی و احتیاط فوق العاده

شخصیت نخست وزیر به عنوان مجموعه ای از اعتقاد قوی و احتیاط فوق العاده توصیف شده است. او معروفیتی برای درون گرایی و برای مشاهده یک مشکل به طور دایره وار و برای گرایش به نگران بودن

دارد، ولی برای اقدام به طور مصمم وقتی که تصمیمی گرفته شده است نیز معروف است. رابین که یک فرد سمج در مورد جزئیات و یک کمال گرای باحافظه ای نظیر دائره المعارف است اصرار دارد وقتیکه متقاعد می شود که حق با اوست کارها به طریق او انجام شوند و او شخصاً آنها را چنین می بیند (که به طریق او انجام شوند). در عین حال او حتی از نظر دادن در مورد موضوعاتی که او با آنها آشنا نیست خودداری می ورزد. رابین در پست جدیدش که تلفن را برای ارتباط ترجیح می دهد، معمولاً در حدود ساعت ۷ صبح به دفترش وارد می شود و یکسره تا ساعت ۱۱ شب کار می کند. رابین که یک درون گراست در اجتماعات ناراحت است. او در محفلهای اجتماعی کم حرف است و در حرفهای بیهوده مشارکت نمی جوید، اگرچه در جمع دوستان نزدیک او مرکز توجه، پرحرف و اجتماعی است. وقتی فرزندانش متولد شدند به طوری که گفته شده، رابین تمام شب را خارج از بیمارستان صبر کرد و خجالت می کشید که وارد شود. او از تشریفات خوشش نمی آید و پیراهن های یقه باز و سیب خوردن، سمبولهای او به عنوان متصدی ریاست ستاد شد. رابین از شوخیهای بی مزه متنفر است و مشروبات الکلی نمی خورد. قبلاً یک سیگارکش قهار بود که تلاش نموده است این عادت را کم کند. او یک عکاس آماتور تربیت شده است و از فیلم های پرهیجان لذت می برد ولی به ندرت وقت آن را دارد که که فیلم ببیند.

فوراً پس از جنگ ۱۹۶۷ یک دکترای افتخاری از طرف دانشگاه هیبرو به او اعطاء شد. او همچنین ۴

درجه افتخاری از مدارس ایالات متحده دریافت کرد. او دوست دارد که شنا کند و تنیس بازی کند. رابین انگلیسی را بجز مواردی که عصبی است به طور سلیس صحبت می کند.

یک خانواده جنگی (جنگجو)

پدر و مادر رابین در روسیه به دنیا آمدند. پدر او، نهیمیا، قبل از داوطلب شدن برای خدمت در لژیون یهودیان در فلسطین در زمان جنگ اول جهانی، ۱۵ سال را در ایالات متحده بسر برد. در آنجا او رزا کاهن دختر یک تاجر ثروتمند چوب را ملاقات کرد و با او ازدواج کرد. هردو آنها در جنبش کارگری یهودیان و هاگانا فعال بودند. رزا در هاگانا یک فرمانده بود. او که به پرستار رزا معروف بود مقاومت یهودیان را در طول آشوبهای ۱۹۲۰ اعراب ترغیب نمود و تسلیحاتی به طور قاچاق برای واحدهای دفاع از خود یهودیان فراهم کرد. او همچنین یکی از بنیانگذاران سیستم بانکی تعاونی بود. اسحاق و خواهرش اغلب به حال خود تقریباً تا درجه غفلت رها می شدند. ولی با این حال اسحاق مادرش را ستایش می کرد. وقتی او ۱۷ ساله بود مادرش مرد. نهیمیا رابین تا زمان مرگش در سال ۱۹۷۱ با دخترش راشل در کیبوتز مانارا زندگی کرد.

همسر نخست وزیر، لیه شلاسبرگ نیز در پالماچ فعال بود که او پس از فارغ التحصیل شدن از دبیرستان در ۱۹۷۴ به آن پیوسته بود. او در آلمان متولد شد و با خانواده اش در ۱۹۳۳ به فلسطین مهاجرت نمود. خانم رابین که یک برون گرای فعال است ادعا می کند که هرگز برایش اتفاق نیفتاده که برای خود بترسد. در زمان مأموریت شوهرش به عنوان سفیر کبیر در ایالات متحده، او فعالیتهای سفارت را از ترس وقایع احتمالی کم نمی کرد. او می گوید به این خاطر که رضایت دادن به تروریستها برای متوقف کردن کارها "خیلی زیاد است".

خانم رابین که به طور دلپذیری صریح است در پی حمایت برای خواست اتحاد یهودیان و تضمینهای

اسرائیلی در سراسر ایالات متحده مسافرت نموده است. او اصرار دارد که سخنرانیهایش را خودش بنویسد. خانم رابین که به بازی تنیس علاقه دارد، می گوید تنها سودی که از آموزشهای سخت پالماچ برای او مانده است، این است که به او کمک می کند در زمین تنیس راحت نفس بکشد. خانم رابین انگلیسی، آلمانی و فرانسوی سلیسی را صحبت می کند.

خانواده رابین خیلی به هم نزدیک هستند. آنها دو فرزند دارند (یک دختر، دالیا، که بیست و چند سال دارد و یک پسر یوال که ۱۹ ساله است. دالیا با یک افسر نیروهای دفاعی اسرائیل ازدواج کرده و انتظار اولین فرزندش را دارد. یوال درست پیش از جنگ ۱۹۷۳ به خدمت نظام وارد شده و گفته می شود که به خاطر این که به او به جای یک پست در خط مقدم جبهه، پست نگهبانی داده شده خیلی ناراحت بود.

خواهر خانم رابین آویوا با سرتیپ آوراهام یوفه ازدواج کرده است. یوفه که رئیس امور منابع طبیعی از سال ۱۹۶۴ بوده است در سال ۱۹۷۳ به نمایندگی کنیسه به عنوان عضوی از گروه لیکود انتخاب شد.

کتاب دوازدهم (۱)

دخالتهای آمریکا در ایران (۲)

بسم اللّه الرحمن الرحیم

هرچند که اکنون چهره کریه شیطان بزرگ برای تمام مردم مسلمان و انقلابی ایران چهره ای آشنا است، بر آن شدیم که به دنبال انتشار اسناد تحلیلی لانه جاسوسی، مربوط به سال ۱۹۷۷ و پیش از آن در «کتاب شماره ۸ اسناد لانه جاسوسی»، تحت عنوان «دخالتهای آمریکا در ایران» دنباله آن اسناد را در کتاب شماره ۱۲ در دو جلد و تحت همان عنوان منتشر کنیم. امیدواریم که این اسناد که توسط عوامل شیطان بزرگ تهیه شده اند، وسیله ای باشد برای بهتر شناختن چهره امپریالیسم آمریکا و نقشه های پلیدش.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

بسم اللّه الرحمن الرحیم

امام خمینی:

... تا قطع تمام وابستگیها به تمام ابرقدرتهای شرق و غرب مبارزات آشتی ناپذیرانه ملت ما علیه مستکبرین ادامه دارد، همه می دانیم که جهان اسلام در انتظار به ثمر رسیدن کامل انقلاب ما است.

با توجه به نقش آمریکا در سیاستهای مختلفی که در ایران پیاده می شد، برای بررسی چگونگی برخورد آمریکا با انقلاب اسلامی ایران در هریک از مراحل رشد تا پیروزی، ابتدا باید اهداف آمریکا در ایران مورد توجه قرار گیرند و کلیه موضعگیریهای آمریکا در قبال انقلاب اسلامی ایران باید در این رابطه مورد بررسی قرار گیرند. کتاب حاضر تا حدی این مسئله را با توجه به اسنادی که از لانه جاسوسی آمریکا در تهران به دست آمده اند، مورد بررسی قرار داده است. لازم به تذکر است که اسناد این کتاب عمدتاً «جنبه تحلیلی» دارند.

بعد از کودتای آمریکایی سال ۱۳۳۲ که شاه بار دیگر در ایران به تخت سلطنت می نشیند و رژیم پلیسی او بر تمام ارگانهای مملکت سایه می گستراند و چنان اختناقی بر کشور حاکم می کند که خود و

اربابش امکان هیچ گونه حرکتی از جانب ملت مسلمان ایران را نمی دهند، محیطی به وجود می آید که آمریکا به راحتی می تواند در آن به اهدافش که عمدتاً شامل دسترسی به منابع اقتصادی و به ویژه نفت برای خود و دوستان اروپاییش و استمرار دسترسی به بازار در حال توسعه ایران می باشند، برسد؛ و در این بین اهدافی نظامی مانند حق پرواز بر فراز ایران و دسترسی به بنادر ایران برای کشتیهای نیروی دریایی آمریکا را که در جهت بسط سلطه نظامی و سیاسیش در منطقه است را نیز دنبال می کند و در این راه شاه را به عنوان بهترین مهره داخلی برای رسیدن به این اهداف می داند و اذعان می دارد که شاه از عهده حفاظت منافع

اصلی امنیتی آمریکا در ایران برمی آید و بدین منظور آمریکا حتی حاضر است با وجود اختلاف مواضعی که با شاه دارد (بر سر قیمت گذاری نفت) از شاه و برنامه های اصلاحی او که منتهی به شرایط اساسی دنبال گیری اهداف آمریکا می باشد، به عنوان الگوی قدرت و سمبل وحدت ملی دفاع کند.

(سند شماره ۱)

امپریالیسم آمریکا در هر زمانی برای رسیدن به این اهداف کلی خود سیاستی مناسب با زمان اختیار می کرده است. چنانچه بعد از درگیریهای نظامی آمریکا و شکست فاحش آنها در جنگ ویتنام و در نتیجه بدنام شدن آمریکا در خارج و مورد اعتراض واقع شدن دست اندرکاران حکومت آمریکا در داخل کشور خود، گردانندگان امپریالیسم آمریکا که دیگر نمی توانستند با قدرت نظامی حاکمیت خود را بر کشورهای مختلف اعمال کنند، ساز دیگری کوک کرده و چهره کریه خود را در زیر پوششی زیبا به نام دفاع از حقوق بشر پنهان کردند. مسلم است که تغییر موضعگیریهای آنها در جهان بر روی موضعگیریهای ایادی آنها، منجمله شاه، تأثیر فراوان داشت. چنانچه اجرای برنامه حقوق بشر را «ظریفترین جنبه روابطشان با ایران» می دانستند (سند شماره ۵) و برای این کار نه تنها از راه صحبت با مقامات ایرانی و به ویژه شاه وارد می شدند، بلکه گاهی به صورت مخفی و به شکل یک سازمان حقوق بشر به ظاهر ایرانی وارد عمل شده و پیشنهادهای مردم فریبی را ارائه می دادند. چنانچه سولیوان، جاسوس آمریکایی چنین می گوید: «یک راه مؤثرتری که من برای درافتادن با این مسئله پیدا کرده ام این است که از طریق میانجیگری یک سازمان خصوصی غیردولتی کار کنیم. یک نماینده برجسته آن سازمان که نسبت به پیشنهادات من تأثیرپذیر است به نام خودش طرحهایی برای اصلاح حقوق بشر به مقامات ایرانی ارائه می دهد. البته با وجود اینکه او در مورد تاکتیکهایش با من مشورت می کند ولی خودش مسئولیت تمام پیشنهاداتش را به عهده می گیرد. به این وسیله ایرانیها می توانند و توانسته اند که اجرای حقوق بشر را توسعه دهند بدون اینکه اینجا نشان داده

شود که آنها توسط یک دولت خارجی، اگرچه دوست، به این لاف زدنها پرداخته اند.» (سند شماره ۵) با پیاده شدن سیاست آمریکایی حقوق بشر در ایران با این هدف که چهره آمریکا و ایادی داخلیش در زیر این ماسک پر زرق و برق پوشانده شود، اینها به خیال خودشان نه تنها مشروعیتی برای رژیم عامل امپریالیسم کسب می کنند، بلکه می خواهند بدین وسیله جلوی ایجاد هرگونه هسته حرکت انقلابی را بگیرند و حتی بعد از قیام مردم مسلمان قم در ۱۹ دی ماه ۱۳۵۶ نیز اینها خیال می کنند که با ادامه این سیاست احتمال سازماندهی دوباره مردم مسلمان توسط رهبران مذهبی و ترتیب دادن تظاهرات دیگری وجود ندارد، ولی به این نکته پی می برند که باید بر روی مسئله جدایی انقلابیون مسلمان از سیاستمداران سازشکار تکیه داشته باشند و به همین دلیل نه تنها در تحلیل هایشان از این مسئله صحبت می کنند، بلکه در عمل سعی در جدا نگهداشتن رهبران مذهبی خواستار تغییرات اساسی، از غیر مذهبیون طرفدار مدرنیزه شدن بودند. (سند شماره ۶) مسلم است که افرادی که می توانستند در داخل ایران در جهت آمریکا کار کنند نمی توانستند از گروه اول یعنی روحانیون، باشند. به همین جهت آمریکای جنایتکار بر روی حرکتی که آشکارا برای منزوی کردن روحانیت بیدار و مبارز و محو اسلام به طور منظم در ایران طرحریزی شده بود صحه می گذارد و آن را به عنوان یک عمل دلسوزانه و مفید معرفی می کند (سند شماره ۶ در ظرف ۱۵ سال). بنابراین در این زمان امید امپریالیسم به گروه دوم یعنی غیرمذهبیون طرفدار مدرنیزه شدن و نیز جناح میانه رو و به ظاهر مذهبی است تا با حرکت دقیق در خط آمریکا بتوانند شاه و از آن مهمتر

موقعیت استراتژیک و نفت ایران را برای آمریکا حفظ کنند و قابل توجه است که برای تکمیل این حرکت، این جاسوس کهنه کار، فعالیت گروهی را که او آنها را مارکسیست اسلامی می نامد، لازم می داند: «به هرحال مشکل بتوان پیش بینی کرد که وضع موجود تا چه حد قابل دوام است مگر این که زمانی برسد که آیت اللّه های مترقی قادر به اعمال نفوذ باشند و این نفوذ را به طرزی دقیق و اکید روی مقلدین خود از طریق وضع مقررات سخت پیاده کنند و این مسئله به خاطر تجارب گذشته محتمل به نظر می رسد، خصوصاً اگر این وسط مارکسیستهای اسلامی آب را گل آلود کنند.» (سند شماره ۶) همان طور که دیدیم پیش بینی آمریکا در مورد این گروه صحیح بود و برق سیاستهای عوام فریبانه حقوق بشر چشم گروهی که در ایران همواره از ناآگاهی مردم می نالیدند را خیره کرده بود. به طوری که حتی بعضی معتقد بودند که می توان با واسطه قرار دادن آمریکا، شاه را به برآوردن خواستهای آزادیخواهانه شان وادار کنند !! امری که به گفته عامل سرسپرده CIA، «سولیوان»، آمریکا یا نمی خواهد و یا در بعضی موارد نمی تواند انجام دهد! (سند شماره ۸: اگر عناصر مخالف همان طور که بسیاری از افراطیون...).

آن طور که پیدا بود و قبلاً نیز ذکر شد، آمریکا اوائل و حتی بعد از قیام مردم مسلمان قم، به این حرکت اسلامی بهایی نمی داده است و نه تنها این حرکت را چیزی نمی شمارد بلکه احتمال حرکت مشابه دیگری را نداده و به فکرش نمی رسد که انقلابی در حال تکوین است، بلکه آن را حادثه ای می داند که برای شاه قابل کنترل بوده و می توان جلوی حرکات مشابه را با قدرت کامل گرفت. ولی پس از چندی با ادامه حرکت مردم قم در تبریز و دیگر شهرهای ایران، به فکر بررسی حرکت می افتد و برای این کار ابتدا رهبری آن را مورد مطالعه قرار می دهد تا شاید بتواند از این راه یا انقلاب را از بین برده و یا آن را از مسیر اصلی منحرف سازد. طبق تحلیل آنها ثبات داخلی ایران توسط اتحاد نیروهای محافظه کار مذهبی و نخبگان متجدد رژیم پهلوی تأمین می شد و هر شکافی بین این دو گروه جداً به عدم ثبات داخلی منتهی شده و شرایطی به

وجود می آمد که جناح قدیمی مخالف سلطنت و جبهه ملی از آن استفاده نمایند و برداشت آنها از رهبری جنبش نیز چنین است که: «خمینی در عراق نشسته و یک جریان افراطی به راه انداخته است و رهبران محافظه کار سودمند تشخیص داده اند که با وی همراه شوند، گرچه انگیزه آنها متفاوت است. این رهبران بیشتر می خواهند تا توجهات را به شکایاتشان جلب کنند و به همین دلیل تا وقتی که دولت توجه کمی به آنان می نمود، آنها دلیلی برای خودداری از حمایت از خمینی نداشتند!!»(۱)

آنچه مهم است این است که تا این مراحل هنوز روی شاه به عنوان بهترین حامی منافع آمریکا در ایران حساب می شد، بنابراین هرگونه برنامه ای در قالب سلطنت شاه ریخته می شد، زیرا شاه را «مناسبترین فرد برای رهبری مردم به سوی یک سیستم دمکراتیک تر» (سند شماره ۴۸) و سلطنت را مهمترین نهاد اجتماعی ایران می دانستند و می خواستند زمینه را به شکلی آماده کنند که شاه، دور از دسترس مردم و با چهره ای دمکراتیک خدمت به آمریکا را ادامه دهد. ولی آمریکا همزمان با پشتیبانی از شاه سعی در استفاده از اختلاف نظر بین افرادی داشت که در رهبری انقلاب نقش مؤثری داشتند، و می خواست که شخص محافظه کار، مذهبی یا غیرمذهبی را به عنوان رهبر انقلاب به مردم معرفی کند: «میانه روهایی مانند آیت اللّه شریعتمداری در این زمان خودشان را برای مخالفت آشکارا با خمینی توانا نمی بینند. اگرچه به

۱- از همین اختلاف انگیزه ها می توان ریشه های مخالفتهای جناح محافظهکار (مذهبی یا غیرمذهبی) با خط اصیل انقلاب یعنی همان رهبری سازش ناپذیر امام را شناخت.

طوری که گزارش شده آنها هنوز برای متعادل کردن جنبش مذهبی تلاش می کنند و بدون شک از فرصت مشارکت در جریان انتخاباتی که آنها را به طور کامل تابع خمینی که در خارج کشور است ننماید، استقبال می کنند.» (سند شماره ۴۳) و یا به دنبال افرادی هستند که فقط با شاه مخالفت داشته باشند و بر علیه منافع آمریکا سخنی نگویند.

همان طور که گفتیم آمریکا روی رهبران میانه رو حداقل به عنوان جناحی معتدلتر نسبت به امام، امیدوار بوده است و همراه با اوج گیری انقلاب، آمریکا نیز به تلاشهای خود ادامه می داده است تا اینکه به ماه رمضان یعنی فراز دیگری از انقلاب اسلامی می رسیم. در یکی از اسنادی که در این ماه نوشته شده چنین آمده: «بسیاری از ناظران در اینجا امیدوارند که در پایان ماه رمضان واقعه به پایان می رسد، ولی ما رفته رفته بیشتر مردد می شویم. ما معتقدیم که رهبران مذهبی حتی میانه روها احساس تسلط می کنند و فکر نمی کنیم که بخواهند فشار را کم کنند، مگر اینکه دست کم رضایتهایی به دست آورند. شاه در حال حاضر روی عصای شکسته تکیه دارد. یقیناً او تقریباً می توانست به طور موفقیت آمیزی جنبش مذهبی را در حال حاضر با دستگیریهای دسته جمعی و به کمک خونریزی زیاد فرو بنشاند. اما این عمل کار ساده ای نیست. زیرا برخلاف ۱۹۶۳ فعالیتهای ناراضیان در سطح کشور گسترده است و خرابکاریها معمولاً توسط تعدادی گروهها در بخشهای جداگانه شهرهای کوچک و بزرگ اعمال می شود. اگر او این کوره راه را انتخاب کند نقی ادعای اعطای آزادی او خواهد بود و انتقادات خارجی مهمی را که نسبت به آنها حساس است به خود وارد خواهد کرد.» (سند شماره ۴۳) و در اواخر ماه رمضان است که می خواهند فردی از ایادی پلید خودشان را که تاحدی چهره مذهبی داشته باشد بر سر کار آورند و به همین دلیل شریف امامی متظاهر به مذهب به جای آموزگار که در برخورد با عناصر مذهبی صرفاً از روی یکدنگی عمل می کرد به نخست وزیری منصوب می شود و در ظاهر شروع به اقدامات اصلاحی مانند آزادی تشکیلات حزبی و

فعالیتهای سیاسی، آزادی مطبوعات و بردن لایحه هایی مانند لایحه استقلال دانشگاه و غیره به مجلس می کند. به مجلس اجازه انتقاد از دولت (بدون آنکه از شاه و آمریکا صحبتی بشود) می دهند و رسانه های گروهی این انتقادات را منتشر می کنند، که این بنا به گفته یکی از مفسران لانه جاسوسی فقط می تواند سوپاپ اطمینانی برای جامعه ایران باشد. در این سند به خوبی موقعیت شاه در مقابل مردم نشان داده شده و بیان می شود که اگر شاه راه حل نظامی را در پیش گیرد این نقی برنامه های اعطای آزادی او خواهد بود. دیدیم که مدت کمی بعد از این تحلیل ۱۷ شهریور فرا می رسد و ماهیت برنامه های اعطای آزادیهای دمکراتیک شاه بر مردم بیشتر روشنتر می شود و شاه در ۱۷ شهریور کوره راه مذکور را در حالی انتخاب می کند که یکی از رهبران بلوک شرق را به عنوان مهمان در کنار خود داشت و پس از خونریزی نیز نه تنها انتقاداتی از طرف مجامع غربی به او وارد نشد، بلکه برای او در اجرای سیاست حقوق بشر اظهار امیدواری نیز شد (تلگراف کارتر به شاه). آنچه در کل جریانات از اول انقلاب تا این مرحله واضح است، این است که آمریکا به علت سیاست حقوق بشری که در پیش گرفته بود و برای پنهان کردن چهره کریه خود با راه حلهای نظامی موافق نبوده، ولی در این مرحله مشاهده می شود که بعد از دسته گلی که حکومت نظامی به آب می دهد نه تنها مخالفتی نمی کند، بلکه برای شاه و دولتش آرزوی موفقیت نیز می نماید. به هر حال دولت شریف امامی بسرکار می آید و یک سری آزادیهای ظاهری می دهد و آن طور که دیدیم این آزادیها از نظر بسیاری از آنهایی که در حقیقت تحت تأثیر فرهنگ غربی بودند، صادقانه و صحیح بود و جالب اینجا

است که آمریکا هم برای دادن این آزادیها به شاه فشار می آورد: «ما باید مصراً به شاه در مورد دادن آزادی فشار بیاوریم و در این صورت ایرانیانی که این را می بینند، حداقل اعتماد پیدا خواهند کرد که این منظور ما است و ما به طور مشابه نسبت به رژیمهای آینده استوار خواهیم بود. اگر شاه واقعاً در جهت انتخابات آزاد، احزاب سیاسی، یک مجلس آزادتر و آزادی بیان سیاسی حرکت کند، او شروع خواهد کرد که مملکتش را از عقب افتادگی کامل سیاسی نجات دهد و به یک آینده معقولانه با ثبات پس از خودش امید داشته باشد. حاصل این کار می تواند تا حدی حمایت یکسره ما را از شاه در گذشته جبران کند و به ایران بهترین شانس درازمدت را بدهد که یک ملت قابل دوام قادر و متمایل به ایفای نقشی که برایش آرزومندیم باشد.» (سند شماره ۵۶) می بینیم که به طور واضح بیان می شود که آنها هستند که به شاه برای دادن آزادیهای سیاسی فشار وارد می آورند و این برنامه به بهترین وجهی در زمان شریف امامی دنبال می شود. مسلم است که هدف آمریکا از این برنامه رسیدن به اهداف واقعی خود که در ابتدای مقدمه تشریح شد می باشد، وگرنه آمریکا معتقد است که «مردم نمی دانند چه می خواهند و اگر انتخابات برگزار شود معلوم نیست که چه کسی باید آن را برگزار کند و اگر مجلس آزادی تشکیل شود، نمایندگان نمی دانند چه بکنند به ناچار شاه باید به حکومتش ادامه دهد». (سند شماره ۶۰) این تحلیل انسان را به یاد حرف کارتر می اندازد که در همان اوقات گفت که چون آزادی برای مردم ایران زود است، شاه مجبور به کشت و کشتار شده است. از طرف دیگر در این سند بیان شده است که هدف آمریکا از این فشار نسبت به شاه خوب جلوه دادن چهره خودش در ایران است تا اگر شاه نتوانست منافعش را حفظ کند و رژیم دیگری بر سر کار آمد بتواند از آن رژیم نیز در جهت اهداف خود استفاده کند، هرچند که در آن زمان هنوز به بقای شاه تا حدی امیدوار بود.

در زمان شریف امامی گفتگو با سیاستمداران به طور وسیعتری ادامه می یابد و حتی خیلیها جذب می شوند، ولی اینها درمی یابند که هرچند عده ای را به طرف خود بکشند و مجذوب برنامه های

عوام فریبانه خود کنند، باز این روحانیون شیعه هستند که با وجود اختلافات داخلی خود هنوز مؤثرترین گروه مخالف را تشکیل می دهند: «روحانیون شیعه که مؤثرترین گروه مخالفین را تشکیل می دهند، همچنین در میان خود با یکدیگر متفاوتند. بانفوذترین رهبر آنها، آیت اللّه خمینی تبعید شده، سالها خواستار سرنگون کردن شاه و برقراری یک حکومت الهی بوده است و بنابراین عملاً هیچ شانسی نیست که شاه یا هرگونه حکومت غیرمذهبی با او به یک راه حلی برسد. چهره های مترقی مذهبی در ایران از جمله شریعتمداری روحانی سرشناس خواستار نقش کاهش یافته تری برای شاه و اجرای نظارت بر قوانین از سوی یک کمیته روحانیون هستند که تطبیق قوانین را با تعالیم اسلامی تشخیص دهند.» (سند شماره ۶۴) بنابراین واضح است که آمریکا که دیگر امید چندانی برای سازش با رهبران مذهبی نداشته، دل به سیاستمداران جبهه ملی می بندد: «سیاستمداران به ویژه آنهایی که با جبهه ملی وابستگی دارند و همچنین رهبران احزاب مستقل کوچک که به پیش بینی انتخابات ۱۹۷۹ تشکیل شده است، اکثراً تقاضا دارند که نقش شاه به نحو محسوسی کاسته شود و یک سلطنت مشروطه با نخست وزیر مستقل از شاه برقرار شود. این گروه از سوی بخش مهمی از طبقه متوسط مدرن پشتیبانی می شود، ولی از داشتن حمایت پیروان متعصب ملاها برخوردار نیست. این ملغمه از مخالفان غیرنظامی از لحاظ اصولی با برنامه شاه درباره مدرنیزه کردن جامعه و اقتصاد ایران مخالفتی ندارد و از هرگونه توسعه آزادیهای سیاسی بیشترین استفاده را می برد. بنابراین شاه و حکومت شانس بهتری از سازش با این گروه را دارد تا با هرگونه عنصر

دیگری از مخالفان...» (سند شماره ۶۴) البته مردم ایران خود شاهد اعمال چنین سیاستمدارانی بودند و لازم به توضیح در این مورد نیست، ولی یک سؤال پیش می آید که آیا اینها مگر خواب بودند و مردم را نمی دیدند و صدای مرگ بر شاه مردم را در زیر رگبار مسلسلهای شاه نمی شنیدند که با شجاعت تمام! خواستار نقش کاهش یافته تری برای شاه می شدند و لابد وقتی که شاه آمریکایی که برای ادامه سیاستهای وابسته اش به اینها دلبسته بود و به اینها مقامی پیشنهاد می کرد، این را دلیل پیروزی خود نیز می دانستند!! سند اخیر مشخص می کند که این سیاستمداران فقط از طرف طبقه متوسط مدرن پشتیبانی می شدند و بین توده مستضعف پشتیبانانی ندارند و تحلیلگران آمریکایی اذعان می دارند که هرچقدر اینها سازمان یافته باشند، نیرویشان از نیروی متکی به مردم کمتر است: «دهها هزار ملای شیعه هرچند از لحاظ سیاسی خوب سازمان یافته نیستند، تماس مستقیم تر و منظم تری با توده های ایران دارند تا حکومت یا مقامات حزبی...» (سند شماره ۶۴) ولی با این همه پیش بینی یک حکومت مذهبی را نمی کنند: «ما پیش بینی نمی کنیم که یک حکومت تحت کنترل رهبران مذهبی روی کار آید، هرچند احزابی که شالوده مذهبی دارند ممکن است به وجود آید.» بعد از مدتی که شریف امامی یعنی آخرین مهره مؤثر در ادامه سیاستهای حقوق بشر آمریکایی نتوانست دردی را دوا کند، مسئله جانشینی شاه توسط بازماندگانش یا یک گروه نظامی یا رژیم دیگر برای آمریکا مطرح می شود. در این زمان می بینیم که برخلاف روشهای حقوق بشری آمریکا که موافق راه حلهای نظامی نمی باشند، به فکر جانشینی شاه توسط یک رژیم نظامی و اقدامات نظامی دیگر می افتند و به تجزیه و تحلیل روشهایی می پردازند که با استفاده از زور اعتصابیون را به سر کار بازگردانند، یعنی کم کم شاهد کنار رفتن ماسک حقوق بشر از چهره کریه امپریالیسم آمریکا می شویم: «شما بهترین تجزیه و تحلیل خود را در مورد روشهای کوتاه مدت و درازمدتی که در آنها با استفاده از زور اعتصابیون را به سر کارهاشان بازگردانده و تظاهرکنندگان را از خیابانها دور نگه می دارد برای ما بفرستید.

می توان گفت در کنار چنین سیاستی دربند کشیدن (کنترل) مطبوعات و دانشگاهها لازم است.» می بینیم که چه ساده از سرکوبی تظاهرکنندگان صحبت کرده و برای گرفتن آزادیهایی (!) که برای دادن آن به شاه فشار وارد می آوردند، نقشه می کشند و دیدیم که چه ساده با همت مردم مسلمان ایران تحت رهبری سازش ناپذیر امام، در اواخر دولت شریف امامی، آمریکا همه رشته هایش را پنبه شده دیده و درمی یابد که در این مملکت دیگر شاه نمی تواند برایش نقشی ایفا کند، زیرا حرفهایش را دیگر کسی باور نمی کند، پس کم کم به فکر تعویض وی می افتد. دولت شریف امامی نیز که با کشتار ۱۷ شهریور خدماتش را شروع کرده بود، با کشتار ۱۳ آبان وظیفه اش به پایان می رسد و آمریکا تن به چیزی می دهد که طبق سیاست حقوق بشر به آن راضی نبود، یعنی دولت نظامی، یا بهتر بگوییم ماهیت واقعی آمریکا روشنتر می شود... لازم به تذکر است که اسناد تحلیلی که در این رابطه در لانه جاسوسی به دست آمده اند، به همین اسناد محدود نمی شود، بخشی از این تحلیلها که به قبل از ۱۹۷۸ برمی گردد در کتاب شماره ۸ آمد و دنباله این اسناد تا تاریخ اول نوامبر ۱۹۷۸ در این کتاب آورده می شود و ادامه این تحلیلها را تا تاریخ ۲۲ بهمن، پیروزی انقلاب اسلامی ایران و پس از آن تا اشغال لانه جاسوسی را در کتابهای دیگری خواهیم آورد.

لازم به یادآوری است که بخاطر حجم زیاد این کتاب مجموعه آن در دو جلد ۱۲ و ۱۳ به طبع رسیده است.

«دانشجویان مسلمان پیرو خط امام»

خط مشی کشوری و تحلیل برنامه، ایران

سند شماره (۱)

سری

خط مشی کشوری و تحلیل برنامه، ایران

الف: اهداف خط مشی اصلی و کاربرد آن

۱ جهت حصول حاکمیت مستقل و تشکل منطقه ای ایران، لازم است.

a خواست ایران مبنی بر مستقل ماندن و دفاع از خود.

b توانایی خنثی کردن حملات محدود روسها در خاک ایران و در صورت تجاوز روسیه یا کشورهایی به حمایت او، تعویق حمله تا فرا رسیدن عکس العمل هم پیمانان ایران.

c اطمینان از وفاداران داخلی، مخصوصاً در نواحی که ممکن است شورشهای وابسته به خارج در آنجاها روی دهد.

d توانایی کنترل اغتشاشات در صورت وقوع.

e توانایی خنثی کردن و در صورت لزوم مقاومت به تنهایی در برابر حمله کشورهای همسایه بدون حمایت روسیه.

۲ جهت حصول روابط همکاری بین آمریکا و ایران به خصوص در موضوعات نظامی، لازم است:

a ادامه توجه ایرانیان به دوجانبه بودن منافع ایران و جهان آزاد.

b فواید دوجانبه روابط نظامی بین ایران و آمریکا.

c داشتن تصور مطلوبی از آمریکا به صورت تضمین کننده مؤثر امنیت ایران و اینکه آمریکا دولت قدرتمندی است که در مورد استقلال و پیشرفت ایران علاقمند است.

d خصوصاً این تصور که قبول کند که آمریکا نه تنها به صورت حامی طبقه برگزیده فعلی است، بلکه

مدافع جانشینان این نخبگان نیز می باشد.

e اثبات علاقه شدید ما به این هدف که خواهانیم ایران کمتر وابسته به کمک خارجی باشد.

۳ برای اطمینان از ثبات توأم با تغییرات تکاملی لازم، به طور منظم لازم است که :

تکاملی لازم، به طور منظم لازم است که:

a حفظ موقعیت شاه به عنوان الگوی قدرت و سمبل وحدت ملی.

b تعادل صحیح بین برنامه های نظامی و برنامه های اقتصادی و اجتماعی.

c رشد اقتصادی سریعتر از رشد جمعیت و تأمین منافع ملموس مردم ایران یا وعده سعادتمندی در آتیه نزدیک با برخورداری از منافع ملموس.

d احساس تحرک، روح اصلاح و انتظار عدالت اجتماعی.

e توانایی کنترل بینظمی های داخلی و حفظ امنیت داخلی بدون توسل به سرکوبی مستبدانه.

f بالا بردن هوشیاری ملی خصوصاً در ایرانیان شهرنشین با این احساس که «با رضایت مردم حکومت انجام می گیرد».

g بالا بردن سطح مهارت در کاربرد اقتصاد جدید و حکومت مؤثر.

۴ برای اطمینان از امکانات نفت ایران برای دوستان اروپایی ما، لازم است:

نگهداری جو همکاری موجود بین ایران و شرکتهای نفتی غربی.

سری غیرقابل رؤیت برای خارجیان

برگ خط مشی ملی

اهداف آمریکا

اهداف آمریکا در ایران منوط به چهارچوب خاص روابط با رژیم سلطنتی کشور است. پادشاهی ایران آرامشی را که هنوز داده نشده است، از طریق نهادهای عمومی یا تجربیات طولانی سازمان یافته در امور سیاسی تأمین می کند. این امر در حال حاضر تنها عاملی است که می تواند در کشور استمرار خط مشی عمومی را تأمین کند. در حالی که اختلاف مواضعی بین ما و شاه وجود دارد، اما این امر بیشتر جنبه تأکید دارد تا اصالت و این مسئله با توجه به اشتراک عقایدی که ما در اغلب مسایل اساسی در خط مشی داخلی و خارجی با او داریم، چندان مهم نیست. در حالی که آمریکا تعهدی در حمایت از هیچگونه شکل حکومتی خاص در ایران ندارد، شاه فعلاً از عهده حفاظت منافع اصلی امنیتی ما در ایران برمی آید و تنها شخصیتی است که می تواند راهبر ایرانیان شورشگرا باشد. بدین طریق تا ظهور منبع قدرت مؤثر دیگری که ما انتظار آن را طی ۲ تا ۵ سال آینده نداریم. حمایت از شاه و برنامه های اصلاحی او منتهی به شرایط اساسی دنبال گیری اهداف زیرین ما می گردد:

۱ یک ایران مستقل و شدیداً متکی به خود، آزاد از هرگونه وابستگی یا تجاوز خارجی که بخواهد با غرب در مسایل زیر همکاری نماید:

a انجام اقداماتی در رابطه با قدرت ایران جهت عقیم گذاشتن فعالیتهای نامشروع شوروی در ایران و جلوگیری از توسعه طلبی روسها در مورد سوئز و خلیج فارس.

b در دست قرار دادن خاک ایران برای نیروهای غربی در صورت درگیری که شامل امتیازات پروازی است.

C ترغیب توسعه روابط با کشورهای همسایه به طریقی که در اثر مرور زمان روابط دوستانه ای بین ایران و کشورهای غیرکمونیست همسایه به منظور حصول ثبات بیشتر و همکاری خاورمیانه ای به خصوص در ناحیه خلیج فارس برقرار شود.

۲ تکامل روابط دوجانبه جدید بین آمریکا و ایران در جوی که درک عمومی ایرانیان رو به افزایش می باشد و نقش ایالات متحده در کمک به ایران برای توسعه ملی بیشتر به جای هدایت مسیر آن.

۳ یک دولت مؤثر در ایران، از راه افزایش نیرو و بهبود وضع اداری، منجر به کسب احترام بیشتری به خصوص بین روشنفکران (معلمین، دانشجویان، افراد متخصص یا مقامات محلی و غیره) خواهد شد.

۴ یک اقتصاد سالم که هزینه های نظامی و توسعه کشور را متعادل سازد، تا اینکه رشد سریع فعلی ثروت کشور منظماً به کار رفته تا باعث رشد اقتصادی خودکفا و بالابردن سطح زندگی شود.

۵ توسعه و تقویت نهادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که وسایل انتقال منظم و صلح جویانه قدرت را در صورت لزوم تأمین کرده و در درازمدت اشتراک رو به افزایش بخشهای رو به توسعه اجتماع را در دولت خود تسهیل کنند.

۶ استمرار دسترسی غرب به منابع ایران، به خصوص نفت، با مواضع قابل قبول.

۷ استمرار دسترسی آمریکا به بازار در حال توسعه ایران.

اهداف و مقاصد سفیر در ایران

ص: ۶۶۶

سند شماره (۲)

از : وزیر امور خارجه واشنگتنتاریخ: ۱۱ دسامبر ۱۹۷۷ ۲ آذر ۱۳۵۶

به : سفارت آمریکا تهران ۱۰۲۵

طبقه بندی : سری

شماره سند: ۱۱۲۶۹

موضوع : اهداف و مقاصد سفیر در ایران.

۱ این تلگرام حاوی بیان و اهداف و مقاصد سیاست خارجی ایالات متحده در ایران است. پیام جداگانه ای اطلاعات مشروح را در مورد طرحها و تکمیل آنها و مرور مطالب تهیه خواهد کرد.

۲ آغاز متن:

الف) یک رابطه سیاسی اقتصادی مستحکم بر مبنای اعتماد و اطمینان...توسعه و تحکیم یک رابطه براساس اعتماد و اطمینان با شاه.

...تشخیص دادن دامنه تماسهای سفارت در قسمتهای مهم جامعه ایرانی و برداشتن گامهای لازم، گسترش روابط، همچنین در نظر گرفتن موقعیتهای احتمالی که از سیاست لیبرالیستی (آزادی ۰ فضای باز سیاسی) جدید ایران به وجود می آید.

...با نخست وزیر آموزگار و اعضای کابینه اش تا حد امکان همکاری نموده در متعادل نمودن اوضاع که در سه سال قبل به وجود آمده وی را یاری دهید.

ب) افزایش روابط بین ایران و آمریکا در زمینه های غیرنظامی.

تشویق ایران به سیاست تأمین کننده نفتی قابل اعتماد برای ایالات متحده و نزدیکترین دوستانش و اتخاذ یک سیاست میانه روی در قیمت گذاری نفت، برنامه ها و سیاستهای انرژی ایالات متحده و نیاز

اقتصاد جهانی به یک قیمت نفت معتدل را تشریح نمایید.

...سهم قابل ملاحظه ای در بازار داخلی ایران را به نفع آمریکا به دست آورده، و از نفوذ دفتر سفیر سفیر (سفارت آمریکا) در صورت عدم دسترسی به مراکز بازرگانی آمریکایی برای استفاده از فرصتهای تجاری استفاده نمایید.

...تشخیص این مسئله که چگونه می توان همکاریهای دوجانبه ایران و آمریکا را مؤثرتر نمود، و اینکه چگونه می توان بخش خصوصی ایالات متحده را بیشتر در این مسئله وارد کرد.

...به طور نزدیک با شاه و دکتر اعتماد از سازمان انرژی اتمی ایران همکاری کنید، تا راهی پیدا کنید که بتوانیم به اهداف عدم ازدیاد (سلاح) رئیس جمهور برسیم و به یک موافقت دوجانبه با ایران دست یابیم.

...تجهیزات گردآوری اطلاعات در ایران را تأسیس و حفظ نمایید.

...حمایت از کوششهای در حال انجام برای به کار گرفتن بیشتر دولت ایران در برنامه مواد مخدر برای افغانستان.

...بهبود روشهای مرتبط به دانشجویان ایرانی خواستار تحصیل در دانشکده های ایالات متحده و انجام همکاریهای لازم برای پیشرفت سیستم دانشگاهی ایران.

...ادامه فشار بر ایران برای پرداخت کامل بدهیهای عقب مانده به آمریکا.

ج) هماهنگی در روابط نظامی که شامل برنامه تهیه وسایل نظامی نیز هست.

...صحبت محتاطانه ای را با شاه در مورد احتیاجات نظامیش آغاز کنید، با این هدف که توجه او را از تقاضای خرید تجهیزات نظامی غیرضروری منحرف سازید.

...با دقت موارد فروش وسایل نظامی خارجی (غیرآمریکایی) حاضر و پیش بینی شده را تحت کنترل بگیرید.

...به دقت فعالیتهای نمایندگان سازندگان اسلحه ایالات متحده را تحت نظر بگیرید تا مطمئن شوید که آنها قوانین جدید را در مورد بالا بردن میزان فروش رعایت می کنند، و راههایی پیدا کنید که تعداد کارکنان قراردادی وابسته دفاعی ایالات متحده در ایران را به تعداد لازم کاهش دهید.

...رابطه تهیه وسایل نظامیان را کنترل کنید تا مطمئن شوید که احتیاجات مشروع دفاعی ایرانیان در چهارچوب قوانین جاری انتقال سلاح برآورده می شود.

حق پرواز بر فراز ایران را نگهدارید و اجازه ورود کشتی های نیروی دریایی را به بنادر ایران بگیرید. د) ابقاء کیفیت متعادل ایران در امور منطقه ای.

...ایران را به اتحاد سیاستی معتدل در قبال مسئله اعراب و اسرائیل و حمایت از سیاست ما درباره مذاکرات صلح در خاورمیانه وادار سازید.

ادامه روابط مثبت ایران با اسرائیل را که شامل تهیه نفت هم باشد، تشویق کنید.

...مخالفت ایران با فعل و انفعالات پاکستان را تداوم بخشید.

...از همکاری ایران و عربستان سعودی در رابطه با امنیت خلیج فارس حمایت کنید و همراه ایران در جریان امور پیشرفتهای امنیتی مربوطه، در میان همسایه های ایران، قرار داشته باشید.

...ایران را تشویق کنید از ابتکارهای اساسی ما در آفریقا حمایت کند.

ه) پیشرفت در اجرای حقوق بشر ایران.

...با شاه و دیگران، در موقعیتهای مناسب، سیاستهای حقوق بشر ایالات متحده را مرور کنید. بهبود وضعیت حقوق بشر را در ایران تشویق کنید، مثلاً با اشاره کردن به پیشرفتهای مثبت مورد علاقه و با توضیح انعکاسهای ناشی از تصویر نامساعد حقوق بشر ایران در جهان، توجه وی را به این مسئله جلب نمایید.

پایان متن

کریستوفر

هیئت نمایندگی کنگره (به ریاست) ولف

ص: ۶۶۸

سند شماره (۳)

تلگرام

تاریخ : ۲۱ دسامبر ۱۹۷۷ ۳۰ آذر ۱۳۵۶

از : سفارت آمریکا در تهران

برای اقدام : وزارت امور خارجه

شماره : تهران ۱۱۲۶۹

استفاده محدود اداری

موضوع : هیئت نمایندگی کنگره (به ریاست) ولف

۱ نخست وزیر پیشنهاد کرده است که برای هیئت نمایندگی کنگره (به ریاست) ولف ضیافت نهاری برای کسب اطلاع درباره کار و علائق این هیئت نمایندگی ترتیب دهد. در این ضیافت نهار نمایندگان کنگره به اضافه کارمندان ارشد این نمایندگان حضور خواهند داشت. سفارت قبل یا بعد از نهار ترتیب گزارش خلاصه را خواهد داد و این بستگی به ترتیب زمان خواهد داشت. به همسران و بقیه کارمندان فرصت داده خواهد شد تا از شهر با اتوبوس دیدن کنند و به دیدن بنای یادبود شهیاد بروند. همچنین اگر هیئت نمایندگی کنگره مایل باشد، نخست وزیر مایل است بدون صرف نهار خلاصه مطالب را با تمام گروه در میان بگذارد.

۲ سفیر شدیداً به هیئت نمایندگی کنگره توصیه می کند دعوت نامه نخست وزیر را بپذیرند. آموزگار یک فرد زیرک و باریک بین و در عین حال زباندار و پرتحرکی است که نقش مهمی را در حکومت ایران از اواخر دهه ۵۰ به ویژه در سالهای اخیر به عنوان نماینده اوپک ایفا کرده است و هنگامی که در سالهای ۷۶ ۱۹۷۴ وزیر کشور بود چهره مهمی در برنامه کنترل مواد مخدر ایران به شمار می رفت.

۳ پس از اینکه وزارت دربار (شاه) از نخست وزیر خواسته است که این وظیفه را انجام دهد، در صورتی که هیئت نمایندگی کنگره جلسه ملاقات با وی را لااقل در سطح دادن گزارش خلاصه رد کند، این امر سوء تعبیر خواهد شد و اثر منفی خواهد داشت، ولی ما یقین داریم هیئت نمایندگی کنگره میل ندارد یک چنین تأثیری برجا گذاشته شود.

۴ خواهشمند است مشورت نمایید.

میکلوس

اهداف و مقاصد در ایران

ص: ۶۶۹

سند شماره (۴)

از : سفارت آمریکا در تهرانتاریخ : ۱۰ ژانویه ۱۹۷۸ ۲۰ دی ۱۳۵۶

به : وزیر امور خارجه واشنگتن

طبقه بندی : محرمانه

موضوع : اهداف و مقاصد در ایران

۱ با قدردانی از مرکز شناسایی، توجه می دهیم که اظهارات و بیانیه های مربوط به اهداف و مقاصد در ایران نباید به صورت نظریه ای ثابت و لایتغیر، عنوان شود. ما با احتیاط این مسایل را از پیش در تلگراف مرجع B آزموده ایم.

اعتقاد داریم که آنها به گونه ای واقع گرایانه انجام شدنی بوده و هماهنگ با منافع اصلی ما در ایران هستند. اما این بیانیه را جرح و تعدیل کرده و آن را بسط داده ایم تا پیشرفتهای جدید و دریافتهای جزئی تغییر یافته را در مورد اینکه اهداف و مقاصد جاری ما چگونه باید باشد، در آن بگنجانیم.

بیانیه مجدد را در قالب جدید که در تلگراف مرجع B به کار برده شده، ذیلاً می آوریم:

۲ شروع متن

الف. استحکام روابط سیاسی اقتصادی بر پایه اعتماد، اطمینان و احترام دوجانبه.

حفظ و تقویت رابطه اعتماد و اطمینان که با شاه داشتیم.

ارزیابی کاربرد تماسهای سفارت در قسمتهای مهم جامعه ایران و گامهای اولیه برای توسعه روابط خود، تا حد ممکن، با نیروها و گروههایی که به موازات مدرنیزه شدن ایران، تبدیل به مراکز مهم نفوذ می شوند. این امر بایستی فرصتهایی را که اخیراً در راه تسهیل فعالیتهای سیاسی تحقق یافت، بشمار آورد و توجه شود که در بعضی موارد ممکن است متضمن خطرهایی باشد. لازمه احتراز از چنین خطراتی دست به

عصا راه رفتن است.

تشویق آموزگار و کابینه او برای اندیشیدن روی هدفهای اقتصادی دراز مدت ایران و طرح برنامه ای جامع و کامل که هدف اولیه آن ابقای گردش چرخ اقتصادی در قبال از میان رفتن محتوم درآمد نفت است. در این خصوص ایرانیها را باید در جستجوی مشاورین خارجی تشویق و حمایت نمود و از طریق IBRDو دیگر منابع مناسب رهنمود داد.

مطلع نمودن تصمیم گیرندگان و صاحبه نظران ایرانی از سیاستها و گرایشهای ایالات متحده در خصوص منافع ایران و روابط ایران و آمریکا توسط فعالیت همه جانبه کادر USIS (وزارت اطلاعات آمریکا).

ب. افزایش روابط ایران و آمریکا در زمینه های غیرنظامی.

تشویق به ادامه ذخیره قابل اطمینان نفتی برای ایالات متحده و متحدان بسیار نزدیک آن و اتخاذ سیاست معتدل قیمت گذاری. سیاستها و برنامه های انرژی آمریکا و نیاز اقتصاد دنیا برای نفت با قیمت تحمل پذیر تبیین شود.

تسهیل افزایش سهام آمریکا در بازار ایران و آمادگی برای استفاده از نفوذ دفتر سفیر به منظور حمایت، و حداقل نفوذ نامشخص تجارتخانه های آمریکایی در فرصتهای شغلی در ایران.

ارزیابی چگونگی فعالتر نمودن کمیسیون مشترک ایران و آمریکا، از جمله چگونگی وارد نمودن

کامل بخشهای خصوصی آمریکا.

پیگیری تدوین متن نهائی توافقنامه همکاری هسته ای ایران و آمریکا که منطبق با اهداف کارتر در موارد عدم گسترش سلاحهای اتمی باشد، بهمراه دکتر اعتماد و همکاران سازمان انرژی اتمی او.

ابقاء امتیازات اطلاعات جاسوسی آمریکا در ایران و ادامه فراهم آوردن سیاستهای بده بستان در پاسخ به این امتیازات. هرگونه پیشنهاد برای امتیازات اضافی باید به دقت سبک سنگین شود تا اطمینان حاصل شود که منافع فعلی را در خطر نمی اندازند.

یافتن راهی برای وارد کردن کامل ایران در امور مواد مخدر منطقه ای، که هدف آن کاهش تولید مواد مخدر در افغانستان و پاکستان و تقلیل قاچاق مواد مخدر در داخل و خارج ایران می باشد.

همکاری با وزیر آموزش و پرورش به منظور گسترش اقدامات در ارزشیابی و به جریان گذاشتن کار ایرانیانی که خواستار تحصیل در آمریکا می باشند. گسترش فرصتها برای دانشجویان ایرانی که برنامه تحصیل در آمریکا دارند به منظور دادن راهناییهای مناسب، مشورت و تعلیم انگلیسی پیش از عزیمت آنها.

ادامه زیر فشار گذاشتن ایران برای پرداخت کامل قرضه مازاد اختلاس شده.

ج. روابط نظامی هماهنگ و دقیق، منجمله برنامه ذخیره نظامی.

ابقای گفتگوی مداوم با شاه و مشاورین اصلی نظامی او در مورد نیازهای نظامی اش به منظور رد تقاضاهای فروش اسلحه غیر ضروری.

زیر نظر گرفتن کامل موارد فروش اسلحه خارجی به ایران، چه آنها که فعلاً در جریان است و چه آنها که پیش بینی می شود.

زیر نظر داشتن دقیق فعالیتهای نمایندگان کارخانجات اسلحه آمریکا، به منظور اطمینان دادن به

اینکه آنها متوجه قوانین جدید در خصوص بالا رفتن قیمت خرید هستند و به دنبال یافتن راههایی برای کاهش تعداد پرسنل مربوط به قرارداد دفاعی در ایران می باشند.

زیرنظر داشتن روابط ذخیره نظامی ما به منظور اطمینان یافتن به اینکه نیازهای مشروع دفاعی ایران در چهارچوب دستورالعمل های جاری نقل و انتقال اسلحه منطبق شده است. روابط همکاری نظامی ایران و آمریکا باید مورد آزمایش مجدد قرار گیرد تا اطمینان حاصل شود که با قانون همگانی ۹۵ ۹۲ انطباق دارد.

تشویق دولت ایران به منظور پذیرفتن مسئولیت افزایش یابنده توسعه مدیریت، برنامه ریزی و شیوه های اداری داخلی نظامی با هدف غائی از بین بردن وابستگی ایران به نصایح و کمک نظامی آمریکا.

ابقای حقوق پرواز ایالات متحده و دست یابی به بنادرِ ایران برای کشتی های نیروی دریایی.

د. ابقاء موقعیت متعادل ایران در امور منطقه ای.

تشویق ادامه نزدیکی تعادل یافته ایران به امور عرب و اسرائیل و حمایت ایران از مذاکرات صلح ما در خصوص خاورمیانه.

تشویق حفظ روابط مثبت ایران با اسرائیل، منجمله روابط نفتی.

ابقای مخالفت ایران با تغییر مجدد (نوسازی) پاکستان.

حمایت از همکاری ایران با عربستان سعودی، عمان و دیگر ایالات شبه جزیره عربی امنیت

خلیج فارس. از توسعه امنیتی در عراق و دیگر همسایگان منطقه ای ایران باید مرتب باخبر بود.

تشویق ادامه همکاری مسئولانه ایران با افغانستان، پاکستان و هندوستان در قلمروهای سیاسی

اقتصادی.

تشویق حمایت ایران از سیاستهای اصلی ما در آفریقا.

ه. پیشرفت در اجرای حقوق بشر در ایران.

مطالعه و بررسی سیاستهای حقوق بشر آمریکا با شاه و دیگر مسئولان در موقعیتی مقتضی، با تمرکز بر روی گسترش حقوق بشر (که قابل حصول است) که در تضاد با تغییرات سیستم سیاسی است (که ممکن است مداخلات خارجی را از بین برده و مضر باشد). باید توجه داشت که تصویر نامطلوب همگانی ایران در این موضوع می تواند چه تأثیری بر روی موقعیت بین المللی ایران در آمریکا و سایر جاها بگذارد.

سولیوان

هدفها و مقاصد سفیر در ایران

سند شماره (۵)

از : سفارت آمریکا تهرانتاریخ : ۱۱ ژانویه ۷۸ ۲۱ دیماه ۱۳۵۶

به : وزارت امور خارجه

طبقه بندی : سری

مراجع : (A) وزارت خارجه ۲۹۵۴۸۶، (B) وزارت خارجه ۲۹۱۲۷۷، (C) تهران ۳۶۷.

موضوع : هدفها و مقاصد سفیر در ایران

من با کمال خوشحالی استفاده می کنم تا در این تلگرام هوایی در مورد مسئله زیر با شما بحث کنم.

یعنی مسئله راههایی که من ادامه می دهم تا اطمینان حاصل کنم که این هیئت اعزامی به صورت فعالی اهداف و مقاصدی را که دولت ایالات متحده امیدوار است در ایران داشته باشد، دنبال می کند. در مرجع (C) «تیم کشوری» و من نظریاتمان را در مورد اظهار نظرهایی که مرجع Aفرستاده بود اظهار داشتیم. ما گفتیم که آن اظهارنظرها را یک برنامه رضایتبخش و منطقی برای دیپلماسی خودمان می دانیم.

اولین کار من برای رسیدن به این برنامه، سازماندهی بود. من سعی کرده ام که تیم کشوری را به صورت یک تشکیلات یکپارچه و متحد درآورم. برای انجام این کار من جلسات روزانه ای برای این تیم ترتیب داده ام و مخصوصاً رئیس مستشاری نظامی را در این جلسات روزانه شرکت می دهم. نظر به این که او کنترل عظیم ترین عنصر مأموریت (یعنی بیش از ۱۳۰۰ افسر نظامی ایالات متحده، افراد نام نویسی کرده و کارمندان معمولی ایالات متحده) را به دست دارد و اداره پرخرج ترین برنامه را (یعنی ۱۸ میلیارد دلار) به عهده دارد. من معتقدم که این حرکت من فعال بودن سازمان این مأموریت را به طور چشمگیری افزایش داده است. بدنبال طرحهایی که من در مأموریتهای بزرگ دیگرم به کار بردم سعی می کنم که بیشترین حجم ممکن فعالیتهایمان را در جلسات روزانه متمرکز کنم، تا هر عنصر تیم کشوری از فعالیتها و مشکلات بقیه

اعضای تیم آگاهی پیدا کند. من گسترده ترین تشریک مساعی اطلاعاتی ممکنه را در بین اعضای تیم کشوری، و شرکت اعضاء را در تنظیم صلاحدیدهای سیاسی تحت ریاست معاون هیئت اعزامی تشویق می کنم.

بر مبنای این پایه تشکیلاتی، هیئت اعزامی این وظیفه را به عهده گرفته که طرحهای متعدد و پیچیده را عملی سازد. من آنها را تحت عنوانهای اصلی که در مرجع A به کار رفته دوباره بررسی خواهم کرد.

الف) یک رابطه سیاسی اقتصادی طولانی و محکم بر پایه اعتماد و اطمینان.

زمانی که دولت کارتر سرکار آمد، شاه و دولت ایران درباره علاقه او به این منطقه از جهان، تعهدات او به توافقنامه های گذشته و موضعگیریش در مورد شاه به عنوان یک حاکم مطمئن نبودند. در نتیجه دیدار شاه از ایالات متحده در واشنگتن در نوامبر و دیدار رسمی پرزیدنت کارتر از تهران در اواخر دسامبر، این شک و تردیدها کاملاً از بین رفت. در نتیجه انعکاس این وضعیت، من احساس می کنم که توانسته ام آن رابطه اعتماد و اطمینان را با شاه توسعه دهم. من به طور منظم با او صحبتهای طولانی در مورد تمام مسایل داشته ام و این صحبتها و مباحثه ها از دو طرف با کمال صراحت و صداقت همراه بوده است.

برای ادامه دادن این نوع رابطه لازم است که من برای او اطلاعات مهمی در مورد مسایلی که مورد علاقه دو طرف است، مانند خاورمیانه، مذاکرات سالت، مذاکرات اقیانوس هند و غیره تهیه کنم. با وجود اینکه رئیس جمهور به طور واضح مشخص کرده که مایل است این نوع اطلاعات به شاه برسد، ولی

بوروکراسی حاکم بعضی مواقع مانع از آن می شود که این مطالب به موقع به نظر شاه برسد.

من در مورد این مسایل همچنان بر واشنگتن فشار خواهم آورد.

من همچنین پیشنهاد می کنم که گاهگاهی رئیس جمهور به طور مستقیم با شاه ارتباط برقرار نماید. این تماسها در مورد مسایلی خواهد بود که بین دو رهبر (کارتر و شاه) بحث شده است. البته من از هر مکاتبه ای که از طرف رئیس جمهور به ابتکار خود واشنگتن به وجود بیاید قدردانی می کنم. نظر به اینکه کادر رهبری این کشور بسیار شخصی و خصوصی است، بنابراین این گونه ارتباطهای شخصی بهترین وسیله برای به وجود آوردن اعتماد است.

در رابطه با سیاست جدید آزادی در ایران، سفارت نامه ها و تماس هایی از طرف گروههای مخالف داشته است. ما به اینها جواب داده ایم و محتاطانه سعی کرده ایم که طیف وسیعی واسطه در این گروهها که خارج از «حلقه رسمی رابطهای سفارت» هستند به وجود بیاوریم.

در مورد مشکلات اقتصاد بزرگ، ما گفتگوهای متمرکز را با وزرای جدید و جوان کابینه آموزگار که از نظر فنی صالح هستند، شروع کرده ایم. به عقیده من هم برای ایالات متحده و هم برای ایران مفید خواهد بود اگر ما از هیئت خارجی بین المللی مانند بانک جهانی بخواهیم که مطالعات متمرکزی را در مورد آینده اقتصاد ایران، در زمانی که منابع نفتی دیگر پیشرفت ایران را پی ریزی نخواهد کرد، انجام دهد. با وجود اینکه این بانک موافق این برنامه است، ولی من مقاومتهایی از جانب ایرانیان در مورد این عقیده مشاهده نموده ام، اما به کوششهایم در این مورد ادامه می دهم.

ب) روابط رو به افزایش در زمینه های غیر نظامی بین ایران و آمریکا.

ما معتقدیم که موفقیت چشمگیری در توسعه روابط ایران و آمریکا در زمینه انرژی، بخصوص نفت داشته ایم. ایران اولین کشوری بود که خواستار ثابت نگهداشتن قیمت نفت اوپک در سال ۱۹۷۸ شد. ایران

همچنان به عنوان یک منبع نفتی مطمئن برای ایالات متحده و نزدیکترین دوستان ما باقی می ماند. یک قسمت از این پیشرفت به خاطر وضعیت ذخیره نفتی جهان بود، قسمتی دیگر به خاطر برنامه های انرژی دولت کارتر بود و یک قسمت هم به خاطر صحبتهای بی پرده با شاه در مورد مشکلاتی که به خاطر سیاستهای قیمت گذاری ایران، بین روابط دوجانبه ما، در حال به وجود آمدن بود. اگر ما به طور قانع کننده ای نشان دهیم که برنامه انرژی ما از واردات انرژی ما می کاهد و به طور جدی از منابع دیگر انرژی بهره برداری می کند. من معتقدم که ما خواهیم توانست ایران را در گروه میانه روها نگهداریم. این فشار با تورم پایین تر ایالات متحده و تمایل بازرگانی ایالات متحده همراه با حمایت دولت آمریکا از آن، برای ترتیب دادن خریدهای نفتی نظیر جهت جبران هزینه های دلاری قراردادهای ایالات متحده با ایران پشتیبانی می شود.

یکی از فروشهای تجارتی بزرگ آمریکا به ایران در ظرف چند سال آینده حدود ۱۰ میلیارد دلار ارزش خواهد داشت و آن راکتورهای اتمی نیرو است، که نتیجه یک موافقت دوجانبه بین ایران و آمریکا در مورد استفاده های صلح آمیز از انرژی اتمی می باشد. رئیس جمهور و شاه در تاریخ ۳۱ دسامبر اعلام کردند کردند که در اصول توافق شده و من امیدوارم که در کمیسیون مشترکی که نمایندگان ایران و آمریکا در ۲۸ فوریه خواهند داشت، این موافقتنامه به طور رسمی امضاء شود. اگر مجلس سنا تا آن زمان این فروش را تصویب نکند این تاریخ ممکن است به تعویق افتد. این مسئله به عنوان برنامه ریزیهای دیگر در

زمینه های خانه سازی، کشاورزی و هواپیمایی کشوری، قاعدتاً باید ما را قادر سازد که وضعیت کمیسیون مشترک را پی ریزی کنیم. کمیسیونی که بخش تهران آن را من مستقیماً به دفتر خودم آورده ام.

همکاریهای اطلاعاتی ما با ایران همچنان به خوبی پیش می رود و من معتقدم با طرحهای مشخص فنی جدید که ما انتظار داریم در آینده نزدیکی بدهیم، این همکاریها افزایش خواهد یافت به همکاریهای ما با ایران در زمینه مواد مخدر برای افغانستان، در سال ۱۹۷۸ توجه بیشتر خواهد شد.

مشکل رفتن دانشجویان ایرانی به آمریکا مشکلی است که برای سالهای زیادی برای ما وجود خواهد داشت. ما در چند ماه گذشته با همکاری وزارت علوم و آموزش عالی پیشرفتهای زیادی در زمینه برقراری برنامه های آشناسازی و تحقیق در مورد افراد داشته ایم. ما همچنین تعدادی طرح برای تصحیح و کامل کردن به واشنگتن داده ایم که معتقدیم از نظر مطالب، این طرحها کمک زیادی به پیروزی ما بر این مشکل خواهد کرد، بخصوص در به کارگیری فرم ۲۰ در رابطه با اداره مهاجرت و تابعیت.

در مورد مسئله وصول تمام پرداختی بدهی عقب افتاده اموال اضافی، من با مشکلاتی مواجه شده ام که وضع حقوقی غامضی ناشی می شود که در آن ایرانیها تصور می کنند در قبال خسارتی که به راه آهن ایشان وارد شده پرداختهای جبران کننده ای باید وجود داشته باشد. با به میان کشیدن نقش بریتانیاییها در زمان جنگ در این مورد و عدم علاقه و دولتهای بریتانیا و ایران در مورد تهیه مدارک مربوط برای ما، پیشرفت در این کار بغرنجتر می شود. ما به فعالیتهای خود در این مورد ادامه می دهیم.

ج) روابط نظامی به دقت متناسب شده، که شامل برنامه تهیه وسایل نظامی نیز هست.

در نتیجه تغییرات قوانین اداری که به خاطر سیاست خلع سلاح رئیس جمهور بود، من برای خود یک نقش مستقیم بسیار بیشتری نسبت به افراد قبل از خود در مورد تهیه تجهیزات نظامی برای ایران دیدم در اجرای این نقش، من با شاه و افسران نظامیش یک طرح درازمدت در مورد احتیاجات ایران در تجهیزات

نظامی که باید از آمریکا به دست آید، تهیه کرده ام. به خاطر چند عامل این طرح به طور محسوسی از طرحهایی که قبلاً پیشنهاد شده بود، معتدل تر است. این برنامه کم شده در آینده نزدیکی در کنگره مورد بحث قرار خواهد گرفت. من همچنین برای مطابقت با سیاست رئیس جمهور با تمام کنتراتچی های دفاعی ایالات متحده در اینجا ملاقات کرده ام و سیاستهای جدیدمان را برای آنها توضیح داده ام و آنها را از خواستهای جدیدی که قوانین جدید به وجود آورده، آگاه کردم.

د) ابقای وضع متعادل ایران در امور منطقه ای:

اکثر بحثهای طولانی من با شاه در ماههای اخیر در مورد مسایل منطقه ای بوده است. همچنین در مورد همین مسایل بحثهای بسیار زیادی با خلعت بری وزیر امور خارجه داشته ام. از این بحثها من نتیجه می گیرم که سیاست خارجی ایران مسئولانه و سازنده است و اینکه ما می توانیم با تأثیرگذاری بر آن به همین صورت نگاهش داریم. در نزاع اعراب و اسرائیل، در اقیانوس هند، در عدم ازدیاد سلاحهای اتمی، در شاخ آفریقا و آفریقای جنوبی، ایران نقشهای سازنده ای بازی می کند. برای ادامه نفوذ خود در آن نقشها، من احتیاج دارم که حداقل به اندازه هم صحبتهای خود در مورد این مناطق و حوادثی که در آنجا اتفاق می افتد، اطلاع داشته باشم. به این دلیل من از رسید خلاصه اطلاعات مختلف مخصوصاً اخبار روزانه داخلی خاورمیانه استقبال می کنم. من همچنین از دریافت نشریات سیاسی از NSC یا S/Pکه در رابطه با این موضوعات است، به همان صورتی که تهیه می شود، استقبال می کنم.

ه) پیشرفت در اجرای حقوق بشر ایران:

این ظریفترین جنبه روابط ما با ایران است. من معتقدم که ما در چند ماه گذشته پیشرفتهایی در این موضوع کرده ایم. با صحبت کمی با ایرانیان، به خصوص شاه، در رابطه با غرورشان در باره تصویر بین المللی از آنها روی این موضوع، ما به این پیشرفتها دست یافتیم. درباره صحبتی که رئیس جمهور در این مورد با شاه داشته نیز سهم بزرگی در این پیشرفت داشته. یک راه مؤثرتری که من برای در افتادن با این مسئله پیدا کرده ام این است که از طریق میانجیگری یک سازمان خصوصی غیردولتی کار کنیم. یک نماینده برجسته آن سازمان که نسبت به پیشنهادات من تأثیرپذیر است، به نام خودش طرحهایی برای اصلاح حقوق بشر به مقامات ایرانی ارائه می دهد. البته با وجود اینکه او در مورد تاکتیکهایش با من مشورت می کند، ولی خودش مسئولیت تمام پیشنهاداتش را به عهده می گیرد. به این وسیله ایرانیها می توانند و توانسته اند که اجرای حقوق بشر را توسعه دهند بدون اینکه اینجا نشان داده شود که آنها به وسیله یک دولت خارجی، اگرچه دوست، به این لاف زدنها پرداختند.

سولیوان

هیئت نمایندگی ویلیامز استیونس

ص: ۶۷۶

سند شماره (۶)

از : سفارت آمریکا تهرانتاریخ : ۱۹ ژانویه ۱۹۷۸ ۲۹ دی ۱۳۵۶

به : وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی.

طبقه بندی : محرمانهشماره : ۰۰۷۱۹

موضوع : هیئت نمایندگی ویلیامز استیونس

۱ خلاصه هیئت نمایندگی ویلیامز استیونس در تاریخ ۹ تا ۱۱ ژانویه دیدار ۳۶ ساعته سودمندی از ایران به عمل آورد. سناتورها در تاریخ ۱۰ ژانویه با شاه نهار صرف نمودند که ظاهراً رخدادی در دیدار کوتاهشان به شمار می رفت. این هیئت با نخست وزیر ایران آموزگار نیز به تبادل نظرهای مهمی پرداختند و در هنگام صرف نهار با ژنرال طوفانیان از تلاشهای ارتش در جهت نوسازی نیز آگاه گردیدند. (پایان خلاصه)

۲ همچنین این هیئت توانست در تاریخ ۱۰ ژانویه پس از بازگشت شاه از ملاقات با سادات در آسوان و توقف کوتاه ایشان در ریاض جهت ملاقات با ملک خالد و مقامات سعودی، به تبادل نظر در طول نهار بپردازد. موضوع بحث به هنگام نهار نیز پیرامون مسایل خاورمیانه و آینده صلح متمرکز بود. دیگر عناوین بحث شامل شاخ آفریقا و وضع امنیت در این منطقه بود.

۳ شاه به سناتورها این گونه فهماند که سادات بیش از حد فداکاری نموده است در حالی که اسرائیل هنوز نتوانسته است به وی جواب کافی بدهد. بحث بسیار صمیمانه و دوستانه انجام گرفت و شاه بسیار خوشحال به نظر می رسید. وی اظهار داشت که موفقیت روش پیشنهاد شده توسط سادات بستگی به تصمیم اسرائیل دارد. شاه به خوبی می داند که انجام مذاکرات به سادگی امکان پذیر نیست، لیکن مهم است که اسرائیل به سادات به گونه ای جواب دهد که گل ظریفی که به وسیله سادات چشم به زندگی گشاده،

پژمرده و پرپر نشود.

۴ جلسه دوساعته هیئت با نخست وزیر آموزگار با ارائه نمایشی توسط وی از طرحهای توسعه پیشرفت و آن طور که اذعان شد مشکلات بزرگی که برای نیل به موفقیت می بایست بر آنها غلبه کرد، شروع شد.

نخست وزیر همچنین در جواب به سؤالی که شد، نمایشی اضافی از وضع امنیتی ایران در قبال هریک از همسایگانش به علاوه وضع عمومی منطقه ارائه کرد. پیرامون تعرفه و انتقال تکنولوژی نیز بحث شد. واضح است که سناتورها و نخست وزیر از نتایج این بحث استفاده های شایان برده اند. سناتور بیکاف در پایان اظهار داشت که ما معتقدیم که هیچ کس اطلاعات کافی در اختیار نداشته و ایرانیان و آمریکاییها باید با صراحت به بحث و تبادل نظر پیرامون مسایل دوجانبه بپردازند تا هرچه بیشتر از یکدیگر بیاموزند.

۵ ژنرال طوفانیان وضع سررشته داری در ایران را تشریح نمود. سفیر چگونگی کمکهای امنیتی عمومی به ایران و مدیریت آمریکایی برنامه های مستشاری نظامی را در ایران برشمرد.

۶ سناتورها به هنگام صرف صبحانه موفق به دیدار اتاق بازرگانی ایران آمریکا شدند و پیرامون این موضوع نیز به بحث و تبادل نظر پرداختند. بحث جریان بسیار جالبی را طی نمود و در ابتدا رئیس اتاق آقای لفلدت از حضار خواست تا موضوع مالیات را پیش نکشند، تا جلسه فرصت تبادل نظرهای کلی تر و جامعتر را پیدا کند.سولیوان

مذهب و سیاست قم و عواقبش

ص: ۶۷۷

سند شماره (۷)

محرمانه

از: سفارت آمریکا در تهرانتاریخ: ۲۴ ژانویه ۱۹۷۸ ۴ بهمن ۱۳۵۶

به: وزیر امور خارجه واشنگتن دی سی.

مرجع: (A) تهران ۰۵۴۸ (۰۳۸۹ (B

(C) تهران ۰۶۶۵ (۷۷ (D تهران ۱۲۴

موضوع: مذهب و سیاست قم و عواقبش

خلاصه متن: آشوبهای مذهبی در طول آخر هفته ۱۵ ۱۴ ژانویه به طرز گسترده ای وجود داشت. مصاحبه آقای شریعتمداری با سه خبرنگار خارجی آشکارا و بی سابقه تکذیب عمومی اظهارات و بیانیه های دولتی بود. به عنوان ماحصل رویدادهای قم می توان گفت، این حرکت سیاسی مذهبیون، سازمان یافته ترین و پرتوان ترین و شکل یافته ترین جنبش آنان از سال ۱۹۶۳ تاکنون بوده. مسلمانان به طور کلی صرف نظر از بعد تقدیس متحد شده اند. دولت ایران تظاهر می کند که هنوز مقدار نسبتاً قابل توجه وقایع پیش بینی نشده در طول مبارزات وجود دارد که ممکن است ورق را به نفع دولت برگرداند. (پایان خلاصه متن)

۱ توضیحاتی که ذیلاً خواهید دید شرح وقایعی است که از تماسهایی که با ایرانیان نزدیک به رهبران مذهبی اخذ شده است، یا از دو خبرنگاری (از سه خبرنگار) که با آقای شریعتمداری یا سایر رهبران مذهبی مصاحبه کرده اند. ارزیابی و تشخیص سفارت از وقایع مهم و پرمعنی قم و نیز عواقب آن در پاراگراف ۶ تا ۹ داده شده است.

۲ اخبار کاملی که به دست ما رسیده است حکایت از آن دارد که در ۱۵ ۱۴ ژانویه

تظاهرات وسیع مذهبی در مشهد آبادان اهواز دزفول خرمشهر شوشتر زنجان و یا شاید شهرهای دیگر دیده شده است. بازار اهواز به مدت ۲ روز بسته بود. نیز گزارش گردید که ۵۰ شهروند اهوازی به زور از محل سکونت خود به قم تبعید شده اند و این امر بدنبال شرکت آنان در تظاهرات صورت گرفته است. شایعات تأیید نشده حاکی از این است که تعدادی از مردم شهر کشته شده اند و نیز در نقاط دیگر هم تعدادی مجروح وجود داشته است. شایعه تأیید نشده ای در تهران حاکی از آن است که سه نفر از مردم به دنبال مجروح شدن در دانشگاه صنعتی آریامهر کشته شده اند. (۱۱ و ۱۲ ژانویه) به نظر می رسد بسیاری از ایرانیان از باور کردن گزارشات مربوط به وقایع مذهبی مندرج در روزنامه ها دست برداشته اند و آن را ضد تظاهرات که ملهم از دولت است، تلقی می کنند.

۳ به نظر می رسد خبرنگارانی که با آیت اللّه شریعتمداری مصاحبه کرده اند تحت تأثیر صمیمیت او قرار گرفته اند.

آیت اللّه مایل به مصاحبه برای انتشار در روزنامه نبود، ولی نهایتاً قانع شد که اگر اظهارنظر ایشان با نامشان همراه نباشد برای مردم کمتر معنا خواهد داشت. شریعتمداری مستمراً تأکید می کرد که مایل نیست در زدوخوردها و کشمکشها با مقامات دولتی درگیر شود. او گفت که او به بازار شهر دستور نداده است که بسته شوند و او رهبران مذهبی در هر شهر را تشویق کرده است که خودشان تصمیم بگیرند که چگونه مراسم یادبود آنهایی که در قم کشته شده اند، انجام یابد.

به هر حال بیانیه های شریعتمداری که در واشنگتن پست هم آمده است (۲۰ ژانویه) به عنوان یک مبارزه مستقیم با دولت ایران که مسلحانه روبروی مردم قم در تظاهرات اخیر ایستاده است، تلقی می شود.

۴ احترامی که از جانب سایر رهبران مذهبی (یا افراد روحانی که در مدرسه مذهبی شهر قم کار می کنند) در طول مصاحبه حضور داشتند، نسبت به شریعتمداری واضح و آشکار بود. رهبران مذهبی همگی توافق داشتند که پلیس بیش از حد لزوم خشونت به خرج داده و تیراندازی اش بسوی مردم کاملاً بدون انگیزه بوده است. آیت اللّه سؤالی مطرح کرد: (که البته سؤال به وسیله مخبرین گزارش نشده است) چرا پلیس از گاز اشک آور و یا از شلنگ آب پاش برای متفرق کردن مردم استفاده نکرد؟ شریعتمداری و همقطارانش گفتند که جمعیت اصلی (اولیه) حدود ۵۰۰۰ نفر بوده اند. او گفت چیزی حدود ۳۰ نفر به طور پراکنده وقتی تیراندازی شروع شد، کشته شده اند و بعداً تعداد بیشتری کشته شده اند که جمعاً ۷۰ نفر کل آمار کشته شدگان وقایع اخیر است. (نظریه سفارت: گزارشاتی که سفارت از طریق خبرگزاری پارس دریافت کرده است، بعد از اولین خبرها، مبنی بر این بوده است که آمار کشته شدگان ۷۶ نفر است که این رقم به دستور دولت ایران به کار برده نشده است. به قضاوت ما رقم صحیح و درست تر همان آماری است که به وسیله گروه اطلاعاتی مخالفان گزارش شده است که ادعا می کند که ۱۴ نفر از کشته شدگان به طور رسمی شناسایی شده اند و علامت گذاری گردیده اند. (به یادداشت مذاکره جداگانه رجوع شود) این خبر اخیر از خبرهای قابل اطمینانی بوده است که سفارت به تازگی دریافت کرده است.

۵ در ادامه بحث با خبرنگاران خارجی شریعتمداری همچنین عنوان کرده است که مساجد و مدارس علوم مذهبی اهواز به مدت ۵ روز بسته بوده اند و این به خاطر این است که در آنجا روحانیون اثر زیادی گذاشته اند. دو نفر از روحانیونی که به تازگی از استان خوزستان برگشته اند، از اثرات سازماندهیشان در آنجا سخن گفتند. برداشت خبرنگاران این بود که شریعتمداری به عنوان یک رهبر پیشرو در مقابل

عکس العمل مردم در برابر دولت قرار دارد. سایر منابع سفارت او را یکی از ۸ رهبر بزرگ مذهبی ایران و یا احتمالاً بزرگترین و مهمترین آنها توصیف کرده اند. بعد از زندانی شدن آیت اللّه طالقانی و نیز تبعید تنی چند از رهبران مذهبی در پاییز امسال در واقع شریعتمداری مهمترین رهبر مذهبی ایران قلمداد می شود. کسی که اسلام اصلاح شده اواخر قرن نوزدهم و اوائل قرن بیستم را مطالعه کرده است.

خبرنگاران خارجی توسط افرادی که در حسینیه ارشاد مقام بالا و ارشد و سابقه داری دارند به آیت اللّه معرفی شده اند. حسینیه مرکزی است مذهبی که با شریعتمداری و دیگر آیت اللّه ها تماس دارد.

۶ تحلیل سفارت: از نقطه نظر سیاسی جالبترین قسمت مصاحبه شریعتمداری آن است که او اشاره به پوشش و حجاب زنان می کند. نیز عنوان می کند که اسلام مخالف اصلاحات ارضی نیست و اگر مخالفتی هست مربوط به روش اجرائی آن است که دولت اعضاء خاصی را برای انقلاب شاه و مردم در نظر گرفته است. دو نفر از واسطه های محلی ما که به امور و جریانات مذهبی آشنا هستند، اعتقاد دارند اگر شریعتمداری بتواند از این موقعیت که در حال حاضر دارد به عنوان محور اصلی گردهم آیی مخالفین مذهبی استفاده کند، می تواند جهت حرکت نهضت را به دست کسانی بدهد که تا به حال از مخالفتهای سیاسی دور بوده و به مذهب ارتجاعی هم علاقه ندارند و اعضاء طبقه متوسط ایران هستند.

۷ در ماههای آتی سفارت سعی خواهد داشت که بر روی وظیفه ذاتاً دشوار یادگیری بیشتر درباره اجزای دینی جنبش مخالفین منجمله عقایدی که در حال حاضر هم مترقیون و هم مرتجعین آنها را باور

دارند کار کنیم. به هر حال آنچه که واقعه قم و عواقب آن انجام داده است این بوده که مخالفت دینی را به جایگاه نمایان و برجسته تری در بین کسانی که تا اینجا از اعطای آزادیهای اخیر نفع برده اند ارتقاء داده است. پیروزیهای آیت اللّه ها و ملاها در ایجاد تجمعات در جواب به وقایع قم تحسین برانگیز است. هرچند برای آنها مشکل خواهد بود که در غیاب رویدادهای تبلورساز (تحقق بخش) دیگر، صرفاً برای مقاصد سیاسی، تظاهرات فوری برپا کنند. (تظاهرات قم به دنبال درج مقاله ای در روزنامه اطلاعات شروع شد که در آن مقاله به رهبر دینی و تبعیدی ایرانیان، خمینی، چند بار به طور پراکنده حملاتی شده بود) برای مثال در این مورد تردید وجود دارد که آیا در آینده نزدیک بتوانند جهت حمایت از یک قانون یا برای تظاهرات به نفع اصلاح قانون اساسی بسیج شوند. به هرحال ترکیب و آموزش بالقوه سیاست و مذهب چیزی است که شاه و دولت ایران را از خطر آمیزش روحانیت در سیاست آگاه کرده است.

۸ به نظر می رسد نخستین علائم حاکی از آن است که دولت ایران قادر نبوده است، طبقه متوسط ایرانی را با این شعار که: تظاهرات مذهبی قم تلاش نومیدانه مرتجعین بوده است، به طرف خود جلب کند و آنها را به نفع خود بسیج نماید. با این وجود هستند کارگران، روستاییان، کسبه، کارمندان دولت، دانش آموزان و بعضی از روشنفکرانی که بنا به حس وظیفه شناسی به نفع دولت ایران تظاهرات کنند. ولی حتی این امر هم باعث نشده که طبقه متوسط ایرانی به دولت نزدیک شود. البته خطر بالقوه این است که امکان دارد دولت کنترل خود را روی عوامل مذهبی خود از دست بدهد.

در ظرف ۱۵ سال اخیر سیاستهای ایران ذاتاً به سویی رهبری شده اند که رهبران مذهبی که خواستار تغییرات اساسی هستند، کاملاً از غیرمذهبیونی که طرفدار مدرنیزه شدن ایران هستند دور نگاه داشته شوند، چرا که نوع این برخورد مسلماً خطرناک خواهد بود و به این جهت باید حتماً از آن احتراز شود.

۹ بنابر آنچه گذشت، آمریکا و سایر دول خارجی خود را مستقیماً و یا غیرمستقیم در حمله به دولت

ایران دخالت نداده اند. رگه تمایل به تنفر از بیگانه به طرز عمیقی در مسلمین اصلاح طلب دیده می شود. به هر حال مشکل بتوان پیش بینی کرد که وضع موجود تا چه حد قابل دوام است، مگر اینکه زمانی برسد که آیت اللّه های مترقی قادر به اعمال نفوذ باشند، و این نفوذ را به طرزی دقیق و اکید روی مقلدین خود (از طریق وضع مقررات سخت) پیاده کنند و این مسئله به خاطر تجارب گذشته محتمل به نظر می رسد.

خصوصاً اگر این وسط مارکسیستهای اسلامی آب را گل آلود کنند.

سولیوان

مخالفین ایرانی

سند شماره (۸)

از : سفارت آمریکا در تهرانتاریخ : اول فوریه ۱۹۷۸ ۱۲ بهمن ۱۳۵۶

به : وزارت کشور

طبقه بندی : سری

موضوع : مخالفین ایرانی

خلاصه مطلب: این تلگرام نمایانگر گروههای مخالف و افرادی است که در خلال ۸ ماه گذشته که دولت ایران تسامح بیشتری در مقابل نظرات مخالف نشان داده، ظاهر شده اند. این گروهها شامل افراد چپ و راست و گروههایی است که با گروههای تروریستی در تماسند. سخنگویان چیره دست آنها را، احتمالاً «لیبرال میانه رو»های مخالف تشکیل می دهند که بازگشت به حکومت مشروطه منجمله انتخابات جدید و استقلال بیشتر برای قوه قضائیه را خواستارند. در هفته های اخیر یک مخالف مذهبی بسیار محافظه کار، علناً اظهار وجود کرده است. ادامه نارضایتی که در رابطه با عقاید مذهبی است همچنان بزرگترین خطر بالقوه علیه دولت ایران به شمار می آید. دولت برای اجتماعات عمومی محدودیتهایی قائل شده ولی از توزیع نامه ها و اعلامیه های گروههای ناراضی جلوگیری به عمل نمی آورد. از طرف دیگر دولت از طریق تنها حزب سیاسی یکایک افراد را برای تظاهرات به طرفداری از خود بسیج کرده است. در حال حاضر اکثر این گروههای مخالف در داخل یا در کنار این سیستم حکومتی کار می کنند. اگر آنها بدانند که دولت به این ترتیب تحت تأثیر قرار نخواهد گرفت، حداقل بعضی از آنها به ایجاد خشونت و بلوا دست خواهند زد. اکثر این گروههای مخالف، آمریکا را قدرتی می شناسند که می تواند در دولت ایران از طریق اعمال نفوذ برای آنها جایی باز کند. اگر از این سو ناامید شوند، احساسات ضعیف ضد آمریکایی (و شگفت آور) جای خود را به احساسات و فعالیتهای ضد آمریکایی شدیدتر خواهد داد. (پایان خلاصه

مطلب)

مقدمه:

این تلگرام تلاشی است در جهت ترسیم دانسته های ما درباره گروههای مخالفی که در ۸ ماه گذشته در نتیجه انعطاف پذیری بیشتر دولت ایران در برابر اظهار مخالفت عمومی ظاهر شده اند. چون جناح مخالف ایرانی مدتهای مدید «مخفیانه» کار می کرده است و هنوز هم در ظاهر شدن در برابر بیگانگان با احتیاط عمل می کند، نمی توان این تلگرام را تحقیقی جامع درباره گروههای مخالف و یا تحلیلی خاص درباره همه افراد حاضر در صحنه دانست. دلیل دیگر بر این مدعی این است که عده ای از مخالفین عضو چند سازمان و یا گروه مشخص هستند. تشریح زیر با گروههایی که در چپ طیف قرار دارند، آغاز شده به مخالفین «میانه روِ لیبرال» و محافظه کاران مذهبی راست می انجامد.

گروههایی که ممکن است دارای روابط تروریستی باشند

در چپ ترین جناح طیف ایدئولوژیکی، گروههای انقلابی چپ گرایی، چون سازمان انقلابی حزب توده که در اروپا فعالیت نموده و در تهران نیز سازمانی یک پارچه را ایجاد کرده، قرار دارند. درباره این گروه اطلاعات چندانی نداریم، فقط می دانیم که یکی از اعضای آن در یک تیراندازی تروریستی در

دسامبر ۱۹۷۶ دستگیر گردیده است. دیگر گروههای مارکسیستی نیز در اروپا وجود دارند، ولی از نظر ما سازمانهایی کوچک بوده و نمی توانند تأثیر چندانی بر ایران داشته باشند. که نهضت آزادی ایران از آن منشعب گردیده است. جبهه آزادیبخش ملی به وسیله بنی صدر در سال ۱۹۶۴ در پاریس سازمان یافت. صادق قطب زاده که یکی از اعضای اصلی و رابطین این سازمان در پاریس به شمار می رود، مسئول مکاتبه با افرادی چند در ایران است. با وجود اینکه جبهه آزادیبخش ملی روابط تروریستی دارد، ولی تلاش می نموده است که خود را سازمانی حامی گروههای مخالف میانه رو راست مارکسیستی قلمداد کند، ولی این ادعا برای بسیاری قابل قبول نیست. ظاهرا جبهه آزادیبخش ملی گروههای یک پارچه و کوچکی را در تهران و چند شهر اروپایی و آمریکایی ایجاد کرده است. بنابه گزارشی مقر این سازمان در آمریکا در هوستون می باشد. رابط اصلی آن در تهران ممکن است احمد صدرحاج سیدجوادی باشد که قبلا به قضاوت مشغول بود و در چند برنامه مخالفت منجمله، مکاتبه اخیرش با رئیس سازمان ملل والدهایم دست داشته است. بعضی از آیت اللّه ها با مجاهدین خلق (مبارزین مردم) در تماس هستند. لیکن تا آنجا که ما می دانیم اینها گروه خاصی را به این منظور تشکیل نمی دهند. در حال حاضر از نحوه ایجاد این تماسها مطلع نیستیم ولی از طرف افرادی که با جناح مخالف سروکار داشته اند اشاراتی در این زمینه شده است. از طریق این آیت اللّه ها مخالفین مذهبی ضد چپ در رابطه با بعضی از بخشهای مجاهدین قرار می گیرند. به نظر می رسد که تیمهای دارای فعالیت تروریستی دور از دسترس این رابطین نگاهداشته می شوند. علاوه بر این، بازار که مرکز مهم طیف مخالف سیاسی در حال حاضر است از نهضت مخالفین / مذهبی حمایت بسیار به عمل می آورد. در حالی که تعدادی از مردم خود را کمونیست و یا حامیان حزب توده می دانند ولی حزب توده سازمانی غیر قانونی است و به صورت زیر زمینی کار می کند. سفارت معتقد است که رهبر این حزب همان عبدالعلی پرتوی علوی، استاد سابق دانشگاه و رئیس سابق سازمان جبهه توده و برادر بزرگ

علوی رهبر این حزب در تهران، که اکنون در آلمان شرقی در تبعید بسر می برد، می باشد. درباره دیگر اعضای احتمالی این گروه اطلاعات کافی در دست نیست، ولی در دیگر دانشگاههای ایران شخصیتهای چپ در رابطه با آن قرار دارند و بنابه اعتقاد بسیاری از اساتید دانشگاهی، هم مسلکان این گروه نفوذ ایدئولوژیک و فکری بسیاری بردانشجویان دارند.

بازماندگان میانه روتر جبهه ملی پیشین

ماهیت متغیر هسته مرکزی نهضت مخالفین، شناخت دقیق آن را مشکل می سازد. با این وصف، عناصر اصلی زیرین را رؤیت کرده ایم که بسیاری از شخصیتهایشان در دو یا چند گروه عضویت دارند. اتحادیه نیروهای جبهه ملی ایران که در نوامبر ۱۹۷۷ سازمان یافت افرادی چند از قبیل داریوش فروهر، دکتر کریم سنجابی، شاهپور بختیار و علی شایگان را گرد هم آورده است. تلاش این گروه در جهت بازگرداندن حکومت مشروطه واز بین رفتن «دیکتاتوری» شاه بوده است.

علی اصغر حاج سید جوادی را آنچنان که در نامه ای ۲۰۰ صفحه ای اش در آوریل ۱۹۷۷ به تحریر آورده است می پذیرند. سفارت سعی کرده است که یک نسخه از این نامه را به چنگ آورد... ولی تا کنون موفق نشده است، اتحادیه دارای گرایشهای چپ بوده و شامل بسیاری از پیروان جبهه ملی (دوره مصدق) می باشد.

نهضت رادیکال ایران در سال ۱۹۷۵ به وسیله مهندس رحمت اللّه مقدم مراغه ای و چند تن از

دوستانش پایه گذاری شد. بنابه اعتقاد سفارت، محمد حسین ملکی و مهندس کاظم حسیبی از جمله اعضاء و یا رابطین این واحد خاص به شمار می آیند. نهضت رادیکال ایران سیاستی مشابه اتحادیه نیروهای جبهه ملی دارد و خواستار لغو تنها حزب ایران، آزادی مطبوعات انتخابات جدید و آزاد و آزادی قوه قضائیه می باشد. تنها وجوه تمایز آن با اتحادیه نیروهای جبهه ملی همان نقطه نظرهای شخصیتهایی است که ۳۰ ۲۵ سال قبل اظهار شده است. ظاهرا کمتر گرایش به چپ داشته (مانند «حزب رادیکال» در فرانسه) ولی گرایش کمی نسبت به آمریکائیها در آن به چشم می خورد.

حزب زحمتکشان به وسیله دکتر مظفر بقایی رهبری می گردد. این حزب ابتکار شخص دکتر است که خود سالها نویسنده ای سر سخت بوده و زمانی به حمایت از دکتر مصدق پرداخت، ولی بعدها در سال ۱۹۵۳ از نخست وزیر جدا شد.

اعضای برجسته دیگری نیز در این گروه وجود دارند، که بسیاری از آنها از جمله اعضای کانون نویسندگان ایران فراری هستند، که سعی در تجدید سازمان خود دارند: هدایت اللّه متین دفتری که قاضی اهل تهران و نوه بزرگ مصدق است؛ علی امینی، نخست وزیر آزادیخواه سابق و حامی نزدیک بسیاری از گروههای مخالف؛ فریدون آدمیت سفیر پیشین ایران در هلند و هند ؛ مقدم مراغه ای از حزب رادیکال (بالا) ؛ و مهندس مهدی بازرگان اولین رئیس شرکت ملی نفت ایران و مخالف دیرین شاه از این جمله می باشند. در بسیاری از راهپیماییها، بازرگان مهارت خود را در سخنوری نشان داده است و خواستار حکومت مشروطه، آزادی وسیع مطبوعات، استقلال کامل قوه قضائیه و انتخابات کاملاً جدید و آزاد مجلس می باشد.

بسیاری از این افراد و گروهها خود را در یک جبهه ملی جدید با هیئت مدیره ای هفت نفره که مرکب از مهندس مقدم مراغه ای، مهندس بازرگان، کریم سنجابی، دکتر کاظم سامی، آیت اللّه حاج سید ابوالفضل

موسوی زنجانی و آقای صمغ آبادی است، سازمان داده اند. این گروه با کمیته حقوق بشر تازه تأسیس یافته که در ژانویه ۱۹۷۸ تشکیل شده بود همکاری داشته و در حقیقت دارای عضویت مشترک هستند. با گروه دکتر فروهر نیز همگامی دارد، ولی علیرغم حضور شخصیتهای مذهبی در جبهه ملی جدید بنظر نمی رسد که هماهنگی بسیاری با متعصبین و محافظه کاران مذهبی داشته باشد.

علاوه بر این مخالفین دیرینه، چند شخصیت دیگر نیز اهمیتی کسب کرده اند که می توان گفت یا به خاطر وقایعی بوده است که در آن درگیر بوده اند و یا به خاطر روابط خارجیشان است. مهمترین افراد این گروه عبارتند از غلامحسین ساعدی نویسنده ای که توجه ناشرین آمریکایی را به خود جلب نموده است ؛ دکتر هما ناطق استاد تاریخ دانشگاه تهران (و عضو کانون نویسندگان) ؛ و علی اصغر مسعودی، افسر پیشین ارتش و مشاور سابق زندانیان سیاسی در دادگاههای نظامی. بسیاری از این مخالفین میانه رو از خشونت اجتناب ورزیده، معتقدند که آمریکا می تواند شاه را وادار به برآوردن خواستهای «آزادیخواهانه» آنها سازد. همین اتکای آنها به نقش آمریکاست که آنان را وادار به تقاضای توقف فعالیتهای تروریستی از طریق واسطه هایشان از گروههای تروریستی کرده است. لیکن اگر اکثر آنها متوجه شوند که آمریکا نمی تواند شاه را وادار به کنار آمدن با آنها بکند، تبدیل به نیروی بسیار خطرناک خواهند شد. در حالی که می دانیم که دولت ایران از تلاشهای آمریکا در این زمینه حساسیت نشان می دهد، ولی تا کنون از طرف دولت نسبت به تمایل سفارت با این گونه افراد، یا افراد نزدیک به آنها، و یا دیگر حامیان

جناح مخالف عکس العمل شدیدی مشاهده نگشته است. البته اگر دولت از این عمل احساس خطر کند و یا نسبت به پشتیبانی اساسی دولت آمریکا مشکوک شود، می توان احتمال داد که وضع تغییر خواهد کرد.

گروههای دارای تمایلات مذهبی در دو هفته گذشته بخصوص به دنبال وقایع قم (عطف به قسمت ب).

نقطه نظرهای جناح مخالف مذهبی نیز روشن تر شده است. آیت اللّه سید کاظم شریعتمداری نیز به خصوص بعد از مصاحبه اش با سه روزنامه نگار خارجی به عنوان سخنگوی این گروه شناخته شده است (تهران ۹۶۱) حامی پشت صحنه این آیت اللّه های مترقی و رابط گروه مذهبی تهران دکتر ناصر میناچی است که وکیل دادگستری بوده و نیز سمت رئیس هیئت مدیره حسینیه ارشاد را که یک مرکز مذهبی بود و در کنار مسجد جامع جاده شمیران واقع است، داشته است. این مرکز ۵ سال قبل به علت ایراد سخنرانیهایی علیه حکومت تعطیل گردید. در چند ماه گذشته دولت ایران اجازه باز شدن آن را مخفیانه داد و به نظر می رسد که محل تجمع و ابراز نظرات مذهبیونی خواهد شد که تا حدی تند نیستند. یک آیت اللّه دیگر بنام حاج سید ابوالفضل موسوی زنجانی نیز در رابطه با مخالفین میانه روتر یاد شده در بخش آخر شناخته شده است.

ظاهرا چند گروه مذهبی وجود دارند که در اطراف آیت اللّه شریعتمداری گرد آمده اند. اکثر آنها آیت اللّه خمینی را که در سال ۱۹۶۳ به عراق تبعید شده بود، رهبر واقعی شیعیان می دانند. شاگرد اصلی خمینی آیت اللّه محمود طالقانی است، یکی دیگر از اینها که یار نزدیک طالقانی است، حسین علی منتظری می باشد که او نیز مدتها در زندان به سر برده است. بنا به تحقیق سفارت تعدادی بالغ بر ده نفر از این آیت اللّه ها و ملاها در پاییز ۱۹۷۷ به علت بیانات ضد حکومتی یا به زندان افکنده شدند و یا به تبعید محکوم گردیدند.

بنا به اظهارات یکی از منابع مطلع، بعضی از رهبران مذهبی به همین دلیل حرکت آنها را ارتجاعی خوانده و پذیرش آنها توسط دولت ایران را به همین دلیل می دانند.

واقعه قم باعث شده است که شخصیتهای مذهبی به شرایط سازمانی خود بیشتر دقیق شوند ساخت پراکنده و همه گیر مذهبی ایران را شاید بتوان تنها منطقه مناسب برای فعالیت یک گروه مخالف در یک شبکه سرتاسری مملکت دانست. به خاطر تلاشهای پیگیر ساواک به خاطر اینکه (ما معتقدیم) رهبران مذهبی دائما نتیجه برخوردشان را با دولت ناخوشایند تلقی کرده اند، احساسات ضد دولتی هنوز چندان آشکار و رایج نشده است. هنوز حقایقی در دست نیست، ولی نشانه هایی در دست است مبنی بر اینکه مخالفین میانه رو و رهبران مذهبی مترقی قرار است برای انجام یک تظاهرات مشابه آنهایی که منجر به برخورد با دولت ایران در سال ۱۹۶۳ گردیده بودند متحد شوند. شرایط از اهمیت خاصی برخوردار است... زیرا اگر وقایعی در رابطه با جامعه مذهبی چون آتش گشودن بر روی راهپیمایان، اتفاق بیافتد، علائق مذهبی، نیروی انسانی عظیمی را برای انجام تظاهرات فراهم خواهد نمود.

گردآوری منابع صحیح درباره عقاید مذهبی و سیاسی، کاری است بسیار دشوار. شخصیتهای مترقی به گونه ای که نشان دهنده حمایتشان از یک دولت غیر مذهبی است سخن می گویند. آنها «حقوق بشر» را می پذیرند، و خواهان اصلاحات ارضی و در عمل خواستار جدایی سیاست از مذهب هستند. ولی اصول پایه شیعه همیشه تأکید بر اهمیت مذهب در زندگی دارد و در ایران، تشیع همیشه با ناسیونالیزم ایرانی در رابطه نزدیک بوده است. کسانی که با اصول تشیع آشنا هستند، معتقدند که ملاهای شیعی نمی توانند حامی اصول پیشرفته باشند. این موضوع از یک طرف متشکل از افراد عادی و روحانی هستند و خواستار

جدایی سیاست از مذهب و خواهان ارجاع مطالبی نظیر حجاب به وجدان افراد هستند و آنهایی که مصرانه کاربرد اصول واقعی تشیع را بر تمام جنبه های زندگی بشری خواستارند. جناح اخیر با عقاید طبقه متوسط نو ظهور ایرانی منافاتی نداشته و می تواند حمایت بسیاری از مذهبیون مخالف مذهبی که بر اصول تشیع تکیه دارد، احتمالاً بسیاری از روشنفکران میانه رو را به اتحاد نامیمون با دولت وادار خواهد نمود.

گروههای مرکب

این نامه هوایی نتوانسته است به گروههایی که عملاً در رابطه با فعالیتهای تروریستی بوده اند چون مجاهدین خلق و چریکهای فدایی خلق، بپردازد. تاکنون نتوانسته ایم نشانه ای از رابطه بین تیمهای فعال هر یک از این گروهها و مخالفین میانه روتر به دست آوریم که خود ممکن است به دلیل اعمال روشهای امنیتی بوده باشد. به نظر می رسد (حتما نیست) مخالفین میانه رو از این گروههای تروریستی خواسته اند که به فعالیتهای خشونت بار خود خاتمه دهند تا ببینند که آیا دولت کارتر می تواند بر شاه و یا دولت ایران اعمال نفوذ نماید یا خیر.

در سال گذشته وقایع خشونت آمیز بسیاری رخ داده است که چند تای آنها در رابطه با دیدار کارتر از ایران در ۳۱ دسامبر و اول ژانویه می باشد و حاکی از عدم انضباط گروهها و یا جدی نبودن اخطار است. ولی می توان پذیرفت که یک هماهنگی نسبی بین شخصیتهای مخالف متعدد و نهضت تروریستی وجود دارد. گاهی میانه روها بر افراطیون اعمال فشار می نمایند؛ و ممکن است که افراطیون برای تحریک (یا حداقل چشم پوشی) خشونت بیشتر بر میانه روها اعمال نفوذ نمایند.

عکس العمل دولت ایران

دولت ایران بعضی از اجتماعات عمومی را تا کنون مجاز دانسته است، اگر چه بعضی از آنها را در نوامبر و دسامبر ۱۹۷۷ بشدت سرکوب کرده است. به ناراضیان اجازه داده شده است که مقالاتی منتشر سازند،

ولی اکثر آنها به طور پراکنده (یا با حالتی منفی) در مطبوعات درج گردیده است. نشانه هایی مبنی بر قصد دولت ایران برای بسیج گروهها و افراد از طریق حزب رستاخیز جهت انجام تظاهراتی به حمایت از برنامه های دولتی علیه فعالیتهای مخالفین ارتجاعی وجود دارد. چنین تظاهراتی در ۲۲ نوامبر ۱۹۷۷ به وقوع پیوست و اوج آن در ۲۶ ژانویه بود که به طرفداری از انقلاب شاه و ملت انجام گرفت.

ولی دولت هنوز درباره این ادعای مخالفین که ایران از مشروطیت منحرف گشته، کاری انجام نداده است. بلکه معتقد است که سلطنت، قانون اساسی و انقلاب شاه و ملت عناصر اصلی توافق میان بخشهای مختلف ملت ایران است. دولت ایران هنوز خط متمایز کننده ای بین دولت به عنوان یک نیروی مترقی و همه مخالفین به عنوان ارتجاعی رسم نکرده است، ولی بیانات سخنگویان راهپیماییهای طرفدار حکومت حاکی از همین مطلب می باشد. بر مخالفین دولت ایران اکثرا برچسب استعمار مجدد زده می شود (با در نظر گرفتن مفهوم تاریخی وسیعتر) تا بگویند که مداخله روسیه و بریتانیا در امور ایران از طریق چنان مخالفتهایی تجدید خواهد گردید. با پوشاندن حکومت ۴۰ ساله شاه در لوای میهن پرستی، سخنگویان سعی دارند، پرداختن دولت به اموری فراتر از حزب یا انقلاب شاه و مردم را به طور کلی نشانه ای از وطن پرستی بشناسانند.

بعضی از مقامات دولت ایران و حزب رستاخیز معتقد هستند که سرانجام بعضی از مخالفین در رابطه با حزب رستاخیز به فعالیت خواهند پرداخت. ولی در حال حاضر این موضوع رؤیایی بیش نیست.

آنهایی که احتمالاً این رویه را در پیش خواهند گرفت مخالفین سرسختی که در بالا از آنها یاد شده نمی توانند باشند بلکه از جمله کسانی خواهند بود که در نظام سیاسی ایران هیچ گونه شرکت فعالانه ای نداشته اند ؛ یعنی طبقه متوسط نو ظهور ایرانی. یقینا می توان گفت که مبارزه ماهها و سالهای آینده بین دولت ایران و مخالفین در جهت به تبعیت در آوردن اکثریت عظیم ایرانیانی است که در زمره گروههای مروزی شده قرار می گیرند. اگر دولت بتواند با این گروه متحد شده خود را تقویت کند می توان گفت که مخالفین وجهه چندانی را در صحنه ملی به دست نخواهند آورد. بر عکس اگر مخالفین بتوانند به بسیاری از افراد واقع در این طبقه اجتماعی بپیوندند، راه برای یک تجزیه شدید مشابه آنچه که در سال ۱۹۶۳ اتفاق افتاد بخصوص با نیروی اختناق جنون آمیز داخلی مشابه، هموار خواهد گشت.

امکان افزایش احساسات ضد آمریکایی

تا سال ۱۹۷۷ فعالیت فزاینده مخالفین منجر به پیدایش احساسات ضد آمریکایی شدید نشده بود.

ولی از دسامبر به این طرف، اعلامیه هایی چه از طرف مارکسیستهای چپ و چه از طرف مذهب گرایان راست طیف، به وضوح و آشکارا احساسات و بیانات ضد آمریکایی را به همراه داشته است و بر میزان این گونه اعلامیه ها نیز در ماه گذشته افزوده شده است. با وجود تداخل آمریکا در همه سطوح ایران و اصطکاک ناشی از تماس دو فرهنگ، حدود و میزان خودداری از ابراز احساسات ضد آمریکایی به این نحو آشکار بسیار عجیب به نظر می رسد. یکی از دلایل اساسی توافق مخالفین بر این مسئله است که (گر چه علت آن را نمی دانیم) که دولت آمریکا با نفوذ عمده و قدرت خود در ایران قادر است شاه را وادار به بازسازی نظام سیاسی بنماید. به همین علت مخالفین نارضایتی خود را از آنچه که به نظر «حمایت»

آمریکا از شاه است کمتر اعلام کرده، از مخالفین مذهبی نیز خواسته اند احساسات ضد خارجی خود را کمتر بروز دهند.

اگر عناصر مخالف همان طور که بسیاری از افراطیون تاکنون فهمیده اند. فکر کنند که آمریکا نمی خواهد و یا نمی تواند به عنوان واسطه ای برای ورود مخالفین به نظام سیاسی عمل کند، احساسات ضد آمریکایی خفته می تواند به صورت آشکار و فزاینده ای تجلی یابد. سفارت درباره این پدیده در متون دیگر به اظهار نظر بیشتر خواهد پرداخت.

ایران، بررسی نهضت تشیع (مسلمانان شیعی مذهب)

ص: ۶۸۶

سند شماره (۹)

از : سفارت آمریکا در تهران تاریخ : ۳ فوریه ۱۹۷۸۱۴ بهمن ۱۳۵۶

به : وزیر خارجه، واشنگتن، دی سی. دارای حق تقدم ۳۶۵۹

طبقه بندی : محرمانه

تهیه کننده گزارش : لمبراکیس تهران ۱/۱۶۹۱

موضوع : ایران، بررسی نهضت تشیع (مسلمانان شیعی مذهب)

۱ (محرمانه تمام متن)

۲ خلاصه: گر چه اطلاعات موجود در این زمینه کافی نیست، ولی آنچه که می توان تا این تاریخ گفت این است که نهضت شیعی مذهبها به رهبری آیت اللّه خمینی از سازمان یافتگی بهتری برخوردار است و برخلاف آنچه که دشمنان این نهضت بیان می دارند، اینان با داشتن زمینه فکری خاص قادر به مقاومت در برابر کمونیسم هستند. این امر در افکار مردم ایران ریشه ای عمیقتر از ایدئولوژیهای غربی و حتی کمونیسم دارد. لکن رویه های حاکم جایی برای فشارهای روشنفکرانه ضد روحانیت که در صف مخالف وجود دارد ایجاد کند. که بیش از آنچه به نظر می رسد منجر به چیزی شبیه به جریانات دمکراتیک غربی شود.

۳ همان طور که وزارت امور خارجه و دیگر مخاطبین آگاهند، مدتهاست در تلاش هستیم تا وسعت و عمق این نهضت نوظهور شیعی اسلامی ایران را درک کنیم تا بتوانیم در تحلیلها و اتخاذ روشهایمان در آینده استفاده نمائیم. ولی مطالعات ما هنوز به مرحله نتیجه گیری و پایانی نرسیده است. اما خالی از فایده نیست اگر بتوانیم درباره این انقلاب در حال پیشرفت در ایران، در این مرحله بحرانی قضاوتی آزمایشی بکنیم.

۴ ابتدا توانسته ایم تا این تاریخ مدارک کافی گردآوریم که منطقا مطمئن باشیم که نهضت اسلامی در

رأس انقلاب ایران قرار گرفته و رهبر فردی و سمبلیک آن آیت اللّه خمینی و سازمانهای مرتبطی که از او حمایت می کنند، می باشد. سخنگویان حکومت ایران مدتهاست که پیروان خمینی را کمونیست یا چپ گرایانی از تیره مارکسیستها می خوانده اند. دیگر ایرانیان مطلع از قبیل روزنامه نگاران، تجار و کارمندان دولتی نیز در این باره هم عقیده اند. اینان ادعا می کنند که از سالها قبل جوانان کمونیست در مدارس مذهبی رخنه کرده و امروز به صورت ملاها و دیگر سازمان دهندگان نهضت اسلامی عمل می کنند و دلیل این ادعای ایشان نیز این است که مذهبی های ایران به خصوص و مردم ایران به طور کلی از تشکیلات و سازماندهی سر در نیاورده و نمی توانند یک چنین نهضتی را انسجام بخشند. مگر اینکه تنها گروه سازمان یافته در ایران یعنی حزب توده آنان را در این راه یاری داده باشد.

۵ این مخالفان به نظر می رسد که در نادیده گرفتن نهضت اسلامی در بعضی موارد بیش از ناظران غربی تلاش می کنند. در زمان دو شاه پهلوی، غربگرایی مشروعیت و مقامی کسب کرده بود و توانسته بود خاطرات گذشته اسلامی را از اذهان بسیاری از افرادی که به مدارس غربی شده می رفتند و یا تحصیلات عالیه خود را در خارج از کشور می گذرانیدند، عملاً بزداید. پس از کمال آتاتورک در ترکیه و بعد از جنگ جهانی دوم، شاهان پهلوی دائم در تلاش بودند که نهادهای اسلامی را به عنوان بقایای ارتجاعی گذشته ای که دیگر مناسب زمان حال نبوده مطرود است به مردم بشناسانند. برای اینکه این پیشگوییشان باور مردم شود، در این زمینه و جهت گامهایی نیز برداشتند. مثلاً حکومت سعی می کرد که از کمکهای مالی مستقیم

مردم به ملاها جلوگیری کرده و آنان را متکی به مستمریهای دولتی نماید. به وسیله دورکردن و جداسازی ملاها تا حد امکان از انظار عموم، به تمسخر گرفتنشان، به بند کشیدن بسیاری از رهبرانشان در زندانهای ساواک، و اصرار بر این که ایران باید آینده ای غیر مذهبی داشته باشد، شاهان ایران سعی داشتند که ایران را به اجبار از طریق یک مرحله غربی شدن که شامل جدایی حکومت از مذهب باشد که در اروپا طی طریقی چند صد ساله داشت، بگذارنند

۶ معذالک، بر همه روشن است که اسلام عمیقا در زندگی اکثریت وسیعی از مردم ایران ریشه دارد و به صورت تشیع، قرنها است که ناسیونالیسم ایرانی نام گرفته، قبل از آنکه حتی پای ناسیونالیسم امروزی به شرق رسیده باشد. خاندان پهلوی سعی داشت ناسیونالیسمی امروزی تر بر اساس بازگشت به سنتها، افسانه ها و عظمت قبل از اسلام را جانشین این ناسیونالیسم کهنسال نماید. البته اگر این تلاش به مدت چند دهه یا چند قرن بی رقیب می ماند، حتما موفق می شد. این موفقیت نیز تنها از طریق ایجاد نهادهایی که بتوانند در میان مردم ریشه دوانده و به رقابت با اصول تشیع اسلامی برخیزند به وجود می آمد.

۷ ولی خاندان سلطنتی پهلوی رفرمیست از همان اوان با مقاومت یک ایدئولوژی غربی دیگر یعنی کمونیسم نیز روبرو شدند. پارلمان نوپا و دیگر نهادهای حکومتی در اواخر سالهای ۱۹۴۰ و اوائل دهه ۱۹۵۰ تقریبا تحت تأثیر غربی سازی به روش کمونیسم قرار گرفتند. مبارزه توأم با موفقیت شاه فعلی علیه آن مقاومت و مجذوب شدن وی در ایجاد ایرانی مدرن، غیر مذهبی و صنعتی او را در مورد مقاومت دیر پای اسلام و تأثیر آن بر مردم کور کرده بود. در حالیکه تمام تلاشهای او شخصا متوجه تأسیس یک ایدئولوژی ایرانی بر اساس ۲۵۰۰ سال شاهنشاهی ایرانی «و رسیدن به تمدن بزرگ» شده بود و به نظر می رسید که کمی هم پیشرفت کرده باشد، ولی امروز به وضوح می توان دریافت که تمام این اعمال باعث عمیق شدن تنفر مسلمانان شیعه و گسترش مخالفت طبقات مختلف مردم نسبت به رژیم گشته بود. امروزه

حتی فارسی سخن گفتن شاه نیز به مسخره گرفته می شود.

چون شاه هنگام کاربرد کلمات فارسی دچار اشتباه می شود و این نیز در نظر مردم دلیلی دیگر می شود، برای اینکه بگویند که او عامل و حافظ منافع خارجیها است، نه مردم.

۸ از نظر تاریخی، علمای اسلامی پیدایش تشیع را به مقاومت در برابر حکام در چند مرحله زمانی نسبت می دهند. تشیع ابتدا نشانه مقاومت پارسیها علیه مهاجمین عرب و مغول بود و به تدریج تشیع ایرانی جدا گردیده و قسمت اعظم آن بعد از آنکه حکام صفوی تشیع را مذهب رسمی دربار خواندند مخفی شد و به کارهای «زیرزمینی» اشتغال ورزید. بنابه گفته دانشمندان ایرانی این حکام نیرومند پارسی بعدا تشیع را به صورت نوعی تسنن در آوردند. یعنی از بعضی از نهادهای شیعی درخواست پیروی از شاه را نمودند. به عبارت دیگر قرار بر این شد که در غیاب امام دوازدهم شاه تصمیمات عرفی و غیر روحانی را اتخاذ نماید. همزمان با این نیروی رسمی (صفوی) نیروی مقاوم غیر رسمی دیگری (علوی) به وجود آمد که متکی بر اصل اختفای تشیع کهن بود و اعلام مخالفت و نبرد علیه حکام ظالم و فاسد را نمود.

۹ نشانه بارز وجودی این دو نیرو را در ایجاد دو نوع مسجد و مقبره در بسیاری از شهرهای ایران، به خصوص از زمان فتحعلیشاه قاجار، یعنی آنها که توسط شاه ساخته و حمایت می شدند و آنها که مردم می ساختند و در آنها برای انجام فرایض دینی حاضر می شدند، می توان مشاهده کرد. ائمه جمعه ای که توسط شاه برگزیده می شدند، تا بر مساجد شاه نظارت داشته باشند، مورد بی احترامی مؤمنینی واقع

می شدند که خود به دنبال ملا و مجتهد خود می رفتند و از آنها پیروی کرده و زکوه خود را نیز تنها به آنها می پرداختند. همین مقاومت «علوی» مخفیانه سرانجام در قرن ۱۹ به صورت نهضت تنباکو که نمایانگر مخالفت شدید مردم تحت رهبری روحانیت علیه اعطای امتیاز تنباکو که توسط شاه وقت به انگلیس بود، به صورت عصیانی آشکار پا به عرصه گذاشت و عامل اصلی نهضتی بود که در ابتدای قرن منجر به وضع قانون اساسی در سالهای ۱۹۰۶ و ۱۹۰۷ گردید. با وجود اینکه شاهان پهلوی سعی داشتند از آن یک عامل غیر فعال بسازند، ولی تشیع علوی قلب انقلاب امروزی است.

۱۰ در ایران امروز به دنبال سازمانهای سیاسی بودن کاری است بیهوده. دموکراسی پارلمانی مدرن در مدت کوتاهی که در ایران عرضه شد، موقعیت چندانی را در این جهت به دست نیاورد و باید اضافه کرد که تنها حزب سیاسی نسبتاً موفق در گذشته این کشور حزب کمونیست یا حزب توده بوده است و بس. اشخاص مهم و نیرومند از قبیل ملاها در پارلمان، نمایندگانی که حافظ منافع شخصی آنها باشند نیز داشتند. که گاهگاهی با یکدیگر پیمانهای موقتی می بندند، ولی کارهای با ارزشی در جهت توسعه و پیشبرد حکومت دمکراتیک به مفهوم غربی انجام نداده اند. مصدق تنها نخست وزیری که توانست میزان قابل توجهی قدرت به دست آورد و رقیبی برای شاه شناخته شود نیز شخصا بصورت خود مختار عمل می کرد. وی یک خاطره و میراث سیاسی در ایران به جای گذاشت، ولی سازمان سیاسی و یا نویدی برای شکل گرفتن این حرکت در آینده به چشم نمی خورد. خلاصه اینکه، برای حکومت بر ایران نیرویی تمرکز یافته که مسلط بر مردم نیز باشد همواره برای حکمروایی در ایران ضرورت داشته است.

۱۱ نهاد اسلامی از طریق بسیاری از وسایل آموزشی و سوادآموزی که قسمت اعظم جمعیت ایران را در طول چهار، پنج دهه گذشته تغییر داده، تجدید قوا نموده است. رهبران مسلمان می توانند بسیاری از جوانان مسلمان تحصیلکرده را که ذفن تبلیغ و سازماندهی را در دانشگاههای اروپایی و آمریکایی

فراگرفته اند، به سوی خود فراخوانند. حرکت اسلامی که در ابتدا مورد حمله کمونیسم قرار گرفته بود در طول دو یا سه دهه گذشته تا آنجا پیش رفت که می توان گفت در برابر این ایدئولوژی غربی مصونیت یافته است و در همان حال سعی بر آن داشته تا بسیاری از فرایض خود را به صورت امروزی تر و مناسب جهان حال امروزی در آورده، نقش تشیع را در حکومت ایران مشخص سازد.

۱۲ بنابه توضیحات رسیده از طرف دانشمندان اینجا، مروجین شیعی اسلامی، نه تنها بر ارزشهای تغییرناپذیر قرآن و سنت (گفتار و کردار پیغمبر) پافشاری می کنند، بلکه معتقدند که باید تعبیر و تفسیری نو از آنها داده شود که مطابق تغییرات زمانی نیز باشد.

آن دسته از اصول اسلامی که به نظر می رسد در این زمینه پویایی داشته باشند، عبارتند از «اجتهاد» یا تعبیر و تفسیر فلسفی حقایق جاودانی و «اجماع» یا توافق عام یعنی اینکه بعضی از تعبیر و تفسیرهای جدید از طریق توافق رهبران مذهبی قانونی شناخته شده و می توانند به صورت قانون در آیند. به این ترتیب می توان گفت که نتیجه تسلط نظام روحانی به مردم ایران حداقل تا حدی مدرن ساز است و از منابع مالی خود نیز تغذیه می گردد و می تواند کانالهای ارتباطی مخصوص به خودش را نیز بین مؤمنین برقرار سازد .دیگر شکی نیست که گروهی از تجار بازار حمایت خویش را از رهبر مذهبی به وسیله پرداخت هزینه های مکرر و متوالی اعلام می دارند. هر هفته میلیونها دلار میان آیت اللّه ها دست به دست می گردد. این منابع صرف بسیاری از کارهای شایسته و حمایت از نهضت می شود.

۱۳ نمونه ای از سازمانهای مربوطه یک نظام مدرسه مذهبی است که ۳۲ سال قبل توسط یک آیت اللّه که هنوز هم زنده است پایه گذاری گردید و رفته رفته تبدیل به ۱۵۰۰ مدرسه از این نوع در سراسر ایران گردید. از نظر مادی این گونه مدارس کاملاً به وسیله بازاریان حمایت می شود. دانش آموزانی که از خانواده های مهم مذهبی، بازاری و غیره هستند، در این گونه مدارس نه تنها دروسی که در مدارس دولتی تدریس می شود، بلکه دروس ممنوع اعلام شده از طرف دولت را نیز فرا می گیرند. تلاش دولت نیز باری تصرف این مدارس آخرین بار توسط مقاومت شدید مذهبیون و بازاریان کاملاً درهم شکست. اساتید دانشگاهی و افراد تحصیلکرده بسیاری داوطلبانه در اینگونه مدارس خدمت می کنند تا دانش آموزان علم و دانش کافی برای راه یافتن به دانشگاه کسب کنند. کتابها و کتابچه های بسیاری را که برای استفاده در این گونه مدارس تولید شده بارها دیده ایم که خود نشان دهنده پیشرفت این سازمان در جامعه مسلمان ایران است.

۱۴ برای اثبات این ادعا که شبه نظامیان مذهبی همان کمونیستهای لباس عوض کرده هستند، دلیل کافی در دست نیست، ولی می توان گفت که شاید کمونیستها در رده های پایینی اردوی خمینی رخنه کرده باشند. نهضت اسلامی آن طور که حکومت شاه و دیگر ناظرین غربی اعلام می کنند، نه ضعیف است و نه کور. تسلط آن بر احساس مردم و پول بازاریان بسیار قویتر از هر گروه دیگر است. از بسیاری از جهات ایران اصلاح یافته و سنت گرایی را که اسلام نوید می دهد، ایرانیان جالب تر و جاذب تر از نمونه های روسی و چپی می یابند.

۱۵ از طرف دیگر هیچ گونه تضمینی وجود ندارد که عملکرد (حکومت اسلامی مترجم) بر اساس دموکراسی پارلمانی به مفهوم ما غربیها باشد. در حقیقت عقیده «تقوی سالاری» در روش آن به چشم می خورد. به نظر می رسد که قدرت نیز در اختیار جمع باشد (همچنان که از اجماع بر می آید) تا اینکه دست

فرد. یعنی حتی امام خمینی نیز نمی تواند خود در دست گیرنده قدرت باشد. بسیاری از اختیارات به وسیله یک شورای اسلامی اعمال خواهد شد، ولی از ساخت آن هیچ گونه اطلاعی در دست نیست. رهبران سیاسی احتمالاً بیش از ملاها در برنامه های انقلاب تعیین خط مشی کرده و در اجرای آنها نقش خواهند داشت. به قولی پیشنهاد شده است که متخصص باید مورد قضاوت و داوری رهبران مذهبی قرار گیرد، تا بتواند تخصص خود را در بخشهای مختلفه اقتصادی به کار بندد. بنابراین با یک نظر اجمالی چنین فهمیده می شود که مفهوم احزاب سیاسی در پارلمان غربی برداشته شده و جای آن را چند گروه گرفته است که از طریق تصمیم گیری غیر رسمی و سنتی به توافق عمومی دست می یابند.

۱۶ تمام آنچه متذکر شدیم در حال حاضر مبهم است و احتمال می دهیم که نهضت اسلامی نتواند به طور کلی در تشکیل حکومت خود از بسیاری از عقاید غربی که در بین جناحهای مخالف نیز جریان دارد دوری ورزد. برای اثبات این موضوع نیز زمانی طولانی تر لازم است و در زمانی کوتاه نمی توان چنین نتیجه ای گرفت. در همان حال می توان انتظار داشت که یک نهضت از مرز انقلابی گذشته تشیع اسلامی بتواند مورد حمایت بسیار مردم قرار گیرد. و احتمالاً بنای مخالفت را با کمونیسم به عنوان یک واردات خارجی و با بسیاری از جنبه های غربگرایی، با تمام قوا بگذارد.سولیوان

سند شماره (۱۰)

تاریخ : ۵ فوریه ۱۹۷۸ ۱۶ بهمن ۱۳۵۶

آقای : ویکتور تامست (مایکل مترینکو، دیویدمک گافی)

کنسولگری آمریکا شیراز (اصفهان، تبریز)

طبقه بندی : سری غیر قابل رؤیت برای خارجیها

ویکتور (مایکل، دیوید) عزیز:

ضمیمه این نامه راهنماییهایی جهت گزارش اقتصادی و سیاسی از حوزه مأموریت شما در سال آینده است. طبیعتا ما نمی خواهیم شما را که در متن اوضاع محل هستید در تهیه گزارش از محل مأموریت خود محدود کنیم. ما میل داریم این خطوط راهنما را به منظور آگاه کردن شما از عناوین و موضوعاتی که ما در تهران فکر می کنیم اهمیت بیشتری را داراست و آنها را که اطلاعات بیشتری را در موردشان می خواهیم به شما بدهیم. در مجموع من فکر می کنم گزارشات از آن ناحیه ایران عالی بوده است اما این احساس را هم دارم که می تواند بهتر شود و یا شاید گزارشات دقیقتر توضیح داده شود. همچنین میل دارم نظرات شما را در مورد ضمیمه این نامه بدانم که آیا با قسمتی از آن مخالفت شدید دارید یا نه؟

من همچنین درک می کنم که این ضمیمه خیلی جامع است و ما نمی توانیم همه چیز را فورا انتظار داشته باشیم. معهذا امیدوارم که سودمند باشد.

همان طور که همه شما درخواست کرده اید ما ملاقاتهای بیشتری بین کارمندان عالی خواهیم داشت و با امیدواری باید گفت که ملاقات بعدی اواخر مارس یا اوائل آوریل باشد. موضوعات اولیه مسایل کنسولی و اداری خواهد بود و همچنین می توانیم در مورد راهنمای گزارش نویسی سیاسی اقتصادی دقیقتر بحث کنیم.

با بهترین آرزوها

جک سی میکلوس

این نامه برای: مایکل مترینکو، ویکتور تامست و دیوید مک گافی، کنسولهای آمریکا در تبریز، شیراز و اصفهان فرستاده شده است.

نکات راهنمای گزارش نویسی سیاسی اقتصادی برای اصفهان

سری غیر قابل رؤیت برای اتباع خارجی

نکات راهنمای گزارش نویسی سیاسی اقتصادی برای اصفهان

سیاسی

اصفهان به چند دلیل مورد خاصی محسوب می شود؛ اما در رابطه با گزارش نویسی، دلیل اصلی این است که از آغاز بازگشایی کنسولگری در سال ۱۹۷۵ تعداد گزارشات جامعی که از آنجا فرستاده شده است زیاد نبوده است. دلایلی برای آن وجود داشت. اما اینک در رابطه با اطلاعات عمومی زمینه کار، ما نیازمند دو تحلیل طولانی تر می باشیم که ساخت اساسی قدرت در شهر و استان و وضع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را نشان دهد. در عین حالی که در ایران تصمیمات عمده در مرکز اتخاذ می شوند. این امر در حوزه اقتصادی و حتی سیاست عدم تمرکز و تشکیلات حزبی مصداق کمتری دارد. اصفهان و دیگر کنسولگریها نمودارهای خوبی فراهم می آورند تا با استفاده از آنها پیشرفت یا عدم پیشرفت کار تهران و ادعای (حزب) رستاخیزیان معلوم گردد. به ما گفته شده آموزگار قصد دارد به کار حزبی اصرار بیشتری ورزد و می خواهد کار گروهی بر مبنای علاقه و فعالیت در زمینه تخصیص منابع حداقل گردآوری در امور اولویت دار را در مجامع حزب تشویق نماید. دریافت نظرات شما در این مورد، تا نوروز حداقل به شکلی مقدماتی سودمند خواهد بود. مشابه آن، سیاست عدم تمرکز لااقل در حرف مورد توجه قرار گرفته است. عکس العمل «زاد» فرماندار آنجا نسبت به این تلاش اخیر آموزنده خواهد بود. در این رابطه اگر بتوانید تناسب بین فعالیت سیاسی و سیاست عمرانی رانشان دهید سودمند خواهد بود.

از آنجایی که اصفهان از شهرهای مقدس است، ما هم به شما بیش از دیگر کنسولگریها توجه داریم تا درباره جامعه مذهبی و به طور کلی فعالیتهای مذهبی، خصوصا آنهایی که در خود نوعی نارضایتی یا مخالفت احتمالی نهفته دارند یا نهایتا به آنجا منتهی می شوند، بینشی به دست آوریم. شاید مسلمانان

متعصب تر اصفهان واقعا بخش برجسته ای از ساخت آنجا باشند، زیرا در دیگر نقاط ایران چنین نیست.

در حالیکه دیدار امیدوار کننده کارتر یک مقداری از حالت دستور فوری مساله حقوق بشر کاسته است، اما هنوز موضوع عمده ای است که بخش سیاسی با داشتن موضعی که بزحمت می تواند آن را موضع سیاسی دانست با آن سر و کار دارد. اطلاعات درباره این موضوع همیشه مفید است. ما همچنان از گزارشان تلفنی شما استقبال می کنیم و با خوشحالی آنها را با مال خودمان یکی خواهیم کرد، همان طور که طی سال گذشته در چندین مورد این کار با موفقیت انجام شده اگر آن دوستانی که به تلفنها گوش می دهند، بفهمند که ما توجهمان جلب این موضوع است. البته اگر گزارشها صرفا شرح ماوقع باشند یا بتوان جنبه حساس آنها را حذف کرد، من شخصا اهمیتی نمی دهم که دوستان با گوش دادن به تلفن ما بفهمند که ما همچنان به این موضوع توجه داریم).

موضوع دیگر در این رابطه، جوّهای بحرانی است که بر اثر توسعه صنعتی به وجود می آیند و همیشه خواندنی هستند؛ مخصوصا اگر مقداری از وقتتان را صرف تهیه یک گزارش منسجم از نظریاتتان پیرامون حوادثی از قبیل اعتصاب چند روز پیش کارخانه آرد و دیگر ناآرامیهای کارگران آمریکایی یا جهان سومی بکنید.

با گذشت مدتی از سال، تجدید کردن نامه جین درباره جماعت آمریکایی اصفهان و مشکلات و آینده و امور دیگر ایشان یک متن خواندنی به دست خواهد داد. (اگر مسئله فوری یا در شرف وقوعی در رابطه با

ما وجود داشته باشد زود مشغول شوید و برای نوشتن متن طولانی معطل نمانید.)

باز هم به عنوان نمودار، اطلاعات درباره فعالیتهای دانشگاهی، که به حرکتهای احتمالی مخالف مربوط می شوند و مواضع کلی دانشجویان، بدرد می خورد. در بخش آموزش ناآرامی وجود دارد و همان طور که در گذشته اتفاق افتاده است، ممکن است دوباره شرکت کنندگان و تحریکات آن از جانب اصفهان باشد.

از آنجایی که یک کنسولگری شوروی هم با شما مقیم آنجاست، ما امیدواریم حداقل چند نوشته از طرز برخوردهای آن کنسولگری را برای گزارش CERP-۲در مورد روابط با کشورهای کمونیست گرد آورید.

مهلت گزارش تا ۱۵ نوامبر است، ما در صورت امکان مایلیم گزارش شما را یک ماه قبل از آن موعد در دست داشته باشیم.

سیاسی نظامی :

واضح است که در زمینه سیاسی نظامی اگر نه همه امور، ولی بیشتر آنها(منجمله گزارش نویسی) که مربوط به کوششهای مصروف نوسازی ارتش ایران و برنامه یاری امنیتی ما است، بوسیله بخش سیاسی نظامی سفارت و هیئت مستشاری نظامی آمریکا در ایران انجام می شود. در برنامه اجرای امور عملیات روزمره بخشهای وسیعتر سیاسی نظامی، بر عهده بخش سیاسی نظامی و اداره رایزنی نظامی است. با این همه هنوز مفیدترین گزارشها، توضیحات و حتی تحلیلها در زمینه سیاسی نظامی، باید توسط کنسولها نوشته شود. برای نمونه، در حوزه های کنسولی همه شما تأسیسات و پایگاههای نظامی دایر هست. بسیار مفید است که شما در اصفهان، شیراز، و تبریز و مسافرت در حوزه های خود، اثر چنین پایگاهها و تأسیسات (افراد آنها نیز) را در مناطقی که قرار دارند به نظر بیاورید. باید بتوانید، حداقل به

مرور زمان، این تشخیص را به دست آورید که آیا پایگاهها و تأسیسات باعث توسعه بخش خصوصی هستند، با اینکه جریان به عکس است، یا اینکه این دو رابطه متقابل با یکدیگر دارند. به عبارت دیگر در نتیجه واقع بودن پایگاه در آن منطقه، ممکن است جاده ها و مدارس جدید، یا امکانات دیگر مراکز آبرسانی و برق دهی ساخته شده باشد. حتی شاید مراکز بازرگانی کوچک، مغازه و دیگر فعالیتهای تجارتی نیز به دنبال ساختن یا فعالیت پایگاه (هر کجا که باشد) پدید آمده باشد.

امیدواریم که استاندار منطقه طرحهای پایگاهها و تأسیسات جدید را جزئی از برنامه عمرانی کلی منطقه خود حساب کند. در این رابطه به دست آوردن مقداری اطلاعات باید امکان پذیر باشد به علاوه علاقمندیم که از طرز فکر ارتشیانی که در هر منطقه مشخص زندگی می کنند بهتر آگاهی داشته باشیم.

آیا آنها از مشاغل ارتشی خود راضیند ؟

آیا وظایف خود را خو ب انجام می دهند؟

آیا پایگاه یا تأسیسات مورد نظر کارآیی دارد؟

به طور کلی تلقی شان از شاه و نحوه پیشرفت عمرانی در ایران چیست؟ نظر شخصی ایشان چیست؟

همچنین دانستن اینکه افراد ارتش، خود را تا چه میزان وقف شغلشان می کنند، جالب خواهد بود. مثلاً آیا در خیلی از آنها این تمایل وجود دارد که در پایان مأموریت خود در پایگاه مورد نظر، خدمت خود را ترک

کنند (با فرض اینکه وضع خدمت وظیفه یا حرفه ای ایشان امکانی را می دهد) یا اینکه اکثریت می خواهند به پستهای جدید نظامی بروند؟ شاید هیچ تمایلی در بین نباشد. آیا کارگر به اندازه نیاز پایگاه موجود است؟ آیا نیازهای نیروی انسانی بخش خصوصی بر اثر احتیاجات پایگاه عاطل مانده اند؟

ما می فهمیم که بدست آوردن بعضی از این اطلاعات مشکل و در بعضی موارد غیر ممکن است. همچنین می دانیم که به هر صورت دسترسی به آنها مقداری زمان لازم دارد. در حقیقت بسیار متشکر خواهیم شد اگر درباره این موضوع کلی فکر کنید و سئوالات اضافی را که دنبال کردنشان مفید است و حتی موضوعات بیشتری را که برای بخش سیاسی نظامی مفید باشد، پیشنهاد کنید.

حتی اگر اطلاعاتی به دست آوردند که به نظر کامل یا تماما شکل یافته نباشند قبل از اینکه آن را در هر نوع گزارش رسمی به کار برید، بهتر است که آنها را حتی به صورت غیر رسمی به بخش سیاسی نظامی سفارت بفرستید. در ابتدا احتمالاً این امر بیشتر موقعی اتفاق خواهد افتاد که ما با بخش سیاسی نظامی کار می کنیم تا سودمندترین و هماهنگ ترین رابطه همکاری را در تمامی تلاش هیئت (دیپلماتیک) در بخش سیاسی نظامی برقرار کنیم.

اقتصادی :

در زمینه اقتصادی با محدوده کاری پر محتوایی سرو کار دارید. گزارش سالیانه یا گزارش محلی در مورد کارخانه NISOC و طرحهای NISIS (هر دو مربوط به کارخانه ذوب آهن) هم برای ما و هم برای واشنگتن مفیدند. دیدارهای محلی از صنایع برجسته، ملاقات با بازرگانان درجه اول، بانکداران و مقامات اتاق اصناف موضوعات خوبی برای گزارش هستند. شما که در نوشتن گزارشهای اقتصادی سوابق همکاری فراوان دارید، مشکلتان زمان خواهد بود، نه مهارت؛ اما فهرستی از موضوعات می تواند شما را در تشخیص تقدم و تأخر انجام تحقیقات صنعتی و اقتصادی یاری دهد.

سرمایه داری: تأسیس، کارکنان اصلی، مقدار و تاریخ سرمایه گذاری، منبع سرمایه، نوع و شکل فعالیتهای تجاری، در صد درآمد وسعت و محل، طرحهای توسعه.

روابط خارجی: میزان درآمد، حق الامتیازها، اجاره نامه ها (در این صورت، شرایط از قبیل شرایط صادرات) حضور مدیریت و تکنسینها و خصوصیت.

طرحهای آموزشی، تحقیق خدمات و بازاریابی.

فعالیت: میزان محصول سالهای اخیر به درصد ظرفیت، استعداد تولیدی (در صورت امکان با معیارهای ایالات متحده، ژاپن و اروپا مرتبط سازید) کنترل کیفیت، موانع زیربنائی (برق، آب و غیره) تعداد نوبتهای کار پیش بینیها.

مصرف و تولید: کشور منبع مصرفهای عمده مشکلات (از قبیل تهیه تجهیزات اصلی عدم تمایل به عوامل که باعث رقابت می شوند) میزان کالاهای انبار شده و برنامه در مورد آنها، بازارهای فعلی و آینده (داخلی و خارجی) سرویس محصولات.

دخالت دولت: مالیات و دیگر کمکها و تعرفه و دیگر حمایت در بازار رقابت، مشکلات در رابطه با دولت، مشکلات نرخ گذاری و غیره

مالی: عایدیهای خالص و ناخالص فعلی و پیش بینی شده، بازگشت سرمایه، سهام (اگر عمومی است) و

شرکت در برنامه تقسیم سهام، برخوردهای مالیاتی (مثلا دعواها) و هر گونه مشکل در اعتبار گرفتن، بدهی خدماتی و غیره.

نیروی انسانی: تعداد و خصوصیت کارکنان (مثلاً مرد، زن، کارگر و کارمند، خارجی) چگونگی استخدام و آموزش آنها، میزان اصلاح سازمان و تغییر پرسنل سازمان و کارآیی، نرخهای حقوق، تمایلات و چگونگی میزان تشخیص آن سهم از منفعت، امتیازات، مشکلات. چنین گزارشی همچنین باید حاوی یک جنبه اطلاعاتی در مورد فرصتهای استفاده ایالات متحده مثلا در یک برنامه توسعه و مرتبط با یک تمایل به کسب مجوز فعالیتهای خارجی باشد. گزارش شما در امور اقتصادی مملکت از قبیل موارد ذیل مورد استفاده قرار خواهد گرفت: سیاست کنترل قیمتها، تورم (قیمتهای معمول زمین و اجاره) به تعیین حقوق، دور نما و وضعیت فعلی برنامه تقسیم سهام (اصل ۱۳) مشکلات و اصلاحات تأمین و پخش (مانند سیستم ترابری، انبار داری، بازارها) موجود بودن و تخصیص اعتبار ؛ اوضاع سرمایه گذاری / تجارت به طور کلی (شامل میزان بالارفتن سرمایه) عوامل موثر در آن اوضاع (مثلاً تصمیم به سرمایه گذاری یا عدم آن) و فعالیتهای دولتی (کارآیی بوروکراسی، اتخاذ تصمیمات محلی یا همه در تهران) ؛ تأثیر خرجها، تقلیل طرحهای عمرانی و غیره.

راهنمای گزارش نویسی سیاسی و اقتصادی برای شیراز

سری غیر قابل رؤیت برای خارجیان

راهنمای گزارش نویسی سیاسی و اقتصادی برای شیراز

سیاسی :

ابتدا عکس العمل ما نسبت به طرح بسیار خوب شما: با توجه به گزارش سیاسی این مسئله صحیح است که مرکز کنترل می کند. معذالک با توجه به آشوبهای دانشگاهی، تجزیه و بالا گرفتن احساسات مذهبی، آنچه که در شیراز اتفاق می افتد مهم است، اگر چه تنها به عنوان ملاکی برای اندازه گیری آنچه در تهران اتفاق می افتد، باشد. در مورد «حقوق بشر» که به طور وسیع تعریف شده به طور مهمی به ما کمک کرده است. البته ما میل داریم چیزی در مورد بررسی احساسات مذهبی در شیراز و اینکه چگونه این احساسات در عرصه سیاسی و اجتماعی و اقتصادی ظاهر می شود در نیمه سال و یا زودتر ببینیم. (مثلا در اصفهان نامه هایی به مؤسسات اقتصادی فرستاده شده که در آن گفته شده است که بهائیان نباید استخدام شوند.)

اگر این مسئله در بررسی ناآرامیها می گنجید، نیر خوب است. این مسئله نیز مورد علاقه ما است که بدانیم که آیا نتیجه این گسترش به طور عملی یا بالقوه مشکلاتی را در مورد جامعه آمریکاییهای ساکن ایران در بر دارد.

در مورد عدم مرکزیت و حکومت ایالتی ما مایل هستیم که از هر تغییر پرسنل مهم سریعا آگاه شویم؛ اما در غیر این موارد شما اتفاقات مهم و اساسی را می توانید در توضیح کلی که از حوادث جاری می دهد ذکر کنید. مثلاً اگر زمانی پیش از نوروز گزارشی در مورد برخورد با حکومت آموزگار در شیراز و ناحیه مأموریت خود داشته باشید، بسیار مفید خواهد بود، هر چند این گزارش منفی و یا خنثی باشد.

ما در این مسئله با شما هم عقیده هستیم که سیاست و اقتصاد به هم پیچیده اند، ولی برای

گزارش نویسی می توان بعضی چیزها را از هم جدا کرد. ما با این گفته موافقیم که گزارشات شش ماهه از شرایط بندر ضروری به نظر می رسد. بخش سیاسی میل دارد در صورت امکان یک بررسی در مورد گسترش اقتصادی همراه با تقسیم بودجه داشته باشد. البته در صورتی که این بررسی خیلی شبیه سعی در تجزیه یک آمیب در زیر میکروسکوپ الکترونی نباشد.

ما در اینجا به این نتیجه رسیده ایم که یادداشتهای شما از مکالمات (memcon) به اندازه کافی بوده و توجهتان را بر روی گزارشات و مقاله های تحلیلی تمرکز دهید که طی این گزارشات پیشرفتها را توضیح دهید، ولی بیش از حد، مانند مطالعات تحقیقی و اطلاعاتی INR طویل نباشد.

مثلاً علاوه بر روی کار آمدن مذهب، دانشگاه پهلوی و رئیس دانشگاه آقای مهر دو موضوع خیلی جالب هستند. دانشگاه پهلوی از این جهت که منعکس کننده مشکلات ناشی از توسعه سریع آکادمیک است (که این گونه مشکلات به شکل یک اپیدمی ملی در آمده است) و آقای مهر به دلیل اینکه نه تنها او یکی از صریحترین و شایسته ترین رؤسای دانشگاه است، بلکه جانشینی برای وزیر آموزش فعلی و با یک شغل دانشگاهی است، شاید ریاست دانشگاه تهران و یا مسئولیت تمام دانشگاهها در پست معاونت عالی می باشد. وضعیت آزمون نیز چنین است.

او در اینجا موضوع جالبی است و روش او به وسیله کسانی که او را می شناختند و یا به تغییر کابینه علاقمند هستند مورد توجه است.

ما هنوز علاقمند به گزارشاتی در مورد حقوق بشر هستیم. گرچه درخشش امید بخشی که ملاقات نمایندگان را احاطه کرده است، مقداری از حرارت مستقیم را رفع نموده است. اگر شما میل دارید که طی ملاقات خلاصه تلفنی تماس بگیرید، این تماسها استقبال خواهند شد. من شخصا فکر نمی کنم که به دوستان شنونده ما از یادآوری علاقه ما نسبت به این موضوع آسیب رسد، البته در صورتی که گزارش یا منبع زیاد حساس نباشد.

با توجه به فعالیت کمونیستها، اگر از این نوع فعالیتها در حوزه شما هست، ما میل داریم اطلاعاتی برای گزارش (cerp-۲) یک ماه قبل از شروع به کار گزارش (که حدودا ۱۵ نوامبر است) در دست داشته باشیم.

سیاسی نظامی:

(قسمت سیاسی نظامی این راهنما دقیقاً مشابه بخش سیاسی نظامی در راهنمای گزارش نویسی در مورد شهر اصفهان است مترجم)

اقتصادی:

گزارشات و یادداشتهای مکالمه ای شما از دیدار از صنایع و سایر مسایل اقتصادی بسیار عالی بوده اند. از آنجایی که بیشترین توجه در ناحیه شما بر روی مسئله انرژی متمرکز است، یک ارزیابی از منابع جدید انرژی مثلاً سد رضاشاه و تاثیر محلی و ملی آن مؤثر و مفید است. همان طور که قبلاً بحث کرده ایم ما سعی در تشویق شما در جدا کردن مطالب دولتی و غیر دولتی به شکل طبقه بندی نشده و طبقه بندی شده داشته ایم. مخصوصا این در نقلها و گزارشات شما از بندر بسیار مفید است و نیز منابع بازرگانی زیادی دارد. هنگامی که شما از صنایع دیدن می کنید، لیست موضوعاتی را که در زیر آورده می شود ممکن است برای شما مفید باشد، که البته این لیست جامع نیست:

(توضیح مترجم: باقیمانده راهنمای گزارش نویسی اقتصادی در مورد شیراز دقیقاً مشابه راهنمای

گزارش نویسی اقتصادی برای اصفهان است که قبلاً آمده است).

راهنمای گزارش نویسی سیاسی و اقتصادی برای تبریز

سری غیرقابل رؤیت برای خارجیان

راهنمای گزارش نویسی سیاسی و اقتصادی برای تبریز

(برای مایک مترینکو تبریز)

سیاسی:

طی دو سال گذشته ما گزارشات خوبی از منطقه تبریز داشته ایم. خیلی خوب خواهد بود اگر بتوانید در شش ماه آینده ساخت اساسی استان را ترسیم کنید و معلوم کنید چه کسی قوی است، چه کسی با وی مخالف است (اگر هست) و فعالیتها و رهبران اصلی حزب (اگر باشند) چگونه است. این کار با یک، دو یا سه نامه هوایی می تواند تمام شود. چگونگی انجام آن بیشتر با خودتان است. بی فایده نیست اگر مانند دیوید مک گافی در سال گذشته، زمانی در بهار، نامه مربوط به وضع امنیتی را تجدید کنید. اگر لازم بود می توانید گروههای مخالف را هم در آن بگنجانید، فعالیت تروریستی در تبریز را تخمین بزنید و میزان کارآیی پلیس را به نظر آرید.

اگر شما فرصت تهیه یک خلاصه جامعتر درباره حضور نظامی ایران در ناحیه مرزی تبریز شوروی داشته باشید، مطمئنم که همکاران در اداره وابسته دفاعی و بخش سیاسی نظامی آن را مفید خواهند یافت. آن را ای شروع گزارشهای منطقه ای، به سراغ مسئله کردها می رویم. از آنجایی که گزارشات مربوط به بخش کردنشین مورد توجه کشورها است، فعالیت تبریز در هفت سال گذشته عمدتاً صرف این امر شده است. ما امیدواریم که شما بتوانید روابط جدیدی را برقرار و حفظ نمایید تا حداقل در هر نیمسال ما را از عقاید کردها در مورد مسایلی از قبیل برادران عراقیشان، استعداد آنها برای حمایت از ناراضیان در عراق و دیدشان را نسبت به آمریکا، مطلع سازید. از صحبتهایمان در تهران شما می دانید که در عراق کردهای ناراضی فعال هستند. این همراه با بعضی فعالیتهای عراق در چند ماه اخیر، مسئله حقوق انسانی کردهای

عراقی را هم در آمریکا و هم در صحنه سازمان ملل متحد به صورت علنی مطرح ساخته است. هرگونه شواهدی که شما در مورد نحوه رفتار خوب، بد و یا میانه آنها به دست آورید بسیار استقبال می شود. نحوه رفتار خوب، بد و یا میانه آنها به دست آورید بسیار استقبال می شود.

از لحاظ علائق سیاسی فعلی، ما از شما می خواهیم که همچنان ناظر صحنه دانشگاهها باقی بمانید.

این شاید بیش از آنچه شما فکر می کنید برای ما مفید باشد. زیرا شما با ناحیه ای حساس سروکار دارید.

اینجا متناوباً اطلاعات غلط از اطلاعات بیشتر می شود و گزارشهای تهیه شده توسط شما و دیگر کنسولها معیار اصلی قضاوت ما خواهند بود. مخصوصاً به هرگونه شواهدی دال بر جنب و جوش حزب رستاخیز چه در کانالهای رسمی یا غیر رسمی علاقه مندیم. آموزگار و بعضی از افراد که در اینجا ما با او صحبت کرده ایم ابراز داشته اند که نخست وزیر از حزب متوقع است در گرد آوردن منافع مشترک و راهنمایی تهران در تخصیص منابع فعالیت وسیعتری داشته باشد.

در صحنه حکومت منطقه ای و محلی به طوری که ما کسب اطلاع کرده ایم شهردار تبریز بالاخره تهدید به کناره گیری کرده که این یک بار هم برای او زیاده از حد بوده است، زیرا از او خواسته شد که استعفا بدهد.

اطلاعات بیشتر در این باره و در مورد تحولات شهری (شامل فرصتهای تجاری) مطلوب خواهند بود.

دوباره باید یادآور شد که تهیه گزارش درباره شهرداری و استانداری توسط شما، نمودار خوبی خواهد بود تا ادعاهای موافقان و مخالفان سیاست عدم تمرکز امتحان شود.

فعالیتهای مقامات شوروی در ناحیه شما بسیار مورد علاقه است. ما پیشنهاد می کنیم که در هنگام انجام مقررات گزارش نویسی یک یادداشت ملاقات در هر مورد تماس به RSOفرستاده شود. اهمیت خاص به توصیف جزء به جزء عقاید و رفتار شورویهایی که ملاقات می کنید، قائل شوید. چنین گزارش نویسی باعث کمک بسیار در تشخیص مقامات شوروی که احتمالاً بتوانند اطلاعات جاسوسی چشمگیری فراهم کنند، خواهد بود.

سیاسی نظامی:

(توضیح مترجم: این قسمت مانند قسمت سیاسی نظامی برای شهرهای اصفهان و شیراز است، از تکرار آن صرف نظر می شود).

اقتصادی:

بازدید و گزارش از پالایشگاه جدید سودمند خواهد بود. مذاکره قبلی با ریچارد بش مسلماً راهنماییهای مخصوصی را به دست خواهد داد.

در صورت امکان، تجدید سالانه بخش صنعتی بسیار ذیقیمت است. مانند هر بازدید صنعتی دیگر، عناوینی که باید در نظر گرفته شوند عبارتند از:

(توضیح مترجم: باقی بخش اقتصادی این راهنما برای تبریز مشابه بخش اقتصادی راهنمای ش نویسی در مورد شیراز و اصفهان است و از تکرار آن صرف نظر می شود).

ملاها، فساد، ساواک

سند شماره (۱۱)

استفاده محدود اداری۱۲ فوریه ۱۹۷۸ ۲۳/۱۱/۱۳۵۶

سفارت آمریکا تهران

یادداشت مذاکرات

موضوع: ملاها، فساد، ساواک

در طول چند سال اخیر پرویز رائین برای سفارت کاملاً شناخته شده است. او تا اندازه محدودی فکر خود را بازگو می کند و من احساس می کنم که او آدم مطلعی در امور شهر است. به طور کلی گزارشگر مورد اعتمادی به نظر می رسد. او موفقیتهایی در رژیم فعلی به دست آورده، اما نقطه نظرهای او می رساند که تغییر بعضی چیزها لازم است. من چنین دریافته ام که او گاه گاهی هم با شاه ملاقات می کند.

ملاها

رائین عموماً ملاها را گروهی غیر قابل اعتماد، توطئه گر و کاملاً خودخواه می داند. رائین معتقد است که بسیاری از آنها قلباً هرگز شاه را به خاطر کوتاه کردن دست آنها از قدرت سیاسی و اقتصادی در دهه ۱۹۶۰ نخواهند بخشید و بدون شک اگر فرصت بیابند برای دولت و کشور دردسرهایی تولید خواهند کرد. رائین احساس می کند که ملاها در حال به انفجار کشیدن حرکتهای جاری کشور هستند که این خود از پی آمدهای آزادیهای سیاسی برای مردم می باشد. اما در حقیقت آنها می خواهند ایران را به قرن ۱۵ برگردانند و در این مسیر اموال از دست رفته خود را احیاء کنند. عدم اعتماد ملاها ظاهراً از حادثه خونین میدان سپه در اوائل سال ۱۹۶۰ ریشه می گیرد. بر طبق نظر او ملاها تظاهراتی بر ضد شاه ترتیب داده و گروهی از دانش آموزان مدارس را سازمان داده تا خود را بر ضد پلیس پیش اندازند. وقتی که پلیس به آنها دستور داد که بایستند، ملاها آنها را تحریک به پیشروی کردند. بالاخره پلیس به دلیل دستوری که اگر

تظاهرکنندگان عقب گرد نکردند، بر روی آنها آتش بگشایند، تیراندازی کردند و تعدادی از دانش آموزان مدارس کشته شدند. رائین این استراتژی را کاملاً قابل سرزنش می داند.

رائین از مصاحبه اخیری که توسط سه تن از خبرنگاران خارجی با آیت اللّه خمینی به عنوان مردی آزادیخواه و بزرگ به عمل آمد، ناراحت بود و می گفت او چنین مردی نیست.

فساد

رائین می گوید فساد در ایران بسیار گسترده است و تنها راه کم کردن آن «عمل از بالا» است. به نظر رائین مجرمان اصلی ژنرالها و خانواده سلطنتی می باشند. این دو گروه زمینهای بسیاری در نزدیکی دریای خزر را تقریباً مجانی به خود اختصاص داده اند و پس از تقسیم کردن، آنها را با قیمت گزاف فروخته اند. این هردو گروه پولهای زیادی از دولت گرفته تا جاده هایی منتهی به املاک خود بسازند. این ساختمانها به نفع هیچ کس نیست جز صاحبان آنها.

ساواک

رائین می گوید البته درست است که زندانیان در ایران شکنجه می شوند و تمام ایران این را می دانند، اما

باید دید شکنجه چیست؟ حتی ۲۴ ساعت در زندان بودن ممکن است برای بعضی، نوعی شکنجه باشد.

وی در عین حال که قبول دارد ساواک نقش بسیار مهمی دارد و در مقابل عراق و در تهیه ادامه کار یک دستگاه اطلاعاتی لازم است، اما معتقد است که مقامات بالای ساواک از جمله ژنرال نصیری باید بازنشسته شوند. این اشخاص در ساواک کفایت خود را از دست داده و ایران را بدنام کرده و سبب بدبختی بسیاری از مردم شده اند. او دکتر حسین زاده (که نام اصلی او عطارپور است) را به عنوان رئیس بازجویی ساواک نام می برد که فقط از طریق محکوم کردن مردم از طریق بازجوییهای خود، که آنها را مجرم یا بیگناه معرفی نماید، زندگی می کند.

رائین داستان زیر را که منجر به زندانی شدنش به مدت چند ساعت شد، تعریف می کند: رائین می گوید خبری را که درباره برف سنگینی بود که ارتباط چندین روستا را قطع کرده بود، برای آسوشیتدپرس نیویورک تنظیم می کردم، اما سردبیر این خبر را نمک زده و با خبر دیگری جور کرد و نوشت: در زمانی که ارتباط ارتباط چندین روستای ایران قطع شده بود و مردم درصدد پاک کردن برف سنگین از راهها بودند، شاه در تپه های سنت موریتز در حال اسکی بود. رائین می گوید ساواک بلافاصله او را دستگیر کرد و به سلول انداخت. در پایان رائین اضافه می کند که زاهدی یک تلفن فوری از واشنگتن به شاه زد و تأیید کرد که سطور توهین آمیز در نیویورک اضافه شده و رائین از زندان بیرون آمد.

خلاصه مذاکرات هیئت مسایل مملکتی

سند شماره (۱۲)

محرمانه

۱۵ فوریه ۱۹۷۸ ۲۶ بهمن ۱۳۵۶

خلاصه مذاکرات هیئت مسایل مملکتی

سفیر در مورد سفرش به واشنگتن برای شرکت در جلسه در تاریخ بیستم فوریه صحبت کرد. وی همچنین اشاره کرد که سفر اخیر او به مناطق جنوبی ایران بسیار آموزنده بوده است. صنعت نفت بسیار تأثیرپذیر است و قسمتهای IIN نیز تأثیرپذیری بالقوه ای دارند. در دنباله این سفر، سفیر ملاقاتی با شاه داشته است و در مورد مناقشات خاورمیانه و شاخ آفریقا بحث کرده اند. شاه همچنین از روابط دوجانبه با بریتانیا ابراز نارضایتی نموده است. شاه تأکید می کرد که در مورد محموله های نظامی آمریکایی نباید قضیه ای به وجود آید و سفیر بیان داشت که ایران نباید خود را درگیر مذاکرات مربوط به نقل و انتقالات سلاحهای عربستان سعودی، مصر و اسرائیل کند. شاه موضوع را خوب درک کرده و موافقت کرد.

سفیر خاطرنشان کرد که به نظر می رسد که دستور جلسه کمیسیون مشترك تأیید می شود. اگر همه مدعوین در واشنگتن شرکت کنند، گروه زیادی از ایران نیز حضور خواهند داشت (وزیر تذکر داد که تاکنون عده ای حذف شده اند). کمیته اجرائی شورای بازرگانی ایران و آمریکا در حال بازدید است و این کمیته مذاکرات بی نتیجه ای در مورد امنیت اجتماعی، مالیات مضاعف و سهام عادلانه داشته است. آنها گزارشی در خصوص وضع سرمایه گذاری در ایران تا ماه «می» تهیه نخواهند کرد.

سفیر تقاضا کرد که هرکس که اطلاعاتی در مورد مسئله دارو (مواد مخدر) و TAS دارد به «پت دویچ» اطلاع دهد. هیئت مدیره USEAچنین تصمیم گرفت که شراب یك متمم غذایی است و لذا باید جیره بندی شود.

تصمیم سفیر بر این بود که شراب نباید تأمین کننده ای برای بازار تهران شود و بنابراین باید علیرغم ارزش غذایی آن جیره بندی شود.

سفیر امروز صبح درباره خط مشی استخدامی هیئت برای همسران و فامیل جلسه ای خواهد داشت.

ژنرال گست اظهار داشت که هیئت مستشاری نظامی طالب دقت بیشتری در مورد دستورات جاری است.

آقای بروین در پاسخ سؤالی از طرف سفیر گفت که تلگرامی در مورد موافقتنامه امنیت کره جنوبی به واشنگتن خواهد فرستاد و درخواست دستورالعمل در خصوص عملکرد موافقتنامه دوجانبه ما خواهد نمود.

وزیر گزارشی درباره دستور جلسات کمیسیون مشترک داده و متذکر شد که کلیه موافقتنامه ها احتمالاً تا تنظیم آخرین صورت جلسه تکمیل نخواهد شد.

آقای زیشک اطلاع داد که آهنگساز آمریکایی دیوید آمرام برای اجرای برنامه در IAS و جنوب کشور هفته آینده به ایران می آید. سفیر اشاره می کند که آرنود وبور چگریو برای مصاحبه با وی و همچنین ملاقات با شاه خواهد آمد.

ژنرال گست از سفیر پرسید که آیا وی سوابقی در رابطه با مسافرتش به واشنگتن لازم دارد یا خیر؟ از او خواسته شد که اطلاعاتی در مورد نیازمندیهای ساختمانی و برنامه های مربوط به F-۱۶ و آواکس و بیشتر F-۱۴ تهیه کند. سفیر گفت که از جانب ما شاه به خاطر مساعی ایرانیان در تلاش جهت یافتن پسربچه

مفقود آمریکایی تشکر کرد. ژنرال گست گزارش کاملی راجع به شرایط مربوط به حادثه پیاده روی داد.

روز گذشته ژنرال طوفانیان طی تماسی با ژنرال گست در مورد نحوه افزایش قدرت تانکهای M-۶۰ مذاکره نمود. لیکن به وی خاطرنشان شد که این برنامه ممکن است امکان پذیر باشد، ولی پرسنل تانک دولت ایران نیاز به آموزش وسیعتری خواهند داشت.

آقای بروین خاطرنشان ساخت که تلگرافی راجع به نزاع شرکت نفت ایران با شارجه دریافت داشته است. این یک اقدام خیلی پیچیده است که شامل شرکت نفت ایران و یک شرکت آمریکایی است که طی آن شرکت نفت ایران برای شرایط مالی فشار می آورد که ممکن است منجر به تعطیلی شرکت آمریکایی در شارجه شود. آقای بروین اظهار داشت که شایعاتی در مورد این قضیه شنیده است، مبنی بر اینکه شرکت آمریکایی (LSC) قراردادش را لغو کرده و از مدیر آن خواسته شده که طی ۲۴ ساعت ایران را ترک کند. وی در این مورد بررسی خواهد کرد.

آقای لمبراکیس درباره رئوس مطالب امروز مطبوعات گزارش داد و گفت مجلس در حال بررسی لایحه ای است که در آن هر خارجی که به طور غیرقانونی وارد ایران شده باشد تحت پیگرد قرار می دهد. مقاله ای در مورد حقوق بشر توسط جهانگیر آموزگار در کیهان اینترنشنال نوشته شده بود.

آقای فری گفت که اولین گروه دامپزشکی آمریکا وارد شده و روی یک برنامه آموزش کمیسیون مشترک کار می کند و یک نمایش یک روزه در مورد محصولات غذایی برای نشان دادن مقاطعی از خوراکیها در ۴ آوریل به اجرا گذاشته خواهد شد.

فرمانده هاگ اطلاع داد که کشتیهای USS DAVIS و کشتی USS FURER به بندرعباس وارد نخواهند شد و در عوض در نقطه ای از دریای سرخ خواهند ماند.

گولز به معرفی آقای «تیم اسکود» پرداخت و گفت که او به طور موقت در کنسولگری کار خواهد کرد و

بعداً به شیراز منتقل خواهد شد.

خلاصه مذاکرات هیئت مسایل مملکتی

سند شماره (۱۳)

محرمانه

تاریخ : ۲۳ فوریه ۱۹۷۸ ۳/۱۲/۱۳۵۶

خلاصه مذاکرات هیئت مسایل مملکتی:

وزیر جلسه را با اشاره به اینکه انجمن روزنامه نگاران ملی روز گذشته ملاقات خوبی با وزیر یگانه داشته اند و برای امروز برنامه پرمحتوایی تدارک دیده اند که شامل یک جلسه با نخست وزیر است، آغاز کرد. به هنگام مرور اخبار دریافت شده، آقای میکلوس در مورد پیغامی از سوی سفارت خارطوم که گزارشی در مورد موقعیت کشور چاد بود، صحبت کرد. او همچنین توجه افراد را به ازدیاد ملاقاتهای سالیانه از گروه دانشگاه دفاع ملی که امسال تعداد آن نسبتاً کاهش خواهد یافت جلب نمود. ما همچنین تأییدیه ملاقات با مگن کلارک و ژنرال هایزر را دریافت کرده ایم. وزیر خاطرنشان ساخت که مصر آن گونه که در محافل آنکارا شایع شده به پیمان سنتو نخواهد پیوست.

سفیر نامه ای از ویلیام. اچ. کورتنی یکی از همکاران در کنسول روابط خارجی دریافت داشت مبنی بر اینکه او در ماه آوریل از ایران بازدیدی به عمل خواهد آورد. در میان نامه های دریافتی نامه جالبی به دست سفیر مربوط به عکسهای «کمیاب» شاه و ملکه الیزابت رسید. آقای گولز که مأمور انجام این کار شده بود، گفت که ممکن است او یک دسته تمبر پستی برای نویسنده بفرستد. آقای جینگلز از امتیازهای استخدامی که نصیب کارمندان بانک ایرانیان گردیده است بسیار متعجب شد. او اضافه کرد که از مقررات سخاوتمندانه قرارداد اطلاع داشته ولی آن را از کارمندان سفارت مخفی نگاه می داشته است. عضو دیگر هیئت کشوری عقیده داشت که قرارداد را به عنوان یک نمونه برای مذاکرات آینده مدیریت ایالات متحده برای AFSAبفرستند.

آقای شلنبرگر گزارش داد که پروفسور آبراهام، از دانشگاه ویرجینیا، در صورت باز بودن دانشگاه، امروز در دانشگاه ملی با اعضای هیئت علمی و دانشجویان ملاقات خواهد نمود. سفیر فروغی به آقای شلنبرگر گفت که گسترش آشوب در تبریز به علت وجود اختلاف اقتصادی در میان طبقه متوسط پایین است. فروغی گفت که «ندارهای» اجتماعی ایران حکایت از وجود رشوه در میان طبقات بالا می کند. به عنوان مثال فروغی به گزارش اخیر روزنامه های فارسی زبان در مورد یک میهمانی پرخرج که در تهران ترتیب داده شده بود اشاره نمود که در آن به یک رقاص محلی برای انجام یک رقص عریان ۵۰/۰۰۰ دلار داده شده بود. آقای شلنبرگر گفت که واقعاً این کارها مردم را منقلب می سازد. تفسیر کوتاه بعدی در مورد بحث و تبادل نظر روی نمایش ماه آینده در شیراز از سیستم خطوط ارتباطی ماکروویو و کنترل ترافیک بود. USISیک نماینده اداری در این بازدید خواهد داشت.

ژنرال گست طرحی در مورد تهیه یک تحلیل از حوادث اخیر نیروی هوایی تهیه نموده است. این گروه کار خود را از ۲۷ فوریه آغاز کرده و از پایگاههای هوایی بازدید خواهند نمود. ژنرال گست خاطرنشان ساخت که از طریق سفیر زاهدی، از نماینده نیروی هوایی در مورد بازدید از ایران از پنجم الی نهم آوریل دعوتی به عمل آمده است. مستشار نظامی در رابطه با سفارت، مسیر بازدید را مشخص خواهد نمود. یک تیم مرکب از سه ژنرال در ۲۵ فوریه برای مذاکراتی در مورد اداره F-۱۶، آواکس و برنامه های هوائی ایران وارد خواهند شد. مستشار نظامی معتقد است که برنامه دفاع هوایی باید زیر پوشش FMSقرار گیرد. ژنرال

گست شب گذشته مذاکراتی با هیئت اداری DOD داشت و به نظر می رسد که در واشنگتن نظریاتی وجود دارد که درخواست اسلحه در طولانی مدت توسط ایران به منزله «دوست دارم داشته باشم» است و نه بمنزله نیازهای اصلی ایران، آقای مارتین گفت که تجهیز ایران در طویل مدت نشان دهنده علاقه نسبت به ایران است. سفیر اظهار تمایل کرد که این نکته برای واشنگتن روشن شود و ژنرال گست گفت که اقدامات لازم را در این مورد به عمل خواهد آورد.

آقای لمبراکیس اشاره به اخبار امروز در مورد تعداد دستگیرشدگان و کشته شدگان در شورشهای تبریز نمود. جالب اینجا است که دستگیرشدگان در دادگاههای مدنی محاکمه خواهند شد. هنوز تمام گزارشات در مورد شورش به ما نرسیده است و تئوریهای زیادی وجود دارد، ولی به نظر می رسد که بعضی از مقامات مسئول این امر خواهند بود. شایعاتی در مورد وقوع تظاهرات بیشتر در صورت عدم آزاد کردن دستگیرشدگان در تبریز وجود دارد. روزنامه های فارسی زبان گزارش می دهند که شاه به نامه ای از عرفات پاسخ داده است که مضمون آن فاش نشده است. علیرغم مقالات پوزش آمیز مندرج در تهران ژورنال امروز، یک منبع MFA به آقای لمبراکیس گفت که سفارت دولت ایران در نایروبی به حالت تعطیل درآمده است که خود نشان دهنده تیره شدن روابط بین دو کشور است. آقای فری گزارشی در مورد تعدادی از بازدیدکنندگان داد: نماینده Uncle Benامروز ایران را ترک می کند، یک گروه ضربت آموزشی به زودی خواهد رسید. یک گروه از سران کشاورزی در اواسط ماه مارس وارد خواهد شد.

آقای مارتین گفت که ژنرال ویلیامز، رئیس BHI امروز برای یک مصاحبه عمومی نزد او خواهد آمد.

آقای جینگلز، باب واتسون مقام مدیریت آتی پست ایران را که در حال بازدید از اینجاست به من معرفی نمود. آقای بنرمن گزارش داد که فراری FBI به هواپیمای به مقصد پاریس نرسید و با اقدامات امنیتی به سوی نیویورک بازگردانده شد.

آقای دویچ با موفقیت بازگشت و گزارشی در مورد مسافرت رسمی خود به پاریس و نیس و کمک به فرار رابط ایرانی ناقل مواد مخدر تهیه نموده است. آقای رینو گفت که او نظر محتاطانه ای نسبت به گشایش مرکز بازرگانی تهران دارد. در واشنگتن در مورد گشایش تعداد زیادی از این مراکز گفتگو به عمل آمد. آقای میکلوس خاطرنشان ساخت که قبل از تصمیم گیری نهایی واشنگتن باید در مورد نقطه نظرهای ما تحقیق نماید. آقای رینو به کوششهای خود برای حل مشکل تعهد مشتریان ادامه می دهد.

گزارش وقایع هفتگی: ایران

سند شماره (۱۴)

گزارش وقایع هفتگی : ایران

ایران : ۳ مارس ۱۹۷۸ ۱۲ اسفند ۱۳۵۶

جلسه چهارم کمیته مشترک ایران و آمریکا با صدور بیانیه و مفاد مشترک از طرف وزیر امور خارجه ونس و محمد یگانه، وزیر اقتصاد و دارایی، در واشنگتن در ۲۸ فوریه پایان گرفت. کار رسمی کمیته با پایان کار پنج کمیته مشترک در هفته گذشته آغاز شده بود. این گردهمایی ها پیشنهادهای ملموسی را در زمینه همکاری فنی در امور کشاورزی، تربیت نیروی انسانی، و تحقیقات علمی مطرح نمود.

شرکت کنندگان در کمیسیون خواستار توسعه روابط تجاری که به نظر آنها به میزان قابل توجهی افزایش نیافته بود، شدند. کمیسیون حاضر مفیدترین کمیسیون برگزارشده تا امروز بوده است، طرفین با شناخت کامل از منافع خود به نتیجه های خوبی رسیدند. (طبقه بندی نشده)

کمیته فریزر، نماینده کنگره در تاریخ ۲۸ فوریه به استماع نظرات مربوط به وضع «حقوق بشر» در ایران پرداخت. (البته در روزهای گذشته همین جلسات در رابطه با کشورهای دیگر برگزار گردید). تنها شاهد موجود در جلسه مربوط به ایران برایان روبل بود که ادعا می کرد در دادگاههای نظامی ایران به هیچ وجه نمی توان انتظار یک محاکمه منصفانه را داشت. قرار است که جلسه شاهدان دیگری را برای روزهای بعد در این باره تهیه نماید. (طبقه بندی نشده).

نتایج شورشهای مذهبی تبریز در ۱۸ فوریه حاکی از آن است که دولت ایران باید در انتظار تظاهرات دیگری نیز باشد. ولی در حال حاضر دولت منتظر است تا نتیجه یک بازپرسی خاص معلوم گردد تا به دنبال آن بتواند اقدامی در پیش گیرد. تحقیقات اولیه نشان دهنده بی توجهی مقامات استانها به خصوص استاندار آذربایجان شرقی است که از خدمت برکنار شده است، شاه، در انظار عموم اعلام کرده است که

آزادیهای سیاسی به طور مداوم افزایش خواهد یافت هرچند که گروههای ارتجاعی به سوءاستفاده از آن بپردازند. (محرمانه)

سفارت آمریکا در تهران از طریق سازمان سیا اطلاعاتی مبنی بر کاهش تولید نفت ایران از ۷/۶ میلیون بشکه در روز به ۱/۶ میلیون بشکه در روز دریافت نموده است. سفارت نسبت به این برآورد چندان خوش بین نیست، چون بنا به اطلاعات تهیه شده توسط منابع صنعتی تهران ۸/۶ میلیون بشکه نفت در روز تشخیص واقعی تری است. (محرمانه)

ام. جانسون

سی. دبلیو. ناس

۹–NWK سفر تحقیقاتی

سند شماره (۱۵)

از : CMDT NWC واشنگتن دی. سی.تاریخ : ۱۰ مارس ۱۹۷۸ ۱۹ اسفند ۱۳۵۶

به : سفارت آمریکا در تهران

طبقه بندی : محرمانه

موضوع : ۹-NWK سفر تحقیقاتی

۱ از کمک سفارت تشکر می کنیم.

۲ گروه هشت عضو خواهد داشت، به نامهای کلارک هوارت ناتسون اونیل پاک ستون سندز تایلور تامسون. اونیل ناظر بر کار گروه است و کلارک رهبر گروه.

۳ لطفاً چهار اتاق دو تخته در یک هتل متوسط رزرو کنید.

۴ مواردی که مورد علاقه گروه است، عبارتند از: منافع امنیتی و سیاست خارجی آمریکا در منطقه خلیج فارس، سیاستهای داخلی ایران که مربوط به ثبات و ساخت ملت می شود، طرحهای توسعه اقتصادی، درآمدهای نفتی، برداشت ایرانیان از گسترده شد. اقدامات امنیتی و نقش ایران، پیشرفت و آمادگی نظامی.

۵ گروه قبلاً از زحماتی که شما در طرح برنامه به خاطر تعطیلات سال جدید کشیده اید، تشکر می کند و درخواست ملاقات با عالیرتبه ترین مقامات را دارد. گروههای قبلی با اعلیحضرت ملاقات کرده اند، و این گروه تشکر خواهد کرد اگر زمینه چنین ملاقاتی فراهم شود. مقامات دیگری که مایلیم ملاقات شوند عبارتند از: نخست وزیر، وزیر خارجه، وزیر جنگ، وزیر دارایی، وزیر طرح و برنامه، وزیر آموزش و پرورش، و مدیر شرکت نفت ایران، دبیر کل حزب رستاخیز و دانشکده دفاع ملی، که ملاقات با آنها بسیار مثمر ثمر است. گروه همچنین می خواهد که ترتیب مرور گزارش ایشان را با تیم کشوری در وهله اول

بدهید، با در نظر گرفتن احتمال با در نظر گرفتن احتمال تأخیر پرواز (گروه در ساعت ۵، ۸ آوریل سوار خواهند شد در نیویورک و وقت ملاقات در وسطهای روز ۱۰ آوریل مناسب است) در صورتی که مقامات به علت تعطیلات حضور نداشتند، در صورت امکان، سفارت ترتیب مسافرت گروه را به اصفهان و دیدار از پایگاه جتهای F-۱۴در پایگاه خاتمی بدهد. گروه همچنین هزینه مسافرت در کشور را دارد.

دستورات مربوطه به نقشه های کشور: مناسبات دوجانبه درباره ارتباطات

ص: ۷۰۷

سند شماره (۱۶)

از : سفارت آمریکا تهرانتاریخ : ۱۳ مارس ۱۹۷۸ ۲۲ اسفند ۱۳۵۶

به : آژانس اطلاعات ایالات متحده واشنگتن دی سی با حق تقدم

طبقه بندی : استفاده محدود اداری

موضوع : دستورات مربوطه به نقشه های کشور: مناسبات دوجانبه درباره ارتباطات

۱ از اواخر قرن گذشته، ایران به عنوان سرپرست ارجح برای معاملات بین المللی به ایالات متحده رجوع کرد. ایالات متحده پاسخ مثبت داد و به ویژه پس از جنگ جهانی دوم تعهد مهمی برای حق حاکمیت ایران را پذیرفت. در حالی که جنبه امنیت ملی در مناسبات ایران با ایالات متحده در درجه اول اهمیت قرار دارد. این کشور یکی از ده کشور مهم طرف معامله با ایالات متحده است و یکی از فراهم کنندگان نفت به کشورهای دمکراتیک صنعتی است. ایران می تواند مدعی داشتن مناسبات ویژه با ایالات متحده باشد و همین کار را هم می کند و این رفتار به نحو متقابلی پاسخ داده می شود.

۲ مناسبات ارتباطی بین ایالات متحده و ایران مناسباتی است که هردو کشور آن را جدی می گیرند و در پی توسعه آن هستند.

۳ در سطوح برگزیدگان سیاسی ارتباطات بین ایران و آمریکا تسهیل شده است، بدین معنی که این گونه ایرانیان از میان گروه کشورهای خاورمیانه به استثنای احتمالاً اسرائیل و لبنان، از لحاظ آشنایی با زبان بیشترین مهارت را دارند، سفرهای دور و درازی کرده اند، دارای تحصیلات عالی هستند (بیشتر در ایالات متحده) علاوه بر این منابع اطلاعاتی درباره ایالات متحده به سهولت از طریق رسانه های گروهی محلی و سایر وسایل در دسترس می باشند و هیچ کدام آنها به طور سیستماتیک ایالات متحده آمریکا را آن طوری که نیست جلوه نمی دهند یا تحقیر نمی کنند. رادیوی زبان انگلیسی و کانالهای تلویزیون به طور

عمده وسایلی برای اطلاعات مربوط به آمریکا است و به وسیله ایرانیان علاقمند تهیه و سرپرستی می شود که قابلیت تحمل و مدارای واردات فرهنگی آنها نسبتاً بالا است. تماسهای روبرو با آمریکاییان صاحب نظر و وارد در زمینه های مربوط به هدفهای مأموریتی نه تنها امکان پذیر است، بلکه تحت سرپرستی حکومت ایالات متحده یا دیگران به کرات صورت می گیرد.

۴ با توجه به اینکه ۶۰ هزار ایرانی در همه سطوح در ایالات متحده تحصیل می کنند و کادر حرفه ای اینجا با ایالات متحده و طرق آن آشنا است، در پایان هر سال تحصیلی به نحو تصاعدی افزایش می یابد. ارتباطات از طریق ازدواج رو به افزایش است. حدود ۵۰ پیوند دانشگاهی بین ایران و ایالات متحده وجود دارد. حدود ۲۵۰ مربی آمریکایی در دانشگاههای مهم ایران (که هفت نفر از آنها از بورس تحصیلی فولبرایت استفاده کرده اند) و دهها نفر بیشتر از آنان در نهادهای مختلف آموزشی تدریس می کنند. یک جامعه بازرگانی آمریکایی مقیم ایران که از لحاظ تعداد بزرگ و از لحاظ حرفه متنوع است، نیز در ایران فعالیت دارد.

۵ خلاصه گفت و شنود بین ذینفوذهای جهان وطن ایران و همتاهای آمریکایی آنها بسیار فشرده و محکم است و از طریق هر وسیله قابل تصور دیگری منتقل می شود. معذالک قشر برگزیده دارای تعدادی اشخاص است که معلومات انگلیسی آنها ابتدایی است. گفت و شنود با ذینفوذهای کمتر پیچیده به دلایل فرهنگی و زبانی محدود است؛ نبودن این گفتگوها ممکن است یک عامل نامساعد به شمار رود، در

صورتی که شرایط حل نشده کنونی در میان کم سوادها رو به وخامت برود مسئله ای که برای آژانس ارتباطات بین المللی (ICA) وجود دارد این است که چگونه این آژانس می تواند با تعداد بزرگی از شنوندگان که به طور سنتی از فعالیت اداره اطلاعات ایالات متحده آمریکا بدورند راه ارتباط پیدا کند و اینکه آیا می تواند چنین راهی وجود داشته باشد یا خیر؟ پخش برنامه های به زبان فارسی روی موج متوسط و کوتاه از خارج، اشخاص دارای تمایلات و کنجکاویهای سیاسی را از همه سطوح اجتماعی جلب می کند. هرچند این موضوع در هدفهای، میسیون مورد بحث قرار نگرفته، توجه بیشتر آژانس ارتباطات بین المللی به آن بسیار بجا است.

۶ یک منبع تشنج ذاتی در مناسبات ارتباطاتی بین ایالات متحده و ایران که در حیطه فعالیت ICA قرار نمی گیرد، چیزی است که یک کارشناس آن را «نارضایتی قابل درک در میان حرفه ایهای طبقه متوسط از شالوده موروثی سیاست در ایران» توصیف می کند. آشنایی با ارزشهای سیاسی آمریکا هرچند غیرقابل انتقاد نیست، بسیاری از ایرانیان را به آن ترغیب می کند که از بوالهوسی سیستم خودشان سرخورده و ناراحت بشوند. برای بسیاری از حرفه ایهای متفکر که هدف یا آرزوی آنها مهاجرت به ایالات متحده آمریکا است، گوش دادن به صدای درونی طبیعت ویژه و سنتی ایران توجیه کافی فراهم نمی کند.

۷ محیط طبیعی ممکن است در مورد ارتباطات رویاروی تأثیر مخالف داشته باشد. در تهران رفت و آمد متراکم و هرج و مرج مانند وسایط نقلیه و آلودگی هوا و تورم و متوقف شدن خدمات عمومی هم و غم آمریکاییهای مقیم و دیدارکننده از ایران (و همچنین تهرانیان) را تشکیل می دهد. علاقه آنها به ایران و درک آنها از ایران به طور کلی در حداقل قرار گرفته. در ایالات متحده محیطهای محصور دانشجویان ایرانی که به وسیله اشخاص غیر واجد شرایط، از لحاظ توانایی زبان و مناسبات فرهنگی پرشده و مورد

پشتیبانی ناراضیان آمریکا قرار گرفته،زمینه مناسبی را برای فعالیتهای ضد رژیم و اطلاعات نادرست برای بی اعتبار کردن مناسبات ایران و ایالات متحده فراهم می کند. به جای اینکه آنها را به موفقیت های تحصیلی وادارد، چهره ایران در میان بعضی از گروههای دانشجوئی در ایالات متحده یک چهره منفی است. این امر کمیت و کیفیت آمریکاییهایی را که می خواهند با ایران ارتباط داشته باشند تحت تأثیر منفی قرار می دهد. ICAدر کوتاه مدت می تواند در سروکار داشتن با بعضی از این مشکلات از طریق برنامه های جهت دار، چه در ایران و چه در آمریکا کمک کند.

۸ دریچه های فرار به خاطر عدم رضایت از اینجا مشهور است. محدودیتها و خویشتن داریهای وسایل ارتباط جمعی کمتر شده است. علیرغم بی نظمیها، شاه هنوز هم باید تدابیر مربوط به لیبرالیزاسیون را جهت عکس بدهد. سیر تحول تحمیلی بر ایران در راه عدم تمرکز بیشتر در روندهای تصمیم گیری باید قابل بهبود باشد. در حالی که ایران مدرنیزه می شود، نیروها و گروههای جدیدی به مراکز مهم نفوذ تبدیل می شوند. ICAو سفارت در ارزیابی چنین تازه به دورانهایی از لحاظ تولیدات و برنامه های ICA همکاری خواهند کرد.

۹ نوسازی نظامی، حفظ شتاب اقتصادی، تصمیم گیری درباره قیمت نفت، ابتکارات سیاسی و اقتصادی منطقه ای و امنیت داخلی از انواع هم و غمهایی هستند که به نحو قابل ملاحظه ای شامل عده محدودی از برگزیدگان ایرانی می شود، که دستیابی نامحدود و بلافاصله به اطلاعات و شخصیتهای

صاحب نظر آمریکایی دارند. معذالک یک چنین دستیابی محافل داخلی ایران را درباره معتبر بودن سیاست ایالات متحده متقاعد نمی سازد. سیستم حکومتی ایالات متحده درباره رسیدگیها و تعادلها که از لحاظ نظری قابل تحسین است روند تصمیم گیری را متوقف می کند و چهره ایالات متحده را به عنوان یک متفق قابل اطمینان در مقابله با مسایل حاد بین المللی و داخلی (مثلاً شاخ آفریقا یا قانون انرژی) مخدوش می کند. محافل داخلی ایران نگرانیهای حقوق بشر حکومت کارتر را با توجه به اینکه اولویت را به رفع نیازهای انسانی می دهد، نابجا می دانند. بعضی از مسایل مربوط به گفت وشنودهای شمال و جنوب با نظر ناهماهنگ تلقی می شود زیرا ایران به مفهوم نظام جدید اقتصادی جهان نظر آیینی دارد. پیوند ایران به دلار برای بعضیها ناراحت کننده است. روشهای مربوط به نقش رسانه های جمعی تفاوت دارد و ایران بیشتر نسبت به این اتهامات همدردی نشان می دهد که جهان سوم و جهان چهارم به وسیله رسانه های جمعی غربی به طریقه غلطی معرفی شده است. ICAمی تواند به بعضی از این نگرانیها از طریق طرحهای مبادله ای چندجانبه و سمینارها و اطلاعات زمینه ای پاسخ دهد. اینها زمینه هایی هستند که مربوط به منافع و نیازهای آمریکا و همچنین ایران می باشند و مدارهای متعددی به ویژه در خارج از تهران و در بعضی از نهادهای جدید دانشگاهی برای احتراز از موارد زائد وجود دارد. اینها شامل منابع انرژی متناوب و مسئله اشاعه نیروهای هسته ای و تعالی در تحصیلات و نگرانیهای محیطی و مطالعات آمریکایی و فارسی و ارتباطات در رشد ملی و مشاورت در امور جهت گیری دانشجویان و تدریس انگلیسی و پیشبرد بازرگانی و هنرهای زیبا می شود.

شلنبرگر

خلاصه مذاکرات هیئت مسایل مملکتی

ص: ۷۱۰

سند شماره (۱۷)

محرمانه

۲۹ مارس ۱۹۷۸ ۹ فروردین ۱۳۵۷

خلاصه مذاکرات هیئت مسایل مملکتی

سفیر پرواز خود به جزیره کیش و مذاکراتش با شاه در آنجا در مورد سفر بگین به ایالات متحده، نارضایی، جنوب لبنان و جنرال موتورز را مرور کرد.

بدنبال یک گفتگوی کوتاه درباره کلمه اختصاری مناسب برای آژانس ارتباطات جهانی جدید، سفیر از آقای وستلی خواست که در مورد «تحقیق نمودار سرمایه گذاری بی واسطه آمریکا در خارج» اطلاعاتی بدهد. شرکتهای آمریکایی باید بدانند که غفلت در پاسخگویی یک خطای قابل تنبیه است.

سفیر گفت که خبر دارد که تیمسار ربیعی به هیئت مستشاری نظامی گفته بود که بوئینگ AMSTبرای خرید غیرنظامی مورد تأیید قرار گرفته بود. ژنرال گست اظهار داشت که موضوع را از پنتاگون تحقیق کرده بود و خبر یافته بود که اطلاعات ربیعی غلط بودند بنابراین ژنرال گست تیمسار ربیعی را آگاه خواهد نمود.

سفیر چند موضوع امنیتی را مطرح کرد: (۱) نامه ای که به سرویس اطلاعات ایالات متحده USISدر کابل داده شده و زمزمه می شود که کار چریکها بوده (۲) دستوری که به ما برای تشکیل کمیته مراقبت هیئت نمایندگی رسیده (۳) تهدید بمب گذاری در کلیسای کامیونیتی (۴) دستورالعمل نحوه مقابله با هواپیماربائی، تهدیدات دائر بر هواپیما ربایی و تهدیدات دایر بر خرابکاری (۵) تلگرام در مورد احتمال ایراد خسارت به تأسیسات نفتی.

در موضوع یدک کشهایی که به اقیانوس هند می روند، سفیر از آقای مارتین خواست که تلگرام کند که

ما باید در این مورد خود را در مرخصی فرض کنیم تا بعد اگر لازم شد به امور اقتصادی بپردازیم. سفیر از آقای وستلی خواست که پیش برود و تحقیقی پیرامون احتمال فروش پوشاک پا به ایران به عمل بیاورد هرچند که این کمی شبیه بردن آب به سرچشمه است.

سفیر از آقای فری خواست که به تقاضای پیشاهنگان برای کاشت درخت در اینجا طی گردهمایی سال ۱۹۷۹ رسیدگی کند. آقای فری گفت که این تقریباً یک رویداد فرهنگی بود. سفیر جواب داد که آن یک رویداد کشاورزی بود. امکان استفاده از بیلهای کرمی برای کندن چاله ها به اختصار بررسی شد.

سفیر از آقای تیلور خواست که از اجرای توصیه هایی که اخیراً در رابطه با مسئله بدرفتاری با کودکان اعلام شده اطمینان حاصل کند و آن را دنبال نماید.

وزیر مختار گفت که فردا در چندین شهر اجتماعاتی برای یادبود چهلم شورشهای تبریز برپا خواهد شد. آقای شلنبرگر گفت که در رابطه با «تهران ۷۸» با واشنگتن صحبت کرده و آنها کوشش خواهند کرد تا با نلسون راکفلر و نانس هنکز تماس بگیرند. آلمانیها و انگلیسها هرکدام نمایشهای معتدلی ارائه خواهند نمود. خبری که از اصفهان داشتیم این است که دولت حاضر است به عنوان یک ژست سمبلیک مقداری زمین به انجمن ایران و آمریکا اعطاء کند. ژنرال گست گفت که ژنرال هویزر مسرور خواهد شد که با خانواده سولیوان یک شام خانوادگی صرف کند. وی همچنین گزارش داد که پایگاه هوایی بندرعباس دیروز در جریان یک مأموریت آموزشی یک هواپیمای اف ۴ از دست داد. وی گفت که طبق اطلاعش

معاون الکساندر سفر خود به ایران را برای سی روز به تأخیر خواهد انداخت.

آقای وستلی گزارش داد که با نمایندگان شرکت آمریکایی که به دولت ایران برای مترو،لوازم حفاری تونل می فروشد، ملاقات داشته است. در رابطه با قناتها و فاضلابها به او گفت که ماشینها محفوظ خواهند بود، اما کارگران به تجهیزات مخصوص هوای بد احتیاج خواهند داشت.

آقای لمبراکیس به اجمال گزارشی درباره سفرهای خود در منطقه خلیج ارائه داد. آقای فری درباره سفرهای خود به شوروی گزارش داد.

آقای مارتین گفت که فردی به نام آقای «جی ایس» از TRW در رابطه با کوشش TRWبرای اینکه مترجم سیستم دفاع هوایی شود بدیدارش آمده بود.

وابسته ارتش به کوتاهی درباره حضور ایران در ظفار چیزهایی اظهار داشت.

خلاصه مذاکرات هیئت مسایل مملکتی

ص: ۷۱۲

سند شماره (۱۸)

۵ آوریل ۱۹۷۸ ۱۶ فروردین ۱۳۵۷

خلاصه مذاکرات هیئت مسایل مملکتی

سفیر گفت که او و آقای بروین دیروز از وزارت صنایع دیدار کرده بودند تا در مورد سه پروژه سرمایه گذاری آمریکایی که هیچ کدام وضعیت خوبی ندارند، صحبت کنند. از طرف دیگر، شرکت اتومبیل سازی فورد به نظر می رسد که میرود تا یک قرارداد برای یک طرح بزرگ تولید اتومبیل ببندد.

سفیر اواخر روز گذشته به وزارت خارجه خوانده شد تا قسمتهایی از پاسخ دولت ایران به اطلاعیه حقوق بشر آمریکا را که توسط وزیر خارجه خوانده شد، بشنود. سفیر گفت که وی از دکتر استمپل خواهد خواست تا به MFA رفته و یک کپی از آن را بعد از اینکه حاضر شد، دریافت نماید.

پیغامی مربوط به پذیرش خانم ازهاری به بیمارستان دریایی بتسدا دریافت شده است. کلنل مکنزی اقدامات لازم را برای آگاه کردن وی تا قبل از صبح ۶ آوریل به وقت واشنگتن خواهد کرد.

در رابطه با پیام مربوط به سلسله مراتب پذیرش (قانونی) برای نفت خام جهت ذخیره نفت آمریکا، آقای بروین از آقای بش خواهد خواست تا پاسخ دهد.

یکی از شاهزاده های پهلوی برای یک دوره هشت ماهه تعلیم هلیکوپتر عازم آمریکا است.

سفیر پرسید که آیا سازمانهای امنیتی آمریکا مطلع شده اند. آقای مارتین از اداره تحقیقات ویژه خواهد پرسید.

آخرین پیام از سیل پیامهایی که در مورد افزایش پرسنل هستند، امروز صبح وارد شد و در آن درخواست شده بود که از هر منصب اصلی آمریکا و کارکنان محلی سرویس خارجه یک نفر، و از هر منصب برنامه ریزی آمریکا و کارکنان محلی سرویس خارجی یک نفر کاسته شود. مک لوکلین وضع ما را

بررسی خواهد کرد.

سفیر از آقای بروین از جدیدترین اخبار در مورد موضوع ماهواره جهانی ارتباطات رادیویی رومانی و از آقای مارتین در مورد هویتزرهای مراکش پرسش نمود. در هر دو موضوع، به نظر می رسد که مشکلات نوروز در جهت برقرار نمودن تماس با افراد دولت ایران باعث اشکال و تأخیر شده است.

وزیر مختار شب گذشته با سفیر آلمان شرقی که گزارش داد، که اوضاع جاری در مورد روابط آنها با ایران به نظر بهتر و روشنتر می رسد، صحبت کرد. یک نماینده بلندپایه در آینده نزدیک به تهران خواهد آمد. آقای شلنبرگر گفت که «رولوف بنی» با ما تماس خواهد گرفت تا ترتیب به نمایش درآمدن عکسهای او را در آمریکا بدهیم.

پیرامون اینکه آیا یک چنین نمایشی اگر به توسط دولت ایران از لحاظ مالی پشتیبانی شود، دانشجویان ایرانی آشوب طلب و دیگر اینچنین اوباشی را جلب خواهد کرد، بحث و تبادل نظر شد. پرویز عدل، سخنگوی وزارت خارجه، شب گذشته در تلویزیون اعلام داشت که یک گروه جدید از وزارت خارجه تشکیل خواهد شد، تا ایرانیان خارج از کشور را از جریانات واقعی پشت صحنه اغتشاشات اخیر آگاه سازد. ژنرال گست امروز بعد از ظهر برای ملاقات با استتسون عازم شیراز می شود. پیرامون موضوعاتی که شاه ممکن است در ملاقاتشان مطرح کند، قدری بحث شد. سفیر پیشنهاد کرد به لیست آقای مارتین که شامل چیزهایی است که کارتر اجازه فروش آنها را داده است نگاهی بیاندازند. او همچنین از ژنرال گست

خواست تا به گواهی AMST(۱) نگاهی بیندازد. ژنرال گست گفت که او با ربیعی صحبت کرده است. در رابطه با تحقیقات امنیتی، دو پایگاه کامل شده و یکی به زودی به اتمام خواهد رسید. آقای بروین، «رالف باک» را که یک مسئول اقتصادی تجارتی جدید است، به دیگران معرفی نمود. آقای بروین گفت که او شب گذشته با آقای «سوبر» در مورد وام و اجاره صحبت و اجاره صحبت کرده است. مقداری پیرامون مسئله ای که آقای گارنیتز از (بخش) تجارت و بازرگانی احتمالاً می خواهد در مورد آن در رابطه با آینده «مرکز تجارت» صحبت کند، بحث شد. آقای بروین و آقای رینو برای اتخاذ یک سیاست واحد برای هیئت نمایندگی با سفیر دیدار خواهند کرد.

آقای لمبراکیس پیرامون شایعات اخیر در مورد شلوغیها، بمب گذاریها، تظاهرات و رفتارهای عمومی غیراصولی گزارشاتی داد. دولت ایران به وضوح مصمم است که کلیه فعالیتها را به اطلاع عموم برساند، تا بدین وسیله احساسات عمومی را بر علیه اغتشاش و لات بازی برانگیزد.

در رضائیه مجیدی ریاست اولین جلسه یک گروه رستاخیز را که به منظور مقابله با آشوبگران تشکیل شده بود بر عهده داشت. سفیر توضیح داد که ساختمان جدید حزب رستاخیز که به سرعت بالا می رود، پنجره های اندکی دارد (علاوه بر معنای بدیهی جمله این است که به حقایق امور زیاد التفات ندارد مترجم)

آقای فری از سفیر برای شرکت در نمایش غذای شب گذشته تشکر کرد. او گفت که «مرد لوبیا» و «مرد گوشت» خیلی کار کردند. این گفته آقای مهدوی که ایران بیشتر سرمایه گذاری مشترک می خواهد تا خرید بیشتر غذای خارجی مورد توجه واقع شد.

خلاصه مذاکرات هیئت مسایل مملکتی

۱- که برای تبلیغ نـاوچه های آلمانی GE ۱ ترابری پیشرفته پرواز و فرود کوتـاه از نوع متوسط آقای مارتین گزارش داد که او

امروز صبح بروشور بودند را دریافت داشت. او همچنین در مورد ملاقاتش با نماینده شرکتی که اژدرهای ”شماره ۴۸ “ را تولید می کند □ صحبت کرد. آنها همچنان این امکان را می دهند که بتوانند آنها را احتمالاً به ایران بدهند. برنامه دانشکده ملی جنگ همچنان به خوبی مستحکمتر و بهتر می شود. آقای مک فردا می رسد و کار با سرعت در جهت درست کردن یک ساختمان ویزای دانشجویی تا قبل از ماه NEA/EX لافلین گزارش داد که جان کانلی از ژوئن همچنان ادامه دارد.

ص: ۷۱۴

سند شماره (۱۹)

محرمانه

۱۹ آوریل ۱۹۷۸ ۳۰ فروردین ۱۳۵۷

خلاصه مذاکرات هیئت مسایل مملکتی

(سفیر) سولیوان جلسه را با مروری از وقایع هفته پرکار گذشته آغاز کرد. ایرانیها با ارسال سرباز بیشتر به جنوب لبنان موافقت کرده اند؛ دولت ایران رئیس کمیته پنجم خواهد شد؛ وزرای خارجه سنتو در لندن تشکیل جلسه داده اند؛ ژنرال هویزر از تهران دیدن کرد؛ ژنرال گریوز اکنون اینجا (تهران) است؛ رأی کانال پاناما امروز صبح تصویب شد؛ و ونس عازم مسکو می باشد.

سفیر از آقای لمبراکیس خواست تا گزارشی در مورد شرکت ایران در جلسه ویژه خلع سلاح در نیویورك بدهد. او از کلنل واندر میر خواست تا یک نسخه از پیام مربوط به سازگاری آواکس ایران و ترکیه بدهد. او از آقای شلنبرگر در مورد برنامه کشوری آژانس ارتباطات جهانی ایالات متحده سؤال نمود.

وزیر مختار از همه کنسولهایی که در حال نوشتن گزارش های کارآیی کارمندها هستند، خواست که تا فردا آنها را به اتمام رسانده و به مسئول بررسی برسانند.

آقای شلنبرگر گزارشی در رابطه با فعالیتهای اخیر آژانس ارتباطات بین المللی ایالات متحده داد. گروه تأتر لال بازی ظرف چند روز آینده در اصفهان و شیراز ظاهر خواهد شد. یك گروه دبیرستانی از آمریکا در شهر است که در جهت بهتر نمودن برنامه تحصیلات سرزمینهای خارجی مشغول به کار می باشد. هفته آینده قاضی هوفستدلر (به اینجا) خواهد رسید.

سفیر گفت که یك گروه خانم، از جمله خانم پاتراستوارت در شهر است. برنامه آنها شامل دیدار با شهبانو فرح و پرنس اشرف می باشد. سفیر در مورد گروهی که عکس آنها در حالی که سلام خانم کارتر را

به شهبانو می رساندند، در روزنامه های امروز چاپ شده بود، پرسش کرد. کسی آنها را نمی شناخت.

(نکته: آنها خانم و آقای کارلتون هیکس و خانم و آقای جیمس بیشاپ دوستان شخصی کارترها بودند).

کلنل واندرمیر گفت که ژنرال گست با ژنرال گریوز در جنوب بسر می برند. او از سفیر در مورد ملاقات ۲۹۲۳ آوریل توسط ژنرال استون که به زودی جانشین ژنرال مولر می شود، پرسید.

آقای لمبراکیس گزارشی در مورد حمله «ژورنال دو تهران» به سخنگویان رسمی که جملاتی از قبیل «ایران از خطرناکترین زمان در تاریخش عبور می کند» اظهار می کنند، داد. وی همچنین گزارشی به وسیله مجیدی، انصاری، عاملی را مطرح و پیرامون آن بحث کرد. جملات عاملی درباره دخالت خارجی در ایران جالب بودند.

سفیر در مورد تبلیغات یک رستوران که بر روی دیوار سفارت نوشته شده بود، سؤال نمود.

آقای لمبراکیس گفت که او از انگلیسیها شنیده که کمیسیون مشترک ایتالیایی منحل شده است و این پیش بینی گزارش داد که انگلیسیها نیز به زودی نوبتشان خواهد شد.

شایع است که دولت آموزگار تصمیم گرفته است که کمیسیونهای مشترک به درد آینده نمی خورند.

آقای بویس از ملاقات معاون وزیر حمل و نقل داون پورت، که برای ادامه تجارت (مسایل) کمیسیون مشترک که در واشنگتن پیرامون آنها بحث شده بود، در شهر است، گزارشی داد.

آقای رینو درباره جلسه مرکز تجارت با نمایندگان بازرگانی و دولت صحبت نمود و آن را «خوب و

مفید» توصیف کرد. او از سفیر برای معرفی خوب و ساده اش تشکر کرد.

سفیر از آقای ددیچ پرسید که آیا وی در طی ملاقات خانم فالکو در اینجا خواهد بود، آقای ددیچ اظهار داشت که وی اینجا خواهد بود منتهی دکتر استمپل مشغول استراحت و تفریح خواهد بود. آنها پیشنهاد می کردند که فالکو برنامه سفر خود را تغییر بدهد تا بتواند با دکتر ملاقات بکند.

آقای بنرمن در مورد کارهای اتمامی تالار جدیدمان صحبت کرد. او تقاضای یک هفته مهلت قبل از شروع انتقادات کرد.

نقطه نظرهای انگلیسیها در مورد وقایع ایران

ص: ۷۱۶

سند شماره (۲۰)

تاریخ : ۲۵ آوریل ۱۹۷۸ ۵ اردیبهشت ۱۳۵۷

از : سفارت تهران

به : وزارت خارجه، واشنگتن دی سی

طبقه بندی : محرمانه

موضوع : نقطه نظرهای انگلیسیها در مورد وقایع ایران

۱ صحبتهای معاون ساندرز با دستیار معاون FCO «ویر» و آقای وزیر، لوکاس در ۱۸ آوریل، در رابطه با اوضاع ایران برای ما جالب بود. بسیاری از نقطه نظرها که توسط مأمورین FCO ارائه شد، مورد موافقت ما است اما اختلافاتی در شیوه کلی داریم که شاید ناشی از تراکم مکالمات نسبتاً کوتاه باشد.

۲ شاه به سفیر سولیوان یادآور شده که توجه او برای پیشبرد مراحل برنامه های لیبرالیزاسیون داخلی همچنان مورد توجهش می باشد. همان طور که انگلیسها اشاره کرده اند، این مشکلات بسیاری را ایجاد می کند و ما نمی توانیم به طور مطمئن نتیجه گیری کنیم که شاه مایل به ایجاد نهادهای اصیل سیاسی نیست، زیرا تشخیص کلمه اصیل در فارسی دشوار است و به آسانی نمی توان دوره ای از تاریخ ایران مدرن را به خاطر آورد که چنین نهادهای سیاسی وجود داشته و نافذ هم باشند.

۳ مشکل شاه به نظر ما بیشتر از فشار برای ایجاد نهادهای مدرن است که در عین حال جناح خود را از افراطی های راست و چپ و روابط خود را با رهبران محافظه کار مذهبی، که اثر زیادی بر مردمش دارند، حفظ می کند. یک عامل تصادفی در برخی از همکاریهای جاری بین ناراضیان مذهبی و سایرین (جناح چپ و روشنفکر) وجود دارد، اما مشکل است که عامل اساسی یک تصادف باشد. بلکه آنچه که ما در حال تجزیه و تحلیلش هستیم این است که شکست روابط بین نهاد متجددانه اطراف شاه و محافظه کاران

مذهبی، می تواند جداً به عدم ثبات داخلی منتهی شود که جناح چپ قدیمی و جبهه ملی، مخالفان این سلطنت محافظه کار، با مخالفان این سلطنت محافظه کار، با هشیاری از آن مایه بگیرند.

همان طور که انگلیسها می گویند این وضع تا حد معتنابهی به دست خود شاه پیش آمده است، به نظر می رسد که در جریان سعی برای دخالت دادن مردم در فعالیتهای سیاسی و ارتباط بیشتر، یک حمله خام و بدون حساب روزنامه ای به یک مخالف دینی دست راستی (آیت اللّه خمینی)، طغیان قم را سبب شده باشد.

۴ در حالی که ما در این مورد با سفارت انگلستان موافقیم و نیز با FCO در مورد اینکه یک بعد اقتصادی برای نارضایتیها در حال حاضر وجود دارد، ریشه های نارضایتی برمی گردد به سالها قبل و صف بندیهای سیاسی و درگیریها، و ما فکر نمی کنیم انگلیسها از ما بیشتر معتقد باشند که درمان در بهبود وضع اقتصادی نهفته است. تکنیک شاه در کنترل ارتش، نیروهای امنیتی، وزراء و سایر مقاومت کنندگان بالقوه با سلطنت او بیشتر شبیه ستونهای موازی است تا یک هرم. اما این امر برای خود او خوب کار کرده است. به خصوص وقتی با آنچه در کشورهای مجاور گذشته، مقایسه گردد.

۵ در حالی که ناآرامیهای ایران در حدود ۱۵ سال است (از ۶۳ ۱۹۶۲)، بدترین حالات را می گذراند، اما شیوه شاه در مقابل آنها بسیار پیچیده است. سفارت درصدد تهیه و ارسال یک تجزیه تحلیل مفصل تری در مورد وقایع عمده ایران در سال گذشته است که نظر ما را در مورد اهداف شاه و سیاستهایش و برآورد اینکه جریانات به کجا می انجامد. بیان خواهد داشت.سولیوان

خلاصه مذاکرات هیئت مسایل مملکتی

سند شماره (۲۱)

محرمانه

۲۶ آوریل ۱۹۷۸ ۶ اردیبهشت ۱۳۵۷

خلاصه مذاکرات هیئت مسایل مملکتی

سفیر سولیوان جلسه را با گزارشی در مورد اینکه ما بالاخره دستور ادامه مذاکرات دوطرفه انرژی اتمی را دریافت داشتیم، آغاز نمود. آقای میکلوس امروز با منصور ملاقات خواهد نمود. طبق گزارشات رسیده از واشنگتن به نظر می رسد که در قانون فروش هواپیما به خاورمیانه مشکلی پیش آمده است. کنگره میزان فروش را پایین آورد، ایران نیز تحت تأثیر این جلسه قرار خواهد گرفت.

سفیر تفسیری در مورد میهمانان برجسته ما، رونالد ریگان، جرج بوش و مارگارت تاچر نمود و ادامه داد به نظر می رسد که تهران محل تجمع حزب مخالف کنگره خواهد بود.

سفیر در مورد آن نماینده مجلس که مخالف بمب گذاریهای تهران بود از دکتر استمپل سؤال نمود. دکتر استمپل گفت که او همان مزاحمی بود که اخیراً لایحه سانسور دولت در مورد تبریز را ارائه داده است.

سفیر در مورد مفاد درخواست برای تسلیم پاسپورتهای کارکنان شرکت بل به شرکت از آقای گوئلز سؤال نمود. آقای گوئلز گفت که شرکت مزبور صرفاً برای گرفتن اوراق مربوط به کار و غیره به این پاسپورتها نیازمند است. این عمل وقت خیلی زیادی می گیرد. ولی پاسپورتها دوباره بازگردانده می شود.

آقای میکلوس گفت که دپارتمان رسماً ما را به دلیل عدم وصول به موقع برنامه مالی بر روی برنامه زیان توبیخ نموده است. او گفت PER، بر روی این موضوع حساسیت دارد.

آقای شلنبرگر گزارشی در مورد بازدیدکنندگان فعلی آژانس ارتباط بین المللی آمریکا داد. قاضی شرلی هوفستدلر، پروفسور دیوید آبتر، کارشناس انرژی خورشید «جری و نگارتر» و اهالی آمریکا برای

شرکت در کنگره علمی همگی در شهر هستند و یا در راهند. گروه آخر شامل رابی کرف، دخترش، معلم سرخانه اش و فرانسیس نایت است.

آقای شلنبرگر گفت که شنیده است که دیروز برخوردی جدی بین گروههای موافق و مخالف رژیم در دانشگاه تهران رخ داده است. کلاسها در سه دانشکده تعطیل شده. او همچنین گفت که در اطراف دانشگاه ملی اعلامیه هایی مبنی بر اینکه شاه نوکر کارتر است به چشم می خورد. او متذکر شد که این کارها از سوی مخالفین رژیم انجام می گیرد. آقای شلنبرگر عده ای از دوستداران را دعوت به دیدن فیلمی از سفیر «رینهارت» در مورد سازماندهی جدید در آژانس ارتباط بین المللی آمریکا نمود. در جواب سؤالی از طرف آقای بروین، سفیر گفت که او با سفیر برسون درباره مین گذاری دریا صحبت کرده است. انگلیسیها این عقیده را به گوش ایرانیان رسانده اند، گرچه نتوانسته اند مستقیماً این موضوع را با انصاری در شرکت نفت جنوب در میان بگذارند. دکتر استمپل گزارشی از سوی رستاخیز در مورد تصحیح گفته شاه که گفته بود تورم به ۶/۱۲٪ رسیده است ابراز داشت. پس از تصحیح اشتباه چاپی، گزارشگر نرخ تورم را ۶/۱۷٪ اعلام می کند ولی هنوز معلوم نشده است که چه کسی در حین چاپ ارقام را عوض کرده است.

در گزارش دیگر حزب، عضو مرکزی حزب رستاخیز امروز جهت شرکت در راهپیماییهای مردم به اصفهان عازم است. آقای فری گزارشی جز رفتن به مزرعه مهدوی در طی مسافرت خود نداشت. مهدوی مقداری توت فرنگی تازه برای سفیر فرستاد و او آنها را در عوض انگورهای ترش به فرماندار ریگان

خواهد داد. فرمانده هاک گزارش داد که هنوز به نظر می رسد که هلندیها ۴ تا ۸ بازار فروش کشتیهای تفریحی را در دست دارند. نمایندگان آلمانی دیروز ایران را ترک کردند و بر طبق برنامه در ماه ژوئیه، بر خواهند گشت.

سفیر گفت که بعضی از مقامات آلمان به او گفته اند که ایرانیان حدود انتخاب خود را بازگذاشته اند تا زمانی که ببینند آیا آمریکا استفاده از یک سری سلاحهای کامل ساخت آمریکا را به تصویب خواهد رساند یا نه.

آقای دویچ گزارشی را در مورد انقضای یک قرارداد جدید اظهار نمود. دکتر آدلر گفت که بر طبق شایعات دانشمندانی که همراه پرزیدنت شیل هستند، باید با دولت ایران در مورد دو نیروگاه اتمی دیگر مذاکره نمایند. او گفت این عمل اضطراب آمیز بود، چون با اطلاعات وستینگهاوس در مورد طرح خریدهای ایرانیان مغایرت دارد.

خلاصه مذاکرات هیئت مسایل مملکتی

ص: ۷۱۹

سند شماره (۲۲)

محرمانه

۳ مه ۱۹۷۸ ۱۳/۲/۱۳۵۷

خلاصه مذاکرات هیئت مسایل مملکتی

سفیر سولیوان جلسه را افتتاح کرد و گفت که وقایع افغانستان موجب تغییری اساسی در موقعیت استراتژیک منطقه شده است. برای ایرانیها کودتا، کابوسی است که به حقیقت پیوست. ما می توانیم انتظار تغییراتی در روش روسها، افغانها و مخالفان ایرانی داشته باشیم. او گفت ما مشغول بررسی شناسایی رژیم جدید هستیم.

ویلیام باتلر از کمیسیون بین المللی قضاوت در شهر بود. او شاه را در جنوب دید و نقطه نظرهای خود را در مورد تغییرات در سیستم قضائی ارائه داد. شاه ظاهراً نظریات باتلر را پذیرفت. آقای لمبراکیس در این مورد تلگرامی فراهم می کند.

سفیر از آقای مارتین در مورد مطلب بمب نوترونی سؤال کرد. آقای مارتین با گودرزنیا آن را به عهده خواهند گرفت.

ما پیامی از نلسون راکفلر در مورد قصه او برای دیدن شاه در جزیره کیش در روز ۵ می داریم. سرگرد مکنزی وضع ذخائر سوخت را بررسی خواهد کرد.

سفیر اشاره کرد که این آخرین جلسه «هیئت کشوری» آقای میکلوس بود. او پس از ۱۳ سال کار در رابطه با ایران، گفت که دقیقاً وقایع ایران را از موضع جدید خود، تحت نظر خواهد داشت.

آقای میکلوس سپس پیشنهاد ایران را مبنی بر فراهم کردن نیروهای بیشتری برای نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل در لبنان مشروط بر عقب نشینی اسرائیل مورد بحث قرار داد. در گزارش آخر خود او

اطلاع داد که وزارتخانه تصمیم گرفته که گزارشات قوانین دریایی بسیار مفصل و جزء به جزء بوده و ما از حالا فقط خلاصه های هفتگی را دریافت می کنیم.

آقای شلنبرگر گزارشی در مورد نمایش «آموزش اخلاق از طریق هنر» که به اقتضای مناسبت توسط شاهدخت اشرف گشایش یافت، داد. هنگامی که آنجا بود با معاون ریاست پروتکل صحبت کرد که می گفت مطمئن است که کودتای افغانستان از روسیه دیکته شده است.

ملاقات قاضی «شرلی هوفستدلر» به خوبی برگزار شد و «دیوید آبتر»، دانشمند علوم سیاسی «ییل» آخر این هفته می آید.

سفیر خاطرنشان کرد که خاخام کورف را دیروز دیده بود؛ خاخام و اطرافیانش در حال ایجاد یک طرح نسبتاً بزرگی هستند.

دریادار کنلی گزارش داد که مأمورانی که با نماینده محلی فورد قرارداد منعقد می کردند، فهمیدند که سفارشاتی را که به فروشنده می دادند را ثبت نمی کند. آقای بانرمن تحقیق خواهد کرد.

آقای بروین گزارش آمار جدید ما را از تجارت خارجی ایران در سال مالی گذشته داد. واردات غیر نظامی تا ۴/۳ درصد و صادرات غیر نفتی تا ۷ درصد افزایش یافته است و این هردو تا حد زیادی به تورم مربوطند. آقای لمبراکیس در مورد وقایع متوالی و ملاقاتهای وزرای خارجه ایتالیا و مراکش گفتگو کرد.

آقای فری گزارشی در مورد دیدار پیشنهادی وزیر کشاورزی با وزیر برگلند ارائه داد. سفیر پرسید آیا

این مسئله با وزارت خارجه آمریکا مشورت و هماهنگ شده است که پذیرایی مناسبی در بندر ورودی آمریکا به عمل آید؟ آقای فری گفت که بررسی خواهد کرد.

آقای مارتین در مورد تلاش GOULD در مورد فروش موشک اندازهای زیردریایی MK-۴۸، گزارش داد. ظاهراً دریادار حبیب اللهی به نیروی دریایی آمریکا نوشته و اطلاعاتی در مورد موشک انداز زیردریایی خواسته تا ببیند چه وقت تولید می شود و اگر تولید شد و به دست رسید آیا برای زیردرياييهای آلمانی مناسب است یا نه؟ دریادار کلنی گفت که زیردریایی احتمالاً هرگز تولید نخواهد شد.

آقای جینگلز گفت که او این شنبه ملاقاتی در رابطه با مسئله زمین در تبریز خواهد داشت. او خاطرنشان کرد که معامله همچنان در حال پیشرفت است.

آقای بیرنز گزارش داد که بنگاه هوانوردی کشور (FAA) در حال حاضر ۶ نفر از ۹ نفر متخصصین دائم خود را در صحنه دارد. بودجه ۵/۱۸ میلیون دلاری به وزارت جنگ ارائه شده که قسمت اساسی آن برای کالاها و خدمات آمریکا است. امید می رود که یکی از اجزای اصلی آن برج جدید مهرآباد باشد.

سفیر در مورد سانحه T-۳۴ سؤال کرد. آقای بیرنز تشریح کرد که هواپیما در حال یک نمایش تمرینی بود.

آقای وستلی که تازه از افغانستان برگشته بود، گزارشی در مورد نقطه نظر یک نفر در مورد کودتا داد.

آقای رینو اطلاعیه ای از روز بین المللی خورشید (International Sun Day) را با گزارش اینکه نیروی خورشیدی احتمالاً بهترین کار مرکز تجارت بود، ارائه داد.

آقای اسنو گزارش نمایش انجمن ایران و آمریکا از ۱۲ هنرمند معاصر آمریکایی را داد. آقای میکلوس در اظهارنظر آخر خود گفت که معمولاً کلمه معاصر به عنوان «دیوانه جهنمی» ترجمه می شود.

خلاصه مذاکرات هیئت مسایل مملکتی

سند شماره (۲۳)

محرمانه

خلاصه مذاکرات هیئت مسایل مملکتی ۱۰ مه ۱۹۷۸ ۲۳/۲/۱۳۵۷

کاردار در غیاب سولیوان (سفیر) که در یک کنفرانس مطالعات آمریکایی تحت نظر انجمن ایران و آمریکا (ICA) در شیراز شرکت کرده بود، ریاست جلسه را به عهده داشت. آقای ناس خواست که آقای جینگلز لیستی از کمیسیونهای سفارت تهیه کند و جدولی از جلسات کمیسونها قبل از آمدن بازرس فراهم کند. دیشب آقای ناس شنونده یک سخنرانی تحت عنوان بی اثری سیاست خارجی آمریکا، از آقاشاهی مشاور خارجی پاکستان، که ملاقاتی با وی داشت، بود.

آقای زیشک گزارش داد که تظاهرات در دانشگاه پهلوی بر جلسات کنفرانس مطالعات آمریکایی تأثیری نگذاشت. دیروز انجمن ایران و آمریکا در اصفهان تهدید به بمب گذاری در آن شد. ساختمان بلافاصله تخلیه گردید اما بمبی کشف نشد.

ژنرال سیکورد (Secord) گفت که هیئت مستشاری نظامی گزارشاتی مبنی بر تظاهراتی که دیروز در آنجا انجام گرفت، دریافت داشته. آقای بروین گفت که یک هیئت تجارتی بزرگ نروژی در تهران هستند و بخش اقتصادی گزارش نتیجه ملاقات آنها را خواهد داد. یک شرکت آمریکایی «شرکت منازل ملی» نیمی از یک قرارداد جدید برای خانه های پیش ساخته را دریافت کرد. نیمه دیگر توسط کنسرسیوم سوئیسی دریافت شد که مقداری سهم آمریکایی دارد.

آقای لمبراکیس مروری بر مقالات مطبوعات در مورد تظاهرات در سطح کشور نمود. ظاهراً در شیراز، دکتری به جرم توزیع مطالب تخریبی توسط دادگاه نظامی بازداشت شد، چون دادگاه عادی دستورالعملی در این مورد نداشت.

آقای ناس تذکر داد که مشکل است آمار دقیقی از زندانیان آزاد شده یا بازداشت شده داشته باشیم و خاطرنشان کرد که گزارشات سفارت این امر را در نظر داشته باشند.

آقای فری گزارشی از ملاقات نمایندگان انستیتوی تخم مرغ و مرغداری آمریکایی و نمایندگان «برنج عموبن» داد. شرکت اخیر در توزیع تولیدات خود مشکلاتی دارد. فقط ۵۰۰۰ تن از نیم میلیون محموله آن به فروش رفته است.

آقای مارتین گفت که دیروز توسط معاون نیروی زمینی، الکساندر در معیت ژنرال گست (از نیروی هوایی آمریکا) و با حضور دریادار حبیب اللهی از دولت ایران، گزارشی دقیق از (USS Caron (DD-۹۷۰به سرتیپ آذری داده شد. در موردی دیگر ما دریافتیم که دولت ایران بعضی از قراردادهای نظامی بلندمدت را عمدتاً مربوطند به لوله های آتشبار، کاهش خواهد داد.

آقای جینگلز دو حادثه در شرف وقوع را اطلاع داد، فردا یک فیلم ویدئو از فروش F-۱۴در کاروانسرا نمایش داده خواهد شد. روز ۱۲ می به خاطر گشایش استخر شنای سفارت یک میهمانی خواهد بود.

آقای گوئلز، ریچاردسون عضو جدید بخش کنسولی را معرفی کرد.

ناس از آقای فالمر خواست که ارقامی از فروش صادرات آمریکا از وزارت بازرگانی، در رابطه با ازدیاد فعالیتهای مرکز بازرگانی تهران (اتاق بازرگانی) کسب کند.

آقای دیش در مورد یک دوره تعلیماتی پلیس تهران در رابطه با مأموران گمرک، همکاری خواهد کرد.

او همچنین در مورد دستگیری دو ایرانی در هلند به خاطر مبادله هروئین گزارش داد.

آقای بنرمن گزارش داد که رستوران لافونتن اصفهان قبل از برنامه شام که برای وزیر الکساندر ترتیب داده شده بود، تهدید به بمب گذاری شده بود. میهمانی وزیر را به هتلشان انتقال دادند. به نظر نمی رسد تهدید علیه گروه آمریکایی بوده باشد.

آقای کارلتون از گزارشات دریافته است که آلمانیها و فرانسویها ممکن است هریک دو راکتور دیگر اینجا بفروشند شایع است که ژاپنیها هم امکاناتی در این مورد داشته باشند. این گونه معاملات ما را در تنگنا قرار خواهد داد.

خلاصه گزارش هیئت مسایل مملکتی

ص: ۷۲۳

سند شماره (۲۴)

محرمانه

خلاصه گزارش هیئت مسایل مملکتی۱۷ مه ۱۹۷۸ ۲۷/۲/۱۳۵۷

سفیر جلسه را با ذکر اینکه اوضاع اخیراً به نحوی آرام شده است افتتاح کرد. او گفت مایل است بداند دقیقاً به پلیس چه دستوری در صورت وقوع اغتشاشات داده شده است.

با رأی «سنا» در مورد فروش جت به عربستان سعودی، مصر و اسرائیل، راه اینک برای پیشروی در برخی از فروشهای نظامی ما، باز است. ژنرال گست و آقای مارتین با ایرانیان مشورت خواهند کرد و سپس گزارشی به واشنگتن ارسال خواهند نمود.

سفیر شایعاتی را که در مورد برقراری یک ملاقات سطح بالای ASPEN در تهران وجود دارد، مورد بحث قرار داد. طبق گزارشات ادوارد هیث و شاید هنری کیسینجر در میان هیئت نمایندگی خواهند بود.

سفیر از آقای وستلی در مورد گزارش چگونگی سرمایه گذاری پرسید. اولین حواله در دسترس است، اما کارش تا ژوئیه پایان نخواهد یافت. سپس سفیر مسئله دستورالعمل مربوط به شرکت نفت کرسنت را پیش کشید و گفت که احساس می کند آنها باید وکلای خود را اول اینجا بفرستند. آقای ناس گفت که او پیش نویس این مطلب را تهیه خواهد کرد.

گفته شد که خانم «استرباولینگ» نخواهد آمد.

هنوز جوابی در مورد تولیدات خشخاش و کمک به پاکستان نرسیده است. دکتر استمپل در مشهد است، اما آقای لمبراکیس با آقای «ددیچ» صحبت خواهد کرد.

سفیر گفت که از آقای «بش» خواسته تا ارقام مربوطه به وابستگی آمریکا به نفت خاورمیانه را استخراج کند. شاه و دیگران می گفتند ۵۰٪ واردات نفت آمریکا از خاورمیانه است، برای آمار، رقم واقعی

۱۷٪ است.

آقای ناس گفت که او با آقای «نوسنزو» صحبت کرده بود و الآن قبل از آنکه منصور را ببیند منتظر یک تلکس است. او گفت به نظر می رسد که مقدمات بررسی خوب پیش می رود. وی همچنین خواست که رئیس هر بخش از احتیاجات پیش بینی شده بخش خود در سال آینده، یادداشتی تهیه کند تا پول اضافی پیش بینی شده بودجه وزیر مختار بهتر تقسیم شود.

آقای «شلنبرگر» یک ضیافت ناهار جامعه ایران و آمریکا با دانیل لرنر را در آتیه اطلاع داد. موضوع «وسایل ارتباط جمعی و اثر آن بر پیشرفتهای اجتماعی در ایران» خواهد بود. واقعه آتی دیگر شامل کارهای میلتون گلیزر، «پدر هنر گرافیک» خواهد بود.

آقای شلنبرگر از آقای لمبراکیس در مورد مطلب ژورنال دو تهران که راجع به تبریکات برادرانه حزب کمونیست ایتالیا به حزب توده بود سؤال کرد.

آقای لمبراکیس گزارش داد که امروز جز در مورد وقایع دانشگاه به طور کلی آرام بود. پلیس دانشجویان تظاهر کننده را از محوطه دانشگاه با باتوم دور کرد. با بررسی سایر وقایع او نتیجه گرفت که بگومگوها زیاد، عدم اطمینانها فراوان و ناآرامیها بسیار است. اما مسئله جدی وجود ندارد.

فرمانده هاک گزارش داد که ناو آمریکایی بارنی روز شنبه برای یک دیدار چهار روزه وارد بندرعباس خواهد شد. سفیر از خانم دیرزمن آخرین اخبار مربوط به بخش ۹۱۱ را خواست و جلسه خاتمه یافت.

نقطه نظرات رهبر ارمنی در مورد ثبات سیاسی ایران

سند شماره (۲۵)محرمانه

تاریخ : ۲۰ می ۱۹۷۸ ۳۰/۲/۱۳۵۷

شرکت کنندگان : دایر پانوسیان Diyair Ponossian اسقف ارامنه تبریز، در هوانسیان وارطان، تاجر محلی و نماینده تبریز به انجمن ملی ارمنیان. میشل. جی. مترینکو، کنسولگری آمریکا، تبریز، ایران.

تاریخ و محل: ۲۰ می ۱۹۷۸، محل اقامت اسقف اعظم در تبریز

موضوع : نقطه نظرات رهبر ارمنی در مورد ثبات سیاسی ایران

در طول مدت چهار ساعت مباحثه و شام که در محل اقامت اسقف اعظم، پانوسیان برگزار شد، به تفصیل راجع به واهمه او از ثبات سیاسی ایران بحث شد. او ادعا داشت که تقریباً نظریاتش را به کاتولیکهای آمریکایی و انجمن مشاورتی محلی خودش گفته است، و اینکه از زمان حوادث فوریه در تبریز و گسترش رعب و وحشت در سراسر ایران، هم انجمن مشاورتی محلی آذربایجان و انجمن ملی در تهران توجه عمیقی را نسبت به موضوع مبذول داشته اند. در ملاقاتهای اخیر با اعضای مقامات بالا در اصفهان و تهران، دستور کار برای عمل در زمان وقوع مشکلات، موضوعات اصلی بحث بودند. اسقف اعظم گفت، سؤال «اگر مشکلی وجود داشته باشد» نیست، بلکه سؤال این است که مشکل واقعاً در چه «زمانی» شروع می شود. پانوسیان ادعا می کرد که درباره اوضاع آینده ایران و مخصوصاً اثری که این موضوع در حیات کنونی و آتی اسقفیش می گذارد، شدیداً تحت فشار وجدان قرار گرفته است. او گفت در یک نقطه، اجتماع ارامنه در آذربایجان به ۲۰۰/۰۰۰ می رسید، و حالا در نهایت شاید ۷۰/۰۰۰ نفر باقی مانده اند. میراث فرهنگی و تاریخی ارامنه در این ناحیه قابل ملاحظه است، حتی تا اندازه ای تبریز بوسیله پادشاه ارمنی ساخته شد و اسمش از زبان ارمنی گرفته شده است. باقیمانده های بی حسابی از ارامنه در سراسر منطقه، در معابد بی مالک، کلیساها، در گورستانهای قدیمی و بقیه جاها پخش شده اند، و اسقف

اعظم احساس می کند که یک مسئولیت شدید را نسبت به این بقایای تاریخی دارد. او گفت که زمانی که او برای اولین بار به تبریز آمد، دستوراتی دریافت می کرده است و با پافشاری او بوده است که سعی کرده تا جمعیت ارامنه را در اینجا به عنوان یک جماعت زنده و پایدار نگه دارد. حالا او عقیده اش را تغییر داده، ولو اینکه با تأسف زیاد، یک سیاست شخصی برای کمک به پیروانش برای ترک ایران درست کرده است. او هیچ آینده واقعی را در اینجا برای ارامنه یا مسیحیان نمی تواند ببیند، به طور کلی او برای کسب یک حضور مذهبی با ارزش و باستانی در آذربایجان، و یا فکر در مورد امنیت واقعی مردمش، درگیر است. با اشاره کردن به مباحثاتمان که فوراً بعد از شورش فوریه تبریز بود، پانوسیان گفت که او کاملاً افکارش را در مورد ثبات رژیم ایران در آن زمان منظم نکرده است و اینکه او به وسیله این احساس آسودگی که جماعت او مورد هدف قرار نگرفته اند، تحت تأثیر قرار گرفته است. حوادث هم چنین فوری تر از آن به وقوع پیوستند که مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند، به هرحال، از آن به بعد، او به طور وسیعی در سراسر دایره اش سفر کرده است و برای مشاورت، سفری عجولانه به آلپو، دمشق و بیروت کرده است، و ملاقاتهایی با مقامات ارمنی در تهران و اصفهان داشته است. گزارشهایی که او دریافت کرده و بحثهایی که او داشته است همه به مشکلی جدی اشاره می کنند، که رژیم پهلوی نمی تواند جان سالم از آن بدر برد. پانوسیان فکر می کند که ارتش و ژاندارمری قادر به کنترل ایران نخواهند بود. به نظر نمی رسد که او درک کند و اینکه او مخصوصاً از انتقال حکومت، با اینکه تاکنون جماعت ارمنی دست نخورده و به وسیله اعضای فناتیک به خاطر ثروت

تصورشده اش و غیر مسلم بودنش قبل از اینکه دستور استرداد داده شود، مورد هدف قرار گرفته است، می ترسد.

توجه: از وقتی که مقامات بالای روحانی و بیش از یک صد زائر در ژوئیه برای شرکت در مراسم سالانه در «کلیسای سیاه» (قره کلیسا) می خواهند بروند، پانوسیان به وسیله مقامات بالای ارمنی در ایالات متحده مورد تماس قرار گرفته است. او هنوز تصمیم نگرفته است که جوابش باید چه باشد ولی من حدس می زنم که اگر او به آنها اطلاع دهد که سفر به خاطر عدم ثبات در اینجا باید به بعد موکول شود، انعکاس مسئله در هر دو کشور ایران و آمریکا جدی خواهد بود. اگر تعداد بسیار زیادی از ارامنه ثروتمند که با ایران تماس دارند، سفر برنامه ریزی شده طولانیشان را متوقف سازند، این به وضوح بدین مفهوم است که این گروه پر نفوذ اعتمادشان را به رژیم در اینجا از دست داده اند.

عکس العملهای اجتماعی نسبت به مصاحبه شاه

ص: ۷۲۶

سند شماره (۲۶)

از : سفارت آمریکا تهرانتاریخ : ۲۱ می ۱۹۷۸ ۳۱ اردیبهشت ۱۳۵۷

به : وزارت امور خارجه واشنگتن

طبقه بندی : محرمانه

گزارشگر : ج. ب. لمبراکیس.

موضوع : عکس العملهای اجتماعی نسبت به مصاحبه شاه

۱ طی چند روز گذشته سفیر و دیگر مقامات سفارت عکس العملهایی از جانب افراد مختلف، مطلع و کم اطلاع در مورد مصاحبه شاه در ۱۳ می دریافت داشته اند. قسمت اعظمی از آنها از چیزی که این افراد عدم قاطعیت، عصبی بودن و عدم صراحت در نحوه انجام مصاحبه به وسیله شاه به نظرشان رسیده بود، حیرت زده، مأیوس و شاید کمی ترسیده بودند. آنها به ما می گویند که انتظار داشته اند که مصاحبه اول با نمایندگان رسانه های گروهی ایرانی انجام شود و عمدتاً در امور داخلی صراحت داشته باشد و رهنمودی به دولت و مردم در مقابل تردیدهای مختلف که تقریباً به وسیله تظاهرات روزانه و خرابکاری در سطح کشور همچنین شایعات نسبتاً خارج از کنترل به وجود آمده باشد.

۲ برخلاف رفتارش در گذشته در چنین نمودهایی، شاه عصبانی و به نظر بعضی حتی کمی متزلزل و ترسیده مشاهده شد. به سئوالاتی که از وی می شد جواب نداد. برای مثال یک سؤال مستقیم در مورد علت تظاهرات و اغتشاشات، او مانند گذشته از دادن جواب مورد منازعه خودداری ورزید که مثلاً مداخله خارجی را سرزنش کرد و یک خط سازش را که امکان دیگری بود، آزمایش نکرد. خیلی از کسانی که از شاه حمایت می کنند و روی رهبری او حساب می کنند، معتقدند که دو راه در مقابل او هست: سخت گیر و راسخ، یا ملایم و سازشکار. در عوض آنها تفسیر گفته های او و یا به دست آوردن یک نظریه در مورد

مسیری که شاه از آنها می خواهد بروند را مشکل می بینند.

۳ جالب توجه است که یکی از مرتبطین با سفارت که با دستگاه مذهبیون محافظه کار زیاد سروکار دارد می گوید که مصاحبه در آن مجامع نسبتاً به خوبی پذیرفته شد. مصاحبه به اندازه کافی مصالحه جویان به نظر می رسید، که امید نوعی از گفتگو بین رهبران اسلام و شاه را اجازه بدهد.

۴ تفسیر: سفارت این مصاحبه را به عنوان یک نمونه دیگر از تردید شاه در این مرحله از برنامه های آزادیهای داخلی او می بیند، او قمار بزرگ ناآشنایی را شروع کرده است. سست کردن زمام قدرت و اجازه بیان به مخالفین از بخشهای مختلف، بدون اینکه اجازه دهد یک تهدید معتبر برای سلسله اش ایجاد شود. او همچنین امیدوار است که بدین وسیله هواخواهی عمومی بیشتری برای حکومتش و برنامه هایش به وجود آورد. تجربه او از قدرت تا به حال با درآوردن قدرت از چنگ مخالفینی که در مقابل از دست دادن آن مقاومت می کرده اند و بعد استحکام بخشیدن به آن بدون در نظر گرفتن آزادی بیان برای مخالفینش بوده است. در حالی که مهارتهای سیاسی در استحکام بخشیدن به قدرت می بایستی که نقش اولیه را بازی کرده باشد، عوامل دیگری مثل استواری و استحکام علیرغم بدبختی و فلاکت، وفاداری کامل مبارزه جویی و آمادگی برای مواجهه به وسیله زور تماماً یک نقش مهمتری را ایفا کرد.

۵ در طول ۱۵ سال گذشته، که شاه انقلاب شاه و ملتش را در مقابل مخالفان خود از مذهبی و چپی به جلو می برده است، مهارتهای سیاسیش پیشرفت کمی داشته است. او اعتماد به نفس بیشتری پیدا کرده و به

تدریج خود را در موقعیتی قرار داده که با تعداد کمتری از اشخاص به منظور کسب راهنمایی مشاوره کند. بسیاری از دستگاهیان این کم شدن گفتگو بین شاه و حامیان نسبتاً نزدیکش را متذکر شده اند. در حالی که حکومت او به مقدار زیادی شخصی است و تمام تصمیمات در هر درجه از اهمیت به وسیله او باید گرفته شود. درک جهتی که او در پیش گرفته برای پیروانش و همچنین مخالفانش اهمیت پیدا می کند.

۶ با این حال هنوز آزادیخواهی دقیقاً چیزی است که شاه شخصاً با آن کمتر آشنایی دارد. تردیدهای او در استفاده از تاکتیکها برای پیروان او به عنوان عدم اعتماد بنفس معنی شده اند. تمایل قابل ستایش او در جهت آزمایش در یک تلاش برای مشارکت عمومی، بیشتر ممکن است به عنوان قادر نبودن او در تصمیم گیری تلقی شود. نتیجه گیری طبیعی که بسیاری می کنند، این است که او قدرتش را از دست می دهد. ما مطمئن نیستیم که شاه به اندازه کافی اطلاعات برای تشخیص این تصویری که خودش حداقل در بعضی بخشها طرح می ریزد، داشته باشد. بنابراین فاصله بین شاه و پیروانش با تلاش او در اتخاذ یک سیاست طنزآمیز اینجا است که سابقه معروف خود شاه در داشتن مداومت غیرعادی بر اکثر مسایل (که بعضی آن را سماجت می خوانند) در این رابطه علیه او کار می کند.

۷ ضمناً در اینکه او بتواند تمام وسایل قدرت را در کنترل داشته باشد، ما زیاد تردید نداریم. بدین ترتیب واقعیت با تصویر او تفاوت دارد. شاه آمادگی بیشتری از خیلی از پیروان تندروش برای تغییر تاکتیک دارد. چیزی که به نظر بعضی از آنها عدم اعتماد بنفس و ضعف می باشد، احتمالاً به نظر شاه به عنوان حل یک مسئله مشکل می آید.

سولیوان

ایران: چرا سکوت ناگهانی؟

ص: ۷۲۸

سند شماره (۲۷)

از : سفارت آمریکا تهرانتاریخ : ۲۸ می ۱۹۷۸ ۷ خرداد ۱۳۵۷

به : وزارت امور خارجه واشنگتن

طبقه بندی : محرمانه

گزارشگر : لمبراکیس

موضوع : ایران: چرا سکوت ناگهانی؟

۱ علیرغم وقایع گاه و بیگاه اینجا و آنجا، یک آرامش نسبی جایگزین آشفتگیهای اخیر در جبهه مخالفین داخلی ایران شده است. در حالی که در طول چند ماه گذشته تقریباً روزانه یک واقعه یا بیشتر اتفاق می افتاد، شماره وقایع اخیراً به ۳ یا ۴ در هفته کاهش یافته است. به منظور تشریح علت این موضوع ما طرق زیرین را پیشنهاد می کنیم.

۲ اعلام سخت گیری در مورد تظاهرات خیابانی و خرابکاری به وسیله دولت و اجرای آن به وسیله سرویسهای امنیتی از ۱۱ می، احتمالاً یک دلیل آن بوده است. دستگیری چند صد نفر تظاهرکننده، تنها در تهران (فقط تعدادی تا حالا آزاد شده اند) احتمالاً تعداد واحدهای قابل اعتماد و فعال را برای آنهایی که در خیابانها دردسر ایجاد می کنند، کاهش داده است. احتمالاً این موضوع تظاهرکنندگان معمولی را که ترجیح می دهند بزنند و فرار کنند، بدون اینکه دستگیر شوند، ترسانده است. در حالی که رهبری (طرفدار خمینی یا جز این) را مجبور می کند که در مورد سهمیه بندی واحدهایش در درازمدت فکر کند.

۳ دلیل دوم احتمالاً این است که یادبودهای ۴۰ روزه در پایان دوره های عزاداری برای تظاهرکنندگان که در برخورد با نیروهای امنیتی کشته شدند، موقعیتهای عالی برای تظاهرات در یک زمینه مطلوب تر از دیگر اوقات به وجود می آورد. حضور در مساجد در چنین مواقعی به تظاهرکنندگان

بعد از این یک (بهانه) منظور مشروع بی آلایش می دهد که جمع شوند و ادعاهای بی گناهیشان را در صورتی که متعاقباً در مقابل یک دادگاه نظامی قرار گرفتند، موجه جلوه گرفتند، موجه جلوه دهند. به همین دلیل، چنین مواقعی کمک می کند که اشخاص مذهبی کم علاقه تر بیشتری را به حمایت رهبران بسیج کند و اندازه تظاهرات را بزرگتر کند و به نیروهای امنیتی که در تلاش برقراری نظم و قانون هستند، چهره ستمگرانه تری ببخشد.

۴ شاید مهمترین علت، تحریک اکثریت رهبران مذهبی در کشور باشد. این محافظه کارها این جریان را سودمند و یا لازم یافته اند که به افراطیهایی که از طرف آیت اللّه خمینی از تبعیدگاهش در عراق اداره می شوند، ولی انگیزه آنها با انگیزه او تفاوت دارد بپیوندند. برعکس خمینی که هدفش را که سرنگونی شاه است پنهان نمی کند و سلطنت را شدیداً محکوم می کند، این رهبران هدفهای محدودتری در سر دارند. عمدتاً آنها می خواهند که توجهات را به شکایتهایشان جلب کنند. تا زمانی که دولت توجه کمی به آنها مبذول می داشت آنها دلیلی برای خودداری از حمایت از خمینی نداشتند. حالا نشانه هایی وجود دارد که دولت شروع به گوش دادن کرده است. مصاحبه شاه در ۱۳ می با خبرنگاران ایرانی به نظر بعضی از این رهبران به طور معقولی صلح جویانه آمد، هرچند که عکس العمل افراد نزدیک به شاه باشد یا مخالفین در جبهه ملی. ما می دانیم که تلاشهای پشت پرده در جریان است که با مذهبیون محافظه کار باب مذاکره و گفتگو باز شود و آنها را از خمینی اگر ممکن باشد، جدا کنند. در حالی که خیلی از این رهبران مذهبی

سلطنت را به عنوان یک نهاد لازم که اسلام را در مقابل رقابت کمونیستی محفوظ می دارد می بینند و هیچ راه حلی بجز شاه به نظر کسی نمی رسد. آنها احتمالاً آماده اند تا یک رفتار معقولانه و جوابگو در مقابل دولت برقرار کنند، بدون اینکه تغییر اساسی در نهادها صورت گیرد. بنابراین آنها برای درک بیشتر قوانین و مقررات و یک شناخت عمومی بیشتر از اهمیت ادامه مذهب در زندگی ایرانی امیدوارند.

۵ البته تاکنون پیشرفت زیادی در زمینه گفتگو صورت نگرفته و فقط تعداد معدودی از رهبران از آن آگاه هستند. احتمالاً در هفته های آینده دردسرهایی از طرف مذهبیون وجود خواهد داشت، ولی بزرگی و اهمیت آنها ممکن است کاهش پیدا کند و بین وقایع، دوره های طولانی تری وجود خواهد داشت. به ما گفته شده (برای مثال) که احتمال آشوبهای جزئی در اطراف ۵ ژوئن وجود دارد.

موردی که برای آن تظاهرات صورت می گیرد نامعلوم است، ولی احتمالاً به دوره های عزاداری مربوط می باشد. همچنین به ما گفته شده که آشوبهای جدی تری را در حوالی ۱۹ ژوئن انتظار داشته باشیم که ۴۰ روز پس از کشتن بعضی از دستیاران آیت اللّه شریعتمداری در خانه او در قم به وسیله پلیس در ۱۰ می صورت می گیرد.

۶ مقصود ما در تهیه تحلیلهای بالا عمدتاً برای موارد کاهش پیدا کرده آشوب و دردسر در اینجا است، بدون اینکه قصد اشاره به اینکه دولت شاه دیگر در خطر نیست داشته باشیم. تلاشهای اختصاصی از طرف رهبران دولتی از قبیل وزیر، درباره هویدا هنوز مورد نیاز است. قبل از اینکه روند ۵ یا ۶ ماه گذشته بتواند عوض شود، ولی شروعی انجام شده است.

سولیوان

ایران در سالهای ۷۸ ۱۹۷۷: صحنه داخلی

سند شماره (۲۸)

از : سفارت آمریکا در تهرانتاریخ : اول ژوئن ۱۹۷۸ ۱۱ خرداد ۱۳۵۷

به : وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی.

رونوشت برای : عمان، آنکارا، آتن....

طبقه بندی : محرمانه

موضوع : ایران در سالهای ۷۸ ۱۹۷۷: صحنه داخلی

خلاصه: سیاست اعطای آزادیها و ابهام، از مشخصات وضع سیاسی داخلی ایران در ۷۸ ۱۹۷۷ بوده اند. شاه با گشاده دستی در حقوق فردی و آزادی بیان، وجهه خود را در معرض خطر قرار داده است، او بدان حد در این امر اهتمام ورزید که مخالفینش را به میدان آورده، اما در مورد نحوه رفتار خود با آنها در آینده قدری ابهام را موجب شده است.

عزم وی به ایجاد نهادهای سیاسی آزادتر به دلایل فراوانی قابل تقدیر است، اما نو بودن جریان این عمل، تردیدهایی را در اذهان پیروانش برمی انگیزد و سئوالاتی در این مورد که او تا کی خواهد توانست در این جعبه پر از دردسر را جزئی باز نگهدارد، مطرح می کند. شاه مایل نیست که زمام قدرت فعلیش در تعیین خط مشی را کاملاً واگذار کند. معهذا وی سعی دارد که نظر «اکثریت خاموش» را به مشارکت در حکومت جلب و آنها را به این کار تشویق نماید. حزب رستاخیز و دولت آموزگار تابحال موفقیتشان خیلی محدود بوده و شاه به انواع اقدامات قانونی و فوق قانونی پلیسی تمسک جسته تا فعالیت مخالفین را تحت کنترل نگهدارد. در عین حال رهبری مذهبی محافظه کار به عنوان یک ناراضی که طلسم خود را شکسته، وارد عرصه سیاست شده و نظر قابل ملاحظه خود را بر نظر جبهه ملی و مخالفین چپ دیگر افزوده است. شاه می کوشد که توده مذهبی را از حیطه نفوذ محرکین مذهبی افراطی به سردمداری آیت اللّه

خمینی و همچنین مخالفین چپی دور نگهدارد. ولی اقدام او هنوز حالت آزمایشی دارد. (پایان خلاصه) ایران هم از نظر اجتماعی و هم اقتصادی در نیست که این قدرت به چه مجرائی کشانده خواهد شد و یا عاقبت چه کسی آن را در دست خواهد گرفت. به هر صورت، سعی خواهد کرد که علل و نتایج آن را تحلیل نماید.

برجسته ترین علت وقایع ایران، جریان عظیم ثروت حاصل از چهار برابر کردن قیمت نفت است. این ثروت سبب پیدایش سریع طرحهای اصلی زیربنایی، جریان اجباری صنعتی شدن، موجی از تنعم که حتی به سطوح اجتماعی پایین رسیده، افزایش عظیم تعداد مسافران ایرانی به خارج، تغییر ناگهانی تعداد جوانان ایرانی قادر به تحمل هزینه دانشگاهی، سطوح بسیار بالاتر مصرف اقتصادی شامل بهبود روال تغذیه، تسهیلات پزشکی و مراقبت پزشکی و همچنین سرازیر شدن خارجیان از سراسر جهان که صحنه فرهنگی ایران را رنگین نموده است. همزمان با اینها، ثروت جدید یک تورم با نرخ دو رقمی را موجب گردیده، ارزشهای اصلی را تحریف و مهاجرت داخلی مردم، از مناطق روستایی به شهری را پدید آورده است. همچنین کارگران بیسواد خارجی را از آسیا جذب کرده و میزان تولید کارگران را پایین آورده و باعث آلودگی و تراکم در شهرها شده و موجب از هم پاشیدگی خانواده اسلامی و نقشهای فرهنگی جامعه و بالا رفتن مصرف کالا به میزان قابل توجهی شده است و به طور کلی توقعات عامه از اقتصاد و اصلاح اجتماعی را به حدی رسانده است که رهبری قادر به تأمین آنها نیست.

شاه در مواجهه با این وضع آشوب خیز پی می برد که پیچیدگیهای این کار بزرگتر از آن است که او بتواند به تنهایی تدبیر و رهبری آن را ادامه دهد. بنابراین او به راستی احساس می کند که احتیاج است مقداری از اقتدار امیرانه جاریش را از حال تمرکز در دست خود بدر آورد و به زیردستانش مسئولیتهایی را محول کند. به نظر وی اگر به تدریج یک طبقه متوسط کامیاب ایجاد کند و این گروه خود را سپاسگزار و قرین با پادشاهی احساس کند، موقعیت وی و سلسله اش محکم خواهد شد. به این منظور وی وسیعترین امکانات را برای کسب تحصیلات دانشگاهی در اختیار می گذارد و سعی دارد با تهیه پاداشهای مادی قابل ملاحظه فارغ التحصیلان دانشگاهها را به تأسیسات دولتی و شبه دولتی جذب کند.

موارد «بخشش» و فساد که متأسفانه در سیستم اجتماعی سنتی ایران جاری است، بر این پاداشها باز هم می افزاید. بدین ترتیب فارغ التحصیلان جوان و تازه کار فرصتهایی را که دستیابی به آنها برایشان ممکن است، فوراً می پذیرند و به عنوان خدمتکاران سیستم داخل طبقه متوسط می شوند. به هر حال آنها از لحاظ سیاسی همچنان برکنار بوده و از لحاظ فردی نیز نسبت به ساخت حکومت خود بدبینند.

بنابراین برای وظیفه ای که شاه برای ایشان پیش بینی می کند نامزدهای قابل تردیدی هستند. این امر که شاه هنوز تصمیم نگرفته جهت تجویز یک میدان سیاسی برای طبقه متوسط جدید چه نهادهای سیاسی را ایجاد کند آتنتیسم attentisme آنها را پیچیده تر می کند. مجلس و سنا مانند حزب رستاخیز که تشکیلات سیاسی یک حزبی است و به طور نظری تمام ایرانیان واجد شرط سنی رأی دادن به آن تعلق دارند، تقریباً آلت دست دولت هستند. به هر حال این حزب (تأسیس در سال ۱۹۷۵) جز به عنوان مفسر بیانات شاه، نسبت به کارهای دیگر بی علاقه و تصمیم است.

در عین حال، پادشاه با چیزی که دوست دارد آن را «اعطای آزادیها» بنامد کار خود را ادامه می دهد.

این به معنای تخفیف معتنابهی در سانسور مطبوعات، تحمل انتقاد سیاسی و اظهارات جزئی عدم رضایت

و روش ملایمتر ضبط و ربطهای پلیس در مقایسه با گذشته نه چندان دور است. عواقب این تغییر، خاطر وی را آزرده است و از اینکه منقدین خارجی (غربیها) روشنی فکرش را تمجید نکرده اند، مبهوت است. او همچنین دچار سردرگمی است که چگونه با این نوع ناراضیان که در نیمه دوم دهه هفتاد به وفور حضور دارند مدارا کند.

در این گزارش ما سعی خواهیم نمود بعضی از وقایعی که در یک سال و نیم یا دو سال گذشته روی داده دنبال نموده و وضع وخیمی را که این وقایع کشور را به سوی آن سوق داده اند، بررسی کنیم. تصمیم اصلی شاه به اعطای آزادیها اولین بار در اواسط ۱۹۷۶ ظاهر شد. براهین وی را می توان حدس زد. بدون شک شاه می خواهد جانشینی ولیعهد را مهیا نماید و می داند که جانشینش نمی تواند با همان رویه سلطنت مطلقه ای که شاه به تدریج طی ۳۶ سال همراه با تجارب مخاطره آمیز گاه و بیگاه کسب کرده، حکومت کند. به علاوه، احتمالاً شاه هم پی برده که یک جامعه با بزرگی و بغرنجی که ایران می رود احراز کند، نمی تواند توسط گروهی به کوچکی سابق اداره شود. در حالی که این یک فکر قدیمی است که گفته می شود از سال ۱۹۶۱ در ذهن او جای گرفته که مشکلاتش در هماهنگ کردن دو عنصر «رشد اقتصادی» و «اجتناب از مشکلات اقتصادی» در سال ۱۹۷۶ احتمالاً نیاز به ارتباط دوجانبه بیشتر با تکنسینها و دیگران را به بار آورد تا او در تعیین خط مشی از کمک دیگران برخوردار گردد و در اجرای آن موفقیت بیشتری حاصل کند. این نیاز ضمن آنکه مشاورین معتمدتر فوت می کردند یا در چاره جویی مسایل جامعه

فن سالار مدرن کفایت کمتری نشان می دادند، هرچه بیشتر احساس می شد. احتمالاً این دلیل نیز به نوبه خود وی را متقاعد ساخت که هم برای مهار قدرت افراد در دستگاه بزرگ حکومت و هم به عنوان یک منبع به کارگیری ابتکارات در ایالات ورای تهران، راهی سیاسی برای به حرکت درآوردن عقیده عمومی ضروری بود. در انتها این احتمال داده نمی شود که این نظر از چشم ناظر تیزبینی بر صحنه جهانی چون شاه، پوشیده باشد، که کارتر که در آن زمان نامزد ریاست جمهوری بود، اگر به ریاست جمهوری می رسید و مقاصد جدی خود را در زمینه حقوق بشر را به اجرا درمی آورد، تا اواسط ۱۹۷۶ انتقادات ایراد شده از جانب کنگره ایالات متحده در خصوص رویه اعمال حقوق بشر در ایران و سایر جاها تقویت می گردیدند.

مرحله اول

علائم اولیه اعطای آزادیها با ترغیب حزب رستاخیز به مشورت عمقی بیشتر با اعضای خود و بحث در مورد مسئله واجد اهمیت برای مملکت همراه بود. جریان مذکور در بطن این تصور جای داشت که حزب رستاخیز می تواند هم در ایالات و هم در استانها جدا از دولت، ولی به عنوان منقد دستگاه حاکمه عمل کند. زمانی که حزب در اواسط سال ۱۹۷۶ تا اواسط ۱۹۷۷ در این مورد خیلی کارآمد نبود، چاره ای که اتخاذ شد این بود که در عمل آن را به صورت آلت دیگری برای دولت درآورند. از قرار معلوم این بدان جهت بود که کادرها، آن و مردم آن را جدی تر بگیرند.

جنبه دوم اعطای آزادیها ابداع بعضی تغییرات در آیین های حقوقی مربوط به بازداشت شدگان یا زندانیان سیاسی بود تا دسترسی آنها به وکلای مدنی بیشتر شود و زمینه برای جریان مقتضی بهتر آماده گردد و کلاً غلط گیریهایی از قبیل شکنجه تقلیل یابند یا کنار گذاشته شوند. این تغییرات نهایتاً در یک لایحه جمع و به تصویب پارلمان رسید که در نوامبر ۱۹۷۷ رسماً وارد مرحله اجرا گردید. شاه دیداری با ویلیام باتلر رئیس کمیسیون جهانی قضات داشت، که به معرفی بعضی از این اصلاحات حقوقی پرداخت. ارتباط

کم ثمرتری با مارتین انالز در تهران و لندن ادامه دارد، هرچند که نتیجه آن هنوز به صورتی مستقیم مشاهده نشده است. همچنین صلیب سرخ جهانی دیدارهای بسیار مفیدی از زندانها داشته که حاصل آنها تا اول ماه می ۱۹۷۸ گماشتن یک نماینده مقیم در تهران از طرف کمیته جهانی صلیب سرخ است.

جنبه سوم، گشاده دستی بیشتر در رابطه با آزادی بیان بود. به جزوه هایی که به صورت دستی تکثیر می شدند و در آنها به دولت حمله نموده و خواستار رجوع به قانون اساسی و همچنین آزادی بیان بیشتر و اجرای بهتر قوانین قضائی به علاوه خواستهای کوچکتر گوناگون بودند، اجازه نشر داده می شد و هرچند که این جزوه ها به صورتی غیررسمی و دست به دست پخش می شدند، امضاءکنندگان آن دستگیر نمی شدند. این افراد اغلب تحصیلکردگان صاحب حرفه از قبیل بازرگانان، معلمان، نویسندگان و حتی قضات و وکلا بودند. آنها خشونت را توصیه نمی نمودند اما اکثر افکار خود را از سالهای ۱۹۵۰ اخذ کرده بودند و آن دوره ای بود که در خلال آن جبهه ملی به رهبری مصدق علیه شاه جدی ترین اعتراض، که تقریباً امکان مرگ وی نیز در آن وجود داشت را پدید آورد. گروههای معتقد به لیبرالیسم قرن نوزدهم با گروههای چپی و کمونیست در مخالفت جبهه ملی با شاه ائتلاف کردند. علیرغم این ماجرای طولانی، نویسندگان این اعلامیه ها در سالهای ۷۸ ۱۹۷۷ اکثراً صلح جو بودند که پیوندهای آشکاری با گروههای تروریستی کوچک صاحب ایدئولوژیهای افراطی اسلامی یا مارکسیست که مدت چندین سال در ایران

عمل کرده اند، نداشته اند. آنها به هر حال در الهام به دانشجویان که جرقه خشونت در این مرحله اول را ایجاد کردند، مؤثر بودند. در حالی که تظاهرات دانشجویی حتی طی اواخر سالهای ۱۹۶۰ و اوائل ۱۹۷۰ زمانی که علائم نارضایی دیگری (به استثنای وقایع تروریستی گاه و بیگاه) به چشم نمی خوردند، در ایران بصورت سنت درآمده اند، تظاهراتی که در اواخر سال ۱۹۷۷ اتفاق افتادند به خارج از محوطه دانشگاهها کشیده شدند و اغتشاشاتی را به وجود آوردند که از هر نمونه دیگری از سال ۱۹۶۳ به بعد بزرگتر بودند. پلیس عاقبت این تظاهرات را مهار کرد و بیشتر موارد آنها را فرو نشاند. اما به موازات آنها یکی دو مورد نیز روی داد که گروههای به اصطلاح «کارگران» در لباسهای معمولی آشکارا به عنوان بازوهای فوق قانونی دولت عمل کردند. یک گروه از این افراد، یک اجتماع بزرگ که روشنفکران جناح چپ جبهه ملی قدیم سعی کرده بودند در یک منزل شخصی نزدیک شهر کرج، بیرون تهران برگزار کنند را از هم پاشیدند. دولت از شواهد مبنی بر همکاری تمام گروههای مخالف با یکدیگر چون دانشجویان، تروریستها و از همه بالاتر توده متدین مردم، مشوش بود.

واکنش مخالفین

واکنش مخالفین در مقابل این اقدامات دولت چندین جنبه داشت. حرکت تروریستی از اجرای اعمال بیشتر دست کشید و رضایت داد که صبر کرده و ببیند نتایج این سیاست اعطای آزادیها چه خواهد بود. خصوصاً اینکه هرکسی تصور می نمود شاه تحت فشار ایالات متحده دست به این کار زده است. پاره ای از علت این رضایت، ترغیب آنها توسط رهبرانی بود که مورد احترام مخالفین هستند. بعضی از رهبرانی که در اجتماع کرج حضور داشتند به فعالیت زیرزمینی بازگشتند و از گروههای کوچک مختلفی که توزیع اعلامیه های انتقاد از دولت را ادامه داده اند، یکی دو جبهه هماهنگ به وجود آوردند. بقیه یک «کمیسیون حقوق و آزادی بشر» تشکیل دادند و علیرغم اینکه دولت آنها را ثبت نکرده و آنها را به رسمیت

نمی شناسد، خود را به عنوان یک تشکیلات چشمگیر در مقابل سازمان رسمی دولتی تحت سرپرستی شاهدخت اشرف که نماینده ایران در مجامع جهانی مرتبط با حقوق بشر است علم کرده است. عده ای دیگر از آنها فعالیتهای کانون نویسندگان ایران را تجدید کردند که از زمان تشکیلش در حدود هشت سال، قبل هرگز اجازه ثبت نیافته ولی به طور نسبتاً مؤثری اعتبار تشکل رسمی تر و نویسندگان و هنرمندان را که تحت الحمایه دولت هستند را تضعیف کرده اند. بدون شک روابط با مخالفین مذهبی از جمله مهمترین آنها آیت اللّه خمینی، افزایش یافتند. وی پس از ناآرامیهای سال ۱۹۶۳ که در پی ارائه لایحه اصلاح اراضی، لایحه اعطاء حقوق بیشتر به زنان و دیگر جوانب، «انقلاب سفید» بودند، به عراق تبعید شد. دامنه این روابط به درستی معلوم نیست، اما وجودشان در مرحله دوم اهمیت یافت.

مرحله دوم

روابط مخالفین با رهبران مذهبی زمانی چشمگیر شد که در ژانویه ۱۹۷۸ یک تظاهرات مهم علیه دولت در مرکز مذهبی قم در سالگرد انقلاب سفید شاه صورت پذیرفت، گفته می شود مهمترین علت آن یک مقاله بی موقع و شاید گمراهانه در حمله به آیت اللّه خمینی بود که یک یا دو روز قبل از آن در روزنامه اطلاعات درج شد. تظاهرکنندگان بیشتر از آنکه مریدان خمینی باشند بیانگر جریحه دار شدن احساس

مذهبیون محافظه کار بودند. یک رهبر مذهبی به نام آیت اللّه شریعتمداری که اعتبارش بیشتر از خمینی بود سخنگوی عمده ایشان شد. تا آن زمان شریعتمداری با دولت همکاری می نمود. مقاله اطلاعات تحت فشار آشکار دولت چاپ شده بود و سخنگویان مذهبیون محافظه کار ادعا می کنند زمانی که وزیر اطلاعات به تقاضای آنها برای چاپ جوابیه ای در همان صفحه ترتیب اثر نداد، به خشم آمدند. خشونت در قم که نزدیک به یک دوجین کشته به بار آورد، آتش سرایت کننده ای از مخالفت دینی را برپا ساخت که خود را طی ماههای بعد در وقایع کوچک مختلفی در سراسر کشور به طور منظم نشان داد. این جریان اعتبار خمینی را در چشم رهبران دینی همردیفش اعاده نموده است بنحوی که نوارهای صدا و جزوات او یا حامیانش امروزه در ایران از طریق فعالیت زیرزمینی بازار، به طور وسیعی نشر می یابند.

یادبود چهلم مرگ «شهدای قم» به یک طغیان در شهر تبریز واقع در شمال کشور منجر شد، که حتی از اولی وخیم تر بود. در آنجا گروههای طغیانگر مردم در شهر دست به غارت زده و وسایل بانکها را به علاوه تأسیسات عمومی دیگر بیرون ریختند و تأکید خاصی روی بانک صادرات داشتند که صاحب آن یک بهائی است و چندین سال است که رهبران اسلامی محافظه کار نظر خوشی نسبت به وی نداشته اند. تبریز یک مرکز فرهنگی ترکمن است (توضیح مترجم: احتمالاً منظور از Turkoman culture فرهنگ ترکی است) آنها مردمانی هستند که دین خود را از دیگران جدی تر می گیرند و به شریعتمداری به عنوان فرزند آن سرزمین، وفاداری خاص دارند. وخامت این طغیان نیز عموماً به بدرفتاری مقامات دولت انتساب داده می شود که مطابق گزارشهای گوناگون یک تن یا بیشتر از رهبران گروههایی را که قصد داشتند در جواب به دعوت شریعتمداری برای برگزاری یادبود چهلم «کشتار» قم برای دعا در مسجد اصلی شهر جمع شوند، مورد اهانت قرار گرفته و یا کشته شده بودند. تصمیم به تعطیل این مساجد و سوءمدیریتهای دیگر به استاندار، رئیس پلیس و نیروهای امنیتی دیگر نسبت داده می شد و آنها پس از وقایع ماه فوریه از کار خود

برکنار شدند. یکی از واکنشهای دولت، تبعید چندین رهبر مذهبی عالی مقام بود که با جدا کردن آنها از پیروانشان و مجبور کردن آنها به زندگی در نقاط دیگر کشور انجام شده. این اقدام در هیچ یک از وسایل ارتباط جمعی ذکر نگردیده، چرا که دولت از قرار معلوم از ضد واکنشی که این اقدامات در صورت آشکار گردیدن بر عموم و تبلیغ شدند برخواهد انگیخت اطلاع دارد. بمب گذاری در منازل چند تن از ناراضیان مشهور (غیرمذهبیون) و کتک زدن شدید دو تن دیگر نمونه های دیگر واکنش دولت بودند. دولت، منجمله نخست وزیر، ادعا می کند مسئولیتی در قبال این تخلفات که توسط یک تشکیلات که خود را «کمیته زیرزمینی انتقام» می نامد اجرا شده ندارد، یا از آنها بی اطلاع است. ولی در اذهان عمومی تردید زیادی وجود ندارد که یک بخش از دولت با تصویب شاه در این مورد مسئول است و اکثراً فکر می کنند که ساواک سرویس امنیتی مخفی عهده دار آن است.

با این حال یک واکنش آزمایشی دولت جمع آوری تظاهرکنندگان به وسیله یک گروه جدید است که در ماه آوریل تحت عنوان «نیروی پایداری» خود را نشان داد. نیروی پایداری که تصور می شود به عنوان جانشین یا بازوی «سازمان دفاع غیرنظامی» که چند سال پیش تشکیل شد و در ماه می ۱۹۷۷ نخست وزیر هویدا با مقداری نمایشهای متظاهرانه آن را احیا کرد، عمل می کند. نیروی پایداری ظاهراً در برگیرنده جوانان قوی هیکلی است که حاضرند دانشجویان و بقیه خاطیان را ربوده و برای دستگیری قانونی تحویل پلیس بدهد. این تشکیلات تحت سرپرستی ژاندارمری قرار دارد، اما شنیده ایم که بسیاری

از مؤسسات و سازمانهای امنیتی دیگر قوای انسانی و فعالیت آن را تأمین می کنند. بزرگترین ابراز وجود آن تا به امروز حمله ای بوده که به ۳۰۰ ۲۰۰ دانشجو شد و آن زمانی بود که دانشجویان در یک روز جمعه ماه آوریل در تپه های بالای دانشگاه ملی جمع شده بودند تا شعارهای ضد دولتی داده و سخنرانیهایی علیه دولت انجام دهند.

افراد «نیروی پایداری» با مقاومت دانشجویان روبرو شدند و آنگاه یک دو جین هلیکوپتر پر از پلیس ضدشورش وارد صحنه شد و پس از کتک زدن دانشجویان تا حد خونریزی بسیاری از ایشان، اکثر آن جمع را دستگیر نمود. از آنجایی که آنها مطابق مقررات جدید به دادگاه مدنی احضار شدند، گزارش شده که دفتر دادستان کل دستور داده تحقیقی صورت پذیرد تا علت جراحات شدیدی که به بسیاری از آنها در جریان دستگیری وارد شده روشن گردد. از این تحقیق چیز دیگری به گوش نخورده و از نیروی پایداری هم در چند هفته اخیر خبری شنیده نشده است.

واکنش مخالفین

ضد واکنش مخالفین را که در این مرحله می توان از آن نام برد، بهره برداری از استفاده هرچه بیشتر دولت از سیستم دادگاههای مدنی است. محاکمه تعدادی از دانشجویان دستگیرشده در رابطه با ناآرامیهای ماه دسامبر، برای حدود ۴۳ وکیل مدافع ۱۶ تن از متهمین جولانگاهی به وجود آورد (بسیاری از متهمین به سبب فقدان شواهد آزاد شدند) و بعضی از وکلای عالی رتبه جناح مخالف در دفاع از آزادی بیان، بیانات پر طمطراقی را اظهار داشتند، علیرغم فصاحت دفاعیات اکثر متهمین (۱۱ نفر از مجموع ۱۶ نفر) عاقبت به حبسهای پنج ماهه محکوم شدند. این محاکمه هنوز مورد استیناف قرار دارد و وکلای آن خود را برای محاکمات بیشتر آماده می کنند. یک نمونه آن شکایتی است که شش تن از رهبران مخالف که منازلشان بمب گذاری شده یا کتک زده شده اند (پاراگراف اول در بالا) اقامه کرده اند. به هر حال جدی ترین

ضد واکنش همچنان از جانب عناصر مذهبی محافظه کار نشان داده می شد، که حامیانش آشکارا از دولت خشمگینند و احتمالاً عامل اکثر وقایع کوچکی هستند که تقریباً هرروزه در گوشه و کنار کشور اتفاق می افتند.

بر دامنه قضیه افزوده شده و مخالفان مذهبی و دولت در ارتباط با یکدیگر مشکلاتی دارند. پیش بینی خاتمه این ناآرامیهای مکرر مشکل است، مگر آنکه ارتباط بهتری برقرار گردد.

(۱)

پیش بینی

ما دلیل زیادی در دست نداریم که تصمیم شاه به اعطای آزادیها را که در چندین فرصت علناً آن را بیان کرده و به طور خصوصی برای آمریکاییها و سفرای دیگر در اینجا بر آن تأکید ورزیده مورد تردید قرار دهیم. به هر حال آشکار است که در باز گذاشتن فقط جزئی از درب این صندوقچه پر از دردسر دچار زحمت است. تجربه اولش در تشویق آزادی بیان به حملات سوزانی علیه دولت منجر شد و توقعاتی را برای اصلاحات داخلی به وجود آورد، که از آنچه وی در آغاز در نظر داشت جدی تر بودند. (به نظر می رسد که دامنه واکنش عمومی وی را وادار به تأمل کرده باشد) اینکه شاه بخواهد یا هیچ گاه بپذیرد در

۱- (از زمانی که این ورق برای اولین بار تهیه شده یک گفتگوی آزمایشی آغاز شده است).

قدرت تعیین خط مشی وی تقلیلی رخ دهد، فوق العاده مورد تردید است. به همان اندازه این نیز امری بدیهی است که او اجازه نخواهد داد وقایع به حدی رشد کنند که امنیت ملی همان طور که وی معتقد است در خطر افتد. با این حال وقایع رشد کرده اند و بخشی از علت آن این است که برای روح ایرانی اعتدال چیزی بیگانه به نظر می رسد و بخشی دیگر از علل آن، اعمال خود وی یا خطاها و تردید رأی های دستیارانش (ساواک، پلیس، مدیران، مقامات حزب) بوده است. بنابراین وی مجموعه ای از اقدامات نامتجانس را اختراع کرده که همیشه هم به خوبی ساخته نشده اند و احتمال هم داده نمی شود که زیاد پابرجا بمانند. مهمتر از آن او دستورالعملهای واضح عملیاتی جهت نحوه رفتار با ناراضیان برای مدیران و افراد امنیتی خود تهیه نکرده است.

از جمله متدهایی که افکار لیبرالی را چه در ایران و چه در جاهای دیگر برافروخته می کند، بمب گذاریها و کتک زدن مخالفین مورد احترام است که متخصصین توانایی هستند (از قبیل وکلا، نویسندگان، پزشکان، مهندسان و بازرگانان) و استفاده از دسته های قلدر علیه دانشجویان و مخالفین چه تحت عنوان «کارگران خشمگین» و چه «نیروی پایداری» می باشد. کوششهای حزب رستاخیز در جهت توجیه این اقدامات ورای قانونی به عنوان خشم تنفرآلود یک اکثریت خاموش، دلگرم کننده نیستند و حزب شانسهای کوچکی را که برای تحریک افکار عمومی دارد، اینک از دست می دهد.

در همین زمان روشن نیست که شاه چگونه جدیت مخالفین مذهبی محافظه کار و خطرهای احتمالی آن را برآورد می کند.

در سنجش افکاری که سفارت در بین رهبران مذهبی به عمل آورد، یک ریشه نهفته وفاداری به پادشاهی و استقلال ایران به همان شکل که شاه آن را در نظر دارد مشاهده شد؛ اما ناخرسندی فزاینده ای نیز به سبب از بین رفتن روابط بین رهبری مذهبی و شاه وجود داشت. این رهبران خود را ستون اصلی

مخالفت با گسترش کمونیسم در ایران و مردمی که حقیقتاً مسئول نجات شاه و تاج و تخت وی و مسئول یک ایران مستقل طی دوران بحران مصدق در سال ۱۹۵۳ می دانند (که تا حد زیادی حقیقت دارد البته اگر عمل ارتش را نادیده بگیریم یا آن را در رتبه های وظیفه آن، جوابگو به دعوت اسلام علیه مرتدین بدانیم) آنها از این که بسیاری از سران حزب کمونیست توده سابق در دستگاه دولت ایران پستهای مهمی به دست گرفته اند، ناراحت هستند. آنها عنوان می کنند که احتمال دارد این سران برای اینکه شاه را از مردمش جدا کنند، دست به توطئه بزنند. آنها طبیعتاً برنامه های مختلفی را که برای اختصاص امور به مسایل دنیوی صورت می گیرند و شاه به آن برنامه ها علاقه مند است، مضر به حال خصیصه اسلامی حقیقی ایران می دانند.

در عین حال دستورات جدید شاه به مأمورین امنیتی خود از قبیل دستورالعملهایی مبنی بر دست کشیدن از شکنجه، آوردن دستگیرشدگان به محکمه، در مدت کمی پس از دستگیرشدنشان، استفاده از دادگاههای مدنی بجای نظامی، قطع دستگیریهای احتیاطی براساس ظن و گمان، به مسئولین امنیتی گفته می شود که در صورت وقوع هرگونه طغیان عمده جدید (مانند آنها که در تبریز و قم روی دادند) آنها مسئول شناخته خواهند شد. اما در ضمن آنها را از استفاده از متدهای مناسب زمان، مانند بازداشت، حبسهای طولانی و بدرفتاری (و بدتر از آن پیشکش) در مقابله با خطر باز می دارند. نیروهای امنیتی در تبریز خیلی کارآمد نبودند و در محافل رسمی این ترس به طور آشکار و قابل ملاحظه وجود دارد که در

زمانی که دوباره به مبارزه طلبیده می شوند، کارآیی آنها چقدر خواهد بود. پلیس ضد شورش و واحدهای ارتش عادت کرده اند به اینکه پلیس عادی را مورد کمک قرار دهند. اما محتمل نشمردن وقوع وقایع جدی تر کار احمقانه ای است و شاه نیز از طرفی با محذور وفا به قول خود مبنی بر اعطای آزادیها و از طرف دیگر با ضعیف شدند روحیه و تواناییهای نیروهای امنیتی خود روبرو است.

شورشهایی که در تبریز، قم و تهران از هشتم تا یازدهم می رخ داد و موجب شد که دولت اعلامیه ای بدین مضمون که تظاهرات خیابانی را سرکوب خواهد کرد، منتشر کند و این احتمالاً اولین قدم از یک سری اقدامات برای دست کشیدن از اعطای آزادیها که شاه ممکن بود متقبل شود، می باشد. تجربه چینی بگذاریم «هزار گل شکوفه کنند» و آن گاه همه را از ساقه ببریم متناسب به نظر می رسد. این کار حکومتی استوار را به همان ترتیب که پیش از اصلاحات ۷۸ ۱۹۷۶ وجود داشت، مستقر خواهد کرد. اما نمایانگر یک عقب نشینی از دلایلی که برای شروع اعطای آزادیها داشت (مانند جانشینی، نمایندگی و مشورت بیشتر، بلوغ سیاسی بیشتر مردم) خواهد بود و از وجهه وی خواهد کاست. زمانی که این مطلب نوشته می شود و برای اظهار نظر قاطعانه در خصوص اینکه شاه چه جهتی را برخواهد گزید خیلی زود است. خود وی بدون شک هنوز در نظر خود پابرجاست. در حال حاضر (۱۱ می) او اعلام کرده که اعطای آزادیها ادامه خواهد یافت.

بنابراین، اگر تخمین ما در اساس صحت داشته باشد، شاه مجبور خواهد شد در آینده نزدیک تصمیمات سختی را اتخاذ نماید، خصوصاً اگر تابستان خشونت آمیز باشد. در حال حاضر سخنگویان دولت هنوز از مخالفت «مارکسیستهای اسلامی» صحبت می کنند و مرتجعین «سرخ و سیاه» یا «چپ و راست» را همدست یکدیگر قلمداد می کنند. آنها همچنین ادعا می کنند که نفوذ کشورهای خارجی پشت پرده این مخالفت قرار دارد و از قرار معلوم این کوششی است، برای حفظ آبروی دولت که جاذبه

میهن پرستی را در جهت منافع خود استفاده می کنند. بعضی از حملات اخیر خود شاه علیه «استعمار قدیم و جدید» را می توان به عنوان یک تلاش آگاهانه برای پیچیدن هرچه تنگ تر ردای میهن پرستی بدور خود و جذب حمایت سیاسی مثبت و همچنین سلب اعتبار از مخالفین تعبیر کرد.

تمام اینها به نفع مخالفین تمام می شود. آنها را به جای متفرق ساختن متحد می کند. در گذشته شاه با موفقیت، مخالفین خود را متفرق کرده است. ایران قبل از ایستادن در مقابل منافع انگلیسیها، مبارزه علیه تجاوز شوروی در آذربایجان و کردستان را آغاز نمود و از آن موفق از آب درآمد. دفاع شاه علیه عناصر چپی تحت رهبری مصدق، بدان جهت توفیق یافت که اسلام محافظه کارانه پشت سر وی بود. زمانی که وی علیه ملاکان و دستگاه اسلامی در سالهای ۱۹۶۲ و ۱۹۶۳ به مقابله برخاست، قوای جناح چپ ضعیف شده بود. به نظر می رسد که او تا امروز آن درسها را فراموش کرده باشد اگرچه بعضی از بیانات اخیرش به سفیر (و حداقل یک مقاله در یک روزنامه محلی) به این مسئله اشاره دارند که وی ممکن است شروع به بازگشت به آن استراتژی کرده باشد.

در میان مخالفین تخمهای بسیاری برای رشد تفرقه وجود دارد. مذهبیها خود هیچ مخفی نمی کنند که به گروهها و رگه های فکری بسیاری متفرق شده اند و همه چیزی که باعث ائتلاف آنها شده است، تنفر اغلب ایشان نسبت به رفتار دولت است.

در اینکه شاه فکر خود برای ایجاد یک ایران دنیوی و متحد با غرب دنیوی به جای کشوری اسلامی

مانند عربستان سعودی، لیبی و پاکستان را کنار نخواهد گذاشت، زیاد تردیدی وجود ندارد، اما حرکت وی به سوی آن مقصد باید برای تاکتیک تطبیق خود با محافظه کاران مذهبی قدرتمند جایی نگهدارد، زیرا طبق آخرین تحلیل اگر بعضی عناصر چپ یا خرابکاری جهانی با حمایت آشکار بیشتری از جانب شوروی شاه را به میدان بخوانند، او هنوز به حد زیادی بر آنها متکی خواهد بود. بنابراین او سعی دارد مجاری ارتباطی بهتری با رهبری مذهبی پیدا کند و بدون شک براساس بعضی از شکایات آنها اقدام خواهد کرد. این کار اگر با مهارت انجام شود، انتظار می رود که تا مدت مدیدی آنها را آرام نگهدارد و به فرو شکستن اتحاد مخالفین منجر شود. معهذا خود این به تنهایی شاه را به مقصودش مبنی بر ایجاد مشارکت سیاسی بیشتر که وی برای مدیریت بهتر سیستم اقتصادی و اجتماعی پیچیده اش که جهت هموار کردن راه برای یک جانشین بدان نیاز دارد، نزدیک نمی کند. اما مخالفین را به تفرق خواهند کشاند، روابطش را با متحدین طبیعی محافظه کارش ترمیم خواهد نمود و تا حدی نظم و ترتیب را که در آن وی می تواند خواستهای اساسیش را تعقیب کند، باز می گرداند.

سولیوان

کنفرانس مقامات مهم کنسولگری تهران

ص: ۷۳۷

سند شماره (۲۹)سری

کنفرانس مقامات مهم کنسولگریتهران ۵ ژوئن ۱۹۷۸ ۱۵ خرداد ۱۳۵۷

شرکت کنندگان:

تامس داولینگ جوانا مارتین

جک گریسون دیوید مک گافی

هاوارد هارت مایکل مترینکو

جیمز هایام چارلز ناس

میکی کلیبر کنت راجرز

تامس کوساک جان استمپل

جورج لمبراکیس کلاید تیلور

ویکتور تامست

«جورج لمبراکیس» اوضاع سیاسی را در عرض یک سال گذشته با توجه به آغاز لیبرالیزه کردن سیستم ایران توسط شاه مورد بررسی قرار داد. دولت بیانی در مورد اعتقاد به مشارکت سیاسی ابراز داشته و تظاهرات اخیر این سؤال را برانگیخته است که آیا شاه کنترل کامل را دارد یا خیر؟ آیا فرآیندی که تاکنون ادامه داشته غیرقابل برگشت خواهد بود؟ رهبران سیاسی گذشته جبهه ملی با موضع مخالف دوباره ظاهر شده اند. افراد مذهبی منجمله چند آیت اللّه، بیشتر در سیاست وارد می شوند. این امر در افزایش فعالیت دانشجویی که منعکس کننده کلیه گروهها، و نه اینکه یک نقطه نظر واحد دانشجویی بوده، انعکاس داشته است. ارتش و کارمندان عالیرتبه نگران این جریان شده اند و این سؤال مطرح است که آیا ایشان بر علیه لیبرالیزه کردن عکس العمل نشان خواهند داد؟

بحث مربوطه

تامست تذکر داد که گروههای جبهه ملی در جنوب ایران فعال نبوده اند لکن در کرمان جبهه ملی بهترین عنصر سازمان یافته مخالف بود که بالاخره در ماه می ۱۹۷۸ روآمد. عناصر مذهبی به طور اساسی به دو گروه تقسیم شده اند: ۱) آنهایی که مواضع حساب شده سیاسی درباره سلطنت و جامعه اسلامی مطرح می کنند و ۲) گروه وسیعتری با زمینه های روستایی و سنتی که با مدرنیزه کردن مخالفند. رهبری اینها از گروه اول ناشی می شود. در شیراز دانشجویان حالت دوگانه ای دارند؛ (از یک طرف) با مدرنیزه کردن موافقند و از طرف دیگر بی اطمینانی هایی در مورد زمینه های سنتی ابراز می دارند. مک گافی تذکر داد که شاه مطمئناً قدرت انجام آنچه را که می خواهد دارد و خط مشی خود را تحمیل می کند. در اصفهان مردم معتقدند که شاه از وسعت و عمق نارضایتی عمومی آگاه نیست. یک عامل عمده جدید نیز به وجود آمده است و آن اینکه: کارمندان و مقامات وزارتی می ترسند که شاه ممکن است، تسلیم سنت گرایان شود و وضع متزلزل متجددین را از بین ببرد. از این جهت از جانب مقامات اداری فشار آورده می شود که اقدام قاطعی علیه ناراضیان به عمل آید. آیت اللّه خمینی در بازار اصفهان خیلی نفوذ دارد. بسیاری از رهبران مذهبی اصفهان از او خوششان نمی آید، اما احساس می کنند که چون وی از حمایت مردمی قوی برخوردار است، باید پذیرای او باشند. همچنین در بین متجددین دیگر نیز نارضایتی وجود دارد، از جمله

سرمایه داران، کارخانه داران و کارگران، سرمایه داران احساس می کنند که به آنها ترفند زده شده است. تا منافع خود را سرمایه گذاری مجدد نمایند و کارگران هم که وعده داده شده بودند که (در سود سهام) شریک باشند می بینند که حقوقشان به حسب واقع در سال گذشته کاهش یافته است. «مترینکو» اظهار داشت که تبریز «کشور دیگری است». مردم آنجا فارسی صحبت نمی کنند و تاریخ آذربایجان همیشه جدایی طلب بوده است. مقامات حکومت شهری عملاً به خاطر تغییر و تعویض دائمی وجود نداشته اند بعضی از اوقات در عرض چهار ماه ۲ یا ۳ نفر در یک مقام تغییر یافته اند. دانشگاه «آذرآبادگان» فقط چهار هفته از کلاسهای شانزده هفته ای خود را داشته است. کشتار دانشجویان در اوائل ماه می کارمندان دانشگاه را بر علیه دولت شورانده است. مذهب در تبریز که شهر مترقی نیست، اقتدار زیادی دارد. عملاً تنها سرگرمی که وجود دارد از طریق مساجد است. ساخت عادی اجتماعی آن تغییر یافته است. باشگاهها و سینماها تعطیل شده است. در تبریز، فرح (که در جاهای دیگر مورد احترام شدید است) حتی توسط منسوبین خود مورد تحقیر است و آنها می گویند که خانواده «دیبا» در تهران دیگر ترک نیستند. اعتقادی وجود دارد مبنی بر این که شاه از گسیختگی تبریز درست مطلع نیست. «مترینکو» متذکر شد که تحمیل مجدد یک اقتدار محکم مشکل به نظر می رسد. عقیده بر این است که سربازان اگر بدانند که مردم تبریز به خاطر دلایل مذهبی شورش می کنند به روی آنها شلیک نمی کنند. در ماه فوریه به سربازان گفته شده بود که کمونیستها درصدد اشغال قدرت هستند. اینک افسران تشخیص می دهند که شورش کنندگان کمونیست نبودند و احساس فریب خوردگی دارند. اما ستاد ارتش فکر می کند که هر نوع حادثه ای را می تواند از عهده برآید. مک گافی اظهار کرد که وقتی پس از کودتای افغانستان به پایگاه هلیکوپتر اصفهان آماده باش داده شد. فقط افسران هلی کوپترها را پرواز دادند و درجه داران به امور کلاس گماشته شدند. بسیاری معتقدند که دولت در مورد تظاهرات دروغ گفته است.

مذهب و تجدد

«تامست» تذکر داد که دامنه وسیعی از نارضایتی های ناشی از مدرنیزه کردن در حال بروز است.

ایرانیان مدعی هستند که مدرنیزه کردن مفهوم هویت را از بین می برد. اگر چنین باشد لیبرالیزه کردن سیاسی صرفاً فرآیندی را که برای مدتی ادامه داشته است، ظاهر کرده است.

«مک گافی» توجه داد که افسران جوان نیروی هوایی اصفهان مجذوب تجددند و در مورد لیبرالیزه کردنی که منجر به دادن امتیازهای عمده به مخالفین شود، ناراحتند. بسیاری از نخبگان تجددگرا پلیس را یک مشکل و مانع برای مدرنیزه کردن می دانند.

«داولینگ» متذکر شد که افسران پلیس که با وی سروکار دارند نسبت به سازمانهای خود متعهد بوده، اما تجددگرایان دولت را حمایت می کنند، مخصوصاً اگر بخواهند انتخابی میان دولت تجددگرا و حکومت مذهبی محافظه کار به عمل آورند. اما هنوز اکثراً وضعیت را این طور نمی بینند.

«ناس» این سؤال را مطرح کرد که آیا اختلافات میان روحانیت شیعه و دولت غیرنظامی چنان اساسی است که نمی توان آنها را مصالحه داد؟ آیا دولت ایران نمی تواند با روحانیت کنار بیاید بدون اینکه ضعیف تلقی شود؟ مقداری هم تأثیرات ایدئولوژیکی در مورد محافظه کاری اسلامی مورد توجه واقع شد. مک گافی فکر می کرد که ایدئولوژی در درجه دوم قرار دارد و هر شخص متوجه رفاه و ترقی خویش است.

تأکید روی مذهب ناشی از تمایلی است از سوی رهبران مذهبی برای یک بازگشت سیاسی. «داولینگ» گفت که افزایش احساسات مذهبی تعداد اقلیتهایی را که در جستجوی روادید آمریکا هستند به وضوح افزایش داده است. بنابر گزارشی، اسقف ارامنه طرفداران خود را تشویق به ترک ایران کرده است. سازمان حزب توده که به طور فعال روی تبلیغات تمرکز به خرج داده است، آماده می شود که از وضع آینده سود ببرد و در صدد جلب نظر ملاها به خود می باشد. مک گافی اظهار نمود که در اصفهان نیروی پلیس علیرغم تظاهرات در حال افزایش عمدتاً غیرفعال باقی ماند، ولی وقتی دستور تیراندازی در صورت لزوم داده شد، خوشحال شدند. اعتقاد عمومی ایرانیان این است که «وقتی شاه اعتدال نشان می دهد، مخالفانش هرگز چنین کاری نمی کنند». و این عقیده بیان شد که نیروهای نظامی تعیین کننده نهائی در توالی بحران خواهند بود. هرچند که مقداری نفوذ مذهبی در قوای نظامی هست، اما اظهار شده است که این قوا به شهبانو و ولیعهد وفادار خواهد ماند. چنانچه تمامی خانواده سلطنت به قتل برسند، ایران به دست برنده خواهد افتاد.

وضع اقتصادی

«تیلور» تذکر داد که مکانیسم تصمیم گیری نتوانست خود را قادر به رفع مشکلات متزاید صنعتی کردن نشان دهد. در مورد تلاشهای دولت ایران برای عدم تمرکز، فقط در حوزه بودجه ابتکار مؤثرتری وجود داشته است، اما تفویض اختیارات فقط در سطح کابینه یا عالیترین رده های تحت کابینه بوده است. یک سیاست کلی برای وضع کارگران وجود ندارد. محرومیت کارگران به خاطر تنزل دستمزدهای واقعی و رکود اقتصادی، مخصوصاً در صنعت ساختمان سازی که منبع اصلی اشتغال نیروهای بیسواد، و غیر ماهر بوده است، مشهود است. کسری های عظیم بودجه که قبلاً گفته شد از ۱۹۸۱ آغاز خواهد شد، از هم اکنون وجود دارد.

تغییری در برنامه های اقتصادی به سمت خودکفایی، یعنی تأمین نیازهای اساسی انسانی به جای این اظهارنظر یکسونگرانه که ایران تا سال ۲۰۰۰ یک آلمان غربی خواهد شد، به وجود آمده است. در نتیجه ایران در بخش معادن دچار اشتباهاتی شده است. وقتی که به جای افزایش اکتشافات معدنی، آن را کاهش داده است. یک عامل عمده در توسعه یک استراتژی درست اقتصادی متقاعد کردن شاه برای کم کردن انتظاراتش است. ایران می تواند از بحرین بهتر باشد، اما باید توهم «آلمان غربی» را ترک کند. توزیع درآمد بسیار ناجور است و ثروتمندان فاقد تعهد یا اعتمادی هستند که باید حامی سرمایه گذاری شود. این امر به ازدیاد نارضایتی سیاسی و رکود اقتصادی کمک می کند. مک گافی اشاره نمود که مردم سیر نزولی اقتصاد را تقصیر شاه می دانند و در جستجوی یک «ایده بزرگ» جدید هستند که عبارت باشد از برابری عملی در اکتشاف جدید نفت. تامست اظهار داشت که دولت ایران باید تصمیمات خیلی سختی اتخاذ کند؛ به ویژه برای آرام کردن طبقه متوسط که به طور متزایدی خواهان نقشی در تعیین سرنوشت خویش می باشند.

«ناس» متذکر شد که یکی از مخالفتهای بزرگی که دارد ظهور می کند، تقسیم منابع میان مصرف نظامی و توسعه اقتصادی است. این امر مسایل سیاسی خود را مطرح ساخته و موافقت شده است که مقدار قابل توجهی از مخارج نظامی به نفع توسعه غیرنظامی در بعضی از قسمتها محدود بشود، اما نه در بخش وسایل مستعمل. تیلور در پاسخ سؤالی اظهار نمود که راههایی برای خرج کردن پول وجود دارد که ممکن است

توسعه بلندمدت را افزایش دهد، بدون اینکه خطر تورم ایجاد کند: یکی آموزش بیشتر در قسمت کارگری تکنیکی، مانند آموزش حرفه ای و تعمیر اتومبیل و غیره. دوم خانه سازی که با در دست قرار دادن منابع و حذف مصالح از بازار سیاه باعث بهبود خانه های کارگری خواهد شد، نه ساختمانهای لوکس. سوم خرج مرحله ای برای کشاورزی به جای خریداری محصولات خارجی با پرداخت کمکهای بلاعوض که باعث تشویق بیشتر تولید داخلی خواهد شد.

مسایلی برای آمریکا

مقامات عمده توافق داشتند در این که آمریکا دارد تا اندازه ای سپر بلا برای مشکلات ایران واقع می شود. آمریکا از شاه حمایت می کند و لذا ایدئولوگهای مذهبی آمریکا را به عنوان حامی حکومت مورد حمله قرار می دهند. متجددین معتقدند که حضور آمریکا در ایران باعث بالا رفتن اجاره ها و هزینه های غذایی شده است. دانشجویان خاک آمریکا را به عنوان جایی که مزایای زیادی عرضه می کند دوست دارند. اما نه آنها و نه بزرگترهایشان باور ندارند که آمریکا از نظر فلسفه سیاسی چیزی را برای ایران داشته باشد. در این لحظه قدرت آمریکا مورد تکریم نیست و ما را به عنوان یک کشور ضعیف و غیر مصمم ملاحظه می کنند. در حال حاضر چنین نظری اشکالات جدی در حسن نیتی که توسط اکثریت عمده ای از ایرانیان ابراز می شود، ایجاد نمی کند. معهذا موقعیتهایی به وجود می آید که طی آن آمریکا ممکن است به سرعت سپر بلای مشکلات ایران شود، متجددین آمریکا را به خاطر شکستهای اقتصادی دولت ایران سرزنش می کنند و مخالفان ما را سرزنش می کند: که چرا عقیده آنها را در مورد ترکیب سیاسی به شاه تحمیل نمی کنیم.

امضاء: استمپل، لمبراکیس، تیلور

مشکلات داخلی ایران، نیاز برای اطلاعات

سند شماره (۳۰)

از : سفارت آمریکا، تاریخ : ۷ ژوئن ۱۹۷۸ ۱۷ خرداد ۱۳۵۷

تهران برای اقدام به : وزارت امور خارجه، واشنگتن برای اطلاع:

سفارت آمریکا در ابوظبی

سفارت آمریکا در دوحه

سفارت آمریکا در جده

سفارت آمریکا در کویت

سفارت آمریکا در منامه

سفارت آمریکا در مسقط

طبقه بندی : محرمانه

موضوع : مشکلات داخلی ایران، نیاز برای اطلاعات.

۱ منامه، همچنین دوحه، جده، کویت و مسقط در اول ژوئن مطلبی را تحت عنوان «ایران در سالهای ۸ ۱۹۷۷، صحنه داخلی» دریافت داشته اند. هدف این تحلیل آن است که ناآرامیهای داخلی از سیاست آگاهانه اعطای آزادی که در ۱۹۷۶ توسط شاه آغاز گردید و هنوز هم ادامه دارد، مشتق می شود. در حالی که «برنامه اعطای آزادی» شکوه ها و برخی خصومتهای جدی به رژیم را از عمق به سطح آورده، شاه و نهادهای او کنترل کامل اوضاع را در دست دارند. مطالعه فوق چند نوع مخالف را، از جمله به دو گونه گروه مذهبی، سایه هایی از رهبران قدیم و جدید جبهه ملی، تروریستها و دانشجویان مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد.

۲ سفارتخانه های حوزه خلیج را در معرض بازیابی گسترده تر قرار خواهیم داد. هرچند که تاکنون

توزیع گزارش وضعیت را محدود نگه داشته ایم.

وزارت امور خارجه شاید خواستار فرستادن نسخه ای از A۸۰ به دیگر سفارتخانه ها در حوزه خلیج که

تقاضای کسب اطلاع و تحلیل رویدادهای جاری در ایران را دارند، باشد.

سولیوان

سند شماره (۳۱)

محرمانه

خلاصه مذاکرات هیئت مسایل مملکتی۱۴ ژوئن ۱۹۷۸ ۲۴ خرداد ۱۳۵۷

سفیر جلسه را با شرح ملاقاتش با آقای ناس در مورد نخست وزیر آموزگار که دیروز انجام گرفت آغاز کرد. در میان موضوعاتی که مورد بحث قرار گرفت از حزب رستاخیز، رابط انرژی اتمی و کلنل ساندرز می توان نام برد. نخست وزیر خاطرنشان ساخت که او زیاد تحت تأثیر عقیده یک جناح سوم برای حزب رستاخیز قرار نگرفت. در مورد انرژی اتمی آموزگار در رابطه با عبارت «زمان بندی » و مسئله MFN برای ایران طرحی سازنده ارائه داد. با تلفن از واشنگتن شنیدیم که بنگاههای درگیر رضایت دارند و می روند که لحن بیان دیگری را پیشنهاد کنند. سفیر همچنین یادداشتی به نخست وزیر داد که مربوط به مشکلات انتفاع محفوظ (کپی رایت) کلنل ساندرز بود. نخست وزیر گفت که برای تبدیل علامات خاطیانه کنتاکی فراید چیکن به «کاشانی فراید چیکن» اقدام خواهد کرد.

در همان جلسه سفیر درباره بودجه ساختمانی دانشگاه تبریز اطلاعاتی به بایندر داد. هنوز رئیس دانشگاه تعیین نشده و در آینده نزدیک نیز تعیین نخواهد شد. آقای ناس در غیاب سفیر اطلاعات مربوط به این مسئله را فراهم خواهد کرد.

سفیر از آقای لمبراکیس خواست که درباره اعضای گوناگون مجلس که برای رستاخیز رأی آورده اند، یک تحقیق پیرامون زندگی ایشان انجام دهد. از آقای لمبراکیس این هم خواسته شد که ببیند آیا بیانیه ناشی از دیدار امیر بحرین از ایران به تمام واحدهایمان در منطقه خلیج رسیده است یا نه؟

سفیر آلمان به سفیر سولیوان گفت که شنیده است که نیروی دریایی ایالات متحده می خواهد که تمام کشتیهای کوچک را تهیه نماید. سفیر توضیح داد که یک گروه متخصص برای آزمایش اینکه چه نوع

سلاحهای ساخت آمریکا می تواند برای کشتیهای آلمانی به کار روند، رسیده است. سفیر در مورد مشکل بینابین آقای بروین و جینگلز سؤال کرد و به آن توصیه کرد، که سعی نماید میلز را دوباره به عنوان نماینده منصوب نمایند.

سفیر دو خبر رسیده در ارتباط با سیاست ما درباره پناهندگان افغانی به آقای گوئلز ارائه داد. او همچنین سؤال کرد که آیاکسی مایل به شرکت در نمایشنامه کارمن در تالار رودکی هست. پس از مدتی آقای شلنبرگر گفت که او شخصی را برای این کار انتخاب خواهد کرد.

آقای شلن برگر توضیحی در مورد مذاکراتش با اندوویتلی از بی بی سی داد و سپس یک لیست طولانی از شکایات را در مورد موقعیت کارها در ایران قرائت نمود. این لیست به درخواست اعلیحضرت توسط یک گروه از روشنفکران تهیه شده بود.

آقای بروین گزارش داد که او و آقای وستلی چیزهایی در مورد نگرانی مقامات وستینگهاوس از اینکه پروژه مترو به فرانسویها مربوط می شود، شنیده است که البته چون قراردادها پنهانی بسته می شود، در اینباره اطلاع چندانی ندارد.

آقای لمبراکیس گفت که ۱۹ ژوئن در ۱۸ ژوئن برگزار خواهد شد. مذهبیهای فعال همگی قبول کرده اند که بهتر است در خانه بمانند، تا تظاهرات انجام دهند. آقای شلنبرگر گفت که ویتلی احساس می کند، اغتشاش بالا خواهد گرفت.

آقای فری سپس در رابطه با موضوعات اصلی گزارشی در مورد پیش بینی مقدار محصول در سال جدید و دیدار وزیر کشاورزی از استرالیا و ایالات متحده داد. در این گزارش او خاطرنشان ساخت که درخواستی مبنی بر کمک به ایران برای یافتن بازار جهت کندر و مر دریافت داشته است.

آقای آدلر گفت که امروز صبح اطلاع یافته است که آقای سیهویل متخصص ایمنی NRC، دیگر به ایران باز نخواهد گشت. او نمی داند که امکان دارد این مخالفت تنها ناراحتی ایران در رابطه با فقدان پیشرفت در زمینه انرژی اتمی باشد. سفیر گفت که آلمانیها به خوبی تحت تأثیر این مخالفت قرار گرفته اند، از زمانی که کنترل ایمنی ایالات متحده را برای راکتورهای خود تخمین زده اند. آقای آدلر موضوع را با سیروس منصور تعقیب خواهد نمود.

آقای آدلر همچنین گزارشی در مورد حضور خود در جلسه اخیر انجمن «تنظیم و بهداشت خانواده» داد. منظور این است که وزیر بهداری هیچ گونه همکاری به عمل نمی آورد. سفیر معتقد بود که آقایان ناس و آدلر بهتر است که شرحی راجع به موضوعات اصلی ملاقاتهای آینده با وزیر بهداری شیخ الاسلام زاده تهیه نمایند.

آقای بیرن، رابرت پاول را به عنوان مأمور جدید CAAG معرفی کرد. خانم دیرزمن در مورد جلسه ای که با کارکنان مالیاتی ایران داشت سخنانی ایراد کرد و گفت که آنها درخواست «مساعدت و دادن اطلاعات از متخصصین کامپیوتر IRS» کرده اند.

سفیر درخواست نمود که این امر توسط جان میسی و جک وگان همانند یک برنامه جدید مورد بررسی قرار گیرد.

آقای ددیچ در مورد ملاقاتش با نمایندگان پلیس ملی ایران در رابطه با آموزش افراد پلیس ایرانی در ایران صحبت کرد.

ضمیمه: بدین وسیله نویسنده از آقای مارتین به دلیل عنوان نکردن گزارش ایشان در مورد اینکه در بین نمایندگان وستینگهاوس، شکاف ایجاد شده است پوزش می طلبد.

جلسات مقامات عمده

ص: ۷۴۶

سند شماره (۳۲)

به : کنسول آقای گوئلز۱۹ ژوئن ۱۹۷۸ ۲۹ خرداد ۱۳۵۷

از : شیراز ویکتور ال. تامست

موضوع : جلسات مقامات عمده

در عین حال که نمی توانم بگویم که از قول همکارانم سخن می گویم، اما شخصاً نشست مقامات عمده را دلیل متقاعد کننده ای برای مفید بودن برگزاری این گردهماییها به طور مرتب یافتم. همچنان معتقدم که نوعی موضوع خاص در هر جلسه توجه شرکت کنندگان را به خود معطوف می دارد، و لذا می تواند وسیله مفیدی برای به حداکثر رسانیدن آنچه که ممکن است طی این جلسات نسبتاً کوتاه مدت به دست آید، باشد. تصور می کنم اولین روز سمینار در مورد سیاست داخلی به خوبی این نکته را ثابت کرد.

برای آینده، نکات ذیل را به عنوان موضوعات احتمالی پیشنهاد می کنم:

نظام آموزشی ایران، نقش دانشجویان در جامعه، و تأثیر تحصیل در خارج، فکر می کنم که علاوه بر حضور خود مقامات عالی رتبه، مشارکت افرادی از «آژانس ارتباطات بین الملل»، «بخش سیاسی» و «کنسولگری» مهم باشد.

توسعه اقتصادی در ایران، چشم اندازهای رشد بیشتر، و احتمالات مربوط به ثبات سیاسی آینده.

روشن است که اقتصاد نکته عمده خواهد بود. ولی «مشارکت» وابسته کشاورزی، کنسول، و «بخش سیاسی» نیز مؤثر خواهد بود.

برنامه بازرگانی کشور و نقش پستهای متشکله آن، بیشتر کار با وابسته بازرگانی و مرکز تجارتی است، اما به گمان من تأکید زیادی باید برای ملاحظه تکنیکهای عملی جهت بهبود مشارکت پستهای متشکله در کوشش بیشتر به عمل آید.

نقش نظامی ایران به عنوان عاملی برای تجدد و نیروی سیاسی. چنانچه تعدادی افسر نظامی با تجربه مستشاری می توانستند در جوار عناصری از قسمتهای مختلف سفارت و مقامات عالی رتبه شرکت کنند، چنین جلسه ای می تواند روشنگریهای باارزشی در مورد رفتار یک گروه عمده در این کشور فراهم آورد.

در مورد سازماندهی این جلسات، نکات زیر را توصیه می کنم: اول، اینکه زمان کافی لازم است تا هر موضوع به طور کامل تحقیق شود. سه ساعت کافی برای رسیدگی به همه جنبه های صحنه سیاست داخلی نبود. شاید اگر به دو جلسه از ۱۰ صبح تا ۱ بعد از ظهر و از ۲ بعد از ظهر تا ۴ بعد از ظهر تقسیم شود، بهتر باشد. دوم، اینکه رئوس مطالبی برای شرکت کنندگان عمده قبلاً تهیه شود و این امر کمک به برقراری پارامترهای بحث می کند. سوم، اینکه یک رئیس جلسه، بحث را از انحراف نگه دارد. چهارم، اینکه از شرکت کنندگان اصلی ممکن است خواسته شود که مسئولیت یک جنبه خاص از موضوع را به عهده بگیرند و بدین طریق با عمق بیشتری موضوع بررسی شود.

در مورد نوع مدیریت و جنبه های تشریفاتی کنسولگری، من بحثهای نوع میزگرد را مفید می دانم. تنها گله من در این منطقه این است که ما وقت کافی برای اختصاص دادن به مسایل کنسولگری نداشته ایم. شاید یک ساعت بیشتر در جلسه بعدازظهر، مثلاً از ۱ تا ۴، بهتر باشد.

گزارش بازسازی ساواک

سند شماره (۳۳)

از : وزارت امور خارجه آمریکاتاریخ : ۲ ژوئیه ۷۸ ۱۰/۴/۵۷

به : سفارت آمریکا تهران

طبقه بندی : سری

موضوع : گزارش بازسازی ساواک

گزارش پیشرفتهای مطرح شده در پیام اگر به صورت کامل انجام پذیرد خیلی جالب خواهد بود.

لطفاً به این تماسها به طور نزدیکتری ادامه داده و گزارش و نشانه هایی را که حاکی از تغییرات در سیاست و یا کار ساواک است گزارش دهید.

(ونس)

خلاصه مذاکرات هیئت مسایل کشوری

ص: ۷۴۸

سند شماره (۳۴)

محرمانه

۵ جولای ۱۹۷۸ ۱۴ تیرماه ۱۳۵۷

خلاصه مذاکرات هیئت مسایل مملکتی

کاردار درخواست کرد که رئیس هر بخش در اعطای مرخصی برای بعدازظهر روز ۶ جولای جهت شرکت در جشن روز استقلال در «لویزان» آزاد باشد. آقای «ناس» تذکر داد که ممکن است با میهمانان زیادی در آخر هفته روبرو شویم. اولین نفری که وارد خواهد شد، «لونوزنسو» نماینده معاون وزیر امور خارجه خواهد بود که سعی خواهد کرد که موافقتنامه دوجانبه اتمی را به پیش ببرد. «نیوسام» مدیر کل وزارتخانه نیز که در حال بازدید از آسیای جنوبی، خاورمیانه و اروپا است، برای بحث در مورد وقایع اخیر در منطقه وارد خواهد شد و گفتگویی با شاه خواهد داشت. به علاوه نماینده دائمی «جیمز لئونارد» نیز در ۸ جولای خواهد آمد تا در مورد موضوعات مربوط به سازمان ملل با مقامات مختلف دولت ایران گفتگو کند.

آقای «لمبراکیس» مروری بر مطالب مطبوعات داخلی داشت و خاطرنشان کرد که بی بی سی به دنبال گزارش «وایتلی» از افغانستان سر قوز افتاده است. آرامش نسبی در جبهه داخلی برقرار است. یک مقام حزب رستاخیز شدیداً از کاندیداهایی که حزب را ترک می کنند انتقاد کرده است و این نشان می دهد که آنها قادرند به طور مستقل عمل نمایند. هنگام میهمانی چهارم ژوئیه ما، نهاوندی در پاسخ یک سؤال گفت که سازمان او صرفاً یک «جناح سوم» حزب رستاخیز نخواهد بود، بلکه «گروهی» تشکیل خواهد شد.

کاردار به وابسته جدید کشاورزی ما آقای «کوی نیلی» خوش آمد گفت.

آقای مارتین گفت که او درخواست سفیر اردن جهت یک گزارش موضعی درباره انتقال پیشنهادی

کشور ثالث برای آموزش موشکهایی که در نیروی هوایی اردن روی هواپیماهای F-۵ که از ایران اخذ شده اند، استفاده خواهد شد، تعقیب می کند. سرهنگ شیفر، وابسته جدید نیروی دریایی ناخدا روی هالینگ ورث را معرفی نمود. وی همچنین بازدید پیشنهادی ژنرال «سادلر» فرمانده پایگاه ۲۱ نیروی هوایی در پادگان «مک کوایر» جهت بازدید از ترمینال فرماندهی هوابرد نظامی را اعلام نمود.

آقای آدلر گزارش داد که میهمانان کمیته اقتصادی مشترک، نتیجه گرفتند که بازار برای نیروی خورشیدی خیلی امیدبخش است. آنها متوجه شدند که بودجه وزارت انرژی در این منطقه ۵ برابر شده است و احتمال دارد که برای شرکتهای آمریکایی بازار وجود داشته باشد.

آقای «ددیچ» هفته آینده به خلیج فارس مسافرت خواهد کرد.

آقای «راینو» به دنبال اشارات آقای «آدلر» متذکر شد که مرکز بازرگانی تلگرامهایی چند و یک گزارش در مورد نمایشگاه انرژی خورشیدی فرستاده است. برپاکنندگان نمایشگاه متوجه شدند که یک بازار احتمالی بسیار جالب برای شرکتهای آمریکایی وجود دارد.

ناخدا «هاک» بازدید ناو آمریکایی «بارنی» از بندرعباس را برای مشارکت در تمرینات واحدهای نیروی دریایی اعلام کرد.

کاردار از آقای «بانرمن» به خاطر ایفای خوب وظیفه شان در مورد حفظ امنیت میهمانی چهارم ژوئیه که به خوبی برقرار شد، تشکر کرد.امضاء: مارتین

خلاصه مذاکرات هیئت مسایل مملکتی

ص: ۷۴۹

سند شماره (۳۵)

محرمانه

۱۲ جولای ۱۹۷۸ ۲۱ تیر ۱۳۵۷

خلاصه مذاکرات هیئت مسایل مملکتی

کاردار جلسه را با خبری از عقد قرارداد دوطرفه انرژی اتمی آغاز کرد. مشکل اساسی استفاده مجدد از مواد زائد اتمی حل شد و از نظریات پنج هفته پیش سفیر سولیوان به نحو احسن استفاده گردید. کاردار گفت که بازدید معاون نیوسام به خوبی انجام یافت. عامل اصلی در ایران به توافق رسیدن در مورد موقعیت خاور بود. شاه در صورتی که پاکستانیها از کارخانه استفاده مجدد از مواد زائد اتمی صرف نظر کنند، شاه با کمک به پاکستان موافقت دارد. اگر آنها به همین نحو پیش روند، آمریکا از نظر قانونی نخواهد توانست به اسلام آباد کمک اقتصادی یا سیاسی بنماید.

آقای شلن بر گر سؤال کرد که آیا قرارداد انرژی اتمی احتیاج به تصویب سنا دارد یا نه؟ کاردار جواب داد که معاهده پس از ۶۰ روز کار به مرحله اجرا گذاشته خواهد شد، مگر آنکه یکی از کنگره ها آن را تصویب نکند.

آقای شلن بر گر گزارش داد که کارشناس سیاسی ویلیام گریفت در شهر است و با شاه و نخست وزیر ملاقات خواهد کرد. اخبار دیگر ICAحاکی از آن است که انجمن ایران و آمریکا در تبریز مدعی است که یک برنامه درخشان علمی را در پیش گرفته است.

کلنل واندرمیر گزارش داده که ژنرال گست همراه گروه فرماندهی و کنترل بود. ژنرال ازهاری ظاهراً خیلی تحت تأثیر قرار گرفته است و اواخر این هفته موضوع را با شاه درمیان خواهد گذاشت.

آقای بروین کفیل ریاست هیئت نمایندگی، گفت که نمایندگان کنسرسیوم نفت هفته گذشته برای تجدید

موافقتنامه ۱۹۷۳ به تهران آمده اند. ایرانیان توافق دارند که برای هر بشکه ۲۰ سنت تخفیف بدهند که میزان این تخفیف ۲ سنت کمتر از قرارداد گذشته است، ولی باید توجه داشت که کنسرسیوم ۳/۳ میلیون بشکه نفت تولید می کند.

آقای بروین و مایلز رایزن اقتصادی بعدی با سرپرست اداره امنیت اجتماعی ایران برای بحث پیرامون امکانات یک موافقتنامه ملاقات کردند. در طول یک هفته یا بیشتر، نمایندگان سفارت با نمایندگان امنیت اجتماعی برای تهیه یک پیش نویس جهت ارسال به واشنگتن با یکدیگر ملاقات خواهند نمود. ما می خواهیم که این پیش نویس کاملاً ساده باشد، ولی ممکن است که واشنگتن بخواهد که طرحهای آلمانی و ایتالیایی در آن گنجانده شود.

آقای بویس خبر روز را برای بخش سیاسی به عرض رساند. بر طبق آخرین شایعات از قسمت سفارتخانه او گزارش داد که گروه جدیدی از حقوقدانان ایرانی به تازگی نام اعضای خود را اعلام نمود و اطلاع داده است که کوششهایی در جهت تماس حاصل کردن با گروههای حقوق بشر ایالات متحده و کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد به عمل خواهد آورد.

جناح سوم نهاوندی مقاله ای مبنی بر انتقاد از خط مشی اقتصادی دولت آموزگار انتشار داده است. این مقاله اتاق اصناف را به علت تورم زیاد مورد سرزنش قرار داده است و هم اکنون اتاق اصناف جوابیه آن مقاله را منتشر کرده است. امکان دارد که این عمل اعضای مجلس را که تصمیم به پیوستن به دسته بندی

نهاوندی را داشتند، تحت تأثیر قرار دهد.

بالاخره شهردار مشهد گفت که هر کارمند شهرداری که مشاهده شود در فساد یا رشوه گیری دست داشته است، سر او تراشیده خواهد شد (توسط خانم شهردار) و در یک ماشین روباز شهرداری دور خیابانها گردانده خواهد شد. این خبر باعث مناظره دائمی در سالن مجلس در مورد حق قانونی شهردار شد.

آقای نیلی گزارش داد که حجم صادرات آمریکا به ایران بالغ بر ۴۲۳ میلیون دلار در سال گذشته بود و به نظر می رسید که امسال نیز چیزی نزدیک به همین مقدار باشد. گاوهای آبستن همچنان یک بخش کلی صادراتی را تشکیل می دهد. او گفت که در مورد محصول گندم علیرغم خشکسالی اوائل سال جدید، مقدار آن مانند سال گذشته خواهد بود.

آقای مایلز در مورد ساعات جدید (Commissary) تعاونی و فروشگاه ۷-۱۱ که در همان ترکیب خواهد ماند گزارشی معروض داشت.

آقای ریچاردسون گزارش داد که آقای گولز امروز صبح تهران را برای یک مرخصی طولانی ۴، ۶، ۸ و یا ۱۰ هفته ای ترک خواهد نمود.

آقای بنرمن، TSO جدید پل تابس و RSO جدید دیو مارشال را معرفی کرد.

آقای اسنو گزارش داد که IAS فعالیت جدید خود را برای آشناسازی دانشجویان ایرانی که عازم آمریکا هستند آغاز کرده است.

خلاصه مذاکرات هیئت مسایل مملکتی

ص: ۷۵۱

سند شماره (۳۶)

محرمانه

۱۹ جولای ۱۹۷۸ ۲۸ تیر ۱۳۵۷

خلاصه مذاکرات هیئت مسایل مملکتی

کاردار جلسه را با مطرح کردن این موضوع که مذاکرات نیوسام در کابل و اسلام آباد پایان گرفته و پاکستانیها نقطه نظرهای سنتی خود که در چند زمینه به این منظور پیشنهاد کرده اند، آغاز نمود. ما انتظار داریم که گزارش مختصری در مورد مسافرت نیوسام به دست آورده و آن را در اختیار ایرانیان نیز قرار دهیم. معاون وزیر، کوپر، نیز در هفته آینده از ایران بازدید خواهد کرد. ژنرال گست گفت که شب گذشته در مورد پیغام کاردار پیرامون برنامه F-۴ با ژنرال گریوز گفتگو کرده است. ما پیشنهاد کردیم که یک بار دیگر برنامه بررسی شود تا اینکه سیم کشی گروه A نیز در آن جای بگیرد، این امر موجب خواهد شد که سلاح «Wild Weasel» در موعد دیرتری بر روی F-۴ قرار گیرد. البته در صورتی که تصمیم بگیریم که آن موشکها را به ایرانیان بدهیم. بدون سیم کشی گروه A، دولت ایران احتمالاً هواپیماها را نخواهد خرید. راجر ا. بروین کفیل ریاست هیئت نمایندگی پس از چهار سال خدمت در راه گسترش روابط ایران و آمریکا از هیئت مسایل مملکتی خداحافظی کرد.

آقای لمبراکیس گزارشی در مورد موقعیت سیاسی داخلی ایران معروض داشت، او گفت مخالفین مجدداً در حال بسیج مردم به منظور برگزاری تظاهرات برای فردا بعد از ظهر در حوالی خیابانهای تخت جمشید و بلوار پهلوی هستند. آقای ریچاردسون به کاردار گفت که کنسولگری در روز ۶۰۰ الی ۷۰۰ ویزای غیر مهاجرتی صادر می کند.

خلاصه گزارش هیأت مسایل مملکتی

سند شماره (۳۷)

محرمانه

۲۶ ژوئیه ۱۹۷۸ ۴ مرداد ۱۳۵۷

خلاصه گزارش هیأت مسایل مملکتی

کاردار جلسه را با مطرح کردن تلگرامی که شب گذشته فرستاد و گفتگوهایش با تیمسار طوفانیان را وصف می نمود، شروع کرد.

تیمسار طوفانیان گفت در صورتی که هواپیماهای F-۴ همراه با سیستم مخابراتی گروه Aنباشد دولت ایران خواهان آنها نخواهد بود. او گفت پیشنهاد خرید شرایک (Shrickes) او را متحیر کرده است و یادآور شد که شاه و او تصمیم گرفتند که دولت آمریکا باید سعی کند که شرایکها را پیاده نماید. اما در عین حال گفت تصمیم گرفتند چنانچه هواپیماهای F-۴ با سیستم مخابراتی گروه A باشد حاضرند شرایکها (Shrickes) را نیز از ما تحویل بگیرند.

دکتر استمپل قرار شد با انگلیسها در مورد مذاکراتشان درباره نامیبیا صحبت کند. کاردار احتمالاً امروز به وزارت امور خارجه خواهد رفت و درباره موریتانی و خاورمیانه گفتگو خواهد کرد. کاردار نتیجه بررسی درباره وضع مدیریت کارکنان سفارت را به آقای میلز داد و قرار شد وی آن را بخشنامه کند.

آقای ژیسکی گفت انجمن ایران و آمریکا برای احداث یک مرکز آموزشی جدید پروانه ساختمان گرفته است.

دکتر استمپل یکی از کارمندان جدید از بخش DEA به نام آقای لاری مکینی را معرفی کرد. سپس درباره شورشهای امروز مشهد به نقل از روزنامه گزارشی داد. وی یادآور شد که در آخر هفته گذشته در سراسر کشور تظاهرات گسترده ای در جریان بوده که به غیر از جهرم در همه جا با آرامش برگزار شده

است.

آقای مارتین یادآور شد که درباره موضوع Wild Weasel با آقای پرشت صحبت کرده است. آقای نیوسام، معاون وزارتخانه، هم اکنون در فعالیت است تا موافقت ترخیص WildWeasel را برای نیروی هوایی ایران بگیرد. این موضوع برمی گردد به پس از عکس العمل منفی کمیسیون مجلس درباره پیشنهاد وزارت امور خارجه که در آن توصیه شده بود که به جای تحویل Wild Weaselسیستم مخابراتی گروه A را در هواپیماهای F-۴جانشین کند.

آقای تایلر درباره تغییرات جدید هیئت دولت گزارشی داد و یادآور شد که PBO در طول سال گذشته سه وزیر جدید به خود دیده است. همچنین وی درباره پاره ای شایعات که در مهمانی نهار بانکداران درباره بیماری شاه شنیده بود بحث و تبادل نظر کرد.

اس. ا. بویس

۳۰/۷/۱۹۷۸

سند شماره (۳۸)

وزارت امور خارجه۷ تیر ۱۳۵۷ ۲۸ ژوئن ۱۹۷۸

واشنگتن دی. سی. شماره پستی ۲۰۵۲۰

چارلز ناس

کاردار موقت سفارت

تهران

آقای ناس عزیز:

نامه پیوست از سفیر (ادوارد) لیتل، خودش گویاست. کارمندان گروه اطلاعات در حال پیگیری تجربه ای هستند تا اعتبار اولویتی را که اطلاعات داخلی نیاز دارد، مطالعه نمایند و نیز قوت و تأثیر مطالعه ابتدایی FOCUS را بازبینی نمایند. به وظیفه باید چسبید، می دونی!

نظر صریح شما موجب کمال امتنان خواهد بود. آخرین موعد ارسال نظرات وزارت امور خارجه به اد.لیتل یازدهم اوت می باشد. چنانچه نظریاتی داشته باشی می توانی، یادداشتی برای من بفرستی یا تلگرافی خبر بدهی.

هنگامی که سفیر سولیوان در وزارت بود نامه پیوست را نشانش دادم. او فقره ای به لیست اولویتها افزود و موافقت کرد که به مطالعه ادامه دهیم.

ارادتمند کارول سی مور

اداره روابط اطلاعاتی

دایره اطلاعات و تحقیقات

مدیر اطلاعات مرکزیسری

کمیته منابع انسانی

دفتر رئیس

چارلز دبلیوناس

کاردار موقت سفارت

سفارت آمریکا تهران

آقای ناس عزیز

نزدیک به سه سال است که کمیته منابع انسانی برنامه بررسی FOCUS را هدایت نموده است؛ ارزیابی منابع انسانی که در پاسخ به نیازهای امنیت ملی، از مأموریتهای خارج که توسط آمریکا انتخاب می شود، گزارش می شود. شرکت همه جانبه وزارت امور خارجه و آژانسهای اطلاعاتی گوناگون که در تابلو اطلاعات ارائه شده، مغتنم است. درباره مأموریت در ایران بررسی FOCUSیک سال و نیم قبل انجام گرفت و نتایج آن توسط معاون مدیر اطلاعات مرکزی در ۲۶ ژانویه ۱۹۷۷ برای کاردار جک میکلوس فرستاده شد. لیست اولویت منافع اطلاعات ملی که از روند بررسی FOCUSاخذ شده بود به تاریخ ۱۷ می ۱۹۷۷ برای شما ارسال گردید.

بر پایه آزمایش، منشی کمیته منابع انسانی با همکاری آژانسهای اطلاعاتی و وزارت امور خارجه، در حال انجام برنامه تعقیبی FOCUSانتخابی در دنباله بررسیهای قبلی هستند. این برنامه های تعقیبی به منظور بررسی اعتبار اولویت نیازها (یا منافع) اطلاعات ملی می باشد و نیز بررسی قوت و تأثیر بررسی FOCUS اولیه بر مبنای گزارشات از کلیه عناصر مأموریت. با در نظر گرفتن منافع روزافزون ملی درباره گزارش از مأموریت شما و اهمیت آن برای سیاستگزاران واشنگتن، برنامه تعقیبی FOCUSدر ایران، برای

برنامه جدید یکی از کاندیداهای اولیه می باشد.

به عنوان جزء لایتجزای برنامه تعقیبی، تشکرات خود را در مورد دریافت نظرات شما و گروه را درباره گزارش برنامه جاری مأموریت و مفید بودن بررسی FOCUS قبلی اظهار می داریم. هرگونه پیشنهادی که معطوف به نیازها و ارشاد گزارش جاری باشد، برای ما مفید خواهد بود.

برنامه تعقیبی FOCUS با روشی نسبتاً غیر رسمی انجام شده و برای تکمیل به ۶ تا ۸ هفته نیاز دارد. به منظور سهولت، خلاصه کوتاهی از چهارچوب بررسی FOCUS را همراه با نسخه هایی از مکاتبات قبلی ضمیمه می نمایم. امیدوارم که در این راه ما را مساعدت نماید.

با احترام

سفیر ادوارد اس. لیتل

رئیس

ص: ۷۵۵

محرمانه

تهران ایراناول اوت ۱۹۷۸

خانم کارول سی. مور

اداره روابط اطلاعاتی

دایره اطلاعات و تحقیقات

وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی

کارول عزیز:

عطف به نامه ۲۸ ژوئن، در خصوص روند اعطای آزادیهای سیاسی شاه و آشوبهای سیاسی ناشی از آن در کشور پیشنهاد می کنم یک پاراگراف فرعی زیر پاراگراف داخلی، اما براساس زیر تهیه شود. «قدرت، ماهیت، برنامه ها و غیره، از عناصر مخالف و دامنه خطر آنها برای رژیم». والا، لیست هماهنگ بوده است.

ارادتمند

چارلز دبلیو. ناس کاردار موقت سفارت

خلاصه مذاکرات هیئت مسایل مملکتی

سند شماره (۳۹)

محرمانه

۲ اوت ۱۹۷۸ ۱۱ مرداد ۱۳۵۷

خلاصه مذاکرات هیئت مسایل مملکتی

کاردار به اعضای هیئت مسایل مملکتی اطلاع داد که شب گذشته یک بمب دستی از بالای دیوار کنسولگری در اصفهان به داخل پرتاب شد. این حادثه هیچ صدمه و یا خسارت جدی به بار نیاورد. ما گمان می کنیم که این یک اتفاق مجزا و منفرد بوده است نه یک حادثه ای که ارتباط به یک گروه متخصص تروریستی داشته باشد. آقای ناس همه را متوجه این موضوع کرد که احتیاط امنیتی لازم را به کار برند.

خبر مسرت بخش این است که دفتر سفیر تعدادی بلیط مسابقه میدان فرح آباد را دریافت داشته است و نماینده مسئول آنها را دریافت خواهد کرد. با توجه به اخبار سلامتی شاه، اخبار مصور او را در حال استراحت و آرامش، برنزه شده و سرحال نشان می دهد. اخیراً در تماسی که یکی از کارکنان با او داشته او را سالم تشخیص داده است.

آقای زیشک گزارشی داد که به نظر می رسد پیمان پیشنهادی فول برایت به دایره اول بازگردانده شود. کاردار گفت که او درخواست را مورد بررسی قرار داده و دیده است که احتیاجی به تهیه یک طرح جدید نیست زیرا توافق قبلی اساساً مورد رضایت ماست.

آقای وستلی گفت که معاون رئیس صادرکنندگان جهانی بیمه در جلسه اخیر بازرگانی ایران و آمریکا در کنسولگری لندن شرکت کرده و تحلیلی کوتاه از جلسه نموده است که اعضاء شرکت کننده آن را خیلی ثمربخش یافته اند.

آقای استمپل مقاله ای از روزنامه رستاخیز را که در آن دکتر امینی به خاطر اعلام بی موقع در مورد

فعالیت سیاسی انتقاد شده بود، خواند.

همچنین روزنامه های محلی خبر درخواست کمک سازمان ملل از ایران را، به منظور همکاری با نیروهای حافظ صلح در نامیبیا گزارش کرده بودند. هیئت مستشاران نظامی به ما در مورد احتمال تظاهرات فردا در مسجد اعظم تجریش آماده باش داد.

خانم ویلیام وودساید، کارمند کمیته قضایی سنا، در مورد مواد مخدر گزارش مختصری ارائه داد.او همچنین با آقای ددیچ ملاقات خواهد کرد. شوهر ایشان، که رئیس کمپانی آمریکایی کان می باشد، با آقای دیوید وستلی راجع به موقعیتهای بازرگانی صحبت خواهد کرد.

آقای توماس گزارش حادثه بمب در اصفهان را به DSI داد و آقای بانرمن برای تحقیق به محل حادثه در اصفهان رفت. کلنل فیلیپس سؤال کرد که آیا سفارت اعتراضی به انتشار یک توصیه نامه در مورد تظاهرات فردا که در رابطه با اول ماه رمضان است، دارد. به دنبال یک نظرخواهی از اعضاء هیئت مسایل مملکتی تصمیم گرفته شد که یک توصیه نامه محتاطانه در رابطه با آغاز ماه رمضان انتشار یابد.

آقای کارلتون گفت که وزیر انرژی اظهار تمایل نمود که بر طبق ماده ۶۶۱ بنگاه عمران بین المللی (AID) از وجود متخصصین انرژی خورشیدی ایالات متحده استفاده شود. کاردار گفت که بنگاه عمران بین المللی همیشه به دنبال پروژه های خوب برای کسب این درآمد است و معتقد است که انرژی خورشیدی، آمریکا را از یک موقعیت تجاری خوب در ایران برخوردار خواهد نمود.

کتاب دوازدهم (۲)

دخالتهای آمریکا در ایران (۳)

ص: ۷۶۰

مقدمه جلد ۲

بسم اللّه الرحمن الرحیم

هر چند اسنادی که از لانه جاسوسی بدست آمده، نسبت به کل فعالیت های شیطان بزرگ در ایران، بسیار ناچیز است، اما از همین مختصر نیز می توان به نقشه های شیطانی آمریکا پی برد.

کتاب حاضر که تحت عنوان «دخالت های آمریکا در ایران» منتشر می شود، حاوی اسنادی تحلیلی است که توسط ایادی شیطان بزرگ در فاصله زمانی تشکیل دولت نظامی تا پیروزی انقلاب کبیر اسلامی ایران تهیه شده است. این کتاب جلد دوم کتاب شماره ۱۲ لانه جاسوسی می باشد که همزمان با این کتاب منتشر می شود.

«دانشجویان مسلمان پیرو خط امام»

خلاصه مذاکرات مسایل مملکتی

سند شماره ۴۰

محرمانه

خلاصه مذاکرات مسایل مملکتی

نهم اوت ۱۹۷۸ ۱۸ مرداد ۱۳۵۷

کاردار جلسه را با خوش آمدگویی به هری برتن رئیس جدید آغاز نمود. سپس به اجلاسیه کمپ دیوید در ماه آینده پرداخت و گفت که تلاش های ما برای دعوت از یک فرد عالیرتبه به ایران به منظور توجیه کردن شاه در مورد این تحول آخر در جریان صلح خاورمیانه بی نتیجه مانده است.

کاردار از همه مشاورین و رؤسای بخش ها خواست تا با یادداشت هایی برای در جریان گذاشتن سفیر که قرار است در آخر ماه باز گردد تهیه کنند. این یادداشتها باید تا ۲۳ ۲۲ اوت به آقای بولیست تحویل

داده شود.

ژنرال هایزر معاون فرمانده نیروهای مستقر در اروپا و دریاسالار فولی معاون فرمانده ناوگان هفتم در آینده نزدیک از ایران دیدار خواهند کرد. آقای زیشک، ریچارد آیکر، کارمند تعلیمی جدید آژانس ارتباط بین المللی را معرفی نمود. پس از آن به وقایع شیراز درباره انجمن ایران و آمریکا پرداخت که در طی آن ۲۰۰ نفر مستقیما به طرف انجمن به راه افتاده بودند ولی توسط پلیس متفرق شدند. این اولین باری بود که انجمن ایران و آمریکا مورد هدف قرار گرفته بود در حالی که در دفعات پیش بر سر راه اهداف دیگر واقع شده بود.

ژنرال گاست، ژنرال جورج کرتز را که جانشین ژنرال مسکورد می باشد و در غیاب ژنرال گاست سرپرستی هیئت مستشاری نظامی را به عهده خواهد گرفت، معرفی نمود.

ژنرال گاست اخبار مربوط به هواپیماهای اف ۴ و ویلدویزل را گزارش داد. بنا به گزارش، ایرانیها دیگر علاقه چندی به اف ۴ ندارند (بنا به محدودیت در سیم کشی گروه الف) برای نیازهای فرسایشی هواپیماهای F ۱۶ که از تکنولوژی برتری برخوردارند را ترجیح می دهند.

درباره کشتی ها، دولت ایران تصمیم گرفته است که سیستم آمار تاکتیکی دریایی را خریداری کند که این موضوع نحوه برخورد آلمانی ها و هلندی ها را در جلسه تیم کشوری مورد بحث قرار داد. نتیجه این شد که آلمانی ها از شنیدن اخبار کمی خوشحالتر خواهند شد.

ژنرال ربیعی به ژنرال گاست اظهار داشت که ایران خواستار سیستم لیزری اتلیس ۲ نمی باشد، مگر اینکه آمریکا خود بخواهد از آن بهره برداری کند.

ژنرال گاست گفت که یک نسخه از مطالب مربوطه به هلیکوپترهای گشتی را روی میز آقای مارتین گذاشته است.

کاردار اعضای تیم کشوری را در مورد انتقاد از فروش تجهیزات نظامی آمریکا مطلع ساخت.

دکتر استمپل اخبار اجتماعی گوشه و کنار شهر و از جمله آخرین گزارش های سیاسی را از نظر گذراند؛ پس از آن به مشکلات اساسی بین رهبران مذهبی پرداخته و گفت که این فصل برای شایعه پراکنان فصل مناسبی نیست. وی گزارش داد که بعضی از ایرانیان عالی رتبه با ما تماس گرفته اند و پرسیده اند که آمریکا در نظر دارد چه اقداماتی برای یاری ایران در مبارزه با کمونیسم به عمل آورد و از اعضای تیم کشوری خواست که به انتظار برخورد با پرسش ها و سؤالات و کنکاش هایی از این قبیل باشند.

دکتر استمپل در ادامه گزارشات خود گفت که گروه خمینی بخصوص در برابر اقلیت ها به رفتار نسبتا

خشونت آمیزی دست زده اند.

آقای نیلی گزارش داد که احتمالاً ایران بیش از سال گذشته به وارد کردن غلات خواهد پرداخت.

دکتر آدلر گفت که توانسته است یک نسخه از موافقت نامه دوجانبه انرژی هسته ای به زبان فارسی را تهیه نماید و آن را با مسافری که عازم واشنگتن است به وزارتخانه خواهد فرستاد. منصور به دکتر آدلر گفته است که موافقت نامه در ۲۰ اوت امضا خواهد شد.

آقای تیلور تنظیم کار تحقیق بانکی محرمانه خود را خاتمه داده است. همراه با افزایش میزان ارائه (وام) تا حد ۶۴٪ در سال گذشته، بانک ها توقعات خود را در مورد وام به ایران بسیار افزایش می دادند.

بویس

سند شماره ۴۱

تهران: ۱۵ اوت ۱۹۷۸ ۲۴ مرداد ۱۳۵۷

جناب آقای امیرعباس هویدا

وزیر دربار شاهنشاهی تهران

عالیجناب:

من نامه ای برای اعلیحضرت شاهنشاه از پرزیدنت کارتر درباره ملاقات آینده در کمپ دیوید درباره جریانات صلح خاورمیانه دریافت داشته ام. من بسیار قدردانی خواهم کرد که اگر شما این نامه را به اعلیحضرت که آگاه است که قرار است پیامی از رئیس جمهور دریافت کند تقدیم دارید.

با تقدیم احترامات و سلام گرم شخصی

ارادتمند

چارلز. دبلیو. ناس

کاردار موقت

اعلیحضرت محمدرضا پهلوی آریامهر

شاهنشاه ایران

اعلیحضرتا:

در گذشته مکاتبات و گفتگوهای سودمندی که مورد علاقه دو کشورمان بوده است داشته ایم. اینجانب اطلاع دارم که شما نیاز به حل وفصل واقعی درگیری اعراب و اسرائیل را چقدر جدی می دانید، به همین جهت مایل هستم بعضی از مسایل را درباره جلسه ای در شرف وقوع کمپ دیوید مربوط به خاورمیانه را با شما در میان بگذارم.

از این که نخست وزیر بگین و رئیس جمهور سادات پاسخ مثبت به دعوت اینجانب به منظور ایجاد چارچوبی برای صلح در خاورمیانه را پذیرفته اند بسیار خوشحال هستم، برنامه از ۶ سپتامبر آغاز خواهد شد و مخصوصا محدودیت زمانی برای مذاکرات قائل نشده ایم تا بتوانیم در مدت زمان کافی تلاش هایمان را به ثمر برسانیم. این خود نشانگر جدیت طرفین در برخورد با این مسئله می باشد.

این دعوت به این دلیل به عمل آمد که من معتقدم که در تلاش برای صلحی در خاورمیانه ما به نقطه ای بحرانی رسیده ایم. از آن زمان که رئیس جمهور سادات و نخست وزیر بگین در طریق ملاقات های تاریخی خود در اورشلیم و اسماعیلیه امکانات جدیدی را برای مذاکره بوجود آوردند، ۹ ماه می گذرد. طرفین توانسته اند بر سر بعضی از مسایل مورد اختلاف به توافق برسند ولی همان طور که خود مطلع هستید در این اواخر به نوعی بن بست رسیده اند.

من مطمئن هستم که ما باید این مانع را از میان برداریم، زیرا در غیر این صورت مواضع سخت تر شده و جو حاکم آن قدر تغییر خواهد کرد که این فرصت نیز همانند فرصت های تاریخی از دست رفته بر سر این تضاد، از بین خواهد رفت.

اهداف کمپ دیوید همان هایی است که به وسیله طرفین در مذاکراتشان در طول همین سال مشخص شده است. یعنی رسیدن به یک چهارچوب براساس قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت که منجر به دست یافتن به یک صلح پایدار، عادلانه و همه جانبه بشود. یک چنین چهارچوبی خواه ناخواه دیگر طرفین تضاد را نیز

در مذاکرات صلح سهیم خواهد نمود.

تجربه ما در تلاش برای تسهیل و بالا بردن مذاکرات در سال گذشته نشان داده است که بدون درگیر شدن سران حکومتی و تبادل نظر آنها، مذاکرات را نمی توان از حد خاصی فراتر برد. به همین دلیل بود که از این دو رهبر برای ملاقات در کمپ دیوید دعوت به عمل آوردم. هدف ما این است که در سطح سیاسی به توافق هایی برسیم تا ایجادکننده رهنمودهایی برای مذاکره کنندگان بر سر موارد مهم باشد. من قصد دارم با تمام توان به رئیس جمهور سادات و نخست وزیر بگین در راه رسیدن به صلحی که خواست همه ما است یاری دهم.

چون درباره مذاکرات خاورمیانه وارد مرحله ای بحرانی شده ایم مایل بودم دلایل و افکار خود را درباره اقدامات و اهداف مورد نظرمان با شما در میان بگذارم. من اطمینان دارم که شما نیز با اهمیت این موضوع که گام بزرگی برخلاف مشکلات موجود است، از نقطه نظر من موافق هستید. امیدوارم شما نیز مسئله را درک کرده و از اینجانب در وظیفه ای که به عهده گرفته ام حمایت کامل بنمایید.

شما اخیرا با بعضی از افراد سهیم و ناظران برجسته در مذاکرات ملاقات کرده اید و اگر برداشت های خود را از این ملاقات ها با من در میان بگذارید بسیار سپاسگزار خواهم بود. حمایت ایران در راه رسیدن به صلح بسیار ارزشمند بوده است و ما امیدواریم که در راه رسیدن به یک صلح جهانی دائما باهم همکاری داشته باشیم.

با صمیمانه ترین آرزوها

ارادتمند

جیمی کارتر

خلاصه مذاکرات تیم کشوری

سند شماره ۴۲

محرمانه

خلاصه مذاکرات مسایل مملکتی

۱۶ اوت ۱۹۷۸ ۱۵ مرداد ۱۳۵۷

کاردار جلسه را با اعلام این موضوع که سفارت یک بولتن هشداردهنده مربوط به اوضاع امنیتی منتشر خواهد کرد، افتتاح نمود. دوران «سوگواری» یعنی ۲۷ ۲۴ اوت و ۳۱ اوت باید زمانی تلقی شود که در آن خوب است شخص در حرکات خود در شهر ساکت و نسبتا مراقب باشد. رؤسای بخش ها به کارمندان خود اطلاع خواهند داد.

کاردار گفت که تفنگداران به سختی توانسته اند از محل افسر کشیک مطلع گردند. وی بر مسئولیت جدی افسر کشیک در مورد اعلام موقعیت خودش در تمام اوقات برای تفنگداران تأکید نمود.

کاردار از ملاقات اخیر خود با شاه سخن به میان آورد که به مناسبت دیدار ژنرال هویزر انجام شد. شاه به شدت تأیید می کرد که جریان اعطای آزادی ادامه خواهد یافت با این وصف وی بر این امر نیز مصمم است که «خرابکاری های احمقانه» باید خاتمه یابند.

دکتر استمپل گزارشی درباره «دو مورد عجیب» تقدیم نمود. پس از ۶ یا ۷ شب خشونت مداوم در جنوب تهران به نظر می رسد که لحن شعارهای تظاهرکنندگان به سبک ضد غربی نزدیک می شوند. در یادداشتی در همین زمینه، بخش سیاسی به گزارش بعضی از محاکمات نظامی در تهران خواهد پرداخت.

آقای تایلور در مورد اختلاف مطبوعات محلی در گزارش تصویب لایحه کمک های خارجی اظهارنظر کرد.

بسته به نوع روزنامه ای که می خوانید ممکن است کارتر به باد ناسزا گرفته شود و یا آن را یک پیروزی

برای وی به حساب بیاورند.

آقای تایلور در ادامه تحلیل خود پیش بینی موازنه پرداخت های بانک مرکزی را که ۱۷٪ افزایش در پرداخت های واردات را نشان می دهد ارائه کرد، در طول یک مذاکره مختصر بر موقعیت قرارداد دوجانبه اتمی، کاردار از آقای کارلتون خواست که گزارشی پیرامون سرمقاله دیروز در مورد قرارداد استرالیایی ارائه دهد.

آقای اسنو طرح های جدید ساختمان انجمن ایران و آمریکا را دوباره از نظر گذراند. وی امیدوار است که بتواند قرارداد را امضا کرده، ساختمان را از سه هفته دیگر آغاز نماید.

بویس

ایران: ما کجا هستیم و به کجا می رویم

ص: ۷۶۵

سند شماره ۴۳

سری غیرقابل رؤیت برای خارجیان

تاریخ: ۱۷ اوت ۱۹۷۸ ۲۶ مرداد ۱۳۵۷

از: سفارت آمریکا در تهران

به: وزارت امورخارجه واشنگتن دی. سی

گزارشگر: استمپل

موضوع: ایران: ما کجا هستیم و به کجا می رویم

خلاصه: سخنان شاه در روز مشروطیت و برقرار کردن حکومت نظامی در اصفهان نشان می دهد که او عزمش بر جریان دادن آزادی ها قرار گرفته است ولی دولت ایران در مورد آنها خشونت را بر می انگیزند شدت عمل بیشتر به خرج خواهد داد. مسئله اصلی این است که تأثیر این بلوای الهام گرفته از دین به نظام سیاسی ایران و عکس العمل دولت چه خواهد بود. خشونت سیاسی به طور سنتی در ایران بوده است. شاه بر روی بند باریکی است، او سعی می کند در ضمن اینکه آشفتگی های سیاسی را به حیطه انتخابات هدایت کند، برخوردهای سیاسی را به حداقل برساند. این موفقیت تا اندازه قابل ملاحظه ای به ادامه اعمال خویشتن داری به وسیله ارتش و نیروهای امنیتی بستگی دارد. ما معتقدیم که باید به دقت عمل کند. اگر بخواهد آشفتگی ها کاهش یابد، شاید از جمله لازم باشد قدمهایی برای برآوردن تقاضاهای مخالفین برداشته شود، اما باتوجه به ماهیت مخالفین، شاه ممکن است عاقبت متوسل به زور شود. امید اصلی برای اجتناب از این چاره تغییر دادن شکل مواضع مخالفین میانه رو و بهبود حساسیت دولت و جریان رسیدن به فعالیت سیاسی بیشتر است. پایان خلاصه

۱ با برقراری حکومت نظامی در اصفهان و مستقر کردن واحدهای نظامی بیشتر در مناطق دیگر که

به طور نزدیکی به دنبال سخنرانی شاه در روز مشروطیت که در آن دوباره بر عزم خود بر اعطای آزادی سیاسی تأکید ورزیده بوده است، به نظر می رسد که زمان خوبی باشد برای اینکه ببینیم در کجا هستیم، و یک پیش بینی آزمایشی و نظری راجع به این مسئله بدهیم. این یک دوره اضطراب سیاسی قابل توجهی در ایران است که از نظر تئوری می توان نتایج متعددی از آن اخذ کرد. بسیاری از مفروضات گذشته نه تنها به وسیله مخالفان زبانی رژیم بلکه توسط خود شاه نیز مورد سؤال قرار گرفته اند.

۲ برای ما و اکثریت قاطع ناظران سیاسی اینجا واضح است که شاه در تمایلش به رهبری ایران به طرف نهادهای سیاسی آزادی یافته صادق است. سؤالاتی در مغز او در مورد اینکه دقیقا چه می خواهد و اینکه چگونه هدف وسیعش را بدست آورد، وجود دارد و یک سوءظن عمیق در مورد نیات او ما بین آنهایی که به مدت درازی مخالف وی بوده اند وجود دارد. روی هم رفته او هرگز در قبل متمایل نبوده است که بازی دموکراسی را انجام دهد، اما چرا حالا؟ ما معتقدیم که، جواب در اعتقاد واقعی خودش است که پسرش به طور موفقیت آمیز نمی تواند جانشین او شود مگر اینکه انتقال سیاسی ایران به نهادهای دموکراتیک تر قبل از به سلطنت رسیدن ولیعهد انجام شود. شاه بیش از سایر سلطنت های مدرن بر مشکل موفقیت تأکید می کند. او در مورد احتیاج به آماده کردن زمینه ای برای پسرش با سفیرکبیر، من و بیشتر خارجیانی که با آنها ملاقات می کند، صحبت کرده است. او مشکلاتش را در سالهای اولیه به خاطر آورد و رفته رفته به این نتیجه رسیده که باید برای طبقه متوسط در حال گسترش در جریان تحول سیاسی فضا

ایجاد شود. ولی این بدین مفهوم نیست که او آماده شده است که کشور را به آسانی به کسانی تحویل دهد که آنها را غیر میهن پرست، مخالف گسترش دانش و کسانی که بدون آشتی پذیری به سلطنت دشمنی دارند می داند تداوم سلطنت برای شاه بیش از یک تکبر ساده است. او می خواهد که سلسله پهلوی سیاست های او را احیا کرده و ادامه دهد. او عمیقا معتقد است که تاریخ ایران احتیاج به یک پادشاه برای رهبری کردن جامعه مجزا و نامتجانس را اثبات می کند. به هر حال او آماده است که یک جریان سیاسی را علی رغم شک خود نسبت به بعضی از شرکت کنندگان در آن آغاز کند.

۳ لکن بسیاری از رهبران جناح به اصطلاح لیبرال مخالف قلبا معتقدند که او باید خودش را فورا از حکومت کنار بکشد. بسیاری از افرادی که با آنها تماس می گیریم و شاه را هم ستایش و حمایت می کنند نیز روشن می سازند که حضور او در اکثر تصمیمات، وقتی که سیاست ها در عمل خوب کار نمی کنند، او را هدف مخالفین قرار داده است و می گویند که او باید سلطنت کند نه حکومت. اگر نگوییم اکثریت قاطع می توان گفت اکثریت عمده ای از مردم ایران به هر حال با شاه موافقند که سلطنت برای کشور لازم است ولی آنها مایلند که در اعمال آن جرح و تعدیل صورت پذیرد.

۴ آنهایی که با دوره مصدق آشنا هستند (۵۳ ۱۹۴۹) هیچ دلیلی نمی بینند که بسیاری از رهبران مخالف رنگ سلطه طلبانه خود را علی رغم صحبت های امروز درباره اصول قانون اساسی عوض کرده باشند. مخالفین مذهبی همان عنصر خشونت را که از قرن هشتم مشخصه طرز فکر شیعه نسبت به حکومت بوده را حفظ کرده اند. البته در رهبری مذهبی انواع رگه ها یافت می شود، از آنهایی که مطلوبشان حکومت تعدیل یافته قانون اساسی است تا آنهایی که طالب بازگشت به روزهای شاه عباس هستند همچنین یک توده اساسا هرج و مرج طلب نیز هست که در حال حاضر چه به صورت تشکیلاتی و چه ایدئولوژیکی بر صحنه ایران حکمفرما هستند خود را مصمم به خشونت و کارشکنی به عنوان ابزار کسب قدرت می دانند.

آیت اللّه خمینی مخصوصا برکناری خشونت آمیز شاه را خواستار شده و برخی از پیروانش در اصفهان و شیراز آشکارا صدای مرگ بر شاه سر می دهند (این تندروی بخشی از سبب هجوم پلیس به ملاهایی که اعتصاب غذا کرده بودند، می باشد). میانه روهایی مانند آیت اللّه شریعتمداری در این زمان خودشان را برای مخالفت آشکار با خمینی توانا نمی بینند. اگرچه به طوری که گزارش شده آنها هنوز برای میانه روی جنبش مذهبی تلاش می کنند و بدون شک از فرصت مشارکت در جریان انتخاباتی که ممکن است آنها را به طور کامل تابع خمینی که در خارج از کشور می ماند ننماید، استقبال می کنند. در اسلام هیچ سلسله مراتب سازمانی وجود ندارد. رهبر مذهبی مقام رفیع خود را به اتفاق آراء منطقه خود به دست می آورد و برخی از خشونت هایی که ما در اینجا شاهدش هستیم ناشی از رقابت شدید آیت اللّه ها جهت اقتدار است. ظاهرا در این دوره میانه روها پیروانی در میان کارگران، مغازه داران جزء، و صنعتگران ندارند، در ایران بحث متقابل جناح مخالف با سلطنت مرسوم نیست مفاهیم و سنت میانجی گری و آشتی جویی سیاسی با مزاج و سنت سازگار نیستند.

۵ شاه اینک باید برای انجام دادن هر کاری با مبارزه طلبی های خشونت آمیز مخالفین حکومت و بافت اجتماعی ایران رودررو مقابله نماید. اعمال حکومت نظامی در اینجا علامتی است به خشونت خواهان، که این نوع فعالیت تحمل نخواهد شد. با کمال تعجب باید گفت که این امر تاکنون برای ایران یک عکس العمل خویشتن دارانه بوده است. به ارتش دستور داده شده که شلیک خود را نگه دارد و

در عمل خویشتن داری در برابر استفاده نابهنگام پلیس از اسلحه ادامه دارد. آماده آتش و سرکوبی در مقابل استفاده از اسلحه برعلیه پلیس باشد. نکته در این است که این خویشتن داری قابل تقدیر معایبی نیز دارد: بسیاری از ایرانیان از طبقات متوسط و ثروتمند معتقدند که شاه با قدرت کافی عمل نمی کند و او ضعیف و نا مصمم است. بعضی معتقدند که آمریکاییها او را وادار به خویشتن داری می کنند زیرا نمی توانند تصور کنند که او برای نفع خود حاضر به این کار است. خطر فوری این است که خود شاه (یا واحدهای ارتش که حوصله شان سر برود) با کوری عکس العمل نشان بدهند و کوشش نمایند که مسئله را به جای ورقه رأی با گلوله حل کنند. احتمال ندارد نیروهای ارتش چنین کاری انجام دهند مگر اینکه مخالفین سنگها را به اسلحه گرم تبدیل کنند.

۶ بسیاری از ناظران در اینجا امیدوارند که پایان رمضان به نحوی جریان را خاتمه بخشد ولی ما هر چه بیشتر مردد می شویم. رهبران مذهبی، حتی میانه روها تازه مزه قدرت را می چشند. و فکر نمی کنیم که بخواهند فشار را کم کنند، مگر اینکه دست کم رضایت هایی بدست آورند. شاه در حال حاضر روی عصای شکسته تکیه دارد. او تقریبا می تواند با موفقیت تقریبا حتمی جنبش مذهبی را در حال حاضر با دستگیریهای دستجمعی و به کمک خونریزی زیاد فرو بنشاند. اما این عمل کار ساده ای نیست زیرا برخلاف سال ۱۹۶۳، فعالیت های ناراضیان در سطح کشور گسترده است و خرابکاریها معمولاً توسط تعدادی از گروهها در بخش های جداگانه، شهرهای کوچک و بزرگ اعمال می شود. اگر او این راه را انتخاب کند، نقض غرض وی در دادن آزادی ها خواهد بود و انتقادات خارجی مهمی را که نسبت به آنها حساس است به خود وارد خواهد کرد.

۷ حالا ما دریافتیم که شاه و افرادی که در اطرافش هستند این مقابله را دست کم گرفته بودند. ایران در کل یک کشور محافظه کار اسلامی باقی می ماند و همین که جریان اعطای آزادیهای سیاسی فضا را باز کند،

رهبران مذهبی محلی دوباره مراکز قدرت سیاسی می شوند. همان طوری که آنها در زمانی که در ۱۹۶۳ کودتا شد، بودند. (گزارش الف ۸۰ ما برخی از عوامل روانی، اقتصادی، اجتماعی را که منجر به احساس محرومیت ها در اینجا شده است را مورد بحث قرار داده) هم چنین از آن زمان ارتباطات در این کشور به طور وسیعی گسترش یافته و رهبران مختلف می توانند روزانه در تماس با یکدیگر باشند. نه روشنفکران و بوروکراتهای حزب رستاخیز که اعضای قدیمی جبهه ملی هستند و نه رهبران گروههای جدید، دارای نفوذ و قدرت سیاسی و عمیق نیستند. در صحنه سیاسی و اجتماعی فعلی دولت نمی تواند از برخورد با عناصر مذهبی اجتناب ورزد.

۸ تلاش های اولیه برای مذاکره با رهبران میانه روتر با چندان حرارتی تعقیب نشد و هدف ایجاد شکاف در رهبری مذهبی تاکنون فایده ای نبخشیده است. قسمتی از دلیل شکست این مسئله تهدیدات و دردسرآفرینی های میانه روها به وسیله متعصبین خمینی است که به خوبی سازمان یافته اند. همچنین چنان که قبلاً متذکر شدیم، هیچ آیت اللهی مایل نیست که با ملایم نمایاندن خود پیروانش را از دست بدهد. به علاوه دولت آموزگار (در نقطه مقابل شاه و دربار) در برخوردش با عناصر مذهبی که صرفا براساس قبول یا رد است خود را به طور اعجاب انگیزی فاقد کاردانی نشان داده است.

۹ اگر سنجش کلی ما معتبر باشد شاید باید به طور جدی راهی را برای معامله با به اصطلاح میانه روهای مذهبی (و برخی میانه روهای سیاسی) باز کند (این کار برای شاه به خاطر اظهار تنفری که

نسبت به روحانیون کرده است بسیار ناگوار است) ما در ابتدا باید تشخیص دهیم که در نهایت این امر غیرممکن باشد به خاطر اینکه تقاضاهای نهایی آنها (در مقابل آنچه که ممکن است به عنوان قسمتی از یک طریقه مستمر قبول کند) به معنای کنترل دولت در دست مذهبیون و تنزیل شاه به یک سلطان مشروطه است. شاه هرگز اولی (کنترل دولت توسط مذهبیون) را قبول نمی کند و دومی (سلطنت مشروطه) را در صورت واگذاری به پسرش می پذیرد. «لیست درخواست های» فعلی رهبران مذهبی روشن نیست ولی حدس می زنیم که تغییر نخست وزیر یا حداقل برخی از اعضای کابینه در صدر لیست قرار دارد. دولت به خاطر شورش های هشت ماه گذشته بسیار خشمگین شده است و به هیچ وجه حاضر به قبول جوابگویی به جماعت مذهبی نیست. حتی برخی از چهره های دستگاه اکنون به طور خصوصی به همین طریق صحبت می کنند. اقدام علیه افرادی که به طور گسترده ای تصور می رود به طریق نامشروع از جریانات اخیر ایران سوءاستفاده کرده اند عمل بعدی است. این عمل بسیار مشکلی است زیرا عموم مردم شاهد بوده اند که برنامه های مبارزه با فساد طرح شده و نتیجه ای عاید نشد و لذا یک تلاش جدید اعتباری نخواهد داشت، مگر اینکه افرادی که به شاه خیلی نزدیکترند حداقل در هر فعالیت دیده می شوند. اقدامات کم اهمیت تری نیز باید انجام گیرند: مسافرت بیشتری را برای حج اجازه دهند و هواپیمایی ملی ظرفیت فعلی را بهتر تقسیم کند. تبلیغات کمتری برای فیلم های سینمایی انجام دهند و از این قبیل امور.

۱۰ اعطای تداوم این طریق حداقل میانه روها را به جریان سیاسی می کشاند و به دولت ایران اجازه می دهد که تلاش های پلیس و دستگاه امنیتی خود را برعلیه تندروهایی که بدون شک از اعضای حزب منحله توده و سایر نیروهای خارج، کمک دریافت می کنند، جهت دهد. لکن باتوجه به بی شکلی زمانی مخالفین که در جهت سخت گیری تمایل داشته است تا مصالحه و با توجه به ماهیت زودگذر طغیان های عمومی در چند ماه گذشته حتی ممکن است این امر هم کافی نباشد. شاه ممکن است در موقعیتی مجبور

شود برای فرونشاندن و حفظ نظم به جای نرم خویی با قساوت یک طغیان فرونشاند. ما شکی نداریم که اگر چنین وضعی لازم باشد او چنین خواهد کرد. او با سیاست گروههای دمکراتیک مثل آنچه که ما در غرب راجع به آن می دانیم و بازی می کنیم برخورد نمی کند و او آگاه است که تذبذب و دودلی چه بلایی بر سر بوتو و ایوب خان در پاکستان آورد.

۱۱ برای آمریکا نیز این یک دوره حساسی است. چنانکه ما در گزارش های قبلی تذکر داده ایم، عملاً تمام ایرانیان معتقدند که دستهای خارجی در آنچه که اینجا اتفاق می افتد، دخالت دارند. هرچه که ما به عنوان یک دولت یا به عنوان افراد رسمی می گوییم یک نفر در اینجا آن را یا به عنوان حمایت از شاه یا مخالفت با او سوء تعبیر خواهد کرد. این تصور نفوذ (خارجی) در حقیقت به ما مقداری نفوذ می دهد در چند هفته آینده بعد از بازگشت سفیر ما در مورد نقشمان در اینجا مشاهدات بیشتری خواهیم داشت.

۱۲ چنانچه وزارتخانه مایل باشد به مراکز دیپلماتیک دیگر رسانده شود.

ناس

افزایش فشار مذهبی بر دولت

ص: ۷۶۹

سند شماره ۴۴

سری غیرقابل رؤیت برای خارجیان

شماره سند: ۷۸۹۰

تاریخ: ۱۷ اوت ۱۹۷۸ ۲۶/۵/۱۳۵۷

از: سفارت آمریکا در تهران

به: وزارت امورخارجه واشنگتن، دی. سی.

گزارشگر: استمپل

موضوع: افزایش فشار مذهبی بر دولت

خلاصه: سخنرانی و فعالیت های اجتماعی در تهران روبه افزایش است، عوامل مذهبی برای سه روز قتل حضرت علی (ع) در صدد تظاهرات بزرگی هستند، مذاکرات سری دولت ادامه داشته و رهبران مذهبی لزوم تغییرات را بررسی می کنند. پایان خلاصه.

۱ منبع ایرانی که شاهد عینی بوده ناآرامیهای جزئی متوالی را در جنوب تهران ظرف هفت تا ده روز گذشته گزارش داده است. آیت اللّه ها در مساجد بزرگ بیشتر بر ضد دولت و در بعضی موارد ضد خارجی و بخصوص ضد آمریکا شده اند. نتیجه اش تشکیل گروههای کوچک جوانان تازه بالغ تا بیست و چند ساله شده است که شیشه ها را شکسته و در خیابانها اغتشاش به راه می اندازند. بدین ترتیب خشونت های محدودی رایج گردیده است.

۲ اولین نشانه جدی حاکی از اینکه جمعیت های مساجد ممکن است حاضر به اجرای تظاهرات باشند به دنبال جلسه دعای اول شب در ۱۵ اوت پدیدار شد. جمعیت بزرگی از مسجد میدان شهناز با اخطار معمولی پلیس متفرق نشده و مقامات را واداشتند تا تخت جمشید و جاده قدیم شمیران (نزدیک

سفارت) آنها را دنبال کردند. دولت در آن روز واحدهای نظامی را در نقاط حساس برای احتیاط مستقر نمود.

تا آنجا که ما اطلاع داریم اتفاق بدی نیفتاده ولی پلیس همچنان در اطراف مساجد مستقر است تا پس از اجتماع برای نماز اصلی با سرعت کافی جمعیت متفرق گردد. بازار تهران در روز ۱۶ اوت بسته بود ولی وجود سربازان برای متفرق کردن مردمی که از مسجد بازار بیرون می آمدند لازم شد.

۳ منابع نزدیک به جامعه روحانیت ما می گویند که برای تظاهرات ۲۶ ۲۴ اوت تظاهرات گسترده ای برای مراسم سوگواری بسیار احساساتی امام علی طرح ریزی شده است. به قرار گفته یک منبع در بعضی مساجد جنوب تهران لیست هایی برای دعوت به تحصن در جاده شاهنشاهی توزیع شده است. به ما خبر داده اند که مسجد ارامنه(۱) در نزدیک بازار یک هفته بسته بود.

۴ مذاکرات ضمنی میان رهبران مذهبی و دولت در هفته های اخیر به سرعت افزایش یافته، آیت اللّه شریعتمداری به خبرگزاری فرانسه گفته که مردمش ضد کمونیسم بوده و شاه بایستی با مردم صحبت کند. شریعتمداری از عملکرد دولت در تظاهرات شیراز نیز با حکومت نظامی در اصفهان مخالفت ورزید. او به نیابت پیروانش قویا فعالیت های خشونت آمیز را مردود شمرد اما گفت دولت برای مردم بایستی بیشتر عمل کند.

۱- منظور از مسجد ارامنه به احتمال زیاد "کلیسا" می باشد. مترجم.

یک منبع معتبر به ما خبر داد که هویدا وزیر دربار از این مصاحبه خیلی عصبانی بود ولی یکی از ایرانیان عالیرتبه به او گفته بود که «هر چه باشد شریعتمداری کارمند تو نیست.»

۵ در جریان روزهای گذشته آیت اللّه خمینی پیامی برای شریعتمداری فرستاده که وی در مورد قانون اساسی و پارلمان صحبتی نکند چون او (خمینی) با تمام آنها مخالف است. منبعی که در مذاکرات دولتی مذهبی شرکت داشته به ما می گوید که شریعتمداری در پاسخ خمینی گفته «غلاف کن یا خفه شو» با این مقصود که اگر آن قدر قدرت دارد باید به تهران بیاید و رودررو با آیت اللّه هایی که در ایران زندگی می کنند صحبت کند. شریعتمداری یادآوری کرده که خمینی دور نشسته و از انتقاد از دولت عراق در زمان شدت عمل برعلیه تظاهرکنندگان نجف (دو سال پیش) امتناع کرده بود. شریعتمداری به مشاورین خود گفته که «آرزوی شاه شدن ندارد» ولی خواستار قانون اساسی و مجلس است. متعاقب این امر خمینی اعلامیه ای برای ارتش و پلیس ارسال داشته و خواسته تا آتش به روی برادران خود نگشوده و برعلیه دولت عمل کنند. به قولی این اولین باری است که پیام او گوش شنوا نداشته است.

۶ یک منبع بسیار حساس در مورد ملاقاتی بین رئیس ساواک مقدم و داماد شریعتمداری، عباسی در شب ۱۵ اوت، به ما خبر داد. مقدم پرسیده جامعه روحانیت خواستار چیست و عباسی مطالب زیر را گفته: (الف) دولت جدیدی تشکیل شود، کابینه فعلی جوابگوی مردم نیست و به خاطر کشتارهایی که از ژانویه صورت گرفته مورد اتهام است. (ب) دولت بعدی باید حداقل بعضی افراد مشکوک از نقطه نظر فساد مثل علی رضایی، منصور یاسینی و صاحبان صنایع بزرگ لاجوردی و فولادی را به محاکمه بخواند (ج) فعالیت های شاهدخت اشرف بر ضد جامعه روحانیت بوده و باید متوقف شود. فعالیت های مالی حداقل دو عضو خاندان سلطنتی، غلامرضا و محمودرضا، دست کم محدود شود، عباسی خورده جویانه به مقدم گفت دوست محمودرضا، مظفری جانداری باید از کار کشت تریاک دست بکشد. (د) مردم بایستی آزادی

بیان و عبادت داشته باشند. طرفداران شریعتمداری سخن شاه در روز مشروطیت را بسیار تأیید کردند، و مقدم بایستی این موضوع را به شاه اطلاع دهد و او گفت که همان شب با شاه ملاقات خواهد داشت.

۷ در نتیجه مذاکرات فوق، آیات شریعتمداری، گلپایگانی، مرعشی بیانیه ای صادر کردند که در عین حال که لحن ضد دولتی دارد مسلمان را دعوت به خودداری از برادرکشی و ناآرامی می کند. ما از بهترین منبع خود شنیده ام که گروههای مذهبی نخست وزیر احتمالی را که جانشین آموزگار خواهد شد بررسی کرده اند. رهبری روحانیت میانه رو معتقد به لزوم سیاستمدار ارشدی است که از اعتماد شاه و مردم برخوردار باشد. منبع ما فکر می کند نام دو نفر مطرح بوده، علی امینی و رئیس سنا شریف امامی، او از خود مشاورین شاه معینیان و فردوست را افزود.

شریف امامی بهترین کاندیدا است چون هم شدیدا مذهبی است و هم از حمایت محکم سیاسی برخوردار است.

۸ منابع مذهبی ما همگی بد بینند که اغتشاش بیشتری صورت نگیرد مگر تغییراتی صورت پذیرد. رهبری جناح تندروی مذهبی که از هر حادثه ای استفاده کرده و احساسات و جو را مخصوصا در تهران تحریک می نمایند می رود که تظاهرات بیشتری را قبول کند.

ناس

ص: ۷۷۱

سند شماره ۴۵

محرمانه

تاریخ: ۲۲ اوت ۱۹۷۸ ۳۱ مرداد ۱۳۵۷

از: جان دی استمپل، کفیل بخش سیاسی

به: سفیر

موضوع: موقعی که شما نبودید... اینجا واقعا درهم نریخت، اما ممکن است این طور به نظر رسیده باشد.

صحنه داخلی

ژوئیه و اوت شاهد افزایش فشار مذهبی بر دولت بودند (تهران ۷۸۹۰ و ۷۳۱۱). در نتیجه فاجعه آبادان ممکن است شکاف بارزی بین دسته خمینی و دسته شریعتمداری هویدا شده باشد. میانه روها آتش سوزی را تقبیح کردند و هنوز از طرفداران خمینی چیزی شنیده نشده است. در خلال دو سه هفته اخیر احساسات ضد غربی و ضد آمریکایی به طور چشمگیری بالا گرفته است.

نطق روز مشروطیت شاه (تهران ۷۴۵۶) به صورتی علنی ایران را دقیقا در مسیر اعطای آزادی ها قرار داد. همان طور که شاه در ۱۷ اوت اشاره کرد (تهران ۷۹۴۹)، اگر خشونت ادامه یابد، این امر ممکن است دچار تغییراتی شود، شایعات عدم سلامتی شاه (تهران ۷۰۴۳) باعث کشمکش های زیادی شد، اما الان ظاهرا مسکوت گذارده شده است.

اوایل تابستان تعدادی از سیاستمداران قدیمی تر مثل علی امینی شروع به بهره گیری از سیاست اعطای آزادیها نمودند و بیاناتی سیاسی ابراز نمودند. تعدادی از افراد که به دنبال کمک یا حمایت ما برای طرح های (صد البته) ضد کمونیست خود هستند اقدام به برقراری تماس با ما کردند.

تعویض کابینه در ماه ژوئیه تغییرات عمده ای را بوجود نیاورد (تهران ۶۹۷۵).

نخست وزیر یک سال از صدارت خود را تمام کرد. برآورد ما (تهران ۷۷۰۲) عنوان نمود که او محتاج مهارت سیاسی بیشتری است.

امور خارجی

ایرانیها از معاهده صلح چین ژاپن شادمان بودند و دیدار آتی صدر هوا احتمالاً اساسی ترین رویداد سیاسی سال خواهد بود.

ایران با تهدیدات بالقوه کمونیستی حساس بوده است انتقاد شدید به کاسترو (تهران ۷۱۸۷)؛ نگرانی درباره کودتای موریتانی ؛ تیراندازی به دو هلیکوپتر و فرود آوردن آنها توسط شوروی ها (تهران ۶۹۱۲) و از همه جدیدتر، ابراز نگرانی به ما در مورد «روسی کردن» افغانستان (تهران ۷۷۷۰)

حقوق بشر

ما در حال پیگیری قضیه ۳۸ زندانی که ادعا شده در دادگاه غیرنظامی محاکمه و آزاد شدند و سپس ساواک آنها را برای محاکمه نظامی بازداشت کرد هستیم.

عفو روز ۲۸ مرداد (روز بازگشت شاه در ۱۹۵۳) برابر ۱۹ اوت، آزادی ۶۲ زندانی ضدرژیم را نیز در میان ۷۱۱ نفر در پی داشت. هنوز هیچ اسمی به دست نیامده است.

رهبری جدید جامعه حقوقدانان همچنان فعال است و گروه وکلای مترقی به دفاع از تظاهرکنندگان ادامه می دهند، بعضی آزاد می شوند. بعضی نه.

چند روز آینده

شاید تعطیلات آخر هفته خیلی شلوغ باشد ۲۴ تا ۲۶ اوت اوج عزاداری ماه رمضان است. قبل از تراژدی سینمای آبادان تظاهرات بسیار و حتی شاید یک اعتصاب نشسته در بزرگراه شاهنشاهی انتظار می رفت.

آتش سوزی شاید سبب عکس العمل عمومی علیه خشونت بشود. همچنین اطلاع داریم که دولت ایران اخیرا تعدادی از ملاهای شورشی تر را دستگیر کرده است، بنابراین برخورد آینده شاید آنقدر بزرگ که انتظار می رفت نباشد. روز ۲۶ اوت که یادبود مرگ واقعی امام علی است، با در نظر گرفتن اینکه تظاهرات دو هفته گذشته مشخصا عاطفی و تعصب آمیز بوده اند، هنوز می تواند ۲۴ ساعت مسئله ساز باشد.

۲۲ اوت ۱۹۷۸ استمپل

جعفر عزیز

سند شماره ۴۶

تهران، ۲۳ اوت ۱۹۷۸ اول شهریور ۱۳۵۷

عالیجناب جعفر ندیم

معاون در امور اقتصاد و بین الملل

وزارت امور خارجه، تهران

جعفر عزیز:

در رابطه با گفتگویی که پیرامون کنفرانس جهانی مبارزه با نژادپرستی و تبعیض نژادی داشتیم، فکر

می کنیم بد نباشد بیانیه ای را که توسط کاخ سفید در هیجدهم اوت اعلام شده به نظر شما برسانم.

آن شب شما بیاناتی در این مورد اظهار داشتید که دلگرم کننده بود و بابت آنها ممنونم.

«این هفته نمایندگان بسیاری از کشورها در ژنو در کنفرانس جهانی مبارزه با نژادپرستی و تبعیض نژادی ملاقات خواهند نمود.»

تشکیل این کنفرانس در وسط دهه سازمان، برای اقدام به مبارزه علیه نژادپرستی و تبعیض نژادی صورت می پذیرد و ایالات متحده آغاز آن را قویا مورد حمایت خود قرار داد. اما آمریکا قادر به شرکت در این کنفرانس بالقوه پر اهمیت نیست، گرچه بر جلسات آن از نزدیک ناظر خواهیم بود، این عدم شرکت به خاطر این است که با جای دادن صهیونیزم به عنوان یکی از اشکال نژادپرستی، تعریف نژادپرستی برای مقاصد سیاسی تحریف گردیده است. مادامی که این دهه به تعریف آشکارا از صهیونیزم به معنای شکلی از نژادپرستی صحه می گذارد، ایالات متحده نمی تواند خود را با آن همراه بداند.

ولی ما امیدواریم که این کنفرانس به مقصود اصلی این دهه باز گردد تا ما نیز به تلاش بین المللی برای از بین بردن نژادپرستی بپیوندیم. ما برای رسیدن به این هدف تلاش خواهیم کرد، چون خطر نژادپرستی را شناخته و بیش از یک قرن است که در تلاش هستیم تا زخم های باقیمانده از نژادپرستی را درمان بخشیم.

می دانیم که به اهدافمان به طور کامل نرسیده ایم ولی هنوز عمیقا نسبت به این مسئله احساس مسئولیت

می کنیم و چه در داخل و چه در خارج، این هدف مشترك را در متن سایر تلاش های ناهماهنگ ادامه خواهیم داد.

«از همه ملت های جهان می خواهیم که به اهداف اصلی دهه سازمان ملل علیه نژادپرستی احترام گذارده و در مقابل هرگونه تلاشی که هدف آن را تحریف و نیروی اخلاقی آن را فرسایش دهد ایستادگی ورزند.»

با احترامات فائقه

ارادتمند چارلز دبلیوناس

مشاور وزیر مختار

خلاصه مذاکرات هیئت مسایل مملکتی

سند شماره ۴۷

محرمانه

خلاصه مذاکرات هیئت مسایل مملکتی

۲۳ اوت ۱۹۷۸ اول شهریور ۱۳۵۷

وزیرمختار جلسه را با معرفی اعضای جدید هیئت مسایل مملکتی به سفیر سولیوان شروع کرد. سفیر گفت که امروز و فردا صبح را به خواندن و درك مطالب خواهد پرداخت و از فردا بعدازظهر با رؤسای قسمت ها دیدار خواهد داشت.

سفیر دو توقف خود در واشنگتن را مرور کرد. او گفت اولین نوبت در ژوئن عمدتا حول لحن زبان به کار گرفته شده در پیمان دوجانبه هسته ای و (تهیه) مقدمات یک جلسه PRC متمرکز بود. دومین دیدار بیشتر در رابطه با حوادث ایران بود او گفت که نگرانی های زیادی در واشنگتن و کشورهای همسایه در

مورد حوادث اخبار اینجا وجود دارد.

در مرور پیمان دوجانبه هسته ای سفیر گزارش داد که کمیسیون تنظیم (امور) هسته ای بر سر آن به نسبت ۲ ۲ دچار اختلاف شد که باعث جلب مقداری از توجهات قبل از مطرح شدنش در برابر کنگره خواهد شد سفیر گفت که به عمارت کنگره در واشنگتن (Hill) رفته و با تعدادی از اعضای مقننه که در این رابطه موقعیت حساس دارند درباره پیمان صحبت کرد. جدا از اینکه انتظار می رود برای استفاده از این مساله به عنوان وسیله ایجاد تبلیغات سوء علیه ایران کوشش شود، هیچ مشکل واقعی پیش بینی نمی شود.

سفیر دیگر خبرهای واشنگتن را مرور کرد. با تذکر این نکته که کنگره برای یک دوره نیم بند پس از انتخابات باز می گردد. دانشجویان ایرانی در آمریکا نیز همچنان فعالند. در واشنگتن در مورد ثبات سیاسی جغرافیایی این منطقه، مخصوصا در تبع کودتای افغانستان نگرانی مشخصی وجود دارد.

وزیر مختار گزارشی از تغییرات وسیعی که توسط ایرانیان در متن فارسی پیمان هسته ای اعمال شده است ارائه داد. با تذکر اینکه دولت ایران امید دارد سند را تا ۱۰ سپتامبر امضا کند.

آقای شلنبرگر درباره سرازیر شدن مطبوعات غربی به ایران پس از فاجعه آبادان صحبت نمود. وی اعلام نموده شهردار بردلی ممکن است تهران بیاید و در برنامه انجمن ایران و آمریکا (IAS) در رابطه با شهرداریها شرکت کند.

ژنرال کرتز درباره فعالیت های ولیعهد در آمریکا گزارش داد. سفیر درباره تصمیم دولت ایران به خرید ۳۱ فروند F - ۴E سؤال کرد، با یادآوری اینکه امید دارد که آنها دچار توهماتی از قبیل اینکه نهایتا قادر

خواهند بود گروه A را بگنجانند هستند.

آقای وستلی گزارش از دیدار رئیس هیئت مدیره وستینگهاوس ارائه داد. سفیر گفت که با آقایان برگستن و سومولون که نگران قیمت نفت هستند جلسه ای طولانی داشته است. وی گفت بلومنتال ممکن است در اکتبر به ایران بیاید. سفیر همچنین به (معاون وزیر) کوپر پیشنهاد کرد که در اواخر امسال برای ریاست بر اجلاسیه دیگری از کمیسیون مشترک ایالات متحده و ایران، به ایران بیاید.

دکتر جان استمپل درباره برداشتهای خبری آتش سوزی اخیر سینمای آبادان گزارش داد. وی یادآور شد میانه روهایی که قبلاً مایل به انتقاد از آیت اللّه خمینی نبودند. مشغول استفاده از این فرصت برای انجام غیرمستقیم چنین کاری به صورت تقبیح آتش افروزی بودند. سفیر آن را «جسارت حقیقی خمینی» توصیف نمود.

دکتر استمپل اشاره نمود که در کیهان امروز اظهار سناتور نائینی که شاه کاملاً در جریان اوضاع قرار نمی گیرد مندرج است.

آقای میلز گزارش داد متصدی پزشکی منطقه از ۲۴ تا ۲۸ اوت در شهر خواهد بود. آنها که مایل به دیدار او هستند باید برای ترتیب قرار با واحد تندرستی تماس بگیرند.

درباره موضوع بنای ساختمان، سفیر گزارش داد آقای جینگلز ۳/۲ میلیون دلار لازم برای ساختمان اداره جدید را تأمین کرده است که در سال مالی ۱۹۸۰ قابل استفاده است. به دنبال مقداری بحث درباره استفاده از محل گالری های ایران در جنب خیابان ایرانشهر به عنوان مواضع فعالیت موقتی بحث شد.

آقای تیلور گزارش داد ارقامی که اینک برای حسابهای اقتصادی چهار ماه اول سال موجود می باشند کسری معادل ۳/۱ میلیارد دلار را نشان می دهند. با بودجه ۸ تا ۱۰ میلیون دلار پیش بینی شده برای تمام سال، چنین کسری تناسب ندارد.

در عین حال توازن حساب های پرداختی برای سه ماهه اول معتدل است اما علائمی از میل به سوی کسری (بودجه) نشان می دهد، اما یک کسری یک میلیارد دلاری در سال را انتظار داریم.

یک رهنمود بودجه برای فراهم کردن بودجه سال ۲۵۳۸ به وزارتخانه ها صادر شده است که حکایت می کند ممکن است امسال به موقع آماده گردد.

آقای اسنو گزارش داد، جدا از راهنمایی دانشجویان، انجمن ایران و آمریکا برنامه دیگری طی رمضان ندارد. مرکز پلیس اضافی برای خود نیاورده است، اما اگر لازم باشد تعداد بیشتری در دسترس هست.

آقای راینو آخرین اخبار مرکز بازرگانی را ارائه کرد. وی اعلام داشت که نمایشگاه بازرگانی در ۱۹ سپتامبر باز خواهد شد، با این امید که آمریکا بهترین ارائه را در تاریخ داشته باشد.

ص: ۷۷۵

سند شماره ۴۸

محرمانه

تهران ۶ سپتامبر ۱۹۷۸ ۱۵ شهریور ۱۳۵۷

اداری غیر رسمی(۱)

جناب دیوید مک گافی (ویکتور تامست مایکل مترینکو)

کنسول آمریکا

کنسولگری آمریکا

اصفهان، ایران (شیراز تبریز)

دیوید عزیز (ویک عزیز مایک عزیز):

در هفته های اخیر سفیر و من از چند مقام عالی رتبه تلویحا این اتهام را دریافت کردیم که آمریکا به نحوی در تظاهرات وارد شده است و از مخالفت ها حمایت می کند. سفیر اکیدا این اتهامات را رد کرد و پیشنهاد کرد که هر وقت لازم است، برای بازدید یا تجزیه و تحلیل هر مدرکی که آنها فکر می کنند بر نیرنگ آمریکا دلالت می کند، ملاقات داشته باشد. اگر لازم باشد شما هم باید محکم باشید.

در ماههای آینده ایرانیان از هر جنبه سیاسی در پی نشانه هایی از نظریات آمریکا در مورد مسایل داخلی خواهند بود و این موقعیت های دشوار و حساسی را برای ما بوجود خواهد آورد که می تواند به آسانی منجر به سوءتفاهماتی شود. بنابراین من مطمئن هستم که شما خیلی محتاط خواهید بود و نکات زیر را در هر جا که مقتضی باشد در بحث های خود اعلام خواهید کرد:

۱. روابط ایران و آمریکا عالی است و براساس علائق دو جانبه محکم و استواری پایه ریزی شده است.

۲. از زمان جنگ جهانی دوم، هم رئیس جمهوری های دمکرات و هم جمهوریخواه آمریکا برای ایران

اهمیت خاصی قائل شده اند، در دسامبر ۱۹۷۷ پرزیدنت کارتر: «قدرت ما، قدرت ایران است و قدرت ایران، قدرت ما است.»

۳. آرزوهای آمریکا این است که ایران از لحاظ اقتصادی و نظامی قوی باشد و ثبات سیاسی داشته باشد.

۴. آمریکا از «خط مشی دمکراتیک کردن» شاه که قصد دارد طی مدتی یک سیستم سیاسی دمکراتیک را توسعه دهد استقبال کرده است. ما به صداقت او در این عمل شک نداریم.

۵. پادشاهی یک نهاد بسیار مهم در ایران است و به نظر ما شاه مناسب ترین فرد برای رهبری مردم ایران به سوی سیستم دمکراتیک تر است.

۶. به طور قابل ملاحظه ای این نکته اهمیت دارد که چهره های سیاسی مسئول در داخل سیستمی کار می کنند که به موازات پیشرفت آن شاه و دولتش را در این تلاش یاری دهند.

۷. خشونت فقط علیه رسیدن به یک سیستم دمکراتیک مفید خواهد بود و بازیچه نیروهای چپ و راست افراطی خواهد شد که نمی خواهند ایران پیشرفت کند. عین این رونوشت را برای همکاران شما در سایر کنسولگریها خواهم نوشت.

با تقدیم احترام چارلز. دبلیو. ناس

کاردار

خلاصه مذاکرات هیئت مسایل مملکتی

۱– این نامه برای سه کنسولگری آمریکا در اصفهان و شیراز و تبریز فرستاده شده بود.

ص: ۷۷۶

سند شماره ۴۹

محرمانه

خلاصه مذاکرات هیئت مسایل مملکتی

۶ سپتامبر ۱۹۷۸ شهریور ۱۳۵۷

سفیر مذاکره را با بحث درباره تظاهرات بزرگ اما بدون خشونت روز ۵ سپتامبر در تهران شروع کرد.

وی گفت معلوم نیست که آیا طرح جدیدی با خصیصه آرام این تظاهرات پدیدار شده یا خیر؟ اما در هر حال یک تاکتیک دوجانبه است که احتمالاً به منظور سست کردن نیروهای امنیتی از اقدام قاطع در آینده است. سفیر در ملاقاتش با وزیر کشور نظرش را در مورد دورنمای آینده جویا خواهد شد. فردا روز بستن هفتم کشته شدگان تظاهرات قبلی است بازار تعطیل اعلام شده، مغازه ها نیز همین طور. آقای بنر من گفت به مغازه دارها گفته شده است که فردا باید تعطیل کنند. دکتر استمپل گفت که فردا روز آرامی خواهد بود که یک... عمومی واقعی تلقی نمی شود.

سفیر... گفتگو با کسانی که سعی دارند شاه را با راههای مسالمت آمیز.... کنند، ادامه دارد. یکی از این افراد که هوشنگ رام است، این شایعه را که روحانیون می خواهند هویدا را دستگیر کنند تأیید نمود. با اینکه هویدا خودش یک مسلمان مؤمن است، اما چون پدرش مرتبط به بهائیها بوده مورد سرزنش قرار می گیرد. همچنین شایعه دیگری که به شدت قوت گرفته این است که زاهدی که به ایران آمده جانشین هویدا خواهد شد.

سفیر گفت که شب گذشته با تعدادی از اسرائیلیان که با نگرانی اظهار می دارند که یهودیها گروه دومی هستند که بعد از بهائیها مورد حمله مسلمانان متعصب قرار خواهند گرفت، تماس گرفت. اما اسرائیلی ها فکر نمی کنند که این امر بر روی رابطه آینده ایران و اسرائیل تأثیر بگذارد. وی خواستار ارسال تلگرامی

شد که در آن تحلیل اسرائیلی ها در این مورد داده شود.

سفیر از استمپل خواسته است که از برنامه رفتن شاه به رومانی و آلمان شرقی یک تلگراف بفرستد. وی درخواست گزارشی از برلن را که ستاد حزب توده می باشد، نموده است.

سفیر گفت کنفرانس بین المللی زنان در تهران خواهد بود. وی تقاضا کرد که یک تلگراف برای پشتیبانی امور زنان فرستاده شود. اکنون که وزارت امور زنان از بین رفته است لازم است شخصی با خانم افخمی تماس بگیرد. شاید خانم لوری تریس بتواند این مأموریت را پس از ورودش انجام دهد.

سولیوان از وستلی تقاضا کرد که توسط آقای بش، سازمان سیا در مورد پروژه تولید نفت در ایران به بررسی بپردازد. این بررسی یک افت شدید را در تولید پیش بینی می کند.

سفیر از سرهنگ فاین هوت خواست تا در مورد کیف گمشده و شرکت سلطنتی ماشین ایران تحقیق کند.

سفیر اعلام کرد که سفیر آمریکا در پاکستان از تهران دیدن خواهد کرد. آقای شلنبرگر گفتگوهایش را با مفسر رادیو تلویزیون ایران بازگو کرد، وی گفته بود که برنامه های بین المللی تلویزیون کمتر از برنامه های فارسی خواهد بود. مفسر تلویزیون همچنین گفت که روابط بین کارمندان بخش فارسی و بین المللی خوب نیست. آقای شلنبرگر گفت که با کسی که در آبادان بوده است صحبت کرده و او گفته است که در مقایسه با تهران، تدابیر امنیتی آنجا خیلی شدیدتر می باشند. وی همچنین گفت که شایعاتی مبنی بر

اینکه دستورالعمل تخلیه افراد را صادر کرده، وجود دارد. سفیر اشاره کرد که فقط نصف جمعیت آبادان عرب است و این می تواند در موارد امنیتی تأثیر گذاشته باشد.

آقای شلنبرگر گفت که انتظار دارد امروز لیست ۱۶ رئیس دانشگاه را دریافت دارد. همه آنها دفعه اولشان نیست که چنین شغلی می گیرند.

سرهنگ فاین هاوت گفت که امروز روز LOA است ولی فقط چهار مورد صادر شد. سفیر گفت که این به خاطر مشکلات بودجه بوده است.

سرهنگ فاین هاوت گزارش داد که یک پادگان پلیس ایرانی که در مسایل مربوط به حمل و نقل تحت نظر او شریک بود، امروز مورد حمله واقع شد و یک محافظه کشته شد. یک ماشین سیتروئن را هم آنجا گذاشتند تا منفجر شود ولی این اتفاق نیفتاد. این اتفاق در ساعت پنج و نیم بامداد بود.

آقای وستلی اظهار داشت که «گلن واتس» از اتحادیه کارگری آمریکا به تهران خواهد آمد. او ترتیب سفرش را خودش داده است و سفیر از آقای وستلی خواست که رزرو هتل او را تأیید نماید.

آقای وستلی گفت که با رئیس پخش پپسی صحبت کرده و او افشاء کرد که چهار سال پیش مبلغی به شریعتمداری داده شده بود تا فروش پپسی را افزایش دهد. آقای وستلی گفت که اتاق بازرگانی آمریکا از سفیر دعوت کرده تا در مجلس ناهاری در ماه نوامبر شرکت کند.

سفیر در کل پذیرفت مسئله مورد بحث این بود که آیا بلومنتال می تواند برای اتاق بازرگانی سخنرانی نماید یا نه. او باید صبح این کار را انجام دهد چون برنامه اش خیلی فشرده است.

دکتر استمپل گزارش داد که نماینده مجلس «نژاد» فرد شماره ۲ سازمان کارگران اعلام کرده که می خواهد عضو جبهه مخالفین شود. دکتر استمپل گفت که دانشگاه آریامهر امسال باز خواهد ماند. او گزارش داد که ۱۳۴ استاد دانشگاه تهران تا استخدام افرادی که مجبور به بازنشستگی شده اند حاضر به

تدریس نخواهند شد. او در مورد یک راهپیمایی آرام در مسجد ژاله صحبت کرد. راهپیمایان به نیروهای امنیتی پول می دهند و می گویند که حقوق آنها برای این کار کم است.

آقای نیلی گفت که وضع زراعت شمال خوب است و جاده جنوب کوهستان به مشهد خیلی خراب است و برای مسافرت باید راه دیگری انتخاب کرد.

سفیر پرسید که آیا دلیل خاصی وجود دارد که در ایلام این قدر دردسر وجود دارد؟ آقای گرین گفت که با توجه به مقاله روزنامه ارتش ایران از مسلسل های آمریکایی استفاده نمی کند. البته ژاندارمری از تفنگهای ام یک که خیلی قبل دریافت کرده بود استفاده می کند.

آقای بورتن گفت «منیری» از ایران خارج شده، او می خواهد که رئیس بعدی شرکت هواپیمایی ایران باشد ولی کسی از او حمایت نمی کند.

آقای ددیچ گزارش داد که چندین قاچاقچی آسیایی در آمستردام دستگیر شده اند. شواهد نشان می دهد که ارتباطی میان قاچاقچیان آسیایی و ایرانی وجود دارد. دیروز دو تن حشیش در نزدیکی ماکو بدست آمد که برای اروپا فرستاده شده بود. هیچ شواهدی مبنی براینکه افغانستان کار قاچاق نمی کند نداریم.

آقای آدلر گزارش داد که یک منبع غیردولتی ایران گفته که ایران قدرت هسته ای را ارزیابی می کند. بنا به گفته این منبع هیچ واحد اضافی علاوه بر ۹۰۰۰ مگاوات فعلی خریداری نخواهد شد. این اولین نشانه

حرکت تندی است در جهت تقلیل. سفیر گفت که شنیده است که فرانسه می خواهد تلافی محدودیت در پاکستان را در ایران در بیاورد. سرهنگ شیفر گفت که هلیکوپتر پلیس که احتمالاً متعلق به نیروی هوایی بوده، سقوط کرده و خلبان آن در دم کشته شده است.

آقای بانرمن وضع امنیتی فردا را تشریح کرد. ما فکر می کنیم مغازه های تمام شهر تعطیل باشند و تظاهرات آرامی صورت می گیرد. او اعلام کرد برای آنکه سیاست یکنواختی در پیش بگیریم هر امر برنامه ریزی شده مطابق برنامه اش صورت پذیرد. برنامه های سفارت به روال عادی پیش روند. سفیر ایان را پذیرفت و افزود که از طریق دیگر توصیه هم نخواهد کرد که یک برنامه گردش در بازار از طرف باشگاه بانوان انجام شود.

آقای اسنو گفت که انجمن ایران و آمریکا ثبت نام معمولی برای کلاس های انگلیسی میان ۸ تا ۱۲ را برای فردا در برنامه دارد. وی گزارش داد که نیروی پلیس در خیابان وزرا دو برابر شد اما به نظر می آید که افراد پلیس چندان متراکم نیستند. آقای بانرمن گفت همین طور است اما بعد از ماه رمضان یک نیروی فعال پلیس ذخیره به کار خواهد افتاد.

آقای اسنو تذکر داد که یک سخنرانی راجع به باستانشناسی برای فردا شب تدارک دیده شده است. این برنامه طبق قرار قبلی انجام خواهد شد.

ص: ۷۷۹

سند شماره ۵۰

محرمانه

یادداشت برای پرونده ها

از: کفیل بخش سیاسی، جان دی استمپل

تاریخ: ۷ سپتامبر ۱۹۷۸ ۱۶ شهریور ۱۳۵۷

بعدازظهر سوم سپتامبر من از طرف معاون مخصوص نخست وزیر، داریوش بایندر، برای مهمانی کوکتل به کلوپ وزارتخانه دعوت شدم. بایندر می خواست با من درباره حوادث اخیر در ایران و نظرات من درباره آنها صحبت کند.

من تذکر دادم که آمریکا با علاقه و تأیید، کوشش های شاه و نخست وزیر را برای دمکراتیک کردن سیستم سیاسی و فرونشاندن خشم رهبران مذهبی، مورد توجه قرار می دهد.

در رابطه با یک سؤال از طرف بایندر، من دوباره تأیید کردم که ایالات متحده احساس می کند که پادشاهی یک نهاد مهم در ایران است و در جریان اعطای آزادی ها شاه بر چهره ای اساسی است. در پایان من اظهار امیدواری کردم که هیئت های مسئول سیاسی تمام نواحی، در این سیستم کار کنند.

ما درباره خط سرسخت مخالف که نسبت به امتیازات حکومت در قلمرو سیاسی اتخاذ شده، بحث کردیم. بایندر تأیید کرد که دولت قصد دارد همچنان به طور قابل ملاحظه ای دمکراتیک کردن جو سیاسی را ادامه دهد. او گفت به هر حال نخست وزیر و دیگران از اینکه هیچ حس سازشی در میان مخالفین وجود ندارد نگران بودند و اینکه دستجات مذهبی و دیگران احساس می کنند که نبض (جریان) حکومت را در دست دارند و آن را برای اخذ اختیار یا تقاضای تغییراتی که غیرممکن می باشد در فشار می گذارند، ناراحت هستند. او اضافه کرد که امکان دارد که خشونت ادامه یابد و این امر دو سؤال اساسی بوجود

می آورد، (۱) اگر موقعیت خطر پیش بیاید چه اتفاقی می افتد؟ و نظر دولت آمریکا به برقراری دوباره نظم به وسیله زور چه خواهد بود؟ (۲) آیا در ایران دمکراسی مفید خواهد بود؟ آیا به اندازه کافی رهبران مناسب و چهره های سیاسی متجدد وجود دارند تا از سیر قهقرایی حکومت کشور به طرف مذهبیون مرتجع جلوگیری کنند؟

باتوجه به نظرات آمریکا نسبت به حفظ نظم عمومی، من خاطر نشان کردم که به اصطلاح تأکید آمریکا بر حقوق بشر، برعکس نظرات بسیاری به جای نظم عمومی از هرج ومرج حمایت نکرده بود. به عنوان نظر شخصی فکر می کنم که دولت ایالات متحده با تلاش هایی که نظم عمومی را برقرار سازد و آن نظم عمومی در زمینه سیستمی باشد که فرصت های کافی برای دخالت در امور سیاسی عرضه کند، همدردی می نماید. سفارت متوجه است که نخست وزیر در عمل از روی یک موقعیت مشکل سرپوش را برداشته است. ما امیدوار بودیم که حکومت به خاطر حفظ نظم، آنچه را که برای محدود کردن نیروی کنترل نشده لازم است، انجام خواهد داد. هر قدر وضعیت سیاسی برای اعمال زور مناسب تر باشد، دوستان ایران در اروپا و آمریکا از آن راحت تر دفاع می کنند.

باتوجه به این سؤال که آیا ایران می تواند دمکراسی را حفظ کند، من پاسخ دادم به نظر می رسد که خود ایرانیان باید به این سؤال پاسخ بدهند، بایندر پاسخ داد به رهبری بیشتری احتیاج می باشد و عقیده شخصیش را بیان کرد که حکومت باید بیشتر کار کند. حامیان حکومت باید خودشان را بیشتر سازمان

دهند. او با تردید بیان کرد که نخست وزیر خودش مایل بود که این کار را انجام دهد و نسبت به گروههایی که تاکنون در امور سیاست وارد شده اند خوشبین نبود.

در پایان برای یک نتیجه موفقیت آمیز در مرحله دادن آزادی های سیاسی اظهار امیدواری کردیم.

بایندر که یک مقام حرفه ای خدمات خارجی است، گفت که از او خواسته شده به عنوان کارمند نخست وزیری باقی بماند که البته این کار را خواهد کرد. به هر حال او شخصا امیدوار است ظرف دو تا سه ماه به امورخارجه برگردد. زیرا «ده ماه طول می کشد تا نخست وزیری پرورش یابد و این سومین شغل من خواهد بود!»

اظهار نظر: من باور نمی کنم بایندر مخصوصا توسط رئیسش، به خاطر سؤال کردن از عکس العمل آمریکا برای تأیید اقدامات علیه هرج و مرج راهنمایی شده باشد. اما شک ندارم که پاسخ اساسی من به سؤالات بایندر به مقامات بالا در ادارات نخست وزیری خواهد رسید.

جان. دی. استمپل

نقطه نظرهای آمریکا نسبت به دولت ایران

سند شماره ۵۱

استفاده محدود اداری

تاریخ: ۷ سپتامبر ۱۹۷۸ ۱۶/۶/۵۷

از: مأمور سفارت جان استمپل

به: تمام مقامات بلندپایه

موضوع: نقطه نظرهای آمریکا نسبت به دولت ایران

در ملاقاتی که در سوم سپتامبر با شرکت مقامات بلندپایه انجام گرفت، سفیر در زمینه لزوم روشن نمودن موضع دولت آمریکا در قبال تغییراتی که در حال حاضر در ایران به چشم می خورد صحبت کرد. در آن صحبت سفیر مطالب زیر را پذیرفته که شما در موقع تماس با مقامات ایرانی از آنها استفاده کنید.

روابط ایران و آمریکا بسیار عالی و پایدار است و بر روی منافع پایدار متقابل استوار می باشد. ایران از زمان جنگ جهانی دوم به این طرف چه در موقع رئیس جمهورهای دمکرات و چه در موقع رئیس جمهوریخواه از اهمیت خاصی برای آمریکا برخوردار بوده است و در دسامبر ۱۹۷۷ آقای کارتر گفت «قدرت ما قدرت ایران است و قدرت ایران قدرت ماست.»

دولت آمریکا آرزومند است که ایران از لحاظ اقتصادی و نظامی قوی و از لحاظ سیاسی با ثبات باشد.

آمریکا از سیاست آزادیخواهانه شاه که به ایجاد یک سیستم سیاسی دموکراتیک کمک خواهد کرد استقبال کرده است. و ما هیچ شکی نسبت به حسن نیت ایشان در این مراحل نداریم.

حکومت پادشاهی یکی از مهم ترین و عمیق ترین نهادهای ایران می باشد و شاه در نظر ما مناسب ترین فرد برای رهبری ملت ایران به سوی یک سیستم دموکراتیک است.

خیلی اهمیت دارد که چهره های مسئول سیاسی در ضمن آنکه سیستم توسعه پیدا می کند در محدوده آن

کار کنند تا به شاه و دولتش در این جهت کمک کنند.

خشونت فقط علیه دستیابی به یک سیستم دموکراتیک نتیجه خواهد داد و به نفع گروههای افراطی راست و چپ که نمی خواهند ایران شکوفایی پیدا کند، می باشد.

اوضاع ایران

ص: ۷۸۲

سند شماره ۵۲

محرمانه

شماره سند: ۸۶۱۴

تاریخ: ۱۰ سپتامبر ۱۹۷۸ ۱۹/۶/۵۷

از: سفارت آمریکا در تهران

به: وزارت امورخارجه واشنگتن دی. سی. مهم

گزارشگر: سولیوان

موضوع: اوضاع ایران

۱ در خلال سه روز گذشته با اشرف وزیر امورخارجه و نهاوندی وزیر علوم (رهبر بزرگترین گروه در دولت فعلی) و تعدادی افسران ارشد ارتش ملاقات کردم و در حدود بیش از یک ساعت به حضور شاه رسیدم. ممکن است دانستن بعضی از نکات این مذاکرات برای وزارت خانه و مخاطبین رونوشت مفید باشد.

۲ در ۸ سپتامبر مدت کوتاهی بعد از اعلام خبر حکومت نظامی با وزیر امورخارجه ملاقات کردم، در این ملاقات او بیشتر در مورد معرفی و توجیه حکومت نظامی صحبت کرد. چون ملاقات به درخواست او بود او خودش مرا آماده کرده بود و نسخه هایی از اعلامیه های مخالفین و لیست شعارهایی که در راهپیمایی ۷ سپتامبر نوشته شده بود آماده کرده بود و توجهاتی هم برای اعمال دولت داشت. او حاضر نبود قبول کند که کوتاهی هایی نیز از جانب شاه و دولت بوده و تأکید داشت که شلوغی ها از خارج هدایت می شوند او به مرگ افرادی که در زدوخوردهای صبح صورت گرفته بود اهمیتی نداد و اصرار داشت که بیش از ۱۰ نفر کشته نشده اند (او بعد به من در منزل تلفن کرد و گفت در حدود ۱۰۰ نفر بودند) او به نظر

رسید که مشتاق عکس العمل رسمی دولت آمریکا نسبت به وقایع بود و پرسید که آیا در مورد قدم های بعدی که ایران می توانست اتخاذ کند نظریات مرا جویا شد.

۳ وزیر علوم نهاوندی، برعکس نگرانی زیادی در مورد عواقب حکومت نظامی اظهار داشت، طی ملاقات ۹ سپتامبر (که به درخواست من بود) او دائما گزارشات تلفنی مبنی بر شلوغی در قسمت های مختلف شهر دریافت می کرد. او گفت جلسه کابینه در شب ۷ سپتامبر که در آن تصمیم حکومت نظامی گرفته شد جلسه احساساتی بوده و به خاطر اصرار ارتشیان تشیکل شده بود او گفت خودش و گروهش حاضر نشدند این فرضیه را که خارجیان باعث تمام ناآرامی های اخیر شده اند را بپذیرند و پیشنهاد اصلاحات عمیق کرده بود، (پاکسازی کامل) او مسلما معتقد است که نظریاتش به طور کافی پذیرفته نشده اند و اطلاعیه عمومی داده است مبنی براینکه اصلاحات باید در پی حکومت نظامی می باشند.

۴ سپس او یک نظریه ای داد، گفت که دولت آمریکا می تواند نقش اساسی در وضع فعلی داشته باشد. شاید اما بیشتر از دولت می توانستیم بر شاه تأثیر بگذاریم ما باید کاری کنیم که از این نفوذ استفاده شود.

«سریع»

۵ در صحبتی که با افسران ارشد ارتش داشتیم ظاهرا رضایت زیادی با اعلام حکومت نظامی ابراز می کردند. آنها مانند وزیر امورخارجه توضیحاتی طولانی در مورد مقاصد شوم تظاهرکنندگان و خطری که برای کشور دارند می دادند. در طول صحبت هایی که داشتیم ناراحتی زیادی در مورد آینده ابراز

می داشتند. آنها انتظار تروریسم، خرابکاری و اعتصاب های صنعتی را دارند، خیلی مشهود بود که آنان از اندازه و تشکیلات تظاهرکنندگان به شگفت آمده بودند، مخصوصا ۷ سپتامبر.

۶ در مورد شاه که من در ۱۰ سپتامبر او را ملاقات کردم، او خسته و ناراحت بود ولی روحیه بهتری از هفته گذشته داشت، او در مقایسه با وزیر امورخارجه حساسیت بیشتری نسبت به مرگ افراد نشان می داد. او اصرار دارد که بگوید دست شوروی را در تمام تظاهرات و شلوغی ها می بیند در همان حال او می گوید که اشتباهات گذشته باید تصحیح شوند و این به زودی اعلام خواهد شد. به روستاها کمک بیشتری خواهد شد. برنامه آزادیها ادامه خواهد شد. لایحه آزادی اجتماعات و مطبوعات به مجلس داده خواهد شد و انتخاباتی به عنوان انتخابات آزاد در ماه ژوئن برگزار خواهد شد.

۷ او خواهان ابراز حمایت آمریکا برای خودش، رژیم حاکم و طرح هایش می باشد، او طرح های جامع تری از قبل دارد و کاملاً نوع نظری مبنی بر کنار رفتن و فرار کردن را رد می کند، از طرف دیگر مشکلات رودررو را کم نمی بیند و می داند که حکومت نظامی ممکن است فعالیت مخالفین را زیرزمینی کند و آنها را به تروریسم و خرابکاری وادار کند. او نگران است از اینکه ممکن است موجی از اعتصابات صنعتی آغاز شوند و قبول دارد که حکومت نظامی ممکن است از نظر بین المللی برای خیلی ها اهانت آمیز باشد منجمله آمریکا.

۸ بینش کلی که از این چند ملاقات بدست آوردم این است که وقایع اخیر منجر به خراب شدن تشکیلات ایران شده اند. هنوز عنصر قوی نه تنها در ارتش بلکه در کابینه هم وجود دارد که خواستار عکس العمل خشن برای سرکوبی مخالفین می باشد. در همان حال گروه قابل توجهی در رهبری وجود دارد که معتقد است اعمال سرکوبگرانه مؤثر نیستند و نیز معتقد است وقت انجام اعمالی که پاسخگوی ناراحتی های سطحی باشند گذشته است. شاه در هفته های گذشته نقش هاملت را بازی کرده و نفوذ

خودش را در هیچ جهت تحمیل نکرده. امروز او ظاهرا مقداری از اعتماد خودش را بازیافته و کنترل اعمال دولت را بدست آورده. او متقاعد شده که با کسانی که خواستار اصلاحات هستند کنار بیاید و ما می توانیم از شاه انتظار داشته باشیم که آن تغییرات را انجام دهد.

۹ هنوز خیلی زود است که بتوانیم تخمین بزنیم که آیا او می تواند آنچه را می خواهد بگوید انجام دهد در حالی که سوار زینی است که بر جمعیتی عصبانی از حکومت نظامی است.

سولیوان

امنیت آمریکاییان ساکن در جنوب تهران

ص: ۷۸۴

سند شماره ۵۳

محرمانه

یادداشت

تاریخ: ۱۲ سپتامبر ۱۹۷۸ ۲۱ شهریور ۱۳۵۷

از: ویکتور. ال. تامست شیراز

به: وزیر مختار، آقای ناس

موضوع: امنیت آمریکاییان ساکن در جنوب تهران

قبل از اول سپتامبر کنسولگری در بحث هایش با اعضای جامعه آمریکایی مقیم جنوب ایران، هم با افراد وهم با گروهها، بر این نظر بود که هر چند رشته ناآرامی داخلی در اینجا یک کشش نهفته ضد خارجی داشته است، اما به سوی خارجیان به طور کل و آمریکاییان بخصوص جهت داده نشده است. در چنین شرایطی ما توصیه کردیم مادامی که آمریکاییان از حوادث و اتفاقات مربوطه که ممکن است در آنها ایشان را به طور اتفاقی یا به عنوان طعمه ای بادآورده دستگیر کنند، دوری جویند. احتمال ندارد که خطری جدی آنها را تهدید کند. گفتگوهای اخیر اعضای کنسولگری و همسرانشان در شیراز، اهواز، خرمشهر و آبادان با ایرانیانی که از مقاطع مختلف (جامعه) بودند، دلالت بر عوض شدن عقیده آنها می کند که ممکن است تشخیص پیشین ما را از اعتبار بیندازد.

در هنگامی که دیدگاهها متفاوت هستند، ظهور سریع احساسات ضد آمریکایی تقریبا در تمام موارد روزهای اخیر را می توان ناشی از گسترش نارضایتی از رژیم، ادامه کم قدرتی مخالفان در ایجاد تغییرات اساسی اوضاع (باتوجه به اینکه اکثریت قاطع، تعیین دولت شریف امامی را چیزی بیش از یک تغییر سطحی نمی بیند) و یک عقیده مشترک گسترده که ایالات متحده توانایی برای بنابراین یک فرد می تواند

هم به خاطر ناآرامی (اجرای سیاست حقوق بشر) و هم به خاطر توانایی رژیم برای ماندن بر سر قدرت (حمایت و فروش های تجهیزات نظامی)، ما را سرزنش کند.

تظاهر احساسات ضد آمریکایی (صرفنظر از شعارها و پوسترهای «آمریکایی برو خانه ات» که قبل از وضع حکومت نظامی بوجود آمده) برای بسیاری این فرم را گرفته است که «ما غرض خاصی نسبت به شما نداریم ،اما ایرانیان از آمریکاییان متنفرند، زیرا که (۱) شما شاه را بر سر قدرت نگهداشته اید (۲) اسلحه های آمریکایی مردم را می کشد (۳) شما اثر بد اخلاقی روی فرزندان ما گذاشته اید (۴) شما به اسلام احترام نمی گذارید (۵) شما باعث تورم، کمبود و غیره هستید» عده ای برای آمریکاییهایی که شخصا می شناسند نگرانند، نصیحت کرده اند که به سرعت ایران را ترک کنند تا مبادا که برایشان اتفاقی بیفتد. این ممکن است اغراق باشد اما حاکی از وضعی است که آنها بدون تردید به خود راه دادن آن را برای آمریکاییها غیردوستانه می بینند.

آمریکاییانی که در جنوب ایران زندگی می کنند نسبت به این احساسات بی اطلاع نیستند. همسایگان و همکاران مراقب این وضع هستند. شاید آنها نسبت به آمریکاییانی که در تهران هستند، بیشتر احساس تنهایی می کنند، به نظر می رسد که درباره وضع امنیتی خود فوق العاده نگران بوده و مرتبا برای ضمانت امنیت خویش به کنسولگری مراجعه می کنند.

با وجودی که براساس ارزیابی ما از وضعیت، ضرورتی ندارد که آمریکاییان چمدان های خویش را

ببندند، اما امکان بوجود آمدن مشکلاتی در رابطه با آمریکاییان، در روزهای اخیر به نظر می رسد که به طور قابل توجهی افزایش یافته است. انتقال این نظر به جامعه آمریکایی باعث تشدید ترسی می شود که شاید قبلاً در میان بسیاری از اعضای آن بوجود آمده است، اما اگر زیاد هم اهمیت ندهیم، این خطر وجود دارد که در برابر آنها اعتبار خویش را از دست بدهیم. قبلاً حرفهایی بوده درباره این برخورد که دولت آمریکا به روابط خود با شاه بیش از شهروندان خود اهمیت می دهد. در حالی که این قیاس در جزییاتش واهی و نادرست است. اما قضیه ویتنام به عنوان نمونه فدا کردن ایمنی اتباع آمریکایی به بهای یک توهم نقل می شود.

با وجود چنین وضعی در اینجا، ما معتقدیم در حال حاضر باید موضع ذیل را در مواقعی که از طرف آمریکاییان در مورد وضع امنیت شان مورد سؤال واقع می شویم اتخاذ کنیم. شرایط جوری نیست که ایجاد کند که افراد آمریکایی چه به صورت انتخابی و چه به صورت دسته جمعی بتوانند به طور سازمان یافته ایران را ترک کنند. در حقیقت اعمال حکومت نظامی در چندین شهر در سراسر کشور تا آنجایی که به ناآرامی داخلی مربوط می شود، کلاً اثری سودمند داشته است. به هر حال به نظر می رسد احساس ضد آمریکایی در قسمت های معینی از مردم ایران، اخیرا افزایش یافته است. ضرورت ایجاد می کند که آمریکاییان ساکن در جنوب ایران محتاط باشند تا از موقعیت هایی که بالقوه می توانند برای آنها خطرناک باشند، دوری جویند. اگر اقدامات احتیاطی رعایت شود، به علاوه خود مقررات حکومت نظامی ناچارا موجب محدودیت آزادی به ویژه برای خانواده شان هستند یا نه. در حالی که چنین توصیه ای ممکن است منجر به این شود که بعضی از افراد وابستگان خود را به آمریکا بفرستند و استخدام را برای شرکت ها و سازمانها در ایران نسبتا مشکل تر کنند.

ما فکر می کنیم که در کل این امر بدون این که به هراس بی جهت منجر شود، جامعه آمریکایی را مطمئن

می سازد که ما به خیر آنها اهمیت می دهیم. به هر حال تعداد وابستگان در حال افت کردن است و آنچه که در مطبوعات ایالات متحده درج شود، بیش از آنچه که ما در اینجا می گوییم بر روی استخدام تأثیر خواهد داشت. بنابراین ما عملاً در تغییر خط مشی پیشگام نخواهیم بود بلکه در عوض یک جنبه منطقی به روندهایی که هم اکنون در جریان است می دهیم روی هم رفته شاید حضور کمتر (آمریکاییان) چندان بد نباشد.

ص: ۷۸۶

سند شماره ۵۴

محرمانه

خلاصه مذاکرات هیئت مسایل مملکتی

تاریخ: ۱۳ سپتامبر ۱۹۷۸ ۲۲/۶/۱۳۵۷

سفیر جلسه را با گزارشی از وقایع هفته گذشته آغاز کرد. او گفت که تظاهرات روز پنجشنبه نگرانی زیادی را در رابطه با وسعت و تشکل آشکار آن در میان دولت بوجود آورده است. او کشتار جمعه میدان ژاله را یک نمایش ناموفق توصیف کرد که نشاندهنده ماهیت قانون جنگی بود. سربازان مجهز به کلیه وسایل جنگی بودند و به جای سلاح های کنترل کننده جمعیت از سلاح های جنگی استفاده می کردند. او گفت که وظیفه فعلی دولت جدا کردن عوامل حرف شنو مخالفین از عوامل مخرب آنها است. او بر اهمیت رعایت مقررات حکومت نظامی توسط مقامات رسمی سفارت تأکید کرد. او دستور داد که گزارش هیئت اعزامی در حال حاضر باید بیشتر به جای اینکه تحلیل بدهد، روی حقایق تکیه کند. «نیوسام» معاون وزارت خارجه به خاطر گزارش وقایع اخیر از سفارت تجلیل کرده است.

ضمن بر شمردن مقداری از وقایع و اتفاقات، سفیر گفت که شکایاتی از آمریکاییان بخش تجاری بدست رسیده که از دیر کرد پرداخت اجرت خدمات انجام شده، از سوی ایرانیان حکایت می کنند. این امر متناسب با نگرانی فزاینده ما در مورد اشکال بودجه است. یک چنین موقعیتی می تواند به سبب فلجی که با وزرای جدید حاصل شده یا ترس از دادن پرداخت هایی که فساد از آنها می آید باشد. هرکس در این مورد چیزی شنیده آن را به جان میلز گزارش دهد.

در رابطه با موضوع رشوه و فساد ممکن است چیزی نمانده باشد که ما تعدادی از رابطین و دوستان را از دست بدهیم به عنوان مثال به اعتماد و منصور دستور داده شده است که به علت بازجویی از آنها کشور را

ترک نکنند. سفیر در ورد پیغامی که از نماینده «رید» معاون وزارتخانه دریافت داشته است سخن گفت. این پیغام حرفهایی را در مورد بودجه سال مالی ۱۹۸۰ بازگو می کند. وزارت خارجه قصد کاهش ۵۵ میلیون دلار و ۴۶۱ پست را دارد که بیشتر آنها در کشورهای بیگانه خواهد بود. یکی از پیشنهاداتی که باید به آن توجه شود این است که مناصب خالی ویزاهای غیر مهاجرتی در کشورهایی که کمتر مرتکب تقلب می شوند از بین برود. آقای گوئلز با طنز درباره این ایده می گوید که در این صورت پستهای زیادی را حذف نمی کند.

بلومنتال (وزیر دارایی) اواخر امسال از ایران دیدن خواهد کرد. آقای ناس و مایلز باهم تهیه یک برنامه را آغاز کرده اند. از آقای وزیر دعوت خواهد شد که در محل اقامت کاردار بماند.

رئیس کنسرسیوم در همان زمان که سفیر یک مهمانی برای جان مایلز ترتیب می دهد، یک مهمانی مشروب خواهد داد.

سفیر مایل است که زمانی با اعضای کنسرسیوم ملاقاتی داشته باشد ولی این دعوت را رد خواهد کرد.

آقای شلنبرگر درباره پخش برنامه های زنده از مجلس در تلویزیون صحبت کرد و گفت که این برنامه ها تأثیر قابل توجهی دارد و مانند یک نوع سوپاپ اطمینان برای خارج کردن بخار است.

یک نوار ویدئو یک ساعته از واشنگتن دریافت کرده است که در آن گروهی از دانشجویان ایرانی تجارب خود را در میان می گذراند. این فیلم در مرکز مشاوره دانشجویی در دسترس قرار خواهد گرفت.

آقای مایلز در مورد تأثیر وقایع اخیر بر روی اقتصاد صحبت کرد و گفت که واقعا به نظر می رسد که تقدمات بودجه از دفاع به کشاورزی تغییر یافته باشند.

در اخبار سیاسی، نوری که امروز دستگیر شد همان ملایی است که خط ضد یهودی را جلو می برده، او همچنین در وقایع میدان ژاله دست داشت. سرهنگ شیفر گزارش داد که ویلیام «Your Man» برانیگان با اداره وابسته دفاعی تماس گرفت و در مورد گزارش نادرست خود در مورد استفاده سربازان شورشی ایرانی از تفنگهای آمریکایی اظهار تأسف کرد.

آقای بزمن گزارشی در مورد جلسه امنیت که ۱۸۷ شرکت در آن حضور داشتند داد. آقای گوئلز گزارشی در مورد خبر نه چندان غیر منتظره افزایش سریع درخواست های مربوط به ویزاهای آمریکایی دارد. آقای رینو گفت که نمایشگاه کالای بازرگانی بر طبق برنامه در ۱۹ سپتامبر گشایش خواهد یافت.

لزوم وسایل و تجهیزات برای کنترل ازدحام در ایران

ص: ۷۸۸

سند شماره ۵۵

محرمانه

شماره سند: ۸۷۹۴

تاریخ: ۱۴ سپتامبر ۱۹۷۸ ۲۳/۶/۱۳۵۷

از: سفارت آمریکا در تهران

به: وزارت امورخارجه واشنگتن دی. سی.

گزارشگر: سولیوان

موضوع: لزوم وسایل و تجهیزات برای کنترل ازدحام در ایران

۱ یکی از مشکلات اخیر در وضع حکومت نظامی ایران فقدان واحدهای نظامی ارتش آموزش دیده جهت کنترل ازدحام جمعیت بدون تلفات جانی می باشد. هفته گذشته زمانی که سربازان برای جایگزینی افراد شهربانی به تهران انتقال یافتند به طور کامل مجهز به لباس جنگی و تفنگ های ژ ۳ بی سر نیزه بودند.

۲ به دنبال آن وقتی که یک جمعیت سنگ انداز و چماقدار در میدان ژاله به این سربازان حمله نمودند آنها هیچ سلاحی غیر از تفنگ برای عکس العمل نداشتند. آنها کلاه خود را بر سر داشتند ولی سپر نداشتند. موقعی که تیراندازی هوایی برای جلوگیری و پیشروی جمعیت مؤثر واقع نشد نتیجتا خونریزی و کشت و کشتار غیرقابل اجتناب بود.

۳ با توپ های عظیم الجثه و لوله های بلند آنها به صورتی برجسته در نقاط پراکنده شهر مستقر به همان ترتیب فاقد تناسب است. مشکل می توان تصور کرد که چگونه از آنها برای کنترل ازدحام مردم باید استفاده کرد مگر اینکه خرابی زیادی بدنبال داشته باشد و بیشتر از مقدار لازم صدمه بزنند.

۴ ناسازگاری و عدم هماهنگی سیستم تجهیزات نظامی در ایران برای جریان فعلی را با تشریح این

حقیقت که ایران در خلال ۱۵ سال اخیر که آشوب و اضطراب در دیگر نقاط جهان به چشم می خورد هرگز این پدیده را در خود تا چند ماه اخیر تجربه نکرده است، می توان ذکر کرد. در گذشته معمولاً گردهمایی های عمومی قبل از اینکه شروع به کاری کنند با مراقبت ساواک عقیم می ماند.

۵ در چند ماهه اخیر به خاطر اینکه مقامات ایرانی کنترل ساواک را کاهش داده اند برنامه گردهمایی عمومی رونق گرفت و ایران ناچار شد که مقدار محدودی وسایل حفاظتی از قبیل کلاه خود، گاز اشک آور برای پرسنل شهربانی خود تهیه نماید. به هر حال به خاطر فقدان آموزش های حرفه ای برای این نیروها، شهربانی در قبال مسئولیت جدید، خود را به طور آشکاری خام دست نشان داد.

۶ نتیجه تمام این جریانات و وقایع اخیر وضعیت نامطمئنی است که در آن هرگونه طغیان جدید تشنج و عمومی می تواند به کشتار مجدد منجر شود. آگاهی از این حقیقت امکان دارد که در ترساندن نیروهای تظاهرکننده مؤثر واقع شود و در واقع تعدادی از سران عالی مقام ارتشی فکر می کنند مسئله حکومت نظامی به همین دلیل موفق خواهد شد.

۷ از طرف دیگر تصمیم اعلان شده شاه و مقامات است که تجمع عمومی و آزادی بیان در آینده نزدیک را اجازه می دهد. تحولات زندگی عمومی ایرانیان در آینده نزدیک لزوم تجدیدنظر مقامات رسمی ایران در مورد مسئله کنترل ازدحام مردم را به همراه خواهد داشت.

۸ من در ملاقات هایم در روزهای اخیر با شاه، تیمسار ازهاری رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران و وزیر

کشور درباره این مشکل و در مورد مشاهداتم از تظاهرات گسترده توکیو که به مراتب عظیم تر و تحریکات آن نیز بسیار بیشتر بود صحبت کردم و گفتم که چطور این جمعیت بدون اینکه حتی یک نفر هم کشته شود پراکنده می شد. تمام آنها در مورد این مطلب که ایران باید در رابطه با کنترل هرج و مرج و ناامنی نقش خود را عوض کند موافق بودند. (تیمسار ازهاری جریانی را که برای او اتفاق افتاده بود به صورتی روشن برای من تشریح کرد و آن بدین قرار است که یک شب که اولین شب حکومت نظامی بود یک سرباز او را از اتومبیل پیاده و سرنشینان اتومبیل را به مدت ده دقیقه زیر تفنگ نگهداشته تا اینکه یک مأمور شهربانی «به آرامی» آمده تا هویت افراد را بازرسی کند.)

۹ به نظر می رسد که نتیجه نهایی یک تلاش فشرده وزارت جنگ برای دستیابی به وسایل غیرکشنده کنترل ازدحام باشد. در حال حاضر تأکید بر روی وسایل انگلیسی و آلمانی است و علاقه فزاینده ای هم نسبت به وسایل ژاپنی وجود دارد. من حدس می زنم که درخواست معمول برای گاز اشک آور «پارت دریان» از آمریکا ادامه یابد.

سولیوان

شخصیت ایرانی رهبران متفاوت

ص: ۷۹۰

سند شماره ۵۶

سری: غیرقابل رؤیت برای افراد خارجی

تاریخ: ۱۸ سپتامبر ۱۹۷۸ ۲۷ شهریور ۱۳۵۷

جورج عزیز:

از دعوت شما در جلسه روز هفتم سپتامبر متشکرم. همانطور که قول دادم نظرات خود را درباره مسایل مطرح شده در روز فوق تقدیم می کنم.

شخصیت ایرانی رهبران متفاوت

در جلسه براساس فریضه های منفی درباره خصلت فرد ایرانی و فقدان قابلیت تغییر آن نتایجی اتخاذ شد. این حقیقت دارد که در شخصیت فرد ایرانی صفات منفی مشهوری چون بدبینی، حساسیت به خود و خودپسندی قدیمی وجود دارد که از لحاظ فردی و اجتماعی منفی محسوب می شود. مفسرین امور ایران مکررا این صفات را عنوان کرده اند و در کتاب «برگزیدگان سیاسی ایران» به قلم زونیس نامبرده شده اند. (من امیدوارم در صورتی که قبلاً این کتاب را نخوانده باشی، فصل آخر آن که فقط یازده صفحه است را بتوانی به زودی بخوانی) بعضی از سخنرانان در آن جلسه به نظر می رسید فکر می کند که تنها نتیجه این صفات، این است که شاه را قدرت می بخشد. به هر حال این بخشی از مطلب است که از اهمیت آن به سرعت کاسته می شود. ایرانیان همیشه به طور کامل و بدون شرمندگی از این عیوب خویش آگاه بوده اند و اکنون از راهی که روش حکومتی شاه این عیوب را تقویت می کند، خشمگینند، این موضوع چه در آثار استاندارد تحقیقی درباره سیاست ایران (بیل زونیس، کوتام، بیندر، جاکوبز) و چه در صحبت عمومی خود ایرانیان مکررا ذکر می شود که سیستم حکومت و کنترل شاه از نقاط ضعف شخصیت ایرانی استفاده کرده و بدین وسیله آنها را تقویت می کند. خود شاه در کتاب مأموریت برای وطنم به این موارد اعتراف دارد. این

طریقه حکومت شاه را در اذهان ایرانیان با آنچه که آنها در خود بیش از همه بیزاری می جویند قرین می کند و دائما تنفر عمیق و مستمر نسبت به او ایجاد می نماید. این موضوع باعث شده است که به میزان خیلی زیادی (آن طور که شاه آرزو داشت نزد مردمش باشد) از اینکه شاه به عنوان یک ابرناسیونالیست پذیرفته شود، جلوگیری کند.

علاوه براین بسیاری از ایرانیان معتقدند که عیوب فوق که شاه روی آنها سرمایه گذاری سیاسی کرده، همچنین به طور جدی و شدیدی توسعه اقتصادی، آموزشی، قابلیت احترام اجتماعی و رشد آگاهی جدید را کند کرده است. آگاهی آنها از این فسادها و طریقی که شاه از آنها سوءاستفاده می کند، مستمرا احساسی بین ایرانیان آگاه بوجود آورده است که رژیم شاه به طور غیرعادی در جستجوی طرح اجباری یا تحمیلی مدرنیزه کردن اقتصاد از طریق روش های حکومتی ارتجاعی است که از لحاظ سیاسی، آینده مملکت را به عنوان یک جامعه به خطر می اندازد.

این احساس خصوصا در میان گروههایی چون اهل تجارت و حرفه ها که می توانند رهبران آینده قوی باشند، قوی است. براساس عقل انتظار نمی رود که چنین رهبرانی پیدا شوند، چون آنهایی که ممکن بود رهبر شوند یا همکاری کرده اند یا به خاطر سوءاستفاده دقیق شاه از شخصیت ایرانی، خنثی هستند. فقط قسمتی از این درست است. ایران مانند هر کشور دیگر به اندازه طبیعی (یعنی محدود) از افراد مسئول، آگاه

و شجاع بهره برده است. بعضی از این افراد راههایی برای زندگی کردن در ایران پیدا کرده اند و نسبتا خوب زندگی می کنند و بدون اینکه حس راستی و احترام به خویشتن را از دست بدهند از خارج ولی کاملاً نزدیک متوجه اقدامات حکومتی هستند. همچنین کسانی مثل امضاکنندگان پیمان ۳۲ هستند که مطابق اصول دینی، سیاسی حرفه ای یا به دلایل دیگر، آشکارا در اقداماتی که مستلزم قابل توجهی است، بدون التفات به نوع انگیزه ها با شاه مخالفت می کنند.

بعد از شاه چه می شود؟

احساس دیگری که اساس مخالفت فعلی است این است که دوران شاه در تاریخ که برای ایران دورانی اساسی و خطیر بوده است، اکنون بسر آمده است. بدین لحاظ سیستم حکومتی وی که در جمع کردن مردم پراکنده و حفاظت از استقلال آنها، لازم و مهم بوده، اکنون به صورت مانعی بر سر راه آرزوهای ایران و پیشرفت آتی کلیه جنبه های مهم زندگی درآمده است. این امر ممکن است که بدیهی به نظر بنماید اما از اهمیت دوجانبه ای برخوردار است. اولاً یک ریشه اصلی حس متزلزل ایرانیان درباره رژیم شاه است که بعضی از افراد هم در جلسه گفتند، حس اینکه «سلطنت شاه تا آخر عمر من که طول نمی کشد.» ثانیا این احساس در بسیاری از طبقات مردم ایران است که در دولت هیچ چیزی به جز شاه وجود ندارد. این بنوبه خود از این نظر سرچشمه می گیرد که نه فقط شاه ترکیب حکومتی که توارث پذیر باشد برقرار نکرده، بلکه سلطنت با آن تصوری که او از آن دارد، وقتی از سرکار برود برای بیشتر ایرانیان قابل قبول نبوده و حکومت قدرت طلب دیگری هم که سعی در حکمرانی به روش او داشته باشد نیز برای ایرانیان پذیرفته نیست. (به همین دلیل است که من فکر می کنم در دست گرفتن قدرت توسط نظامیان برای جانشینی شاه، شانس زیادی در پایداری و ثبات خویش ندارد).

به همین دلیل است که علاوه بر مسئله روشن و مبرم حقوق بشر و پیشرفت معقول در ایران، ادامه

آزادی دادن برای ما و بسیاری از ایرانیان، مهم است. نوع صحیح دادن آزادی می تواند یک چهار چوب ثابتی برای زندگی سیاسی ایرانیان و استفاده کردن از آن به بار آورد، در غیر این صورت هرکسی که جانشین شاه شود مجبور خواهد شد در مرکز گردباد ترسهای داخلی، احساسات آزاد شده و فشارهای بیرونی، سیاست و حکومت ایران را دوباره سازماندهی کند.

تشیع

آن جلسه ممکن است این فکر را ایجاد کند که شیعه و روحانیت شیعی به طور کل و ذاتا مرتجع هستند. در حقیقت بی تفاوتی های رسمی شیعه درباره سیاست، این را برای پیروانش ممکن می سازد که از شکل های گوناگون حکومتی حمایت کند. شیعه در اصل ملی گرا است چرا که آن نمایانگر تطبیق اسلام با خواست ایرانیان به داشتن مذهبی از آن خود بود که تحت تسلط اعراب نباشد. علاوه براین مذهب شیعه بالقوه با حکومت ها و موقعیت های جدید بیشتر سازگار است تا مذهب سنی چرا که معتقد است که باب اجتهاد هنوز گشوده است، اگرچه تشیع به طور نظری اجتهادات دین شناسی را که در قرآن یا در تعالیم رسول یافت نمی شود، منع می کند. اختناق دینی شاه در ایران باعث شده است که گروههای عمده و اصلی شیعه، در راه دفاع از خویشتن دگماتیک و محافظه کاران عمل کنند. درست آن طور که مذهب کاتولیک

رومی در کشورهای کمونیستی شده است. من شیعه را از لحاظ اجتماعی محافظه کار ولی از لحاظ سیاسی، دارای کشش ذاتی ضد استبدادی می بینم به خاطر این مطلب، در ایرانی که در آن آزادی برای مذهب و تشکیلات مذهبی و احکام مذهب و آزادی ابراز عقاید مذهبی در زمینه سیاسی وجود دارد. من انتظار دارم مثل ترکیه و اسرائیل، یک حزب وفادار به مقام های محافظه کار مذهبی، خصوصا در مسایل اجتماعی و هم چنین تعدادی دیگر در عرض طیف سیاسی وجود داشته باشد که اشخاص معتقد، بدون اینکه زیاد احساس تخطی از عقاید مذهبی خود بکنند یا مورد مخالفت رهبران مذهبیشان واقع شوند، به آن تعلق داشته باشند.

اقدامات بعدی

نتیجه آنچه در این نامه تشریح شد این است که ایران کشوری است با توسعه اقتصادی قابل ملاحظه که شدیدا از نظر سیاسی عقب افتاده است. ایرانیان به طور کامل و با تحمل رنج از این موضوع آگاهی دارند. این بدان معنی است که ما فقط دو امکان واقع بینانه داریم که از میانشان یکی را انتخاب کنیم. این امکانات آشفتگی کشوری است که با توانمندی در تلاش تدبیر شکل دولت دائمی اش می باشد و یا آشفتگی مردمی می باشد که در کشمکش با رژیم هایی هستند که مراحل آزمون و خطا برای دستیابی به یک شکل حکومتی پایدار را نمی فهمند و یا به طور آگاهانه آن را رد می کنند. اگر شاه بتواند خودش را متقاعد به تحمل آشفتگی در جستجو برای بنای دائمی دولت و ظهور اینچنین دولتی که قدرت خودش را خواهد داشت بنماید. (دو چیزی که او هرگز در گذشته قادر به انجام دادنش نبوده است) در آن هنگام پیشرفت می توان در حالی که هنوز دولت در قدرت است شروع شود. بنابراین تأکید کارتر در تلفن اخیرش به شاه مورد ادامه اعطای آزادی، درست سوی هدف نشانه شده بود. ما باید مصرا به شاه در مورد اعطای آزادی فشار بیاوریم، در این صورت ایرانیانی که این را می بینند حداقل اعتماد پیدا خواهند کرد که این منظور ما است و ما به طور

مشابه به نسبت به رژیم های آینده استوار خواهیم بود. اگر شاه واقعا در جهت انتخابات آزاد، احزاب سیاسی، یک مجلس آزادتر و آزادی بیان سیاسی حرکت کند، او شروع خواهد کرد که مملکتش را از عقب افتادگی کامل سیاسی نجات دهد و به یک آینده معقولانه با ثبات پس از خودش امید داشته باشد. حاصل این کار می تواند تا حدی حمایت یکسره ما را از شاه در گذشته جبران کند و به ایران بهترین شانس درازمدت را بدهد که یک ملت، قادر و متمایل به ایفای نقشی در خاورمیانه که برایش آرزومندیم باشد. بدبختانه صورت پذیرفتن سرکوبی متناوب خیلی بیشتر محتمل فرض می شود که در نتیجه کاملاً امکان این را فراهم خواهد کرد که ظرف دهه آینده شاه با ترور، کودتا و یا فشار غیرقابل مقاومت مردم از جا برداشته شود. بهترین دولت ممکن در آینده در این شرایط برای ما دولتی خواهد بود که اتحادی میان غیرنظامیان و افسران جوان ارتش بر آن حاکم باشد. بدترین رژیم، رژیمی خواهد بود که افسران ارشد ارتش بر آن تسلط داشته باشند. به هر حال این دولتی خواهد بود که در ابتدا خواهیم داشت، هر چند من فکر می کنم که امکان جهش مستقیم در جهت یک دولت غیرنظامی که شانس خوبی برای موفقیت خواهد داشت، وجود دارد.

اگر یک افسر نظامی از افسران مسن تر ظهور پیدا کند در ابتدا فشارهای قوی عمومی و خصوصی استقبال کنیم. در مقابل این فشارها باید به شدت مقاومت شود. یک چنین دولتی پایدار نخواهد بود. این

دولت به وسیله نفاق داخلی از هم گسیخته خواهد شد. و به شدت به وسیله غیرنظامیان و افسران جوان مورد مخالفت قرار خواهد گرفت. رهبران آن نمی دانند که به جز سرکوبی به چه شکل می توان حکومت کرد احتمال زیادی وجود دارد که افسران جوان و سربازان وظیفه برای نگهداشتن ژنرال های مرتجع در قدرت به طرف هموطنانشان تیراندازی نکنند. از همه مهم تر اکثریت بزرگی از ایرانیان چنین رژیمی را یقینا بدتر از رژیم شاه می دانند. این خیلی اهمیت دارد که هرگز دیده نشود که ما مشوق چنین رژیمی باشیم، مهم نیست که شاه خود را در چه تنگناهایی می بیند و یا اینکه در آغاز چه آشوب هایی پس از او پدید خواهد آمد.

در این احوال ما باید از زمان حاضر استفاده کنیم (حتی اگر شاه در مقابل آن ایستادگی کند) و آن را در میان خودمان به طور استوار بنیان نهیم که احتیاج ما به دانستن و فهمیدن تحولات سیاسی ایران هم اکنون از هر زیانی که به وسیله نمایاندن خود حین انجام ارزیابی های مستقلمان در مورد آن سیاست ها ممکن است به شاه یا به روابطمان با او وارد کنیم، مهمتر است. در حقیقت آگاهی او از اینکه ما در حال انجام این کار هستیم ممکن است به خوبی بر اعتبار تشویق های ما در مورد اعطای مستمر آزادی اضافه کند. به طور همزمان ارادت ما به شاه خصوصا از طریق وقایع عمومی از قبیل فروش تسلیحات و یا اظهارات عمومی باید به طور محتاطانه ای تقلیل پیدا کند تا جایی که توهم این را که او را به سادگی رها می کنیم ایجاد نشود. نهایتا بعضی از امکانات زیر معتقد است هنوز شروع نشده باشد. اگر چنین است فکر می کنم که آنها فورا باید آغاز شوند.

الف در سازمان سیا و سفارت ارجحیت گزارش به وقایع داخلی و سیاست داخلی در ایران باید داده شود. شما بهتر از من می دانید که چه چیز در اینجا مورد احتیاج است و ما هر دو مشکلات مشقت بار انجام این مهم را می دانیم. قابل ذکر است که به کنسولگری ها باید اختیار و منابع لازم برای درگیر شدن در این کار

داده شود. وسیله دسترسی در خارج تهران آسانتر است و خیلی از فعالیت های مهم در جایی که کنسولگریها هستند جریان دارد.

ب باید مشاوره سیستماتیک و مرتب با جامعه دانشگاهی وجود داشته باشد. خیلی از دانشگاهیان در مورد مسایل سیاسی ایران خیلی صریح تر و مستقیم تر بوده اند. منابع مصرف نشده زیادی برای استفاده در اینجا وجود دارند. و این مردان و زنان باید بدانند که نظرات آنها مورد نیاز می باشد. این مشاوره که ICA را که باید عمیقا شرکت دهد، چنین باید متضمن نظارت مرتب بر انتشارات باشد. مطالبی که مورد پوشش قرار می گیرند باید شامل رساله های دکترا نیز باشند. خیلی از مطالبی که در مورد ایران در نشریه انجمن علوم سیاسی آمریکا می آید، به نظر می رسد که موضوعاتی را مورد پوشش قرار می دهند که ما خصوصا نادیده می گیریم. انجمن خاورمیانه باید به طور مرتب به خاطر تخصص آن مورد بهره برداری قرار گیرد و باید تشویق شود که منابع بیشتری به مطالعات ایران اختصاص دهد. انستیتوی آمریکایی برای مطالعات ایران که در دانشگاه پنسیلوانیا قرار دارد و ظاهرا از طرف ما ندیده گرفته می شده است، یک منبع خیلی مهم است. با دانشگاهیانی که در ایران در زمینه های دیگر کار کرده اند (مثل مرکز ایرانی هاروارد برای مطالعات مدیریت) باید به طور مرتب مشاوره شود.

ج یا از طریق دانشگاهیان و یا به طور مستقیم باید تماس محتاطانه ای با تبعیدیهای ایرانی و سازمانهایشان در ایالات متحده گرفته شود. برای مثال، راجع به کمیته جدیدالتأسیس برای حقوق بشر در

ایران که ظاهرا بازوی آمریکایی منشور ۳۲ گروه است چه می دانیم.

د از وزارت بازرگانی باید خواسته شود که در تماس با بازرگانان آمریکایی همکاری کند. خیلی از آنها به طور قابل توجهی باهوش و حساس هستند و مکررا وسایل دسترسی غیر معمولی دارند. من خوشحال خواهم شد که درباره اینکه چگونه می شود این مشاوره ها را سازمان داد با شما صحبت کنم. آسان نخواهد بود که بر سوءظن در مورد ما در میان گروه های خصوصی آمریکایی که در مورد ایران ذیعلاقه می باشند (بخصوص دانشگاهیان) غلبه نمود.

این یک نامه طولانی بوده است. امیدوارم سودمند باشد. لطفا به هر طریق که می خواهید از آن استفاده کنید. هم چنین هر وقت، طریق دیگری هست که می توانم سودمند واقع شوم مطلعم نمایید. موفق باشند.

ارادتمند: جان واش برن

تقاضای مشاوران سیاسی برای مبادله افکار در اوضاع ایران

ص: ۷۹۵

سند شماره ۵۷

تاریخ: ۱۸ سپتامبر ۱۹۷۸ ۲۷ شهریور ۱۳۵۷

طبقه بندی: محرمانه

از: وزارت امورخارجه واشنگتن

به : اداره مأموریتی ناتو، فوری

جهت اطلاع به: سفارت تهران ۶۶۴۳

موضوع: تقاضای مشاوران سیاسی برای مبادله افکار در اوضاع ایران

۱ هیئت می تواند از بیانیه های ۳۴، ۳۵، ۳۶ برای مبادله افکار در اوضاع ایران در تاریخ ۱۹ سپتامبر در جلسه مشاوران سیاسی، چنین نتیجه بگیرد که می توان پاراگراف آخر بیانیه ۳۴ را می توان حذف کرد.

۲ به علاوه مطالب زیر تا تاریخ فعلی برای هدف مشابه آماده شده است. اوضاع کلی امنیت در ایران پس از ۱۸ سپتامبر بهتر شده است.

مقررات منع عبورومرور در تهران از ۱۱ شب تا ۵/۴ صبح تقلیل یافته است. دولت ایران گفت که در تبریز تروریستها در لباس مبدل سربازی به یک گشت ارتشی حمله کردند و ۹ نفر را کشتند. در اکثر شهرها مغازه ها، پس از یک هفته مقاومت در مقابل حکومت نظامی باز می شوند.

۳ دولت شریف امامی در یک جلسه فوق العاده مجلس رأی اعتماد گرفت، اما تعداد زیادی (در حدود ۷۴ نفر) در این جلسه غایب بودند. دولت خاطرنشان ساخت که به محض اینکه اوضاع اجازه دهد، حکومت نظامی لغو خواهد شد و مفسدین تحت پیگرد فوری قانونی قرار خواهند گرفت.

رهبر مذهبی شریعتمداری نفوذ مارکسیستی را در بعضی از گروههای مذهبی تصدیق کرده است. در مجلس دولت فهرستی از تحریک کمونیست ها در آشوب های ایران را بیان کرد. تاکنون ما هیچ گونه

گزارش یا مدرکی مبنی بر دخالت خارجیان در آشوب های اخیر ایران که توسط دولت ایران ادعا شده است، نداشتیم. نشانه هایی وجود دارد که ممکن است برخی از گروههای مذهبی آماده مذاکره با دولت باشند.

زمین لرزه اخیر، حادثه بسیار ناگواری که ۱۵ هزار کشته به جای گذاشته است، توجه و توانایی هر دو طرف یعنی دولت و ملت را در جهت این مشکل فوری جلب خواهد کرد. عوارض سیاسی بر ما روشن نیست، اما اگر عملیات تسکینی دولت ایران بی اثر تلقی شود، یک مسئله جدی به بار خواهد آمد.

ونس

ایران و شاه، راه سنگلاخی در پیش

ص: ۷۹۶

سند شماره ۵۸

تاریخ: ۲۱ سپتامبر ۱۹۷۸ ۳۰ شهریور ۱۳۵۷

شماره سند: ۹۱۵۷

طبقه بندی: محرمانه

از: سفارت آمریکا در تهران

به : وزارت امورخارجه واشنگتن

موضوع: ایران و شاه، راه سنگلاخی در پیش

۱ در خلال چند روز گذشته و در سایه زمین لرزه شرق ایران دولت جدید ایران رأی اعتماد پارلمانی و تأیید شش ماهه حکومت نظامی را دریافت کرد. به جز حوادث کوچک از تخلفات قانونی، آرامشی در شهرها حاصل شده است اما شاه و دولت در آینده مواجه با وضع بغرنجی هستند.

۲ دولت مواجه با مشکل استقرار رهبری، احساس موجودیت و ایجاد مقداری اعتماد به نفس در خود دولت و جلب آرای مردم برای خط مشی خویش است، بدین منظور دولت باید به طرز معقولی در جهت اعطای آزادی و توسعه پایگاه خود حرکت کند تا گروههای سیاسی مسئولی که بلندپروازیهای دمکراتیک دارند بتوانند در جریان حکومتی کاری برعهده بگیرند. در ضمن باید عده زیادی را که تبعیت از رهبری را پذیرفته اند که خواستار سرنگونی رژیم فعلی شده است با خود همراه سازد. در صورت عدم موفقیت در این امر امکان دارد که برداشتن حکومت نظامی و تجدید روند آزادیخواهی مجددا منجر به ناآرامی های گذشته و بازگشت اسفبار سرکوبی نظامی می گردد. نتایج حاصله می توانند برای شاه و سلطنت شوم باشند.

۳ شاه در جریان دو سال گذشته برنامه آزادیخواهانه را عمدتا براساس خاصی رهبری کرده است.

اتفاقات خود معلوم کرده اند که دو مسئله قانون اساسی مجددا مفتوح می شود. ۱ استقلال هیئت دولت و

مسئولین در برابر مجلس ۲ نیروی روحانیت اسلامی شیعه به صورت پاسداران سنتی حقوق مردم و بازگوکننده شکایات آنها. این هر دو موضوع در گذشته به نفع شاه برگزار شده اند. یکی با سرکوبی مصدق و کنار زدن دنباله روهای او در دهه ۱۹۵۰ و دیگری سرکوبی توده طرفدار آیت اللّه خمینی در سال ۶۳ می باشد. تابستان گذشته شاه تظاهر کرد که به عنوان بخشی از سیاست اعطای آزادیهای خود در جهت برگزاری انتخابات آزاد در ژوئن مایل است مقداری از قدرت را به نخست وزیر و پارلمان واگذارد. او و دولت آموزگار توجه کمتری به تفاهم با روحانیت شیعه یا شناسایی نقاط نارضایتی که آن روحانیت می توانست بهره برداری نماید بودند.

۴ نتیجتا روحانیت اقدام به روش های قدیمی جمع کردن توده ها نمودند. هر دو گروه روحانیت محافظه کار و افراطی، به رهبری آیت اللّه شریعتمداری قم (که با جبهه ملی و دیگر سیاسیون طالب قانون اساسی طبقه متوسطه که آگاهترند ولی وجد عمومی ندارند در ارتباط است) و آیت اللّه خمینی رهبر مسلمانان متعصب در عراق (که از سوی برخی تروریست ها، کمونیست های نهانی و عناصر چپ افراطی حمایت شده) توجه شدیدی به بخش های بزرگ جامعه که بی بهره از مزایای اقتصادی هستند و پرونده کلی گرفتاریهای سیاسی و اجتماعی هستند، نمودند. این دردسرها به قدر قابل ملاحظه ای در اثر محرومیت ها، عدم مساوات، فساد بالا رفتن توقعات به علت برنامه توسعه اقتصادی شاه و اصلاحات اجتماعی غربی از سال ۱۹۶۳ بوجود آمده است. چون این مردم ناراحتی آن را ندارند که چیزی از دست بدهند و از آنجایی

که روحانیت میانه رو چیز قابلی به آنها ارائه نداده اند، به سمت رهبری رادیکال خمینی که طالب سرنگونی شاه و انهدام سیستم موجود است، رو آوردند.

۵ مسایلی که باعث تحرک مخالفین افراطی گردید اشتراک وسیعی دارد با نظرات بسیاری از سیاسیون مردم دیگری که از شاه حمایت کرده و از هرج و مرج ناشی از سقوط سلطنت واهمه دارند. معهذا رهبران میانه رو با افراطیون همکاری کردند تا امتیازات بیشتری از شاه بگیرند. روحانیت شریعتمداری جرأت نکرد که از جناح چپ خارج نشده و انبوه طرفداران افراطی را از دست بدهند. تنها نتیجه اتحاد آشکار تمام شعبات مخالفین به صورت یک تندباد آتشین عظیم علیه شاه بود.

۶ در عمل چنانکه در بندهای بالا روشن گردید مخالفین از نظر ماهیت آن قدر که ظاهرا به نظر می آید، وحدت ندارند و به علاوه برخورد با آن آنطور که بعضی ها خیال می کنند چندان ساده نیست. فی المثل عده ای در دولت ایران، بخصوص در ارتش هستند که به اعتقادشان مواجهه با این شکل به صورت حبس سیاسیون مخالف و ملاهای بین ایشان که رهبری ناراضیان را دارند، تحت عنوان خرابکاران می باشد. تلقی افراد آگاهتر مثل شاه چنین بود که رهبران بزرگ مذهبی مثل خمینی و شریعتمداری در وضع کنونی غیرقابل توقیف بوده و به هر حال دیگر رهبران جای آنها را خواهند گرفت. برای حل مشکل باید به منابع نارضایتی توجه شود و ضمن آن، زمان برای پیاده کردن برنامه های دولتی کسب شود.

۷ به عنوان بخشی از این عمل مسکن و آرام کننده ناراضیان، شاه دستور مبارزه برعلیه فساد چهره ها و توقیف وزرای پیشین و دیگران را می دهد. نتیجه نهایی این توقیف ها که از سوی ساواک تحت قوانین حکومت نظامی اعمال می گردد، هر چند به نظر نمی رسد دلیل محکمی برای محاکمه عده زیادی از آنها در دادگاههای قانونی وجود داشته باشد، احتمال دارد که نتیجه معکوس هم بدهد. در میان حامیان شاه

همانند مخالفین او کسانی هستند که اقدام وی در طعمه گرگ کردن زیردستان سابق برای مصلحت شخصی را انتقاد می کنند چرا که خود او را مسئول تمام سیاست های اصلی تمام دولت های پانزده گذشته یا بیشتر می دانند.

۸ موضوع جدی قابل بحث این است که آیا در زمان کوتاه ۶ ماهه ای که دولت برای خاتمه حکومت نظامی و قانونگذاری آزادمنانه وعده داده است می تواند عامه مردم ایران را قانع کند که صمیمانه عوامل نارضایتی را رفع کرده کرده و ناراضیان را آرام کرده یا منزوی نموده و یا مانع شود که درگیری عملی مردم که دوباره باعث تهدید تمام بنیان بنا خواهد گردید صورت بگیرد. شاه و دیوانسالاری او باید چنان ذهنیت ظریفی به خرج دهد که برای درک موقعیت خود را به طور موفقیت آمیز جانشین ناراضیان قرار دهند.

۹ ضمنا رهبران سیاسی که حامی یا مخالف دولت هستند آرزوی یک تغییر تطورآمیز آزاد را دارند که می خواند که درجه تشکل سیاسی لازم برای احراز موفقیت در آن نوع انتخابات آزادی که شاه مقرر نموده را داشته باشند باید به طور چشمگیری بر خود فشار آورند. در حال حاضر اکثر آنها ظروف سیاسی نشئت داری در منازعه انتخاباتی دارند لذا در معرض غرق شدن در تنها نیروی سیاسی آشکار موجود در ایران که نیروی مخالف افراطیون سیاسی مذهبی باشد، قرار دارند.

۱۰ این مسایلی است که شاه و دولت جدیدش در آتیه نزدیک با آن مواجه می باشند. چهارچوب اصلی کشور دست نخورده مانده، ولی اغتشاشات اخیر مثل زمین لرزه های مداوم ایالات شرقی علائمی

است از نوعی بی قراری که به طور بالقوه می تواند بر جامعه فائق آید.

سفارت در پیام های بعدی سعی خواهد کرد که قدرت نیروهای مختلف درگیر را ارزیابی کند و مسیر

اقدامات احتمالی را زیر نظر بگیرد و نقش میانی خود را طبق پیش بینی به انجام برساند.

سولیوان

رفتار دیوانسالاری در ایران

سند شماره ۵۹

تاریخ: ۲۲ سپتامبر ۱۹۷۸ (۳۱ شهریور ۱۳۵۷)

طبقه بندی: محرمانه

گزارشگر: تامست

از: کنسولگری آمریکا در شیراز

به: وزارت امورخارجه واشنگتن

رونوشت جهت کنسولگریهای آمریکا در اصفهان و تبریز

موضوع: رفتار دیوانسالاری در ایران

۱ به طور کلی خارجیان در ایران از لحاظ سروکار داشتن با بوروکراسی محلی زندگی در امانی دارند، بیشتر این خارجیان جنبه گذرا دارند و به همین جهت خدمات مورد احتیاج آنها محدود است. به جز مسایل مهاجرتی و پروانه کار و شاید اموری مانند گواهینامه رانندگی و ترخیص کالا از گمرک، آنها فرصت کمتری دارند تا بتوانند شاهد طرز کار بوروکراسی ایران باشد. حتی در زمینه هایی که آنها با سازمان های دولتی ایران سروکار دارند این اثر با فراهم کردن مؤسسات میانجی از سوی کمپانی یا سازمان سرپرست که کار آن گذشتن و گذراندن از میان کاغذبازیهای بوروکراتیک است، غالبا سبک تر

می شود. با وجود این یک نفر خارجی پس از چند روز اقامت در اینجا آن چیزی را کشف می کند که رهبران ملی ایران تنها به دنبال هشت ماه ناآرامی و دهها تلفات آموخته اند و آن این است که نخوت و خودکامگی بوروکراتیک و اغلب روندهای خودکامانه و غیر معقولانه در این کشور به خودی خود یک رسوایی ملی و یک منبع عدم رضایت عمومی به شمار می رود.

۲ برای عدم پاسخ گویی بوروکراتهای ایران و خدمات ناچیزی که آنها را فراهم می کنند ظاهرا چند دلیل باید وجود داشته باشد. که از آن جمله: (۱) کارمندان غیر واجد شرایط و با آموزش نارسا. (۲) ساخت بی ثبات انتخاب کارمند (۳) نبودن سنت خدمات عمومی (۴) یک تعصب سازمانی که خطوط عمودی ارتباطات را ترجیح می دهند (۵) درجه فوق العاده تمرکز بنگاهها (۶) بزدلی در سطوح پایین و متوسط سوءظن در مراحل بالا (۷) دریافت های عمومی از طرز کار بوروکراسی و ماهیت رفتار عمومی که از آن ناشی می شود. این جنبه ها در زیر مورد بحث قرار می گیرد.

۳ کمتر نهادهای بوروکراتیک ایران طرز استخدام کارمندان و برنامه های آموزشی خود را به یک سیستم واحد در آورده اند. اغلب کار استخدام برای بنگاههای دولتی به جای اینکه از طریق جلب این کارمندان از یک مجتمعی از نامزدهایی که آنها قبلاً در امتحانات مختلف غربال شده اند، انجام شود. از طریق قرار دادن آگهی در روزنامه ها و سایر نشریات صورت می گیرد. آگهی ها به طور ساده شرایط مورد لزوم را برای هر سمتی که از طرف سازمان امور استخدامی کشور تعیین شده مشخص می کند. معمولاً به

گواهینامه تحصیلی بیشتر از معلومات عملی نشان داده شده یا مهارت فنی، اهمیت داده می شود. بدین ترتیب که مثلاً ممکن است داشتن یک درجه مهندسی از یک فرد خواسته شود ولی صلاحیت خدمات دولتی حیطه انحصاری اعضای خانواده های برجسته اجتماعی ایرانی است روابط خانوادگی و پارتی بازی ظاهرا در استخدام اهمیت پیدا می کند و اغلب بر عوامل عینی دیگر می چربد.

۴ آموزش حرفه ای در بوروکراسی ایران به طور کلی محدود به نوع اشخاص دست اندرکار است. شرایط آموزشی که به وسیله سازمان امور استخدامی کشور مشخص شده معمولاً در برگیرنده معلومات کلی مربوط به یک تقاضاکننده کار برای سمتی که او در پی آن است می باشد و پس از آن انتظار می رود که او معلومات تخصصی با مهارت حرفه ای مورد لزوم را با تجربه کاری بدست آورد. برنامه های رسمی پرورش حرفه ای تقریبا بالکل وجود ندارد. در حالی که اندکی صلاحیت حرفه ای معمولاً برای پیشرفت لازم است. این امر تنها عامل نیست و حتی مهم ترین عامل هم نمی باشد. همان طوری که هنگام استخدام معمولاً رفتار می شود، پارتی بازی اغلب از سوی خود بوروکراتها به عنوان یک شرط ضروری برای یک زندگی حرفه ای دولتی موفق تلقی می شود. کارمندان دولتی ایران خیلی به ندرت آموزش اختصاصی می بینند بالنتیجه حتی بوروکراتهای ارشد، اغلب دارای معلومات ابتدایی درباره قوانین و مقرراتی هستند که بر کار آنها حاکم است و آنها بدین ترتیب تمایل دارند تا براساس اقتضا تا اندازه ای که سابقه اجازه دهد تصمیم بگیرند. نتیجه گریزناپذیر این امر ناهماهنگی و بنابراین تأثیر پردامنه خودکامگی بوروکراتیک است.

۵ همه بنگاههای دولتی ایران دارای یک چهارچوب کلی سازمانی هستند (مثلاً یک وزارتخانه به چند اداره و شعبه و دفاتر استانی و غیرمستقیم می شود) ولی قرار دادن کارمندان در یک بنگاه در عمل اغلب وظیفه روابط قدرتی است که در داخل یک بنگاه پایین چند بنگاه صورت می گیرد، تا اینکه براساس

نیروی انسانی مورد احتیاج و عقلایی باشد. اگر یک وزیر بخصوصی چهره مسلطی در کابینه باشد او و زیر دستانش ممکن است بکوشند از این واقعیت استفاده کرده و امپراطوری هایی برای خود بسازند در نتیجه کارمندان دولتی حرفه ای ممکن است روزی خود را از اعضای یک هیئت وسیع کارمندی به حساب آورند که در راه مسئولیت های مشخص شده، کمتر قرار گرفته اند و یک کارمند که ممکن است تنها فرد دفتر باشد، چندین کلاه بر سر داشته و همه آنها را متکی به اقبال رو به پیشرفت یار و به زوال سازمان مادری و رهبری آن می دانند. چیزی که این اوضاع بی ثبات را در داخل ساخت پرسنل بوروکراسی ایران شدیدتر می کند تمایل کارمندان ارشد دولتی و اصرار بر داشتن اشخاص از خود در مواضع کلیدی در اطراف خود است. تغییری در سلسله مراتب بالا معمولاً معنای تغییرهای متعدد پرسنل در سلسله مراتب پایین است هیچ کدام از آنها برای کارمندان دولتی آمریکا که پستی بلندیهای حکومت های متغیر و وزیران کابینه را احساس کرده اند ناآشنا نیست ولی درجه شدت این پدیده در ایران بسیار شدیدتر است تا در کشورهایی که دارای بوروکراسی های نسبتا با ثبات هستند. عدم امنیت ناشی از این امر در میان بوروکراتهای ایران یک نوع گرایش در میان آنها بوجود می آورد تا نسبت به منافع عموم برله منافع شخصی، سهل انگاری نشان بدهند.

۶ ایران مانند بیشتر جوامع کهنه و قدیمی هیچ گونه سنتی از خدمات عمومی ندارد. سابقا انتظار می رفت که کارمندان دولت از طریق تحمیل اخاذی بر روی عوام الناس طبق اراده خود امرارمعاش کنند.

روش هایی که چنین نظامی به بار می آورد هنوز هم غالبا در داخل حکومت ایران مشاهده می شود هر چند اعضای آن اکنون مدتهاست از خزانه دولت حقوق می گیرند، بیشتر کارمندان دولت مناسبات خود را با عموم مردم به عنوان مناسبات ارباب و متقاضی تلقی می کنند. آنها خودشان را به عنوان کسانی می بینند که به مردمی که حق استفاده از خدمت هایی را که دریافت می کنند ندارند، نعمت هایی ارزانی می دارند. چنین درکی یک نوع احساس برتری در میان آنها بوجود آورده که اغلب چیزی جز نخوت نیست. روندها نیز در درجه اول به عنوان طریقه ای برای فراهم کردن خدمات نیست. بلکه در درجه اول به عنوان وسیله اعمال قدرت حکومت در نظر گرفته می شود. این مفهوم که یک شهروند حقی نسبت به خدمات ویژه دارد معمولاً در میان بوروکراتهای ایران بیگانه است. هر چند آنها ممکن است حاضر باشند تا زمانی که کنترل های شایسته حفظ شود، این خدمات را فراهم کنند. در این چنین اوضاع و احوالی به مقتضیات شهروند توجهی نمی شود زیرا نگرانیهای اداری همیشه در اولویت قرار دارد.

۷ بنگاههای دولتی ایران ظاهرا در ارتباط داشتن با یکدیگر در سطوح پایین تر از سطوح بالا دشواریهایی دارند. یکی از نمونه های نشان دهنده این پدیده همانا مدیران کل در سطح استانی هستند که اغلب می توانند به طور رسمی با یکدیگر از طریق وزارتخانه های مربوط خود در تهران صحبت کنند. به همان میزان که جامعه در ایران بغرنج تر می شود، این گرایش عمودی بوروکراسی را چنان وانمود می سازد که نسبت به نیازهای عمومی پاسخگویی ندارد. مثلاً صنایع برای بدست آوردن ترخیص های لازم جهت توسعه کارخانجات از بنگاههای مختلف دولتی مربوطه که دارای خطوط ارتباطی افقی کمتری هستند، مواجه با تأخیرات طولانی می شوند.

۸ این اوضاع در ماهیت فوق العاده تمرکز یافته بیشتر بنگاههای دولتی ایران منعکس شده و تشدید می شود. کمتر اداره ای خارج از تهران دارای اختیارات مهم تصمیم گیری است و حتی امور بسیار عادی

باید اغلب به پایتخت ارجاع شود که در آنجا بار کار فزاینده، تأخیر را بیشتر و بیشتر طولانی می سازد.

برنامه خروج از تمرکز برای سبک تر کردن همین مشکل است ولی اجرای آن دشوارتر از ابداع آن شده است. کوشش ها برای سهیم شدن در قدرت برخلاف قوانین اساسی با ماهیت بوروکراتیک است و تمامی نظام دارای رخوت فوق العاده درون ساخته است. علاوه بر این گروههای ذینفع با نفوذ از جمله عناصری از خود مردم که از عواقب مراکز قدرت پخش شده بیم دارند همیشه در مقابل کوشش های خارج از تمرکز قرار دادن بوروکراسی مقاومت نشان داده اند.

۹ اجتماع ایران و همچنین کارمندان دولت آن در معرض رخنه میل نیرومندی برای اجتناب از مسئولیت شخصی برای هر نوع اقدامی که ممکن است بعدا مورد انتقاد قرار گیرند و هم چنین از لحاظ اعتقاد به اینکه دنیا به طور اساسی یک محل خصمانه ای است، قرار گرفته اند.

این روش ها در ترسویی بوروکراتیک فوق العاده در سطوح پایین و متوسط و سوءظن نزدیک به بیماری روحی در سطوح بالا منعکس شده است. بوروکراتهای سطح پایین و متوسط در ترس دائمی از این واقعیت بسر می برند که هرگونه اقدامی که آنها به عمل می آورند ممکن است باعث فرو ریختن خشم یک فرد قدرتمندی بر سر آنها باشد. عاقبت چنین ترسی این است که تصمیم به یک سطح بالاتری ارجاع می شود این عارضه به روشنی منعکس کننده بسیاری از نگرانی های بوروکراتهای ارشد است.

آنها می خواهند بر اقدامات مادونهای خود کنترل نهایی داشته باشند که مبادا موقعیت آنها توسط این

مادونها متزلزل شود. این خصوصیت بوروکراسی ایران سایر جنبه ها را تقویت می کند از قبیل درجه عالی تمرکز که منجر به تأخیر می شود و باعث شده است که شهرت بوروکراسی برای عدم پاسخ گویی افزایش یابد.

۱۰ بالاخره خود مردم ایران نیز به خاطر دریافت خدمات نامناسب از بوروکراتهای خود از این لحاظ قابل سرزنش هستند که هر سازمانی به طور نهایی منعکس کننده ماهیت جامعه ای است که آن را بوجود آورده است. از این لحاظ یک خصوصیت رفتار ایرانی حائز اهمیت به نظر می رسد. چنین به نظر می رسد که کمتر فرد ایرانی اهمیت روندهای معقول را که در قوانین و مقررات تعریف شده است مورد قدردانی قرار می دهد. همان طوری که یک کارمند دولت تربیت یافته در غرب گفته است بیشتر ایرانیان معتقدند که می توانند همواره راه خودشان را پیش ببرند اگر به اندازه و به مدت کافی زوزه بکشند. اگر تقاضاکنندگان روادید نمونه های نماینده معقول جامعه ایران به حساب آینده این یک نظریه ای است که مأمورین کنسولگری در اینجا می توانند روی آن صحه بگذارند. اغلب مردم در اینجا ظاهرا این اعتقاد را دارند که با کشیدن نخ صحیح یا با از بدر بردن فرد صحیح برای آنکه شخصا مراجعه کنند یا به طور ساده شخصا با شور و هیجان تقاضای کاری کنند هر چیزی را که از بوروکراسی ناشی می شود می توانند بدست بیاورند. مایه تعجب نیست که کارمندان دولت ایران به همان اندازه مأموران کنسولگری در معرض وسوسه توسل به بدعنقی در مقابل بی انضباطی عموم قرار گیرند و از پذیرفتن جواب هایی را که نمی خواهند بشوند خودداری کنند.

۱۱ در چنین اوضاع و احوالی علیرغم وعده اخیر منوچهر آزمون وزیر مشاور درباره اینکه «پس از سالها بدبختی و ناخرسندی (مردم ایران) می توانند در انتظار بر طرف شدن صحیح بدبختی باشند» بهبود پرمعنا در بوروکراسی ایران یک شبه حاصل نخواهد شد. نه تنها خود بوروکراتها باید روش های ریشه ای

متفاوتی از آنچه که تاکنون به آنها تعلق داشت برای خود بپرورانند، بلکه مردم ایران نیز باید مقدار زیادی درباره هدف قوانین و مقررات و محدودیت هایی که این قوانین و مقررات چه بر بوروکراتهایی که آنها را به مورد اجرا می گذارد و چه عموم که در معرض آن قرار گرفته تحمیل می کند، بیاموزند.

در ضمن عدم پاسخگویی بوروکراتیک احتمالاً به عنوان منبع عدم رضایت عمومی همچنان ادامه خواهد داشت و بنابراین در بافت اجتماعی و سیاسی ایران یک نقطه ضعف خواهد بود.

تامست

روش ها و موضع های سیاسی در جنوب ایران

ص: ۸۰۲

سند شماره ۶۰

تاریخ: ۲۲ سپتامبر ۱۹۷۸ اول مهر ۱۳۵۷

طبقه بندی: محرمانه

از: کنسولگری آمریکا در شیراز

به: وزارت امورخارجه

موضوع: روش ها و موضع های سیاسی در جنوب ایران

خلاصه و مقدمه: گفتگوهای اخیر با عده مختلفی از مردم در جنوب ایران یک صدایی قابل ملاحظه ای را مورد نفرت نسبت به رژیم که در رأس آن شاه قرار گرفته آشکار ساخته است ولی در مورد مسایل دیگر از جمله مقام اسلام، وحدت کمتری نشان داده شده است. عدم رضایت بدون شک عمیق است ولی به غیر از دانشجویان رادیکال چپ و متعصبین مذهبی رادیکال راست که از سرنگونی شاه و برقراری یک حکومت سخن می گویند، کمتر مردمی می توانند درباره یک راه سازنده دیگر برای حکومتی که ظرف ۱۵ سال گذشته بر سر کار بوده است با یکدیگر توافق کنند. اغلب برای انتخاباتی که آزاد از دست کاریها بوده و هر چه زودتر انجام شود تقاضا می شود. معذالک ایرانیان فکور حتی آنهایی که از رژیم کنونی شدیدا متنفرند اذعان می دارند که در غیاب فشار درباره اینکه چه کسی و تحت چه شرایطی باید انتخابات را انجام دهد، و اینکه انتخابات احتمالاً مجلسی بوجود خواهد آورد که اعضای آن قادر نخواهند بود درباره هر مسئله ای به جز تظلمات خود از حکومت های گذشته وحدت ایجاد کنند. باتوجه به چنین اوضاع و احوالی به نظر می رسد که شاه ناگزیر است که علیرغم فقدان شوق برای رهبریش به عنوان فیصله دهنده نهایی ایران همچنان به کار ادامه دهد

پایان خلاصه و مقدمه

۱ در روزهای اخیر در جنوب ایران پیدا کردن شخصی که کلمه خوبی برای شاه داشته باشد بسیار دشوار است. نمای جمعیت ایران نشان می دهد که چرا، تقریبا نیمی از همه ایرانیان از سال ۱۹۶۳ به بعد بدنیا آمده اند و این آخرین باری بود که کشور با یک بحران سیاسی و اقتصادی مهم روبرو شده بود. تقریبا۳۲ جمعیت ایران از سال ۱۹۵۳ به بعد به دنیا آمده اند و این آخرین زمانی بود که ناچارا حکومت شاه به طور جدی یک چیز امکان پذیر بود. کمتر کسی از میان این گروه از مقایسه آن زمان و این زمان تحت تأثیر قرار می گیرد در حالی که این مقایسه برای کسی که شاهد این تحول ایران از یک کشور فقر زده که حاکمیت آن از سوی کشورهای ثروتمند و با نفوذتر نادیده گرفته شده بود و نقش کلیدی را در آن تحول داشتند، بوده است، معنی عمیقی دارد. به نسلی که بعد از سال ۱۹۵۳ بدنیا آمد وعده هزاره داده شده است و مقایسه آن با این معیارها صورت می گیرد.

۲ حتی آنهایی که سنشان می رسد که آن روزگار بد سالهای ۱۹۵۳ و قبل از آن را به یاد داشته باشند، تظلماتی نسبت به رژیم دارند. این تظلمات از غیر مذهبی کردن دولت تا رخوت کارمندان عالیرتبه دولت و فرو ریختن بازار مستغلات و فساد و ادامه (و رشد) نابرابریها در جامعه ایران، دامنه دارد. شاه و مشاورینش از منابع عدم رضایت از آن نوعی که در فوق بر شمرده شد بی اطلاع نبودند و معمولاً نسبت به آنها واکنش نشان می دادند. معذالک اقداماتی که برای رفع فشار در یک زمینه به عمل می آمد، مانند کنترلها

بر احتکار و بورس بازی معاملات ملکی که برای کاهش دادن تعداد میلیونرهای یکشنبه و مسدود کردن شکاف بین ثروتمند و فقیر، زمینه هایی جدی برای سرخوردگی بوجود آورده است (یعنی در میان مالکان که البته نه همه آنها دارایی خود را از لحاظ مالکیت بر تعداد روستاها بر می شمارند و امیدوارند که املاک خود را در مقابل پول کافی بفروشند تا بتوانند فرزندان خود را به دانشگاه بفرستند و یا اندوخته ای برای بازنشستگی خود داشته باشند) در زمانهای دیگر اراده به نوسازی ایران منجر به تصمیماتی شده است (مثلاً دادن حق رأی به زنان) که معلوم بود در معرض مخالفت قرار می گیرد (یعنی از سوی محافظه کاران مذهبی).

۳ دگرگونی، همواره منافع موجود واگذار شده را در معرض تهدید قرار می دهد ولی از این نمی توان نتیجه گرفت که تغییراتی که شاه انجام داده است، از قبل تعیین شده بود که درجه ای از مخالفین را نسبت به فرمانروایی او که اکنون در میان جمعیت های ایرانی آشکار است بوجود خواهد آورد. بلکه بیشتر چنین به نظر می رسد که طرز اعمال این تغییرات اغلب بیش از خود این تغییرات یک عامل اساسی تر در واکنش نسبت به آنها بوده است، ایرانیان ظاهرا در اینکه عملاً از همه تصمیمات سیاسی ۱۵ سال اخیر خارج از میدان گذاشته شده اند شدیدا اظهار انزجار می نمایند. همان طوری که یک ایرانی میانسال، که می گفت خوب یاد دارد اوضاع در دوران مصدق چگونه بود، اظهار داشته این که حکومت یک عوارض خروجی بر ایرانیانی که قصد ترک کشور را دارند تحمیل کرده است، کمتر باعث دردسر من است تا اینکه داریوش همایون وزیر اطلاعات سابق بدون اینکه زحمت مشورت با مجلس را که اعضای آن طبق قانون اساسی باید حافظ منافع من باشند، به خود بدهد، آن تصمیم را اعلام کند. یک ایرانی دیگر که بازرگانان است ضمن اشاره به مداخله حکومت در ساعات بازو بسته بودن مغازه ها گفت: «ما ایرانی ها اغلب دارای این روحیه هستیم که (امروز کار کنیم و امروز هم بخوریم) و این میراث زمانی است که ایران هنوز یک کشور

فقیر بود، دکانداران کوچک بدین ترتیب تمایل دارند که ساعت های مناسب برای کدبانوها که عادات آنها تابع شرایط حافظه یک روز قبل است که ممکن است هنگام ظهر برای خرید نان ناهار، ندانند پولی را که برای خرید مواد لازم برای شام مورد احتیاج است از کجا خواهد آمد، به کار مشغول شوند. در عمل ما ممکن است همان هفته ای چهل ساعت را که در غرب متداول است کار کنیم ولی ما خوشمان نمی آید که از بوروکراتهای فارغ التحصیل دانشگاه هاروارد که فکر می کنند بهتر از ما می دانند بشنویم که چه چیزی برای ما بهترین است و چگونه و چه هنگامی باید کار کنیم.»

۴ ایرانیان در جنوب ایران علاوه بر عدم رضایت های مشترکی که آنها از حکومت خود دارند در مورد بیشتر مسایل دیگر، دارای نظریات مختلفی هستند. مثلاً روستاییان در حالی که عمیقا مذهبی هستند به طور کلی در شور و هیجانی که برای بازگشت آیت اللّه خمینی که در اغلب مناطق شهری روی داده است به طور کلی بی علاقه هستند آنها متمایل هستند که این مسئله را به نگرانی های اصلی خودشان از قبیل هوا و قابل دسترس بودن آب و قیمت گندم و غیره نامربوط بدانند از سوی دیگر و علیرغم مواضع فکری خویشاوندان روستایی اشخاصی که اخیرا از روستاها به شهرهایی وارد می شوند که در آنجا التهابات مذهبی روی داده اغلب در این گونه فعالیت ها چهره برجسته ای نشان داده اند. توضیح این تضاد ظاهری چنین به نظر می رسد که نتیجه بیمارگونه ای باشد که این روستاییان در کوشش برای هماهنگ کردن خود با زندگی شهری دستخوش آن می شوند. اغلب مذهب آنها تنها نهادی است که در محیط جدید آنها، برای آنها

آشنا است و آنها بدین ترتیب بشدت تحت تأثیر عوامل مذهبی قرار می گیرند که آرمانی مانند آرمان خمینی را در برگرفته است.

۵ جامعه بازرگانان نیز درباره مسئله مذهب دچار تفرقه است. آنهایی که حرارت بیشتری از خود نشان می دهند، در اعتراض به حکومت و در عزای مرگ شهدا داوطلبانه مغازه های خود را می بندد که اغلب باعث خسارات مالی فراوان آنها می شود. دیگران نیز معمولاً مغازه های خود را می بندند، ولی بیشتر از ترس عملیات تلافی جویانه به خاطر نبستن است نه اینکه به خاطر همدردی با آرمانهایی که علما در پیش گرفته اند. آنها ممکن است مذهب را بسیار جدی بگیرند و از رژیم به همان اندازه متعصبین بدشان بیاید.ولی آنها همچنین نگران کار و کسب خود نیز هستند و از برهم خوردگی هایی که تعطیل کار و کسب بوجود می آورد منزجرند.

۶ در میان اغلب اعضای نوگرای جامعه در جنوب ایران، نفرت نسبت به بنیادگرایان اسلامی شاید عمیق تر از مخالفت با رژیم باشد یک بانکدار اهوازی آنهایی را که در تظاهرات مذهبی شرکت کرده اند (و همچنین عده ای از پس مانده های بانک) را در آن شهر قلمداد که به عقل خود تحت نفوذ رهبران مذهبی که کمتر از خودشان سواد دارند حکم مرخصی داده اند، قلمداد کرد. یک افسر ارشد نظامی در شیراز روحانیون را به طور کلی بدترین عنصر در جامعه ایران معرفی کرد و بدست و پاهای تنبل که تنها به خاطر اجتناب از نظام وظیفه وارد مدارس مذهبی شده اند معرفی کرد، یک مهندس تربیت شده در آمریکا در صنایع الکترونیک ایران در شیراز در مقایسه رضاشاه (که او را تحسین می کند) با آتاتورک یک رهبر بزرگتری بود برای این که او از همه علما در ترکیه خلاص شده است در حالی که رضاشاه مرتکب این اشتباه شده است که بعضی از آنها را زنده گذاشته است. البته تسلط او بر واقعیات تاریخی ممکن است بسیار متزلزل باشد ولی او شکی باقی نگذارده است که در مورد مسایل مذهبی در چه موقعیتی قرار گرفته است.

۷ عدم اتفاق آراء درباره موقعیت و مقام اسلام به موازات عدم اتفاق در مورد مسایل سیاسی غیر مذهبی قرار گرفته است. به جز آنهایی که خواستار بیرون راندن شاه و برقراری یک جمهوری بوده اند (و این نظریه ای است که هنوز محدود به عده کوچکی از اقلیت ها در گروههای چپ افراطی و راست افراطی در جنوب ایران است). ایرانیان کمتری به نظر می رسد که راه دیگری نسبت به رهبری شاه در نظر داشته باشند.

انتقادات معمولاً محدود به نکاتی است که شاه در مورد آنها شکست خورده است و کمتر توجهی به این موضع کرده است که چگونه نارسایی های گذشته باید اصلاح شود. به طور کلی یک اجماع آراء وجود دارد که مجلس کنونی و آنهایی که ظرف ۱۵ سال اخیر در خدمت دولت بوده اند بی اعتبار هستند و بنابراین انتخابات هر چه زودتر، آزاد از دستکاری های دولت، اغلب مورد تقاضا است.

۸ معذالک ایرانیان فکور اذعان دارند که هنوز انضباط مورد لزوم برای انتخابات با نظم در کشور کمتر وجود دارد اغلب احزاب و گروه بندیهای سیاسی که در هفته های اخیر بوجود آمده اند تنها در سایه شخصیت رهبران آنها به یکدیگر چسبانده شده اند. باتوجه به این اوضاع و احوال این ایرانیان اذعان دارند که انتخابات بدون محدودیت ها درباره اینکه چه کسی می تواند در انتخابات شرکت کند و اندازه احزابی که می توانند نامزدهای قابلی به مجلس بفرستند کدام خواهد بود احتمالاً مجلسی بوجود می آید که اعضای آن مجموعه ای از احزاب کوچک و ناتوان به وحدت بخشیدن درباره هرگونه مسئله ای غیر از بی کفایتی

حکومت های گذشته می توان گفت که این راه دیگری به جای شاه است.

۹ خلاصه، ایران با یک دو راهی دشواری مواجه شده است. اگر جنوب ایران به عنوان نماینده بقیه کشور به عنوان نمونه فرض شود اغلب ایرانیان از ماهیت رهبری که آنها دارند ناراضیند ولی آنها نمی توانند درباره آنچه که می خواهند به جای آن باشد با یکدیگر به توافق برسند. علاوه بر این به جز راه یک انقلاب خشونت بار و تحمیل رژیمی که به احتمال قوی به همان اندازه رژیم شاه خودکامه خواهد بود ایرانیان به نظر نمی رسد که در چنین لحظه ای انضباط شخصی کافی برای پیدا کردن راه چاره ای از وضع کنونی خودشان داشته باشند. بدین ترتیب چنین به نظر می رسد که باتوجه به این کمبود شاه همچنان داور نهایی آینده سیاسی ایران خواهد بود.

خلاصه مذاکرات هیئت مسایل مملکتی

سند شماره ۱ سند شماره ۶۱

محرمانه

خلاصه مذاکرات هیئت مسایل مملکتی

۴ اکتبر ۱۹۷۸ ۱۲ مهر ۱۳۵۷

سفیر با دادن دیدگاههای خودش از صحنه سیاسی داخلی جلسه را شروع کرد، این هفته به خاطر ۳ حادثه بزرگ، دولت با یک جو سیاسی متشنج روبرو شد. عکس العمل هایی در قبال محاصره خانه خمینی در عراق، افزایش اخیر اعتصابات صنعتی و تظاهرات در مناطقی که در آن حکومت نظامی نبود. سفیر در این هفته دو بار نخست وزیر را دیده و در این دیدارها این حوادث مورد بحث بوده اند. سفیر، سولیوان پیش بینی می کند که موقعیت هایی برای ناآرامیهای بیشتر در هفته آینده وجود دارد، زیرا مجلس روز جمعه باز می شود و کلاس های دانشگاهها به طور آزمایشی دوباره شروع می شود. سفیر با هر دو نفر آقایان انصاری و هویدا ملاقات خواهد کرد و جویای نظریات آنها در مورد سیاست های جاری ایران خواهد شد. سپس سفیر چند نتیجه از ارتباطات اخیر را عنوان کرد.

... وزیر امورخارجه ونس ملاقات خوبی با وزیر امورخارجه ایران افشار، داشت. آقای افشار در نیویورک با عراقی ها صحبت کرده و به نظر می آید که روابط ایران با عراق به طور قابل توجهی مسالمت آمیز شده.

... سفیر شنیده که نروژیها از معامله گاز خارج شده اند، بخش اقتصادی در این مورد تحقیق خواهد کرد.

... سفیر تا حدی در مورد قوانین ما در مورد فروش ماشین های خصوصی نگران است. اداره شما را در جریان قوانین موجود علیه سودجویی در فروش ماشین های خصوصی قرار خواهد داد.

... تعداد زیادی از ملاقات کنندگان ما با ندادن توضیحات کافی در مورد سفرشان و برنامه ریزیشان ما را همچنان در بلاتکلیفی نگه می دارند. سپس رؤسای بخش ها خبرهای خود را در مورد عملیاتشان گزارش دادند.

آقای شلنبرگر گفت که ثبت نام برای کلاسهای زبان IAS بیشتر از حدی بود که حتی آنها می توانستند خوابش را ببینند (یا خواب وحشتناک!). در نتیجه مشکل کمبود معلم بدتر شده، نمایشگاه هنری تهران ۷۸ و نمایشگاه دکوننیک منتفی شده اند.

ژنرال گست، ژنرال استون رئیس جدید ارتش را معرفی کرد. ژنرال گست گزارشی داد که مشمولین وظیفه در گارد شاهنشاهی خدمت نمی کنند، ولی ممکن است در تیپ لجستیکی خدمت کنند.

... آقای جان میلز درباره اعتصابات اخیر گزارش داد، بانک ملی و شرکت تلفن آرام و مستقر شده اند. ولی هنوز به شرکت ملی نفت ایران اطمینانی نیست، آقای میلز این طور پیش بینی کرد که آرام کردن اعتصابات با وعده های مالی گرانقیمت مطمئنا نتایج بسیار بد اقتصادی به دنبال خواهد داشت زیرا که منافع حقوق های جدید به تمام کارمندان دولت اضافه می شود.

آقای رینو اشاره کرد که رقم های تقریبی نهایی در نمایشگاه کالاهای تجارتی کاملاً رضایتبخش است. اکثر شرکت کنندگان امریکایی در نمایشگاه کالاهای تجارتی متوجه شده اند که شرکت شان سودآور بوده.

آقای لمبراکیس در مورد وضعیت سیاسی بحث نمود. او اشاره کرد که تعداد زیادی احزاب جدید سیاسی تشکیل شده اند. یک ناشر جدید در روزنامه فارسی زبان کیهان سرکار آمده. به نظر می آید که ناشر قبلی به خاطر طرز برخورد و اهمیتی که کیهان به وضعیت خمینی در عراق داده از کارش برکنار شده.

آقای نیلی گزارش داد که نگرانی ها و بحث های زیادی در حوزه های کشاورزی، در مورد افزایش قیمت های مواد غذایی وجود دارد.

آقای آلدر اظهار داشت که قصد دارد با یک تیم کمک های عمومی دولت ایالات متحده سفری به منطقه طبس بنمایند. گروهی سعی دارد که یک هلیکوپتر تأمین کند تا قدرت نظاره کردن بر زلزله را داشته باشد.

بدبینی در مورد ثبات ایران

ص: ۸۰۸

سند شماره ۶۲

وزارت امورخارجه

محرمانه

تاریخ: ۴ اکتبر ۱۹۷۸ ۱۲ مهر ۱۳۵۷

یادداشت

از: تئودور. اچ. موردن (مشاور هیئت برنامه ریزی سیاسی)

به: آقای پاول کریسبرگ

آقای آرنولد رافل

آقای پتر ویلسون

آقای فیلیپ کاپلان

موضوع: بدبینی در مورد ثبات ایران

خلاصه: یک مقام جوان و... ایرانی (رجوع شود به ورقه جدا شده) که اخیرا از تهران بازگشت تصویر شومی از عدم ثبات در این کشور به دنبال تصویب حکومت نظامی و آتش سوزی سینما ترسیم کرده است. این مرد که معمولاً رو به ترقی به نظر می رسید، به طور روشنی از شکننده بودن رژیم تکان خورده بود در زیر ملاحظات و تجزیه و تحلیل او از اینکه چه نوع سیاست هایی برای برقراری ثبات در میان مدت، لازم است ارائه می شود.

۱ شکننده بودن رژیم در ایران در مطبوعات غربی و از سوی مقامات ارشد آمریکایی به طور چشمگیری... گرفته شده است (نمونه ها ذکر شده است) نیاز غرب به شاه نیروی آمریکاییها را در مقابل این واقعیت که سیستم ایران با وزارتخانه عریض و طویل و تسلیحات مدرن و صنایع نمایشی یک صدف

توخالی است، نابینا کرده است.

۲ در پایان ماه اوت و دو هفته... ماه سپتامبر بلندمرتبه ترین اعضای حکومت ایران (در سطح کابینه و بالاتر از آن) کاملاً فلج شده و در پشت پنجره های کرکره دار قدم می زدند، گویی مانند اعیان و اشراف در انتظار احضار یک روبسپیر ناشناس برای رفتن به سوی گیوتین بودند.

۳ همه اشخاص در تهران به حالت عصبی از یک کودتای ارتشی صحبت می کنند. معذالک خطر فوری از یک فرقه تازه به دوران رسیده در دستگاه ارتش نیست بلکه از، از دست رفتن مشروعیت تمامی رژیم سرچشمه می گیرد که سربازان وفادار به آن از شلیک به سوی مردم عادی که در حال تظاهرات آیاتی از قرآن را تلاوت می کنند خودداری می کنند و یا قاطعانه علیه چنین دستوری عمل می کنند. این امر نفوذ و اعتبار شاه را با قاطعیت بیشتری از توطئه های سرهنگ ها، از میان می برد و (برخلاف سرهنگ ها) حفاظی برابر خود ندارد و در مقابل آن نمی توان نقشه ای طرح کرد.

۴ فشارهایی که ایران دچار آن است ناشی از تکان شدید فرهنگی نوسازی و انتظارات غلوآمیز درباره رشد اقتصادی و واقعیت زیربنای ناچیز اجتماعی است، نزدیک ترین علت آشوب های ایران، ناشی از هجوم سیل وار مهاجرین از دهات به حومه های پر جمعیت شهرها است.

طریقه کوتاه مدت پاسخگویی به شکوه های مردم این بوده است که وعده های بیشتری بدهند (مثلاً وزیر آموزش و پرورش و عده ۱۸۰۰۰ خانه برای معلمین داده است). این بدترین نتیجه قابل تصور

می باشد زیرا (الف) برای تحقق امکان پذیر نیست و (ب) خواست های دیگران را باشکوه بر می انگیزد.

۶ هرگونه برنامه واقعی دراز مدت جهت ثبات در ایران باید خودخواهی ها و ساخت قدرت اسلام سنتی را تسکین دهد زیرا اسلام سنتی به خواستهای واقعی (غربی) جهت فاضلاب و راهها و خانه ها و خدمات پاسخ می گوید و همچنین جریان هجوم سیل آسای مهاجرین به شهرها را مهار کند (محدودیت اخیر مالیات بر تولیدات کشاورزی گامی در جهت درست بود) و همچنین باید یک حزب سیاسی برای پشتیبانی از سوی گروههای طبقه متوسط پایین تر که از برنامه های دولت سود می برند ایجاد کند. در حال حاضر آن طوری که اوضاع و احوال نشان می دهد اشخاصی که از شاه پشتیبانی می کنند به هیچ وجه قادر به اقدام نیستند. در واقع نگاهی به گذشته نشان می دهد که شکست در سرو صورت دادن به حزب رستاخیز بزرگترین شکست شاه به شمار می رود.

۷ ناپدید شدن شاه فاجعه بزرگی خواهد بود، نه تنها بدان علت که یک نفر مانند قذافی ممکن است قدرت را بدست گرفته و یک حکومت رادیکال منسجم سازمان دهد، بلکه بدان علت که رهبر دیگری با نیروی جاذبه یا قدرت سبع حیوان صفتانه که بتواند ایران را به نحو منسجمی اداره کند وجود نخواهد داشت. ایران بدون شاه شاید شاهد کودتا پس از کودتا باشد و امواج ناآرامی، نیروی کشور را به زوال بکشاند و ظرفیت کشو را برای هرگونه منطقه ای از میان ببرد.

دولت شریف امامی، تحلیل و طرح

ص: ۸۱۰

شماره ۶۳

تاریخ: ۱۶ اکتبر ۱۹۷۸ ۲۴ مهر ۱۳۵۷

شماره: ۱۰۰۶۱

طبقه بندی: محرمانه

از: سفارت آمریکا در تهران

به: وزارت امورخارجه واشنگتن

موضوع: دولت شریف امامی، تحلیل و طرح

خلاصه: این اولین برگ از سری تلگرافهایی است که عوامل مهم مرتبط با وضع داخلی ایران را تحلیل می کند. دولت آشتی شریف امامی با مواجه با محذور حکومت نظامی کار خود شروع کرد و هنوز در تقلای حل مشکلات ناآرامی های داخلی است که با هدایت رهبران مذهبی ایران و همکاری گروه گسترده ای از شاکیان سیاسی اقتصادی جریان دارد. این دولت با تهیه پیش نویس قوانین آزادی مطبوعات، اداره دانشگاهها و اجتماع که بلافاصله با انتقاد شدید روبرو گشت که این قوانین از قوانین مشمول اصلاح قبل بدتر هستند، بدجوری ضربه خورد. معهذا، دولت می خواهد پایداری کند و امتیازاتی به رهبران مذهبی که (فعلاً سعی در مذاکره با ایشان دارد) داده است، افزایش دستمزد را برای آرامش کارکنان داخلی و دولتی تأیید نموده، فشار مبارز ضد فساد را براساس درخواست مجلس و مردم برای تنبیه سودجویان به عمل آورده است.

شکست مذاکرات با رهبران مذهبی محققا به سقوط زودرس دولت می انجامد و حتی وصول توافقی در این مورد تضمینی برای ادامه حکومت نیست. ضعف آشکار شده دولت ایران در آینده نگری به اضافه مسایل خدمت به یک آقای سخت گیر به صورت شاه و هماهنگ کردن خود با مدیریت جداگانه حکومت

نظامی باعث ایجاد مسایل فرعی زیادی گردیده است. ادامه وضع منجر به تولید ناآرامی که در حد کنترل رهبران مذهبی نیست می گردد. هرگونه تلاش که به درگیریهای خونین بیانجامد، امکان دارد رهبران مذهبی را وادار به نقض مصالح نماید. پایان خلاصه

۱ در مواجهه با اعتراضات به مقیاس وسیع به رهبری محافظه کاران مذهبی، شاه دولت تکنوکرات آموزگار را برکنار کرد (۲۷ اوت) و دولت جدید شریف امامی تشکیل شد. مأموریتش آرام کردن و همکاری با مذهبیون و عوامل دیگر مردمی که در تظاهرات وسیع دست دارند بود. کابینه جدید ترکیبی از مهارت و تجربه است. سن متوسط هیئت دولت نسبت به قبل بیشتر بوده و کمتر تحصیل کرده آمریکا هستند.

برخی سابقه عضویت حزب توده دارند. شریف امامی قبلاً خود نخست وزیر بوده و شش تن از وزیرانش در زمینه اقتصادی از کابینه قبلی منتقل شده اند. دیگران سیاستمداران مسن تری هستند که به مسایل مردم بیشتر توجه دارند. به عنوان یک برخورد سمبلیک وزیر امور زنان حذف شده. سازمان اوقاف تحت ریاست کنی که بین عناصر مذهبی خیلی شناخته شده است، به سطح وزارت ارتقاء داده شده است.

شریف امامی خود از خانواده ای مذهبی بوده و همانند آزمون وزیر امور اجرایی وابستگی مذهبی دارد. آنها با تمام احوال به شاه وفادار بوده و نخست وزیر شخصا تقرب خاصی به شاه دارد. هر چند اعتبار مذهبی شریف امامی و آزمون بین مجامع روحانیت مبارز مورد سؤال بوده و معتقدند که رفتار غیر مذهبی

و حتی شهرت فساد آنها وجهه مذهبی آنها را خدشه دار کرده است.

۲ در مراسم معرفی دولت به شاه گفته شد که اختیارات بیشتری درخواست و حاصل شده و احتمال انتقال کابینه به دولت قوی تر وجود دارد. او واقعا اقدام به خنثی کردن انفجار آمیزترین مسئله نمود و در زمینه مذهبی امتیازاتی داد. تقویم هجری به جای تقویم شاهنشاهی پهلوی (که تازه معرفی شده بود) به کار گرفته شد، کازینوهای قمار بسته شد، اعضای کمی از بهائیها و دیگر عناصر مشکوک مرتبط به آنها مورد تنفر شیعه اصولی (مثل هویدا) کنار گذاشته شدند. و خواهر تنی اشرف که شکایات فراوانی از او شده از اخبار حذف شد.

در واقع اکثر وابستگان خاندان سلطنتی (که متهم به فساد بودند) کشور را ترک کرند. فقط شهبانو در مراسم عمومی با شاه حضور یافت.

۳ متأسفانه روحیه شریف امامی در اثر تظاهرات وسیع تهران در آخر رمضان که ارتش، دولت و شاه را تا حد برقراری حکومت نظامی در ۱۱ شهر (علاوه بر اصفهان) ترساند، شدیدا ضربه خورد. اولین برخورد ارتش با تظاهرات در میدان ژاله تهران (۱۸ سپتامبر) منجر به قتل تعداد کثیری گردید. این «قتل عام» رهبران مذهبی محافظه کار را نیز برعلیه شریف امامی برانگیخت و او نتوانسته از این ضربه بهبود پیدا کند.

۴ برنامه اساسی دیگر شریف امامی مبارزه با فساد است، وزیر پیشین بهداری (دولت های هویدا و آموزگار) متهم گردیده و برعلیه کارمندان عالیرتبه دیگری نیز اقدام گردید. هدفهای بعدی، بازپرسی تاجران بزرگ بود (از یکی از نمایندگان سلب مصونیت گردید) و سخن از لیست هزار نفری برای بازجویی و صدها نفر که حق خروج از کشور ندارند است. وزیر دادگستری باهری (عضو حزب توده در جوانی) اعلام کرده که اقدامات قانونی وقت گیر بوده و اثبات اعمال خطا در اغلب مسایل مشکل است. موضوع اقامه دعوی علیه ارتشبد نصیری رئیس ساواک به دادگاه نظامی محول شد. وزیر دربار جدید اردلان (به

جای هویدا) با جنجال فراوان اعلام کرد که شاه خاندانش را از مشارکت در معاملات تجاری محروم کرده است. تمام این قضایا با تردید از نظر عمومی مردم و پارلمان می گذشت که اغلب نمایندگان محافظه کار وفادار به دستگاه شروع به حمله به دولت سابق در زمینه فساد و عدم کفایت اداری کرد.

۵ در زمینه سیاسی دولت شریف امامی جدی ولی ناشیانه بر خورد کرده است. دولت با تأنی سقوط تنها حزب حاکم (رستاخیز) را باعث گردید و جایگزینی گروههای متعدد و احزاب را در جهت انتخابات آزادی که شاه قول داده در ژوئن آینده صورت پذیرد تشویق کرده است. مطبوعات پس از سالها اختناق و سانسور شدید آشکار و نهان به طور شگفت انگیزی آزاد شده اند. برنامه های زنده رادیو تلویزیونی ضد دولتی از پارلمان پخش شد. چند روز سانسور حکومت نظامی (۱۲ ۱۴ اکتبر) منجر به قول آزادی های تضمین شده مطبوعات از سوی شریف امامی گردید. دولت لایحه سه قانون دولتی، آزادی مطبوعات، استقلال دانشگاهها و آزادی اجتماعات را با قید فوریت به مجلس داده، متأسفانه دو قلم اینها از سوی دولت قبلی تهیه شده بود و هیچ یک به نظر موکلین مشمول آن قوانین نرسیده بودند، به همین جهت اعتراض مطبوعات، ادارات دانشگاهی و وکلا، اعضای مجلس متفقا در اعتراض به محدودیت بیشتر این قوانین به جای آزادی بیشتر بلند شد که در اثر این انتقادات و علیرغم فوائد احتمالی آنها، هر سه قانون در پارلمان با زحمت روبرو شده و برای مطالعه و بحث بیشتر و اصلاح اعاده گردید. این موضوع اعتبار شکننده دولت جدید را در هم ریخت.

۶ کوشش های دولت برای اجتناب از برخورد اقتصادی به علت ایجاد اعتصابات کارکنان دولت، مناطق نفتی، و دیگر کارگران صنعتی بدفرجام بود و با روحیه اصلاح طلبانه ای، دولت به سرعت خواسته های اقتصادی را به صورت مضاعف کردن دستمزد کارگران انجام داد که منجر به اعتصاب کارکنان بخش خصوصی برای خواسته های مشابهی گردید. این عمل نیز احتمالاً منتهی به افزایش حقوق کارکنان شرکت های شخصی خواهد گردید و بدین ترتیب علیرغم نتیجه ای که دولت از تقلیل بودجه دفاعی و دست زدن به برنامه های اقتصادی وسیع مانند توقف خریدهای آتی راکتورهای اتمی برای کاستن بخشی از تورم دارد، یک دور تورم آمیز آغاز شده است.

۷ تمام این پس رفتن ها و خطاها همراه با انتقاد پارلمان و مردم طبعا باعث درگیری در کابینه که خود یک مجمع فاقد امید شده است، علیرغم ناخشنودی مسئولین وزارتخانه های اقتصادی و دیگر خصومت های شخصی فقط دو استعفا انجام شده، یکی وزیر بهداری که بلافاصله تعویض شد، و دیگر وزیر علوم و آموزش عالی (که استعفا او هنوز بر ملا نشده) امکان استعفاهای دیگر را نمی توان نفی کرد. خصوصا باتوجه به انتقادات پراکنده پارلمانی و دیگران که اتهامات ایراد شده آنها مبنی بر بی کفایتی و فساد می تواند به مصادر حاضر امر نیز مانند بسیاری از اسلاف آنها نسبت پیدا کند. ولی شاه مصمم به تغییراتی در نخست وزیر نبوده و ما در انتظار کوشش های جدی برای مسکوت گذاردن درگیریهای کابینه هستیم.

۸ مشکل جدی دولت اینک در اواسط اکتبر خاتمه دادن به بی نظمی توسعه یافته در شهرها و دهات ایران است که باعث تلفاتی از متظاهرین و نیروی پلیس شده است. یک عامل مهم ناآرامی گسترده دانشجویان که اغلب حمایت اعضای دانشکده ها را نیز با خود دارد و اخیرا به دبیرستانها و معلمین سرایت کرده است. خط مشی دولت مذاکره آرام با رهبران مذهبی و سیاسیون مخالف در عین حال و کنترل نمودن

اغتشاش بوده و به این امید که باعث انزوای اخلال گران که وابسته به گروههای افراطی هستند بشود.

کوشش هایی غیرمستقیم برای قانع کردن خمینی صورت می پذیرد. در صورت موفقیت این کوشش ها راه درازی را برای تفاهم با مشکلات مشابه دولت با دانشگاهها و گروههای دانشجویی وجود دارد. واضح است که هدف دولت اجتناب از گسترش حکومت نظامی و در واقع پایان دادن هر چه زودتر آن قبل از انتخابات تابستان سال آینده است.

۹ پس از گذشت دو ماه از تصدی امر در دوران اغتشاشات ناگهانی، دولت شریف امامی عملکرد اشتباهی ارائه داده و گرچه ظاهرا می خواهد او را برای آینده نزدیک بر سر کار نگهدارد ولی هنوز به صورت عامل انتقالی مختصری به آن نگاه می کند. ملت در ماههای گذشته از ریشه تکان خورد و هیچ دولت دوره جدید خاطره ای از مشکلات چنین پیچیده و انفجاری نداشته است، به علاوه نخست وزیر مجبور بوده که در داخل دستگاه خود با یک شاه خودنگر، دور از وقایع و اغلب خود رأی و همچنین فرماندهی عالی نظامی خشمگین، بی قرار و گاهگاه خشن وفق دهد. محدودیت حوزه عمل او در وضعیت کنونی بسیار آشکار است.

۱۰ اگر شریف امامی به حصول تفاهم با رهبران مذهبی در جریان مذاکرات نایل شود، یک قدم بزرگ در جهت سکون سیاسی برداشته است. واضح است که این کوشش می بایست برای او در درجه اول قرار گیرد. ولی دولت او با قصور در توجه به عواقب اقدامات شتابزده و ناگهانیش خود را انگشت نما کرده است.

با کوشش در جهت جلب رضایت اقشار گوناگون مردم توسط رشدهای سریع (از قبیل بالا بردن فوق العاده دستمزدها، ارائه مواد نامناسب به مقننه و غیره)

دولت ایران سهوا به ایجاد عکس العمل های خشمگینانه دیگر مدد رسانه است. این اعمال به مشکل بزرگ دولت در هماهنگ کردن خود با احوال شاه و اقدامات ارتش افزوده می شوند و می توانند به تضعیف اثر موفقیت های احتمالی دولت در مذاکراتش با رهبران مذهبی کمک نمایند.

۱۱ سؤال دیگر این است که آیا رهبران مذهبی قادر به کنترل مهار یا اداره کامل بی نظمی های گسترده هستند؟ ایشان امسال رهبری ناآرامی ها را داشتند و باید دید که آیا باتوجه به عناصر متعدد مستقل جمعیت که اینک در پی منافع خود آشوب ایجاد می کنند آنها می توانند جهت جریان را دگرگون سازند. اگر رهبران مذهبی نتوانند در این جهات کاملاً مؤثر واقع شوند، دولت مجبور خواهد شد که با اغتششات مقابله کند و سرکوب شدید آنها می تواند باعث خونریزی شود و لذا رهبران مذهبی را دوباره به خاطر حفظ وجهه شان در میان مردم به میدان جنگ بکشاند.

سولیوان

ارزیابی اطلاعاتی درباره ایران

سند شماره ۶۴

طبقه بندی: سری

ارزیابی اطلاعاتی درباره ایران

فهرست مطالب

حکومت نظامی

کنترل غیر نظامی

سری غیر قابل دسترسی برای خارجیان

بحث

۱ زمینه ناآرامی کنونی

ایران در سال ۱۹۷۸ دچار آشوب سیاسی و ناآرامی های داخلی جدی تری از هر زمانی در دوران سلطنت ۳۷ ساله محمد رضاشاه پهلوی است. آنچه طنزآمیز به نظر می رسد این است که ناآرامی که موقعیت شاه را تهدید می کند به اندازه زیادی ناشی از موفقیت او در پیشبرد تغییرات اجتماعی و رشد اقتصادی در جامعه سنت گرای ایران بوده است.

این تغییر به اندازه ای سریع بود، که از توانایی نهادهای اجتماعی اقتصادی و سیاسی کشور برای انطباق خود با آن پیشی جسته است. اثر جمیع مشکلات جدی ناشی از هر یک از این زمینه ها بوده است که تصاعد تظاهرات خیابانی را که منجر به اعلام حکومت نظامی در سپتامبر ۱۹۷۸ تسریع کرده و می توان گفت که یک تحول ناهنجار که مخالف میل مردم بوده باعث بوجود آمدن آن شده است. علیرغم حکومت نظامی ناآرامی عمومی ادامه یافته و در واقع مشکل های جدیدی از قبیل متوقف شدن وسیع کار و

تحریم های دانشجویی و دانش آموزی به خود گرفته است.

بدبختی های اجتماعی

مدرنیزه شدن سریع جامعه ایران در ۱۵ سال اخیر منافع قابل ملاحظه ای برای جمعیت ایران آورده است چه در زمینه تعلیم و تربیت و چه در خدمات پزشکی ولی در عین حال باعث شده است که اختلال هایی جدی بوجود آورد که به طور مستقیم به ناآرامی های داخلی کمک کرده اند. انقلاب سفید شاه که رسما از سال ۱۹۶۳ آغاز شد و بعدا نام انقلاب شاه و ملت را گرفت تغییرات اساسی ولی ناقص در قشرهای پایه ای جامعه ایران ایجاد کرد که از جمله آنها مالکیت زمین، رشد زندگی روستایی و توزیع آب و سیستم دادگاهها و تعلیم و تربیت و خدمات پزشکی و نقش روحانیون و زنان بوده است. اثرات اجتماعی صنعتی کردن سریع و در واقع اجباری و ظهور تسریع شده یک طبقه متوسط مدرن و جریان فزاینده سریع شهرنشینی را باید به اثرات بر هم زننده این اصلاحات افزود.

آنهایی که اکنون شاه را به مبارزه طلبیده و درپی آنند تا نظام سیای ایران را اصلاح یا جایگزین کنند از گروهی برخاستند که از دگرگونی جامعه و به ویژه تعداد فزاینده جوانان تحصیلکرده سود برده اند و همچنین از میان گروهایی که فاقد هرگونه امتیازی بوده و به ویژه مهاجرین بدون مهارت به مناطق شهری تشکیل شده اند. هر دو مقوله حتی اگر به نظر بگیریم که تنها در معرض تأثیر رسانه های گروهی قرار گرفته اند تا اندازه ای اندیشه ها و ارزش های مدرن و غیر مذهبی را از آن خود کرده اند و این امر آنها را برای زندگی در یک محیط خشن غیر مشخص شهری عاجز ساخته است و آنها را برآن داشته است تا هرگونه حاکمیت و اعتباری را از جمله حاکمیت شاه یا اسلام سنتی را به مبارزه بطلبند این تحول اخیر وسیله ای بوده است تا تمایل نیرومند رهبران با نفوذ مذهبی را برای مخالفت با نوسازی تقویت کند.

دشواریهای اقتصادی

تا اواخر رشد مداوم و سریع، اقتصاد ایران ظاهرا قادر به نظر می رسید تا پیشرفت مادی کافی را برای غلبه بر اثرات سوء مشکلات فزاینده اجتماعی تأمین کند. ولی اکنون حکومت و مردم ایران آگاهند که منافع بدست آورده اقتصادی به خوبی توزیع نشده است و این که سودهای آینده به این آسانی سرازیر نخواهند شد و اینکه کیفیت همگانی زندگی ممکن است بهبود نیابد و حتی در زمینه هایی که اقتصاد سیار سریع رشد کرده است. به دلیل اینکه آرزوهای واقعی همه طبقات از امتیازات مادی که بدست آورده اند فراتر رفته است و علاوه بر این اثرات سیاسی اوضاع اقتصادی بیش از خود واقعیت اقتصادی که عبارت از این است که این واقعیت که یک نفر ایرانی نمونه اکنون از یک سطح زندگی بالاتری از هر زمانی در گذشت برخوردار است، آشوب انگیزتر است. موارد گله ها درباره تورم، فساد و توزیع فزاینده نابرابر ثروت و هم چنین نیازهای مشخصی مانند مسکن، غذا، حمل و نقل، کار و خدمات اساسی عمومی دور می زند.

دشواریهای اقتصادی که به ناآرامی کنونی کمک کرده است در درجه اول ناشی از طرح های جاه طلبانه صنعتی کردن کشور در اوایل و اواسط دهه ۱۹۷۰ بوده است. مثلاً برنامه سرمایه گذاری ۵ ساله سالهای ۷۸ ۱۹۷۳ که براساس درآمدهای پیش بینش شده نفتی تنظیم شده بود(باتوجه به این که در سالهای ۷۴ ۱۹۷۳ قیمت های نفت چهار برابر شده بود) شامل ۷۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری در طرح های رشد

اقتصادی بوده است. در دوران ۷۶ ۱۹۷۰ ایران از نرخ رشد تولید ناخالصی ملی سالیانه ۱۰٪ برخوردار بود ولی در عین حال دچار مشکلات مربوط به آن نیز شده بود که عبارتند از کمبود کارگر ماهر و بعضی کالاها، انبارها، بنادر و تأسیسات توزیع داخل پیش از اندازه انباشته شده و تأخیرهای جدی ناشی از دیوانسالاری و تورم فزاینده (۲۴ درصد در سال ۱۹۷۷) و غفلت نسبی در زمینه کشاورزی و بخش خصوصی. این موج فراوانی در سال ۱۹۷۷ متوقف شد و در آن هنگام نرخ رشد متوسط تولید ناخالص ملی به کمتر از ۳٪ رسید و هدف های محقرانه تری در نظر گرفته شد ولی زیان سیاسی به ویژه در میان کارگران شهری و پیشه وران خرده پا و صنعتگران کار خود را کرده بود.

بن بست سیاسی

نظام سیاسی ایران نتوانسته است بنحو مؤثری به هجوم تقاضاهایی که ناشی از مشکلات متعدد اجتماعی و اقتصادی کشور بود، پاسخ مثبتی بدهد. آنچه موجب تضادهای ضد و نقیض می شود این است که شاه و حکومت اکنون دستخوش عواقب فرمانروایی درازمدت خودکامانه او شده اند که کمتر فرصت برای مشارکت عموم داده است و همچنین شاه دستخوش لیبرالیزه کردن سیاسی شده است که تظلمات بیان شود و این امر به ناآرامی های جدی منجر شده است، برنامه لیبرالیزه کردنی که شاه در سال گذشته آغاز کرده در واقع به مطبوعات آزادی قابل ملاحظه ای داده است و اجازه تشکیل احزاب سیاسی را غیر از حزب رسمی رستاخیز و وعده انتخابات آزاد در سال ۱۹۷۹ داده است.

علاوه براین این برنامه همراه با کاهش محسوسی در بکار بردن روش های پلیسی ساواک و سایر بنگاهها برای خبرگیری و کنترل فعالیت های سیاسی بوده است. در نتیجه این برچیده شدن مهارها و محدودیت ها، بیان سیاسی از سوی گروههای وسیعی از مردم اعم از وفادار یا مخالف مانند قارچ روئیده و بطوری که ورای توانایی نهادهای رسمی تضعیف شده کشور و برای مقابله با آن شده است. نه دولت هنوز

آن آمادگی را که برای پذیرفتن وظایف و مسئولیت های یک نظام سیاسی دمکراتیک لازم است، ندارند.

حزب رستاخیز عملاً در میان این آشوب از هم متلاشی شده است و مجلس هر چند به عنوان یک تریبون بحث در اطراف مشکلات کشور بیشتر از هر زمانی از سالهای ۱۹۵۰ فعال تر بوده است و بنابراین به عنوان یک سوپاپ اطمینان مورد استفاده قرار گرفته، نتوانسته است راه حل های مؤثری برای رهایی از این بلاتکلیفی سیاسی یا رهبری در مقابله با آن فراهم کند بنابراین بار سنگین تماما بر روی شاه (و بر روی حکومت جدید و به طور کلی ضعیف، جعفر شریف امامی نخست وزیر) برای متعادل کردن لزوم نظم عمومی با ضرورت یک راه حل سیاسی افتاده است. رهبران ارشد نظامی برای شق اول اصرار دارند در حالی که مخالفین غیرنظامی خواستار شق اخیر هستند.

مخالفین غیرنظامی که علم مبارزه را بر افراشته اند دارای دو عنصر اساسی هستند یعنی جانشینان دست چپی جبهه ملی سالهای ۱۹۵۰ که اکنون تا میزان محدودی تحت نام نهضت آزادی ایران فعالیت می کنند و جامعه محافظه کار مذهبی شیعه میلیون نیروی خود را از روشنفکران طبقه متوسط طبقه بالای شهرها کسب می کنند و به طور کلی با حکومت خودکامه مخالفند. در حالی که مخالفان مذهبی از طبقات پایین و پایین متوسط برخوردارند و در درجه اول با سیاست های اصلاح طلبانه شاه که وضع مذهب را در کشور تهدید می کند مخالفند، علاوه اینها مخالفین سازمان یافته شامل مجاهدین خلق که عضویت خود را

از میان مخالفان مذهبی تکمیل می کند و چریک های فدایی خلق که دارای گرایش چپ است و از میان دانشجویان دانشگاه سربازگیری می کند و همچنین حزب توده (کمونیست). رهبران مذهبی، به ویژه چهره هایی مانند آیت اللّه روح اللّه خمینی تبعید شده و آیت اللّه شریعتمداری از شهر قم نفوذ بزرگی بر روی توده ها دارند و به سرعت می توانند آنها را بسیج کنند ولی در گذشته آنها توانایی محدودی برای سازمان دادن خود و پیروان خویش نشان داده اند. احزاب چپ گرا و گروههای تروریستی بهتر سازمان یافته اند ولی پیروان کمتری دارند. رهبران چندین گروه مخالف لزوم تشریک مساعی با یکدیگر را احساس می کنند ولی تاکتیک ها و اهداف متفاوت آنها که در زیر درباره آنها بحث خواهد شد همکاری مؤثر را غیرممکن ساخته است.

۲ چشم انداز کوتاه مدت

دورانی که به اواسط سال ۱۹۷۹ ختم می شود احتمالاً، در تعیین توانایی شاه به حفظ قدرت و اختیارات سلسله پهلوی و نظام موجود سیاسی ایران، در یک شکل تضعیف شده که بتواند مانند گذشته انجام وظیفه کنند، دوران بحرانی خواهد بود شاه در این چهارچوب زمانی، ضرورتا باید قدرت تصمیم و توانایی خود را برای حفظ نظم کشور نشان دهد زیرا هرچند حکومت نظامی را می توان به ماورای تاریخ انقضای آن در مارس ۱۹۷۹ تمدید کرد چنین کاری موضع شاه را باز هم بیشتر تضعیف خواهد کرد و این منزله آن خواهد بود که شاه به طور ضمنی به ناتوانی خود برای برقراری مجدد ثبات و اعتماد اعتراف کرده است. علاوه بر این شاه وعده داده است که انتخابات چهار ساله مجلس که تاریخ آن تابستان ۱۹۷۹ است انجام خواهد گرفت و آزاد خواهد بود، وفا کردن به این تعهد مستلزم دادن امتیازات بی سابقه ای چه از جانب شاه و چه از جانب مخالفین عمده او خواهد بود. اگر شاه بتواند پاسخگوی این... مبارزه جویی باشد مهلتی برای خویش بدست خواهد آورد ولی اگر موفق نشود موقعیت او به تدریج و بنحو متصاعدی متزلزل

خواهد شد.

تحمیل حکومت نظامی

شاه و حکومت در کوشش برای حفظ نظم مدنی در ماههای آینده حتی در شرایط حکومت نظامی با دشواریهای بزرگی مواجه خواهد شد، هر چند ثبات نسبی از ماه سپتامبر در تهران و یازده شهر دیگری که حکومت نظامی در آن برقرار شده به چشم می خورد، معذالك آشوب های داخلی و حوادث تروریستی در سراسر کشور توسعه یافته و دست کشیدن از کار باعث تعطیل شدن مؤسسات متعدد دولتی و بعضی از مؤسسات شخصی شده است و تحریم کلاس ها از سوی دانشجویان، گشایش بیشتر دانشگاهها را به تأخیر انداخته است. آنچه مضحك به نظر می رسد این است که موقعیت حکومت در برقراری مجدد نظم در این اوضاع و احوال بنحو فزاینده ای در ادامه آمادگی مخالفان اعتدالی تر اثر خواهد گذاشت تا به هم مذهبان و هم مسلکان سیاسی خود توصیه خویشتن داری کنند.

نمایندگان حکومت سرگرم مشورت با رهبران مذهبی برگزیده و سیاست مداران غیرمذهبی هستند و با اندکی موفقیت می کوشند تا بر علاقه آنها در اجتناب از هرج و مرج و تأمین تغییرات کنترل شده و ثبات اساسی مداوم فائق شوند. این تاکتیک باعث خاتمه آشوب ها نخواهد شد و انتقادکنندگان را خرسند

نخواهد ساخت ولی ممکن است باعث دفع وقت شده و مانع تحکیم بیشتر مخالفان شود در حالی که بی نظمی های جدی تری تکرار شود انحصار قدرت در دست نیروهای مسلح و امنیتی ایران از لحاظ نظر و تئوریکی به آنها قدرت کافی می دهد تا مانع آن شوند که آشوب ها از کنترل آنها خارج شود یا در آینده بسیار نزدیک یا در سال ۱۹۷۹ اگر تمدید حکومت نظامی ضرورت پیدا کند این نیروها هر چند برای کنترل اغتشاشات خوب آموزش ندیده اند معذالک دارای تجهیزات ویژه و آموزش محدود اضافی هستند و قادر خواهند بود رژیم را تحت حمایت خود بگیرند ولی تا زمانی که وفادار باقی بمانند و عزم وفادار بودن را داشته باشند. نظامیان در حال حاضر از رژیم حمایت می کنند و حاضرند از آن با قوه قهریه دفاع کنند ولی واضح است که در میان پرسنل آنها درجات مختلفی از وفاداری و پشتیبانی وجود دارد.

افسران ارشد همه چیز خود را از این رژیم دارند و از لحاظ سیاسی از همه محافظه کارترند و تمایل به حداکثر وفاداری نسبت به شاه را دارند. این افسران ارشد بودند که شاه را متقاعد ساختند تا حکومت نظامی را اعلان کند معذالک این افسران بیش از همه در اوضاع و احوال افراطی برآن خواهند بود تا سرخوردگیهای خود را با ناآرامی مداوم جبران کرده و با آشوب های حکومت کشوری خواستار حکومت نظامی یا کودتا گردند، ما اطلاعات کمتری درباره روش و موضع افسران جزء و سربازان وظیفه داریم ولی این افسران و سربازان به ویژه مانند خود تظاهرکنندگان، به طور عمده از طبقات محرومتر شهرها و از طبقات پایین و متوسط پایین تغذیه می شوند، بنابراین اگر امنیت عمومی در هم بریزد کمتر یقین حاصل است که این عناصر از میان نظامیان به دستور مافوق های خود برای شلیک به طرف تظاهرکنندگان صرفا به خاطر حمایت از شاه و حکومتی که از طرف وی منسوب شده اطاعت کنند. از میان چندین واحد نظامی که برای تحمیل حکومت نظامی در دسترس است گارد شاهنشاهی که اکنون در تهران مستقر شده و تیپ نیروهای ویژه و سربازان هوابرد از طرف حکومت ایران بیش از همه قابل اتکاء تلقی می شوند.

آرام کردن مخالفان

اوضاع امنیتی سرانجام به آرامی ولی تنها پس از اینکه امتیازات مهمی از سوی شاه و حکومت علاوه بر آنچه تاکنون پیشنهاد کرده اند داده شود. این امتیازات در همه زمینه ها لازم خواهند بود اعم از اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، معذالک حتی امتیازات بسیار وسیعی نیز ادامه آرامش را تأمین نخواهد کرد زیرا در میان ایرانیان و یقینا در میان مخالفان سیاسی و مذهبی یک گرایش عمومی و همگانی وجود دارد که هرگونه امتیاز را نشانه ای از ضعف می دانند که بایستی مورد بهره برداری قرار گیرد و آن را عناصر مثبت یک راه حل سیاسی نمی دانند بنابراین شاه و حکومت لازم است امتیازات به موقع را که به خوبی تشریح شده است با اعمال عاقلانه حاکمیت کافی و نیروی قهریه توأم نمایند تا آنهایی را که ارفاق را با ضعف یکسان می دانند و بازهم بیشتر رژیم را به مبارزه خواهند طلبید بترسانند. تقاضاهایی که از طرف چندین گروه مخالفین عنوان می شود از لحاظ محتوا و روح عنوان شدن و احتمال پذیرفته شدن به وسیله رژیم بسیار متفاوت است. روحانیون شیعه که مؤثرترین گروه مخالفان را تشکیل می دهند همچنین در میان خود با یکدیگر متفاوتند. بانفوذترین رهبر آنها آیت اللّه خمینی که سالها تبعید شده خواستار سرنگون کردن شاه و برقراری یک حکومت الهی بوده است. و بنابراین عملاً هیچ شانسی نیست که شاه یا هرگونه حکومت غیر مذهبی با او به یک راه حلی برسد. چهره های مترقی تر مذهبی در ایران از جمله آیت اللّه شریعتمداری

روحانی سرشناس خواستار نقش کاهش یافته تری برای شاه و اجرای نظارت بر قوانین از سوی یک کمیته روحانیون هستند که تطبیق قوانین را با تعالیم اسلامی تشخیص دهد. این ماده در قانون اساسی وجود دارد ولی تاکنون اجرا نشده است. هر چند شانسی نیست که یک چنین هیاتی اجازه حق وتو داشته باشد معذالک شاید فرجه ای برای یک راه حل آشتی بین طرفین وجود داشته باشد. رهبران مذهبی شیعه صرفنظر از رقابت های شخصی و اختلاف بر سر هدف های نهایی در تقاضاهای خود مبنی بر اینکه شاه برنامه های نوسازی اجتماعی خود را متوقف سازد با یکدیگر وحدت دارند و آنها معتقدند که این برنامه ها اثرات فاسدکننده و دنیوی کننده ای بر روی جامعه سنتی اسلامی داشته است.

سیاستمداران و به ویژه آنهایی که با جبهه ملی وابستگی دارند و همچنین آنهایی که رهبری احزاب کوچک مستقل را که به پیش بینی انتخابات سال ۱۹۷۹ تشکیل شده است، به عهده دارند، اکثرا تقاضا دارند که نقش شاه بنحو محسوسی کاسته شود و یک سلطنت مشروطه با یک نخست وزیر مستقل از شاه برقرار شود. این سیاستمداران که گرایش به چپ دارند خواستار حقوق وسیع تر مدنی و پایان دادن به فساد و امتیازات و یک سیاست خارجی مستقل از جمله شل تر شدن پیوندهای ایران با ایالات متحده امریکا هستند. این گروه از سوی بخش مهمی از طبقه متوسط مدرن پشتیبانی می شود ولی از داشتن پیروان وسیع متعصب ملاها برخوردار نیست این ملغمه از مخالفان غیرنظامی از لحاظ اصولی با برنامه شاه درباره مدرنیزه کردن جامعه و اقتصاد ایران مخالفتی ندارد و از هرگونه توسعه آزادیهای سیاسی بیشتری استفاده را می برد بنابراین شاه و حکومت شانس بهتری از سازش با این گروه را دارد تا با هرگونه عنصر دیگری از مخالفان هیچ گونه احتمالی نیست که رژیم کنونی بتواند زمینه مشترکی با دو گروه تروریستی کشور یا با حزب توده پیدا کند همه اینها می خواهند شاه را سرنگون کنند. کمونیست ها و چریک های فدایی خلق یک حکومت غیرمذهبی مارکسیستی برقرار می کردند (اگر پیروز می شدند) و مجاهدین خلق ظاهرا از

حکومت الهی که مورد تقاضای رهبران شیعه محافظه کار ریشه ای است پشتیبانی می کنند. دستگاههای امنیتی ایران ظرف سالهای گذشته مؤثر بودن این گروههای رادیکال را بنحو محسوسی محدود کرده است و نتیجه این شده است که آنها نتوانسته اند یک حمله هماهنگی علیه رژیم برپا دارند حتی هر چند که آنها با یکدیگر در تماسند و عضویت بعضی از آنها درهم آمیخته است. این گروهها سازمانهای مخفی و زیرزمینی دارند که ممکن است آنها را قادر سازد که در آینده نقش مؤثرتری در بی نظمی داخلی به ویژه از طریق کاربرد تروریسم داشته باشند. شاه تاکنون در کوشش خود برای پایان دادن به ناآرامی داخلی و اعلام تحمل رهبران میانه رو مذهبی و سیاسی یک سلسله امتیازاتی داده است. در زمینه جامعه و مذهب نخست وزیری (شریف امامی) منصوب کرده است که دارای روابط حسنه با رهبران شیعه است و بعضی از کارمندان دولت را که اعضای فرقه بهایی بوده اند و از طرف شیعیان جزو گروه بدعت گذاران به شمار می آیند از کار برکنار کرده و پست وزارتی امور زنان را در کابینه حذف کرده و مسئولیت اداره اوقاف را به سطح وزارت رسانده و کازینوهای قمار را تعطیل کرده و از تقویم به اصطلاح پهلوی به تقویم اسلامی رجعت کرده و مذاکرات خصوصی را با رهبران مذهبی آغاز کرده است برای رفع تقاضاهای اقتصادی حکومت کوشیده است تا اعتصابات متعدد را در بخش مؤسسات دولت با شرایط سخاوت مندانه از قبیل اضافه دستمزد، هزینه مسکن، حق بازنشستگی و غیره حل وفصل کند و قصد خود را برای کاهش هزینه های هسته ای به نفع طرح هایی که مستقیما در زندگی توده های مردم تأثیر دارد از جمله درباره

مسکن، کشاورزی، حمل و نقل و بهداشت ابراز داشته است.

در زمینه سیاسی رژیم متعهد شده است که برنامه آزادسازی شاه ادامه خواهد یافت و وعده کرده است که همه زندانیان سیاسی آزاد خواهند شد و همچنین فعالیت های اعضای خاندان سلطنتی را محدود کرده و یک برنامه پر شدت ضد فساد به راه انداخته و آزادی مطبوعات و حق مردم برای اجتماع و استقلال دانشگاهها را اعلام داشته است. شاه همچنین مجال بیشتری به حکومت شریف امامی داده است به طوری که حکومت وی از فرصت ای بیشتری از حکومت های سلف اخیر خود برخوردار شده است.

هنگامی که این تدابیر نتوانستند خشونت ها را متوقف کنند یک دولت نظامی بر روی کار آورده شد.

هیچ کدام از مشکلات اساسی ایران ظرف چند ماهی که تا انتخابات سال ۱۹۷۹ باقی مانده است حل نخواهد شد معذالک در همین زمان است که شاه به طور مبرمی نیازمند حمایت از یک نوع نظم عمومی و اعتماد سیاسی است. ما معتقدیم که او هنوز مجالی برای چنین کار و برای تصویب و ترغیب شرکت در انتخابات برای مخالفین اعتدالی دارد ولی مشروط براینکه حکومت امتیازات قابل ملاحظه ای بدهد این امتیازات شامل شواهد مشخص بیشتری درباره قصد حکومت برای بهبود دادن وضع اقتصادی مردم عادي و حمایت و توسعه امتیازات ملاها و نقش اسلام و برچیده شدن حکومت نظامی طبق برنامه و دادن اجازه به فعالیت های سیاسی بدون هرگونه قید و بندی در دوران قبل از انتخابات و احتمالاً تعویض حکومت کنونی با حکومت دیگری که مستقل از شاه باشد خواهد بود.

اثر بر روی سیاست خارجی و دفاعی

ناآرامی در ایران در جریان سال ۱۹۷۸ هیچ گونه اثری در مناسبات سیاسی کشور با همسایگان خویش از جمله مهم ترین همسایه (ایران) شمالی آن اتحاد شوروی نداشته است مقامات ایران گاه بگاه مدعی شده اند که اتحاد جماهیر شوروی بنحو فعالی از گروههای ناراضی در ایران پشتیبانی کرده است

ولی ما هیچ گونه مدرک مستقلی برای تأیید این امر نداریم و دستگاههای امنیتی ایران، به طور خصوصی اذعان داشته اند که اغتشاشات در داخل رشد کرده است. شوروی ها شاه را به عنوان یک مخالف که قدرت سیاسی مالی و نظامی برای برهم زدن هدف های منطقه ای شوروی به کار می برد تلقی می کنند. ولی آنها تمایل نداشته اند تا به طور مستقیم در حوادث ایران درگیر شوند مبادا چنین درگیری مناسبات دوجانبه اقتصادی پیوندهای قابل قبول سیاسی کنونی که بین (تهران) و مسکو وجود دارد دچار مخاطره گردد.

منافع شوروی احتمالاً دچار یک نوع ناکامی کوتاه مدت خواهند شد اگر شاه سرنگون شده و یک دولت ارتجاعی نظامی یا مذهبی جای آن را بگیرد ولی یک چنین تحولی هم چنین دورانی از بی ثباتی را بوجود خواهد آورد که به مرور زمان توسعه نفوذ شوروی را در ایران و در منطقه خلیج فارس تسهیل خواهد کرد.

شاه که از مشکلات داخلی ایران نگران است، احتمالاً در آینده نزدیک توجه زیاد خواهد داشت که در مناسبات خود با شوروی ها از هرگونه تغییرات یا دشواریهایی اجتناب کند.

این دل مشغولی نسبت به تحولات داخلی همچنین ایران را برآن خواهد داشت تا در پی مناسبات مداوم و صحیح و مرتب با اولی ترین حریف منطقه ای خود عراق و همچنین افغانستان باشد. سازشی که با عراق در سال ۱۹۷۵ حاصل شده به خوبی دوام یافته است و عراقی ها به هر صورت احتمال نمی رود در پی آن باشند تا از دشواریهای کنونی ایران استفاده کنند. هر چند رژیم عراق از لحاظ ایدئولوژیک بر ضد شاه

قرار گرفته ترس آن از فعالیت های شوروی در منطقه و نگرانی درباره روشها و رفتارهای نصف جمعیت عراق که شیعیان هستند بغداد را متمایل می سازد تا ترجیح دهد نقش شاه ادامه یابد به جای اینکه بلاتکلیفی ها و هرج ومرج سیاسی در ایران ایجاد شود یا اینکه یک دولت ارتجاعی مذهبی یا نظامی در ایران بر سر کار آید. از سوی دیگر رژیم چپگرای پرزیدنت تره کی در افغانستان نیز که فاقد هرگونه ظرفیتی برای نفوذ در حوادث ایران است و سرگرم تحکیم قدرت خود می باشد نیز احتمال نمی رود در آینده نزدیک مشکلاتی برای ایران ایجاد کند.

ظرفیت نظامی ایران لااقل در کمترین حد در نتیجه تقاضاهای تحمیل و اداره حکومت نظامی مشمول تأثیر واقع شده است. گارد شاهنشاهی و نیروهای ویژه و بعضی از سربازان هوابرد در تهران مستقر شده اند. و عملاً همه واحدها در سراسر کشور برای گرفتن سرباز و تجهیزات طرف استفاده قرار گرفته تا تکمیل کننده نیروهای پلیس محلی باشد. این تغییر جهت، چه از لحاظ روانی و چه از لحاظ جسمی به احتمال قریب به یقین اثر زیانباری بر روی سطح آمادگی و روحیه داشته است و ممکن است اثر محدودی بر روی توانایی های رزمی نیز داشته باشد معذالک این مشکلات در آینده نزدیک احتمال نمی رود به نحو محسوسی برتری کلی نظامی ایران را بر عراق یا در خلیج فارس کاهش دهد. و همچنین احتمال نمی رود تا تجدیدنظر در سیاست امنیتی ایران را در این مناطق برانگیزد. تصمیم به عقب انداختن به مدت نامحدود و یا فسخ قراردادهای مربوط به خریدهای آینده تجهیزات پیچیده نظامی به ویژه تعداد زیادی هواپیماهای F-۱۴ , F-۱۶ و مقادیر متنهابهی تجهیزات نیروهای زمینی که بنا به ملاحظات اقتصادی صورت بگیرد اثریی در توانایی های رزمی کلی لااقل تا اوایل ۱۹۸۰ نخواهند داشت ولی از اواسط ۱۹۸۰ توانایی های رزمی ایران نسبت به عراق و اتحاد جماهیر شوروی کاهش خواهد یافت.

ایران در واقع در نتیجه دشواریهای اقتصادی ناشی از ناآرامیهای جاری، خریدهای تجهیزات نظامی و

صنعتی را از ایالات متحده کاهش خواهد داد یا به تأخیر خواهد انداخت ولی این امر احتمالاً یک عقب کشی مجدد خواهد بود که به خودی خود اثری در مناسبات وسیع بین دو کشور نخواهد داشت دشواریهای اقتصادی احتمالاً ایران را متمایل خواهد ساخت تا در راه بالا بردن متعدل قیمت های نفت بکوشد ولی سیاست قیمت گذاری احتمال نمی رود به نحو مستقیم وابسته به تحولات سیاسی کوتاه مدت باشد مقامات رسمی ایران به رغم سوءظن های همیشگی خود درباره اینکه ایالات متحده در همه امور داخلی ایران دست دارد معتقدند که رابطه نزدیک مداوم با ایالات متحده و پشتیبانی آمریکا از شاه در یک دوران بلاتکلیفی سیاسی ضروری است. اگر شاه بتواند با نقشه جاری خود به دنبال کردن اجرای برنامه های لیبرالیزه کردن ادامه دهد مشکلات جدی بر سر حقوق بشر و سایر مسایل سیاسی دوجانبه احتمالاً از میان خواهد رفت.

۳ مشکلات درازمدت

ایران صرف نظر از سرنوشت شاه، حکومت کنونی مواجه با چند مشکل اساسی است که فشارهای مهمی بر اختیار راههای مختلف در دراز مدت در سیاست داخلی و خارجی اعمال خواهد کرد. جهتی که ایران سالهای دهه ۱۹۸۰ طی خواهد کرد در واقع در نتیجه واقعیت های مداومی که از چهار زمینه اشکالات اصلی سرچشمه می گیرد تعیین خواهد شد که عبارتند از:

رشد اقتصادی و کاهش تولید نفت

تشنجات داخلی بین نوسازی و سنت گرایی و بین لیبرال سازی و خودکامگی

نقش ایران در خلیج فارس و ماوراء آن

جهت گرایی بین المللی و اتکاء به ایالات متحده

اقتصاد و نفت

مشکل اساسی اقتصادی ایران این است که ظرفیت تولیدی نفت خام ایران به مرحله اوج خود نزدیک می شود و به احتمال از اوایل دهه ۱۹۸۰ به انحطاط آغاز خواهد کرد. در عین حال مبالغ بیشتر، بیشتری لازم خواهد بود تا تنوع بخشیدن مداوم به اقتصاد را تأمین مالی کرده و حتی برنامه های کاهش یافته نظامی و هسته ای را تحمل کند. فراتر از اینها هزینه های جدید قابل ملاحظه ای یقینا پیش خواهد آمد زیرا حکومت در پی رفع تقاضاهای فزاینده مردم برای بهره وری اقتصاد است. ظرفیت تولیدی نفت خام ایران ممکن است ۸/۶ میلیون بشکه در سال ۱۹۷۸ است. ظرفیت قابل تحمل ممکن است در سال ۱۹۸۰ به ۷ میلیون بشکه در روز برسد ولی بعد از آن روبه کاهش خواهد رفت و به احتمال قریب به یقین به ۶ میلیون بشکه در روز خواهد رسید و شاید تا سال ۱۹۸۵ به مقیاس قابل ملاحظه ای کمتر از آن باشد. نرخ کاهش بستگی به موفقیت یک برنامه وسیع و پر خرج مبنی بر تزریق گاز دارد که قرار است برای حفظ فشار مخازن به کار رود تا تولید نفت خام را در میدان های نفتی عمده تسهیل کند. ما معتقدیم که تمام حجم ۴۳ میلیارد بشکه ذخایر ایران را می توان به مرور زمان با قرار دادن وسیع دستگاههای نمک زدایی در میدان های نفتی و در نتیجه یک برنامه وسیع حفاظت چاهها و تجهیزات بهره برداری کرد.

با استفاده از طریقه تزریق گاز طبیعی ۱۷ میلیارد بشکه دیگر از ذخایر نفتی قابل بدست آوردن است هر چند این امر مستلزم هزینه هنگفتی است. در حالی که تولید نفت رو به انحطاط می رود هر حکومت

ایران تحت فشار فزاینده افزایش قیمت های نفت قرار خواهد گرفت تا بتواند برنامه های جاری را تأمین مالی کند و واردات فزاینده را بپوشاند. اگر تا سال ۱۹۸۰ قیمت های نفت بالا نرود حساب جاری ایران در آن سال دچار کسری خواهد بود در اوضاع و احوالی که قیمت های نفت به همان نرخ قیمت های وارداتی ایران بالا رود و تولید نفت ایران به تدریج تا سال ۱۹۸۵ به ۵/۵ میلیون بشکه در روز برسد حساب جاری ایران در سال ۱۹۸۲ دارای کسری قابل ملاحظه ای خواهد بود. از سوی دیگر اگر قیمت های واقعی نفت سالیانه به طور متوسط تا چند سال دیگر ۵٪ بالا رود ایران شاید قادر باشد تا پایان سال ۱۹۸۵ مازادی برحساب جاری داشته باشد.

ذخایر رسمی ارز ایران به مبلغ ۱۳ میلیارد دلار و دارایی های غیر ارزی آن به میزان ۶ میلیارد دلار به ایران امکان خواهند داد تا وام گیرندگی ایران بنحو قابل ملاحظه ای افزایش یابد. معذالک ایران راه حل آماده شده دیگری برای پرداخت های فزاینده خارجی خود در اواسط دهه ۱۹۸۰ ندارد. تولید گاز طبیعی (از ذخایر ۵۰۰ تا ۶۰۰ تریلیون فوت مکعبی ایران که بعد از اتحاد شوروی در درجه دوم قرار دارد) در چند سال آینده بنحو قابل ملاحظه ای افزایش خواهد یافت ولی نخواهد توانست جای نفت را به عنوان یک عامل کسب ارز خارجی بگیرد. یک برنامه فعال برای جلب سرمایه گذاری خارجی موفقیت های محدودی داشته است ولی این برنامه دچار برهم خوردگی خواهد شد مگر اینکه ثبات سیاسی دوباره برقرار شود.

در نتیجه این دشواریها تولید ناخالص ملی ظرف چند سال آینده احتمالاً نرخ رشد محقرانه ای بین ۴ تا ۷ درصد در سال خواهد داشت و برای تجدید ساختار اقتصادی پیشرفت ناچیزی در انتظار است به رغم تأکید کنونی بر روی نیاز به متنوع کردن صنایع این رشته در سال ۱۹۸۵ سهم اندک بیشتری از سهم آن در سال ۱۹۷۷ خواهد داشت.

فشارهای جدی داخلی در نتیجه زیربنای نارسا همچنان مداومت خواهد داشت و کمبود کارگر متخصص و پرسنل فنی و فقدان قدرت تولیدی در بخش خصوصی و کشاورزی و تورمی که در نتیجه امتیازات اقتصادی که اکنون برای ناآرامی های عمومی داده می شود بازهم بیشتر تشدید خواهد شد.

در چند سال آینده سیاست سازان ایران منابع خود را از برنامه های مطلوب اخیر نظامی و هسته ای به نیازهای اساسی مانند حمل و نقل و کشاورزی تغییر خواهند داد. در صورتی که چنین تغییرات مهمی در اولویت ها در نظر گرفته نشود سهم مواد غذایی تولید شده در داخل ایران از ۷۵٪ کنونی به ۶۰٪ تنزل خواهد کرد و بدین ترتیب افزایش چند برابر در پرداخت ها برای واردات مواد غذا و سوبسید قیمت ها لازم خواهد شد در جنبه سیاسی برای پیشگیری ناآرامی های بیشتر به موازات کاهش انتظارات مردم براثر رشد اقتصادی کاهش یافته جهت گیری مجدد لازم خواهد بود، بنابراین در دوران آینده انحطاط تولید نفت این امر مستلزم کاهش ۲۸٪ هزینه های بودجه ای خواهد بود که اکنون به مصرف دفاع می رسد یک چنین کاهشی هنوز ایران را قادر خواهد ساخت تأمین مالی سلاح های خود را به عهده بگیرد ولیکن نه به مقیاس سالهای دهه ۱۹۷۰

تشنجات داخلی

برهم خوردن نظام سیاسی و اجتماعی ایران که مشکلات عظیم را برای شاه در کوتاه مدت بوجود آورده است به زودی ترمیم نخواهد شد. تشنج تا چندین سال مداومت خواهد داشت تحت هر حکومتی که

باشد اعم از اینکه شاه باشد یا خیر و و این تشنج بین نیروهای نوسازی و نیروهای سنت گرا است و بین نیروهای لیبرالیزه ساختن و نیروهای خودکامگی این دو کشمکش درهم پیچیده است ولی در عین حال از یکدیگر مجزا است یا مثلاً بر سر این که آیا تعهد شدید او برای نوسازی می تواند به بهترین وجه از طریق سیاست های خودکامانه یا سیاست های لیبرال دنبال شود در عذاب است.

در تاریخ ایران حوادثی برای این که هم فرمانروا و هم آنهایی که تحت فرمانروایی قرار گرفته اند را متمایل کند که رفتار خودکامانه اعمال کنند و انتظار چنین رفتاری را داشته باشند بسیار فراوان وجود دارد. هر چند نخستین شاهنشاه ایران بیش از ۲۵۰۰ سال پیش تأسیس شد معذالک هیچ گونه تجربه واقعی با شکل های دموکراتیک وجود نداشته است و هم چنین احساس ملیت گرایی ایرانی نیز بسیار کم وجود دارد اندیشه جدید یک ملت به عنوان یک کشور و دولت در ایران دیر ظاهر شد و آن هم وارداتی از اروپا بود و برای الهام سیاستمداران ایران در اینکه سجایای مشترک استقلال و خود بزرگ گرایی را به نفع رفاه عموم بالاتر از همه چیز قرار دهند چندان تأثیری نداشته است. این بی میلی هم چنین در نتیجه تنوع وسیع فیزیکی و فرهنگی کشور و در نتیجه توالی فرمانروایان بیگانه از لحاظ تاریخی تقویت شد.

از سوی دیگر در ایران یک سنت برقرار شده درباره یک فرمانروای نیرومند در رأس یک حکومت

خودکامه و فرمانبرداری عمومی از هر گامی که اراده خود را با قوه قهریه متظاهر می کند وجود دارد مثلاً تجربه شاه کنونی از لحاظ سطحی چنین القا می کند که ثبات سیاسی در ایران به بهترین وجه به وسیله حکومت خودکامه تأمین می شود و دوران های ناآرامی های بزرگ سیاسی زمانی پیش می آید که فرمانروا به هر دلیلی که باشد قدرت و مقام خود را با دیگران سهیم می کند.

از قبیل دوران مصدق در سالهای ۵۳ ۱۹۵۱ یا کوشش هایی برای وارد کردن آزادیهای بیشتر از قبیل برنامه لیبرالیزه کردن اواسط سال های ۱۹۷۰. در واقع هرچند رفتار سیاسی ایرانیان تنها به کندی تغییر خواهد کرد اشتهای عمومی برای مشارکت در حکومت در نتیجه عواملی نظیر در معرض رسانه های جمعی و ارزش های غربی و تعلیم و تربیت و زندگی شهرنشینی به اندازه کافی برانگیخته شده است به طوری که هیچ حکومتی این توانایی را نخواهد داشت تا بنحو دائمی به عقب باز گردد.

این کشمکش بین خودکامگی و لیبرال سازی آن قدر اساسی است که تقریبا حتمی است که ظرف چند سال آینده باعث بی ثباتی مداوم خواهد شد و بنابراین مشکلات بزرگی برای شاه یا یک رژیم نظامی یا کشوری که جای آن را ممکن است بگیرد پیش خواهد آورد. دوگانگی فرهنگی که باعث خواهد شد بی نظمی در جامعه ایران ادامه یابد تشنجی است که بین نوسازی و سنت گرایی بوجود آمده است شاه از پیش برندگان اصلی نوسازی سریع بوده است ولی هدف های برنامه همچنین مورد پشتیبانی اکثر سران نظامی و سیاستمداران غیر مذهبی است که بسیاری از آنها از مخالفین شاه هستند. نوسازی جامعه آن طوری که شاه آن را پیش می برد متمرکز در اصلاحات ارضی و اقتصادی و حقوق زنان و آموزش و پرورش و بهداشت و عمران روستایی بوده است با پیشرفتی در این زمینه ها با این حال تغییرات اساسی دیگری نیز بوجود آمده است به ویژه از لحاظ گسترش سریع شهرنشینی و تغییرات در ساخت سنتی طبقاتی و در عین حال غیرمذهبی شدن عمومی جامعه که شاید دیگر برگشت پذیر نباشد. اینها همه از

لحاظ اجتماعی و سیاسی عوامل برهم زننده بوده اند. ناتوانی جامعه ایران در سازش دادن خود به طور موفقیت آمیز با این تغییرات اجتماعی تا اندازه زیادی ناشی از نفوذ همه جانبه مذهب و رهبران مذهبی است. ایران از سایر کشورهای عمده اسلامی به این صورت متمایز می شود که جمعیت آن اکثرا تابع فرقه شیعه در اسلام است که یک فرقه مخالف با معتقدات اکثر مسلمانان است. هر چند فرقه شیعه (که در بر گیرنده هشت درصد از همه مسلمانان است) برای وحدت دادن به دو گروه بزرگ فرهنگی در ایران یعنی فارس ها و آذربایجانی ها عامل مؤثری است در عین حال این فرقه مؤمنان را به یک جمود فکری و یک رهبری که بنحو متعصبانه ای با هرگونه نوسازی مخالف است وادار می کند. اسلام شیعه نه تنها یک مذهب است بلکه همچنین یک نظام همه گیر مذهبی، اقتصادی، حقوقی، اجتماعی و فکری است که همه جنبه های زندگی را تحت کنترل خود دارد و رهبران فرقه برخلاف همتاهای خود در اسلام سنی معتقدند که آنها تجلیات خدا را بر روی زمین تکمیل می کنند. دهها هزار ملای شیعه هر چند از لحاظ سیاسی خوب سازمان نیافته اند تماس مستقیم تر و منظم تری با توده های ایران دارند تا حکومت یا مقامات حزبی. نظریه اینکه ملاها سالها شاهد حذف شدن امتیازات اقتصادی، قضایی، اداری و اجتماعی بوسیله حکومت ها و نیروهای نوگرا بوده اند به همین جهت آنها اکنون نفوذ خود را برای مهار کردن این گرایش به کار می برند. آنها اکنون شاه را به مبارزه طلبیده اند ولی تا چند سال بعد آنها نیروی کافی خواهند داشت تا تقاضاهای مشابهی از هر رژیم نظامی یا کشوری که در آنها زیاد مشارکت ندارند بکنند. ما پیش بینی نمی کنیم که

چنان اوضاعی پیش آید که یک حکومت تحت کنترل رهبران مذهبی روی کار آید هر چند احزابی که شالوده های مذهبی دارند ممکن است بوجود آید. اگر انتخابات معناداری در سال ۱۹۷۹ یا بعد از آن انجام گیرد سیاست مداران برای جلب حمایت روحانیون از فرصت استفاده خواهند کرد.

نقش منطقه ای

جغرافیا و تاریخ به اتفاق هم چنین مقدر ساخته اند که ایران برای آینده نامحدودی در روابط خود با همسایگان منطقه ای با فشارهایی مواجه خواهد شد. عوامل استراتژیک اقتصادی، سیاسی و فرهنگی همه اینها منافع ایران را از منافع رقابت گرایانه اعراب در غرب و افغانی ها و پاکستانی ها در شرق متمایز می سازد. رهبران ایران از هر گرایشی، متوجه می شوند که اختیارات آنها در سیاست خارجی و دفاعی منطقه بوسیله نیاز به حمایت از تمامیت ارضی کشور و مسیرهای نفتی و بوسیله علاقه آنها برای متعادل کردن دیدگاه و سیاست های ضد ایرانی کشورهای همسایه محدود می شود.

نگرانی بلافاصله ایران در سیاست خارجی این است که برتری ایران را در خلیج فارس تأمین کند و این هدفی است که بیم از رادیکالیسم عرب و آسیب پذیر بودن میدان های نفتی ایران و مسیرهای کشتی آن را بوجود آورده است. در تعقیب این هدف ایران در پی آن بوده است که روابط دوجانبه صحیحی با کشورهایی که به نظر ایران بیشتر احتمال می رود این برتری را تهدید کنند از قبیل اتحاد جماهیر شوروی، عراق و عربستان سعودی برقرار کند و ایران کوشیده است که کشورهای عربی خلیج عرب را (مقصود خلیج فارس است م) به یک پیمان منطقه ای امنیت دستجمعی علاقه مند کنند. عدم اعتماد ریشه دوانده اعراب نسبت به جاه طلبی های ایران مانع تحقق یک چنینی موافقتنامه چند جانبه شده است و به احتمال قریب به یقین درآینده نیز این چنین خواهد بود، هر چند کشورهای عربی به طور انفرادی آمادگی برای عادی ساختن روابط خود با ایران داشته اند.

ایران و عراق با نهایت دلسوزی مواد پیمان الجزایر در سال ۱۹۷۵ را که باعث پایان یافتن دخالت ایران در قیام کردها شد و مرز مشترک دو کشور را تعیین کرد، رعایت کرده اند و مناسبات دوجانبه احتمالاً برای چند سال آینده ثابت خواهد بود. این ثبات در درجه اول نتیجه بیم رهبران عراق از قدرت نظامی و نفوذ سیاسی ایران و نگرانی آنها درباره فعالیت شورویها در منطقه است ایران به نوبه خود سپاسگزار است از اینکه عراق در حال حاضر نه در مشکلات داخلی ایران مداخله می کند و نه اینکه فعالانه می کوشد تا به اقدامات براندازی علیه رژیم های محافظه کار کوچکتر عربی در خلیج بپردازد.

تصمیم عربستان سعودی در حفظ منطقه نفوذ خود در قسمت عربی خلیج و سیاست محافظه کارانه تر آن درباره قیمت های نفت و بیم و هراس آن از تحولات داخلی ایران و سیاست یک حکومت احتمالی بعد از شاه نسبت به عربستان سعودی احتمالاً مانع از این خواهد شد که عربستان سعودی مناسبات نزدیکتری با ایران داشته باشد. معذالک نگرانی مشترک هر دو کشور درباره تهدیدهای درک شده از جانب شوروی و اعراب رادیکال احتمالاً آنها را برآن خواهد داشت تا وجوه اختلاف در روابط دوجانبه را به حداقل کاهش دهند.

سیاست دفاعی ایران در منطقه خلیج فارس هدفش ایجاد یک نیروی هوایی آن دارد که از هواپیماهای با کیفیت عالی و آموزش بهتر خلبانی و توانایی بزرگتری در ECM هوابرد و مهماتی از قبیل

بمب های هدایت شونده بوسیله لیزر و موشک های هدایت شونده بوسیله تلویزیون که در دسترس عراق نیست برخوردار است. نیروی دریایی ایران نیز به مراتب برتر از نیروی دریایی عراق است و می تواند به آسانی خلیج فارس را برای کشتیرانی عراق ببندد و می تواند بکوشد در عملیات آب خشکی به مقیاس کوچک شرکت داشته باشد. نیروهای زمینی دو کشور بیشتر نسبت به یکدیگر تعادل دارند و هریک از طرفین دارای امتیازات گوناگونی از لحاظ تجهیزات بوده و قادر است به سرزمین دیگری رخنه کند.

آرایش نیروهای زمینی و قابلیت بیشتر تحرک نیروهای عراق می تواند در واقع به بغداد یک برتری و امتیاز از لحاظ تعداد در امتداد مرز در مراحل اولیه یک حمله بدهد.

برنامه توسعه نیروی دریایی که در شرف اجرا است اگر تا سالهای دهه ۱۹۸۰ ادامه یابد توانایی ایران را برای ارائه نیروهای خود فراتر از خلیج فارس و به سوی اقیانوس هند و به طرف شبه جزیره عربستان تقویت می کند. معذلک علیرغم این افزایش قدرت نظامی، ما معتقدیم که ایران بر طبق سیاست کنونی خود بنحو خویشتندارانه ای عمل خواهد کرد. ایران احتمالاً تحت هر حکومت آینده قابل پیش بینی، برای کنترل مشکلات امنیتی در میان کشورهای کوچکتر شبه جزیره عربستان تنها در صورتی مداخله خواهد کرد که از آن دعوت شده باشد که چنین کند یا اینکه این مداخله به وسیله کشورهای محافظه کار عربی به ویژه عربستان سعودی بدون سروصدا مورد تصویب قرار گیرد کما اینکه ایران در جنگ ظفار در عمان در اواسط دهه ۱۹۷۰ شرکت کرد. همچنین ایران تنها در پاسخ به تهدید مستقیم به امنیت خویش برای بدست گرفتن و کنترل مسیرهای کشتیرانی اقدام خواهد کرد.

عدم اعتمادی که مشخص کننده مناسبات بین ایران و افغانستان است عملاً و یقینا ظرف چند سال آینده در نتیجه آن چیزی که ایران تلقی می کند که تره کی رئیس جمهور افغانستان با حرکت مداوم به سوی مناسبات نزدیکتری با اتحاد جماهیر شوروی پیش می رود عمیق تر خواهد شد. یا شاه و یا یک دولت

نظامی برای گروههای مخالف افغان پشتیبانی مخفیانه ای فراهم خواهند کرد، اگر آنها به این نتیجه برسند که فرصتی برای برهم زدن حکومت چپگرا در افغانستان پیش آمده است ولی به علت مشکلات داخلی ایران و بیم از عکس العمل احتمالی شوروی احتمال نمی رود که ایران بطور آشکار یا مستقیم دست به مداخله بزند. در سطح دیپلماتیک تهران در پی روابط صحیح با کابل خواهد بود به این امید که رشد نفوذ شوروی را در افغانستان مهار کند. معذالك ایران برای اینکه خود را در مقابل وخیم تر شدن دراز مدت اوضاع در افغانستان یا پاکستان مصون بدارد در چند سال آینده خواهد کوشید تا موقع نظامی خود را در منطقه مرزهای شرقی بهبود بخشد. نیروهای محدود ایران در شرق در حال حاضر برای دفاع از هرگونه تهدید نظامی کافی است ولی این نیروها توانایی بیشتری برای فراتر رفتن از مرزهای ایران ندارند.

جهت گیری بین المللی

به استثنای رادیکال ترین چپ گراها و یا تروریست ها، رهبران همه گروههای ایران درباره موقعیت ژئوپلتیك ایران بیم دارند. آنها چنین می بینند که ایران به وسیله کشورهای اساسا غیردوست و غیرقابل اتکا محاصره شده است و علاوه براین در محاصره یك ابر قدرت که روسیه باشد قرار گرفته است که مصمم است در درازمدت نفوذ منطقه ای ایران و ثبات داخلی آن را برهم زند. در نتیجه این درك و پیوندهای وسیع که ایران به همین جهت با ایالات متحده برقرار کرده است هیچ گونه جهت گرایی محسوس در

سیاست ایران نسبت به ابرقدرتها احتمال نمی رود که در اواسط دهه ۱۹۸۰ پیش آید.

تمایل ضد کمونیستی شدید شاه و اغلب رهبران سیاسی و نظامی از اشغال ایران در جریان جنگ جهانی دوم و بعد از آن و سالهای اولیه دشوار سلطنت شاه منشأ می گیرد. یعنی شورویها به عنوان تهدید اصلی به نقش شاه و تمامیت ارضی کشور تلقی می شدند. ترس از مقاصد مسکو در سالهای بعد در نتیجه درک ایران از علاقه روسیه به دسترسی به بنادر آبهای گرم در این منطقه و در سالهای بعد از آن نیز براثر نشانه های کمبود آینده نفت در اتحاد شوروی همچنان حفظ شد. ایران در اواخر دهه ۱۹۷۰ نگران فعالیت های شوروی در آفریقا و جمهوری دمکراتیک خلق یمن و افغانستان است و از آن بیم دارد که این «محاصره» ایران با کوشش هایی برای برهم زدن امنیت پاکستان، همسایه ایران و یا خود ایران ادامه خواهد یافت.

ایران در چند سال آینده اقداماتی در حد امکان برای مقابله با نفوذ شوروی در این منطقه به عمل خواهد آورد ولی برای آنکه منافع خود را نیز حفظ کند در پی آن خواهد بود تا مناسبات عادی هر چند محتاطانه دوجانبه با اتحاد شوروی ادامه یابد. شاه هم اکنون نیز با توسعه دادوستد و خرید اسلحه از اتحاد شوروی و با ادامه مبادلات سیاسی در سطح بالا مشوق های نیرومندی برای همکاری با اتحاد شوروی فراهم کرده است. معذالک برای متعادل ساختن این مناسبات، ایران همچنین خواهد کوشید تا مناسبات حسنه دوجانبه خود را با چین حفظ کند. ایران در سال ۱۹۷۱ حکومت پکن را به رسمیت شناخت.

شاه و رهبران نظامی ایران اتحاد جماهیر شوروی را بزرگترین تهدید نظامی درازمدت برای ایران می دانند هر چند نه آنها و نه ما اوضاع و احوالی را پیش بینی نمی کنیم که در آن خصومتی بین ایران و شوروی روی دهد. جهت گیری تنها یکی از هفت لشکر ایران به سوی مرز شوروی بیان کننده این موضوع است که رهبران ایران پی برده اند که نیروهای ایران نمی توانند بدون مساعدت خارجی، هم اکنون یا در

آینده حمله شوروی را مهار کنند. یک دفاع قابل اعتماد ایران مستلزم آن خواهد بود که نیروهای زمینی ایران مورد یک تجدید آرایش به سوی شمال قرار گیرند و این ابتکاری است که برای عملی کردن آن چندین هفته وقت لازم خواهد بود و توانایی ایران را در مقابل عراق از بین خواهد برد. در چنین اوضاع و احوالی استراتژی ایران عبارت خواهد بود از استراتژی بازدارندگی، ایران در پی آن است که نیروهای کافی آرایش دهد. برای این منظور که هرگونه اقدام نظامی شوروی را به اندازه غیرقابل قبولی پرخرج سازد و پیوندهای نزدیک خود با ایالات متحده را حفظ کند تا احتمال پاسخ عملی و شدید غرب افزایش یابد.

تمایل شاه به مناسبات نزدیک به ایالات متحده در درجه اول ناشی از پشتیبانی آمریکا در سالهای اولیه سلطنت او و نگرانی های امنیتی در مورد اتحاد جماهیر شوروی است. معذالک بر مبنای همین عوامل شبکه ای از پیوندها که شامل مطالبی فراتر از فروش تجهیزات نظامی یا سازمان پیمان مرکزی است ایجاد شده است. مثلاً بیشتر تکنولوژی و کالاهای سرمایه ای و قسمت بزرگی از واردات مواد غذایی و مساعدت از لحاظ نیروی انسانی، از کشورهای صنعتی غرب و در درجه اول ایالات متحده تأمین می شود. علاوه براین تعداد زیادی از ایرانیان در ایالات متحده آمریکا تحصیل کرده و یک نوع نزدیکی فرهنگی نسبت به غرب احساس می کنند. غرب به نوبه خود خریدار قسمت اعظم نفت ایران است. هر چند بسیاری از رهبران مخالف غیرنظامی در ایران هواخواه یک سیاست خارجی متعادلتر هستند اهمیت اساسی این

مناسبات به احتمال قوی به غیر از یک حکومت رادیکال چپ گرا همه حکومت های دیگر را از اعمال تغییرات ناگهانی مناسبات ایران و آمریکا منصرف خواهد کرد.

منافع ایالات متحده ظرف چند سال آینده بدون شک در نتیجه کوشش های ایران برای بدست آوردن قیمت های بالاتر واقعی نفت تحت تأثیر خواهد گرفت. باتوجه به پایین تر رفتن سطح تولید در سالهای ۱۹۸۰ هر حکومتی به درآمدهای بیشتر ناشی از قیمت های بالاتر نفت نیاز خواهد داشت. معذالك در نتیجه آگاهی ایران در مورد پیوندهای وسیع این کشور با کشورهای صنعتی در همه زمینه ها و در نتیجه سیاست های معتدلتر بعضی از اعضای سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپك) این هدف با شدت محدودی دنبال خواهد شد. این عوامل پیچیده ترکننده ممکن است در ایران یك نوع پذیرش نسبت به میانه روی در افزایش قیمت نفت ایجاد کند به ویژه اگر رکود و انحطاط جدی در اقتصاد غرب احتمالی به نظر رسد.

ایالات متحده همچنان فراهم کننده عمده تجهیزات پیچیده نظامی و نیروی انسانی آموزش دیده برای ایران برای چند سال بعد باقی خواهد ماند مگر اینکه تغییرات انقلابی و غیر محتمل در جهت گیری کشور نسبت به ابرقدرتها پیش آید. ایالات متحده مدتی است عرضه کننده عمده اسلحه برای ایران است و باتوجه به اینکه معادل چندین میلیارد تجهیزات هنوز باقی مانده که باید تحویل شود ایالات متحده در سراسر دوران اواسط دهه ۱۹۸۰ عرضه کننده عمده اسلحه به ایران باقی خواهد ماند به ویژه برنامه های نیروی هوایی و دفاع هوایی تقریبا تماما متکی به ایالات متحده است و در اواسط سال ۱۹۷۸ تقریبا ۹۵۰۰ آمریکایی در ایران در بخش دفاعی کار می کردند. اتکای نظامی ایران به ایالات متحده در واقع به اندازه ای حساس است که اگر پشتیبانی ایالات متحده پس گرفته شود نیروهای مسلح ایران احتمالاً قادر نخواهند بود در مقابل عملیات خصمانه تمام عیار بیش از دو هفته دوام بیاورند.

ایران می کوشد از طریق متنوع کردن منابع تهیه اسلحه از اتکای خود به ایالات متحده بکاهد و به تولید سلاح ها در داخل کشور توسعه بخشد و برای فراهم کردن نیروی انسانی ماهر برنامه های جاه طلبانه آموزشی به راه بیندازند. هر چند در همه این زمینه ها پیشرفت هایی حاصل می شود، پیچیده تر شدن فزاینده سلاح های مدرن و تقاضای سریعا رشد یابنده ای برای نیروی انسانی در اقتصاد و امور نظامی باعث خواهد شد که این مشکلات لااقل تا چند سال دیگر هم و غم عمده ایران را در تنظیم سیاست دفاعی و خارجی تشکیل دهند. معذالک نقش ایالات متحده در امور نظامی و اقتصادی ایران ممکن است سریعتر از نقش سیاست خارجی آن به طور کلی رو به انحطاط برود و این در نتیجه تعیین حداکثر فروش اسلحه از سوی ایالات متحده و کوشش های حکومت ایران برای کاهش دادن یک مسئله جذاب سیاسی برای مخالفان خواهد بود.

۴ چشم انداز برای سالهای ۱۹۸۰

اگرچه رهبران ایران ظرف چند سال آینده با مشکلاتی مواجه خواهند شد که توسط فشار داخلی و خارجی بر روی ایران اعمال می شود و این مشکلات بوجودآورنده حدودی کلی خواهند بود که سیاست های ایران باید در داخل آن تدوین شود، اما در مورد نوع رژیمی که ممکن است به قدرت برسد و همچنین در مورد پاسخ گویی های احتمالی آنها نسبت به مشکلات ایران اختلاف هایی وجود دارد. اگر شاه

و جانشینان منتخب او باقی بمانند ما شاهد یک نظام سیاسی خواهیم بود که در نتیجه حوادث سال ۱۹۷۸ تزکیه شده و تغییر یافته ولی در جهت همان هدف های اساسی علیرغم سرعت کاهش یافته آن، باتوجه بیشتر نسبت به مشکلات سر رسنده و تقاضاهای عموم و خلق کار می کنند. اگر شاه بر مسند قدرت باقی نماند ما شاهد یک یا چند رژیم دیگر خواهیم بود که به احتمال قوی یک هیئت حاکمه نظامی دست راستی ولی شاید همچنین یک حکومت غیرنظامی با تسلط رهبران مذهبی شیعه یا چپ گرایان میانه رو غیرمذهبی خواهیم بود. ما تصور می کنیم که یک رژیم رادیکال چپ گرا کمتر احتمال دارد. هرچند همه این رژیم ها ممکن است احتمالاً بکوشند تا پیوندهای ایران را با ایالات متحده به نفع، مقتضیات سیاسی ملی گرایانه ایران شل تر کنند معذالک تنوع وسیعی در سیاست های داخلی و اولویت های خارجی آنها وجود خواهد داشت.

فرمانروایی پهلوی

ما کمتر احتمال آن را می بینیم که شاه داوطلبانه قبل از اواسط سال ۱۹۸۰ استعفا دهد. نظر به اینکه او سالهای سال سرنوشت خود را با سرنوشت ایران یکی قلمداد کرده است، بی ثباتی سیاسی کنونی احتمالاً تصمیم شاه را برای برقراری مجدد نظم و کار در راه جانشینی منظم به پسرش رضا ولیعهد ۱۸ ساله تقویت خواهد کرده ولی شاه نرمش ناپذیر نیست او آمادگی برای دادن امتیاز به مخالفین با مسئولیت نشان داده است و ممکن است به این نتیجه برسد که نقش خود او و همچنین نقش پسرش بایستی کاهش یابد. برنامه لیبرالیزه کردن سیاسی در واقع از سوی شاه بیشتر به عنوان وسیله ای برای مشارکت وسیع تر (مردم) در فراگرد سیاسی ابداع شده است و او چنین گامی را برای تأمین ثبات در دوران بعد از جانشینی اش لازم تشخیص داده است.

اگر شاه و وارثان منصوب او (ترتیبات کنونی نشان می دهد که یک شورای نیابت تحت ریاست شهبانو

فرح در صورتی که خود او که در نهایت سلامتی است، قبل از سال ۱۹۸۰ هنگامی که ولیعهد ۲۰ ساله باشد بمیرد، تعیین می شود) بر مسند قدرت باقی بمانند ما پیش بینی می کنیم که آنها در چند سال آینده در پی ثبات سیاسی از طریق موازنه امتیازات محدود از لحاظ برنامه لیبرالیزه کردن و نیروی قهریه از جمله حکومت نظامی اگر لازم باشد خواهند بود. علاوه بر این اگر خاندان سلطنتی بر مسند قدرت باقی بماند ما پیش بینی می کنیم که عناصر اصلی سیاست های کنونی شاه درباره نوسازی اجتماعی و عمران و رشد اقتصادی ادامه یابد. این سیاست ها معذالك با شدت و سرعت کمتری از گذشته تعقیب خواهند شد و این در نتیجه مشکلات سیاسی و اقتصادی است که در سال ۱۹۷۸ ظاهر شده اند. شاه رضا یا یك شورای نیابت تحت ریاست فرح به احتمال قوی خواهد کوشید تا یك چهره لیبرال تری از شاه کنونی برای خود بسازد و حساسیت آنها در مقابل حملاتی به روش فرمانروایی شاه آنها را وادار خواهد کرد تا کمتر خودکامه بوده و نسبت به نگرانی های عمومی پاسخگویی بیشتری داشته باشند. ما کمتر احتمال می دهیم که تحت فرمانروایی پهلوی سیاست داخلی در خط تبلیغ شده بوسیله رهبران مذهبی شیعه تغییر جهت دهد.

عناصر اساسی سیاست خارجی و دفاعی ایران نیز بنحو اساسی تحت رژیم سلسله پهلوی تغییر نیافته خواهد ماند. خاندان سلطنتی و ساختار قدرت که از آن حمایت می کند از قبیل اشخاص متنفذ در کابینه

پارلمان، دیوانسالاری، نیروهای امنیتی و جامعه بازرگانان همگی درباره جهان و منافع ایران یک نظر مشترک دارند این نظر متوجه لزوم تقویت برتری ایران در خلیج فارس بدست آوردن حداکثر درآمد از نفت، مقابله با نفوذ رادیکالهای عرب و شوروی در منطقه به حداقل رساندن بی ثباتی در شبه قاره هند و حمایت از مناسبات ایران با ایالات متحده است. معذالک ممکن است بین شاه و وارثان او درباره اجرای سیاست، اختلاف مهمی وجود داشته باشد.

وارثان او یقینا در ابتدا اعتماد شاه و تجربه او را نخواهند داشت و آنها احتمالاً گستاخی کمتری در پیشنهاد کردن ابتکارات خارجی خواهند داشت و تمایل بیشتر خواهند داشت تا نظریات مشاوران کشوری و لشکری خود و وزارت امور خارجه و مجلس را سبک و سنگین کنند. این فراگرد احتمالاً منجر به اقدام کندتر و قاطعیت کمتر خواهد شد.

دولت نظامی

ناآرامی سیاسی که در جریان سال ۱۹۷۸ رخ داده برای نخستین بار بعد از سالها این امکان را بوجود آورده است که شاه ممکن است در زمانی قبل از اینکه به نفع پسر خود کناره گیری کند، قدرتش را از دست بدهد. همچنین بلاتکلیفیهای جدید احتمال آن را که در صورت مرگ شاه جانشینی طبق برنامه صورت خواهد گرفت کاهش داده است. جانشینان به نحو گریزناپذیری ضعیف تر از خود او خواهند بود و در ابتدا اگر چهره های با نفوذ سیاسی و نظامی آغاز به مانور برای رسیدن به قدرت در نتیجه کوتاهی های رژیم جدید در تحکیم سریع مواضع قدرت خود بنمایند آنگاه خطر فراخواهد رسید. اگر ولیعهد رضا با شهبانو نتوانند کنترل خود را برقرار کنند سلسله پهلوی به پایان خواهد رسید. علی پسر دوم شاه که ۱۲ ساله است پایگاه مستقل قدرت ندارد هر چند ممکن است دیگران برای اینکه بدست گرفتن قدرت خود را قانونی جلوه دهنده از او استفاده کنند. اگر سلسله پهلوی در معرض فشار قرار گیرد تا در قدرت با دیگران سهیم

باشد یا اینکه از مسند قدرت کنار گذاشته شود تنها احتمال منحصر به فرد این خواهد بود که نظامیان کنترل را بدست خواهند گرفت هر چند در حال حاضر معلوم نیست که عناصری در میان نظامیان علیه شاه توطئه می چینند. افسران ارشد در سپتامبر ۱۹۷۸ انگیزه تصمیم برای تحمیل حکومت نظامی بوده اند و ما معتقدیم که در اوضاع و احوال دشوارتر آنها خواهان یک دولت نظامی شده یا در به راه انداختن یک کودتا خواهند کوشید. اگر یک دولت نظامی در دوران بقای شاه ادامه یابد چنین دولتی یقینا در همه زمینه ها به وسیله افسران ارشد با نظریاتی مشابه نظریات شاه رهبری خواهد شد. اگر نظامیان کودتای موفقی به راه بیندازند (و ما در این باره اساس درستی در دست نداریم که برآن مبنا پیشگویی کنیم که کدام واحدها یا افراد ممکن است چنین کوشش بنمایند) امکان دارد که افسران جوانتر با نظریاتی که کمتر قابل پیش بینی است به قدرت خواهند رسید.

بیشتر افسران ارشد متوسط ظاهرا بر روی هدف های کلی برنامه های رشد اقتصادی و نوسازی اجتماعی شاه و همچنین کوشش های او برای توسعه و بهبود نیروهای مسلح صحه می گذارند. در مورد مسایل داخلی یک رژیم نظامی از دادن امتیازات سیاسی و غیره که مورد تقاضای رهبران مذهبی است، خودداری خواهد کرد. دیدگاه سیاسی نظامیان که عموما محافظه کارانه است و درباره لیبرالیزه کردن سیاسی، شوقی از خود نشان نداده است، باعث خواهد شد که با گروههای مخالف چپگرا سازش نکند. به

احتمال قوی بیشتر دولت های نظامی بیش از شاه برای سرکوبی ناآرامی هایی مانند ناآرامی های سال ۱۹۷۸ از قوه قهریه استفاده خواهند کرد و ممکن است بار دیگر کنترل های سرکوب گرایانه از نوعی که قبل از برنامه لیبرالیزه کردن از سوی شاه و برطرف کردن محسوس ترین نقض حقوق بشر، به مورد اجرا گذاشته می شد، اجرا شود.

یک رژیم نظامی در چند سال آینده احتمالاً همان هدف های شاه را در سیاست خارجی و دفاعی دنبال خواهد کرد ولی باتوجه به آن که فاقد تجربه او است و نسبت به شاه در اواسط دهه ۱۹۷۰، از منابع مالی کمتری برخوردار است با احتیاط بیشتر و سرعتی کمتر عمل خواهد کرد. این امر در یک برنامه محدودتر مانند توسعه نیروی دریایی به سوی اقیانوس هند تجلی خواهد کرد. به قدرت رسیدن رهبران نظامی ممکن است همچنین باعث سؤظن متقابل بیشتری در روابط بین عراق و ایران و اتحاد شوروی و عربستان سعودی بشود. روابط حسنه ایران با این کشورها به طور عمده بستگی به تفاهم مساعد رهبران دیگر درباره رهبری شخصی و هدف های شاه داشته است و هریک از آنها از روی کار آمدن یک دولت نظامی در تهران بیمناک خواهند بود.

آگاهی در میان نظامیان ایران درباره آسیب پذیری ژئوپلتیک کشور و مناسبات نظامی گذشته آن با ایالات متحده شاید حفاظی در مقابل چرخش اساسی در مناسبات با ایالات متحده باشد. علاوه بر این به علت اینکه یک رژیم نظامی در درجه اول مورد سوءظن بیشتر همسایگان ایران قرار خواهد گرفت احتمالاً اگر به قدرت برسد در پی داشتن پیوندهای رضایت بخش با ایالات متحده خواهد بود. سیاست قیمت گذاری نفت یک رژیم نظامی تابع همان ملاحظاتی خواهد بود که شاه را تحت تأثیر قرار می دهد و هیچ گونه تغییر مهمی در این زمینه احتمال نخواهد داشت. معذالک ممکن است مشکلاتی بین ایالات متحده و یک رژیم نظامی در مورد حقوق بشر پیش آید.

ما کمتر احتمال می دهیم که یک افسر نظامی دست چپی افراطی یا ناسیونالیست یا یک گروه مشابهی بخواهد ظرف چند سال آینده کودتای موفقی به راه بیندازد. معذالک اگر چنین رویدادی پیش آید نتیجه اجرای یک سیاست خارجی خواهد بود که در درجه اول بی طرف یا ضد بیگانه خواهد بود ولی منجر به فرسودگی تدریجی پیوندهای نزدیک و همکاری با ایالات متحده و غرب می شود. رهبران یک چنین رژیمی به احتمال قویتر از میان عناصر جوان افسران ارتش برخواهند خواست و پیوندهایی با گروههای مخالف غیرنظامی از جمله افراطیون خواهند داشت. سازش با چنین گروههایی غیر محتمل به نظر نمی رسد ولی ماهیت یک چنین مناسباتی و دامنه مشارکت این گروهها در دولت تماما وظیفه ایدئولوژی و شخصیت یک رهبر جوان خواهد بود.

کنترل غیر نظامی

رهبران برگزیده غیرنظامی کنونی یعنی سیاستمداران دیوانسالاران، بازرگانان و روحانیون و سایر اهل حرفه ها موقعیت خوبی برای بدست گرفتن قدرت ندارند مگر اینکه آنها از پشتیبانی شاه یا نظامیان برخوردار باشند. کوشش های گذشته برای پیشبرد فعالیت سیاسی با مسئولیت، از سوی حکومت یا مخالفان موفق از آب در نیامده است و نتیجه آن شده است که هیچ حزب سیاسی که خوب سازمان یافته باشد و بتواند رهبری واجد شرایط یا خلقی را به عنوان راه دیگری در برابر شاه و نظامیان تشکیل دهد،

بوجود نیامده است. جامعه مذهبی یک رهبری بهتر شناخته شده و بیشتر مورد قبول دارد ولی اندیشه به قدرت رسیدن آن بنحو شدیدی مورد مخالفت عملاً همه گروههای نیرومند است. جبهه ملی نزدیکترین چیزی است که در ایران معاصر به یک حزب سیاسی شباهت دارد ولی به سختی می تواند گفت که این جبهه به عنوان یک موجودیت سازمان یافته وجود دارد. جبهه ملی در درجه اول مرکب از گروهی از پشتیبانی های پا به سن گذاشته مصدق نخست وزیر پیشین می باشد که سرشناس ترین آنها در اواخر دهه ۱۹۷۰ کریم سنجابی و مهدی بازرگان بوده اند. معذالک اگر این گروه خود را احیا کند و در ظرف چند سال آینده به قدرت برسد احتمالاً در پی اجرای تقاضاهای دائمی خویش برای اصلاحات اجتماعی، اقتصادی و اداری در داخل و یک سیاست مستقل خارجی با پیوندهای ضعیف تری با ایالات متحده خواهد بود. سایر سیاستمداران مستقل از این هم پیروان کمتر و سازمان ضعیف تری دارند ولی این سیاستمداران مستقل با اعضای جبهه ملی نظرگاههای مشترک دست چپی دارند. ما هیچ گونه شواهدی از اینکه هر یک از این سیاستمداران غیرنظامی قادر باشند ظرف چند سال آینده یک رهبری جایگزین نیرومند مؤثر داشته باشند در دست نداریم. عنصر رهبری غیرنظامی که دارای وسیع ترین پیروان خلقی است و بیش از همه مورد سؤظن سایر رهبران است تا چند سال دیگر روحانیون شیعه خواهند بود. چهره هایی مانند آیت اللّه خمینی و شریعتمداری هم اکنون نفوذ نیرومندی را بر دولت اعمال می کنند و هرکس دیگری که بر مسند قدرت باشد برآنها نیز اعمال خواهند کرد، ولی آنها کمتر شانس آن را دارند که پیروان وسیع خود برای بدست گرفتن کنترل دولت برای خودشان بهره گیری کنند. با وجود این نفوذ نیرومند آنها برای مدت زیادی بر جهت گیری سیاست های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که حکومت های غیرمذهبی یا غیرنظامی یا نظامی از آن پیروی می کنند ادامه خواهد یافت.

توضیح: نسخه پاکنویس شده این سند در لانه جاسوسی بدست نیامده است و این ترجمه از روی

پیش نویس سند به زبان انگلیسی ترجمه شده است.

گردهمایی پیش آهنگی

ص: ۸۳۳

سند شماره ۶۵

تاریخ : ۱۷ اکتبر ۱۹۷۸ ۲۵ مهر ۱۳۵۷

شماره سند: ۱۴۹۵۰

طبقه بندی : محرمانه

از : وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی محرمانه

به : سفارت آمریکا در تهران فوری

موضوع : گردهمایی پیش آهنگی.

۱ نمایندگان برجسته پیشاهنگان آمریکا با اداره امنیت وزارت خارجه و بخش خاور نزدیک ایران ملاقات و موضوع گردهم آیی در نیشابور را بررسی کردند. طبق برنامه ۲۵۰۰ پیش آهنگ آمریکایی قصد شرکت دارند، گرچه به دلیل مخارج زیاد و عدم ثبات وضع ایران، نیمی ثبت نام نکرده و پیش آهنگی آمریکا نیز معتقد نیست که می تواند به اهداف خود برسد.

۲ شورای پیش آهنگی آمریکا در مورد مشارکت آمریکا در گردهم آیی بحث کرده بود در صورت عدم شرکت آمریکا، گردهمایی احتمالاً تشکیل نمی شود. شورای پیش آهنگی آمریکا نگران وضع داخلی ایران در آن موقع بوده و کمی هم انتقادهای گروه های حقوق بشر و مشکل ترتیب اجازه هواپیما را مد نظر دارد (ناس وزیر مختار آشنایی دارد) شورای پیش آهنگی آمریکا برای ترتیبات سفر باید ظرف چند هفته تعهداتی را برعهده بگیرد و در صورت بطلان گردهمایی ۲۰۰ هزار دلار از دست رفته، که از هیچ شرکت بین المللی بیمه ابطال را نخواهد توانست بدست آورد.

۳ مأمور وزارتی در مورد سوالات خلاصه اوضاع سیاسی ایران حوادث مهم آتی مثل: محرم، پایان حکومت نظامی و انتخابات را بیان کرد. بنظر او پیش آهنگان آمریکایی با وضع امنیتی خطرناک مواجه

نخواهند شد و عناصر مخالف حتی تروریستها، گروههای ضربه پذیری مثل پیشاهنگان آمریکایی را هدف قرار نداده بودند. بعلاوه دولت ایران مطمئنا برای تهیه ترتیبات مؤثر محکم همه گونه کوشش را بعمل خواهد آورد. معهذا وزارت تضمین صددرصدی در مورد ابطال گردهمایی در آینده از سوی دولت ایران یا اجرای مراسم بدون مشکلاتی را نمی دهد. به نظر ما این کار مثل جشن هنر شیراز نیست.

۴ در خاتمه قرار شد سنجشها و توصیه های احتمالی سفارت خواسته و براساس آنها اقدام شود. قرار شد سفارت با دکتر حسین بنایی مسئول گردهمایی از سوی ایران برای کسب نظراتش تماس بگیرد و نمایندگان شورای پیش آهنگی آمریکا از ما خواستند از طریقه توصیه به انجمن بین المللی پیش آهنگی نسبت به تعویق آن به سال ۸۳ عمل شود تا دولت ایران بتواند بدون آبروریزی خود پیشقدم برای تعویق گردهمایی شود. گردهمایی می تواند سال آینده در سوئد تشکیل و با این شرایط سفارت با بنایی تماس نگیرد تا تصور فشار آمریکا پیش نیاید. قول تماس داده شد و متأسفانه به علت کمی وقت مجبور به نصیحت شورای پیش آهنگی آمریکا پیش اطلاعات ۱۹ اکتبر شده ایم.

کریستوفر

گردهمایی پیش آهنگی

ص: ۸۳۴

سند شماره (الف) ۶۵

تاریخ : ۱۷ اکتبر ۱۹۷۸ ۲۵ مهر ۱۳۵۷

طبقه بندی : محرمانه

شماره سند : ۱۰۱۰۱

از : وزارت امور خارجه واشنگتن. دی. سی.

به : سفارت آمریکا در تهران فوری

موضوع : گردهمایی پیش آهنگی.

۱ ایران وارد یک مرحله ناآرامی سیاسی و امنیتی قابل ملاحظه گردیده که محتملاً تا ژوئن آینده که وعده انتخابات پارلمانی داده شده ادامه دارد. در این وضع ممکن است تغییراتی حاصل بشود یا عوامل جدیدی وارد صحنه شوند ولی به هر حال مشکل بتوان وضع داخلی سیاسی امنیتی را در جولای ۷۹ پیش بینی نمود. برگزاری گردهمایی پیش آهنگی برای اولین بار در ایران نیاز به پول و انرژی به مقادیر زیادی دارد و احتمال به مخاطره افتادن آن در آخرین لحظات برای مسایل امنیتی و غیره را نمی توانیم ندیده بگیریم. بنابراین سفارت نمی تواند پیش بینی کند. که اوضاع برای برگزاری گردهمایی رضایت بخش است.

۲ بدیهی است این تصمیم بستگی به پیش آهنگی آمریکا دارد، بنظر ما عاقلانه است با نمایندگان دولت ایران صحبت کرده و نه تنها با دکتر حسین بنائی، بلکه با هر شخص مسئولی که در امور تدارکات اداری، فنی و امنیتی برگزاری گردهمایی مؤثر است، صحبت شود. بی پرده بگوییم، بنظر ما با اوضاعی که پیش بینی می کنیم از اکنون تا ژوئیه آینده در ایران حادث شود، این طرح فوق العاده بلندپروازانه است. و با امکان تغییرات پرسنلی وزارتی و دولتی، ممکن است تکمیل به موقع تدارکات اداری در خود آنها مشکل

باشد. فشارها و تأکیدها به مصادر امر ممکن است دولت را از نیمه راه فعالیتش به انصراف رأی وادارد.

معهذا سفارت یا دولت آمریکا نباید تصمیم گیرنده برای پیش آهنگی آمریکا و ایران باشند. مطالب یادشده بیانگر بهترین سنجش وضعیت توسط مقامات سفارت است.

سولیوان

گزارش سیاسی امنیتی

سند شماره ۶۶

تاریخ : ۱۸ اکتبر ۱۹۷۸ ۲۶ مهر ۱۳۵۷طبقه بندی : محرمانه

از : سفارت آمریکا در تهران

به : وزارت امور خارجه واشنگتن

موضوع : گزارش سیاسی امنیتی، تاریخ ۱۸ اکتبر ۱۹۷۸

خلاصه: یک نماینده مخالف در ۹ مورد از دولت شریف امامی شدیدا انتقاد کرد. نخست وزیر در جلسه غیرعلنی مجلس از سیاستهای دولت دفاع خواهد کرد. سنجابی رهبر جبهه ملی اظهار داشت که رژیم سلطنتی اگر مطابق قانون اساسی باشد مورد مخالفت نیست. خمینی از کارتر به خاطر بی اعتنایی به زیرپا گذاشتن حقوق بشر در ایران انتقاد کرد. ۳۴۰ استاد ایرانی از رئیس جمهور فرانسه درخواست کردند که محدودیتها را برای خمینی حذف کند. نصیری، رئیس پیشین ساواک برای پاسخگویی به موارد اتهام فساد و سوءاستفاده از مقام، به تهران بازگشت. مقامهای دولت ایران اعلام کردند که اکثر زندانیان سیاسی در دو هفته آینده آزاد خواهند شد. انجمن قلم آمریکا از روزنامه نگاران ایرانی به خاطر اعتصاباتشان حمایت کرد. آیت اللّه دستغیب پس از دو ماه بازداشت در شیراز آزاد شد. هیچگونه گزارش جدیدی از برخورد بین نیروهای امنیتی و تظاهرکنندگان نیست. دو دانش آموز آمریکایی که به طور اتفاقی با تظاهراتی در اصفهان برخورد کردند ترسانیده شدند و به طرف یکی سنگی پرتاب شد. مجموع کشته شدگان از تاریخ ۱۶ اکتبر تاکنون ۱۲ نفر هستند. (پایان خلاصه).

۱ نماینده مجلس عباس اخباری دیروز سیاستهای دولت را به باد انتقاد گرفت، و یک هفته برای پاسخگویی به دولت فرصت داد. مجلس در تاریخ ۲۲ اکتبر جلسه ای غیرعلنی تشکیل خواهد داد و به دیگر سوالات و مخالفت های مطرح شده توسط نمایندگان مجلس رسیدگی خواهد کرد. هنوز معلوم

نیست که چه موقع مجلس در مورد انتقادات اقدام خواهد کرد. اخباری در ۹ ماده قطعنامه اش، به خاطر متوقف نکردن کشتار در ایران و زیرپا گذاشتن امنیت رهبران مذهبی، به دولت حمله کرد. وی سوال کرد، چرا مسئولینی که خمینی را به تبعید فرستاده اند، هنوز به مجازات نرسیده اند، و در گزارشش اظهار داشت که دولت ایران بر عراق، کویت و فرانسه فشار وارد آورده است که آزادی را از خمینی سلب کنند. دولت اجازه داده است که درآمد نفت، در نتیجه تنزل دلار کاهش یابد، دولت اجازه داده است که کنسرسیوم نفت ثروت ملی را به یغما ببرد، و درآمد نفت را در جریان پروژه هایی چون جزیره کیش از بین برده است. از مواردی که وی به عنوان نقطه ضعف دولت، به آن حمله می کرد، از جمله آزادی تشکیل اجتماعات، آزادی مطبوعات و استقلال دانشگاهها بود. دولت فعلی نمی تواند ملت را آرام کند به دلیل اینکه عوامل زیادی از وابستگان دولت ظالم قبلی وجود دارند، برای مثال دولت موفق نشده هویدا را تحت تعقیب قرار دهد زیرا هویدا در زمان فساد و تباهی کشور، رئیس دولت بوده است، بالاخره دولت سعی کرده است اشتباهات دولت قبلی را با افزایش بیش از حد معمول حقوق ها جبران کند. که این موضوع فقط به تورم می افزاید.

۲ کریم سنجابی رهبر جبهه ملی در مصاحبه خود متذکر شد که وی هیچگونه مخالفتی با رژیم سلطنتی که مطابق با قانون اساسی باشد ندارد. همچنین وی گفت دولت مجبور است که بین دموکراسی حقیقی و حکومت نظامی، یکی را انتخاب کند. موقعیتی دیگر وجود ندارد.

۳ آیت اللّه خمینی در مصاحبه ای که در تاریخ ۲۱ سپتامبر با خبرنگار فرانسه انجام داد و در تاریخ ۱۷ اکتبر روزنامه لوموند آن را منتشر کرد. وی از کارتر به خاطر زیرپاگذاشتن حقوق بشر در ایران انتقاد کرد، و افزود کارتر به سیاست شوروی اعتراض کرد، اما شاه را پس از کشتار ۸ سپتامبر (۱۷ شهریور) مورد حمایت قرار داد. مطبوعات گزارش دادند که ۳۴۰ تن از استادان ایرانی از ژیسکاردستن رئیس جمهور فرانسه تقاضای لغو مقررات دست و پاگیر برای خمینی کردند.

۴ نصیری، رئیس پیشین ساواک در تاریخ ۱۷ اکتبر به تهران بازگشت، انتظار می رود که وی برای پاسخگویی به موارد اتهام فساد و زیرپاگذاشتن حقوق بشر به ایران آمده باشد. نصیری با خبرنگاران و نیز دست اندرکاران در باب این مسایلی که تقریبا واضح و روش نیستند، صحبتی نکرده است.

۵ مقامهای دولتی دیروز اعلام کردند که قسمت اعظمی از زندانیان سیاسی در دو هفته آینده آزاد خواهند شد. دولت زندانیان سیاسی را به دو گروه تقسیم کرده است. آنهایی که به خاطر عقاید سیاسی و فعالیتهای سیاسی به زندان افتاده اند و یا آنهایی که به خاطر عملیات تروریستی دستگیر شده اند، اولین گروه ممکن است که آزاد شود. آزمون، وزیر کشور در امور اجرایی گفت، تروریست ها بخشوده نخواهند شد، اما بعضی از گزارشات دلالت می کند که حکم صادره ممکن است شامل فرجام خواهی بشود. آزمون گفت همه کسانی که عمل آنها مطابق با قانون اساسی بوده است، آزاد خواهند شد. مطبوعات گزارشات پراکنده ای از اعتصاب غذا بین زندانیان سیاسی نقل کرده اند. ظاهرا در چند روز گذشته زندانیان شیراز و تبریز نیز دست به اعتصاب غذا زده اند و به دیگر اعتصابیون و زندان قصر و کرج تهران پیوسته اند، یکی از قضات دادگاه تهران نیز دست به اعتصاب غذا زده است، که این امر به علت اعتراض به بازداشت موقت و غیرقانونی سه تن از قضات است که آنها را روز یکشنبه در حال خارج شدن از وزارت دادگستری دستگیر کردند.

۶ مطبوعات گزارش می دهند که انجمن قلم آمریکا که شامل ۱۶۰۰ نویسنده است از روزنامه نگاران ایرانی به خاطر اعتصابات اخیرشان حمایت کردند.

۷ آیت اللّه حاج سیدجواد دستغیب در تاریخ ۱۷ اکتبر از بازداشت آزاد شد، وی دو ماه پیش در شیراز دستگیر شده بود.

۸ هیچگونه گزارش جدیدی از تظاهرات خشونت آمیز نیست، مجموع کشته شدگان از تاریخ ۱۶ اکتبر تاکنون ۱۲ نفر هستند، کرمان کشته های بیشتری از آنچه که گزارش شده بود داشت، ولی درگیری های آنجا از همه جا چشم گیرتر بود. گزارش می شود که جمعیتی در حدود ۲۰۰ الی ۳۰۰ نفر به شبستان مسجد در حین اجرای مراسم حمله کردند، و موتورسیکلت ها را به آتش کشیدند، و عکسهای خمینی را سوزاندند، و به مسجد خساراتی وارد کردند و به نمازگزاران حمله ور شدند.

۹ در صبح روز ۱۸ اکتبر در اصفهان حادثه جزیی ضدآمریکایی اتفاق افتاد، دو دختر دبیرستانی آمریکایی که به مدرسه می رفتند، در بین راه به طور اتفاقی، در سر راه گروهی از تظاهرکنندگان که در حدود ۴۰ ۵۰ نفر بودند، قرار گرفتند، موقعی که جمعیت شروع به فریاد کشیدن کردند، آنها دویدند، یکی از آنها مورد اصابت سنگ از میان جمعیت قرار گرفت، و جمعیت به راه خود ادامه داد. بدون اینکه آنان را تعقیب کند. این حادثه دخترها را وحشت زده کرد، اما جمعیت بجز شخص پرتاب کننده سنگ بیشتر به فکر ادامه راه پیمایی خود بودند تا دنبال کردن و مجروح نمودن آمریکایی ها.

نظری به پیش

ص: ۸۳۷

سند شماره ۶۷

تاریخ : ۱۹ اکتبر ۱۹۷۸ ۲۷ مهر ۱۳۵۷

طبقه بندی : محرمانه

از : سفارت آمریکا در تهران

به : وزارت امور خارجه واشنگتن

موضوع : نظری به پیش

۱ خلاصه، در حالی که هنوز بسیار زود است که پیش گویی های مشخصی بشود، نشانه های تشویق کننده ای در دست است مبنی بر اینکه بحران ایران از مرحله تب آلود گذشته و چشم اندازهایی برای راه حل سازنده گشوده است معذالک تعدادی از نقاط خطرناک دیگر بین حال حاضر و انتخابات عمومی که برای ماه ژوئن آینده پیش بینی شده است در پیش است. (پایان خلاصه).

۲ با گذشت بدون حادثه روز عزاداری جهت قربانیان حکومت نظامی در ۱۶ اکتبر و حل اختلافات کارگری اخیر و تبعید آیت اللّه خمینی به پاریس و نشانه های تحکیم حکومت شریف امامی اوضاع سیاسی در ایران اندکی تسکین یافته است. معذالک با توجه به اینکه حکومت نظامی کنترل همه مراکز بزرگ جمعیتی را در دست دارد قرائت و کشف رمز عمق این حالت آسودگی واقعا ممکن نیست.

۳ چهره های سیاسی در میان مخالفین که کوشیدند بر امواج نارضایی عمومی به رهبری آیت اللّه خمینی و ملاها سوار شوند اندکی از جاه طلبی های خود کاسته اند در حالی که دو یا سه هفته قبل بیشتر این سیاستمداران علنا خواستار برکناری شاه بوده اند و بیشتر آنها اکنون اعلام می دارند که لزوم ادامه رهبری شاه را می پذیرند هرچند در چهارچوب یک جامعه دمکراتیک طبق قانون اساسی باشد. همین چهره ها همچنین به نحو بی سروصدایی آغاز کرده اند که تا خود را از خمینی کنار بکشند و خواستار خویشتنداری

از ملاها بشوند.

۴ این تغییر موضع تااندازه ای ممکن است جنبه تاکتیکی داشته باشد و منعکس کننده کمبود شوق و حرارت در رویارویی با حکومت نظامی باشد. معذالک آنچه اساسی تر است این است که این تغییر وضع ممکن است انعکاس این درک باشد که در صورتی که اوضاع متلاطم فروکش نکند و چشم انداز یک حکومت لیبرال شده «جبهه ملی» در اوضاع و احوال کنونی از بوجود آمدن یک رژیم نظامی سرکوبگر کمتر متحمل است. در این انعکاس این مسئله که تنها شاه می تواند از تحمیل یک دولت نظامی جلوگیری کند و این که حیثیت و اعتبار مداوم او برای خویشتنداری ضروری است، کاملاً ثابت است.

۵ بنابراین همین رهبران در حال حاضر در جستجوی راهی برای شرکت در ساخت حکومتی هستند و آنچه ایده آل است اینکه آنها مایلند مأموریت دولتی به آنها داده شود و کابینه را به دست بگیرند. مثلاً مردانی نظیر علی امینی که قبلاً «خواستار بود» که سمت نخست وزیری به او با اختیار تام بر نظامیان داده شود اکنون می گویند که با کنترل حکومت بدون اختیارتر نظامیان راضی هستند و رهبری نظامیان را مستقیما به عهده شاه واگذار خواهند کرد. مخالفان متواضع تر و واقع گرای دیگر صحبت از «حکومت ائتلافی» می کنند.

۶ به احتمال نزدیک به یقین کمتر شانسی وجود دارد که شاه سیاستمداران جبهه ملی را وارد کابینه کنونی کند مگر اینکه این سیاستمداران نشان بدهند که آنها به طور اصیلی از پشتیبانی سیاسی مردم از

طریق محک یک انتخابات آزاد برخوردارند. شاه خاطرنشان ساخته است که ترجیح می دهد شریف امامی را حفظ کند و شاید جزیی تغییراتی در کابینه بدهد تا زمانی که انتخابات ماه ژوئن فرا رسد. مبارزه طلبی او در مقابل مخالفان این است که در این انتخابات به رقابت بپردازند. و نشان بدهند که آیا می توانند شایسته به عهده گرفتن مأموریت یک حکومت یا شرکت در ائتلاف یا حتی مشارکت جزیی در حکومت باشند یا خیر.

۷ البته مخالفان این موضع را پیش کشیده اند که انتخابات آزاد نخواهد بود و اینکه اگر هدفهای خود را به تعویق بیندازند و تا ماه ژوئن آینده صبر کنند جاه طلبی های آنها از میان خواهد رفت. از سوی دیگر شاه اطمینان خود را درباره انتخابات آزاد تکرار می کند و این اندیشه را القا می کند که مخالفان در جستجوی آنند تا از نمایش ضعف خودشان اجتناب کنند. اخیرا نشانه هایی به دست آمده که گفت وشنودهایی آزمایشی و موقتی و غیرمستقیم درباره انتخابات بین مخالفان و وفاداران شکل می گیرد. یکی از مخالفان برجسته به سفیر گفته است که او حاضر است برای تهیه یک «منشور انتخاباتی» با حکومت همکاری کند و حدود انتخابات آزاد را مشخص کند و زمینه را برای ناظران بین المللی و تضمین های مشابه فراهم کند.

۸ در ضمن ستاره خمینی ظاهرا رو به افول است. اظهارات علنی خمینی در فرانسه ماهیت مبهم و قدیمی مفهوم های سیاسی او را نشان داده است. این واقعیت که خمینی از صحنه بسیار دور است و در یک کشور مسیحی واقع شده است ممکن است نفوذ او را در اینجا به فرسایش رساند. آیت اللّه های قم ظاهرا دارای احساس اعتماد به نفس بیشتری هستند و در مرحله مذاکره و تفاهم با حکومت قرار گرفته اند که منجر به وفاداری آنها به شاه خواهد شد.

۹ ترتیبات تهیه شده بین حکومت و مطبوعات منتج به برقراری یک مطبوعات آزاد شده است که ممکن است آن را اصالتا مستقل نامید. اگر مطبوعات در چنین اوضاع و احوالی مسئولانه رفتار کنند، کار

بزرگی را برای نیشتر زدن و بار کردن جوشهای سوءظن عمومی که از شایعات ناهنجار سرچشمه گرفته است، انجام خواهند داد. اگر مطبوعات در آینده آزاد و مسئولیت دار باشند، چنین اکاذیبی، که تقریبا همه آن را می پذیرفتند مبنی بر این که سربازان اسرائیلی مسئول حوادث قتل عام میدان ژاله بوده اند، نباید متداول شود.

۱۰ معذالک مشکلات دردسرداری در پیش است حل مسئله اعتصابات مستلزم هزینه های فوق العاده ای بوده است که با در نظر گرفتن دستمزد و مزایا مبلغ ۵/۳ تا ۳/۴ میلیارد دلار برای دوران ۲۳ سپتامبر ۱۹۷۸ تا ۲۰ مارس ۱۹۷۹ آغاز می شود هم اکنون نیز با ۵/۱۰ درصد اضافه دستمزد سنگین شده است که مبلغ ۳ میلیارد دلار در همان سال اضافه پرداخت خواهند داشت هزینه های دستمزدی مشابهی در بخش خصوصی یقینا مارپیچ تورمی سالهای ۷۷ ۱۹۷۶ را مجددا برقرار خواهد کرد. اگر تا اوایل سال ۱۹۷۹ کالا برای ارضای این تقاضای قدرت خرید در دسترس نباشد، هنگامی که طبق برنامه، حکومت نظامی قرار است برچیده شود مشکلات جدیدی برخواهد خاست.

۱۱ مسئله دانشگاهها هنوز لاینحل مانده است وزیر آموزش عالی استعفا داده و لایحه خودمختاری دانشگاه «برای مطالعه بیشتر» پس گرفته شده است. یافتن شخصی که حاضر باشد پست وزارت آموزش عالی را به عهده بگیرد بسیار مشکل است و در مورد این که کسی پیدا شود که به اندازه کافی برای دانشگاهها قابل قبول بوده و گشایش مجدد آنها را تأمین کند تردید فراوانی وجود دارد. این تااندازه ای

بدان جهت است که تقاضای دانشگاهیان درهم و برهم است. از یکسو ملیون مذهبی قرار دارند و از سوی دیگر مارکسیستها و علاوه بر این هستند اشخاصی که خواهان خودمختاری دانشگاه بوده و همچنین هیئت مدرسین دانشگاه که خواستار بهبودهایی در حقوق و دسترنج خود هستند.

۱۲ نظامیان پیچیدگی ویژه ای را از خود نشان می دهند. هرچند رهبران آنها وفاداری خود را به شاه حفظ کرده اند معذالک این واقعیت را پنهان نمی دارند که به عقیده آنها شاه «گذشتهای» بیش از اندازه ای را از خود قائل می شود. آنها ترجیح می دهند یک مشی خشن تری مانند دستگیری «ناراضیان» و پافشاری بر احترام بیشتر به «نظم و قانون» در پیش گرفته شود. نظامیان این نقطه نظر را به طور مداوم با شاه در میان می گذارند و تا مدتی بر نظریات شاه به علت اطلاعاتی که مورد توجه شاه قرار می دهند، نفوذ خواهند داشت. نظامیان به ویژه هنگامی که تقلیل بودجه دولت بر خرید اسلحه اثر سنگینی داشته باشد سخت ناراحت خواهند شد. در مرحله کنونی هنوز نشانه ای از آغاز عدم وفاداری یا آثار جزیی از احتمال یک کودتا وجود ندارد ولی شاه در حالی که به سوی پیش گام برمی دارد روشن است که باید به ناراحتی های نظامیان توجه ویژه مبذول دارد.

۱۳ علاوه بر این مشکلات کم و بیش اساسی، خطرات احتمالی عاطفی نیز که از جانب مذهبیون برمی خیزد همچنان حضور دارد ایام محرم که روزهای عزای شیعیان است مصادف خواهد بود با نیمه اول ماه دسامبر این دوران پرتشنج سنتی ممکن است فرصتهایی برای زدوخوردها بین مسلمانان مبارزه جو و نظامیان پیش آورد.

۱۴ سرانجام، مشکلات روانی و جسمی که در ذات فراگرد «کاهش فشار» از یک دوران حکومت نظامی باشد نیز وجود دارد. هر چند حکومت تقاضای مجوز برای ۶ ماه حکومت نظامی از پارلمان کرده و چنین مجوزی دریافت کرده است معذالک همه آنها جدا امید دارند که در حدود پایان ماه دسامبر اگر

اوضاع آرام بماند می توانند بساط این حکومت نظامی را شاید شهر به شهر برچینند تا در اوایل سال ۱۹۷۹ به حکومت غیرنظامی بازگرداند. اگر این فراگرد منجر به دور جدیدی از آشوبها و بی قانونی ها شود تمامی برنامه لیبرالیزه کردن در معرض خطر جدی قرار خواهد گرفت.

۱۵ بدین ترتیب هشت ماهی که بین حال حاضر و انتخابات وجود دارد دوران بسیار پیچیده ای برای شاه و حکومت او برای مذاکرات موفقیت آمیز خواهد بود. رسیدن به روح همکاری دمکراتیک در آستانه انتخابات که باید آماده انجام انتخابات ملی با حسن نیت و نزاکت باشد، شاید در چنین محله ای از تحول سیاسی ایران تقاضای بیش از اندازه باشد. میل به چنین مرحله ای در شرایط صلح و آرامش داخلی نیاز به پیشگیری های بیشتر از آنی خواهد داشت که ظرف هفتاد سال اخیر نشان داده شده است. بنابراین حتی اگر هم آشوبهای جاری فروکش کند نباید چنین تصور کرد که این هدف بدست آمده است. معذالک هدف مزبور یک هدف لایق برای نیل به آن است و هنوز هم از دیدگاه محو نشده است.

سولیوان

سیاستهای سنتی ایران علاجی برای آینده

سند شماره ۶۸

شماره سند : ۱۰۴۲۱

از : سفارت آمریکا در تهران

به : وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی.

طبقه بندی : محرمانه

تاریخ : ۲۵ اکتبر ۷۸ ۳ آبان ۱۳۵۷

موضوع : سیاستهای سنتی ایران علاجی برای آینده

خلاصه : بازگشت به سیاست سنتی شانس خوبی برای رژیم فعلی در جهت بسیج حمایت لازم بین مردم است.

۱ امیر طاهری سردبیر روزنامه کیهان بهترین مفسر روزنامه نگاری در صحنه امروز ایران است. در ملاقاتی تحلیل جالبی از وضع و راه حل آن ارائه داد که به طور خلاصه اعتقاد به عدم وجود یک ریشه کلی در مخالفتها داشته و نارضایی عمومی را در اثر شکایات گوناگون و گرفتاری ها می داند. نتیجتا دولت باید بسیج منابع انسانی خود را برای جلب حمایت در میان سازمان های ایرانی که در هر محلی مسئول هستند با مشکلات ملی شروع کند. دست اندرکاران دولت بایستی به مسایل سنتی سیاسی ایران آشنا شده و با سیاسیون سنتی ارتباط برقرار کند. هویدا این مطلب را درک کرده و کنترل می کرد. آموزگار نتوانست و قطع کمک و دیگر اقدامات اقتصادی او هیچ کمکی به مشکل فعلی نکرد.

۲ طاهری می خواست به اعضای دولت پیام دهد ولی اعضای دولت شریف امامی را نمی شناخت، هرچند اردشیر زاهدی را در سفر اخیرش دیده بود ولی فرصت صحبت نیافته است. زاهدی یک سیاستمدار اساسا فعالی است که به دلیل معلومات عمومی نامتناسب با تحصیلات رسمی اش امکان

برقراری ارتباط به شیوه سنتی با ایرانیان را بنا به گفته طاهری دارد. طاهری گفته که با وجود شهرها و ایالات دست نخورده ای که از سوی مخالفین فتح نشده است، بایستی شروع کرد. حوادث کوچکی که منجر به قتل مردم در اثر ناآرامی شده و به نفع مخالفین تمام شده است. افراد خوب اعضاء مجلس، استانداران، فعالین حزب رستاخیز، و دیگران که وفادار به شاه هستند، و تقاضای ادامه کاری را دارند. دولت باید با آنها تماس گرفته و پس از متمرکز کردن آرامش در تهران و استفاده از شبکه وکلای مجلس (حدود صد یا ۱۱۰ نفرشان نفوذ محلی داشته و در انتخابات آزاد قابل انتخابند) و رؤسای مختلف، به شیوه سنتی ایران عمل کند. شاه در سالهای ۶۲ ۶۳ فعالیتهای سیاسی را منع کرده و احزاب سیاسی را ممنوع کرد، تا موفق به شکستن سازمان بازار گردد و غیره ...

۳ ضمن تماس تصادفی با یکی از دوستان مورد اعتماد شریف امامی، سناتوری با روابط سیاسی طولانی در تهران که بدون رضایت پس از ۱۵ ۱۸ سال فعالیت سیاسی بازنشست شده او نصیری، هویدا، و علم را به خاطر حصارکشی دور شاه و قطع ارتباطش سرزنش کرد. نصیری ۱۵ سال پیش به او گفته بود که افراد زیادی دوروبر خانه او پرسه زده، ایجاد خطر کرده و بایستی از این کار جلوگیری کند. ایشان از بازنشستگی خارج و از کار در کابینه سرباز زده و در پشت صحنه فعالیت دارد. او گفت طرح جاری شناسایی مردم (فقیر، ستمدیده) جنوب تهران و نام نویسی آنها جهت توصیه ملاقات با نخست وزیری است. به نظر او و نخست وزیر استفاده از اعضا مجلس برای بسیج حمایت میسر است. به گفته طاهری او

نیاز به بسیج ایالات منجمله تهران را برای رهبری، راه مناسبی تشخیص داده است.

۴ نظریه : تحلیل و راه حل طاهری احتمالاً همان است که در ذهن هویدا طی مذاکراتش با سفیر بوده و سیاستمداران سنتی ستون فقرات حمایت سیاسی از شاه بوده اند (مثل سال ۱۹۵۰). در حالی که رجعت کلیه سیاسیون پیر را (که شاه آنها را سد راه انقلاب سفید تلقی می کرد) انتظار نداریم تعدادی از آنها به انضمام رهبران جدید سیاسی (و شاید جوان) احتمالاً شانس بهتری برای بسیج اکثریت ساکت در این کشور دارد. تا کوشش هایی برای ایجاد احزاب سیاسی شبه غربی بزرگ جدید بعمل آید.

سولیوان

تفسیر ترنر در مورد ایران (رئیس سیا در آن وقت م)

سند شماره ۶۹

تاریخ : ۲۵ اکتبر ۷۸ ۳ آبان ۱۳۵۷

طبقه بندی : استفاده محدود اداری

از : وزیر امور خارجه

به : سفارت آمریکا در تهران

موضوع : تفسیر ترنر در مورد ایران (رئیس سیا در آن وقت م)

مطالب زیر عینا تفسیر آدمیرال ترنر درباره ایران است :

سؤال: به اندازه کافی خبر از ایران که یکی از مهم ترین تأمین کنندگان نفت ما است به این کشور می رسد. مشکلات زیادی وجود دارد و درگیری های زیادی اتفاق افتاده است. تصور می کنم که اولین سؤالی که باید پرسیده شود این است که آیا C.I.A، اثری از روسها را در پشت این جریانات کشف کرده است؛ هرگونه حرکت از سوی شوروی به منظور داخل شدن و سوءاستفاده از موقعیت و یا چیزی در آن زمینه؟

(جواب) رئیس ترنر : خوب، من فکر می کنم موقعیتی که شاه اکنون در آن قرار گرفته موقعیتی بسیار مشکل است. وی به طور خالصانه ای سعی داشته است در مدت زمان طولانی کشور را به سوی آزادیخواهی و مدرنیزه شدن راهنمایی کند. در ماههای اخیر وی با مقاومت قابل ملاحظه ای از طرف نیروهای راستگرای محافظه کار در کشورش روبرو شده است. به هر حال، در نتیجه این اوضاع هسته کوچکی از کمونیستهای چپ گرا سعی کرده اند از این موضوع امتیازاتی بدست آورند و از این آشفتگی راستگرایان به نفع خود استفاده کنند. من مطمئن هستم که تا هر درجه ای باشد، کم وبیش تأثیر شوروی ها در پشت این جریان وجود دارد. اما من فکر می کنم فرصت طلبان می خواهند از اختلافات و نارضایتی داخلی کشور در جهتی که شاه می رود سوءاستفاده کنند. اما من ...

سؤال: آیا شما به طور مشخص هیچ روسی می بینید، پول تازه شوروی و حرکت جاسوسان تازه شوروی به داخل کشور برای گسترده کردن و استفاده کردن از موقعیت؟

(جواب) ترنر : نه، من آن را ندیده ام، من بسیار راضی هستم که شاه به تلاش آزادسازی خود ادامه می دهد و همان طوری که شما می دانید، حادثه بزرگ طبق قولی که او داده است ژوئن آینده خواهد بود و وی در قول خود همچنان پابرجا است که برای مجلس خود انتخابات آزاد داشته باشد. لحظات بسیار مهمی برای او، و برای ما است.پایان مطلب ونس

بحران سیاسی ایران

ص: ۸۴۳

سند شماره ۷۰

استفاده محدود اداری

آژانس ارتباطات بین المللی، تهران، ایران

یادداشت مکالمه

شرکت کنندگان : فریبرز عطاپور، نویسنده تهران ژورنال

علیرضا فرهمند، دبیر سرویس خارجی روزنامه کیهان

رابرت کرن، مدیر آژانس ارتباطات جهانی امور خاور نزدیک، واشنگتن دی. سی

جک شلنبرگر، آژانس ارتباطات جهانی ایالات متحده و کارمند روابط عمومی

زمان و مکان : محل سکونت کارمند روابط عمومی، ۲۵ اکتبر ۱۹۷۸

موضوع : بحران سیاسی ایران

در شامی که در رابطه با کار ما و به افتخار کن ترتیب داده شده بود، عطاپور و فرهمند روزنامه نگاران ایرانی نظریات خود را درباره بحران ایران ابراز داشتند. این دو نفر قبلاً با یکدیگر آشنا نبودند و از لحاظ وضع اجتماعی با یکدیگر بسیار تفاوت دارند (عطاپور یک مفسر تلویزیونی سرشناس اگر نگوییم انگشت نما است و همچنین مقاله نویس مورد توجهی است. فرهمند بیشتر یک سردبیر است و در خارج از حرفه خودش چندان شهرتی ندارد) این دو نفر در مورد اوضاع به طور قابل ملاحظه ای نظرات یکسانی داشتند. نکات اصلی نظریات آنها از این قرار است :

۱ خمینی یک عامل اساسی و حساس است و بیشتر از شاه بر روی توده ها نفوذ دارد.

۲ دستورالعمل خمینی در مورد ایران نه مبهم و غیرمنطقی است، در حالی که شخصا از پیروان او نیستم، معتقدیم که به هیچ وجه او را نمی توان دیوانه یا آلت دست منافع بیگانه قلمداد کرد. طرز فکر او

نماینده آن چیزی است که بیشتر ایرانیان معتقدند، این دو جمله به هیچ وجه یکدیگر را نفی نمی کنند.

۳ ایالات متحده آمریکا در یک موقعیت غیر برنده قرار گرفته است. مخالفان رژیم، ایالات متحده آمریکا را تنها تکیه گاه شاه می دانند. هواداران رژیم همچنان احساس می کنند که ایالات متحده برای تأمین دسترسی خود به نفت و فروش تجهیزات نظامی، با هر کس هر نوع معامله ای انجام خواهد داد. اظهارات کارتر، به ویژه پیام تلفنی او از کمپ دیوید در مورد تعادل کمکی نکرده است، زیرا با این اظهارات، شایعات مبنی بر اینکه ایالات متحده مغز متفکر همه جریانات بوده است، تأیید می شود. ولی این اظهارات بسیار کمتر از اشارات دیوید اون درباره ضروری بودن شاه فاحش و زمخت بوده است.

۴ مبارزه حقوق بشر آمریکا در میزان سرعت حوادث در اینجا تأثیر بسزایی گذاشته است و همه چیز را به مراتب بیش از قدرت هر کسی برای کنترل آن تسریع کرده است.

۵ نفرت از بیگانگان در حال رشد است. گرچه این نفرت در حال سکون قرنها وجود داشته است. فشارهای فزاینده ای برای لغو قراردادهای بیهوده مشاورین غربی در همه زمینه ها صورت خواهد گرفت. نظری که اکنون حتی در محافل برگزیدگان شایع است این است که مستشاران خارجی ارزش پولی را که برای آنها خرج می شود ندارند و انگیزه های آنها مشکوک است و توصیه های آنها غیرصمیمی است و با فرهنگ و سنتهای ایران در حال خصومت است.

۶ دیدکلی : برقراری یک دولت اسلامی با تضمین نظامیان طبق الگوی ضیاء (منظور حاکم پاکستان

است م) با تغییراتی همراه آن در نهادهای سیاسی و که برای رهبران مذهبی رضایتبخش است. هیچ کدام از ما چنین چیزی را نمی خواهد ولی اوضاع فراتر از آن پیش رفته است که یک انتقال منظم در راه یک دولت دمکراتیک صورت گیرد.

اظهارنظر : این ارزیابی های نسبتا بی روح حاصل فکر عطاپور است. فرهمند کمتر لفاظی می کند و در قضاوت های خود بیشتر تحلیل گر است، میهمان دیگری به نام ایرج ایمان مدیر مؤسسه ملی روانشناسی (که یک سازمان پژوهش نظرسنجی است) کوشید تا استدلال کند که مردم به نهاد سلطنت احترام می گذارند و از اصلاحات متعددی که در سطح زندگی در ظرف ۲۵ سال اخیر شده است به خوبی آگاهند و هم از ملاها و هم مارکسیستها احتیاط می کنند و نظریات ایمان به عنوان «طرز فکر نیاوران» مطرود شناخته شد.

آینده نگری

سند شماره ۷۱

تاریخ : ۲۸ اکتبر ۱۹۷۸ ۶ آبان ۱۳۵۷

طبقه بندی : محرمانه

از : وزیر امور خارجه واشنگتن

به : سفارت آمریکا در تهران

موضوع : آینده نگری

۱ نظرات خارجی با نفوذی مبنی بر اینکه سیاست شاه در مورد دادن امتیازات سیاسی اشتباه بوده است و باید در جهت سرکوبی مخالفان تغییر وضع دهد، در اینجا به گوش می رسد. وقت آن رسیده و بسیار مفید و لازم خواهد بود، اگر بدون در نظر گرفتن این پیام، شما بهترین تجزیه و تحلیل خود را در مورد

عواقب و نتایج کوتاه مدت و درازمدت یک سیاست استفاده از زور برای بازگرداندن اعتصابیون به سر کارهایشان و تظاهرکنندگان از خیابانها، برای ما بفرستید.

می توان گفت در کنار چنین سیاستی در بند کشیدن (کنترل) مطبوعات و دانشگاهها و دستگیری تعداد زیادی از روحانیون و مخالفین مذهبی لازم است (ما از مأمورین امنیتی شنیدیم که با دستگیری ۴۰۰ مخالف اصلی مخالفتها فروکش می کند) لطفا در تجزیه و تحلیل خود تخمینی از وفاداری ارتش و سایر نیروهای مسلح، تحت شرایط سخت کنترل در مدت زمانی طولانی و واکنش احتمالی گروههایی سیاسی داخل ایران و همچنین واکنش عمومی در اثر عقب انداختن احتمالی انتخابات را نیز در نظر داشته باشید.

۲ با در نظر گرفتن اینکه شما نقطه نظرات خودتان و پاسخ به این سؤالات را در پیامهای مختلف برای ما فرستاده اید، اگر همه را یک جا گرد آورده و در یک پیام توزیع عادی انتشار انحصاری برایمان بفرستید، بسیار مفید خواهد بود. ونس

امنیت پرسنل امریکایی در ایران

ص: ۸۴۵

سند شماره ۷۲

۱۳۰اکتبر ۷۸ ۸ آبان ۱۳۵۷

سری

شخصی جهت ژنرال هویزر از سرلشکر گاست

موضوع : امنیت پرسنل امریکایی در ایران

۱ طی چند هفته گذشته وضعیت ایمنی پرسنل امریکایی در ایران تغییر عمده ای کرده است. تا قبل از این زمان، تلاشهای ما مصروف خنثی کردن گروههای تروریستی سرسخت بود. در عین حال که این فعالیت بدون شک ادامه خواهد داشت، اما اینک عواملی وجود دارد که ما نمی توانیم کاملاً از عهده اش برآئیم، لکن، باید دانست که به وضوح شکل گیری این عوامل و انگیزه اش تفاوت اساسی با تروریستهای سرسخت دارد. فعالیتهای انجام شده در تهران، اصفهان و سایر شهرها بنظر می آید که شامل دانشجویان دبیرستانها و دانشگاهها، و گروههای مذهبی و چپ باشد. صرفنظر از ترکیب، میزان تشکیلاتی آنها نامشخص است، اما الگوهایی در حال بروز است. جهت گیری آنها بنظر می آید که هم ضددولتی و هم تا اندازه ای ضدخارجی و مخصوصا ضدامریکایی باشد.

۲ وضعیت موجود شامل عواملی از بی نظمی غیرنظامی توسط گروههای متعدد است که احتمالاً با هدفها و تکنیکهای مختلف کار می کنند و سبب اضطراب و ناراحتی برای امریکاییان می شوند. چندین مورد وجود داشته که هم پرسنل دولتی و هم پرسنل شرکتهای امریکایی مورد خشونت قرار رفته و هنگام مسافرتشان با سنگ، و در یک مورد به وسیله بمب لوله ای (سه راهی)، مورد حمله واقع شدند. مواردی هم بوده است که منازل امریکایی های غیردولتی به آتش کشیده شد و تهدیدهای دیگر وجود داشت که منجر به آسیب جدی نگردید.

۳ هیئت نمایندگی امریکا درصدد گسترش اقداماتی برای خنثی کردن وضعیت تاحد ممکن هستند، ما در نظر داریم کمیته های هماهنگ کننده، مرکب از هیئت نمایندگی و عوامل دولت ایران تشکیل دهیم، قصد ما این است که نمایندگانی از مؤسسات مختلف ایران بخواهیم. یک سری اقدامات انفعالی و مثبت انجام خواهیم داد که کمک کند تا افراد ما با ایمنی بر سر کار بروند و خارج از وقت کار هم حتی المقدور وضع را عادی بگذرانند. فکر می کنیم که با هماهنگی در این تلاش می توانیم به خنثی کردن وضعیت جاری کمک بنمائیم. بدیهی است که راهنمایی های ما باید شامل نوعی از اقدامات باشد که نه تنها امنیت بیشتری را فراهم کند بلکه همچنین روحیه امریکایی ها را حفظ کرده و اعتماد ببخشد که سیستمی کار می کند که اطلاعات، مشورتها، و تکنیکها و عملیات لازم را انجام می دهند.

۴ محدودیتهایی در مورد آنچه که مأموران امریکایی مجاز به انجامش هستند وجود دارد و قطعا در مورد نوع وظایف پرسنل دفاعی نیز محدودیتهایی هست. تصور می کنیم که از میزان این محدودیتها آگاه باشیم. همچنین گمان ما بر این است که می توانیم در محدوده آنها عملیات انجام دهیم و خدمت شایسته ای برای جماعت امریکایی اجرا کنیم.

۵ مقامات دولت ایران با هماهنگی تمام با هیئت نمایندگی همکاری خواهند کرد و موافقت نموده اند که یک سری کمیته های هماهنگ کننده راه بیندازند. نقشه ما این است که به طور کامل به عنوان بخشی از هیئت بررسی مسایل کشوری و در محدوده رهنمودهای تهیه شده به وسیله سفارت امریکا عملیات انجام

دهیم. قصد ما این است که خط مشی های مقتضی برای روبرو شدن با این وضعیت جدید فراهم کنیم و آماده: اجرای رویه هایی با تغییرات وضعیت باشیم و همچنین راهی برای کمک به پیمانکاران آمریکایی تهیه ببینیم. فکر می کنیم که بتوانیم به پیمانکاران کمک کنیم که سیستم (حفاظتی) برای خود بوجود آورند و در نظر است که اطلاعات را در صورت مقتضی بودن با آنها در میان بگذاریم. تصور می کنیم که از طریق این روش هم می توانیم از محدودیتها عدول نکنیم، و هم خدمت مفیدی انجام دهیم.

۶ درخواست کمک به صورت مهارت و تخصص هایی که در بخش دفاعی امریکا در ایران نیست را داریم. در عین حال که «دایره بازرسی ویژه» (از نیروی هوایی امریکا) در زمینه عملیات ضدتروریستی بسیار تواناست، اما ارزیابی ما بر این است که آنها نه آموزش کافی و نه تجهیزات مناسب برای مقابله با اغتشاشات غیرنظامی و انعکاس آنها در داخل جماعت امریکایی اینجا داشته باشند. «دایره بازرسی ویژه» نقش خود را با شایستگی انجام داده و در وضعیت جدید نیز هم چنان انجام می دهد، لکن اعتقاد ما بر این است که احتیاجاتی برای توانایی های اضافی زیر وجود دارد :

الف تخصص در تشخیص روندها و مفهوم بعضی از روندها که به هنگام وقوع اغتشاشات غیرنظامی بر جماعت امریکایی اثر می گذارند.

ب تخصص و معلومات برای برقراری یک زیربنا و سازمان جهت بهبود وضعیت امریکایی ها.

ج توانایی برای طرح ریزی پیشاپیش و پیش بینی تغییرات در وضعیت

د تخصص در برقراری یک مرکز عملیات برای اتخاذ اقدام مقتضی و در جریان قراردادن پرسنل از وضعیت جاری.

ه همچنین احتیاج به پرسنلی که معلومات و تجربه ای در برآورد تأثیرات حاصله بر جماعت امریکایی داشته باشد، به شرح زیر، داریم ک

(۱) تأثیر اقدامات انجام شده به وسیله گروه های ناراضی؛

(۲) ارزیابی وضعیت شرایط روحی جماعت امریکایی؛

(۳) نیازهای ایجاد شده برای این جماعت ؛

(۴) برآورد هر نوع عملی که ممکن است ما انجام دهیم و اینکه این عملیات به وسیله جماعت امریکایی چگونه تعبیر می شود.

۷ وضعیت هنوز خطرناک نیست و قابل کنترل می باشد. گمان می کنیم موضوعات مورد بحث در این نامه آغاز مناسبی باشد. درخواست ۶ تا ۸ نفر را داریم که دارای مهارت ها و تخصص های فهرست شده در بند ۶ باشند. این پرسنل را هر چه زودتر برای یک ماه بفرستید و اختیار تمدید مأموریت مورد لزوم آنها را به ما بدهید.

امنیت کارمندان، میزان تهدیدات

ص: ۸۴۷

سند شماره ۷۳

تاریخ سند : ۱۳۰اکتبر ۱۹۷۸ ۸ آبان ۱۳۵۷

شماره سند : ۱۰۵۵۸

گزارشگر : استمپل

طبقه بندی : محرمانه

از : سفارت امریکا تهران

به : وزارت دفاع واشنگتن

موضوع : امنیت کارمندان، میزان تهدیدات

خلاصه : آخر هفته به آرامی سپری شد با وجود شایعات فعالیت بر علیه خارجی ها، سفارت معتقد است تهدیدات تروریستی بر جای خود باقی است. افزایش تظاهرات در خیابانها همراه جو ضدخارجی احتمال حوادثی در رابطه با آمریکاییها و سایر خارجی ها را افزایش داده است.

پایان خلاصه.

۱ جریان شایعات بیانگر این است که آخر هفته گذشته به احتمال قوی، زمانی برای خشونت عمومی و حوادث ضدخارجی بود. تلگرام از مرجع (B) پاسخی مبنی بر وقایع قبل از پایان هفته داد. آنچه در ذیل می آید آخرین اخبار در مورد میزان تهدیدات است که مبنی بر وقایع ۵ روز اخیر می باشد.

۲ حوادث واقعی در آخر هفته گذشته محدود بود به سنگ اندازی به اتوبوسهای هیئت مستشاری در روز ۲۸ اکتبر، هنگامی که پایگاه هوایی دوشان تپه را ترک می کردند (مرجع C، ذکر کرده)، و آتش زدن اتوبوس انگلیسی در اصفهان و موضوعات جزیی دیگری که در مرجع «)» ذکر شده است. کم بودن حوادث، نگرانی ها را در جمع خارجیان کاهش نداده است و دریافت تهدیدات کتبی متعدد در روزهای

اخیر، شامل بمب گذاری (که هیچ یک کشف نشد)، احساس عدم آسایش در میان خارجیان را کم نکرده است.

۳ با افزایش تعداد تظاهرات در خیابانها جو تاحدی در خلال هفته اخیر تغییر کرده است. در برخی موارد اتوبوسهای مدرسه برای پرهیز از جمعیت تغییر مسیر داده اند، اما بسیاری از آمریکاییها و دیگران تظاهرات خیابانی را در بسیاری از مناطق، بخصوص نزدیک مدارس ایرانی جایی که معلمان اعتصابات دانش آموزی را از دبیرستان گرفته تا سالهای بالای ابتدایی، تشویق کرده اند، دیده اند، دردسر این تظاهرات به مقدار قابل توجهی کم بوده است، حتی در مواردی که پلیس و ارتش وارد جریان شده اند. (مرجع های Cو D را برای موارد اخیر، مطالعه کنید). به آمریکاییها اخطار شده که رفت وآمد خود را محدود کنند و از محلهای تظاهرات علنی مردم دور باشند (سفارت به علت گفته های نادرستی که همه آمریکاییها را مجبور به اقامت در خانه کرده است، در این مورد گزارشی نداده است.

۴ ما معتقدیم تهدیدات تروریستی ذاتا تغییری نکرده اند، گزارش و یا شواهدی در دست نیست که گروههای متخصص مثل مجاهدین و یا چریکها، علیه افراد خارجی فعال تر شده باشند. همزمانی وقایع ماههای اخیر نشانگر این است که تهدیدات از طرف گروههایی که ماهیت واقعی آنها معلوم نیست افزایش یافته که آنها احتمالاً افراد یا گروههای هوادار اسلام هستند، که آنها هم قدرت حمله به هدفهای داخلی را دارند. در حالی که اغلب فعالیتهای این گروهها یا افراد علیه هدفهای محلی (داخلی) متمرکز شده، تعداد

کمی هم در واقع علیه آمریکاییها متمرکز شده است. به هر حال، تهدید از این سو به مراتب بیشتر قابل توجه به نظر می رسد تا محدوده تروریسم که ما در گذشته با آن درگیر بودیم. (بمب گذاری اتوبوس انگلیسها در اصفهان به عنوان مثال.) رشد تظاهرات و احساسات مردمی از عقاید ضدخارجی که قبلاً ساکت شده بود، این احتمال را نشان می دهد که ممکن است حوادث بیشتری در رابطه با آمریکاییها و همچنان سایر ملتها، رخ دهد.

دوستان فرانسوی، انگلیسی و ایتالیایی ما از همان حملات گاه و بیگاه کوچک علیه ملتهاشان گزارش می دهند، که ما هم با آن مواجه بوده ایم و همچنین هم عقیده ایم که امکان بالقوه برای وقایع بیشتری، افزایش یافته است. ظهور سرکشی ها، حالت ضدآمریکایی بیشتری گرفته، بیشتر به خاطر آنکه تعداد ما بیشتر است و قابل رویت ترین گروه در اینجا هستیم.

تابحال این محدود به توهین های گاه و بیگاه و سنگ پراکنی ها، با تعداد محدودی، طرح آتش زدن ماشینها یا بمب گذاری، بوده است. گزارش یا شاهدی نیست که عملیات و طرحهای جنگی خاصی علیه آمریکا، طرح ریزی شده باشد تا به آمریکایی ها به خاطر آمریکایی بودنشان حمله کنند. بسیاری ایرانیان جو را این گونه تشریح می کنند که این یکی از بزرگترین هیجانات عمومی است که برای مدتی بوجود آمده است اما تا به حال به خاطر ترس آمیخته با نزاکت، عقب نگهداشته شده است.

۵ فعالیت های بیشتر سیاسی در خیابانها احتمال درگیری شهروندان آمریکایی را در حوادث ناگوار یا خطرناک افزایش داده است. این احتمال خطر فزاینده، شامل همه افراد هم خارجی و هم ایرانیان در خلال جو متشنج فعلی می شود. کمیته مراقبت امنیتی جهت بحث پیرامون ارزیابی بالا در ۲۲ و ۲۵ اکتبر جلسه داشت.

۶ کمیته مراقبت امنیتی همچنین مسئله روحیه آمریکایی را که بیشتر متوجه مشکلات خودشان

هستند بررسی کرد. مأموران هیئت تلاش خصوصی کرده اند تا دریابند که اختلافات جزیی در محیط، توسط ماموران اصلی هیئت و افراد، بیشتر درک شود. اظهارنظر خلاصه شده «جو ضدامریکایی افزایش می یابد» پیچیدگی واقعیت را نادیده می گیرد که جو برای همه متشنج تر شده نه فقط امریکاییها. احتمالاً شرایط نامعین باقی می ماند تا عوامل سیاسی داخلی، اعتصابیون، تظاهرکنندگان و غیره، به وضوح تغییر کنند یا بهتر یا بدتر.

۷ سفارت به یادداشت خلاصه اوضاع ادامه می دهد و هر تغییری در ارزیابی بالا را به وزارتخانه گزارش می دهد.

سولیوان

چشم انداز تغییرات افکار عمومی ایرانیان

ص: ۸۴۹

سند شماره ۷۴

تاریخ : ۱۳۱اکتبر ۱۹۷۸ ۹ آبان ۱۳۵۷

طبقه بندی : محرمانه

شماره : ۰۶۲۱

از : سفارت امریکا در تهران

به : وزارت امور خارجه واشنگتن

موضوع : چشم انداز تغییرات افکار عمومی ایرانیان

خلاصه: حوادث ماه گذشت، بخصوص هفته پیش ناظر تغییر مواضع گروههای متعددی از مردم نسبت به شاه و دولت است. این تغییرات در کوتاه مدت با اهمیت هستند، چون آنها پیش درآمد طرز تفکر و اعتقاد در ایران درباره سیاست را تشکیل می دهند. مهمترین جریانات از این قبیل هستند.

الف سؤالات تجدیدشده ای درباره مؤثر بودن و مشروح بودن شاه، بخصوص از سوی گروههایی که تاکنون لااقل به طور خاموشی نسبت به شاه و حکومت وفاداری نشان داده اند (و حتی پیش از آن).

ب رشد این عقیده در بخشهایی از جامعه که مستقیما در دولت دخالتی ندارند مبنی بر این که رژیم شریف امامی بار سنگین تری را از گذشته بر دوش دارد تا بتواند با موفقیت نظم را مجددا برقرار کند و یا زمینه انتقال به دولتی با انتخاب آزاد را فراهم کند.

ج درک متجددین طبقه متوسط مبنی بر اینکه نیروهای مذهبی و کمونیستها ظرفیت سازماندهی بیشتری از آنچه خیلی ها تصور می کردند، دارند.

د احساس گسترش یابنده سریع مبنی بر اینکه حکومت کنونی نخواهد توانست با رهبران مذهبی کنار بیاید و اینکه راه دیگری که در پیش است احتمالاً حکومت نظامی است که هر چه زودتر در پیش است

(این عقیده چه در میان حامیان و چه در میان مخالفان شاه شایع شده است). علیرغم تمایل ایرانیان به دوره هایی از جنون و افسردگی سیاسی، تغییر در تصورات اساسی که تاکنون بر رفتار اغلب مردم حاکم بوده، باعث انحطاط ثبات در افکار عمومی مردم ایران خواهد شد. عوامل مخالف و موافق شاه بر این عقیده اند که شاه اگر قرار باشد حوادث را طبق اراده خود شکل دهد و مرکزیت سیاست ایران را احیا کند، باید رهبری و تصمیم گیری بهتری نشان دهد. پایان خلاصه.

۱ در ده روز اخیر مأمورین سفارت تغییرات اساسی در روحیه طبقات و افراد مختلف مشاهده کردند. آنچه در زیر می آید جمع بندی و تحلیل اولیه بعضی از تغییرات است که لزوما در مفاهیم اساسی سیاست و حکومت در ایران تأثیر خواهد گذاشت. در حالی که این مفاهیم بدون شک در کوتاه مدت اثر خود را خواهد داشت، شاید اهمیت بیشتر آنها حاکی از تغییر در طرز تفکر درباره سیاست باشد که در درازمدت شکل سیاسی کشور را تغییر خواهد داد.

۲ مهمترین این مفاهیم عبارت است از بدبینی توسعه یافته و تقریبا همگانی در میان عملاً همه گروهها در بخش نوین جامعه درباره آینده کشور و حکومت. خودداری علنی آیت اللّه خمینی از سازش با دولت ایران و انعکاس نظریات آیت اللّه شریعتمداری (تهران ۱۰۴۹۹) در مورد امکان خاتمه دادن سریع ناآرامی و بحران سیاسی در آینده ای بسیار نزدیک. حامیان شاه در طبقات بالا از جمله بعضی از (مأمورین عالیرتبه) تجار. به انضمام تعداد قابل ملاحظه ای از افراد میانه رو در دانشگاه ها، اعتقاد دارند که «پایان»بازی

سیاسی کنونی احتمالاً حکومت نظامیان خواهد بود. افراد فکور ایرانی با یکدیگر هم عقیده هستند که شاه رهبری مؤثری اعمال نکرده است. وی حتی از فرصت آشکار برای مخاطب قرار دادن مردم از تلویزیون و بحث در مورد مسایل با آنان استفاده نکرده است. او ظاهرا هنوز هم تصور می کند که مردم برای توضیحات جدی بلوغ کافی ندارند، به موازات آن از سوی تعداد زیادی که از شاه به نحو پیگیری به عنوان بهترین امید برای آینده یاد می کنند، یک نوع تمایل برای پرسش این مطلب که آیا شاه باید بماند بوجود آمده است. آنها نمی خواهند به شاه صدمه ای بزنند ولی درباره متوقف کردن دور تظاهرات در اوضاع و احوال کنونی امیدی ندارند، بعضی از آنها حتی شانسی برای سلطنت ولیعهد نمی بینند و برای اولین بار درباره «موضوع فکر نکردنی» مشغول تفکرند.

۳ عنصر اساسی در این الگو، این درک وسیع از سوی گروههای مذکور در فوق است به اضافه کارمندان دولت و حتی بعضی از نظامیان، مبنی بر این که حکومت شریف امامی به دنبال حوادث کشیده می شود.

مسئولین وزارتی در سطح بالا متوجه شده اند که چگونه جمعیتهای انبوهی به داخل وزارتخانه ها هجوم برده و اوضاع وزارتخانه ها را در چهار یا پنج روز اخیر برهم زده و فعالیت وزارتخانه ها را متوقف کرده اند.

به نظر می رسد بر سیاسیون میانه رو که در حال حاضر گروههای متمایل به مرکز را تشکیل می دهند (که «لااقل تا رسیدن انتخابات» از نخست وزیر پشتیبانی می کنند) گرفته تا هواخواهان جبهه ملی که خواست حکومت بیطرف را پیش کشیده اند این عقیده حکمفرما است که تغییر حکومت باید حادث شود.

حتی سیاستمداران نزدیک به صحنه از روی بی میلی به طور خصوصی نتیجه می گیرند که احتمالاً روزهای حکومت های اشخاص دست چین شده شاه، برای ابد سپری شده است.

عدم توانایی دولت در استقرار مجدد نظم عمومی، بیش از هرگونه اعلامیه ای درباره لیبرالیسم سیاسی، ایران نوین را به یک دولتی که همه در آن دخالت دارند تبدیل کرده است. (اظهارنظر: مشکل این برداشت آن است که عده زیادی از مردم به ویژه آنهایی که سابقا از امور سیاسی بیگانه یا فرصت طلب بوده اند و همچنین اشخاصی که وابسته به دستگاه هستند، از قبیل کارمندان دولت، اقدام سیاسی مؤثر را در حال حاضر در اعتصابها و تظاهرات می بینند و نه در مشارکت منظم در انتخابات مأمورین دولتی).

۴ مفهوم دیگری که به عنوان یک واقعیت ناخوشایند غافلگیرکننده ای برای حکومت و مخالفان غیرمذهبی و نوآوران از هر نوع پیدا شده است، درک این موضوع است که رهبران مذهبی و به ویژه پشتیبان های سابق حزب توده سازمان دهندگان بهتری از هر کس دیگری که تصور می رفت هستند. عملاً همه دانشگاهیان در این عقیده موافقت دارند که هیئت های عمده دانشجویان دانشگاههای ایران به نسبت هفتاد و سی بین دانشجویان وابسته به سازمانهای اسلامی و سازمانهای کمونیستی به ترتیب قطبی می شوند. سازمانهای زیرزمینی توده ظرف هفته گذشته عملاً در همه دانشگاهها (از جمله در مدرسه عالی دماوند برای دختران که توسط آمریکایی ها تأسیس شده و تا قبل از سال جاری هرگز تظاهراتی نداشته است) علنی شده و خواستار اصلاحات دانشگاهی و استقلال کامل از حکومت ایران شده است. عده ای از منابع دانشگاهی ما ابراز عقیده کرده اند که گروه میانه در محوطه های دانشگاه از میان رفته است و دانشجویان به یکی از دو قطب کشانیده می شوند و هیچ کدام از این دو قطب نمی خواهد تحت رهبری

حکومت کنونی مسایلش حل شود. این امر به طور واضحی بسیاری را افسرده کرده است و در موارد متعددی عکس العمل های درونی علیه آنچه که به عقیده آنها سیاست غیرعادلانه حقوق بشری آمریکا است که ایران را به اوضاع کنونی وارد کرده است، بوجود آورده است. بعضی دیگر ایالات متحده آمریکا را خائن به مردم ایران تلقی کرده و معتقدند که ایالات متحده نتوانسته است مبارزه برای حقوق بشر را به ایران بکشاند و بدین ترتیب کشور را به وضع نابسامان کنونی کشانده است. به طور روشنی می توان گفت که یکی از قربانیان ناآرامی های کنونی در ایران عبارت بوده است از تجزیه و تحلیل عینی و مبرا از بار عاطفی به وسیله گروهی از استادان که ممکن بود بتواند رهبری تثبیت کننده تحت اوضاع و احوال دیگری فراهم کند.

۵ اگر مردم درک کنند که رهبری مذهبی قادر است مردم را برخلاف اراده حکومت در خیابانها نگهدارد، راه دیگری که در مقابل آن قرار گرفته از طرف مردم همانا راه دولت نظامی است. مخالفان ترجیح می دهند که شاه برود ولی سوءظن دارند از اینکه این امر داوطلبانه صورت بگیرد. پشتیبانان شاه نخستین نیاز ایران از نظم اجتماعی می دانند، هر دو اکنون به اجتناب ناپذیر بودن دولت نظامی با احتمال قاطع اینکه چنین حکومتی یک سیاست خشنی را دنبال خواهد کرد و لیبرالیسم سیاسی داخلی را به پایان خواهد رساند و فعالیتهای بیشتر تروریستی سازمان یافته را برخواهد انگیخت معتقد شده اند. سلطنت طلبان این دولت نظامی را یک ضرورت قابل تأسف برای حفظ ساخت اجتماعی و اقتصادی مدرن تلقی می کنند، در حالی که مخالفان آن را به عنوان یک فاجعه برای کشور و یک فاشیسم واپسگرا تلقی می کنند که راه را برای تروریسم خواهد گشود.

۶ بسیاری از کارمندان دولت و بخش صنایع به ویژه بانکداران و برنامه ریزان اقتصادی موج کنونی اعتصابها را به عنوان یک عامل اختناق تدریجی کشور تلقی می کند که «راه رهایی» ندارد. بسیاری از آنها به طور خصوصی می گویند سیاست شریف امامی در اجازه دادن به انبوه جمعیتها برای ابراز احساسات

خود به مرحله ای رسیده است که امیدواری به موفقیت را، به برهم زدن اقتصاد و بافت اجتماعی تبدیل کرده است. تولید نفت کاهش یافته، کارخانه ها عاطل و باطل مانده و طرحهای زیربنایی مانند مجتمع قندوشکر خوزستان پس از یک ماه و اندی سهل انگاری به خرابه تبدیل خواهد شد. بسیاری احساس می کنند (و اکنون حاضرند با دوستان خود در آن باره بحث کنند) که یک نوع دگرگونی اساسی ضروری است. این عده در حالی که شاید هنوز حاضر به خواست یک حکومت یا رژیم جدید نیستند، به تجزیه و تحلیل مخالفان که ۶ ماه قبل به صورت سخنان پوچ و بی معنی جلوه گر می شد گوش فرا می دهند.

۷ آنهایی که صحنه های ایران را از نزدیک دنبال می کنند و به ماهیت جنونی و افسردگی آمیز افکار سیاسی ایران عادت دارند ممکن است این گونه خصوصیات را که در بالا توصیف شده است نسبت به هم به مردمی که به لفاظی های دمکراتیک و مسایل مربوط به مشارکت مردم عادت نداشته و معیارهایی برای آن بسازند. معذالک تغییرات در روشها عمیق تر از آن است تا در مورد سوال قرار دادن این فرضیه اساسی در ۱۵ سال گذشته که شاه رهبری خشن و بلامنازع است که در عمل رهبر کشور محسوب می شود. احساس اینکه نیروهای سیاسی به بن بست رسیده اند یک نوع سرخوردگی بوجود آورده که ممکن است بالمآل زیانبارتر به ثبات افکار عمومی ایران باشد. تا واقعیت صرف ناآرامی های کنونی.

۸ بخش قطعا بزرگی از ایرانیان از هر طبقه و حتی مخالفان شاه ظاهرا در انتظار آن هستند که شاه کاری انجام دهد. عادت انتظار برای این که آنهایی که در مافوق قرار گرفته اند اقدام کنند عادتی است که

ریشه کن کردن آن سخت است. بعضی از ناظران دقیق ایران متوجه شده اند که چهره های متعلق به دستگاه حاکمه ظاهرا در انتظار آنند که شاه به گروهی یا گروههایی «اشاره کند» که از جانب او و در صحنه سیاسی اقدام کنند. اثر این روش «انتظار برای انجام کاری» این است که میلیونها حزب جدیدالاحداث فاقد هرگونه قدرت اثری می باشند. تقریبا هر کس و به ویژه اکثریت زیادی از آنهایی که ممکن است جزیی از میانه روهای دست راستی باشند، به یک دستگاه رهبری چشم دوخته اند که امید بیشتر آن از جانب تاج و تخت سلطنتی است. حتی مخالفان احساس می کنند که آنها باید چیزی داشته باشند که با آن مخالفت کنند و این چیز همانا شاه و سیاستهای او است و نه حکومت. چه به دلایل نمادی و چه به علل عملی سهل انگاری شاه در اقدام قاطعانه (طبق معیار ایرانی) و یا اینکه وی در پرده تلویزیون ظاهر شده و ملت خود را مخاطب قرار دهد، مردم را به پرسشهای بیشتری واداشته است و این امر باعث شده است که در میان تقریبا همه بخش های افکار عمومی یک نوع روش ناامنی بوجود آمده است.

۹ حتی اگر هم به زودی نظم بدون حرکتی برای دولت نظامی اعاده شود، بیشتر ایرانیان احساس می کنند که شاه برای حفظ بقای خود باید کار بهتری انجام دهد. برای نخستین بار در ۲۰ سال گذشته افکار عمومی در قهوه خانه ها به چاره های دیگر می اندیشند فقدان عمل مستقیم تاکنون از سوی آنهایی که با شاه مخالفت نمی کنند و از سوی آنهایی که به طورکلی با شاه مخالفت می کنند، منعکس کننده یک فرضیه است که از قدیم الایام باقیمانده و آن این است که راه قابل دوام دیگری جز شاه وجود ندارد. به همین دلیل حتی اغلب مخالفان تاکنون حاضر شده اند با وجود شاه زندگی کنند و آن را به عنوان یک شری که کوچکتر از شر بزرگتری است تلقی می کنند، معذالک این فرضیه نیز اکنون در معرض منازعه فزاینده قرار می گیرد.

سولیوان

فهرست اعلام

آ الف

ب

ص: ۸۶۷

ت، ث

ص: ۸۶۸

ص: ۸۶۹

خلدانی، آصف / ۱۶۸

ص: ۸۷۴

ز

ص: ۷۸۱

ص: ۸۸۳

ع

غ

ص: ۸۸۵

ق

ص: ۸۹۰

ص: ۸۹۱

ل

ص: ۸۹۲

ص: ۸۹۷

ص: ۸۹۹

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹